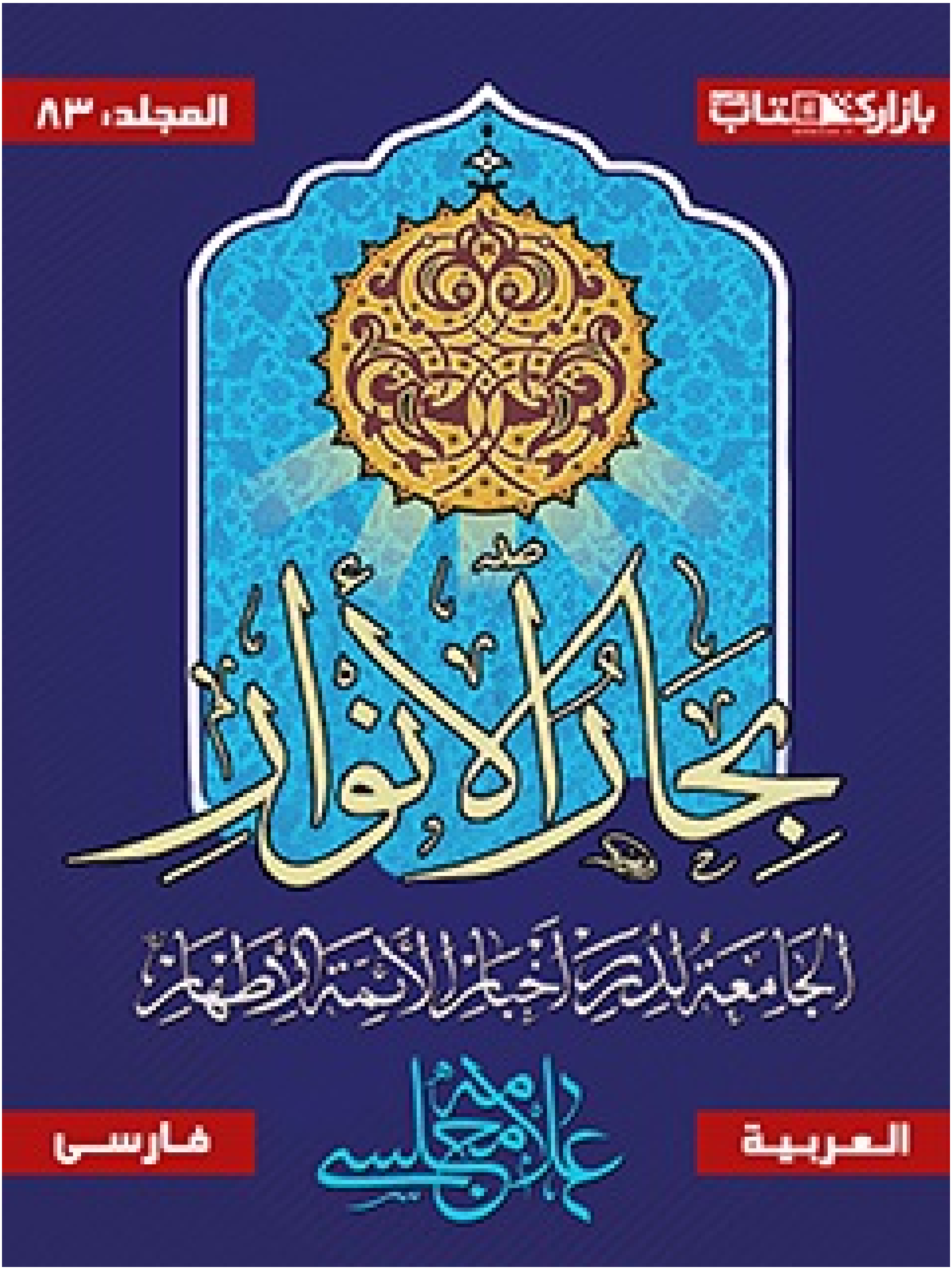
مرکز القائمیة اصفهان للبحوث والتحریات الکمبیوتریة

السلام علیک یا صاحب الزمان


بازار کتاب
المجلد، ٨٣
بحار الأنوار
الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار
علامه مجلسی
العربية
فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام با ترجمه فارسی

کاتب:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

نشرت فی الطباعهٔ:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار المجلد ۸۳ : کتاب نماز – ۴

اشاره

سرشناسه: مجلسی محمد باقربن محمدتقی ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: بحارالانوار: الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار تالیف محمدباقر المجلسی.

مشخصات نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی [۱۴۴۰].

مشخصات ظاهری: ج - نمونه.

یادداشت: عربی.

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد بیست و چهارم، ۱۴۰۳ق. [۱۳۶۰].

یادداشت: جلد۲۴،۵۲،۶۵،۶۶،۶۷،۸۷،۹۲،۹۱،۹۴،۱۰۳،۱۰۸(چاپ سوم: ۱۴۰۳ق.=۱۹۸۳م.=[۱۳۶۱]).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج .۲۴. کتاب الامامه. ج.۵۲. تاریخ الحجه. ج۶۵،۶۶،۶۷. الایمان و الکفر. ج.۸۷. کتاب الصلاه . ج. ۹۱،۹۲ .الذکر و الدعا. ج. ۹۴. کتاب السوم. ج.۱۰۳.فهرست المصادر. ج.۱۰۸.الفهرست.-

موضوع: احادیث شیعه — قرن ۱۱ق

رده بندی کنگره: BP۱۳۵/م۳ب ۳۱۳۰۰ ی ح

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۰۹۴۶

ص: ۱

**[ترجمه]

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ ؛ ج.۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۷-۲ ؛ ج.۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۸-۹ ؛ ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۹-۶ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰۷۰-۲ : ؛ ج.۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۱-۹ : ؛ ج.۶ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۲-۶ : ؛ ج.۷ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۳-۳ : ؛ ج.۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۴-۰ ؛ ج.۱۰ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۶-۴ : ؛ ج.۱۱ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۳-۲ : ؛ ج.۱۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ : ؛ ج.۱۳ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۵-۶ : ؛ ج.۱۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۶-۳ : ؛ ج.۱۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۷-۰ : ؛ ج.۹۷۸:۱۶-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۸-۷ ؛ ج.۹۷۸:۱۷-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۹-۴ ؛ ج.۱۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۰-۰ ؛ ج.۹۷۸:۱۹-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۱-۷ ؛ ج.۹۷۸:۲۰-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۲-۴ ؛ ج.۲۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۳-۱ ؛ ج.۹۷۸:۲۲-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۴-۸ ؛ ج.۹۷۸:۲۳-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۵-۵

مندرجات : ج.۱. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.۲. کتاب توحید.- ج.۳. کتاب عدل و معاد.- ج.۴. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. ۵. تاریخ پیامبران.- ج.۶. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.۷. کتاب امامت.- ج.۸. تاریخ امیرالمومنین.- ج.۹. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.۱۰. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.۱۱. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.۱۲. کتاب آسمان و جهان - ۱.- ج.۱۳. آسمان و جهان - ۲.- ج.۱۴. کتاب ایمان و کفر.- ج.۱۵. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.۱۶. کتاب مواعظ و حکم.- ج.۱۷. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.۱۸. کتاب ادعیه.- ج.۱۹. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.۲۰. کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.۲ - ۸ و ۱۰ - ۱۶ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/م۳ب۳۰۴۲۱۶۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۸۹۸۵

ص: ۱

**[ترجمه]

تتمه كتاب الصلاه

باب ۳۸ سائر ما يستحب عقيب كل صلاه

الأخبار

«۱»

مَجَالِسُ الْمُفِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّوْلِيِّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُمَيْدِ عَنْ مُخَوَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ مَحْفُوظِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ شَيْخٍ مِنْ أَهْلِ حَضْرَمَوْتَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّهِ عَلَيْهِ الرَّحْمَهُ قَالَ: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَطُوفُ بِالْبَيْتِ إِذَا رَجُلٌ مُتَعَلِّقٌ بِالْأَسْتَارِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ حَلَاوَهَ رَحْمَتِكَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام هَذَا دُعَاؤُكَ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَ قَدْ سَمِعْتَهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَادْعُ بِهِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ فَوَ اللَّهِ مَا يَدْعُو بِهِ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي أَدْبَارِ الصَّلَاهِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ قَطْرِهَا وَ حَصَا الْأَرْضِ وَ ثَرَاهَا فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ عِلْمَ ذَلِكَ عِنْدِي وَ اللَّهُ وَاسِعٌ كَرِيمٌ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَ هُوَ الْخَضِرُ عليه السلام صَدَقْتَ وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۱).

المناقب، لابن شهرآشوب و البلد الأمين مرسلا: مثله (۲)

۱- ۱. أمالي المفيد ص ۶۲.

۲- ۲. مناقب آل أبي طالب ج ۲ ص ۲۴۷.

**[ترجمه]مجالس المفید: محمد بن حنفیه که درود بر او باد گفته است: امیرالمؤمنین علیه السلام در حال طواف خانه خدا بود که دید مردی به پرده‌ها دست آویخته و می گوید: ای کسی که شنیدن سخن کسی او را از شنیدن سخن دیگری باز نمی... دارد، ای کسی که نیازخواهان او را به اشتباه نیندازند، ای کسی که پافشاری اصرار کنندگان او را به سختی وا نمی‌دارد، لذت گذشت و بخشش و شیرینی مهربانی‌ات را به من بچشان.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: آیا این دعای توست؟ آن مرد به او گفت: آیا آن را شنیدی؟ فرمود: بلی. گفت: در دنباله هر نمازت این دعا را بخوان؛ به خدا سوگند هیچ مؤمنی این دعا را در دنباله نمازهایش نمی‌خواند مگر اینکه خدا همه گناهان او را می‌بخشد، هر چند به تعداد ستارگان آسمان و قطره‌های باران باشند و یا به اندازه شن‌های روی زمین و خاک‌های آن باشند. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: به درستی که دانش آن‌ها نزد من است و خدا وسعت دهنده و بزرگوار است. آن مرد که خضر علیه السلام بود گفت: ای امیرالمؤمنین، به خدا سوگند که راست گفتی و برتر از هر صاحب دانشی، داننده... ای هست. - . امالی مفید: ۱۶۲ -

المناقب: که برای ابن شهر آشوب است و بلد الأمین نیز همین روایت را به صورت مرسل آورده‌اند. - . مناقب آل ابی طالب ۲: ۲۴۷ -

**[ترجمه]

بیان

السمع مصدر بمعناه أو بمعنی المسموع و الأول أظهر یا من لا یغلطه السائلون أی لا تصیر کثره أصوات السائلین فی وقت واحد سببا لاشتباه الأمر علیه و عدم فهم مقاصدهم کما فی المخلوقین برد عفوک أی راحته و لذته.

**[ترجمه]السمع مصدر است به معنای شنیدن یا به معنای شنیده شده؛ و اولی آشکارتر است. «یا من لا یغلِّطه السائلون»، یعنی زیادی صدای نیازخواهان در یک زمان، باعث اشتباه شدن کار بر او و نشناختن منظور آنان، آن چنان که در مورد آفریدگان وجود دارد، نمی‌شود. «برد عفوک»، یعنی آسایش و گوارا بودن و لذت آن.

**[ترجمه]

أقول

رواه السید أیضا فی فلاح السائل عن المجالس (۱).

**[ترجمه]این روایت را سیّد نیز در فلاح السائل از مجالس روایت کرده است. - . فلاح السائل: ۱۶۷ -

**[ترجمه]

مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ حُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَ دَارِهِ وَ مَالِهِ وَ وُلْدِهِ وَ هُوَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْراً لِي فَأَحْيِنِي وَ تَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْراً لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَسْأَلُكَ نَعِيماً لَا يَنْفَدُ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَ شَوْقاً لِلِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ وَ لَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اللَّهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَظِيمَةَ الرَّشَادِ وَ الثَّبَاتَ فِي

الْأَمْرِ وَ الرُّشْدِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنَ عَافِيَتِكَ وَ أَدَاءَ حَقِّكَ وَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْباً سَلِيماً وَ لِسَاناً صَادِقاً وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعْلَمُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا نَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، خداوند او را و خانه و دارایی و فرزندانش را حفظ می کند. دعا این است: خدایا، تمام گناهان گذشته و آینده‌ام، چه آنها که آشکار ساخته‌ام و چه آنها که مخفی کرده‌ام و نیز زیاده روی که نسبت به نفس خودم کرده‌ام را ببخش و نیز هر آنچه را که تو از من به آن آگاه‌تر هستی. خدایا، تو قبل از هر چیزی بوده‌ای و بعد از هر چیزی خواهی بود، هیچ معبودی جز تو نیست، با دانش غیبی‌ات و با قدرتی که بر تمام آفریدگان داری، تا زمانی که زندگی را برای من دارای خیر بدانی، مرا زنده بدار و هرگاه که مرگ را برای من خیر دانستی، مرا بمیران. خدایا، ترسیدن از تو در آشکار و نهان، و گفتن سخن حق در هنگام خشم و رضایت، میانه روی در هنگام ناداری و بی نیازی را از تو خواستارم. از تو نعمتی می‌خواهم که پایان نپذیرد، و روشنی چشم که قطع نگردد، و راضی بودن به تقدیر و زندگی راحت بعد از مرگ و لذت نگریستن به تو و اشتیاق به دیدارت، بدون اینکه با سختی آسیب زننده و یا به فتنه گمراه کننده همراه باشد.

خدایا، ما را با زیبایی ایمان مزیّن بگردان و ما را راهنمایانی هدایت یافته قرار بده. خدایا، ما را در زمره هدایت یافتگان هدایت فرما. خدایا، از تو راهنمایی بزرگ و استواری در کار و راه حق را خواستارم. از تو توفیق شکرگزاری از نعمت هایت و بخشش نیک تو و به جای آوردن حق تو را می‌خواهم. ای پروردگار، از تو دلی سالم و زبانی راستگو می‌خواهم و از تو نسبت به آنچه می‌دانی آمرزش می‌طلبم و بهترین آن چیزی را که می‌دانی می‌خواهم؛ از شر و بدی آنچه که می‌دانی به تو پناه می‌آورم؛ چرا که تو می دانی، نه اینکه یاد گرفته باشی و تو داننده کامل همه نهان‌ها هستی. - . مکارم الاخلاق: ۳۲۷ -

**[ترجمه]

توضیح

روی هذا الدعاء فی الکافی (۳)

بسنده عن أبی جعفر الثانی علیه السلام و هو مروی فی أکثر کتب دعواتنا و بطرق المخالفین فی کتبهم أیضا ما قدمت و ما أخرت لعل المراد بما قدم ما صنعه فی حیاته و استحق به العقاب و بما أخر ما یترتب علی أفعاله بعد موته من بدعه أحدثها یعمل بها بعد موته أو وصیه بشر و غیر ذلک أو المراد

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۶۷.
۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۲۷.
۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۴۸.

تقدیم ما أمر الله بتأخیره و تأخیر ما أمر بتقدیمه و الإسراف تجاوز الحد فی الخطاء.

أنت المقدم أی الأشیاء بحسب الأزمنه و الأمکنه و المؤخر لها بحسبهما أو بحسب المراتب الدنیویه فیرجعان إلی المعز و المذل أو الأخرویه کما قدم الأنبیاء و الأوصیاء أنهم أئمه و أخر غیرهم عنهم فجعلهم أتباعا لهم و یحتمل أن یراد بهما ما یرجع إلی البداء و لعله أنسب بالمقام بعلمک الغیب الباء للقسم و یحتمل السببیه خشیتک فی السر و العلانیه لعل المراد بالخشیه أثرها و هو فعل الطاعه و ترک المعصیه أی یظهر أثر الخشیه منی فی حضور الخلق و غیبتهم فی الغضب أی عن المخلوقین و الرضا أی عنهم و المعنی لا یکون غضبی علی أحد سببا لأن لا أقول الحق فیه و لا رضای عن أحد سببا لأن أثبت له ما لیس له و القصد التوسط فی النفقه.

نعیما لا ینفد أی فی الآخره أو فی الدنیا أو الأعم بأن یتصل نعیم الدنیا بنعیم الآخره و هو أتم و مثله قره العین و هو ما یوجب السرور و قیل أرید به النسل الذی لا ینقطع لقوله تعالی هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ (۱) أو المحافظه علی الصلوات لِقَوْلِهِ صلی الله علیه و آله: وَ قُرَّهُ عَیْنِی فِی الصَّلَاهِ.

و قال فی النهایه فیه الصوم فی الشتاء الغنیمه البارده أی لا تعب فیه و لا مشقه و کل محبوب عندهم بارد و النظر إلی الوجه المراد به النظر بعین القلب إلی ذاته تعالی أو بعین الرأس إلی حججه علیهم السلام فإنهم وجه الله الذی یتوجه بهم إلیه و من أراد التوجه إلی الله یتوجه إلیهم و کذا المراد بلقائه تعالی إما لقاؤهم أو لقاء ثوابه و علی التقدیرین أرید به الشوق إلی الموت و الآخره و قطع التعلق عن الدنیا.

و قوله من غیر ضراء متعلق به أی لا یکون رضای بالموت بسبب البلایا الشدیده التی لا یمکننی الصبر علیها فأتمنی الموت لها و المضره تأکید للضراء أو وصف لها لأنه لا یکون الدنیا بدون الضراء فی الجمله و لکن لا یکون ضراء لا یمکننی الصبر علیها أو المراد بها مضره الآخره و قیل متعلق بأحینی و یحتمل تعلقه بالجمیع أی أعطنی جمیع ذلک من غیر أن یکون بی ضراء شدیده.

۱- ۱. الفرقان: ۷۴.

بزينه الإيمان الإضافه بيانيه أو المعنى الزينه التى تحصل من الإيمان و هو التحلى بمكارم الأخلاق و الأعمال.

فيمن هـديت أى بالهـدايات الخاصه من الأنبياء و الأولياء أو المعنى أنى لا أستحق الهـدايه فاهدنى من بينهم و ببركتهم أو أنك فعلت ذلك بكثير فإن فعلت بى فليس ببديع فيكون نوع استعطاف.

عزيمه الرشاد الرشاد خلاف الغى أى أكون عازما جازما على الرشاد و الثبات فى الأمر أى فى الدين و ما يلزمه من العبادات و الثبات يحتمل عطفه على العزيمه و على الرشاد كما أن الرشد يحتمل عطفه على الأمر و على الثبات.

**[ترجمه]این دعا در الکافی با استناد به امام جواد علیه السلام روایت شده است و این همان روایتی است که در بیشتر کتاب... های دعایی ما روایت شـده و مخالفان ما نیز آن را با طرق روایی خودشان در کتاب‌هایشان آورده‌انـد. «ما قـدّمت و ما أخّرت»، شاید منظور از «آنچه پیشاپیش فرستاده می‌شود»، هر آن چیزی باشد که در زندگی انجام می‌دهد و به خاطر آن مستحق عذاب می‌شود و «آنچه در پی می‌آیـد»، هر آن چیزی باشـد که بر کارهـای او و بعـد از مرگش مترتب می‌شود؛ مثـل اینکه بـدعتی به وجود آورده باشد و بعد از مرگ او به آن عمل شود یا به چیز بدی وصیت کرده باشد و کارهای دیگری از این قبیل. یا اینکه منظور از آن، مقـدم کردن هر آن چیزی بوده که خداونـد بر تأخیر انـداختن آن امر کرده و به تأخیر انـداختن هر آن چیزی که خداوند بر مقدم کردن آن دستور داده است. اسراف، در گذشتن از حد، در اشتباه است.

«أنت المقـدِّم»، یعنی تو اشـیاء را مقـدم می‌داری، به حسب زمـان‌ها و مکان‌ها و تو اشـیاء را مؤخر می‌داری، به حسب زمان‌ها و مکان‌ها یا به حسب مراتب دنیایی. پس این دو، به صـفت‌های عزت دهنـده و ذلیل کننـده خـدا برمی‌گردند؛ یا اینکه به مراتب آخرت اشـاره دارد، همـان طور که پیـامبران و جانشـینان آنها را مقـدم کرد و به عنوان امام قرار داد و دیگران را بعـد از آنها و پیروان آنهـا قرار داد. این احتمال نیز وجود دارد که منظور از آن چیزی باشـد که به بـداء مربوط است و شایـد در اینجا، همین منـاسب‌تر باشـد. در عبـارت «بعلمـک الغیب»، حرف بـاء برای سوگنـد است و احتمـال دارد برای بیان سـبب باشـد. در عبارت «خشـیّتک فی السِّرِّ و العلانـیه»، شایـد منظور از خشـیت، اثر آن باشـد که عبـارت است از به جـای آوردن طاعت و ترک گناه؛ یعنی اثر خشیت در من، هم در حضور دیگران و هم در نبود آنهـا، نمایـان شود. «فی الغضب» یعنی بر آفریـدگان و «الرضا» از همانان. معنی عبارت، این است که خشم من بر کسی باعث نشود که جز حقیقت را درباره او بگویم و خشـنودی من از کسـی باعث نشود که چیزی را که برای او نیست، در حق او به اثبات برسانم. «القصد»، یعنی میانه روی در مخارج زندگی.

«نعیماً لا ینفـد» یعنی نعمت در دنیا، یا در آخرت، یا شامل هر دو، به این صورت که روزی دنیا به روزی آخرت پیونـد بخورد که مرتبه کامل‌تر آن است. «قُرَّه العین» نیز مثل آن است و آن، چیزی است که باعث سرور می‌شود و گفته شده است: منظور از آن، نسلی است که قطع نشود؛ به دلیل این آیه که «هَب لنا مِن أزواجِنا و ذُریّاتِنا قرَّه أعین» - . فرقان / ۷۴ - {از

همسران و فرزندانمان روشنی چشمانمان قرار ده.} یا منظور از آن، مراقبت از نمازها است؛ به دلیل این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله که «و قره عینی فی الصلاه»، {و روشنی چشم من در نماز است.}

در النهایه گفته است: در روایت آمـده: «الصوم فی الشـتاء الغنیمه البارده»، روزه در زمسـتان، غنیمت بارده است؛ یعنی نه رنجی

در آن هست و نه سختی؛ و هر چیزی که نزد آنها دوست داشتنی باشد، «بارد» نامیده می‌شود. منظور از «النظر الی الوجه»، نگریستن با چشم دل به ذات خدای متعال است؛ یا اینکه منظور، نگریستن با چشم سر به حجت‌های او علیهم السلام است؛ زیرا آنان صورت‌های خدا هستند که به واسطه آنها، به او یعنی خدا توجه می‌شود و هر کس خواستار توجه به خدا باشد، به آنان رو می‌کند. همچنین منظور از دیدار خداوند متعال، دیدار آنان است؛ یا اینکه منظور، رسیدن به ثواب خداست. در هر دو صورت، اشتیاق به مرگ و آخرت و بریدن وابستگی به دنیا را خواستار است.

و این سخنش: «من غیر ضرّاء»، مربوط به آن یعنی لقاء است؛ یعنی راضی شدنم به مرگ به خاطر گرفتاری‌های سخت نباشد که توان شکیبایی در مقابل آن را نداشته باشم و به خاطر آن، آرزوی مرگ کنم. «و المضره» تأکید «ضراء» یا صفت برای آن است؛ زیرا در هر صورت، دنیا خالی از گرفتاری نیست، ولی نوعی گرفتاری نباشد که توان صبر در مقابل آن را نداشته باشم؛ یا اینکه منظور از آن، گرفتاری آخرت است. همچنین گفته شده است: این کلمه مربوط به «أحینی» است و نیز احتمال دارد مربوط به همه آنها باشد؛ یعنی همه آنها را به من ارزانی دار، بدون اینکه گرفتاری سخت برایم باشد.

«بِزینَهِ الایمان» اضافه بیانی است؛ یا به معنی زینتی است که از ایمان به دست می‌آید و آن همان آراسته گردیدن به اخلاق و اعمال نیکوست.

«فیمن هدیتَ»، یعنی با هدایت‌های مخصوص از ناحیه پیامبران و دوستداران خودت؛ یا به این معنی که من استحقاق هدایت را ندارم، پس خودت از طریق آنان و به برکت آنان مرا هدایت فرما؛ یا اینکه تو این کار را در حق بسیاری به انجام رسانده‌ای و اگر در مورد من هم انجام دهی، کار جدیدی نیست. در این صورت، نوعی درخواست عطوفت است.

«عزیمه الرشاد»، رشاد، مخالف گمراهی است؛ یعنی تصمیم جدی بر رشد بگیرم. «الثبات فی الأمر»، یعنی در دین و عباداتی که لازمه آن است. احتمال دارد «الثبات» عطف بر «العزیمه» و یا بر «الرشاد» باشد؛ همان گونه که احتمال دارد «الرشد» عطف بر «الأمر» و یا بر «الثبات» باشد.

**[ترجمه]

«۳»

الْمَكَارِمُ، دُعَاءٌ آخَرُ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ حُفِظَ فِی نَفْسِهِ وَ دَارِهِ وَ وُلْدِهِ وَ مَالِهِ- أُجِیرُ نَفْسِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ أَهْلِی وَ دَارِی وَ كُلَّ مَا هُوَ مِنِّی بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ أُجِيرُ نَفْسِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ كُلَّ مَا هُوَ مِنِّی- بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ إِلَى آخِرِهَا وَ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَى آخِرِهَا وَ بِاللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَيُّومُ آيَهِ الْكُرْسِيِّ إِلَى آخِرِهَا(۱).

**[ترجمه]المكـارم: دعـای دیگر؛ امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس این کلمات را هنگام هر نماز واجب بگوید، خداوند او را و خانه و فرزندان و دارایی‌اش را حفظ می‌کند؛ دعا این است: {خودم را و مال و فرزندان و خانواده و خانه و هر چه را که از من است، به خدای یگانه بی نیازی که نه زاده شده و نه زاییده شده است و هیچ کسی برای او همتایی نمی‌کند،

می‌سپارم؛ خودم را و مال و فرزندان و تمام آنچه را که از من است، به خدای سپیده دم می‌سپارم، از شر هر آنچه آفریده شده است.} تا آخر سوره فلق و «بربِّ الناس ملك الناس» {و به خدای مردم؛ پادشاه مردم} تا آخر سوره ناس و «بالله الّذی لا إله إلا هو الحیُّ القیّوم» {به خدایی که معبودی جز او وجود ندارد، زنده و پاینده است} آیه الکرسی تا آخر آن. - . مکارم الاخلاق: ۳۲۷ -

**[ترجمه]

بیان

رواه فی الکافی (۲)

بسند حسن عنه علیه السلام و مذکور فی المصباح و سائر الکتب المعتبره و قال الجوهری الولد قد یکون واحدا و جمعا و کذلک الولد بالضم انتهی و المشهور أن آیه الکرسی إلی الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ و یظهر من بعض الأخبار أنها إلی خالِدُونَ و سیأتی فی محله.

**[ترجمه]این روایت را در الکافی - . الکافی ۲: ۵۴۹ -

با سند حسن از آن حضرت علیه السلام نقل کرده است و در المصباح و کتاب‌های معتبر دیگر نیز ذکر شده است. جوهری گفته است: «الولد» هم ممکن است مفرد باشد و هم جمع؛ «الوُلد» با ضمه نیز همین طور است. پایان. مشهور این است که آیه الکرسی تا «العلی العظیم» است و از بعضی روایات چنین به دست می‌آید که تا «خالدون» است؛ توضیح این مطلب در جای خود خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۴»

الْمَكَارِمُ، هَذَا دُعَاءٌ آخَرُ مِنْ مَسْمُوعَاتِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ: وَ مِنْ دُعَاءِ السِّرِّ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَرَادَ أَنْ أَرْفَعَ صَلَاتَهُ مُضَاعَفَةً فَلْيَقُلْ خَلْفَ كُلِّ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ يَا مُبْدِئَ الْأَسْرَارِ وَ يَا مُبِينَ الْكِتْمَانِ وَ يَا شَارِعَ الْأَحْكَامِ وَ يَا ذَارِئَ الْأَنْعَامِ وَ يَا خَالِقَ الْأَنَامِ وَ يَا فَارِضَ الطَّاعَةِ وَ مُلْزِمَ الدِّينِ وَ يَا مُوجِبَ التَّعَبُّدِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۲۷.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۴۹.

أَسْأَلُکَ بِحَقِّ تَزْکِیَهِ کُلِّ صَلَاهٍ زَکَّیْتَهَا وَ بِحَقِّ مَنْ زَکَّیْتَهَا لَهُ أَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِی هَذِهِ زَاکِیَهً مُتَقَبَّلَهً بِتَقَبُّلِکَهَا وَ تَصْیِیرِکَ بِهَا دِینِی زَاکِیاً وَ إِلْهَامِکَ قَلْبِی حُسْنَ الْمُحَافَظَهِ عَلَیْهَا حَتَّی تَجْعَلَنِی مِنْ أَهْلِهَا الَّذِینَ ذَکَرْتَهُمْ بِالْخُشُوعِ فِیهَا أَنْتَ وَلِیُّ الْحَمْدِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ بِکُلِّ حَمْدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّوْحِیدِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّوْحِیدُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَوْحِیدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّهْلِیلِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّهْلِیلُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَهْلِیلٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّسْبِیحِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّسْبِیحُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَسْبِیحٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّکْبِیرِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّکْبِیرُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَکْبِیرٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ رَبِّ عُدْ عَلَیَّ فِی صَلَاتِی هَذِهِ بِرَفْعِکَهَا زَاکِیَهً مُتَقَبَّلَهً- إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ رُفِعَتْ صَلَاتُهُ مُضَاعَفَهً فِی اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ(۱).

**[ترجمه]المکارم: این دعای دیگری است از شنیده‌های سید ناصح الدین ابی البرکات: از دعای سرّ: ای محمد، هر کس بخواهد نمازش را دوچندان بالا ببرم، پس به دنبال هر نمازی که برایش واجب گردانیده‌ام، دستانش را بالا برده و بگوید: {ای پدیدار کننده رازها و ای آشکار کننده نهانی‌ها و ای قرار دهنده احکام و ای به وجود آورنده چهارپایان و ای آفریدگار مردمان و ای واجب گرداننده طاعت و لازم کننده دین و ای واجب کننده بندگی، از تو به حق پاکیزگی هر نمازی که آن را پاکیزه گردانیدی و به حق کسی که آن نماز را برای او پاکیزه گردانیدی، می‌خواهم که این نماز مرا پاکیزه و مورد قبول خودت قرار دهی و به خاطر آن دینم را پاکیزه نمایی و بهترین مراقبت از آن را بر دلم الهام کنی تا اینکه مرا از اهل نماز قرار دهی، همان کسانی که با خشوع در نماز یادشان کرده‌ای؛ تو سزاوار تمام ستایش‌ها هستی و هیچ معبودی جز تو نیست. پس تمام ستایش‌ها با ستایشی که تو سزاوار آن هستی، برای تو باد؛ تو سزاوار تمام یگانگی هستی، هیچ معبودی جز تو نیست، پس تمام یگانگی با یگانه دانستنی که تو سزاوار آن هستی، برای تو باد؛ تو سزاوار تمام معبود بودن هستی، پس تمام معبود بودن، آن چنان که تو سزاوار آن هستی، برای تو باد؛ تو سزاوار تمام منزّه بودن هستی، پس تمام منزّه بودن، آن چنان که تو سزاوار آن هستی، برای تو باد؛ تو سزاوار تمام بزرگی هستی، پس تمام بزرگی، آن چنان که تو سزاوار آن هستی، برای تو باد؛ پروردگارا، با بالا بردن این نماز من به صورت پاك و مورد قبول خودت، به من رو کن که به راستی تو شنوای دانا هستی.} پس هرگاه این را بگوید، نماز او را در لوح محفوظ، دو چندان بالا برم. - . مکارم الاخلاق: ۲۳۰ -

**[ترجمه]

أقول

هذا من أدعیه السر أورده الشیخ و الکفعمی (۲) فی کتابیه و فیها یا محمد من أراد من أمتک أن أرفع صلاته مضاعفه فلیقل خلف کل صلاه افترضتها علیه و هو رافع یدیه آخر کل شی ء فإنه إذا قال ذلک رفعت له صلاته مضاعفه فی اللوح المحفوظ انتهی فینبغی أن یقرأه آخر التعقیب کما ذکره الشیخ و غیره.

**[ترجمه]این از دعاهای سرّ است که شیخ و کفعمی - . البلد الأمین: ۵۱۵ -

در دو کتابشان آورده‌اند و در آن آمده است: ای محمد، هر کسی از امت تو بخواهد نماز او را دو چندان بالا ببرم، به دنبال هر نمازی که برایش واجب کرده‌ام، دستانش را تا آنجا که ممکن است، بالاـ برده و این دعا را بگوید...؛ پس هر گاه این را

گفت، نماز او را در لوح محفوظ، دوچندان بالا می برم؛ پایان. پس سزاوار است همان طور که شیخ و دیگران گفته‌اند، آن را در پایان تعقیبات بخواند.

**[ترجمه]

«۵»

الْمَكَارِمُ: وَ إِذَا أَرَدْتَ النُّهُوضَ مِنَ التَّعْقِيبِ فَقُلْ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ فَقَدْ رُوِىَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَكُنْ هَذَا آخِرَ قَوْلِهِ فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ حَسَنَهً(۳).

وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ فِى دُبُرِ صَلَاهِ الْفَرِيضَهِ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَيْهِ- أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ فِى خَبَرٍ آخَرَ مَنْ قَالَهُ فِى

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۳۳۰.

۲- ۲. البلد الأمين ص ۵۱۵.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ۳۵۱.

كُلِّ يَوْمٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً(۱).

**[ترجمه]المكارم: هرگاه خواستی از تعقیب نماز برخیزی، بگو: «سبحان ربِّك ربِّ العزِّه عمّا يَصفون و سلامٌ على المرسلين و الحمد لله ربِّ العالمين»، {منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه که توصیفش می کنند و سلام بر فرستادگان و سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است.} که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرموده است: هر کس می... خواهد اعمالش با کامل‌ترین ترازو سنجیده شود، این آخرین سخن او باشد که برایش از سوی هر مسلمانی، حسنه‌ای خواهد بود. - . مكارم الاخلاق: ۳۵۱ -

از حسن بن حماد است که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در دنباله نماز واجب، قبل از اینکه پاهایش را جمع کند {از حالت دو زانو خارج شود}، بگوید: «أستغفر الله الذی لا إله إلا هو الحیُّ القیّوم ذو الجلال و الإکرام و أتوب إلیه»، {از خدایی که هیچ معبودی جز او نیست، زنده و پاینده و دارای شکوه و بزرگواری است، آمرزش می‌خواهم و به سوی او بازمی گردم.} خداوند گناهانش را می‌بخشد، هرچند به اندازه کف دریا

باشد. در روایت دیگری آمده، هر کس روزانه این را بگوید، خدا چهل گناه کبیره او را می‌بخشد. - . مكارم الاخلاق: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

أقول

رواه فی الکافی (۲) عن الحسین بن حماد بسند صحیح و الحسن غیر موثق إلی قوله مثل زبد البحر و فی بعض نسخه ذا الجلال فقوله الحی و القیوم أیضا منصوبان و الکل صفات للجلاله و أما نسخه ذو الجلال و رفع الحی و القیوم فهو إما رفع علی المدح أو صفه للضمیر علی مذهب الکسائی إذ المشهور بین النحاه أن الضمیر لا یوصف و أجاز الکسائی وصف ضمیر الغائب فی نحو قوله تعالی لاـ إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ و قولک مررت به المسکین و الجمهور یحملون مثله علی البدلیه إذ یجوز الإبدال من ضمیر الغائب اتفاقا.

**[ترجمه]در الکافی با سند صحیح - ولی حسن بن حمّاد توثیق نشده است- از حسین بن حماد، این روایت را تا عبارت «مثل زبد البحر» روایت کرده است. در بعضی نسخه‌ها «ذا الجلال» ذکر شده که در این صورت، «الحی و القیوم» نیز به صورت منصوب خواهند بود و همه اینها صفت برای اسم جلاله الله هستند. ولی نوشتن آن به صورت «ذو الجلال» و مرفوع بودن «الحی و القیوم»، یا به خاطر مدح و ستایش است، یا طبق روش کسایی، صفتی برای ضمیر است؛ زیرا مشهور بین علمای نحو این است که ضمیر قابل وصف نیست ولی کسایی، وصف گرفتن ضمیر غایب را در عبارتی مثل آیه «لا إله إلا هو العزیز الحکیم»، {خدایی جز او، که عزیز و حکیم است، وجود ندارد.} جایز دانسته است و یا در مثل این که بگویی: «مررت به المسکین»، {به او که مسکین بود، گذر کردم.} ولی بیشتر آنها مثل این مورد را حمل بر بدل می کنند؛ زیرا بدل گرفتن از ضمیر غایب، همچنان که همه آنها اتفاق نظر دارند، جایز است.

**[ترجمه]

«۶»

فَلَاحُ السَّائِلِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَهَ عليها السلام بَدَأَ وَ كَبَّرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَهً وَ سَبَّحَهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ تَسْبِيحَهً وَ وَصَلَ التَّسْبِيحَ بِالتَّكْبِيرِ وَ حَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً وَ وَصَلَ التَّحْمِيدَ بِالتَّسْبِيحِ وَ قَالَ بَعْدَ مَا يَفْرُغُ مِنَ التَّحْمِيدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ- إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً لَبَّيْكَ رَبَّنَا لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى ذُرِّيَّهِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا لَهُمْ وَ الِايتِمَامَ بِهِمْ وَ التَّصْدِيقَ لَهُمْ رَبَّنَا آمَنَّا وَ صَدَّقْنَا وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ صُبَّ الرِّزْقَ عَلَيْنَا صَبّاً صَبّاً بَلَاغاً لِلْآخِرَهِ وَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا نَكَدٍ وَ لَا مِنْ مَنِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَهً مِنْ رِزْقِكَ وَ طَيِّباً مِنْ وُسْعِكَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْأَى عَفَافاً لَا مِنْ أَيْدِى لِئَامِ خَلْقِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِى بَصَرِى وَ الْبَصِيرَهَ فِى دِينِى وَ الْيَقِينَ فِى قَلْبِى وَ الْإِخْلَاصَ فِى عَمَلِى وَ السَّعَهَ فِى رِزْقِى

ص: ۶

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۳۶۳.

۲- ۲. الكافى ج ۲ ص ۵۲۱.

وَ ذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ عَلَی لِسَانِی وَ الشُّکْرَ لَکَ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی اللَّهُمَّ لَا تَجِدْنِی حَیْثُ نَهَیْتَنِی وَ بَارِکْ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَنِی وَ ارْحَمْنِی إِذَا تَوَفَّیْتَنِی إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ کُلَّهَا وَ عَافَاهُ مِنْ یَوْمِهِ وَ سَاعَتِهِ وَ شَهْرِهِ وَ سَنَتِهِ إِلَی أَنْ یَحُولَ الْحَوْلُ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَهِ وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ مِنْ مِیتَهِ السَّوْءِ وَ مِنْ کُلِّ بَلِیَّهٍ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ کَتَبَ لَهُ بِذَلِکَ شَهَادَهَ الْإِخْلَاصِ بِثَوَابِهَا إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ ثَوَابُهَا الْجَنَّهُ الْبَتَّهَ فَقُلْتُ لَهُ هَذَا لَهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ فِی کُلِّ یَوْمٍ مِنَ الْحَوْلِ إِلَی الْحَوْلِ فَقَالَ لَا وَ لَکِنْ هَذَا لِمَنْ قَالَ مِنَ الْحَوْلِ إِلَی الْحَوْلِ مَرَّهً وَاحِدَهً یُکْتَبُ لَهُ وَ أَجْزَأَ لَهُ إِلَی مِثْلِ یَوْمِهِ وَ سَاعَتِهِ وَ شَهْرِهِ وَ مِنَ الْحَوْلِ الْجَائِی الْحَائِلِ عَلَیْهِ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: وهب بن عبد ربه گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کس تسبیح حضرت زهرا فاطمه سلام الله علیها را بگوید و از تکبیر خدای عزّوجلّ شروع کند و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و سی و سه مرتبه تسبیح بگوید و سبحان الله را به الله اکبر پیوند دهد و سی و سه مرتبه الحمد لله بگوید و الحمد لله را به سبحان الله پیوند دهد و بعد از اینکه از گفتن الحمد لله فارغ شد، بگوید: {هیچ معبودی جز خدا وجود ندارد؛ همانا خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما [نیز] بر او درود بفرستید و سلام کنید؛ تو را اطاعت می کنم ای خدا، تو را اطاعت می کنم؛ خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست؛ بر اهل بیت و فرزندان او درود فرست؛ و سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر او و بر آنان باد؛ به تسلیم بودن خودمان نسبت به آنان و سرسپردگی‌مان به آنها و راست دانستن آنها گواهی می‌دهم؛ پروردگارا، ما ایمان آوردیم و تصدیق کردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را با گواهان بنویس.

خدایا، روزی را فراوان بر ما ارزانی کن؛ به گونه‌ای که در آخرت و دنیا به دست ما برسد، بدون اینکه با رنج طاقت فرسا و دشواری همراه باشد، یا از سوی آفریدگانت منتی بر آن صورت گیرد، بلکه تنها از روزی فراوان تو سرچشمه گیرد و از فراخ دادن پاکیزه تو باشد؛ از دست پربار تو که آکنده از عفت و پاکیزگی است باشد؛ نه از دستان آفریدگان پست طینت، که تو بر هر چیزی توانایی. خدایا، در دیده‌ام روشنایی، و در دینم بصیرت، و در دلم یقین و در کارهایم اخلاص و در روزی‌ام فراوانی و بر زبانم، یاد شبانه روزی خودت را و سپاسگزاری از تو را تا آن دم که پابرجایم داشته باشی، قرار بده. خدایا، مرا در جایی که از آن نهی کرده‌ای، میاب و در آنچه به من بخشیده‌ای، برکت و فزونی قرار ده و آنگاه که مرا میراندی، بر من رحم کن که تو بر هر چیزی توانایی.}

خداوند تمام گناهان او را می‌بخشد و او را در روز و ساعت و ماه و سالش، تا یک سال، از ناداری و تنگدستی و دیوانگی و جذام و برص و از بد مردن و از هر بلایی که از آسمان به زمین فرود می‌آید، در امان نگه می‌دارد و به خاطر این، برایش گواهی اخلاص در کارش با ثواب آن تا روز قیامت - و البته، ثواب آن بهشت است - نوشته می‌شود.

به او گفتم: آیا این همه ثواب برای او در مقابل گفتن این ذکر در هر روز از روزهای سال است؟ گفت: نه؛ این برای گفتن سالیانه یک بار است که برای او نوشته می‌شود و او را تا همان روز و ساعت و ماه در سال آینده‌اش کفایت می کند. - . فلاح السائل: ۱۳۵ تا ۱۳۷ -

**[ترجمه]

بیان

إن التسليم منا لهم أی منحصر فيهم و كذا قرينتاها و البلاغ الكفايه ذكره الجوهری و قال نكد عيشهم بالكسر ينكد نكدا إذا اشتد و رجل نكد أی عسر.

**[ترجمه]«إنّ التسليم منا لهم» يعنی تسليم بودن ما فقط در مقابل آنان باشد. دو عبارت ديگر هم اين گونه معنا می‌شود. «البلاغ»، يعنی كافی بودن؛ جوهری اينگونه گفته است. همچنين گفته است: «نكد عيشهم» با كسره، «ينكد، نكداً»، يعنی وقتی زندگی‌شان سخت می‌شود؛ «رجل نكد»، يعنی شخص سختگير.

**[ترجمه]

«۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ مَنْ يُرِيدُ طُولَ الْبَقَاءِ أَنْ يَكُونَ مِنْ تَعْقِيبِهِ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ مَا رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَبِی الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْعِجْلِيِّ الْكِسَائِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ يَا سَيِّدِی عَلَتْ سِنِّی وَ مَاتَ أَقَارِبِی وَ أَنَا خَائِفٌ أَنْ يُدْرِكَنِی الْمَوْتُ وَ لَيْسَ لِی مَنْ آنَسُ بِهِ وَ أَرْجِعُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ نَسَباً أَوْ سَبَباً وَ أُنْسُكَ بِهِ خَيْرٌ مِنْ أُنْسِكَ بِقَرِيبٍ وَ مَعَ هَذَا فَعَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ وَ أَنْ تَقُولَ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ عليه السلام قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ

فِی شَيْ ءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِی فِی قَبْضِ رُوحِ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لَا

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۳۵- ۱۳۷.

تَسُؤْنِی فِی نَفْسِی وَ لَا فِی أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِی إِنْ شِئْتَ أَنْ تُسَمِّيَهُمْ وَاحِداً وَاحِداً فَافْعَلْ وَ إِنْ شِئْتَ مُتَفَرِّقِینَ وَ إِنْ شِئْتَ مُجْتَمِعِینَ قَالَ الرَّجُلُ وَ اللَّهِ لَقَدْ عِشْتُ حَتَّی سَئِمْتُ الْحَیَاةَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَحِمَهُ اللَّهُ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ الْبَصْرِيَّ کَانَ یَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فَعَاشَ مِائَةً وَ ثَمَانَ وَ عِشْرِینَ سَنَةً فِی خَفْضٍ إِلَی أَنْ مَلَّ الْحَیَاةَ فَتَرَکَهُ فَمَاتَ ره (۱).

الْمَکَارِمُ، وَ دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، وَ مِصْبَاحُ الشَّیْخِ، وَ جُنَّةُ الْأَمَانِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِینُ (۲)، رُوِیَ: أَنَّ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَقِیبَ کُلِّ فَرِیضَةٍ وَ وَاظَبَ عَلَی ذَلِکَ عَاشَ حَتَّی یَمَلَّ الْحَیَاةَ.

و فی المکارم إِنَّ رَسُولَکَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ قَالَ و فی البلد الأمین اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ الْأَمِینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ قَالَ و المصباح موافق للمتن.

**[ترجمه]فلاح السائل: از مطالب مهم این است که هرکس می‌خواهد عمرش طولانی باشد، این تعقیب را بعد از هر نمازش بخواند: ابن دراج گفته است: شخصی پیش امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای سرور من، سن من بالا رفته و خویشانم از دنیا رفته‌اند و می‌ترسم در حالی از دنیا بروم که کسی مونس و پناهگاه من نباشد .

امام صادق علیه السلام به او فرمود: از میان برادران مؤمن تو، کسانی هستند که از خویشاوندان سببی و نسبی به تو نزدیک‌ترند و انس گرفتن تو با آنان، بهتر از انس گرفتنت با وابستگان نزدیکت می‌باشد؛ با وجود این، باید دعا کنی و بعد از نماز بگویی: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست. خدایا، همانا صادق علیه السلام گفت: تو گفته‌ای: در چیزی که خود انجام دهنده آن هستم، مانند گرفتن روح بنده مؤمنم تردید نمی‌کنم، چرا که مرگ را بد می‌پندارد و من دوست ندارم بد حالی او را ببینم؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گشایش و امان و یاری دوستدارت را برای ولیّ‌ات زودتر برسان و مرا نه در مورد خودم و نه هیچ یک از دوستانم ناراحت مگردان.} اگر خواستی همه آنها را یک به یک یا پراکنده و یا دسته جمعی اسم ببری، این کار را انجام بده.

شخص گفت: به خدا سوگند، آن قدر زندگی کردم که از آن بیزار شدم. ابو محمد بن موسی که رحمت خدا بر او باد، گفته است: محمد بن حسن بن شمّون بصری همواره این دعا را می‌خواند و تا ۱۲۸ سال در آسایش زندگی کرد تا آنجا که از زندگی خسته شد و این دعا را ترک کرد و بعد از آن مرد. - . فلاح السائل: ۱۶۷ و ۱۶۸ -

رحمت خدا بر او باد.

المکارم و دعوات الراوندی و مصباح الشیخ و جنه الامان و البلد الأمین - . مکارم الأخلاق: ۳۲۹؛ البد الأمین: ۱۲ - : روایت شده که هرکس بعد از نماز واجب این دعا را بخواند و بر آن مداومت کند، آن قدر زندگی می کند که از آن خسته شود. در المکارم آمده است که پیامبر راستگو و تصدیق شده‌ات، که درود تو بر او و خاندانش باد، فرموده است... و در بلد الأمین این گونه آمده است: خدایا، - پیامبر - راستگو و امانت دار، که درود تو بر او و خاندانش باد، فرموده است... عبارت المصباح با عبارت متن سازگارتر است.

**[ترجمه]

بيان

قيل فی التردد الوارد فی الخبر وجوه الأول أن فی الكلام إضـمارا و التقدير لو جاز علی التردد ما ترددت فی شـی ء كترددی فی وفاه المؤمن.

الثـانی أنه لما جرت العاده بأن يتردد الشـخص فی مساءه من يحترمه و يوقره كالصـديق و الخل و أن لا يتردد فی مساءه من ليس له عنـده قـدر و لا حرمه كالعـدو و الموذيات صـح أن يعبر بالتردد و التوانی فی مساءه الرجل من توقيره و احترامه و بعـدمها عن إذلاله و احتقاره فالمعنی ليس لشـی ء من مخلوقاتی عندی قدر و حرمه كقدر عبدی المؤمن و حرمته فالكلام من قبيل الاستعاره التمثيليه.

الثالث أنه قد مر أن الله سبحانه يظهر للعبد المؤمن عند الاحتضار من اللطف و الكرامه و البشاره بالجنه ما يزيل عنه كراهه الموت و يوجب رغبته فی الانتقال إلی دار القرار فيقل تأذيه به و يصـير راضـيا بنزوله راغبا فی حصوله فأشـبهت هذه المعامله معامله من يريد أن يؤلم حبيبه ألما يتعقبه نفع عظيم فهو يتردد فی أنه

١- ١. فلاح السائل ص ١٦٨- ١٦٧.

٢- ٢. مكارم الأخلاق ص ٣٢٩، البلد الأمين ص ١٢.

کیف یوصل ذلک الألم إلیه علی وجه یقل تأذیه به فلا یزال یظهر له ما یرغبه فیما یتعقبه من اللذه الجسیمه إلی أن یتلقاه بالقبول.

و قوله یکره الموت جمله مستأنفه کأن سائلا یسأل ما سبب التردد فأجیب بذلک و یحتمل الحالیه من المؤمن و المساءه مصدر میمی من ساءه إذا فعل به ما یکرهه.

قوله علیه السلام و إن شئت متفرقین أی فرقت الأحبه علی الصلوات و إن شئت مجتمعین أی ذکرت الجمیع فی کل صلاه أو التفرق إعاده الفعل أعنی لا تسؤنی فی کل واحد و الاجتماع عدمها أو الأول ذکرهم أفرادا و الثانی ذکرهم أصنافا إذ المراد بالأول ذکر بعضهم علی الخصوص و بعضهم علی العموم و بالثانی ذکر جمیعهم علی العموم بلفظ واحد کما فی أصل الدعاء و فی المصباح هکذا فی نفسی و لا فی أهلی و لا فی مالی و لا فی أحد من أحبتی.

**[ترجمه]گفته شده است: در مورد «التردّد» که در روایت آمده است، چند احتمال وجود دارد: اول اینکه، در این سخن اضمار وجود دارد؛ یعنی جمله در واقع چنین بوده است: اگر بر من روا باشد که در چیزی تردید داشته باشم، در هیچ چیزی مثل میراندن مؤمن تردید نمی کنم .

دوم اینکه، چون عادت بر این است که شخص، در بدی و آزار کسی مانند دوستی که به او احترام می کند و او را بزرگ می... دارد، درنگ می کند و در مقابل در بدی و آزار کسی که نزد او ارزش و احترامی ندارد، مانند دشمن و سایر اذیت کنندگان، درنگ نمی کند، بنابراین صحیح است که از درنگ در بدی شخص، به احترام و بزرگداشت او، و از درنگ نکردن، به خوار کردن و پست شمردن شخص، تعبیر شود. پس معنی این می‌شود که برای آفریدگانم پیش من ارزش و احترامی مثل ارزش و احترام بنده مؤمنم وجود ندارد. پس این سخن از قبیل استعاره تمثیلی است.

سوم، پیش از این گفته شد و آن اینکه خداوند سبحان برای بنده مؤمن، هنگام جان کندن لطف و بزرگواری نموده و او را به بهشت مژده می‌دهد تا به وسیله آن، زشتی مرگ نزد او از بین رود و باعث علاقه او به رفتن به خانه ابدی گردد و به این ترتیب اذیت او کم شود و از آمدن مرگ راضی باشد و برای رسیدن به آن علاقمند گردد. پس این شبیه معامله کسی است که دوستش را با ناراحتی بزرگی متأثر سازد و به دنبال آن، سود فراوانی به وی برساند و از این رو تردید دارد که این ناراحتی را چگونه به وی برساند که باعث اذیت کمتری برای وی باشد. پس همواره آن لذت بزرگی را که باعث تشویق او می‌شود، به او نشان می‌دهد تا آنکه آن ناراحتی را بپذیرد.

عبارت «یکره الموت» جمله استینافیه است؛ گویا سؤال کننده از علت تردید می‌پرسد و این گونه پاسخ داده می‌شود. نیز احتمال دارد جمله حال برای «المؤمن» باشد. «المساءه» مصدر میمی از «ساء» است؛ یعنی کاری انجام دهد که باعث ناراحتی او گردد.

این عبارت حضرت علیه السلام: «إن شئت متفرِّقین»، یعنی هر یک از دوستداران را در نمازهای جداگانه نام ببر. «و إن شئت مجتمعین»، یعنی همه آنها را در یک نماز اسم ببری. یا اینکه منظور از تکرار، فعل باشد؛ یعنی در مورد هر یک از دوستان، فعل را تکرار کنی و بگویی: لا تسؤنی... (یعنی مرا در مورد این فرد ناراحت مکن. مرا در مورد این ... ناراحت مکن...).

«تفرق» و با هم گفتن، بر عکس این حالت باشد؛ (یعنی بگویی: خداوندا، مرا در مورد دوستانم ناراحت مکن.) یا اینکه منظور از اولی، نام بردن آنها به صورت تک تک و منظور از دومی، نام بردن به صورت گروه گروه باشد؛ زیرا منظور از اولی، اسم بردن بعضی از آنها به صورت خاص و بعض دیگر به صورت عام است و منظور از دومی، اسم بردن همه آنها با یک لفظ به صورت عام است؛ همان طور که در اصل روایت آمده است. در المصباح این گونه آمده است: «فی نفسی و لا فی اهلی و لا فی مالی و لا فی أحد من أحبتی».

**[ترجمه]

«۸»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ الَّذِی عَلَّمَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام لِیَحْفَظَ کُلَّ مَا یَسْمَعُ رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَحْفَظَ کُلَّ مَا تَسْمَعُ وَ تَقْرَأُ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاةٍ وَ هُوَ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَعْتَدِی عَلَی أَهْلِ مَمْلَکَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّءُوفِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی قَلْبِی نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ لِمَنْ یُرِیدُ قَضَاءَ الْحَاجَاتِ أَنْ یَقُولَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ مَا رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی ره عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ الْکِسَائِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ ثَعْلَبَهَ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّیِّ عَنْ أَخِیهِ إِدْرِیسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاهِ فَقُلْ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَدِینُکَ بِطَاعَتِکَ وَ وَلَایَتِکَ وَ وَلَایَهِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله وَ وَلَایَهِ الْأَئِمَّهِ مِنْ أَوَّلِهِمْ إِلَی آخِرِهِمْ وَ تُسَمِّیهِمْ وَاحِداً وَاحِداً وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدِینُکَ بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَایَتِهِمْ وَ الرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَیْرَ مُتَکَبِّرٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ عَلَی مَعْنَی مَا أَنْزَلْتَ فِی کِتَابِکَ

ص: ۹

عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مُؤْمِنٌ مُعْتَرِفٌ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ يَا رَبِّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِوَلَايَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تُحَوِّلْنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِحُرْمَةِ اسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ بِحُرْمَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ عليهم السلام وَ تُسَمِّيهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ تَذْكُرُ حَوَائِجَكَ (۱) إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

مصباح الشيخ، مثله ذكره فى سياق الأدعيه من غير إسناد و من قوله أن تعصمنى بطاعتك إلى قوله اللهم إنى أسألك لم يكن فى نسخ فلاح السائل و كان فى المصباح و غيره فألحقناه و من قوله فيما مضى إلى قوله بولايتك لم يكن فى المصباح و لعله

سقط من النساخ و رواه الشيخ فى التهذيب (۲)

فى أدعيه نوافل شهر رمضان عن على بن حاتم عن محمد بن أبى عبد الله عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن محمد بن سنان عن عبد الملك القمى عن أخيه عنه مثله و سيأتى.

**[ترجمه]فلاح السائل: از جمله مهمترين دعاها، دعايى است كه پيامبر صلى الله عليه و آله به على عليه السلام ياد داد تا هر چه را شنيد، حفظ كند. روايت شده است كه پيامبر صلى الله عليه و آله به اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: اگر مى‌خواهى همه آنچه را كه مى‌شنوى و مى‌خوانى، به خاطر بسپارى، بعد از هر نماز اين دعا را بخوان: {منزه است آنكه بر زيردستانش تجاوز نمى كند؛ منزه است آنكه اهل زمين را با انواع مجازات ها مؤاخذه نمى كند؛ منزه است خداى مهربان و بخشايشگر؛ خدايا در قلب من نور و بصيرت و فهم و علم قرار بده كه تو بر هر كارى توانايى.}

نيز از جمله دعاهاى مهم براى كسى كه مى‌خواهد نيازهايش برآورده شود، اين است كه بعد از تمام شدن هر نماز، دعايى را كه از امام صادق عليه السلام روايت شده بخواند. ادريس بن عبدالله گفته است: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود: هرگاه از نماز فارغ شدى، بگو: {خدايا، من با پذيرش اطاعت تو و ولايت تو و ولايت پيامبر تو و ولايت امامان، از اولين تا آخرين آنها - هر كدام را يك به يك اسم مى‌برى- به دين تو مى گرايم. - سپس مى گويى:- خدايا، من با اطاعت از آنان و قبول سرپرستى آنان و خشنودى از فضيلتى كه به آنان بخشيده‌اى، به دين تو روى مى‌آورم؛ بدون اينكه نسبت به آنچه در كتاب خودت نازل كرده‌اى و نيز به آن مقدارى كه برايمان در قرآن آمده و آنچه كه نيامده، خود بزرگى نشان دهم يا به دنبال آن باشم؛ بلكه به آن ايمان دارم و اعتراف مى كنم؛ به آنچه مورد رضاى توست راضى‌ام. پروردگارا، به وسيله آن، روى تو را و سراى آخرت را مى‌خواهم كه در مورد آن، در هراس و به سوى تو روى آور باشم؛ پس مرا با آن زنده بدار و اگر خواستى بميرانى، با آن بميران و مرا با آن مبعوث كن. اگر در گذشته كوتاهى داشته‌ام، پس از آن به سوى تو بازمى گردم و به آنچه پيش توست، روى مى‌آورم و از تو مى‌خواهم با سرپرستى خود مرا از نافرمانى‌ات بازدارى و مرا به اندازه چشم به هم زدنى و يا كمتر و يا بيشتر از آن، به خودم وانگذارى؛ چرا كه نفس پيوسته به بدى‌ها دستور مى‌دهد، مگر اينكه تو خودت رحم كنى، اى مهرباترين مهربانان. از تو مى‌خواهم مرا تا هنگام مردنم بر طاعت خودت نگهدارى و آن هنگام از من راضى

باشـی و عـاقبت مرا ختم به خوشـبختی نمایی و هرگز مرا از آن جـدا نگردانی، که همه نیروها با توست. خـدایا، به احترام ذات بخشـندهات و به احترام اسم بزرگت و به احترام پیـامبرت، که درود تو نثـار او و خانـدان او بـاد، و به احترام اهـل بیت پیامبرت علیهم السـلام - آنهـا را اسم میبری- از تـو میخـواهم بر محمـد و خانـدان او درود فرسـتی و در مـورد من اینگونه کنی.} و درخواستهای خود را میگویی - . فلاح السائل: ۱۶۸ - .

انشاءالله

مصـباح الشـیخ: هماننـد این را در کنـار دعاهای بـدون سـند ذکر کرده است و از عبارت «أن تعصـمنی بطاعتک» تا «اللهم إنی أسـئلک» در نسـخههـای فلاح السائل وجود نـدارد، ولی چون در المصـباح و دیگر کتابها وجود داشت، آن را اضافه کردیم. همچنین از عبارت «فیما مضـی» تا «بولایتک» در المصـباح وجود ندارد و شاید از قلم نویسـنده افتاده است. شـیخ مثل این را در التهذیب - . التهذیب ۳: ۹۹ (چاپ نجف) -

در زمره دعاهای ماه رمضان ذکر کرده است که در ادامه خواهد آمد.

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السـلام علی معنی مـا أنزلت لعـل المعنی أومن بهم و بفضـائلهم علی الوجه الـذی أنزلته فی کتابـک و إن لم یحـط به علمی و لم أفهمه من الکتـاب و الحاصـل أنی لاـ أحیـط علمـا بفضـائلهم و بشـرائط طـاعتهم و حـدودها فأومن بـذلک مجملا و یحتمـل تعلقه بقوله و لاـ مسـتکبر أی لاـ أتکبر علی شـی ء من معـانی کتابـک علی الحـدود التی أحطنـا بها أو لم نحط بل أقبل جمیعها و أذعن بها و أعزم علی الإتیان بها و یحتمل أن یکون المعنی أدین بما أتانا به إثباتا و بما لم یأتنا به نفیا و الأول أظهر.

ص: ۱۰

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۶۸.

۲- ۲. التهذیب ج ۳ ص ۹۹ ط نجف.

**[ترجمه]عبارت «علی معنی ما أنزلت» شایـد به این معنا باشد که به آنها و به فضـیلت‌هایشان، به همان صورتی که در کتابت نازل کرده‌ای، ایمان بیاورم؛ هرچند دانش من به آن اندازه نرسد و از کتاب تو آن را متوجه نشوم. نتیجه اینکه من دانشی که به واسطه آن به فضیلت‌های آنان و شرایط و مقدار اطاعت از آنان آگاهی یابم، ندارم، پس اجمالاً به آن ایمان می‌آورم. همچنین احتمـال دارد متعلق به «و لاـ مسـتکبر» باشـد؛ یعنی نسبت به هیـچ یک از معانی و محتواهای کتاب تو در آن حـدی که به آنها آگـاهی یـافته‌ام یا نیافته‌ام، سرکشـی نشان نمی‌دهم؛ بلکه همه آنها را می‌پـذیرم و به آن اعتراف می‌کنم و تصـمیم جـدی بر به جای آوردن آن می‌گیرم. نیز احتمال دارد به این معنی باشـد که می‌پذیرم، آنچه را که برای ما آورده است، اثبات کرده اسـت و آنچه را که برای ما نیاورده است، نفی کرده است. ولی احتمال اول، آشکارتر است.

**[ترجمه]

«۹»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ فِی تَعْقِیبِ الصَّلَاهِ لِزِیَادَهِ السَّعَادَاتِ الِاقْتِدَاءُ بِالصَّادِقِ علیه السلام فِیمَا نَذْکُرُهُ مِنَ الدَّعَوَاتِ کَمَا رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی یَوْماً وَ هُوَ یَصَّدَّقُ عَلَی فُقَرَاءِ أَهْلِ الْمَدِینَهِ بِثَمَانِیَهِ آلَافِ دِینَارٍ وَ أَعْتَقَ أَهْلَ بَیْتٍ بَلَغُوا أَحَدَ عَشَرَ مَمْلُوکاً فَکَانَ ذَلِکَ أَعْجَبَنِی فَنَظَرَ إِلَیَّ ثُمَّ قَالَ هَلْ لَکَ فِی أَمْرٍ إِذَا فَعَلْتَهُ مَرَّهً وَاحِدَهً خَلْفَ کُلِّ صَلَاهٍ مَکْتُوبَهٍ کَانَ أَفْضَلَ مِمَّا رَأَیْتَنِی صَنَعْتُ وَ لَوْ صَنَعْتُهُ کُلَّ عُمُرِ نُوحٍ قَالَ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ تَقُولُ خَلْفَ الصَّلَاهِ- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ وَ الْمَلَکُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْکِبْرِیَاءِ وَ الْعَظَمَهِ سُبْحَانَ الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلَی سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ کُلُّ هَذَا قَلِیلٌ یَا رَبِّ وَ عَدَدَ خَلْقِکَ وَ مِلْ ءَ عَرْشِکَ وَ رِضَا نَفْسِکَ وَ مَبْلَغَ مَشِیَّتِکَ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ مِلْ ءَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ زِنَهَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ مِثْلَ ذَلِکَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَی وَ عَدَدَ خَلْقِکَ وَ مِلْ ءَ خَلْقِکَ وَ زِنَهَ خَلْقِکَ وَ مِثْلَ ذَلِکَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَی وَ عَدَدَ بَرِیَّتِکَ وَ مِلْ ءَ بَرِیَّتِکَ وَ زِنَهَ بَرِیَّتِکَ وَ مِثْلَ ذَلِکَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَی وَ عَدَدَ مَا تَعْلَمُ وَ زِنَهَ مَا تَعْلَمُ وَ مِلْ ءَ مَا تَعْلَمُ وَ مِثْلَ ذَلِکَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَی وَ مِنَ التَّحْمِیدِ وَ التَّعْظِیمِ وَ التَّقْدِیسِ وَ الثَّنَاءِ وَ الشُّکْرِ وَ الْخَیْرِ وَ الْمَدْحِ وَ الصَّلَاهِ عَلَی النَّبِیِّ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ مِثْلَ ذَلِکَ وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ وَ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ عَدَدَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَیْ ءٍ وَ مِلْ ءَ ذَلِکَ کُلِّهِ وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ کُلِّهِ أَضْعَافاً لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَنَطَقُوا بِذَلِکَ مُنْذُ قَطُّ إِلَی الْأَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ یَقُولُونَ کَذَلِکَ وَ لَا یَسْأَمُونَ وَ لَا یَفْتُرُونَ أَسْرَعَ مِنْ لَحْظِ الْبَصَرِ وَ کَمَا یَنْبَغِی لَکَ وَ کَمَا أَنْتَ لَهُ أَهْلٌ وَ أَضْعَافَ مَا ذَکَرْتُ وَ زِنَهَ مَا ذَکَرْتُ وَ عَدَدَ مَا ذَکَرْتُ وَ مِثْلَ جَمِیعِ ذَلِکَ کُلُّ هَذَا قَلِیلٌ یَا إِلَهِی تَبَارَکْتَ وَ تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَیْتَ عُلُوّاً کَبِیراً یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَسْأَلُکَ عَلَی أَثَرِ هَذَا الدُّعَاءِ بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَ أَمْثَالِکَ الْعُلْیَا وَ کَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ أَنْ تُعَافِیَنِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ قَالَ أَبُو یَحْیَی سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ الدُّعَاءُ هَذَا مُسْتَجَابٌ (۱).

۱- ۱. فلاح السائل: ۱۶۹ و ۱۷۰.

**[ترجمه]فلاح السائل: از دیگر دعاهای مهم پس از نماز و برای کسب سعادت بیشتر، دعای امام صادق علیه السلام است که در اینجا از مهج الدعوات نقل می کنیم. امام صادق علیه السلام فرمود: روزی پیش پدرم رفتم و او در حال دادن صدقه به میزان هشت هزار دینار به فقرای شهر و آزاد کردن یازده برده بود. دیدن این وضعیت مرا به شگفت آورد. پس به من نگاه کرد و فرمود: آیا می‌خواهی کاری بعد از هر نماز واجب انجام دهی و با فضیلت‌تر از کاری که دیدی من انجام دادم، باشد، حتی اگر به اندازه عمر نوح آن را انجام دهم؟ گفتم: آن چه کاری است؟ فرمود: بعد از هر نماز واجب می گویی: {گواهی می‌دهم که خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و شریکی برای او وجود ندارد؛ پادشاهی برای اوست و ستایش از آن اوست؛ زنده می... کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می گرداند، خیر در دست اوست و او بر هر کاری تواناست. هیچ نیرو و هیچ قدرتی جز با یاری خدای بلند مرتبه بزرگ نیست. منزه است خدای صاحب فرمانروایی و ملکوت؛ منزه است خدای صاحب شکوه و جبروت؛ منزه است خدای صاحب بزرگی و عظمت؛ منزه است خدایی که نمی‌میرد؛ منزه است پروردگار بلند مرتبه من، منزه است پروردگار بزرگ من؛ منزه است خدا و او را ستایش می کنم. همه اینها ای پروردگار من، اندک است، حتی اگر به تعداد آفریدگان و گنجایش عرش تو باشند؛ تا آنجا که راضی شوی و تا آنجا که مشیت تو بر آن قرار گیرد و به تعداد آنچه در کتاب تو شمارش شده و گنجایش آنچه در کتاب تو شمارش شده و به سنگینی آنچه در کتاب تو شمارش شده و مانند آن به چندین برابری که در شمارش نگنجد؛ و به تعداد آفریده‌هایت و گنجایش آفریدگان و به سنگینی آفریدگانت و مانند آن به چندین برابری که در شمارش نیاید؛ و به تعداد آنچه می‌دانی و به وزن آنچه می‌دانی و گنجایش آنچه می‌دانی و چند برابر مانند آن که قابل شمارش نباشد؛ و از سپاس گفتن و بزرگ داشتن و پاک شمردن و ستایش و شکر و خیر و ستودن و درود بر پیامبر و اهل بیت او، که درود خدا بر او و بر آنان باد، به اندازه آن و چندین برابر آن و به تعداد همه آنچه آفریده‌ای و به وجود آورده‌ای و ایجاد کرده‌ای و تعداد آنچه تو آفریننده آن بوده‌ای و به گنجایش همه آنها و چند برابر آنها اگر می... آفریدی، پس به واسطه آن از همان دم تا به ابد بی وقفه به سخن در آمدند و آن گونه سخن می گویند و خسته نمی‌شوند و سست نمی‌شوند، سریع‌تر از به هم زدن چشم و آن‌گونه که سزاوار توست و تو سزاوار آنی و چند برابر آنچه گفتم و سنگینی آنچه گفتم و تعداد آنچه گفتم، مانند همه آنها؛ همه اینها اندک است ای خدای من، تو مبارک و مقدسی و بی‌نهایت برتری، ای صاحب شکوه و بزرگواری. به دنبال این دعا و به احترام اسم‌های نیکو و مثال‌های والا و کلمات تامّات از تو می‌خواهم که مرا در دنیا و آخرت در امان بداری.} ابو یحیی گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: دعایی این گونه، اجابت شده است. - . فلاح السائل: ۱۶۹ و ۱۷۰ -

**[ترجمه]

بیان

یصدق بتشدید الصاد و الدال أی یتصدق قلبت التاء صادا و أدغمت و فی التنزیل الکریم إِنَّ الْمُصَّدِّقِینَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ (۱) و المصدق بالتخفیف آخذ الصدقات و بالتشدید معطیها و الملکوت مأخوذ من الملک کالجبروت من الجبر و قد یطلق الملکوت علی السماویات و الملک علی الأرضیات و قیل الملکوت المجردات و الملک المادیات و فی النهایه الکبریاء العظمه و الملک و قیل هی عباره عن کمال الذات و کمال الوجود و لا یوصف بها إلا الله تعالی.

قوله علیه السلام و عدد خلقک أی أرید أن أسبحک بتلک التسبیحات بهذا العدد أو أنت مستحق لها بهذا العدد و مل ء عرشک تشبیه للمعقول بالمحسوس و رضا نفسک أی أسبحک بعدد ترضی به عنی و بعدد یبلغ ما شئته و أردته من خلقک أو یوافق عدد مشیاتک فی خلقک و هی لا تتناهی و الکتاب اللوح أو القرآن و قط ظرف زمان لاستغراق ما مضی و یختص بأصل وضعه بالنفی و قد یستعمل فی الإثبات قال الفیروزآبادی قط للنفی فی الزمان الماضی و فی مواضع من البخاری جاء بعد المثبت و فی سنن أبی داود توضأ ثلاثا قط و أثبته ابن مالک فی الشواهد انتهی و قد یقرأ قط بمعنی قطع کنایه عن الخلق و الأول أظهر.

**[ترجمه]«یصدق» با تشدید صاد و دال، یعنی صدقه می‌دهد؛ حرف تاء تبدیل به صاد شده و در صاد ادغام شده است؛ در قرآن کریم نیز به صورت «المصَّدِّقین و المُصَّدِّقات» - . حدید / ۱۸ -

به کار رفته است که «المصدق» بدون تشدید، یعنی گیرنده صدقه و با تشدید، یعنی صدقه دهنده است. و «الملکوت» از ملک گرفته شده است، مانند «الجبروت» که از جبر گرفته شده است. گاهی «الملکوت» بر آسمانیان و «الملک» بر زمینیان اطلاق می‌شود. نیز گفته شده است: ملکوت همان موجودات مجرد و ملک، موجودات مادی هستند. در النهایه، «الکبریاء»، به معنی عظمت و فرمانروایی آمده است؛ گفته شده است: آن عبارت است از کمال ذات و کمال وجود که جز خدای بلند مرتبه، کس دیگری با آن توصیف نمی‌شود .

کلام آن حضرت «عدد خلقک»، یعنی می‌خواهم با آن تسبیحات و به این تعداد تو را تسبیح گویم؛ یا اینکه تو سزاوار آن به این تعداد هستی. «ملء عرشک» تشبیه موجودات ذهنی به موجودات حسی است. «و رضا نفسک»، یعنی تو را به آن تعداد که از من راضی باشی و به آن تعدادی که اراده کرده‌ای و از آفریده‌هایت خواسته‌ای، تسبیح می گویم. یا با تعداد آفریده‌هایت برابر شود که بی پایان است. «الکتاب»، یعنی لوح یا همان قرآن. «قطّ» ظرف زمان است برای شامل شدن همه آنچه سپری شده است و در اصل، برای نفی قرار داده شده است ولی در جملات مثبت نیز استعمال می‌شود. فیروزآبادی گفته است: قط برای نفی در زمان گذشته است و بخاری در پاره‌ای موارد آن را بعد از جمله مثبت به کار برده است. در سنن أبی داود «توضّأ ثلاثاً قط» آمده و ابن مالک آن را در شواهدی برای اثبات، استعمال کرده است. پایان. همچنین «قُطَّ» به معنای «قطع کرد» نیز خوانده شده است که کنایه از آفریدن است، ولی اولی آشکارتر است.

**[ترجمه]

«۱۰»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الِامْتِثَالُ لِقَوْلِ مَوْلَانَا الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي الدُّعَاءِ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ كَمَا رَوَاهُ أَبُو الْفَرَجِ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ فِي كِتَابِهِ عَلَى يَدَيْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَدَّادِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَدْعُو فِي أَعْقَابِ الصَّلَوَاتِ الْفَرَائِضِ بِهَذِهِ الْأَدْعِيَةِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا بَرَاءَتَنَا وَ فِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَ فِي عَذَابِكَ وَ هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَ مِنَ الضَّرِيعِ وَ الزَّقُّومِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَ مَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَجْمَعْنَا وَ عَلَى وُجُوهِنَا فِي النَّارِ فَلَا تَكْبُبْنَا وَ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ سَرَابِيلِ

١- ١. الحديد: ١٨.

الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَنَجِّنَا وَ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَ فِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ وَ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ مَنْثُورٌ فَأَخْدِمْنَا وَ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّهِ وَ لُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَ مِنْ ثِيَابِ الْحَرِيرِ وَ السُّنْدُسِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ فَاكْسُنَا وَ لَيْلَهَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارْزُقْنَا وَ سَدِّدْنَا وَ قَرِّبْنَا إِلَيْكَ زُلْفَى وَ صَالِحَ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَهِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ لَنَا وَ اسْتَجِبْ وَ إِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَارْحَمْنَا يَا رَبِّ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: یکی دیگر از امور مهم، پیروی از کلام سرورمان امام جعفر صادق فرزند امام محمد باقر علیهما السلام است که فرموده است: در ادامه هر یک از نمازهای واجب، این گونه دعا کنید: {خدایا، از تو به حق محمد و خاندان محمد، دوری از آتش را خواستارم؛ پس این دوری را برای ما قرار بده و ما را در آتش قرار نده و در عذاب و خواری‌ات ما را گرفتار نکن و از ضریع و زقوم به ما نچشان و با شیاطین موجود در آتش، ما را یک جا قرار نده و ما را با صورت در آتش مینداز و از پیراهن‌های آتشین و لباس‌های گداخته مسی بر ما نپوشان و از هر بدی، ای خدایی که هیچ خدایی جز تو نیست، در روز قیامت ما را نجات ده و با رحمت خود، ما را در گروه نیکوکاران داخل کن و در جایگاه افراد بلند مرتبه ما را بالا ببر و از جام نوشیدنی گوارا و چشمه سلسبیل ما را سیراب کن و حوریان درشت چشم را به ازدواج ما در آور و از فرزندان جاویدان که گویی مروارید پنهان و درخشنده هستند، به خدمت ما در آور و از میوه‌های بهشتی و گوشت‌های پرندگان به ما بخوران و از لباس‌های ابریشمی و دیبایی و استبرق بر اندام ما بپوشان و درک شب قدر و حج خانه با احترام خودت را روزیمان کن و ما را پایدار و به خودت نزدیکتر بگردان و خواسته‌هایمان را نیکو و مورد اجابت قرار بده.

ای آفریدگار ما، به ما گوش فرا دار و مورد اجابت قرار بده و آنگاه که همه آفریدگان را از اولین تا آخرینشان در روز قیامت جمع کردی، بر ما رحم نما؛ ای پروردگار، پناهنده به تو عزیز است و ستایش تو راست، بزرگواری و هیچ خدایی جز تو نیست.} – . فلاح السائل: ۱۷۶ –

**[ترجمه]

بیان

الضریع و الزقوم من طعام أهل النار أعاذنا الله منها و قال سبحانه سَرابِیلُهُمْ مِنْ قَطِرانٍ (۲) السربال القمیص و القطران بفتح القاف و کسر الطاء الذی یطلی به الإبل التی بها الجرب فیحرق بحدته و حرارته الجرب یتخذ من حمل شجر العرعر فیطبخ بماء ثم یهنأ به و سکون الطاء و فتح القاف و کسرها لغه و قرئ من قطران أی نحاس قد انتهی حره.

و من کأس مأخوذ من قوله تعالی یُطافُ عَلَیْهِمْ بِکَأْسٍ مِنْ مَعِینٍ (۳) أی شراب معین أو نهر معین أی ظاهر للعیون أو خارج من العیون و هو صفه الماء من عان الماء إذا نبع وصف به خمر الجنه لأنها تجری کالماء ذکره البیضاوی و قال فی قوله تعالی عَیْناً فِیها تُسَمَّی سَلْسَبِیلًا(۴) السلاسه انحدارها فی الحلق و السهوله مساغها یقال شراب سلسل و سلسال و سلسبیل و الحور جمع الحوراء و هی التی اشتد بیاض عینها و سوادها و قیل الحوراء البیضاء و العیناء عظیم العینین.

و من الولدان المخلدين أى المبقين ولدانا لا يتغيرون و لا يشيبون و قيل:

ص: ١٣

١- ١. فلاح السائل ص ١٧۶.

٢- ٢. إبراهيم: ۵٠.

٣- ٣. الصافّات: ۴۵.

۴- ۴. الإنسان: ١٨.

أی المقرطين و تشبيههم بـاللؤلؤ المنثور لصـفاء ألوانهم و كثرتهم و انبثاثهم فی مجالسـهم و انعكاس شـعاع بعضـهم إلى بعض و السـندس رقيق الديباج و الحرير و الإستبرق غليظه أو ديباج يعمل بالذهب عز جارک الجار من أمنته أی من كان فی أمانک فهو عزيز غالب.

**[ترجمه]«الضـريع» و «الزقّوم» از غذاهای جهنميان است. - خدا ما را از آن در امان بدارد. - خداوند فرموده است: «سـرابيلهم من قطران»، - . ابراهيم/ ۵۰ - {تن پوش‌هايشان

از «قطران» است.} «السـربال» يعنی پيراهن و «القطران» با فتحه قاف و كسره طاء، يعنی دوايی كه با آن پشت شتری را كه مرض گری گرفته، چرب می‌كننـد كه آن را با گرمی و حرارتش می‌سوزاند. جرب از شـيره درخت عرعر گرفته شده و سـپس با آب می‌پزنـد و بـا آن شتر را چرب می‌كننـد. در لغت به سـكون طاء و فتحه و كسـره قاف نيز آمـده است. همچنين «من قطرآن» نيز خوانده شده است؛ يعنی مسی كه سوزشش پايان يافته است.

«من كأس» از اين كلام خدا كه فرموده است: «يطاف عليهم بكأس معين»، - . الصافات/ ۴۵ - {با

جـامی از بـاده نـاب، پيرامونشان به گردش درمی آينـد.} گرفته شـده است؛ يعنی نوشـيدنی گوارا، يا چشـمه گوارا، يا آنچه از چشـمه‌ها ظاهر می‌شود يا آنچه از چشـمه‌ها بيرون می‌آيد كه اين صـفت آب است و از «عان» به معنای جوشيدن آب می‌باشد. شراب‌های بهشتی اين‌گونه توصـيف شده‌اند، زيرا مانند آب روان هسـتند؛ بيضاوی اين را گفته است. وی همچنين گفته است: در اين كلام خداوند كه فرموده است: «عيناً فيها تُسمّى سَلسَبيلاً»، - . الانسان/ ۱۸ - {از

چشـمه ای در آنجا كه «سـلسبيل» ناميده می شود.} «السـلاسه»، يعنی فرو رفتن در حلق و گوارايی. وقتی گفته می‌شود «شـراب سلسل و سـلسال و سـلسبيل» - به همين معنا است.- «الحور» جمع حوراء، به كسـی می‌گوينـد كه سـفيدی و سـياهی چشـمانش چشمگير باشد؛ و گفته شده، حوراء، يعنی بسيار سفيد و عيناء، يعنی درشت چشم.

«و من الولـدان المخلّـدين»، يعنی پسـرانی كه همان‌طور جوان باقی بمانند و تغييری پيدا نكنند و پير نشوند. نيز گفته شده است: يعنی بـا گوشواره آراسـته شـدگان و تشبيه آنهـا به مرواريـد پراكنـده، به خاطر درخشـندگی رنگ‌های آنان يا زياد بودنشان و پراكنـده شـدنشان در مجـالس آنـان و بازتـاب نور بعضـی از آنهـا در بعضـی ديگر است. است. «السـندس»، يعنی بافت ظريف ديبايی يا ابريشـمی؛ «الاسـتبرق» بافت ضـخيم آن است؛ يا ديبايی كه با طلا دوخته شود. «عزَّ جارُک»، يعنی همسايه كه تو به او ايمنی بخشيده‌ای؛ به عبارت ديگر، هر كس در پناه تو باشد، عزيز و پيروز خواهد بود.

**[ترجمه]

أقول

أورد الشيخ فی المصباح هذا الدعاء فی التعقيبات المختصه بصلاه الظهر و فيه و ليله القدر فارحمنا و حج بيتک إلخ.

**[ترجمه]شیخ این دعا را در المصباح در تعقیبات مخصوص نماز ظهر آورده و در آن «و لیله القدر فارحَمنا و حجَّ بیتک...» تا آخر دعا وجود دارد.

**[ترجمه]

«۱۱»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ الصَّلَوَاتِ لِتَلَافِی مَا یَکُونُ حَصَلَ فِیهَا مِنَ الْغَفَلَاتِ وَ الْجِنَایَاتِ مِنْ کِتَابِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَانِبَهَ وَ قَدْ ذَکَرَ جَدِّیَ السَّعِیدُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ فِی کِتَابِ الْفِهْرِسْتِ أَنَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا الثِّقَاتِ وَ رَوَی لَنَا الْعَمَلَ بِمَا تَضَمَّنَهُ کِتَابُهُ فِی الدَّعَوَاتِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَحِمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الْأَشْعَرِیِّ وَ کَانَ قَائِداً مِنَ الْقُوَّادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِیِّ قَالَ عَرَضَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَانِبَهَ کِتَابَهُ عَلَی مَوْلَانَا- أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْعَسْکَرِ الْآخِرِ فَقَرَأَهُ وَ قَالَ صَحِیحٌ فَاعْمَلُوا بِهِ.

فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ خَانِبَهَ فِی کِتَابِهِ الْمُشَارِ إِلَیْهِ: فِی الدُّعَاءِ وَ الْمُنَاجَاهِ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الصَّلَاهِ یَقُولُ اللَّهُمَّ لَکَ صَلَّیْتُ وَ إِیَّاکَ دَعَوْتُ وَ فِی صَلَاتِی وَ دُعَائِی مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَهِ وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَهِ وَ الْکَسَلِ وَ الْفَتْرَهِ وَ النِّسْیَانِ وَ الْمُدَافَعَهِ وَ الرِّیَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الرَّیْبِ وَ الْفِکْرَهِ وَ الشَّکِّ وَ الْمَشْغَلَهِ وَ اللَّحْظَهِ الْمُلْهِیَهِ عَنْ إِقَامَهِ فَرَائِضِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ مَکَانَ نُقْصَانِهَا تَمَاماً وَ عَجَلَتِی تَثَبُّتاً وَ تَمَکُّناً وَ سَهْوِی تَیَقُّظاً وَ غَفْلَتِی تَذَکُّراً وَ کَسَلِی نَشَاطاً وَ فُتُورِی قُوَّهً وَ نِسْیَانِی مُحَافَظَهً وَ مُدَافَعَتِی مُوَاظَبَهً وَ رِئَائِی إِخْلَاصاً وَ سُمْعَتِی تَسَتُّراً وَ رَیْبِی بَیَاناً وَ فِکْرِی خُشُوعاً وَ شَکِّی یَقِیناً وَ تَشَاغُلِی فَرَاغاً وَ لِحَاظِی خُشُوعاً فَإِنِّی لَکَ صَلَّیْتُ وَ إِیَّاکَ دَعَوْتُ وَ وَجْهَکَ أَرَدْتُ وَ إِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ مَا عِنْدَکَ طَلَبْتُ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی فِی صَلَاتِی وَ دُعَائِی رَحْمَهً وَ بَرَکَهً تُکَفِّرْ بِهَا سَیِّئَاتِی وَ تُضَاعِفْ بِهَا حَسَنَاتِی وَ تَرْفَعْ بِهَا دَرَجَتِی وَ تُکْرِمْ بِهَا مَقَامِی وَ تُبَیِّضْ بِهَا وَجْهِی وَ تَحُطَّ بِهَا وِزْرِی وَ تَقْبَلْ بِهَا فَرْضِی وَ نَفْلِی

ص: ۱۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْطُطْ بِهَا وِزْرِی وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَکَ خَيْراً لِی مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَى عَنِّی صَلَاتِی إِنَّ الصَّلاةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَكْرَمَ وَجْهِی عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَهُ اللَّهُمَّ كَمَا أَكْرَمْتَ وَجْهِی عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَکَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صُنْهُ عَنِ الْمَسْأَلَهِ إِلَّا مِنْکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّی بِأَحْسَنِ قَبُولِکَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِنُقْصَانِهَا وَ مَا سَهَا عَنْهُ قَلْبِی مِنْهَا فَتَمِّمْهُ لِی بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِی الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أُولِی الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَ ذَوِی الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ وَ الْمَوَالِی الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمُوَالاتِهِمْ وَ مَعْرِفَهِ حَقِّهِمْ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِی وَ ثَوَابَ مَجْلِسِی رِضَاکَ وَ الْجَنَّهَ وَ اجْعَلْ ذَلِکَ كُلَّهُ خَالِصاً مُخْلَصاً يُوَافِقُ مِنْکَ رَحْمَهً وَ إِجَابَهً وَ افْعَلْ بِی جَمِيعَ مَا سَأَلْتُکَ مِنْ خَيْرٍ وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ إِنِّی إِلَيْکَ مِنَ الرَّاغِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِی لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِی لَا يَنْفَدُ أَبَداً يَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَى عَدَداً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ آمَنَ بِکَ فَهَدَيْتَهُ وَ تَوَكَّلَ عَلَيْکَ فَكَفَيْتَهُ وَ سَأَلَکَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ رَغِبَ إِلَيْکَ فَأَرْضَيْتَهُ وَ أَخْلَصَ لَکَ فَأَنْجَيْتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَحْلِلْنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِنْ فَضْلِکَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی جَمِيعَ ذُنُوبِی وَ تَقْلِبَنِی بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِی إِلَيْکَ إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِی وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِی وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِی مِنْ أَمْرٍ تَعْلَمُ فِيهِ صَلَاحَ أَمْرِ دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْهُ بِی يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

قال السيد رضى الله عنه روى هذا الدعاء عن مولانا على بن أبى طالب عليه السلام من أوله إلى قوله فى الدعاء كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً ثم قال يا أرحم الراحمين و فى الروايتين اختلاف (۱)

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ غَيْرُهُ مُرْسَلًا: مِثْلَهُ وَ جَعَلَهُ الْأَكْثَرُ مِمَّا يُخْتَمُ بِهِ التَّعْقِيبُ (۲)

وَ هُوَ مِنْ أَدْعِيَةِ السِّرِّ رَوَاهُ الْكَفْعَمِيُ (۳)

فِيهَا وَ فِيهِ يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ لَا يَحُولَ بَيْنَ دُعَائِهِ وَ بَيْنِي حَائِلٌ وَ أَنْ أُجِيبَهُ لِأَيِّ أَمْرٍ شَاءَ عَظِيماً كَانَ أَوْ صَغِيراً فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ إِلَيَّ أَوْ إِلَى غَيْرِي فَلْيَقُلْ آخِرَ دُعَائِهِ يَا اللَّهُ الْمَانِعُ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ.

**[ترجمه]فلاح السائل: از جمله کارهای مهم بعد از فارغ شدن از نماز، به منظور جبران غفلت‌ها و خطاهایی که قبلاً رخ داده است، دعایی است از کتاب احمد بن عبدالله بن خابنه که جد سعادتمندم ابو جعفر طوسی در کتاب الفهرست، او را از اصحاب مورد اطمینان ما شمرده و یادآور شده که عمل کردن به دعاهای موجود در کتابش را برای ما چنین روایت نموده است: ابو محمد هارون بن موسی که رحمت خدا بر او باد، از ابی علی اشعری که رهبری از رهبران بوده، به ما گفت که سعد بن عبد الله اشعری گفته است: احمد بن عبدالله بن خانبه، کتابش را به سرور ما ابی محمد حسن بن علی بن محمد، (امام عسکری دوم) عرضه کرد و او آن را خواند و فرمود: - محتوای کتاب - درست است، به آن عمل کنید. احمد بن خانبه در این کتابش در مورد دعا و مناجات گفته است: بعد از تمام شدن نماز بگویید:

{خدایا، برای تو نماز خواندم و تنها از تو درخواست کردم و به راستی دانستی که در نماز و درخواستم چه کاستی و عجله و اشتباه و غفلت و تنبلی و سستی و فراموشی و درگیری و ریا و خودنمایی و تردید و فکر نابجا و شک و مشغولیت ذهنی و نگاه بازدارنده از به جا آوردن حق واجب تو در آن وجود داشت؛ پس بر محمد و خاندان او درود فرست و به جای کاستی آن نمازم، تمامی قرار ده و به جای شتابم در آن، استواری و آرامش و به جای اشتباهم، هوشیاری و به جای غفلتم، یادآوری و به جای تنبلی‌ام، نشاط و به جای سستی‌ام، توانایی و به جای فراموشی‌ام، دقت و به جای درگیری ذهنی‌ام، مواظبت و به جای ریا، اخلاص و به جای خودنمایی‌ام، پوشاندن و به جای تردیدم، روشنگری و به جای فکر نابجا، خشوع و به جای شک، یقین و به جای گرفتاری، آسودگی و به جای نگاهم خشوع قرار ده که من برای تو نماز خواندم و از تو درخواست کردم و رضایت تو را اراده کردم و به سوی تو روی آوردم و به تو ایمان آوردم و تنها بر تو توکل کردم و آنچه در نزد توست، آن را خواستم؛ پس بر محمد و بر خاندان او درود فرست و در نماز و دعایم رحمت و برکتی قرار ده که با آن، گناهانم را بپوشانی و خوبی... هایم را با آن دو چندان کنی و مرتبه‌ام را با آن بالا ببری و با آن، جایگاهم را بزرگوار گردانی و رویم را سفید نمایی و به آن، بار گناهم را سبک گردانی و با آن، اعمال واجب و مستحبم را مورد قبول خودت قرار دهی.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست و به آن، بارم را سبک گردان و آنچه را که نزد توست برایم سودمندتر از آنچه از من جدا می‌شود قرار ده. سپاس خدایی را که این نماز را از من، انجام شده گردانید که نماز برای مؤمنان واجب

وقت‌دار است. ای مهربانترین مهربانان؛ سپاس خدایی را که ما را به این هدایت کرد و اگر هدایت او نبود، ما هرگز هدایت نمی‌یافتیم؛ سپاس خدایی را که چهره‌ام را از سجده جز بر او بزرگوار قرار داد؛ خدایا، همان طور که صورتم را از سجده بر غیر خودت بزرگوار کردی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را از درخواست کردن جز از تو، محفوظ بدار.

خدایا، بر محمد و بر خاندان او درود فرست و نمازم را به بهترین صورت از من قبول فرما و مرا به خاطر کاستی در آن و به خاطر آنچه که قلبم از آن غافل بود مؤاخذه نکن و آن را با رحمت خودت کامل بگردان، ای مهربانترین مهربانان. خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان صاحبان فرمان که دستور به اطاعت کردن از آنان داده‌ای و همان خویشانی که دستور به پیوستن با آنان داده‌ای و همان نزدیکانی که دستور به دوستی آنان داده‌ای؛ و همان اهل ذکر که دستور به پرسیدن از آنان داده‌ای و همان سرورانی که دستور به پیروی از آنان و شناختن حقشان داده‌ای و همان اهل بیت که ناپاکی را از آنان برده و کاملاً پاکشان کرده‌ای.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ثواب نماز و ثواب نشستنم را رضایت و بهشت خودت قرار ده و همه آنها را پاک و پاکیزه و در راستای رحمت و اجابت خودت قرار ده و تمام آنچه را که از تو درخواست خیر کردم، برای من قرار بده و از فضل خودت به من فزونی ببخش که من از روی آورندگان به تو هستم، ای مهربانترین مهربانان؛ ای صاحب نعمتی که هرگز قطع نمی‌شود؛ ای صاحب خوبی‌هایی که هرگز پایان نمی‌پذیرد؛ ای صاحب بخشش‌هایی که هرگز به شمارش در نمی‌... آید؛ ای بخشنده؛ ای بخشنده؛ ای بخشنده؛ بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست و مرا از کسانی قرار ده که به تو ایمان آورده، پس تو هدایتش کرده‌ای؛ بر تو توکل کرده، پس تو او را کفایت کردی؛ از تو درخواست کرده، پس تو به او بخشیده... ای؛ به تو روی آورده، پس تو خشنودش کرده‌ای؛ برای تو پاک شده، پس تو نجاتش داده‌ای.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست و از فضل خود، ما را به اقامتگاهی وارد گردان که در آن به ما نه سختی برسد و نه ناراحتی. خدایا، من با خواری و ناداری از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و تمام گناهان مرا ببخشی و با برآورده ساختن تمام نیازهایم، مرا به سوی خودت برگردانی که تو بی‌تردید بر هر چیزی توانایی.

خدایا، آنچه خواسته من درباره‌اش نارسا و نیرویم از بیان آن کم بود و هوشیاری‌ام به آن نرسید، از هر کاری که تو مصلحت دنیا و آخرتم را در آن می‌بینی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را از روی رحمتت و در عافیت، برای من به انجام رسان، ای خدایی که جز تو خدایی نیست؛ هر چه خدا اراده کند و هیچ نیرو و قوتی جز با خدا وجود ندارد.} سیّد - که خدا از او راضی باد - گفته است: این دعا از مولایمان حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام نقل شده که از اول تا عبارت «کانت علی المؤمنین کتابا موقوتاً» است و بعد از آن گفته است: «یا أرحمَ الراحمین». در دو روایت اختلاف وجود دارد. - . فلاح السائل: ۱۸۳-۱۸۵ -

مصباح الشیخ: و دیگری نیز مثل آن، ولی مرسل است و بیشتر فقها آن را به عنوان پایان بخش تعقیبات دانسته‌اند. - . البلد الأمین: ۲۲-۲۳ -

[و آن از دعاهای سرّ است که کفعمی در آنجا روایت کرده است - . روایتی که کفعمی در متن و حاشیه بلد الأمین و صفحه

۵۰۹ -۵۱۰ در زمره دعاهـای سـر آورده، این دعای طولانی که نقل شـد، نیست؛ بلکه ما آن را زیر شـماره ۱۲ خواهیم آورد و آنچه بین دو علامت قرار دارد، خـدشه دارد و اضافی است و لازم است از آن برداشـته شود. - و در آن آمـده: «ای محمـد، هر کس از امت تو بخواهد بین دعای او و من هیچ مانعی نباشد و هر چه می‌خواهد، اجابت کنم، خواه خواسـته‌اش بزرگ باشد یا کوچک، خواه پنهان از من یا دیگران باشد و یا آشکار، پس در پایان دعایش بگوید: «یا الله المانع» {ای خدای بازدارنده}... تا آخر دعا»]

**[ترجمه]

توضیح

قال فی النهایه فی حدیث ابن مسعود: أنه مرض و بکی فقال إنما أبکی لأنه أصابنی علی حال فتره و لم یصبنی فی حال اجتهاد.

أی فی حال سکون و تقلیل من العبادات و المجاهدات انتهی و المدافعه عدم انقیاد النفس للطاعه و الریب فی بعض النسخ بالباء الموحده و فی بعضها بالثاء المثلثه و هو الإبطاء و کذا النسختان موجودتان فی قوله و ریبی بیانا و البیان بالأول أنسب و فی بعض النسخ ثباتا فهو أنسب بالثانی و لا یبعد أن یکون بیاتا أی أبیت علی العمل و آتی به بیاتا.

و قال الجوهری اللحاظ بالکسر مصدر لاحظته إذا راعیته.

قوله دار المقامه أی دار الإقامه من فضـلک أی من إنعامک و تفضـلک من غیر أن یجب علیک شـی ء فیها نصب أی تعب و لا یمسنا فیها لغوب أی کلال و إعیاء.

**[ترجمه]در النهایه در شرح حال ابن مسعود گفته است: وی مریض شد و گریست و سپس گفت: به خاطر این گریه می‌کنم که [مریضی] در حالت سستی بر من عارض شده نه در حالت فعالیت؛ یعنی در حالت بی تحرکی و کم شدن عبادات و تلاش... ها. پایان. «المدافعه»، یعنی نافرمانی نفس برای طاعت. «الریب» که در نسـخه‌ها با حرف باء و در برخی دیگر با حرف ثاء آمده، همـان کنـدی است؛ در دو نسـخه موجود هم همین گونه است. در عبـارت «و ریبی بیانـاً»، بیان با اولی تناسب بیشتری دارد. در بعضـی نسـخه‌ها «ثباتاً» آمـده که با دومی تناسب دارد. همچنین بعید نیست که «بیاتاً» باشد؛ یعنی با تلاش، شب را می‌گذرانم و یا آن را در شب انجام می‌دهم.

جوهری گفته است: «اللحاظ» با کسره، مصدر «لاحظته» است؛ یعنی او را مراعات کردی .

عبارت «دار المقامه»، یعنی محل اقامت. «من فضلک»، یعنی از بخشیدن و فزونی دادن تو، بدون اینکه چیزی بر تو واجب باشد. «فیها نصب»، یعنی خستگی. «و لا یمسّنا فیها لغوب»، یعنی سنگینی و رنجوری.

**[ترجمه]

أقول

الظاهر أن الروايه التى أشار إليها عن أمير المؤمنين عليه السلام ما نرويه بعد ذلك عن الكتاب العتيق و كثيرا ما يروى السيد عن الكتاب المذكور فى كتبه و إنما أعدناها للاختلاف الكثير بينهما.

ص: ۱۶

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۸۳- ۱۸۵.

۲- ۲. البلد الأمين ۲۲- ۲۳.

۳- ۳. ما رواه الكفعمىّ فى البلد الأمين ص ۲۳ هامشا و متنا و ص ۵۰۹- ۵۱۰ فى أدعيه السر ليس هذا الدعاء الذى نقل بطوله، بل سيجى ء تحت الرقم الآتى: ۱۲ فما جعلناه بين العلامتين مقتحم فى البين زائد يجب أن يضرب عليه.

**[ترجمه]ظاهراً روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که به آن اشاره کرد، همان روایتی است که ما در ادامه از کتاب العتیق نقل خواهیم کرد. سید نیز در کتاب‌های خودش، از این کتاب فراوان روایت نقل کرده است و ما آن را دوباره آوردیم، چون اختلاف زیادی بین آن‌ها وجود دارد.

**[ترجمه]

«۱۲»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ،: ثُمَّ قُلْ يَا اللَّهُ الْمَانِعُ قُدْرَتُهُ خَلْقَهُ وَ الْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانَهُ وَ الْمُتَسَلِّطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ كُلُّ مَرْجُوٍّ دُونَكَ يُخَيِّبُ رَجَاءَ رَاجِيهِ وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يَخِيبُ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ رِضاً لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ أَنْتِ فِيهِ وَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذْكَرَ بِهِ وَ بِكَ يَا اللَّهُ فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْ ءٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَحُوطَنِي وَ إِخْوَانِي وَ وُلْدِي وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ وَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا وَ تَذْكُرُ مَا تُرِيدُ.

فَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَالَ ذَلِكَ قُضِيَتْ حَاجَتُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَزُولَ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل و مصباح الشیخ و البلد الأمین: سپس بگو:{ای خدایی که قدرتش مانع آفریدگان می گردد و مالکیتش مایه فرمانروایی‌اش بر آن‌ها می‌شود؛ بر آنچه در دست دارد، چیرگی دارد؛ به هر کس غیر از تو امید بسته شود، امیدش به نومیدی تبدیل می‌شود و امیدوار به تو خوشحال است و ناامید نمی گردد؛ از تو، با تمام رضایتی که از تو دارم، همه آن چیزهایی را می‌خواهم که تو در آن هستی و همه آن چیزی که دوست داری با آن یاد شوی. تو را قسم می‌دهم به خودت ای خدا که چیزی نظیر تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا و برادرانم و فرزندانم را در پناه خود بگیری و با مراقبت خودت، نگه داری و خواسته‌ام را درباره ... بر آورده سازی؛ و آنچه را که می‌خواهی، ذکر می کنی.}

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود است: اگر این دعا را بخواند، قبل از آنکه تمام کند، خواسته‌اش برآورده می‌شود. – . فلاح السائل: ۱۸۵؛ بلد الأمین: ۲۳ –

**[ترجمه]

أقول

قال في البلد الأمين (۲)

هذا الدعاء عظيم الشأن رفيع المنزله ففي الحديث القدسي يا محمد من أحب من أمتك أن لا يحول بين دعائه و بيني حائل و أن لا ـ أخيبه لأي أمر شاء عظيما كان أو صغيرا في السر و العلانيه إلي أو إلي غيري فليقل آخر دعائه يا الله إلي آخره و هو من أدعيه السر.

**[ترجمه]در بلد الأمین گفته است: – . این دعا در حاشیه صفحه نامبرده است و قبلاً گفته شد، آن جا که در متن دعای سرّ

ذکر شده است، صفحه ۵۰۹ و ۵۱۰ می‌باشد. - این دعایی بزرگ داشتنی و گرانقدر است و در حدیث قدسی چنین آمده است: ای محمد، هر کس از امت تو بخواهد بین دعای او و من هیچ مانعی نباشد و هر چه می‌خواهد اجابت کنم، خواه خواسته‌اش بزرگ باشد یا کوچک، خواه پنهان از من یا دیگران باشد و یا در آشکار، پس در پایان دعایش بگوید: «یا الله المانع» {ای خدای بازدارنده}... تا آخر دعا و این از جمله دعاهای سرّ است.

**[ترجمه]

«۱۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ بِآخِرِ مَا يُدْعَى بِهِ بَعْدَ الصَّلَوَاتِ حَدَّثَ أَبُو غَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الزُّرَارِيُّ ره رَفَعَهُ قَالَ: هَذَا الدُّعَاءُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ آخِرَ مَا يُدْعَى بِهِ بَعْدَ الصَّلَوَاتِ- اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ أَقْبَلْتُ بِدُعَائِي عَلَيْكَ رَاجِياً إِجَابَتَكَ طَامِعاً فِي مَغْفِرَتِكَ طَالِباً مَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مُسْتَنْجِزاً وَعْدَكَ إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ (۳).

**[ترجمه]فلاح السائل: از جمله مهمترین کارهای دیگر، دعا کردن با آن دسته از دعاهایی است که اختصاص به بعد از نماز دارند. ابو غالب احمد بن محمد بن سلیمان زراری گفته است: این دعا، باید آخرین دعایی باشد که بعد از نمازها خوانده می‌شود: {خدایا، من با نمازم، صورتم را به سوی تو گرداندم و با دعایم به سوی تو روی آوردم، در حالی که به اجابت تو امیدوار و به بخشش تو چشم دوخته ام؛ آنچه را که به سبب آن بر خودت عهد کردی، از تو می‌خواهم و وعده تو را عملی می‌خواهم، چرا که خود فرموده‌ای: «اُدعونی أستجب لکم»، {بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.} پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با صورتت به من رو کن و مرا ببخش و بر من مهربانی نما و دعایم را اجابت فرما؛ ای خدای جهانیان.} - . فلاح السائل: ۱۸۵-۱۸۶؛ در بلد الأمین، صفحه ۲۳ نیز می‌توانی ببینی. -

**[ترجمه]

«۱۴»

كِتَابُ فَضَائِلِ الشِّيعَهِ، لِلصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۸۵، البلد الأمین ص ۲۳.

۲- ۲. هذا الکلام فی هامش الصفحه المذکوره، و أمّا فی طی دعاء السر فقد مرّ أنّه منقول فی ص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۳- ۳. فلاح السائل: ۱۸۵- ۱۸۶، و تراه فی البلد الأمین ص ۲۳.

عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِذَا قَامَ الْمُؤْمِنُ فِی الصَّلَاهِ بَعَثَ اللَّهُ الْحُورَ الْعِينَ حَتَّی يَحْدِقْنَ بِهِ فَإِذَا انْصَرَفَ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنْهُنَّ تَفَرَّقْنَ وَ هُنَّ مُتَعَجِّبَاتٌ (۱).

أعلام الدين، و العده، [عده الداعی] عن أبی حمزه: مثله (۲).

**[ترجمه]کتاب فضائل الشيعه از صدوق: امام صادق عليه السلام فرموده است: هنگامی که مؤمن به نماز می‌ايستد، خداوند حوريان درشت چشمی را برمی‌انگيزد که به دور او حلقه بزنند؛ پس هنگامی که از نماز فارغ شود و از خدا آنها را درخواست نکند، با تعجب از گرد او پراکنده می‌شوند. - . فضائل الشيعه، حديث شماره ۳۵ -

اعلام الدين و العده: مثل همين روايت را از ابی حمزه نقل کرده‌اند. - . عده الداعی: ۴۴ -

**[ترجمه]

«۱۵»

كَنْزُ الْكَرَاجُكِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَرَوِیِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَجِيدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجُنَيْدِ عَنِ الْمُعَافَا بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ زُهَيْرِ بْنِ مُعَاوِيَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جِحَارَهَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله يَدْعُو فِی أَثَرِ الصَّلَوَاتِ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ.

**[ترجمه]کنز الکراجکی: انس بن مالک گفته است: پيامبر خدا صلی الله عليه و آله به دنبال نماز، دعا می‌کرد و می‌گفت: {خدايا، از علمی که فايده‌ای در آن نباشد به تو پناه می‌آورم؛ و از قلبی که خشوع نداشته باشد، و نفسی که سير نشود، و و دعايی که شنيده نشود؛ خدايا، از اين چهار چيز به تو پناه می‌آورم.}

**[ترجمه]

«۱۶»

أَعْلَامُ الدِّينِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله: مَنْ قَالَ فَسُبْحانَ اللّهِ حِينَ تُمْسُونَ يَعْنِی صَلَاتَیِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ- وَ حِينَ تُصْبِحُونَ صَلَاهَ الْغَدَاهِ وَ عَشِيًّا صَلَاهَ الْعَصْرِ- وَ حِينَ تُظْهِرُونَ صَلَاهَ الظُّهْرِ هَذِهِ الْآيَهُ تَجْمَعُ صَلَوَاتِكُمُ الْخَمْسَ فَمَنْ قَرَأَ هَذِهِ الثَّلَاثَ الْآيَاتِ مِنْ سُورَهِ الرُّومِ وَ آخِرَ الصَّافَّاتِ (۳) سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمّا يَصِفُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ دُبُرَ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ أَدْرَكَ مَا فَاتَ فِی يَوْمِهِ ذَلِكَ وَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ فَإِنْ قَرَأَهَا دُبُرَ كُلِّ صَلَاهٍ يُصَلِّيهَا مِنْ فَرِيضَهٍ أَوْ تَطَوُّعٍ كُتِبَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ عَدَدَ تُرَابِ الْأَرْضِ فَإِذَا مَاتَ أَجْرَى لَهُ بِكُلِّ حَسَنَهٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ فِی قَبْرِهِ.

**[ترجمه]أعلام الدين: ابن عباس گفته است: پيامبر خدا صلی الله عليه و آله فرموده است: هر کس بگويد: «سبحان الله حين تمسون»، يعنی نماز مغرب و عشا، «و حين تصبحون»، يعنی نماز صبح، «و عشياً»، يعنی نماز عصر، «و حين تظهرون»، يعنی نماز

ظهر، این آیه نمازهای پنجگانه شما را در خود جمع کرده است؛ پس هر کس این سه آیه از سوره روم و سوره صافات، - یعنی آیه - «سبحان ربّک ربِّ العزه عما یصفون»، {منزه است پروردگار تو، پروردگار شکوه و بزرگی، از آنچه توصیف می... کنند.} را سه مرتبه بعد از نماز مغرب بخواند، آنچه را در آن روز از دست داده است، به دست می‌آورد و نمازش مورد قبول واقع می‌شود و اگر بعد از هر نماز واجب یا مستحبی که می‌خواند، آن را بخواند، برایش نیکی‌هایی به تعداد ستارگان آسمان و قطره‌های باران و برگ‌های درختان و خاک زمین نوشته می‌شود و هنگامی که از دنیا برود، در قبر برایش به جای هر نیکی، ده نیکی پاداش داده می‌شود.

**[ترجمه]

بیان

الثلاث الآیات من الروم هی هذه فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِیًّا وَ حِینَ تُظْهِرُونَ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ کَذلِکَ تُخْرَجُونَ و یحتمل

۱- ۱. فضائل الشیعه رقم الحدیث ۳۵.

۲- ۲. عدّه الداعی: ۴۴.

۳- ۳. الظاهر أنّه یرید بالثلاث آیات آیتین من سوره الروم: ۱۷- ۱۸ و ثالث الثلاثه آیه الصافّات، الا أن الراوی اضطرب کلامه فی نقل معنی الحدیث ذیلا کما فی صدر الحدیث.

أن يكون إلى تُظْهِرُونَ عندهم ثلاث آيات.

**[ترجمه]آن سه آيه از سوره روم عبارتند از: «فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون * و له الحمد فى السموات و الأرض و عشياً و حين تظهرون * يخرج الحى من الميت و يخرج الميت من الحى و يحيى الأرض بعد موتها و كذلك تخرجون»، - . الروم/١٧-١٩ - {پس خدا را تسبيح گوييد، آن گاه كه به شب درمى آييد و آن گاه كه به بامداد درمى شويد. و ستايش از آنِ اوست در آسمان‌ها و زمين و شامگاهان و وقتى كه به نيمروز مى رسيد. زنده را از مرده بيرون مى آورد، و مرده را از زنده بيرون مى آورد، و زمين را بعد از مرگش زنده مى سازد و بدين گونه [از گورها] بيرون آورده مى شويد.} همچنين احتمال دارد تا «تظهرون» باشد كه به اعتقاد آنان، سه آيه مى‌شود.

**[ترجمه]

«۱۷»

الْخِصَالُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا يَنْفَتِلُ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلَهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ (۱).

وَ قَالَ عليه السلام: أُعْطِيَ السَّمْعَ أَرْبَعَةٌ- النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ الْحُورُ الْعِينُ فَإِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله رُفِعَتْ دَعْوَتُهُ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتِ الْجَنَّةُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ وَ مَنِ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَكَ مِمَّا اسْتَجَارَكَ وَ مَنْ سَأَلَ الْحُورَ الْعِينَ قُلْنَ الْحُورُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ (۲).

**[ترجمه]الخصال: از امام صادق عليه السلام نقل شده كه اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده است: بنده از نمازش فارغ نمى‌شود تا اينكه از خدا بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه آورد و از خدا بخواهد، ازدواج با حوريان درشت چشم را نصيب او بگرداند.

امام صادق عليه السلام فرمود: چهار كلمه شنيده شده است: پيامبر، بهشت، آتش و حورالعين. پس وقتى مؤمن از شمارش فارغ مى‌شود، بر پيامبر و آل او درود بفرستد و از خداوند بهشت را بخواهد و به خدا وند از آتش پناه ببرد و از خداوند بخواهد كه حورالعين را به او تزويج كند. پس هر كس بر پيامبر صلى الله عليه و آله درود بفرستد، درخواستش بالا مى‌رود و هر كس از خدا بهشت را درخواست نمايد، بهشت عرضه مى‌دارد: پروردگارا، آنچه را مى‌خواهد به او بده و هر كس از آتش پناهنده شود، آتش مى گويد: پروردگارا، بنده‌ات را از آنچه پناهنده شده، در امان دار و هر كس حورى درشت چشم را بخواهد، حورى مى گويد: پروردگارا، خواسته بنده‌ات را به او بده. - . الخصال ۲: ۱۶ -

**[ترجمه]

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، وَ مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ نَهِيكٍ عَنْ سَلَّامٍ الْمَكِّيِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ قَالَ: أَتَی رَجُلٌ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله يُقَالُ لَهُ شَيْبَةُ الْهُذَلِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی شَيْخٌ قَدْ كَبِرَتْ سِنِّی وَ ضَعُفَتْ قُوَّتِی عَنْ عَمَلٍ كُنْتُ عَوَّدْتُهُ نَفْسِی مِنْ صَلَاةٍ وَ صِيَامٍ وَ حَجٍّ وَ جِهَادٍ فَعَلِّمْنِی يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَلَاماً يَنْفَعُنِی اللَّهُ بِهِ وَ خَفِّفْ عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَعِدْهَا فَأَعَادَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا حَوْلَكَ شَجَرَةٌ وَ لَا مَدَرَةٌ إِلَّا وَ قَدْ بَكَتْ مِنْ رَحْمَتِكَ فَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعَافِيكَ بِذَلِكَ مِنَ الْعَمَی وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْفَقْرِ وَ الْهَرَمِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا لِلدُّنْيَا فَمَا لِلْآخِرَهِ فَقَالَ تَقُولُ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ

ص: ۱۹

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۶۵.

اللَّهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ قَالَ فَقَبَضَ عَلَیْهِنَّ بِیَدِهِ ثُمَّ مَضَی فَقَالَ رَجُلٌ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا أَشَدَّ مَا قَبَضَ عَلَیْهَا خَالُکَ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَمَا إِنَّهُ إِنْ وَافَی بِهَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ لَمْ یَدَعْهَا مُتَعَمِّداً فُتِحَتْ لَهُ ثَمَانِیَهُ أَبْوَابِ الْجَنَّهِ یَدْخُلُهَا مِنْ أَیِّهَا شَاءَ(۱).

**[ترجمه]ثواب الأعمال و مجالس الصدوق: از ابی جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده است: مردی که به او شیبه الهذلی می‌گفتند نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، من پیرمردی هستم که به کهنسالی رسیده‌ام و از به جای آوردن آنچه از نماز و روزه و حج و جهاد که پیوسته انجام می‌دادم، ناتوان شده‌ام؛ پس چیزی به من یاد بده تا به وسیله آن، خدا به من سود رساند و بر من آسان گیرد. پس فرمود: [حرف خود را] تکرار کن؛ او نیز سه مرتبه تکرار کرد. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیرامون تو هیچ درخت و سنگ کلوخی نبود، جز اینکه از دلسوزی بر تو گریست؛ پس هنگامی که نماز صبح را خواندی، ده مرتبه بگو: «سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {منزه است خدای بزرگ و او را می‌ستایم و هیچ نیرو و هیچ قوتی جز با خدای والا- مرتبه و بزرگ نیست.} که خدای شکوهمند و بزرگوار به سبب آن، تو را از نابینایی و دیوانگی و مبتلا شدن به جذام و تهیدستی و پیری در امان می‌دارد.

گفت: ای رسول خدا، این برای دنیا است؛ برای آخرت چه؟ حضرت فرمود: بعد از هر نمازت بگو: «اللهم اهدنی من عندک و أفضِ علیَّ من فضلک...» {خدایا، مرا از ناحیه خودت راهنمایی کن و از فضل خودت بر من فزونی ببخش و رحمتت را بر من گسترده ساز و از برکت‌های خودت بر من فرود آور.} - گفت: - و آنها را محکم به دستش گرفت {به خاطر سپرد تا بدان عمل کند} و رفت. شخصی به ابن عباس گفت: دایی تو چقدر محکم آنها را گرفت! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اما اگر تا روز قیامت به آن وفاداری نماید و عمدا آن را ترک نکند، برای او هشت درب بهشت باز خواهد بود که از هر کدام بخواهد، وارد می‌شود. - . ثواب الأعمال: ۱۴۵؛ أمالی الصدوق: ۳۴ -

**[ترجمه]

توضیح

الهذلیّ بضم الهاء و الذال المعجمه منسوب إلی هُذَیْل بالضم طائفه و قیاس النسبه إلی فُعَیل فُعَیْلیّ بإثبات الیاء لا فعلیّ و إنما تحذف الیاء من فعیله غیر المضاعفه کجهنی فقولهم هذلیّ و جهمیّ شاذّ فقال أعدها أی تلک الکلمات أو أعد حکایه ضعفک أو مسألتک فأعادها ثلاث مرات لعل فیه تغلیبا و المراد ذکرها ثلاثا و إن حملت الإعاده علی معناها فالذکر وقع أربعا.

و المدره بالفتحات قطعه الطین الیابس و الحول القدره علی التصرف أو المنع عن المعاصی کما سیأتی و الهرم محرکه أقصی کبر السن قیل و المراد هنا الضعف و الاسترخاء الناشی منه تسمیه اللازم باسم الملزوم اللهم اهدنی من عندک أی بهدایتک الخاصه و أفض علی من فضلک فی الکلام استعاره مکنیه و تخییل و یطلق الفضل غالبا علی النعم الدنیویه و الرحمه علی الأخرویه و البرکات أعم منهما و أرید درجات القرب و المعارف و التعمیم أولی و یمکن التعمیم فی الجمیع فإن التأکید و الإلحاح مطلوب فی الدعاء.

و قال الشيخ البهائی ره من برکاتک أی من تشریفاتک و کراماتک سمی إیصالها إلینا منه سبحانه إنزالا علی سبیل الاستعاره تشبیها للعلو و التسفل الرتبیین بالعلو و التسفل المکانیین فقبض علیهن بیده قال ره الظاهر عود الضمیر إلی الکلمات الأربع الأخرویه بقرینه قوله صلی الله علیه و آله إن وافی بها یوم القیامه و لعل المراد بالقبض علیهن عدهن بالأصابع و ضمها لهن ما أشد ما قبض علیها خالک أی صاحبک یقال أنا خال هذا الفرس أی صاحبه و یمکن أن یراد بالخال معناه الحقیقی و یکون ابن عباس منتسبا من جانب الأم إلی هذیل.

ص: ۲۰

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۴۵، أمالی الصدوق ص ۳۴.

**[ترجمه]«الهذلی» با ضمه هاء و ذال ساکن، منسوب به قبیله هذیل با ضمه، است و بر وزن قیاسی فعیل فعیلی، با ثابت دانستن حرف یاء است، نه بر وزن فعلیّ؛ و یاء از کلمه فعیله که مضاعف نیست، حذف شده است؛ مانند «جهنیّ»؛ البته هر دو کلمه هذلی و جهنی، کمیاب‌اند. «فقال أعدها»، یعنی آن کلمات را یا حکایت ضعیف شدنت یا خواسته‌ات را دوباره بگو. «فأعادها ثلاث مرات»؛ پس آن را سه مرتبه تکرار کردند، شاید برای تغلیب باشد و منظور از آن، این است که او سه مرتبه تکرار کرد. اگر اعاده بر معنایش حمل شود، گفتن، چهار مرتبه واقع شده است.

«و المدره» با فتحه هر سه حرف، همان تکه گِل خشک است. «الحول»، یعنی توانایی بر اقدام کردن یا خودداری از گناهان، همان طور که خواهد آمد. «الهرم» با فتحه تمام حروف، یعنی بالاترین سال‌های پیری؛ گفته شده است: منظور از آن در اینجا، ناتوانی و سستی ناشی از آن است که از باب نامگذاری لازم با اسم ملزوم می‌باشد. «اللهم اهدنی من عندک»، یعنی با هدایت مخصوص خودت. در عبارت «و أفض علی من فضلک» استعاره مکنیّه و تخیل است؛ «الفضل» بیشتر بر نعمت‌های دنیایی اطلاق می‌شود و «الرحمه» بر نعمت‌های آخرت و «البرکات» اعم از آن دو است و درجات نزدیک شدن به خدا و به دست آوردن شناخت اراده شده است؛ البته تعمیم دادن آن بهتر است. همچنین احتمال دارد این تعمیم دادن در همه آنها وجود داشته باشد؛ زیرا اصرار و پافشاری در دعا، همواره مطلوب است.

شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: «من برکاتک»، یعنی از بزرگ‌داشتن‌ها و بزرگواری‌های تو، رساندن آنها به ما از سوی خدای سبحان، از باب استعاره، نازل کردن نامیده شده و برتری و پستی در رتبه، به برتری و پستی در مکان تشبیه شده است. در مورد «فقبض علیهنَّ بیده» نیز گفته است: ظاهراً ضمیر به چهار کلمه آخر بازگشت دارد و قرینه آن، این کلام حضرت صلی الله علیه و آله است که فرمود: «إن وافی بها یوم القیامه» و شاید منظور از «قبض علیهنّ» شمارش آنها با انگشتان و چسباندن انگشتان به آنها باشد. «ما أشد ما قبض علیها خالک»، یعنی رفیق تو؛ گفته می‌شود: «أنا خال هذا الفرس»، یعنی صاحب آن؛ و نیز امکان دارد منظور از آن، معنای حقیقی «خال» - یعنی دایی - باشد و ابن عباس از طرف مادر، به هذیل منتسب باشد.

**[ترجمه]

«۱۹»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ نَاتَانَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ أَرْبَعِینَ مَرَّهً فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ فَرِیضَهٍ قَبْلَ أَنْ یَثْنِیَ رِجْلَیْهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِیَ مَا سَأَلَ (۱).

وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ صَلَّی صَلَاهً مَکْتُوبَهً ثُمَّ سَبَّحَ فِی دُبُرِهَا ثَلَاثِینَ مَرَّهً لَمْ یَبْقَ عَلَی بَدَنِهِ شَیْ ءٌ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَّا تَنَاثَرَ(۲).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس بعد از هر نماز واجب و قبل از اینکه پاهای خود را

باز کند، چهل مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر»، {خدا منزه است و ستایش، مخصوص اوست و هیچ خدای دیگری جز او وجود ندارد و خدا بزرگ‌تر است.} بگوید و سپس از خداوند درخواست نماید، هر چه خواسته است، به او داده می‌شود. - . أمالی الصدوق: ۱۱۰ -

همان کتاب: با همان سند از ابن ابی عمیر، از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس نماز واجبی را به جای آورد و به دنبال آن، سی مرتبه سبحان الله بگوید، خداوند هیچ گناهی بر بدن او باقی نمی‌گذارد و همه را می‌ریزد. - . أمالی الصدوق: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۲۰»

الْخِصَالُ، عَنْ عُبْدُوسِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ بُنْدَارَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عِیسَی عَنْ عَمَّارِ بْنِ رَجَاءٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ نَافِعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءِ بْنِ أَبِی رَبَاحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَدِمَ قَبِیصَةُ بْنُ مُخَارِقٍ الْهِلَالِیُّ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَسَلَّمَ عَلَیْهِ وَ

رَحَّبَ بِهِ ثُمَّ قَالَ مَا جَاءَ بِکَ یَا قَبِیصَةُ قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ کَبِرَتْ سِنِّی وَ ضَعُفَتْ قُوَّتِی وَ هُنْتُ عَلَی أَهْلِی وَ عَجَزْتُ عَنْ أَشْیَاءَ کُنْتُ أَحْمِلُهَا فَعَلِّمْنِی کَلِمَاتٍ یَنْفَعُنِی اللَّهُ بِهِنَّ وَ أَوْجِزْ فَإِنِّی رَجُلٌ نَسِیءٌ فَقَالَ لَهُ کَیْفَ قُلْتَ یَا قَبِیصَةُ فَأَعَادَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ کَیْفَ قُلْتَ فَأَعَادَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ کَیْفَ قُلْتَ فَأَعَادَهُ فَقَالَ مَا بَقِیَ حَوْلَکَ حَجَرٌ وَ لَا شَجَرٌ وَ لَا مَدَرٌ إِلَّا وَ بَکَی رَحْمَةً لَکَ یَا قَبِیصَةُ احْفَظْ عَنِّی أَمَّا لِدُنْیَاکَ فَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا صَلَّیْتَ الْغَدَاةَ- سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّکَ إِذَا قُلْتَهُنَّ أَمِنْتَ مِنْ عَمًی وَ جُذَامٍ وَ بَرَصٍ وَ فَالِجٍ وَ أَمَّا لِآخِرَتِکَ فَقُلِ اللَّهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ قَالَ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُهُنَّ وَ قَبِیصَةُ یَعْقِدُ عَلَیْهِنَّ أَصَابِعَهُ فَقَالَ أَبُو بَکْرٍ وَ عُمَرُ إِنَّ خَالَکَ هَذَا یَا رَسُولَ اللَّهِ لَشَدَّ مَا عَقَدَ عَلَیْهِنَّ أَصَابِعَهُ یَعْنِی الْکَلِمَاتِ الْأَرْبَعَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنْ وَافَی بِهِنَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ لَمْ یَدَعْهُنَّ مُتَعَمِّداً فُتِحَ لَهُ

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۱۰.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۶۳.

أَرْبَعَهُ أَبْوَابٍ مِنَ الْجَنَّهِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ قَالَ نَافِعٌ فَحَدَّثْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ جَاراً لِي جَلِيساً لِلْحَسَنِ فَحَدَّثَ بِهِ الْحَسَنَ فَقَالَ لَهُ ائْتِنِي بِهِ فَأَتَيْتُهُ فَسَأَلَنِي عَنِ الْحَدِيثِ فَحَدَّثْتُهُ فَقَالَ مَا أَغْلَى حَدِيثَكَ هَذَا يَا خُرَاسَانِيُّ عِنْدِي وَ أَرْخَصَهُ عِنْدَكَ وَ اللَّهِ لَقَدْ أَوْطَأَ رَجُلٌ رَاحِلَتَهُ حَتَّى قَدِمَ عَلَى صَاحِبِ الْحَدِيثِ وَ هُوَ وَالِي مِصْرَ فَقَالَ إِنِّي لَمْ آتِكَ لِشَيْءٍ مِمَّا فِي يَدِكَ ثُمَّ سَأَلَهُ عَنِ الْحَدِيثِ ثُمَّ انْصَرَفَ (۱).

**[ترجمه]الخصال: عبد الله بن عباس گفته است: قبیصه بن مخارق هلالی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و بر او سلام داد و حضرت به او خوش آمد گفته و فرمود: چه بر سر تو آمده است، ای قبیصه؟ گفت: ای رسول خدا، سنم زیاد شده و توانم کاهش یافته؛ نسبت به خانواده‌ام سست شده‌ام و از برداشتن چیزهایی که قبلاً حمل می‌کردم، ناتوان گشته‌ام؛ پس کلماتی به من بیاموز که خدا به سبب آنها به من سود رساند و کوتاه باشد که من مردی فراموشکار هستم. پیامبر فرمود: چه گفتی ای قبیصه؟ دوباره بگو؛ پس او تکرار کرد. پیامبر بار دیگر فرمود: چه گفتی؟ او نیز تکرار کرد. باز فرمود: چه گفتی؟ وی نیز تکرار کرد. سپس پیامبر فرمود: پیرامون تو هر چه بود، از سنگ و درخت و تکه کلوخ، همگی از روی دلسوزی بر تو گریستند، ای قبیصه؛ پس آنچه را می‌گویم، از من به خاطر بسپار .

در مورد دنیایت، بعد از نماز صبح سه مرتبه بگو:«سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم و بحمده، لا حول و لا قوه إلا بالله»، {منزه است خدا و هیچ نیرو و قوتی جز از سوی خدا وجود ندارد.} که زمانی که اینها را بگویی، از نابینایی و جذام و برص و فلج شدن در امان خواهی بود. و اما برای آخرتت، بگو: «اللهم اهدنی من عندک و أفض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و أنزل علی من بر کاتک»، {خدایا، مرا از ناحیه خودت راهنمایی کن و از فضل خودت بر من فزونی ببخش و رحمتت را بر من گسترده ساز و از برکت‌های خودت بر من فرود آور.}

– گفت:– پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را می‌گفت و قبیصه انگشتانش را همزمان با آنها می‌بست. ابوبکر و عمر گفتند: این یاور تو، ای رسول خدا، انگشتانش را برای آنها، یعنی آن چهار کلمه، چقدر محکم بسته! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر تا روز قیامت نسبت به آنها وفادار بماند و عمداً آنها را ترک نکند، برایش چهار در از بهشت گشوده می‌شود که از هر کدام بخواهد، وارد بهشت شود. نافع گفته است: این حدیث را به همسایه‌ام که از همنشینان امام حسن علیه السلام بود گفتم و او نیز به ایشان گفت. حضرت فرمود: او را برایم بیاور. من نزد او رفتم. از من درباره آن حدیث پرسید و من هم ماجرا را گفتم. سپس فرمود: ای خراسانی، این حدیث تو چقدر برای من ارزشمند است و چقدر برای تو کم ارزش؛ به خدا سوگند شخصی برای رسیدن به صاحب این حدیث، مرکبش را به راه انداخته و او فرماندار مصر است. سپس گفت: من از آنچه در دست توست، چیزی به تو ندادم؛ سپس از حدیث سؤال کرد و بعد از آن، روانه شد. – . الخصال ۱: ۱۰۴ و ۱۰۵ –

**[ترجمه]

«۲۱»

الْعِلَلُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْزَهَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَيِّ عِلَّهٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثاً يَرْفَعُ

بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَ كَبَّرَ ثَلَاثاً وَ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدَعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَ هَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ جُنْدِهِ (۲).

**[ترجمه]العلل: مفضل بن عمر گفته است که به امام صادق علیه السلام گفتم: برای چه نمازگزار بعد از سلام دادن سه مرتبه دست‌ها را بالا برده و تکبیر می‌گوید؟ فرمود: به خاطر اینکه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد، با یارانش کنار حجر الأسود نماز ظهر گزارد و بعد از اینکه سلام نماز را داد، دستانش را بالا برد و سه مرتبه تکبیر گفت و گفت: «لا إله إلا الله وحده وحده وحده، أنجز وعده و نصر عبده...» {خدایی جز خدای یکتای یکتای یکتا وجود ندارد؛ هم او که وعده‌اش را عملی کرد و بنده‌اش را یاری رساند و همه گروه‌ها را به تنهایی شکست داد؛ پس فرمانروایی برای اوست و ستایش مخصوص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست.} سپس رو به یارانش کرده و فرمود: این تکبیر و این کلام را بعد از هر نماز واجب هرگز ترک نکنید؛ چرا که هر کس بعد از سلام نماز این کار را انجام دهد و این سخن را بر زبان بیاورد، آنچه از شکر خدای متعال بر تقویت اسلام و رزمندگان آن بر او واجب بود، به جای آورده است. - . علل الشرایع ۲: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۲»

فَلَاحُ السَّائِلِ، رَوَى جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الْقُمِّيُّ فِي كِتَابِ أَدَبِ الْإِمَامِ وَ الْمَأْمُومِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ الزَّيَّاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ وَ رَوَاهُ أَيْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثاً.

**[ترجمه]فلاح السائل: جعفر بن احمد قمی در کتاب أدب الإمام و المأموم نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرموده است: بعد از سلام نماز، دستانت را همراه با گفتن تکبیر، سه مرتبه بالا ببر.

**[ترجمه]

بیان

قال فی الذکری قال الأصحاب یکبر بعد التسلیم ثلاثا رافعا بها یدیه کما تقدم و یضعهما فی کل مره إلی أن یبلغ فخذیه أو قریبا منهما و قال المفید ره

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۰۴ و ۱۰۵.
۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۴۹.

يرفعهما حيال وجهه مستقبلا بظاهرهما وجهه و بباطنهما القبله ثم يخفض يديه إلى نحو فخذيه و هكذا ثلاثا انتهى أنجز وعده أى بتقويه الإسلام و نصر النبى صلى الله عليه و آله على الكفار و غلب الأحزاب وحده أى من غير قتال من الآدميين بأن أرسل ريحا و جنودا و هم أحزاب اجتمعوا يوم الخندق و يحتمل أحزاب الكفار فى جميع الدهر و المواطن.

**[ترجمه]در الذكرى گفته است: اصحاب - اماميه - گفته‌اند: نمازگزار بعد از سلام دادن، سه مرتبه دستانش را بالا برده و همان گونه كه گفته شد، تكبير مى‌گويد و در هر بار، دستانش را تا رسيدن به ران‌ها يا نزديك آنها مى‌آورد. شيخ مفيد كه رحمت خدا بر او باد، گفته است: دست‌ها را در حالتى كه پشت دست به سمت چهره و كف دست به سمت قبله باشد، تا مقابل صورت مى‌آورد، سپس آنها را به سمت ران پايين مى‌آورد و هر سه مرتبه را اين‌گونه مى‌كند. پايان.

«أنجز وعده»، يعنى با تقويت اسلام و يارى رساندن به پيامبر صلى الله عليه و آله در مقابل كافران. «غلب الأحزاب وحده»، يعنى بدون نبردى ميان افراد، به اين صورت كه باد و سپاهيانى فرستاد؛ و آنان گروه‌هايى بودند كه در روز خندق جمع شده بودند؛ نيز احتمال دارد، گروه‌هاى كافران در تمام زمان‌ها و مكان‌ها باشد.

**[ترجمه]

«۲۳»

قُرْبُ الْإِسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُكْتَالَ لَهُ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَقُلْ فِى دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق عليه السلام فرموده است كه اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده است: هر كس مى‌خواهد با ترازوى پر به او پاداش داده شود، پس بعد از هر نماز بگويد: «سبحان ربِّك ربِّ العزه عمّا يصفونَ * و سلامٌ على المرسلينَ * و الحمدُ لله ربِّ العالمين»، - . الصافات/ ۱۸۰-۱۸۲ - {منزه است پروردگار تو، پروردگار با عزت از آنچه توصيف مى‌كنند؛ و سلام بر فرستادگان؛ و ستايش باد خدا را كه پروردگار تمام جهانيان است.} - . قرب الاسناد: ۴۴؛ چاپ نجف -

**[ترجمه]

بيان

يكتال له ليس فى الفقيه (۲)

و سائر الكتب له فعلى ما فى هذه الروايه يقرأ على بناء المفعول أى يعطى الأجر فى القيامه وافيا كاملا و على تقدير عدم الظرف فالأظهر أن يقرأ على بناء المعلوم أى يأخذ الأجر وافيا و ربما يقرأ على بنا المجهول أيضا أى يكتال له أو يكال نفسه بالمكيال الأوفى أى يكون ذا وزن و خطر و منزله عند الله و ما ذكرناه أظهر.

قال الجوهری کلته بمعنی کلت له قال تعالی وَ إِذا کالُوهُمْ أی کالوا لهم و اکتلت علیه أخذت منه یقال کال المعطی و اکتال الآخذ و کیل الطعام انتهی سبحان ربک أی تنزه أو نزهه تنزیها عمّا لا یلیق بذاته و صفاته و أفعاله رب العزه هی العظمه و المنعه و الغلبه و إضافه الرب إلیها لاختصاصها به إذ لا عزه إلا له أو لمن أعزه عما یصفون متعلق بالعزه أو بالتسبیح و الأخیر أظهر و قد أدرج فیه جمیع صفاته السلبیه و الثبوتیه مع الإشعار بالتوحید و الأفضل أن یکون هذا مما یختم به التعقیب إذ فی الفقیه و غیره فلیکن آخر قوله سُبْحانَ رَبِّکَ إلی آخره و قد ورد أیضا أن کفاره المجلس أن یقول عند القیام منه هذا القول.

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۲۴ ط نجف.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ ص ۲۱۳.

**[ترجمه]عبارت «یکتال له»، در الفقیه - . الفقیه ۱: ۲۱۳ -

و در سایر کتاب‌ها «له» وجود ندارد. بنابراین در روایت، به صورت مفعول خوانده می‌شود؛ یعنی اجر او در قیامت به صورت پر و کامل داده می‌شود. اگر هم ظرف در نظر گرفته نشود، ظاهر آن است که به صورت معلوم خوانده شود؛ یعنی اجر آن را تمام می گیرد. چه بسا به صورت مجهول نیز خوانده شود؛ یعنی برای او، یا وجود خودش را با پیمانه کامل می‌سنجند؛ به عبارت دیگر، او در نزد خدا دارای وزن و ارزش و منزلت می‌باشد. آنچه ما بیان کردیم، آشکارتر است.

جوهری گفته است: «کلته»، یعنی برای او وزن نمودی؛ خدوانْد متعال می‌فرماید: «و إذا کالوهم»، یعنی برای آنان وزن می کنند. «اکتلت علیه» یعنی از او گرفتی. گفته می‌شود: «کال المعطی و اکتال الآخذ و کیل الطعام» - به همین معنا است.- پایان. «سبحان ربّک»، یعنی منزه و آراسته است؛ آراستن از آنچه که به ذات و صفات و افعال او در نیاید. «ربِّ العزه» همان عظمت و والایی و چیرگی است. اضافه شدن عزت به آن، به خاطر اختصاصی بودن آن است؛ چرا که عزت جز برای پروردگار یا کسی که پروردگار عزیزش گرداند، نیست. «عمّا یَصفون» مربوط به «االعزه» یا «التسبیح» است، ولی دومی آشکارتر است. در آن، تمام صفات ثبوتی و سلبی خداوند گنجانده شده است، در عین حال که اشاره‌ای نیز به توحید و یگانگی او شده است. بهتر آن است که این ذکر به عنوان آخرین تعقیب برای نماز قرار گیرد؛ زیرا در الفقیه و غیر آن، آمده بود که آخرین سخن، «سبحانَ ربِّک» تا آخرش، باشد. همچنین در روایات وارد شده که کفاره مجلس آن است که هنگام برخاستن از آن، این کلام را بگویی.

**[ترجمه]

«۲۴»

قُرْبُ الْإِسْنَادِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرِیفٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام یَا عَلِیُّ عَلَیْکَ بِتِلَاوَهِ آیَهِ الْکُرْسِیِّ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْمَکْتُوبَهِ فَإِنَّهُ لَا یُحَافِظُ عَلَیْهَا إِلَّا نَبِیٌّ أَوْ صِدِّیقٌ أَوْ شَهِیدٌ(۱).

المکارم، عنه علیه السلام مرسلا: مثله (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، بعد از هر نماز واجب آیه الکرسی را بخوان که فقط پیامبر یا صدیق یا شهید بر این کار مداومت و محافظت می کند. - . قرب الاسناد (چاپ سنگی): ۵۶؛ چاپ نجف: ۷۵ -

المکارم: مثل این روایت را به صورت مرسل از آن حضرت نقل کرده است. - . مکارم الاخلاق: ۳۲۸ -

**[ترجمه]

قُرْبُ الْإِسْنَادِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً قُلْتُ مَا أَدْنَى الذِّكْرِ الْكَثِيرِ قَالَ فَقَالَ التَّسْبِيحُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً(۳).

وَ مِنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ وَ كَيْفَ السَّلَامُ عَلَيْهِ فَقَالَ عليه السلام تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّکَ وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاکَ الْيَقِينُ فَجَزَاکَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: عبد الله بن بكير گفته است: از امام صادق عليه السلام در مورد اين كلام خداوند كه می‌فرمايد: «اذكروا الله ذكراً كثيراً» سؤال كردم و گفتم: كمترين «ذكر كثير» چيست؟ فرمود: بعد از هر نماز سی بار تسبيح گفتن. - قرب الاسناد (چاپ سنگی): ۷۹؛ چاپ نجف: ۱۰۳ -

همان كتاب: احمد بن محمد بزنطی گفته است: به امام رضا عليه السلام گفتم: نحوه صلوات فرستادن بعد از نماز واجب بر پيامبر صلی الله و آله چگونه است؟ سلام دادن به چه نحوی است؟ حضرت فرمود: می گويی: {سلام بر تو ای فرستاده خدا؛ سلام بر تو ای محمد بن عبد الله؛ سلام بر تو ای برگزيده خدا؛ سلام بر تو ای محبوب خدا؛ سلام بر تو ای انتخاب شده خدا؛ سلام بر تو ای امانتدار خدا؛ گواهی می‌دهم كه تو فرستاده خدايی؛ گواهی می‌دهم كه تو محمد بن عبد الله هستی؛ گواهی می‌دهم كه تو برای امتت خيرخواهی كردی و در راه پروردگارت، تلاش فراوان نمودی و آن قدر او را اطاعت كردی تا به يقين دست يافتی؛ پس ای رسول خدا، خدا بهترين پاداشی را كه به هر پيامبری از امتش داده، برای تو قرار دهد؛ خدايا، برترين درودهايی را كه بر ابراهيم و خاندان ابراهيم فرستادی، بر محمد و خاندان او فرست كه تو ستوده و گرامی هستی.} - . قرب الاسناد (چاپ سنگی): ۱۶۹؛ چاپ نجف: ۲۳۵ -

**[ترجمه]

توضيح

قال الجوهری الخيره الاسم من قولک خار الله لک فی هذا الأمر و الخيره مثال العنبه الاسم من قولک اختاره الله يقال محمد خيره الله من خلقه و خيره الله أيضا بالتسكين الاختيار و الاصطفاء و قال صفوه الشی ء خالصه و محمد صفوه الله من

ص: ۲۴

۱- ۱. قرب الإسناد ۵۶ ط حجر، ۷۵ ط نجف.

٢- ٢. مكارم الأخلاق ص ٣٢٨.

٣- ٣. قرب الإسناد ص ٧٩ ط حجر ص ١٠٣ ط نجف.

٤- ٤. مكارم الأخلاق ص ١٦٩ ط حجر ص ٢٣٥ ط نجف.

خلقه و مصطفاه أبو عبيده يقال له صفوه مالى و صفوه مالى و صفوه مالى فإذا نزعوا الهاء قالوا له صفو مالى بالفتح لا غير انتهى و الحبيب المحب أو المحبوب أنك محمد بن عبد الله أى المذكور فى الكتب السالفه المبشر به الأنبياء أو أنه صلى الله عليه و آله لما كان مشهورا بالكمالات الجليه فذكر اسمه المقدس كنايه عن ذكر جميعها أى أنت المشتهر بالكمالات التى يغنى اسمك عن ذكرها كقوله أنا أبو النجم و شعرى شعرى و اليقين الموت.

**[ترجمه]جوهری گفته است: «الخيره» اسم است كه از جمله «خار الله لک فى هذا الأمر» گرفته شده است؛ «الخيره» مثل «العنبه» اسم است و از «اختاره الله» گرفته شده است. گفته می‌شود: «محمد خيره الله من خلقه»، {خداوند محمد را از ميان آفريدگانش برگزيد.} همچنين «خيره الله» با سكون، به معناى برگزيدن و انتخاب نمودن است. گفته است: «صفوه الله»، يعنى خالص شده چيزى؛ محمد خالص شده خدا از ميان آفريدگانش و برگزيده اوست. ابو عبيده مى گويد: «له صَفوه مالى و صِفوه مالى و صُفوه مالى» - به هر سه شكل خواندن درست است.- ولى اگر حرف هاء از آن گرفته شود، مى گويند: «له صَفو مالى»؛ و فقط با فتحه مى‌آيد، نه به شكل ديگر. پايان. «الحبيب»: دوستدار و مورد دوستى واقع شده. «أنک محمد بن عبد الله»، يعنى همان اسم برده شده در كتاب‌هاى پيشينيان كه پيامبران به آن وعده داده اند؛ يا منظور اين است كه از آنجا كه آن حضرت صلى الله عليه و آله به فضائل و كمالات مشهور بوده است، اسم مقدس آن حضرت را مى‌گويد تا كنايه از ذكر همه آن اسامى باشد؛ يعنى تو به كمالاتى مشهور هستى كه آوردن نامت ما را از ذكر آن كمالات بى نياز مى‌كند، مانند اين سخن كه «أنا ابو النجم و شعرى و شعرى». «اليقين»، يعنى مرگ.

**[ترجمه]

«۲۶»

مَعَانِي الْأَخْبَارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى مَعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا وَ قَدْ خَلَصَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا يَخْلُصُ الذَّهَبُ لَا كَدَرَ فِيهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ يُطَالِبُهُ بِمَظْلِمَهٍ فَلْيَقْرَأْ فِي دُبُرِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِنِسْبَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اثْنَتَيْ عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَهُ وَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِناً وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّهَ سَالِماً وَ اجْعَلْ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَ آخِرَهُ صَلَاحاً إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ثُمَّ قَالَ علیه السلام هَذَا مِنَ الْمَخْبِيَّاتِ مِمَّا عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَمَرَنِي أَنْ أُعَلِّمَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام (1).

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، مُرْسَلًا: مِثْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّهَ آمِناً وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ صَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَ آخِرَهُ فَلَاحاً- إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ لَيْسَ أَسْأَلُكَ فِي بَعْضِ النُّسَخِ.

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۱۴۰.

**[ترجمه]معانی الاخبار: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: هر کس دوست دارد مانند خالص شدن طلا، از گناهان پاک شود و این‌گونه از دنیا خارج شود و هیچ کس از او دادخواهی نداشته باشد، پس به دنبال نمازهای پنجگانه، دوازده مرتبه قل هو الله أحد را نسبت به خداوند عزتمند و بزرگ بخواند و سپس دستش را گشوده و بگوید:{خدایا، از تو می‌خواهم به اسم پوشیده و در گنجینه و پاک و پاکیزه و پر برکتت؛ و از تو می‌خواهم به اسم بزرگت و فرمانروایی دیرینه‌ات؛ ای بخشنده هدایا و آزاد کننده اسیران؛ ای گشاینده بند گردن‌ها از آتش؛ بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بند گردنم را از آتش بگشا و مرا با ایمنی از دنیا خارج گردان و با سلامت وارد بهشت نما و ابتدای دعای مرا رستگاری، میانه آن را سعادتمندی و پایان آن را صلاح و بهبودی قرار ده که تو بهترین داننده نهان‌ها هستی.}

سپس حضرت علیه السلام فرمود: این از دعاهای سرّ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من آموخت و دستور داد به حسن و حسین علیهما السلام یاد دهم. - . معانی الاخبار: ۱۴۰ -

مصباح الشیخ: مثل این روایت را به صورت مرسل ذکر کرده که ادامه آن، چنین آمده است: {ای گشاینده بند گردن‌ها از آتش، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و گردن مرا از آتش بگشا و مرا با ایمنی از دنیا خارج گردان و با سلامتی وارد بهشت نما و ابتدای دعای مرا رستگاری، میانه آن را سعادتمندی و پایان آن را صلاح و بهبودی قرار بده که تو بهترین داننده نهان‌ها هستی.} عبارت «اسئلک» در بعضی نسخه‌ها نیامده است.

**[ترجمه]

«۲۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ (۱)، عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَعِیدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ أَبِیهِ: مِثْلَ مَا فِی الْمِصْبَاحِ إِلَّا أَنَّ فِیهِ وَ أَخْرِجْنِی وَ أَدْخِلْنِی وَ اجْعَلْ یَوْمِی أَوَّلَهُ فَلَاحاً إِلَی آخِرِ مَا فِی مَعَانِی الْأَخْبَارِ.

و فی الفقیه و التهذیب (۲)

الطهر الطاهر و بعد سلطانک القدیم أن تصلی علی محمد و آل محمد یا واهب العطایا إلی آخر ما فی المصباح إلا أن فی أکثر النسخ آمنا مکان سالما و بالعکس و فی بعض نسخ الدعاء یا فاک الرقاب و الکل حسن و ما فی المعانی و المصباح أحسن.

**[ترجمه]فلاح السائل: - . فلاح السائل: ۱۶۶ -

روایتی مثل آنچه که در المصباح وجود داشت روایت شده، جز اینکه عبارت «و أخرجنی و أدخلنی و اجعل یومی أوله فلاحاً» {و مرا خارج ساز و وارد کن و اول روزم را رستگاری قرار بده} تا آخر روایت معانی الاخبار در آن آمده است.

در الفقیه و التهذیب - . التهذیب ۱: ۱۶۵؛ الفقیه ۱: ۲۱۲ -

عبارت «الطهر الطاهر» و نیز بعد از «سلطانک القدیم» عبارت «أن تصلی علی محمد و آل محمد، یا واهب العطایا»، {که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی؛ ای بخشنده هدایا} تا آخر آنچه در المصباح آمده، وجود دارد. ولی در بیشتر نسخه‌ها به جای «سالماً»، «آمناً» آمده است یا برعکس؛ علاوه بر این در بعضی نسخه‌های دعا، «یا فاك الرقاب» آمده است. همه اینها خوب است ولی آنچه در المعانی و المصباح آمده، بهتر است.

**[ترجمه]

بیان

و لیس أحد یطالبه یحتمل کونه بطریق الإسقاط عنه و إعطاء العوض لأصحاب الحقوق أو بأن یوفقه الله فی حیاته لرد المظالم و نسبه الله سوره التوحید و إنما سمیت بها لأن الیهود لما سألوا رسول الله صلی الله علیه و آله عن نسبه الرب تعالی نزلت و الاسم المکنون الاسم الذی استبد سبحانه بعلمه و لم یعلمه أحدا و یحتمل الأعم.

من الدنیا آمنا أی من عقابک و من الذنوب التی بینی و بینک بأن توفقنی للتوبه منها أو تعفو عنها قبل الموت و من الذنوب التی بینی و بین خلقک بأن توفقنی للتخلص منها أو تعوض أربابها و تعلمنی ذلک و تدخلنی الجنه سالما أی من العقاب قبل دخولها بأن تعفو عن ذنوبی و تدخلنیها و هذه کالمؤکده لسابقتها فلاحا أی موجبا للنجاه فی الآخره من العقوبات نجاحا أی سببا للوصول إلی المقاصد الدنیویه و ما یتوصل به إلی المقاصد الأخرویه صلاحا أی ما یصلح به أمر آخرتی أو الأعم قال الشهید فی الذکری المخبیات من خبئ لما لم یسم فاعله و لولاه لکان المخبوات و کلاهما صحیح.

**[ترجمه]احتمال دارد عبارت «و لیس أحد یطالبه» از طریق صرف نظر کردن از او و دادن عوض به صاحبان حق باشد؛ یا اینکه خدا او را موفق می‌کند که در زمان زنده بودن، حقوق دیگران را رد کند. منظور از «نسبه الله» سوره توحید است؛ زیرا وقتی یهودیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد نسبت پروردگار سؤال کردند، این سوره نازل شد. «الاسم المکنون» آن اسم خدای سبحان است که تنها خودش آن را می‌داند و آن را به کسی نیاموخته است؛ نیز احتمال دارد که منظور، اعم از آن باشد .

«من الدنیا آمناً»، یعنی ایمن از عذاب تو، یا از گناهانی که بین من و تو وجود دارد؛ به این صورت که توفیق دهی از آنها توبه کنم یا قبل از مرگ، از آنها در گذری و نیز از گناهانی که بین من و آفریدگان تو وجود دارد، به این صورت که توفیق دهی از آنها رهایی یابم یا صاحبان آنها را عوض دهی و آن را به من اعلام کنی. «و تدخلنی الجنه سالماً»، یعنی قبل از اینکه وارد بهشت شوم، از عذاب در سلامت باشم، به این صورت که از گناهانم در گذری و سپس وارد بهشتم کنی و این از قبیل تأکید برای عبارت قبلی می‌باشد. «فلاحاً»، یعنی موجب رستن از عذاب‌ها در آخرت شود. «نجاحاً»، یعنی سبب رسیدن به اهداف دنیایی و از آن طریق، رسیدن به اهداف جهان آخرت شود. «صلاحاً»، یعنی آنچه باعث اصلاح مسائل مربوط به جهان رستاخیزم شود؛ یا اینکه معنای عام آن منظور باشد و شامل امور دنیا و آخرت باشد. شهید در الذکری گفته است: «المخبیات» از «خبی» گرفته شده است و به چیزی گفته می‌شود که فاعلش اسم برده نشود و اگر از مخبیات نباشد مخبوات است و هر دو آنها صحیح می‌باشد.

**[ترجمه]

«۲۸»

مَعَانِی الْأَخْبَارِ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: لَا تَنْسَوُا الْمُوجِبَتَیْنِ أَوْ

ص: ۲۶

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۶۶.

۲- ۲. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۵، الفقیه ج ۱ ص ۲۱۲.

قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْمُوجِبَتَيْنِ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ قُلْتُ وَ مَا الْمُوجِبَتَانِ قَالَ قَالَ تَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَتَعَوَّذُ بِهِ مِنَ النَّارِ(۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: زراره گفته است: امام باقر علیه السلام فرمود: دو موجب را فراموش نكنيد؛ يا فرمود: بر شما باد به دو موجب بعد از هر نماز. پرسيدم: منظور از دو موجب چيست؟ فرمود: از خدا بهشت را می‌خواهی و از آتش به او پناه می‌بری. - . معانی الاخبار: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

توضيح

الموجبتان بالكسر أی توجبان النعيم و النجاه من العذاب أو بالفتح أی أوجبتا و ألزمتا عليكم و لا بد لكم منهما.

**[ترجمه]«الموجبتان» با كسره، يعنی دو چيزی كه موجب نعمت يا رهايی از آتش می‌شوند. يا با فتحه خوانده شود، يعنی آن دو بر شما واجب و لازم باشند و برای شما گريزی از آن دو نباشد.

**[ترجمه]

«۲۹»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَهَ عَنْ أَبِی بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَلَا يَدَعْ أَنْ يَقْرَأَ فِی دُبُرِ الْفَرِيضَهِ بِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ غَفَرَ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ وَ مَا وَلَدَا(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس به خدا ايمان دارد، خواندن «قل هو الله أحد» بعد از هر نماز واجب را ترک نكند؛ چرا كه هر كس آن را بخواند، خداوند خير دنيا و آخرت را برای او يكجا و با هم قرار می‌دهد و او و پدر و مادرش و هر چه فرزند داشته باشند را می‌آمرزد. - . ثواب الاعمال: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۳۰»

الْمَحَاسِنُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ الصَّلَاهِ قَبْلَ أَنْ يُزَوِّلَ رُكْبَتَيْهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهاً وَاحِداً أَحَداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً عَشْرَ مَرَّاتٍ مَحَا اللَّهُ عَنْهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَهٍ وَ كَتَبَ لَهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَهٍ وَ كَانَ مِثْلَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ اثْنَتَيْ عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ أَمَّا أَنَا فَلَا أُزَوِّلُ رُكْبَتَيَّ حَتَّى أَقُولَهَا مِائَهَ مَرَّهٍ وَ أَمَّا أَنْتُمْ فَقُولُوهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]المحاسن: اسحاق بن عمار گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بعد از تمام شدن نماز و قبل از اینکه زانوهـایش از زمین جـدا شود، ده مرتبه بگویـد: «أشـهد أن لا إله إلا الله وحـده لا شـریک له إلها واحـدا أحـدا صـمداً لم یتخذ صاحبه و لا ولـداً»، {گواهی می‌دهم که هیـچ خـدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و شـریکی برای او نیست، خدای یکتای یگانه و بی‌نیازی است که نه یاوری می گیرد و نه فرزندی.} خداوند از او چهل هزار هزار بدی را پاک می کند و برای او چهل هزار هزار خوبی می‌نویسد و مانند کسـی است که دوازده مرتبه قرآن خوانده است. سـپس حضرت رو به من کرد و فرمود: من قبل از اینکه زانوهایم را از زمین بردارم، صد مرتبه آن را می‌خوانم، ولی شما ده مرتبه بخوانید. - . المحاسن: ۵۱ -

**[ترجمه]

بیان

هـذا التهلیل مذکور فی الکتب و وردت فیه فضائل کثیره فی التعقیب و غیره و سـیأتی بعضـها و فی النسخ رکبتیه بالنصب و زال یزول لم یأت متعدیا و یمکن أن یقرأ علی بناء التفعیل قال الجوهری زال الشی ء من مکانه یزول زوالا و إزاله غیره و زوله فانزال و قال زلت الشی ء من مکانه أزیله زیلا لغه فی أزلته.

**[ترجمه]این ذکر در کتاب‌ها ذکر شـده و برای خوانـدن آن در تعقیب نماز و جاهای دیگر، فضـیلت‌های بسـیاری وارد شده که بعضـی از آنها را بیان خواهیم کرد. و در بعضی نسخه‌ها «رکبتیه» به صورت منصوب آمده و «زال، یزول» به صورت متعدی ذکر نشـده است. این احتمال نیز وجود دارد که بر وزن تفعیل خوانـده شود. جوهری گفته است: «زال الشـیء من مکانه، یزول، زوالاً»، چیز از جایگـاهش کاملاً کنار می‌رود و از «اله غیره و زوّله» یعنی یا خودش آن را از بین برد، پس از بین رفت. و گفته است: «زلت الشیء من مکانه، أزیله، زیلاً»، چیزی را از جایش کاملاً دور کردم و در لغت به معنی زایل کردن است.

**[ترجمه]

«۳۱»

غَیْبَهُ الشَّیْخِ، عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ عَلِیٍّ الرَّازِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَائِـذٍ الرَّازِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ وَجْنَـا النَّصِـیبِیِّ عَنْ أَبِی نُعَیْمٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَنْصَارِیِّ عَنِ الْقَائِمِ علیه السلام قَالَ: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَرِیضَهِ.

ص: ۲۷

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۱۸۳.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۱۵.

۳- ۳. المحاسن ص ۵۱.

إِلَيْکَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَ دُعِيتَ الدَّعْوَةَ وَ لَکَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَ لَکَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ وَ إِلَيْکَ التَّحَاکُمُ فِی الْأَعْمَالِ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا خَيْرَ مَنْ أَعْطَی يَا صَادِقُ يَا بَارِئُ يَا مَنْ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَ تَکَفَّلَ بِالْإِجَابَهِ يَا مَنْ قَالَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ يَا مَنْ قَالَ وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِی وَ لْيُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ وَ يَا مَنْ قَالَ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ لَبَّيْکَ وَ سَعْدَيْکَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْکَ الْمُسْرِفُ عَلَی نَفْسِي وَ أَنْتَ الْقَائِلُ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً(۱).

إِكْمَالُ الدِّينِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعَقِيقِيِّ عَنْ أَبِی نُعَيْمٍ الْأَنْصَارِيِّ: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۲).

الْمِصْبَاحُ لِلشَّيْخِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۳)، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ،: مِثْلَهُ وَ فِيهَا الْمُسْرِفُ عَلَی نَفْسِي وَ أَنْتَ الْقَائِلُ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا إِلَی قَوْلِهِ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

**[ترجمه]غیبه الشیخ: ابی نعیم محمد بن احمد انصاری از حضرت قائم علیه السلام نقل کرده که فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام بعد از نماز واجب می‌گفت: {خدایا، تنها به سوی توست که صداها بالا آمده و دعاها خوانده شده؛ برای توست که صورت‌ها پایین انداخته شده؛ برای توست که گردن‌ها خم شده؛ داوری در کارها به سوی توست؛ ای بهترین درخواست شونده و ای بهترین عطا کننده؛ ای راستین؛ ای آفریننده، ای آنکه خلف وعده نمی‌کند؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داده و اجابت آن را بر عهده گرفته؛ ای کسی که فرموده است: «ادعونی استجب لکم»، - . غافر/ ۶۰ - {«مرا

بخوانید تا شما را اجابت کنم.} ای کسی که فرموده است: «و إذا سألک عبادی عنّی فإنّی قریبٌ أُجیب دعوه الداعی إذا دعانِ فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون»، - . بقره/ ۱۸۶ - {و

هر گاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می کنم، پس آنان باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.} ای کسی که فرموده است: «قل یا عبادی الّذین أسرفوا علی أنفسهم لا تَقنطوا من رحمه الله إنّ الله یغفر الذنوب جمیعاً إنه هو الغفور الرحیم»، - . زمر/ ۵۳ - {بگو:

«ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.}؛ می‌پذیرم و اطاعت می‌کنم؛ این منم که در مقابل تو، بر نفس خودم زیاده روی کردم و تو فرموده‌ای: «لا تقنطوا من رحمه الله إن الله یغفر الذنوب جمیعاً»،{از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد.} - . غیبه الشیخ: ۱۶۷ -

اکمال الدین: همین روایت را تا عبارت «هو الغفور الرحیم» از ابی نعیم انصاری نقل کرده است. - . اکمال الدین (چاپ مکتبه الصدوق) ۲: ۴۷۱ -

المصباح:

که برای شیخ است، و بلد الأمین - . البلد الأمین: ۱۲ -

و جنه الأمان مثل همین روایت را نقل کرده‌اند و در آن، «المُسرف علی نفسه و أنت القائل یا عبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم» تا عبارت «الغفور الرحیم» وجود دارد.

**[ترجمه]

أقول

أوردناه بأسانید فی باب من رأی القائم علیه السلام (۴).

**[ترجمه]این روایت را در باب «من رأی القائم»، {کسی که حضرت قائم علیه السلام را دیده.} با سندهای مختلف نقل کرده‌ایم. - . ر.ک: همین کتاب ۵۲: ۷ -

**[ترجمه]

«۳۲»

فِقْهُ الرِّضَا، قَالَ علیه السلام: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِکَ فَارْفَعْ یَدَیْکَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَکَبِّرْ ثَلَاثاً وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ تُسَبِّحُ بِتَسْبِیحِ فَاطِمَهَ وَ هُوَ أَرْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ تَکْبِیرَهً وَ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ تَسْبِیحَهً وَ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ تَحْمِیدَهً ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْکَ السَّلَامُ وَ لَکَ

۱- ۱. غیبه الشیخ ص ۱۶۷.

۲- ۲. کمال الدین ج ۲ ص ۴۷۱ ط مکتبه الصدوق.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۱۲.

۴- ۴. راجع ج ۵۲ ص ۷.

السَّلَامُ وَ إِلَيْکَ يَعُودُ السَّلَامُ- سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّهِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ آلِ طه وَ يس ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْمَکْتُوبَهِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عَافِيَتَکَ فِی جَمِيعِ أُمُورِی كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلَکَ مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ وَ أَسْتَعِيذُ بِکَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ(۱).

**[ترجمه]فقه الرضا: حضرت رضا علیه السلام فرمود: بعد از اینکه از نمازت فارغ شدی، در حالت نشسته دستانت را بالا ببر و سه مرتبه تکبیر بگو و بگو: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و شریکی برای او نیست، وعده‌اش را به انجام رساند و بنده‌اش را یاری کرد و گروه‌ها را به تنهایی شکست داد و خود به تنهایی سپاهیانش را عزتمند کرد؛ پس فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ خیر تنها به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.}

سپس تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها را می‌گویی که سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله است. سپس بگو: {خدایا، تو خود سلامی و سلام از تو و برای توست و به سوی تو باز می‌گردد. منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند و سلام بر فرستادگان، و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.} و می‌گویی: «السلام علیک أیها النبی و رحمه الله و برکاته، السلام علی الأئمه الراشدین المهدیین من آل طه و یس»، {سلام بر تو ای پیامبر خدا و درود و برکت‌های او بر تو باد، سلام بر امامان پیشگام و هدایت یافته از خاندان طه و یس باد.}

سپس بعد از نماز واجب، هر دعایی که برایت ممکن بود، می‌خوانی و می‌گویی: {خدایا، از تو می‌خواهم بر محمد و بر خاندان محمد درود بفرستی و از تو، هر چیز خوبی را که به آن علم داری، خواستارم و از هر بدی که به آن علم داری، به تو پناه می‌آورم. خدایا، از تو ایمنی در تمام کارهایم را می‌خواهم و از رسوایی دنیا و آخرت به تو پناه می‌آورم؛ هرچه را که محمد و خاندان او از تو درخواست کرده اند، می‌خواهم و از هرچه محمد و خاندان او از آن به تو پناه آورده اند، به تو پناه می آورم که تو ستوده و گرامی هستی.} - . فقه الرضا: ۹ -

**[ترجمه]

بَيَانٌ

قَالَ الصَّدُوقُ فِی الْفَقِيهِ (۲): بَعْدَ تَسْبِيحِ فَاطِمَهَ علیها السلام فَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ إِلَى قَوْلِهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّهِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ثُمَّ تُسَلِّمُ عَلَى الْأَئِمَّهِ وَاحِداً وَاحِداً وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ.

قوله علیه السلام أنت السلام أی السالم مما یلحق الخلق من العیب و النقص و الفناء و منک السلام أی سلامه الخلق من البلایا و النقائص حصلت منک و لک السلام أی التحیات و المحامد لک و تلیق بک و إلیک یعود کل ثناء و مدح و تحیه و إن

توجهت ظاهرا إلی غیرک أو من جهه العلیه ترجع إلیک فإنک عله جمیع ذلک بواسطه أو بغیرها و قیل أنت السلام أی المسلم أولیاءک و المسلم علیهم و منک بدء السلام و إلیک عوده فی حالتی الإیجاد و الإعدام.

**[ترجمه]صدوق در کتاب الفقیه - . الفقیه ۱: ۲۱۲ - گفته است: بعد از تسبیح فاطمه سلام الله علیها «اللهم أنت السلام» را بگو و ادامه آن تا این عبارت «السلام علی أئمه الهادین المهدیین، السلام علی جمیع أنبیاء الله و رسله و ملائکته، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، {سلام بر امامان هدایت یافته هدایتگر؛ سلام بر تمام پیامبران خدا و فرستادگان و فرشتگان او؛ سلام بر ما و بر بندگان نیک خدا.} سپس به یک یک امامان سلام بده و به دلخواه خودت دعای کن.

این کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «أنت السلام»، یعنی سالم از هر عیب و کاستی و فنایی که به آفریدگان می‌رسد. «منک السلام»، یعنی سالم بودن آفریدگان از گرفتاری‌ها و کمبودهایی که از ناحیه تو اتفاق می‌افتد. «لک السلام»، یعنی تحیت‌ها و ستایش‌ها برای تو و سزاوار توست و هر ستایش و سپاس و تحیت به تو برمی‌گردد، هر چند در ظاهر به دیگران نسبت داده شود؛ یا اینکه از جهت علیت، همه سلام ها به تو بر می‌گردد؛ زیرا تو علت همه آنها هستی، خواه با واسطه و خواه بدون آن. گفته شده است: «أنت السلام»، یعنی کسی که دوستدارانت را در سلامت نگه می‌داری و بر آنها سلام می‌فرستی و آغاز سلام از توست و در دو حالت وجود و عدم نیز، برگشت آن به سوی توست.

**[ترجمه]

«۳۳»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنْ أَبِی سَیَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: جَاءَ جَبْرَئِیلُ إِلَی یُوسُفَ فِی السِّجْنِ وَ قَالَ قُلْ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ فَرِیضَهٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ (۳).

ص: ۲۹

۱- ۱. فقه الرضا ص ۹.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ ص ۲۱۲.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۷۰.

المکارم، عنه علیه السلام: مثله (۱)

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَی بْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِی سَیَّارٍ عَنْهُ علیه السلام: مِثْلَهُ (۲)

وَ زَادَ فِی آخِرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

**[ترجمه]العیاشی: ابی سیار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: جبرئیل نزد یوسف در زندان آمد و گفت: بعد از هر نماز واجب بگو: «اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث أحتسب و من حیث لا أحتسب»، {خدایا، برای من گشایش و راه گریزی قرار ده و برایم از جایی که گمان می‌برم و از جایی که گمان نمی‌برم، روزی رسان.} - تفسیر العیاشی ۲: ۱۷۰ -

المکارم: مثل همین روایت را از آن حضرت علیه السلام نقل کرده است. - . مکارم الاخلاق: ۳۲۸ -

مجالس الصدوق: مثل همین روایت را از طریق ابی سیار از آن حضرت علیه السلام نقل کرده، - . أمالی الصدوق: ۳۴۳ -

با این تفاوت که در آخر آن، عبارت «ثلاث مرات» {سه مرتبه} را افزوده است.

**[ترجمه]

أقول

رواه فی الکافی (۳)

بسند حسن عن سیف بن عمیره عنه علیه السلام و لیس فیه ثلث مرات.

**[ترجمه]در الکافی - . الکافی ۲: ۵۴۹ -

همین روایت را از طریق سیف بن عمیره از آن حضرت علیه السلام نقل کرده، ولی در آن، عبارت «ثلاث مرات» وجود ندارد .

**[ترجمه]

«۳۴»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّیْتُ خَلْفَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَأَطْرَقَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ لَا تُقَنِّطْنِی مِنْ رَحْمَتِکَ ثُمَّ جَهَرَ فَقَالَ وَ مَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (۴).

**[ترجمه]العیاشی: صفوان جمال نقل کرده است: پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم. سپس لحظه‌ای ساکت شد و

بعـد فرمود: «اللهم لا تقنطنى من رحمتک»، {خـدايا، مرا از رحمت خودت نا اميد مگردان} سـپس با صداى بلند فرمود: «و من يَقنط من رحمه ربّه إلا الضّالون»، - . الحجر / ۵۶ - {چه

کسى جز ستمکاران از رحمت خدايش نوميد مى گردد؟!} - . تفسير العياشى ۲: ۲۴۷ -

**[ترجمه]

«۳۵»

مَعَانِی الْأَخْبَارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَی بْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَ تَرَوْنَ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَکُمْ مِنَ الْآنِيَهِ وَ الْمَتَاعِ أَ کُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَ فَلَا أَدُلُّکُمْ عَلَی شَیْ ءٍ أَصْلُهُ فِی الْأَرْضِ وَ فَرْعُهُ فِی السَّمَاءِ قَالُوا بَلَی يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُکُمْ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاهِ الْفَرِيضَهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّهً فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِی الْأَرْضِ وَ فَرْعَهُنَّ فِی السَّمَاءِ وَ هُنَّ يَدْفَعْنَ الْحَرَقَ وَ الْغَرَقَ وَ الْهَدْمَ وَ التَّرَدِّیَ فِی الْبِئْرِ وَ مِيتَهَ السَّوْءِ وَ هُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ (۵).

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَی عَنْ أَبِی أَيُّوبَ الْخَزَّازِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۲۸.

۲- ۲. أمالى الصدوق ص ۳۴۳.

۳- ۳. الکافى ج ۲ ص ۵۴۹.

۴- ۴. تفسير العيّاشىّ ج ۲ ص ۲۴۷ و الآيه فى سوره الحجر: ۵۶.

۵- ۵. معانى الأخبار ص ۳۲۴.

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ یَوْمٍ أَ رَأَیْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَکُمْ مِنَ الثِّیَابِ وَ الْآنِیَهِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَی بَعْضٍ أَ کُنْتُمْ تَرَوْنَهُ وَ سَاقَ الْحَدِیثَ کَمَا مَرَّ إِلَی أَنْ قَالَ وَ هُنَّ یَدْفَعْنَ الْهَدْمَ وَ الْغَرَقَ وَ الْحَرَقَ وَ التَّرَدِّیَ فِی الْبِئْرِ وَ أَکْلَ السَّبُعِ وَ مِیتَهَ السَّوْءِ وَ الْبَلِیَّهَ الَّتِی تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَی الْعَبْدِ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ وَ هُنَّ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: آیا آنچه را که از ظرف‌ها و اشیا پیش خود جمع می‌کنید، دیده‌اید که به آسمان برسد؟ گفتند: خیر؛ ای رسول خدا. فرمود: آیا نمی... خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که ریشه‌اش در زمین و شاخه‌اش در آسمان است؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: هر یک از شما بعد از تمام شدن نماز واجبش سی مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله والله أکبر»، {منزه است خدا و ستایش مخصوص اوست و جز الله، خدایی وجود ندارد و خدا بزرگتر است.} که ریشه اینها در زمین و شاخه هایشان در آسمان است. همین‌ها جلوی آتش سوزی و غرق شدن و ویرانی و افتادن در چاه و بد مردن را می گیرند؛ همین‌ها نیکی... های ماندگار هستند. - . معانی الاخبار: ۳۲۴ -

ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرموده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: آیا آنچه را که از لباس و ظرف پیش خود جمع کرده سپس بر روی هم انباشته کرده باشید، دیده‌اید... و حدیث را همان گونه که قبلاً بیان شد، ادامه داده تا آنجا که گفته: آنها جلوی ویرانی و غرق شدن و آتش سوزی و افتادن در چاه و خوراک درندگان شدن و بد مردن و بلایی را که در آن روز از آسمان بر بنده نازل می‌شود، می گیرند و آنها نیکی‌های ماندگار هستند. - . ثواب الاعمال: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۳۶»

فَلَاحُ السَّائِلِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ: مِثْلَهُ وَ فِی آخِرِهِ وَ هُنَّ الْمُعَقِّبَاتُ (۲).

أَرْبَعِینُ الشَّهِیدِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَی شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنِ ابْنِ أَبِی جِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِ: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ وَ هُنَّ الْمُعَقِّبَاتُ.

**[ترجمه]فلاح السائل: مثل همان روایت را آورده و در پایان آن، عبارت «و هنَّ معقّبات»، {و آنها در پی آیندگان هستند.} وجود دارد.

أربعین الشهید: مثل همین روایت را تا عبارت «و هنّ معقّبات» آورده است.

**[ترجمه]

بيان

هذا الخبر متكرر فی الأصول بأسانيد(۳)

جمه قوله أصلهن فی الأرض أی منشؤها و حصولها فی الأرض و يظهر أثرها فی السماء لكون المثوبات الأخرويه فيها أو شبهت بشجره نشبت عروقها فی الأرض و بلغت أغصانها السماء فی كثره الثمار و النفع و الخير و الثبات. و لا يبعد أن يكون إشاره إلی قوله أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها(۴) بأن يكون المراد بالكلمه الطيبه كل ما يكون حقا و نافعا فی الآخره فتشمل أمثال تلك الكلمات الطيبه و يحتمل أن يكون كنايه عن أنه يظهر أثرها فی الأرض فی الدنيا و يتبع ذلك ظهور أثرها فی السماء أی فی الآخره فإن تلك الكلمات مغزاها و معناها توحيد الرب تعالی و اتصافه بالصفات الكماليه و تنزيهه عن صفات النقص و سمات العجز

ص: ۳۱

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۲.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۱۶۵.

۳- ۳. راجع التهذيب ج ۱ ص ۱۶۵.

۴- ۴. إبراهيم: ۲۵.

و الإقرار بكون النعم كلها منه تعالى و هو المستحق للحمد عليها و هى غايه عرفانه تعالى و المعرفه هى العله الغائيه لخلق العالم و بها يكمل نظامه فيظهر أثرها فى الأرض و يتفرع عليه المثوبات الجليله الأخرويه الحاصله فى السماء.

و سؤاله عليه السلام أولا ـ عن أن وضع ما فى الدنيا بعضه فوق بعض هل يبلغ السماء من قبيل تشبيه المعقول بالمحسوس أى ما ترونه فى الدنيا من المحسوسات لو جمعتموها كلها لا يكون بحيث يملأ الأرض و الجو يبلغ السماء و هذه الكلمات الكاملات يملأ الأرض أثرها و يبلغ السماء نفعها فهى خير مما طلعت عليه الشمس كما ورد فى غيرها.

و لعل هذه الوجوه كلها أحسن مما قاله بعض العرفاء يعنى لو أردتم أن تدفعوا البلاء النازل من السماء بأيديكم بأن تصعدوا إلى السماء و تمنعوه من النزول ما قدرتم عليه إلا أن لكم أن تدفعوه بنحو آخر و هو أن تقولوا ذلك بعد صلاتكم انتهى.

و الباقيات الصالحات إشاره إلى قوله تعالى وَ الْباقِياتُ الصّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ أَمَلًا(۱) و قال البيضاوى أى أعمال الخيرات التى تبقى لنا ثمراتها أبد الآباد و يندرج فيها ما فسرت به من الصلوات الخمس و أعمال الحج و صيام رمضان و سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و الكلام الطيب.

قوله عليه السلام و هن المعقبات إشاره إلى قوله سبحانه لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللّهِ (۲) و فسرها الأكثر بملائكه الليل و النهار يتعاقبون و هم الحفظه يعقب بعضهم بعضها فى حفظه جمع معقبه من عقب مبالغه عقبه إذا جاء عقبه كأن بعضهم يعقب بعضا أو لأنهم يعقبون أقواله و أفعاله فيكتبونها و قيل هم عشره أملاك على كل آدمى تحفظه من شر المهالك و المعاطب مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ أى من جوانبه و قيل أى ما قدم و أخر من الأعمال يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللّهِ أى من بأس الله أو بأمر الله.

۱- ۱. الكهف: ۴۶.

۲- ۲. الرعد: ۱۱.

و على ما فی الخبر المراد بها التسبیحات الأربع مطلقا أو بتلك العدد أو هی من جمله المعقبات فیراد به كل الأعمال الصالحه أو ما لها مدخل فی حفظ الإنسان من المهالك و تسمیتها بالمعقبات إما لأنها یعدن مره بعد أخری أو لأنهن یعقبن الصلاه كما مر أو لأنها بمنزله جماعه یعقبون المرء لحفظه.

وَ رَوَی الْعَیَّاشِیُّ (۱)

بِإِسْنَادِهِ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ عُثْمَانَ سُكَّرَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی هَذِهِ الْآیَهِ قَالَ هُنَّ الْمُقَدِّمَاتُ الْمُؤَخِّرَاتُ الْمُعَقِّبَاتُ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ.

و لعله علیه السلام أشار إلی هذه التسبیحات أو الأعم منها و من سائر الصالحات.

**[ترجمه]این خبر در کتاب‌های اصلی حدیث با سندهای زیاد تکرار شده است. - . ر.ك: التهذیب ۱: ۱۶۵ - عبارت «اصلهنّ فی الأرض»، یعنی سر آغاز و پیدایش آن در زمین است و اثر آن در آسمان ظاهر می‌شود؛ زیرا ثواب‌های آخرت در آن است؛ یا اینکه تشبیهی است به درخت که ریشه‌هایش در زمین است و شاخه‌هایش که میوه‌ها و سود و خیر و استواری در آن است، به آسمان می‌رسند.

بعید نیست اشاره به این کلام خداوند باشد که فرموده است: «ألم تر كیف ضرب الله مثلاً كلمه طیبه كشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اُكلها كل حین بإذن ربها»، - . ابراهیم/ ۲۵ - {آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاك است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است و هر لحظه به اذن پروردگارش ثمر می‌دهد.} به این که منظورش از کلمه طیبه، هر آن چیزی باشد که حقیقت داشته و در آخرت سود رساند؛ پس امثال آن کلمه‌های پاک را شامل می‌شود. و احتمال دارد کنایه از این باشد که اثر آن در زمین و در دنیا پدیدار می‌شود و به دنبال آن، پیدایش اثرش در آسمان یا در آخرت اتفاق می‌افتد که در این صورت، آن کلمات، هسته و معنی توحید پروردگار متعال و متصف بودن او به صفت‌های کمال و منزه بودنش از وصف‌هایی که دلالت بر نقص دارند یا نشانه‌هایی که حاکی از عجز باشند، هستند. و نیز اقرار به اینکه همه نعمت‌ها از سوی از خدای متعال است و او سزاوار ستایش بر آن نعمت‌ها می‌باشد و همین، نهایت شناخت اوست و شناخت، علت نهایی آفرینش جهان است و به سبب آن، نظام آفرینش کامل می‌شود و اثر آن در زمین پدیدار می‌گردد و پاداش‌های گرانقدر جهان آخرت که در آسمان حاصل می‌شود، بر پایه آن است .

و سؤال کردن آن حضرت صلی الله علیه و آله در ابتدا از قرار دادن بعضی چیزها روی بعضی دیگر، که آیا به آسمان می‌رسد یا خیر، از قبیل همانند کردن یک مسئله عقلی به چیز حسی است. یعنی آنچه از اشیاء قابل حس در دنیا می‌بینید، اگر همه آنها را روی هم جمع کنید، به گونه‌ای که زمین و فضا را پر کرده و به آسمان برسد، نمی‌شود؛ ولی اثر این کلمات کامل، سراسر زمین را پر کرده و سود آنها به آسمان می‌رسد و این بهتر از همه آن چیزهایی که خورشید بر آنها می‌تابد؛ همان گونه که در روایت‌های دیگر وارد شده است.

شاید همه این صورت‌هایی که گفته شد، از آنچه بعضی عرفا گفته‌اند، بهتر باشد، مبنی بر اینکه اگر خواستید به دست خودتان

جلوی بلایی که از آسـمان نازل می‌شود را بگیریـد، به این صورت که به آسـمان بروید و مانع فرود آمدن آن شوید، نخواهید توانست؛ مگر اینکه از راهی دیگر آن را انجام دهید؛ یعنی آن کلمات را بعد از نماز بگویید. پایان.

«الباقیات الصالحات» اشاره است به آیه «و الباقیات الصالحات خیرٌ عند ربک ثواباً و خیرٌ أملًا»، - . الکهف/ ۴۶ - {و نیکی‌های مانـدگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امیـد [نیز] بهتر است.} بیضاوی گفته است: یعنی کارهای نیکی که نتیجه آنهـا تـا ابـد برای مـا باقی می‌مانـد و طبق تفسیری که صورت گرفته، کارهایی مثل نمازهای پنجگانه و اعمال حـج و روزه ماه رمضان و «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر» و نیز کلمات طیب در زمره آنها قرار می گیرند.

عبارت «و هن المعقبات» اشاره به این کلام خدای سبحان است که می‌فرماید: «له معقّبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من أمر الله»، - . الرعد/ ۱۱ - {

برای او فرشـتگانی است که پی در پی، او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سـرش پاسداری می کنند.} عده زیادی آن را به فرشتگان شب و روز تفسیر کرده‌اند که پشت سر هم می‌آیند و همان نگهبانان هستند که برای نگهبانی به دنبال هم می‌آیند؛ معقبات جمع «معقبه»، صـیغه مبالغه و از «عقّب» است. «عقّب» زمانی که یکی پشت سر دیگری بیاید، گویی عده‌ای از آنها عده دیگر را تعقیب می کنند؛ یا به این دلیل که آنها سخنان و کارهای او را پیگیری کرده و می‌نویسند. نیز گفته شده است: آنها ده فرشـته برای هر شخص هستند که او را از شر هلاکت گاه‌ها محافظت می کنند. «من بین یدیه و من خلفه»، یعنی از پیرامون او؛ و گفته شده: یعنی از اعمالی که پیشاپیش فرستاده و آنهایی که بعداً فرستاده می‌شود. «یحفظونه من أمر الله»، یعنی از عذاب خدا؛ یا به دستور خدا.

طبق آنچه در روایت آمـده، منظور از آن، مطلق تسبیحات أربعه یا به همان تعداد است، یا اینکه آن هم از جمله تعقیبات اسـت که در این صورت، منظور همه اعمـال نیـک خواهـد بود، یـا آن دسـته که در حفـظ انسـان از هلاـکت و نابودی تأثیر دارنـد و نامیـدن آنهـا به «معقبات»، یا به این دلیل است که یکی پس از دیگری فرود آینـد؛ یا همان طور که گفته شـد، به این دلیل که بعد از نماز واقع می‌شوند؛ یا به این دلیل که مانند گروهی، پشت سر شخص برای محافظت از او قرار می گیرند.

عیاشی از طریق فضیل بن عثمان سکّره از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه روایت کرده - . تفسیر العیاشی ۲: ۲۰۵ -

که حضـرت فرمود: آنها همان پیش فرسـتاده‌ها و پس فرسـتاده‌هایی است که به دنبال هم می‌آینـد و نیکی‌های مانـدگار است. شاید آن حضرت علیه السلام به این تسبیحات یا به اعم از آنها و سایر نیکی‌ها اشاره کرده باشد.

**[ترجمه]

«۳۷»

مَعَانِی الْأَخْبَارِ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بِإِسْنَادٍ مُتَّصِلٍ إِلَی الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَدْنَی مَا یُجْزِئُ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْمَکْتُوبَهِ أَنْ یَقُولَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ

أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عَافِیَتَکَ فِی أَمُورِی کُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْآخِرَهِ(۲).

الْمَکَارِمُ، عَنْهُ علیه السلام: مِثْلَهُ (۳) إِلَّا أَنَّهُ غَیَّرَهُ إِلَی الْمُتَکَلِّمِ مَعَ الْغَیْرِ فِی الضَّمَائِرِ وَ الْأَفْعَالِ کُلِّهَا.

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام فرمود: کمترین مقدار دعایی که خواندن آن بعد از نماز واجب کفایت می‌کند، این است که بگویی: {خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست؛ خدایا، همه خوبی‌هایی را که به آن علم داری، از تو خواستارم و از همه بدی‌هایی که تو به آن علم داری، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، ایمنی در تمام کارهایم را از تو می‌خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می‌آورم.} - . معانی الاخبار: ۳۹۴ -

المکارم: مثل همین روایت را از آن حضرت علیه السلام نقل کرده، - . مکارم الاخلاق: ۳۲۸ - با این تفاوت که همه ضمیرها و فعل‌ها را به صیغه متکلم مع الغیر آورده است.

**[ترجمه]

بیان

هذا الدعاء مذکور فی المصباح و سائر کتب الدعوات و رواه فی الکافی فی الحسن کالصحیح (۴)

و لیس فی أوله الصلاه و الصدوق فی المقنع (۵)

اکتفی بهذا فی سائر التعقیبات حیث قال إن أدنی ما یجزئ من الدعاء بعد المکتوبه أن تقول اللهم صل إلی آخر الدعاء ثم قال فإن کنت إماما لم یجز لک أن تطول

فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا صَلَّیْتَ بِقَوْمٍ فَخَفِّفْ وَ إِذَا کُنْتَ وَحْدَکَ فَثَقِّلْ فَإِنَّهَا الْعِبَادَهُ.

۱- ۱. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۰۵.
۲- ۲. معانی الأخبار ص ۳۹۴.
۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۲۸.
۴- ۴. الکافی ج ۳ ص ۳۴۳.
۵- ۵. المقنع ص ۳۰، ط الإسلامیه.

**[ترجمه]این دعـا در المصباح و دیگر کتاب‌های دعا آورده شـده و در کافی در در روایت حسـنی کهماننـد صـحیح است، ذکر کرده است – . الکافی ۳: ۳۴۳ –

ولی در ابتـدای آن، نمـاز وجـود نـدارد. صـدوق در کتـاب المقنـع از میـان سـایر تعقیبـات به همین بسـنده کرده و گفته است: کمترین دعـایی که بعـد از نماز واجب کفایت می‌کنـد، این است که بگویی: «اللهم صلِّ...» تا آخر دعا. سـپس گفته: اگر امام جمـاعت باشـی، روا نیست که آن را طول دهی؛ زیرا امـام صـادق علیه السـلام فرموده است: هر گـاه با گروهی نماز خوانـدی، آسان بگیر و اگر تنها بودی، سنگین؛ که این خود، عبادت است.

**[ترجمه]

«۳۸»

الْخِصَالُ، عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْـدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَائِذٍ الْأَحْمَسِـيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام قَالَ: أَرْبَعَهٌ أُوتُوا سَـمْعَ الْخَلَائِقِ- النَّبِيُّ صـلى الله عليه و آله وَ حُورُ الْعِينِ وَ الْجَنَّهُ وَ النَّارُ فَمَا مِنْ عَبْـدٍ يُصَـلِّي عَلَى النَّبِيِّ صـلى الله عليه و آله أَوْ يُسَـلِّمُ عَلَيْهِ إِلَّا بَلَغَهُ ذَلِکَ وَ سَـمِعَهُ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ اللَّهُمَّ زَوِّجْنَا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ إِلَّا سَـمِعَتْهُ وَ قُلْنَ يَا رَبَّنَا فُلَاناً قَدْ خَطَبَنَا إِلَيْکَ فَزَوِّجْنَا مِنْهُ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّهَ إِلَّا قَالَتِ الْجَنَّهُ اللَّهُمَّ أَسْـكِنْهُ فِيَّ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَجِرْهُ مِنِّي (۱).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: چهار گروه هستند که صدای آفریدگان را می‌شنوند: پیامبر صلی الله علیه و آله، حور العین، بهشت و آتش؛ پس هر بنـده‌ای که بر پیامبر صـلی الله علیه و آله صـلوات یا سـلام بفرسـتد، به او می‌رسد و او می‌شـنود؛ هر کس بگویـد: «اللهم زوِّجنـا من حور العین»، {خـدایا، حورالعین را به ازدواج مـا در بیاور.} آنها می‌شـنوند و می... گوینـد: پروردگـارا، فلانـی از مـا خواسـتگاری کرد، پس مـا را بـه ازدواج او در آور؛ هر کس بگویـد: «اللهـم أدخلنی الجنه»، {خـدایا، مرا وارد بهشت نما.}، بهشت می‌گوید: خدایا، او را در من سـکونت ده؛ هر کس از آتش به خدا پناهنده شود، آتش می‌گویـد: پروردگارا، او را از من، در پناه خود گیر. – . الخصال ۱: ۹۴؛ این روایت پیش از این، زیر شماره ۱۷ با سند دیگری بیان شد. –

**[ترجمه]

«۳۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْـدِيِّ،: قَـالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السـلام لِلْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ أَ لَا أَدُلُّکَ عَلَى أَمْرٍ إِذَا فَعَلْتَهُ كُنْتَ وَلِيَّ اللَّهِ حَقّاً قُلْتُ بَلَى قَالَ تُسَبِّحُ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ عَشْراً وَ تَحْمَدُهُ عَشْراً وَ تُكَبِّرُهُ عَشْراً وَ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَشْراً يَصْرِفُ ذَلِکَ عَنْکَ أَلْفَ بَلِيَّهٍ فِي الدُّنْيَا أَيْسَـرُهَا الرِّدَّهُ عَنْ دِينِکَ وَ يَدَّخِرُ لَکَ فِي الْآخِرَهِ أَلْفَ مَنْزِلَهٍ أَيْسَـرُهَا مُجَاوَرَهُ نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صـلى الله عليه و آله وَ قَالَ النَّبِيُّ صـلى الله عليـه و آله مَـا مِنْ عَبْـدٍ يَبْسُـطُ كَفَّيْهِ دُبُرَ صَـلَاتِهِ ثُمَّ يَقُولُ إِلَهِي وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْـحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ إِلَهَ جَبْرَئِيـلَ وَ مِيكَائِيـلَ وَ

إِسْرَافِيلَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دَعْوَتِي فَإِنِّي مُضْطَرٌّ وَ تَعْصِمَنِي فِي دِينِي فَإِنِّي مُبْتَلًى وَ تَنَالَنِي بِرَحْمَتِكَ فَإِنِّي مُذْنِبٌ وَ تَنْفِيَ عَنِّي الْفَقْرَ فَإِنِّي مِسْكِينٌ إِلَّا كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرُدَّ يَدَيْهِ خَائِبَتَيْنِ.

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ تُقُبِّلَتْ صَلَاتُهُ وَ يَكُونُ فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ بِعِصْمَةِ اللَّهِ.

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ قَالَ: عَرَضَ لِي وَجَعٌ فِي رُكْبَتِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ فَقُلْ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَ خَيْرَ مَا سُئِلَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ عَافِنِي مِنْ وَجَعِي قَالَ فَقُلْتُ فَعُوفِيتُ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: براء بن عازب گوید که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا می‌خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که اگر انجام دهی، دوست حقیقی خداوند باشی؟ گفتم: بلی. فرمود: بعد از هر نماز، ده مرتبه سبحان الله می گویی و ده مرتبه الحمد لله و ده مرتبه الله اکبر و ده مرتبه لا إله إلا الله می گویی؛ این کار از تو هزار بلا را در دنیا که کمترین آنها برگشتن از دین است، دور می کند و در آخرت، هزار جایگاه را برای تو ذخیره می کند که آسانترین آن، همجواری با پیامبرت، محمد صلی الله علیه و آله است. و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر بنده‌ای که بعد از نماز دستانش را گشوده و بگوید: ای خدای من و خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب و خدای جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، از تو می‌خواهم که دعایم را مستجاب کنی که من درمانده‌ام، و در دینم نگه داری که من گرفتارم، و رحمت خودت را بر من برسانی که من گناهکارم، و تهیدستی را از من دور کنی که من بیچاره‌ام؛ قطعاً بر عهده خدا خواهد بود که دستانش را نومید بر نگرداند.

همچنین فرمود: هر کس آیه الکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند، نمازش پذیرفته می‌شود و در پناه و نگهداری خدا خواهد بود.

ابی جعفر احول گفته است: در زانوهایم نوعی ناراحتی پیش آمد و از آن به امام صادق علیه السلام شکایت کردم؛ پس فرمود: وقتی نماز خواندی، بگو: «یا أجوَد مَن أعطی و خیرَ ما سُئِل، یا أرحمَ مَن استرحَم، اِرحم ضعفی و قلَّةَ حیلَتی و عافِنی مِن وَجَعی»، {ای بزرگوارترین کسی که می‌بخشد و بهترین کسی که از او درخواست می‌شود، ای مهربانترین کسی که از او طلب رحمت می‌شود؛ بر ناتوانی و بیچارگی ام رحم کن و مرا از بیماری‌ام بهبودی بخش.} وی گفته است: این را گفتم و بهبودی یافتم.

**[ترجمه]

«۴۰»

عِدَّةُ الدَّاعِي، رَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي

ص: ۳۴

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۹۴، و قد مر تحت الرقم ۱۷، بسند آخر.

دُبُرِ الْفَرِيضَهِ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ ثَلَاثاً ثُمَّ سَأَلَ أَعْطِيَ مَا سَأَلَ.

**[ترجمه]عده الداعی: ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار نقل کرده که گفته است: هر کس در دنباله نماز سه بار بگوید: «یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء أحد غیره»، {ای کسی که هر چه اراده کند انجام می‌دهد، و دیگری هر چه اراده کند انجام نمی‌دهد.} و سپس درخواست نماید، خواسته‌اش به او داده می‌شود.

**[ترجمه]

بیان

رواه فی الکافی بسند حسن (۱)

کالصحیح و قوله أحد غیره إما فاعل الفعلین معا و النفی متعلق بالعموم أی لیس أحد غیره بحیث یقدر أن یفعل ما یشاء أو فاعل یفعل الضمیر الراجع إلی الموصول أی لا یفعل الله کل ما یشاء غیره بل فعله منوط بالمصالح.

**[ترجمه]این را در الکافی با سند حسن -که مانند صحیح است- روایت کرده است - . الکافی ۲: ۵۴۵ -

و عبارت «أحد غیره» یا فاعل همزمان هر دو فعل است و نفی، مربوط به عموم است؛ یعنی کس دیگری غیر از او وجود ندارد که بتواند هر چه را اراده کرد، انجام دهد؛ یا اینکه فاعل «یفعل» ضمیری است که به موصول برمی‌گردد؛ یعنی خدا هر چه را که دیگری بخواهد، انجام نمی‌دهد، بلکه انجام دادن او، به مصلحت آن کارها بستگی دارد.

**[ترجمه]

«۴۱»

دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، رُوِّينَا عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِی قَضَی الصَّلَاهَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ الْيُمْنَی ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنَّا الْحَزَنَ وَ الْهَمَّ وَ الْفِتَنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ (۲).

وَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ يَقُولُ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَيْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ عَظُمَ حِلْمُکَ فَعَفَوْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ يَدَکَ فَأَعْطَيْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَجْهُکَ أَکْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جَاهُکَ خَيْرُ الْجَاهِ وَ عَطِيَّتُکَ أَنْفَعُ الْعَطِيَّهِ وَ أَهْنَؤُهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْکُرُ وَ تُعْصَی رَبَّنَا فَتَغْفِرُ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَکْشِفُ السُّوءَ وَ تَشْفِی السَّقِيمَ مِنَ الْکَرْبِ وَ تَقْبَلُ التَّوْبَهَ وَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لَا يَجْزِی بِآلَائِکَ أَحَدٌ وَ لَا يُحْصِی نِعْمَتَکَ عَادٌّ وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قَائِلٍ (۳).

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ فَقُلْ بِعَقِبِ صَلَاتِکَ اللَّهُمَّ لَکَ صَلَّيْتُ وَ لَکَ دَعَوْتُ وَ إِلَيْکَ رَجَوْتُ فَأَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ لِی فِی صَلَاتِی وَ دُعَائِی بَرَکَهً تُکَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِی وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِی وَ تُکْرِمُ بِهَا مَقَامِی وَ تَحُطُّ بِهَا عَنِّی وِزْرِی

اللَّهُمَّ احْطُطْ عَنِّی وِزْرِی وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَکَ خَیْراً لِی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَی عَنِّی صَلَاهً- کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً(۴).

ص: ۳۵

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۴۵.

۲- ۲. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۱.

۳- ۳. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۹.

۴- ۴. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۹.

وَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ السَّلَامِ- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (۱).

وَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ جَازَ الصِّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَنْ يَمِينِهِ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ وَ عَنْ شِمَالِهِ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ وَ جَبْرَئِيلُ آخِذٌ بِحُجْزَتِهِ وَ هُوَ يَنْظُرُ فِي النَّارِ يَمِيناً وَ شِمَالًا فَمَنْ رَأَى فِيهَا مِمَّنْ يَعْرِفُهُ دَخَلَ بِذَنْبٍ غَيْرِ شِرْكٍ أَخَذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ (۲).

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سَلَّمْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُسْتَحَبُّ (۳).

وَ عَنْهُ عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ فِي التَّسْبِيحِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فَإِنْ بَلَغَ مِائَةً فِي التَّسْبِيحِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّكْبِيرِ فَهُوَ أَفْضَلُ (۴).

وَ رُوِّينَا عَنِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام: أَنَّهُمْ أَمَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ بِالتَّقَرُّبِ بِعَقِبِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَ التَّقَرُّبُ أَنْ يَبْسُطَ الْمُصَلِّي يَدَيْهِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَقَامِهِ وَ بَعْدَ أَنْ يَدْعُوَ إِنْ شَاءَ مَا أَحَبَّ وَ إِنْ شَاءَ جَعَلَ الدُّعَاءَ بَعْدَ التَّقَرُّبِ وَ هُوَ أَحْسَنُ وَ يَرْفَعُ بَاطِنَ كَفَّيْهِ وَ يُقَلِّبُ ظَاهِرَهُمَا وَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ بِعَلِيٍّ وَصِيِّهِ وَ وَلِيِّكَ وَ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ يُسَمِّي الْأَئِمَّةَ إِمَاماً إِمَاماً حَتَّى يُسَمِّيَ إِمَامَ عَصْرِهِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِمْ وَ أَتَوَلَّاهُمْ وَ أَتَبَرَّأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ أَشْهَدُ اللَّهُمَّ بِحَقَائِقِ الْإِخْلَاصِ وَ صِدْقِ الْيَقِينِ أَنَّهُمْ خُلَفَاؤُكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجُكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ الْوَسَائِلُ إِلَيْكَ وَ أَبْوَابُ رَحْمَتِكَ

۱- ۱. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۰.

۲- ۲. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۰.

۳- ۳. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۰.

۴- ۴. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۰.

اللَّهُمَّ احْشُرْنِی مَعَهُمْ وَ لَا تُخْرِجْنِی مِنْ جُمْلَهِ أَوْلِیَائِهِمْ وَ ثَبِّتْنِی عَلَی عَهْدِهِمْ وَ اجْعَلْنِی بِهِمْ عِنْدَکَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ وَ ثَبِّتِ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ زِدْنِی هُدًی وَ نُوراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی مِنْ جَزِیلِ مَا أَعْطَیْتَ عِبَادَکَ الْمُؤْمِنِینَ مَا آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِکَ وَ أَسْتَوْجِبُ بِهِ رِضَاکَ وَ رَحْمَتَکَ وَ اهْدِنِی إِلَی مَا اخْتُلِفَ فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِکَ إِنَّکَ تَهْدِی مَنْ تَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ أَسْأَلُکَ یَا رَبِّ فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تَقِیَنِی عَذَابَ النَّارِ(۱).

**[ترجمه]دعائم الاسلام: برای ما روایت شده که علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از امت من نمازش را به جای آورد و پس از آن، دست راستش را به پیشانی‌اش بکشد و بگوید: {خدایا، ستایش مخصوص توست، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد؛ داننده غیب و آشکار هستی؛ خدایا، ناراحتی و غصه و گرفتاری‌ها را خواه آشکار باشند و خواه نهانی، از ما ببر.} قطعاً خداوند خواسته او را به او عطا می‌کند. -. دعائم الاسلام ۱: ۱۷۱ -

همچنین از علی علیه السلام روایت شده است که بعد از هر نماز واجب می‌گفت:{خدایا، نورت کامل است و هدایت کردی، پس سپاس تو را؛ بردباری‌ات عظیم است و گذشت کردی، پس سپاس تو را؛ دستت را گشودی و بخشیدی، پس سپاس تو را؛ ای پروردگار ما، چهره‌ات بزرگوارترین چهره‌هاست و جایگاهت بهترین جایگاه و هدیه تو سودمندترین هدیه و شیرین‌ترین آنها است؛ اطاعت می‌شوی ای پروردگار ما، پس تشکر می‌کنی؛ و نافرمانی می‌شوی ای پروردگار ما و باز می‌بخشی؛ درمانده را اجابت می‌کنی و بدی را برطرف می‌نمایی و دردمند را از اندوه، بهبودی می‌دهی و توبه را می‌پذیری و گناهان را می... آمرزی و هیچ کس به سبب بخشش‌های تو مجازات نمی‌شود و هیچ شمارنده‌ای نمی‌تواند نعمت‌های تو را به شمارش در آورد و ستایش هیچ ستاینده‌ای به آنچه سزاوار تو است، نمی‌رسد.} -. دعائم الاسلام ۱: ۱۶۹ -

از امام جعفر صادق فرزند امام محمد باقر علیهما السلام نقل شده است که فرموده است: هرگاه نماز خواندی، در دنباله نمازت بگو:{خدایا، برای تو نماز خواندم و برای تو دعا کردم و به تو امیدوار گشتم، پس از تو می‌خواهم در نماز و دعایم برکتی قرار دهی که با آن، بدی‌هایم را بپوشانی و رویم را سفید گردانی و جایگاهم را با آن بزرگوارانه کنی و به خاطر آن، بارم را سبک کنی. خدایا، بارم را سبک گردان و آنچه را پیش توست، مایه خیر و خوشی من قرار ده؛ سپاس خدایی را که نماز را که بر مؤمنان، نوشته شده وقت‌دار است، از من به جا آورده ساخت.} -. دعائم الاسلام ۱: ۱۶۹ -

و از علی علیه السلام نقل شده است که بعد از سلام نماز می‌گفت: {خدایا، آنچه را پیش از این مرتکب شده‌ام و آنچه را بعد از این مرتکب می‌شوم و آنچه را که پنهان داشته‌ام و آنچه را آشکار ساخته‌ام و آنچه را بهتر از من نسبت به آنها علم داری، همه را بیامرز؛ تنها تو قبل از همه چیز بوده‌ای و تنها تو بعد از همه چیز خواهی بود، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد.} -. دعائم الاسلام ۱: ۱۷۰ -

و نیز از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: هر کس در دنباله هر نماز واجب، صد مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند، در قیامت در حالی از پل صراط عبور می‌کند که هشت ذراع در طرف راست او و هشت ذراع در طرف چپ او جا باشد و جبرئیل اختیار او را به دست گرفته باشد و او از سمت راست و چپ به آتش می... نگرد، پس اگر کسی از آشنایان را ببیند که به گناهی غیر از شرک در آنجا وارد شده باشد، دستش را می‌گیرد و با شفاعت خود، وارد بهشت می‌سازد. -. دعائم الاسلام ۱: ۱۷۰ -

همچنین از جعفر بن محمـد علیهما السـلام نقل شـده است که فرمود: هر گاه سـلام نماز را دادی، سه مرتبه تکبیر بگو و بعد از آن بگو: {هیـچ خـدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و شـریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و سـتایش مخصوص اوست؛ خوبی تنها به دست اوست و او بر هر چیزی توانا است. هیـچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست، وعده‌اش را به انجام رساند و بنده‌اش را یـاری کرد و به تنهایی همه گروه‌ها را شـکست داد، پس فرمانروایی و سـتایش مخصوص اوست، سـپاس خـدایی را که پروردگار جهانیان است.} سـپس ده مرتبه «لا إله إلا الله و الله أکبر سـبحان الله و الحمـد لله»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و خـدا بزرگ‌تر است، خـدا منزه و پاک است و سـتایش مخصوص خدا است.} را بگو که مسـتحب است. - . دعائم الاسـلام ۱: ۱۷۰ -

و نیز از آن حضـرت علیه السلام است که تسبیح بعد از نماز را سی مرتبه اعلام کرد و فرمود: اگر تسبیح و تحمید و تکبیر، صد مرتبه باشد، با فضیلت‌تر است. - . دعائم الاسلام ۱: ۱۷۰ -

از امامان علیهم السـلام برای ما این‌گونه روایت شده که بعد از آن و بعد از هر نماز واجب، دستور داده‌اند تقرب صورت گیرد و آن، عبـارت است از این است که نمازگزار بعـد از تمام شـدن نماز و قبل از اینکه از جای خود برخیزد و بعـد از آنکه دعای دلخواه خود را خوانـد، دسـتانش را بگشایـد - و اگر خواست، می‌توانـد آن دعای دلخواه خود را بعـد از این بخواند که همین بهتر است - و کف دستانش را به طرف بالا و پشت آنها را رو به پایین بگیرد و بگوید: {خدایا، من به واسطه محمد، فرستاده و پیامبر تو به تو نزدیکی می‌جویم؛ و نیز به واسطه علی، که جانشین او و دوستدار تو بود؛ و نیز به امامان پاک از نسل او، حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام - و همین طور تک تک امامان را اسم می‌برد تا اینکه به امام زمان خودش برسد، سـپس می‌گوید:- خدایا، من به واسـطه اینان به تو نزدیکی می‌جویم و آنان را دوست می‌دارم و از دشـمنان آنان، بیزاری می‌جویم و گواهی می‌دهم ای خدا، به حقیقت اخلاص و به درستی یقین، که آنها جانشینان تو در زمین و حجت‌هـای تو برای بنـدگان و وسیله ارتبـاط آنـان با تو و درهای رحمت تو هسـتند. خـدایا، مرا با آنان محشور کن و مرا از زمره دوستداران آنان بیرون ساز و بر پیمان آنان، استواری‌ام ده و به احترام آنان، در دنیا و آخرت مرا آبرومند و از نزدیکانشان قرار ده و یقین را در دلم همیشگی ساز و بر هدایت و نور من بیفزای.

خـدایا، بر محمـد و خاندان محمد درود فرست و از بزرگ‌ترین هدایایی که به بندگان مؤمن خودت داده‌ای، به من عطا کن تا موجب ایمنی من از عـذاب تو باشـد و مسـتوجب رضایت و رحمتت بگردم و به اذن خود، مرا به حقیقت آنچه در آن اختلاف می‌ورزند، راهنمایی کن که تو هر کسـی را بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی؛ از تو می‌خواهم ای پروردگار، در دنیا و در آخرت برای من نیکی قرار دهی و از تو می‌خواهم که مرا از عذاب آتش نگه داری.} - . دعائم الاسلام ۱: ۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۴۲»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذُو حُمَةٍ(۲).

دعوات الراونـدی، مرسـلا: مثله بیان قال الفیروزآبادی الحمه کثبه السم أو الإبره یضـرب بها الزنبور و الحیه و نحو ذلک و یلذع بها انتهی و قال العکبری فی شـرح المقامات الحمه فی الأصل السم من العقرب و الزنبور و غیرها و من جعلها شوکه العقرب فقد أخطأ.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام رضا علیه السـلام فرمود: هر کس بعد از هر نماز، آیه الکرسی بخواند، هیچ [جانور] نیشداری به او ضرر نمی‌رساند. - . ثواب الاعمال: ۹۵ -

دعوات الراوندی: مثل این روایت را به صورت مرسل نقل کرده است.

**[ترجمه]

«۴۳»

کِتَابُ الزُّهْدِ، لِلْحُسَـیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیْدٍ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ حُوراً مِنْ حُورِ الْجَنَّهِ أَشْرَفَتْ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ أَبْدَتْ ذُؤَابَهً مِنْ ذَوَائِبِهَا لَافْتَتَنَ بِهَا أَهْلُ الدُّنْیَا وَ إِنَّ الْمُصَلِّی لَیُصَلِّی فَإِنْ لَمْ یَسْأَلْ رَبَّهُ أَنْ یُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ قُلْنَ مَا أَزْهَدَ هَذَا فِینَا.

**[ترجمه]فیروز آبـادی گفته است: «الحمه» جـای جمع شـدن سم است؛ یا نیشـی که زنبور یا مار یا امثال آن می‌زننـد و با آن می گزند. پایان. العکبری در شـرح المقامات گفته است: «الحمه» در اصل، سم عقرب و زنبور و مانند آن است و هر کس معنی آن را عقرب بداند، در اشتباه است.

**[ترجمه]

«۴۴»

جُنَّهُ الْأَمَـانِ، وَ اخْتِیَارُ ابْنِ الْبَاقِی، وَ الْبَلَـدُ الْأَمِینُ، رَأَیْتُ بِخَطِّ الشَّهِیـدِ ره أَنَّ النَّبِیَّ صـلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا یَقِفَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَلَی قَبِیحِ أَعْمَالِهِ وَ لَا یُنْشَرَ لَهُ دِیوَانٌ فَلْیَقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ وَ هُوَ اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَکَ أَرْجَی مِنْ

ص: ۳۷

۱- ۱. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۱.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۹۵.

عَمَلِي وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ تَرْحَمَنِي فَرَحْمَتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسَعَنِي لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْ ءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]کتاب الزهد: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یکی از حوریان بهشت بر اهل دنیا آشکار شود و یکی از گیسوان خود را نمایان سازد، همه اهل دنیا دلباخته او می‌شوند. اگر نمازگزاری بعد از خواندن نماز، ازدواج با حوریان را از خداوند نخواهد، آنان می گویند: این چقدر به ما بی رغبت است!

**[ترجمه]

«۴۵»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، فِي كِتَابِ الْفَرَجِ بَعْدَ الشِّدَّهِ لِابْنِ أَبِي الدُّنْيَا عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ أَوَّلَ الْبَقَرَهِ إِلَى الْمُفْلِحُونَ (۲) وَ إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ الْآيَهَ(۳) وَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ إِلَى خالِدُونَ وَ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ فِي الْأَعْرَافِ إِلَى الْمُحْسِنِينَ (۴) وَ أَوَّلَ الصَّافَّاتِ إِلَى لازِبٍ (۵) وَ يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فِي الرَّحْمَنِ إِلَى تَنْتَصِرانِ (۶) وَ آخِرَ سُورَهِ الْحَشْرِ وَ قُلْ أُوحِيَ إِلَى قَوْلِهِ شَطَطاً(۷) كَفَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَ سُلْطَانٍ عَاتٍ (۸).

وَ مِنْهُ: تَقُولُ مَا رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَهٍ- إِلَهِي هَذِهِ صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لَا لِحَاجَهٍ مِنْكَ إِلَيْهَا وَ لَا رَغْبَهٍ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيماً وَ طَاعَهً وَ إِجَابَهً لَكَ إِلَى مَا أَمَرْتَنِي إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْغُفْرَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ مِنْهُ فِي كِتَابِ نُزْهَهِ الْخَوَاطِرِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَرَأَ التَّوْحِيدَ دُبُرَ كُلِّ فَرِيضَهٍ عَشْراً زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.

**[ترجمه]جنه الامان و اختیار ابن الباقی و البلد الأمین: در دست نوشته شهید - که رحمت خدا بر او باد- دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس می‌خواهد در روز قیامت خداوند از کارهای زشت او بازخواست نکند و پرونده او را نگشاید، بعد از هر نماز این دعا را بخواند: {خدایا، آمرزش تو امیدوار کننده‌تر از عمل من است و رحمت تو گسترده‌تر از گناه من؛ خدایا، اگر گناه من پیش تو بزرگ است، پس گذشت تو بزرگتر از گناه من است؛ خدایا، گرچه من سزاوار نیستم که مرا مورد رحمت خودت قرار دهی، ولی رحمت تو این قابلیت را دارد که به من برسد و مرا در بر بگیرد، چرا که رحمت تو بر همه چیز گسترده است؛ به مهربانی‌ات ای مهربانترین مهربانان.} - . البد الأمین: ۹ (در حاشیه) -

**[ترجمه]

«۴۶»

نِهَايَهُ الشَّيْخِ: تَقُولُ بَعْدَ تَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۹ فی الهامش.

۲- ۲. البقره: ۱- ۵.

۳- ۳. البقره: ۲۳۶.

۴- ۴. الأعراف: ۵۴- ۵۶.

۵- ۵. الصافّات: ۱- ۱۱.

۶- ۶. الرحمن: ۳۳- ۳۵.

۷- ۷. الجن: ۱- ۴.

۸- ۸. البلد الأمین ص ۱۰ فی الهامش.

وَ لَکَ السَّلَامُ وَ إِلَیْکَ السَّلَامُ وَ إِلَیْکَ یَرْجِعُ السَّلَامُ تَبَارَکْتَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَام السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِینَ الْمَهْدِیِّینَ السَّلَامُ عَلَى جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ عِزْرَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ وَ مَلَکِ الْمَوْتِ وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ السَّلَامُ عَلَى رِضْوَانَ خَازِنِ الْجِنَانِ السَّلَامُ عَلَى مَالِکٍ خَازِنِ النِّیرَانِ السَّلَامُ عَلَى آدَمَ وَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ مَنْ بَیْنَهُمَا مِنَ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْأَوْصِیَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصُّلَحَاءِ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ ثُمَّ یُسَلِّمُ عَلَى الْأَئِمَّهِ علیهم السلام وَاحِداً وَاحِداً.

**[ترجمه]البلد الأمین: در کتاب «الفرج بعد الشده» از ابن ابی الدنیا از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود: هر کس از ابتدای بقره تا «المفلحون» - . البقره/ ۱-۵ -

و آیه «إلهکم إله واحد» - . البقره/ ۲۳۶ -

و آیه الکرسی تا «خالدون» و «إن ربکم الله» در سوره اعراف تا «المحسنین» - . الاعراف/ ۵۴-۵۶ -

و از ابتدای صافات تا «لازب» - . الصافات/ ۱-۱۱ -

و «یا معشر الجن و الإنس» در سوره الرحمن، تا «تنتصران» - . الرحمن/ ۳۳-۳۵ - و آخر سوره حشر و «قل أُوحی» تا «شططاً» - . الجن/ ۱-۴ -

را بخواند، خدای متعال شر هر شیطان عصیانگر و فرمانروای سرکش را از او دور می‌کند. - . البلد الأمین: ۱۰ (در حاشیه) -

همان کتاب: آنچه را که از علی علیه السلام روایت شده است، بعد از هر نماز واجب می‌گویی: {ای خدای من، این نماز من بود که آن را نه به خاطر نیاز تو به آن و نه به خاطر رغبتی که در آن داشته باشی، بلکه فقط به خاطر بزرگ داشتن و اطاعت و اجابت کردن آنچه مرا به آن امر کرده بودی، به جای آوردم. ای معبود من، اگر در رکوع یا سجده آن، اشتباه یا نقصی وجود داشت، پس مرا مورد بازخواست قرار مده و با قبول کردن آن و آمرزش خودت، بر من تفضل نما؛ به مهربانی‌ات ای مهربان... ترین مهربانان.}

همان کتاب: در کتاب نزهه الخواطر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس بعد از هر نماز واجب، ده مرتبه توحید را بخواند، خداوند حور العین را به ازدواج او در می‌آورد .

**[ترجمه]

«۴۷»

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ، وَ کِتَابُ الْکَفْعَمِیِّ، مِنْ أَدْعِیَهِ السِّرِّ: یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَنْ تُقْبَلَ الْفَرَائِضُ وَ النَّوَافِلُ مِنْهُ فَلْیَقُلْ خَلْفَ کُلِّ فَرِیضَهٍ أَوْ تَطَوُّعٍ- یَا شَارِعاً لِمَلَائِکَتِهِ الدِّینَ الْقَیِّمَ دِیناً رَاضِیاً بِهِ مِنْهُمْ لِنَفْسِهِ وَ یَا خَالِقَ مَنْ سِوَى الْمَلَائِکَهِ مِنْ خَلْقِهِ لِلِابْتِلَاءِ بِدِینِهِ وَ یَا مُسْتَخِصّاً مِنْ خَلْقِهِ لِدِینِهِ رُسُلًا بِدِینِهِ إِلَى مَنْ دُونَهُمْ وَ یَا مُجَازِیَ أَهْلِ الدِّینِ بِمَا عَمِلُوا فِی الدِّینِ اجْعَلْنِی بِحَقِّ اسْمِکَ الَّذِی کُلُّ

شَیْ ءٍ مِنَ الْخَیْرَاتِ مَنْسُوبٌ إِلَیْهِ مِنْ أَهْلِ دِینِکَ الْمُؤْثَرِ بِهِ بِإِلْزَامِکَهُمْ حَقَّهُ وَ تَفْرِیغِکَ قُلُوبَهُمُ الْمُرَغَّبَهِ فِی أَدَاءِ حَقِّکَ فِیهِ إِلَیْکَ لَا تَجْعَلْ بِحَقِّ اسْمِکَ الَّذِی فِیهِ تَفْصِیلُ الْأُمُورِ کُلِّهَا شَیْئاً سِوَی دِینِکَ عِنْدِی أَبْیَنَ فَضْلًا وَ لَا إِلَیَّ أَشَدَّ تَحَبُّباً وَ لَا بِی لَاصِقاً وَ لَا أَنَا إِلَیْهِ مُنْقَطِعاً وَ اغْلِبْ بَالِی وَ هَوَایَ وَ سَرِیرَتِی وَ عَلَانِیَتِی وَ اسْفَعْ بِنَاصِیَتِی إِلَی کُلِّ مَا تَرَاهُ لَکَ مِنِّی رِضًی مِنْ طَاعَتِکَ فِی الدِّینِ (۱).

**[ترجمه]نهایه الشیخ: بعد از تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها می گویی: {خدایا، تو خود سلام هستی و سلام از توست و برای توست و به سوی توست و به سوی تو باز می گردد؛ مبارک گشته‌ای، ای صاحب شکوه و بزرگی؛ سلام بر فرستاده خدا؛ سلام بر پیامبر خدا؛ سلام بر محمد بن عبد الله، آخرین پیامبران؛ سلام بر امامان هدایتگر هدایت یافته؛ سلام بر جبرئیل و میکائیل و عزرائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و فرشتگان حمل کننده عرش؛ سلام بر رضوان که کلیددار بهشت است؛ سلام بر مالک که کلیددار آتش جهنم است؛ سلام بر آدم و محمد صلی الله علیه و آله و تمام پیامبران و جانشینان و شهدا و نیکانی که بین این دو بوده اند؛ سلام بر ما و بر بندگان نیک خدا.} سپس بر تک‌تک امامان علیهم السلام، سلام می‌فرستی.

**[ترجمه]

بیان

المؤثر به أی الدین الذی تأثر و تختار بسببه بعض الخلق علی بعض و اغلب بالی أی صر غالبا علیها حتی تصرفها إلی ما تحب فالمراد بالغلبه لازمها و ما رأینا من النسخ هکذا بالغین و لعل القاف أنسب و قال الجوهری سفعت بناصیته أی أخذت و منه قوله تعالی لنسفعا بالناصیه.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و کتاب الکفعمی: از جمله دعاهای سرّ، این است: ای محمد، هر کس از امت تو بخواهد واجبات و مستحباتش پذیرفته شود، بعد از هر نماز واجب یا مستحب بگوید: {ای کسی که برای فرشتگانش دین استواری را که از سوی آنها برای خودش مورد رضایت است، قرار داده است؛ ای کسی که همه آفریدگان خود به جز فرشتگان را برای آزمودن با دین آفرید؛ ای کسی که برای دینش، کسانی از آفریده‌هایش را برگزید و به سوی کسانی که پایین‌تر از آنان بودند، فرستاد؛ ای کسی که دینداران را به خاطر آنکه به دین عمل می کنند، پاداش می‌دهی؛ به حق آن اسمت که همه خوبی‌ها به آنها منسوب است، از دینداران خودت که حق آن را بر آنان الزامی کرده‌ای و به سبب آن، بر دیگران برگزیده‌ای و دل‌های مشتاقان را برای ادای حقت در آن فارغ کرده‌ای و به احترام آن اسمت که شرح همه چیز در آن است، هیچ چیز به جز دینت را نزد من با آشکارترین فضیلت و برایم دوست داشتنی‌ترین و طوری که به من، بیشترین پیوستگی را داشته باشد، قرار نده و مرا از آن جدا شده مگردان و آن را بر عقل و خواهش و نهان و آشکار من، پیروز قرار ده، و در اطاعت از تو در دین، اختیار مرا به هر آن چیزی که رضایت خودت را از من در آن می‌بینی، قرار ده.} - . البلد الأمین: ۵۱۲ -

**[ترجمه]

الْإِقْبَالُ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلْ هَذَا الدُّعَاءَ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلَايَتِكَ وَ وَلَايَةِ رَسُولِكَ وَ وَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوَّلِهِمْ

ص: ۳۹

۱- ۱. البلد الأمين ص ۵۱۲.

إِلَى آخِرِهِمْ وَ سَيِّمِهِمْ ثُمَّ قُلْ آمِينَ أَدِينُكَ بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَايَتِهِمْ وَ الرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مُؤْمِنٌ مُقِرٌّ بِذَلِكَ مُسَلِّمٌ رَاضٍ عَمَّا رَضِيتَ بِهِ يَا رَبِّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَيْهِ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَنِي لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تُحَوِّلْنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ (۱).

**[ترجمه]«المؤثر به»، یعنی دینی که انتخاب کرده‌ای و به سبب آن، بعضی از آفریده‌هایت را بر سایرین برگزیده‌ای. «اغلب بالی»، یعنی ذهن مرا مغلوب خود قرار ده تا آن گونه که تو دوست می‌داری، تصرف کند؛ پس منظور از غلبه، لازم آن است و آنچه ما در نسخه‌ها مشاهده کردیم، همین طور با «غین» بود و شاید «قاف» مناسب‌تر باشد. جوهری گفته است: «سفعت بناصیته»، یعنی گرفتی. این کلام خداوند متعال که فرموده است: «لَنسفَعاً بالنّاصیه»، - . علق/ ۱۵ - {موی

پیشانی [او] را سخت بگیریم.} نیز از همین قبیل است.

**[ترجمه]

«۴۹»

الْكَافِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ عَنْ إِدْرِيسَ أَخِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلْ وَ ذَكَرَ الدُّعَاءَ إِلَى قَوْلِهِ ثُمَّ قُلْ- إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلَايَتِكَ وَ وَلَايَتِهِمْ إِلَى قَوْلِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ إِلَى قَوْلِهِ مُقِرٌّ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ إِلَى قَوْلِهِ مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ إِلَى قَوْلِهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا(۲) وَ قَدْ مَرَّ وَ إِنَّمَا كَرَّرْنَا لِلِاخْتِلَافِ الْكَثِيرِ وَ وَثَاقَةِ سَنَدِهِ عِنْدِي.

وَ مِنْهُ عَنِ الْعِدَّةِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: مَنْ قَالَ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ وَ هُوَ آخِذٌ بِلِحْيَتِهِ بِيَدِهِ الْيُمْنَى- يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ارْحَمْنِي مِنَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَدُهُ الْيُسْرَى مَرْفُوعَةٌ بَطْنُهَا إِلَى مَا يَلِي السَّمَاءَ ثُمَّ يَقُولُ أَجِرْنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يُؤَخِّرُ يَدَهُ عَنْ لِحْيَتِهِ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَهُ وَ يَجْعَلُ بَطْنَهَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ ثُمَّ يَقُولُ يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ وَ يَقْلِبُ يَدَيْهِ وَ يَجْعَلُ بُطُونَهُمَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ ثُمَّ يَقُولُ أَجِرْنِي مِنَ الْعَذَابِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ غُفِرَ لَهُ وَ رُضِيَ مِنْهُ وَ وُصِلَ بِالاسْتِغْفَارِ لَهُ حَتَّى يَمُوتَ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ

۱- ۱. إقبال الاعمال ص ۱۸۳.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۴۵ و قد مر عن فلاح السائل تحت الرقم: ۸.

الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ (۱)

وَ قَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ تَشَهُّدِكَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْماً لَا تُغَادِرُ ذَنْباً وَ لَا أَرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّماً أَبَداً وَ عَافِنِي مُعَافَاةً لَا بَلْوَى بَعْدَهَا أَبَداً وَ اهْدِنِي هُدًى لَا أَضِلُّ بَعْدَهُ أَبَداً وَ انْفَعْنِي يَا رَبِّ بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ اجْعَلْهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ وَ ارْزُقْنِي كَفَافاً وَ رَضِّنِي بِهِ يَا رَبَّاهْ وَ تُبْ عَلَيَّ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ارْحَمْنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّعِيرِ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ مِنْ سَعَةِ رِزْقِكَ وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أَبْلِغْ

مُحَمَّداً عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَاماً وَ اهْدِنِي بِهُدَاكَ وَ أَغْنِنِي بِغِنَاكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُخْلَصِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ قَالَ مَنْ قَالَ هَذَا بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ رُوحَهُ فِي قَبْرِهِ وَ كَانَ حَيّاً مَرْزُوقاً نَاعِماً مَسْرُوراً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ(۲).

**[ترجمه]الاقبال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: بعد از تمام شدن نمازت، این دعا را بخوان: «اللهم إنی أدینک بطاعتک و ولایتک و ولایه رسولک و ولایه الأئمه من أولهم إلی آخرهم»، {خدایا، من با اطاعت از تو و ولایت تو و ولایت پیامبرت و ولایت امامان، از اولین آنها تا آخرینشان، دینداری می‌کنم.} و همه آنان را نام ببر و بگو: {آمین. به اطاعت و ولایت آنها دینداری می‌کنم و به برتری‌هایی که به آنان داده‌ای، راضی‌ام، نه اینکه انکار یا سرکشی کنم، به معنی و محتوای آنچه در کتاب خودت و با حدود آن به ما داده‌ای و آنچه به ما نداده‌ای، ایمان دارم و به آن اقرار می‌کنم؛ به آنچه تو بدان راضی هستی، من هم تسلیم می‌شوم و رضایت دارم. خدایا، به خاطر آن، رضایت تو را و سرای آخرت را خواستارم و در مورد آن، از تو هراسان و به سوی تو روی می‌آورم؛ پس مرا تا زمانی که زنده می‌داری، بر آن پایبند زنده بدار و آنگاه که می‌میرانی، بر آن پایبند بمیران و هنگام بر انگیختن نیز، مرا پایبند به آن برانگیز و اگر در گذشته کوتاهی‌ای داشته ام، پس از آن به سوی تو بازمی‌گردم و به آنچه پیش توست، به تو شوق دارم و از تو می‌خواهم که مرا از نافرمانی هایت نگاه داری و تا زمانی که زنده‌ام می‌داری، مرا به اندازه چشم به هم زدنی و نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن، به خودم وامگذار که نفس، دستور فراوان به بدی می‌دهد، مگر اینکه تو رحم کنی، ای بهترین رحم کنندگان. و از تو می‌خواهم مرا بر اطاعت از خودت نگاه داری، تا آن دم که جانم را در پایبندی به آن بگیری و خود، از من راضی باشی و پایان زندگی‌ام را خوشبختی قرار دهی و مرا هرگز از آن روی‌گردان ننمایی و هیچ توانی جز به سبب تو، وجود ندارد.} – . أقبال الاعمال: ۱۸۳ –

**[ترجمه]

بيان

قوله علیه السلام و یجعل بطونهما الأظهر ظهورهما كما فی سائر الكتب و علیه یمكن أن یراد بالأول رفع الیمنی فقط بعد رفعها عن اللحیه كما هو ظاهر یده و قیل أی ثم یجعل بعد القلب بطونهما إلی السماء قوله علیه السلام و وصل فاعل وصل جمیع الخلائق و فاعل یموت هو الداعی و قیل كلمه إلا فی قوله إلا الثقلین بمعنی واو العطف كما فی قوله تعالی لِئَلَّا یَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا(۳) أی و لا الذین ظلموا و هو تخصیص بعد التعمیم للاهتمام و لا یخفی أنه تكلف مستغنی عنه.

و لا تغادر أی المغفره أو أنت مخاطبا إلیه تعالی و قال الجوهری المغادره الترك و قال الكفاف أیضا من الرزق القوت و هو ما

كف عن الناس أى أغنى و فى الحديث: اللهم اجعل رزق آل محمد كفافا.

ص: ۴۱

۱- ۱. الكافى ج ۲ ص ۵۴۶.

۲- ۲. الكافى ج ۲ ص ۵۴۶ و ۵۴۷.

۳- ۳. البقره: ۱۵۰.

**[ترجمه]الکـافی: عبـد الملک قمی از برادرش ادریس نقل کرده که از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که می‌فرمود: بعـد از تمـام شـدن نمـازت بگو:... و دعا را گفت تا رسـید به اینجا که «سـپس بگو: من به اطاعت و ولایت تو و ولایت آنان دینـداری می کنم» ... «نه از روی انکـار و نه سرکشـی» ... «به آن اقرار می کنم و تسـلیم می‌شـوم و به آنچه تو دربـاره من راضـی هسـتی، راضـی ام» ... «تا آن دم که مرا در پایبندی به آن زنده بداری و آنگاه که می‌میرانی، در پایبندی به آن بمیرانی» ... «تا اینکه مرا در پایبندی به آن بمیرانی». - . الکافی ۳: ۳۴۵؛ بیان آن قبلاً زیر شماره ۸ از فلاح السائل، گذشت. -

بیـان آن قبـل از این گـذشت و تکرار آن در اینجـا به خـاطر اختلاـف زیاد در آن و قابل اعتماد بودن سـند آن نزد خودم، بوده است.

و از همو به نقل از العـدّه از برقی از بعضـی از اصـحاب به صورت مرفوع نقل شـده که فرمود: هر کس بعـد از هر نماز واجب، محاسـنش را به دست راست بگیرد و در حالی که کف دست چپش به سـمت آسـمان باشـد، سه مرتبه بگویـد: «یا ذا الجلال و الإـکرام، ارحمنی من النّـار»، {ای صـاحب شـکوه و بزرگواری، از آتش به من رحم کن.} سـپس سه مرتبه بگویـد: «أجرنی من العـذاب الألیم»، {مرا از عـذاب دردناک پناه بـده.} سـپس دسـتش را از محاسـنش برمی‌دارد و بالا می‌برد و کف دسـتش را به سمت آسـمان می گیرد و می گویـد: «یـا عزیز یـا کریم یـا رحمن یـا رحیم»، {ای شـکست ناپـذیر، ای بزرگوار، ای مهربـان، ای بخشایشـگر.} و دسـتانش را می‌چرخانـد و کف دسـتانش را به سـمت آسـمان گرفته و می گوید: «أجرنی من العذاب»، {مرا از عـذاب پناه بـده.} وسه مرتبه «صل علی محمـد و الملائکه و الروح»، {بر محمد و فرشـتگان و روح، صـلوات فرست.} آمرزیده می‌شـود و از او خشـنود می گردد و تـا مرگ همه آفریـدگان و دو گروه بزرگ انس و جن، به طلب آمرزش او ترتیب اثر داده می‌شود. - . الکافی ۲: ۵۴۶ -

گفته است: وقتی از تشـهدت فـارغ شـدی، دسـتانت را بالاـ ببر و بگو: {خـدایا، مرا بیـامرز، آمرزیـدنی که هیـچ گناهی را باقی نگـذارد و بعـد از آن هرگز هیـچ حرامی را مرتکب نشوم و مرا در ایمنی دار، آن ایمنی که بعد از آن هرگز هیچ نوع گرفتاری نباشـد و مرا آن گونه هـدایت نما که بعد از آن هرگز گمراه نشوم و از آنچه به من آموخته‌ای ای پروردگار، به من سود رسان و آن را به سود من و نه به ضـرر من، قرار بده و به من روزی کافی برسان و مرا به آن راضی گردان، ای پروردگار، و توبه‌ام را بپذیر ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشایشـگر، ای بخشایشگر، ای بخشایشـگر، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان. در مقابل آتش که زبانه می کشـد، بر من رحم کن، و دست مرا بر روزی گسترده خود باز نما و با اذن خود، مرا در آن چیزی که در آن در باره حق اختلاف وجود دارد، راهنمایی کن و مرا از شـیطان رانده شده نگاه دار و از من به محمد صلی الله علیه و آله درود و سـلام فراوان برسـان و مرا بـا هـدایت خودت راهنمایی نما و با بی‌نیازی خود، مرا بی‌نیاز کن و مرا در زمره دوسـتداران پاک خودت قرار ده و درود خدا بر محمد و خاندان محمد را اجابت فرما.}

گفته است: هر کس بعـد از هر نمـازش این را بگویـد، خـدا روح او را در قبرش به او برمی گردانـد و او تا روز قیامت، زنـده و روزی خور و در نعمت و خوشی خواهد بود. - . الکافی ۲: ۵۴۶ و ۵۴۷ -

**[ترجمه]

«۵۰»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ: يُسْتَحَبُّ أَنْ يَدْعُوَ الْإِنْسَانُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاتِهِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُ وَ اقْتُلْ مَنْ قَتَلَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْعَنْ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا وَ صَلِّ عَلَى فَاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ الْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهَا وَ صَلِّ عَلَى رُقَيَّهَ وَ زَيْنَبَ وَ الْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهِمَا وَ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْقَاسِمِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ وَ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ أَئِمَّهِ الْهُدَى وَ أَعْلَامِ الدِّينِ أَئِمَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ (۱).

**[ترجمه]آشکارتر آن است که عبارت «و یجعل بطونهما ظهرهما»، پشت دو دست باشد، همان طور که در کتاب‌های دیگر است. طبق آن، ممکن است منظور از اولی، بالا بردن فقط دست راست، بعد از برداشتن از محاسن باشد، همان طور ظاهر «یده» همین است؛ و گفته شده است: یعنی بعد از چرخاندن، کف دست‌ها را به سمت آسمان قرار می‌دهد. در عبارت «و وصل»، فاعل وصل، «جمیع الخلایق» و فاعل «یموت»، همان دعا کننده است؛ و گفته شده: کلمه «إلا» در عبارت «إلا الثقلین» به معنای واو عطف است، همان‌طور که در این فرمایش خداوند متعال به کار رفته است: «لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا» یعنی «و لا الذین ظلموا» که همان ذکر خاص بعد از عام است و برای اهتمام به کار می‌رود و پوشیده نماند که آن، تکلف است و نیازی به آن نیست.

«و لا تغادر»، یعنی آمرزش را؛ یا اینکه تو رو به سوی خدای متعال کنی، و جوهری گفته است: «المغادره»، یعنی ترک کردن؛ و گفته است: «الکفاف» نیز از روزی و به معنای غذا است و آن، چیزی است که از مردم باز دارد؛ یعنی بی‌نیاز کند و در حدیث: «اللهم اجعل رزق آل محمد کفافاً»، {خدایا، روزی خاندان محمد را بی‌نیاز کننده قرار ده.}

**[ترجمه]

«۵۱»

التَّهْذِيبُ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شِيعَتَكَ تَقُولُ إِنَّ الْإِيمَانَ مُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ فَعَلِّمْنِي شَيْئاً إِذَا أَنَا قُلْتُهُ اسْتَكْمَلْتُ الْإِيمَانَ قَالَ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ فَرِيضَهٍ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ بِالْكَعْبَهِ قِبْلَهً وَ بِعَلِيٍّ وَلِيّاً وَ إِمَاماً وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّهً فَارْضَنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۲).

**[ترجمه]مصباح الشیخ و البلد الأمین و جنه الامان: مستحب است انسان بعد از تمام شدن نمازش دعا کند: {خدایا، بر محمد، برگزیده و آخرین پیامبران درود فرست؛ خدایا، بر علی، زمامدار مؤمنان درود فرست، و دشمنان او را دشمن بدار و کسانی را که به او ستم کرده اند، از رحمت خود دور کن و کسانی را که حسن و حسین علیهما السلام را به قتل رساندند، به قتل برسان و کسانی را که در خون آنها شریک شدند، از رحمت خود دور کن و بر فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرست و کسانی را که درباره او، پیامبرت را اذیت کردند، از رحمت خود دور کن و بر رقیه و زینب درود فرست و

کسانی را که در باره آن دو، پیامبرت را اذیت کردند، از رحمت خودت دور کن و بر ابراهیم و قاسم، دو فرزند پیامبرت درود فرست و بر امامان از اهل بیت پیامبرت که امامان هدایت و نشانه‌های دین و امامان مؤمنان هستند، درود فرست و بر نسل پیامبرت که درودهای خدا بر او و بر آنان باد، درود فرست، و سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر آنان باد.} - . البلد الأمین: ۲۱ -

**[ترجمه]

«۵۲»

الْکَافِی، عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ عَنْ أَبِی جَعْفَرِ بْنِ الرِّضَا علیهما السلام قَالَ: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاهٍ مَکْتُوبَهٍ فَقُلْ رَضِیتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِ مُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِیناً وَ بِالْقُرْآنِ کِتَاباً وَ بِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ أَئِمَّهً اللَّهُمَّ وَلِیُّکَ فُلَانٌ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ امْدُدْ لَهُ فِی عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِکَ وَ الْمُنْتَصِرَ

لِدِینِکَ وَ أَرِهِ مَا یُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَیْنُهُ فِی نَفْسِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ فِی أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِی شِیعَتِهِ وَ فِی عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا یَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِیهِمْ مَا یُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَیْنُهُ وَ اشْفِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ (۳).

ص: ۴۲

۱- ۱. البلد الأمین ص ۲۱.

۲- ۲. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۵.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۴۸ فی حدیث.

وَ مِنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنَ الصَّلَاهِ قُلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی کُلِّ عَافِیَهٍ وَ بَلَاءٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی کُلِّ مَثْوًی وَ مُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیَایَ مَحْیَاهُمْ وَ مَمَاتِی مَمَاتَهُمْ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱).

**[ترجمه]التهذیب: محمد بن سلیمان دیلمی گفته است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم، شیعیان تو می گویند: ایمان، دائمی و موقت است؛ پس چیزی به من بیاموز که با گفتن آن، ایمانم کامل شود. فرمود: بعد از هر نماز واجب بگو: {به پروردگاری خدا و به پیامبری محمد و به اسلام بودن دینم و به قرآن بودن کتابم و به کعبه بودن قبله‌ام و به ولی و امام بودن علی و حسن و حسین و امامان، درودهای خدا بر آنان، راضی‌ام. خدایا، من به امام بودن آنان راضی‌ام، پس تو نیز مرا مورد رضایت آنان قرار ده که تو بر هر چیزی توانایی.} – . التهذیب ۱: ۱۶۵ –

**[ترجمه]

«۵۳»

کِتَابُ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَجَلَسْتُ حَتَّی فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ فَحَفِظْتُ فِی آخِرِ دُعَائِهِ وَ هُوَ یَقُولُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَی آخِرِ السُّورَهِ ثُمَّ أَعَادَهَا ثُمَّ قَرَأَ قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ حَتَّی خَتَمَهَا ثُمَّ قَالَ لَا أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ لَا أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَ- الْإِسْلَامُ دِینِی ثُمَّ قَرَأَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ ثُمَّ أَعَادَهُمَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَنِ اتَّبَعَهُ مِنْهُمْ بِإِحْسَانٍ.

**[ترجمه]الکافی: ابو جعفر بن امام رضا(امام جواد) علیهما السلام فرموده است: وقتی از نماز واجب فارغ شدی، بگو:{ به پروردگاری خدا و به پیامبری محمد و به اسلام بودن دینم و به قرآن بودن کتابم و به امام بودن فلانی و فلانی راضی‌ام. خدایا، فلانی را که ولی توست، از پیش رو و از پشت سر و از راست و از چپ و از بالای سر و از زیر آن، محافظت نما و عمر او را طولانی کن او را به دستور خودت، برپا کننده و یاری کننده دینت قرار ده و آنچه را که دوست دارد، به او بنمایان و چشم او را در خودش و نسلش و خانواده‌اش و مالش و بین پیروانش و بین دشمنانش روشن بگردان و آنچه را که از جانب او ازآن بیم دارند، به آنان بنمایان و آنچه را که او در مورد آنان دوست دارد و مایه روشنی چشمش می‌شود، به او نشان ده و دل‌های ما و گروه مؤمنان را شفا ده.} – . الکافی ۲: ۵۴۸؛ ضمن حدیث –

الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: وقتی که از نمازت فارغ شدی، بگو: {خدایا، در هر ایمنی و گرفتاری، مرا در کنار محمد و خاندان محمد قرار ده و در هر جایگاه و بازگشتگاه، مرا کنار محمد و آل محمد قرار ده؛ خدایا، زندگی مرا زندگی آنان و مرگ مرا، مرگ آنان قرار ده و در همه جا، مرا کنار آنان قرار ده و بین من و آنان جدایی مینداز که تو بر هر چیزی توانایی.} – . الکافی ۲: ۵۴۴؛ ضمن حدیث –

**[ترجمه]

بیان

لعل إعاده السور الثلاث بإسقاط قل فيهما كما هو المستحب مطلقا عند القراءه و المراد بالآل هنا مطلق الذريه و القرابه.

**[ترجمه]كتاب عاصم بن حميد: محمد بن مسلم گفته است: بر ابی جعفر (امام باقر) عليه السلام وارد شدم و نشستم تا نمازش تمام شود؛ پس پايان دعايش را به ياد سپردم كه می‌خواند: «قل هو الله أحد»... تا آخر سوره، سپس تكرار كرد و بعد از آن، «قل يا أيها الكافرون» را خواند تا به پايان رسيد، سپس گفت: «لا أعبد إلا الله، لا أعبد إلا الله، و الاسلام دينی»، {جز خدا را نمی‌پرستم؛ جز خدا را نمی‌پرستم؛ اسلام دين من است.} سپس سوره های فلق و ناس را خواند و بعد، آنها را تكرار كرد و سپس گفت: «اللهم صل علی محمد و آل محمد من اتبعه منهم بإحسان»، {خدايا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ هر كسی كه با نيكی از آنان پيروی نمايد.}

**[ترجمه]

«۵۴»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۲)، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ، وَ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ (۳)، وَ اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِی، وَ اللَّفْظُ لِلْمِصْبَاحِ: ثُمَّ يُسَلِّمُ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ إِلَی حِيَالِ أُذُنَيْهِ فَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ فِی تَرَسُّلٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يَقُولُ مَا يَنْبَغِی أَنْ يُقَالَ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَهٍ وَ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهاً وَاحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ صَدَقَ عَبْدَهُ وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِی وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِی وَ هُوَ حَیٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

ص: ۴۳

۱- ۱. الكافی ج ۲ ص ۵۴۴ فی حديث.

۲- ۲. البلد الأمين ص ۹- ۱۲.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ۳۴۸.

ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُبْحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا جَمِیعاً فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّهَا جَمِیعاً إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عَافِیَتَکَ فِی أُمُورِی کُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْآخِرَهِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَ عِزَّتِکَ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِکَ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْ ءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ شَرِّ الْأَوْجَاعِ کُلِّهَا وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً ثُمَّ یُسَبِّحُ تَسْبِیحَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام وَ قَدْ قَدَّمْنَا شَرْحَهُ وَ تَقُولُ عَقِیبَ ذَلِکَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ- إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَی ذُرِّیَّهِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِیمَ مِنَّا لَهُمْ وَ الِائْتِمَامَ بِهِمْ وَ التَّصْدِیقَ لَهُمْ رَبَّنَا آمَنَّا بِکَ وَ صَدَّقْنَا رَسُولَکَ وَ سَلَّمْنَا تَسْلِیماً- رَبَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَ آلَ الرَّسُولِ فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِینَ ثُمَّ یَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ کُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُسَبَّحَ وَ کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُحْمَدَ وَ کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ کُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُهَلَّلَ وَ کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ کُلَّمَا کَبَّرَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُکَبَّرَ وَ کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ عَلَی کُلِّ نِعْمَهٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَیَّ وَ عَلَی کُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ کَانَ أَوْ یَکُونُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ اللَّهُمَّ

إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ مَا أَرْجُو وَ خَیْرِ مَا لَا أَرْجُو وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ ثُمَّ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ شَهِدَ اللَّهُ وَ آیَهَ الْمُلْکِ وَ آیَهَ السُّخْرَهِ ثُمَّ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ ثُمَّ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَ احْرُسْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَرِسُ یَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ تَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ أَنْتَ آخِذٌ بِلِحْیَتِکَ بِیَدِکَ الْیُمْنَی وَ یَدُکَ الْیُسْرَی مَبْسُوطَهٌ بَاطِنُهَا مِمَّا یَلِی السَّمَاءَ یَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ مِثْلَ ذَلِکَ یَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ تَقُولُ أَرْبَعِینَ مَرَّهً سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ثُمَّ قُلْ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ وَ یَا صَرِیخَ الْمَکْرُوبِینَ وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِینَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِکُ یَوْمِ الدِّینِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْکَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَ إِلَیْکَ یَعُودُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لَنْ تَزَالَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِکُ الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُواً أَحَدٌ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَکَ الْأَسْماءُ

الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْماً جَزْماً لَا تُغَادِرُ لِي خَطِيئَةً وَ لَا ذَنْباً وَ لَا أَرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّماً وَ عَافِنِي مُعَافَاةً لَا تَبْتَلِيَنِّي بَعْدَهَا أَبَداً وَ اهْدِنِي هُدًى لَا أَضِلُّ بَعْدَهَا أَبَداً وَ عَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ اجْعَلْهُ حُجَّةً لِي لَا عَلَيَّ وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ صَبّاً صَبّاً كَفَافاً كَفَافاً وَ رَضِّنِي بِهِ يَا رَبَّاهْ وَ تُبْ عَلَيَّ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّعِيرِ وَ ابْسُطْ لِي فِي سَعَةِ رِزْقِكَ عَلَيَّ وَ اهْدِنِي بِهُدَاكَ وَ أَغْنِنِي بِغِنَاكَ وَ أَرْضِنِي بِقَضَائِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُخْلَصِينَ وَ أَبْلِغْ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَاماً وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْمَعَاصِي كُلِّهَا وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ النَّارِ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ أَنْتَ آخِذٌ بِلِحْيَتِكَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى وَ الْيَدُ الْيُسْرَى مَبْسُوطَةٌ بَاطِنُهَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ثُمَّ ارْفَعْ يَدَكَ وَ اجْعَلْ بَاطِنَهَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ ثُمَّ اقْلِبْهُمَا وَ اجْعَلْ ظَاهِرَهُمَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ثُمَّ اخْفِضْهُمَا وَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَقِّهْنِي فِي الدِّينِ وَ حَبِّبْنِي إِلَى الْمُسْلِمِينَ- وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ ارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي بِمَا عَرَّفْتَنِي مِنْ حَقِّكَ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ

وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَ اكْشِفْ هَمِّي وَ فَرِّجْ غَمِّي وَ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ عَافِنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَ عَافِنِي مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ السُّلْطَانِ وَ الشَّيْطَانِ وَ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا وَ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ- عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَوَاتِيَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْ ءٍ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ وَ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ وَ تَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصى كُلَّ شَيْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ

ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللَّهُ لِدِينِي وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لِدُنْيَايَ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لِآخِرَتِي وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَا هَمَّنِي وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ عِنْدَ الْمَسْأَلَةِ فِي الْقَبْرِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱).

**[ترجمه]شاید تکرار سوره‌های سه گانه با انداختن «قل» در آنها باشد که هنگام قرائت، به صورت کلی، مستحب است و منظور از «آل» در آنجا، تمام نسل و خویشان است.

**[ترجمه]

تفصیل و تبیین

أقول

جمع الشيخ تلك التعقيبات من مواضع شتى و أخبار مختلفه فأما التهليلات الأول إلى قوله رب آبائنا الأولين فلم أرها في روايه و في النهايه ذكر الأولين إلى قوله و لو كره الكافرون و ترك الثالثه و قوله لا إله إلا الله وحده ورد في روايات باختلافات سبق بعضها و زاد في النهايه بعد قوله و هو على كل شي ء قدير اللهم اهدني لما اختلف فيه الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم

وَ رَوَاهُ فِي التَّهْذِيبِ (۲)

بِسَنَدٍ مُوَثَّقٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

و قد مرت أخبار الاستغفار(۳)

وَ رَوَى فِي الْكَافِي (۴)

بِإِسْنَادِهِ قَالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنْ رَأَيْتَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلَوَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فَكَتَبَ عليه السلام تَقُولُ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْ ءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا.

و قال الشيخ البهائي ره قوله لا يمتنع منها شي ء فيه إشاره إلى عدم

۱- ۱. ترى شتات هذه الأدعيه فى فلاح السائل أيضا ص ۱۳۶ و ما بعدها.

۲- ۲. التهذيب ج ۱ ص ۱۶۴.

۳- ۳. راجع ج ۹۳ ص ۲۸۵- ۲۷۵.

۴- ۴. الكافى ج ۳ ص ۳۴۶.

صدق الشيئه على الممتنعات.

وَ قَالَ الْكَفْعَمِيُ (۱) فِی کِتَابِ الْفَرَجِ بَعْدَ الشِّدَّهِ لِابْنِ أَبِی الدُّنْیَا: إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ لِفُلَانٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ قَدْ رَآهُ مُتَغَیِّراً مَا هَذَا الَّذِی بِکَ مِنَ السَّوْءِ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ مِنَ الضَّعْفِ وَ قِلَّهِ مَا فِی الْیَدِ فَقَالَ صلی الله علیه و آله قُلْ فِی دُبُرِ کُلِّ فَرِیضَهٍ- تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ إِلَی قَوْلِهِ تَکْبِیراً.

قَالَ وَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَا کَرَثَنِی أَمْرٌ إِلَّا تَمَثَّلَ لِی جَبْرَئِیلُ وَ قَالَ یَا مُحَمَّدُ قُلْ تَوَکَّلْتُ إِلَی آخِرِهِ.

قال الکفعمی کرثنی بالثاء المثلثه أی اشتد علی انتهی و روی الکلینی (۲) و غیره أخبارا کثیره فی هذا الدعاء لأداء الدین و رفع وساوس الصدر و سعه الرزق و سیأتی بعضها و فی أکثرها لم یتخذ صاحبه و لا ولدا و لیس فی أکثرها القراءه فی أعقاب الصلاه بل قراءته و تکراره مطلقا قوله وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً فی الآیه(۳)

عطف علی قُلِ و ذکره هنا إما علی سبیل الحکایه عما فی الآیه أو وصف بتأویل مقول فی حقه أو خطاب عام لکل قائل له و ربما یقرأ و کبره علی صیغه الماضی أی کل أحد و لا یبعد أن یکون فی الأصل و أکبره علی صیغه التکلم فغیرته النساخ لمخالفته لما فی القرآن.

وَ قَالَ الْکَفْعَمِیُ (۴)

ذَکَرَ صَاحِبُ شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَهِ فِی حَدِیثِ الْمِعْرَاجِ: أَنَّهُ رَأَی مَلَکاً لَهُ أَلْفُ أَلْفِ رَأْسٍ فِی کُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ أَلْفِ وَجْهٍ فِی کُلِّ وَجْهٍ أَلْفُ أَلْفِ فَمٍ فِی کُلِّ فَمٍ أَلْفُ أَلْفِ لِسَانٍ وَ فِی کُلِّ لِسَانٍ أَلْفُ أَلْفِ لُغَهٍ وَ هُوَ قَدْ سَأَلَ اللَّهَ تَعَالَی یَوْماً هَلْ لَکَ فِی عِبَادِکَ مَنْ لَهُ مِثْلُ عِبَادَتِی فَأَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی إِلَیْهِ أَنَّ لِی فِی الْأَرْضِ عَبْداً أَعْظَمَ ثَوَاباً مِنْکَ وَ أَکْثَرَ تَسْبِیحاً فَاسْتَأْذَنَ الْمَلَکُ فِی زِیَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَتَاهُ فَکَانَ عِنْدَهُ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ فَمَا وَجَدَهُ یَزِیدُ عَلَی فَرَائِضِهِ شَیْئاً غَیْرَ قَوْلِهِ بَعْدَ کُلِّ فَرِیضَهٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۹ فی الهامش.

۲- ۲. راجع الکافی ج ۲ ص ۵۵۴.

۳- ۳. آخر سوره الاسری: ۱۱۱.

۴- ۴. البلد الأمین ص ۹ فی الهامش.

كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَيْ ءٌ إِلَى آخِرِ التَّسْبِيحَاتِ.

وَ رَوَى الْكُلَيْنِيُ (۱) بِسَنَدٍ مُوَثَّقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذِهِ الْآيَاتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَ قُلْنَ أَيْ رَبِّ إِلَى أَيْنَ تُهْبِطُنَا إِلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِنَّ أَنِ اهْبِطْنَ فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَتْلُوكُنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَتِهِمْ فِي دُبُرِ مَا افْتُرِضَ عَلَيْهِ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ بِعَيْنِيَ الْمَكْنُونَهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَهً أَقْضِي إِلَيْهِ فِي كُلِّ نَظْرَهٍ سَبْعِينَ حَاجَهً وَ قَبِلْتُهُ عَلَى مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ هِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ آيَهُ الْكُرْسِيِّ وَ آيَهُ الْمُلْكِ.

وَ رَوَى الصَّدُوقُ فِي ثَوَابِ الْأَعْمَالِ (۲) فِي الْمُوَثَّقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُمَجِّدُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَهٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَمَنْ مَجَّدَ اللَّهَ بِمَا مَجَّدَ بِهِ نَفْسَهُ ثُمَّ كَانَ فِي حَالِ شِقْوَهٍ حَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَى سَعَادَهٍ فَقُلْتُ كَيْفَ هَذَا التَّمْجِيدُ قَالَ تَقُولُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ إِلَى قَوْلِهِ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ.

و لم أر روايه تخصه بالتعقيب و الأدعيه بعد ذلك روينا بعضها عن الكافى بتغيير ما.

قوله ما حظرت قال الكفعمى أى منعت و الحظر المنع و فى اختيار السيد ابن الباقى ما قدرت من رزقك أى ما قترت من رزقك و قتر مثل قدر و منه قوله تعالى فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ أى لن نضيق انتهى و فى مكارم الأخلاق و أن تبسط على من حلال رزقك.

وَ رُوِيَ فِي الْكَافِي (۳)

بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَهِ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْ ءٍ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ حُفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أَجْنِحَهِ جَبْرَئِيلَ وَ حُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.

ص: ۵۰

۱- ۱. الكافي ج ۲ ص ۶۲۰.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۴.

۳- ۳. الكافي ج ۲ ص ۵۷۳.

وَ بِسَنَدٍ آخَرَ عَنْهُ (١) قَالَ: لَا تَدَعْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ- أَعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أَعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا.

وَ قَالَ الْكَفْعَمِيُّ (٢) رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: مَنْ قَالَ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ ثَلَاثاً أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي إِلَى آخِرِهِ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ وُلْدِهِ وَ دَارِهِ.

وَ قَالَ رُوِيَ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ: أَنَّهُ قِيلَ ذَاتَ يَوْمٍ احْتَرَقَتْ دَارُكَ فَقَالَ لَمْ تَحْتَرِقْ فَجَاءَ ثَانٍ وَ ثَالِثٌ فَأَخْبَرَاهُ بِذَلِكَ فَقَالَ لَمْ تَحْتَرِقْ ثُمَّ انْكَشَفَ الْأَمْرُ عَنِ احْتِرَاقِ مَا حَوْلَهَا سِوَاهَا فَقِيلَ لَهُ بِمَا عَلِمْتَ ذَلِكَ فَقَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله يَقُولُ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ صَبِيحَةَ يَوْمٍ لَمْ يُصِبْهُ سُوءٌ فِيهِ وَ مَنْ قَالَ فِي مَسَاءِ لَيْلَتِهِ لَمْ يُصِبْهُ سُوءٌ فِيهِ وَ قَدْ قُلْتُهَا وَ هِيَ حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

و رواه ابن فهد في عدته: أيضا.

وَ قَالَ الْكَفْعَمِيُّ فِي كِتَابِ رُؤْيَا الْقَوْمِ: مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعاً حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دَارَيْهِ.

**[ترجمه]مصباح الشيخ، و البلد الأمين، - . البلد الامين: ۹-۱۲ -

و جنه الامان، و مكارم الاخلاق، - . مكارم الاخلاق: ۳۴۸ -

و اختيار ابن الباقي: عبارت از المصباح است؛ سپس سلام می‌دهد و دستانش را برای تکبیر تا برابر گوش‌ها بالا می‌آورد و سه مرتبه یکنواخت تکبیر می‌گوید؛ سپس آنچه را که برای گفتن بعد از هر نماز واجب سزاوار است، می‌گوید و آن عبارت است از: «لا إله إلا الله إلهاً واحدا و نحن له مسلمون، لا إله إلا الله و لا نعبد إلا إياه مخلصين له الدين و لو كره المشركون...»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، خدای یکتا، و ما تسلیم اوییم؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و ما تنها او را، از روی اخلاص، می‌پرستیم هر چند مشرکان را خوش نیاید؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، پروردگار ما و پدران پیشین ما؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یکتاست، یکتاست، یکتاست؛ به بنده‌اش راست گفت و وعده‌اش را عملی کرد و بنده‌اش را یاری و سپاهیانش را عزتمند نمود و به تنهایی دشمنانش را شکست داد؛ پس فرمانروایی مخصوص او و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌گرداند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد؛ خیر و خوشی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.} سپس سه مرتبه می‌گوید: «أستغفر الله الذی لا إله إلا هو الحی القیوم و أتوب إلیه»، {از خدایی که جز او هیچ خدای دیگری نیست، زنده و پایدار است، آمرزش می‌خواهم و به سوی او باز می‌گردم.} سپس می‌گوید: {خدایا، مرا از پیش خودت هدایت نما و از فضل خودت بر من ارزانی دار و از رحمتت بر من بگستران و از برکت‌هایت بر من فرو ببار؛ منزهی تو، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، همه گناهان مرا به طور کامل بیامرز که کسی جز تو همه گناهان را به طور کامل نمی‌بخشد؛ خدایا، از همه خوبی‌هایی که به آن علم داری، از تو می‌خواهم و از همه بدی‌هایی که تو به آن علم داری، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، ایمنی دادن تو در همه کارهایم را از تو می‌خواهم و از رسوایی دنیا و شکنجه آخرت به تو پناه می...

آورم؛ از بـدی دنیـا و آخرت و بـدی هر گرفتاری سـخت و از بـدی هر جنبنـده‌ای که جانش در دست توست، به بزرگواری و شکوهمندی‌ات که از بین نمی‌رود، و قدرتت که هیچ چیزی نمی‌تواند جلوگیر آن باشد، پناه می‌آورم؛ همانا پروردگارم به راه راست قرار دارد و هیـچ نیرو و قـوتی جز به سـبب خـدای والاـ مرتبه و بزرگـوار وجود نـدارد؛ بر زنـده‌ای که هرگز نمیرد، سر سپرده‌ام؛ و سـتایش مخصوص خـدایی است که نه فرزنـدی می‌گیرد و نه کسـی در فرمـانروایی شـریک او می‌گردد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرست داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.}

سپس تسبیـح زهرا سـلام الله علیهـا را که شـرح آن را قبلاًـ آوردیم، گفته و بعـد از آن می‌گویی: {هیـچ خـدایی جز الله وجود ندارد؛ محمد فرسـتاده خداست؛ علی، ولی خداست؛ خدا و فرشـتگانش بر پیامبر درود می فرسـتند، ای کسانی که ایمان آورده ایـد، بر او درود و سـلام فراوان بفرستید؛ اطاعت می‌کنم تو را ای خدا، اطاعت می‌کنم، و نیکنامی برای تو باد؛ خدایا، بر محمد و خانـدان محمـد درود فرست، و بر اهل بیت محمـد و بر نسل محمد، سـلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر وی و بر آنان؛ و گواهی می‌دهم که سـرسپردگی و اقتـدا کردن مـا به آنها و راست دانسـتن آنها از طرف ما وجود دارد؛ پروردگارا، به تو ایمان داریـم و فرسـتاده‌ات را تصـدیق می‌کنیم و کاملاـ تسلیم هسـتیم. خـدایا، به آنچه فرو فرسـتاده‌ای ایمـان آوردیم و از رسـول و خاندان او پیروی کردیم، پس ما را جزو گواهان بنویس.}

سپس می‌گوید: {خدا، هر آن مقدار که موجودات او را منزه بدارند، و همان گونه که خدا دوست می‌دارد منزه دانسـته شود و همان گونه که سـزاوار آن است، و به بزرگواری و شکوه عزتش زیبنده است، معبودی جز الله وجود ندارد، آنگونه که هر چیز او را به یکتایی می‌سـتاید، آنگونه که خداونـد دوست دارد به یکتایی سـتایش شود و آنگونه که او شایسـته آن است و آنگونه که سـزاوار بزرگواری و شـکوهمندی عظمت اوست. منزه است؛ سـتایش مخصوص خداست. هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، هر آن مقـدار که موجودات خـدایی جز او ندانند و آن گونه که خدا دوست دارد جز او خدایی دانسـته نشود و آن‌گونه که او سزاوار آن است و همان گونه که به بزرگواری صورت و شـکوه عزتش زیبنـده است؛ و خـدا بزرگ‌تر است، هر آن مقدار که موجودات او را بزرگ تر بدانند و همان‌گونه که خدا دوست دارد بزرگ‌تر دانسـته شود و همان‌گونه که او سزاوار آن است و به بزرگواری وجهش و شـکوه عزتش زیبنـده است؛ و خـدا منزه است و سـتایش مخصوص اوست و هیچ خدایی جز الله وجود نـدارد و خـدا بزرگ‌تر است، به خـاطر هر نعمتی که خـدا به سبب آن، به من و به هر یک از آفریـدگانش، چه آنها که وجود دارنـد و چه آنهایی که تا روز قیامت به وجود خواهنـد آمـد، روزی بخشـیده است؛ خدایا، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمـد درود فرستی و از تو خوبی‌ها را، چه آنها که امیـد دارم و آنچه که امیـد نـدارم، می‌خواهم و از بدی‌ها، چه آنها که بیم دارم و چه آنها که بیم ندارم، به تو پناه می‌آورم.}

سپس حمـد و آیه الکرسـی و شـهد الله و آیه ملک و آیه سـخره را می‌خوانی و بعـد از آن، سه مرتبه می‌گویی: «سـبحان ربک رب العزه عما یصـفون و سـلام علی المرسـلین و الحمـد لله رب العالمین»، {منزه است پروردگار تو، پروردگار شـکوهمندی، از آنچه توصـیف می‌کننـد و سـلام بر فرسـتادگان و سپاس خـدایی را که پروردگـار جهانیان است.} سـپس سه مرتبه می‌گویی: {خـدایا، بر محمـد و خاندان محمد درود فرست و برای کار من گشایش و راه گریزی قرار ده و از راهی که گمان می‌برم و از راهی که گمان نمی‌برم، به من روزی برسان و از جایی که مواظب هسـتم و از جایی که مواظب نیستم، از من نگهبانی کن؛ ای پروردگار محمـد و خانـدان محمـد، بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرست و در گشایش کار خانـدان محمد شـتاب بفرما و

گردنم را از آتش برهان.} و در حالی که با دست راست، ریش خود را گرفته و دست چپ تو باز و کف آن به سمت آسمان باشد، هفت مرتبه بگو: «یا ربّ محمد و آل محمد، صلِّ علی محمد و آل محمد، و عجِّل فرج آل محمد»، {ای پروردگار محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در گشایش کار خاندان محمد شتاب بفرما.} و مثل آن حالت، هفت مرتبه «یا ربّ محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و أعتق رقبتی من النّار»، {ای پروردگار محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گردنم را از آتش برهان.} و چهل مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر»، {خدا منزه است و ستایش مخصوص اوست و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و خدا بزرگ‌تر است.}

سپس بگو: {ای بهترین شنوندگان و ای بهترین بینندگان و ای سریع‌ترین حسابرسان و ای مهربان‌ترین مهربانان و ای بهترین حکم کنندگان و ای فریادرس اندوه داران و ای اجابت کننده دعای گرفتاران؛ تو خدایی هستی که جز تو پروردگار جهانیان، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو والاـ مرتبه بزرگ، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو شکست ناپذیر حکیم، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو بخشنده مهربان، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو مهربان بخشایشگر، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو صاحب روز جزا، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو که آغاز آفرینش از توست و به سوی تو باز می‌گردد، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، که از ازل بوده… ای و تا ابد خواهی بود، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، صاحب اختیار خوبی و بدی، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، آفریننده بهشت و آتش، هیچ خدایی نیست.

تو خدایی هستی که جز تو، یکتای یگانه بی‌نیاز که نه می‌زاید و نه زاییده می‌شود و نه برای او همتایی است، هیچ خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، داننده نهان و آشکار، همان مهربان بخشایشگر، هیچ خدایی وجود ندارد؛ تو خدایی هستی که جز تو، فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر، هیچ خدایی نیست؛ پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند؛ تو خدایی هستی که جز تو، خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام‌ها از آنِ توست، هیچ خدایی نیست، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تسبیح تو می گویند و تو خدای شکست ناپذیر و حکیم هستی؛ تو خدایی هستی که جز تو، بزرگ و والا مرتبه‌ای که بزرگی پوشش توست، هیچ خدایی نیست.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز، آمرزیدنی که قطعا هیچ گناهی را باقی نگذارد و بعد از آن هرگز هیچ حرامی را مرتکب نشوم و مرا در ایمنی دار، آن ایمنی که بعد از آن هرگز هیچ نوعی گرفتاری نباشد و مرا آنگونه هدایت نما که بعد از آن هرگز گمراه نشوم و به من بیاموز آنچه را که به من سود می‌رساند و از آنچه به من آموخته‌ای ای پروردگار، به من سود رسان و آن را برهانی به سود من و نه به ضرر من، قرار بده و از فضل خود، به مقدار فراوان و کافی بر من بباران و مرا نسبت به آن، راضی بگردان ای پروردگار، و بر من عنایت نما ای خدا، ای مهربان، ای مهر گستر؛ بر محمد و خاندان او درود فرست و بر من رحم کن و مرا از آتش پناه بده، و ای صاحب دوزخ، در روزی گسترده خود بر من، دستم را گشوده ساز و مرا با هدایت خودت، راهنمایی فرما و با بی نیازی خودت، بی نیازم نما و به تقدیرت راضی ام کن و مرا از دوستداران پاک و خالص خودت قرار بده و از سوی من به محمد صلی الله علیه و آله، درود فراوان و سلام برسان و به اذن خود، در آنچه اختلاف وجود دارد، مرا به حقیقت راهنمایی کن که تو، هر کسی را بخواهی، به راه راست راهنمایی می کنی، و مرا از تمام نافرمانی‌ها و از شیطان رانده شده، نگاه دار، و بپذیر ای پروردگار جهانیان.}

بعد از آن، سه مرتبه می گویی: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از تو خوبی خوب، رضوان تو و بهشت را خواستارم و از بدی بد، خشم تو و آتش، به تو پناه می‌آورم.} و در حالی که ریش خود را با دست راست گرفته و کف دست چپ را گشوده و به سمت آسمان گرفته‌ای، سه مرتبه بگو: «یا ذا الجلال و الإکرام صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی و أجرنی من النار»، {ای صاحب شکوه و بزرگواری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من رحم کن و مرا از آتش برهان.} سپس دستت را بالا ببر و کف دستت را به سمت آسمان بگیر و سه مرتبه بگو: «یا عزیز یا کریم، یا غفور یا رحیم»، {ای شکست ناپذیر، ای بزرگوار، ای آمرزنده، ای بسیار مهربان.} سپس دستانت را بچرخان و پشت آنها را به سمت آسمان قرار بده و سه مرتبه بگو: «یا عزیز یا کریم، صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی و أجرنی من العذاب الألیم»، {ای شکست ناپذیر، ای بزرگوار، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من رحم کن و مرا از شکنجه دردناک برهان.} سپس آنها را فرود بیاور و بگو: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در دین، فقیه بگردان و محبوب مسلمانان قرار ده و از من، زبان راستینی نزد دیگران قرار ده و شکوه پرهیزکاران را روزی‌ام کن. ای خدا، ای خدا، ای خدا، از تو به حق کسی که حق او بر تو بزرگ است، می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا در آنچه از حق خود به من شناسانده‌ای، به کار گیر و از روزی خود، آنچه را که از من بازداشته‌ای، دستم را بر آن گشوده ساز.}

و سه مرتبه بگو: {گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و هیچ شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می گرداند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد؛ خیر و خوبی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.}

و سه مرتبه بگو: «یا الله یا رحمان یا رحیم، یا حی یا قیوم، برحمتک أستغیث»، {ای خدا، ای بخشایشگر ، ای مهربان ، ای زنده، ای پایدار، به رحمت تو پناهنده‌ام.} و بگو: {خدایا، تو پشتوانه من هستی؛ تو امید من در هر سختی هستی؛ در هر کاری که برای من پیش بیاید، تو برای من پشتیبان و مایه اعتمادی، پس همه گناهان مرا بیامرز و ناراحتی‌ام را برطرف نما و اندوهم را بگشا و به حلال خودت، مرا از حرام و به فضل خودت، از غیر خودت بی‌نیاز کن و مرا در همه کارها ایمنی دار و مرا از رسوایی دنیا و عذاب آخرت ایمن بدار، از بدی خودم و بدی سایرین و بدی فرمانروا و شیطان و بدکاران، چه از جنیان باشد و چه از انسان‌ها، و بدکاران عرب و عجم و از ارتکاب هر کار حرام و از رویارویی با دوستداران خدا، به تو پناه می‌آورم. خودم را از هر بدی به خدا می‌سپارم و تنها بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.} و سه مرتبه بگو: {دینم و خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و برادران و خواهران مؤمنم و تمام آنچه را که پروردگارم به من روزی داده است و هر آن کسی را که کارش به من مربوط است، به خدای والا- مرتبه و از همه برتر و بزرگوار و بزرگ می‌سپارم؛ دینم و جانم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و برادران مؤمنم و تمام آنچه را که پروردگارم به من روزی داده است و هر آن کسی را که کارش به من مربوط است، به خدای سزاوار ترس و بیم که همه چیز در برابر بزرگی اش فروتنی می کنند، می‌سپارم.}

و سه مرتبه بگو: {خودم و دینم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و برادرانم در دین و هر آنچه را که خدا به من روزی داده است و هر آن کسی را که کارش به من واگذار شده است، به خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که نه زاده و نه زاییده شده و نه همتایی برای او وجود دارد و به پروردگار شکافنده صبح، از بدی هر آنچه آفریده و از بدی تاریکی، آنگاه که فراگیر شود و از بدی دمندگان افسون در گره‌ها و از بدی حسود، آنگاه که حسادت بورزد، و به پروردگار مردم، فرمانروای مردم،

خداوندگار مردم، از بدی وسوسه‌گر نهانی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، چه از جن و [چه از] انس، می‌سپارم.}

و می‌گویی: {پروردگارم برایم بسنده است، هیچ خدایی جز او نیست، بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است؛ هرچه او خواسته است، وجود دارد و هرچه او نخواهد، به وجود نمی‌آید؛ گواهی می‌دهم و می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم خداوند بر هر چیزی احاطه دارد و تعداد هر چیزی را به شمارش می‌داند. خدایا، من از بدی نفس خودم و از بدی هر جنبنده‌ای که تو زندگی‌اش را به دست گرفته‌ای، به تو پناه می‌آورم؛ همانا پروردگار من بر راه راست قرار دارد.}

سپس می‌گویی: {به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خداوند برای دین من بسنده است؛ خداوند برای دنیای من بسنده است؛ خداوند برای آخرت من بسنده است؛ خداوند برای آنچه برایم مهم است، بسنده است؛ خداوند برای آنکه به من ستم می‌کند بسنده است؛ خداوند برای من به هنگام مرگ بسنده است؛ خداوند برای من به هنگام سؤال در قبر بسنده است؛ خداوند برای من هنگام سنجش اعمال بسنده است؛ خداوند برای من هنگام گذشتن از صراط بسنده است؛ خداوند برای من بسنده است؛ هیچ خدایی جز او وجود ندارد؛ بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است.} - . پراکندگی این دعاها را در فلاح السائل، صفحه ۱۳۶ و بعد از آن، نیز می‌بینی. -

**[ترجمه]

«۵۵»

الْمُقْنِعَهُ، قَالَ: بَعْدَ تَسْبِیحِ فَاطِمَهَ علیها السلام وَ تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بَعْدَ ذَلِکَ بِمَا تَیَسَّرَ وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَدْعُو فَتَقُولُ اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِالْعِلْمِ وَ زَیِّنَّا بِالْحِلْمِ وَ جَمِّلْنَا بِالْعَافِیَهِ وَ کَرِّمْنَا بِالتَّقْوَی- إِنَّ وَلِیِّیَ اللَّهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ (۳).

**[ترجمه]مؤلف:

شیخ این تعقیبات را از جاهای گوناگون و روایت‌های مختلف جمع کرده است. تهلیل‌های اول تا عبارت «رب آبائنا الأولین» را در هیچ روایتی ندیدم و در النهایه، دو مورد نخست را تا عبارت «و لو کره الکافرون» بیان کرده و سومی را نیاورده است و عبارت «لا إله إلا الله وحده» در روایات با اختلافاتی وارد شده که بعضی از آنها گذشت. در النهایه بعد از عبارت «و هو علی کل شیء قدیر»، «اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق بإذنک إنک تهدی من تشاء إلی صراط مستقیم»، {خدایا، در آنچه اختلاف می‌کنند، به اذن خود مرا راهنمایی نما که تو هر که را خواهی، به راه راست هدایت می‌کنی.} را افزوده است. در التهذیب - . التهذیب ۱: ۱۶۴ - با سند موثق از طریق ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده است: بعد از سلام دادن بگو: {خدا بزرگ‌تر است؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد؛ تنهاست و شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌گرداند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد؛ خیر و خوبی تنها به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. هیچ خدایی جز الله وجود ندارد؛ تنهاست؛ وعده‌اش را راست گردانید و بنده‌اش را یاری رساند و همه گروه‌ها را به تنهایی در هم شکست؛ خدایا، در آنچه اختلاف وجود دارد، به اذن خودت مرا به حقیقت راهنمایی کن که تو هر کسی را بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی.} که روایت‌های مربوط به آمرزش خواستن قبلاً ذکر

شد. - . ر.ک: همین کتاب ۹۳: ۲۷۵-۲۸۵ -

در الکافی - . الکافی ۳: ۳۴۶ -

با ذکر سند روایت کرده و گفته است: محمد بن ابراهیم به امام أبی الحسن علیه السلام نوشت: ای سرور من، می‌خواهم دعایی به من یاد دهی که در ادامه نمازهایم آن دعا را بخوانم و خدا خیر دنیا و آخرت را برای من یکجا قرار دهد. پس حضرت علیه السلام به او نوشت: می گویی: «أعوذ بوجهک الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و الآخره و من شر الأوجاع کلها»،{از بدی های دنیا و آخرت و از بدی همه دردها، به مقام بزرگوارت و آن عزتت که از بین نرود و آن قدرتت که هیچ چیزی نمی‌تواند جلوگیر آن باشد، پناه می‌آورم.}

شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: در عبارت «لا یمتنع منها شیء»، به ناراستی شیء بودن در مورد امور محال، اشاره شده است.

کفعمی گفته است: - . البلد الامین: ۹؛ در حاشیه -

در کتاب الفرج بعد الشده از ابن ابی الدنیا آمده است که پیامبر به فلانی از یاران خود، که او را پریشان دید، فرمود: چه بدی به تو رسیده که این گونه هستی؟ گفت: ای رسول خدا، از ناتوانی و تهیدستی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در دنباله هر نماز واجب بگو: «توکلت علی الحیِّ الذی لا یموت»،{بر زنده‌ای که مرگ در او راه ندارد، توکل کرده‌ام.} تا عبارت «تکبیراً».

گفته است: و از پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: هیچ سختی برایم پیش نیامد جز اینکه جبرئیل بر من ظاهر شد و گفت: ای محمد، بگو: «توکلت» تا آخر آن. کفعمی گفته است: «کرثنی»، یعنی بر من تنگ و سخت شد. پایان.

کلینی - . ر.ک: الکافی ۲: ۵۵۴ -

و دیگران روایت‌های زیادی را در مورد این دعا برای ادای بدهی و برطرف شدن وسوسه‌های دل و وسعت پیدا کردن روزی نقل کرده‌اند که بعضی از آنها خواهد آمد و در بیشتر آنها «لم یتخذ صاحبه و لا ولداً»،{همسر و فرزندی اختیار نکرده است.} وجود دارد و در بیشتر آنها، خواندن بعد نماز، وجود ندارد؛ بلکه مطلق خواندن و تکرار کردن آن آمده است. عبارت «و کبره»{بزرگ بدار.} در آیه، - . الإسری/ ۱۱۱ -

عطف به «قل»{بگو} است و بیان کردن آن در اینجا، یا از قبیل حکایت از آنچه در آیه اول آمده بود، است یا وصف با تأویل است که به جای آن گفته شده است یا اینکه خطاب عام برای هر گوینده‌ای است. چه بسا «و کبّره» به صورت فعل گذشته خوانده شود؛ یعنی هر کس او را بزرگ داشت، و بعید نیست در اصل «و اُکبّره»،{و بزرگ می‌دارم.} و به صیغه متکلم باشد که نویسندگان آن را به دلیل ناسازگار بودنش با آنچه در قرآن است، تغییر داده‌اند.

کفعمی گفته است: - . البلد الامین: ۹؛ در حاشیه -

صاحب کتاب شرح نهج البلاغه در حدیث معراج گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرشته‌ای را دید که هزار هزار سر داشت، در هر سر هزار هزار صورت، در هر صورت، هزار هزار دهان، در هر دهان، هزار هزار زبان و در هر زبان، هزار هزار واژه. روزی این فرشته از خداوند پرسید: آیا در میان بندگانت کسی هست که عبادتی مثل عبادت من داشته باشد؟ پس خداوند متعال به او وحی کرد که من بنده‌ای در زمین دارم که عبادت او از تو با ثواب‌تر و تسبیح او بیشتر است. پس فرشته برای زیارت او اجازه خواست و خدا اجازه داد. فرشته نزد او آمد و سه روزی که پیش او بود، از او علاوه بر واجباتش چیزی بیشتر از این سخن او بعد از هر نمازش نیافت: «سبحان الله کلّما سبح الله شیء»، {منزه است خدا، هر آن مقدار که موجودات او را تسبیح گویند.}... تا آخر تسبیحات.

کلینی – . الکافی ۲: ۶۲۰ –

با سند موثق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هنگامی که خداوند به این آیات دستور داد که بر زمین فرود بیایند، به عرش آویزان شدند و گفتند: ای پروردگار، کجا ما را بر خطاکاران و گناهکاران فرود می‌فرستی؟ پس خداوند شکست ناپذیر و شکوهمند به آنان وحی کرد فرود بیایید که به عزت و جلالم سوگند، هر کس از خاندان محمد و پیروان آنها، شما را پس از آنچه برایش واجب کرده‌ام، تلاوت کند، قطعاً در هر روز هفتاد مرتبه با چشم پوشیده خودم به او نظر خواهم کرد و در هر نظر، هفتاد نیاز او را برآورده سازم و او را با وجود همه گناهانی که در آن روز داشته باشد، خواهم پذیرفت. این آیات، امّ الکتاب هستند، و نیز «شهد الله انّه لا إله إلا هو» و آیه الکرسی و آیه ملك .

صدوق در ثواب الاعمال – . ثواب الاعمال: ۱۴ –

با سند موثق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: همانا خداوند در شبانه روز، خود را سه مرتبه تمجید می... کند؛ پس هر کس با آنچه خداوند خود را تمجید می‌کند، او را گرامی بدارد و سپس به بدبختی افتد، خدا حال او را به خوشبختی تغییر می‌دهد. گفتم: این گرامی داشتن چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «أنت الله لا إله إلا أنت»، {تو خدایی هستی که جز تو، پروردگار جهانیان، خدایی نیست.} تا عبارت «و الکبریاء ردائک»، {بزرگی، پوشش تو است.} ولی روایتی که آن را مخصوص به تعقیبات گرداند، ندیده‌ام و دعاهای بعد از این را با اندکی تغییر، از کافی روایت کردیم.

کفعمی گفته است «ما حظرت»، یعنی باز داشتی؛ و «الحظر»، یعنی بازداشتن. در کتاب اختیار سید ابن الباقی، «ما قدَّرتَ من رزقک»، یعنی آنچه از روزی‌ات که تنگ کردی؛ و «قتّر» مثل «قدّر» است و این کلام خداوند که فرموده است: «و ظنَّ أن لن نَقدرَ علیه» از همین قبیل است؛ یعنی تنگ نمی‌گیریم. پایان. در مکارم الاخلاق، «و أن تبسط علیّ من حلال رزقك»، {و اینکه بر من از روزی حلالت فراوان سازی.} آمده است.

در الکافی – . الکافی ۲: ۵۷۳ –

با ذکر سند از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس در دنباله نماز واجب بگوید: {خودم و خانواده‌ام و فرزندانم و هر آن کسی را که کارش به من مربوط می‌شود، به خدای والا مرتبه و از همه برتر و بزرگوار و بزرگ می‌سپارم؛

خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزنـدانم و هر آن کسـی را که کارش به من مربوط می‌شود، به خـدای سـزاوار ترس و بیم که همه چیز در برابر بزرگی‌اش، فروتنی می‌کننـد، می‌سپارم.} بـا بـالی از بـال‌های جبرئیل زیر پوشـش گرفته می‌شود و خودش و خانواده‌اش و دارایی‌اش مراقبت می‌شوند.

بـا سـندی دیگر از او نقل شـده است - . الکافی ۳: ۳۴۳ - که فرمود: گفتن «اعیـذ نفسـی و ما رزقنی ربی بالله الواحد الصـمد»، {خودم و آنچه را که خداونـد به من روزی داده است، به خـدای یکتـای بی‌نیاز می‌سپارم.} تا پایان آن و «و اعیـذ نفسـی و ما رزقنی ربی برب الفلق» {خودم و خانواده‌ام را می‌سپارم به خدای صبحگاه} تا پایان آن و «و اعیذ نفسی و ما رزقنی ربی برب النـاس» {خودم و آنچه را که خـدا به من روزی داده است، می‌سپارم به پروردگار مردم.} تا پایان آن را بعـد از هر نماز، ترک نکن.

کفعمی گفته است: - . البلد الامین: ۱۰؛ در حاشیه -

از امام صادق علیه السـلام روایت شـده است: هر کس بعد از نماز واجب سه مرتبه بگوید: «اعیذ نفسـی و دینی» تا آخر؛ خدای متعال، خود او و دارایی و فرزندان و خانه‌اش را حفظ می‌کند.

گفته است: از ابی الـدرداء روایت شـده است که روزی به او گفته شـد: خـانه‌ات آتش گرفته است. پس او گفت: آتش نمی... گیرد. دومی و سومی آمدنـد و همان خبر را دادند و او گفت: آتش نمی‌گیرد. سـپس مشـخص شد که اطراف آن، به جز خانه او آتش گرفته است. به او گفته شد: از کجا آن را فهمیدی؟ گفت: از پیامبر صـلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: هر کس صبحگاه این کلمات را بگویـد، در آن روز بـدی به او نمی‌رسـد و هر کس شـبانگاه بگوید، در آن شب بدی به او نمی‌رسد و من آنها را گفتم و آنها عبارتنـد از: «حسبی الله ربی... تا صـراط المسـتقیم». ابن فهد نیز این را در کتاب «عدّه»اش روایت کرده است.

کفعمی در کتـاب «رؤیـا القوم» گفته است: هر کس روزانه هفت مرتبه «حسبی الله ربی الله لاـ إله إلا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم»، {پروردگارم برای من بسـنده است؛ هیـچ خـدایی جز او نیست؛ بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است.} بگوید؛ خداوند عزّوجلّ، همه تلاش‌های او در هر دو سرا کفایت می‌کند.

**[ترجمه]

«۵۶»

جُنَّهُ الْأَمَانِ: فِی تَعْقِیبِ مُطْلَقِ الصَّلَوَاتِ ثُمَّ قُلْ رَضِیتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِیناً وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِیّاً وَ بِعَلِیٍّ إِمَاماً وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْخَلَفِ الصَّالِحِ علیه السلام أَئِمَّهً وَ سَادَهً وَ قَادَهً بِهِمْ أَتَوَلَّی وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ ثُمَّ قُلْ ثَلَاثاً اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِیَهَ وَ الْمُعَافَاهَ فِی

۱- ۱. الکافی ج ۳ ص ۳۴۳.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۱۰ فی الهامش.

۳- ۳. المقنعه ص ۱۸.

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ.

**[ترجمه]المقنعه: گفت: بعد از تسبیح فاطمه سلام الله علیها، به هر مقداری که ممکن باشد، طلب آمرزش می کنی و بر محمد و خاندان محمد درود می‌فرستی و می گویی: {خدایا، به سبب دانش به ما سود برسان و به سبب بردباری، زینتمان ده و با سلامتی، زیبایمان گردان، و به سبب تقوا، بزرگواری ما را بیشتر کن؛ همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرود آورد و او همه نیکان را سرپرستی می کند.} - . المقنعه: ۱۸ -

**[ترجمه]

بَیَانٌ

قَالَ الْكَفْعَمِيُّ ره فِي الْحَدِيثِ: سَلُوا اللَّهَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَهَ وَ الْمُعَافَاهَ فَالْعَافِيَهُ أَنْ يُعَافَى مِنَ الْأَسْقَامِ وَ الْبَلَايَا وَ الْمُعَافَاهُ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنَ النَّاسِ وَ يُعَافِيَهُمْ مِنْهُ.

وَ فِي كِتَابِ شَرْحِ الْفَاكِهَانِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ دَعْوَهٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ تَعَالَى أَنْ يَدْعُوَ بِهَا عَبْدُهُ أَنْ يَقُولَ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ آخِرَ الدُّعَاءِ.

**[ترجمه]جنه الامان: در تعقیب هر نمازی؛ سپس بگو: {راضـی ام به این که خدا، پروردگار من است و محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر من و علی، امام من و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و آن جانشین صالح علیهم السلام، امامان و سروران و راهنمایان هستند و من، با آنان دوستی می‌ورزم و از دشمنان آنان بیزاری می‌جویم.} سپس سه مرتبه بگو: «اللهم إنی أسألك العفو و العافیه و المعافاه فی الدنیا و الآخره»، {خدایا، از تو، گذشت و ایمنی و در امان بودن را در دنیا و در آخرت، خواستارم.}

**[ترجمه]

«۵۷»

اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي،: مِمَّا يُدْعَى عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَهٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ النِّعْمَهِ تَمَامَهَا وَ مِنَ الْعِصْمَهِ دَوَامَهَا وَ مِنَ الرَّحْمَهِ شُمُولَهَا وَ مِنَ الْعَافِيَهِ حُصُولَهَا وَ مِنَ الْعَيْشِ أَرْغَدَهُ وَ مِنَ الْعُمُرِ أَسْعَدَهُ وَ مِنَ الْإِحْسَانِ أَتَمَّهُ وَ مِنَ الْإِنْعَامِ أَعَمَّهُ وَ مِنَ الْفَضْلِ أَعْذَبَهُ وَ مِنَ اللُّطْفِ أَنْفَعَهُ اللَّهُمَّ كُنْ لَنَا وَ لَا تَكُنْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِالسَّعَادَهِ آجَالَنَا وَ حَقِّقْ بِالزِّيَادَهِ آمَالَنَا وَ اقْرِنْ بِالْعَافِيَهِ غُدُوَّنَا وَ آصَالَنَا وَ اجْعَلْ إِلَى رَحْمَتِكَ مَصِيرَنَا وَ مَآلَنَا اصْبُبْ سِجَالَ عَفْوِكَ عَلَى ذُنُوبِنَا وَ مُنَّ عَلَيْنَا بِإِصْلَاحِ عُيُوبِنَا اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَ فِي دِينِكَ اجْتِهَادَنَا وَ عَلَيْكَ تَوَكُّلَنَا ثَبِّتْنَا عَلَى نَهْجِ الِاسْتِقَامَهِ وَ أَعِذْنَا مِنْ مُوجِبَاتِ النَّدَامَهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ خَفِّفْ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ وَ ارْزُقْنَا عِيشَهَ الْأَبْرَارِ وَ اكْفِنَا وَ اصْرِفْ عَنَّا شَرَّ الْأَشْرَارِ وَ أَعْتِقْ رِقَابَنَا وَ رِقَابَ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا مِنَ النَّارِ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا كَرِيمُ يَا سَتَّارُ يَا حَلِيمُ يَا جَبَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ مِنْهُ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا مَرَرْتُ عَلَى قَصْرٍ مِنْ جَوْهَرَةٍ حَمْرَاءَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ لِمَنْ يُصَلِّي فَرْضَ الصُّبْحِ وَ يَقُولُ بَعْدَهُ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ ارْحَمْنِي أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَهِ مَرَّ بِقَصْرٍ لَهُ سَبْعُونَ بَاباً إِلَى آخِرِهِ قَالَ يَا حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ وَ قَالَ بَعْدَهَا يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ اغْفِرْ لِي سَبْعِينَ مَرَّةً وَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الثَّالِثَهِ مَرَّ عَلَى قَصْرٍ مُعَلَّقٍ فِي الْهَوَاءِ إِلَى آخِرِهِ فَقَالَ يَا حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِمَنْ صَلَّى الْعَصْرَ وَ قَالَ بَعْدَهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَبْلَ

كُلِّ أَحَدٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْقَى رَبُّنَا وَ يَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ سَبْعَ عَشْرَةَ مَرَّةً وَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَهِ مَرَّ عَلَى قَصْرٍ مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ شَرَائِفُهُ مِنْ زَبَرْجَدٍ إلخ فَقَالَ يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذَا قَالَ لِمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ قَالَ بَعْدَهَا يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الْخَامِسَهِ مَرَّ عَلَى قَصْرٍ مِنْ أُرْجُوَانٍ إلخ قَالَ يَا حَبِيبِي لِمَنْ هَذَا قَالَ لِمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَهَ وَ قَالَ بَعْدَهَا يَا عَالِمَ خَفِيَّتِي اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي سَبْعِينَ مَرَّةً وَ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَهِ مَرَرْتُ عَلَى قُبَّهٍ بَيْضَاءَ قُلْتُ لِمَنْ هَذَا قَالَ لِمَنِ انْتَبَهَ بِاللَّيْلِ وَ قَالَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ ارْحَمْ عَبْدَكَ الْخَاطِئَ الْمُعْتَرِفَ بِذَنْبِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّابِعَهِ مَرَرْتُ عَلَى قَصْرٍ مِنْ لُؤْلُؤَهٍ بَيْضَاءَ إلخ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذَا يَا حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ قَالَ لِمَنْ يَقْرَأُ كُلَّ يَوْمٍ سُبْحَانَ اللَّهِ بِعَدَدِ مَا خَلَقَ سُبْحَانَ اللَّهِ بِعَدَدِ مَا هُوَ خَالِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

**[ترجمه]کفعمی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: در حدیث «سلو العفو و العافیه و المعافاه»، «العافیه»، یعنی از بیماری‌ها و گرفتاری‌ها در ایمن باشد و «المعافاه»، یعنی از مردم در امان باشد و آنان نیز از او در امان باشند. در کتاب شرح الفاکهانی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که هیچ دعایی نزد خدای متعال دوست داشتنی‌تر از آن نیست که بنده‌اش، با آن او را بخواند و بگوید: «اللهم إنی أسألک العفو» تا آخر دعا.

**[ترجمه]

«۵۸»

الْكِتَابُ الْعَتِيقُ، لِبَعْضِ قُدَمَاءِ عُلَمَائِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ أَحْمَدَ بْنِ عِنَانٍ يَرْفَعُهُ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ وَهْبٍ الْبَجَلِيِّ قَالَ: وَجَدْتُ فِي أَلْوَاحِ أَبِي بِخَطِّ مَوْلَانَا مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا إِنَّ مِنْ وُجُوبِ حَقِّنَا عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ لَا يَثْنُوا أَرْجُلَهُمْ مِنْ صَلَاهِ الْفَرِيضَهِ أَوْ يَقُولُوا- اللَّهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَ رَأْفَتِكَ بِتَرْبِيَتِكَ اللَّطِيفَهِ وَ شَرَفِكَ بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَهِ وَ قُدْرَتِكَ بِسَتْرِكَ الْجَمِيلِ وَ عِلْمِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ وَ اجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَ عُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَ فَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً وَ نَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ نُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَ عُقُولَنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَ أَرْوَاحَنَا عَلَى دِينِكَ مَفْطُورَةً وَ جَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً وَ أَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَ حَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً وَ أَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالاكَ وَ سَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ وَ عَزَّ مَنْ نَادَاكَ وَ ظَفِرَ

مَنْ رَجَاكَ وَ غَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ وَ رَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي كَمَا تَعْلَمُ فَقْرِي إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی: از جمله دعاهایی که بعد از هر نماز واجب خوانده می‌شود، این دعاست: {به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خدایا، از نعمت‌های تو، تمامشان را و از پاکدامنی، همیشگی بودن آن را و از رحمت، گسترده بودنش را و از عافیت، به دست آمدنش را و از زندگی، با رفاه‌ترین آن را و از عمر، با سعادت‌ترینش را و از نیکی، کامل‌ترین آن را و از روزی‌ها، شامل‌ترین آن را و از فضل تو، آماده‌ترین آن را و از لطف تو، سودمندترینش را خواستارم. خدایا، به نفع ما باش و نه علیه ما؛ خدایا، عمرهای ما را به خوشبختی ختم کن و آرزوهای ما را با افزونی برآورده ساز و صبح و شام ما را با ایمنی همراه ساز و گرایش و سرانجام ما را به سوی رحمت خودت قرار ده؛ آب گذشتت را بر گناهان ما فرو بریز و با برطرف کردن عیب‌های ما، بر ما نیکی کن و تقوا را ره توشه ما بساز و سعی و تلاش ما را در دین خودت قرار بده. بر تو توکل کرده‌ایم، ما را در راه پایداری استوار بگردان و از آنچه موجب پشیمانی در روز قیامت می‌شود، در پناه گیر؛ سنگینی بارمان را کمتر کن و زندگی نیکان را روزیمان کن؛ ما را بسنده باش و بدی بدها را از ما دور نما و گردن‌هایمان و گردن پدران و مادرانمان را از آتش برهان، ای شکست ناپذیر، ای بسیار بخشنده، ای بزرگوار، ای پوشاننده، ای بردبار، ای در هم شکننده، به خاطر رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان.}

و از همان کتاب: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که به آسمان پایین، بالا برده شدم، به قصری از جواهر سرخ برخورد کردم... پس گفتم: ای دوست من، جبرئیل، این قصر برای کیست؟ گفت: برای کسی که نماز صبح را می‌خواند و بعد از آن چهل مرتبه می‌گوید: «یا باسط الیدین بالرحمه ارحمنی»، {ای کسی که دو دستش برای رحمت گشوده است، بر من رحم کن.}

هنگامی که به آسمان دوم برده شدم، به قصری برخورد کردم که هفتاد در داشت.... گفتم: ای دوست من، جبرئیل، این برای کیست؟ گفت: برای کسی که نماز ظهر را بخواند و بعد از آن، هفتاد مرتبه بگوید: «یا واسع المغفره اغفر لی»، {ای گسترده بخشنده، مرا ببخش.}

هنگامی که به آسمان سوم برده شدم، به قصری برخورد کردم که در هوا معلق بود.... گفتم: ای دوست من، جبرئیل، این برای کیست؟ گفت: برای کسی که نماز عصر را بخواند و بعد از آن، هفده مرتبه بگوید: «لا إله إلا الله قبل كل أحد، لا إله إلا الله بعد كل أحد، لا إله إلا الله يبقى وجه ربنا و يفنى كل أحد»، {قبل از هر کسی، هیچ خدایی جز الله وجود نداشته و بعد از هر کسی، هیچ خدایی جز الله وجود نخواهد داشت؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، ذات پروردگار ما باقی می‌ماند و هر کسی از بین می‌رود.}

هنگامی که به آسمان چهارم برده شدم، به قصری از مروارید و گوهرهای زمرّد .... برخورد کردم و گفتم: ای برادر من، جبرئیل، این برای کیست؟ گفت: برای کسی که نماز مغرب را بخواند و بعد از آن، چهل مرتبه بگوید: «يا كريم، العفو؛ انشر عليّ رحمتك، يا أرحم الراحمين»، {ای صاحب گذشت بزرگوارانه؛ رحمتت را بر من گسترده ساز، ای بهترین رحم کنندگان.}

هنگامی که به آسمان پنجم بالا برده شدم، به قصری ارغوانی.... برخورد کردم؛ گفتم: ای دوست من، جبرئیل، این قصر برای کیست؟ گفت: برای کسی که نماز عشا را بخواند و بعد از آن، هفتاد مرتبه بگوید: «یا عالم خفیتی، اغفر لی خطیئتی»، {ای داننده نهان من، خطاهای مرا ببخش.}

هنگامی که به آسمان ششم بالا برده شدم، به گنبدی سفید برخورد کردم؛ گفتم: این برای کیست؟ گفت: برای کسی که شب، بیدار باشد و سه بار بگوید: «یا حی یا قیوم، یا حی لا یموت، ارحم عبدک الخاطی المعترف بذنبه یا أرحم الراحمین»، {ای زنده، ای پایدار، ای زنده‌ای که مرگ در او راه ندارد، بر بنده خطاکار خودت که به گناهش اعتراف می کند، رحم کن، ای بهترین رحم کنندگان.}

و هنگامی که به آسمان هفتم برده شدم، به قصری از مروارید سفید برخورد کردم؛ گفتم: این برای کیست، ای دوست من، جبرئیل؟ گفت برای کسی که هر روز پانزده مرتبه بخواند: «سبحان الله بعدد ما خلق، سبحان الله بعدد ما هو خالق إلی یوم القیامه»، {منزه است خدا، به تعداد آنچه آفریده شده است؛ منزه است خدا، به تعداد آنچه تا روز قیامت آفریده خواهد شد.} و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.

**[ترجمه]

«۵۹»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ، وَ اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، وَ غَيْرُهَا، قَالُوا: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیهما السلام يَدْعُو عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَهٍ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَ رَأْفَتِكَ بِبَرِيَّتِكَ اللَّطِيفَهِ وَ شَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَهِ وَ قُدْرَتِكَ بِسَتْرِكَ الْجَمِيلِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى قَوْلِهِ وَ رَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ (۱).

**[ترجمه]الکتاب العتیق: بعضی از علمای قدیم ما از ابی الحسن احمد بن عنان، به صورت مرفوع از معاویه بن وهب الجبلی نقل کرده‌اند که گفته است: در میان نوشته‌های پدرم، دست نوشته‌ای به خط سرورمان موسی بن جعفر، که درودهای خداوند بر آن دو باد، یافتم که – نوشته بود – از حق واجب ما بر شیعیان ما این است که پاهایشان را از نماز واجب جمع نکنند، مگر اینکه بگویند: {خدایا، به نیکی دیرینه‌ات و مهربانی‌ات، به پرورش زیبایت و شرافتت، به آفرینش استوارت و قدرتت، به پوشاندن زیبایت و علمت، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دل‌هایمان را با یاد خودت زنده بدار و گناهانمان را بخشیده شده و عیب‌های ما را پوشیده و عبادت‌های ما را سپاسگزاری شده و اعمال مستحب ما را نیکو داشته و دل‌های ما را با یاد خودت آباد و جان‌های ما را با طاعتت سرزنده و عقل‌های ما را بر یکتایی خودت، مجبور و روح‌های ما را با دین خودت سرشته و اعضای ما را به اطاعتت مکلف و نام‌های ما را در میان برگزیدگانت معروف و نیازهای ما را نزد خودت، قابل دسترس و روزی‌های ما را از خزائن خودت همیشگی قرار ده. تو خدایی هستی که جز تو هیچ خدایی نیست، هر کسی تو را به سرپرستی گرفته باشد، رستگار می‌شود و هر کس تو را نجوا کند، خوشبخت شود و هر کس تو را بخواند، عزت می‌یابد و هر کس به تو امیدوار باشد، پیروز می گردد و هر کس تو را نیت کند، نفع می‌برد و هر کس با تو معامله کند، سود می کند و تو بر هر چیزی توانایی. خدایا، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همان گونه که نیازم به خودت را می‌دانی، دعایم را

بشنو که تو بر هرچیزی توانایی.}

**[ترجمه]

بيان

قال الكفعمى فى كتاب عده السفر للطبرسى ره بتربيتك أى مكان قوله ببريتك و كذا فى جل النسخ الصحيحه و من قرأ ببريتك فقد حرف و هذا الدعاء من كتاب عده السفر للسفر و عده الحضر للشيخ أبى على الفضل بن الحسن الطبرسى قدس سره انتهى.

**[ترجمه]مصباح الشيخ و البلد الامين و جنه الامان و اختيار ابن الباقى و غيرها: گفته‌اند: امام ابو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام بعد از هر نماز واجب دعا مى‌كرد و مى‌گفت: «اللهم ببرِّك القديم و رأفتك، ببريتك اللطيفه، و شفقتك، بصنعتك المحكمه، و قدرتك، بسترك الجميل، صل على محمد و آل محمد»،{ خدايا، به نيكى ديرينه‌ات و مهربانى‌ات، به نيكى زيبايت و دلسوزى‌ات، به آفرينش استوارت و قدرتت، به پوشاندن زيبايت، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.} تا عبارت «و ربح من تاجرك» {و هر كس با تو معامله كرد، سود برد.} - . البلد الامين: ۱۱ -

**[ترجمه]

أقول

المتبادر إلى أذهان أكثر الأفاضل تعلق الظروف فى قوله ببريتك و بصنعتك و بسترك بالمصادر المتقدمه و فى بعضها حزازه لا تخفى و الأظهر أن الباء فى الجميع للقسم فهى أقسام متتابعه من غير عاطف لا سيما على ما فى الكتاب العتيق من قوله و شرفك مكان شفقتك و زياده علمك بعد قوله بسترك الجميل و على هذا الوجه تتطابق الفقرات و تتقابل و تنتظم و الظاهر أن الكفعمى أيضا حمله على هذا الوجه كما لا يخفى على المتأمل.

**[ترجمه]كفعمى در كتاب «عدّه السفر» طبرسى - كه رحمت خدا بر او باد - گفته است: «بتربيتك» همان جايگزين «ببريتك» است و عمده در نسخه‌هاى صحيح نيز اين‌گونه است و كسى كه آن را «ببريتك» بخواند، در واقع آن را تحريف كرده است. اين دعا از كتاب عدّه السفر للسفر و عدّه الحضر شيخ ابى على فضل بن حسن طبرسى است. پايان.

**[ترجمه]

«۶۰»

الْكِتَابُ الْعَتِيقُ: دُعَاءٌ بَعْدَ الصَّلَاهِ الْمَكْتُوبَهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ فِي صَلَاتِي مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَهِ وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَهِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَهِ وَ النِّسْيَانِ وَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الشَّكِّ وَ الْمُدَافَعَهِ وَ الرَّيْبِ وَ الْعُجْبِ وَ الْفِكْرِ وَ التَّلَبُّثِ عَنْ إِقَامَهِ كَمَالِ فَرْضِكَ فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُحَوِّلَ نُقْصَانَهَا تَمَاماً وَ عَجَلَتِي فِيهَا تَثَبُّتاً وَ تَمَكُّناً وَ سَهْوِي

تَيَقُّظاً وَ غَفْلَتِی مُوَاظَبَةً وَ كَسَلِی نَشَاطاً وَ فَتْرَتِی قره [قُوَّةً] وَ نِسْيَانِی مُحَافَظَةً وَ مُدَافَعَتِی مُرَابَطَةً وَ رِيَائِی إِخْلَاصاً وَ سُمْعَتِی تَسَتُّراً وَ شَكِّی

ص: ۵۴

۱- ۱. البلد الأمين ص ۱۳.

يَقِيناً وَ رَيْبِي بَيَاناً وَ فِكْرِي خُشُوعاً وَ تَحَيُّرِي خُضُوعاً فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ إِيَّاكَ قَصَدْتُ فَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَةً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي وَ تُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَ تُزَكِّي بِهَا عَمَلِي وَ تَحُطُّ بِهَا وِزْرِي اللَّهُمَّ احْطُطْ بِهَا عَنِّي ثِقْلِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْراً لِي مِمَّا تَقْطَعُ عَنِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي فَرِيضَةً مِنَ الصَّلَوَاتِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً يَا اللَّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ مِنْهُ: دُعَاءٌ يُدْعَى بِهِ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ كُلُّ مَلِكٍ فَهُوَ مَمْلُوكٌ عِنْدَ مُلْكِ اللَّهِ وَ كُلُّ قَوِيٍّ فَهُوَ ضَعِيفٌ عِنْدَ قُوَّةِ اللَّهِ وَ كُلُّ سَاطٍ هَامِدٌ لِسَطْوَةِ اللَّهِ وَ كُلُّ ظَالِمٍ فَلَا مَحِيصَ لَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ صَغُرَ كُلُّ جَبَارٍ لِعَظَمَةِ اللَّهِ أَسْتَظْهِرُ عَلَى كُلِّ عَدُوٍّ لِي بِتَوَلِّي اللَّهِ دَرَأْتُ فِي نَحْرِ كُلِّ عَاتٍ بِاللَّهِ ضَرَبْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ كُلِّ مُتْرَفٍ ذِي سَوْرَةٍ وَ جَبَّارٍ ذِي نَخْوَةٍ وَ عَاتٍ ذِي أُبَّهَةٍ وَ مُتَسَلِّطٍ ذِي قُوَّةٍ وَ عَنِيدٍ ذِي قُدْرَةٍ وَ وَالٍ ذِي إِمْرَةٍ وَ كُلِّ مُعَانٍ وَ مُعِينٍ عَلَيَّ بِمَقَالَةٍ مُغْوِيَةٍ أَوْ سِعَايَةٍ مُثْلِبَةٍ أَوْ حِيلَةٍ مُؤْذِيَةٍ أَوْ غَائِلَةٍ مُرْدِيَةٍ عَلَى كُلِّ سَبَبٍ وَ مَذْهَبٍ وَ اتَّخَذْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ حِجَاباً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْقَهَّارِ- حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا بَادِياً بِالْفَوَائِدِ وَ النِّعَمِ يَا فَتَّاحَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ يَا غَايَةَ الطَّالِبِ فِي الْحَوَائِجِ وَ الْهِمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَ الْحَرَمِ قَلْبِي مُعَلَّقٌ بِجُودِكَ وَ لِسَانِي مُنْطَلِقٌ بِذِكْرِكَ فَلَا عَلَى رَجَائِي أَخَافُ التَّخْيِيبَ وَ لَا عَلَى مُنَايَ أَخَافُ التَّكْذِيبَ جَنِّبْنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْمَطَالِبِ بِجُودِكَ وَ أَلْبِسْنِي ثَوْبَ الْكِفَايَةِ بِكَرَمِكَ فَوَ عِزَّتِكَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِنَكَالِكَ جَاهِلٌ وَ لَا عَنْ عُقُوبَتِكَ سَاهٍ وَ لَكِنْ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ اسْتَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْبَيَانِ فَلَكَ الْعُتْبَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى هَبْ لِي حَقَّكَ وَ أَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ يَا سَامِعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا كَاسِيَ الْعِظَامِ لَحْماً بَعْدَ الْمَوْتِ ارْزُقْنِي قَبْلَ الْمَوْتِ وَ زِيَادَةً قَبْلَ الْفَوْتِ اللَّهُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ وَ عَلَيْكَ الْإِجَابَةُ وَ هَذَا الْجُهْدُ وَ عَلَيْكَ التَّوَكُّلُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

**[ترجمه]آنچه که به ذهن بیشتر بزرگان متبادر می‌شود، این است که ظرف در عبارت‌های «ببریّتک»، و «بصنعتک»، و «بسترک» مربوط به مصدرهای قبلی است و در بعضی از آنها ضعف‌هایی است که پوشیده نیست. آشکارتر آن است که حرف باء در همه آنها برای قسم است؛ پس همه آنها قسم‌هایی هستند که بدون عطف، پشت سر هم آمده‌اند؛ مخصوصاً با توجه به آنچه در کتاب العتیق آمده که عبارت «و شرفک» به جای «شفقتک» آمده و «علمک» بعد از عبارت «بسترک الجمیل» افزوده شده که در این صورت، فقرات دعا با هم یکسان می‌شوند. ظاهراً کفعمی نیز حمل بر این حالت نموده است؛ همان طور که بر فرد اندیشه‌گر پوشیده نیست.

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی سطا علیه و به سطوا و سطوه صال أو قهر بالبطش

ص: ۵۵

و قال الهمود الموت و طفوء النار أو ذهاب حرارتها و الهامد البالى المسود المتغير و اليابس من النبات قوله بتولى الله إشاره إلى قوله تعالى وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱) و فى النهايه فيه اللهم إنى أدرأ بك فى نحورهم أى أدفع بك فى نحورهم لتكفينى أمرهم و إنما خص النحور لأنه أسرع و أقوى فى الدفع و التمكن من المدفوع.

و قال الجوهرى أترفته النعمه أطغته و قال سوره السلطان سطوته و اعتداؤه و قال النخوه الكبر و العظمه و كذا الأبهه و قال يعر قومه أى يدخل عليهم مكروها يلطخهم به و المعره الإثم و قال سعى به إلى الوالى إذا وشى به.

و فى بعض النسخ أو سعايه مشليه أى مغريه قال الجوهرى قال ثعلب و قول الناس أشليت الكلب على الصيد خطأ و قال أبو زيد أشليت الكلب دعوته و قال ابن السكيت يقال أوسدت الكلب بالصيد و آسدته إذا أغريته و لا يقال أشليته إنما الإشلاء الدعاء يقال أشليت الشاه و الناقه إذا دعوتهما بأسمائهما لتحلبهما انتهى.

و الدعاء مع صحته حجه عليهم و إن أمكن حمله هنا على معنى الدعاء أيضا بتكلف.

قوله على كل سبب لعله متعلق بقوله ضربت كما فى قوله تعالى فَضَرَبْنا عَلَى آذانِهِمْ (۲) قالوا فيه أى ضربنا عليهم حجابا يمنع السماع بمعنى أنمناهم إنامه لا تنبههم فيها الأصوات فحذف المفعول أو يقال المفعول و هو قوله حجابا مقدر و قوله على كل سبب لتعميم الحجاب أى لا يقدرون على فى وجه من الوجوه و طريق من الطرق و يحتمل أن يكون حجابا مفعولا لفعلى ضربت و اتخذت على التنازع و لعله أظهر.

عن المطالب أى إلى المخلوقين و فى بعض النسخ المعاطب و لعله أظهر و العتبى الرجوع عن الذنب و الإساءه و أنت بالمنظر الأعلى المنظر المرقب أى فى المرقب الأعلى يرقب عباده و يطلع على جميع أحوالهم أو محله أعلى من مناظر الخلق و أفكارهم يا سابق الفوت أى يدرك كل ما يريد و لا يفوت منه شى ء فهو

۱- ۱. الأعراف: ۱۹۶.

۲- ۲. الكهف: ۱۱.

يسبق فوتها أو يسبق ذاته الفوت و العدم فيستحيل طرو الفناء و الفوت عليه كما ورد سبق وجوده عدمه و الأول أظهر و زياده أى فى المعارف و الطاعات قبل الفوت أى قبل أن تفوت منى أو قبل الموت.

**[ترجمه]الكتاب العتيق: دعايى بعد از نماز واجب، از اميرالمؤمنين عليه السلام: {خدايا، براى تو نماز خواندم و تو دانستى كه در نمازم چقدر كاستى و شتاب و از ياد بردن و غفلت و تنبلى و سستى و فراموشى و ريا و خودنمايى و شک و دو دلى و ترديد و خود بينى و فكر و درنگ كردن از اداى كامل واجب تو وجود داشت. پس از تو مى‌خواهم اى خداى من، كه بر محمد و خاندان محمد درود فرستى و كاستى آن را به تمام بودن و شتابم را در آن، به استوارى و آرامش و از ياد بردنم را به هوشيارى و غفلتم را به مواظبت و تنبلى‌ام را به سرزندگى و سستى‌ام را به دلگرمى و فراموشى‌ام را به محافظت و دو دلى‌ام را به توجه و ريايم را به اخلاص و خودنمايى‌ام را به پوشيدگى و شكم را به يقين و ترديدم را به روشنگرى و فكرم را به خشوع و سرگردانى‌ام را به خضوع تبديل كنى كه من تنها براى تو نماز خواندم و تنها به سوى تو روى كردم و به تو ايمان آوردم و تنها تو را در نظر گرفتم؛ پس در نماز و دعايم براى من رحمت و بركتى قرار ده كه به سبب آن، بدى‌هايم را بپوشانى و جايگاهم را گرامى بدارى و رويم را سفيد بگردانى و با آن، كردارم را پاكيزه نمايى و به سبب آن، بارم را سبک كنى. خدايا، به وسيله آن، سنگينى‌ام را از من سبک كن و آنچه را كه نزد توست، از آنچه از من قطع شده، بهتر قرار ده.

سپاس خدايى را كه يكى از نمازهاى واجب را كه بر مؤمنان واجبى وقت‌دار نوشته شده، را از من به انجام رساند و برداشت؛ اى خدا، اى بهترين رحم كنندگان.}

از همان كتاب: دعايى كه در دنباله نمازها خوانده مى‌شود: {هر پادشاهى نزد فرمانروايى خدا، برده است و هر توانمندى نزد قدرت خدا، ناتوان است و هر پيروزمندى نزد قهر خدا، از هم پاشيده است. هر ستمكارى در مقابل عذاب خدا پناهگاهى ندارد، هر گردنكشى در برابر عظمت خدا، كوچک مى‌شود. در برابر هر دشمنى به خدا تكيه مى‌كنم، بر سينه هر كسى كه نسبت به خدا سركشى مى‌كنند، مى‌تازم، و رابطه‌ام را با هر سرخوش بيدادگر و گردنكش متكبر و سركش داراى ابهت و چيره شده توانمند و ستيزه جوى قدرتمند و فرماندار داراى كينه و هر كسى كه بر ضد من براى سخن گمراه كننده يا سخن چينى شرمساز يا نيرنگ زيان رسان يا آشوب گمراه كننده يارى كرده يا يارى شده، بر هر طريق و آيينى كه باشند، بريده‌ام و بين خودم و او، پرده‌اى از خداى شكست ناپذير غلبه‌گر قرار داده‌ام؛ خدا برايم بسنده است؛ هيچ خدايى جز او نيست؛ بر او توكل كرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است.

از تو مى‌خواهم، اى آنكه به نعمت دادن آغازيده‌اى، اى كسى كه بخشش و بزرگوارى را گشوده‌اى، اى هدف خواهندگان در نيازها و اندوه‌ها، اى پروردگار خانه و حرم، دلم آويخته به بخشش توست و زبانم باز گشوده به ياد تو، به همين خاطر بر اميدم ترس نوميدى و بر آرزويم، ترس دروغ بودن ندارم؛ اى سرور من، با بخشش خودت، مرا از خواستن‌ها به دور دار و با بزرگوارى خودت، بر من لباس بسندگى بپوشان كه به عزتت سوگند، آن هنگام كه نافرمانى‌ات كردم، به خشم تو نادان نبودم و مجازات تو را از ياد نبرده بودم، ولى نفس من، آن را براى من آراست و بعد از اينكه برايم روشن شده بود، شيطان مرا به لغزش كشاند؛ پس تو حق سرزنش و عتاب دارى و تو در ديده‌بان والا قرار دارى؛ حق خودت را بر من ببخش و آفريده‌هايت را از من خشنود بگردان، اى شنونده صدا، اى پيشى گيرنده در - جبران - آنچه از دست رفته، اى پوشاننده گوشت به

استخوان‌ها بعد از مرگ، قبل از مرگ به من روزی رسان و قبل از اینکه از دستش بدهم، افزونش کن؛ خدایا، این دعای من است و بر توست که اجابت کنی و این تلاش من است و توکل بر توست؛ و هیچ توان و نیرویی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ نیست؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان.}

**[ترجمه]

«۶۱»

تَفْسِيرُ الْإِمَامِ، قَالَ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَصْبَحَ أَوِ الْأَمَةَ إِذَا أَصْبَحَتْ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيَسْتَقْبِلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِصَلَاتِهِ فَيُوَجِّهَ إِلَيْهِ رَحْمَتَهُ وَ يُفِيضَ عَلَيْهِ كَرَامَتَهُ فَإِنْ وَفَى بِمَا أَخَذَ عَلَيْهِ فَأَدَّى الصَّلَاةَ عَلَى مَا فُرِضَتْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ خُزَّانِ جِنَانِهِ وَ حَمَلَةِ عَرْشِهِ قَدْ وَفَى عَبْدِي هَذَا فَفُوا لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَفِ قَالَ اللَّهُ لَمْ يَفِ عَبْدِي هَذَا وَ أَنَا الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ فَإِنْ تَابَ تُبْتُ عَلَيْهِ وَ إِنْ أَقْبَلَ عَلَى طَاعَتِي أَقْبَلْتُ عَلَيْهِ بِرِضْوَانِي وَ رَحْمَتِي ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنْ كَسِلَ عَمَّا يُرِيدُ قَصَّرْتُ فِي قُصُورِهِ حُسْناً وَ بَهَاءً وَ جَلَالًا وَ شَهَّرْتُ فِي الْجِنَانِ بِأَنَّ صَاحِبَهَا مُقَصِّرٌ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ جَبْرَئِيلَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَعَرَضَ عَلَيَّ قُصُورَ الْجِنَانِ فَرَأَيْتُهَا مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مِلَاطُهَا الْمِسْكُ وَ الْعَنْبَرُ غَيْرَ أَنِّي رَأَيْتُ لِبَعْضِهَا شُرَفاً عَالِيَةً وَ لَمْ أَرَ لِبَعْضِهَا فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي مَا بَالُ هَذِهِ بِلَا شُرَفٍ كَمَا لِسَائِرِ تِلْكَ الْقُصُورِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ قُصُورُ الْمُصَلِّينَ فَرَائِضَهُمُ الَّذِينَ يَكْسَلُونَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ بَعْدَهَا فَإِنْ بَعَثَ مَادَّةً لِبِنَاءِ الشُّرَفِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ بُنِيَتْ لَهُ الشُّرَفُ وَ إِلَّا بَقِيَتْ هَكَذَا فَيُقَالُ حِينَ يَعْرِفُ سُكَّانُ الْجِنَانِ إِنَّ الْقَصْرَ الَّذِي لَا شُرَفَ لَهُ هُوَ الَّذِي كَسِلَ صَاحِبُهُ بَعْدَ صَلَاتِهِ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ رَأَيْتُ فِيهَا قُصُوراً مُشْرِفَةً عَجِيبَةَ الْحُسْنِ لَيْسَ لَهَا أَمَامَهَا دِهْلِيزٌ وَ لَا بَيْنَ يَدَيْهِ بُسْتَانٌ وَ لَا خَلْفَهَا فَقُلْتُ مَا بَالُ هَذِهِ الْقُصُورِ لَا دِهْلِيزَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ لَا بُسْتَانَ خَلْفَ قُصُورِهَا فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ قُصُورُ الْمُصَلِّينَ الْخَمْسَ الصَّلَوَاتِ الَّذِينَ يَبْذُلُونَ بَعْضَ وُسْعِهِمْ فِي قَضَاءِ حُقُوقِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ دُونَ جَمِيعِهَا فَلِذَلِكَ قُصُورُهُمْ مُسَتَّرَةٌ بِغَيْرِ دِهْلِيزٍ أَمَامَهَا وَ غَيْرِ بَسَاتِينَ خَلْفَهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَلَا وَ لَا تَتَّكِلُوا عَلَى الْوَلَايَةِ وَحْدَهَا وَ أَدُّوا مَا بَعْدَهَا مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ قَضَاءِ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ وَ اسْتِعْمَالِ التَّقِيَّةِ فَإِنَّهُمَا اللَّذَانِ يُتِمَّانِ

ص: ۵۷

الْأَعْمَالَ وَ يَقْصُرَانِ بِهَا(۱).

**[ترجمه]فیروز آبادی گفته است: «سطا علیه و به سطواً و سطوه»: چیره شد؛ یا با زور غلبه یافت. و گفته است: «الهمود»، یعنی مرگ، و خاموش شدن آتش یا رفتن گرمای آن و «الهامد»: پوسیده سیاه به هم ریخته و خشکیده از روییدنی‌ها. عبارت «بتولی الله» به این کلام خداوند «و هو یتولّی الصّالحین»، - . الاعراف/ ۱۹۶ - {و همو دوستدار و سرپرست شایستگان است.} اشاره دارد. در النهایه، در دعا آمده است: «اللهم إنی أدرء بک فی نحورهم» یعنی به یاری تو، بر گلوی آن‌ها فشار می‌آورم تا در برابر آنان مرا کفایت کنی، و به طور خاص از گلو سخن گفته، زیرا فشار بر گلو روشی سریع‌تر و قوی‌تر در راندن و تسلط بر فرد رانده شده است.

جوهری گفته است: «أترفته النعمه»، یعنی نعمت او را طغیانگر کرده است؛ و گفته است: «سوره السلطان»، یعنی خشم و تجاوزکاری او؛ و گفته است: «النخوه» یعنی تکبر و بزرگ بینی؛ «الابّهه» نیز این‌گونه است؛ و گفته است: «یعر قومه»، یعنی به روشی ناپسند بر آنها وارد می‌شود و آنها را آلوده می‌کند؛ «المعرّه» یعنی گناه؛ و گفته است: «سعی به إلی الوالی»، یعنی وقتی که برای فرماندار سخن چینی کرده باشد.

در بعضی نسخه‌ها، «أو سعایه مشلیه» آمده؛ یعنی فریب دهنده. جوهری گفته است: ثعلب گفته است: این که مردم می‌گویند: «أشلیت الکلب علی الصید»، اشتباه است و ابو زید گفته است: «أشلیت الکلب» یعنی صدایش کردم و ابن السکیت گفته است: گفته می‌شود: «أوسدت الکلب بالصید و آسدته» یعنی تحریک کردم؛ نه اینکه گفته شود: «أشلیته»؛ «الإشلاء» یعنی صدا زدن؛ گفته می‌شود: «أشلیت الشاه و الناقه»، یعنی آنها را برای دوشیدن، به اسمشان صدا زدم. پایان.

صدا زدن، اگر درست باشد، دلیل بر علیه آنها است؛ هر چند حمل آن بر معنای صدا زدن در اینجا به سختی ممکن باشد.

عبارت «علی کل سبب» شاید متعلق به عبارت «ضربت» باشد؛ همان طور که در کلام خداوند که فرموده است: «فضربنا علی آذانهم»، - . الکهف/ ۱۱ - {پس در آن غار، سالیانی چند بر گوش‌هایشان پرده زدیم.} چنین است. در مورد آن گفته‌اند: یعنی بر آنها پرده‌ای زده‌ایم که مانع شنیدن می‌شود؛ به این معنی که آنها را به خوابی فرو برده‌ایم که صداها آنها را به هوش نمی‌آورد، که مفعول حذف شده است. یا اینکه گفته می‌شود مفعول، همان عبارت «حجاب» است که در تقدیر گرفته شده است. عبارت «علی کل سبب» برای شامل کردن حجاب است؛ یعنی در برابر من به هیچ صورتی و به هیچ طریقی، توانی ندارند و نیز احتمال دارد حجاب، مفعول برای هر دو فعل «ضربت» و «اتخذت» و از طریق تنازع باشد و شاید همین آشکارتر باشد.

«عن المطالب»، یعنی از آفریدگان؛ در بعضی از نسخه‌ها «المعاطب» آمده و شاید همین آشکارتر باشد. «العتبی» بازگشت از گناه و بدکاری است. «أنت بالمنظر الأعلی»، «المنظر المرقب» یعنی در دیده بانی بالا که بندگانش را زیر نظر دارد و بر تمام حالات آنان اطلاع دارد؛ یا اینکه مکان او، بالاتر از دیدگاه آفریدگان و تفکرات آنها است. «یا سابق الفوت»، یعنی هر چه را که اراده کند، به دست می‌آورد و هیچ چیزی از دستش نمی‌رود، پس او بر ناپدید شدنش پیشی گرفته است؛ یا ذات او، مقدم بر وجود و عدم است، پس پیش آمدن فنا و نابودی بر او، محال است؛ همان‌طور که وارد شده، وجودش بر نبودش مقدم

است؛ ولی اولی آشکارتر است. «و زیاده» یعنی در بینش‌ها و طاعت‌ها. «قبل الفوت» یعنی قبل از اینکه از دست من برود، یا قبل از مرگ.

**[ترجمه]

بیان

ظاهره الصلاه علی محمد و آله فی التعقیب و یحتمل التشهد الأخیر.

**[ترجمه]تفسیر الامام: امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: بنده خدا وقتی صبح می‌کند، یا کنیز خدا وقتی صبح می‌کند، خدا و فرشتگانش به او رو می‌کنند تا با نمازش رو به سوی خدای عزّوجلّ کند و خدا نیز رحمتش را متوجه او سازد و بزرگواری‌اش را بر او ارزانی دارد. پس اگر به عهدی که از او گرفته شده وفا کند و آن نمازی را که خدا بر او واجب ساخته، بجا بیاورد، خداوند به فرشتگانش، نگهبانان بهشت و حمل کنندگان عرش خود می‌فرماید: این بنده من وفا کرد، پس شما هم وفا کنید. ولی اگر وفا نکند، خداوند می‌فرماید: این بنده من وفا نکرد، و من بسیار بردبار و بزرگوارم، پس اگر توبه کند و بازگردد، من هم بر او باز می‌گردم و اگر به طاعت من روی آورد، من هم با رضوان و رحمت خودم بر او روی می‌آورم .

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال فرموده است: و اگر از آنچه می‌خواهد، تنبلی کند، از زیبایی و ارزش و شکوه قصرهای او کم می‌کنم و در بهشت به این مشهور می‌شود که صاحب این قصر، کوتاهی کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: و آن از این رو است که خداوند در شب معراج به جبرئیل دستور داد و او قصرهای بهشت را بر من نشان داد؛ پس دیدم همگی از طلا و نقره هستند، ملاط آنها مشك و عنبر است؛ ولی دیدم بعضی از آنها شکوه بالایی داشتند که بعضی دیگر نداشتند. گفتم: ای حبیب من، چرا بعضی از این قصرها مانند بعضی دیگر شکوهمند نیستند؟ گفت: ای محمد، اینها قصرهای نمازگزاران نمازهای واجب است که بعد از نماز از صلوات فرستادن بر تو و بر خاندان تو، تنبلی می‌کردند؛ پس وقتی چیزی برای ساختن شرافت از صلوات بر محمد و خاندان پاك او می‌فرستاد، برای او شرافتی ایجاد می‌گشت و در غیر این صورت، همین گونه باقی می‌ماند. از این رو هنگام شناسایی اهل بهشت گفته می‌شود که قصری که از شکوه برخوردار نیست، از آن کسی است که صاحب آن از صلوات فرستادن بر محمد و خاندان پاك او کوتاهی کرده است. همچنین در آنجا قصرهای شکوهمند و فوق‌العاده زیبا دیدم که در مقابلشان، راهرو و در روبرو و پشت، باغ نداشتند. گفتم: چرا این قصرها در مقابلشان راهرو و در جلو و پشت، باغ ندارند؟ گفت: ای محمد، این قصرهای نمازگزاران نمازهای پنجگانه است که مقداری از توان خود را صرف برآورده ساختن نیازهای برادران مؤمن خود می‌کردند؛ و نه همه توانشان را؛ به همین خاطر قصرهایشان پوشیده و بدون راهرو در مقابل و باغ‌هایی در پشت می‌باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید و به ولایت تنها اتکا نکنید و بعد از آن، از واجبات دیگر خدا و بر آورده ساختن حقوق برادران و عمل به تقیّه را به جای آورید که آن دو، چیزی هستند که اعمال را کامل می‌کنند و با - نبود - آنها، ناقص می‌شوند. - تفسیر الامام: ۱۶۶؛ در - ذیل - : البقره/ ۸۳ -

**[ترجمه]

«۶۲»

الْكَافِي، بِإِسْنَادِهِ عَنْ دَاوُدَ الْعِجْلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: ثَلَاثٌ أُعْطِينَ سَمْعَ الْخَلَائِقِ- الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ الْحُورُ الْعِينُ فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ وَ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ زَوِّجْنِي الْحُورَ الْعِينَ قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ أَنْ تُعْتِقَهُ مِنِّي فَأَعْتِقْهُ وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ يَا رَبِّ إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ إِيَّايَ فَأَسْكِنْهُ وَ قَالَتِ الْحُورُ الْعِينُ يَا رَبِّ إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ خَطَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْهُ مِنَّا فَإِنْ هُوَ انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ لَمْ يَسْأَلْ إِلَيْهِ شَيْئاً مِنْ هَذَا قُلْنَ الْحُورُ الْعِينُ هَذَا الْعَبْدُ فِينَا لَزَاهِدٌ وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَزَاهِدٌ وَ قَالَتِ النَّارُ إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَجَاهِلٌ (۲).

**[ترجمه]ظاهر آن، صلوات فرستادن بر محمد و خاندان محمد در تعقیب نماز باشد و نیز احتمال دارد منظور، تشهد آخری باشد.

**[ترجمه]

«۶۳»

الْكَافِي، وَ التَّهْذِيبُ، بِإِسْنَادِهِمَا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سوير [ثُوَيْرٍ] وَ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ قَالا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ- التَّيْمِيَّ وَ الْعَدَوِيَّ وَ فعلان [فُلَانَ] وَ مُعَاوِيَةَ وَ يُسَمِّيهِمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هِنْداً وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتَ مُعَاوِيَةَ(۳).

**[ترجمه]الکافی: با اسناد به داود عجلی نقل کرده که گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: سه چیز وجود دارد که شنیدن سخن آفریدگان به آنها داده شده است: بهشت، آتش، و حور العین؛ پس هنگامی که بنده نماز بگزارد و بگوید: «اللهم أعتقنی من النار و أدخلنی الجنه و زوجنی الحور العین»، {خدایا، مرا از آتش برهان و وارد بهشت نما و حوریان درشت چشم را به ازدواج من در آور.} آتش می گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو خواست او را از من برهانی، پس او را برهان؛ و بهشت می گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو مرا خواست، پس او را در من ساکن نما؛ و حور العین می گوید: ای پروردگار، بنده تو از تو ما را خواستگاری کرد، پس او را با ما تزویج نما. ولی اگر از نمازش روانه شود و چیزی از اینها را نخواهد، حوریان درشت چشم می گویند: این بنده در مورد ما بی رغبت است و بهشت می گوید: این بنده در مورد من، بی رغبت است و آتش می گوید: این بنده در مورد من، نادان است. - . الکافی ۳: ۳۴۴ -

**[ترجمه]

«۶۴»

التَّهْذِيبُ، عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا انْحَرَفْتَ عَنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرِفْ إِلَّا بِانْصِرَافِ لَعْنِ بَنِي أُمَيَّةَ(۴).

**[ترجمه]الکافی و التهذیب: حسین بن سویر و ابی سلمه السراج گفته‌اند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که در دنباله هر نماز واجب، چهار مرد و چهار زن را لعن می‌کرد: تیمیّ و عدویّ و فُعلان و معاویه و آنها را اسم می‌برد؛ و فلان زن و فلان زن و هند و امّ الحکم خواهر معاویه. - . الکافی ۳: ۳۴۲؛ التهذیب ۱: ۲۲۷ -

**[ترجمه]

«۶۵»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، عَنِ الرِّضَا علیه السلام: قُلْ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ عَقِیبَ کُلِّ فَرِیضَهٍ- یَا مَنْ یَمْلِکُ حَوَائِجَ السَّائِلِینَ یَا مَنْ لِکُلِّ مَسْأَلَهٍ مِنْکَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِیدٌ وَ لِکُلِّ صَامِتٍ مِنْکَ عِلْمٌ بَاطِنٌ مُحِیطٌ أَسْأَلُکَ بِمَوَاعِیدِکَ الصَّادِقَهِ وَ أَیَادِیکَ الْفَاضِلَهِ وَ رَحْمَتِکَ الْوَاسِعَهِ وَ سُلْطَانِکَ الْقَاهِرِ وَ مُلْکِکَ الدَّائِمِ وَ کَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ یَا مَنْ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَهُ

ص: ۵۸

۱- ۱. تفسیر الإمام: ۱۶۶ فی سوره البقره: ۸۳، و قد مر فی ج ۸۵ ص ۲۸۵.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۴۴.

۳- ۳. الکافی ج ۳ ص ۳۴۲، التهذیب ج ۱ ص ۲۲۷.

۴- ۴. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۵ و ۲۲۷.

الْمُطِيعِينَ وَ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَهُ الْعَاصِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي وَ أَعْطِنِي فِيمَا تَرْزُقُنِي الْعَافِيَهَ مِنْ فَضْلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]التهذیب: جابر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: هنگام برگشتن از نماز واجب، جز با لعن بنی امیه برنگرد. -. التهذیب ۱: ۱۶۵ و ۲۲۷ -

**[ترجمه]

«۶۶»

دَلَائِلُ الْإِمَامَهِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ الطَّبَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُطَّلِبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّمُرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَحْمُودِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْمَحْمُودِيِّ عَنِ الْقَائِمِ علیه السلام قَالَ: كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ علیه السلام يَقُولُ فِي دُعَائِهِ عَقِيبَ الصَّلَاهِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَجْمَعُ الْمُتَفَرِّقَ وَ بِهِ تُفَرِّقُ الْمُجْتَمِعَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَعْلَمُ بِهِ كَيْلَ الْبِحَارِ وَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۲).

**[ترجمه]البلد الامین: امام رضا علیه السلام فرمود: برای خواستن روزی، در دنباله هر نماز واجب بگو: {ای کسی که نیازهای خواهندگان را در اختیار داری؛ ای کسی که برای هر نیازی نزد تو شنیدنی حاضر و جوابی آماده، و برای هر سکوت کرده‌ای از سوی تو علمی باطنی و دربرگیرنده وجود دارد؛ به خاطر وعده‌های راستین که داده‌ای و دست‌های پر بخشش که داری و رحمت گسترده‌ات و فرمانروایی پیروزمندت و حکومت همیشگی‌ات و کلمات کامل شده‌ات، از تو درخواست می‌کنم؛ ای کسی که طاعت اطاعت کنندگان او را سودی و نافرمانی گناهکاران او را ضرری نرساند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من روزی رسان و در آن روزی‌ای که به من می‌بخشی، از فضل خود، ایمنی قرار ده؛ به رحمت خودت، ای بهترین رحم کنندگان.} - البلد الامین: ۳۰؛ در حاشیه -

**[ترجمه]

«۶۷»

مُهَجُ الدَّعَوَاتِ، وَجَدْتُ فِي مَجْمُوعٍ بِخَطٍّ قَدِيمٍ ذَكَرَ نَاسِخُهُ وَ هُوَ مُصَنِّفُهُ أَنَّ اسْمَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَاطِرٍ رَوَاهُ عَنْ شُيُوخِهِ فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الرَّقَّاقِ الْقُمِّيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مِنْ حَقِّنَا عَلَى أَوْلِيَائِنَا وَ أَشْيَاعِنَا أَنْ لَا يَنْصَرِفَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ صَلَاهً تَامَّهً دَائِمَهً وَ أَنْ تُدْخِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا فِي سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ مِنْ بَرَكَهِ دُعَائِي مَا تُقِرُّ بِهِ عُيُونَهُمْ احْفَظْ يَا مَوْلَايَ الْغَائِبِينَ مِنْهُمْ وَ ارْدُدْهُمْ

إِلَى أَهَالِيهِمْ سَالِمِينَ وَ نَفِّسْ عَنِ الْمَهْمُومِينَ وَ فَرِّجْ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَ اكْسُ الْعَارِينَ وَ أَشْبِعِ الْجَائِعِينَ وَ أَرْوِ الظَّامِئِينَ وَ اقْضِ

ص: ۵۹

۱- ۱. البلد الأمین ص ۳۰ فی الهامش.

۲- ۲. دلائل الإمامه ص ۲۹۵ فی حدیث.

دَيْنَ الْغَارِمِينَ وَ زَوِّجِ الْعَازِبِينَ وَ اشْفِ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ وَ أَدْخِلْ عَلَى الْأَمْوَاتِ مَا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُهُمْ وَ انْصُرِ الْمَظْلُومِينَ مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام وَ أَطْفِ نَائِرَةَ الْمُخَالِفِينَ اللَّهُمَّ وَ ضَاعِفْ لَعْنَتَكَ وَ بَأْسَكَ وَ نَكَالَكَ وَ عَذَابَكَ عَلَى اللَّذَيْنِ كَفَرَا نِعْمَتَكَ وَ خَوَّنَا رَسُولَكَ وَ اتَّهَمَا نَبِيَّكَ وَ بَايَنَاهُ وَ حَلَّا عَقْدَهُ فِي وَصِيِّهِ وَ نَبَذَا عَهْدَهُ فِي خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ ادَّعَيَا مَقَامَهُ وَ غَيَّرَا أَحْكَامَهُ وَ بَدَّلَا سُنَّتَهُ وَ قَلَّبَا دِينَهُ

وَ صَغَّرَا قَدْرَ حُجَجِكَ وَ بَدَءَا بِظُلْمِهِمْ وَ طَرَقَا طَرِيقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ وَ الْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ وَ الْقَتْلِ لَهُمْ وَ إِرْهَاجِ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ وَ مَنْعِ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثَّلْمِ وَ تَقْوِيمِ الْعِوَجِ وَ تَثْقِيفِ الْأَوَدِ وَ إِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ وَ إِظْهَارِ دِينِ الْإِسْلَامِ وَ إِقَامَةِ حُدُودِ الْقُرْآنِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا وَ ابنيهما [ابْنَتَيْهِمَا] وَ كُلَّ مَنْ مَالَ مَيْلَهُمْ وَ حَذَا حَذْوَهُمْ وَ سَلَكَ طَرِيقَتَهُمْ وَ تَصَدَّرَ بِبِدْعَتِهِمْ لَعْناً لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالٍ وَ يَسْتَعِيذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ الْعَنِ اللَّهُمَّ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُمْ وَ دَعَا إِلَى وَلَايَتِهِمْ وَ شَكَّ فِي كُفْرِهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ (۱).

البلد الأمين، ذكر محمد بن محمد بن عبد الله بن فاطر فى مجموعه عن الصادق عليه السلام و ذكر: مثله

**[ترجمه]دلايل الامامه: امام قائم عليه السلام فرموده است: حضرت زين العابدين عليه السلام در دعاى خود بعد از نماز مى... گفت: {خدايا، از تو به احترام آن اسمت كه آسمان و زمين با آن برپا داشته شده اند و به آن اسمت كه پراكندگان جمع مى... شوند و به آن اسمت كه با آن بين حق و باطل جدايى مى‌افتد و به آن اسمت كه با آن گنجايش درياها و تعداد شن‌ها و وزن كوه‌ها را مى‌دانى، مى‌خواهم كه در مورد من چنين و چنان كنى.} - . دلايل الامامه: ۲۹۵؛ ضمن حديث -

**[ترجمه]

بيان

خونا رسولك أى نسباه إلى الخيانه أرهج الغبار أى أثاره استعير هنا لتهييج الحروب و الثلم جمع الثلمه بالضم و هى الخلل فى الحائط و غيره و تثقيف الرماح تسويتها و الأود بالتحريك الاعوجاج و تصدر نصب صدره فى الجلوس أو جلس فى صدر المجلس و لعله هنا كنايه عن ادعاء الإماره و الولايه.

**[ترجمه]مهج الدعوات: در مجموعه‌اى با خط قديمى كه نويسنده‌اش همان مصنفش بود، نوشته بود كه اسمش محمد بن محمد بن عبد الله بن فاطر است و از بزرگانش نقل كرده و گفته است: اين سخنان از امام صادق عليه السلام نقل شده كه فرمود: از حقوق ما بر دوستداران و پيروان ما اين است كه هيچ يك از آنها از نمازش برنخيزد مگر اينكه اين دعا را بخواند: {خدايا، از تو به حق بزرگ بزرگت مى‌خواهم كه بر محمد و خاندان پاك او درود فرستى و بر آنها درودى كامل و هميشگى فرستى و به بركت دعاى من، بر محمد و خاندان محمد و دوستداران و رهروان آنها، هرگونه و هر كجا كه باشند، خواه در دشت و خواه در كوه، خواه در خشكى و خواه در دريا، آنچه را كه باعث روشنى چشمشان مى‌شود، برسانى. اى سرور من، غائبان آنها را محافظت كن و آنها را سالم به خانواده هايشان برگردان و به اندوهداران، راحتى برسان و بر گرفتاران، گشايش قرار ده و برهنگان را لباس بپوشان و گرسنگان را سير و تشنگان را سيراب نما و بدهى بدهكاران را ادا نما و مجردان را تزويج كن و بيماران مسلمانان را شفا ده و بر مردگانشان، آنچه را كه باعث روشنى چشمشان شود، برسان و بر ستمديدگان از

دوستداران خاندان محمد که سلام بر آنان باد را یاری کن و آتش مخالفان را خاموش کن.

خدایا، لعنت و خشم و غضب و عذاب خود را بر آن دو که نعمت تو را ناسپاسی و به فرستاده تو نسبت خیانت دادند و او را متهم کردند و او را کنار گذاشتند و پیمانش در باره وصی او را گسستند و بعد از او، عهدش را درباره جانشین او شکستند و مقام او را ادعا کردند و احکام او را تغییر دادند و سنتش را دگرگون ساختند و دینش را زیرورو کردند و ارزش راهنماهای تو را کوچک کردند و شروع به ظلم و ستم به ایشان نمودند و راه نیرنگ را بر آنها و مخالفت با دستوراتشان، و کشتن آنها، و به پا کردن جنگ بر ضد آنان، و بازداشتن جانشین تو از جلوگیری از رخنه و راست گردانیدن کجی و برابر کردن ناراستی‌ها و تأیید احکام و نمایان کردن دین اسلام و برپا داشتن حدود قرآن، هموار کردند. خدایا، آن دو را و فرزندان آن دو را و هر کسی را که به خواسته آنها تمایل پیدا کرده و پا، جای پای آنها گذاشته و راه آنان را رفته و به بدعت آنان، سینه سپر کرده، لعنت کن، لعنتی که به هیچ ذهنی نرسیده و اهل آتش از آن پناهنده می‌شوند؛ لعنت کن خدایا، هر کس را که به سخن آنان عمل کند و از دستورشان پیروی کند و به دوستی آنان دعوت کند و در کفر آنان تردید داشته باشد، از اولین و آخرین.}
سپس به دلخواه خودت دعا کن. -. مهج الدعوات: ۴۱۶-۴۱۷ -

البلد الامین: محمد بن محمد بن عبدالله بن فاطر در مجموعه خود، مثل این را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

**[ترجمه]

«۶۸»

الْمُجْتَبَی، مِنْ كِتَابِ الْعَمَلِيَّاتِ الْمُوصِلَهِ إِلَی رَبِّ الْأَرَضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ تَأْلِيفِ يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْخُوارِزْمِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَی ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله: كُنْتُ أَخْشَی الْعَذَابَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ حَتَّی جَاءَنِی جَبْرَئِيلُ بِسُورَهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَعَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ أُمَّتِی بَعْدَ نُزُولِهَا فَإِنَّهَا نِسْبَهُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ تَعَاهَدَ قِرَاءَتَهَا بَعْدَ كُلِّ صَلَاهٍ تَنَاثَرَ الْبِرُّ مِنَ السَّمَاءِ عَلَی

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۱۶- ۴۱۷.

مَفْرِقِ رَأْسِهِ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ السَّكِينَهُ لَهَا دَوِيٌّ حَوْلَ الْعَرْشِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى قَارِئِهَا فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ مَغْفِرَهً لَا يُعَذِّبُهُ بَعْدَهَا ثُمَّ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ وَ يَجْعَلُهُ فِي كِلَاءَتِهِ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي فِي كِتَابِ الْقُرْآنِ.

**[ترجمه]«خوَّنا رسولَك»، يعنى به او نسبت خيانت دادند. «أرهج الغبار» يعنى غبار را برانگيخت؛ در اينجا كنايه از برانگيختن جنگ‌ها است. «الثلم» جمع «الثلمه» با ضمه، همان شكاف در ديوار و چيزهاى ديگر است. «تثقيف الرماح»، برابر كردن آن، و «الأود» با فتحه، يعنى كجى و ناراستى. «تصدّر» يعنى در نشستن، سينه‌اش را جلو گرفته، يا در بالاى مجلس نشسته؛ در اينجا شايد كنايه از ادعاى فرمانروايى و ولايت باشد.

**[ترجمه]

«۶۹»

اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَهٍ هَذَا الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ يَرَى الْإِمَامَ م ح م د بْنَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ فِي الْيَقَظَهِ أَوْ فِي الْمَنَامِ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَنْ وَالِدَيَّ وَ عَنْ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّهَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَهَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَهِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَيْعَهً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نُصَّارِهِ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبِّياً دَعْوَهَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَهَ الرَّشِيدَهَ وَ الْغُرَّهَ الْحَمِيدَهَ وَ اكْحُلْ بَصَرِي بِنَظْرَهٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَزْرَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ اعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ- وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ يُحَقِّقُهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّهَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ بِظُهُورِهِ- إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَراهُ قَرِيباً وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

ص: ۶۱

**[ترجمه]المجتبی: از کتـاب «العملیـات، الموصـله إلی ربِّ الأرضـین و السَّمـاوات» نوشـته یوسف بن محمـد، معروف به ابن خوارزمی، با اسـناد آن به ابن عباس، گفته است: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرموده است: شب و روز از عذاب در هراس بودم تا اینکه جبرئیل سوره «قل هو الله أحـد» را برایم آورد، پس فهمیدم که خداوند بعد از آن، امتم را عذاب نمی‌کند و همانا این سوره، نسب خدای عزّوجلّ است، پس هر کس بر خواندن آن را بعد از هر نماز عهد بندد، نیکی از آسـمان بر فرق سـرش فرو می‌ریزد و آرامشـی بر او نازل می‌شود که نوای آن، پیرامون عرش را می‌گیرد تا اینکه خـدای عزّوجلّ به گوینـده آن می... نگرد، پس او را آنگونه می‌آمرزد که بعد از آن، هیچ عذاب نمی‌شود و بعد از آن، هرچه از خدا بخواهد، خدا آن را به او عطا می‌کند و آن را در خانواده او قرار می‌دهد؛... تا آخر، که در کتاب القرآن خواهد آمد.

**[ترجمه]

باب ۳۹ ما یختص بتعقیب فریضه الظهر

الأخبار

بیان

یا جامع کل فوت قال شـیخنا البهائی ره أی کل فائت و ما بعده أعنی یا بارئ النفوس بعد الموت أی خالقها و معیدها کالتفسـیر له یـا بطاش ذا البطش الشدیـد البطش الأخـذ بالعنف و یقال للسـطوه بطشه و یمکن حمل البطاش علی هـذا المعنی و ذا البطش علی المعنی الأول.

**[ترجمه]فلاـح السائـل: از مهمترین کارها در دنباله نماز ظهر، اقتـدا کردن به امام صادق علیه السـلام در دعا کردن برای امام مهدی علیه السـلام است؛ همان کسی که طبق روایت‌های صحیح، محمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت او را به امتش داده و وعـده کرده است که او در آخرالزمان ظهور می‌کنـد؛ همان طور که عباد بن محمد المداینی روایت کرده که: در مدینه در حـالی بر امـام صـادق علیه السـلام وارد شـدم که از نمـاز ظهر فارغ شـده بود و دو دسـتش را بالا برده بود و می‌گفت: {ای شنونده هر صدا، ای جمع کننده هر ازدست رفته‌ای، ای به وجود آورنده هر جان بعد از مرگ، ای برانگیزاننده، ای ارث برنده، ای سـرور همـه بزرگـان، ای خـدای خـدایان، ای غـالب بر همـه گردنکشـان، ای فرمـانروای دنیـا و آخرت، ای پروردگـار پروردگـاران، ای پادشـاه پادشاهـان، ای خشـم گیرنـده، ای صـاحب قـدرت شدیـد، ای انجـام دهنـده آنچـه اراده می‌کنـد، ای شمارنـده تعداد نفس‌ها و برداشت گام‌ها، ای کسـی که نهان پیش او آشـکار است، ای آغازگر، ای برگرداننده، از تو به حقی که بر برگزیـده‌ات از آفریـده‌هایت داری، و به حق آنان که برایشان از طرف خودت لازم گردانیده‌ای، می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد - اهل بیت او - درود فرستی و همین لحظه بر من منت بگذاری و گردنم را از آتش برهانی و وعده ولیّ‌ات و پسـر پیامبرت که به اذن تو، دعوت کننـده به سوی توست و امانتـدار تو در میان آفریده‌ها و چشم تو در میان بندگان و دلیل تو بر مخلوقـات است، درودها و برکت‌های تو بر او را وفا کنی؛ خـدایا، او را با یاری خودت تأییـد کن و بنـده‌ات را یاوری کن و یاران او را توانمنـد ساز و شـکیبایشان نما و از نزد خودت برایشان تسلطی یاری‌بخش بگشا و در گشایش او شـتاب نما و او را در برابر دشمنانت و دشمنان فرستاده‌ات توانمند بدار؛ ای بهترین رحم کنندگان.}

گفتم: فـدایت شـوم، آیـا برای خـودت دعـا نکردی؟ فرمـود: برای نـور خانـدان محمـد و پیش‌تریـن آنهـا و انتقـام گیرنـده از دشـمنانشان به دسـتور خدا، دعا کردم. گفتم: خدا مرا فدای شما قرار دهد! ظهور او کی خواهد بود؟ فرمود: هر موقع کسی که آفرینش و دسـتور بـا اوست، بخواهـد. گفتم: آیـا برای او نشـانه‌ای قبـل از آن وجود دارد؟ فرمود: بلی؛ نشـانه‌های پراکنـده‌ای. گفتم: مثل چه چیزی؟ فرمود: خارج شـدن جنبنـده‌ای از مشـرق و پرچمی از مغرب، و فتنه‌ای که اهل باطل را گمراه می‌کند، و خارج شـدن مردی از خانـدان عمویم زیـد در یمن و غارت شـدن پرده خانه مکه؛ و خـدا هر چه را بخواهـد انجام می‌دهد. -. فلاح السائل: ۱۷۰-۱۷۱ -

مصباح الشیخ، و البلد الامین، و جنه الامان، و الاختیار: از دعاهایی که به بعد از نماز ظهر اختصاص دارد، «یا سامع الاصوات» تا آخر دعاست و در همه آنها بجای «أی»، «یا» آمده است.

**[ترجمه]

أقول

قد مر و سیأتی هنا تفسیر تلک الفقرات و أشباهها.

**[ترجمه]شـیخ ما بهایی، که رحمت خـدا بر او باد، گفته است: «یا جامع کل فوت»، یعنی هر از بین رونـده؛ و بعـد از آن، «یا بـاریء النفوس بعـد الموت»، یعنی آفریـدگار و برگردانـنده آن، از قبیـل تفسـیر برای آن است. «یـا بطّاش ذا البطش الشدیـد»، «البطش» گرفتـن بـا زور اسـت و به «سـطوه»، «بطشه» گفته می‌شـود. ممکن است «بطـاش» بر این معنی و «ذا البطش الشدیـد» بر معنی اول حمل شود.

**[ترجمه]

«۲»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِیبَ صَلَاهِ الظُّهْرِ بِمَا رُوِیَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ دَعَا بِهِ عَقِیبَهَا عَلَی مَا رَوَاهُ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّمِیمِیُّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِیمِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْعَسْکَرِ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: کَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَقِیبَ صَلَاهِ الظُّهْرِ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِیمُ الْحَلِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِکَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَ الْغَنِیمَهَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ السَّلَامَهَ مِنْ کُلِّ إِثْمٍ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِی ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا سُقْماً إِلَّا شَفَیْتَهُ وَ لَا عَیْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ وَ لَا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ وَ لَا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ وَ لَا سُوءاً إِلَّا صَرَفْتَهُ وَ لَا حَاجَهً هِیَ لَکَ رِضًی وَ لِی صَلَاحٌ إِلَّا قَضَیْتَهَا یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر این قسمت‌ها و نظائر آن گذشت و بعداً نیز خواهد آمد.

**[ترجمه]

بیان

موجبات رحمتک أی أعمالا تتسبب لرحمتک و توجبها و عزائم مغفرتک أی أسألک أعمالا ینعزم و یتأکد بها مغفرتک

ص: ۶۳

۱- ۲. فلاح السائل ص ۱۷۱- ۱۷۲.

مَصَابِیحُ الشَّیْخِ، وَ الْکَفْعَمِیُّ، وَ ابْنُ الْبَاقِی، وَ غَیْرُهَا،: ثُمَّ تَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَهً مِنَ النَّارِ فَاکْتُبْ لَنَا إِلَی قَوْلِهِ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ کَمَا مَرَّ بِرِوَایَهِ أَبِی بَصِیرٍ فِی تَعْقِیبِ کُلِّ صَلَاهٍ(۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: از مهمترین کارها بعد از نماز ظهر، دعا با آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که طبق روایت، امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و فرموده است: از دعای او، صلی الله علیه و آله بعد از نماز ظهر این بود: {هیچ معبودی جز خدای بزرگ بردبار وجود ندارد؛ هیچ معبودی جز خدا، پروردگار عرش با کرامت وجود ندارد؛ ستایش خداوندی را که پروردگار جهانیان است. خدایا، از تو آنچه را که باعث رحمت تو و سبب آمرزش تو می‌شود، و بهره‌مندی از هر خوبی و سالم ماندن از هر گناه را می‌خواهم؛ خدایا، هیچ گناهی برایم باقی مگذار جز آنکه آمرزیده باشی، و هیچ اندوهی را جز اینکه برطرف کرده باشی، و هیچ دردی را جز آنکه شفا داده باشی، و هیچ عیبی را جز آنکه پوشانده باشی، و هیچ روزی‌ای را جز آنکه فراوانش نموده باشی، و هیچ ترسی را جز آنکه ایمن کرده باشی، و هیچ بدی را جز آنکه برگردانده باشی، و هیچ خواسته‌ای که در آن خشنودی تو و سامان کار من باشد، جز آنکه برآورده نموده باشی، ای بهترین رحم کنندگان، بپذیر، ای پروردگار جهانیان.} - . فلاح السائل: ۱۷۱-۱۷۲ -

**[ترجمه]

«۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الِاقْتِدَاءُ بِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی الدُّعَاءِ عَقِیبَ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ فَمِنْ دُعَائِهِ عَقِیبَ فَرِیضَهِ الظُّهْرِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ وَ بِیَدِکَ الْخَیْرُ کُلُّهُ وَ إِلَیْکَ یَرْجِعُ الْأَمْرُ کُلُّهُ عَلَانِیَتُهُ وَ سِرُّهُ وَ أَنْتَ مُنْتَهَی الشَّأْنِ کُلِّهِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی غُفْرَانِکَ بَعْدَ غَضَبِکَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ رَفِیعَ الدَّرَجَاتِ مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْبَرَکَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ مُعْطِیَ السُّؤْلَاتِ وَ مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ وَ الْمُخْرِجَ إِلَی النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ شَدِیدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ إِذا یَغْشی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی النَّهارِ إِذا تَجَلَّی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ إِذا عَسْعَسَ وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا وَ لَکَ الْحَمْدُ وَ عَلَی نِعَمِکَ الَّتِی لَا تُحْصَی عَدَداً وَ لَا تَنْقَضِی مَدَداً اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِیمَا مَضَی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِیمَا بَقِیَ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِی فِی کُلِّ أَمْرٍ وَ عُدَّتِی فِی کُلِّ حَاجَهٍ وَ صَاحِبِی فِی کُلِّ طَلِبَهٍ وَ أُنْسِی فِی کُلِّ وَحْشَهٍ وَ عِصْمَتِی عِنْدَ کُلِّ هَلَکَهٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَسِّعْ لِی فِی رِزْقِی وَ بَارِکْ لِی فِیمَا آتَیْتَنِی وَ اقْضِ عَنِّی دَیْنِی وَ أَصْلِحْ لِی شَأْنِی إِنَّکَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِکَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَ الْغَنِیمَهَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ السَّلَامَهَ مِنْ کُلِّ إِثْمٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَ النَّجَاهَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِی ذَنْباً إِلَّا

۱- ۱. راجع ص ۱۲ فیما مضی.

غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا غَمّاً إِلَّا كَشَفْتَهُ وَ لَا سُقْماً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ وَ لَا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ وَ لَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]«موجبات رحمتک»، یعنی کارهایی که رحمت تو را سبب می‌شوند و موجب آن می‌شوند؛ «عزائم مغفرتک»، یعنی از تو کارهایی را می‌خواهم که آمرزش تو را استوار و حتمی می کند.

مصابیح الشیخ، و الکفعمی، و ابن الباقی و غیرها: سپس می گویی: «اللهم إنی أسألک بحق محمد و آل محمد براءه من النار فاکتب لنا»،{خدایا، به حق محمد و خاندان محمد از تو

دوری از آتش را می‌خواهم؛ پس بنویس برای ما} تا عبارت «و لا إله غیرک» {و هیچ خدایی جز تو نیست.} که در بخش تعقیبات مشترک برای همه نمازها، به روایت ابی بصیر بیان شد. - . ر.ک: همین کتاب: ۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

و إلیک یرجع الأمر کله أی من جهه العلیه أو فی الآخره للجزاء و الأخیر أنسب بالتتمه و أنت منتهی الشأن کله الشأن الأمر و الحال قال تعالی کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (۲) أی فی کل وقت و حین یحدث أمورا و یجدد أحوالا من إهلاک و إنجاء و حرمان و إعطاء و غیر ذلک فکونه سبحانه منتهی الشأن یحتمل وجوها الأول الانتهاء من جهه العلیه کما مر فإنه عله العلل الثانی أن شأنه تعالی أعظم الشئون و أجلها الثالث أن کل أمر و شی ء بعد الیأس عن المخلوقین و عجزهم یرفع إلیه و یحتمل الانتهاء فی الآخره و هو هنا بعید رفیع الدرجات أی درجات کماله رفیعه بحیث لا یظهر دونها کمال و قیل الدرجات مراتب المخلوقات أو مصاعد الملائکه إلی العرش أو السماوات أو درجات الثواب عن فوق سبع سماوات لأن تقدیرها هناک و الإنزال مجاز مبدل السیئات إشاره إلی قوله تعالی فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ (۳) قیل بأن یمحو سوابق معاصیهم بالتوبه و یثبت مکانها لواحق طاعاتهم أو یبدل ملکه المعصیه فی النفس بملکه الطاعه أو بأن یوفقه لأضداد ما سلف منه أو بأن یثبت له بدل کل عقاب ثوابا.

و جاعل الحسنات درجات أی یعطی عوضها درجات فی الجنه أو ذوی درجات و منازل و مراتب بحسب ما ینضم إلیها من المعرفه و الإخلاص و سائر الشرائط و المخرج أی بهدایته و توفیقه إلی النور أی إلی الهدی الموصل إلی الإیمان و سائر الخیرات و الکمالات.

ص: ۶۵

۱- ۱. فلاح السائل: ۱۷۲- ۱۷۳.

۲- ۲. الرحمن: ۲۹.

۳- ۳. الفرقان: ۷۰.

من الظلمات أی ظلمات الجهل و اتباع الهوی و قبول الوساوس و الشبه المؤدیه إلی الکفر و المعاصی و توحید النور و جمع الظلمات لأن الحق طریق واحد و الباطل طرق شتی و الثوب مصدر کالتوبه و قیل هو جمع التوبه شدید العقاب أی مشدده أو الشدید عقابه و الطول الفضل إلیک المصیر أی لجزاء المطیع و العاصی.

لک الحمد فی اللیل أی تستحق الحمد بسببه و بسبب النعم التی تحدث فیه أو أحمدک فی تلک الأحوال و الأول أظهر إذا یغشی أی یغشی الشمس أو النهار أو کل ما یواریه بظلامه إذا تجلی أی ظهر بزوال ظلمه اللیل أو تبین بطلوع الشمس إذا عسعس أی أقبل بظلامه أو أدبر و هو من الأضداد و قیل عبر به عن إقبال روح و نسیم و فی تفسیر علی بن إبراهیم (۱) إِذا عَسْعَسَ إذا أظلم و إذا تنفس إذا ارتفع إلا شفیته الإسناد فیه و فی آمنته مجازی.

**[ترجمه]فلاح السائل: از مهمترین کارها، اقتدا کردن به سرورمان امیرالمؤمنین علیه السلام در دعا بعد از نمازهای واجب پنجگانه است که از دعاهای او بعد از نماز ظهر، این است: {خدایا، همه ستایش برای توست؛ همه خوبی‌ها به دست توست؛ همه کارها، چه آشکار باشند و چه نهانی، به سوی تو باز می‌گردند؛ و تو پایان همه کارها هستی؛ خدایا، ستایش تو را به خاطر گذشتت، با اینکه قدرت داری و ستایش تو را باد به خاطر بخششت، با وجود اینکه غضب داری؛ خدایا، سپاس تو را باد که دارای مراتب والا، اجابت کننده دعاها، فرود آورنده برکت‌ها از بالای هفت آسمان، بخشنده خواسته‌ها، و تبدیل کننده بدی‌ها به خوبی‌ها، و قرار دهنده خوبی‌ها به عنوان درجه، و بیرون آورنده از تاریکی‌ها به نور هستی.

خدایا، سپاس تو را باد که بخشنده گناه، و پذیرنده توبه، شدید عذاب کننده و صاحب نعمت هستی که هیچ خدایی جز تو نیست و بازگشت به سوی توست؛ خدایا، در شب آنگاه که فراگیر شود، تو را سپاس باد؛ و در روز آنگاه که پدیدار گردد، تو را سپاس باد؛ و در آخرت و - سرای - نخستین تو را سپاس باد؛ خدایا، سپاس تو را در شب، آنگاه که پشت گرداند؛ و سپاس تو را در صبح، آنگاه که دمیده گردد؛ و سپاس تو را هنگام برآمدن خورشید و هنگام فرو رفتن آن؛ و سپاس تو را به خاطر نعمت‌هایت که به شمارش نمی‌آید و هیچ دوره‌ای تا آخر از بین نمی‌رود؛ خدایا، سپاس تو را در آنچه گذشته و سپاس تو را در آنچه باقی مانده است.

خدایا، تو پشتیبان من در هر کاری و ذخیره‌ام در هر نیازی و یاورم در هر خواسته‌ای و مونسم در هر وحشتی و نگاهدارم در هر گرفتاری هستی؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی مرا گسترده ساز و در آنچه به من عطا می‌کنی، برکت قرار ده و بدهی‌ام را از من بردار و کارم را اصلاح کن که تو بسیار مهربان و رحم کننده‌ای؛ هیچ خدایی جز الله بردبار بزرگوار نیست؛ هیچ خدایی جز الله، پروردگار جهانیان نیست؛ هیچ خدایی جز الله، پروردگار عرش بزرگ نیست.

خدایا، از تو آنچه را باعث رحمت تو و سبب آمرزش تو می‌گردد، و بهره‌مندی از هر خوبی و سالم ماندن از هر گناه و دستیابی به بهشت و نجات یافتن از آتش را می‌خواهم؛ خدایا، هیچ گناهی برایم باقی مگذار جز آنکه آمرزیده باشی، و هیچ اندوهی را جز اینکه آن را زدوده باشی، و هیچ گرفتاری را جز اینکه برطرف کرده باشی، و هیچ دردی را جز آنکه شفا داده باشی، و هیچ بدهی را جز اینکه ادا نموده باشی، و هیچ ترسی را جز اینکه ایمن کرده باشی، و هیچ خواسته‌ای را جز آنکه با منت و لطف خودت برآورده نموده باشی، به سبب رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان.} - . فلاح السائل: ۱۷۲-۱۷۳

-

**[ترجمه]

«۴»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ بِمَا كَانَتِ الزَّهْرَاءُ فَاطِمَهُ سَيِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَدْعُو بِهِ فَمِنْ ذَلِكَ دُعَاؤُهَا عَقِيبَ فَرِيضَهِ الظُّهْرِ وَ هُوَ سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَ الْعَمَلِ لَهُ وَ الرَّغْبَهِ إِلَيْهِ وَ الطَّاعَهِ لِأَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَجْعَلْنِی جَاحِداً لِشَیْ ءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَ لَا مُتَحَيِّراً فِی شَیْ ءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانِی لِدِينِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِی أَعْبُدُ شَيْئاً غَيْرَهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نَجَاهَ الْمُجَاهِدِينَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ تَصْدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَوَكُّلَهُمْ وَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ وَ خَيْرَ مُطَّلِعٍ يَطَّلِعُ عَلَیَّ وَ ارْزُقْنِی عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نُزُولِهِ وَ فِی غَمَرَاتِهِ وَ حِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِی وَ حِينَ تَبْلُغُ الْحُلْقُومَ وَ فِی حَالِ خُرُوجِی مِنَ الدُّنْيَا وَ تِلْكَ السَّاعَهِ الَّتِی لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِی فِيهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا شِدَّهً وَ لَا رَخَاءً

ص: ۶۶

۱- ۱. تفسير القمّیّ ص ۷۱۴.

رَوْحاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ حَظّاً مِنْ رِضْوَانِکَ وَ بُشْرَی مِنْ کَرَامَتِکَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّی نَفْسِی وَ تَقْبِضَ رُوحِی وَ تُسَلِّطَ مَلَکَ الْمَوْتِ عَلَی إِخْرَاجِ نَفْسِی بِبُشْرَی مِنْکَ یَا رَبِّ لَیْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَیْرِکَ تُثْلِجُ بِهَا صَدْرِی وَ تَسُرُّ بِهَا نَفْسِی وَ تَقِرُّ بِهَا عَیْنِی وَ یَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِی وَ یَسْفِرُ بِهَا لَوْنِی وَ یَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِی وَ یَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِی یَغْبِطُنِی بِهَا مَنْ حَضَرَنِی مِنْ خَلْقِکَ وَ مَنْ سَمِعَ بِی مِنْ عِبَادِکَ تُهَوِّنُ بِهَا عَلَیَّ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ تُفَرِّجُ عَنِّی بِهَا کُرْبَتَهُ وَ تُخَفِّفُ بِهَا عَنِّی شِدَّتَهُ وَ تَکْشِفُ عَنِّی بِهَا سُقْمَهُ وَ تُذْهِبُ عَنِّی بِهَا هَمَّهُ وَ حَسْرَتَهُ وَ تَعْصِمُنِی بِهَا مِنْ أَسَفِهِ وَ فِتَنِهِ وَ تُجِیرُنِی بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا یَحْضُرُ أَهْلَهُ وَ تَرْزُقُنِی بِهَا خَیْرَهُ وَ خَیْرَ مَا یَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَیْرَ مَا هُوَ کَائِنٌ بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا تَوَفَّیْتَ نَفْسِی وَ قَبَضْتَ رُوحِی فَاجْعَلْ رُوحِی فِی الْأَرْوَاحِ الرَّائِحَهِ وَ اجْعَلْ نَفْسِی فِی الْأَنْفُسِ الصَّالِحَهِ وَ اجْعَلْ جَسَدِی فِی الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَهِ وَ اجْعَلْ عَمَلِی فِی الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَهِ ثُمَّ ارْزُقْنِی فِی خِطَّتِی مِنَ الْأَرْضِ وَ مَوْضِعِ جُثَّتِی حَیْثُ یُرْفَتُ لَحْمِی وَ یُدْفَنُ عَظْمِی وَ أُتْرَکُ وَحِیداً لَا حِیلَهَ لِی قَدْ لَفَظَتْنِی الْبِلَادُ وَ تَخَلَّا مِنِّی الْعِبَادُ وَ افْتَقَرْتُ إِلَی رَحْمَتِکَ وَ احْتَجْتُ إِلَی صَالِحِ عَمَلِی وَ أَلْقَی مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِی وَ قَدَّمْتُ لِآخِرَتِی وَ عَمِلْتُ فِی أَیَّامِ حَیَاتِی فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ ضِیَاءً مِنْ نُورِکَ وَ تَثْبِیتاً مِنْ کَرَامَتِکَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ إِنَّکَ تُضِلُّ الظَّالِمِینَ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ثُمَّ بَارِکْ لِی فِی الْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ إِذَا انْشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّی وَ تَخَلَّا الْعِبَادُ مِنِّی وَ غَشِیَتْنِی الصَّیْحَهُ وَ أَفْزَعَتْنِی النَّفْخَهُ وَ نَشَرْتَنِی بَعْدَ الْمَوْتِ وَ بَعَثْتَنِی لِلْحِسَابِ فَابْعَثْ مَعِی یَا رَبِّ نُوراً مِنْ رَحْمَتِکَ یَسْعَی بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ یَمِینِی تُؤْمِنُنِی بِهِ وَ تَرْبِطُ بِهِ عَلَی قَلْبِی وَ تُظْهِرُ بِهِ عُذْرِی وَ تُبَیِّضُ بِهِ وَجْهِی وَ تُصَدِّقُ بِهِ حَدِیثِی وَ تُفْلِجُ بِهِ حُجَّتِی وَ تُبَلِّغُنِی بِهِ الْعُرْوَهَ الْقُصْوَی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ تُحِلُّنِی الدَّرَجَهَ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ وَ تَرْزُقُنِی بِهِ مُرَافَقَهَ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ فِی أَعْلَی الْجَنَّهِ دَرَجَهً وَ أَبْلَغِهَا فَضِیلَهً وَ أَبَرِّهَا عَطِیَّهً وَ أَرْفَعِهَا نُفْسَهً مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَهِ أَجْمَعِينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى أَئِمَّهِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا نَصَرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَهٍ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْلِ كَعْبَهُ وَ أَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَ أَتْمِمْ نُورَهُ وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ افْسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَهَ وَ الْوَسِيلَهَ مِنَ الْجَنَّهِ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِی وَعَدْتَهُ وَ اجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَهً وَ وَسِيلَهً وَ اقْصُصْ بِنَا أَثَرَهُ وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْلُكْ بِنَا سُبُلَهُ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا شَاكِّينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ وَ مُدَاوِی الْقَلْبِ الْجَرِيحِ لَا تَفْضَحْنِی فِی مَشْهَدِ الْقِيَامَهِ بِمُوبِقَاتِ الْآثَامِ وَ لَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّی مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ يَا غَايَهَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ وَ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ هَبْ لِی مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ اعْفُ عَنْ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ اغْسِلْ قَلْبِی مِنْ وِزْرِ الْخَطَايَا وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ الِاسْتِعْدَادِ لِنُزُولِ الْمَنَايَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ مُنْتَهَى أُمْنِيَّهِ السَّائِلِينَ أَنْتَ مَوْلَایَ فَتَحْتَ لِی بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنَابَهِ فَلَا تُغْلِقْ عَنِّی بَابَ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَهِ وَ نَجِّنِی بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ بَوِّئْنِی غُرُفَاتِ الْجِنَانِ وَ اجْعَلْنِی مُتَمَسِّكاً بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَى وَ اخْتِمْ لِی بِالسَّعَادَهِ وَ أَحْيِنِی بِالسَّلَامَهِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَمَالِ وَ الْعِزَّهِ وَ الْجَلَالِ وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوّاً وَ لَا حَاسِداً وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَاناً عَنِيداً وَ لَا شَيْطَاناً مَرِيداً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۱).

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۷۳- ۱۷۶.

**[ترجمه]«و إلیک یرجع الأمر کله»، یعنی از جهت علیت یا در آخرت، برای سزا دادن؛ با ادامه دعا، دومی مناسب‌تر است. «و أنت منتهی الشأن کله» شأن، یعنی کار و حال. خدای متعال می‌فرماید: «کل یوم هو فی شأن»، - . الرحمن/ ۲۹ - {هر

زمان، او در کاری است.} یعنی در هر وقت و لحظه کارهایی را ایجاد و حالت‌هایی را به وجود می‌آورد؛ از قبیل هلاک کردن و نجات دادن، محروم کردن و بخشیدن، و دیگر چیزها؛ پس «منتهی الشأن» بودن خدای سبحان ممکن است صورت... هایی داشته باشد؛ نخست، انتها از جهت علیت، یعنی همان طور که گذشت، او علت همه علت‌ها است؛ دوم اینکه منزلت خدای متعال بزرگ‌ترین منزلت‌ها و بزرگوارترین آنها است؛ سوم اینکه هر کار و چیزی بعد از نومید شدن از آفریدگان و ناتوانی آنها به سوی او بالا می‌رود؛ نیز احتمال دارد منظور، پایان بودن در آخرت باشد که این احتمال در اینجا بعید است.

«رفیع الدرجات»، یعنی مراتب کمال او بالا- هستند؛ به گونه‌ای که کمالات پایین‌تر از آنها کمالی نمایان نیست. و گفته شده است: درجات، همان مراتب مخلوقات است، یا بالا رفتن فرشتگان به عرش یا آسمان‌ها، یا درجات ثواب از بالای آسمان‌های هفتگانه؛ زیرا محل قرار دادن و تقدیر ثواب، آنجاست و فرود آوردن آن، مَجاز است. «مبدل السیئات» اشاره به کلام خداوند «اولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات»، - . الفرقان/ ۷۰ - {پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می کند.} دارد. گفته شده است: تبدیل بدی‌ها به نیکی‌ها به این صورت است که بدی‌های گذشته آنان را با توبه پاک می کند و به جای آنها اطاعت‌های بعدی آنها را قرار می‌دهد؛ یا اینکه روحیه گناه را در وجود آنها به روحیه طاعت تبدیل می کند؛ یا اینکه او را به انجام کارهایی مخالف با آنچه در گذشته انجام می‌داده است، توفیق می‌دهد؛ یا اینکه به جای هر مجازات او، ثواب جایگزین می... کند.

«و جاعل الحسنات درجات»، یعنی در برابر آنها در بهشت درجاتی عطا می کند؛ یا صاحب درجات و منازل و مراتب، به حسب آن مقدار از معرفت و اخلاص و شرایط دیگری که در بر داشته باشد. «و المخرج»، یعنی با هدایت و توفیق خودش. «إلی النور»،

به هدایتی که رساننده به ایمان و دیگر خوبی‌ها و کمالات باشد.

«من الظلمات»، یعنی از تاریکی‌های نادانی و پیروی از هوای نفس و پذیرفتن وسوسه‌ها و شبهه‌ها که به کفر و گناه می‌انجامد. به این دلیل نور را مفرد و ظلمات را جمع آورده است که حق، یک راه بیشتر نیست ولی باطل راه‌های گوناگونی دارد. «التوب» مانند «التوبه» مصدر است و گفته شده است: آن جمع «التوبه» است. «شدید العقاب» یعنی مجازات شدید یا شدید کننده آن و «الطول» یعنی فضل و بخشش و «الیه المسیر»، یعنی برای پاداش فرمانبردار و نافرمان.

«لک الحمد فی اللیل»، یعنی به خاطر آن و به خاطر نعمت‌هایی که در آن به وجود می‌آیند، سزاوار ستایش هستی؛ یا اینکه تو را در آن حالت‌ها ستایش می کنم؛ ولی اولی آشکارتر است. «إذا یغشی» یعنی خورشید یا روز را بپوشاند، یا هر چیزی که با تاریکی‌اش آن را فراگیرد. «إذا تجلی»، یعنی با از بین رفتن تاریکی شب یا با طلوع خورشید، پدیدار شود. «إذا عسعس»، یعنی به تاریکی روی آورد یا پشت کند. این از کلمات اضداد است. و گفته شده است: از آن به روی آوردن نشاط و نسیم تعبیر می‌شود و در تقسیر علی بن ابراهیم، - . تفسیر القمی: ۷۱۴ -

«إذا عسعس»، یعنی وقتی تاریک شود و «إذا تنفس»، یعنی بالا ـ رود. اسناد در «إلا ـ شفیته» و نیز در «إلا ـ أمنته» از نوع اسناد مَجازی است. - . نسبت دادن شفا به بیماری و نسبت دادن امان به خوف مجاز است؛ زیرا شفا به بیمار و امان به شخص خائف داده می‌شود. -

**[ترجمه]

توضیح

الشامخ المرتفع العالی کالباذخ و أناف علی الشی ء أشرف و غمرات الموت شدائده و قولها روحا مفعول ارزقنی و قال الجوهری ثلجت نفسی تثلج ثلوجا اطمأنت و ثلجت نفسی بالکسر تثلج ثلجا لغه فیه و فی القاموس تهلل الوجه تلألأ و قال سفر الصبح یسفر أضاء و أشرق کأسفر انتهی.

قولها فی خطتی من الأرض بالکسر أی قبری قال فی النهایه الخطه بالکسر هی الأرض یختطها الإنسان لنفسه بأن یعلم علیها علامه و یخط علیها خطا لیعلم أنه قد أحازها و فی القاموس الخط بالکسر الأرض التی تنزلها و لم ینزلها نازل قبلک کالخطه و فی بعض النسخ حصتی و هو تصحیف و إن أمکن توجیهه قولها حیث یرفت لحمی بالراء المهمله و فی بعض النسخ بالمعجمه قال الفیروزآبادی رفته یرفته و یرفته کسره و دقه و انکسر و اندق لازم متعد و انقطع کأرفت ارفتاتا فی الکل و قال الزفت الطرد و الدقع و الإزهاق و الإتعاب و قولها فوزا مفعول ارزقنی و قد مر تفسیر القول الثابت فی کتاب الجنائز و الأنسب هنا تعلق الظرفین بالثابت.

و الربط علی القلب تسدیده و تقویته قال الله تعالی وَ رَبَطْنا عَلی قُلُوبِهِمْ (۱) أی ثبتنا قلوبهم و ألهمناهم الصبر و قال الجوهری فلج الرجل علی خصمه یفلج فلجا و أفلجه الله علیه و أفلج الله حجته قوّمها و أظهرها و أرفعها نفسه أی نفاسه أو سعه قال الجوهری النفس الجرعه و أنت فی نفس من أمرک فی سعه و شی ء نفیس أی یتنافس فیه و یرغب و هذا أنفس مالی أحبه و أکرمه عندی و لک فی هذا الأمر نفسه أی مهله و فی النهایه نفس الروضه طیب روائحها و فی القاموس النفس بالتحریک السعه و الفسحه فی الأمر و الجرعه و الری و شراب ذو نفس فیه سعه و ری و قال النفس العظمه و العزه و لک نفسه بالضم مهله.

قولها کما أنقذتنا إشاره إلی قوله تعالی کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها(۲) و شفا البئر و شفتها طرقها أی کنتم مشفین علی الوقوع فی نار جهنم لکفرکم

ص: ۶۹

۱- ۱. الکهف: ۱۴.

۲- ۲. آل عمران: ۱۰۳.

إذ لو أدرككم الموت فی تلك الحال لوقعتم فيها فأنقذكم بالإسلام منها و قال فی النهايه فی حديث قيله و الله لا يزال كعبك عاليا هو دعاء لها بالشرف و العلو و الأصل فيها كعب القناه و هو أنبوبها و ما بين كل عقدتين منها كعب و كل شی ء علا و ارتفع فهو كعب انتهی.

**[ترجمه]فلاح السائل: از امور مهم، خواندن دعاهایی است که بعد از نمازهای واجب پنجگانه به شیوه حضرت زهرا، فاطمه سرور زنان جهانیان است. از جمله آنها دعای او بعد از نماز ظهر است که عبارت است از: {منزّه است خداوند دارای شکوه افراشته و بلند، منزّه است خدای صاحب شوکت والا و بزرگ، منزّه است خدای دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه، سپاس خدایی را که با نعمت او به این درجه از دانایی نسبت به او و کار برای او و روی آوردن به سوی او و اطاعت از دستورش، رسیدم، سپاس خدایی را که مرا نسبت به چیزی از کتابش ناسپاس قرار نداد و در هیچ بخشی از دستورش سرگردانم ننمود، سپاس خدایی را که مرا به دینش هدایت نمود و عبادت کننده چیز دیگری قرار نداد.

خدایا، از تو گفتار و کردار توبه کنندگان و رستن و ثواب رزمندگان و باور و توکل مؤمنان و آسایش در هنگام مرگ و ایمنی در هنگام حسابرسی را خواستارم؛ مرگ را برایم بهترین ناپیدایی که انتظارش را می‌کشم و بهترین پدیده‌ای که بر من پدیدار می‌شود، قرار ده؛ و در هنگام حضور مرگ و فرود آمدن و سختی‌های آن و هنگام بالا آمدن جان از میان ترقوه و رسیدن به گلو و در حال بیرون رفتنم از دنیا و آن لحظه‌ای که برای خودم هیچ ضرر و سودی و هیچ سختی و آسانی را دارا نباشم، برایم آسودگی از رحمت خودت و بهره‌ای از رضوان و مژده‌ای از بزرگواری‌ات را روزی کن، قبل از اینکه جانم را بستانی و روحم را بگیری و فرشته مرگ را برای خارج ساختن جانم بر من مسلط سازی؛ با مژده‌ای از سوی خودت، نه از سوی کسی غیر از تو، تا سینه‌ام را با آن، خنک سازی و جانم را با آن به نشاط آوری و باعث روشنی چشمم شوی و چهره‌ام را با آن، درخشنده سازی، رنگم را با آن شاداب نمایی، و دلم را با آن آرامش بخشی، و سایر اعضای بدنم را با آن خشنود سازی، که هر کسی از آفریدگانت که نزد من حاضر باشند و از بندگانت که صدای مرا بشنوند، به آن غبطه بخورند؛ و با آن سختی... های مرگ را بر من آسان نمایی، و این گونه ناگواری آن را از من بر طرف کنی و به وسیله آن، سختی مرگ را از من کم کنی و با آن، بیماری‌اش را از من دور کنی و با آن، غصه و حسرتش را از من ببری و مرا به سبب آن، از پشیمانی و گرفتاری آن نگاه داری، و از بدی آن و هر بدی دیگری که صاحبش با خود می‌آورد، ایمن گردانی و با آن خوبی‌هایش را و خوبی... های دیگری که صاحبش با خود می‌آورد و هر خوبی دیگری که بعد از آن به وجود خواهد آمد، روزی‌ام کنی.

سپس آنگاه که جانم را ستاندی و روحم را گرفتی، روحم را میان روح‌های به آرامش رسیده و جانم را میان جان‌های نیک و بدنم را میان بدن‌های پاک و کارهایم را در زمره کارهای پذیرفته شده قرار ده. سپس در قبرم و جایگاه بهشتم {بهشت برزخی} که گوشتم را از بین می‌برد و استخوانم را در خود می‌پوشاند و من تنها رها می‌شوم و چاره‌ای ندارم، در حالی که زمین مرا از خود بیرون انداخته و بندگان مرا رها کرده‌اند و من تنها به رحمت تو نیاز آورم و به کار نیک خود محتاج گردم و آنچه را برای خودم مهیا کرده بودم و برای آخرتم پیش فرستاده بودم و در زندگی دنیا تلاش کرده بودم، برای به دست آوردن رحمت تو و پرتوی از نور تو و پا بر جا بودنی از بزرگواری تو، با گفتار استوار در زندگی دنیا و آخرت عرضه کنم که تو ستمکاران را گمراه می‌کنی و آنچه را بخواهی، به انجام می‌رسانی.

سپس در رستاخیز و حسابرسی، آنگاه که زمین از - روی - من شکافته شود و بندگان مرا رها کنند و ندای آسمانی مرا در بر گیرد و دمیدن در صور مرا به فزع آورد و بعد از مرگ، مرا زنده گردانی و برای حساب برانگیزی، بر من خجستگی قرار ده و همراه من ای پروردگار، نوری از رحمتت برانگیز که پیشاپیش و از سمت راست من راه رود و به وسیله آن، ایمنی‌ام دهی و قلبم را با آن آرامش دهی و عذرم را با آن، آشکار نمایی و رویم را با آن سفید گردانی و گفتارم را با آن، راست به شمار آوری و دلیلم را با آن قوی گردانی، و به سبب آن، مرا به آن ریسمان نهایی رحمتت برسانی و مرا به مرتبه بالای بهشتت وارد کنی و با آن، همنشینی با محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر و فرستاده‌ات را در بالاترین مرتبه و با فضیلت‌ترین و بهترین و با ارزش‌ترین جای بهشت، به همراه کسانی که بر آنان نعمت دادی، از پیامبران و راستان و شهدا و نیکان، که بهترین همنشینان هستند، روزی‌ام کنی.

خدایا، بر محمد که آخرین پیامبران است، و به تمام پیامبران و فرستادگان و بر تمام فرشتگان و بر خاندان پاك و پاکیزه او و بر تمام امامان هدایت، درود فرست؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان. خدایا، بر محمد، همان طور که ما را به وسیله او هدایت کردی، درود فرست و بر محمد، همان طور که بر ما به واسطه او رحم کردی، درود فرست و بر محمد، همان گونه که ما را به خاطر او عزت بخشیدی، درود فرست و بر محمد، آن گونه که ما را به سبب او برتری دادی، درود فرست و بر محمد، همان گونه که ما را به سبب او شرافت بخشیدی، درود فرست و بر محمد، آن گونه که ما را به وسیله او از پرتگاه آتش نجاتمان دادی، درود فرست .

خدایا، چهره‌اش را نورانی و مقامش را رفیع و دلیلش را قوی و نورش را تمام و ترازویش را سنگین و برهانش را بزرگ گردان؛ خدایا، جایش را فراخ قرار ده تا آنجا که راضی شود، و او را به مرتبه و دستاویزی از بهشتت برسان، و او را به مقام پسندیده‌ای که وعده داده‌ای برگزین و او را از حیث منزلت و واسطه بودن، نزد خود، برترین پیامبران و فرستادگان قرار ده و ما را پیرو آثار او قرار ده و از جام او به ما بنوشان و ما را بر حوض او وارد نما و در گروه یاران او محشورمان کن و ما را بر دین او بمیران و ما را در راه او قرار ده و طبق سنت او به کار گیر، بدون اینکه رسوا و پشیمان شویم و یا در تردید و دگرگونی اعتقادمان قرار بگیریم.

ای کسی که درش برای خواهندگان باز است و پرده‌اش برای امیدواران برداشته است، ای پوشاننده زشتی و درمان کننده دل... های مجروح - یا گناهکار - در صحنه قیامت، مرا با زشتی گناهان مهلك رسوا مکن و در میان آفریدگان، روی بزرگوارت را از من بر مگردان؛ ای آخرین امید بیچاره تهیدست و ای التیام دهنده استخوان شکسته، آثار بد گناهان را بر من ببخش و از رسوایی‌های نهانی‌ام در گذر و قلبم را از بار اشتباهات بشوی و بهترین توانایی برای تحمل مصائب را روزی‌ام کن.

ای بزرگوارترین بزرگواران، و آخرین امید نیازخواهان، تو سرور من هستی. درِ دعا و بازگشت را برایم گشودی، پس درِ پذیرش و اجابت را برایم مبند و با رحمت خودت، مرا از آتش نجات ده، و در خانه‌های بهشتی اسکانم ده، و مرا چنگ زده به ریسمان محکم قرار ده، و پایان مرا خوشبختی قرار ده، و مرا با سلامتی زنده بدار، ای دارای برتری و کمال، و شکوه و بزرگواری؛ و هیچ دشمن و حسودی را شماتت کننده من قرار نده و هیچ فرمانروای کینه توز و شیطان سرکشی را بر من مسلط نساز، به خاطر رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان؛ و هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدای والاـ مرتبه بزرگ وجود

ندارد، و درودهای خدا و بهترین سلام‌ها بر محمد و خاندان او باد.} - . فلاح السائل: ۱۷۳-۱۷۶ -

**[ترجمه]

و أقول

یحتمل أن یکون المراد هنا کعب الرجل کما لا یخفی.

و فی النهایه منزل فسیح أی واسع و منه حدیث علی علیه السلام اللهم افسح له مفسحا فی عدلک أی أوسع له سعه فی دار عدلک یوم القیامه انتهی و اقصص بنا أثره أی اجعلنا نتبعه فی جمیع أقواله و أفعاله قال الفیروزآبادی قص أثره تتبعه و قال خرج فی أثره و إثره بعده و أحینی بالسلامه أی من الخطایا و الآثام و البلایا و الأسقام.

**[ترجمه]«الشامخ»، یعنی بلند مرتبه و والا، مانند «البازخ»؛ «أناف علی الشیء»، یعنی نزدیک شد؛ «غمرات الموت»، یعنی سختی‌های آن. عبارت «روحاً» مفعول «ارزقنی» است. جوهری گفته است: «ثلجت نفسی، تثلج، ثلوجاً»، یعنی مطمئن شد؛ «ثلجت نفسی - با کسره- تثلج، ثلجاً» از همین قبیل است. و در القاموس آمده است: «تهلل الوجه» یعنی درخشید، و گفته است: «سفر الصبح، یسفر» یعنی نورانی و روشن کرد؛ مانند «أسفر». پایان.

عبارت «فی خطّتی من الأرض» با کسره، یعنی قبر من؛ در النهایه گفته است: «الخطه» با کسره، یعنی زمینی که انسان برای خودش علامت زنی می‌کند، به این صورت که نشانه‌ای و خطی بر آن می‌کشد تا مشخص شود که آن را در اختیار خود گرفته است. در القاموس آمده است: «الخطّ» با کسره، یعنی در زمینی که قبلًا کسی در آن فرود نیامده است، فرود آیی؛ مانند «الخطه» و در بعضی نسخه‌ها، «حصتی» آمده که خطا در نوشته است، هر چند بتوان آن را توجیه کرد. «حیث یرفت لحمی»، با راء مهمله و در بعضی نسخه‌ها با راء معجمه است؛ فیروز آبادی گفته است: «رفته، یرفته و یرفته»، یعنی شکستن و کوفتن. «انکسر و اندقّ» لازم و متعدی است و «انقطع» در همه آنها مانند «أرفت، ارفتاتاً» است. و گفته است: «الزفت»، یعنی راندن و دور کردن و بردن و به رنج انداختن. عبارت «فوزاً» مفعول «ارزقنی» است. تفسیر «قول الثابت» در کتاب الجنایز گذشت و مناسب‌تر در اینجا، مربوط بودن هر دو ظرف به «الثابت» است.

«الربط علی القلب»، محکم کردن و تقویت آن است؛ خدای متعال فرموده است: «و ربطنا علی قلوبهم»، یعنی دل‌هایشان را استوار کردیم و شکیبایی را بر دل آنان افکندیم. جوهری گفته است: «فلج الرجل علی خصمه، یفلج، فلجاً، أفلجه الله علیه و أفلج الله حجته»، یعنی نیرویش بخشید و پدیدارش نمود. «أرفعها نفسه»، یعنی ارزش یا گستردگی؛ جوهری گفته است: «النفس»، یک بار آشامیدن و «أنت فی نفس من أمرک»، یعنی در گشایش، و «شیء نفیس»، یعنی در آن رقابت و رغبت می... شود، و «هذا أنفس مالی»، یعنی دوست داشتنی‌ترین و بهترین دارایی نزد من است، و «لک فی هذا الأمر نفسه» یعنی مهلتی؛ و در النهایه آمده است: «نفس الروضه»، یعنی خوشبویی عطرهای آن؛ و در القاموس آمده است: «النفس» با فتحه حروف، یعنی گشایش و فراخی در کار؛ و «الجرعه و الری و شراب ذو نفس»، یعنی در آن، فراخی وجود دارد؛ و گفته است: «النفس»، یعنی بزرگی و شکوه؛ و «لک نفسه» با ضمه، مهلتی داری.

عبارت «کما أنقذتنا» به کلام خدای متعال: «کنتم علی شفا حفره من النار فأنقذکم منها»، -. آل عمران/ ۱۰۳ - {بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.} اشاره دارد. «شفا البئر و شفتها»، یعنی لبه آن؛ یعنی شما به خاطر کفرتان، در لبه افتادن در آتش جهنم بودید؛ زیرا اگر در آن حال می‌مردید، در آتش می‌افتادید، ولی خداوند با اسلام شما را از آن نجات داد. در النهایه گفته است: در حدیث قیله آمده است: «و الله لا یزال کعبک عالیاً»، دعایی برای شرافت و والایی است. آن در اصل «کعب القناه» بوده که عبارت است از پیوند نی، که بین دو پیوند آنها «کعب» قرار دارد؛ هر چیزی که والا شود و بالا رود، «کعب» است. پایان.

**[ترجمه]

«۵»

فَلَاحُ السَّائِلِ، رَوَی أَبُو الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیُّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورِ بْنِ یَزِیدَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: هَذَا دُعَاءُ سَیِّدِی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی عَقِیبِ صَلَوَاتِهِ أَمْلَاهُ عَلَیَّ فَأَوَّلُ الصَّلَاهِ الظُّهْرُ وَ بِذَلِکَ سُمِّیَتِ الْأُولَی لِأَنَّهَا أَوَّلُ صَلَاهٍ افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَی عِبَادِهِ دُعَاءُ صَلَاهِ الظُّهْرِ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ یَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِینَ وَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَأَفْضَلِ وَ أَجْزَلِ وَ أَوْفَی وَ أَکْمَلِ وَ أَحْسَنِ وَ أَجْمَلِ وَ أَکْثَرِ وَ أَطْهَرِ وَ أَزْکَی وَ أَنْوَرِ وَ أَعْلَی وَ أَبْهَی وَ أَسْنَی وَ أَنْمَی وَ أَدْوَمِ وَ أَبْقَی مَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ مَنَنْتَ وَ سَلَّمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا مَنَنْتَ عَلَی مُوسَی وَ هَارُونَ وَ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا سَلَّمْتَ عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ وَ أَوْرِدْ عَلَیْهِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ وَ أَزْوَاجِهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ أَتْبَاعِهِ مَنْ تَقَرُّ بِهِمْ عَیْنُهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَ مِمَّنْ تَسْقِیهِ بِکَأْسِهِ وَ تُورِدُهُ حَوْضَهُ وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لِوَائِهِ وَ أَدْخِلْنَا فِی کُلِّ خَیْرٍ أَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنَا مِنْ کُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَهَ عَیْنٍ أَبَداً وَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ وَ لَا أَکْثَرَ.

ص: ۷۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی کُلِّ عَافِیَهٍ وَ بَلَاءٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی کُلِّ شِدَّهٍ وَ رَخَاءٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی کُلِّ أَمْنٍ وَ خَوْفٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی کُلِّ مَثْوًى وَ مُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ أَحْیِنِی مَحْیَاهُمْ وَ أَمِتْنِی مَمَاتَهُمْ وَ اجْعَلْنِی بِهِمْ عِنْدَکَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْشِفْ عَنِّی بِهِمْ کُلَّ کَرْبٍ وَ نَفِّسْ عَنِّی بِهِمْ کُلَّ هَمٍّ وَ فَرِّجْ عَنِّی بِهِمْ کُلَّ غَمٍّ وَ اکْفِنِی بِهِمْ کُلَّ خَوْفٍ وَ اصْرِفْ عَنِّی بِهِمْ مَقَادِیرَ الْبَلَاءِ وَ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ دَرَکِ الشَّقَاءِ وَ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَ طَیِّبْ لِی کَسْبِی وَ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَ بَارِکْ لِی فِیهِ وَ لَا تَذْهَبْ بِنَفْسِی إِلَى شَیْ‌ءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ دُنْیَا تَمْنَعُ خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ عَاجِلٍ یَمْنَعُ خَیْرَ الْآجِلِ وَ حَیَاهً تَمْنَعُ خَیْرَ الْمَمَاتِ وَ أَمَلٍ یَمْنَعُ خَیْرَ الْعَمَلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِکَ وَ الصَّبْرَ عَنْ مَعْصِیَتِکَ وَ الْقِیَامَ بِحَقِّکَ وَ أَسْأَلُکَ حَقَائِقَ الْإِیمَانِ وَ صِدْقَ الْیَقِینِ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا وَ أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِیَهَ وَ الْمُعَافَاهَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ عَافِیَهَ الدُّنْیَا مِنَ الْبَلَاءِ وَ عَافِیَهَ الْآخِرَهِ مِنَ الشَّقَاءِ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ وَ تَمَامَ الْعَافِیَهِ وَ دَوَامَ الْعَافِیَهِ وَ الشُّکْرَ عَلَى الْعَافِیَهِ یَا وَلِیَّ الْعَافِیَهِ وَ أَسْأَلُکَ الظَّفَرَ وَ السَّلَامَهَ وَ حُلُولَ دَارِ الْکَرَامَهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی صَلَاتِی وَ دُعَائِی رَهْبَهً مِنْکَ وَ رَغْبَهً إِلَیْکَ وَ رَاحَهً تَمُنُّ بِهَا عَلَیَّ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِی سَعَهَ رَحْمَتِکَ وَ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ وَ شُمُولَ عَافِیَتِکَ وَ جَزِیلَ عَطَایَاکَ وَ مِنَحَ مَوَاهِبِکَ بِسُوءِ مَا عِنْدِی وَ لَا تُجَازِنِی بِقَبِیحِ عَمَلِی وَ لَا تَصْرِفْ وَجْهَکَ الْکَرِیمَ عَنِّی اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِی وَ أَنَا أَدْعُوکَ وَ لَا تُخَیِّبْنِی وَ أَنَا أَرْجُوکَ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَى نَفْسِی طَرْفَهَ عَیْنٍ أَبَداً وَ لَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فَیَحْرِمَنِی وَ یَسْتَأْثِرَ عَلَیَّ اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَکَ أُمُّ الْکِتَابِ أَسْأَلُکَ بِآلِ یس خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ صِفْوَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ اللَّهُمَّ إِنْ کُنْتَ کَتَبْتَنِی عِنْدَکَ فِی أُمِّ الْکِتَابِ شَقِیّاً مَحْرُوماً مُقَتَّراً عَلَیَّ فِی الرِّزْقِ فَامْحُ مِنْ أُمِ

الْكِتَابِ شَقَائِی وَ حِرْمَانِی وَ أَثْبِتْنِی عِنْدَکَ سَعِیداً مَرْزُوقاً فَإِنَّکَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَکَ أُمُّ الْکِتَابِ اللَّهُمَ إِنِّی لِما أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ وَ أَنَا مِنْکَ خَائِفٌ وَ بِکَ مُسْتَجِیرٌ وَ أَنَا حَقِیرٌ مِسْکِینٌ أَدْعُوکَ کَمَا أَمَرْتَنِی فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا وَعَدْتَنِی إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ یَا مَنْ قَالَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ نِعْمَ الْمُجِیبُ أَنْتَ یَا سَیِّدِی وَ نِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَی وَ بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ یَا فَارِجَ الْهَمِّ وَ یَا کَاشِفَ الْغَمِّ یَا مُجِیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ یَا رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا ارْحَمْنِی رَحْمَهً تُغْنِینِی بِهَا عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ وَ أَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَی عَنِّی صَلَاهً کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

مصباح الشیخ (۲)، و البلد الأمین، و الجنه و الاختصار، و غیرها عن معاویه بن عمار: مثله (۳)

**[ترجمه]احتمال دارد منظور از آن در اینجا، برآمدگی روی پا باشد، چنانکه پوشیده نیست.

در النهایه آمده است: «منزل فسیح» یعنی وسیع؛ از این گونه کاربرد، حدیث علی علیه السلام است: «اللهم افسح له مفسحاً فی عدلک»، یعنی در خانه عدل خودت، روز قیامت، بر او وسعت فراوان قرار ده. پایان. «و اقصص بنا أثره»، یعنی ما را دنباله رو او در تمام گفتارها و کردارها قرار ده. فیروزآبادی گفته است: «قص إثره»، یعنی دنباله روی کرده است؛ و گفته است: «خرج فی أثره و إثره»، یعنی به دنبال آثار او رفت و اثر او به دنبال اوست. «أحینی بالسلامه»، یعنی از اشتباهات و گناهان و بلاها و بیماری‌ها.

**[ترجمه]

بیان

أجزل أی أعظم و فی الشیء تم و کثر و أزکی أی أنمی أو أطهر البهاء الحسن و أسنی أی أرفع أو أنور و أورد علیه أی فی الجنه و قال الکفعمی یجوز تسقیه بفتح التاء و ضمها و فی النحل و فی المؤمنین أیضا نسقیه برفع النون ماضیه أسقی و نسقیکم بفتح النون ماضیه سقی و الفرق بین سقیت و أسقیت أن سقیت ناولته لیشرب و أسقیت جعلت له ما یشرب و قیل سقیته لسقیه و أسقیته لبستانه أو زرعه أو ماشیته و قیل سقیته إذا عرضته لیشرب من یدک بفیه و قیل إذا أسقیته مره قلت سقیته و إذا أسقیته دائما قلت أسقیته و قیل سقیته ناولته الماء لیشرب و أسقیته قلت له سقیا أی سقاک الله و قیل هما بمعنی ذکر ذلک الطبرسی فی مجمع البیان (۴).

و المثوی محل الثوی و هو الإقامه و المنقلب یکون اسم مکان مصدرا و الانقلاب

ص: ۷۲

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۷۷- ۱۷۹.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۴۴- ۴۶.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۱۵- ۱۶.

۴- ۴. مجمع البیان ج ۶ ص ۳۷۰.

الحركه و التصرف و تبدل الأحوال و مقادير البلاء تقاديره و فی النهايه فيه أعوذ بک من درک الشقاء الدرک اللحاق و الوصول إلى الشی ء و أدركته إدراكا و دركا و الشقا ضد السعاده و قال الشيخ البهائی ره الدرک بالتحريک يطلق على المكان و طبقاته و يقال النار دركات و الجنه درجات و يطلق أيضا على أقصى قعر الشی ء انتهى و المعنى الأول لعله أنسب بالمقام و عدم تعرضه قدس سره له غريب.

حقائق الإيمان أی شرائطه و أجزاؤه أو ما يحق أن يسمى إيمانا أی أومن بجميع ما يجب الإيمان به حق الإيمان و صدق اليقين هو اليقين الذی يصدقه العمل فی المواطن كلها أی فی جميع ما يلزم التصديق به أو يظهر أثر يقينی فی الخلوات و المجامع و على جميع الأحوال من الشده و الرخاء و العافيه و البلاء و الظفر الفوز بالمطلوب و سبوغ النعمه اتساعها و شمول عافيتک أی إحاطتها بجميع أعضائی و جميع أحوالی و المنحه بالكسر العطيه و الإضافه للتأكيد أو المعنى ما تهبه من غير قصد عوض و الاستيثار الانفراد بالشی ء و قد مر تحقيق المحو و الإثبات فی باب البداء و يظهر من الدعاء أن أم الكتاب لوح المحو و الإثبات لا اللوح المحفوظ كما هو المشهور من خير أی خير الدنيا و الآخره.

**[ترجمه]فلاح السائل: معاويه بن عمار گفته است: اين دعای سرورم ابی عبدالله جعفر بن محمد عليهما السلام در ادامه نمازهايش است كه بر من خواند و ابتدا از نماز ظهر شروع كرد و به اين دليل به اولی نام گرفت؛ زيرا اولين نمازی كه خدا بر بندگانش واجب گردانيد، خواندن نماز ظهر بود: {ای بهترين شنوندگان و ای بهترين بينندگان و ای سريع‌ترين حسابرسان و ای بهترين بخشندگان و ای بهترين بزرگواران، با فضيلت‌ترين و بزرگ‌ترين و شامل‌ترين و كامل‌ترين و نيكوترين و زيباترين و بيشترين و پاک‌ترين و پاكيزه‌ترين و نورانی‌ترين و والاترين و روشن‌ترين و عالی‌ترين و فزاينده‌ترين و باداوام‌ترين و پايدارترين درود و بركت و نعمت و سلام و مهربانی كه بر ابراهيم و خاندان ابراهيم قرار دادی، بر محمد و خاندان محمد فرست كه تو ستوده گرامی هستی.

خدايا، آن گونه كه بر موسی و هارون منت نهادی، بر محمد و خاندان محمد منت بگذار و آن گونه كه به نوح در – بين – جهانيان سلام فرستادی، بر محمد و خاندان محمد سلام بفرست؛ خدايا، از فرزندان و همسران و اهل بيت و ياران و پيروان او، آنهايی كه چشمش با آنها روشنی می‌يابد، بر او وارد نما و ما را از آنان و از كسانی كه از كاسه او آب می‌نوشانی و بر حوض او وارد می‌كنی قرار ده، و در زمره او و زير پرچمش محشور كن و ما را در هر خوبی كه محمد و خاندان محمد را در آن وارد كردی، وارد كن و از هر بدی كه محمد صلی الله عليه و آله و خاندان محمد را از آن خارج ساختی، ما را نيز بيرون ساز، و به اندازه چشم به هم زدنی و نه كمتر از آن و نه بيشتر، بين ما و محمد و خاندان محمد جدايی مينداز.

خدايا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در هر سلامتی و گرفتاری مرا همراه آنان قرار ده، و در هر گشايش و تنگی مرا همراه آنان قرار ده، و در هر ايمنی و ترس مرا همراه آنان قرار ده، و در هر مكان دائمی يا موقتی مرا همراه آنان قرار ده؛ خدايا، مرا چون زندگی آنان زنده بدار و چون مرگ آنان بميران و مرا در دنيا و آخرت به آنان آبرومند و از نزديكان آنان قرار ده؛ خدايا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به خاطر آنان، هر گرفتاری را از من بردار، و به خاطر آنان هر اندوهی را از من بر طرف كن، و به خاطر آنان هر غصه‌ای را از من بگشا، و به خاطر آنان، در هر ترسی مرا بسنده باش، و به خاطر آنان بلاهای حتمی و قضاهای بد و بدبخت شدن و سرزنش دشمنان را از من دور كن .

خـدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهم را بیامرز، و درآمدم را برایم پاک قرار ده، و به آنچه روزی‌ام داده‌ای، قانع گردان، و در آن برکت قرار ده، و مرا به دنبال چیزی که از من گردانـده‌ای، مکشان؛ خدایا، از دنیایی که خوبی آخرت را و از نعمت فـوری که خوبی آینـده را و از زنـدگی‌ای که خوبی مرگ را و از آرزویی که خوبی عمـل را از من بـازدارد، به تو پنـاه می‌آورم؛ خـدایا، از تو شـکیبایی در طاعتت و شـکیبایی در مقابل نافرمانی‌ات و بپا خاسـتن در حق تو را خواسـتارم؛ از تو حقیقت‌های ایمان و راستی یقین در همه جایگاه‌ها را می‌خواهم؛ از تو گذشت و سـلامتی و بخشـش همدیگر در دنیا و آخرت و ایمنی از بلا در دنیا و ایمنی از بدبختی در آخرت را خواستارم.

خدایا، از تو سلامتی و کمال سلامتی و دوام سلامتی و شکر بر سلامتی را خواستارم، ای صاحب اختیار سلامتی؛ از تو موفقیت و سـلامت، و وارد شـدن در خانه کرامت و بزرگواری را می‌خواهم؛ خدایا، به من در نماز و دعایم ترس از خودت و اشتیاق به سوی خودت و آرامشـی که با آن بر من منت بنهی، قرار ده؛ خدایا، مرا به سـبب بدی‌هایی که دارم، از رحمت بیکران و نعمت فراوان و سلامتی فراگیرت و بخشش‌های بزرگ و موهبت‌هایی که عطا کرده‌ای، محروم نکن و به خاطر کردار زشتم، مجازات نکن و روی بزرگوارت را از من بر متاب.

خـدایا، آن هنگام که تو را می‌خوانم، مرا محرومم نکن و آن هنگام که امید تو را دارم، مرا نا امید مگردان و به اندازه چشم به هم زدنی مرا به خودم و به هیچ یک از آفریده‌هایت وا مگذار که مرا محرومم می‌کند و خود را بر من مقدم می‌دارد.

خدایا، تو هر چه را بخواهی از بین می‌بری و ثابت می‌گردانی و نزد تو امّ الکتاب است؛ از تو به احترام آل یاسـین، برگزیده‌ات از میان آفریده‌هایت و خالص گردیده از میان مخلوقاتت درخواست می‌کنم و آنها را پیشاپیش خواسـته‌هایم و روی آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم؛ خـدایا، اگر نزد خودت در امّ الکتاب مرا بـدبخت و محروم و تنگ گرفته شده در روزی نوشـته‌ای، پس بـدبختی و محرومیتـم را از امّ الکتـاب پـاک کـن و مرا نزد خـودت خوشـبخت و روزی داده شـده ثبت بفرمـا که تـو هر چه را بخواهی از بین می‌بری و هر چه را بخواهی، ثـابت می‌گردانی و نزد تو، امّ الکتـاب است؛ خـدایا، من به هر خیری که برایم فرو می‌فرستی نیازمنـدم، و من از تو ترسـان و به تو پناهنـده‌ام، من کوچک و بیچاره‌ای هسـتم و تو را آن گونه که خود فرموده‌ای، می‌خوانم؛ پس تو همان گونه که وعده داده‌ای مرا اجابت فرما که تو پیمان شکنی نمی‌کنی.

ای کسی که فرمودی «اُدعونی أستجب لکم»، - . غافر/ ۶۰ - {مرا

بخوانید تا شما را اجابت کنم.} چه خوب اجابت کننده‌ای هستی تو ای سرور من، و چه خوب پروردگار و چه خوب سرپرستی هستی؛ و چه بـد بنـده‌ای هسـتم من، این جایگاه پناهنـده به تو از آتش است؛ ای برطرف کننـده اندوه و ای برگیرنده غصه، ای اجابت کننده دعای درماندگان، ای بخشاینده دنیا و آخرت و ای مهربان در آن دو، بر من آن گونه رحمی بنما که مرا از رحم کردن هر کسـی جز تو بی‌نیاز کند و با رحمت خود، مرا در زمره بندگان نیک خودت داخل کن؛ سپاس خدایی را که نمازی را که بر مؤمنـان نوشـته شـده و وقت‌دار است، از عهـده من برداشت؛ به رحمت خودت، ای بهترین رحم کننـدگان.} - . فلاح السائل: ۱۷۷-۱۷۹ -

مصباح الشیخ، - . مصباح الشیخ: ۴۴-۴۶ -

و البلد الامين، و الجنه و الاختصار و جز آن: مثل همین را از معاويه بن عمار نقل كرده‌اند. - . البلد الامين: ۱۵-۱۶ -

**[ترجمه]

«۶»

جَامِعُ الْأَخْبَارِ: يَقُولُ بَعْدَ فَرِيضَهِ الظُّهْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَأْخُذُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى مَحَاسِنَهُ وَ يَرْفَعُ يَدَهُ الْيُسْرَى- يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ(۱).

**[ترجمه]«أجزل»، يعنى بزرگ‌ترين، و در مورد چيزى، يعنى تمام و بيشتر شد. «أزكى»، يعنى فزاينده‌تر شد، يا پاكيزه‌تر گشت. «البهاء»، نيكويى و «أسنى»، يعنى والاتر يا نورانى‌تر. «و أورد عليه»، يعنى در بهشت. كفعمى گفته است: جايز است «تسقيه» با فتحه تاء و ضمه آن باشد و در - سوره - المؤمنون نيز «نسقيه» با رفع نون آمده كه فعل گذشته آن «أسقى» است و «نسقيكم» با فتحه نون، فعل گذشته‌اش «سقى» است و فرق بين «سقيت» و «أسقيت» اين است كه «سقيت»، يعنى آب را به او رساندم تا بنوشد ولى «أسقيت»، يعنى آنچه را كه مى‌خواهد بنوشد، براى او قرار دادم؛ و گفته شده است: «سقيته» براى نوشيدن او و «أسقيته» براى بستان و كشتزار و چهارپاى است؛ و گفته شده است: «سقيته» وقتى است كه به او آب دادى تا با دهانش از دستان تو بنوشد؛ و گفته شده است: هنگامى كه يک بار به او آب دهى، «سقيته» گفته مى‌شود و اگر پيوسته آب دهى، «أسقيته» گفته مى‌شود؛ و گفته شده است: «سقيته»، يعنى آب به او دادى تا بنوشد و «أسقيته»، يعنى به او گفتى «سقياً»، يا «سقاك الله»، {خدا تو را سيراب گرداند.} و گفته شده كه آن دو به يک معنى هستند. اين را طبرسى در مجمع البيان آورده است. - . مجمع البيان ۶: ۳۷۰ -

«المثوى»، يعنى محل الثوى كه همان اقامت است و «المنقلب» اسم مكان مصدر مى‌شود و «الانقلاب»، يعنى حركت و تصرف و دگرگون شدن حالات. «مقادير البلاء»، يعنى مقدر شده‌هايش. در النهايه در شرح اين دعا: «أعوذ بک من درک الشقاء» آمده، «الدرک»، يعنى پيوستن و رسيدن به چيزى و «أدركته، إدراكاً و دركاً» - از همين كاربرد است. - «الشقا» مقابل سعادت است؛ شيخ بهايى - كه رحمت خدا بر او باد- گفته است: «الدرک» با فتحه حروف، به مكان و طبقه‌هاى آن اطلاق مى‌شود و گفته مى‌شود: «النار دركات و الجنه درجات»، {دركات آتش و درجات بهشت.}، همچنين بر پايين‌ترين جاى چيزى اطلاق مى‌شود. پايان. شايد معنى نخست در اينجا مناسب‌تر باشد و اشاره نكردن به آن از سوى وى، عجيب است.

«حقايق الايمان»، يعنى شرايط و اجزاى آن، يا هر چيزى كه سزاوار است ايمان ناميده شود، يا به همه آن چيزهايى كه واجب است ايمان بياورم، آن‌گونه كه شايسته ايمان است، ايمان مى‌آورم. «و صدق اليقين» همان يقينى است كه عمل، آن را تصديق مى‌كند. «فى المواطن كلها»، يعنى در تمام جاهايى كه راست انگاشتن آن لازم است، يا اثر يقين من در نهان‌ها و اجتماعات و در همه حالت‌ها از قبيل تنگى و گشايش و ايمنى و گرفتارى، آشكار مى‌شود. «الظفر» دست يافتن به آنچه مورد درخواست بود. «سبوغ النعمه»، يعنى گستردگى آن و «شمول عافيتک»، يعنى فراگير شدن آن بر تمام اعضايم و در تمام حالاتم. «المنحه» با كسره، يعنى هديه، اضافه موجود در آن براى تأكيد است؛ به اين معنا كه آنچه را كه مى‌بخشى به قصد عوض نيست. «الاستيثار» يعنى جدا كردن چيزى. توضيح «المحو» و «الاثبات» در باب بداء گذشت و از دعا چنين پيداست كه منظور از «امّ

الکتاب»، لوح بین بردن و ثابت گردانیدن است، نه لوح محفوظ، که مشهور است. «من خیرٍ» یعنی خیر دنیا و آخرت.

**[ترجمه]

«۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ، رَوَی مُحَمَّدُ بْنُ حَامِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِیرَهِ الثَّلَّاجِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی الْمَعْرُوفِ بِالسَّلَامِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ شُجَاعٍ الْمُؤَدِّبِ قَالَ سَمِعْتُ الْفَضْلَ بْنَ الْجَرَّاحِ الْکُوفِیَّ یَحْکِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ خَادِمِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ لَهُ علیه السلام دَعَوَاتٌ یَدْعُو بِهِنَّ فِی عَقِیبِ کُلِّ صَلَاهٍ مَفْرُوضَهٍ فَقُلْتُ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلِّمْنِی دَعَوَاتِکَ هَذِهِ الَّتِی تَدْعُو بِهَا فَقَالَ علیه السلام إِذَا صَلَّیْتَ الظُّهْرَ فَقُلْ بِاللَّهِ اعْتَصَمْتُ وَ بِاللَّهِ أَثِقُ وَ عَلَیْهِ أَتَوَکَّلُ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِی فَأَنْتَ أَعْظَمُ

ص: ۷۳

۱- ۱. جامع الأخبار ص.

وَ إِنْ كَبُرَ تَفْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ وَ إِنْ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَ كَبِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ وَ اقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ (۱).

مصباح الشيخ (۲)، و الكفعمی، و ابن الباقی و غيرها مرسلا: مثله (۳)

**[ترجمه]جامع الاخبار: بعد از نماز ظهر، در حالی كه با دست راست ريشش را گرفته و دست چپش را بالا برده، می گويد: «يا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و أعتق رقبتی من النار»، {ای پروردگار محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گردنم را از آتش برهان.}

**[ترجمه]

بيان

قال الكفعمی كبر الشی ء معظمه و أكبرت الشی ء استعظمته و هذا المعنی هو المراد إن رقمنا و إن كبر تفريطی بالباء المفرده و إن رقمنا فيه و إن كثر فالمعنی ضد القله و فی المتهجد رقم ذلك بالمفرده و فی مصباح ابن الباقی بالمثلثه و القراءتان جائزتان غير أنه ينبغی أن يكون كبر هنا بالمفرد لأجل الاشتقاق فی كبر و أكبر فإذا انتهی الداعی فی الدعاء إلی قوله و كبر تفريطی فليقرأ بالباء المفرده أيضا لئلا يعود الضمير إلی غير مذكور و إن قرئ و كثر تفريطی بالمثلثه قرئ فأنت أكبر بالمفرده لأنه تعالی لا- يوصف بالكثره بل بالكبرياء و العظمه و الفرق بين الكثير و الكبير أن الكثير ما يراد به العدد و يليق به أو الوزن و الذرع و شبهه و الكبير ما يراد به علو المنزله و الشرف أو يراد به الضخامه و العظم.

**[ترجمه]فلاح السائل: احمد بن شجاع المؤدب گفته است: شنيدم فضل بن جراح كوفی از پدرش و او از خادم امام صادق عليه السلام نقل می كرد كه حضرت عليه السلام چند دعا داشت كه بعد از هر نماز واجب آن‌ها را می‌خواند؛ به او گفتم: ای پسر رسول خدا – صلی الله عليه و آله –، اين دعاهايی را كه می‌خوانی، به من بياموز؛ پس فرمود: وقتی نماز ظهر را خواندی، ده مرتبه بگو: «بالله اعتصمت و بالله أثق و عليه أتوكل»، {به خدا متوسل شده‌ام و به خدا دل بسته‌ام و بر او توكل نموده‌ام.} سپس بگو: {خدايا، هرچند گناهان من عظيم هستند، ولی تو با عظمت‌تر هستی و هرچند كم كاری من بزرگ است، ولی تو بزرگ‌تر هستی و هرچند تنگ نظری من ادامه دارد، ولی تو بخشنده‌ترين هستی؛ خدايا، گناهان عظيم مرا با گذشت عظيم خودت و كم كاری بزرگ مرا با بزرگواری آشكار خودت بيامرز و بخل مرا با بخشندگی فزاينده خودت نابود كن؛ خدايا، هر نعمتی داريم از سوی توست، هيچ خدايی جز تو نيست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می گردم.} – . فلاح السائل: ۱۷۷ –

مصباح الشيخ – . مصباح الشيخ: ۴۴ –

و الكفعمی و ابن الباقی و غيرها، مثل اين را به صورت مرسل نقل كرده‌اند. – . البلد الامين: ۱۴ –

**[ترجمه]

«۸»

فِقْهُ الرِّضَا، قَالَ علیه السلام: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاهِ الزَّوَالِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتِی وَ تَسْتُرَ عَوْرَتِی وَ تَغْفِرَ ذُنُوبِی وَ تَقْضِیَ حَاجَتِی وَ لَا تُعَذِّبَنِی بِقَبِيحِ فِعَالِی فَإِنَّ جُودَكَ وَ عَفْوَكَ يَسَعُنِی ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَ تَقُولُ فِی سُجُودِكَ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْتَ مَوْلَایَ وَ سَيِّدِی وَ رَازِقِی أَنْتَ خَيْرٌ لِی مِنْ أَبِی وَ أُمِّی وَ مِنَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ بِی إِلَيْكَ فَقْرٌ وَ فَاقَهٌ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّی أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۷۷.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۴۴.

۳- ۳. البلد الأمين ص ۱۴.

وَ عَلَى إِخْوَانِهِ النَّبِيِّينَ وَ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِينَ وَ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَ تَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَ تَصْرِفَ عَنِّي أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ يَا رَحْمَانُ (۱).

**[ترجمه]کفعمی گفته است: «کبر الشیء» همان بزرگ بودن آن است و «أکبرت الشیء»، یعنی آن را بزرگ کرد و اگر عبارت «و إن کبر تفریطی» را با باء در نظر بگیریم، همین معنا مراد خواهد بود، ولی اگر در آن «کثر» را در نظر بگیریم، در این صورت، در مقابل کم بودن خواهد بود. در المتهجد آن را «کبر» در نظر گرفته و در مصباح و ابن الباقی، با سه نقطه - به صورت «کثر»-؛ هر دو نوع خواندن جایز است ولی به دلیل اشتقاقی که در «کبر» و «أکبر» وجود دارد، بهتر، خواندن - با حرف باء- است؛ پس وقتی خواننده دعا را به عبارت «و کبر تفریطی» ختم کند، در اینجا نیز باید با «باء» بخواند تا ضمیر به چیزی که بیان نشده، بازگشت پیدا نکند و اگر بخواند «و کثر تفریطی»، باید «فأنت أکبر» بخواند، چون خداوند متعال با صفت «کثره» خوانده نمی‌شود؛ بلکه با صفت‌های «الکبریاء و العظمه» خوانده می‌شود. فرق بین کثیر و کبیر این است که از کثیر، عدد اراده می‌شود و یا وزن و اندازه و مانند آن، با آن تناسب دارد؛ ولی کبیر چیزی است که از آن، والایی منزلت و شرافت یا ضخامت و بزرگی اراده می‌شود.

**[ترجمه]

أقول

یحتمل أن یکون هذا الدعاء من تعقیب نوافل الزوال کما ورد شبیهه فی تعقیب بعضها.

**[ترجمه]فقه الرضا: حضرت رضا علیه السلام فرمود: وقتی از نماز نیمروز فارغ شدی، دستانت را بالا ببر و بگو: {خدایا، با بخشندگی و بزرگواری‌ات به تو نزدیکی می‌جویم؛ و با محمد، بنده و فرستاده‌ات به تو نزدیکی می‌جویم؛ با فرشتگان و پیامبرانت و فرستادگانت به تو نزدیکی می‌جویم و از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و و از تو می... خواهم که لغزش مرا نادیده بگیری و زشتی مرا بپوشانی و گناهانم را بیامرزی و خواسته‌ام را برآورده سازی و مرا به خاطر کردار ناشایستم عذاب نکنی که بخشندگی و بزرگواری تو مرا فرا می‌گیرد.}

سپس سجده‌کنان صورت را بر زمین می‌گذاری و در سجده‌ات می‌گویی: {ای سزاوار تقوی و آمرزش، ای بهترین رحم کنندگان، تو سرپرست و سرور و روزی دهنده من هستی، تو برای من از پدر و مادرم و از تمام مردم بهتر هستی؛ ناداری و تنگدستی من به سوی توست ولی تو بی‌نیاز از من هستی؛ به ذات بزرگوارت از تو خواهش می‌کنم و از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد و بر برادران پیامبر او و بر امامان پاک درود فرستی و دعای مرا اجابت کنی و بر بیچارگی‌ام رحم آوری و هرگونه بلا را از من دور نمایی، ای مهربان.} - . فقه الرضا: ۸؛ در الکافی ۲: ۵۴۵ -

**[ترجمه]

«۹»

السَّرَائِرُ، نَقْلًا مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: الصَّلَاهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيمَا بَيْنَ

الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ تَعْدِلُ سَبْعِينَ رَكْعَةً(۲).

**[ترجمه]احتمال دارد این دعا از تعقیبات نافله‌های ظهر باشد، چنان‌که نظیر آن در تعقیب بعضی از آنها آمده است.

**[ترجمه]

«۱۰»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، وَ الْجُنَّهُ، [جُنَّهُ الْأَمَانِ]: قَالَ مِمَّا يَخْتَصُّ عَقِيبَ الظُّهْرِ دُعَاءُ النَّجَاحِ- اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِی وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِی بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُحْيِی الْمَوْتَى وَ

تَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ وَ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الْآجَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَ كَذَا وَ سَلْ حَاجَتَكَ (۳).

وَ مِنْهَا: دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ(۴)

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَهِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَهٍ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا مُفَرِّجَ كُلِّ كُرْبَهٍ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهْ

۱- ۱. فقه الرضا ص ۸، رواه فی الكافی ج ۲ ص ۵۴۵ بإسناده عن عيسى بن عبد اللّه القمّیّ عن أبی عبد اللّه علیه السلام قال: كان أمير المؤمنين علیه السلام يقول إذا فرغ من الزوال إلخ.

۲- ۲. السرائر ص ۴۷۰.

۳- ۳. البلد الأمين ص ۱۸.

۴- ۴. البلد الأمين ص ۱۸.

يَا سَيِّدَاهْ يَا غَايَهَ رَغْبَتَاهْ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَئِمَّهِ الْهَادِيَهِ علیهم السلام أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَلَّا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ثُمَّ قَالَ الْكَفْعَمِيُّ هَذَا الدُّعَاءُ الْمُسَمَّى بِدُعَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ جَلِيلُ الشَّأْنِ عَظِيمُ الْقَدْرِ وَ خَتَمَ بِهِ الشَّيْخُ الْمِقْدَادُ كِتَابَهُ شَرْحَ النَّهْجِ وَ خَتَمَ بِهِ الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ كِتَابَهُ عُدَّهَ الدَّاعِي وَ خَتَمَ بِهِ الرَّازِيُّ فَخْرُ الدِّينِ بَعْضَ كُتُبِهِ وَ ذَكَرَ فِيهِ صَاحِبُ الْعُدَّهِ ثَوَاباً عَظِيماً مُلَخَّصُهُ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله سَأَلَ جَبْرَئِيلَ عَنْ ثَوَابِهِ فَقَالَ علیه السلام يَا مُحَمَّدُ لَوِ اجْتَمَعَتْ مَلَائِكَهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ عَلَى أَنْ يَصِفُوا مِنْ أَلْفِ جُزْءٍ جُزْءاً وَاحِداً مَا قَدَرُوا وَ سَتَرَ اللَّهُ تَعَالَى قَائِلَهُ بِأَلْفِ سِتْرٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ يَغْفِرُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ كَزَبَدِ الْبَحْرِ حَتَّى الْكَبَائِرَ وَ يُفْتَحُ لَهُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الرَّحْمَهِ حَتَّى يَخُوضَ فِيهَا خَوْضاً وَ يُعْطَى مِنَ الْأَجْرِ ثَوَابَ كُلِّ مُصَابٍ وَ كُلِّ سَالِمٍ وَ كُلِّ مِسْكِينٍ وَ كُلِّ ضَرِيرٍ وَ فَقِيرٍ وَ مَرِيضٍ وَ يُكْرِمُهُ كَرَامَهَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يُعْطَى أُمْنِيَّتَهُ فِي الْقِيَامَهِ وَ يُعْطَى مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ مَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ أَنْوَاعِ الْخَلْقِ وَ الْجِبَالِ وَ الْحَصَى وَ الثَّرَى وَ النُّجُومِ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ غَيْرِ ذَلِكَ وَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ إِيمَاناً وَ أَشْهَدَ لَهُ مَلَائِكَتَهُ أَنَّهُ أَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَ عَتَقَ أَبَوَيْهِ وَ إِخْوَتَهُ وَ أَهْلَهُ وَ وُلْدَهُ وَ جِيرَانَهُ وَ شَفَّعَهُ فِي أَلْفِ رَجُلٍ مِمَّنْ وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ فَعَلِّمْهُ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَ لَا تُعَلِّمْهُ الْمُنَافِقِينَ وَ بِهِ يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ وَ هُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ بِهِ يَطُوفُونَ حَوْلَهُ (۱).

**[ترجمه]السرائر: ابی بصیر، به نقل از جامع بزنطی گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: صلوات بر محمد و خاندان محمد در بین نماز ظهر و عصر، برابر با هفتاد رکعت نماز است. - . السرائر: ۴۷۰ -

**[ترجمه]

أقول

لم أر فی الروایات ما یدل علی اختصاص الدعاءین بتعقیب الظهر و

ص: ۷۶

۱- ۱. البلد الأمین ص ۱۸ فی الهامش بأدنی تغییر.

الدعاء الثانی أورده الشیخ (۱) فی تعقیب نوافل العصر بتغییر ما کما سیأتی (۲).

**[ترجمه]البلد الامین و الجنه: گفته است: از دعاهای مخصوص بعد از نماز ظهر، دعای نجاح است: {خدایا، پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه بین آنها است و پروردگار عرش بزرگ، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و پروردگار سبع المثانی و قرآن عظیم، و پروردگار محمد صلی الله علیه و آله، آخرین پیامبران، بر محمد و خاندان او درود فرست؛ و از تو به اسم بسیار بزرگت که آسمان و زمین با آن پابرجا شده‌اند و با آن، مردگان را زنده می‌کنی و زندگان را روزی می‌رسانی و بین گردآمدگان، پراکندگی و بین پراکنده شدگان، اجتماع به وجود می‌آوری و با آن، تعداد لحظات را و سنگینی کوه‌ها را و پیمانه دریاها را شماره می‌کنی؛ ای کسی که این گونه‌ای، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در مورد من این کار را انجام دهی.} و نیازت را بخواه. - . البلد الامین: ۱۸ -

همان کتاب: دعای اهل خانه آباد گشته: {ای کسی که زیبایی را آشکار می‌کنی و زشتی را می‌پوشانی؛ ای کسی که به خاطر گناه، بازخواست نمی‌کند و پرده دری نمی‌نماید؛ ای دارای بزرگ‌ترین گذشت؛ ای بهترین درگذرنده؛ ای گشاینده دو دست به رحمت؛ ای کسی که هر نیازی را در اختیار دارد؛ ای دارنده گسترده‌ترین بخشش؛ ای گشاینده هر گرفتاری؛ ای نادیده گیرنده لغزش‌ها؛ ای دارنده بزرگوارانه‌ترین برخورد؛ ای صاحب بزرگ‌ترین منت؛ ای کسی که قبل از استحقاق، شروع به نعمت بخشیدن کرده است؛ ای پروردگار؛ ای سرپرست؛ ای پایان اشتیاق‌ها؛ به حق خودت و به حق محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی قائم، امامان هدایتگر علیهم السلام، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و می‌خواهم ای خدا، ای خدا، که اندام مرا با آتش، زشت نگردانی و در مورد من، آن‌گونه که سزاوار توست، رفتار نمایی.}

سپس کفعمی گفته است: این دعای معروف به دعای «اهل البیت المعمور»، دعایی با منزلت و گرانقدر است و شیخ مقداد کتابش شرح النهج و شیخ احمد بن فهد، کتابش عده الداعی و فخر الدین رازی بعضی از کتاب‌هایش را با آن به پایان برده‌اند و صاحب العده ثواب بزرگی برای آن ذکر کرده است که خلاصه آن چنین است: پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل در باره ثواب آن پرسید، جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای محمد، اگر فرشتگان آسمان‌ها و زمین‌ها جمع گردند تا از هزار جزء آن، یک قسمتش را بشمارند، نخواهند توانست و خداوند متعال، خواننده آن را در دنیا و آخرت با هزار پوشش می‌پوشاند و گناهانش، حتی گناهان کبیره را می‌آمرزد، هرچند به اندازه کف دریا باشد و برای او هفتاد در از رحمت می‌گشاید که به طور کامل در آن فرو رود و پاداشی به اندازه ثواب هر مصیبت زده و هر فرد سالم، و هر بی‌چیز و دردمند و هر تنگدست و بیمار به او عطا می‌کند و او را به گونه پیامبران تکریم می‌نماید و خواسته‌اش را در قیامت به او می‌دهد و پاداشی به تعداد تمام آفریدگان خدا در بهشت و آتش، و در آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و خورشید و ماه و ستارگان و به تعداد دانه‌های باران و انواع آفریده‌ها و کوه‌ها و ریگ‌ها و خاک‌ها و ستارگان و عرش و کرسی و جز آن، به او عطا می‌کند.

و خداوند دلش را از ایمان پر می‌کند و فرشتگانش برای او گواهی می‌دهند که گردنش را از آتش برهاند و پدر و مادرش و برادران و خانواده‌اش و فرزندان و همسایگانش را نیز آزاد می‌کند و در مورد هزار شخص که آتش برایشان واجب شده است،

شفاعت می کند و آن را ای محمد، به پرهیزکاران آموخت و به منافقان نیاموخت و به سبب آن، دعا اجابت می‌شود و آن همان دعای اهل البیت المعمور است و با آن، به دور خانه طواف می کنند. - . البلد الامین: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۱»

جُنَّهُ الْأَمَانِ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاهِ الظُّهْرِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

ص: ۷۷

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۴۹.

۲- ۲. و قد مر الحديث مع شرح ألفاظه مفصله، راجع ج ص.

**[ترجمه]در روایات چیزی که دلالت بر اختصاص داشتن این دو دعا به تعقیبات ظهر داشته باشد، ندیدم و دعای دومی را شیخ در تعقیبات نافله‌های عصر، همان طور که خواهد آمد، با اندکی تغییر آورده است.

**[ترجمه]

باب ۴۰ تعقیب العصر المختص بها

الأخبار

«۲»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَخِيهِ سُفْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَبْعَمِائَةِ ذَنْبٍ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَنْبٌ فَلِأَبِيهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَبِيهِ فَلِأُمِّهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأُمِّهِ فَلِأَخِيهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخِيهِ فَلِأُخْتِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأُخْتِهِ فَلِلْأَقْرَبِ وَ الْأَقْرَبِ (۱).

**[ترجمه]مجالس الشیخ: امام رضا از پدرانش علیهم السلام نقل کرده و فرموده است: شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا، کاری به من بیاموز که بین آن و بهشت، جدایی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خشم نگیر و از مردم چیزی مخواه و چیزی را که برای خود می‌پسندی، برای مردم نیز بپسند. گفت: ای رسول خدا، بیشتر برایم بگو؛ فرمود: وقتی نماز عصر را خواندی، هفتاد و هفت مرتبه آمرزش بخواه که هفتاد و هفت گناه را از تو برمی‌دارد. گفت: من هفتاد و هفت گناه انجام نداده‌ام. رسول خدا به او فرمود: برای خودت و پدرت قرار بده. گفت: من و پدرم هفتاد و هفت گناه انجام نداده‌ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای خودت و پدرت و مادرت قرار بده. گفت: من و پدرم و مادرم هفتاد و هفت گناه انجام نداده‌ایم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: برای خودت و پدرت و مادرت و خویشانت قرار بده. - . أمالی الطوسی ۲: ۱۲۱ -

**[ترجمه]

«۳»

الْمَحَاسِنُ، عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَخْبِرْنَا عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

۱- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۵۴.

مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَا زِدْتَ فَهُوَ أَفْضَلُ (۱).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بعد از - نماز- عصر، هفتاد مرتبه از خدای عزّوجلّ آمرزش بخواهد، خداوند در آن روز هفتصد گناه را از او می‌آمرزد و اگر گناهی نداشته باشد، از - گناهان - پدرش و اگر پدرش گناهی نداشته باشد، از - گناهان - مادرش و اگر مادرش گناهی نداشته باشد، از - گناهان - برادرش و اگر برادرش گناهی نداشته باشد، از - گناهان - خواهرش و اگر خواهرش - گناهی - نداشته باشد، از خویشان او به ترتیب نزدیک بودن، می‌آمرزد. - . أمالی الصدوق: ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۴»

السَّرَائِرُ، نَقْلًا مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَالَ بَعْدَ الْعَصْرِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ کَانَ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ عِبَادَهِ الثَّقَلَیْنِ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ (۲).

**[ترجمه]المحاسن: حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و گفت: ما را از بهترین کارها [ی روز جمعه] آگاه ساز؛ فرمود: صد مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد بعد از نماز عصر، و هرچه به آن بیفزایی، فضیلت بیشتری دارد. - . المحاسن: ۵۹ -

**[ترجمه]

«۵»

جَامِعُ الْأَخْبَارِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنِ اسْتَغْفَرَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِینَ مَرَّهً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِینَ سَنَهً(۳).

**[ترجمه]السرائر: به نقل از جامع بزنطی، ابی بصیر گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرکس بعد از نماز عصر روز جمعه بگوید: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد، جانشینان مورد پسند، با پرفضیلت‌ترین درودهایت درود فرست و با پرفضیلت‌ترین برکت‌هایت، خجستگی قرار بده و سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر آنها و بر روح‌هایشان و بدن‌هایشان باد.} برای او در آن روز ثوابی مثل ثواب عبادت انس و جن خواهد بود. - . السرائر: ۴۷۰ -

**[ترجمه]

«۶»

فَلَاحُ السَّائِلِ: فَإِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاهِ الْعَصْرِ خَرَجَ مِنْهَا بِالتَّسْلِيمِ كَمَا ذَكَرْنَاهُ فَيُسَبِّحُ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا ثُمَّ يُعَقِّبُ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا ذَكَرْنَا أَنَّهُ يُعَقِّبُ بِهِ أَوْ يَدْعُو بِهِ عَقِيبَ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ مِنْ تِلْكَ الْمُهِمَّاتِ وَ أَمَّا مَا نَذْكُرُهُ مِمَّا يَخْتَصُّ بِصَلَاهِ فَرِيضَهِ الْعَصْرِ مِنَ التَّعْقِيبِ وَ الدَّعَوَاتِ فَمِنْ ذَلِكَ أَنَّهُ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ سَبْعِينَ مَرَّهً وَ يَكُونُ فِي حَالِ اسْتِغْفَارِهِ عَلَى وَجْهِهِ وَ عِنْدَ قَلْبِهِ وَ إِسْرَارِهِ صِفَاتُ الْجُنَاهِ وَ أَصْحَابِ الذُّنُوبِ إِذَا سَأَلُوا الْمَغْفِرَهَ مِنْ جَلَالِهِ عَلَّامِ الْغُيُوبِ فَإِنَّهُ إِنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ قَلْبُهُ غَافِلٌ أَوْ عَقْلُهُ ذَاهِلٌ أَوْ مُتَكَاسِلٌ فَإِنَّ اسْتِغْفَارَهُ عَلَى هَذِهِ الصِّفَاتِ مِنْ جُمْلَهِ الْجِنَايَاتِ وَ يَكُونُ كَالْمُسْتَهْزِئِ الَّذِي لَا يَأْمَنُ تَعْجِيلَ النَّقِمَاتِ (۴).

وَ مِمَّا رُوِيَ فِي الِاسْتِغْفَارِ سَبْعِينَ مَرَّهً بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ الْأَعْمَى عَنْ أَبِي جَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي أَثَرِ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّهً غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ خَمْسِينَ عَاماً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَفَرَ اللَّهُ لِوَالِدَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَلِقَرَابَتِهِ

۱- ۱. المحاسن ص ۵۹.

۲- ۲. السرائر ص ۴۷۰.

۳- ۳. جامع الأخبار ص ۶۷.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۱۹۷.

فَإِنْ لَمْ یَکُنْ فَلِجِیرَانِهِ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا حَدَّثَ بِهِ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ره عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَخْتَرِیِّ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ تَعَالَی بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ سَبْعِینَ مَرَّهً غَفَرَ اللَّهُ سَبْعَمِائَهِ ذَنْبٍ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ أَیُّکُمْ یُذْنِبُ فِی الْیَوْمِ وَ اللَّیْلَهِ سَبْعَمِائَهِ ذَنْبٍ (۲).

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ، وَ غَیْرُهُ عَنْهُ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ سَبْعَمِائَهِ ذَنْبٍ (۳).

**[ترجمه]جامع الاخبار: از امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانشان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هرکس بعد از عصر، هفتاد مرتبه آمرزش بخواهد، خداوند برای او گناهان هفتاد سال را می‌آمرزد. - . جامع الاخبار: ۶۷ -

**[ترجمه]

«۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ فِی تَعْقِیبِ الْعَصْرِ قِرَاءَهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا أَرَدْتَ قِرَاءَتَهَا فَلْتَکُنْ أَنْتَ عَلَی صِفَاتِ مَنْ هُوَ بَیْنَ یَدَیْ سُلْطَانِ الْأَرَضِینَ وَ السَّمَاوَاتِ یَقْرَأُ کَلَامَهُ جَلَّ جَلَالُهُ فِی حَضْرَتِهِ بِالْهَیْبَهِ وَ الِاحْتِرَامِ وَ الْإِعْظَامِ وَ بِقَصْدِ الْعِبَادَهِ لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِأَنَّهُ أَهْلٌ لِلْعِبَادَهِ لَا لِأَجْلِ ثَوَابٍ فِی دَارِ الْمُقَامِ فَمِمَّا رُوِیَ فِی قِرَاءَتِهَا مَا ذَکَرَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَزْدَآبَادِیُّ- عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ- عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ جَرِیشٍ الرَّازِیِّ- عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ مَرَّتْ لَهُ عَلَی مِثَالِ أَعْمَالِ الْخَلَائِقِ (۴).

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ (۵)

وَ الْکَفْعَمِیُّ، وَ غَیْرُهُمَا عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: مِثْلَهُ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ فِی بَعْضِ النُّسَخِ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ (۶).

**[ترجمه]فلاح السائل: وقتی از نماز عصر فارغ شد، همان طور که گفتیم، با سلام از نماز خارج شده و سپس با تسبیح زهرا سلام الله علیها تسبیح می گوید و سپس با آنچه گفتیم، به تعقیبات می‌پردازد؛ و از دعاهای مهمی که برای دنباله نمازهای واجب پنجگانه وجود دارد، دعا می کند. و اما از از جمله آن تعقیب‌ها و دعاهایی که گفتیم اختصاص به نماز واجب عصر دارد، این است که هفتاد مرتبه از خداوند آمرزش می‌خواهد و هنگامی که از محضر خدای بزرگواری که همه نهان‌ها را می... داند، آمرزش می‌خواهد، در چهره‌اش و در دلش و درونش، حالات جنایتکاران و اهل گناه باشد؛ چرا که اگر موقع آمرزش خواستن از محضر خدای بزرگوار، دلش در غفلت و یا عقلش در حال فراموشی و کاهلی باشد، آمرزش خواستنش با این صفات، خود از جمله جنایت‌هاست و همچون مسخره کننده‌ای است که از زود رسیدن عذاب‌ها ایمنی ندارد. - . فلاح السائل: ۱۹۷ -

از روایت‌هـایی که در مورد هفتـاد مرتبه آمرزش خواسـتن بعـد از نمـاز عصـر وجود دارد، روایت ابی جریر از امام صادق علیه السـلام است که فرمود: هرکس در ادامه عصـر، هفتاد مرتبه از خـدا آمرزش بخواهـد، گناهان پنجاه سال او آمرزیده می‌شود و اگر او گناهی نداشـته باشد، خداوند پدر و مادرش را می‌بخشد و اگر آنها گناهی نداشـته باشـند، خویشان او را و اگر آنان نیز گناهی نداشته باشند، همسایگانش را می‌آمرزد. - . فلاح السائل: ۱۹۸ -

از جمله آنها روایتی از امام صادق علیه السـلام است که فرمود: هرکس بعد از نماز عصر، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش بخواهد، خدا هفتصد گناه او را می‌آمرزد؛ و گفته است: سـپس فرمود: کدام یک از شـما در شبانه روز هفتصد گناه انجام می‌دهد؟! - . فلاح السائل: ۱۹۸ -

مصـباح الشـیخ و غیره: از او علیه السـلام مثـل همین را تـا عبـارت «سـبع مـائه ذنب»، {هفتصـد گناه} نقل کرده‌انـد. - . مصـباح المتهجد: ۵۱؛ مصباح الکفعمی: ۳۳ -

**[ترجمه]

«۸»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ الِاقْتِدَاءُ بِمَوْلَانَا مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي الدُّعَاءِ لِمَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَمَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ

ص: ۸۰

۱- ۱. فلاح السائل ص ۱۹۸.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۱۹۸.

۳- ۳. مصباح المتهجد ص ۵۱، مصباح الکفعمیّ ص ۳۳.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۱۹۹.

۵- ۵. مصباح المتهجد ص ۵۱.

۶- ۶. مصباح الکفعمیّ ص ۳۳.

بْنُ بَشِيرٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْكَاتِبِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام بِبَغْدَادَ حِينَ فَرَغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَ نُقْصَانُهَا وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَ لَا حَاجَةٍ إِلَيْهِمْ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَ إِلَيْكَ الْبَدَاءُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَ خَالِقُ الْقَبْلِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَ خَالِقُ الْبَعْدِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَ لَا الْجَلِيلُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ أَخْفَى دَيَّانُ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ مُحْيِي الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يُخَيَّبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

قَالَ: قُلْتُ مَنِ الْمَدْعُوُّ لَهُ قَالَ ذَاكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله.

ثُمَّ قَالَ بِأَبِي الْمُنْتَدَحُ الْبَطْنَ الْمَقْرُونُ الْحَاجِبَيْنِ أَحْمَشُ السَّاقَيْنِ بَعِيدُ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَعْتَوِرُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَةٌ مِنْ سَهَرِ اللَّيْلِ بِأَبِي مَنْ لَيْلُهُ يَرْعَى النُّجُومَ سَاجِداً وَ رَاكِعاً بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ مِصْبَاحُ الدُّجَى بِأَبِي الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ قُلْتُ وَ مَتَى خُرُوجُهُ قَالَ إِذَا رَأَيْتَ الْعَسَاكِرَ بِالْأَنْبَارِ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ وَ الصَّرَاةِ وَ دِجْلَةَ وَ هَدْمَ قَنْطَرَةِ الْكُوفَةِ وَ إِحْرَاقَ بَعْضِ بُيُوتَاتِ الْكُوفَةِ فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ لَا غَالِبَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ (١).

١- ١. فلاح السائل ص ١٩٩- ٢٠٠.

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۱)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۲)، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ، وَ الِاخْتِيَارُ، وَ غَيْرُهَا: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ بَعْدَ الْعَصْرِ- أَنْتَ اللَّهُ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ.

**[ترجمه]فلاح السائل: از مهمترین كارها بعد از نماز عصر، خواندن ده مرتبه «إنا أنزلناه فی لیله القدر»، {همانا ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم.} است؛ پس اگر خواستی آن را بخوانی، باید به حالت كسی باشی كه روبروی فرمانروای زمین‌ها و آسمان‌هاست؛ كلام آن عزیز بزرگوار را با زیبایی و احترام و بزرگ داشتن و به قصد عبادت برای آن عزیز بزرگوار می... خوانی؛ چرا كه او سزاوار عبادت است، نه اینكه برای ثواب بردن در سرای اقامت باشد. از جمله روایت‌هایی كه در مورد قرائت آن وجود دارد، روایتی است از امام محمد تقی علیه السلام كه فرمود: هركس بعد از نماز عصر، ده مرتبه «إنا أنزلناه فی لیله القدر» را بخواند، برای او مثل اعمال نیک همه آفریدگان نوشته می‌شود. - . فلاح السائل: ۱۹۹ -

مصباح الشیخ - . مصباح المتهجد: ۵۱ -

و الكفعمی و غیرهما: از امام محمد تقی علیه السلام مثل این روایت را روایت كرده و در آخر آن، «یوم القیامه»، {در روز قیامت} و در بعضی نسخه ها «فی ذلک الیوم»، {در آن روز} را افزوده‌اند. - . مصباح الكفعمی: ۳۳ -

**[ترجمه]

بیان

غایه كل شی ء أی نهایته إما لانتهاء علل الأشیاء إلیه تعالی أو لأنه لما كان موجودا بعد فناء كل شی ء فكأنه غایته فانتهی امتداد وجوده إلیه و وارثه أی الباقی بعده قال فی النهایه فی أسماء الله تعالی الوارث هو الذی یرث الخلائق و یبقی بعد فنائهم و فی القاموس العزوب الغیبه یعزب و یعزب و الذهاب و قال البیضاوی فی قوله سبحانه و تعالی كُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ كل وقت یحدث ۵۵: ۲۹ أشخاصا و یجدد أحوالا- علی ما سبق به قضاؤه و فی الحدیث من شأنه أن یغفر ذنبا و یفرج كربا و یرفع قوما و یضع آخرین و هو رد لقول الیهود إن الله لا یقضی یوم السبت.

عالم الغیب أی ما غاب عن الحواس و أخفی أی ما غاب عن العقول أیضا و قال الفیروزآبادی الدین بالكسر و الجزاء و الإسلام و العاده و العباده و الطاعه و الذل و الحساب و القهر و الغلبه و الاستعلاء و السلطان و الملک و اسم لجمیع ما یتعبد الله به و الدیان القهار و القاضی و الحاكم و المحاسب و المجازی لا یضیع عملا.

قوله علیه السلام الحی القیوم یحتمل أن یكون الاسم مقحما هنا فتجری الأوصاف كلها علی الذات الأقدس أو یكون توصیف الاسم بهما علی المجاز لاتصاف مسماه بهما و كون الحی القیوم عطف بیان للاسم بعید و المنتدح المتسع و فی القاموس الصراه نهر بالعراق.

**[ترجمه]فلاح السائل: از كارهای مهم بعد از نماز عصر، پیروی كردن از مولایمان حضرت موسی بن جعفر، امام كاظم علیهما السلام در دعا برای سرورمان مهدی صلوات الله علیه است. یحیی بن فضل نوفلی گفته است: در بغداد، بر امام موسی

کاظم علیه السلام وارد شدم، در حالی که از نماز عصر فارغ شده بود، پس از آن دستانش را به آسمان بلند کرد و شنیدم که می‌گفت: {تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، اول و آخر و ظاهر و باطن، هستی؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد و زیاده و نقصان همه چیز به تو باز می‌گردد؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، تو آفریده‌هایت را بدون یاری دیگری و نیاز به آنها آفریدی؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، اراده کردن از تو و آغاز به سوی توست؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، قبل از - زمان - قبل بوده‌ای و آفریدگار قبل - از این - هستی؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، بعد از - زمان - بعد خواهی بود و خود، آفریدگار بعد - از این - هستی؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، هرچه را بخواهی، پاک می‌گردانی و ثابت می‌گردانی و نزد تو، امّ الکتاب است.

تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، پایان هر چیز و وارث آن هستی؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، هیچ کوچک و بزرگ از تو پنهان نمی‌ماند؛ تو خدایی هستی که جز تو خدایی وجود ندارد، واژه‌ها بر تو پوشیده نمی... ماند و صداها بر تو مشتبه نمی‌شوند؛ تو هر زمانی در کاری هستی و هیچ کاری تو را از کار دیگر باز نمی‌دارد؛ داننده غیب و نهان و چیره و حسابرس روز جزا، برانگیزاننده همه اهل قبور و زنده کننده استخوان‌های پوسیده هستی؛ از تو به احترام آن اسم پوشیده و در خزانه نهاده شده‌ات، زنده پایداری که هرکس از تو درخواست کند، نومید نمی‌گردد؛ می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده تو از دشمنانت شتاب کنی و آنچه را که به او وعده داده‌ای، به انجام رسانی، ای صاحب شکوه و بزرگواری.}

گفته است: پرسیدم: کسی که برای او دعا می‌کنی، کیست؟ فرمود: آن، مهدی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله است.

سپس فرمود: پدرم فدای او باد که سینه گشاده دارد و ابروانش به هم پیوسته، ساق‌هایش باریک و فاصله بین شانه‌هایش زیاد، گندم‌گون است و با وجود گندم‌گون بودنش، زردی شب‌بیداری در چهره‌اش پیداست، پدرم فدای او باد که در شب‌هایش، ستارگان آسمان را ، با حالت سجده و رکوع نظاره می‌کند، پدرم فدای او باد که در راه خدا به سرزنش هیچ ملامتگری توجه نمی‌کند، چراغ تاریکی است، پدرم فدای او باد که به دستور خدا قیام می‌کند. گفتم: بیرون آمدن او چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: وقتی که لشکرها را در الأنبار و در کرانه فرات و ضراه و دجله، و ویرانی پل کوفه و آتش سوزی بعضی از خانه‌های کوفه را ببینی؛ هرگاه این را دیدی؛ که همانا خدا هرچه را بخواهد، به انجام می‌رساند و برای امر خدا هیچ سلطه‌ای وجود ندارد و برای حکمش، هیچ برگشتی نیست. - . فلاح السائل: ۱۹۹-۲۰۰ -

مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۵۰ -

و البلد الامین - . البلد الامین: ۱۹ -

و جنه الامان و الاختیار و غیرها: حضرت ابی الحسن، امام موسی کاظم علیه السلام بعد از عصر می‌گفت: «أنت الله»... تا آخر دعا.

**[ترجمه]

«۹»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ مَا رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً- أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ

ص: ۸۲

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۵۰.

۲- ۲. البلد الأمين ص ۱۹.

خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُوراً أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَكَيْنِ بِتَخْرِيقِ صَحِيفَتِهِ كَائِنَةً مَا كَانَتْ (۱).

مصباح الشیخ (۲)، و سائر الکتب مرسلا: مثله (۳) فلاح السائل،: قد نبهناک علی صفه المستغفرین فانظر إلی هذا الحدیث الآن عن النبی صلی الله علیه و آله و تأدب بغایه الإمکان و کن صادقا فی قولک إنک تتوب توبه عبد ذلیل فلیظهر الذل علی سؤالک و علی لسان حالک و قلت خاضع فلیکن الخضوع علی وجه مقالک و فعالک و قلت فقیر فلیکن صوره مسألتک صوره عبد فقیر لمولی غنی کبیر و قلت بائس فلتکن صفتک ما تعرفه من أهل البأساء إذا تعرضوا لسؤال أعظم العظماء و قلت مسکین فلیکن علی قلبک و وجهک و جوارحک أثر المسکنه و الاستکانه بالصدق و الإنابه و قلت مستجیر فلیکن هربک إلی الله جل جلاله فی تلک الحال هرب من قد أحاطت به عظائم الأهوال فهرب إلی مولاه و استجار به استجاره من لا یملک لنفسه نفعا و لا ضرا و لا دفعا و انقطع إلیه علی کل الأحوال بالقلب و القالب و المقال و الفعال فإنک أیها العبد إذا صدقت فی هذه المقامات کان الله جل جلاله أهلا أن یأمر الملکین بتخریق صحیفتک من الجنایات فلا تحسب أنک إذا قلت ذلک و أنت غافل أو کاذب فی هذه الدعاوی و الاستغفار أنک تکون قد سلمت من زیاده الجنایات (۴)

**[ترجمه]«غایه کل شیء»، یعنی پایان آن؛ یا به این دلیل که انتهای همه اشیاء به سوی خدای متعال است، یا به این خاطر که چون بعد از نابود شدن همه چیز، باقی خواهد بود، به منزله پایان آنها است و ادامه وجود آنها به او منتهی می‌شود. «و وارثه»، یعنی باقی مانده بعد از او؛ در النهایه گفته است: در میان اسم‌های خدای متعال، «الوارث»، یعنی کسی است که همه آفریدگان را به ارث می‌برد و بعد از نابودی همه آنها باقی می‌ماند. در القاموس، «العزوب»، به معنی پنهان شدن آمده است؛ «یعزب و یعزب و الذهاب» - نیز به این معنی هستند. - البیضاوی در مورد کلام خداوند منزه و والا مرتبه که می‌فرماید: «کل یوم هو فی شأن»، گفته است: طبق قضاء قبلی‌اش، هر لحظه افراد جدیدی را ایجاد و حالت‌ها را تازه می‌کند، و در حدیث هست که از کارهای او این است که گناهی را بیامرزد و گرفتاری را بگشاید و گروهی را بالا ببرد و دیگران را به زیر بکشاند و این رد این سخن یهود است که گفته‌اند: خداوند روز شنبه، تصمیمی نمی‌گیرد.

«عالم الغیب»، یعنی هرچه از حواس پنهان باشد و «أخفی»، یعنی هرچه از عقل‌ها نیز پنهان باشد. فیروزآبادی گفته است: «الدین» با کسره، یعنی پاداش و اسلام و عادت، و عبادت و طاعت و خواری و محاسبه و چیره شدن و غلبه و برتری جویی و سلطان و فرمانروا، و اسم برای هر چیزی که خدا با آن عبادت می‌شود. «الدیّان»، یعنی کاملاً چیره و دادرس و فرمانروا و حسابرس و پاداش دهنده‌ای که هیچ عملی را ضایع نمی‌کند.

احتمال ضعیفی وجود دارد که عبارت «الحی القیوم» در اینجا اسم در غیر محلش باشد که در این صورت، همه صفت‌هایی است که برای ذات پاک خدا به کار رفته، یا اینکه اسم به خاطر متصف بودن صاحب اسم به این دو صفت، به صورت مجازی با اینها توصیف شده و عطف بیان بودن «الحی القیوم» برای اسم خدا، بعید است. «المنتدح»، یعنی گشاده؛ و در القاموس آمده است: «الضراه» رودی در عراق است.

**[ترجمه]

بیان

الحی القیوم و سائر الأوصاف بعدهما فی بعض النسخ منصوب بکونهما صفه للجلاله و فی بعضها مرفوع بکونها بدلا من الضمیر و یجزی فی أکثر الموارد هذان الوجهان فلا تغفل.

**[ترجمه]فلاح السائل: از جمله کارهای مهم بعد از نماز عصر، دعایی است که امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و فرموده است: هرکس در هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه بگوید: { از خدایی که هیچ خدایی جز او نیست، زنده پاینده و مهربان و بخشاینده و دارای شکوه و بزرگواری، آمرزش می‌خواهم و از او می‌خواهم توبه‌ام را که توبه بنده خوار فروتن نیازمند پریشان بینوای درمانده و پناهنده‌ای که مالک هیچ سود و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیزی برای خود نیست، بپذیرد.} خداوند به دو فرشته دستور می‌دهد که پرونده او را با هرچه در آن است، پاره کنند. - . فلاح السائل: ۲۰۱ -

مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۵۳ - : و کتاب‌های دیگر، مثل این را به صورت مرسل بیان روایت کرده‌اند. - . البلد الامین: ۲۰ -

فلاح السائل: پیش از این، تو را از صفت آمرزش خواهان آگاه ساختیم، پس اکنون به این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله بنگر و تا می‌توانی، آداب آن را رعایت کن و در گفتار خودت راستگو باش، چرا که تو به گونه بنده خوار توبه می کنی، پس خواری باید در خواسته‌ات و در زبان حال تو پدیدار باشد؛ و گفتی توبه خاضعانه، پس خضوع و فروتنی باید در ظاهر گفتار و کردار تو نمایان باشد؛ و گفتی توبه فقیرانه، پس باید نحوه درخواست تو به صورت بنده فقیری در برابر صاحب اختیار بی‌نیاز و بزرگ باشد؛ و گفتی توبه شخص پریشان، پس باید حالت تو مانند آن حالتی که از افراد پریشان به هنگام درخواست از بزرگ‌ترین افراد دیده می‌شود، باشد؛ و گفتی توبه بینوا، پس باید در دلت و چهره‌ات و اعضای تو اثر بینوایی و زاری همراه با راستی و پشیمانی وجود داشته باشد؛ و گفتی توبه پناهنده، پس باید گریختن تو در آن حال به سوی خدا، مانند گریختن کسی باشد که هولناک‌ترین ترس‌ها بر او چیره شده و از این رو به سوی صاحب اختیار خود می گریزد و همچون پناهنده شدن کسی که برای خود، نه اختیار سودی دارد و نه اختیار ضرری، به او پناهنده می‌شود و در همه حالت‌ها با دل و جسم و گفتار و کردار از دیگران بریده و به او رو آورده است؛ پس تو ای بنده، اگر در این جایگاه‌ها صداقت داشته باشی، خدای باشکوه سزاوار آن است که به دو فرشته دستور دهد، پرونده گناهان تو را پاره کنند .

پس گمان مبر اگر در حال غفلت و یا به صورت دروغ این دعاها و آمرزش خواستن‌ها را بر زبان آوری، از گناهان بی‌شمار در سلامت خواهی بود. - فلاح السائل: ۲۰۱-۲۰۲ -

**[ترجمه]

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الِاقْتِدَاءُ بِمَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ

١- ١. فلاح السائل ص ٢٠١.

٢- ٢. مصباح الشيخ ص ٥٣.

٣- ٣. البلد الأمين ص ٢٠.

٤- ٤. فلاح السائل ص ٢٠١- ٢٠٢.

عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِى الدُّعَاءِ عَقِيبَ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ: فَمِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ صَلَاهِ الْعَصْرِ- سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكارِ- فَسُبْحانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ- سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ سُبْحَانَ ذِى الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِى الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِى لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ إِنَّ ذَنْبِى أَمْسَى مُسْتَجِيراً بِعَفْوِکَ وَ خَوْفِى أَمْسَى مُسْتَجِيراً بِأَمْنِکَ وَ فَقْرِى أَمْسَى مُسْتَجِيراً بِغِنَاکَ وَ ذُلِّى أَمْسَى مُسْتَجِيراً بِعِزِّکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِى وَ ارْحَمْنِى إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَيْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ عَظُمَ حِلْمُکَ فَعَفَوْتَ

فَلَکَ الْحَمْدُ وَجْهُکَ رَبَّنَا أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جَاهُکَ أَعْظَمُ الْجَاهِ وَ عَطِيَّتُکَ أَفْضَلُ الْعَطَاءِ، تُطَاعُ رَبَّنَا وَ تَشْكُرُ وَ تُعْصَى فَتَغْفِرُ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تُنَجِّى مِنَ الْكَرْبِ وَ تُغْنِى الْفَقِيرَ وَ تَشْفِى السَّقِيمَ وَ لَا يُجَازِى آلَاءَکَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]«الحی القیوم» و صفت‌های دیگر بعد از آن دو، در بعضی نسخه‌ها به عنوان صفت اسم جلاله الله و به صورت منصوب و در بعضی دیگر به عنوان بدل از ضمیر و به صورت مرفوع آمده‌اند. در بیشتر موارد، این دو صورت درست است، پس بی‌توجه مباش.

**[ترجمه]

بیان

قال الجوهری الغدو نقیض الرواح و قد غدا یغدو غدوا و قوله تعالی بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ (۲) أی بالغدوات فعبر بالفعل عن الوقت کما یقال أتیتک طلوع الشمس أی وقت طلوع الشمس و قال الأصیل الوقت بعد العصر إلی المغرب و جمعه الأصل و الآصال و قال البیضاوی فی قوله تعالی وَ سَبِّحْ بِالْعَشِیِ (۳) أی من الزوال إلی الغروب و قیل من العصر إلی الغروب إلی ذهاب صدر اللیل وَ الْإِبْکارِ من

ص: ۸۴

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۰۲.

۲- ۲. الأعراف: ۲۰۵، الرعد: ۱۵، النور: ۳۶.

۳- ۳. آل عمران: ۴۱.

طلوع الفجر إلی الضحی و قال الطبرسی فی قوله سبحانه فَسُبْحانَ اللَّهِ (۱) أی فسبحوه و نزهوه عما لا یلیق به أو ینافی تعظیمه من صفات النقص بأن تصفوه بما یلیق به من الصفات و الأسماء و الإمساء الدخول فی المساء و هو مجی ء ظلام اللیل و الإصباح نقیضه و هو مجی ء ضیاء النهار و له الثناء و المدح فی السماوات و الأرض أی هو المستحق لحمد أهلها لإنعامه علیهم وَ عَشِیًّا أی و فی العشی وَ حِینَ تُظْهِرُونَ أی تدخلون فی الظهیره و هی نصف النهار(۲)

و فی النهایه القیوم من أبنیه المبالغه أی القائم بأمور الخلق و مدبر العالم فی جمیع أحواله أو القائم بنفسه مطلقا لا بغیره و هو مع ذلک یقوم به کل موجود حتی لا یتصور وجود شی ء و لا دوام وجوده إلا به و السبوح و القدوس بالضم من أبنیه المبالغه و قد یفتح أولهما و مفادهما الطاهر النزه عن العیوب و النقائص و یمکن تخصیص أحدهما بتنزیه الذات و الآخر بتنزیه الصفات و الأفعال.

**[ترجمه]فلاح السائل: از کارهای مهم، پیروی کردن از سرورمان امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در تعقیبات نمازهای پنجگانه است؛ از آن جمله، دعای او در تعقیب نماز عصر، این است: {منزه است خدا و ستایش مخصوص اوست و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و خدا بزرگ‌تر است، و هیچ نیرو و قدرتی جز به سبب خدای والای مرتبه بزرگ وجود ندارد؛ منزه است خدا، در صبحگاهان و شامگاهان، منزه است خدا، در شبانگاهان و بامدادان؛ پس منزه است خدا، در آن هنگامی که در شب وارد می‌شوید و آن هنگامی که در صبح وارد می‌شوید؛ و سپاس او را در آسمان‌ها و زمین و شبانه و هنگامی که ظهر بر شما فرا می‌رسد؛ منزه است پروردگار تو، پروردگار دارای عزت، از آنچه توصیف می‌کنند؛ و سلام بر فرستادگان، و سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است؛ منزه است خدای دارای فرمانروایی و ملکوت، منزه است خدای دارای عزت و جبروت، منزه است زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، منزه است پایدار همیشگی، منزه است خدای زنده پاینده، منزه است والا مرتبه از همه والاتر، منزه است و والا مرتبه گشته است، بسیار منزه و پاک است، پروردگار فرشتگان و روح.

خدایا، گناهم مرا پناهنده به گذشت تو کرده و ترسم مرا پناهنده به ایمنی تو نموده و نیازمندی‌ام مرا پناهنده به بی‌نیازی تو کرده و خواری‌ام مرا پناهنده به عزت تو نموده است .

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز و بر من مهربانی کن که تو ستوده گرامی هستی. خدایا، نورت کامل شد و هدایت یافتم، پس سپاس باد تو را؛ و بردباری‌ات بزرگ گشت و گذشت کردی، پس سپاس باد تو را؛ ذات تو ای پروردگار ما، بزرگوارترین ذات‌ها است و مقام تو بزرگ‌ترین مقام‌ها و بخشش تو برترین بخشش‌ها است؛ اطاعت می‌شوی ای پروردگار ما، پس تشکر می‌کنی؛ و نافرمانی می‌شوی و سپس می‌آمرزی؛ درمانده را اجابت می‌کنی و سختی را برطرف می... کنی و از گرفتاری نجات می‌دهی و نیازمند را بی‌نیاز می‌کنی و بیمار را شفا می‌دهی و هیچ کسی نمی‌تواند موهبت‌های تو را سپاسگزاری کند و تو بهترین رحم کنندگان هستی.} - . فلاح السائل: ۲۰۲ -

**[ترجمه]

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِيبَ الْعَصْرِ بِمَا كَانَتِ الزَّهْرَاءُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَدْعُو بِهِ فِي جُمْلَهِ دُعَائِهَا لِلْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ وَ هُوَ سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَهٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِراً لِأَنْعُمِهِ وَ لَا جَاحِداً لِفَضْلِهِ فَالْخَيْرُ فِيهِ وَ هُوَ أَهْلُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَهِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصَاهُ فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ وَ إِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ وَ الرَّفِيعِ الْبُنْيَانِ الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ الْعَزِيزِ السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ الشَّأْنِ الْوَاضِحِ الْبُرْهَانِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي احْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَهِ الرُّبُوبِيَّهِ وَ قُدْرَهِ الْوَحْدَانِيَّهِ فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يُعَيِّنْهُ مِقْدَارٌ وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارٌ لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَطَّلِعُ عَلَى أَمْرِي وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي

۱- ۱. الروم: ۱۷.

۲- ۲. المجمع ج ۸ ص ۲۹۹.

وَ لَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْ ءٌ مِنْ أَمْرِى وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِى طَلِبَتِى وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِى حَاجَتِى وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِى مَسْأَلَتِى وَ سَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةٍ وَ ذِلَّةٍ وَ ضِيقَةٍ وَ بُؤْسٍ وَ مَسْكَنَةٍ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِى وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِى غَيْرَكَ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِى وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَأَسْأَلُكَ بِفَقْرِى إِلَيْكَ وَ غِنَاكَ عَنِّى وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ قِلَّةِ امْتِنَاعِى مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِى هَذَا دُعَاءً وَافَقَ مِنْكَ إِجَابَةً وَ مَجْلِسِى هَذَا مَجْلِساً وَافَقَ مِنْكَ رَحْمَةً وَ طَلِبَتِى هَذِهِ طَلِبَةً وَافَقَتْ نَجَاحاً وَ مَا خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ وَ مَا خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِى بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ فَاغْلِبْهُ آمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ هَوِّنْ عَلَيَّ مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ وَ اكْشِفْ عَنِّى مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ وَ يَسِّرْ لِى مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ انْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّيَاءَ وَ الْكِبْرَ وَ الْبَغْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ وَ الشَّكَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضُّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَكْرَ وَ الْخَدِيعَةَ وَ الْبَلِيَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِى وَ بَصَرِى وَ جَمِيعِ جَوَارِحِى وَ خُذْ بِنَاصِيَتِى إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ ذَنْبِى وَ اسْتُرْ عَوْرَتِى وَ آمِنْ رَوْعَتِى وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِى وَ أَغْنِ فَقْرِى وَ يَسِّرْ حَاجَتِى وَ أَقِلْنِى عَثْرَتِى وَ اجْمَعْ شَمْلِى وَ اكْفِنِى مَا أَهَمَّنِى وَ مَا غَابَ عَنِّى وَ مَا حَضَرَنِى وَ مَا أَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَوَّضْتُ أَمْرِى إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِى إِلَيْكَ وَ أَسْلَمْتُ نَفْسِى إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقاً مِنْكَ وَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِى لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ عِيسَى رُوحِكَ وَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله صَفِيِّكَ وَ نَبِيِّكَ أَلَّا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّى حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِى وَ تَرْحَمَ عَبْرَتِى وَ تَغْفِرَ لِى خَطِيئَتِى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِى عَلَى مَنْ ظَلَمَنِى وَ انْصُرْنِى عَلَى مَنْ عَادَانِى اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِى فِى دِينِى وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّى وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِى إِلَهِى أَصْلِحْ لِى دِينِيَ الَّذِى هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِى وَ أَصْلِحْ لِى دُنْيَايَ الَّتِى فِيهَا مَعَاشِى وَ أَصْلِحْ لِى آخِرَتِيَ الَّتِى إِلَيْهَا مَعَادِى وَ اجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِى مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِى مِنْ

کُلِّ شَرٍّ.

اللَّهُمَّ إِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّی اللَّهُمَّ أَحْیِنِی مَا عَلِمْتَ الْحَیَاهَ خَیْراً لِی وَ تَوَفَّنِی إِذَا کَانَتِ الْوَفَاهُ خَیْراً لِی وَ أَسْأَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَهِ وَ الْعَدْلَ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ أَسْأَلُکَ الْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَ الْغِنَی وَ أَسْأَلُکَ نَعِیماً لَا یَبِیدُ وَ قُرَّهَ عَیْنٍ لَا یَنْقَطِعُ وَ أَسْأَلُکَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ وَ أَسْأَلُکَ لَذَّهَ النَّظَرِ إِلَی وَجْهِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَهْدِیکَ لِإِرْشَادِ أَمْرِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ تَعْجِیلَ عَافِیَتِکَ وَ صَبْراً عَلَی بَلِیَّتِکَ وَ خُرُوجاً مِنَ الدُّنْیَا إِلَی رَحْمَتِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ وَ أُشْهِدُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا کَائِنُ قَبْلَ أَنْ یَکُونَ شَیْ ءٌ وَ الْمُکَوِّنُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ وَ الْکَائِنُ بَعْدَ مَا لَا یَکُونُ شَیْ ءٌ اللَّهُمَّ إِلَی رَحْمَتِکَ رَفَعْتُ بَصَرِی وَ إِلَی جُودِکَ بَسَطْتُ کَفِّی فَلَا تَحْرِمْنِی وَ أَنَا أَسْأَلُکَ وَ لَا تُعَذِّبْنِی وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ لِی فَإِنَّکَ بِی عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِی فَإِنَّکَ عَلَیَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ وَ الصَّلَاهِ النَّافِعَهِ الرَّافِعَهِ صَلِّ عَلَی أَکْرَمِ خَلْقِکَ عَلَیْکَ وَ أَحَبِّهِمْ إِلَیْکَ وَ أَوْجَهِهِمْ لَدَیْکَ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَ أَکْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ أَکْرَمَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی مُبَلِّغٍ عَنْکَ مُؤْتَمَنٍ عَلَی وَحْیِکَ اللَّهُمَّ کَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَی وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَی فَاجْعَلْ مَنَاهِجَ سُبُلِهِ لَنَا سُنَناً وَ حُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَباً نَأْتَمُّ بِهِ إِلَی الْقُدُومِ عَلَیْکَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ مِلْ ءَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مِلْ ءَ طِبَاقِهِنَّ وَ مِلْ ءَ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مِلْ ءَ مَا بَیْنَهُمَا وَ مِلْ ءَ عَرْشِ رَبِّنَا الْکَرِیمِ وَ مِیزَانَ رَبِّنَا الْغَفَّارِ وَ مِدَادَ کَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ وَ مِلْ ءَ الْجَنَّهِ وَ مِلْ ءَ النَّارِ وَ عَدَدَ الْمَاءِ وَ الثَّرَی وَ عَدَدَ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ مَنَّکَ وَ مَغْفِرَتَکَ وَ رَحْمَتَکَ وَ رِضْوَانَکَ وَ فَضْلَکَ

وَ سَلَامَتَکَ وَ ذِکْرَکَ وَ نُورَکَ وَ شَرَفَکَ وَ نِعْمَتَکَ وَ خِیَرَتَکَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِیلَهَ الْعُظْمَی وَ کَرِیمَ جَزَائِکَ فِی الْعُقْبَی حَتَّی تُشَرِّفَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ یَا إِلَهَ الْهُدَی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَی جَمِیعِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ سَلَامٌ عَلَی جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ وَ حَمَلَهِ الْعَرْشِ وَ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ وَ الْکَرُوبِیِّینَ وَ سَلَامٌ عَلَی مَلَائِکَتِکَ أَجْمَعِینَ وَ سَلَامٌ عَلَی أَبِینَا آدَمَ وَ عَلَی أُمِّنَا حَوَّاءَ وَ سَلَامٌ عَلَی النَّبِیِّینَ أَجْمَعِینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ أَجْمَعِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ لَا حَوْلَ وَ قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ کَثِیراً(۱).

**[ترجمه]جوهری گفته است: «الغدوّ» در مقابل «رواح» است و «غدا، یغدوا، غدوّاً» - از همین کاربرد است. - کلام خدای متعال «بالغدوّ و الآصال» - : الاعراف/ ۲۰۵؛ الرعد/ ۱۵؛ النور/ ۳۶ - ،

یعنی در بامدادان، که از وقت، تعبیر به فعل کرده است، چنانکه گفته می‌شود: «أتیتک طلوع الشمس»، یعنی هنگام طلوع خورشید؛ و گفته است: «الأصیل» وقت بین عصر تا مغرب است و جمع آن، «الاُصل» و «الآصال» است. بیضاوی در مورد کلام خداوند متعال «و سبح بالعشیّ» - . آل عمران/ ۴۱ -

گفته است: یعنی از نیمروز تا غروب، و گفته شده است: از عصر تا غروب، تا رفتن ابتدای شب؛ «الابکار»، یعنی از طلوع سپیده دم تا هنگام برآمدن آفتاب؛ طبرسی در مورد کلام خداوند سبحان «فسبحان الله» - . الروم/ ۱۷ -

گفته است: یعنی او را تسبیح گویید و از چیزی که سزاوار او نیست یا با بزرگ داشتن او از صفت‌های نقص منافات دارد، پاک بدانید، به این صورت که او را به صفت‌ها و اسمهایی که شایسته اوست، توصیف کنید. «الامساء»، یعنی وارد شدن در «مساء» و آن عبارت است از تاریکی شب؛ «الاصباح» مخالف آن است، یعنی آمدن روشنی روز؛ «له الثناء و المدح فی السماوات و الأرض» یعنی او سزاوار ستایش اهل آسمان‌ها و زمین است، زیرا بر آنها نعمت بخشیده است. «و عشیّاً»، یعنی در وقت عشاء؛ « و حین تظهرون»، یعنی وقتی که در آن داخل می‌شوید و آن همان نیمروز است. - . المجمع ۸: ۲۹۹ - در النهایه، «القیوم» از صیغه‌های مبالغه بیان شده است، یعنی کسی که به امور آفریدگان و گرداندن جهان در تمام حالت‌ها بپا خاسته است، یا کسی که خود به خود، و نه با کمک دیگری، پابرجا است و با این وجود، هر موجودی به سبب او پابرجا است، به گونه‌ای که وجود و دوام هیچ موجودی جز به سبب او قابل تصور نیست. «السبوح» و «القدوس» با ضمه، از صیغه‌های مبالغه هستند و حرف اول آنها با فتحه نیز خوانده می‌شود و دربردارنده پاکی و آراستگی از عیب‌ها و کاستی‌ها هستند؛ می‌توان یکی را به آراستگی ذات و دیگری را به آراستگی صفات و افعال خدا اختصاص داد.

**[ترجمه]

توضیح

قال الجوهری جمع الله شملهم أی ما تشتت من أمرهم و فرق الله شمله أی ما اجتمع من أمره و قال ثارت القتیل و بالقتیل ثارا و ثوره أی قتلت قاتله یقال ثارتک بکذا أی أدرکت به ثاری منک فی الغیب أی فی غیبه الخلق و الشهاده أی عند شهودهم و

حضورهم و القصد التوسط بين الإسراف و التقتير و باد الشي ء يبيد هلك.

إلی وجهـک أی ثوابـک و کرامتـک أو وجوه أوليائـک و الجهه التی منها تخاطب أحباءک أو المراد بالنظر النظر بعين القلب و قـال الجوهری السـنن الطريقه يقـال اسـتقام فلانـ علی سـنن واحـد و يقـال امض علی سـنتك و سـننک أی علی وجهك و قال الفيروزآبادی الکروبيون مخففه الراء ساده الملائکه انتهی و المضبوط فی أکثر کتب الدعاء بالتشديد.

**[ترجمه]فلاح السائل: و از کارهای مهم بعد از نماز عصر، دعايی است که فاطمه زهرا سلام الله عليها با آن در ميان نمازهای پنجگانه دعا می کرد و آن عبارت است از: {منزه است خـدايی که درد دلها را می‌داند، منزه است خدايی که تعداد گناهان را به شـماره می‌آورد، منزه است خدايی که هيچ پوشـيده‌ای در زمين و آسـمان بر او پوشـيده نمی‌ماند، و سپاس خدايی را که مرا نسبت بـه نعمت‌هـايش ناسپاس و نسبت به برتری‌اش انکارکننـده قرار نـداد، پس هر چه خير است در اوست و او سزاوار آن است؛ و سپاس خـدايی را که دليل کاملی برای تمام آفريـدگان، چه آنها که او را اطاعت کننـد و چه آنها که نافرمانی ورزند، دارد؛ پس اگر رحم کنـد، از منت نهـادن اوست و اگر عـذاب کنـد، به خـاطر آن چيزی است که خودشان پيش فرسـتاده‌انـد و خدا، به هيچ وجه ستم کننده به بندگان نيست.

سپـاس مخصوص خـدايی است که والا مرتبه، بلنـد جايگاه، قوی پايه، فرمانروای باشکوه، بزرگ منزلت، روشن دليل، مهربان بخشـنده ، نعمت رسانـنده منت گزار است؛ سـپاس مخصـوص خـدايی است که از تمـام آفريـدگان که حقيقت پروردگـاری و قـدرت يگانگی او را می‌بيننـد، پوشـيده است؛ پس ديـدگان او را نبينند و آگاهی‌ها به آن نرسـند و اندازه تعيين کردن او را به تعيّن نکشاند و هيچ تفسيری او را به پندار نياورد، چرا که او فرمانروای قدرتمند است.

خـدايا، جايگاه مرا می‌بينی و صـدايم را می‌شـنوی و بر کارهايم آگاهی داری و آنچه را که در دل دارم می‌دانی و هيچ چيز از کارهايم بر تو پوشـيده نيست؛ برای خواسته‌ام به سوی تو آمدم و نيازم را از تو خواسـتم و در خواسـتنم به تو، زاری کردم و به خـاطر فقر و نيازمنـدی و خـواری و تنگی و پريشـانی و بينـوايی، از تو درخواست کردم و تو پروردگـاری بخشـنده در آمرزش هستی. غير مرا برای عذاب می‌يابی ولی من کسـی غير از تو که مرا بيامرزد نمی‌يابم، در حالی که تو از شـکنجه کردن من بی... نيازی و من به رحمت تو نيازمند، پس به فقری که نسـبت به تو دارم و به بی‌نيازی که از من داری، و به قدرتی که بر من داری و ناتوانی که نسـبت به تو دارم، از تو می‌خواهم اين دعای مرا دعايی همراه با اجابت از سوی خودت، و اين نشستن مرا نشستنی همراه با رحمت خودت، و اين خواسته مرا خواسته‌ای همراه با کاميابی از سوی خودت قرار دهی و هر کاری که بيم سختی آن را دارم، آسان سازی و هر چه از اشياء که بيم ناتوانی آن را دارم بازگشايی، و هرکس از ميان تمام آفريده‌هايت که قصد بدی کردن به مرا داشـته باشد، خودت بر او چيره باش. بپذير ای بهترين رحم کنندگان، و هرچه را که از سختی آن بيم دارم، بر من سبک کن، و هرچه را که از گرفتاری آن بيم دارم، از من برطرف کن و هرچه را که از سـختی آن بيم دارم، بر من آسان ساز. بپذير ای پروردگار جهانيان.

خـدايا، خودبينی و خودنمـايی و تکبر و سـتم و رشـک و نـاتوانی و ترديـد و سـستی و زيـان و بيمـاری‌ها و خواری و نيرنگ و فريبکاری و گرفتاری و تباهکاری را از گوش و چشم و تمام اعضای بدنم ريشه‌کن کن و اختيارم را در آنچه که دوست داری و مورد رضايت توست، به دست بگير، ای بهترين رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهم را بیامرز و زشتی‌ام را بپوشان و ترسم را ایمنی بخش و سختی‌ام را تلافی کن و نیازمندی‌ام را برآورده ساز و خواسته‌ام را آسان کن و لغزشم را نادیده بگیر و کارهای پراکنده‌ام را سامان ده و در برابر آنچه اندوهبارم می‌سازد، چه آنها که از من پوشیده و چه برایم آشکار است و نیز در برابر آنچه مرا از تو می‌ترساند، خودت مرا بسنده باش، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، کارم را به تو واگذار کرده‌ام و پشتوانه‌ام را در پناه تو قرار دادم و خود را با جنایتی که درباره آن انجام داده‌ام، به خاطر ترس از تو و با بیم و امید، به تو تسلیم کرده‌ام، و تو همان بزرگواری هستی که رشته امید را قطع نمی‌کند و از خواستن مأیوس نمی‌گرداند؛ پس به حق ابراهیم دوست تو و موسی هم‌سخن تو و عیسی روح تو و محمد صلی الله علیه و آله برگزیده و پیامبر تو، از تو می‌خواهم روی بزرگوارت را از من بازنگردانی تا اینکه توبه‌ام را بپذیری و بر گریه و اندوهم رحم آوری و اشتباهم را ببخشی، ای بهترین رحم کنندگان و ای بهترین حکم کنندگان.

خدایا، انتقام مرا بر کسی که به من ستم کرده، قرار بده و در برابر کسی که با من دشمنی می‌کند، یاری‌ام کن؛ خدایا، گرفتاری مرا در دینم قرار نده و دنیا را بزرگ‌ترین هدف من و نهایت دانایی‌ام مگردان؛ خدایا، دینم را که همان اصل و اساس کارهایم است، برایم نیکو قرار بده؛ و دنیایم را که زندگی من در آن است، برایم سامان ده؛ و آخرتم را که بازگشتم به آن است، نیکو بنما؛ و زندگی را برایم افزونی از هر خوبی و مرگ را برایم آسودگی از هر بدی قرار ده.

خدایا، تو بسیار بخشنده‌ای و گذشت کردن را دوست می‌داری، پس از من درگذر؛ خدایا، تا زمانی که زندگی را برایم خوب می‌دانی، مرا زنده بدار و آن هنگام را که مرگ برایم خوب باشد، مرا بمیران؛ ترسیدن از تو در نهان و آشکار و به کار بستن انصاف در هنگام خشم و خشنودی را از تو خواستارم؛ از تو میانه روی در هنگام نیازمندی و بی‌نیازی را می‌خواهم؛ از تو نعمتی می‌خواهم که هرگز از دست نرود و روشنی چشمی که پایان نپذیرد؛ از تو رضایت بعد از حتمی شدن تقدیر را خواستارم؛ از تو لذت نگریستن به رویت را خواستارم.

خدایا، از تو راهنمایی می‌خواهم که کارم روبراه شود و از بدی رساندن نفس خودم، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، بد کردم و به خودم ستم نمودم، پس مرا بیامرز که هیچ کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد؛ خدایا، از تو زود رساندن سلامتی‌ات را و شکیبایی در برابر گرفتاری‌ات را و بیرون آمدن از دنیا به سوی رحمتت را می‌خواهم.

خدایا، تو را و فرشتگانت را و حمل کنندگان عرش تو را گواه می‌گیرم و هرچه در آسمان‌ها و هرکه در زمین است، همه را گواه می‌گیرم که تو خدایی هستی که جز تو هیچ خدایی نیست و یگانه‌ای و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده توست، و از تو می‌خواهم که سپاس مخصوص تو باشد که هیچ خدایی جز تو، نو کننده... آسمان‌ها و زمین، وجود ندارد؛ ای موجود قبل از وجود هر چیزی، و ایجاد کننده هر چیز و موجود بعد از آنکه هیچ چیزی نباشد.

خدایا، به سوی رحمت تو چشمم را بالا آورده‌ام و به سوی بخشندگی تو دستم را دراز کرده‌ام، پس محرومم نکن که من از تو درخواست می‌کنم و عذابم نکن که من از تو آمرزش می‌خواهم؛ خدایا، مرا بیامرز که تو بر من دانایی و عذابم نکن که تو

بر من توانایی، به خاطر رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، دارنده رحمت گسترده و درود سودمند و بالابرنده، بر بزرگوارترین آفریده‌ات نسبت به تو و دوست داشتنی‌ترین آنها برای تو و آبرومندترینشان در پیشگاه تو، محمد، بنده و فرستاده‌ات، اختصاص یافته به پرفضیلت‌ترین دستاویزها، درودی باشکوه‌تر و کامل‌تر و والاتر و بزرگ‌تر و گرامی‌تر از آنچه بر هر ابلاغ کننده از سوی تو و امانتدار وحی خودت فرستاده‌ای، بفرست؛ خدایا، همچنان که نابینایی را با او برطرف کردی و راه هدایت را با او گشودی، راه‌های پیمودنی او را شیوه عمل ما، و دلایل برهانش را سببی برای ما قرار ده تا با اقتدا به او، به سوی تو گام برداریم.

خدایا، به اندازه گنجایش آسمان‌های هفتگانه و گنجایش طبقات آن و گنجایش زمین‌ها و گنجایش بین آن دو، و گنجایش عرش پروردگار بزرگوار ما، و میزان پروردگار بخشنده ما، و مداد کلمات پروردگار واقعاً چیره ما، و گنجایش بهشت و گنجایش آتش، و به تعداد آب و خاک و به تعداد آنچه دیده می‌شود و آنچه به دیده نمی‌آید، تو را سپاس باد .

خدایا، درودها و خجستگی‌ها و بخشش‌ها و آمرزش و مهربانی و خشنودی و فضل و سلامت و یاد و نور و شکوه و نعمت و خوبی‌ات را بر محمد و خاندان محمد قرار ده، همچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی و بخشش کردی و مهربانی نمودی، که تو ستوده گرامی هستی؛ خدایا، به محمد بزرگ‌ترین دستاویز و بزرگوارانه‌ترین پاداش را در سرای دیگر عطا کن تا در روز قیامت او را بزرگ داشته باشی، ای خدای هدایت.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد و بر تمام فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حمل کنندگان عرش و فرشتگان نزدیکی جسته به خودت و نویسندگان بزرگوار و مقرب درگاه خدا، و سلام بر همه فرشتگان تو، و سلام بر پدرمان آدم و مادرمان حوا، و سلام بر همه پیامبران و راستان و شهدا و نیکان، و سلام بر همه... فرستادگان، و ستایش مخصوص خدای پروردگار جهانیان است و هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد، خدا برای من بسنده است و او خوب حمایتگری است، و درود خدا و سلام فراوان بر محمد و خاندان او.} - . فلاح السائل: ۲۰۲-۲۰۶ -

**[ترجمه]

«۱۲»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ دَعَوَاتٌ قَدَّمْنَاهَا عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَقِيبَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ دُعَاءُ الصَّادِقِ علیه السلام بَعْدَ الْعَصْرِ وَ قَدْ قَدَّمْنَا إِسْنَادَهُ عِنْدَ مَا يَخْتَصُّ بِفَرِيضَةِ الظُّهْرِ بِرِوَايَةِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ مِنَ الْمَفْرُوضَاتِ الدُّعَاءُ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۰۲- ۲۰۶.

بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَ مَا اطَّرَدَ الْخَافِقَانِ وَ مَا حَدَا الْحَادِيَانِ وَ مَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَ مَا ادْلَهَمَّ ظَلَامٌ وَ مَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَ مَا أَضَاءَ فَجْرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً خَطِيبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ وَ الْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ النَّاطِقَ إِذَا خَرِسَتِ الْأَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ أَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ اغْفِرْ لَهُ مَا أَحْدَثَ الْمُحْدِثُونَ مِنْ أُمَّتِهِ بَعْدَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنِّي التَّحِيَّهَ وَ السَّلَامَ وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ تَحِيَّهً كَثِيرَهً وَ سَلَاماً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِ وَ أَنْ أُشْرِكَ بِهِ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَاناً أَوْ أَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَهَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلَامَهَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ أَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَ النَّجَاهَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي بَرَكَهً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي وَ تَكْشِفُ بِهَا كَرْبِي وَ تُؤْمِنُ بِهَا رَوْعَتِي وَ تَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي وَ تُصْلِحُ بِهَا أَمْرِي وَ تُغْنِي بِهَا فَقْرِي وَ تُذْهِبُ بِهَا ضُرِّي وَ تُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي وَ تُسَلِّي بِهَا غَمِّي وَ تَشْفِي بِهَا سُقْمِي وَ تُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي وَ تَجْلُو بِهَا حُزْنِي وَ تَقْضِي بِهَا دَيْنِي وَ تَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْراً لِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا كَرْباً إِلَّا كَشَفْتَهُ وَ لَا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ وَ لَا سُقْماً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا غَمّاً إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَ لَا حُزْناً إِلَّا سَلَبْتَهُ وَ لَا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ وَ لَا عَدُوّاً إِلَّا كَفَيْتَهُ وَ لَا حاجَهً إِلَّا قَضَيْتَهَا وَ لَا دَعْوَهً إِلَّا أَجَبْتَهَا وَ لَا مَسْأَلَهً إِلَّا أَعْطَيْتَهَا وَ لَا أَمَانَهً إِلَّا أَدَّيْتَهَا

وَ لَا فِتْنَهً إِلَّا صَرَفْتَهَا اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّی مِنَ الْعَاهَاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْبَلِیَّاتِ مَا أَطِیقُ وَ مَا لَا أَطِیقُ صَرْفَهُ إِلَّا بِکَ اللَّهُمَّ أَمْسَی ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ وَ أَمْسَتْ ذُنُوبِی مُسْتَجِیرَهً بِمَغْفِرَتِکَ وَ أَمْسَی خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأَمَانِکَ وَ أَمْسَی فَقْرِی مُسْتَجِیراً بِغِنَاکَ وَ أَمْسَی ذُلِّی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ وَ أَمْسَی ضَعْفِی مُسْتَجِیراً بِقُوَّتِکَ وَ أَمْسَی وَجْهِی الْبَالِی الْفَانِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِکَ الدَّائِمِ الْبَاقِی یَا کَائِناً قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ یَا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اصْرِفْ عَنِّی وَ عَنْ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ أَهْلِ حُزَانَتِی وَ إِخْوَانِی فِیکَ شَرَّ کُلِّ ذِی شَرٍّ وَ شَرَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ عَدُوٍّ قَاهِرٍ وَ حَاسِدٍ مُعَانِدٍ وَ بَاغٍ مُرَاصِدٍ وَ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ مَا دَبَّ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعُوذُ بِدِرْعِکَ الْحَصِینَهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ أَسْأَلُکَ أَلَّا تُمِیتَنِی غَمّاً وَ لَا هَمّاً وَ لَا مُتَرَدِّیاً وَ لَا رَدْماً وَ لَا غَرَقاً وَ لَا حَرَقاً وَ لَا عَطَشاً وَ صَبْراً وَ لَا قَوَداً وَ لَا أَکِیلَ السَّبُعِ وَ أَمِتْنِی عَلَی فِرَاشِی فِی عَافِیَهٍ أَوْ فِی الصَّفِّ الَّذِی نَعَتَّ أَهْلَهُ فِی کِتَابِکَ فَقُلْتَ کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ مُقْبِلِینَ غَیْرَ مُدْبِرِینَ عَلَی طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله قَائِماً بِحَقِّکَ غَیْرَ جَاحِدٍ لِآلَائِکَ وَ لَا مُعَانِداً لِأَوْلِیَائِکَ وَ لَا مُوَالِیاً لِأَعْدَائِکَ یَا کَرِیمُ.: اللَّهُمَّ اجْعَلْ دُعَائِی فِی الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ وَ اجْعَلْنِی عِنْدَکَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ وَ اغْفِرْ لِی وَ لِوَالِدَیَّ وَ مَا وَلَدَا وَ مَا وَلَدْتُ وَ مَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ یَا خَیْرَ الْغَافِرِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَی عَنِّی صَلَاهً- کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً(۱).

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ (۲)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِینُ (۳)، وَ جُنَّهُ الْأَمَانِ، وَ مِنْهَاجُ

ص: ۹۰

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۰۶- ۲۰۸.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۵۳- ۵۵.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۲۱.

الصَّلَاحِ، وَ غَيْرُهَا مُرْسَلًا: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى الْآلِ عليهم السلام مَذْكُورٌ فِي الْجَمِيعِ فِي الْمَوَاضِعِ.

و فيها أصبح بدل أمسى فى المواضع و هو أنسب كما ذكره الكفعمى حيث قال لفظ أمسى هنا أليق من أصبح لأنه ما كان قبل الزوال يقال فيه أصبح و ما بعده أمسى (۱) انتهى و فيها و أعوذ بدرعك الحصينه التى لا ترام أن تميتنى غما أو هما أو مترديا أو هدما أو ردما أو غرقا أو حرقا أو عطشا أو شرقا أو صبرا أو قودا أو ترديا أو أكيل سبع أو فى أرض غربه أو ميته سوء و أمتنى على فراشى إلى قوله كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ على طاعتك و طاعه رسولك مقبلا على عدوك غير مدبر عنه قائما بحقك غير جاحد لآلائك و لا معاند لأوليائك و لا ممال لأعدائك يا كريم إلى آخر الدعاء.

و لنوضح بعض ألفاظه لاح بدا و ظهر و الجديدان الليل و النهار و الخافقان المشرق و المغرب و اطرادهما بقاؤهما و الحاديان الليل و النهار كأنهما يحدوان بالناس ليسيروا إلى قبورهم كالذى يحدو بالإبل و قال الكفعمى الحاديان الذى يحدو للإبل ليلا و الذى يحدو لها نهارا و الأول أظهر ما عسعس أى أقبل أو أدبر كما مر و ما ادلهم ظلام على وزن اقشعر أى اشتدت ظلمته و الظلام ذهاب النور و أول الليل و ما تنفس صبح أى ظهر و عبر عنه بالتنفس لهبوب النسيم عنده فكأنه تنفس به.

و خطيب القوم فى اللغه كبيرهم الذى يخاطب السلطان و يكلمه فى حوائجهم و فى النهايه الوفد هم الذين يجتمعون و يردون البلاد واحدهم وافد و كذلك الذين يقصدون الأمراء لزياده أو استرفاد و انتجاع و غير ذلك انتهى و المعنى أنه صلى الله عليه و آله فى القيامه يكلم عن أمته عند الله و يشفع لهم.

المكسو حلل الأمان قال الشيخ البهائى ره المراد أمان أمته من النار فإن الله تعالى قال له وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى (۲) و هو صلى الله عليه و آله لا يرضى بدخول أحد من أمته فى النار كما ورد فى الحديث و حلل الأمان استعاره و ذكر الكسوه ترشيح.

۱- ۱. البلد الأمين ص ۲۱. فى الهامش.

۲- ۲. آخر آيه من سوره الضحى.

و قال الكفعمى أحزنه أمر غمه و الحزن و الحزن خلاف السرور و أحزنه غيره و حزنه قاله الجوهرى و الفرق بين الغم و الحزن و الهم أن الهم قبل نزول الأمر و هو يطرد النوم و الغم بعد نزوله و هو يجلب النوم و الحزن أسفك على ما فات و الفرق بين الخوف و الحزن أن الحزن أسفك على ما فات و يرادفه الغم و الخوف على ما لم يأت و يرادفه الهم و الحزن تألم الباطل بسبب وقوع مكروه يتعذر دفعه أو فوات فرصته أو مرغوب فيه يتعذر تلافيه و الخوف تألم الباطن بسبب مكروه يمكن حصول أسبابه

أو توقع فوات مرغوب فيه تعذر تلافيه قاله الشيخ مقداد فى شرح النصيريه(۱)

و الفرق بين الحزن و الغضب أن الأمر إن كان ممن فوقك أحزنك و إن كان ممن دونك أغضبك قاله إبراهيم بن محمد بن أبى عون الكاتب فى كتاب الأجوبه انتهى.

و فى القاموس حزانتك عيالك الذين تتحزن لأمرهم و المارد و المريد العاتى الشديد و المراصد المراقب الذى يرصد الوثوب و الراصد الأسد و فى النهايه فيه أعيذكما من كل سامه و هامه السامه ما يسم و لا يقتل مثل العقرب و الزنبور و نحوهما و الهامه كل ذات سم يقتل و فى حديث ابن المسيب كنا نقول إذا أصبحنا نعوذ بالله من شر السامه و العامه السامه هاهنا خاصه الرجل يقال سم إذا خص انتهى.

و قال الجوهرى ردى فى البئر و تردى إذا سقط فى بئر أو تهور من جبل و قوله لا ردما أى بأن يجعل فى بيت و يردم بابه حتى يموت أو بأن يجعل بين ردم مبنى أو بأن يسقط عليه جدار قال الفيروزآبادى ردم الباب و الثلمه سده كله أو ثلثه و الردم بالتسكين ما يسقط من الجدار المنهدم و قال الكفعمى ردما أى مردوما أى ضرب الردم بينه و بين الحياه حاجزا فوق حاجز و الردم السد المتراكب

۱- ۱. يعنى الأنوار الجلاليه فى شرح الفصول النصيريه، و الفصول أصله فارسى لخواجه نصير الدين الطوسىّ نقله الى العربيه ركن الدين محمّد بن على الجرجانى تلميذ العلّامه الحلّىّ و الفاضل المقداد شرح تلك النسخه المعربه بعنوان قال أقول.

بعضه على بعض و الثوب المردم هو المرقع الذى رقاعه بعضها على بعض.

و الشرق الشجا و الغصه اللذان يموت الإنسان منهما و فى الحديث يؤخرون الصلاه إلى شرق الموتى أى إلى أن يبقى من الشمس ما يبقى من حياه من شرق بريقه عند الموت و قوله أو صبرا أن يحبس للقتل حتى يموت و فى الحديث نهى عن قتل الدواب صبرا و هو أن تحبس ثم ترمى حتى تقتل و منه الحديث فى الذى أمسك رجلا و قتله آخر فقال اقتلوا القاتل و اصبروا الصابر أى احبسوا الذى حبسه للموت حتى يموت كفعله به و منه يقال للمضروب عنقه قتل صبرا أى محبوسا ممسكا على القتل و كل من حبس لقتل فهو قتيل صبر قاله الجوهرى و الهروى انتهى.

و قال الفيروزآبادى القود بالتحريك القصاص قوله عليه السلام و لا ممال أصله مهموز يقال ملأه على الأمر و مالأه ساعده و شايعه و تمالئوا عليه اجتمعوا.

**[ترجمه]جوهرى گفته است: «جمع الله شملهم»، يعنى كارهاى پراكنده‌شان را، و «فرق الله شمله»، يعنى كارهاى گردآمده‌اش را؛ و گفته است: «ثأرت القتيل و بالقتيل ثأراً و ثوره»، يعنى كشنده‌اش را كشتم؛ گفته مى‌شود: «ثأرتک بكذا»، يعنى به وسيله... آن، انتقام خونم را از تو گرفتم. «فى الغيب» يعنى در نبود آفريدگان و «الشهاده»، يعنى در هنگام شاهد بودن و حضور آنان. «القصد»، يعنى ميانه روى بين اسراف و سخت گرفتن؛ «باد الشيء، يبيد»: از بين رفت.

«إلى وجهك»، يعنى ثواب و بزرگوارى تو، يا روى دوستداران تو و جهتى كه از آن جهت، دوستدارانت را مورد خطاب قرار مى‌دهى، يا اينكه منظور از ديدن، ديدن به چشم دل باشد. جوهرى گفته است: «السنن» يعنى روش؛ گفته مى‌شود: «استقام فلان على سنن واحد» - به همان معنى است. - و گفته مى‌شود: «امض على سنّتك و سننك»، يعنى به راه و روشت. فيروزآبادى گفته است: «الكروبيّون» بدون تشديد راء، يعنى مهتران فرشتگان. پايان. - ولى در بيشتر كتاب‌هاى دعا، با تشديد نوشته شده است. -

**[ترجمه]

«۱۳»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، فِي الْحِلْيَةِ لِأَبِي نُعَيْمٍ: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ بَعْدَ صَلَاهِ الصُّبْحِ وَ صَلَاهِ الْعَصْرِ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ مِائَهَ مَرَّهٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَ مَحَوْا خَطَايَاهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ(۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: و از كارهاى مهم، دعاهايى بود كه از امام صادق عليه السلام براى ادامه هريك از نمازهاى واجب قبلاً ذكر كرديم.

از مهمترين‌ها، دعاى امام صادق عليه السلام بعد از نماز عصر است كه پيش از اين، سند آن را در دعاى مخصوص تعقيب نماز ظهر، كه از معاويه بن عمار روايت شده بود، بيان كرديم. براى هر نماز واجبى، دعاى مخصوصى وجود دارد و دعاى

مخصوص بعد از نماز عصر این است:

{سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر محمد، آخرین پیامبران و بر خاندان پاک او؛ خدایا، بر محمد و خانـدان او، در شب، آنگاه که فراگیر شود، درود فرست؛ بر محمـد و خاندان او در روز، آنگاه که روشن گردد، درود فرست؛ بر محمد و خاندان او در آخرت و دنیا درود فرست؛ بر محمد و آل محمد درود فرست تا آن زمان که شب و روز پدیدار می... شوند و مشـرق و مغرب پابرجا هسـتند و شب و روز آواز می‌خوانند و تا آن زمان که شب، پشت می گرداند - یا روی می آورد - و تاریکی، فراگیر می‌شود و صبح دمیده می‌شود و سپیدی صبح، روشن می گردد.

خدایا، محمد را سـخنران گروه مؤمنان وارد شده بر خودت و آراسـته شده به لباس ایمنی به هنگام ایستادن در پیشگاه خودت، و سـتایش گوینـده تو در آن هنگامی که زبان‌ها همه گنگ شونـد، قرار ده؛ خدایا، منزلت او عالی کن و درجه‌اش را بالا ببر و دلیلش را پیروز گردان و شـفاعتش را بپذیر و او را به مقام سـتوده‌ای که وعده داده‌ای، برگزین، و هرچه را که ایجاد کنندگان از امت او بعد از او ایجاد می کنند، بر او ببخش؛ خدایا، به روح محمد و خاندان محمد از جانب من درود و سـلام بفرست و از جانب آنان بر من درود فراوان و سلام برگردان، ای صاحب شکوه و بزرگواری، و برتری و بخشش .

خدایا، از گمراهی‌های فتنه‌ها، چه آشـکار باشـند و چه پنهانی، و از گناه و ستم ناروا و از اینکه بدون دلیل، شریکی برایت قرار دهم، یـا بـدون آگاهی، چیزی در باره تو بگویم، به تو پناه می‌آورم. خـدایا، از تو سـبب‌های رحمت تو را و آنچه را که باعث آمرزش تـو می گردد، و بهره بردن از هر خـوبی و سـالم مانـدن از هر بـدی را می‌خواهم. از تو، دستیـابی به بهشت و رهـایی از آتش را خواسـتارم. خـدایا، بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرست و در نمـاز و دعـایم برکتی قرار ده که با آن، دلم را پاک گردانی و گرفتـاری‌ام را بـا آن بزدایی و ترسم را با آن به ایمنی رسانی و گناهم را با آن بیامرزی و کارم را با آن، نیکو سازی و نیازمندی‌ام را با آن به بی‌نیازی رسانی و سـختی‌ام را با آن ببری و غصه‌ام را با آن برطرف کنی و غمم را با آن آرام نمایی و بیمـاری ام را بـا آن درمـان کنی و بیمم را بـا آن، ایمن سـازی و نـاراحتی‌ام را با آن از بین ببری و بـدهی‌ام را با آن ادا کنی و کارهای پراکنده‌ام را با آن، جمع نمایی و رویم را با آن سفید گردانی، و آنچه را که پیش توست، برای من خوبی قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و هیچ گناهی را برای من باقی مگذار جز آنکه بخشیده باشی و هیچ گرفتاری را جز آنکه برداشـته باشـی و هیـچ ترسـی را جز آنکه به ایمنی رسانـده باشـی و هیـچ بیماری را جز آنکه شـفا داده باشـی و هیچ انـدوهی را جز آنکه بازگشوده باشی و هیچ غصه‌ای را جز آنکه برده باشـی و هیچ ناراحتی را جز آنکه برگرفته باشـی و هیچ بدهی را جز آنکه ادا کرده باشی و هیچ دشمنی را جز آنکه مرا در برابر او بسنده باشی و هیچ نیازی را جز آنکه برآورده باشی و هیچ دعایی را جز آنکه اجابت کرده باشـی و هیچ خواسـته‌ای را جز آنکه بخشیده باشی و هیچ امانتی را جز آنکه برگردانده باشی و هیچ فتنه‌ای را جز آنکه دور کرده باشی.

خدایا، سـختی‌ها و آفت‌ها و بلاها را از من دور کن، چه توان دور کردن آن را جز با کمک تو داشـته باشم و چه نداشته باشم؛ خدایا، سـتمم مرا پناهنده به گذشت تو کرده و گناهانم مرا پناهنده به آمرزش تو نموده و ترسم مرا پناهنده به ایمنی تو کرده و نیازمنـدی‌ام مرا پناهنده به بی‌نیازی تو نموده و خواری‌ام مرا پناهنده به عزت تو نموده و ناتوانی‌ام مرا پناهنده به نیروی تو کرده و وجود گناهکار از بین رفتنی‌ام مرا پناهنده به ذات پایدار و جاودانه تو کرده است.

ای موجود قبل از هر چیز و ای به وجود آورنده هر چیز، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از من و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و کسانی که غمخوار آن‌هایم و برادران دینی‌ام، بدی هر دارنده بدی و بدی هر ستمگر کینه توز و شیطان سرکش و فرمانروای ستمکار و دشمن سلطه گر و رشک خورنده ستیزه جو و آشوبگر راهزن و بدی هر نیش دار و گزنده و هر جنبنده در شب و روز و بدی بدکاران عرب و عجم و بدکاران جن و انس را دور کن و به دژ محکم تو که نابود نمی‌شود، پناه می... آورم. از تو می‌خواهم مرا با غم و غصه و با افتادن و خفه شدن و غرق شدن و سوختن و با تشنگی و با مرگ تدیجی و یا به خاطر قصاص و یا خوراک درندگان شدن نمیرانی، بلکه با سلامتی در بستر یا در صفی که اهل آن را در کتابت ستوده و فرموده‌ای: «کأنهم بنیان مرصوص»، {گویی بنایی ریخته شده از سُرب اند.}، با حالت رو آورنده و نه پشت کرده، به اطاعت از تو و فرستاده تو صلی الله علیه و آله و بپا خاسته برای حق تو، بدون اینکه موهبت‌های تو را انکار کنم و یا با دوستدارانت دشمنی ورزم و یا با دشمنانت دوستی کنم، بمیران، ای بزرگوار.

خدایا، دعایم را در جایگاه بالا، اجابت شده قرار ده و مرا در دنیا و آخرت، نزد خودت آبرومند و از نزدیک شده‌ها بگردان، همان کسانی که نه ترسی برای آنان هست و نه اندوهگین می‌شوند، و مرا و پدر و مادرم را و همه فرزندان پدر و مادرم و فرزندان خودم و فرزندان آنها از مردان و زنان مؤمن را بیامرز، ای بهترین آمرزندگان؛ سپاس مخصوص خدایی است که نماز را که بر مؤمنان نوشته شده وقت‌دار است، از ناحیه من ادا نمود.} - . فلاح السائل: ۲۰۶-۲۰۸ -

مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۵۳-۵۵ - ، و البلد الامین - . البلد الامین: ۲۱ - ،

و جنه الامان و منهاج الصلاح و غیرها: مثل همین را به صورت مرسل ذکر کرده‌اند؛ با این تفاوت که صلوات بر خاندان پیامبر علیهم السلام در همه آنها ذکر شده است، و در آنجا، به جای «أمسی» در تمام موارد، «أصبح» آمده است و این، همان‌طور که کفعمی گفته است، مناسب‌تر است. وی گفته است: واژه «أمسی» در اینجا شایسته‌تر از «أصبح» است؛ زیرا هر چیزی که قبل از نیمروز باشد، در آن، «أصبح» و به بعد از آن، «أمسی» گفته می‌شود. - . البلد الامین: ۲۱ (در حاشیه) - پایان. و در آن آمده است: «و أعوذ بدرعک الحصینه التی لا ترام أن تمیتنی غماً أو همّاً...»، {و از اینکه مرا با غم و غصه و با افتادن و خفه شدن و غرق شدن و سوختن و با تشنگی و با مرگ تدریجی و یا به خاطر قصاص و یا خوراک درندگان شدن یا در سرزمین غربت و یا با بد مردن بمیرانی، به دژ محکم تو که نابود نمی‌شود، پناه می‌آورم؛ مرا در بسترم بمیران.} تا عبارت «کأنهم بنیان مرصوص»، {گویی بنایی ریخته شده از سُرب اند.}، در اطاعت از تو و از فرستاده تو صلی الله علیه و آله با حالت رو در رو با دشمن تو و نه پشت کرده به آنها، و بپا خاسته برای حق تو، بدون اینکه موهبت‌های تو را انکار کنم و یا با دوستدارانت دشمنی ورزم و یا به دشمنانت متمایل گردم، بمیران، ای بزرگوار.... تا آخر دعا.

توضیح بعضی از واژگان آن: «لاح»، یعنی آشکار و ظاهر شد؛ «الجدیدان»، یعنی شب و روز؛ «الخافقان»، مشرق و مغرب؛ «اطرادهما»، یعنی باقی بودن آن دو؛ «الحادیان»، شب و روز، گویی برای مردم آواز می‌خوانند تا به سوی قبرهایشان روند، همانند کسی که برای شتر آواز می‌خواند. کفعمی گفته است: «الحادیان»، یعنی کسی که شب برای شتر آواز می‌خواند و کسی که روز برای آن آواز می‌خواند؛ ولی اولی آشکارتر است. «ما عسعس» همان‌گونه که گذشت، یعنی رو کند و پشت کند. «و ما ادلهمّ ظلام» بر وزن «اقشعرّ»، یعنی تاریکی‌اش بیشتر شد؛ و «الظلام»، یعنی رفتن روشنایی و ابتدای شب. «و ما تنفس

صبح»، یعنی پدیدار شود؛ به خاطر وزیدن باد در صبح که گویی با آن نفس می‌کشد، از آن تعبیر به «تنفس» شده است.

«خطیب القوم» در لغت یعنی بزرگ آنان، کسی که با حاکم روبرو می‌شود و درباره نیازهای آنان با او سخن می‌گوید. در النهایه آمده است: «الوفد»، یعنی کسانی که جمع می‌شوند و شهرها را می‌گردند و هر یک از آنان، «وافد» است. اینگونه افراد به خاطر زیاده خواهی یا یاری و احسان خواستن و چیزهای دیگر، به سوی فرمانروایان می‌روند. پایان. معنای عبارت این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت از طرف امتش سخن می‌گوید و برای آنان شفاعت می‌کند.

«المسکوّ حلل الأمان»، شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: منظور از آن، امان دادن امتش از آتش است؛ چرا که خداوند متعال به او فرموده است: «و لَسوف يُعطيك ربُّك فترضی»، - . آیه آخر سوره الضحی - {و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند گردی.} و او صلی الله علیه و آله، همان طور که در روایت آمده است، با وارد شدن حتی یک نفر از امتش در آتش راضی نمی‌شود و «حلل الأمان» استعاره است و ذکر «الکسوه» برای زیبا ساختن آن است.

کفعمی گفته است: «أحزنه أمر» یعنی غمگین ساخت و «الحُزن» و «الحَزَن» مخالف شادی است و «أحزنه غیره و حزنه» - به همین معنا است. - جوهری این را گفته است. فرق بین «الغمّ» و «الحزن» و «الهمّ» این است که همّ، قبل از پیش آمدن کاری است و آن، خواب را می‌برد؛ و غمّ، بعد از اتفاق افتادن کاری است و آن، باعث خواب می‌شود؛ و حزن، افسوس خوردن بر چیزی است که از دست رفته است. فرق بین «الخوف» و «الحزن» این است که حزن، افسوس خوردن بر چیزی است که از دست رفته است و مترادف با غمّ است ولی خوف، تأسف خوردن بر چیزی است که به دست نیامده است و مترادف با همّ است و حزن، ناراحتی درونی به خاطر اتفاق ناپسندی است که دور کردن آن، دشوار بوده یا فرصت آن از دست رفته باشد، یا مورد علاقه بوده ولی جبران آن، ناممکن باشد. شیخ مقداد در شرح النصیریه - . یعنی «الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریه». اصل کتاب «الفصول» فارسی و از علامه نصیر الدین طوسی است که رکن الدین محمد بن علی جرجانی، شاگرد علامه حلی آن را به عربی برگردانده و فاضل مقداد، نسخه عربی آن را به صورت «گفته است؛ می‌گویم» شرح کرده است. - این را گفته است. فرق بین «الحزن» و «الغضب» این است که اتفاق اگر از سوی کسی بالاتر از تو باشد، باعث حزن تو و اگر از سوی کسی پایین‌تر باشد، باعث غضب تو می‌گردد؛ این را ابراهیم بن محمد بن ابی عون الکاتب در کتاب «الأجوبه» گفته است. پایان.

در القاموس «حزانتک»، یعنی اهل خانواده ات که به خاطر کار آن‌ها اندوهگین می‌شوی و «المارد» و «المرید»، یعنی بسیار سرکش؛ و «المراصد»، یعنی کمینگاه‌هایی که در آنجا برای جستن کمین می‌گیرند؛ و «الراصد»، یعنی شیر. در النهایه، در این دعا آورده است: «اعیذ کما من کل سامّه و هامّه»، «سامّه»، یعنی هر چیزی که سم دارد ولی نمی‌کشد؛ مثل عقرب و زنبور و مانند این دو، و «الهامّه»، یعنی هر سم داری که می‌کشد. در حدیث ابن مسیب به هنگام صبح کردن می‌گفتیم: «نعوذ بالله من شرّ السامّه و الهامّه» که در اینجا، «السامّه» فقط مرد است؛ هنگامی که اختصاصی شود، گفته می‌شود: «سمّ». پایان.

جوهری گفته است: «ردی فی البئر، تردَّی»: وقتی که در چاه افتاده باشد، یا از کوه پرت شود؛ عبارت «لا ردماً»، یعنی به این صورت که در خانه‌ای قرار داده شود و در آن بسته شود تا اینکه در آنجا بمیرد، یا اینکه بین در بسته شده گذاشته شود، یا دیوار بر روی او فرو ریخته شود؛ فیروزآبادی گفته است: «ردم الباب و الثلمه»، یعنی بستن تمام یا یک سوم آن، و «الردم» با

سکون، یعنی چیزی که از دیوار خراب شده بیافتد؛ و کفعمی گفته است: «ردماً» یعنی فاصله انداخته شده؛ یعنی بین او و زندگی مانعی روی مانع انداخته شده است و «الردم» سدی است که قسمتی از آن روی قسمت دیگر فشرده شده است؛ و «الثوب المردّم»، یعنی لباس پاره دوزی که بعضی از وصله‌ها روی بعضی دیگر قرار داشته باشد.

«الشرق»، یعنی اندوه و غصه‌ای که انسان از آن دو می‌میرد؛ در حدیث آمده است که «یؤخِّرون الصلاه إلی شرق الموتی»، یعنی تا زمانی که از خورشید، چیزی به اندازه زندگی کسی که اندوه در رگ‌هایش هنگام مرگ رخنه کرده، باقی بماند. عبارت «أو صبراً»، یعنی به خاطر کشتن دیگری زندانی کند تا اینکه بمیرد؛ در حدیث از کشتن حیوانات به صورت «صبراً» نهی شده و آن عبارت است از اینکه آنها را زندانی کند و سپس سنگ بزند تا اینکه بمیرد؛ و از آن جمله، حدیثی درباره کسی است که شخصی را بگیرد و دیگری او را بکشد، پس فرموده است: کشنده را بکشید و نگهدارنده را نگهدارید؛ یعنی کسی را که برای مردن نگه داشته بود، زندانی کنید تا همانند کاری که با او کرده بود، خودش نیز بمیرد؛ و از همین رو به کسی که گردنش زده شده باشد، «قتل صبراً» گفته می‌شود، یعنی زندانی شده و گرفته شده برای کشتن؛ هر کسی که برای کشته شدن نگه داشته شود، «قتیل صبر» است؛ این را جوهری و هروی گفته‌اند. پایان.

فیروزآبادی گفته است: «القود» با فتحه حروف، یعنی قصاص. اصل عبارت حضرت علیه السلام: «و لا ممال» مهموز است؛ گفته می‌شود: «ملأه علی الأمر، مالأه»، یعنی او را کمک و پیروی کرد؛ و «تمالئوا علیه»، یعنی گرد آمدند.

**[ترجمه]

«۱۴»

کِتَابُ الصِّفِّینَ، لِنَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ قَالَ: لَمَّا خَرَجَ عَلِیٌّ علیه السلام مِنْ کُوفَهَ إِلَی صِفِّینَ وَ أَتَی دَیْرَ أَبِی مُوسَی صَلَّی بِهَا الْعَصْرَ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِی الطَّوْلِ وَ النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِی الْقُدْرَهِ وَ الْإِفْضَالِ أَسْأَلُ اللَّهَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِهِ وَ الْإِنَابَهَ إِلَی أَمْرِهِ فَإِنَّهُ سَمِیعُ الدُّعَاءِ.

**[ترجمه]البلد الامین: در کتاب «الحلیه» که برای ابی نعیم است، آمده است: هرکس هر روز بعد از نماز صبح و نماز عصر صد مرتبه {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌گرداند و او خود، زنده‌ای است که نمی‌میرد، خوبی فقط به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.} و صد مرتبه «سبحان الله و بحمده»، {منزه است خدا و او را ستایش می‌کنم.} را بگوید، از دسته غافلان نوشته نمی‌شود و اشتباهاتش، هرچند به اندازه کف دریا باشند، پاک می‌گردند. - . البلد الامین: ۱۹ (در حاشیه) -

**[ترجمه]

«۱۵»

مِصْبَاحَا الْمُتَهَجِّدِ(۲)، وَ الْکَفْعَمِیِ (۳)، وَ غَیْرُهَا: فِی تَعْقِیبِ الْعَصْرِ تَقُولُ- تَمَّ نُورُکَ فَهَدَیْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ عَظُمَ حِلْمُکَ فَغَفَرْتَ

فَلَکَ الْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ یَدَکَ فَأَعْطَیْتَ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۱۹ فی الهامش.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۵۲- ۵۳.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۳۴.

فَلَکَ الْحَمْدُ وَجْهُکَ أَکْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جَاهُکَ خَیْرُ الْجَاهِ وَ عَطِیَّتُکَ أَعْظَمُ الْعَطَایَا وَ أَهْنَؤُهَا یُطَاعُ رَبُّنَا فَیَشْکُرُ وَ یُعْصَی فَیَغْفِرُ وَ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ وَ یَکْشِفُ الضُّرَّ وَ یُنْجِی مِنَ الْکَرْبِ وَ یَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ یُغْنِی الْفَقِیرَ وَ یَشْکُرُ الیسر [الْیَسِیرَ] لَا یُجَازِی بِآلَائِکَ أَحَدٌ وَ لَا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قَائِلٍ وَ یَقُولُ أَیْضاً اللَّهُمَّ مُدَّ لِی أَیْسَرَ الْعَافِیَهِ وَ اجْعَلْنِی فِی زُمْرَهِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی الْعَاجِلَهِ وَ الْآجِلَهِ وَ بَلِّغْ بِیَ الْغَایَهَ وَ اصْرِفْ عَنِّی الْعَاهَاتِ وَ الْآفَاتِ وَ اقْضِ لِی بِالْحُسْنَی فِی أُمُورِی کُلِّهَا وَ اعْزِمْ لِی بِالرَّشَادِ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی أَبَداً یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ اللَّهُمَّ مُدَّ لِی فِی السَّعَهِ وَ الدَّعَهِ وَ جَنِّبْنِی مَا حَرَّمْتَهُ عَلَیَّ وَ وَجِّهْ لِی بِالْعَافِیَهِ وَ السَّلَامَهِ وَ الْبَرَکَهِ وَ لَا تُشْمِتْ بِیَ الْأَعْدَاءَ وَ فَرِّجْ عَنِّی الْکُرُوبَ وَ أَتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ أَصْلِحْ لِیَ الْحَرْثَ فِی الْإِصْلَاحِ لِأَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ وَ اجْعَلْنِی سَالِماً مِنْ کُلِّ سُوءٍ مُعَافًی مِنَ الضَّرُورَهِ فِی مُنْتَهَی الشُّکْرِ وَ الْعَافِیَهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ وَ مِنْ صَلَاهٍ لَا تُرْفَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَ الْفَرَجَ بَعْدَ الْکَرْبِ وَ الرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّهِ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ (۱).

**[ترجمه]کتاب الصفین که برای نصر بن مزاحم است، گفته است: وقتی علی علیه السلام از کوفه به طرف صفین خارج شد و به دیر ابی موسی رسید، در آنجا نماز عصر را خواند و بعد از اینکه تمام شد، گفت: «سبحان الله ذی الطول و النعم، سبحان ذی القدره و الافضال، أسأل الله الرضا بقضائه و العمل بطاعته و الانابه إلی أمره فانه سمیع الدعاء»،{منزه است صاحب بخشش و نعمت، منزه است دارنده قدرت و برتری. از خداوند، خشنودی به قضایش و عمل کردن برای طاعت او و بازگشتن به دستورش را خواستارم که او شنونده دعا است.}

**[ترجمه]

بیان

قال فی القاموس الحرث الکسب و جمع المال و المحجه المکدوده بالحوافر و الزرع و التفتیش و التفقه انتهی و أکثر المعانی متناسبه مع تجوز أو بدونه فی منتهی الشکر أی حال کونی فی منتهاه.

ص: ۹۴

۱- ۱. تراه فی البلد الأمین ص ۱۹.

**[ترجمه]مصباح المتهجد و الکفعمی و غیرها: در تعقیب نماز عصر می گویی:

{نور تو کامل شد و در پی آن هدایت کردی، پس تو را سپاس باد؛ بردباری تو افزون گشت و در پی آن مرا آمرزیدی، پس تو را سپاس باد؛ دستت را گشودی و در پی آن عطا کردی، پس تو را سپاس باد؛ ذات تو بزرگوارترین ذات‌ها و مقام تو، بهترین مقام‌ها و هدیه تو بزرگ‌ترین هدایا و شیرین‌ترین آنهاست؛ پروردگار ما اطاعت می‌شود و او سپاسگزاری می کند، و نافرمانی می‌شود و او می‌بخشد، درمانده را می‌پذیرد و سختی را برمی‌دارد و از گرفتاری نجات می‌دهد و گناه را می‌آمرزد و نیازمند را بی‌نیاز می کند و عمل کم را سپاس می گوید، هیچ کسی نمی‌تواند سپاس نعمت‌های تو را بجای آورد و سخن هیچ گوینده‌ای به ستایش درخور تو نمی‌رسد.}

و نیز می گویی: {خدایا، آسان‌ترین سلامتی را برایم همیشگی ساز و مرا در دنیا و آخرت در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بده و مرا به هدف برسان و سختی‌ها و آسیب‌ها را از من دور کن و در همه کارهایم، بهترین‌ها را برایم حتمی کن، و با راهنمایی، عزم مرا بیشتر کن و هرگز مرا به خودم وامگذار، ای دارنده شکوه و بزرگواری؛ خدایا، گشایش و فراخی را برای من مداوم ساز و مرا از آنچه بر من حرام کرده‌ای، به دور دار و با سلامتی و سلامت و خجستگی به من رو کن و دشمنان را سرزنش کننده من قرار نده و گرفتاری‌ها را از من بگشا و نعمتت را بر من تمام کن و دارایی‌ام را در راه نیکو ساختن دنیا و رستاخیزم، پاک و نیکو بگردان و مرا از هر بدی، سالم و از سختی، در امان بدار و در نهایت سپاسگزاری و سلامتی قرار ده و درود خدا و سلام بر محمد، پیامبر او و خاندانش باد.}

سپس می گویی: {خدایا، از سرشتی که سیر نشود، و از قلبی که فروتن نگردد، و از دانشی که سود نرساند، و از نمازی که بالا نرود، و از دعایی که شنیده نشود، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، از تو آسانی بعد از دشواری، و گشایش بعد از گرفتاری، و آسایش بعد از سختی را می‌خواهم؛ خدایا، هر نعمتی که داریم، از آن توست، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می گردم.} - . البلد الامین: ۱۹ -

**[ترجمه]

باب ۴۱ تعقیب صلاه المغرب

الأخبار

«۲»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، وَ مَجَالِسُ الْمُفِيدِ، عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ كَثِيراً مَا أَشْتَكِي عَيْنِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ أَلَا أُعَلِّمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ وَ تُكْفَى بِهِ وَجَعَ عَيْنِكَ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ تَقُولُ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ وَ دُبُرِ الْمَغْرِبِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا

أَبْقَيْتَنِی (۱).

**[ترجمه]مجالس الشیخ و پسرش: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس بعد از نماز، پیش از آنکه سخن بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} را هفت مرتبه تکرار کند، خداوند هفتاد نوع گرفتاری را از او دور می‌کند؛ و هر کس که نماز مغرب را خواند، پیش از سخن گفتن، آن را بگوید، خداوند هفتاد نوع گرفتاری را که کمترین آنها، جذام و برص است، از او دور می‌کند. - . أمالی الطوسی ۲: ۳۱ -

**[ترجمه]

«۳»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْمُغِیرَهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَالَ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الصُّبْحِ وَ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ یَثْنِیَ رِجْلَیْهِ أَوْ یُکَلِّمَ أَحَداً- إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ

ص: ۹۵

۱- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۹۹، أمالی المفید ص ۱۴۲.

قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ سَبْعِينَ فِی الدُّنْیَا وَ ثَلَاثِینَ فِی الْآخِرَهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا مَعْنَی صَلَاهِ اللَّهِ وَ صَلَاهِ مَلَائِکَتِهِ وَ صَلَاهِ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ صَلَاهُ اللَّهِ رَحْمَهٌ مِنَ اللَّهِ وَ صَلَاهُ مَلَائِکَتِهِ تَزْکِیَهٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاهُ الْمُؤْمِنِینَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فِی الصَّلَاهِ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْأَوَّلِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَإِ الْأَعْلَی وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلِینَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِیلَهَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِیلَهَ وَ الدَّرَجَهَ الْکَبِیرَهَ اللَّهُمَّ إِنِّی آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ رُؤْیَتَهُ وَ ارْزُقْنِی صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِی مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِیّاً سَائِغاً هَنِیئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ کَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِی فِی الْجِنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله عَنِّی تَحِیَّهً کَثِیرَهً وَ سَلَاماً فَإِنَّ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ هُدِمَتْ ذُنُوبُهُ وَ مُحِیَتْ خَطَایَاهُ وَ دَامَ سُرُورُهُ وَ اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ أُعْطِیَ أَمَلَهُ وَ بُسِطَ لَهُ فِی رِزْقِهِ وَ أُعِینَ عَلَی عَدُوِّهِ وَ هِیَ لَهُ سَبَبُ أَنْوَاعِ الْخَیْرِ وَ یُجْعَلُ مِنْ رُفَقَاءِ نَبِیِّهِ فِی الْجِنَانِ الْأَعْلَی یَقُولُهُنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غُدْوَهً وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ عَشِیَّهً(۱).

**[ترجمه]مجالس ابن الشیخ و مجالس المفید: پدر محمد جعفی گفته است: با افراد زیادی در مورد چشمم شکوه می کردم، در مورد آن با امام صادق علیه السلام شکوه کردم. فرمود: آیا دعایی برای دنیا و آخرتت و کفایت کننده تو برای بیماری چشمت، به تو بیاموزم؟ گفتم: بلی؛ فرمود: در دنباله نماز صبح و نماز مغرب می گویی: {خدایا، از تو به حق محمد و خاندان محمد بر تو، می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و نور را در دیدگانم، و روشنگری را در دینم، و یقین را در دلم، و وارستگی را در کارم، و سلامت را در جانم، و گستردگی را در روزی‌ام، و سپاسگزاری از تو را تا زمانی که مرا پابرجا داشته‌ای، قرار دهی.} – . أمالی الطوسی ۱: ۱۹۹؛ أمالی المفید: ۱۴۲ –

**[ترجمه]

«۴»

الْمَحَاسِنُ، عَنْ أَبِیهِ رَفَعَهُ قَالَ: کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام یُطِیلُ الْقُعُودَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ یَسْأَلُ اللَّهَ الْیَقِینَ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابی مغیره گفته است: از ابی الحسن علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرکس در دنباله نماز صبح و نماز مغرب، قبل از اینکه پاهایش را بگشاید و یا با کسی سخن بگوید، بگوید: «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی یا أیها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً، اللهم صل علی محمد و ذریته»، {خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید؛ خدایا، بر محمد و نسل او درود فرست.} خدا، صد نیاز او را برآورده می کند که هفتاد در دنیا و سی در آخرت خواهد بود. – گفته است: – به او گفتم: معنی درود خدا و درود فرشتگان و درود مؤمنان چیست؟ فرمود: درود خدا، رحمت اوست؛ درود فرشتگان، پاکیزگی برای او از جانب آنان است؛ و درود مؤمنان، دعای آنان برای اوست.

از اسرار خاندان محمد صلی الله علیه و آله، – درود فرستادن بر آنان، بعد از – درود بر پیامبر و خاندان اوست. {خدایا، بر محمد و خاندان محمد، در میان گذشتگان درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد، در میان باقی‌ماندگان درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد در جایگاه والاتر درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد، در میان فرستادگان درود فرست؛ خدایا، به

محمـد، دسـتاویز و شـرافت و برتری و مرتبه بزرگتری عطا کن؛ خدایا، من به محمد ایمان آورده‌ام، ولی او را ندیده‌ام؛ پس در قیـامت از دیـدن او محرومم نکن و همنشـینی بـا او را روزی‌ام کن و جـانم را در پایبنـدی به دین او بسـتان و مرا از حـوض او، نوشـیدنی که گوارا و خوشـگوار باشد و بعد از آن، هرگز تشـنگی نباشد، بنوشان، که تو بر هر چیزی توانایی؛ خدایا، چنان که بدون دیدن، به محمد ایمان آوردم، تو نیز در بهشت صورت او را به من بشـناسان؛ خدایا، از طرف من درود فراوان و سـلام به روح محمد صلی الله علیه و آله برسان.}

هرکس با این صـلوات‌ها بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد، گناهانش از بین رفته و اشتباهاتش پاک می‌شوند و شادی... اش ادامه می‌یابـد و دعایش پـذیرفته شـده و خواسـته‌اش به او داده می‌شود و روزی‌اش گسترده می‌گردد و در برابر دشـمنانش یـاری می‌شود و این برای او بـاعث انواع خوبی می‌گردد و در بالاـترین بهشت از یـاران پیامبرش قرار می‌گیرد؛ اگر آنها را سـه مرتبه صبحگاه و سه مرتبه در شبانگاه بگوید. - . ثواب الاعمال: ۱۴۱-۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۵»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: إِذَا سَـلَّمَ مِنْ صَـلَاهِ الْمَغْرِبِ وَ فَرَغَ مِمَّا مَرَّ مِنْ تَسْبِیـحِ الزَّهْرَاءِ علیها السـلام وَ غَیْرِهِ فَلْیَقُلْ مَا رَوَاهُ عَلِیُّ بْنُ الصَّلْتِ عَنْ إِسْحَاقَ وَ إِسْمَاعِیلَ ابْنَیْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِیهِمَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا أَمْسَیْتَ وَ أَصْبَحْتَ فَقُلْ فِی دُبُرِ الْفَرِیضَهِ فِی صَلَاهِ الْمَغْرِبِ وَ صَلَاهِ الْفَجْرِ- أَسْتَعِیذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْ اکْتُبَا رَحِمَکُمَا اللَّهُ

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- ۲. المحاسن ص ۲۴۸ فی حدیث.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمْسَيْتُ وَ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِناً عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ سُنَّتِهِ وَ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ سُنَّتِهِ وَ عَلَى دِينِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ سُنَّتِهَا وَ عَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ سُنَّتِهِمْ وَ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ بِغَيْبِهِمْ وَ شَهَادَتِهِمْ وَ أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ وَ يَوْمِي هَذَا مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْأَوْصِيَاءُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۱).

ثُمَّ يَقُولُ مَا رَوَاهُ أَبُو غَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الزُّرَارِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَهُ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَداً- إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً قَضَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ سَبْعِينَ مِنْهَا لِلْآخِرَةِ وَ ثَلَاثِينَ لِلدُّنْيَا(۲).

وَ يَقُولُ أَيْضاً مَا رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ يَعْنِي الرِّضَا عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ هُوَ ثَانٍ رِجْلَهُ بَعْدَ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ بَعْدَ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ صَرَفَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَدْنَاهَا الْجُذَامُ وَ الْبَرَصُ وَ السُّلْطَانُ وَ الشَّيْطَانُ (۳).

وَ مِمَّا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ بِإِسْنَادِهِ فِي كِتَابِ الدُّعَاءِ مِنْ كِتَابِ الْكَافِي عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَنْقُضَ رُكْبَتَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ فِي

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۹.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۲۳۰.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۲۳۰.

الْمَغْرِبِ مِثْلَهَا لَمْ يَلْقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدٌ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِهِ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِمِثْلِ عَمَلِهِ (۱).

وَ يَقُولُ أَيْضاً: بَعْدَ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ وَ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ- سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ فَقَدْ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فِي حَدِيثٍ هَذَا الْمُرَادُ مِنْهُ أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَالَ ذَلِكَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْكَتَبَهِ اكْتُبُوا لِعَبْدِيَ الْمَغْفِرَهَ بِمَعْرِفَتِهِ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنَا(۲).

**[ترجمه]المحاسن: از پدرش که آن را به صورت مرفوع نقل کرده و گفته است: امام علی فرزند امام حسین علیهما السلام، بعد از نماز مغرب زیاد می‌نشست و از خدا، یقین می‌خواست. - . المحاسن: ۳۴۸ (در ضمن حدیث) -

**[ترجمه]

بیان

ثان رجله أی لم یغیرها عما کانت علیه فی التشهد ببسطها بالقیام أو غیر ذلک و هو المراد بقوله قبل أن ینقض رکبتیه و فی بعض النسخ قبل أن یقبض أی یرفعهما مقربا لهما إلی بدنه یحیی و یمیت و یمیت و یحیی الإحیاء الأول فی الدنیا و کذا الإماته أولا و الإماته الثانیه فی القبر فتدل ضمنا علی إحیاء آخر و لما کانت مده تلک الحیاه قلیله لم یذکرها صریحا و الإحیاء ثانیا فی الآخره و لم یذکر الإحیاء و الإماته فی الرجعه لعدم عمومهما و شمولهما لکل أحد مع أنه یحتمل أن تکون الإماته الثانیه إشاره إلیه و لا یبعد أن یکون المراد بکل من الفقرتین جنس الإماته و الإحیاء و التکریر لبیان استمرارهما و کثرتهما.

قوله علیه السلام إلا من جاء فیه أنه إذا جاء بمثل عمله کیف یکون أفضل من عمله إلا أن یقال المراد أنه جاء بأعمال أخر مع هذا العمل و الحاصل أنه لا یکون عمل آخر أفضل من هذا العمل إلا إذا انضم إلیه فیکون المجموع أفضل.

**[ترجمه]فلاح السائل: وقتی سلام نماز مغرب را داد و از تسبیح زهرا سلام الله علیها و موارد دیگر که گذشت، فارغ شد، پس باید آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده، بگوید. حضرت فرمود: در شبانگاه و صبحگاه، در دنباله نماز واجب مغرب و عشاء ده مرتبه بگو: «أستعیذ بالله من الشیطان الرجیم»، {از بدی شیطان رانده شده، به خدا پناهنده می‌شوم.}

سپس بگو: «اکتبا رحمکما الله»، {بنویسید، خدا بر شما دو تا رحمت فرستد.}

{به نام خدای بخشنده مهربان؛ با ایمان به خدا، شب و روز می‌کنم و بر دین و سنت محمد صلی الله علیه و آله و بر دین و سنت علی علیه السلام و بر دین و سنت فاطمه سلام الله علیها و بر دین و سنت جانشینان آن‌ها صلوات الله علیهم پایبند هستم و به نهان و آشکار آنان و به پنهان و پیدای آنان ایمان آورده‌ام؛ و در این شب و این روزم، از آنچه که محمد و علی و فاطمه و جانشینانشان صلی الله علیهم به خدا پناهنده شده‌اند، پناهنده می‌شوم؛ و در آنچه به خدا روی آورده‌اند، من نیز روی می‌آورم؛ و هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدا وجود ندارد.} - . فلاح السائل: ۲۲۹ -

سپس آنچه را که معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده، می گویی. فرموده است: هرکس در دنباله نماز صبح و نماز مغرب، قبل از اینکه پاهایش را بگشاید و یا با کسی سخن بگوید، یک بار بگوید: «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی یا أیها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً، اللهم صل علی محمد و ذریته و علی أهل بیته»، {خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید؛ خدایا، بر محمد و نسل او و بر افراد خانه او درود فرست.} خدا، صد نیاز او را برآورده می کند: هفتاد تا از آنها در آخرت و سی تا در دنیا. - . فلاح السائل: ۲۳۰ -

و نیز آنچه را که اسماعیل بن همام از ابی الحسن یعنی امام رضا علیه السلام روایت کرده است، می گوید. حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: هرکس بعد از نماز مغرب، در حالی که دو زانو نشسته و پیش از اینکه سخن بگوید، و بعد از نماز صبح و پیش از اینکه سخن بگوید، هفت مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} خداوند هفتاد نوع گرفتاری را که کمترین آن، جذام و برص و فرمانروای سلطه گر و شیطان است، از او دور می کند. - . فلاح السائل: ۲۳۰ -

از آنچه با اسناد به محمد بن یعقوب کلینی روایت کردیم، روایتی همراه با اسناد آن در کتاب الدعاء کتاب الکافی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس نماز صبح را بخواند و قبل از اینکه حالت زانوهایش را تغییر دهد، ده مرتبه بگوید: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد؛ تنهاست و شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می گرداند؛ و او زنده‌ای است که نمی‌میرد؛ هر خوبی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.} و در مغرب نیز این گونه کند، هیچ بنده‌ای با کاری با فضیلت... تر از این کار او، خدا را دیدار نمی کند؛ مگر اینکه او نیز چنین کرده باشد. - . فلاح السائل: ۲۳۱ -

و نیز بعد از نماز مغرب و بعد از نماز صبح بگوید: «سبحانک لا إله إلا أنت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعاً إلا أنت»، {تو منزهی، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، همه گناهان مرا به طور کامل بیامرز که هیچ کسی جز تو، همه گناهان را بطور کلی نمی‌آمرزد.} در حدیثی از امام باقر علیه السلام که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده، اینگونه برداشت می‌شود که وقتی بنده آن را می گوید، خداوند باشکوه به نویسندگانش می‌فرماید: به خاطر این بینش بنده‌ام که بخشنده همه گناهان به طور کلی را جز من نمی‌داند، برای او آمرزش بنویسید. - . مصباح الشیخ: ۷۳ -

**[ترجمه]

أقول

وَ ذَکَرَ الشَّیْخُ (۳) وَ الْکَفْعَمِیُّ وَ ابْنُ الْبَاقِی وَ غَیْرُهُمْ أَکْثَرَ الْأَدْعِیَهِ الْمُتَقَدِّمَهِ وَ زَادُوا عَلَیْهَا: ثُمَّ قُلْ عَشْراً مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِکَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَ السَّلَامَهَ مِنْ کُلِّ إِثْمٍ وَ الْغَنِیمَهَ مِنْ کُلِ

١- ١. فلاح السائل ص ٢٣١.
٢- ٢. فلاح السائل ص ٢٣١.
٣- ٣. مصباح الشيخ ص ٧٣.

بِرٍّ وَ النَّجَاهَ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّهٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَ الرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ وَ جِوَارَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ (۱).

ثم ذكروا أكثر التعقيبات بعد النوافل لضيق وقت النوافل.

قال السيد قدس سره في فلاح السائل و لا تكثر في تعقيب المغرب قبل أن تصلي نوافلها لأن أفضل وقت نوافل صلاه المغرب إلى زوال الشفق من أفق المغرب انتهى (۲).

و قال الشهيد قدس الله سره في الذكرى قال المفيد تفعل نافله المغرب بعد التسبيح و قبل التعقيب كما فعلها النبي صلى الله عليه و آله لما بشّر بالحسن عليه السلام فإنه صلى ركعتين شكرا فلما بشر بالحسين عليه السلام صلى ركعتين و لم يعقب حتى فرغ منها و ابن الجنيد لا يستحب الكلام و لا عمل شي ء بينها و بين المغرب.

ثم قال و لو قيل بامتداد وقتها أي النافله بوقت المغرب أمكن لأنها تابعه لها و إن كان الأفضل المبادره بها قبل كل شي ء سوى التسبيح و عد ره في النفليه مما يختص بالمغرب تأخير تعقيبها إلى الفراغ من راتبتها.

**[ترجمه]«ثان الرجل»، یعنی پایش را از حالتی که در تشهد بود، با باز کردن هنگام برخاستن و جز آن، تغییر ندهد. منظور از عبارت «قبل أن ینقض رکبتیه» نیز همین است. در بعضی از نسخه‌ها «قبل أن یقبض» آمده، یعنی آنها را بالا و در نزدیکی بدن آورد. در «یحیی و یمیت و یمیت و یحیی»، زنده کردن اول و همین‌طور میراندن اول، در دنیا است و میراندن دوم، در قبر است، پس به طور ضمنی بر زنده کردن دیگر نیز دلالت می‌کند؛ ولی از آنجا که مدت این زنده کردن کوتاه است، آن را به صراحت بیان نکرده است؛ و زنده کردن دوباره، در آخرت است. زنده کردن و میراندن در رجعت را به خاطر عمومی نبودن و شامل همه نشدن آن، ذکر نکرده است؛ هرچند احتمال دارد میراندن دومی اشاره به آن باشد. همچنین بعید نیست منظور از هر قسمت، جنس میراندن و زنده کردن باشد و تکرار، برای بیان استمرار داشتن و فراوان بودن آن است.

عبارت «إلا من جاء» این اشکال را دارد که اگر عملی مانند عمل او بیاورد، چگونه با فضیلت‌تر از عمل او می‌شود؟ مگر اینکه گفته شود: اعمال دیگری همراه آن عمل داشته باشد؛ نتیجه اینکه هیچ عمل دیگری با فضیلت‌تر از این عمل نیست، مگر اینکه - عمل‌های دیگری - به آن ضمیمه شود که در این صورت، مجموع آنها با فضیلت‌تر می‌شود.

**[ترجمه]

و لعل الأولى رعايه الأمرين معا بأن يأتي بالتعقيبات ما لا ينافي ما يريد الإتيان به من النوافل ثم يؤخر البقيه إذ يأتي في الخبر أن تعقيب الفريضه أفضل من النافله و قد وردت الأخبار بأن لا نافله في وقت الفريضه(۳).

ص: ۹۹

۱- ۱. البلد الأمين ص ۲۹.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۲۳۲.

۳- ۳. الاخبار التی تحکم بأن لا نافله فی وقت الفریضه انما ینظر الی الوقت المقـدر لها بته، فوقت الفجر و المغرب مقدر فرضا و سنه فـإذا حـان الوقت لا تقبل نافله من المصـلی و لا التعقیب و قـد طولب بأداء الفرض، و هکـذا وقت العشاء الآخره و العصـرین مقـدر بالسـنه، فـاذا حـان وقتهـا بالتـأذین لهـا فلا نافله و لا تعقیب. و أمّا بعـد أداء الفریضه فهو بالخیار، ان کان فرض علی نفسـه النوافـل المرتبه یـأتی بهـا، و ان کـان فرض علی نفسه التعقیب و الـدعاء عقب، و ان أراد أن یجمع بینهمـا جمع لکنه بعـد صـلاه المغرب حیث یدخل وقت العشاء معجلا لا بد و ان یسـتعجل لاداء النافله حیث یفوت وقتها بذهاب الشـفق. لکنک قد عرفت فی ج ۸۲ ص ۲۹۳ أن المحکم فی روایـات النافله هو حـدیث زراره فتکون نافله المغرب رکعتین، و یکون الوقت واسـعا للتعقیب و النـافله معـا و انما یتعجل من یصـلی نافله المغرب أربع رکعات، خصوصا إذا أراد أن یخرج من المسـجد و یصـلیها فی بیته درکا لفضل النوافل، کما کان یفعله رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله.

وَ يُؤَيِّدُ التَّأْخِيرَ مَا رَوَاهُ الْمُفِيدُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِي إِرْشَادِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: أَنَّهُ لَمَّا تَزَوَّجَ بِنْتَ الْمَأْمُونِ وَ حَمَلَهَا قَاصِداً إِلَى الْمَدِينَهِ سَارَ إِلَى شَارِعِ بَابِ الْكُوفَهِ وَ النَّاسُ مَعَهُ يُشَيِّعُونَهُ فَانْتَهَى إِلَى دَارِ الْمُسَيَّبِ عِنْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ فَنَزَلَ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ كَانَ فِي صَحْنِهِ نَبْقَهٌ لَمْ تَحْمِلْ بَعْدُ فَدَعَا بِكُوزٍ فِيهِ مَاءٌ فَتَوَضَّأَ فِي أَصْلِ النَّبْقَهِ وَ قَامَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاهَ الْمَغْرِبِ فَقَرَأَ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ وَ قَرَأَ فِي الثَّانِيَهِ الْحَمْدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قَنَتَ قَبْلَ رُكُوعِهِ وَ صَلَّى الثَّالِثَهَ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ ثُمَّ جَلَسَ هُنَيْئَهً يَذْكُرُ اللَّهَ وَ قَامَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُعَقِّبَ فَصَلَّى النَّوَافِلَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ عَقَّبَ بَعْدَهُ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ فَلَمَّا انْتَهَى النَّاسُ إِلَى النَّبْقَهِ رَأَوْهَا وَ قَدْ حَمَلَتْ حَمْلًا حَسَناً فَتَعَجَّبُوا وَ أَكَلُوا مِنْهَا فَوَجَدُوهُ نَبْقاً حُلْواً لَا عَجَمَ لَهُ فَوَدَّعُوهُ وَ مَضَى (۱).

**[ترجمه]شیخ و کفعمی و ابن الباقی و دیگران، بیشتر دعاهای پیش گفته را آورده‌اند و بر آن، افزوده‌اند: سپس ده مرتبه بگو: «ما شاء الله لا قوّه إلّا بالله أستغفر الله»، {هرچه خدا بخواهد؛ هیچ توانی جز به سبب خدا وجود ندارد؛ از خدا آمرزش می‌خواهم.} و می‌گوید: {خدایا، از تو آنچه را که موجب رحمتت و سبب آمرزشت می‌شود، و سالم بودن از هر گناه و بهره بردن از هر نیکی و نجات یافتن از آتش و از هر گرفتاری و دستیابی به بهشت و رضوان و خانه سلامت و همسایگی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را خواستارم؛ خدایا، هر نعمتی برای ما وجود دارد، از آن توست، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.} - . البلد الامین: ۲۹ - سپس به خاطر کم بودن وقت نافله‌های مغرب، بیشتر تعقیبات را بعد از نافله‌ها ذکر کرده‌اند.

سید - که روانش پاک باد - در فلاح السائل گفته است: قبل از خواندن نافله‌های مغرب، زیاد تعقیبات به جای نیاور؛ چرا که برترین وقت بجای آوردن نافله‌های نماز مغرب، تا از بین رفتن شفق از کرانه مغرب است. پایان. - . فلاح السائل: ۲۳۲ -

شهید - که خدا روانش را پاک گرداند- در الذکری گفته است: شیخ مفید گفته است: نافله مغرب را بعد از تسبیح و قبل از تعقیب انجام بده؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله، زمانی که به - تولد امام - حسن علیه السلام مژده داده شد، چنین کرد و دو رکعت نماز شکر به جای آورد و زمانی که به - تولد امام - حسین علیه السلام مژده داده شد، دو رکعت نماز خواند و تا فارغ شدن از آن، تعقیب به جای نیاورد. ابن جنید، سخن گفتن و نیز انجام هیچ کاری را بین نافله مغرب و نماز مغرب مستحب نمی‌داند.

سپس گفته است: اگر گفته شود وقت آن، یعنی نافله تا وقت خود نماز مغرب، ادامه دارد، چنین چیزی امکان دارد؛ زیرا نافله مغرب تابع نماز مغرب است، هرچند با فضیلت‌تر آن است که قبل از هر چیزی به جز تسبیح، به آن اقدام شود. وی - که رحمت خدا بر او باد- در النفلیه، به تأخیر انداختن تعقیب آن تا زمان فارغ شدن از نافله‌های آن را از امور اختصاصی نماز مغرب برشمرده است.

**[ترجمه]

سیأتی هذا الخبر فی نوافل المغرب نقلا عن الخرائج أیضا و هو یومی إلی ما ذکرنا من التوسط لأن قوله من غیر أن یعقب محمول علی أنه لم یعقب کثیرا لقوله قبل ذلک یذکر الله و ما سیأتی مصرح بذلک.

وَ سَيَأْتِي أَيْضاً فِي خَبَرِ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ: أَنَّ الرِّضَا عليه السلام كَانَ إِذَا سَلَّمَ عَنِ الْمَغْرِبِ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَ يُحَمِّدُهُ وَ يُكَبِّرُهُ وَ يُهَلِّلُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يَقُومَ فَيُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ يَجْلِسُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ فِي التَّعْقِيبِ مَا شَاءَ اللَّهُ.

وَ رَوَى الشَّيْخُ عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الْخَفَّافِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ: مَنْ صَلَّى

١- ١. إرشاد المفيد ص ٣٠۴.

الْمَغْرِبَ ثُمَّ عَقَّبَ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ كُتِبَتَا لَهُ فِي عِلِّيِّينَ فَإِنْ صَلَّى أَرْبَعاً كُتِبَتْ لَهُ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ.

و هذا يدل على تقديم التعقيب فى الجمله.

و العجب أن الشيخ ذكر هذا الخبر حجه للمفيد و أما تقديم سجده الشكر و تأخيرها فسنفصل الكلام فى بابه إن شاء الله.

**[ترجمه]شاید رعایت هر دو امر باهم، بهتر باشد؛ به این صورت که ابتدا آن تعقیبات را که با نافله‌هایی که می‌خواهد بجای آورد، منافات نداشته باشد، انجام دهد، سپس باقیمانده آنها را با تأخیر انجام می‌دهد؛ چرا که در خبر آمده است که تعقیب نماز واجب از نماز نافله برتر است و روایاتی نیز در این باره که در زمان نماز واجب نافله‌ای وجود ندارد، وارد شده است. - . روایت‌هایی که حکم می‌کنند در وقت واجب، نافله نیست، قطعاً ناظر به وقت معین شده برای آنها هستند. پس وقت واجب نماز صبح و مغرب که در سنت نیز همان‌گونه است، تعیین شده است؛ پس اگر وقت آن برسد، از نمازگزار نه نافله پذیرفته می‌شود و نه تعقیب، بلکه از او به جای آوردن نماز واجب خواسته شده است. همین طور وقت نماز عشاء آخری و نماز ظهر و عصر، در سنت تعیین شده‌اند و اگر وقت آن، با اذان برای آن، برسد، در آن وقت، نه نافله‌ای خواهد بود و نه تعقیبی.

ولی بعد از به جای آوردن نماز واجب، مختار است؛ اگر بر خود نافله‌های ترتیب داده شده را لازم کرده باشد، آنها را بجای می‌آورد و اگر بر خود، تعقیب و دعا خواندن را لازم کرده باشد، به آن می‌پردازد و اگر بخواهد بین آنها جمع کند، جمع می‌شود. لکن از آنجا که با فاصله کمی بعد از نماز مغرب، وقت نماز واجب عشاء داخل می‌شود، ناگزیر باید نافله نماز مغرب را که وقت آن با رفتن سرخی شفق تمام می‌شود، سریع‌تر بجای آورد.

ولی همان طور که در جلد ۸۲، صفحه **۲۹۳** دانستی، قوی‌ترین روایت از میان روایات مربوط به نافله، حدیث زراره است که طبق آن، نافله نماز مغرب دو رکعت است و از این رو، وقت کافی برای تعقیب و نافله با هم، وجود دارد و کسی که می‌خواهد چهار رکعت نافله مغرب بخواند، برای رسیدن به فضیلت نافله‌ها باید شتاب کند؛ مخصوصاً اگر بخواهد از مسجد بیرون آید و آنها را در خانه بخواند، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کرد. -

و آنچه به تأخیر انداختن تعقیبات مغرب را تأیید می‌کند، روایتی است که شیخ مفید در کتاب ارشادش از امام محمد تقی علیه السلام نقل کرده است که زمانی که با دختر مأمون ازدواج کرد و خواست او را به مدینه ببرد، در حالی که مردم او را همراهی می‌کردند، به طرف خیابان باب الکوفه حرکت کرد و هنگام غروب خورشید، به دارالمسیب رسید؛ در آنجا فرود آمد و وارد مسجد شد و در فضای آن، درخت سدری بود که دیگر میوه نمی‌آورد؛ کوزه‌ای خواست و در کنار تنه درخت وضو گرفت و برای خواندن نماز مغرب با جماعت، ایستاد؛ در رکعت اول، حمد و «إذا جاء نصر الله و الفتح» و در رکعت دوم، حمد و «قل هو الله أحد» را خواند و قبل از رکوع، قنوت گرفت و رکعت سوم را نیز خواند و تشهد را گفت و سلام داد؛ سپس اندکی، در حالی که ذکر می‌گفت، نشست و بدون اینکه تعقیب بگوید، برخاست چهار رکعت نافله خواند و بعد از آن، تعقیب خواند و دوتا سجده شکر بجای آورد .

وقتی تمام شد، مردم به درخت سدر نگاه کردند و دیدند میوه‌ای تازه آورده است، پس شگفت زده شدند و از آن خوردند و

آن را سدری شیرین و بدون هسته یافتند؛ سپس آن را ترک کردند و از بین رفت. - . ارشاد المفید: ۳۰۴ -

**[ترجمه]

«۶»

الْكَافِي، بِسَنَدِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطْ رِجْلَكَ وَ لَمْ تُكَلِّمْ أَحَداً حَتَّى تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْمَغْرِبِ وَ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْغَدَاةِ فَمَنْ قَالَهَا رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ مِائَةَ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَدْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَ الْجُذَامُ وَ الشَّيْطَانُ وَ السُّلْطَانُ (۱).

**[ترجمه]این خبر در قسمت نافله‌های مغرب نیز به نقل از خرائج، خواهد آمد. این، همان طور که ما گفتیم، اشاره به فاصله انداختن دارد؛ به این دلیل که سخن او: «من غير أن يعقب»، حمل بر این می‌شود که او زیاد تعقیبات را نخواند، به دلیل عبارت قبلی او که «یذکر الله»، {ذکر خدا را می گفت.} و آنچه خواهد آمد، به این تصریح کرده است.

همچنین در خبر رجاء بن ابی ضحاک خواهد آمد که امام رضا علیه السلام، بعد از اینکه سلام نماز مغرب را داد، در محل نمازش نشست و «سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر و لا إله إلا الله و ما شاء الله» می گفت؛ سپس یک سجده شکر کرد و سرش را بالا- آورد و بدون اینکه سخنی بگوید، برخاست و چهار رکعت نماز خواند، سپس بعد از سلام دادن، نشست و فراوان تعقیبات گفت.

شیخ از ابی العلاء خفّاف، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرکس بعد از خواندن نماز مغرب، به تعقیبات بپردازد و بدون اینکه سخنی بگوید، دو رکعت نماز بخواند، آن دو رکعت برای او در علیین نوشته می‌شود و اگر چهار رکعت بخواند، برای او یک حج پذیرفته شده نوشته می‌شود؛ و این به طور خلاصه، دلالت بر مقدم بودن تعقیبات دارد.

شگفت آنکه شیخ این خبر را دلیلی برای شیخ مفید بیان کرده است. مقدم بودن سجده شکر و یا مؤخر بودن آن را در قسمت خودش به طور مفصل خواهیم آورد؛ إنشاءالله.

**[ترجمه]

«۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنْ تَعْقِيبِ فَرِيضَةِ الْمَغْرِبِ مَا يَخْتَصُّ بِهَا مَا رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مِنَ الدُّعَاءِ عَقِيبَ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ فَمِنْهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي مَا كَانَ صَالِحاً وَ أَصْلِحْ مِنِّي مَا كَانَ فَاسِداً اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْنِي عَلَى فَسَادِ مَا أَصْلَحْتَ مِنِّي وَ أَصْلِحْ لِي مَا أَفْسَدْتُهُ مِنْ نَفْسِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَتِكَ وَ نَالَتْهُ يَدِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ وَ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَعَةِ رِزْقِكَ وَ احْتَجَبْتُ فِيهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ وَ اتَّكَلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ نَدِمْتُ عَلَى فِعْلِهِ وَ اسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَ أَنَا عَلَيْهِ وَ رَهِبْتُكَ وَ أَنَا فِيهِ رَاجَعْتُهُ وَ عُدْتُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ أَوْ جَهِلْتُهُ ذَکَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ أَخْطَأْتُهُ أَوْ تَعَمَّدْتُهُ هُوَ مِمَّا لَا أَشُکُّ أَنَّ نَفْسِی مُرْتَهَنَهٌ بِهِ وَ إِنْ کُنْتُ أَنْسِیتُهُ وَ غَفَلْتُ عَنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ جَنَیْتُهُ عَلَیَّ بِیَدِی وَ آثَرْتُ فِیهِ شَهْوَتِی أَوْ سَعَیْتُ فِیهِ لِغَیْرِی أَوِ اسْتَغْوَیْتُ فِیهِ مَنْ تَابَعَنِی أَوْ کَابَرْتُ فِیهِ مَنْ مَنَعَنِی أَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِی أَوْ لَطُفْتُ فِیهِ بِحِیلَهٍ غَیْرِی أَوِ اسْتَزَلَّنِی إِلَیْهِ مَیْلِی وَ هَوَایَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخَالَطَنِی فِیهِ مَا لَیْسَ لَکَ وَ شَارَکَنِی

ص: ۱۰۱

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۳۱.

فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ بِمَا عَقَدْتُهُ عَلَى نَفْسِی ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَایَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ وَ جُدْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ الْبَاقِی الدَّائِمِ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِنُورِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ کُشِفَتْ بِهِ ظُلُمَاتُ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ دُبِّرَتْ بِهِ أُمُورُ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُصْلِحَ شَأْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]الکافی: امام کاظم علیه السلام فرموده است: بعد از خواندن نماز مغرب، پایت را دراز نکن و با کسی سخن نگو، مگر اینکه صد مرتبه گفته باشی: «بسم الله الرحمن الرحیم، و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} هر کس آن را صد مرتبه در مغرب و صد مرتبه در صبح بگوید، خداوند صد نوع گرفتاری را که کمترین آن، جذام و برص و فرمانروای سلطه‌گر و شیطان است، از او دور می‌کند. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

**[ترجمه]

بیان

فخالطنی فیه ما لیس لک أی نیه لا ترضاها أو لا ترجع إلیک کما إذا کان الغرض الجنه أو الخلاص من النار فإنهما یرجعان إلیه تعالی أو بدعه لا توافق أمرک و رضاک و کذا الفقره التی تلیها.

**[ترجمه]فلاح السائل: از تعقیبات مخصوص نماز مغرب، آن است که از امیرالمؤمنین علیه السلام، برای دعا در دنباله... نمازهای واجب پنجگانه، و از جمله نماز مغرب روایت شده است: {خدایا، هر چیز نیکویی از سوی من را بپذیر و هر چیز ناشایستی از سوی من را نیکو گردان؛ خدایا، ناشایستی را که از من نیکو گردانیده‌ای، مرا بر آن چیره نگردان، و هرچه را که از نفسم تباه کرده ام، برایم نیکو گردان. خدایا، از هر گناهی که بدنم با سلامتی داده شده از سوی تو، بر آن توانا گشته، و دستم به کمک نعمت بخشیده شده از سوی تو، به آن یازیده است، و با وجود گستردگی نعمت تو، به سوی آن دست دراز کردم، و با پوشش تو، آن را از مردم پنهان کردم، و در آن به گذشت بزرگوارانه تو دل بستم، آمرزش می‌خواهم. خدایا، از هر گناهی که از آن به سوی تو توبه کرده و بر انجام آن پشیمان شده‌ام، و از تو شرمسار گشته ولی بر آن مصمم بوده‌ام، و به سوی تو گریخته‌ام و خود در فکر ادامه آن بوده‌ام، از آن برگشته و باز به طرف آن روی آورده‌ام، از تو آمرزش می‌خواهم. خدایا، از هر گناهی که آن را می‌دانستم یا به آن نادان بودم، به یاد آن بودم یا فراموش کرده بودم، از روی اشتباه انجام دادم یا عمداً مرتکب شدم، که آن از گناهانی است که بی‌تردید جانم در گرو آن است، هرچند آن را فراموش کرده یا نسبت به آن بی‌توجه بوده‌ام، از تو آمرزش می‌خواهم.

خدایا، از هر گناهی که با دست خودم بر خودم جنایت کردم، و در آن از هوسم پیروی کردم؛ یا در آن برای دیگری تلاش کردم؛؛ یا از طریق آن، کسی را که از من پیروی می‌کرد، به گمراهی کشاندم؛ یا با کسی که مرا منع می‌کرد، ستیز کردم؛ یا از روی نادانی او را از خود راندم؛ یا در راه آن، به راهنمایی دیگری خوشرویی نشان دادم؛ یا میل و هوسم مرا به طرف آن لغزاند، از تو آمرزش می‌خواهم. خدایا، از همه چیزهایی که در آن، تو را اراده کرده بودم ولی آنچه که برای تو نبود، در نیت

من وارد شد، و چیزی که موجب ناخالصی عمل نسبت به تو می‌شد، با من در آن شریک شد، از تو آمرزش می‌خواهم. درباره چیزی که بر خودم عهد کرده بودم ولی هوسم با آن مخالفت کرد، از تو آمرزش می‌خواهم. خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از آتش برهان، و با فضل خودت بر من ببخش.

خدایا، از تو به احترام ذات بزرگوار و جاودانه و پایدارت که با نور آن، آسمان‌ها و زمین نورانی گشته و با آن، تاریکی‌های خشکی و دریا برچیده شده و با آن، امور جن و انسان اداره می‌شود، می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و جایگاه مرا نیکو بگردانی، به خاطر رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان.} - . فلاح السائل: ۲۳۷-۲۳۸ -

**[ترجمه]

«۸»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: وَ مِنْ تَعْقِيبِ فَرِيضَهِ الْمَغْرِبِ أَيْضاً مَا يَخْتَصُّ بِهَا مِمَّا رُوِيَ عَنْ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَهَ علیها السلام مِنَ الدُّعَاءِ عَقِيبَ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ وَ هُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا يُحْصِی مَدْحَهُ الْقَائِلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا يُحْصِی نَعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا يُؤَدِّی حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِی الْمُمِيتُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّوْلِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا يُدْرِكُ الْعَالِمُونَ عِلْمَهُ وَ لَا يَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ وَ لَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ وَ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ وَ لَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نَعْتَهُ.: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِی الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ الْعِزِّ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْبَهَاءِ وَ الْجَلَالِ وَ الْمَهَابَهِ وَ الْجَمَالِ وَ الْعِزَّهِ وَ الْقُدْرَهِ وَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ وَ الْمِنَّهِ وَ الْغَلَبَهِ وَ الْفَضْلِ وَ الطَّوْلِ وَ الْعَدْلِ وَ الْحَقِّ وَ الْخَلْقِ وَ الْعَلَاءِ وَ الرِّفْعَهِ وَ الْمَجْدِ وَ الْفَضِيلَهِ وَ الْحِكْمَهِ وَ الْغِنَاءِ وَ السَّعَهِ وَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحُجَّهِ الْبَالِغَهِ وَ النِّعْمَهِ السَّابِغَهِ وَ الثَّنَاءِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَ الْآلَاءِ الْكَرِيمَهِ مَلِكِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ مَا فِيهِنَّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ وَ اطَّلَعَ عَلَى مَا تُجِنُّ الْقُلُوبُ فَلَيْسَ عَنْهُ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۳۷- ۲۳۸.

مَذْهَبٌ وَ لَا مَهْرَبٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِى سُلْطَانِهِ الْعَزِيزِ فِى مَكَانِهِ الْمُتَجَبِّرِ فِى مُلْكِهِ الْقَوِىِّ فِى بَطْشِهِ الرَّفِيعِ فَوْقَ عَرْشِهِ الْمُطَّلِعِ عَلَى خَلْقِهِ وَ الْبَالِغِ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشِّدَادُ وَ ثَبَتَتِ الْأَرَضُونَ الْمِهَادُ وَ انْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِى الْأَوْتَادُ وَ جَرَتِ الرِّيَاحُ اللَّوَاقِحُ وَ سَارَ فِى جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَ وَقَفَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ وَ انْقَمَعَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ تَبَارَكْتَ يَا مُحْصِىَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ مُحْيِىَ أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا أَتَاكَ مُسْتَجِيراً مُسْتَغِيثاً مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفِنَائِكَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضَاكَ وَ غَدَا إِلَيْكَ فَجَثَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ فَلَا يَكُونَنَّ يَا رَبِّ حَظِّى مِنْ دُعَائِى الْحِرْمَانَ وَ لَا نَصِيبِى مِمَّا أَرْجُو مِنْكَ الْخِذْلَانَ يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزُولُ كَمَا لَمْ يَزَلْ قَائِماً عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سِنِيهَا تَدُورُ وَ أَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيكَ الْأَزْمَانُ وَ لَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ وَ كُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ لِلضَّعِيفِ وَ الْقَوِىِّ وَ الشَّدِيدِ قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّهِ وَ الْعُصْفُورِ اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمُقَامُ بِالنَّاسِ فَنَعُوذُ بِكَ مِنْ ضِيقِ الْمُقَامِ اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ الصَّلَاهِ إِلَى الصَّلَاهِ اللَّهُمَّ إِذَا أَدْنَيْتَ الشَّمْسَ مِنَ الْجَمَاجِمِ فَكَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْجَمَاجِمِ مِقْدَارَ مِيلٍ وَ زِيدَ فِى حَرِّهَا حَرُّ عَشْرِ سِنِينَ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَ الْكَرَاسِىَّ نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ النَّاسُ يَنْطَلِقُونَ فِى الْمُقَامِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لِى وَ تَجَاوَزْتَ عَنِّى وَ أَلْبَسْتَنِى الْعَافِيَهَ فِى بَدَنِى وَ رَزَقْتَنِى السَّلَامَهَ فِى دِينِى فَإِنِّى أَسْأَلُكَ وَ أَنَا وَاثِقٌ بِإِجَابَتِكَ إِيَّاىَ فِى مَسْأَلَتِى وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَالِمٌ بِاسْتِمَاعِكَ دَعْوَتِى فَاسْتَمِعْ دُعَائِى وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِى وَ لَا تَرُدَّ ثَنَائِى وَ لَا تُخَيِّبْ دُعَائِى أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ فَقِيرٌ إِلَى غُفْرَانِكَ وَ أَسْأَلُكَ وَ لَا آيَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا غَيْرُ مُحْتَرِزٍ مِنْ سَخَطِكَ يَا رَبِّ وَ اسْتَجِبْ لِى وَ امْنُنْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ وَ تَوَفَّنِى مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنِى بِالصَّالِحِينَ رَبِّ لَا تَمْنَعْنِى فَضْلَكَ يَا مَنَّانُ وَ لَا تَكِلْنِى

إِلَى نَفْسِی مَخْذُولًا یَا حَنَّانُ رَبِّ ارْحَمْ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبَّهِ صَرْعَتِی وَ عِنْدَ سُکُونِ الْقَبْرِ وَحْدَتِی وَ فِی مَفَازَهِ الْقِیَامَهِ غُرْبَتِی وَ بَیْنَ یَدَیْکَ مَوْقُوفاً لِلْحِسَابِ فَاقَتِی رَبِّ أَسْتَجِیرُ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِی رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنِی رَبِّ أَفْزَعُ إِلَیْکَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِی رَبِّ أَسْتَرْحِمُکَ مَکْرُوباً فَارْحَمْنِی رَبِّ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا جَهِلْتُ فَاغْفِرْ لِی رَبِّ قَدْ أَبْرَزَنِی الدُّعَاءُ لِلْحَاجَهِ إِلَیْکَ فَلَا تُؤْیِسْنِی یَا کَرِیمُ ذَا الْآلَاءِ وَ الْإِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ سَیِّدِی یَا بَرُّ یَا رَحِیمُ اسْتَجِبْ بَیْنَ الْمُتَضَرِّعِینَ إِلَیْکَ دَعْوَتِی وَ ارْحَمْ مِنَ الْمُنْتَحِبِینَ بِالْعَوِیلِ عَبْرَتِی وَ اجْعَلْ فِی لِقَائِکَ یَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْیَا رَاحَتِی وَ اسْتُرْ بَیْنَ الْأَمْوَاتِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِی وَ اعْطِفْ عَلَیَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِیداً إِلَی حُفْرَتِی إِنَّکَ أَمَلِی وَ مَوْضِعُ طَلِبَتِی وَ الْعَارِفُ بِمَا أُرِیدُ فِی تَوْجِیهِ مَسْأَلَتِی فَاقْضِ یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ حَاجَتِی فَإِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْمُرْتَجَی أَفِرُّ إِلَیْکَ هَارِباً مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِی وَ أَلْتَجِئُ مِنْ عَدْلِکَ إِلَی مَغْفِرَتِکَ فَأَدْرِکْنِی وَ أَلْتَاذُ بِعَفْوِکَ مِنْ بَطْشِکَ فَامْنَعْنِی وَ أَسْتَرْوِحُ رَحْمَتَکَ مِنْ عِقَابِکَ فَنَجِّنِی وَ أَطْلُبُ الْقُرْبَهَ مِنْکَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِّبْنِی وَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فَآمِنِّی وَ فِی ظِلِّ عَرْشِکَ فَظَلِّلْنِی وَ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ فَهَبْ لِی وَ مِنَ الدُّنْیَا سَالِماً فَنَجِّنِی وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ فَأَخْرِجْنِی وَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَبَیِّضْ وَجْهِی وَ حِسَاباً یَسِیراً فَحَاسِبْنِی وَ بِسَرَائِرِی فَلَا تَفْضَحْنِی وَ عَلَی بَلَائِکَ فَصَبِّرْنِی وَ کَمَا صَرَفْتَ عَنْ یُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّی وَ مَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَلَا تُحَمِّلْنِی وَ إِلَی دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِی وَ بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِی وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِی وَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ فَاحْفَظْنِی وَ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ جَبَرُوتِکَ فَاعْصِمْنِی وَ بِحِلْمِکَ وَ عِلْمِکَ وَ سَعَهِ رَحْمَتِکَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِی وَ جَنَّتَکَ الْفِرْدَوْسَ فَأَسْکِنِّی وَ النَّظَرَ إِلَی وَجْهِکَ فَارْزُقْنِی وَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَأَلْحِقْنِی وَ مِنَ الشَّیَاطِینِ وَ أَوْلِیَائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ فَاکْفِنِی اللَّهُمَّ وَ أَعْدَائِی وَ مَنْ کَادَنِی إِنْ أَتَوْا بَرّاً فَجَبِّنْ شَجِعَهُمْ فُضَّ جُمُوعَهُمْ کَلِّلْ سِلَاحَهُمْ عَرْقِبْ دَوَابَّهُمْ سَلِّطْ عَلَیْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَ الْقَوَاصِفَ أَبَداً حَتَّی تُصْلِیَهُمُ النَّارَ أَنْزِلْهُمْ مِنْ صَیَاصِیهِمْ وَ أَمْکِنَّا مِنْ نَوَاصِیهِمْ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

صَلَاهً یَشْهَدُ الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ قَائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتَاحِ الرَّحْمَهِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْإِحْرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِیَّهَ وَ السَّلَامَ سَلَامٌ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَیْکَ یَا أَمِینَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَهُوَ کَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَکَ وَ أَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ آمِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]«فخالطنی فیه ما لیس لک»، یعنی نیتی که خوش نمی‌داری؛ یا اینکه به سوی تو برنمی گردد، مانند اینکه هدف از آن، بهشت یا رهایی از آتش باشد، که این دو به سوی او باز می گردند؛ یا بدعتی باشد که با دستور یا رضایت تو سازگار نباشد؛ بند بعدی نیز چنین است.

**[ترجمه]

بیان

و لا یستخف الجاهلون حلمه أی لا یصیر جهلهم سببا لقله حلمه و خفته لیغضب و یعاجل بالنقمه و قال الفیروزآبادی الحول الحذق و جوده النظر و القدره علی التصرف و جمع الحیله و قال جنّه اللیل و علیه جنا و أجنه ستره و کل ما ستر عنک فقد جنّ عنک قوله علیه السلام فی مکانه أی فی درجته و منزلته الرفیعه و کلمه فی الأکثر تحتمل التعلیلیه فوق عرشه أی مسلّطا علیه أو عرش العظمه و الجلال البالغ لما أراد اللام زائده کما فی قوله تعالی نَزَّاعَهً لِلشَّوی (۲) أو بمعنی إلی نحو أَوْحی لَها(۳) من علمه أی من معلوماته أو إراده بسبب علمه به و الأول أظهر بکلماته أی تقدیراته أو علومه أو إراداته المعبر عنها بکن أو أسماؤه العظام.

قامت السماوات الشداد أی المحکمات التی لا یؤثر فیها مرور الدهور و ثبتت الأرضون المهاد المهاد الفراش و الوحده باعتبار کل واحده منها أو الجمیع بمنزله فراش واحد و إنما وحد موافقه لقوله تعالی أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهاداً(۴) و هنا جمع المهد الذی یتهیأ للصبی کسهم و سهام و الرواسی الثوابت و الأوتاد لأنها بمنزله الوتد فی الأرض تمنعها عن التزلزل و التفتت کما قال تعالی وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۳۸- ۲۴۱.

۲- ۲. المعارج: ۱۶.

۳- ۳. الزلزال: ۵.

۴- ۴. النبأ: ۶.

أَنْ تَمِيدَ بِكَمْ (۱) أی لئلا تمید و تتحرک بکم وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: وَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَيَدَانَ أَرْضِهِ.

و قد مر الکلام فیه فی کتاب السماء و العالم.

و الریاح اللواقح إشاره إلی قوله سبحانه وَ أَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ (۲) یعنی ملاقح جمع ملقحه أی تلحق الشجر و السحاب لأنها تهیجه و یقال لواقح أی حوامل لأنها تحمل السحاب و تقله و تصرفه ثم تمر به فتدره یدل علیه قوله تعالی حَتَّى إِذا أَقَلَّتْ سَحاباً(۳) أی حملت و الضمیر فی حدودها راجع إلی السماء لأنها تری علی آفاقها و قال الجوهری قمعته و أقمعته بمعنی أی قهرته و أذللته فانقمع.

یا من کل یوم عنده جدید أی یستأنف فیه ما یرید و لا یبنیه علی الیوم السابق کقوله كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۴) أو المعنی أنه لیس بزمانی یرد علیه الأزمان و یخلقه بل کل یوم عنده متجدد کأنه لم یکن قبله زمان بالنظر إلیه أو کل یوم من الأزمان السالفه و الآتیه حاضر عند علمه عالم بما فیه و قال الجوهری العتید الحاضر المهیأ.

فسویت بین الذره و العصفور أی بینهما و بین ما هو أکبر منهما و لم تغفل عنهما و لم تترکهما لصغرهما و حقارتهما أو سویت الرزق بین أفراد هذین الصنفین أیضا و لم تترک واحدا منهما فکیف بمن هو أعظم منهما إذا ضاق المقام أی فی یوم القیامه للحاجه إلیک الظرف متعلق بالحاجه أو بأبرزنی أو بهما علی التنازع و النحیب و الانتحاب رفع الصوت بالبکاء کالعویل و الإعوال و اجعل فی لقائک أی لقاء رحمتک أو مشاهده أمور الآخره و المشتکی مصدر.

و فی القاموس اللوذ بالشی ء الاستتار و الاحتصان به کاللواذ مثلثه و اللیاذ و

ص: ۱۰۶

۱- ۱. لقمان: ۱۰.

۲- ۲. الحجر: ۲۲.

۳- ۳. الأعراف: ۵۷.

۴- ۴. الرحمن: ۲۹.

الملاوذه و اللواذ المراوغه و أستروح رحمتک أی أطلب الروح منها أو أستنيم و أسکن إليها و أسکن خوفی بذکرها فی القاموس استروح وجد الراحه کاستراح و تشمم و إليه استنام من عقابک أی هاربا منه أو عند فزعی منه و کفلين إشاره إلی قوله تعالی يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ (١) و الکفل الحظ و النصيب و الغرض مضاعفه الثواب.

و فسر السوء فی قصه يوسف بالخيانه و الفحشاء بالزنا و التعميم هنا أنسب و الضمير فی قولها فاصرفه راجع إلی کل واحد منهما و الأظهر فاصرفهما و ما لا طاقه لی به أی من الشدائد و المصائب و علمک أی بحالی و قله حيلتی.

إن أتوا برا کأنه سقط منه ما يتعلق بالبحر أو هو کنايه عن المجاهره بالعداوه و المبارزه قال فی النهايه خرج فلان برا أی خرج إلی البر و الصحراء و أبر فلان علی أصحابه أی علاهم و الفض الکسر بالتفرقه و عرقب الدابه قطع عرقوبها و هو رجل الدابه بمنزله الرکبه فی يدها و العواصف الرياح الشديده و القواصف أيضا الشديده التی لها صوت و تکسر ما تمر به و قال الجوهری صليت الرجل نارا إذا أدخلته النار و جعلته يصلاها فإن ألقيته فيها إلقاء کأنک تريد الإحراق قلت أصليته بالألف و صليته تصليه و قال الصياصی الحصون.

صلاه يشهد الأولون أی رحمه تصير سببا لحضور الأنبياء و الأوصياء المتقدمين مع الأبرار من الأئمه الطاهرين و سيد المرسلين صلی الله عليهم لنصرتهم و الانتقام من أعدائهم فی الرجعه کما شهدت بالأخبار و لعل فيه سقطا أو تصحيفا و رب الحل و الإحرام و فی بعض النسخ الحرام فيحتمل المصدريه و الصفه أی المحل و المحرم أو خارج الحرم و الحرم و أفضل ما سئلت له أی إلی الآن ما أنت مسئول أی بعد ذلک إلی يوم القيام.

**[ترجمه]فلاح السائل: همچنين از تعقيبات مخصوص نماز مغرب، آن است که از سرورمان فاطمه سلام الله عليها برای دعا در دنباله نمازهای پنجگانه روايت شده و آن عبارت است از: {سپاس خدايی را که ستايشش را گويندگان نمی‌توانند به شمارش آورند؛ و سپاس خدايی را که نعمت‌هايش را شمارندگان نمی‌توانند بشمارند؛ و سپاس خدايی را که حق او را تلاشگران نمی‌توانند به جای آورند؛ و هيچ خدايی جز الله اول و آخر وجود ندارد؛ و هيچ خدايی جز الله ظاهر و باطن وجود ندارد؛ و هيچ خدايی جز الله زنده کننده و ميراننده وجود ندارد؛ و خدای صاحب نعمت بزرگ‌تر است؛ و خدای صاحب پايداری هميشگی بزرگ‌تر است؛ و سپاس خدايی را که دانشمندان نمی‌توانند علم او را درک کنند؛ و نادانان از بردباری او نمی... کاهند؛ و ستايشگران به ستايش او نمی‌رسند، و توصيف‌گران، قادر به وصف او نيستند و آفريدگان، تعريف او را به نيکويی نمی‌توانند.

سپاس مخصوص خدايی است که دارنده حکومت و ملکوت، و بزرگی و جبروت، و عزت و بزرگی و زيبايی و بزرگواری، و ترس و زيبايی، و عزت و قدرت، و توان و نيرو، و بخشش و چيرگی، و برتری و بخشش، و عدل و حق، و آفرينش و برتری، و والايی و بزرگواری، و فضيلت و حکمت، و توانگری و گشايش، و دادن و گرفتن، و بردباری و دانايی، و دليل قاطع، و نعمت فراوان، و ستايش نيکوی زيبا، و موهبت‌های بزرگوارانه، فرمانروای دنيا و آخرت و بهشت و آتش و هرچه در آنها است، می... باشد؛ خدايی که مبارک و والامرتبه گشته است.

سپاس مخصوص خدایی است که اسرار نهان‌ها را می‌داند و بر آنچه دل‌ها در خود پوشیده دارند، آگاهی دارد و از این رو، از او هیچ رفتن و گریزی نیست؛ سپاس مخصوص خدایی است که در فرمانروایی‌اش بزرگ‌منش و در جایگاهش با عزت و در حکومتش غلبه‌گر و در انتقامش قوی و در بالای عرش خود قرار گرفته، بر آفرینش خود آگاه و به آنچه از علم خود اراده کند، رسنده است. سپاس مخصوص خدایی است که با کلماتش آسمان‌های محکم برپا داشته شده‌اند و زمین‌های هموار ثابت گردیده‌اند و کوه‌های استوار میخ مانند نصب گردیده‌اند و بادهای بارورکننده به جریان می‌افتند و ابرها در فضای آسمان به حرکت در می‌آیند و دریاها در محدوده خود می‌ایستند و دل‌ها از هراس او به لرزه می‌افتند و اربابان در مقابل پروردگاری او در هم می‌شکنند؛ مبارک گشته‌ای ای شمارنده قطره‌های باران و برگ‌های درختان و زنده کننده بدن‌های مردگان برای گرد آوردن.

منزهی تو ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ با دور افتاده نیازمندی که به صورت پناهنده و دادخواه به سوی تو آمده، و با کسی که به درگاه تو بار انداخته و به دنبال رضایت تو بوده و بامدادان به سوی تو آمده و در پیشگاه تو به زانو نشسته و از آنچه که بر تو پوشیده نیست، برای تو شکایت آورده، چه می‌کنی؟ پس ای خدا، بهره من از دعایم را محرومیت، و سهم من از آنچه که از تو آرزو می‌کردم، خواری نباشد؛ ای کسی که ازلی بوده و خواهد بود و همانند آن، برای همیشه بر هر کسی، نسبت به آنچه انجام می‌دهد، برپای است؛ ای کسی که روزهای دنیا را از بین رونده، و ماه‌هایش را جابجا شونده و سال‌هایش را دور زننده قرار داده است؛ و تو دائمی بوده و زمان‌ها در تو تأثیر و روزگاران در تو تغییر ایجاد نمی‌کند؛ ای کسی که هر روزی نزد او تازه، و هر نوع روزی نزد او، برای ناتوان و توانمند و زورمند، آماده است؛ روزی‌ها را بین آفریدگان تقسیم کرده و بین مور و گنجشک، برابر قرار داده‌ای.

خدایا، آن هنگام که ایستادن و اقامت گزیدن برای مردم تنگ گردد، از تنگی اقامتگاه به تو پناه می‌آوریم؛ خدایا، وقتی که روز قیامت بر گناهکاران طولانی شود، آن روز را برای ما، مانند فاصله بین دو نماز، کوتاه کن؛ خدایا، آن هنگام که خورشید به جمجمه‌ها نزدیک می‌شود، به گونه‌ای که بین آن و جمجمه‌ها به اندازه یک میل فاصله باشد، و بر گرمای آن به مقدار گرمای ده‌ها سال افزوده گردد، پس ما از تو می‌خواهیم ما را در سایه ابر خود بگیری و در حالی که مردم در آن جایگاه رها باشند، برای ما منبرها و تخت‌هایی قرار دهی که بر آنها بنشینیم؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان.

از تو می‌خواهم ای خدا، به حق این ستایش‌ها که مرا بیامرزی و از من بگذری و به بدنم لباس سلامتی بپوشاندی و سلامت در دینم را به من روزی گردانی، پس در حالی که به اجابت تو در مورد خواسته‌ام امیدوارم، از تو می‌خواهم؛ و در حالی که می... دانم دعای مرا می‌شنوی، تو را می‌خوانم؛ پس دعایم را بشنو و امیدم را قطع مکن و ستودنم را برمگردان و خواسته‌ام را از من دریغ مدار که من نیازمند خشنودی تو هستم و به آمرزش تو نیاز دارم؛ از تو درخواست می‌کنم و از رحمت تو مأیوس نیستم؛ تو را می‌خوانم و از خشم تو در امان نیستم؛ ای پروردگار، پس برای من اجابت کن و با بخشش بر من منت گذار و در حال مسلمان بودنم جانم را بستان و مرا به نیکان ملحق کن؛ پروردگارا، فضل خودت را از من باز ندار، ای نعمت دهنده، و مرا خوار شده به خودم وامگذار، ای مهربان.

خدایا، هنگام بر زمین افتادنم به هنگام دوری از دوستانم و بر تنهایی‌ام، به هنگام قرار گرفتنم بر قبر و بر غربتم، به هنگام روبرو

شـدنم بـا تو برای حسـاب، رحم کن؛ پروردگـارا، از آتش به تو پنـاه می‌آورم، پس مرا پنـاه ده؛ پروردگـارا، از آتش به تو پناه می‌آورم، پس مرا پنـاه ده؛ پروردگـارا، از آتش به تو می‌گریزم، پس مرا از آن دور کن؛ پروردگارا، به خاطر گرفتاری‌ها از تو رحم می‌خـواهم، پس بر من رحم کن؛ پروردگـارا، در مـورد آنچه نـادانی کرده‌ام، از تـو آمرزش می‌خـواهم، پس مرا بیـامرز؛ پروردگارا، به خاطر نیازمندی، دعا مرا به پیشگاه تو آورد، پس نومیدم نکن؛ ای بزرگوار دارنده نعمت‌ها و نیکی و بخشش.

سرور من، ای نیـک و ای مهربـان، در میـان کسانی که به سوی تو زاری می‌کننـد، دعای مرا نیز بپـذیر؛ و در میان کسانی که با شیون ناله و فریاد می‌زننـد، بر گریه من رحم کن؛ و آسایش مرا در روزی که از دنیا بیرون می‌آیم، در دیدارت قرار بده؛ و در بین مردگان، ای بزرگ امید، زشتی مرا بپوشان؛ و هنگام تنها روانه شدنم به گودال خود، بر من مهربانی کن؛ تویی آرزوی من و خواسـتگاه من، و آگاه به آنچه در توجیه خواسـته خود اراده می‌کنم؛ پس ای برآورده کننـده حاجت‌ها، حاجت مرا برآورده ساز که شـکایت به سوی توست و تو، یاریگر و مورد امید هستی؛ از گناهان به سوی تو می‌گریزم، پس مرا بپذیر؛ و از عدل تو به آمرزشت پنـاه می‌جویم، پس مرا دریـاب؛ و از انتقـام تو به بخشـشت امـان می‌گیرم، پس مرا ببخش؛ و از عـذاب تو به سوی رحمتت آسایش می‌جویم، پس نجاتم بده؛ و با اسـلام به تو نزدیکی می‌جویم، پس نزدیکم گردان؛ و از ترس بزرگ مرا ایمن ساز، و در سایه عرش خودت بر من سایه افکن، و دو برابر از رحمت خود را بر من ارزانی دار، و از دنیا به طور سالم نجاتم ده، و از تـاریکی‌ها به سوی روشـنایی بیرونم آور، و در روز قیامت روسـفیدم گردان، و به آسان از من حساب بگیر، و مرا به خاطر پوشیده‌هـایم رسوا مسـاز و در برابر آزمایش خودت، بر من شـکیبایی ده، و همان طور که از یوسف بـدی و کار زشت را دور کردی، از من نیز دور کن، و آنچه را که توان تحمل آن را نـدارم، بر عهـده من قرار نـده، و به سوی خانه سـلامت راهنمایی‌ام کن، و بـا قرآن به من سود رسان، و با گفتار اسـتوار، مرا اسـتوار ساز، و از شـیطان رانـده شـده، مرا نگاه دار، و با نیرو و توان و غلبه خودت، مرا در امان گیر، و با بردباری و علم و رحمت بیکران خودت، مرا از جهنم نجات ده، و در بهشت فردوس خودت سکـونت بـده، و نگریسـتن بـه روی خـودت را روزی‌ام کن، و مرا به پیـامبرت محمـد صـلی الله علیه و آله ملحق کن، و مرا از شیطان‌ها و رهروان آنها و بدی هر دارنده بدی بسنده باش.

خـدایا، دشـمنانم و هرکسـی را که با من نیرنگ کند، اگر دست به کار شوند، دلاوری‌شان را به ترس تبدیل کن و جمعشان را پراکنـده ساز و سـلاحشان را کنـد گردان و چهارپایانشان را زمین‌گیر نما و بادهای شدیـد و تنـدرهای شـکننده را تا زمانی که آتش آنان را در بر بگیرد، بر آنان مسلط گردان. آنان را از دژهایشان فرود آور و در اختیار گرفتن آنان را برای ما ممکن ساز، بپـذیر ای پروردگـار جهانیـان؛ خـدایا، بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرسـت، درودی کـه اولیـن‌هـا را بـا نیکـان و پیشـوای فرستادگان و آخرین پیامبران و راهبر خوبی و کلید رحمت، حاضر کند.

خـدایا، ای پروردگار خانه حرام، و ماه حرام، و پروردگار مشـعر الحرام، و پروردگار رکن و مقام، و پروردگار حل و احرام، از ما به روح محمـد، درود و سـلام فرست؛ سـلام بر تو ای فرسـتاده خـدا، سـلام بر تو ای امانتـدار خدا، سـلام بر تو ای محمد بن عبدالله، سـلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر تو باد، که او، همان طور که توصـیف کرده‌ای، نسبت به مؤمنان بسیار دلسوز و مهربان بود؛ خـدایا، به او برترین چیزی را که از تو بخواهد، و برترین چیزی را که تو برای او بخواهی، و برترین چیزی را که تا روز قیامت از تو برای او درخواست شود، عطا کن؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان.} - . فلاح السائل: ۲۳۸-۲۴۱ -

**[ترجمه]

«۹»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنْ تَعْقِيبِ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ أَيْضاً مَا يَخْتَصُّ بِهَا مِنْ رِوَايَهِ مُعَاوِيَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی تَعْقِيبِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ هُوَ

ص: ۱۰۷

۱- ۱. الحدید: ۲۸.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْخَيِّرِ الْفَاضِلِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ وَ سَيِّدِ أَصْفِيَائِكَ وَ خَالِصِ أَخِلَّائِكَ ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ وَ الشَّرَفِ الْأَصِيلِ وَ الْمِنْبَرِ النَّبِيلِ وَ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَ الْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالاتِكَ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَ نَصَحَ لِأُمَّتِهِ وَ عَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَ ائْتَمَنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَائِنَ عِلْمِكَ وَ تَرَاجِمَةَ كَلِمَتِكَ وَ أَعْلَامَ نُورِكَ وَ حَفَظَةَ سِرِّكَ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَ تَحْتَ لِوَائِهِمْ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَ جَعَلَهُ لِبَاساً وَ سَكَناً وَ جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ آيَتَيْنِ لِيُعْلَمَ بِهِمَا عَدَدُ السِّنِينَ وَ الْحِسَابُ.: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِقْبَالِ اللَّيْلِ وَ إِدْبَارِ النَّهَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي وَ اجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ اكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ خِيَرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا وَ وَفِّقْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا كَرِيمُ أَمْسَيْتُ وَ الْمُلْكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَذَا اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَاعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ وَ لَا تُرِهِمَا مِنِّي جُرْأَةً عَلَى مَعَاصِيكَ وَ لَا رُكُوباً مِنِّي لِمَحَارِمِكَ وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا وَ سَعْيِي مَشْكُوراً وَ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَ سَهِّلْ لِي مَا صَعُبَ عَلَيَّ أَمْرُهُ وَ اقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى وَ آمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَ لَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ

اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِی لِذِكْرِكَ حَتَّی أَعِیَ وَحْیَكَ وَ أَتَّبِعَ كِتَابَكَ وَ أُصَدِّقَ رُسُلَكَ وَ أُومِنَ بِوَعْدِكَ وَ أَخَافَ وَعِیدَكَ وَ أُوفِیَ بِعَهْدِكَ وَ أَتَّبِعَ أَمْرَكَ وَ أَجْتَنِبَ نَهْیَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَصْرِفْ عَنِّی وَجْهَكَ وَ لَا تَمْنَعْنِی فَضْلَكَ وَ لَا تَحْرِمْنِی عَفْوَكَ وَ اجْعَلْنِی أُوَالِی أَوْلِیَاءَكَ وَ أُعَادِی أَعْدَاءَكَ وَ ارْزُقْنِی الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَیْكَ وَ الْخُشُوعَ وَ الْوَقَارَ وَ التَّسْلِیمَ لِأَمْرِكَ وَ التَّصْدِیقَ بِكِتَابِكَ وَ اتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّكَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَ بَطْنٍ لَا یَشْبَعُ وَ عَیْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَ صَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ وَ عَمَلٍ لَا یَنْفَعُ وَ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ مِنْ عَمَلٍ لَا تَرْضَی وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ الْقَهْرِ وَ الْغَدْرِ وَ مِنْ ضِیقِ الصَّدْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ الدَّاءِ الْعُضَالِ وَ غَلَبَةِ الرِّجَالِ وَ خَیْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی النَّفْسِ وَ الدِّینِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ عِنْدَ مُعَایَنَةِ الْمَوْتِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ إِنْسَانِ سَوْءٍ وَ جَارِ سَوْءٍ وَ قَرِینِ سَوْءٍ وَ یَوْمِ سَوْءٍ وَ سَاعَةِ سَوْءٍ وَ مِنْ شَرِّ ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ

شَرِّ طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً یَطْرُقُ بِخَیْرٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ- فَسَیَكْفِیكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَی عَنِّی صَلَاةً- كانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ كِتاباً مَوْقُوتاً(۱).

مصباح الشیخ (۲)، و مصباح الكفعمی (۳)، عن معاویه بن عمار: مثله (۴)

**[ترجمه]«و لا یستخف الجاهلون حمله»، یعنی نادانی آنان سبب كم و سبک شدن بردباری او نمی‌شود كه خشم گیرد و در انتقام گرفتن شتاب ورزد. فیروزآبادی گفته است: «الحول»، یعنی زیركی و ظریف بینی و قدرت تصرف، جمع «الحیله» است؛ و گفته است: «جنه اللیل و علیه جنّاً و أجنّه»، یعنی رو را پوشاند، و هر چیزی كه از تو پوشیده باشد، بر تو «جنّ» شده است. عبارت «فی مكانه»، یعنی در مرتبه و منزلت والایش، و كلمه «فی» نزد بیشتر علما حمل بر - حرف جر - تعلیلیه می‌شود. «فوق عرشه»، یعنی بر عرش چیرگی دارد، یا عرش بزرگی و شكوه. در عبارت «البالغ لما أراد»، لام، زیاده است، مانند این كلام خداوند «نزاعه للشوی»، - . المعارج/ ۱۶ - {پوستِ سر و اندام را بركننده است.}، یا به معنی «إلی» {به} است، مانند «أوحی لها»، - . الزلزال/ ۵ - { بدان وحی كرده است.}. «من علمه»، یعنی از معلوماتش، یا به سبب علمی كه به آن دارد، آن را اراده كند، ولی اولی آشكارتر است. «بكلماته»، یعنی با تقدیراتش، یا دانایی‌هایش، یا با اراده‌هایش كه آن را با لفظ كن (باش) اظهار می كند، یا منظور از كلمات، نام‌های بزرگش می‌باشد.

«قامت السموات الشداد»، یعنی آسمان‌های محكم شده، كه گذشت روزگاران در آن تأثیر نمی‌گذارد. در عبارت «و تثبت الأرضون المهاد»، «المهاد» یعنی گهواره، مفرد بودن آن با در نظر گرفتن تک تک آنها بوده، یا اینكه همه آنها را به منزله یک گهواره در نظر گرفته است. همانا به خاطر هماهنگ كردن با كلام خداوند «ألم نجعل الأرض مهاداً»، - . النبأ/ ۶ - {آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم؟} آن را مفرد آورده است كه در اینجا جمع «المهد» است و آن چیزی است كه برای بچه تهیه می... شود، مانند «سهم» كه جمع آن «سهام» است. «الرواسی»، یعنی استوار شده‌ها؛ «الأوتاد» به این خاطر است كه مانند میخ در زمین، آن را از لرزیدن و متلاشی شدن باز می‌دارد؛ همان گونه كه خدای متعال فرموده است: «و ألقی فی الأرض رواسی أن تمید بكم»، - . لقمان/ ۱۰ - {و در زمین كوه های استوار بیفكند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند.} یعنی به این خاطر كه مبادا شما را بجنباند و حركت دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «وتّد بالصخور میدان أرضه»، {به وسیله صخره‌ها، صحنه...

زمین را میخکوب کرد.} سخن در این مورد، پیش از این در کتاب آسمان و جهان گذشت.

«و الرياح اللواقح» اشاره به کلام خدای سبحان «و أرسلنا الرياح لواقح»، - . الحجر/ ۲۲ - {و

بادها را باردارکننده فرستادیم.} دارد. و «ملاقح»، جمع «ملقحه»، یعنی درخت و ابر را بارور می‌سازد، به خاطر اینکه آن را برمی‌انگیزد؛ و گفته می‌شود «لواقح»، یعنی حمل کنندگان، زیرا ابرها را حمل می‌کند و متراکم می‌سازد و دور می‌کند و سپس بر آنها می‌گذرد و آن را فرو می‌ریزد؛ این کلام خدای متعال: «حتى إذا أقلت سحاباً»، - . الاعراف/ ۵۷ - {تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند.} دلالت بر آن دارد؛ یعنی حمل کرد. ضمیر در «حدودها» به آسمان برمی‌گردد؛ زیرا در کرانه‌های آن دیده می‌شود. جوهری گفته است: «قمعته و أقمعته، فانقمع» به معنی این است که بر او چیره شدم و او را به خواری کشاندم و او ذلیل شد.

«یا من کل یوم عنده جدید»، یعنی در آن روز از ابتدا شروع می‌کند، نه اینکه بنا را بر کارهای روز گذشته بنهد، مانند این کلام او «کل یوم هو فی شأن»، - . الرحمن/ ۲۹ - {هر زمان، او در کاری است.} یا به این معنا است که او زمان‌بردار نیست که زمان‌هایی بر او بگذرد و او را کهنه سازد، بلکه هر روزی پیش او تازه است، گویی در مقایسه با آن، قبلاً در نزد او زمانی نبوده است؛ یا به این معنی که هر روز از زمان‌های گذشته و آینده پیش علم او حاضر است و به آنچه در آنها هست، آگاه است. جوهری گفته است: «العتید»، یعنی حاضر و آماده.

«فسوَّیت بین الذره و العصفور»، یعنی میان آن دو و میان هر چیزی که بزرگتر از آن دو است، و از آنها غافل نبوده و آنها را به خاطر کوچکی و پستی‌شان فروگذار نکرده است؛ یا روزی را بین افراد این دو گروه نیز برابر تقسیم کرده‌ای و هیچ یک از آنان را ترک نگفته‌ای، چه رسد به آنچه که بزرگتر از آن اوست. «إذا ضاق المقام»، یعنی در روز برپا شدن رستاخیز. در عبارت «للحاجه إلیک»، ظرف متعلق به «الحاجه» یا «أبرزنی» یا هر دو، به گونه تنازع است. «النحیب» و «الانتحاب»، بلند کردن صدا با گریه است، مانند «العویل» و «الاعوال». «و اجعل فی لقائک» یعنی رسیدن به رحمت تو، یا دیدن امور آخرت. «المشتکی» مصدر است .

در القاموس آمده است: «اللوذ بالشیء» به معنی پوشاندن با چیزی و سنگر گرفتن در آن است، مانند «اللواذ و اللیاذ»، و «الملاوذه» و «اللواذ»، یعنی فریب دادن و تشویق کردن. «و استروح رحمتک»، یعنی از آن آسایش می‌خواهم، یا با آن آرام می‌گیرم و ساکن می‌شوم، یا هراسم را با یاد آن فرو می‌نشانم. در القاموس آمده است: «استروح»، یعنی راحتی یافت، مانند «استراح و تشمم و إلیه استنام». «من عقابک» یعنی گریزان از آن، یا هنگام ترسیدنم از آن. و «کفلین» اشاره به کلام خدای متعال «یا أیها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته»، - . الحدید/ ۲۸ - {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند.} دارد و «الکفل»، یعنی بهره و سهم؛ منظور، ثواب دو برابر است.

«السوء» در داستان یوسف به خیانت و «الفحشاء» به زنا تفسیر شده است و تعمیم دادن آن در اینجا مناسب‌تر است. ضمیر در عبارت «فاصرفه» به هر یک از آنها برمی‌گردد، ولی آشکارتر «فاصرفهما» است. «و ما لا طاقه لی به» یعنی از سختی‌ها و

گرفتاری‌ها. «و علمک» یعنی به حال من و بیچارگی من.

در عبارت «إن أتوا برّاً»، گویا آنچه متعلق با «بحر» است، افتاده است، یا اینکه کنایه از آشکار کردن دشمنی و مبارزه است؛ در النهایه گفته است: «خرج فلان برّاً»، یعنی به دشت و صحرا رفت، و «أبرّ فلان علی أصحابه»، یعنی برترشان شد. «الفض»، یعنی شکستن با جدایی. «عرقب الدابه»، یعنی بریدن عرقوب چارپا، و آن در پای حیوان و به منزله زانو در دست است. «العواصف» یعنی بادهای شدید؛ و «القواصف» نیز یعنی بادهای شدیدی که صدا داشته باشد و بر هرچه بگذرد، در هم می‌شکند. جوهری گفته است: «صلیت الرجل ناراً»، وقتی که او را داخل آتش کنی و بگذاری آتش او را فراگیرد؛ پس اگر او را در آتش اندازی، بطوری که گویی سوختن را می‌خواهی، می گویی «أصلیت» با الف، و «صلیته، تصلیه». و گفته است: «الصیاصی» یعنی دژها .

«صلاه یشهد الأولون»، یعنی رحمتی که سبب حضور پیامبران و جانشینان و پیشینیان، همراه با نیکان از امامان پاک و سرور فرستادگان، صلی الله علیهم، برای یاری آنها و انتقام از دشمنانشان در رجعت شود، همان‌گونه که روایت‌ها به آن گواهی داده‌اند، و شاید در آن افتادگی یا جابجایی رخ داده باشد. «و ربَّ الحل و الاحرام» در بعضی نسخه‌ها «الحرام» آمده که احتمال دارد مصدر و صفت باشد، یعنی حلال کننده و حرام کننده، یا خارج از حرم و خود حرم. «و أفضل ما سئلت له»، یعنی تاکنون. «ما أنت مسئول»، یعنی بعد از این تا روز قیامت.

**[ترجمه]

إيضاح

قال الجوهری المنهل المورد و هو عين ماء ترده الإبل فی المراعی و تسمی المنازل التی فی المفاوز علی طرق السفار مناهل لأن فيها ماء انتهی و لو كان المراد الكوثر فعطف الحوض عليه تفسيری و اليقين الموت المتيقن و التراجمه

ص: ۱۰۹

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۴۱- ۲۴۳.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۷۳.

۳- ۳. مصباح الكفعمیّ ص ۳۹- ۴۱.

۴- ۴. و تراه فی البلد الأمين ص ۲۹.

بكسر الجيم جمع ترجمان و هو المفسر للسان و جعله لباسا أى سترا يستر به و سكنا أى يسكن فيه الناس سكون الراحه آيتين أى علامتين تـدلان على القادر الحكيم بتعاقبهما على نسق واحـد أو ذوى آيتين و هما الشـمس و القمر لنعلم بهما أى باختلافهما أو بحركاتهما و الحساب أى جنس الحساب.

و هو عصـمه أمرى بكسـر العين و إسكان الصاد المهملتين أى وقايه حالى و حافظى من العقاب و العذاب فى الدنيا و الآخره فيها معيشتى أى حيـاتى أو مكسبى أو مـا أتعيش به من المطعم و المشـرب و غيرهـمـا زيـاده لى أى موجبه لازديادى من كل نوع من أنواع الخيرات.

خلقان أى مخلوقان قال الشـيخ البهائى ره لما كان الليل و النهار عباره عن مقدار دوره الشـمس صـحت تثنيه خبر إن و يمكن أن يجعل الخبر عن اسمها محذوفا فيكون من عطف الجمله على الجمله و التقدير إنى خلقك و هذا الليل و النهار خلقان.

و لاـ ترهمـا جرأه منى أى لاـ تجعلهمـا بحيث يريـان منى جرأه على الـذنوب لو كان لهما حس أو الإسـناد مجازى و المراد رؤيه الملائكه الموكلين بالخلائق فيهما و الغرض التوفيق لترك الذنوب و آمنى مكرك أى عذابك بغته حتى أعى وحيك أى أفهمه أو أحفظه.

و أوفى بعهدك أى بما عاهدتك عليه من العمل بأوامرك و الترك لمعاصـيك فيكون ما بعده عطف تفسير و يمكن أن يخص بالعقائد و ما بعده بالأعمال من درك الشقاء قال فى النهايه فى تفسيره الدرك اللحاق و الوصول إلى الشى ء و أدركته إدراكا و دركا انتهى و الشـقاء ضـد السـعاده و الشـده و المشـقه و كل منهما يناسب المقام و قال الشـيخ البهائى قدس سـره فى شـرح هذا الكلام الدرك بالتحريك يطلق على المكان و طبقاته دركات و يقال النار دركات و الجنه درجات و يطلق أيضا على أقصى قعر الشى ء انتهى و لا يخفى عدم مناسبته و لم يتعرض للمعنى المتقدم مع اتفاق شراح الحديث عليه

و هذا منه غريب (۱).

و قال ره الجهد بفتح أوله و قد يضم المشقه و جهد البلاء هی الحاله التی یتمنی الإنسان معها الموت و قيل هی كثره العيال مع الفقر انتهی و فی النهایه و من المفتوح أعوذ بک من جهد البلاء أی الحاله الشاقه انتهی و فی بعض الروايات جهد البلاء هو أن يقدم الرجل فيضرب عنقه صبرا و الأسير ما دام فی وثاق العدو و الرجل یجد علی بطن امرأته رجلا و فی بعضها ذهاب الدين و سيأتی فی أبواب الدعاء و لعل التعميم أولی ليشمل الجميع.

و الوقر بالفتح ثقل السمع و يمكن أن يقرأ بالكسر و هو الحمل الثقيل و فی النهایه الداء العضال هو المرض الذی یعجز الأطباء فلا دواء له و غلبه الرجال أی تسلطهم و استيلاؤهم هرجا و مرجا أو غلبه السلاطين و الجبارين و قال النووی فی شرح صحیح مسلم غلبه الرجال كأنه يريد به هيجان النفس من شده الشبق و إضافته إلی المفعول أی یغلبهم ذلک و قال الطيبی فی شرح المشكاه إما أن تكون إضافته إلی الفاعل أی قهر الديان إياه و غلبتهم عليه بالتقاضی و ليس له ما یقضی دينه أو إلی المفعول بأن لا يكون أحد يعاونه علی قضاء ديونه من رجاله و أصحابه انتهی و قيل أراد به المفعوليه بالأبنه و الأول أظهر.

و الخيبه الحرمان و المنقلب مصدر ميمی بمعنی الانقلاب و المراد به الرجوع إليه سبحانه عند الموت و فی القيامه و يمكن التعميم بحيث يشمل الانقلاب من الأسفار و غيرها أيضا قال فی النهایه فی حديث دعاء السفر أعوذ بک من كآبه المنقلب أی الانقلاب من السفر و العود إلی الوطن یعنی أنه يعود إلی بيته فيری فيه ما يحزنه و الانقلاب الرجوع مطلقا انتهی و الأول هنا أنسب و سوء المنظر أی أعوذ بک أن أنظر إلی شیء يسوؤنی من المذكورات و السوء بالفتح مصدر ساء أی فعل به ما يكره و بالضم اسم للحاصل بالمصدر و يقال إنسان سوء بالإضافه و فتح السين و كذلک جار

ص: ۱۱۱

۱- ۱. و قد مرت الإشاره الی ذلک تحت الرقم ۵ فی باب ما یختص بتعقيب فريضه الظهر ص ۷۳.

سوء و قرين سوء و أمثال ذلك.

**[ترجمه]فلاح السائل: همچنين از تعقيبات نمازهای واجب پنجگانه كه در روايت معاويه بن عمار از امام صادق عليه السلام آمده است، آنچه اختصاص به نماز مغرب دارد، عبارت است از: {خدايا، بر محمد بشارت دهنده و بيم دهنده، و چراغ فروزان، پاک پاكيزه و برگزيده و برتر، آخرين پيامبران، و پيشوای برگزيدگان، و وارسته گشته از دوستان تو، دارای صورتی زيبا، و شرافتی اصيل، و منبری نجيب، و جايگاهی ستوده، و محلی حاضر برای آب خوردن و حوضی كه به آن وارد شده، درود فرست. خدايا، همان طور كه محمد پيام‌های تو را ابلاغ كرد و در راه تو جهاد نمود و برای امتش خيرخواهی كرد و تو را عبادت نمود تا اينكه مرگ به سراغ او آمد، تو نيز بر او درود فرست؛ و بر محمد و خاندان پاک و برگزيده او، آن پرهيزكاران نيک سرشت، همان كسانی كه برای دين خود برگزيدی و آنان را از ميان آفريدگانت، برگزيده‌شان ساختی، و بر وحی خودت امانتدار قرار دادی، و آنان را گنجينه‌های علم خود، و بازگو كنندگان كلماتت، و نشانه‌های نورت، و نگاه دارندگان سرّت قرار دادی و هرگونه آلودگی را از آنها زدودی و آنها را پاک و پاكيزه گردانيدی، درود فرست.

خدايا، با دوستی آنها ما را سودمند گردان، و ما را در گروه آنان و زير پرچم آنان به صحنه قيامت گرد آور، و بين ما و آنان جدايی مينداز، و به خاطر آنان مرا پيش خودت در دنيا و آخرت آبرومند و از نزديكی يافتگان قرار ده، همان كسانی كه نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگين می‌شوند؛ سپاس مخصوص خدايی است كه با قدرت خودش، روز را برد و با رحمت خودش، شب را كه آفرينشی تازه است، آورد و آن را مايه پوشش و آرامش قرار داد، و شب و روز را دو نشانه قرار داد كه با آنها تعداد سال‌ها و حساب‌ها دانسته می‌شود.

سپاس خدا را به خاطر روی آوردن شب و روی گرداندن روز؛ خدايا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دينم را كه مايه حفظ كارم است، نيكو گردان و دنيايم را كه زندگی من در آن است، سامان ده، و آخرتم را كه بازگشتنم به آن است، نيكو گردان، و زندگی را برای من باعث افزونی در هر خوبی، و مرگ را برايم سبب راحتی از هر بدی قرار ده، و در كار دنيا و آخرتم، با آنچه كه دوستداران و برگزيدگان از بندگان نيكت را كفايت كردی، مرا نيز بسنده باش، و بدی آن دو را از من دور كن و مرا به آنچه مورد رضايت توست، موفق بدار ای بزرگوار؛ در حالی شب كردم كه فرمانروايی و هرچه در شب و روز است، از آن خدای يكتای غالب است.

خدايا، من و اين شب و روز، دو نوع از آفريدگان تو هستيم، پس مرا در اين دو با نيروی خودت نگاه دار و گستاخی من بر نافرمانی‌ات و برنشستن من بر حرام‌هايت را بر آن دو ننمايان، و عمل مرا در آن دو، مورد قبول و تلاش مرا مورد سپاس قرار ده، و آنچه را كه از دشواری آن می‌ترسم برايم راحت، و آنچه را كه انجامش برای من سخت گرديده، آسان ساز، و در آن برای من نيكی مقدر كن، و مرا از عذاب ناگهانی خودت ايمن دار و پوشش خودت را از من بر نگير، و ياد خودت را از ياد من مبر، و بين من و نيرو و توان خودت فاصله مينداز، و مرا به اندازه چشم به هم زدنی به خودم و به هيچ يک از آفريدگانت وا مگذار، ای بزرگوار.

خدايا، گوش‌های دلم را بگشا تا وحی تو را بفهمم و از كتابت پيروی نمايم و فرستادگانت را تصديق كنم و به وعده تو ايمان آورم و از وعده عذاب تو بترسم و به عهد تو وفا كنم و از دستورت پيروی كنم و از نهی تو دوری گزينم؛ خدايا، بر محمد و

خانـدان محمـد درود فرست و رویت را از من بر مگردان و فضـل خودت را از من باز مـدار و از بخشـشت محرومم نکن و مرا دوستدار دوستدارانت و دشمن دشمنانت قرار ده و بیم از تو و اشتیاق به سوی تو و فروتنی و سنگینی و تسلیم شدن در برابر امر تو و تصدیق کتابت تو و پیروی از سنت پیامبرت را روزی من کن .

خدایا، از نفسی که قناعت نپذیرد، و شکمی که سیر نگردد، چشمی که نگرید، و قلبی که فروتنی نکند، و نمازی که بالا نرود، و عملی که سود نرساند، و دعـایی که شـنیده نشود، به تو پناه می‌آورم؛ و از بـدی قضا، و دچار شـدن به بـدبختی، و سـرزنش دشـمنان، و رنـج گرفتـاری، و از عملی که تو را خشـنود نسـازد، به تو پناه می‌آورم؛ و از کفر و تهیـدستی، و زور و فریب، و از تنگی سـینه، و از پراکنـدگی در کارهـا، و بیمـاری شدیـد، و چیرگی مردان، و ناکامی به هنگام بازگشت، و بـدبینی در خود و دین و خانواده و مال و فرزنـدان و هنگام دیـدن مرگ، به تو پناه می‌آورم؛ پناه می‌برم به خـدا از انسان بد، و دوست بد، و روز بـد، و ساعت بـد، و از بـدی هر چیزی که در زمین فرو می‌رود و از آن بیرون می‌آیـد، و از بدی هر چیزی که از آسـمان فرود آیـد و در آن بالا رود، و از بـدی حوادث بـد شب و روز، مگر اینکه اتفاقی همراه با خوبی باشـد، و از بـدی هر جنبنـده‌ای که پروردگارم زنـدگی او را به دست دارد و پروردگار من بر راه راست قرار دارد، {پس خدا در برابر آنها شـما را کفایت خواهد کرد و او شـنوای داناست، سپاس خـدایی را که از عهـده من نمازی را که بر مؤمنان نوشـته شده وقت‌دار است، برداشت.} - . فلاح السائل: ۲۴۱-۲۴۳ -

مصـباح الشیخ، - . مصباح الشیخ: ۷۳ - مصـباح الکفعمی - . مصـباح الکفعمی: ۳۹-۴۱ - : مثـل همین روایت را از معـاویه بن عمار نقل کرده‌اند. - . همین روایت را در بلد الامین: ۱۹ نیز میتوانی ببینی. -

**[ترجمه]

«۱۰»

کِتَابُ الصِّفِّینَ، لِنَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ قَالَ: لَمَّا خَرَجَ عَلِیٌّ علیه السلام إِلَی صِفِّینَ نَزَلَ عَلَی شَاطِئِ الْبُرْسِ وَ صَلَّی الْمَغْرِبَ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ یُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ کُلَّ مَا وَقَبَ لَیْلٌ وَ غَسَقَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَ خَفَقَ.

**[ترجمه]جوهری گفته است: «المنهـل» همان «المورد» است و آن، چشـمه آبی است که شترها در چمنزارها بر آن وارد می... شوند و منزل‌هایی که در بیابان‌ها بر سر راه مسافران قرار دارد، «مناهل» نامیده می‌شود، چرا که در آنها آب وجود دارد. پایان. و اگر منظـور از آن «الکـوثر» باشـد، عطـف کردن «الحـوض» بر آن، عطـف تفسـیری خواهـد بـود. «الیقین» یعنی مرگ حتمی. «التراجمه» با کسـره جیم، جمع ترجمان، همان تفسـیر کننـده زبان است. «و جعله لباساً»، یعنی پوششـی که با آن می پوشانـد، و «سـکناً»، یعنی مردم در آن به راحتی ساکن می‌شونـد. «آیتین» یعنی دو نشانه، که دلالت بر خدای قدرتمند دارای حکمت دارد که آن دو را بـا نظم یکسـانی پشت سـر هم می‌آورد؛ یا اینکه منظور، دارنـده دو نشانه یعنی خورشـید و ماه است. «لنعلم بهما»، یعنی با گردیدن یا با حرکت‌های آنان. «الحساب»، یعنی حساب کردن.

«و هو عصـمه أمری» بـا کسـره عین و سـکون صاد، یعنی سپر حال من و نگهدارنـده‌ام از خشم و عـذاب در دنیا و آخرت. «فیها معیشتی»، یعنی زنـدگی و پیشه‌ام، یا هر چیزی از قبیل خوردنی و آشامیدنی و جز آنها که با آن زنده می‌مانم. «زیاده لی»، یعنی باعث افزون گشتن هر نوع خوبی بر من شود.

«خلقان»، یعنی دو آفریـده؛ شـیخ بهایی – که رحمت خـدا بر او باد– گفته است: از آنجا که شب و روز عبارت است از مقـدار گردیـدن خورشید، تثنیه آوردن خـبر «إنّ» صـحیح است؛ همچنین می‌توان خبر آن از اسـمش را محـذوف قرار داد که در این صـورت از قبیـل عطف جمله بر جمله باشـد و تقـدیر آن به این شـکل باشـد: «إنی خلقـک و هـذا الليـل و النهـار خلقـان»، {من آفریده تو هستم و این شب و روز دو آفریده تو هستند.}

«و لا ترهما جرءه منی»، یعنی طوری قرار نده که اگر حس داشـته باشـند، گسـتاخی من بر گناه را ببینند؛ یا اینکه اسناد در اینجا مَجـازی اسـت، و منظـور از آن، دیـدن فرشـتگان گماشـته شـده به همراه آفریـدگان در آن دو – شب و روز – اسـت و هـدف، خواسـتن توفیق برای ترک گناهان است. «و آمنّی مکرک»، یعنی عذاب ناگهانی تو. «حتی اعی وحیک»، یعنی آن را بفهمم، یا به خاطر بسپارم.

«و اوفی بعهدک»، یعنی به آن پیمانی که با تو در مورد عمل به دسـتورات و ترک گناهانت بسته‌ام که در این صورت، ادامه... آن، عطف تفسـیری خواهد بود؛ همچنین ممکن است به عقاید، و ادامه آن به اعمال اختصاص داشته باشد. در النهایه در تفسیر «من درک الشقاء» گفته است: «الدرک»: پیوستن و رسیدن به چیزی، و «أدرکته، إدراکاً و درکاً» – به همین معنا است. – پایان. «الشـقاء» مخالف خوشبختی، سختی و طاقت فرسایی است و همه آنها در اینجا مناسب هستند. شیخ بهایی – که رحمت خدا بر او بـاد– در شـرح این کلاـم گفته است: «الـدرک» بـا فتحه حروف، به مکان اطلاق می‌شود و طبقات آن، «درکات» است، و به آتش، «درکـات» و بـه بهشت، «درجـات» گفته می‌شـود؛ همچنین بر پـایین‌ترین ته یـک چیز اطلاـق می‌گردد. پایـان. مناسـبت نداشـتن آن پوشـیده نیست و با وجود اتفاق نظر شرح دهندگان حدیث در مورد معنای پیش گفته، وی به آن اشاره‌ای نکرده و چنین کاری از او شگفت آور است. – . ذیل شماره ۵ از قسمت تعقیبات مخصوص نماز ظهر به آن اشاره کردیم. –

وی – که رحمت خـدا بر او باد– همچنین گفته است: «الجهد» با فتحه حرف اول که ضـمه نیز می‌گیرد، یعنی طاقت فرسایی، و «جهـد البلاـء» حالتی است که انسان در آن آرزوی مرگ می‌کنـد؛ و گفته شـده است که منظور از آن، زیاد بودن اهل خانه با وجود تهیـدستی است. پایـان. در النهـایه به نقل از المفتوح آمـده است: «أعوذ بک من جهـد البلاء»، یعنی حالت توان فرسایی. پایان. در بعضی روایات، «جهد البلاء» همان جلو بردن مرد و زدن گردن او است؛ همچنین اسیر تا زمانی که در بند دشمن قرار دارد؛ و مردی که بر روی شـکم زن خود، مردی دیگر را می‌یابـد؛ و در بعضـی از آنهـا به معنای از دست دادن دین است و در باب دعاها خواهد آمد، و شاید تعمیم بهتر باشد تا همه اینها را شامل گردد.

«الوقر» با فتحه، یعنی سنگینی در شـنیدن؛ همچنین ممکن است با کسـره خوانـده شود و آن، بار سـنگین است. در النهایه «الداء العضال» نوعی بیماری است که پزشکان از درمان آن ناتوان باشند و برای آن دارویی نباشد. «غلبه الرجال»، یعنی مسلط و چیره شدن مردان، همراه با هرج و مرج، یا چیره شدن شاهان و زورگویان. نووی در شـرح صـحیح مسـلم گفته است: «غلبه الرجال»، گویی خواسـته با آن برانگیختن نفس و شدت شـهوت را بیان کند و اضافه کردن آن به مفعول، یعنی بر آنان غلبه کند؛ الطیبی

در شرح المشکوه گفته است: یا اضافه‌آن بر فاعل است، یعنی زورگویی بدهکاران بر او و چیره شدن آنان، با درخواست بدهی کردن، بدون اینکه چیزی برای پرداخت بدهی آنان داشته باشد؛ یا اینکه اضافه بر مفعول باشد، به این معنا که کسی از مردان و یاران او برای کمک کردن به او در پرداخت بدهی‌هایش وجود نداشته باشد. پایان. گفته شده است: با آن مفعول بودن در لواط را اراده کرده است، ولی اولی آشکارتر است.

«الخیبه» یعنی محرومیت. «المنقلب» مصدر میمی و به معنای دگرگون شدن است و منظور از آن، بازگشتن به سوی خداوند سبحان هنگام مرگ و در رستاخیز است؛ می‌توان آن را تعمیم داد، به گونه‌ای که شامل برگشتن از سفر و جز آن شود. در النهایه در حدیث مربوط به دعای سفر گفته است: «أعوذ بک من کآبه المنقلب»، یعنی برگشتن از سفر و بازگشت به وطن، یعنی به خانه بر می‌گردد و در آن، چیزی می‌بیند که او را اندوهناک می‌کند، و «الانقلاب» هر نوع برگشتن است. پایان؛ ولی اولی در اینجا مناسب‌تر است. «و سوء المنظر»، یعنی پناه می‌آورم به تو از اینکه به چیزی بنگرم که مرا نسبت به آنچه گفته شد، بدبین کند. «السوء» با فتحه، مصدر «ساء» به معنای انجام کار ناپسند است و با ضمه، اسمی است که از مصدر به دست می‌آید؛ گفته می‌شود: «انسان سوء» به صورت اضافه و با فتحه سین، و همین طور «جار سوء» و «قرین سوء» و مانند اینها.

**[ترجمه]

«۱۱»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ بَسْمَلَ وَ حَوْلَقَ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ مِنَ الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ سَبْعاً دَفَعَ اللَّهُ تَعَالَی عَنْهُ سَبْعِینَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الرِّیحُ وَ الْبَرَصُ وَ الْجُنُونُ وَ یُكْتَبُ فِی دِیوَانِ السُّعَدَاءِ وَ إِنْ كَانَ شَقِیّاً(۱).

**[ترجمه]کتاب الصفین: از نصر بن مزاحم، گفته است: وقتی که علی علیه السلام برای رفتن به جنگ صفین بیرون آمد، در کنار برس فرود آمد و نماز مغرب را خواند و بعد از فارغ شدن گفت: «الحمد لله الذی یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل، الحمد لله کل ما وقب لیل و غسق، و الحمد لله کلما لاح نجم و خفق»، {سپاس مخصوص خدایی است که شب را در روز و روز را در شب وارد می‌کند. سپاس باد خدا را هر زمانی که شب فراگیر می‌شود و به نهایت می‌رسد. سپاس باد خدا را هر زمانی که ستاره‌ای نورانی و تاریک می‌گردد.}

**[ترجمه]

«۱۲»

الْكَافِی، بِسَنَدَیْنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِثْلَهُ: وَ بِسَنَدٍ آخَرَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ یَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِینَ یُصْبِحُ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِینَ یُمْسِی لَمْ یَخَفْ شَیْطَاناً وَ لَا سُلْطَاناً وَ لَا بَرَصاً وَ لَا جُذَاماً قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام وَ أَنَا أَقُولُهَا مِائَهَ مَرَّهٍ(۲).

وَ مِنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَیَابَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا صَلَّی الْمَغْرِبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یَفْعَلُ

مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ أَعْطِيَ خَيْراً كَثِيراً(۳).

**[ترجمه]البلـد الامین: امام صادق علیه السـلام فرمود: هرکس بسـمله - «یعنی بسم الله الرحمن الرحیم» - و حولقه - یعنی «لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم» - را بعد از هر نماز صبح و مغرب هفت بار بگوید، خداوند هفتاد نوع گرفتاری را از او دور می‌کنـد که کمترین آنهـا باد و برص و جنون است، و در فهرست سـعادتمندان نوشـته می‌شود، هرچنـد از تیره‌بختان باشـد. - . البلد الامین: ۲۸ (در حاشیه) -

**[ترجمه]

أقول

سیأتی بعض ما یناسب الباب فی باب تعقیب الصبح و باب أدعیه الصباح و المساء.

ص: ۱۱۲

۱- ۱. البلد الأمین ص ۲۸ فی الهامش.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۳۱.

۳- ۳. الکافی ج ۳ ص ۵۴۵.

**[ترجمه]الکافی: مثل همین روایت را با دو سند از امام صادق علیه السلام و با سندی دیگر از حسن بن جهم از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است؛ با این تفاوت که گفته است: آن را سه مرتبه هنگام صبح شدن و سه مرتبه هنگام شب شدن بخواند، از هیچ شیطان و فرمانروا و برص و جذامی نمی‌ترسد؛ امام کاظم علیه السلام فرمود: من این را صد مرتبه می گویم. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

همان کتاب: با اسناد به صباح بن سیابه، نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس هنگام خواندن نماز مغرب سه مرتبه بگوید: «الحمد لله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره»، {سپاس مخصوص خدایی است که هرچه را اراده کند، به انجام می‌رساند، و چیزی را که دیگران اراده کنند، انجام نمی‌دهد.}، به او خوبی فراوان داده می‌شود. - . الکافی ۳: ۵۴۵ -

**[ترجمه]

باب ۴۲ تعقیب صلاه العشاء

الأخبار

توضیح

بعینک التی لا تنام أی بعلمک الذی لا یغفل عن شی ء و اکنفنی فی النهایه الکنف بالتحریک الجانب و الناحیه و کنفت الرجل قمت بأمره و جعلته فی کنف و الرکن معتمد البناء بعد الأساس و رکنا الجبل جانباه و فی القاموس الرکن بالضم الجانب الأقوی و ما یقوی به من ملک و جند و غیره و العز و المنعه انتهی و فی التنزیل أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ(۱) و قال تعالی فَتَوَلَّی بِرُکْنِهِ (۲) لا یرام أی لا یمکن لأحد أن یقصده أو یقصد من لجأ إلیه بسوء و الطوارق البلایا النازله تولنی أی کن ولیی و المتکفل بأموری فیما غبت عنه من أمور الآخره و الدرجات العالیه أو الأعم منها و مما لم یأتنی بعد من أمور الدنیا فیما حضرته من أمور دنیای و الخائنه مصدر مثل الخیانه و خیانه الأعین کل ما یحرم علیها کالهمز و اللمز و الإشاره بها و قال البیضاوی فی قوله تعالی یَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ (۳) النظره الخائنه کالنظره الثانیه إلی غیر المحرم و استراق النظر أو خیانه الأعین وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ من الضمائر و النیات و الأخلاق و العقائد و ما أقلت أی حملت قال الجوهری أقل الجره أطاق حملها و ما ذرت أی طیرته و أذهبته و تشملنی بعافیتک أی تجعل عافیتک شامله لجمیع بدنی و کل أحوالی.

۱- ۲. هود: ۸۰.

۲- ۳. الذاریات: ۲۹.

۳- ۴. غافر: ۱۹.

**[ترجمه]فلاح السائل: از کارهای مهم بعد از نماز عشا، دعای مخصوص این واجب است که از دعاهای سرورمان علی بن ابی‌طالب صلوات الله علیه، برای دنباله نمازهای واجب پنجگانه وارد شده و عبارت است از: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از من با چشمت که خواب ندارد، نگهبانی کن؛ و با پناهگاه خودت که نابودی ندارد، مرا حفاظت کن؛ و با قدرتی که بر من داری، مرا بیامرز، ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ خدایا، از اتفاقات بد شب و روز، و از زورگویی هر زورگو، و رشک هر رشک برنده، و ستم هر ستمگر به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، مرا و خانواده و دارایی و تمام آن نعمت‌هایی را که به من بخشیده‌ای، حفظ نما؛ خدایا، در آنچه پیش توست و من از آن به دور بوده‌ام، مرا سرپرستی کن، و در آنچه پیش من است، مرا به خودم وامگذار؛ ای کسی که گناهان به او زیان نمی‌رساند و آمرزش از بخشش او نمی‌کاهد، آنچه را که به تو زیان نمی‌رساند، بر من بیامرز و آنچه را که از تو نمی‌کاهد، بر من عطا کن، که تو بسیار بخشنده‌ای.

خدایا، از تو گشایشی زودرس و شکیبایی زیبا و روزی گسترده و گذشت و سلامتی در دنیا و آخرت را می‌خواهم. خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان مؤمن، چه زنده باشند و چه مرده را بیامرز؛ خدایا، مرا از کسانی که زیاد ذکر تو را می‌گوید و پیوسته شکر می‌کند و همواره تو را عبادت می‌کند و امانتت را ادا می‌کند، قرار بده؛ خدایا، زبانم را از دروغ، و قلبم را از نفاق، و عملم را از دورویی، و دیده‌ام را از خیانت پاک گردان که همانا تویی که نگاه... های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می دارند، می دانی .

خدایا، پروردگار آسمان‌های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده، و پروردگار زمین‌های هفتگانه و آنچه حمل نموده، و پروردگار باد ها و هرچه را پراکنده سازند، و پروردگار هر چیز و خدای هر چیز و پایان هر چیز، پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا به رحمت خویش سرپرستی کنی و ایمنی خود را شامل من گردانی و با آمرزش خودت، مرا خوشبخت سازی و هیچ کس از آفریده‌هایت را بر من مسلط مگردانی.

خدایا، مرا به خودت نزدیک ساز و برای خوش خلقی توانایی‌ام ده و از بدی شیطان‌های جن و انس، مرا سلامت بدار و در دل شب و روز نگهبانم باش و خانواده‌ام و دارایی و فرزندان و برادران و تمام آنچه را که با آن بر من نعمت دادی، حفظ کن و مرا و پدر و مادرم و سایر مردان و زنان مؤمن را بیامرز، ای صاحب اختیار نیکی‌های ماندگار، به درستی که تو بر هر چیزی توانایی، و چه خوب سرپرست و چه خوب یاریگری هستی، با رحمتی که داری، ای بهترین رحم کنندگان، و سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، و درودهای او بر پیشوای ما محمد پیامبر، صلی الله علیه و آله، و بر فرزندان پاک او.} - . فلاح السائل: ۲۴۹-۲۵۰ -

**[ترجمه]

«۲»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ أَيْضاً بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ الدُّعَاءُ الْمُخْتَصُّ بِهَذِهِ الْفَرِيضَةِ مِنْ أَدْعِيَةِ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا عَقِيبَ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ هُوَ سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعِزَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ

كُلَّ شَيْ ءٍ بِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ سُبْحَانَ مَنِ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَزِمَّتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یَنْسَی مَنْ ذَکَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یَخِیبُ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْهِ کَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِکِ السَّمَاءِ وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ وَ حَاصِرِ الْبِحَارِ وَ نَاضِدِ الْجِبَالِ وَ بَارِئِ الْحَیَوَانِ وَ خَالِقِ الشَّجَرِ وَ فَاتِحِ یَنَابِیعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ مُسَیِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِی الرِّیحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ مُتَسَارِعَاتٍ فِی الْهَوَاءِ وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ وَ بِشُکْرِهِ تُسْتَوْجَبُ الزِّیَادَاتُ وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِیَاتُ وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِی الْفَلَوَاتِ وَ الطَّیْرُ فِی الْوُکُنَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِیعِ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلِ الْآیَاتِ وَاسِعِ الْبَرَکَاتِ سَاتِرِ الْعَوْرَاتِ قَابِلِ الْحَسَنَاتِ مُقِیلِ الْعَثَرَاتِ مُنَفِّسِ الْکُرُبَاتِ مُنْزِلِ الْبَرَکَاتِ مُجِیبِ الدَّعَوَاتِ مُحْیِی الْأَمْوَاتِ إِلَهِ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی کُلِّ حَمْدٍ وَ ذِکْرٍ وَ شُکْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَکَاةٍ وَ قِیَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَکَةٍ وَ زِیَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ کَرَامَةٍ وَ فَرِیضَةٍ وَ سَرَّاءَ وَ ضَرَّاءَ وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ وَ مُصِیبَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ عُسْرٍ وَ یُسْرٍ وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ فِی کُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ وَ کُلِّ مَثْوًی وَ مُنْقَلَبٍ وَ مُقَامٍ اللَّهُمَّ إِنِّی عَائِذٌ بِکَ فَأَعِذْنِی وَ مُسْتَجِیرٌ بِکَ فَأَجِرْنِی وَ مُسْتَعِینٌ بِکَ فَأَعِنِّی وَ مُسْتَغِیثٌ بِکَ فَأَغِثْنِی وَ دَاعِیکَ فَأَجِبْنِی وَ مُسْتَغْفِرُکَ فَاغْفِرْ لِی وَ مُسْتَنْصِرُکَ فَانْصُرْنِی وَ مُسْتَهْدِیکَ فَاهْدِنِی وَ مُسْتَکْفِیکَ فَاکْفِنِی وَ مُلْتَجِأٌ إِلَیْکَ فَآوِنِی وَ مُسْتَمْسِکٌ بِحَبْلِکَ فَاعْصِمْنِی وَ مُتَوَکِّلٌ عَلَیْکَ فَاکْفِنِی وَ اجْعَلْنِی فِی عِیَاذِکَ وَ جِوَارِکَ وَ حِرْزِکَ وَ کَهْفِکَ وَ حِیَاطَتِکَ وَ حِرَاسَتِکَ وَ کِلَاءَتِکَ

وَ حُرْمَتِکَ وَ أَمْنِکَ وَ تَحْتَ ظِلِّکَ وَ تَحْتَ جَنَاحِکَ وَ اجْعَلْ عَلَیَّ جُنَّةً وَاقِیَةً مِنْکَ وَ اجْعَلْ حِفْظَکَ وَ حِیَاطَتَکَ وَ حِرَاسَتَکَ وَ کِلَاءَتَکَ مِنْ

وَرَائِی وَ أَمَامِی وَ عَنْ یَمِینِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی وَ حَوَالَیَّ حَتَّی لَا یَصِلَ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ إِلَی مَکْرُوهِی وَ أَذَایَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ اللَّهُمَّ اکْفِنِی حَسَدَ الْحَاسِدِینَ وَ بَغْیَ الْبَاغِینَ وَ کَیْدَ الْکَائِدِینَ وَ مَکْرَ الْمَاکِرِینَ وَ حِیلَهَ الْمُحْتَالِینَ وَ غِیلَهَ الْمُغْتَالِینَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِینَ وَ جَوْرَ الْجَائِرِینَ وَ اعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِینَ وَ سَخَطَ الْمُسْخِطِینَ وَ تَشَحُّبَ الْمُتَشَحِّبِینَ وَ صَوْلَهَ الصَّائِلِینَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِینَ وَ غَشْمَ الْغَاشِمِینَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِینَ وَ سِعَایَهَ السَّاعِینَ وَ نَمِیمَهَ النَّامِّینَ وَ سِحْرَ السَّحَرَهِ وَ الْمَرَدَهِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ جَوْرَ السَّلَاطِینِ وَ مَکْرُوهَ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الطَّیِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِی قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلَمُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِکَهُ وَ وَجِلَتْ عَنْهُ الْقُلُوبُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ أَحْیَیْتَ بِهِ الْمَوْتَی أَنْ تَغْفِرَ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِی ظُلَمِ اللَّیْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ عَمْداً أَوْ خَطَأً سِرّاً أَوْ عَلَانِیَهً وَ أَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً وَ هَدْیاً وَ نُوراً وَ عِلْماً وَ فَهْماً حَتَّی أُقِیمَ کِتَابَکَ وَ أُحِلَّ حَلَالَکَ وَ أُحَرِّمَ حَرَامَکَ وَ أُؤَدِّیَ فَرَائِضَکَ وَ أُقِیمَ سُنَّهَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

اللَّهُمَّ أَلْحِقْنِی بِصَالِحِ مَنْ مَضَی وَ اجْعَلْنِی مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِیَ وَ اخْتِمْ لِی عَمَلِی بِأَحْسَنِهِ إِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ اللَّهُمَّ إِذَا فَنِیَ عُمُرِی وَ تَصَرَّمَتْ أَیَّامُ حَیَاتِی وَ کَانَ لَا بُدَّ لِی مِنْ لِقَائِکَ فَأَسْأَلُکَ یَا لَطِیفُ أَنْ تُوجِبَ لِی مِنَ الْجَنَّهِ مَنْزِلًا یَغْبِطُنِی بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ اقْبَلْ مِدْحَتِی وَ الْتِهَافِی وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِی وَ هِتَافِی وَ إِقْرَارِی عَلَی نَفْسِی وَ اعْتِرَافِی فَقَدْ أَسْمَعْتُکَ صَوْتِی فِی الدَّاعِینَ وَ خُشُوعِی فِی الضَّارِعِینَ وَ مِدْحَتِی فِی الْقَائِلِینَ وَ تَسْبِیحِی فِی الْمَادِحِینَ وَ أَنْتَ مُجِیبُ الْمُضْطَرِّینَ وَ مُغِیثُ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ غِیَاثُ الْمَلْهُوفِینَ وَ حِرْزُ الْهَارِبِینَ وَ صَرِیخُ الْمُؤْمِنِینَ وَ مُقِیلُ الْمُذْنِبِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی الْبَشِیرِ النَّذِیرِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ وَ عَلَی الْمَلَائِکَهِ وَ النَّبِیِّینَ اللَّهُمَّ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ وَ بَارِئَ الْمَسْمُوکَاتِ وَ جَبَّالَ الْقُلُوبِ عَلَی فِطْرَتِهَا شَقِیِّهَا

وَ سَعِيدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِکَ وَ نَوَامِیَ بَرَکَاتِکَ وَ کَرَائِمَ تَحِیَّاتِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِکَ وَ الذَّابِّ عَنْ حَرَمِکَ وَ الصَّادِعِ بِأَمْرِکَ وَ الْمُشَیِّدِ لِآیَاتِکَ وَ الْمُوفِی لِنَذْرِکَ اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِکُلِّ فَضِیلَهٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ نَقِیبَهٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ وَ حَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ مَنْزِلَهٍ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَیْتَ مُحَمَّداً لَکَ فِیهَا نَاصِراً وَ عَلَی مَکْرُوهِ بَلَائِکَ صَابِراً وَ لِمَنْ عَادَاکَ مُعَادِیاً وَ لِمَنْ وَالاکَ مُوَالِیاً وَ عَنْ مَا کَرِهْتَ نَائِیاً وَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ دَاعِیاً فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِکَ وَ خَصَائِصَ مِنْ عَطَائِکَ وَ حَبَائِکَ تُسْنِی بِهَا أَمْرَهُ وَ تُعْلِی بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقُوَّامِ بِقِسْطِکَ وَ الذَّابِّینَ عَنْ حَرَمِکَ حَتَّی لَا یَبْقَی سَنَاءٌ وَ لَا بَهَاءٌ وَ لَا رَحْمَهٌ وَ لَا کَرَامَهٌ إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّداً بِذَلِکَ وَ آتَیْتَهُ مِنْکَ الذُّرَی وَ بَلَّغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَی آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ دِینِی وَ نَفْسِی وَ جَمِیعَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ فَاجْعَلْنِی فِی کَنَفِکَ وَ حِفْظِکَ وَ عِزِّکَ وَ مَنْعِکَ عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ حَسْبِی أَنْتَ فِی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشِّدَّهِ وَ الرَّخَاءِ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ- رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَهً لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ- رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً- رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْفاتِحِینَ رَبَّنا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ- رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِینا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا

إِصْراً کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَهَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ- رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً(۱).

**[ترجمه]«بعینک التی لا تنام»، یعنی با آن علمت که از چیزی غافل نمی‌شوی. «و اکفنی»، در النهایه آمده است: «الکنف» با فتحه حروف، یعنی سمت و ناحیه، «کنفت الرجل»، یعنی کار او را انجام دادی و او را در حمایت خود قرار دادی. «الرکن» پایه ساختمان بعد از ساختن؛ و «رکنا الجبل»، یعنی دو طرف آن؛ در القاموس آمده است: «الرکن» با ضمه، یعنی طرف قوی‌تر، و هر چیزی که باعث نیرومندی آن می‌شود، از قبیل فرمانروایی و لشکر و جز آن، و عزت و ارجمندی. پایان. و در قرآن آمده است: «أو آوی إلی رکن شدید»، - . هود/ ۸۰ - {یا

به تکیه گاهی استوار پناه می جستم.} و فرموده: «فتولی برکنه»، - . الذاریات/ ۲۹ - {پس [فرعون] با ارکان [دولت] خود روی برتافت.}. «لا یرام»، یعنی هیچ کسی نمی‌تواند نسبت به آن یا به کسی که در آن پناه گرفته است، قصد آزار رساندن داشته باشد. «الطوارق»، یعنی گرفتاری‌های نازل شده. «تولّنی»، یعنی در کارهای مربوط به آخرت و درجات والا که خودم به آن دسترسی نداشته‌ام، سرپرست و عهده دار این کارهایم باش؛ یا اینکه اعم از آن و کارهای مربوط به این دنیا که هنوز به من نرسیده است، باشد. «فیما حضرته» از کارهای مربوط به دنیایم. «الخائنه» مثل «الخیانه» مصدر است و «خیانه الأعین» هر چیزی است که بر آن حرام است، مانند عیب جویی و مسخره کردن و اشاره کردن با چشم؛ بیضاوی در مورد کلام خداوند متعال «یعلم خائنه الأعین»، - . غافر/ ۱۹ -

{[خدا] نگاه‌های خائنانه را می‌داند.} گفته است: نگاه خیانت‌بار از قبیل نگاه دوم به نامحرم و دزدانه نگاه کردن، یا خیانت چشم است. «و ما تخفی الصدور»، یعنی از درون‌ها و نیت‌ها و خوی‌ها و باورها. «ما أقلت»، یعنی حمل کرد؛ جوهری گفته

است: «أقل الجره»، یعنی برداشتن آن، او را به زانو در آورد. «و ما ذرت»، یعنی پراند و برد. «و تشملنی بعافیتک»، یعنی ایمنی و سلامتی خودت را شامل تمام اعضای بدنم و در تمام حالاتم بنمایی.

**[ترجمه]

بیان

و حاصر البحار أی أحاط بها و منعها عن الجریان و یقال نضد المتاع أی وضع بعضه علی بعض و الفلوات جمع الفلاه و هی المفازه و قال الجوهری

ص: ۱۱۷

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۵۱- ۲۵۴.

الوكن بالفتح عش الطائر فی جبل أو جدار الأصمعی الوكن مأوی الطائر فی غیر عش و الوكر بالراء ما كان فی عش أبو عمرو الوكنه و الأكنه بالضم مواقع الطیر حیث ما وقعت و الجمع وكنات و وكنات و وكنات و وكن انتهی.

و الحیاطه و الكلاءه بكسرهما الحفظ و الحراسه.

و قال الجوهری الغیله بالكسر الاغتیال یقال قتله غیله و هو أن یخدعه فیذهب به إلی موضع فإذا صار إلیه قتله و قال الفیروزآبادی السخط بالضم و كعنق و جبل و مقعد ضد الرضا و قد سخط كفرح و تسخط و أسخطه أغضبه و تسخطه تكرهه و تشحب المتشحبین أی تغیر المتغیرین و فی بعض النسخ بالسین المهمله من سحبه كمنعه جره علی وجه الأرض و لعل فیه تصحیفا و فی الصحاح صال علیه إذا استطال و صال علیه وثب صولا و صوله و قال قسره علی الأمر قسرا أكرهه علیه و قهره و كذلك اقتسره علیه و قال الغشم الظلم و الخبط الضرب الشدید و السعایه هو أن یسعی بصاحبه إلی السلطان لیؤذیه و الهدی السیره الحسنه.

و فی القاموس لهف كفرح حزن و تحسر كتلهف علیه و الملهوف و اللاهف المظلوم المضطر یستغیث و یتحسر و الإلهاف الحرص و الشره و التهف التهب و قال ضرع إلیه و یثلث ضرعا محركه و ضراعه خضع و ذل و استكان و قال هتف به هتافا بالضم صاح و فلانا مدحه و قال الصریخ المغیث و المستغیث ضد انتهی و المدحوات الأرضون المبسوطه كما قال تعالی وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِكَ دَحاها(۱) و المسموكات السماوات المرفوعات.

و فی القاموس جبلهم الله یجبل خلقهم و علی شی ء طبعه و جبره انتهی أی خلق القلوب علی قابلیاتها المختلفه و استعداداتها المتباینه أو طبعها علی الإیمان به إذا خلیت و طباعها كما قال سبحانه و تعالی فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِی فَطَرَ النّٰاسَ عَلَیْها(۲)

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: كُلُّ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَهِ. و قد مر تحقیقه فی كتاب التوحید.

ص: ۱۱۸

۱- ۱. النازعات: ۳۰.

۲- ۲. الروم: ۳۰.

شقیها و سعیدها بدل من القلوب.

و قال الجوهری صدعت بالحق إذا تکلمت به جهارا قوله تعالی فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ(۱) قال الفراء أراد فاصدع بالأمر أی أظهر دینک و فی القاموس النقیبه النفس و العقل و المشوره و نفاذ الرأی و الطبیعه انتهی و فی بعض النسخ و منقبه و هو أظهر و الحباء بالکسر العطاء و أسناه رفعه و السنا بالقصر ضوء البرق و بالمد الرفعه و الذب الدفع و المنع و فی القاموس أنت فی کنف الله محرکه فی حرزه و ستره.

فِتْنَهً لِلَّذِینَ کَفَرُوا أی بأن تسلطهم علینا فیفتنوننا بعذاب لا نتحمله کانَ غَراماً أی لازما رَبَّنَا افْتَحْ أی احکم بیننا و الفتاح القاضی و الفتاحه الحکومه أی و أظهر أمرنا حتی ینکشف ما بیننا و بینهم و یتمیز المحق من المبطل من فتح المشکل إذا بینه وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ أی أمتنا محشورین معهم معدودین فی زمرتهم ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ أی علی تصدیقهم أو علی ألسنتهم أو منزلا علیهم إِنْ نَسِینا أَوْ أَخْطَأْنا أی لا تؤاخذنا بما أدی بنا إلی نسیان أو خطإ من تفریط و قله مبالاه.

وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا إِصْراً أی عبئا ثقیلا یأصر صاحبه أی یحبسه فی مکانه یرید التکالیف الشاقه ما لا طاقَهَ لَنا بِهِ أی من البلاء و العقوبه أو التکالیف الشاقه أَنْتَ مَوْلانا أی سیدنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً أی رحمه حسنه تصلح بها أمور دنیای و کذا فی الآخره و قیل حسنه الدنیا الصحه و الکفاف و توفیق الخیر و الآخره الثواب و الرحمه و فی بعض الروایات حسنه الدنیا المرأه الصالحه و الآخره الحوراء و قد مر تفاسیر أخر فی الأخبار.

**[ترجمه]فلاح السائل: از کارهای مهم بعد از نماز عشا، دعای مخصوص به این نماز است که از دعاهای سرورمان فاطمه صلوات الله علیها، برای خواندن پس از نمازهای واجب پنجگانه و عبارت است از: {منزّه است آنکه تمامی موجودات در برابر عظمت او فروتن شده‌اند. منزّه است آنکه همه اشیاء در برابر عزّت او خوار هستند. منزّه است آنکه هر چیز در برابر دستور و پادشاهی او خاضع می باشد. منزّه است آنکه هر چیز در حیطه قدرت او قرار دارد. سپاس مخصوص خدایی است که یاد کننده‌اش را فراموش نمی‌کند. سپاس مخصوص خدایی است که دعا کننده‌اش را دست خالی بر نمی‌گرداند. سپاس مخصوص خدایی است که توکل کننده بر او را کفایت می‌کند. سپاس مخصوص خدایی است که نگهدارنده آسمان و هموار کننده... زمین و محدود کننده دریاها و برجای گذارنده کوه‌ها و به وجود آورنده حیوانات و آفریدگار درختان و جوشاننده چشمه‌های زمین و اداره کننده کارها و سیر دهنده ابرها و به جریان اندازنده باد و آب و آتش از اعماق زمین و سرعت گیرنده در هوا، و فرود آورنده گرما و سرما است، همان کسی که به واسطه نعمت او کارهای نیک انجام می‌شوند و به سبب شکر او، افزونی‌ها حاصل می‌شوند و به دستور او، آسمان‌ها برپا شده‌اند و به عزت او، کوه‌های محکم شده، استوار گردیده‌اند و حیوانات وحشی در بیابان‌ها و پرندگان در آشیان‌ها به تسبیح مشغول شده‌اند.

سپاس مخصوص خدایی است که بالا- برنده مراتب، فرو فرستادنده نشانه‌ها، گسترده سازنده برکت‌ها، پوشاننده زشتی‌ها، پذیرنده نیکی‌ها، نادیده گیرنده لغزش‌ها، بازگشاینده ناراحتی‌ها، نازل کننده برکت‌ها، اجابت کننده دعاها، زنده کننده مردگان، خدای هرچه در زمین و آسمان‌هاست، می‌باشد. سپاس برای خدا به خاطر هر سپاس و ذکر و شکر و صبر و نماز و زکات و ایستادن و عبادت و خوشبختی و برکت و افزونی و مهربانی و نعمت و بزرگواری و واجب و ناز و نعمت و رنجوری و سختی و آسایش و حادثه و گرفتاری و دشواری و آسانی و بی‌نیازی و تهیدستی و در هر حالی و در هر لحظه و زمانی و هر

مکان ثابت و دگرگون شده و جایگاهی.

خدایا، من به سوی تو پناهنده هستم، پس پناهم ده، و به سوی تو رهایی جسته‌ام، پس رهایی‌ام ده، و از تو یاری خواسته‌ام، پس یاری‌ام کن، و به تو دادخواهی کرده‌ام، پس به دادم برس و تو را خوانده‌ام، پس اجابتم کن، و از تو آمرزش خواسته‌ام، پس مرا بیامرز، و از تو یاری خواسته‌ام، پس یاری‌ام کن، و از تو هدایت خواسته‌ام، پس هدایتم کن، و کفایت تو را خواسته‌ام، پس مرا کفایت کن، و به سوی تو پناهنده شده‌ام، پس پناهم بده، و به ریسمان تو چنگ زده‌ام، پس نگاهم دار، و بر تو توکل کرده‌ام، پس مرا بسنده باش، و مرا در پناه و کنار و امان و ملجأ و احاطه و نگهبانی و پاسداری و حرمت و امن و زیر سایه و زیر بال خودت قرار بده و حفاظت و احاطه و نگهبانی و پاسداری خودت را از پشت سرم و روبرویم و از راست و از چپم و از بالای سرم و از زیر و پیرامونم قرار بده، تا هیچ یک از آفریدگان به آزار و اذیت من نرسند، به حق «لا إله إلا أنت»، تویی نعمت بخشنده و نو آورنده آسمان‌ها و زمین، و دارای شکوه و بزرگواری .

خدایا، در برابر رشک رشک بران، و ستم ستمگران، و کینه کینه توزان، و نیرنگ نیرنگ بازان، و فریب فریبکاران، و کشتن کشندگان با فریب، و ظلم ظالمان، و زورگویی زورگویان، و تجاوز تجاوزکاران، و خشم خشم گیرندگان، و دگرگون کردن دگرگون کنندگان و حمله حمله کنندگان، و به ستم وادار کردن وادار کنندگان به ستمکاری، ستمکاران، و اشتباه رفتن بیراهه روندگان، و بدگویی تهمت زنندگان، و سخن چینی سخن چینان، و جادو گری ساحران، و سرکشان و شیطان‌ها و ستم پادشاهان و آزار جهانیان، مرا بسنده باش.

خدایا، به اسم در گنجینه و پاک و پاکیزه‌ات که آسمان‌ها و زمین با آن برپا داشته شده‌اند، و تاریکی‌ها با آن روشن گشته‌اند، و فرشتگان برای آن تسبیح می‌گویند و دل‌ها از آن لرزان گشته‌اند و گردن‌ها برای او پایین افتاده‌اند و مردگان با آن زنده می‌شوند، از تو می‌خواهم هر گناهی را که در تاریکی‌های شب یا در روشنایی روز، عمداً یا از روی اشتباه، پنهانی یا آشکارا مرتکب شده‌ام، بیامرزی و به من باور و هدایت و نور و علم و فهمی هدیه ده که کتابت را برپا دارم و حلال تو را حلال، و حرام تو را حرام بدارم و واجبات تو را به جای آورم و سنت پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را برپا دارم.

خدایا، مرا به نیکانی که گذشته‌اند ملحق کن و از نیکانی که باقی‌اند قرار ده و عمل مرا در بهترین صورتش به پایان برسان، که تو بسیار آمرزنده و مهربان هستی.

خدایا، وقتی عمرم تمام شد و روزهای زندگی‌ام بریده گردید و ناگزیر از دیدار تو شدم، پس از تو می‌خواهم ای مهربان، منزلی از بهشت برایم لازم گردانی که پیشینیان و آیندگان بر آن غبطه بخورند؛ خدایا، ستایش و زاری‌ام را بپذیر و بر ناله و فریادم، و اقرار و اعترافی که به زبان خودم می‌کنم، رحم کن، که صدایم را در میان دعا کنندگان، و خشوعم را در میان زاری کنندگان، و ستایشم را در میان گویندگان، و تسبیحم را در میان ستایشگران به گوش تو رساندم و تو اجابت کننده... درماندگان، و فریادرس فریادخواهان، و پناه بی‌پناهان، و نگهبان گریختگان، و دادرس مؤمنان، و پذیرنده گناهکاران هستی؛ و درودهای خدا بر بشارت دهنده و بیم دهنده، و چراغ تابان، و بر فرشتگان و پیامبران .

ای خدای گسترنده زمین‌های گسترده، و به وجود آورنده آسمان‌ها، و آفریدگار دلها بر اساس فطرت آنها، چه دل‌های

بدبختان و چه دل‌های خوشبختان، باشرافت‌ترین درودها، و افزاینده‌ترین برکت‌ها، و بزرگوارانه‌ترین سلام‌ها را بر محمد، بنده و فرستاده تو و امانتدار تو بر وحی‌ات، به پا خاسته با حجت تو، دفاع کننده از حرم تو، و آشکار کننده به دستور تو، و پشتیبانی کننده آیات تو، و وفا کننده به نذر تو، بفرست؛ خدایا، به خاطر هر فضیلت از فضیلت‌های او، و هر ستودنی از ستوده‌های او، و حالی از حالات او، و منزلتی از منزلت‌های او، که محمد را در آن برای خودت یاریگر، و بر رنج گرفتاری تو شکیبا، و نسبت به کسی که تو را دشمن می‌دارد، دشمن، و نسبت به کسی که تو را دوست می‌دارد، دوست، و از آنچه ناپسند می‌داری، دور کننده، و به آنچه دوست می‌داری، دعوت کننده دیدی، فضیلت‌هایی از پاداش خودت، و شایستگی‌هایی از بخشش‌ها و هدایای خودت، که با آن کارش را ستوده، و مقامش را همراه با به پا دارندگان عدل تو، و دور کنندگان از حرمت، والا گردانی، به او عطا کن، تا اینکه هیچ والایی و شکوه و رحمت و بزرگواری نمانده باشد، جز اینکه محمد را شایسته آن گردانیده باشی، و از پیش خود به او مقامات عالی داده باشی و او را به مقام های والا رسانده باشی، بپذیر ای پروردگار جهانیان.

خدایا، دینم و خود و تمام نعمت‌هایی را که به من داده‌ای، به تو می‌سپارم، پس مرا در پوشش و حفظ خودت، و عزت و بازداشتن خودت قرار بده، که نزدیک تو عزتمند و ستایش تو شکوهمند و نام‌های تو پاک گشته است، و هیچ خدایی جز تو نیست؛ تو برای من در خوشی و ناخوشی، و در سختی و آسایش کفایت می‌کنی، و چه خوب کاردانی هستی؛ خدایا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و سرانجام به سوی توست؛ خدایا، ما را برای کافران وسیله آزمایش قرار نده، و بیامرز ما را ای پروردگار ما، که تو عزیز و دارای حکمت هستی؛ پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است؛ در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است؛ پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی .

پروردگارا، همانا ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را بیامرز، و بدی‌های ما را از ما بپوشان و ما را در زمره نیکان بمیران؛ پروردگارا، آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی؛ پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، بار گران بر [دوش] ما مگذار هم چنان که بر [دوشِ] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما درگذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور. سرور ما تویی پس ما را بر گروه کافران پیروز کن؛ پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی عطا کن، و به رحمت خودت، ما را از عذاب آتش نگه دار؛ و درود خدا بر محمد پیامبر و خاندان پاک او، و سلام کامل بفرست.} - . فلاح السائل: ۲۵۱-۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ: وَ مِنَ الْمُهِمَّاتِ أَیْضاً بَعْدَ صَلَاهِ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ الدُّعَاءُ الْمُخْتَصُّ بِهَذِهِ الْفَرِیضَهِ مِنْ أَدْعِیَهِ مَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام الَّذِی رَوَاهُ مُعَاوِیَهُ بْنُ عَمَّارٍ فِی تَعْقِیبِ الصَّلَوَاتِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاهً تُبَلِّغُنَا بِهَا رِضْوَانَکَ وَ الْجَنَّهَ وَ تُنَجِّینَا بِهَا مِنْ سَخَطِکَ وَ النَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

۱- ۱. الحجر: ۹۴.

أَرِنِی الْحَقَّ حَقّاً حَتَّی أَتَّبِعَهُ وَ أَرِنِی الْبَاطِلَ بَاطِلًا حَتَّی أَجْتَنِبَهُ وَ لَا تَجْعَلْهُمَا عَلَیَّ مُتَشَابِهَیْنِ فَأَتَّبِعَ هَوَایَ بِغَیْرِ هُدًی مِنْکَ وَ اجْعَلْ هَوَایَ تَبَعاً لِرِضَاکَ وَ طَاعَتِکَ وَ خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی وَ اهْدِنِی لِمَا اخْتُلِفَ فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِکَ إِنَّکَ تَهْدِی مَنْ تَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اهْدِنِی فِیمَنْ هَدَیْتَ وَ عَافِنِی فِیمَنْ عَافَیْتَ وَ تَوَلَّنِی فِیمَنْ تَوَلَّیْتَ وَ بَارِکْ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَ وَ قِنِی شَرَّ مَا قَضَیْتَ إِنَّکَ تَقْضِی وَ لَا یُقْضَی عَلَیْکَ وَ تُجِیرُ وَ لَا یُجَارُ عَلَیْکَ.: تَمَّ نُورُکَ اللَّهُمَّ فَهَدَیْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ عَظُمَ

حِلْمُکَ فَعَفَوْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ یَدَکَ فَأَعْطَیْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْکُرُ وَ تُعْصَی رَبَّنَا فَتَسْتُرُ وَ تَغْفِرُ أَنْتَ کَمَا أَثْنَیْتَ عَلَی نَفْسِکَ بِالْکَرَمِ وَ الْجُودِ لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَی مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَارْحَمْنِی وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ- لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی یَا خَیْرَ الْغَافِرِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَتُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ- لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ- سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَیِّتْنِی مِنْکَ فِی عَافِیَهٍ وَ صَبِّحْنِی مِنْکَ فِی عَافِیَهٍ وَ اسْتُرْنِی مِنْکَ بِالْعَافِیَهِ وَ ارْزُقْنِی تَمَامَ الْعَافِیَهِ وَ دَوَامَ الْعَافِیَهِ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ أَهْلَ حُزَانَتِی وَ کُلَّ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی فِی کَنَفِکَ وَ أَمْنِکَ وَ کِلَاءَتِکَ وَ حِفْظِکَ وَ حیاطک [حِیَاطَتِکَ] وَ کِفَایَتِکَ وَ سَتْرِکَ وَ ذِمَّتِکَ وَ جِوَارِکَ وَ وَدَائِعِکَ یَا مَنْ لَا تَضِیعُ وَدَائِعُهُ وَ لَا یَخِیبُ سَائِلُهُ وَ لَا یَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ بِکَ فِی نُحُورِ أَعْدَائِی وَ کُلِّ مَنْ کَادَنِی وَ بَغَی عَلَیَّ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنَا فَأَرِدْهُ وَ مَنْ کَادَنَا فَکِدْهُ وَ مَنْ نَصَبَ لَنَا فَخُذْهُ یَا رَبِّ أَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اصْرِفْ عَنِّی مِنَ الْبَلِیَّاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ النِّقَمِ وَ لُزُومِ السُّقْمِ وَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ عَوَاقِبِ التَّلَفِ مَا طَغَى بِهِ الْمَاءُ لِغَضَبِکَ وَ مَا عَتَتْ بِهِ الرِّیحُ عَنْ أَمْرِکَ وَ مَا أَعْلَمُ وَ مَا لَا أَعْلَمُ وَ مَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ وَ مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ وَ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ هَمِّی وَ نَفِّسْ غَمِّی وَ سَهِّلْ حُزْنِی وَ اکْفِنِی مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِی وَ مَا عِیلَ بِهِ صَبْرِی وَ قَلَّتْ بِهِ حِیلَتِی وَ ضَعُفَتْ عَنْهُ قُوَّتِی وَ عَجَزَتْ عَنْهُ طَاقَتِی وَ رَدَّتْنِی فِیهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْآمَالِ وَ خَیْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ إِلَیْکَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْفِنِیهِ یَا کَافِیاً مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْ ءٌ اکْفِنِی کُلَّ شَیْ ءٍ حَتَّى لَا یَبْقَى شَیْ ءٌ یَا کَرِیمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ وَ زِیَارَةَ قَبْرِ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله مَعَ التَّوْبَةِ وَ النَّدَمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ وَ إِخْوَانِی وَ أَسْتَکْفِیکَ مَا أَهَمَّنِی وَ مَا لَمْ یُهِمَّنِی وَ أَسْأَلُکَ بِخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ الَّذِی لَا یَمُنُّ بِهِ سِوَاکَ یَا کَرِیمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَى عَنِّی صَلَاةً- کَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً(۱).

مصباح الشیخ (۲)، و کتاب الکفعمی (۳)، و مصباح ابن الباقی، عن معاویه بن عمار: مثله

**[ترجمه]«و حاصر البحار»، یعنی بر آن احاطه کرده و از جاری شدن بازداشته است؛ و گفته می‌شود: «نضد المتاع»، یعنی قسمتی از آن را روی قسمت دیگر قرار داده است. «الفلوات» جمع «الفلاه» و همان بیابان است. جوهری گفته است: «الوکن» به فتحه: آشیانه پرنده در کوه یا دیوار؛ الأصمعی گفته است: «الوکن»، یعنی پناهگاه پرنده در جایی غیر از آشیان، و «الوکر» یعنی آن چیزی که در آشیان باشد؛ أبو عمرو گفته است: «الوکنه و الاکنه» با ضمه، محل فرود آمدن پرنده و هرجایی که افتاده باشد، جمع آن، «وکنات و وکنات و وکنات و وکن» است. پایان.

«الحیاطه» و «الکلاءه» هر دو با کسره، نگه داشتن و نگهبانی کردن.

جوهری گفته است: «الغیله» با کسره، به ناگاه کشتن گفته می‌شود: «قتله غیله»، یعنی او را فریب دهد و به جایی ببرد و وقتی به آنجا رسید، او را بکشد. فیروزآبادی گفته است: «السخط» با ضمه، مانند عنق و جبل و مقعد - در وزن -، ضد خشنودی است، و «قد سخط - مانند فرح- و تسخط» - به همین معنی است. - و «أسخطه» یعنی او را به خشم آورد، و «تسخطه» یعنی از او بدش آمد. «تشحب المتشحبین» یعنی تغییر یابندگان تغییر یافتند؛ و در بعضی نسخه‌ها با سین، بدون نقطه، از «سحبه» مانند «منعه» - در وزن -، یعنی او را بر روی زمین کشاند؛ و شاید در آن جابجایی نگارشی رخ داده باشد. در الصحاح «صال علیه» یعنی بر او چیره شد، و «صال علیه، صولاً، صوله» یعنی برجهید. و گفته است: «قسره علی الأمر، قسراً» یعنی او را بر آن وادار کرد و اجبار نمود؛ «اقتسره علیه» نیز چنین است؛ و گفته است: «الغشم»، یعنی ظلم؛ و «الخبط»، یعنی زدن شدید؛ و «السعایه»، یعنی اینکه از دوستش نزد فرمانروا بدگویی کند تا او را اذیت کند؛ و «الهدی»، یعنی آداب خوب.

در القاموس آمده است: «لهف» مانند «فرح»، یعنی ناراحت شد؛ و «تحسر» مانند «تلهف علیه » است، و «الملهوف» و «اللاهف»، یعنی ستمدیده بیچاره‌ای که دادخواهی می‌کند و حسرت می‌خورد؛ «الالهاف» آز و طمع، و «التهف»، یعنی شعله ور شد؛ و گفته است: «ضرع إلیه»، «ضرعاً» با فتحه حروف، «ضراعه»، یعنی فروتنی و خواری و زاری کرد؛ و گفته است: «هتف به، هتافاً» با ضمه، ندا داد و فلانی را ستود؛ و گفته است: «الصریخ» یعنی فریادرس، و «المستغیث» ضد آن است. پایان. «المدحوات»، یعنی زمین‌های گسترده؛ همان گونه که خدای متعال فرموده است: «و الأرض بعد ذلک دحیها»، - . النازعات/ ۳۰ - {و پس از

آن، زمین را با غلتانیدن گسترد.} و «المسموکات»، یعنی آسمان‌های افراشته شده.

در القاموس آمده است: «جبلهم الله، یجبل»، یعنی آنان را آفریده و بر چیزی سرشته و راست گردانیده است. پایان. یعنی دل‌ها را با توجه به توانمندی‌های مختلف و استعدادهای ناهمگونی که دارند، آفرید، یا آن‌ها را، اگر به خودی خود رها شوند، بر مبنای ایمان سرشت، همان طور که خود سبحان و متعال فرموده است: «فطره الله التی فطر الناس علیها»، - . الروم/ ۳۰ - {با

همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.} و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر نوزادی بر فطرت اسلام زاده می‌شود؛ که بیان آن در کتاب توحید گذشت.

«شقیّها و سعیدها» بدل از «القلوب» هستند .

جوهری گفته است: «صدعت بالحق»، یعنی وقتی در مورد حق، بلند سخن گفتی؛ کلام خدای متعال «فاصدع بما تؤمر» - . الحجر/ ۹۴ - ،

الفراء گفته است: «أراد فاصدع بالأمر»، یعنی دینت را آشکار کن. در القاموس آمده است: «النقیبه»، یعنی جان و عقل و همفکری و تأثیر اراده و طبیعت؛ در بعضی از نسخه‌ها «و منقبه» آمده که آشکارتر همین است. «الحباء» با کسره، یعنی بخشش و «أسناه»، یعنی او را بالا برد، و «السنا» به صورت کوتاه، نور تندر، و به صورت کشیده، یعنی والایی؛ «الذب»، یعنی دور کردن و بازداشتن؛ در القاموس آمده است: «أنت فی کنف الله» با فتحه تمام حروف، یعنی در پناهگاه و پوشش او.

«فتنهً للذین کفروا»، یعنی به این صورت که آنان را بر ما چیره گردانی و ما را به عذابی گرفتار سازند که تحمل آن را نداشته باشیم. «کان غراماً»، یعنی لازم باشد. «ربّنا افتح»، بین ما داوری کن. «و الفتاح»، یعنی داور و «الفتاحه»، داوری، یعنی کار ما را آشکار کن تا آنچه که بین ما و آنان است، برملا شود و از داوری در مشکل، هنگامی که روشن گردد، طرف حق از طرف باطل متمایز شود. «و توفَّنا مع الأبرار»، یعنی ما را چنان بمیران که با آنان محشور شویم و در زمره آنان به شمار آییم. «ما وعدتَنا علی رسلک»، یعنی بر تصدیق آنان، یا بر زبان آنان، یا در آنچه بر آنان نازل شده است. «إن نسینا أو أخطأنا»، یعنی ما را به خاطر چیزی از قبیل کم کاری و سهل انگاری، که به فراموشی و اشتباه در ما انجامیده است، بازخواست نکن.

«و لا تَحمِل علینا إصراً»، یعنی بار سنگینی که دارنده آن را در جایش خم می‌کند؛ منظور از آن تکالیف طاقت فرسا است. «ما لا طاقهَ لنا به»، یعنی از گرفتاری و کیفر و تکالیف طاقت فرسا. «أنت مولینا»، یعنی سرور ما. «فی الدنیا حسنه»، یعنی رحمتی نیکو که با آن، در دنیا و همین طور در آخرت، کارهایم نیکو گردند، و گفته شده است: حسنه در دنیا همان سلامتی و به اندازه بودن و توفیق انجام خوبی داشتن، و حسنه در آخرت، ثواب و رحمت است؛ در بعضی روایات، حسنه دنیا، همسر نیک و حسنه آخرت، حوری است. تفسیرهای دیگری نیز که در روایات وجود دارد، قبلاً گفته شد.

**[ترجمه]

بیان

و خـذ لنفسـک أی وفقنی لأـن أعمل ما یرضـیک عنی و قال الشـیخ البهائی ره أی اجعل نفسـی راضـیه بکل ما یرد علیها منک انتهی و کان فی نسـخته ره رضی من نفسی و مع ذلک أیضا ما ذکرناه أظهر و النسخ متفقه علی رضاها لما اختلف فیه أی للحق الذی اختلف فیه من اختلف من الحق بیان لما اختلفوا فیه بإذنک أی بلطفک و توفیقک.

ص: ۱۲۱

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۵۴- ۲۵۵.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۷۹- ۸۰.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۳۱- ۳۲.

اللهم اهـدنی فیمن هـدیت أی کما هـدیت جماعه فاهـدنی فأکون فی زمرتهم فیکون تأکیدا للطلب أو لبیان أنی لا أسـتحق هذه النعمه الجلیله مستقلا بـل أرجو أن أکون سـهیم نعمتهم و شـریک کرامتهم و المراد اهـدنی بالهـدایات الخاصه التی هـدیت بها جماعه من أولیائک فیکون الغرض تخصیص الهدایه بأفضلها و أکملها و کذا البواقی و تولنی أی تول أموری أو أحبنی و بارک لی فیما أعطیت من العمر و المال و التوفیق بالزیاده کما و کیفا.

ثم نورک فهـدیت أی لما کانت کمالاتک و أنوارک تامه هـدیت عبادک إلیک لیعرفوک و یومئ إلی أن الهدایه لا تکون إلا ممن کـان کاملا من جمیع الجهات و بسـطت یـدک أی لما کنت کریما جوادا فیاضا أعطیت کلا من المخلوقین ما کان قابلا له فالفاء فیهما و فیما بعـدهما سـببیه و یحتمل أن یکون هنا للترتیب الذکری کما فی قوله تعالی فَأَزَلَّهُمَا الشَّیْطانُ عَنْها فَأَخْرَجَهُما(۱) وَ نـادی نُوحٌ رَبَّهُ فَقالَ (۲) و استرنی منـک بالعـافیه لعله إشاره إلی أن الستر من الله لا یکون إلا بالعافیه من الـذنوب إذ مع ثبوتها یعلمهـا البته أو المعنی استرنی بعـافیه کائنه منک و بلطفک و قال الجوهری الحزانه بالضم و التخفیف عیال الرجل الـذین یتحزن بأمرهم انتهی فإضافه الأهل إلیه بیانیه و ذمتک أی عهدک و کفالتک و فی القاموس الجوار بالکسر أن تعطی الرجل ذمه فیکون بها جارک فتجیره و جاوره مجاوره و جوارا و قد یکسر صار جاره.

و قـال فی النهـایه اللهم إنی أدرأ بـک فی نحورهم أی أدفع بـک فی نحورهم لتکفینی أمرهم و إنمـا خص النحور لأنه أسـرع و أقوی فی الـدفع و التمکن من المـدفوع و قـال الشـیخ البهـائی قـدس سـره قـد ضـمن أدرأ معنی أضـرب أو أطعن فقال فی نحور أعدائی انتهی و أقول الباء إما زائده أو المعنی أرفع کیدی فی نحورهم بحولک و قوتک کما ورد و رد کیدهم فی نحرهم.

۱- ۱. البقره: ۳۶.

۲- ۲. هود: ۴۵.

و من نصب لنـا أی عادانـا و العزیز الغـالب و لزوم السـقم قـال البهائی ره الأولی قراءه السـقم هنا بفتحتین لیناسب النقم و إن جاء بضم أوله و إسـکان ثـانیه أیضـا و مـا طغی به الماء أی جاوز الحـد و المراد ما یوجب الهلاک بالماء بسـبب غضـبه و ما عتت به الریح من العتو و هو مجاوزه الحد أی ما عتت بسببه الریح عتوا صادرا عن أمرک لها بذلک و قال الکفعمی ره یرید علیه السلام صرف کـل أذیه و آفه یکون من قبـل الماء و الریـح لأنه تعالی أهلک بالماء قوم نوح و بالریـح قوم هود ثم احترس علیه السـلام بعد ذکره الریح و الماء بقوله و ما أعلم و ما لا أعلم لیدخل فی ذلک جمیع الأشـیاء الموذیه المسـببه عن غیر هذین و معنی طغی الماء أی جاوز الحد و طغی البحر هاج و الطاغیه الصاعقه و قوله علیه السـلام عتت به الریح أی جاوزت حدها الأول و یقال لکل أمر شدید عات و أمور طاغیه عاتیه أی شدیده انتهی (۱).

و ما عیل به علی صـیغه المجهول من عال إذا غلب ما أهمنی قال الکفعمی بخط ابن السـکون هنا و فی الـدعاء الـذی بعد صـلاه عید الفطر ما همنی بغیر ألف و فی أکثر النسخ بالألف و تصویبه إن کان الاسـتکفاء من الهم الذی هو مرادف الحزن فهو بالألف و أهمه

الأـمر إذا أغلقه و أحزنه و إن کـان من الهمه و هو ما یراد و یقصـد فهو بغیر ألف و همّ بالأمر قصـده و هممت بالشـی ء أردته و الهم واحد الهموم و هو ما یشتغل به القلب انتهی (۲).

الـذی لاـ یمن به سواک أی أسألـک الأـمر الـذی لا یقـدر علی إعطائه لی و المن به علی إلا أنت کغفران الـذنوب و الخلود فی الجنه.

**[ترجمه]فلاـح السائل: همچنین از کارهای مهم بعـد از نماز عشا، دعای مخصوص این نماز از دعاهای سـرورمان امام صادق علیه السـلام، برای دنبـاله نمازهـایی است که معاویه بن عمار روایت کرده و عبارت است از: {به نام خداونـد بخشـنده مهربان؛ خدایا، بر محمد و خاندان او چنان درودی فرست که ما را به واسـطه آن به خشنودی و بهشت نایل گرداند، و از ناخشنودی و آتش رهایی دهی. خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و حق را به من حق نشان ده تا از آن پیروی کنم و باطل را به من باطل بنمایان تا از آن دوری گزینم و آن دو را بر من مشـتبه مگردان تا بـدون هـدایت از جانب تو، از هوای خویش پیروی نمـایم؛ پس هوا و هوسم را پیرو خشـنودی و طاعت خودت بگردان، و برای نفس خود از نفس من، خشـنودی‌اش را بگیر، و به اذن خود مرا در آنچه در آن اختلاـف نظر وجود دارد، به حق هـدایت فرما، به راستی که تو هر کس را بخواهی، به راه راسـت هـدایت می‌کنی. خـدایا، بر محمـد و خاندان محمد درود فرست، و مرا در میان کسانی که هدایت فرمودی، هدایت فرما، و در میـان کسـانی که عـافیت دادی، عـافیت بخش، و در میـان آنان که سـرپرستی نمودی، سـرپرستی نما، و در آنچه عطا فرمودی، برکت قرار ده، و از بدی آنچه قضا و اراده حتمی بر آن نمودی، نگاه دار، که تو مقدر می‌کنی و کسـی بر علیه تو، مقدر نمی... تواند کند، و همه را در پناه خویش در می‌آوری، و کسی نمی‌تواند علیه تو، چیزی را در پناه خود آورد.

خدایا، نورت کامل گشـته پس هدایت نمودی، پس سپاس تو را؛ و بردباری‌ات بزرگ گردید و گذشت کردی، پس سپاس تو را؛ و دسـتت را گشودی و عطا فرمودی، پس سـپاس تو را؛ اطاعت می‌شوی ای پروردگار ما و سپاسگزاری می‌کنی، و نافرمانی می‌شوی ای پروردگار ما و می‌پوشانی و می‌آمرزی؛ تو همچنانی که خویش را به بزرگواری و بخشـش ستوده‌ای، آری، مبارک و والا مرتبه گشـته‌ای، پناهگاه و راه نجاتی از تو جز به سوی تو وجود ندارد، خدایی جز تو نیست، منزهی تو ای خدا و

تو را ستایش می‌کنم، عمل بد انجام داده و به خود ستم نموده‌ام، پس بر من رحم کن و تو بهترین رحم کننده‌گان هستی؛ خدایی جز تو ای خدای منزه وجود ندارد، من از ستمکاران بوده‌ام؛ خدایی جز تو وجود ندارد، منزه هستی ای خدای من و تو را ستایش می‌کنم، عمل بد انجام داده و به خودم ستم نموده‌ام، پس مرا بیامرز ای بهترین آمرزنده‌گان؛ خدایی جز تو وجود ندارد، منزه هستی ای خدای من و تو را ستایش می‌کنم؛ عمل بد انجام داده و به خودم ستم نموده‌ام، پس توبه‌ام را بپذیر، که تو همانا بسیار توبه پذیر و مهربان هستی؛ خدایی جز تو ای خدای منزه وجود ندارد، من از ستمکاران بوده‌ام؛ منزه است پروردگار تو، پروردگار عزتمندی، از آنچه توصیف می‌کنند؛ و سلام بر فرستادگان، و سپاس خدا را که پروردگار جهانیان است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من با عافیت از جانب خودت شب و صبح نما، و با عافیتی از جانب خودت، مرا بپوشان، و تمام عافیت، و دوام عافیت، و شکر به عافیت را روزی‌ام کن؛ خدایا، خودم و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و خویشان و بستگانی که به واسطه آنان ناراحت می‌شوم، و هر نعمتی را که بر من ارزانی داشته‌ای، به تو می‌سپارم؛ پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در حمایت و امنیت و نگاهداری و حفظ و مراعات و کفایت و پوشش و ضمانت و همسایگی و حمایت و سپرده های خودت قرار ده؛ ای کسی که سپرده‌اش گم و نابود نمی‌شود، و هر کس از تو درخواست کند، نومید نمی‌گردد، و هرچه در نزد توست، پایان نمی‌پذیرد؛ خدایا، به وسیله تو بر سینه های دشمنانم و تمام کسانی که می‌خواهند مرا فریب داده و ستم کنند، دست رد می‌زنم؛ خدایا، هرکس نسبت به ما اراده بر بدی رساندن داشته باشد، تو خود، او را اراده بنما و هرکس بخواهد مرا فریب دهد، تو خود او را بفریب، و هرکس با ما دشمن باشد، ای پروردگار من، تو خود او را مانند گرفتن شخص سربلند و نیرومند، بگیر.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از گرفتاری‌ها و کیفرها و بیماری‌ها و از دست رفتن نعمت‌ها و تلف شدن در پایان [عمر]. آنچه را که آب به خاطر خشم تو بر آن طغیان نموده، و یا به دستور تو باد بر آن تند وزیده، و آنچه را که می‌دانم یا آگاهی ندارم، و از آن بیم دارد یا ندارم، و پرهیز می‌نمایم یا نمی‌نمایم، و تمام آنچه را که تو به آن آگاهتری، از من دور کن.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و همّ و اندهم را برطرف نما و غمم را از بین ببر و ناراحتی‌ام را تسلی بده، و آنچه را که دلم به واسطه آن تنگ گشته و شکیبایی‌ام به آخر رسیده، و بیچاره شده‌ام، و نیرویم ناتوان گردیده، طاقتم عاجز گشته، و ناچاری هنگام بریدن آرزوها و نومید شدن امید از خلق، مرا به سوی تو بازگردانیده است، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از آنها کفایت نما، ای کسی که از هر چیز کفایت می‌نمایی، و هیچ چیز نمی‌تواند از تو کفایت کند، تمام چیزها را کفایت فرما، تا اینکه هیچ چیز - بیرون از کفایت تو - باقی نماند، ای بزرگوار.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حج خانه محترم خود و زیارت قبر پیامبرت را با توبه و پشیمانی از گناهانم روزی‌ام کن. خدایا، خودم و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و برادرانم را به تو می‌سپارم، و از تو نسبت به هر چیز که مورد اهتمام من است، و مرا به غم واندوه وا می‌دارد و یا نمی‌دارد، طلب کفایت می‌کنم. به برگزیده خود از آفریده‌هایت، که هیچ کس غیر تو ای بزرگوار، نمی‌تواند بر او منت گذارد، درخواست می‌نمایم؛ سپاس خداوندی را که نماز دیگری را که بر

مؤمنان نوشته شده و وقت دار بود، از جانب من برآورده ساخت. - . فلاح السائل: ۲۵۴-۲۵۵ -

مصباح الشيخ - . مصباح الشيخ: ۷۹-۸۰ -

و كتاب الكفعمى - . البلد الامين: ۳۱-۳۲ -

و مصباح ابن الباقى: مثل همين روايت را از معاويه بن عمار نقل كرده‌اند.

**[ترجمه]

«۴»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتَيْرَةِ وَ بَعْدَ تَعْقِيبِهَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا

ص: ۱۲۳

۱- ۱. راجع مصباح الكفعمىّ ص ۴۴ فى الهامش.

۲- ۲. راجع مصباح الكفعمىّ ص ۴۴ فى الهامش.

كَرَماً وَ جُوداً يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ سَلْ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَبْهَتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ (۱).

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۲)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ (۳): مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ فِيهَا تَأْخِيرُ السَّجْدَةِ عَنِ الْوُتَيْرَةِ وَ الْأَوْلَى التَّقْدِيمُ كَمَا سَيَأْتِي.

**[ترجمه]«و خذ لنفسک»، یعنی توفیق ده تا کاری را که تو را از من خشنود می‌سازد انجام دهم؛ و شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: یعنی دلم را نسبت به هر چیزی که از جانب تو بر آن می گذرد، خشنود قرار ده، پایان. و گویا در نسخه او «رضـی من نفسی» بوده، ولی با این حال نیز آنچه ما گفتیم، آشکارتر است و نسخه‌ها در «رضاها» یکسان هستند. «لما اختلف فیه»، یعنی حقی که اهل اختلاف در آن اختلاف کرده‌اند. «من الحق» توضیح «لما اختلفوا فیه» است. «باذنک» به مهربانی و توفیق تو.

«اللهم اهدنی فیمن هدیت»، یعنی همان طور که گروهی را هدایت کرده‌ای، مرا نیز هدایت کن تا در گروه آنان باشم، در این صورت، تأکید در طلب خواهد بود، یا برای بیان اینکه من خودم به تنهایی سزاوار این نعمت بزرگ نیستم، بلکه امید دارم از نعمت آنها بهره ببرم و در بزرگواری آنها شریک باشم؛ منظور این است که مرا با هدایت مخصوصی که گروهی از دوستدارانت را با آن هدایت کرده‌ای، هدایت کن؛ پس هدف، اختصاص دادن هدایت، به برترین و کامل‌ترین آن می‌باشد؛ بقیه موارد نیز چنین است. «و تولّنی»، یعنی سرپرستی کارهایم را بر عهده بگیر، یا دوستم بدار. «و بارک لی فیما أعطیت»، یعنی با افزونی در کمیت و کیفیت، در عمر و دارایی و توفیقی که به من داده‌ای.

«تم نورک فهدیت»، یعنی از آنجا که کمالات و نورهای تو کامل شده هستند، بندگانت را به سوی آن هدایت کردی تا تو را بشناسند، و اشاره به این دارد که هدایت جز از طرف کسی که از تمام جهات کامل باشد، امکان پذیر نیست. «بسطت یدک»، یعنی از آنجا که بزرگوار و ارزانی دارنده و بخشنده هستی، به هر یک از آفریده‌هایت آنچه را که شایسته آن بودند، بخشیده‌ای، پس «فاء» در آن و موارد بعدی از نوع سببیه است؛ همچنین احتمال دارد در اینجا از نوع ترتیب بیانی باشد، همان گونه که در کلام خداوند متعال «فأزَّلهما الشیطان فأخرجهما»، - . البقره/ ۳۶ - {پس

شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن بودند، ایشان را به درآورد.}، «و نادی نوح ربه فقال»، - هود/ ۴۵ -

{و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت.} باشد.

«و استُرنی منک بالعافیه» شاید اشاره به این داشته باشد که پوشش خدا جز از طریق در امان بودن از گناهان نیست، چون در صورت ثابت بودنش، آن را البته می‌فهمد؛ یا به این معنا که مرا با عافیتی که از جانب تو و از روی مهربانی تو باشد، بپوشان. جوهری گفته است: «الحزانه» با ضمه و بدون تشدید، یعنی خانواده شخص، که به خاطر امور ناراحت کننده آنها ناراحت می‌شود. پایان. پس اضافه کردن «أهل» به آن، بیانی خواهد بود. «و ذمتک»، یعنی پیمان و سرپرستی تو. در القاموس آمده است: «الجوار» با کسره، بدهی شخصی بخشیده شود و به واسطه آن پناهنده تو شود و او را پناه دهی، و «جاوره، مجاوره، جواراً» که

با کسره نیز می‌آید، یعنی پناه او شد.

در النهـایه گفته است: «اللهم إنی أدرء بـک فی نحورهم» یعنی به کمک تو، بر گلویشان می‌زنم تا از کارهای آنان مرا کفایت کنی، و آن را به گلوهـا اختصـاص داده، چرا که در دور کردن و توانمنـدی در برابر دفع شـده، سـریع‌تر و قدرتمنـدانه‌تر است. شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: «أدرء» معنای زدن و طعنه زدن را نیز در خود دارد، و از این رو گفته است در سینه‌های دشـمنانم. و می گویم: حرف باء یا زایـده است، یا به این معنی است که با نیرو و توان تو، تیرم را در گلویشان فرو می‌برم؛ همان گونه که در روایت وارد شده است: «و ردَّ کیدهم فی نحرهم»، {تیرش را در سینه‌اش فرو برد.}

«و من نصب لنا»، یعنی ما را دشـمن بدارد. «العزیز» چیره. «لزوم السقم»، بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: بهتر آن است که «السـقم» با دو فتحه خوانده شود، تا با «النقم» متناسب گردد، هر چند حرف اول آن با ضمه و حرف دوم آن با سکون نیز آمده است. «و ما طغی به الماء»، یعنی از حد بگذرد، و منظور، چیزی است که آب به سبب خشم او، باعث نابودی‌اش می... شود. «و ما عتت به الریح»، برگرفته از «العتو»، و آن همان گذشـتن از حد است، یعنی چیزی که به سـبب آن، باد از حدود خود در گذرد، درگذشتنی که از دستور تو به آن برای این کار باشد. کفعمی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: حضرت علیه السلام هرگونه اذیت و آسیب را که از طرف آب و باد باشد، اراده کرده است؛ زیرا خدای متعال قوم نوح را با آب و قوم هود را با باد نابود کرده است، سـپس حضـرت علیه السلام بعد از بیان باد و آب، به سخنش «ما أعلم و ما لا اعلم»، {آنچه را می‌دانم و آنچه را به آن آگـاه نیسـتم.} پناه جسـته، تا تمام چیزهای اذیت کننـده غیر از این دو را شامل آن کنـد؛ و معنی «طغی الماء»، یعنی از حـد گـذشت، و «طغی البحر»، یعنی بالا آمد، و «الطاغیه»، یعنی آذرخش؛ و عبارت وی علیه السـلام «و عتت به الریح»، یعنی از حـد اول خود درگـذشت، و نیز به هر چیز شدیـدی «عات» گفته می‌شود، و «امور طاغیه عاتیه»، یعنی شدیـد. پایان. - . ر.ک مصباح الکفعمی: ۴۴ (در حاشیه) -

«و مـا عیـل به» در صـیغه مجهول است، «من عـال»، یعنی وقتی چیره شود. «مـا أهمنی»، کفعمی گفته است: در آنجا به خط ابن السـکون آمـده است، و در دعایی که بعـد از نماز عیـد فطر آمـده است، «ما همَّنی» بـدون الف است؛ در بیشتر نسـخه‌ها با الف است و راه درست کردن آن به این صورت است که اگر کفایت خواسـتن در برابر «همّ»ی باشـد که مرادف «حزن» است، پس باید با الف باشد، و «أهمه الأمر»، یعنی وقتی که کاری او را نگران و ناراحت کرده است؛ و اگر از «همه» باشد که عبارت است از چیزی کـه اراده و قصــد شـده، در ایـن صـورت بـدون الـف خواهـد بـود، و «هـم بالأمر»، یعنی آن را قصـد کرد، و «هممته بالشـیء»، یعنی آن را اراده کردی، و «الهـم» مفرد «الهمـوم»، عبـارت از چیزی اسـت که دل به آن سـرگرم می‌شـود. پایـان. - . ر.ک مصباح الکفعمی: ۴۴ (در حاشیه) -

«الـذی لا یمن به سواک»، یعنی چیزی ماننـد آمرزیدن گناهان و جاودانگی در بهشت را از تو می‌خواهم که جز تو هیچ کسـی نمی‌تواند آن را به من بدهد یا به خاطر آن بر من منت گذارد.

**[ترجمه]

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الدَّعَوَاتِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ لِطَلَبِ سَعَهِ الْأَرْزَاقِ مَا رَوَاهُ أَبُو الْمُفَضَّلِ ره عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِیِّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ نَهِیكٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ زُرَارَهَ قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ شَكَا إِلَیْهِ رَجُلٌ مِنْ شِیعَتِهِ الْفَقْرَ وَ ضِیقَ الْمَعِیشَهِ وَ أَنَّهُ یَجُولُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ الْبُلْدَانَ فَلَا یَزْدَادُ إِلَّا فَقْراً فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذَا صَلَّیْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَهَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُتَأَنٍّ- اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَیْسَ لِی عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِی وَ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَی قَلْبِی فَأَجُولُ فِی طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ فَأَنَا فِیمَا أَنَا طَالِبٌ كَالْحَیْرَانِ لَا أَدْرِی أَ فِی سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِی جَبَلٍ أَمْ فِی أَرْضٍ أَمْ فِی سَمَاءٍ أَمْ فِی بَرٍّ أَمْ فِی بَحْرٍ وَ عَلَی یَدَیْ مَنْ وَ مِنْ قِبَلِ مَنْ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَ أَسْبَابَهُ بِیَدِكَ وَ أَنْتَ تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَ تُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی- مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ یَا رَبِّ رِزْقَكَ لِی وَاسِعاً وَ مَطْلَبَهُ سَهْلًا وَ مَأْخَذَهُ قَرِیباً وَ لَا تُعَنِّتْنِی بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِی فِیهِ رِزْقاً فَإِنَّكَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِی وَ أَنَا فَقِیرٌ إِلَی رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جُدْ عَلَی عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ قَالَ عُبَیْدُ بْنُ زُرَارَهَ فَمَا مَضَتْ بِالرَّجُلِ مُدَیْدَهٌ حَتَّی زَالَ عَنْهُ الْفَقْرُ وَ حَسُنَتْ أَحْوَالُهُ (۴).

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۵۶.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۸۰.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۳۳.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۲۵۶.

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۱)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ (۲): وَ مِمَّا يَخْتَصُّ هَذِهِ الصَّلَاةَ أَنْ تَقُولَ- اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ.

**[ترجمه]فلاح السائل: سپس به حسب امکان و عنایت خداونـد جل جلاله بر تو، اگر خواستی هم اینک، و اگر خواستی بعد از نماز وتیره و نافله عشا، سجده شکر به جای آور و بگو: {خـدایا، تنها تو، تو، امیـدم جز از تو، از تو، از تو بریده شده است، ای بی‌همتـایی که همتـایی برای تو نیست، ای بی‌همتـایی که همتـایی برای تو نیست، ای بی‌همتـایی که همتـایی غیر تو برای تو نیست، ای کسـی که زیـادی دعـا جز بر بزرگواری و بخشـندگی‌اش نمی‌افزایـد، ای کسـی که زیـادی دعـا جز بر بزرگواری و بخشـندگی‌اش نمی‌افزاید، ای کسـی که زیادی دعا جز بر بزرگواری و بخشـندگی‌اش نمی‌افزاید، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، بر محمـد و اهـل بیت او درود فرست، بر محمـد و اهـل بیت او درود فرست.} و حاجت خویش را بخواه؛ سـپس طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ صورت خویش را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس باز پیشانی‌ات را بر زمین گذارده و سجده به جای آور و مانند آن را بگو. - . فلاح السائل: ۲۵۶ -

مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۸۰ -

و کتاب‌های دیگر - . البلد الامین: ۳۳ -

مثـل این را آورده‌انـد، با این تفاوت که در آن، به تأخیر انـداختن سـجده از وتیره نیامـده و همان طور که خواهـد آمـد، مقـدم کردن آن بهتر است.

**[ترجمه]

«۶»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ مِنَ الرِّوَايَاتِ فِيمَا يُقْرَأُ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ لِلْأَمَانِ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ البراوازی [الْيَزْدَآبَادِيُ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهم السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يُصْبِحَ (۳).

**[ترجمه]فلاـح السائـل: و نیز از دعاهـای دیگر بعـد از نمـاز عشا برای درخواست روزی، دعایی است که عبیـد بن زراره نقل کرده و گفته است: در محضـر امـام صادق علیه السـلام بودم که مردی از شـیعیان و پیروانش از ناداری و تنگی روزی، و اینکه در طلب روزی، شـهرها را می گردد ولی جز بر فقر و ناداری او افزوده نمی گردد، شـکایت و گله نمود؛ امام صادق علیه السلام به او فرمود: هنگامی که نماز عشاء را بجای آوردی، در حالت آرامش بگو: {خـدایا من نمی دانم روزی ام در کجاست، و آن را تنها بر پایه گمان‌هایی که بر خاطرم می گذرد می جویم، و از این رو در جستجوی آن شهر ها را زیر پا می گذارم، پس در آنچـه کـه خواهـان آنـم، همچـون حیرت زدگـانم، نمی دانم آیـا در دشت است یـا در کـوه، در زمین است یـا در آسـمان، در خشـکی است یا در دریا، نمی دانم به دست چه کسـی و از جانب چه کسی است؟ ولی به یقین می دانم که دانش آن نزد تو و اسـباب آن به دست توست و تویی که آن را با لطف خویش تقسیم می کنی و با رحمت خود برای آن سبب فراهم می سازی؛

خـدایا، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و روزی خود را بر من گسترده ساز ای پروردگار، و به دست آوردنش را برایم آسان نما و جای دریافتش را نزدیک قرار ده و با طلب آنچه برایم در آن روزی مقـدر نکرده ای، به زحمتم نیفکن، چرا که تو از آزردن من بی‌نیـاز هستی و من به رحمتت نیازمنـدم؛ پس بر محمـد و خانـدان او درود فرست، و بـا لطف و فضل خویش بر بنده ات بزرگواری نما، تو صاحب بخشش بزرگ هستی.}

عبیـد بن زراره گفته است: انـدک زمـانی بر آن مرد نگـذشت که ناداری‌اش بر طرف شـد و اوضاعش نیکو گردیـد. - . فلاح السائل: ۲۵۶ -

مصباح الشیخ - مصباح الشیخ: ۷۷ -

و کتاب‌های دیگر - . البلد الامین: ۳۰ - :

و از آنچه اختصاص به این نماز دارد، این است که بگویی: «اللهم إنه لیس لی علم»... تا پایان دعا.

**[ترجمه]

«۷»

الْکَافِی، عَنِ الْعِـدَّهِ عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِیهِ رَفَعَهُ قَالَ: یَقُولُ بَعْـدَ الْعِشَاءَیْنِ- اللَّهُمَّ بِیَـدِکَ مَقَادِیرُ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَقَادِیرُ الـدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ مَقَادِیرُ الْمَوْتِ وَ الْحَیَاهِ وَ مَقَادِیرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ مَقَادِیرُ النَّصْـرِ وَ الْخِذْلَانِ وَ مَقَادِیرُ الْغِنَی وَ الْفَقْرِ اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی دِینِی وَ دُنْیَایَ وَ فِی جَسَدِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی اللَّهُمَّ ادْرَأْ عَنِّی فَسَـقَهَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ اجْعَلْ مُنْقَلَبِی إِلَی خَیْرٍ دَائِمٍ وَ نَعِیمٍ لَا یَزُولُ (۴).

**[ترجمه]فلاح السائل: از جمله چیزهایی که بر اساس روایات، بعـد از نماز عشا برای ایمنی خوانـده می‌شود، آن است که در روایتی از امـام جواد علیه السـلام آمـده که فرموده است: هرکس بعـد از عشـاء هفت مرتبه سوره «إنـا أنزلنـاه فی لیله القـدر» را بخواند، تا صبح در ضمانت خدا خواهد بود. - . فلاح السائل: ۲۵۷ -

**[ترجمه]

أقول

هذا الدعاء ذکره الأکثر من تعقیب المغرب و لعله کان عندهم بین العشاءین کما هو فی الفقیه (۵)

و التهذیب (۶) فالأفضل القراءه فی الموضعین احتیاطا لتحصیل الفضل و الأجر.

**[ترجمه]الکافی: به نقل از العده گفته است: بعد از نماز مغرب و عشا می گوید: {خدایا، اندازه‌های شب و روز، و اندازه‌های

دنیا و آخرت، و اندازه‌های مرگ و زندگی، و اندازه‌های خورشید و ماه، و اندازه‌های یاری و خواری، و اندازه‌های توانگری و تهیـدستی به دست توست؛ خـدایا، در دینم و دنیایم و در بـدنم و خانواده ام و فرزندانم برکت قرار ده؛ خدایا، بدکاران عرب و عجم، و جن و انس را از من دور کن و بازگشـتم را به خیر همیشگی و نعمتی که نابودی نداشته باشد، قرار ده.} - . الکافی ۲: ۵۴۶ -

**[ترجمه]

«۸»

کِتَابُ الْمُسَلْسَلَاتِ، لِلشَّیْخِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُمِّیِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی سُفْیَانَ الشَّعْرَانِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَمْرِو بْنِ بَکْرٍ الشکشکی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَیْبِ بْنِ سَابُورَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِی عَاتِکَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ یَزِیدَ أَنَّهُ أَخْبَرَهُ أَنَ

ص: ۱۲۵

۱- ۱. مصباح الشیخ ص ۷۷.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۳۰.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۲۵۷ و فیه محمّد بن علی الیزدآبادی.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۴۶.

۵- ۵. فقیه من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۱۴.

۶- ۶. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۷.

أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنَ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَخْبَرَهُ عَنْ جَدِّهِ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيّاً عليه السلام يَقُولُ: مَا أَرَى رَجُلًا أَدْرَكَ عَقْلُهُ الْإِسْلَامَ وَ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ يَبِيتُ لَيْلَةً سَوَادَهَا قُلْتُ مَا سَوَادُهَا يَا أَبَا أُمَامَةَ قَالَ جَمِيعُهَا حَتَّى يَقْرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ- اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ثُمَّ قَالَ فَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا هِيَ أَوْ قَالَ مَا فِيهَا لَمَا تَرَكْتُمُوهَا عَلَى حَالٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَخْبَرَنِي قَالَ أُعْطِيتُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ كَنْزٍ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ لَمْ يُؤْتَهَا نَبِيٌّ كَانَ قَبْلِي قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام فَمَا بِتُّ لَيْلَةً قَطُّ مُنْذُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله حَتَّى أَقْرَأَهَا ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا أُمَامَةَ إِنِّي أَقْرَؤُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي ثَلَاثَةِ أَحَايِينَ كُلَّ لَيْلَةٍ.: قُلْتُ وَ كَيْفَ تَصْنَعُ فِي قِرَاءَتِكَ يَا ابْنَ عَمِّ مُحَمَّدٍ قَالَ أَقْرَؤُهَا قَبْلَ الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ أَقْرَؤُهَا حَيْثُ أَخَذْتُ مَضْجَعِي لِلنَّوْمِ وَ أَقْرَؤُهَا عِنْدَ وَتْرِي مِنَ السَّحَرِ قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام فَوَ اللَّهِ مَا تَرَكْتُهَا مُنْذُ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مِنْ نَبِيِّكُمْ حَتَّى أَخْبَرْتُكَ بِهِ قَالَ أَبُو أُمَامَةَ فَوَ اللَّهِ مَا تَرَكْتُهَا مُنْذُ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى حَدَّثْتُكَ بِهِ قَالَ الْقَاسِمُ وَ أَنَا مَا تَرَكْتُ قِرَاءَتَهَا كُلَّ لَيْلَةٍ مُنْذُ حَدَّثَنِي أَبُو أُمَامَةَ بِفَضْلِهَا حَتَّى الْآنَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ يَزِيدَ وَ أُخْبِرُكَ أَنِّي مَا تَرَكْتُ قِرَاءَتَهَا فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مُنْذُ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ فِي فَضْلِهَا قَالَ ابْنُ أَبِي عَاتِكَةَ وَ أَنَا فَمَا تَرَكْتُ قِرَاءَتَهَا كُلَّ يَوْمٍ مُنْذُ بَلَغَنِي فِي فَضْلِ قِرَاءَتِهَا مَا بَلَغَنِي قَالَ ابْنُ سَابُورَ وَ أَنَا مَا تَرَكْتُ قِرَاءَتَهَا كُلَّ لَيْلَةٍ مُنْذُ بَلَغَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي فَضْلِهَا قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمَرَ وَ أَنَا مَا تَرَكْتُ قِرَاءَتَهَا مُنْذُ بَلَغَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله هَذَا الْحَدِيثَ فِي فَضْلِ قِرَاءَتِهَا قَالَ أَبُو الْمُفَضَّلِ وَ أَنَا بِنِعْمَةِ رَبِّي مَا تَرَكْتُ مُنْذُ سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مِنْ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فِي فَضْلِ قِرَاءَتِهَا إِلَى أَنْ حَدَّثْتُكُمْ بِهِ.

**[ترجمه]بیشتر علما این دعا را در گروه تعقیبات نماز مغرب بیان کرده‌اند، و شاید به نظر آنان، بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود، همان طور که در الفقیه - . من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۱۴ - و التهذیب - . التهذیب ۱: ۱۶۷ -

اشاره شده است؛ پس با فضیلت‌تر آن است از روی احتیاط و برای به دست آوردن فضیلت و پاداش بیشتر، در هر دو جا خوانده شود .

**[ترجمه]

أقول

کان فی المنقوله عنه هکذا و کأنه سقط کلام الشعرانی من النساخ.

**[ترجمه]کتاب المسلسلات که برای شیخ جعفر بن احمد قمی است، گفته است: ابی امامه باهلی از علی علیه السلام شنیده بود که می‌فرمود: دوست ندارم ببینم شخصی که عقلش اسلام را درک کرده و در اسلام به دنیا آمده است، سواد (سیاهی) شب را بخوابد؛ گفتم سواد شب چیست، ای ابی امامه؟ گفت: تمام شب، مگر اینکه این آیه «الله لا إله إلا هو الحی القیوم» تا عبارت «و هو العلی العظیم» را بخواند؛ سپس گفت: اگر می‌دانستید آن چیست، یا گفت: - اگر می‌دانستید - چه چیزی در آن است، هرگز آن را ترک نمی‌کردید؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد و فرمود: آیه الکرسی از گنجینه های زیر عرش خدا به من بخشیده شده و قبل از من به هیچ پیامبری داده نشده است؛ علی علیه السلام فرمود: از زمانی که این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، هیچ شبی نبوده که آن را نخوانم؛ سپس فرمود: ای ابی امامه، من آن را هر شب سه مرتبه و در سه موقع از شب می‌خوانم.

گفتم: روش تو در خواندن آن چگونه است، ای پسر عموی محمد صلی الله علیه و آله؟ فرمود: آن را قبل از دو رکعت بعد از نماز عشا، و هنگامی به بستر می‌روم، و هنگام نماز وتر سحر می‌خوانم. علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، از زمانی که این خبر را از پیامبرتان شنیدم، تا زمانی که به تو باز گفتم، آن را ترک نکرده‌ام.

ابو امامه گفت: به خدا سوگند، از زمانی که این خبر را از علی بن ابی‌طالب شنیدم، تا زمانی که آن را برای تو گفتم، آن را ترک نکرده‌ام. قاسم گفته است: از زمانی که ابو امامه از فضیلت آن برایم گفته است، خواندن آن را هیچ شبی ترک نکرده‌ام. علی بن زید گفته است: به تو خبر دهم که از زمانی که قاسم فضیلت آن را برایم گفته است، خواندن آن را هیچ شبی ترک نکرده‌ام. ابن ابی عاتکه گفته است: من نیز از زمانی که فضیلت خواندن آن برایم رسیده است، آنچه رسیده است، هیچ روزی آن را ترک نکرده‌ام. ابن سابور گفته است: از زمانی که خبر فضیلت خواندن آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم رسیده است، خواندن آن را هیچ شبی ترک نکرده‌ام. ابراهیم بن عمر گفته است: از زمانی که این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت خواندن آن به من رسیده است، هیچ شبی خواندن آن را ترک نکرده‌ام. ابو المفضّل گفته است: من، به نعمت پروردگارم، از زمانی که این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت خواندن آن را از عبید ابن ابی سفیان شنیده‌ام، تا زمانی که به شما بیان کردم، ترک نکرده‌ام.

**[ترجمه]

«۹»

طِبُّ الْأَئِمَّهِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَهَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ

مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ وَ أَحْرِزُوهُمْ بِهَذِهِ وَ قُولُوهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ- أُعِيذُ نَفْسِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَ هِيَ الْعُوذَةُ الَّتِي عَوَّذَ بِهَا جَبْرَئِيلُ عليه السلام الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام (۱).

وَ مِنْهُ عَنِ الْخَضِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ وَ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُلُّ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ وَ اسْتَعْمَلَ هَذِهِ الْعُوذَةَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ضَمِنْتُ لَهُ أَنْ لَا يَغْتَالَهُ مُغْتَالٌ مِنْ سَارِقٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمَغْفِرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ كُلِّ مُغْتَالٍ وَ سَارِقٍ وَ عَارِضٍ وَ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ الْهَامَّةِ وَ الْعَامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ فُجَّارِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲).

**[ترجمه]در آنچه از وی نقل شده، این گونه آمده است، ولی گویا سخن شعرانی از قلم نسخه برداران افتاده است.

**[ترجمه]

«۱۰»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۳)، وَ مِصْبَاحُ الْكَفْعَمِيِّ، وَ اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، وَ غَيْرُهَا(۴): وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُقْرَأَ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّيَاحِ

وَ مَا ذَرَتْ اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْ ءٍ أَنْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْ ءَ قَبْلَكَ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْ ءَ بَعْدَكَ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْ ءَ فَوْقَكَ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْ ءَ دُونَكَ وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۱۹.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۲۰.

۳- ۳. مصباح الشيخ ص ۷۸.

۴- ۴. البلد الأمين ص ۳۱.

مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَوَلَّانِي بِرَحْمَتِكَ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَ فِي النَّاسِ فَعَزِّزْنِي وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ دُعَاءٌ آخَرُ- اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَ لَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَ لَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَ لَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَ لَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَنْزِعْ مِنَّا بَرَكَتَكَ وَ لَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَ أَصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ لَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَ لَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَ لَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنَا سَالِمَةً وَ أَرْوَاحَنَا طَيِّبَةً وَ أَزْوَاجَنَا مُطَهَّرَةً وَ أَلْسِنَتَنَا صَادِقَةً وَ إِيمَانَنَا دَائِماً وَ يَقِينَنَا صَادِقاً وَ تِجَارَتَنَا لَا تَبُورُ اللَّهُمَ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النَّارِ ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ وَ الْإِخْلَاصَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ عَشْراً عَشْراً وَ قُلْ بَعْدَ ذَلِكَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَشْراً وَ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ قُلِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَ مَتِّعْنِي بِالْعَافِيَهِ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِ بَدَنِي اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

۱- ۱. راجع مصباح الكفعميّ: ۴۱ و ۴۲.

**[ترجمه]طب الائمه: امـام صادق علیه السـلام فرموده است: داراییها و خانوادههای خود را محکم گردانیـد و با این، در پناه بدارید، و آن را بعد از نماز عشا، بگویید: «اعیذ نفسـی و ذریتی و أهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان، و هامه، و من کل عین لامّه»، {خودم و فرزنـدان و خانواده و داراییام را به کلمات تمام یافته خدا، از هر شـیطان و هر جاندار زهر دار و از هر چشم ملامتگر، پناهنـده میسازم.} که این، تعویذی است که جبرئیل، حسن و حسـین علیهما السـلام را با آن تعویذ می... کرد. - . طب الائمه: ۱۱۹ -

و از همـان کتـاب: امـام محمـد بـاقر یـا امام جعفر صادق علیهما السـلام فرموده است: هر کس این کلمات را بعـد از نماز عشـا بخواند و از این تعویذ، هر شب اسـتفاده کند، برای او تضـمین میکنم که هیچ دزدی در شب و روز، از او با فریبکاری ندزدد: {به عزت خـدا پنـاه میبرم، به قـدرت خـدا پناه میبرم، به رحمت خـدا پناه میبرم، به آمرزش خـدا پناه میبرم و به فرمانروایی خدا که بر هر چیز تواناست پناه میبرم و به بزرگواری خدا پناه میبرم و به لشـکر خدا پناه میبرم از شر هر زورگوی کینه توز، و شـیطان سرکش، و هر رباینده و دزد و مزاحم، و از بدی هر نیشدار و گزنده و مردمان بیمایه، و از بدی هر جنبنده، کوچک باشد یا بزرگ، در شب یا روز، و از بدی بدکاران عرب و عجم، و تبهکاران آنها، و از بدی بدکاران جن و انس، و از بدی هر جنبندهای که جانش به دست پروردگارم است، که همانا پروردگار من در راه راست قرار دارد.} - . طب الائمه: ۱۲۰ -

**[ترجمه]

باب ۴۳ التعقیب المختص بصلاه الفجر

الأخبار

«۱»

فَلَاحُ السَّائِلِ، مِنْ کِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ بِخَطِّ جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ السِّنْدِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ یَوْمٍ یَأْتِی عَلَی ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ ذَلِکَ الْیَوْمُ یَا ابْنَ آدَمَ أَنَا یَوْمٌ جَدِیدٌ وَ أَنَا عَلَیْکَ شَهِیدٌ فَافْعَلْ فِیَّ خَیْراً وَ اعْمَلْ فِیَّ خَیْراً أَشْهَدْ لَکَ بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَإِنَّکَ لَنْ تَرَانِی بَعْدَهَا أَبَداً(۱).

**[ترجمه]علاوه بر آنچه در تعقیبات مشترک همه نمازها گفته شد، بسیاری از این تعقیبات در بخش تعقیبات مغرب بیان گردید.

**[ترجمه]

«۲»

الْمَکَارِمُ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ صَلَّی الْفَجْرَ وَ تَمَکَّثَ حَتَّی تَطْلُعَ الشَّمْسُ کَانَ أَنْجَحَ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِی الْأَرْضِ شَهْراً(۲)

وَ اجْتَهِدْ أَنْ لَا تَتَكَلَّمَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ أَنْ تَكُونَ مُشْتَغِلًا بِالدُّعَاءِ وَ بِقِرَاءَهِ الْقُرْآنِ فَقَدْ رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ مَنْ جَلَسَ فِی مُصَلَّاهُ مِنْ صَلَاهِ الْفَجْرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ سَتَرَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ(۳).

وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ: وَ اللَّهِ إِنَّ ذِکْرَ اللَّهِ بَعْدَ صَلَاهِ الْغَدَاهِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ بِالسَّیْفِ فِی الْأَرْضِ (۴).

وَ رَوَی جَابِرٌ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ إِبْلِیسَ إِنَّمَا یَبُثُّ جُنُودَهُ جُنُودَ اللَّیْلِ مِنْ حِینِ تَغِیبُ الشَّمْسُ إِلَی وَقْتِ الشَّفَقِ وَ یَبُثُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِینِ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَی مَطْلَعِ الشَّمْسِ (۵).

۱- ۱. فلاح السائل لا یوجد فی المطبوع.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۵۱.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۵۱.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

وَ ذَكَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كَانَ يَقُولُ: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ(١).

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: نَوْمَةُ الْغَدَاةِ مَشْئُومَةٌ تَطْرُدُ الرِّزْقَ وَ تُصَفِّرُ اللَّوْنَ وَ تُقَبِّحُهُ وَ تُغَيِّرُهُ وَ هُوَ نَوْمُ كُلِّ مَشْئُومٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْسِمُ الْأَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِيَّاكُمْ وَ تِلْكَ النَّوْمَةَ(٢).

وَ قَالَ الرِّضَا عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ فَالْمُقَسِّماتِ أَمْراً قَالَ الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَمَنْ نَامَ فِيمَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِهِ (٣).

وَ رَوَى مُعَمَّرُ بْنُ خَلَّادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَ هُوَ بِخُرَاسَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يُؤْتَى بِخَرِيطَةٍ فِيهَا مَسَاوِيكُ فَيَسْتَاكُ بِهَا وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ ثُمَّ يُؤْتَى بِكُنْدُرٍ فَيَمْضَغُهُ ثُمَّ يَدَعُ ذَلِكَ وَ يُؤْتَى بِالْمُصْحَفِ فَيَقْرَأُ فِيهِ (۴).

**[ترجمه]فلاح السائل: امام جعفر صادق از پدرش امام محمد باقر علیهما السلام نقل کرده و فرموده است: هیچ روزی بر فرزندان آدم نمی‌آید، جز اینکه آن روز می گوید: ای فرزند آدم، من روز جدیدی هستم، و من بر تو گواه هستم، پس در من کارخوب انجام بده، و در من عمل خوب انجام بده، در روز قیامت بر آن برای تو گواهی می‌دهم، که تو بعد از این هرگز مرا نخواهی دید. - . این روایت در نسخه چاپ شده فلاح السائل پیدا نشد. -

**[ترجمه]

«۳»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ،: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا صَلَّى الْغَدَاةَ قَالَ- اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصَرِي وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ أَرِنِي ثَارِي فِي عَدُوِّي.

**[ترجمه]المکارم: امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس نماز صبح را بخواند و درنگ کند تا خورشید طلوع کند، برای طلب روزی، پیروزمندانه‌تر از گردیدن در زمین به مدت یک ماه است. - . مکارم الاخلاق: ۳۵۱ -

و بکوش که قبل از طلوع آفتاب سخن نگویی، و مشغول به دعا و خواندن قرآن باشی، که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده است: هر کس بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در محل نمازش بنشیند، خدا او را از آتش می‌پوشاند. - . مکارم الاخلاق: ۳۵۱ -

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: به خدا سوگند، ذکر خدا گفتن بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید، از سفر کردن در زمین با کمک نیروی شمشیر برای به دست آوردن روزی، سریع‌تر در رسیدن به مقصود است. - . مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرموده است: همانا شیطان سپاهیانش را، سپاهیان شب، از زمان غروب خورشید تا پایان شفق، و سپاهیان روز را از وقت دمیدن سپیده تا طلوع خورشید گسیل می‌دارد. - . مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

و یادآور شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: در آن دو ساعت یاد خدا را زیاد کنید که آن دو ساعت، زمان غفلت هستند. -. مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

امام صادق علیه السلام فرموده است: خواب صبحگاه، بد یمن است و روزی را دور می کند و رنگ را زرد و زشت و دگرگون می کند، و آن خواب هر فرد نامبارکی است؛ خدا روزی‌ها را بین سپیده دم تا طلوع خورشید تقسیم می کند، پس از آن خواب، پرهیز کنید. -. مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

امام رضا علیه السلام در مورد کلام خدای عزّوجلّ «فالمقسِّمات أمراً»، -. الذاریات/ ۴ - {و تقسیم کنندگان کار [ها]} فرموده است: فرشتگان روزی‌های آدمیان را در بین سپیده دم تا طلوع خورشید تقسیم می کنند، پس هر کس بین آن دو طلوع بخوابد، از روزی خودش خواب مانده است. -. مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

معمر بن خلّاد روایت کرده و گفته است: امام رضا علیه السلام زمانی که در خراسان بود، وقتی نماز صبح را خواند، در محل نمازش نشست تا اینکه خورشید طلوع کرد؛ سپس کیسه‌ای آورد که در آن تعدادی مسواک بود، پس با آنها، یکی بعد از دیگری، مسواک زد، سپس مقداری کندر آورد و آن را جوید، سپس آن را کنار گذاشت و قرآن را آورد و آن را قرائت می کرد. -. مکارم الاخلاق: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۴»

طِبُّ الْأَئِمَّهِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَی سُلَیْمَانَ الْجَعْفَرِیِّ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: أَنَّ رَجُلًا شَکَا إِلَیْهِ قِلَّهَ الْوَلَدِ وَ أَنَّهُ یَطْلُبُ الْوَلَدَ مِنَ الْإِمَاءِ وَ الْحَرَائِرِ فَلَا یُرْزَقُ لَهُ وَ هُوَ ابْنُ سِتِّینَ سَنَهً- فَقَالَ علیه السلام قُلْ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ فِی دُبُرِ صَلَاتِکَ الْمَکْتُوبَهِ صَلَاهِ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ وَ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْفَجْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ سَبْعِینَ مَرَّهً وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ سَبْعِینَ مَرَّهً تَخْتِمُهُ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کانَ غَفَّاراً یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْراراً وَ یُمْدِدْکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهاراً(۵).

**[ترجمه]دعوات الراوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نماز صبح را خواند، گفت: «اللهم متعنی بسمعی و بصری، و اجعلهما الوارثین منی، و أرنی ثاری فی عدوی»، {خدایا، مرا از گوش و چشمم بهره‌مند ساز و آن دو را وارثان من قرار ده، و انتقام من از دشمنانم را به من بنمایان.}

**[ترجمه]

«۵»

عُدَّهُ الدَّاعِی، رُوِیَ: أَنَّ أَبَا الْقَمْقَامِ أَتَی أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام وَ کَانَ رَجُلًا مُحَارَفاً فَشَکَا إِلَیْهِ حِرْفَتَهُ وَ أَنَّهُ لَا یَتَوَجَّهُ فِی حَاجَهٍ فَتُقْضَی لَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام قُلْ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۳۵۲.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۱۲۹.

فِی دُبُرِ الْفَجْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ أَبُو الْقَمْقَامِ فَلَزِمْتُ ذَلِکَ فَوَ اللَّهِ مَا لَبِثْتُ إِلَّا قَلِیلًا حَتَّی وَرَدَ عَلَیَّ قَوْمٌ مِنَ الْبَادِیَهِ فَأَخْبَرُونِی أَنَّ رَجُلًا مِنْ قَوْمِی مَاتَ وَ لَمْ یُعْرَفْ لَهُ وَارِثٌ غَیْرِی فَانْطَلَقْتُ وَ قَبَضْتُ مِیرَاثَهُ وَ لَمْ أَزَلْ مُسْتَغْنِیاً.

الکافی، بسنده عن رجل من الجعفریین: مثله (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: مردی به امام باقر علیه السلام از کمی فرزند گله کرد، و اینکه خواستار بچه دار شدن از کنیزان و زنان آزاد [همسران خود] است، ولی به او روزی نمی‌شود و او شصت سال داشت؛ امام علیه السلام به او فرمود: سه روز پس از نماز واجب (نماز عشا و پس از نماز صبح)، هفتاد مرتبه «سبحان الله»، {خدا منزه است.} و هفتاد مرتبه «أستغفر الله»، {از خدا آمرزش می‌خواهم.} بگو و آن را به این کلام خداوند: «استغفروا ربکم إنه کان غفاراً یرسل السَّماء علیکم مدراراً و یمددکم بأموال و بنینَ و یجعل لکم جنّات و یجعل لکم أنهاراً»، {از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است، از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.} - . طب الائمه: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۶»

العده، [عده الداعی] رَوَی حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ فِی کُلِّ صَلَاهِ الْفَجْرِ رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ وَقَی اللَّهُ وَجْهَهُ مِنْ نَفَخَاتِ النَّارِ.

وَ عَنْ سَعْدِ بْنِ زَیْدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: إِذَا صَلَّیْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطْ رِجْلَکَ وَ لَا تُکَلِّمْ أَحَداً حَتَّی تَقُولَ مِائَهَ مَرَّهٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ مِائَهَ مَرَّهٍ فِی الْمَغْرِبِ وَ مِائَهَ مَرَّهٍ فِی الْغَدَاهِ فَمَنْ قَالَهَا دُفِعَ عَنْهُ مِائَهُ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَدْنَی نَوْعٍ مِنْهُ الْبَرَصُ وَ الْجُذَامُ وَ الشَّیْطَانُ وَ السُّلْطَانُ.

الکافی، عن سعید بن زید: مثله (۲).

**[ترجمه]عده الداعی: روایت شده که ابا القمقام، که مرد محرومی بود، نزد امام کاظم علیه السلام آمد و در مورد حرفه خودش به امام گله کرد و اینکه در جستجوی نیازش به جایی برخورد نمی‌کند که برایش برآورده شود؛ پس ابو الحسن علیه السلام به او فرمود: در دنباله نماز صبح ده مرتبه بگو: «سبحان الله العظیم و بحمده، أستغفر الله و أسأله من فضله»، {منزه است خدای بزرگ و او را ستایش می‌کنم، از خدا آمرزش می‌خواهم و از فضل او درخواست می‌کنم.} ابوالقمقام گفته است: به آن مداومت کردم و به خدا سوگند، دیری نگذشت که گروهی از صحرا نشینان پیش من آمدند و به من خبر دادند که مردی از قبیله من مرده و وارثی جز من برای او شناخته نشده است، پس روانه شدم و میراث او را گرفتم و تاکنون بی‌نیازم .

الکافی: مثل همین روایت را با سندی از جعفری‌ها آورده است. - . الکافی ۵: ۳۱۵ -

**[ترجمه]

«۷»

الْمَكَارِمُ، رُوِیَ عَنْ هِلْقَامِ بْنِ أَبِی هِلْقَامٍ أَنَّهُ قَالَ: أَتَیْتُ أَبَا إِبْرَاهِیمَ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ عَلِّمْنِی دُعَاءً جَامِعاً لِلدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَوْجِزْهُ قَالَ قُلْ فِی دُبُرِ الْفَجْرِ إِلَی أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ- سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ هِلْقَامٌ وَ لَقَدْ کُنْتُ

أَسْوَأَ أَهْلِ بَیْتِی حَالًا فَمَا عَلِمْتُ حَتَّی أَتَانِی مِیرَاثٌ مِنْ قِبَلِ رَجُلٍ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ قَرَابَهً وَ إِنِّی الْیَوْمَ لَمِنْ أَیْسَرِ أَهْلِ بَیْتِی وَ مَا ذَلِکَ إِلَّا مِمَّا عَلَّمَنِی مَوْلَایَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیهما السلام (۳).

الکافی، بإسناده عن هلقام: مثله (۴).

ص: ۱۳۱

۱- ۱. الکافی ج ۵ ص ۳۱۵.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۳۱.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۲۸.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۵۰.

**[ترجمه]العـده: حمـاد بن عثمـان از امـام صـادق علیه السـلام روایت کرده که فرمود: هر کس در دنباله همه نمازهای صـبح بگویـد: «رب صل علی محمـد و أهل بیته»، {پروردگارا، بر محمـد و اهل بیت او درود فرست.} خداونـد صورت او را از وزش شعله‌های آتش نگاه می‌دارد.

سعد بن زید گفته است: امام کاظم علیه السلام فرمود: وقتی نماز مغرب را خواندی، پاهایت را دراز نکن و با کسی سخن مگو تا اینکه صـد مرتبه بگویی: «بسم الله الرحمن الرحیم، و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشـنده مهربان؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} هر کس آن را صد مرتبه در مغرب و صد مرتبه در صبح بگوید، خداوند صد نوع گرفتاری را که کمترین آن، جذام و برص و شیطان و فرمانروای سلطه‌گر است، از او دور می‌کند.

الکافی: مثل این روایت را از سعید بن زید آورده است. – . الکافی ۲: ۵۳۱ –

**[ترجمه]

«۸»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُکَ شَیْئاً إِذَا قُلْتَهُ قَضَی اللَّهُ دَیْنَکَ وَ أَنْعَشَکَ وَ أَنْعَشَ حَالَکَ فَقُلْتُ مَا أَحْوَجَنِی إِلَی ذَلِکَ فَعَلَّمَهُ هَذَا الدُّعَاءَ قُلْ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْفَجْرِ- تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الْقَیُّومِ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ وَ مِنْ غَلَبَهِ الدَّیْنِ وَ السُّقْمِ وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُعِینَنِی عَلَی أَدَاءِ حَقِّکَ إِلَیْکَ وَ إِلَی النَّاسِ (۱).

**[ترجمه]المکارم: از هلقام بن ابی هاقام روایت شـده که گفته است: پیش امام کاظم علیه السـلام رفتم و گفتم: فدایت شوم، دعـایی که خـوبی دنیـا و آخرت را در بر داشـته باشـد، به من بیـاموز که مختصـر باشـد؛ فرمود: در دنبـاله نمـاز صـبح تـا طلوع خورشـید بگو: «سـبحان الله العظیم و بحمده، أستغفر الله و أسأله من فضله»، {منزه است خدای بزرگ و او را ستایش می‌کنم، از خـدا آمرزش می‌خواهم و از فضل او درخواست می‌کنم.} هلقام گفته است: من بدحال‌ترین فرد در میان اهل بیت خودم بودم، نمی‌دانسـتم تا اینکه میراثی از طرف مردی که گمان نمی‌بردم بین من و او خویشاوندی باشد، به من رسـید، و من امروز بهترین فرد اهل بیتم هسـتم، و این نبود جز به سـبب آنچه سـرورم، بنده صالح، موسـی بن جعفر علیه السلام به من آموخت. – . مکارم الاخلاق: ۳۲۸ –

الکافی: مثل همین روایت را از هلقام آورده است. – . الکافی ۲: ۵۵۰ –

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی نعشه الله کمنعه دفعه کأنعشه و نعشه و البؤس شده الحاجه و الفقر.

**[ترجمه]العیاشی: عبدالله بن سنان گفته است: به امام صادق علیه السلام گله کردم. فرمود: آیا چیزی به تو بیاموزم که اگر آن را گفتی، خدا بدهی‌ات را بپردازد و تو را و حال تو را بالا برد؟ گفتم: بسیار به آن نیاز دارم؛ پس این دعا را به او آموخت: در دنباله نماز صبح بگو: {به زنده و پایداری که مرگ ندارد، توکل کرده‌ام، و ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرستی داشته باشد، و او را بسیار بزرگ شمار؛ خدایا، از نیازمندی و تهیدستی و از چیرگی بدهکاری و بیماری به تو پناه می‌آورم، و از تو می‌خواهم مرا برای ادای حق تو به خودت و مردم یاری کنی.} - . تفسیر العیاشی ۲: ۳۲۰ -

**[ترجمه]

و أقول

روی الشیخ و غیره (۲)

هذا الدعاء مرسلا و فی روایتهم و من غلبه الدین فصل علی محمد و آله و أعنی علی أداء حقک إلیک و إلی الناس.

**[ترجمه]فیروزآبادی گفته است: «نعشه الله» مانند منعه - در وزن - : بالا برد، جلو برد؛ مانند «نعشه و نعّشه»؛ و «البؤس»، یعنی شدت نیازمندی و تهیدستی.

**[ترجمه]

«۹»

الْکَافِی، بِسَنَدِهِ الْقَوِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْفَجْرِ وَ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِینَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الرِّیحُ وَ الْبَرَصُ وَ الْجُنُونُ وَ إِنْ کَانَ شَقِیّاً مُحِیَ مِنَ الشَّقَاءِ وَ کُتِبَ فِی السُّعَدَاءِ(۳).

وَ فِی رِوَایَهِ سَعْدَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ أَهْوَنُهُ الْجُنُونُ وَ الْجُذَامُ وَ الْبَرَصُ وَ إِنْ کَانَ شَقِیّاً رَجَوْتُ أَنْ یُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی السَّعَادَهِ(۴).

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ الْمُوَثَّقِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ یَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِینَ یُصْبِحُ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِینَ یُمْسِی لَمْ یَخَفْ شَیْطَاناً وَ لَا سُلْطَاناً وَ لَا بَرَصاً وَ لَا جُذَاماً وَ لَمْ یَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ وَ أَنَا أَقُولُهَا مِائَهَ مَرَّهٍ(۵).

وَ أَیْضاً بِسَنَدِهِ الْمُوَثَّقِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا صَلَّیْتَ الْغَدَاهَ وَ الْمَغْرِبَ فَقُلْ

۱- ۱. تفسير العيّاشيّ ج ۲ ص ۳۲۰.
۲- ۲. مصباح المتهجد ص ۱۵۰.
۳- ۳. الكافى ج ۲ ص ۵۳۱.
۴- ۴. الكافى ج ۲ ص ۵۳۱.
۵- ۵. الكافى ج ۲ ص ۵۳۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا لَمْ يُصِبْهُ جُنُونٌ وَ لَا جُذَامٌ وَ لَا بَرَصٌ وَ لَا سَبْعُونَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ(۱).

**[ترجمه]شیخ و دیگران - . مصباح المتهجد: ۱۵۰ -

این دعا را به صورت مرسل روایت کرده‌اند و در روایت آنها «و من غلبه الدین، فصل علی محمد و آله و أعنی علی أداء حقک إلیک و إلی الناس»، {و از چیرگی بدهکاری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا برای ادای حق تو به خودت و مردم یاری کن.} آمده است.

**[ترجمه]

«۱۰»

بِخَطِّ الشَّهِيدِ، ره عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ صَلَّى فَرِيضَةَ الْغَدَاةِ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

**[ترجمه]الکافی: با سند قوی از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هرکس در دنباله نماز صبح و در دنباله نماز مغرب، هفت مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} خداوند هفتاد نوع گرفتاری را از او دور می... کند که سست‌ترین آنها باد و برص و جذام است، و او را در فهرست خوشبختان می‌نویسد، هرچند از تیره‌بختان باشد. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

در روایت سعدان از ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام مثل این روایت آمده، جز اینکه گفته است: کمترین آن، دیوانگی و جذام و برص است، و اگر تیره‌بخت باشد، امید است که خدای عزّوجلّ او را به خوشبختی برگرداند. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

همان کتاب: با سند موثق از حسن بن جهم، از امام کاظم علیه السلام مثل این را روایت کرده است، با این تفاوت که فرموده است: سه مرتبه هنگام صبح و سه مرتبه هنگام شب می‌گوید و از شیطان و فرمانروا و برص و جذامی نمی‌ترسد؛ و هفت مرتبه نمی‌گوید. امام کاظم علیه السلام فرمود: و من آن را صد مرتبه می‌گویم. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

و نیز با سند موثق از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: وقتی نماز صبح و مغرب را خواندی، هفت مرتبه بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدای والا- مرتبه‌ی بزرگ وجود ندارد.} هر کس آن را هفت مرتبه بگوید، نه دیوانگی و نه جذام و نه برص و نه هفتاد نوع گرفتاری، به او نمی‌رسد. - . الکافی ۲: ۵۳۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: وَ الَّذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ لَدُعَاءُ الرَّجُلِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ لَأَنْجَحُ فِی الْحَاجَاتِ مِنَ الضَّارِبِ بِمَالِهِ فِی الْأَرْضِ (۲).

وَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَعَدَ فِی مُصَلَّاهُ الَّذِی صَلَّی فِیهِ الْفَجْرَ یَذْکُرُ اللَّهَ حَتَّی تَطْلُعَ الشَّمْسُ کَانَ لَهُ حَجُّ بَیْتِ اللَّهِ (۳).

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: التَّعْقِیبُ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ یَعْنِی بِالدُّعَاءِ أَبْلَغُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّارِبِ فِی الْبِلَادِ(۴).

**[ترجمه]به خط شهید - که رحمت خدا بر او باد- از امام صادق علیه السلام: هر کس نماز صبح را بخواند و صد مرتبه بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، خدا بدن او را بر آتش حرام می کند، و شایسته است قبل از اینکه سخن بگوید، «یا رب صل علی محمد و آل محمد و أعتق رقبتی من النار»، {ای پروردگار، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از آتش برهان.} را بخواند.

**[ترجمه]

«۱۲»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ بَسْمَلَ وَ حَوْلَقَ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ مِائَهَ مَرَّهٍ کَانَ أَقْرَبَ إِلَی اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَیْنِ إِلَی بَیَاضِهَا وَ أَنَّهُ دَخَلَ فِیهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ (۵).

**[ترجمه]دعائم الاسلام: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده است: سوگند به کسی که جان محمد به دست اوست، همانا دعای شخص بعد از سپیده دم تا طلوع خورشید، برای برآمدن نیاز، موفق تر از مسافر در زمین با دارایی اش است. - . دعائم الاسلام ۱: ۱۶۷ -

و از او علیه السلام است که فرموده است: هر کس در محلی که نماز صبح را در آنجا خوانده است، به ذکر خدا بنشیند تا اینکه خورشید طلوع کند، برای او ثواب حج خانه خدا خواهد بود. - . دعائم الاسلام ۱: ۱۶۷ -

از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرموده است: تعقیبات بعد از نماز صبح، یعنی دعا خواندن، از مسافرت در شهرها برای به دست آوردن روزی، رساننده تر است. - . دعائم الاسلام ۱: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

کِتَابُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شُرَیْحٍ الْجُهَنِیِّ، عَنْ حُمَیْدِ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ:

أَكْثِرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَجُلًا ذَاتَ يَوْمٍ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله الْغَدَاةَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ الرَّجُلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنِ الْقَائِلُ فَقِيلَ لَهُ فُلَانٌ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدِ

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۳۱.

۲- ۲. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۷.

۳- ۳. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۷.

۴- ۴. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۷۰.

۵- ۵. البلد الأمین ص ۲۸ فی الهامش.

اسْتَبَقَ إِلَيْهِ ثَمَانِيَهَ عَشَرَ مَلَكاً أَيُّهُمْ يَرْفَعُهَا إِلَى الرَّبِّ.

**[ترجمه]البلد الامين: امام رضا عليه السلام فرموده است: هركس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بسمله - «يعنى بسم الله الرحمن الرحيم» - و حولقه - يعنى «لا حول و لا قوه إلا بالله العلى العظيم» - بگويد، از - نزديكى - سياهى چشم به سفيدى آن، به اسم بزرگ خدا نزديك‌تر خواهد بود؛ و اينكه اسم بزرگ خدا در آن وارد شده است. - . البلد الامين: ۲۸ (در حاشيه) -

**[ترجمه]

«۱۴»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الضَّبِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَبِيبٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي إِدْرِيسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي بُرْدَهَ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى تَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ دِينِيَ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَهً ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي جَعَلْتَ مَرْجِعِي إِلَيْهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ(۱).

**[ترجمه]كتاب جعفر بن محمد بن شريح الجهنى: جابر جعفى گفته است: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود: تهليل و تكبير زياد بگوييد؛ سپس فرمود: روزى شخصى پشت سر رسول خدا نماز صبح خواند و هنگامى كه سلام نماز را داد، شخص گفت: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شىء قدير»، {هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، تنهاست و شريكى براى او نيست، فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست، و او بر هر چيزى توانا است.} رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: گوينده كيست؟ به او گفته شد: فلان انصارى است؛ پس رسول خدا به او فرمود: سوگند به كسى كه جانم به دست اوست، هجده فرشته به سوى او شتافتند كه هركدام آن را به سوى پروردگار بالا ببرند.

**[ترجمه]

بيان

قال في النهايه الجد الحظ و السعاده و الغناء و منه الحديث و لا ينفع ذا الجد منك الجد أي لا ينفع ذا الغناء منك غناؤه و إنما ينفعه الإيمان و الطاعه انتهى و قال الفيروزآبادي في معاني كلمه من و منها البدل مثل لا ينفع ذا الجد منك الجد.

و قال ابن هشام في المغني في بيان معانيها الخامس البدل نحو أَ رَضِيتُمْ بِالْحَياهِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَهِ(۲) و لا ينفع ذا الجد منك الجد أي لا ينفع ذا الحظ من الدنيا حظه بذلك أي بدل طاعتك أو بدل حظك أي بدل حظه منك و قيل ضمن ينفع معنى يمنع و متى علقت من بالجد انعكس المعنى انتهى (۳).

و هذا مما أطلق لفظ الجد فی الدعاء خلافا لما مر من المنع عن ذلک کما عرفت.

**[ترجمه]مجالس ابن الشیخ: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نماز صبح را خواند، صدایش را تا حدی که یاران بشنوند، بالا برد و سه مرتبه گفت: «اللهم أصلح دینی الذی جعلته لی عصمه»، {خدایا، دینم را که برای من نگاه دارنده قرار داده‌ای، نیکو بگردان.} و سه مرتبه «اللهم أصلح لی دنیای التی جعلت فیها معاشی»، {خدایا، دنیایم را که زندگی مرا در آن قرار داده ای، برایم نیکو گردان.} و سه مرتبه «اللهم أصلح لی آخرتی التی جعلت مرجعی الیها»، {خدایا، آخرتم را که محل برگشت من قرار داده‌ای، برایم نیکو گردان.} و سه مرتبه «اللهم إنی أعوذ برضاک من سخطک و أعوذ بعفوک من نقمتک»، {خدایا، از خشم تو به خشنودی‌ات، و از انتقام تو به گذشتت پناه می‌آورم.} و سه مرتبه «اللهم أعوذ بک منک لا مانع لما أعطیت، و لا معطی لما منعت، و لا ینفع ذا الجد منک الجدّ»، {خدایا، از تو به تو پناه می‌آورم، نه بازدارنده‌ای از آنچه می‌بخشی، و نه بخشنده‌ای از آنچه بازداشته‌ای، وجود ندارد، و توانگری هیچ شخص بهره‌مندی، او را از تو بی‌نیاز نمی‌کند.}

**[ترجمه]

«۱۵»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ (۴)، وَ الْخِصَالُ، عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ السِّنْدِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَهْلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ صَلَاهِ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۵۸.

۲- ۲. براءه: ۳۸.

۳- ۳. راجع المغنی ج ۱ ص ۳۲۰ ط مصر.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۵۰.

الْفَجْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لَوْ عَمِلَ ذَلِکَ الْيَوْمَ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ وَ مَنْ عَمِلَ فِي يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ فَلَا خَيْرَ فِيهِ وَ فِي رِوَايَهٍ أُخْرَى سَبْعَمِائَهِ ذَنْبٍ (۱).

**[ترجمه]در النهـايه گفته است: «الجـد»، یعنی بهره و خوشبختی و تـوانگری؛ از همین نـوع است حـدیث «و لاـ ینفـع ذا الجد منـک الجـد»، یعنی تـوانگری هیـچ توانگری، او را از تو بی‌نیـاز نمی‌کنـد و تنهـا ایمـان و اطـاعت به او سود می‌رسانـد. پایـان. فیروزآبادی در مورد معانی کلمه «من» گفته است: از جمله آنها بدل است، مثل «لا ینفع ذا الجد منک الجد».

ابن هشـام در المغنی در بیـان معـانی آن گفته است: پنجم، بـدل است؛ مثل «أرضـیتم بالحیاه الـدنیا من الآخره»، - . براءه/ ۳۸ - {آیا

به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟} «و لا ینفع ذا الجد منک الجد»، یعنی بهره‌مند از دنیا، بهره‌اش به او سودی نمی‌رسانـد، یعنی به جای طاعت، یا به جای بهره‌منـدی تو، یا به جای بهره‌مندی از تو؛ و گفته شده است: «ینفع» معنی «یمنع» را نیز در درون خـود دارد و وقـتی «من» به «الجـد» متعلـق باشـد، معنی برعکس می‌شـود. پایـان. - . ر. ک: المغنی ۱: ۳۲۰ (چاپ مصر) -

همان طور که دانستی، این بر خلاف آنچه در مورد منع از آن گفته شد، از چیزهایی است که لفظ «الجَدّ» در دعا به آن اطلاق می‌شود .

**[ترجمه]

«۱۶»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَهَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَ لَا أُعَلِّمُکَ شَيْئاً يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَکَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ بَعْدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَکَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال - . ثواب الاعمال: ۱۵۰ -

و الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس بعد از نماز صبح، هفتاد مرتبه طلب آمرزش کند، خدا او را می‌آمرزد، هر چند گناهـان آن روز او، هفتـاد هزار باشـد؛ و هر کس در روز بیشتر از هفتـاد هزار گنـاه انجام دهـد، خیری در او نیست؛ در روایت دیگر، هفتصد گناه بیان شده است. - . الخصال ۲: ۱۹۳ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ (۳)، وَ الْخِصَالُ، عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لِشَيْبَةَ الْهُذَلِيِّ إِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعَافِيكَ بِذَلِكَ مِنَ الْعَمَى وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْفَقْرِ وَ الْهَرَمِ (۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: صباح بن سیابه نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: آیا چیزی به تو بیاموزم که خدا با آن، صورتت را از گرمای جهنم نگاه دارد؟ گفتم: بلی؛ فرمود: بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگو: «اللهم صل علی محمد و آل محمد»، {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.} که با آن، خدا صورت تو را از گرمای جهنم نگاه می‌دارد. - . ثواب الاعمال: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۸»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ علیه السلام: مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً لَمْ يَتْبَعْهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ذَنْبٌ وَ إِنْ رَغِمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ (۵).

و منه عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار عن أبيه عن محمد بن أحمد بن يحيى عن أبى الحسن النهدى عن أبان بن عثمان عن قيس بن ربيعه عن عمار بن زياد عن عبد الله بن حجر عن أمير المؤمنين علیه السلام: مثله (۶)

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۹۳.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۴۰.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۴۵ فی حديث.

۴- ۴. تراه فی أمالی الصدوق ص ۴۴، و لا توجد فی الخصال كما مرّ فی الباب ۶۰ الرقم ۱۸.

۵- ۵. ثواب الأعمال ص ۴۱.

۶- ۶. ثواب الأعمال ص ۱۱۶.

دعائم الإسلام، عنه عليه السلام مرسلا: مثله (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال - . ثواب الاعمال: ۱۴۵ (ضمن حديث) -

و الخصال: از امام باقر علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: وقتی نماز صبح را خواندی، ده مرتبه بگو: «سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {خدای بزرگ، منزه است و او را ستایش می‌کنم، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا- مرتبه بزرگ وجود ندارد.} که خدای عزّوجلّ با آن، تو را از نابینایی و دیوانگی و جذام و تهیدستی و پیری ایمن می‌دارد. - . أمالی الصدوق: ۴۴؛ همان طور که در باب ۶۰، شماره ۱۸ گذشت، این روایت در الخصال یافت نشد. -

**[ترجمه]

«۱۹»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الْجُنَّهُ، [جنه الأمان] وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ، وَ الِاخْتِيَارُ، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ: فَإِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ عَقَّبْتَ بِمَا تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ عَقِيبَ الْفَرَائِضِ ثُمَّ تَقُولُ مَا يَخْتَصُّ هَذَا الْمَوْضِعَ وَ هُوَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهْدِنِی لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِی مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام موسی بن جعفر از پدرش علیهما السلام نقل کرده که علی علیه السلام فرموده است: هر کس نماز صبح را بخواند و سپس یازده مرتبه - سوره - «قل هو الله أحد» را بخواند، در آن روز، هیچ گناهی او را دنبال نکند، و بینی شیطان را به خاک بمالد. - . ثواب الاعمال: ۴۱ -

از همین کتاب: مثل همین روایت را از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است. - . ثواب الاعمال: ۱۱۶ -

دعائم الاسلام: مثل همین را از او علیه السلام به صورت مرسل آورده است. - . دعائم الاسلام ۱: ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۲۰»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ الِاخْتِيَارُ: ثُمَّ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهاً وَاحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِی وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِی وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَيْ ءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمَا يَنْبَغِی لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَيْ ءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمَا يَنْبَغِی لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهَ شَيْ ءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمَا يَنْبَغِی لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهَ شَيْ ءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ أَوْ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ(۳).

**[ترجمه]مصباح الشیخ و الجنه و البلد الامین و الاختیار و سایر الکتب: پس هنگامی که نماز صبح را خواندی، با تعقیباتی که برای دنباله نمازهای واجب گفته شد، تعقیبات می‌خوانی، سپس آنچه را که مخصوص اینجا است، می‌گویی، و آن عبارت است از: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اهدنی لِما اختلف فیه من الحق باذنک، إنک تهدی من تشاء إلی صراط مستقیم»، {خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در آنچه اختلاف نظر وجود دارد، با اذن خودت به آنچه حقیقت دارد، راهنمایی کن، چرا که تو هر کسی را بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی.} - . البلد الامین: ۴۹ -

**[ترجمه]

أقول

قد مر مثله فی تعقیب مطلق الصلوات (۴)

و إنما كررته لإعاده الشيخ إياه هنا و اختلاف ما بينهما و لعله مأخوذ من روايه أخرى وردت فی خصوص تعقيب الصبح.

قوله علیه السلام و نحن له مسلمون أی مذعنون لحكمه منقادون لأمره مخلصون

ص: ۱۳۶

۱- ۱. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۸.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۴۹.

۳- ۳. مصباح الشیخ ص ۱۴۱.

۴- ۴. راجع ص ۴۴ فیما سبق.

فی عبادته کما قال المفسرون فی قوله تعالی لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱) و لیس المراد بالإسلام هنا معناه المتعارف لا نعبد إلا إیاه مخلصین له الدین أی عبادتنا منحصره فیه سبحانه حال کوننا غیر خالطین مع عبادته عباده غیره و المراد أنا لا نعبد غیره لا علی الانفراد و لا علی الاشتراک.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و الاختیار: سپس بگو: {هیچ خدایی جز الله، خدای یکتا، وجود ندارد و ما برای او تسلیم هستیم؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، دین خود را برای وی بی آلایش گردانیده، جز او را نمی‌پرستیم، هرچند مشرکان را خوش نیاید؛ هیچ خدایی جز الله، پروردگار ما و پروردگار پدران ما، وجود ندارد؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست؛ خدا منزه است هر آن مقدار که چیزی خدا را تسبیح بگوید، و همان گونه که خدا دوست دارد منزه داشته شود، و همان گونه که خدا دوست دارد ستایش شود، و همان‌گونه که او شایسته آن است، و همان گونه که برای بزرگی ذاتش و شکوه ارجمندی‌اش سزاوار است؛ سپاس خدا را، هر آن مقدار که چیزی او را ستایش کند، همان‌گونه که خدا دوست دارد ستایش شود، و همان‌گونه که خدا شایسته آن است، و همان‌گونه که برای بزرگواری ذاتش و شکوه ارجمندی‌اش سزاوار است؛ و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، هر آن مقدار که چیزی خدا را به یگانگی بداند، و همان‌گونه که خدا دوست دارد به یگانگی یاد شود، و همان‌گونه که برای بزرگواری ذاتش و شکوه ارجمندی‌اش سزاوار است؛ و خدا بزرگ‌تر است، هر آن مقدار که چیزی او را بزرگ بداند، و همان‌گونه که خدا دوست دارد او را بزرگ دانسته شود، و همان‌گونه که او شایسته آن است، و همان‌گونه که سزاوار بزرگواری ذاتش و شکوه ارجمندی‌اش است؛ خدا منزه است، و ستایش مخصوص اوست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد؛ و خدا بزرگ‌تر است، به تعداد هر نعمتی که خدا به من، یا به هر کسی از پیشینیان، یا هر کسی که بعد از این تا روز قیامت به وجود خواهد آمد، بخشیده است.} – . مصباح الشیخ: ۱۴۱ –

**[ترجمه]

«۲۱»

مِصْبَاحَيِ الشَّيْخِ (۲)، وَ الْكَفْعَمِيِّ، وَ ابْنِ الْبَاقِي، وَ غَيْرِهِمْ: ثُمَّ تَقُولُ- سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ مِثْلَهُ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مِثْلَهُ وَ عَدَدَ خَلْقِهِ وَ مِثْلَهُ وَ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِهِ وَ مِثْلَهُ وَ مِلْ ءَ أَرْضِهِ وَ مِثْلَهُ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَ مِثْلَهُ وَ عَدَدَ ذَلِكَ أَضْعَافاً وَ أَضْعَافَهُ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً لَا يُحْصِي تَضَاعِيفَهَا أَحَدٌ غَيْرُهُ وَ مِثْلُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]مثل این در تعقیبات مشترک نمازها گذشت، و تکرار کردن ما به خاطر تکرار کردن شیخ، و اختلافی که در آن دو وجود دارد، بوده است و شاید از روایت دیگری که در مورد خصوص تعقیبات نماز صبح است، گرفته شده است.

عبارت «و نحن له مسلمون»، یعنی به حکم او اعتراف می‌کنیم و از دستور او پیروی و خالصانه او را عبادت می‌کنیم. مفسران در تفسیر کلام خدای متعال که فرموده است: «لا نُفرِّق بین أحدٍ مِن رسله و نحن له مسلمون»، – . البقره/ ۲۸۵ –

{ما میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم و ما او را فرمانبرداریم.} اینگونه گفته‌اند، و منظور از اسلام در اینجا، معنای متعارف آن نیست. «لا نعبد إلا إیّاه مخلصین له الدین»، یعنی عبادت ما، منحصر در خدای سبحان است و در عبادت او، عبادت دیگری را در نمی‌آمیزیم؛ منظور این است که دیگری را، نه به صورت مستقل و نه به صورت مشترک، با خدا عبادت نمی کنیم.

**[ترجمه]

توضیح

عشر مرات متعلق بقوله أشهد إلی آخره کما سیأتی قوله علیه السلام و مداد کلماته أی علومه و حکمه أو تقدیراته أی أرید أن أسبحه و أهلله و أمجده و أکبره و أحمده بعدد هذه الأشیاء أو یستحق جمیع ذلک بعددها لأن کلا منها یدل علی تنزیهه و توحیده و مجده و یستحق بکل منها حمدا و ثناء.

قال الجزری فیه سبحان الله مداد کلماته أی مثل عددها و قیل قدر ما یوازیها فی الکثره عیار کیل أو وزن أو ما أشبهه من وجوه الحصر و التقدیر و هذا تمثیل یراد به التقریب لأن الکلام لا یدخل فی الکیل و الوزن و إنما یدخل فی العدد و المداد مصدر کالمد یقال مددت الشی ء مدا و مدادا و هو ما یکثر و یزداد و قال أیضا فیه سبحان الله عدد کلماته أی کلامه و هو صفته و صفاته لا تنحصر بالعدد فذکر العدد هنا مجازا للمبالغه فی الکثره و قیل یحتمل أن یرید عدد الأذکار أو عدد الأجور علی

ص: ۱۳۷

۱- ۱. البقره: ۲۸۵.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۴۱.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۴۹.

ذلک و نصب عددا علی المصدر انتهی.

و فی القاموس المد بالضم المکیال و الجمع أمداد و مداد قیل و منه سبحان الله مداد کلماته انتهی و الصواب أن المراد به المداد بالقلم من قوله سبحانه قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی (۱) و مل ء سماواته من قبیل تشبیه المعقول بالمحسوس ما أحصی کتابه أی اللوح أو القرآن.

قالوا و تقول ثلاثین مره سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر.

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۴۱ - و الکفعمی و ابن الباقی و غیرهم: سپس ده مرتبه می گویی: {خدا منزه است، و ستایش مخصوص اوست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد؛ و خدا بزرگ‌تر است، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا وجود ندارد، به اندازه عرش او و مانند آن، و گستره کلماتش و مانند آن، و تعداد آفریده‌هایش و مانند آن، و گنجایش آسمان‌هایش و مانند آن، و گنجایش زمینش و مانند آن، و به تعداد آنچه کتابش برشمرده و مانند آن، و چند برابر تعداد آنها و چندین برابر چند برابر آنها که چند برابر بودنش و مانند آن را کسی جز خود او نتواند بشمرد.

گواهی می‌دهم که جز الله، هیچ خدایی وجود ندارد؛ یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد، خوبی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.}
- . البلد الامین: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۲»

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ، وَ الْإِخْتِیَارُ: ثُمَّ تَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یَنْسَی مَنْ ذَکَرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یُخَیِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یُذِلُّ مَنْ وَالاهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یَجْزِی بِالْإِحْسَانِ إِحْسَاناً وَ بِالصَّبْرِ نَجَاهً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ ثِقَتُنَا حِینَ تَنْقَطِعُ الْحِیَلُ عَنَّا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ رَجَاؤُنَا حِینَ یَسُوءُ ظَنُّنَا بِأَعْمَالِنَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْهِ کَفَاهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یَغْدُو عَلَیْنَا وَ یَرُوحُ بِنِعَمِهِ فَنَظَلُّ فِیهَا وَ نَبِیتُ بِرَحْمَتِهِ سَاکِنِینَ وَ نُصْبِحُ بِنِعْمَتِهِ مُعَافِینَ فَلَکَ الْحَمْدُ کَثِیراً وَ لَکَ الْمَنُّ فَاضِلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَنِی فَأَحْسَنَ خَلْقِی وَ صَوَّرَنِی فَأَحْسَنَ صُورَتِی وَ أَدَّبَنِی فَأَحْسَنَ أَدَبِی وَ بَصَّرَنِی دِینَهُ وَ بَسَطَ عَلَیَّ رِزْقَهُ وَ أَسْبَغَ عَلَیَّ نِعَمَهُ وَ کَفَانِی الْهَمَّ اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی کُلِّ حَالٍ کَثِیراً وَ لَکَ الْمَنُّ فَاضِلًا وَ بِنِعْمَتِکَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً خَالِداً مَعَ خُلُودِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا نِهَایَهَ لَهُ دُونَ عِلْمِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِیَّتِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَجْرَ لِقَائِلِهِ دُونَ رِضَاکَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ إِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ کُلِّهَا عَلَی نَعْمَائِهِ کُلِّهَا حَتَّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إِلَی مَا یُحِبُّ رَبُّنَا وَ یَرْضَی اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا یَقُولُ الْقَائِلُونَ وَ کَمَا یُحِبُّ رَبُّنَا أَنْ یُحْمَدَ-(۲)

١- ١. الكهف: ١٠٩.

٢- ٢. مصباح الشيخ ص ١٤٢.

ثُمَّ تَقُولُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَبْدَأُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ- لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعالِ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِجُودِكَ الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ جَزِيلِ مَا أَعْطَيْتَ أَوْلِيَاءَكَ مَا آمَنُ بِهِ مِنْ عَذَابِكَ وَ أَسْتَوْجِبُ بِهِ كَرَامَتَكَ فَإِنَّ فِي عَطَائِكَ خَلَفاً

مِنْ مَنْعِ غَيْرِكَ وَ لَيْسَ فِي مَنْعِكَ خَلَفٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِكَ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْ ءٌ عَنْ شَيْ ءٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]همان‌طور که خواهد آمد، «عشر مرات»، {ده مرتبه.} مربوط به عبارت «أشهد»، {گواهی می‌دهم.} تا آخر آن است؛ عبارت «و مداد کلماته»، یعنی علوم و حکمت‌ها یا تقدیرات او؛ یعنی می‌خواهم به تعداد این چیزها او را تسبیح گویم و به یگانگی یاد کنم و گرامی بدارم و به بزرگی یاد کنم و ستایش کنم؛ یا اینکه او به تعداد ذکر شده، سزاوار همه اینها است، زیرا همه اینها دلالت بر پاکی و یکتایی و بزرگواری او دارد و به اندازه هریک از اینها سزاوار سپاس و ستایش است.

جزری در مورد این دعا گفته است: «سبحان الله مداد کلماته»، یعنی مانند تعداد آنها؛ و گفته شده است: یعنی به اندازه‌ای که در فراوانی، با مقدار پیمانه و وزن و هر چیزی شبیه آنها از واحدهای شمارش و اندازه گیری، برابر باشد، و در این تمثیل، نزدیک کردن به ذهن از آن اراده می‌شود، چرا که سخن در پیمانه و وزن وارد نمی‌شود ولی در عدد وارد می‌شود؛ و «المداد» مانند «مدّ» مصدر است، گفته می‌شود: «مددت الشیء، مدّاً و مداداً»، یعنی چیزی که فراوان و افزون می‌گردد. همچنین در مورد «سبحان الله مداد کلماته» گفته است: یعنی کلام او، که همان صفت اوست، و صفات او در عدد منحصر نمی‌شود و عدد را به طور مَجازی و برای مبالغه در فراوانی گفته است؛ و گفته شده است: احتمال دارد تعداد ذکرها یا تعداد پاداش‌های آنها را اراده کرده باشد و عدد به خاطر مصدر بودنش، منصوب است. پایان .

در القاموس آمده است: «المدّ» با ضمه، یعنی پیمانه، و جمع آن، «امداد و مداد» است؛ گفته شده است: «سبحان الله مداد کلماته» از همین گونه است. پایان. درست آن است که منظور از آن، مرکب قلم و از کلام او که فرموده است: «قل لو کان البحر مداداً لکلمات ربی»، - . الکهف/ ۱۰۹ - {بگو:

«اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکّب شود.»} می‌باشد. «و ملء سمواته» از قبیل تشبه وجود ذهنی به حسی است. «ما أحصی کتابه»، یعنی لوح محفوظ یا قرآن.

گفته‌اند: و سی مرتبه می گویی: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر»، {خدا منزه است، و ستایش مخصوص

اوست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگ‌تر است.}

**[ترجمه]

بیان

روی الشیخ فی التهذیب (۲)

فی أدعیه نوافل شهر رمضان صدر هذا الدعاء إلی قوله و الکبریاء رداؤک و زاد بعد قوله کُفُواً أَحَدٌ و أنت الله لا إله إلا أنت عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم و بعد قوله یُشْرِکُونَ و أنت الله لا إله إلا أنت الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لک الأسماء الحسنی یسبح لک ما فی السماوات و الأرض و أنت العزیز الحکیم.

ثُمَّ رَوَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَاتِمٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَسْأَلُ اللَّهَ بِهِنَّ یُقْبِلُ بِهِنَّ قَلْبَهُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا قَضَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَاجَتَهُ وَ لَوْ کَانَ

۱- ۱. مصباح الشیخ ص ۱۴۲.

۲- ۲. التهذیب ج ۳ ص ۷۹ ط نجف.

شَقِیّاً رَجَوْتُ أَنْ یَتَحَوَّلَ سَعِیداً.

و یدل علی عدم اختصاصه بالتعقیب (۱).

و قال السید بن طاوس فی الإقبال بعد إیراده و رویت فی روایتین من غیر أدعیه شهر رمضان هذا الدعاء و لیس فیه مالک الخیر و الشر انتهی. عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ أی ما غاب عن الحس و ما حضر له أو المعدوم و الموجود أو السر و العلانیه الْقُدُّوسُ أی البلیغ فی النزاهه عما یوجب نقصانا السَّلامُ ذو السلام من کل نقص و آفه مصدر وصف به للمبالغه الْمُؤْمِنُ واهب الأمن الْمُهَیْمِنُ الرقیب الحافظ لکل شی ء مفیعل من الأمن قلبت همزته هاء الْعَزِیزُ الغالب الذی لا یغلب الْجَبَّارُ أی الذی جبر خلقه علی ما أراد أو جبر حالهم بمعنی أصلحها الْمُتَکَبِّرُ الذی یکبر عن کل ما یوجب حاجه أو نقصانا أو أظهر کبریاءه بما خلقه من خلقه سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ إذ لا یشارکه فی شی ء من ذلک أحد الْخالِقُ المقدر للأشیاء علی مقتضی حکمته الْبارِئُ الموجد لها بریئا من التفاوت الْمُصَوِّرُ الموجد لصورها و کیفیاتها کما أراد.

لک الأسماء الحسنی لأنها داله علی محاسن المعانی یسبح لک ما فی السماوات و الأرض لتنزهه عن النقائص کلها و أنت العزیز الحکیم الجامع للکمالات بأسرها فإنها راجعه إلی الکمال فی القدره و العلم رداؤک أی مختص بک کما أن الرداء مختص بصاحبه کل فوت أی کل فائت فی الآخره أی یحشر الأموات و یجمعهم فی المحشر أو کل ما هو بمعرض الفوات أی لا یفوته شی ء فی

الدارین و لا تغشاه الظلمات أی لا تمنعه عن رؤیه الأشیاء و العلم بها أو لا یشتبه علی الخلق وجوده فی الظلمه کما أن أکثر المخلوقین یخفیهم الظلام و یبدیهم النور و الأول أنسب بسائر الفقرات.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و الاختیار: سپس می گویی: {سپاس خدایی را که یاد کننده‌اش را فراموش نمی‌کند؛ و سپاس خدایی را که دعا کننده‌اش را دست خالی بر نمی‌گرداند؛ و سپاس خدایی را که امید کسی را که به او امید بسته را قطع نمی‌کند؛ و سپاس خدایی را که دوست دارنده‌اش را خوار نمی‌کند؛ و سپاس خدا را که در مقابل نیکی با نیکی، و در برابر شکیبایی با نجات دادن پاداش می‌دهد؛ و سپاس خدایی را که هنگام بسته شدن چاره بر ما، پشتیبان ما است؛ و سپاس خدایی را که هنگامی که گمان ما در مورد اعمالمان مأیوسمان سازد، امید ما است؛ سپاس خدایی را که هر کس بر او توکل کند، کفایتش می‌کند؛ و سپاس خدایی را که صبح و شب نعمت‌هایش را بر ما می‌بخشد، پس روز و شب در رحمت او قرار داریم و به نعمت او در سلامتی به صبح می‌رسیم، پس سپاس فراوان و منت بسیار برای تو است.

سپاس خدایی را که مرا آفرید و آفرینشم را نیکو ساخت، و مرا صورتگری کرد و نیکو صورتگری کرد، و مرا پرورش داد و نیکو پرورش داد، و در دینش به من بصیرت داد، و روزی‌اش را بر من گسترده ساخت، و نعمت‌هایش را بر من ارزانی کرد، و در آنچه برایم مهم بود، مرا کفایت کرد، خدایا، پس سپاس باد تو را، سپاسی فراوان و در هر حال، و منتی بسیار. به نعمت تو نیکی‌ها انجام می‌شوند، پس سپاس باد تو را، سپاسی جاودانه همراه با جاودانگی خودت؛ و سپاس باد تو را سپاسی که برایش پایانی جز علم خودت نباشد؛ و سپاس باد تو را سپاسی که جز خواسته خودت، برایش پایانی نباشد؛ و سپاس باد تو را سپاسی که برای گوینده‌اش پاداشی جز خشنودی تو نباشد. خدایا، سپاس برای تو و شکوه به سوی توست، و تو یاری دهنده هستی.

خدایا، سپاس تو را آن گونه که تو سزاوار آن هستی، و سپاس خدا را با تمام سپاس‌هایش و برتمام نعمت‌هایش، تا اینکه سپاس به چیزی منتهی گردد که پروردگار ما دوست دارد و از آن خشنود است. خدایا، سپاس تو را آن گونه که می گویی و بالاتر از آنچه گویندگان می گویند، و آن گونه که پروردگار دوست دارد سپاس گفته شود.} - . مصباح الشیخ: ۱۴۲ -

سپس می گویی: {تو خدایی هستی که جز تو، پروردگار جهانیان، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، والا ـ مرتبه و بزرگ، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، عزیز و حکیم، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، بسیار آمرزنده و مهربان، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، صاحب روز جزا، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، آغازگر هر چیز که به سوی او باز می گردد، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، بی سرآغاز و بی سرانجام، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، آفریدگار بهشت و آتش، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، آفریدگار خوبی و بدی، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، یکتای یگانه تنهای بی‌نیازی که نه زاییده و نه زاده شده و نه برای او همتایی هست، خدایی نیست؛ تو خدایی هستی که جز تو، فرمانروای پاک سالم (از هر عیب و آسیب)، امان بخش نگهبان، عزیز، جبّار [و] بزرگ منش، خدایی نیست؛ پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند؛ و تو خدایی هستی که جز تو خدای بزرگ والا مرتبه خدایی نیست و بزرگی زیبنده توست.

از تو درخواست می‌کنم ای خدا، به خاطر آن بخشندگی که تو سزاوار آن هستی، و از تو درخواست می‌کنم ای خدا، به خاطر رحمتی که تو سزاوار آن هستی، که بر محمد، بنده و فرستاده تو، و بر خاندان محمد درود فرستی، و از نعمت‌های بسیاری که به دوستداران خودت بخشیده‌ای، به من نیز عطا کنی، تا از عذاب خودت در امان باشم، و بزرگواری‌ات در حق من لازم گردد، چرا که در بخشش تو جایگزینی از نبخشیدن دیگران است، ولی در بازداشتن تو جایگزینی از بخشش دیگری وجود ندارد؛ ای شنونده هر صدا، ای گردآورنده هر از دست رفته، ای پرورنده جان‌ها بعد از مردن؛ ای کسی که صداها بر او اشتباه نمی‌شوند، و تاریکی‌ها او را فرا نمی گیرد؛ ای کسی که چیزی او را از چیز دیگر به خود مشغول نمی کند، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و گناهان گذشته مرا بیامرزی، و خواسته‌ام را در دنیا و آخرت به من عطا کنی، ای بهترین رحم کنندگان.} - . مصباح الشیخ: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۲۳»

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ (۲)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ: ثُمَّ تَقُولُ أُعِیذُ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ مَا رَزَقَنِی وَ كُلَّ مَا یَعْنِینِی أَمْرُهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ جَلَالِ اللَّهِ

ص: ۱۴۰

۱- ۱. التهذیب ج ۳ ص ۸۰.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۴۳.

وَ كَمَالِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ مَنِّ اللَّهِ وَ عَفْوِ اللَّهِ وَ حِلْمِ اللَّهِ وَ جَمْعِ اللَّهِ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ الْعَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ رَبِّى آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ أُعِيذُ نَفْسِى وَ أَهْلِى وَ مَالِى وَ وُلْدِى وَ مَنْ يَعْنِينِى أَمْرُهُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَّهٍ وَ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّهٍ ثَلَاثاً(۱).

**[ترجمه]شیخ در التهذیب، - . التهذیب ۳: ۷۹ (چاپ نجف) -

ابتدای این دعا را تا عبارت «و الکبریاء رداؤک»، در بین دعاهای ماه رمضان آورده و بعد از عبارت «کفواً أحد»، عبارت «و أنت الله لا إله إلا أنت عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم»،{تو خدایی هستی که جز تو، داننده نهان و آشکار، بخشنده مهربان، خدایی نیست.} و بعد از عبارت «یشرکون»، عبارت «و أنت الله لا إله إلا أنت الخالق الباریء المصور لک الأسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات و الأرض و أنت العزیز الحکیم»،{و تو خدایی هستی که جز تو، آفریدگار و پروردگار صورتگر [که] بهترین نام‌ها [و صفات] از آنِ توست؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است [همه] تسبیح تو می گویند و تو عزیز حکیم هستی.} را افزوده است.

سپس از علی بن حاتم، با سند خودش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده است: هر مؤمنی که با این دعاها و در حالی که دلش را رو به سوی خدا کرده، از خدا درخواست کند، خدای عزّوجلّ خواسته او را برآورده می‌سازد، و اگر تیره بخت باشد، امید است که خوشبخت گردد. این دلالت بر اختصاص نداشتن آن به تعقیب نماز دارد. - . التهذیب ۳: ۸۰ -

سید بن طاووس در الاقبال بعد از آوردن این دعا گفته است: این دعا در دو روایت، بدون اینکه از دعاهای ماه رمضان باشد، روایت شده است و در آن، عبارت «مالک الخیر و الشرّ»،{صاحب اختیار خوبی و بدی} وجود ندارد. پایان.

«عالم الغیب و الشهاده»، یعنی هر چیزی که از حس پنهان، و هر چه برای او حاضر باشد، یا آنچه نیست و آنچه موجود است، یا نهان و آشکار. «القدّوس»، یعنی به درجه‌ای از پاکی رسیده که از آنچه موجب نقص می‌شود، آراسته گردیده است. «السلام»، یعنی سالم از هر نقص و آسیب، مصدری است که برای بیان مبالغه، با آن توصیف صورت گرفته است. «المؤمن»، یعنی ایمنی بخشنده. «المهیمن» - بر وزن - مفیعل، که همزه آن به هاء تبدیل شده است، یعنی مراقب و نگهدارنده هر چیز. «العزیز» چیره‌ای که بر او چیره نمی‌شود. «الجبار»، یعنی کسی که آفریدگانش را بر چیزی که خود اراده کرده است، مجبور نماید؛ یا کسی که حال آنها را جبران، یعنی اصلاح نماید. «المتکبر»، یعنی کسی که از هرچه موجب نقص و نیاز شود، بزرگ گشته است؛ یا بزرگی‌اش را با آن آفریده‌هایش که آفریده، آشکار ساخته است. «سبحان الله عما یشرکون»، یعنی هیچ کسی در هیچ بخش از آنها با او شریک نمی‌شوند. «الخالق»، یعنی اندازه گیری کننده اشیا، با توجه به اقتضای حکمتش. «الباریء»، یعنی ایجاد کننده برای آنها، بدون تفاوت. «المصور»، یعنی ایجاد کننده صورت‌ها و کیفیت‌های اشیا، آن گونه که خود اراده کرده است.

«لک الأسماء الحسنی»، به این خاطر که دلالت بر معانی خوب دارد. «یسبح لک ما فی السموات و الأرض»، به خاطر پاک بودن او و از هرگونه نقص. «و أنت العزیز الحکیم» دارنده همه کمالات به صورت یکجا، که به داشتن کمال در قدرت برمی‌گردد. «و العلم رداؤک»، یعنی اختصاص به تو دارد، همان گونه که ردا اختصاص به صاحب آن دارد. «کل فوت»، یعنی

چیزی که در آخرت از دست رود، یعنی مردگان را گردآوری و در محشر جمع می کند؛ یا هر چیزی که در معرض از بین رفتن قرار دارد؛ یا هیچ چیزی در دو سرا از دست او بیرون نمی‌رود. «و لا تغشاه الظلمات»، یعنی او را از دیدن اشیا و علم به آنها باز نمی‌دارد؛ یا وجود او در تاریکی بر آفریدگان اشتباه نمی‌شود، آنگونه که بیشتر آفریدگان را تاریکی پنهان می کند و روشنایی آشکار می‌سازد؛ ولی اولی با عبارت‌های دیگر متن دعا مناسب‌تر است.

**[ترجمه]

بیان

و من يعنيني أمره يقال عناه الشي ء إذا اهتم بشأنه قال في النهايه يقال هذا أمر لا يعنيني أي لا يشغلني و لا يهمني و جمع الله يحتمل أن يكون مصدرا أي بجمعه سبحانه للكمالات أو بجمعه الأشياء و حفظها أو بحزب الله من الأنبياء و الأوصياء قال في مصباح اللغه الجمع الجماعه تسميه بالمصدر انتهى.

و في النهايه في حديث ابن المسيب كنا نقول إذا أصبحنا نعوذ بالله من شر السامه و العامه السامه هنا خاصه الرجل يقال سم إذا خص و قال فيه أعوذ بكلمات الله التامه من شر كل سامه و من كل عين لامه أي ذات لمم و اللمم طرف من الجنون يلم بالإنسان أي يقرب و يعتريه و لذلك لم يقل ملمه و أصلها من ألممت بالشي ء ليزاوج قوله من شر كل سامه و قال إنما وصف كلامه بالتمام لأنه لا يجوز أن يكون في كلامه شي ء من النقص أو العيب كما يكون في كلام الناس و قيل معنى التمام هاهنا أنها تنفع المتعوذ بها و تحفظه من الآفات و تكفيه انتهى.

و يحتمل أن يكون المراد بكلماته سبحانه أسماؤه المقدسه أو تقديراته أو الأئمه عليهم السلام كما ورد في الأخبار.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و کتاب‌های دیگر: سپس سه مرتبه می گویی: {خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که روزی‌ام کرده‌ای و تمام آنچه را که کارش برایم اهمیت دارد، به عزت خدا و بزرگی خدا و قدرت خدا و بزرگواری خدا و کمال خدا و فرمانروایی خدا و آمرزش خدا و منت خدا و گذشت خدا و بردباری خدا و جمع کردن خدا و فرستاده خدا و اهل بیت فرستاده خدا صلی الله علیه و آله، از بدی رساندن نیشدار و گزنده و مردم بی‌مایه و سرزنش کننده، و از بدی حادثه‌های شب و روز، و از بدی هر جنبنده‌ای که پروردگارم اختیار او را به دست دارد، می‌سپارم، که پروردگار من در راه راست قرار دارد؛ خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که روزی‌ام کرده‌ای و تمام آنچه را که برایم اهمیت دارد، از بدی هر شیطان و گزنده و هر چشم سرزنش کننده، به کلمات کامل خدا می‌سپارم.} - . البلد الامین: ۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۴»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۲)، وَ إِخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، ثُمَّ تَقُولُ: مَرْحَباً بِالْحَافِظَيْنِ وَ حَيَّاكُمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ اكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ

۱- ۱. البلد الأمين ص ۵۱.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۱۴۴.

وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ الْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ تَحِيَّةً وَ أَفْضَلَ السَّلَامِ أَصْبَحْتُ لِرَبِّی حَامِداً أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً وَ لَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهاً وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً أَصْبَحْتُ مُرْتَهِناً بِعَمَلِی أَصْبَحْتُ لَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّی وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِيدُ بِاللَّهِ أُصْبِحُ وَ بِاللَّهِ أُمْسِی وَ بِاللَّهِ نَحْيَا وَ بِاللَّهِ نَمُوتُ وَ إِلَی اللَّهِ النُّشُورُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَ غَلَبَةِ الرِّجَالِ أَصْبَحْتُ وَ الْجُودُ وَ الْجَمَالُ وَ الْجَلَالُ وَ الْبَهَاءُ وَ الْعِزَّةُ وَ الْقُدْرَةُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ وَ مَا سَكَنَ فِی اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَ نَحْنُ مِنْهُ فِی عَافِيَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا ثَلَاثاً(۱).

**[ترجمه]«و من يعنينی أمره»، گفته می‌شود: «عناه الشیء»، يعنی وقتی که به کار او اهتمام کند. در النهايه گفته است: گفته می‌شود: «هذا الأمر لا يعنينی»، يعنی مرا مشغول نمی‌دارد و برايم اهميت ندارد. «جمع الله»، احتمال دارد مصدر باشد، يعنی با جمع شدن کمالات در خدای سبحان؛ يا با جمع کردن اشيا و حفظ کردن آنها؛ يا گروه خدايی، از پيامبران و جانشينان؛ در مصباح اللغه گفته است: «الجمع» همان جماعت، اسم گذاری با مصدر است. پايان.

در النهايه در حديث ابن المسيب آمده است: ما هنگام صبح شدن می گفتيم: «نعوذ بالله من شر السامه و العامه»: السامه در اينجا يعنی خصوص مرد؛ گفته می شود: «سمّ»، يعنی اختصاص داد؛ و در آنجا گفته است: «أعوذ بكلمات الله التامه من شرِّ كلِّ سامَّه و من كلِّ عينٍ لامَّه»، يعنی دارنده لمم، و «اللمم» نوعی از ديوانگی است، «يلمّ بالانسان»، يعنی نزديک شود و پيش او می‌رود، و به خاطر همين، «ملمه» را که اصل آن از «ألممت بالشیء» است، نگفت تا با عبارت «من شر كل سامه» همگون باشند؛ و گفته است: کلام او را به تمام بودن توصيف کرده است، چرا که امکان ندارد در کلام او، آن گونه که در کلام مردم نقص و عيب وجود دارد، نقص و عيب وجود داشته باشد؛ و گفته شده است: معنی تمام بودن در اينجا اين است که به پناهنده به آن سود می‌رساند و او را از آسيب‌ها نگاه می‌دارد و کفايت می کند. پايان.

و نيز احتمال دارد منظور از کلمات خدای سبحان، اسم‌های پاک او، يا مقدرات او، يا همان طور که در روايت‌ها آمده است، امامان عليهم السلام باشند.

**[ترجمه]

بيان

لعل التثليث الأول من قوله أصبحت و الجود إلی آخره و يحتمل أن يكون من قوله اللهم إنی أعوذ بک من أول الدعاء.

**[ترجمه]مصباح الشيخ - . مصباح الشيخ: ۱۴۴ -

و اختيار ابن الباقی: سپس می گويی: {آفرين بر دو حفظ کننده، و تحيت خدا بر دو نويسنده، بنويسيد و خدا بر شما دو تا رحمت فرستد. به نام خدای بخشنده مهربان. گواهی می‌دهم که خدايی جز الله وجود ندارد، تنهاست و شريکی برای او نيست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و گواهی می‌دهم که دين همان است که او تشريع کرده، و اسلام همان

است که او توصیف کرده است، و سخن همان است که او گفته است، و کتاب همان است که نازل گشته است، و خدا همان حقیقت روشن است. خدایا، به محمد و خاندان محمد، تحیت و برترین سلام را برسان.

با سپاسگزاری از خدا صبح کردم؛ بدون اینکه برای خدا هیچ شریکی قرار دهم و یا با خدا، خدایی را بخوانم و یا غیر از او کسی را به سرپرستی برگزینم، صبح کردم؛ با واقع بودن در گرو عمل خودم صبح کردم؛ در حالی که هیچ تهیدستی فقیرتر از من نیست، صبح کردم؛ و خدا همان بی‌نیاز ستوده است؛ با خدا صبح می کنم؛ با خدا شب می کنم؛ و با خدا زندگی می کنیم، و با خدا می‌میریم، و برانگیخته شدن به سوی اوست.

خدایا، از اندوه و ناراحتی و ناتوانی و تنبلی و ترس و تنگ نظری و انحراف دینی، و چیرگی مردان، به تو پناه می‌آورم. در حالی صبح کردم که بخشندگی و زیبایی و بزرگواری و شکوه و ارزشمندی و عزت و قدرت و فرمانروایی و آفرینش و تدبیر و دنیا و آخرت و هرچه در شب و روز آرام می گیرند، برای پروردگار جهانیان است.} این را سه مرتبه می گویی.

و سه مرتبه می گویی: {سپاس خدایی را که [با قدرت خودش] شب را برد و با رحمت خودش، روز را که آفرینشی جدید است و ما در آن در ایمنی و رحمت هستیم، آورد؛ منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.} - . البلد الامین: ۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۵»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۲)، وَ إِخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي،: ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَذَا الْيَوْمَ الْمُقْبِلَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِکَ فَلَا يُهِمُّنِي الْيَوْمَ شَيْ ءٌ مِنْ رُكُوبِ مَحَارِمِکَ وَ لَا الْجُرْأَةُ عَلَى مَعَاصِيکَ وَ ارْزُقْنِي فِيهِ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْياً مَشْكُوراً وَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلَتِي فِي يَوْمِي هَذَا بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِناً مُوقِناً عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ سُنَّتِهِ وَ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ سُنَّتِهِ وَ عَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِيذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ عليهم السلام وَ أَرْغَبُ إِلَيْکَ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْکَ فِيهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۵۲.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۴۴- ۱۴۵.

اللَّهُمَّ تَوَفَّنِی عَلَی الْإِيمَانِ بِکَ وَ التَّصْدِيقِ بِرُسُلِکَ وَ الْوَلَايَهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الِائْتِمَامِ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنِّی قَدْ رَضِيتُ بِذَلِکَ يَا رَبِّ أَصْبَحْتُ عَلَی فِطْرَهِ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَهِ الْإِخْلَاصِ وَ مِلَّهِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَحْيِنِی مَا أَحْيَيْتَنِی عَلَيْهِ وَ تَوَفَّنِی إِذَا تَوَفَّيْتَنِی عَلَيْهِ وَ ابْعَثْنِی عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِی وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِی وَ بَيْنَهُمْ طَرْفَهَ عَيْنٍ وَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ وَ لَا أَكْثَرَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله عليه و آله نَبِيّاً وَ بِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ بِعَلِيٍّ إِمَاماً وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّهِ الْخَلَفِ الصَّالِحِ أَئِمَّهً وَ سَادَهً وَ قَادَهً اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَئِمَّتِی وَ قَادَتِی فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی فِی كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِی مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مَعَهُمْ فِی الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَهِ فِی كُلِّ شِدَّهٍ وَ رَخَاءٍ وَ فِی كُلِّ عَافِيَهٍ وَ بَلَاءٍ وَ فِی الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِی وَ بَيْنَهُمْ طَرْفَهَ عَيْنٍ أَبَداً لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ وَ لَا أَكْثَرَ فَإِنِّی بِذَلِکَ رَاضٍ يَا رَبِ (۱).

**[ترجمه]شاید سه بار گفتن اولی مربوط به عبارت «أصبحت و الجود»،{صبح کردم و بخشندگی} تا آخر آن باشد، و احتمال دارد مربوط به عبارت «اللهم إنی أعوذ بک»،{خدایا، به تو پناه می‌آورم.} از اول دعا باشد.

**[ترجمه]

بَيَانٌ

قَالَ ابْنُ الْبَاقِی فِی إِخْتِيَارِهِ رُوِیَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ حِينَ يُصْبِحُ وَ يُمْسِی رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً إِلَی آخِرِهِ إِلَّا كَانَ حَقّاً عَلَی الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ.

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۴۴-۱۴۵ -

و اختیار ابن الباقی: سپس می‌گویی: {خدایا، من و این روزی که روی آورده، دو آفریده از آفریدگان تو هستیم، پس امروز مرا به ارتکاب حرام‌های خودت، و گستاخی کردن بر نافرمانی‌ات سرگرم نساز؛ و در آن توفیق انجام کاری مورد قبول، و تلاشی مورد سپاس، و داد و ستدی زوال ناپذیر به من روزی کن؛ خدایا، در این روزم، پیشاپیش فراموشی و شتابزدگی خودم، این را قرار داده‌ام:{به نام خدا، هر چه خدا بخواهد، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست. با ایمان به خدا و یقین به دین محمد صلی الله علیه و آله و سنت او، و بر دین علی علیه السلام و سنت او، و بر دین جانشینان و سنت آنان، صبح کردم. به نهان و آشکار آنان و حاضر و غایب آنان ایمان آورده‌ام .

خدایا، از آنچه محمد و علی و جانشینان او علیهم السلام، از آن پناهنده شده اند، به تو پناهنده می‌شوم، و در آنچه به سوی تو روی آورده اند، روی می‌آورم، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست.

خدایا، مرا در حال ایمان به خودت، و راست دانستن فرستادگانت، و حق دانستن ولایت برای علی بن ابی طالب و پیشوا قرار

دادن امامان از خانـدان محمـد، بمیران که من به آن راضـی گشـته‌ام، ای پروردگار؛ بر سـرشت اسـلام و کلمه اخلاص و آیین ابراهیم و دین محمـد و خانـدان محمـد، صـبح کرده‌ام؛ خدایا، مرا تا زمانی که بر پایبندی به آن زنده می‌داری، زنده بدار، و تا زمانی که بر پایبندی به آن می‌میرانی، بمیران، و هنگام برانگیختن بر آن برانگیز، و مرا در دنیا و آخرت همراه آنان قرار بده، و به اندازه چشم به هم زدنی، و نه کمتر از آن و نه بیشتر، بین من و آنان جدایی میندازد، ای بهترین رحم کنندگان.

به پروردگـاری خـدا، و به اسـلام بـودن دین، و به پیـامبر بـودن محمـد، و به کتـاب بودن قرآن، و به امـام بودن علی و حسن و حسین و علی بن حسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمـد، و حسـن بـن علی، و حجـت واپسـین و نیـک، امامـان و پیشوایـان و رهـبران، راضـی شـده‌ام. خـدایا، آنـان را امامـان و راهنمایانم در دنیا و آخرت قرار ده؛ خـدایا، مرا در هر خوبی که محمـد - صـلی الله علیه و آله - و خانـدان محمـد - صـلی الله علیه و آله - را در آن وارد کرده‌ای، وارد کن، و مرا از هر بدی ای که محمد - صـلی الله علیه و آله - و خاندان محمد - صلی الله علیـه و آلـه - را از آن بیرون آورده‌ای، بیرون آور، و مرا در دنیـا و آخرت، در هر سـختی و گشـایش، و در هر ایمنی و گرفتـاری، و در همه جـا همراه آنـان قرار ده؛ و به انـدازه چشم به هم زدنی، نه کمتر از آن و نه بیشتر، بین من و آنـان جـدایی میندازد، که من به آن راضی شده‌ام، ای پروردگار.} - . البلد الامین: ۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۶»

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ (۲)، وَ کِتَابُ الْکَفْعَمِیِّ: ثُمَّ تَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِیَاءِ الرَّاضِینَ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ (۳).

**[ترجمه]ابن البـاقی در الاختیـار خودش گفته است: از امیرالمؤمنین روایت شـده که فرموده است: هر بنـده‌ای هنگام صـبح و شب بگوید: «رضیت بالله ربّاً»...، {راضی‌ام به پروردگاری خدا}... تا آخرش، بر عهده خدای عزیز و مقتدر خواهد بود که او را در قیامت راضی گرداند.

**[ترجمه]

«۲۷»

مِصْبَاحُ الشَّیْخِ، وَ الْإِخْتِیَارُ: ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُمَّ أَحْیِنِی عَلَی مَا أَحْیَیْتَ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۵۱.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۴۵.

٣- ٣. البلد الأمين ص ٥٢.

عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ أَمِتْنِی عَلَی مَا مَاتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُنْزِلُ فِی هَذَا اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مَا شِئْتَ فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَ عَلَی إِخْوَانِی وَ أَهْلِی وَ أَهْلِ حُزَانَتِی مِنْ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ مَا تَجْعَلُهُ قِوَاماً لِدِينِی وَ دُنْيَایَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ الْمُفْضِلِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَيِّباً بَلَاغاً لِلْآخِرَهِ وَ الدُّنْيَا هَنِيئاً مَرِيئاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَيْرِ مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَعَهً مِنْ فَضْلِكَ وَ طَيِّباً مِنْ رِزْقِكَ وَ حَلَالًا مِنْ وَاسِعِكَ تُغْنِينِی بِهِ مِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْأَی أَسْأَلُ وَ مِنْ خَيْرِكَ أَسْأَلُ يَا مَنْ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ نَفْحَهً مِنْ نَفَحَاتِ رِزْقِكَ تَجْعَلُهَا عَوْناً عَلَی نَفْسِی وَ دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی وَ لِأَهْلِ بَيْتِی بَابَ رَحْمَتِكَ وَ رِزْقاً مِنْ عِنْدِكَ اللَّهُمَّ لَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِی وَ لَا تَجْعَلْنِی مُحَارَفاً وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ يَخَافُ مَقَامَكَ وَ يَخَافُ وَعِيدَكَ وَ يَرْجُو لِقَاءَكَ وَ يَرْجُو أَيَّامَكَ وَ اجْعَلْنِی أَتُوبُ إِلَيْكَ تَوْبَهً نَصُوحاً وَ ارْزُقْنِی عَمَلًا مُتَقَبَّلًا نَجِيحاً وَ سَعْياً مَشْكُوراً وَ تِجَارَهً لَنْ تَبُورَ(۱).

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۴۵ -

و کتاب الکفعمی: سپس ده مرتبه می گویی: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد، جانشینان خشنود و مورد خشنودی، با برترین درودهایت درود فرست، و با برترین برکت‌هایت برکت قرار بده، و سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر آنها و بر روان آنها و بر بدن‌هایشان.} - . البلد الامین: ۵۲ -

**[ترجمه]

بيان

قال الجوهری قوام الأمر بالكسر نظامه و عماده و قوام الأمر أيضا ملاكه الذی يقوم به و قال البلاغ الكفايه و قال الفيروزآبادی الهنی ء و المهنأ ما أتاك بلا مشقه قال مرؤ الطعام فهو مری ء هنی ء حميد المغبه انتهی صبا مصدر بمعنی المفعول كنايه عن الكثره و فی القاموس نفح الطيب كمنع فاح و الريح هبت و العرق نزی منه الدم و فلان بشی ء أعطاه و النفحه من الريح الدفعه و من الألبان المخضه انتهی.

و فی النهايه الحظر المنع و المحارف بفتح الراء هو المحروم المحدود الذی إذا طلب لا يرزق أو يكون لا يسعی فی الكسب و قد حورف كسب فلان إذا شدد عليه فی معاشه و ضيق كأنه ميل برزقه عنه من الانحراف عن الشی ء و هو الميل عنه و يرجو أيامك

۱- ۱. مصباح الشیخ ص ۱۴۵- ۱۴۶.

أی الأيام التی وعدت المحسنين فيها الراحه و الخير و المثوبه كأيام القائم عليه السلام كما ورد فی الخبر و يوم دخول الجنه أو نعمك كما روی عن الصادق عليه السلام فی قوله تعالی وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ (١) إن المراد بها نعم الله.

و للمفسرين فی التوبه النصوح أقوال الأول أن المراد بها توبه تنصح الناس أی تدعوهم إلی أن يأتوا بمثلها لظهور آثارها الجميله فی صاحبها الثانی أنها تنصح صاحبها فيقلع عن الذنوب ثم لا يعود إليها أبدا الثالث أن النصوح ما كانت خالصه لوجه الله سبحانه من قولهم عسل نصوح إذا كان خالصا من الشمع الرابع أن النصوح من النصاحه و هی الخياطه لأنها تنصح من الدين ما مزقته الذنوب أو يجمع بين التائب و بين أولياء الله و أحبائه كما تجمع الخياطه بين قطع الثوب الخامس أن النصوح وصف للتائب و إسناده إلی التوبه من قبيل الإسناد المجازی أی توبه ينصحون بها أنفسهم بأن يأتوا بها علی أكمل ما ينبغی أن تكون عليه و فعول يستوی فيه المذكر و المؤنث.

و قال الجوهری سار فلان سيرا نجيحا أی وشيكا و رأی نجيح أی صواب و قال البوار الهلاك و بار عمله بطل و منه قوله تعالی وَ مَكْرُ أُولئِكَ هُوَ يَبُورُ(٢).

**[ترجمه]مصباح الشيخ و الاختيار: سپس می گويد: «اللهم أحينی علی ما أحييت عليه علی بن ابی طالب عليه السلام و أمتنی علی ما مات عليه علی بن ابی طالب عليه السلام»، {خدايا، مرا بر پايبندی به آنچه علی بن ابی طالب عليه السلام را بر آن زنده داشتی، زنده بدار، و بر آنچه علی بن ابی طالب بر آن از دنيا رفت، بميران. }

سپس می گويی: {خدايا، تو هرچه را بخواهی، در اين شب و روز نازل می كنی، پس بر من و برادرانم و خانواده‌ام و خويشانم از رحمت و خشنودی و آمرزش و روزی گسترده‌ات كه باعث استواری دين و دنيايم شود، فرود آور، ای بهترين رحم كنندگان. خدايا، از فضل گسترده و برتری يافته و برترين گشته تو، روزی گسترده و حلال و پاك و فراوان برای آخرت و دنيا، به صورت گوارا و دلپسند و بسيار ريزان، بدون اينكه منتی از كسی باشد، جز از فضل گسترده تو، و روزی پاك تو، و حلال گسترده تو، كه مرا با آن توانگر نمايی، درخواست می كنم. از عطای تو درخواست می كنم، و از بخشندگی تو درخواست می كنم، و از دست پر تو درخواست می كنم، و از خوبی تو درخواست می كنم، ای كسی كه خوبی به دست اوست، و او بر هر چيزی توانا است.

خدايا، بخششی از بخشش‌های روزی ات را كه ياريگر جانم و دنيا و آخرتم باشد، از تو درخواست می كنم. خدايا، برای خودم و خانواده‌ام دری از رحمت خودت، و روزی‌ای از پيش خودت بگشا. خدايا، روزی‌ام را بر من تنگ مگردان و مرا بی... روزی قرار نده، و مرا از كسانی كه از مقام تو، و از وعده عذاب تو می‌ترسد، و اميد ديدار تو را و ديدار روزهايت را دارد، قرار ده، و مرا چنان قرار ده كه با بازگشتنی خيرخواهانه به سوی تو بازگردام، و توفيق انجام عملی پذيرفته شده و پيروزمند، و تلاشی مورد سپاس، و داد و ستدی پايدار به من روزی كن.} - . مصباح الشيخ: ۱۴۵-۱۴۶ -

**[ترجمه]

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۳)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ (۴): ثُمَّ قُلْ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ مِائَةَ مَرَّةٍ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ أَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ مِائَةَ مَرَّةٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْحُورَ الْعِينَ مِائَةَ مَرَّةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِائَةَ مَرَّةٍ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِ

۱- ۱. إبراهيم: ۵.

۲- ۲. فاطر: ۱۰.

۳- ۳. مصباح الشيخ ص ۱۴۶.

۴- ۴. مصباح الكفعميّ ص ۶۵.

الْعَظِيمِ مِائَهَ مَرَّهٍ اللَّهُمَّ قَدْ رَضِيتُ بِقَضَائِکَ وَ سَلَّمْتُ لِأَمْرِکَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِی بِالْحُسْنَی وَ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی مِائَهَ مَرَّهٍ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَ امْدُدْ لِی فِی عُمُرِی وَ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِینِکَ مِائَهَ مَرَّهٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ

الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً عَشْرَ مَرَّاتٍ (۱).

**[ترجمه]جوهری گفته است: «قوام الأمر» با کسره، سامان و ستون چیزی؛ «قوام الأمر» همچنین معیاری که به آن استوار می... ماند؛ و گفته است: «البلاغ»، یعنی کفایت. فیروزآبادی گفته است: «الهنیء و المهنا» چیزی است که بدون دشواری به دست آید؛ و گفته است: «مرؤ الطعام» همان گوارا و راحت و مورد غبطه است. پایان. «صبّاً» مصدر و به معنی مفعول است و کنایه از فراوانی است. در القاموس آمده است: «نفح الطیب» مانند منع – در وزن– یعنی پراکنده شد، باد وزیدن گرفت، از رگ خون فوران کرد، و فلانی با چیزی بخشش کرد؛ و «النفحه من الریح»، یعنی یک بار وزیدن، و «من الألبان»، {از شیر} یعنی به هم زدن شیر، برای کره در آوردن. پایان.

در النهایه آمده است: «الحظر»، یعنی بازداشتن؛ و «المحارف» با فتحه راء، محروم تنگ گرفته شده‌ای است که با وجود درخواست، روزی داده نمی‌شود، یا کسی که برای به دست آوردن درآمد تلاش نمی‌کند؛ و «قد حورف کسب فلان»، یعنی وقتی که در گذران زندگی، بر او سخت و تنگ گرفته شود، گویی روزی‌اش از او برگردانده شده باشد، برگرفته از «الإنحراف عن الشیء» به معنای برگشتن از آن. «و یرجو أیامک»، یعنی روزهایی که به نیکوکاران وعده آسایش و خوبی و پاداش در آن روز داده‌ای، مانند روزهای ظهور قائم علیه السلام، همان طور که در روایت آمده است، و روز ورود به بهشت؛ یا نعمت‌های تو، همان طور که از امام صادق علیه السلام در مورد کلام خدای متعال «و ذکرهم بأیام الله»، - . ابراهیم/ ۵ - {و

روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.} روایت شده که منظور از آن، نعمت‌های خدا است .

مفسران در مورد توبه نصوح چند قول دارند: اول اینکه منظور از آن، توبه‌ای است که مردم را نصیحت می‌کند، یعنی آنها را دعوت کند که مانند آن را به خاطر آثار زیبایی که در صاحب آن پدیدار می‌کند، انجام دهند؛ دوم اینکه صاحبش را نصیحت می‌کند تا خود را از گناهان جدا کند و دیگر به سوی آنها باز نگردد؛ سوم اینکه «النصوح»، یعنی وارسته شده فقط برای خدای سبحان، از عبارت «عسل نصوح»، وقتی که از موم جدا و خالص شده باشد، گرفته شده است؛ چهارم اینکه «النصوح» از «النصاحه»، یعنی دوختن، گرفته شده است، چرا که جاهایی از دین را که گناهان پاره کرده‌اند، به هم می‌دوزد؛ یا اینکه توبه کننده و یاران و دوستداران خدا را گرد هم می‌آورد، همان گونه که دوزنده، تکه‌های لباس را کنار هم گردآوری می‌کند، و اسناد آن به توبه از قبیل اسناد مَجازی است، یعنی توبه‌ای که با آن خود را نصیحت کنند که آن را در کامل‌ترین صورت که شایسته آن است، به جای آورند، و – بر وزن – فعول است که در آن، مرد و زن یکسان هستند.

جوهری گفته است: «سار فلان سیراً نجیحاً»، یعنی مسافرت با شتاب، و «رأی نجیح»، یعنی نظر درست؛ و گفته است: «البوار»، یعنی هلاکت، و «بار عمله»، یعنی باطل شد، و این کلام خدای متعال «و مکر اولئک هو یبور»، - . فاطر/ ۱۰ - {و

نیرنگشان خود تباه می گردد.} از همین قبیل است.

**[ترجمه]

«۲۹»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، مِنْ كِتَابِ طَرِيقِ النَّجَاهِ: إِذَا نَزَلَ بِكَ فَقْرٌ أَوْ بُؤْسٌ فَقُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ عَشْراً- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ إِلَى قَوْلِهِ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَّمَ ذَلِكَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ شَكَا إِلَيْهِ ذَلِكَ قَالَهُ ثَلَاثَهَ أَيَّامٍ وَ نُفِيَ عَنْهُ الْفَقْرُ وَ السُّقْمُ (۲)

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۴۶ - : و کتاب‌های دیگر - . مصباح الکفعمی: ۶۵ - ،

سپس صد مرتبه «أستغفر الله ربی و أتوب إلیه»، {از خدا آمرزش می‌خواهم و به سوی او باز می گردم.}، صد مرتبه «أسأل الله العافیه»، {از خدا ایمنی می‌خواهم.}، صد مرتبه «أستجیر بالله من النار و أسأله الجنه»، {از آتش به خدا پناهنده می‌شوم و بهشت را از او درخواست می کنم.} و صد مرتبه «أسأل الله الحور العین»، {حوری درشت چشم را از خدا درخواست می کنم.}، صد مرتبه «لا إله إلا الله الحق المبین»، {هیچ معبودی جز خدا، حقیقت روشن، وجود ندارد.} بگو و صد مرتبه «قل هو الله أحد»، صد مرتبه «و صلی الله علی محمد و آل محمد»، {و درود خدا بر محمد و خاندان محمد}، صد مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر»، {خدا منزه است و ستایش مخصوص اوست و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و خدا بزرگ‌تر است.} و صد مرتبه «ما شاء الله و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {هر چه خدا بخواهد، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} را بخوان.

صد مرتبه: خدایا، به قضای تو خشنود گشته و تسلیم دستور تو شده‌ام؛ خدایا، نیکی‌ها را برایم مقدر کن و مرا در آنچه برایم اهمیت دارد، کفایت کن. صد مرتبه: خدایا، روزی‌ام را برایم گسترده ساز و عمرم را برایم طولانی ساز، و گناهم را برایم بیامرز، و مرا از کسانی که دینت را با آنان یاری می کنی قرار ده. ده مرتبه: هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه و بزرگ نیست، ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروایی شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار. - . البلد الامین: ۵۲ -

**[ترجمه]

«۳۰»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۳)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ (۴): ثُمَّ تَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ مَحَبَّتِي وَ ضَمِّنِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقِي وَ أَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْدَائِكَ مِنِّي وَ انْشُرْ رَحْمَتَكَ لِي وَ أَتْمِمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ اجْعَلْهَا مَوْصُولَهً بِكَرَامَتِكَ إِيَّايَ وَ أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَ أَوْجِبْ لِيَ الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ ثُمَّ يَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ يَسِّرْ لَنَا مَا نَخَافُ عُسْرَتَهُ وَ سَهِّلْ لَنَا مَا نَخَافُ حُزُونَتَهُ وَ نَفِّسْ عَنَّا مَا نَخَافُ كُرْبَتَهُ وَ اكْشِفْ عَنَّا مَا نَخَافُ غَمَّهُ وَ اصْرِفْ عَنَّا مَا نَخَافُ بَلِيَّتَهُ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ ثُمَّ يَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّی صَالِحاً أَعْطَیْتَهُ أَبَداً وَ لَا تَرُدَّنِی فِی سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِی مِنْهُ أَبَداً وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوّاً وَ لَا حَاسِداً أَبَداً وَ لَا تَكِلْنِی إِلَی نَفْسِی

ص: ۱۴۶

۱- ۱. البلد الأمين ص ۵۲.

۲- ۲. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

۳- ۳. مصباح الشيخ ص ۱۴۶.

۴- ۴. مصباح الكفعمیّ ص ۶۵.

طَرْفَهَ عَيْنٍ أَبَداً وَ يَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَنِی وَ بَارِكْ لِی فِیمَا رَزَقْتَنِی وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِكَ وَ اجْعَلْ لِیَ الْمَزِیدَ مِنْ كَرَامَتِكَ وَ اقْرَأْ آیَهَ الْكُرْسِیِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ إِلَهاً وَاحِداً أَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ تَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ أَحَداً صَمَداً- لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ- إِلهاً واحِداً لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً عَشْرَ مَرَّاتٍ (۱)

ثُمَّ یَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَتْ بِی مِنْ نِعْمَهٍ أَوْ عَافِیَهٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَیَّ یَا رَبِّ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا ثُمَّ یَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ ثُمَّ یَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ یَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ ثُمَّ یَقُولُ مِائَهَ مَرَّهٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَهً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَ أَجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمُرِی وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ فِی رِزْقِی وَ انْشُرْ عَلَیَّ رَحْمَتَكَ وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِی أُمِّ الْكِتَابِ

شَقِیّاً فَاجْعَلْنِی سَعِیداً فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ ثُمَّ قُلْ أَحَطْتُ عَلَی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی مِنْ شَاهِدٍ وَ غَائِبٍ بِاللَّهِ الَّذِی

ص: ۱۴۷

۱- ۱. البلد الأمین ص ۵۳.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا يُحِيطُونَ بِشَيْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۱).

**[ترجمه]البلد الامین: از کتاب طریق النجاه، هر موقع بر تو تهیدستی یا بینوایی پیش آمد، هنگام صبح و شب ده مرتبه بگو: «لا حول و لا قوه إلا بالله»، {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه و بزرگ نیست.} تا عبارت «و کبره تکبیراً»، {و او را بسیار بزرگ شمار.}، که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به مردی از انصار که از آن به وی گله کرده بود، آموخت، آن را سه روز گفت و تهیدستی و بیماری از او رخت بر بست. - . روایت در نسخه چاپ شده اشاره شده یافت نشد. -

**[ترجمه]

بیان

أحطت علی نفسی لعل المعنی جعلت علیها حائطا و حفظتها یقال حاطه حوطا رعاه و حوط حوله تحویطا أدار علیه التراب حتی جعله محیطا به و أحاط القوم بالبلد استداروا بجوانبه و یقال حاطوا به أیضا.

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۴۶ - : و کتاب‌های دیگر - . مصباح الکفعمی: ۶۵ - ،

سپس ده مرتبه می‌گویی: {خدایا، محبت مرا در دل‌های بندگان بیانداز، و آسمان‌ها و زمین را عهده دار روزی من قرار ده، و از طرف من، وحشت را در دل‌های دشمنانت بیانداز، و رحمتت را بر من بگستر، و نعمتت را بر من تمام کن، و آن را با بزرگواری که بر من داری، به من برسان، و سپاسگزاری از خودت را به من عنایت کن، و برای من افزونی از پیشگاه خودت را حتمی بگردان، و یاد خودت را از یاد من مبر، و مرا از افراد غافل قرار نده.}

سپس ده مرتبه می‌گوید: خدایا، آنچه را که از دشواری آن می‌ترسیم، بر ما راحت کن؛ و آنچه را که از اندوه آن می‌ترسیم، بر ما آسان ساز؛ و آنچه را از سختی آن می‌ترسیم، از ما برطرف کن؛ و آنچه را که از ناراحتی آن می‌ترسیم، از ما بردار؛ و آنچه را که از گرفتار شدن به آن می‌ترسیم، از ما دور کن، ای بهترین رحم کنندگان.

سپس ده مرتبه می‌گوید: خدایا، آن نیکی که به من بخشیده‌ای، هرگز از من نگیر، و مرا به بدی ای که از آن نجاتم داده‌ای، هرگز برمگردان، و هرگز هیچ دشمن و رشک برنده‌ای را سرزنشگر من قرار نده، و هرگز مرا به اندازه چشم به زدنی به خودم وا مگذار.

و ده مرتبه می‌گوید: خدایا، در آنچه به من بخشیده‌ای، برکت قرار بده، و در آنچه به من روزی داده‌ای، برکت قرار بده، و از فضل خودت برایم افزون گردان، و از بزگواری خودت، بیشترین را برایم قرار ده.

و ده مرتبه آیه الکرسی را بخوان و ده مرتبه بگو: گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنهاست و هیچ شریکی

برای او نیست، خـدای یکتـای یگانه بی‌نیازی که هیـچ همسـر و فرزنـدی نگرفته است. سـپس ده مرتبه - سوره - «إنا أنزلناه» را می‌خوانی و سـپس ده مرتبه می گویی: هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنها است و هیچ شـریکی برای او وجود ندارد، یگانه... بی‌نیازی است که نه زاده و نه زاییده شده و نه برای او همتایی وجود دارد، خدای یکتایی که نه همسری و نه فرزندی می گیرد. - . البلد الامین: ۵۳ -

سپس ده مرتبه می گویـد: خدایا، هیچ نعمتی و سـلامتی در دین و دنیا، جز از سوی تو نبوده است، تنهایی و هیچ شـریکی برای تو نیست؛ به خاطر آن، ستایش تو و سپاسگزاری از تو بر عهده من است، ای پروردگار، تا اینکه بعد از خشنودی، خشنود شوی .

سپس ده مرتبه می گویـد: هیـچ خـدایی جز الله وجـود نـدارد، تنهـا است و هیـچ شـریکی برای او نیست، فرمـانروایی و سـتایش مخصوص او است، زنده می کند و می‌میراند و او خود، زنده‌ای است که نمی‌میرد، خوبی به دست اوست و او بر هر چیزی توانا است.

سپس هنگام طلوع خورشید و هنگام غروب آن، ده مرتبه می گوید: از وسوسه های شیطان‌ها به خدای شنوای دانا پناه می‌برم، و از اینکه آنها پیش من حاضر شوند، به خدا پناه می برم، که خدا همانا شنوای دانا است.

سپس صد مرتبه می گوید: به نام خدای بخشنده مهربان، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه و بزرگ نیست.

سپس می گویـد: خـدایا، ای گرداننـده دل‌ها و چشم‌ها، دلم را بر دین خودت پاینـد گردان، و پس از آنکه مرا هدایت کردی، دلم را دسـتخوش انحراف مگردان، و از جـانب خود، رحمتی بر من ارزانی دار که تو خود بخشایشـگری، و بـا رحمت خودت مرا از آتش برهـان؛ خـدایا، عمرم را طولانی گردان، و روزی‌ام را بر من گسترده ساز، و رحمت خودت را بر من ارزانی دار، و اگر من در کتابی که پیش توست، تیره بخت هستم، پس مرا خوشبخت گردان، که تو هرچه را بخواهی پاک می کنی و استوار می‌سازی، و امّ الکتاب در نزد توست.

سپس بگو: بر خودم و خـانواده ام و دارایی‌ام و فرزنـدانم، چه آنهـا که حضور دارنـد و چه غایب هسـتند، محافظ و مراقب قرار می‌دهم، خدایی را که جز او هیچ خدایی نیست، نهان و آشـکار را می‌داند، بخشنده و مهربان است، زنده و برپادارنده‌ای که نه خـوابی سـبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران، آنچه در آسـمان‌هـا و آنچه در زمین است، از آنِ اوست، کیست آن کس که جز به اذن او در پیشـگاهش شـفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سـرشان است می داند، و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند، کرسـیِ او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ. - . مصباح الشیخ: ۱۴۶-۱۴۸ -

**[ترجمه]

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ غَيْرُهُ ثُمَّ تَقُولُ: أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِی لَا يُطَاوَلُ وَ لَا يُحَاوَلُ مِنْ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ فِی جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِی بِأَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِی الِاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ وَ أُوَالِی مَنْ وَالَوْا وَ أُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَأَعِذْنِی اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِیَ عَنِّی بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ (۲).

**[ترجمه]«أحطت علی نفسی» شاید به این معنا باشد که بر آن، مراقب و محافظ قرار دادم؛ گفته می‌شود: «حاطه، حوطاً»، زیر نظر داشت، «حوّط حوله، تحویطاً»، یعنی به دور آن خاک ریخت تا آن را دربرگرفته باشد، و «أحاط القوم بالبلد»، یعنی دور تا دور شهر را گرفتند که به این، «حاطوا» نیز گفته می‌شود.

**[ترجمه]

«۳۲»

الْمَكَارِمِ، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۳)، وَ الْجُنَّةُ(۴)، [جنه الأمان] عَنِ الْهَادِی علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحَصَّنَ مِنْ مَخَاوِفِكَ وَ تَأْمَنَ مِنْ مَحْذُورِكَ فِی الْأَيَّامِ النَّحِسَاتِ وَ غَيْرِهَا فَقُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ ثَلَاثاً أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ وَ إِذَا أَمْسَيْتَ فَقُلْ ثَلَاثاً(۵).

**[ترجمه]مصباح الشیخ و غیره: سپس می گویی: {صبح کردم خدایا، در حالی که به حق و جایگاه والای تو، که نه دستی به آن رسد و نه مورد تجاوز واقع گردد، از بدی هر ستمگر و راهزنی، از تمام کسانی که آفریده ای و چیزهای دیگری که خلق کرده ای، چه آن ها که خاموش‌اند و چه آنهایی که گویا هستند، در سپری از هر چیز ترسناکی، با لباسی بافته از دوستی خاندان پیامبرت، و خود را پوشیده از هر که قصد آزارم کند، به سنگر محکم اخلاص در اعتراف به حق آنان، و تمسک به رشته دوستی ایشان، در حالی که یقین دارم که حق مخصوص آن ها و نزد آن ها و در پیش آن ها و به وسیله آن ها است، پناهنده شده‌ام؛ هر کسی را آنان دوست بدارند، دوست می‌دارم و از هر کسی که آنان دوری جویند، دوری می‌جویم؛ پس خدایا، به احترام ایشان مرا از بدی هرچه می ترسم، پناه ده، ای بزرگ؛ من دشمنانم را به وسیله پدید آورنده آسمان ها و زمین از خود دور ساختم، و ما فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند.} - . مصباح الشیخ: ۱۴۸ -

**[ترجمه]

توضیح

قال الجزری الذمام بالكسر و الفتح الحق و الحرمه التی یذم مضیعها و قال فیه اللهم بک أطاول مفاعله من الطول بالفتح و هو الفضل و العلو

ص: ۱۴۸

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۱۴۶- ۱۴۸.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۱۴۸.

۳- ۳. البلد الأمين ص ۲۷، هامشا و متنا.

۴- ۴. مصباح الكفعمیّ ص ۸۶.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۳۲۲- ۳۲۳.

على الأعداء و بك أحاول من المحاوله و هى طلب الشى ء بحيله و الغشم الظلم و الطارق الذى يطرق بشر و يطلق غالبا على الوارد فى الليل الصامت و الناطق كثيرا ما يطلق الصامت على الجمال و الناطق على الحيوان و إن كان من الحيوانات العجم يقال فلان لا يملك صامتا و لا ناطقا أى لا يملك شيئا و منه قول الفقهاء الزكاه فى الصامت و الناطق و يجوز أن يراد هنا بالناطق معناه المعروف.

بلباس سابغه قال الكفعمى ره أى تامه و السابغ التام الكامل و منه نعمه سابغه و دروع سابغه و قوله تعالى أَنِ اعْمَلْ سابِغاتٍ (۱) أى دروع تامه و إنما قال عليه السلام سابغه لأنه كنايه عن الدرع و هى مؤنثه و فى روايه الكفعمى و أجانب من جانبوا فصل على محمد و آله و أعذنى.

بديع السماوات قال الشيخ البهائى من قبيل حسن الغلام أى أن السماوات و الأرض بديعه أى عديمه النظير و قد يقال المراد بالبديع المبدع أى الموجد من غير مثال سابق فليس من قبيل إجراء الصفه على غير من هى له و نوقش بأن مجى ء فعيل بمعنى مفعل لم يثبت فى اللغه و إن ورد فشاذ لا يقاس عليه و فيه كلام إنا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا(۲) أى من بين أيدى أعدائنا سدا و منعا لا يصلون إلينا بسوء وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا لا يمكنهم الفرار فَأَغْشَيْناهُمْ أى أغشينا أبصارهم فهم لا يبصروننا.

**[ترجمه]المكارم و البلد الامين - . البلد الامين: ۲۷ (در حاشيه و متن) -

و الجنه - . مصباح الكفعمى: ۸۶ - :

از امام هادى عليه السلام روايت شده كه فرموده است: هرگاه خواستى در روزهاى نحس و غير آن، از آنچه مورد بيم توست، خود را بپوشانى و از ناگوارى‌ها در امان باشى، هنگام صبح شدن بگو: «أصبحت اللهم معتصماً» تا آخر دعا؛ و سه مرتبه هنگام شب شدن بگو. - . مكارم الاخلاق: ۳۲۲-۳۲۳ -

**[ترجمه]

أقول

سيأتى سند هذا الدعاء و ما بعده فى كتب الدعاء و إنما أوردناهما هنا تبعا للأصحاب.

**[ترجمه]جزرى گفته است: «الذمام» با كسره و فتحه، : حق و احترامى كه ناديده گيرنده آن، سرزنش مى‌شود؛ و در آن دعا گفته است: «اللهم بك اطاول»: باب مفاعله از «الطول» با فتحه، و عبارت است از برترى و بالاگرفتن بر دشمنان؛ «و بك احاول» برگرفته شده از «المحاوله»، و عبارت است از خواستن چيزى با زرنگى. «الغشم»، يعنى ستم؛ و «الطارق»، يعنى كسى كه براى بدى، در را مى‌كوبد، و بيشتر بر وارد شونده در شب اطلاق مى‌شود؛ «الصامت و الناطق»: در بيشتر موارد، «الصامت» بر موجودات بى‌جان و «الناطق» بر جانداران، هر چند از حيوانات گنگ باشد، اطلاق مى‌گردد؛ گفته مى‌شود: «فلان لا يملك صامتاً و لا ناطقاً»، يعنى مالك هيچ چيزى نمى‌شود؛ عبارت فقها كه مى‌گويند: «الزكاه فى الصامت و الناطق»، {در بى جان و جاندار، زكات هست.}- از همين قبيل است. - و احتمال دارد منظور از «الناطق» در اينجا، معناى معروف آن باشد.

«بلباس سابغه»، کفعمی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: یعنی تمام شده، و «السابغ»، یعنی تمام شده و کامل گشته، و «نعمه سابغه» و «دروع سابغه» از همین قبیل است، و نیز کلام خدای متعال که فرموده است: «أن اعمل سابغات»، - . سبأ/ ۱۱ - {زره های

فراخ بساز.}، یعنی زره‌های تمام شده، و حضرت علیه السلام از این رو گفته «سابغه»، که کنایه از زره، و مؤنث است؛ و در روایت کفعمی، این‌گونه آمده است: «و اجانب من جانبوا فصل علی محمد و آل محمد و أعذنی»، {و از هر کسی که آنان دوری جویند، دوری می‌جویم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در پناه بگیر.}.

شیخ بهایی گفته است: «بدیع السموات»، از قبیل «حسن الغلام»، یعنی آسمان‌ها و زمین، تازه، یا بی‌نظیر هستند؛ و گفته می... شود، منظور از «البدیع»، «المبدع»، یعنی به وجود آورنده چیزی که نمونه قبلی ندارد، پس از نوع به کارگیری صفت برای چیزی خارج از آن نیست. ایراد گرفته شده است که آمدن فعیل به معنای مفعل در لغت شناسی ثابت نشده است، و اگر هم به کار رفته باشد، کمیاب است و نمی‌شود بر آن قیاس کرد و در آن، سخنی برای گفتن وجود دارد. «إنّا جعلنا من بین أیدیهم سداً» - . یس/ ۹ - ،

یعنی روبروی چشمان دشمنانمان سدی و بازدارنده‌ای قرار داده‌ایم که نمی‌توانند به ما بدی برسانند؛ «و من خلفهم سداً»، و از پشت سرشان سدی قرار دادیم به گونه‌ای که نمی‌توانند بگریزند؛ «فأغشیناهم»، یعنی چشمانشان را پوشانده‌ایم که ما را نمی... بینند.

**[ترجمه]

«۳۳»

الْمِصْبَاحُ، وَ الْإِخْتِیَارُ، وَ غَیْرُهُمَا(۳): فَإِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِی یَوْمٍ قَدْ حُذِّرَ

۱- ۱. سبأ: ۱۱.

۲- ۲. یس: ۹.

۳- ۳. رواه الشیخ فی الأمالی ج ۱ ص ۲۸۳ مسندا و قد أخرجه المؤلّف العلامه قدس سره فی ج ۵۹ ص ۲۴- ۲۶ مع شرح و أخرجه فی ج ۹۵ ص ۱- ۲ من طبعتنا هذه و تراه فی مصباح الکفعمیّ ص ۱۸۸.

مِنَ التَّصَرُّفِ فِيهِ فَقَدِّمْ أَمَامَ تَوَجُّهِکَ قِرَاءَهَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَهِ الْکُرْسِيِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَهِ الْقَدْرِ وَ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ مِنْ قَوْلِهِ- إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ بِکَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَ بِقُدْرَتِکَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَ لَا حَوْلَ لِکُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِکَ وَ لَا قُوَّهَ يَمْتَارُهَا ذُو قُوَّهٍ إِلَّا مِنْکَ وَ بِصِفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ خِيَرَتِکَ مِنْ بَرِيَّتِکَ مُحَمَّدٍ صلی الله عليه و آله نَبِيِّکَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَ اکْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَ ضَرَّهُ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ يُمْنَهُ وَ بَرَکَاتِهِ وَ اقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَافِيَهِ وَ بُلُوغِ الْمَحَبَّهِ وَ الظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّهِ وَ کِفَايَهِ الطَّاغِيَهِ الْمُغْوِيَهِ وَ کُلِّ ذِي قُدْرَهٍ لِي عَلَى أَذِيَّهٍ حَتَّى أَکُونَ فِي جُنَّهٍ وَ عِصْمَهٍ مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَ نِعْمَهٍ وَ أَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَاوِفِ أَمْناً وَ مِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْراً حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَ لَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَذَى الْعِبَادِ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ الْأُمُورُ إِلَيْکَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ کَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(۱).

**[ترجمه]سند این دعا و موارد بعدی در کتاب‌های دعا خواهد آمد و ما آن دو را در اینجا به خاطر پیروی از اصحاب آوردیم.

**[ترجمه]

بیان

الامتیار جلب الطعام و استعیر هنا لطلب المعونه و القوه.

**[ترجمه]المصباح و الاختیار و غیرهما: - . الامالی الشیخ ۱: ۲۸۳؛ همین کتاب ۵۹: ۲۴-۲۶ و ۹۵: ۱-۲؛ مصباح الکفعمی: ۱۸۸ -

هر وقت - در روزی که از سفر کردن در آن باید پرهیز شود - بخواهی سفر کنی، پیش از اقدام به سفر، - سوره‌های - «الحمد لله ربِّ العالمین» و «قل أعوذ بربِّ الفلق» و «قل أعوذ بربِّ الناس» و «قل هو الله أحد» و آیه الکرسی و - سوره - «إنا أنزلناه فی لیله القدر» و آخر آل عمران، از آیه «إنَّ فی خلق السَّموات و الأرض» تا آخر سوره را بخوان، سپس بگو: {خدایا، چیره گر به نیروی تو چیره می‌گردد و فزونی یافته به سبب تو فزونی می‌یابد، و هر نیرویی برای هر نیرومندی، فقط به سبب توست، و هر توانی که توانمندی به آن می‌رسد، فقط از سوی تو و به واسطه برگزیده تو از میان مخلوقات و برجسته گشته از میان آفریدگانت، پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله، و فرزندان و نسل او - سلام بر او و آنان - است؛ بر آنان درود فرست، و از بدی این روز و زیان آن، مرا بسنده باش، و خوبی و خجستگی آن، و برکت‌هایش را به من روزی کن، و در آنچه تصرف می‌کنم، برایم بهترین ایمنی و رسیدن به محبت و دست یافتن به امیدهایم، و کفایت در برابر سرکش گمراه کننده، و هر توانمند بر آزار من، مرا بسنده باش، تا از هر گرفتاری و نعمت در پوشش و پناه باشم، و امور ترسناک را در این روز برایم به آرامش، و سختی‌ها را به آسانی تبدیل کن، تا هیچ بازدارنده‌ای مرا از رسیدن به مقصود باز ندارد، و هیچ حادثه بدی از قبیل آزار بنده‌ها به من نرسان، که تو بر هر چیز توانایی و کارها به سوی تو برمی‌گردد، ای کسی که هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوای دانا است.} - . مصباح الشیخ: ۱۴۸-۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۳۴»

الْمِصْبَاحُ، وَ غَيْرُهُ: ثُمَّ تَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِى هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِى هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِى هَذَا الْيَوْمِ وَ فِى هَذَا الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ إِنَّهُمْ كانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فاسِقِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ عَذَاباً عَلَى أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاكَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاكَ اللَّهُمَّ اخْتِمْ لِى بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى وَ لِوَالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانِى صَغِيراً اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُتَقَلَّبَهُمْ وَ مَثْوَاهُمْ.

ص: ۱۵۰

۱- ۱. مصباح الشيخ: ۱۴۸ و ۱۴۹.

اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ انْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ اجْعَلْ لِإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ الْعَنِ الْفِرَقَ الْمُخَالِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ الْمُتَعَدِّيَةَ لِحُدُودِكَ وَ الْعَنْ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الِاقْتِدَاءَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ لَا أَبْغِي بِهِ بَدَلًا وَ لَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَناً قَلِيلًا اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَ لَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ وَ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعِفْهُ لِي يَا رَبِّ أَضْعَافاً وَ آتِنِي مِنْ لَدُنْكَ أَجْراً عَظِيماً رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا أَبْلَيْتَنِي وَ أَعْظَمَ مَا آتَيْتَنِي وَ أَطْوَلَ مَا عَافَيْتَنِي وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً عَلَيْهِ مِلْ ءَ السَّمَاوَاتِ وَ مِلْ ءَ الْأَرْضِ وَ مِلْ ءَ مَا شَاءَ رَبِّي وَ كَمَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ (۱).

الْكَافِي، عَنِ الْعِدَّةِ عَنْ أَحْمَدَ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ الْأَحْنَفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَهْمَا تَرَكْتَ مِنْ شَيْ ءٍ فَلَا تَتْرُكْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ بِتَغْيِيرٍ يَسِيرٍ وَ فِيهِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْفِرَقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وُلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِيعَتِهِمْ وَ أَسْأَلُكَ (۲).

**[ترجمه]«الامتیار»، یعنی به دست آوردن غذا، و در اینجا، استعاره از یاری و قدرت خواستن است.

**[ترجمه]

بیان

قال فی النهایه فیه فأقاموا بین ظهرانیهم و بین أظهرهم المراد أنهم أقاموا بینهم علی سبیل الاستظهار و الاستناد و زیدت فیه ألف و نون مفتوحه تأکیدا و معناه أن ظهرا منهم قدامه و ظهرا وراءه فهو مکنون من جانبیه و من جوانبه إذا

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۱۴۹.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۹- ۵۳۰.

قیل بین أظهرهم ثم کثر حتی استعمل فی الإقامه بین القوم مطلقا.

متقلبهم فی الـدنیا و مثواهم فی الآـخره و قیـل متقلبهم فی أصـلاب الآباء إلی أرحام الأمهات و مثواهم مقامهم فی الأرض و قیل متقلبهم من ظهر إلی بطن و مثواهم فی القبور و قیل متصرفهم بالنهار و مضجعهم باللیل و لعل التعمیم أولی.

بحفظ الإیمان أی بسبب حفظه للإیمان أو حفظک له المخالفه فی بعض نسـخ الکافی المختلفه بالفاء و فی بعضـها بالقاف یقال اختلقه أی افتراه لا أبغی أی لا أطلب ما أبلیتنی أی أنعمتنی.

**[ترجمه]المصباح و غیره: سپس می گویی: {خدایا، در حالی صبح کردم که در این بامداد و در این روز برای اهل رحمتت از تو آمرزش می خواهم، و از اهل لعنتت به تو بیزاری می جویم؛ خـدایا، درحالی صـبح کردم که در این روز، و در این صـبح از مشـرکانی که بین آنان قرار گرفته‌ایم، و از آنچه که می پرستند، به سوی تو بیزاری می جویم، به درستی که آنان قومی بد و فاسق هستند.

خدایا، آنچه از آسـمان به زمین فرو فرستادی، برای دوستانت برکت، و برای دشنمانت عذاب قرار ده؛ خدایا، کسی را که تو را دوست داشـته باشد، دوست بدار و کسـی را که تو را دشـمن داشته باشد، دشمن بدار؛ خدایا، تا آن زمان که خورشید برآید و غروب کنـد، پایـان - روز - مرا به ایمنی و ایمان ختم کن. خـدایا، مرا و پـدر و مادرم را بیامرز و به هر دو رحم کن، چنان که مرا در کودکی پرورش دادنـد؛ خـدایا، مردان و زنان مؤمن را، چه آنها که زنـده باشـند و چه مرده، بیامرز که تو بازگشـتگاه و اقامتگاه آنان را می دانی.

خـدایا، پیشـوای مسـلمانان را بـا سپر ایمـان حفـظ کن، او را پیروزمنـدانه یـاری ده، و برای او گشایشـی آسـان قرار ده، و برای پیشـوای مسـلمانان از جـانب خـودت فرمـانروایی پیروزمنـدانه قرار ده؛ خـدایا، بر گروه‌هـایی کـه در برابر فرسـتاده‌ات مخـالفت کردند، و به حدود او تجاوز نمودند، لعنت بفرست، و بر رهروان و پیروان آنها لعنت بفرست؛ و از تو، افزون گردانیدن از روی فضـل خودت، و پیروی کردن از آنچه که از پیش تو آمـده است، و تسلیم فرمـان تو شـدن، و محافظت بر آنچه به آن دسـتور فرمودی، به گونه‌ای که نه برای آن جایگزین قرار دهم، و نه آن را به بهای اندکی بفروشم، درخواست می کنم .

خـدایا، مرا در شـمار کسـانی که هـدایت کردی، هـدایت کن، و از بـدی آنچه حکم قطعی‌ات بر آن تعلق گرفته، نگـاه دار، به درستی که تو حکم می‌کنی و بر تو حکم نمی‌شود، کسـی که تو دشـمنش بداری، عزیز نمی‌شود و کسـی که دوستش بداری، خوار نمی گردد. مبـارک و والاـمرتبه گشـته‌ای، منزّهی تو ای پروردگار خانه دارای احترام، دعایم را بپـذیر، و هر خوبی که به وسـیله آن به تو نزدیکی می جویم، برایم دو چنـدان کن، ای پروردگار، چنـدین برابر، و از جانب خودت پاداش بزرگ به من ده.

ای پروردگار، چه نیکوست آنچه مرا به آن آزمودی، و چه بزرگ است آنچه به من عطا کردی، و چه طولانی است عافیتی که بـه مـن داده‌ای، و چـه بسـیار اسـت آنچـه بر مـن پوشانـدی، پس سـتایش فراوان و پـاک و مبـارک و به گنجـایش [آسـمانها و گنجایش] زمین و گنجایش آنچه پروردگارم بخواهد، برای تو باد؛ آن‌گونه که پروردگارم دوست دارد و خشـنود است، و آن

گونه که سزاوار بزرگواری جلوه او و شکوه ارجمندی‌اش است، صاحب ارج و بزرگواری. - . مصباح المتهجد: ۱۴۹ -

الکافی: امام صادق علیه السلام فرموده است: هر چیزی را که ترک کرده باشی، این را ترک نکن که در هر صبح و شب بگویی: «اللهم إنی أصبحت» تا آخر دعا، با اندکی تغییر؛ در آن آمده است: «اللهم العن الفرق المختلفه علی رسولک، و ولاه الأمر بعد رسولک، و الأئمه من بعده و شیعتهم و أسألک...» {خدایا، بر گروه‌های که در برابر فرستاده‌ات و ولی امرت بعد از رسولت و امامان بعد از او و شیعیان آن‌ها مخالفت کردند، لعنت فرست، و از تو می‌خواهم...} - . الکافی ۲: ۵۲۹-۵۳۰ -

**[ترجمه]

«۳۵»

الْمِصْبَاحُ (۱)، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ دُعَاءٌ آخَرُ: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَ لَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَيْهَا تُبَاعِدُنِي مِنَ الْخَيْرِ وَ تُقَرِّبُنِي مِنَ الشَّرِّ أَيْ رَبِّ لَا أَثِقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً تُؤَدِّيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ(۲).

الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۳)، وَ الْجُنَّةُ، [جنه الأمان] عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَ يَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَّخِذَ كُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ عَهْداً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى قَالُوا وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ طُبِعَ عَلَيْهِ بِطَابَعٍ وَ وُضِعَ تَحْتَ الْعَرْشِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الَّذِينَ لَهُمْ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدٌ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ.

ذکر ذلك الإمام الطبرسی (۴).

ص: ۱۵۲

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۱۵۰.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۵۳.

۳- ۳. لم نجده فی الهامش المطبوع، و تری مثله فی هامش الصفحه ۳ و الصفحه ۵۳.

۴- ۴. مصباح الکفعمیّ ص ۸ و ۸۵ متنا و هامشا.

**[ترجمه]در النهایه گفته است: در آن دعا، منظور از «فأقاموا بین ظهرانیهم و بین أظهرهم» این است که در بین آنها، به گونه یاری خواستن و پشت دادن ایستاده اند، و الف و نون با فتحه برای تأکید به آن افزوده شده است و معنای آن این است که پشت یکی از آنها روبروی او و پشت دیگری، پشت سر اوست و او را از دو طرف در بر گرفته‌اند، و اگر گفته شود: «و أظهرهم»، یعنی از هر طرف دربر گرفته‌اند؛ به خاطر استعمال زیاد، به هر گونه ایستادن در میان قوم به کار می‌رود.

«متقلبهم»، یعنی در دنیا، «و مثویهم»، یعنی در آخرت؛ و گفته شده است: «متقلبهم»، یعنی در پشت پدرانشان تا رسیدن به رحم‌های مادرانشان، و «مثویهم»، یعنی ماندنشان در زمین؛ و گفته شده است: «متقلبهم»، یعنی از پشت تا شکم، و «مثویهم»، یعنی در قبرها، و گفته شده است: تصرفاتشان در روز، و بسترشان در شب، و شاید تعمیم دادن به همه معانی بهتر باشد.

«بحفظ الایمان»، یعنی به سبب نگهداشتن او به خاطر ایمان، یا نگهداشتن او توسط خودت. «المخالفه» در بعضی نسخه‌های الکافی، «المختلفه» با فاء، و در بعضی دیگر با قاف آمده است، گفته می‌شود: «اختلقه»، یعنی بر او نسبت دروغ داده است. «لا أبغی»، یعنی نمی‌خواهم. «ما أبلیتنی»، یعنی به من نعمت داده‌ای.

**[ترجمه]

«۳۶»

الْمِصْبَاحُ، وَ الْإِخْتِيَارُ، وَ سَائِرُ الْكُتُبِ وَ دُعَاءٌ آخَرُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْبَصِيرَةَ فِی دِينِی وَ الْيَقِينَ فِی قَلْبِی وَ الْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَ السَّلَامَةَ فِی نَفْسِی وَ السَّعَةَ فِی رِزْقِی وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِی ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ- فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً(۱).

**[ترجمه]المصباح -. مصباح المتهجد: ۱۵۰ -

و کتاب‌های دیگر: دعای دیگر: {خدایا، ای به وجود آورنده آسمان‌ها و زمین، داننده نهان و آشکار، بخشنده و مهربان. با تو در این دنیا عهد می‌بندم که تو خدایی هستی که جز تو هیچ خدایی وجود ندارد، تنهایی و هیچ شریکی برای تو نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله، بنده و فرستاده توست، خدایا، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به اندازه چشم به هم زدنی به خودم و به هیچ یک از آفریده‌هایت وا مگذار، که اگر مرا به آن واگذار کنی، از خوبی دورم کرده‌ای، و به بدی نزدیکم ساخته‌ای؛ ای پروردگار، جز به رحمت تو امیدوار نیستم، پس بر محمد و خاندان پاک او درود فرست، و در پیشگاه خودت برای من عهدی قرار بده که در روز قیامت به من بازگردانی، که تو خلف وعده نمی‌کنی.} -. البلد الامین: ۵۳ -

البلد الامین -. این روایت در حاشیه کتاب چاپ شده یافت نشد؛ مثل این روایت را در حاشیه صفحه ۳ و در صفحه ۵۳ می... توانی ببینی. -

و الجنه: ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: آیا هر یک از شما نمی‌تواند هر صبح و شب در پیش خدا عهدی برگیرد؟ گفتند: آن چگونه است؟ فرمود: هر یک می گویید: «اللهم فاطر السموات و الأرض» {خدایا، ای به وجود آورنده آسمان‌ها و زمین} تا آخر دعا؛ پس هرگاه این را بگوید، بر آن مهری زده شده و زیر عرش قرار داده می‌شود، و هنگامی که روز قیامت شود، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: کسانی که پیش خدای بخشنده عهدی دارند، کجا هستند؟ پس وارد بهشت شوند. امام طبرسی این را بیان کرده است. - . مصباح الکفعمی: ۸ و ۸۵ (در حاشیه و متن) -

**[ترجمه]

«۳۷»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، رَأَیْتُ فِی بَعْضِ کُتُبِ أَصْحَابِنَا مَرْوِیّاً عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ مَنْ کَانَ بِهِ عِلَّهٌ فَلْیَقُلْ عَقِیبَ الصُّبْحِ أَرْبَعِینَ مَرَّهً- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ- حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ فَتَبارَکَ اللَّهُ إِلَی آخِرِ مَا فِی الْأَصْلِ ثُمَّ یَمْسَحُ یَدَهُ عَلَی الْعِلَّهِ یَبْرَأُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی.

و تزید هذه الروایه علی ما فی الأصل بزیادتین الأولی قراءتها أربعین مره و الثانیه ذکر حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ فی أثنائها بخلاف الروایه الأولی (۲).

و رأیت فی بعض کتب أصحابنا أن رجلا أصیب بداء أعجز الأطباء دواؤه و یئس من برئه فنظر یوما فی کتاب و إذا فی أوله روی عن الصادق علیه السلام أنه من کان به عله فلیقل عقیب الصبح أربعین مره هذه الکلمات ثم ذکر ما أوردناه علی الحاشیه ففعل الرجل ذلک أربعین یوما فبرأ بإذن الله تعالی (۳).

و کان والدی الشیخ زین الإسلام و المسلمین علی بن الحسن بن محمد بن صالح الجبعی برد الله مضجعه ذا اعتقاد عظیم بمضمون هذه الروایه و کان یذکر ما تضمنه کل یوم عقیب الفجر أربعین مره لا یألوا جهدا فی ذلک و ذلک لأنه تزوج امرأه شریفه من أهل بیت کبیر فأصابها ورم فی جسدها کله ألزمها الفراش أشهرا فقلق والدی لذلک قلقا عظیما فذکر هذه الروایه فأمرها ره أن تقول ما ذکرناه عقیب

ص: ۱۵۳

۱- ۱. المصباح ص ۱۵۰.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۵۵ هامشا و متنا و ذکر الدعاء بتمامه مع ذاک الشرح إلی هنا فی کتاب الجنه المشتهر بالمصباح ص ۸۱ متنا و هامشا.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۵۵ هامشا و متنا و ذکر الدعاء بتمامه مع ذاک الشرح إلی هنا فی کتاب الجنه المشتهر بالمصباح ص ۸۱ متنا و هامشا.

الفجر أربعين مره ففعلت ذلك فبرأت بإذن الله تعالى (۱).

و رأيت فى كتـاب السـرائر الروايه التى ذكرناهـا فى الأصل من غير زياده و نقصان و أوردها عن الصادق عليه السـلام و ذكر أن من قال ذلك كل يوم ثلاثين مره دفع الله تعالى عنه تسعه و تسعين نوعا من البلاء أهونها الجذام (۲).

**[ترجمه]المصباح و الاختيار و ساير الكتب: و دعاى ديگر: {خدايا، به حق محمد و خاندان محمد -صلى الله عليه و آله -، از تـو مى‌خـواهم كـه بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرسـتى، و در ديـده ام نـور و در دينم بصيرت و در قلبم يقين و در عملم اخلاص، و در جانم سلامت و در روزى‌ام فراوانى و سپاس جاودان خويش را مادام كه زنده ام نصيبم سازى.

سپس سـى مرتبه مى گويى: {به نـام خداونـد بخشـنده مهربـان، سـتايش مخصوص خـدايى است كه پروردگـار جهانيـان است، آفرين باد بر خـدا كه بهترين آفريننـدگان است، و هيچ نيرو و توانى جز به سـبب خداى والامرتبه بزرگ نيست.} - . المصـباح: - ۱۵۰

**[ترجمه]

«۳۸»

مِصْـبَاحُ الشَّيْـخِ، وَ الْإِخْتِيَارُ: ثُمَّ تَقُولُ مِائَهَ مَرَّهٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۳) ثُمَّ تَقُولُ خَمْسَ عَشْـرَهَ مَرَّهً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَاناً وَ تَصْـدِيقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّهً وَ رِقّاً دُعَاءٌ آخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِنِى الَّذِى أُحِبُّ وَ اجْعَلْهُ خَيْراً لِى اللَّهُمَّ مَا نَسِـيتُ فَلَـا أَنْسَـى ذِكْرَكَ وَ مَـا فَقَـدْتُ فَلَـا أَفْقِـدُ عَوْنَكَ وَ مَا يَغِيبُ عَنِّى مِنْ شَـىْ ءٍ فَلَا يَغِيبُ عَنِّى حِفْظُكَ اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجْأَهِ نَقِمَتِـكَ وَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِـكَ وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ جَمِيعِ سَـخَطِكَ وَ غَضَـبِكَ دُعَاءٌ آخَرُ سُـبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُـدُّوسِ وَ الْحَمْـدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْـدُ بِمَحَامِـدِكَ كُلِّهَا عَلَى نَعْمَائِكَ كُلِّهَا وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَـى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَلَائِكَ وَ

صَنِيعَتِكَ إِلَيَّ خَاصَّهً مِنْ خَلْقِكَ خَلَقْتَنِى يَا رَبِّ فَأَحْسَـنْتَ خَلْقِى وَ هَدَيْتَنِى فَأَحْسَنْتَ هُدَايَ وَ رَزَقْتَنِى فَأَحْسَنْتَ رِزْقِى فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَلَائِكَ وَ صَـنِيعِكَ عِنْدِى قَدِيماً وَ حَدِيثاً اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْـبَحْتُ عَلَى فِطْرَهِ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَهِ الْإِخْلَاصِ وَ مِلَّهِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله

۱- ۱. البلد الأمين ص ۵۵ هامشا و متنا.

۲- ۲. البلد الأمين ص ۵۵ هامشا و متنا.

۳- ۳. مصباح الشيخ ص ۱۵۰، و فيه بعده: دعاء آخر: توكلت على الحى الذى لا يموت الحمد للّه الذى لم يتخذ ولدا و لم يكن له شـريك فى الملك و لم يكن له ولى من الـذل و كبره تكبيرا، اللّهمّ إنّى أعوذ بك من البؤس و الفقر و من غلبه الـدين فصـل على محمّد و آله و أعنى على أداء حقك إليك و الى الناس ثمّ تقول إلخ.

دُعَاءٌ آخَرُ اللَّهُمَّ اهْدِنَا مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ اشْدُدْ فَقْرَنَا بِقُدْرَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ وَ اكْفُفْ وُجُوهَنَا بِحَوْلِكَ وَ طَوْلِكَ وَ تَغَمَّدْ ظُلْمَنَا بِعَفْوِكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَهَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ الْعِصْمَهَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ السَّلَامَهَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَ النَّجَاهَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا الْيَوْمَ ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا حَاجَهً إِلَّا قَضَيْتَهَا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِحِلْمِكَ وَ فَقْرِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَ وَجْهِيَ الْبَالِيَ الْفَانِيَ أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱)

ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ الْإِخْلَاصَ عَشْراً عَشْراً وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَشْراً وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ عَشْراً وَ قُلِ اللَّهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لَا تَذْكُرْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَ ارْزُقْنِي رَهْبَهً مِنْكَ أَبْلُغُ بِهَا أَقْصَى رِضْوَانِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ بِمَا أَسْتَحِقُّ بِهِ جَنَّتَكَ وَ قَدِيمَ غُفْرَانِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ كَدِّي فِي طَاعَتِكَ وَ رَغْبَتِي فِي خِدْمَتِكَ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ (۲)

ثُمَّ قُلْ أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ (۳)

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۱۵۱.

۲- ۲. مصباح المتهجد ص ۱۵۲.

۳- ۳. تراه فی البلد الأمین ص ۵۰- ۵۱.

ثُمَّ تَقُولُ (١)

أُعِيذُ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ مَا رَزَقَنِی رَبِّی وَ جَمِیعَ مَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ بِاللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ ثُمَّ تَقْرَأُ آیَهَ السُّخْرَهِ وَ هِیَ إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَ الشَّمْسَ وَ

الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَهً إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ وَ آیَتَیْنِ مِنْ آخِرِ الْکَهْفِ- قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَداً قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ کانَ یَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صالِحاً وَ لا یُشْرِکْ بِعِبادَهِ رَبِّهِ أَحَداً وَ عَشْرَ آیاتٍ مِنْ أَوَّلِ الصَّافَّاتِ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِراتِ زَجْراً فَالتَّالِیاتِ ذِکْراً إِنَّ إِلهَکُمْ لَواحِدٌ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ رَبُّ الْمَشارِقِ إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَهٍ الْکَواکِبِ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ مارِدٍ لا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی وَ یُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَهَ فَأَتْبَعَهُ شِهابٌ ثاقِبٌ وَ ثَلَاثَ آیَاتٍ مِنْ آخِرِهَا سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ (٢)

ص: ١٥۶

١- ١. من هنا إلی آخر ما یاتی تراه فی المصباح ص ١۴٣ بإشاره الی الآیات من دون ذکرها تفصیلا، مع تقدیم و تأخیر فی الأدعیه.

٢- ٢. راجع مصباح الکفعمیّ ص ۶۶- ۶٧.

وَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنَ الرَّحْمَنِ يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ وَ آخِرَ الْحَشْرِ مِنْ قَوْلِهِ- لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱).

**[ترجمه]البلد الامین: در بعضی کتاب‌های اصحاب خودمان دیدم، از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس بیماری دارد، در دنباله نماز صبح، چهل مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین، حسبنا الله و نعم الوکیل، تبارک الله»، {به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است، خدا مبارک گشته است.} تا آخر دعا، که در روایت اصلی موجود است، سپس دستش را روی بیماری می‌کشد و به خواست خدای متعال، بهبود می‌یابد. این روایت، از روایت اصلی، دو چیز اضافه دارد: نخست: خواندن چهل مرتبه، دوم: گفتن «حسبنا الله و نعم الوکیل» در میانه آن، بر خلاف روایت نخست. - . البلد الامین: ۵۵ -

در بعضی از کتاب‌های اصحاب خودمان دیدم، نوشته بودند: مردی که به نوعی بیماری دچار شده بود که پزشکان از درمان آن عاجز شده بودند و از بهبودی آن نومید گشته بود، روزی در کتابی می‌نگریست که به ناگاه روایتی دید که ابتدای آن نوشته بود: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هرکس بیماری داشته باشد، در دنباله نماز صبح چهل مرتبه این کلمات را بگوید. - سپس آنچه را که بیان کردیم، در حاشیه آورده است - پس مرد آن را چهل روز انجام داد و به اذن خدای متعال بهبودی یافت. - . البلد الامین: ۵۵ -

پدرم شیخ زین الاسلام و المسلمین علی بن حسن بن محمد بن صالح جبعی - که خدا قبرش را بر او گوارا قرار دهد- باور زیادی به مضمون این روایت داشت، و مضمون آن را هر روز در دنباله نماز صبح، چهل مرتبه می‌گفت و از تلاش در آن هیچ فروگذار نمی‌کرد،

واین به خاطر آن بود که با زنی از طایفه‌ای بزرگ ازدواج کرده بود و در سراسر بدن او ورمی به وجود آمد که تا ماه‌ها بر بستر بیماری مانده بود، پدرم از این جریان بسیار نگران بود، پس این روایت را بیان کرد و به او دستور داد آنچه را که ما گفتیم، در دنباله نماز صبح، چهل مرتبه بگوید، پس آن زن چنین کرد و به اذن خدای متعال بهبود یافت. - . البلد الامین: ۵۵ -

روایتی را که در نسخه اصلی بیان کردیم، بدون زیادی و کاستی، در کتاب السرائر دیدم که از امام صادق علیه السلام آورده و گفته است که هر کس آن را هر روز سی مرتبه بخواند، خداوند متعال نود و نه گرفتاری را که کمترین آن جذام است، از او دور می‌کند. - . البلد الامین: ۵۵ -

**[ترجمه]

إيضاح

بالله الأحد قال الشيخ البهائی قدس سره کما یراد من لفظه الله الجامع لجمیع صفات الکمال أعنی الصفات الثبوتیه فکذلک یراد بلفظه الأحد الجامع لجمیع صفات الجلال أعنی الصفات السلبیه إذ الواحد الحقیقی ما یکون منزه الذات عن الترکیب الذهنی و الخارجی و التعدد و ما یستلزم أحدهما کالجسمیه و التحیز و المشارکه فی الحقیقه و لوازمها کوجوب الوجود و القدره الذاتیه و الحکمه التامه و الصمد هو المرجع و المقصود فی الحوائج و الکفو هو المثل فأول هذه السوره الکریمه دل علی الأحدیه و آخرها دل علی الواحدیه.

بِرَبِّ الْفَلَقِ الفلق ما یفلق عن الشی ء أی یشق فعل بمعنی المفعول و هو یعم جمیع الممکنات فإنه سبحانه فلق عنها ظلمه عدمها بنور إیجادها و الفلق بإسکان اللام مصدر فلقت الشی ء فلقا أی شققته شقا و الغاسق اللیل الشدید الظلمه و وقب أی دخل ظلامه فی کل شی ء و النفاثات فی العقد أی النفوس أو النساء السواحر اللواتی یعقدن فی الخیوط عقدا و ینفثن علیها و هو لا یدل علی تأثیر السحر فیه صلی الله علیه و آله

ص: ۱۵۷

۱- ۱. البلد الأمین ص ۴۹- ۵۰.

كالدعاء فى رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا(۱) و الخناس الذى يخنس أى يتأخر إذا ذكر الإنسان ربه.

قوله تعالى لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ السنه فتور يتقدم النوم و تقديمها عليه مع أن القياس فى النفى الترقى من الأعلى إلى الأسفل بعكس الإثبات لتقدمها عليه طبعا إذ المراد نفى هذه الحاله المركبه التى تعترى الحيوان وَ لا يَؤُدُهُ أى لا يثقله و لا يتعبه.

ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ أى استولى يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ أى يغطيه به يَطْلُبُهُ حَثِيثاً فعيل من الحث أى يتعقبه سريعا كأن أحدهما يطلب الآخر بسرعه وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ منصوبه بالعطف على السماوات و مسخرات حال منها فى قراءه النصب و مرفوعه بالابتداء و مُسَخَّراتٍ خبرها فى قراءه الرفع تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً أى حال كونكم متضرعين و مخفين فإن دعاء السر أفضل إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ فسر بالطالبين ما لا يليق بهم كرتبه الأنبياء و بالصياح فى الدعاء وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً أى حال كونكم خائفين من الرد لقصور أعمالكم و طامعين فى الإجابه لسعه رحمته و وفور كرمه.

مِداداً لِكَلِماتِ رَبِّي أى مدادا تكتب به كلمات علمه و حكمته عز شأنه لَنَفِدَ الْبَحْرُ أى انتهى و لم يبق منه شى ء وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ الضمير للبحر مَدَداً أى زياده و معونه له فَمَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ حسن الرجوع إليه يوم القيامه.

وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا قد تفسر الصافات و الزاجرات و التاليات بطوائف الملائكه الصافين فى مقام العبوديه على حسب مراتبهم الزاجرين للأجرام العلويه و السفليه التى ما يراد منها بالأمر الإلهى التالين آيات الله تعالى على أنبيائه و قد تفسر بنفوس العلماء الصافين فى العبادات الزاجرين عن الكفر و الفسوق بالبراهين و النصائح التالين آيات الله و شرائعه و قد تفسر بنفوس المجاهدين الصافين حال

۱- ۱. البقره: ۲۸۶.

القتال الزاجرين الخيل أو العدو التالين ذكر الله لا يشغلهم عنه ما هم فيه من المحاربه.

وَ رَبُّ الْمَشارِقِ أى مشارق الشمس أو الكواكب إِنَّا زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا أى التى هى أقرب إليكم من دنا يدنو بِزِينَةٍ الْكَواكِبِ الإضافه بيانيه و على قراءه تنوين الزينه فالكواكب بدل منها و ما اشتهر من أن الثوابت بأسرها مركوزه فى الفلك الثامن و كل واحد من السبعه الباقيه منفرد بواحده من السيارات السبع لا غير فلم يقم برهان على ثبوته و اشتمال فلك القمر على كواكب واقعه فى غير ممر السيارات و ممر الثوابت المرصوده لم يثبت دليل على امتناعه و لو ثبت لم يقدح فى تزيين فلك القمر بتلك الأجرام المشرقه لرؤيتها فيه و إن كانت مركوزه فيما فوقه.

وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ نصب حفظا على المصدريه أى و حفظناها حفظا إذ لم يسبق ما يصلح لعطفه عليه و قد يجعل عطفا على عله دل عليها الكلام السابق أى إنا جعلنا الكواكب زينه و حفظا و المارد الخارج عن الطاعه لا يَسَّمَّعُونَ جمله مستأنفه لبيان حالهم بعد الحفظ لا صفه للشياطين المفهومه من كل شيطان مارد إذ لا حفظ ممن لا يسمع و الملأ الأعلى الساكنون فى الأعلى

كما أن الملأ الأسفل الإنس و الجن الساكنون فى الأرض و تعديه السماع أو التسمع على قراءتى التخفيف و التشديد بإلى لتضمين معنى الإصغاء مبالغه فى نفيه.

وَ يُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جانِبٍ دُحُوراً أى يرمون من كل جانب من جوانب السماء يقصدونه لاستراق السمع و دُحُوراً أى طردا مفعول لأجله أى يقذفون للطرد أو مفعول مطلق لقربه من معنى القذف وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ فى الآخره و الواصب الدائم الشديد.

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ استثناء من فاعل يسمعون أى اختلس خلسه من كلام الملائكه فَأَتْبَعَهُ شِهابٌ ثاقِبٌ أى تبعه شهاب مضى ء كأنه يثقب الجو بضوئه و الشهاب ما يرى كأن كوكبا انقض و قد مر تحقيقه.

ص: ١٥٩

أَنْ تَنْفُذُوا أی تخرجوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ هاربین من الله سبحانه فَانْفُذُوا منها لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ جمله برأسها أی لا تقدرون علی النفوذ منها إلا بقوه تامه و من أین لکم ذلک و سلطان مصدر کغفران و معناه التسلط شُواظٌ أی لهب مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ دخان أو صفر مذاب یصب علی رءوسهم و رفعه بالعطف علی شواظ و علی قراءه الجر عطف علی نار فَلا تَنْتَصِرانِ أی لا تمتنعان من ذلک.

مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ التصدع التشقق و الغرض توبیخ القاری علی عدم تخشعه عند قراءه القرآن لقساوه قلبه و قله تدبر معانیه و قد مر تفسیر بقیه الآیات و قد فسرناها أبسط من ذلک فی محالها و إنما أوردنا شیئا من ذلک هاهنا اقتداء بشیخنا المتقدم قدس الله روحه.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و الاختیار: سپس صد مرتبه می گویی: «لا إله إلا الله الملک الحق المبین»، {هیچ خدایی جز الله، فرمانروای حق و آشکار، وجود ندارد.} -. مصباح الشیخ: ۱۵۰ -

سپس پانزده مرتبه می گویی: «لا إله إلا اللَّه حَقّاً حَقّاً لا إلهَ إلا اللَّهُ ایماناً وَ تَصْدیقاً لا إلهَ إلا اللَّهُ عُبُودِیَّهً وَ رِقّاً»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد - و این مطلب - حقیقتی کامل است، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد - و این مطلب - از روی ایمان و تصدیق است، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد - و این مطلب - از روی عبودیت و بندگی است.}

دعای دیگر: {خدایا، آنچه را که دوست دارم به من عطا کن و آن را برایم خوب قرار ده؛ خدایا، آنچه را فراموش کنم، یاد تو را فراموش نمی کنم و آنچه را از دست بدهم، یاری تو را از دست نمی‌دهم و آنچه از من پنهان بماند، حفظ و نگهداری تو از من پنهان نمی‌ماند. خدایا، از انتقام ناگهانی‌ات، و از نابود شدن نعمتت، و از دگرگون شدن ایمنی‌ات، و از هرگونه عذاب و خشمت، به تو پناه می‌آورم.}

دعای دیگر: {پروردگارم، فرمانروای پاک، منزه است؛ و سپاس پروردگار بامداد را؛ خدایا، همه سپاس‌ها، به خاطر همه نعمت... هایت، از آن توست؛ و سپاس باد تو را، آن گونه که دوست داری و مورد خشنودی توست؛ خدایا، سپاس تو را به خاطر آزمایشت، و آفرینش مخصوصی که در مورد من از میان آفریدگانت داشته‌ای؛ مرا آفریدی ای پروردگار، پس آفرینشم را نیکو قرار دادی؛ و هدایتم کردی و نیکو هدایتم نمودی؛ و روزی‌ام دادی و نیکو روزی‌ام دادی؛ پس سپاس تو را به خاطر گرفتاری‌ات و آفرینشت در مورد من، از گذشته و حال؛ خدایا، من بر سرشت اسلام و کلمه اخلاص و آیین ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله صبح کردم.}

دعای دیگر: {خدایا، ما را از پیش خودت هدایت نما، و از فضل خودت بر ما ببار، و با قدرت خودت جلو ناداری ما را بگیر، و رحمت خودت را بر ما بگستر، و آبروی ما را با نیرو و نعمت خودت حفظ کن، و تیرگی‌های ما را با گذشت خودت بپوشان؛ خدایا، از تو آنچه را که موجب رحمتت، و سبب آمرزش توست، و بهره‌مندی از هر نیکی، و پاکی از هر بدی، و سالم ماندن از هر گناه، و دستیابی به بهشت، و رهایی از آتش را درخواست می کنیم.

خدایا، هیچ گناهی برایم مگذار جز آنکه آن را آمرزیده باشی، و هیچ اندوهی جز اینکه برطرف کرده باشی، و هیچ نیازی را

جز اینکه بر آورده نموده باشی؛ خدایا، از بدی هر آنچه در شب و روز قرار گرفته، به تو پناه می‌آوریم؛ خدایا، ستمکاری من به بردباری تو، و ناداری من به بی‌نیازی تو، و صورت پوسیده و از بین رونده من به جلوه همیشگی و پایدارت که هرگز از بین نمی‌رود، پناهنده گشته است؛ همسایه تو عزیز، و ستایش تو ارجمند است و هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، و درود خدا بر محمد و خاندان او باد.} - . مصباح المتهجد: ۱۵۱ -

سپس - سوره - فاتحه الکتاب و فلق و ناس و اخلاص را هر کدام ده مرتبه بخوان و ده مرتبه بگو: «الحمد لله و أستغفر الله»، {سپاس مخصوص خداست، و از او آمرزش می‌خواهم.} و ده مرتبه «و صلی الله علی النبی و آله»، {و درود خدا بر پیامبر و خاندان او} و بگو: {خدایا، مرا با رحمت خودت یاد کن، و مرا با انتقام خودت یاد نکن، و ترس از خودت را به من روزی کن تا با آن به بالاترین مرتبه از خشنودی تو برسم، و مرا به طاعت خودت که با آن سزاوار بهشت و آمرزش دیرینه تو شوم، مشغول بدار؛ خدایا، تلاش مرا در طاعت خودت، و اشتیاقم را در خدمت خودت قرار ده؛ خدایا، هر نعمتی که ما داریم، از سوی توست، یگانه‌ای و هیچ شریکی برای تو نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می گردم.} - . مصباح المتهجد: ۱۵۲ -

سپس بگو: {خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که پروردگارم روزی‌ام کرده، و تمام آنچه را که کارش به من واگذار شده است، به خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که نه زاده و نه زاییده شده و نه برای او همتایی هست، و به پروردگار سپیده دم، از شرّ آنچه آفریده، و از شرّ تاریکی چون فراگیرد، و از شرّ دمندگان افسون در گره ها و از شرّ [هر] حسود، آن گاه که حَسَد ورزد؛ و به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبودِ مردم، از شرّ وسوسه گر نهانی، آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند، چه از جنّ و [چه از] انس.} - . البلد الامین: ۵۰-۵۱ -

سپس می گویی - . از اینجا تا آخر آنچه می‌آید، در المصباح، صفحه ۱۴۳، با اشاره به آیات و بدون ذکر تفصیلی آنها و با پیش و پس در دعاها، آمده است. - :

{خودم و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که پروردگارم روزی‌ام کرده، و تمام آنچه را که کارش به من واگذار شده است، به خدایی می‌سپارم «که جز او هیچ خدایی نیست، زنده و برپادارنده‌ای که نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست، کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند، و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند، کرسیِ او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ.»}

سپس آیه سخره را می‌خوانی که عبارت است از: «انَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَيَّام ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِی اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَهً إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَلاَ تُفْسِدُواْ فِی الأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاَحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» - . اعراف / ۵۴ - ۵۶ - ،

{در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا

یافت. روز را به شب- که شتابان در پی آن است- می پوشاند، و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آنِ اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان. پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.} و دو آیه آخر - سوره - الکهف: «قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا * قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاء رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»، {بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکّب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.» بگو: «من هم مثل شما بشری هستم. به من وحی می شود. همانا خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.»}

و ده آیه از اول - سوره - الصافات: «بسم الله الرحمن الرحيم وَالصَّافَّاتِ صَفًّا * فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا * فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا * إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ * رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ * إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ * وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ * لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَ يُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ * دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ * إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ»، {به نام خداوند بخشنده مهربان. سوگند به صف بستگان- که صفی [با شکوه] بسته اند-؛ و به زجرکنندگان- که به سختی زجر می کنند-؛ و به تلاوت کنندگان [آیات الهی]،که قطعاً معبود شما یگانه است. پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها. ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم. و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم [به طوری که] نمی توانند به انبوه [فرشتگانِ] عالَم بالا گوش فرادهند، و از هر سوی هدف قرار می گیرند. با شدّت به دور رانده می شوند، و برایشان عذابی دائم است. مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند، که شهابی شکافنده از پی او می تازد.}

و سه آیه از آخر آن: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، {منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند و درود بر فرستادگان و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.} و سه آیه از - سوره - الرحمن: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ * فَبِأَيِّ آلَاء رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ»، {ای گروه جنّیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلّطی رخنه نمی کنید. پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟ بر سَرِ شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس فروفرستاده خواهد شد، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید.}

و آخر - سوره - الحشر، از آیه:«لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاء الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، {اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مَثَل‌ها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. اوست خدایی که غیر از او

معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است. اوست بخشنده مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند.} - . البلد الامین: ۴۹-۵۰ -

**[ترجمه]

«۳۹»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، فِی سُنَنِ سَعِیدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ التَّوْحِیدَ کُلَّ یَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَمْ یُدْرِکْهُ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ ذَنْبٌ وَ إِنْ جَهَدَ الشَّیْطَانُ.

وَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ کُلَّ یَوْمٍ عَقِیبَ الصُّبْحِ عَشْراً- سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ عَافَاهُ اللَّهُ تَعَالَی مِنَ الْعَمَی وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْفَقْرِ وَ الْهَدْمِ.

وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ یُنْسِئَ اللَّهُ فِی عُمُرِهِ وَ یَنْصُرَهُ عَلَی عَدُوِّهِ وَ یَقِیَهُ مِیتَةَ السَّوْءِ فَلْیُوَاظِبْ عَلَی هَذَا الدُّعَاءِ بُکْرَةً وَ عَشِیَّةً- سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْ ءَ الْمِیزَانِ وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْکُرْسِیِّ ثَلَاثاً ثُمَّ یَقُولُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ کَذَلِکَ (۱).

**[ترجمه]«بالله الأحد»، شیخ بهایی- که رحمت خدا بر او باد- گفته است: همان طور که از واژه «الله» تمام صفات کمال، یعنی صفات ثبوتیه، اراده می‌شود، همین‌طور از واژه «أحد» تمام صفات جلال، یعنی صفات سلبیه اراده می‌شود؛ چرا که واحد حقیقی آن است که از نظر ذاتی، منزه از ترکیب ذهنی و خارجی، تعدد، و هر چیزی که مستلزم یکی از این دو، مانند جسمانی بودن و جا گرفتن، و مشارکت در حقیقت و لوازم آن، مانند واجب الوجود بودن و قدرت ذاتی و حکمت تامه، باشد، و «الصمد» همان محل رجوع و مقصود در نیازها است، و «الکفو»، یعنی مانند، پس ابتدای این سوره کریمه دلالت بر یگانگی (احدیّت) و آخر آن دلالت بر یکتایی (واحدیّت) دارد.

«برب الفلق»، «الفلق»، آنچه که از چیزی شکافته شود، یعنی پاره شود، که فعل به معنی مفعول است، و آن عام است و شامل تمام ممکنات می‌شود، چرا که خدای سبحان، تاریکی عدم آنها را با نور وجود شکافته است؛ «الفلق» با سکون لام، مصدر است، «فلقت الشیء، فلقاً»، یعنی آن را دو نیمه کردی، نیمه کردنی! «الغاسق»، یعنی شب بسیار تاریک؛ «وقب»، یعنی تاریکی... اش در همه چیز وارد شد؛ و «النفاثات فی العقد»، یعنی افراد، یا زنانی جادوگر که در گره‌هایی که می‌زنند، در آنها می‌دمند؛ این دلالت بر تأثیر داشتن جادو در او صلی الله علیه و آله ندارد، مانند دعای در «ربنا لا تؤاخذنا إن نسینا أو أخطأنا» - . البقره/ - ۲۸۶

و «الخناس»، یعنی کسی که وسوسه می‌کند، یعنی وقتی انسان پروردگارش را یاد می‌کند، آن را به تأخیر می‌اندازد.

کلام خدای متعال «لا تأخذه سنه و لا نوم»، «السنه» سستی قبل از خواب است و مقدم آمدن آن - هرچند روش نفی از بالا به

پـایین است، بر عکس اثبات - به خاطر مقـدم بودن طبیعی آن، چرا که منظور از آن، نفی این حالت ترکیبی است که حیوان از آن به دور نیست. «و لا یؤده»، یعنی سنگین و خسته نمی‌سازد.

«ثم استوی علی العرش»، یعنی چیره شد. «یغشـی اللیل النهار»، یعنی با آن می‌پوشاند. «یطلبه حثیثاً» - بر وزن - فعیل از «الحث»، یعنی با شـتاب آن را دنبال می‌کند، گویی یکی از آنها می‌خواهد دیگری را زود بگیرد. «و الشمس و القمر و النجوم» عطف به «السموات» و منصوب هسـتند و «مسخَّرات»، اگر منصوب خوانده شود، حال برای آن و اگر مرفوع، مبتدا است و «مسخراتٌ» به حـالت رفع، خبر آن است. «تضرعاً و خفیه»، یعنی در حـالتی که تضـرع پنهـانی داشـته باشـید، چرا که دعای پنهانی با ارزش‌تر است. «إنه لا یحب المعتدین» تفسیر به طالبان چیزی شده که سزاوار آن نبوده‌اند، مانند مقام پیامبری، و نیز تفسیر به آواز دادن در دعا شده. «و ادعوه خوفاً و طمعاً»، یعنی در حالتی که از بازگردانده شدن آن، به خاطر کوتاهی اعمال خودتان بیمناک، و به خاطر گسترده بودن رحمت خدا و فروانی بزرگواری او، امیدوار باشید.

«مداداً لکلمات ربی»، یعنی مرکّبی که با آن کلمات علم و حکمت خدا، مقامش باشکوه باد، نوشته می‌شود. «لنفد البحر»، یعنی تمام می‌شود و چیزی از آن باقی نمی‌ماند. در «و لو جئنا بمثله»، ضمیر برای «البحر» است. «مداداً»، یعنی اضافی و برای یاری او. «فمن کان یرجوا لقاء ربه»، یعنی بهترین بازگشت به او در روز قیامت است.

در «و الصافـات صـفاً»، «الصافـات» و «الزاجرات» و «التالیـات» به فرشـتگان طواف کننـده که هریـک در مقام بنـدگی خود و به حسب مراتبی که دارنـد، صف بسـته انـد، فرشـتگان بازدارنـده اجرام بالا‌یی و پـایینی که از آنها، فرمان الهی اراده نمی‌شود، و فرشـتگان تلاوت کننده آیات خدای متعال بر پیامبرانش، تفسـیر شده است. همچنین به افراد دانشـمند تفسـیر شده است: صـف بسته‌ها در عبادت، بازدارندگان از کفر و فسق، با دلایل و نصیحت‌ها، تلاوت کنندگان آیات خدا و دسـتورات او. همچنین به افراد مجاهـد تفسـیر شـده است: صف بسـتگان هنگـام نبرد، بازدارنـدگان اسب‌ها یا دشـمن، تلاوت کننـدگان آیات خـدا، که موقعیتی نبردی که در آن قرار گرفته اند، آنها را از تلاوت باز نمی‌دارد.

«رب المشارق»، یعنی محل‌های طلوع خورشـید، یا سـتارگان. «إنا زینا السـماء الدنیا»، یعنی آسمانی که به شما نزدیک‌تر است، برگرفته شـده از «دنـا، یـدنو». «بزینه الکواکب» اضـافه بیـانی است و اگر «الزینه» بـا تنوین خوانـده شود، «الکواکب» بـدل از آن خواهـد بود. آنچه معروف است، مبنی بر اینکه سـتارگان همگی در منظومه هشـتم قرار دارند و هفت منظومه باقیمانده، هریک به تنهـایی و جـداگانه، به یکی از سـیارات هفتگـانه مربوط هسـتند، نه چیز دیگر، دلیلی بر اثبات آن ارائه نشـده است؛ و شامل بودن منظومه ماه بر ستارگانی که در گذری غیر از مسیر سیارات و مسیر ستارگان رصد شده، قرار داشته باشند، دلیلی بر ممتنع بودنش ارائه نشده است، و اگر چنین چیزی ثابت شود، اشـکالی به زینت یافتن منظومه ماه با آن ستارگان نورانی وجود ندارد، به این خاطر که در منظومه ماه نیز دیده می‌شوند، هر چند در فضای بالای آن قرار گرفته باشند.

«و حفظاً من کل شیطان مارد»، «حفظاً» به خاطر مصدر بودن منصوب شده است، به عبارت دیگر، «و حفظناها حفظاً» است، چرا که پیش از آن، چیزی که برای عطف کردن باشـد، وجود ندارد؛ با این وجود، عطف بر علتی می‌شود که سـخن پیشـین دلالت بر آن دارد، یعنی «إنّا جعلنـا الکواکب زینهً و حفظـاً»، {مـا سـتارگان را برای زیبـایی و حفظ کردن قرار دادیم.} «المارد»، یعنی بیرون از اطاعت. «لا یسمعون» جمله ابتدائیه برای بیان حالت آنها است، نه صفت برای شیاطینی که از «کلّ شیطان مارد» فهمیده

می‌شود، چرا که از کسی که نمی‌شنود، مراقبت لازم نیست. «الملأ الأعلی»، یعنی ساکنان در جایگاه‌های بالاتر، همان‌گونه که «الملأ الأسفل»، جایگاه انسان‌ها و جن‌های ساکن در زمین است. متعدی کردن «السماع» یا «التسمّع» به وسیله «إلی» در هر دو نوع خواندن بدون تشدید و با تشدید، به خاطر داشتن معنی گوش دادن و مبالغه در نفی است.

«و یقذفون من کلِّ جانب دحوراً»، یعنی از طرف از اطراف آسمان که بخواهند دزدانه گوش دهند، هدف قرار می‌گیرند؛ «دحوراً» به معنی دور نمودن، مفعول لاجله است، یعنی برای دور نمودن به سوی آن‌ها پرتاب می‌کنند؛ یا اینکه به خاطر نزدیک بودن معنای آن با «القذف»، مفعول مطلق است. «و لهم عذاب واصب» یعنی در آخرت، «واصب»: همیشگی و شدید.

«إلا من خطف الخطفه» استثنا از فاعل «یسمعون» است، یعنی یک چیزی از کلام فرشتگان برباید. «فأتبعه شهابٌ ثاقِب»، یعنی شهاب روشنی که گویی فضا از پرتو آن شکافته می‌شود، او را دنبال می‌کند؛ گویا به نظر می‌رسد «الشهاب» همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ستاره‌ای باشد که در شرف افتادن است.

«أن تنفذوا» یعنی بیرون روید؛ «من اقطار السموات و الأرض» گریزان از خدای پاک. «فانفذوا» بیرون روید از آن؛ «لا تنفذون إلا بسلطان» یک جمله مستقل است، یعنی جز با قدرت تمام، توان نفوذ در آن را ندارید، و این قدرت تمام برای شما از کجاست؟ و «سلطان» مانند «غفران»، مصدر است و معنای آن، چیرگی است. «شواظ»، یعنی شعله‌ای از آتش؛ و «نحاس»، یعنی دود، یا مس گداخته‌ای که بر سرهایشان ریخته می‌شود؛ و مرفوع خواندن آن به خاطر عطف بر «شواظ» است و اگر مجرور خوانده شود، عطف بر «نار» خواهد بود؛ «فلا تنتصران»، یعنی از آن باز نمی‌دارید.

«مُتصدِّعاً من خَشیه الله»، «التصدع»، یعنی خرد شدن؛ منظور از آن، سرزنش خواننده برخشوع نداشتن هنگام خواندن قرآن، به دلیل سنگدلی و کم اندیشیدن در معانی آن است. تفسیر باقیمانده آیات، قبلاً گذشت و آن را در محل خود، بیشتر از این بسط داده‌ایم و قسمتی از آنها را اینجا آوردیم تا از شیخ قبلی خودمان، که خدا روانش را پاک گرداند، پیروی کرده باشیم.

**[ترجمه]

بیان

أی یقول و الحمد لله مل ء المیزان إلی آخره و لا إله إلا الله مل ء المیزان إلی آخره و الله أکبر مل ء المیزان إلی آخره کل ذلک ثلاثا و فی اختیار ابن الباقی التسبیح فقط ثلاثا و لیس فیه و سعه الکرسی.

۱- ۱. البلد الأمین: لم نجده.

**[ترجمه]البلـد الامین: در سـنن سـعید بن منصور از پیـامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده است که هر کس در هر روز ده مرتبه توحید را بخواند، در آن روز هیچ گناهی به او نمی‌رسد، هرچند شیطان تلاش نماید.

و از پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه روایـت شـده است که فرمـوده است: هرکس هر روز در دنبـاله نمـاز صـبح، ده مرتبه بگویـد: «سـبحان الله العظیم و بحمـده، و لاـ حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {خـدا منزه است و او را سـتایش می‌کنم، و هیـچ نیرو و توانی جز به سـبب خـدای والامرتبه بزرگ نیست.} خدای متعال او را از نابینایی و دیوانگی و جذام و ناداری و ویرانی در امان می‌دارد.

از امیر المؤمنین علیه السـلام روایت شـده است که فرموده است: از پیامبر صـلی الله علیه و آله شـنیدم می‌فرمود: هر کس خوش دارد که خدا عمرش را بیشتر قرار دهد، و او را در برابر دشـمنش یاری رساند، و از بد مردن نگاه دارد، پس صبح و شام بر این دعـا مواظبت نمایـد؛ سه مرتبه بگویـد: «سـبحان الله مـلء المیزان، و منتهی العلم، و مبلغ الرضا، و زنه العرش، و سـعه الکرسـی»، {خـدا، به گنجـایش میزان، و نهایت علم، و بیشترین خشـنودی، و هم وزن عرش، و وسـعت کرسـی، منزه است.} و همین طور بگویـد: «و الحمـد لله و لاـ إله إلاـ الله و الله أکبر»، {و سـتایش مخصوص خـداست، و هیـچ خـدایی جز او وجود نـدارد، و خـدا بزرگ‌تر است.}

**[ترجمه]

«۴۰»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، مِنْ کِتَابِ رَبِیعِ الْأَبْرَارِ عَنِ النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ کُلَّ یَوْمٍ مِائَهَ مَرَّهٍ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ کَانَ لَهُ أَمَاناً مِنَ الْفَقْرِ وَ أُونِسَ مِنْ وَحْشَهِ الْقَبْرِ وَ اسْتَجْلَبَ الْغِنَی وَ اسْتَقْرَعَ بَابَ الْجَنَّهِ(۱).

وَ فِی کِتَابِ وَابِلِ الصَّیِّبِ لِابْنِ الْقَیِّمِ عَنِ النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ کُلَّ یَوْمٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ مِائَهَ مَرَّهٍ لَمْ یُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَداً(۲).

وَ فِی فَضْـلِ الْحَوْقَلَهِ لِابْنِ عَسَاکِرَ عَنْهُ صـلی الله علیه و آله: أَکْثِرُوا مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ فَإِنَّهَا مُلْکُ الْجَنَّهِ مَنْ أَکْثَرَ مِنْهَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَیْهِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ فَقَدْ أَصَابَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۳).

وَ فِی کِتَابِ الْأَنْوَارِ وَ الْأَذْکَارِ: أَنَّ جَبْرَئِیـلَ أَتَی إِلَی النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله وَ قَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ یَقُولُ لَکَ قُلْ لِأُمَّتِکَ أَنْ یَقُولُوا لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ عَشْـراً عِنْدَ الْمَسَاءِ وَ عَشْراً عِنْدَ الصَّبَاحِ وَ عَشْراً عِنْدَ النَّوْمِ لِیَدْفَعَ اللَّهُ تَعَالَی عَنْهُمْ عِنْدَ النَّوْمِ بَلْوَی الدُّنْیَا وَ عِنْدَ الْمَسَاءِ مَکِیدَهَ الشَّیْطَانِ وَ عِنْدَ الصَّبَاحِ غَضَبَهُ تَعَالَی (۴).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السـلام عَنْ أَبِیهِ الْبَاقِرِ علیه السـلام: أَنَّهُ مَنْ قَرَأَ الْقَدْرَ بَعْدَ الصُّبْحِ عَشْراً وَ حِینَ تَزُولُ الشَّمْسُ عَشْراً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ عَشْراً أَتْعَبَ أَلْفَیْ کَاتِبٍ ثَلَاثِینَ سَنَهً(۵).

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: مَا قَرَأَهَا عَبْدٌ سَبْعَ مَرَّاتٍ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَّا صَلَّی عَلَیْهِ سَبْعُونَ صَفّاً مِنَ الْمَلَائِکَهِ سَبْعِینَ صَلَاهً وَ تَرَحَّمُوا عَلَیْهِ سَبْعِینَ رَحْمَهً(۶).

وَ ذَکَرَ الشَّیْخُ عِزُّ الدِّینِ الْحَسَنُ بْنُ نَاصِرٍ الْحَدَّادُ الْعَامِلِیُّ فِی کِتَابِهِ طَرِیقِ النَّجَاهِ قَالَ رُوِیَ عَنِ الْإِمَامِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی: أَنَّهُ مَنْ قَرَأَ سُورَهَ الْقَدْرِ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَهٍ سِتّاً وَ سَبْعِینَ مَرَّهً خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَی لَهُ أَلْفَ مَلَکٍ یَکْتُبُونَ ثَوَابَهَا سِتَّهً وَ ثَلَاثِینَ أَلْفَ عَامٍ وَ یُضَاعِفُ اللَّهُ تَعَالَی اسْتِغْفَارَهُمْ لَهُ أَلْفَیْ سَنَهٍ أَلْفَ مَرَّهٍ وَ تَوْظِیفُ ذَلِکَ فِی سَبْعَهِ أَوْقَاتٍ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ قَبْلَ صَلَاهِ الْغَدَاهِ تَقْرَأُ سَبْعاً وَ بَعْدَ صَلَاهِ الْغَدَاهِ عَشْراً وَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ النَّافِلَهِ

۱- ۱. البلد الأمین لم نجده.

۲- ۲. البلد الأمین لم نجده.

۳- ۳. لم نجده فی المصدر المطبوع.

۴- ۴. لم نجده فی المصدر المطبوع.

۵- ۵. لم نجده فی المصدر المطبوع.

۶- ۶. لم نجده فی المصدر المطبوع.

عَشْراً وَ بَعْدَ نَوَافِلِ الزَّوَالِ أحدا [إِحْدَى] وَ عِشْرِينَ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ عَشْراً وَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ سَبْعاً وَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ إِحْدَى عَشَرَةَ فَذَلِكَ سِتٌّ وَ سَبْعُونَ فِي سَبْعَةِ أَوْقَاتٍ ثُمَّ ذَكَرَ ثَوَاباً جَزِيلًا نَذْكُرُهَا فِي كِتَابِ الْقُرْآنِ (۱).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى أَرْبَعاً فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ (۲).

**[ترجمه]یعنی بگوید: «و الحمد لله ملء المیزان»، {سپاس خدا را به گنجایش میزان} تا آخرش، و «لا إله إلا الله ملء المیزان» {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، به گنجایش میزان} تا آخرش، و «الله أکبر ملء المیزان» {خدا بزرگ‌تر است، به گنجایش میزان} تا آخرش؛ همه اینها را سه مرتبه بگوید. در اختیار ابن الباقی، فقط سه مرتبه گفتن «سبحان الله» تا آخرش بیان شده است و در آن، «و سعه الکرسی»، {و وسعت کرسی} وجود ندارد.

**[ترجمه]

«۴۱»

الْمُهَجُ، [مهج الدعوات] رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا وَ إِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ (۳).

**[ترجمه]البلد الامین: به نقل از کتاب ربیع الأبرار، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس روزانه صد مرتبه بگوید: «لا إله إلا الله الملک الحق المبین»، {هیچ خدایی جز الله، فرمانروای راستین و آشکار، وجود ندارد.} از ناداری در امان خواهد بود و از وحشت قبر رهایی خواهد یافت و به توانگری می‌رسد و در بهشت را خواهد کوبید. - . در البلد الامین یافت نشد. -

در کتاب وابل الصیب از ابن القیم، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس روزانه صد مرتبه بگوید: «لا حول و لا قوه إلا بالله»، {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} هرگز به ناداری دچار نخواهد شد. - . در البلد الامین یافت نشد. -

در کتاب فضل الحوقله (فضیلت لا حول ولا قوه الّا بالله) از ابن عساکر، از آن حضرت، صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} را فراوان بگویید که آن، فرشته بهشت است و خدا به هیچ کس به اندازه او نظر نمی‌کند، پس هر کس به سوی او نظر کند، از خوبی دنیا و آخرت برخوردار گردیده است. - . در منبع اشاره شده یافت نشد. -

در کتاب الأنوار و الأذکار آمده که جبرئیل نزد پیامبر آمد و به او فرمود: خداوند به تو می‌فرماید: به امت بگو «لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} را ده مرتبه هنگام شب و ده مرتبه هنگام صبح و ده مرتبه هنگام خواب بگویند تا خداوند متعال هنگام خواب، گرفتاری‌های دنیا را، و هنگام شب، نیرنگ‌های

شیطان را و هنگام صبح، خشم خودش را از آنها دور کند. - . در منبع اشاره شده یافت نشد. -

امام صادق از پدرش امام باقر علیهما السلام نقل کرده که فرموده است: هر کس سوره قدر را ده مرتبه هنگام صبح و ده مرتبه هنگام نیمروز و ده مرتبه بعد از عصر بخواند، دو هزار فرشته نویسنده ثواب آن را به مدت سی سال به زحمت انداخته است. - . در منبع اشاره شده یافت نشد -

امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای آن سوره را هفت مرتبه بعد از نماز صبح نخواند، جز اینکه هفتاد صف از فرشتگان هفتاد مرتبه بر او درود فرستاده و برای او از خدا هفتاد مرتبه تقاضای رحمت می‌کنند. - . در منبع اشاره شده یافت نشد -

شیخ عز الدین حسن بن ناصر الحداد العاملی در کتابش طریق النجاه گفته است: از امام محمد تقی علیه السلام روایت شده که هر کس در هر شبانه روز سوره قدر را هفتاد و شش مرتبه بخواند، خداوند متعال برای او هزار فرشته خلق می‌کند که سی و شش هزار سال ثواب آن را بنویسند، و خدای متعال طلب آمرزش آنها برای او را به هزار مرتبه در دو هزار سال بیشتر می‌کند؛ خواندن روزمره آن در هفت وقت است: بعد از سپیده دم و قبل از نماز صبح، هفت مرتبه می‌خوانی، ده مرتبه بعد از نماز صبح، ده مرتبه هنگامی که خورشید به میانه آسمان رسید و قبل از نافله، بیست و یک مرتبه بعد از نافله‌های نیمروز، ده مرتبه بعد از نماز عصر، و هفت مرتبه بعد از نماز عشا، و یازده مرتبه وقتی که به بستر می‌روی، که مجموع اینها هفتاد و شش مرتبه در هفت وقت می‌شود؛ سپس ثواب بسیاری برای این بیان کرد که ما آن را در کتاب القرآن ذکر می‌کنیم. - . در منبع اشاره شده یافت نشد -

امام صادق علیه السلام فرموده است: هرکس هنگام صبح کردن، چهار مرتبه بگوید: «الحمد لله رب العالمین»، {ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.} شکر آن روزش را بجای آورده است، و هر کس هنگام شب شدن آن را چهار مرتبه بگوید، شکر آن شبش را بجای آورده است. - . البلد الامین: ۵۵ (در حاشیه) -

**[ترجمه]

«۴۲»

الْكَافِي، فِي الصَّحِيحِ عَنْ حَمَّادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يُصَلِّي الْفَجْرَ لَمْ يَرَ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْئاً يَكْرَهُهُ (۴).

مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْمُفِيدِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الْجُذَامُ وَ الْبَرَصُ.

**[ترجمه]المهج: امام رضا علیه السلام فرموده است: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود

ندارد.} از - نزدیکی - سیاهی چشم به سفیدی آن، به اسم اعظم خدا نزدیک‌تر خواهد بود و همان اسم بزرگ خدا داخل در آن است. -. مهج الدعوات: ۳۹۴ -

**[ترجمه]

«۴۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ (۵)، بِسَنَدِهِ الْمُتَقَدِّمِ وَ مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۶)

وَ الْكَفْعَمِيُ (۷)

ص: ۱۶۲

۱- ۱. لم نجده فی المصدر المطبوع.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۵۵ فی الهامش.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۹۴.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۳۰.

۵- ۵. لم یطبع ما یتعلق بصلاه الصبح و تعقیبها و أمّا السند فتراه فی ص ۱۷۷.

۶- ۶. مصباح المتهجد ص ۱۵۲- ۱۵۳.

۷- ۷. مصباح الکفعمیّ ص ۶۸ و ۶۹.

وَ ابْنُ الْبَاقِي وَ الْمَكَارِمُ (۱)

وَ غَيْرُهَا مِنْ رِوَايَهِ مُعَاوِيَهَ بْنِ عَمَّارٍ فِي أَعْقَابِ الصَّلَوَاتِ: تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً- وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْراً

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ عَلَى إِدْبَارِ اللَّيْلِ وَ إِقْبَالِ النَّهَارِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ مُظْلِماً بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِراً بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَ نَحْنُ فِي عَافِيَتِهِ وَ سَلَامَتِهِ وَ سِتْرِهِ وَ كِفَايَتِهِ وَ جَمِيلِ صُنْعِهِ مَرْحَباً بِخَلْقِ اللَّهِ الْجَدِيدِ وَ الْيَوْمِ الْعَتِيدِ وَ الْمَلَكِ الشَّهِيدِ مَرْحَباً بِكُمَا مِنْ مَلَكَيْنِ كَرِيمَيْنِ وَ حَيَّاكُمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ حَافِظَيْنِ أُشْهِدُكُمَا فَاشْهَدَا لِي وَ اكْتُبَا شَهَادَتِي هَذِهِ مَعَكُمَا حَتَّى أَلْقَى بِهَا رَبِّي إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ الْقُرْآنَ حَقٌّ وَ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ مُسَاءَلَهَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ السَّاعَهَ آتِيَهٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْتُبِ اللَّهُمَّ شَهَادَتِي عِنْدَکَ مَعَ شَهَادَهِ أُولِي الْعِلْمِ بِکَ يَا رَبِّ وَ مَنْ أَبَى أَنْ يَشْهَدَ لَکَ بِهَذِهِ الشَّهَادَهِ وَ زَعَمَ أَنَّ لَکَ نِدّاً أَوْ لَکَ وَلَداً أَوْ لَکَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۳۴۸- ۳۵۰.

صَاحِبَهً أَوْ لَکَ شَرِیکاً أَوْ مَعَکَ خَالِقاً أَوْ رَازِقاً فَأَنَا بَرِی ءٌ مِنْهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً کَبِیراً فَاکْتُبِ اللَّهُمَّ شَهَادَتِی مَکَانَ شَهَادَتِهِمْ وَ أَحْیِنِی عَلَی ذَلِکَ وَ أَمِتْنِی عَلَیْهِ وَ ابْعَثْنِی عَلَیْهِ- وَ أَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبادِکَ الصَّالِحِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَبِّحْنِی مِنْکَ صَبَاحاً صَالِحاً مُبَارَکاً مَیْمُوناً لَا خَازِیاً وَ لَا فَاضِحاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ أَوَّلَ یَوْمِی هَذَا صَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ فَلَاحاً وَ آخِرَهُ نَجَاحاً وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ یَوْمٍ أَوَّلُهُ فَزَعٌ وَ أَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَ آخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ یَوْمِی هَذَا وَ خَیْرَ مَا فِیهِ وَ خَیْرَ مَا قَبْلَهُ وَ خَیْرَ مَا بَعْدَهُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا فِیهِ وَ شَرِّ مَا قَبْلَهُ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِی بَابَ کُلِّ خَیْرٍ فَتَحْتَهُ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْخَیْرِ وَ لَا تُغْلِقْهُ عَنِّی أَبَداً وَ أَغْلِقْ عَنِّی بَابَ کُلِّ شَرٍّ فَتَحْتَهُ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِّ وَ لَا تَفْتَحْهُ عَلَیَّ أَبَداً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی کُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَشْهَدٍ وَ مُقَامٍ وَ مَحَلٍّ وَ مُرْتَحَلٍ وَ فِی کُلِّ شِدَّهٍ وَ رَخَاءٍ وَ عَافِیَهٍ وَ بَلَاءٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی مَغْفِرَهً عَزْماً جَزْماً لَا تُغَادِرْ لِی ذَنْباً وَ لَا خَطِیئَهً وَ لَا إِثْماً اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَیْکَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِیهِ وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا أَعْطَیْتُکَ مِنْ نَفْسِی ثُمَّ لَمْ أَفِ لَکَ بِهِ وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخَالَطَهُ مَا لَیْسَ لَکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِی یَا رَبِّ وَ لِوَالِدَیَّ وَ مَا وَلَدَا وَ مَا وَلَدْتُ وَ مَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ- وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَضَی عَنِّی صَلَاهً- کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً وَ لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ الْغَابِرِینَ (۱).

**[ترجمه]الکافی: در روایت صحیح از حماد آمده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: هرکس هنگام خواندن نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «ما شاء الله کان، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {هرچه خدا خواسته، موجود است؛ هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} در آن روزش چیز ناپسندی نمی‌بیند. - . الکافی ۲: ۵۳۰ -

از خط شهید، با اسناد به مفید و با اسناد او از محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و قبل از اینکه سخنی بگوید، بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان؛ هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.} و آن را هفت مرتبه تکرار کند، خداوند هفتاد نوع گرفتاری را که کمترین آنها جذام و برص است، از او دور می کند .

**[ترجمه]

بیان

همزات الشیاطین وساوسهم و أصل الهمز النخس شبه حثهم الناس علی المعاصی بهمز الراضه الدواب علی المشی و الجمع للمرات أو لتنوع الوساوس أو لتعدد المضاف إلیه أَنْ یَحْضُرُونِ بکسر النون الداله علی الیاء المحذوفه أی

۱- ۱. البلد الأمین ص ۵۳- ۵۵، و فیه من الغافلین.

يحوموا حولى فى شى ء من الأحوال و الملك الشهيد أريد جنس الملك بالهدى أى متلبسا بالحجج و البينات و الدلائل و البراهين و دين الحق و هو الإسلام و ما تضمنه من الشرائع ليظهره ليعلى دين الإسلام على جميع الأديان بالحجه و البرهان رغما للمشركين هُوَ الْحَقُّ أى الثابت بذاته الظاهر الألوهيه الذى ليس شى ء من أموره باطلا الْمُبِينُ المظهر للأشياء وجودا و عدما و الند المثل و النظير لا تغادر أى لا تترك لما أعطيتك من نفسى أى عهدتك و وعدتك و عزمت عليه من أمور نفسى من فعل الطاعات و ترك المعاصى.

**[ترجمه]فلاح السائل: - . در مورد نماز صبح و تعقیبات آن، چیزی به چاپ نرسیده است، ولی سند آن را در صفحه ۱۷۷ می‌توانی ببینی. -

با سند پیش گفته و مصباح الشیخ - . مصباح المتهجد: ۱۵۲-۱۵۳ -

و الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۶۸-۶۹ -

و ابن الباقی و المکارم - . مکارم الاخلاق: ۳۴۸-۳۵۰ -

و سایرین از روایت معاویه بن عمار در مورد تعقیب نمازها آورده‌اند که بعد از نماز صبح می گویی: {به نام خدای بخشنده مهربان، و درود خدا بر محمد و اهل بیتش، همان پاک شدگان و برگزیدگان و پرهیزکاران و نیکان، کسانی که خدا، آلودگی را از آنها دور کرد و پاک و پاکیزه ساخت؛ کارم را به خدا واگذار می‌کنم و موفقیت من جز با خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است، به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرّر کرده است؛ هر چه را که خواسته است، وجود دارد، خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است؛ و از بدی شیطان رانده شده، و از وسوسه های شیطان‌ها به خدای شنوای دانا پناه می برم؛ و پروردگارا، از اینکه [آنها] پیش من حاضر شوند، به تو پناه می آورم؛ هیچ نیرو و قوتی جز به سبب خدای والا مرتبه بزرگ وجود ندارد.

ستایش فراوان به خاطر روی گردانیدن شب و روی آوردن روز، مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، آن‌گونه ستایشی که او سزاوار و شایسته آن است، و آن‌گونه که شایسته بزرگواری جلوه‌اش و شکوه ارجمندی‌اش می‌باشد. سپاس خدایی را که با قدرت خودش شب تاریک را برد، و با رحمت خودش روز روشن را در آفرینشی نو آورد و ما در ایمنی و سلامت و پوشش و کفایت و احسان زیبای او قرار داریم.

خوش آمد می‌گویم به آفرینش تازه خدا، و روز آماده، و فرشته گواه. خوش آمد می‌گویم به شما دو فرشته بزرگوار، و خدا شما را گرامی بدارد ای دو نویسنده و حفظ کننده. من شما را گواه می‌گیرم پس شما نیز برای من گواهی دهید و این گواهی مرا همراه خودتان یادداشت کنید تا آنکه پروردگارم را با این دیدار کنم که گواهی می‌دهم هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه و هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست که او را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند؛ و بر اینکه دین، همان‌گونه است که او تشریع کرده، و اسلام، همان‌گونه است که او توصیف کرده، و سخن، همان است که او گفته است؛ و بر اینکه خدا، همان

خدای حق و آشکار است، و پیامبر فرستاده راستین است، و قرآن حقیقت دارد، و مرگ حقیقت دارد، و پرسش کردن نکیر و منکر در قبر حقیقت دارد، و برانگیخته شدن حقیقت دارد، و صراط حقیقت دارد، و سنجش اعمال حقیقت دارد، و بهشت حقیقت دارد، و آتش حقیقت دارد، و آن لحظه بی‌تردید آمدنی است و خدا آنچه را که در قبرها است، برمی‌انگیزد.

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گواهی مرا ای خدا، پیش خودت به همراه گواهی صاحبان دانش از ناحیه تو، بنویس. ای پروردگار، و هر کس از این‌گونه گواهی دادن برای تو سر باز زند، و گمان برد که برای تو همتایی یا فرزندی، یا همسری، یا شریکی هست، یا همراه تو آفریدگار یا روزی دهنده‌ای وجود دارد، پس من از آنها بیزارم. هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، مبارک هستی و بسیار والاتر از آنچه ستمکاران می‌گویند، والامرتبه گشته‌ای؛ پس ای خدا، گواهی مرا به جای گواهی آنان بنویس و مرا بر آن زنده بدار و بر آن بمیران، و بر آن برانگیخته ساز، و مرا با رحمت خودت در میان بندگان نیک خودت وارد گردان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و صبح مرا از ناحیه خودت صبحی نیکو و پربرکت و خجسته و نه خوار کننده و رسوا کننده، قرار ده؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ابتدای این روزم را نیکویی، میانه آن را رستگاری، و پایان آن را پیروزی قرار ده؛ و از روزی که ابتدای آن ناله و زاری، میانه آن ناشکیبایی، و پایان آن رنجوری باشد، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و خوبی این روزم را، و خوبی هر چه در آن است، و خوبی هر چه قبل از آن، و خوبی هر چه بعد از آن را برایم روزی کن؛ و از بدی آن، و بدی هر چه در آن است، و بدی هر چه قبل از آن، و بدی هر چه بعد از آن، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و هر دری از خوبی که بر هر یک از اهل خوبی گشوده‌ای، برای من بگشا و هرگز آن را بر من مبند؛ و هر دری از بدی که بر هر یک از اهل بدی گشوده‌ای، بر من ببند، و هرگز آن را بر من نگشا؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در هر مکان و اجتماع و اقامتگاه و محل ماندن یا کوچ کردن، و در سختی و آسانی و ایمنی و گرفتاری، با محمد و خاندان محمد قرار ده؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به صورت قطعی و استوار، که برایم هیچ گناه و اشتباه و معصیتی باقی نمانده باشد، بیامرز.

خدایا، از هر گناهی که توبه کردم ولی باز به سوی آن بازگشتم، از تو آمرزش می‌خواهم؛ و به خاطر آنچه با تو وعده کردم ولی در مورد آن، با تو وفا نکردم، آمرزش می‌خواهم؛ و به خاطر آنچه با آن، رسیدن به تو را اراده کردم ولی آن را با آنچه برای تو نیست، آمیختم، آمرزش می‌خواهم؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من و بر پدر و مادرم و فرزندان آن دو، و بر فرزندان من و بر تمام فرزندان مردان و زنان مؤمن، چه زنده باشند و چه مرده، و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند، ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند، کینه ای مگذار؛ پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی؛ سپاس خدایی را که نماز - دیگری - را که بر مؤمنان نوشته شده و وقت‌دار است، از عهده من برداشت و مرا از باقی ماندگان - در عذاب - قرار نداد.} - . البلد الامین: ۵۳-۵۵ (در آن، «من الغافلین» {از غفلت زدگان} آمده است.) -

**[ترجمه]

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۱)، وَ كِتَابُ الْكَفْعَمِي (۲)، وَ غَيْرُهُمَا: ثُمَّ تَـدْعُو بِدُعَاءِ الْكَامِلِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْحَرِيقِ فَتَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ وَ سُکَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِکَ وَ أَرَضِیکَ وَ أَنْبِیَاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ وَرَثَهَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ الصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکَ وَ جَمِیعَ خَلْقِکَ فَاشْهَدْ لِی وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً إِلَهِی إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِکَ إِلَی قَرَارِ أَرْضِکَ السَّابِعَهِ السُّفْلَی بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ مَا خَلَا وَجْهَکَ الْکَرِیمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْرَمُ وَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ یَصِفَ الْوَاصِفُونَ کُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ إِلَی کُنْهِ عَظَمَتِهِ یَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِینَ فَخْرُ مَدْحِهِ وَ عَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِینَ مَآثِرُ مَدْحِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَقَالَهِ النَّاطِقِینَ بِعَظِیمِ شَأْنِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ یَا أَهْلَ التَّقْوَی وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ- هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ- لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ

ص: ۱۶۵

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۱۵۳- ۱۵۹.

۲- ۲. مصباح الکفعمیّ ص ۷۲- ۷۸.

قَدِيرٌ إِحْدَى عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ تَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَ زِنَهَ عَرْشِهِ وَ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرَضِيهِ وَ عَدَدَ مَا جَرَى بِهِ عِلْمُهُ وَ أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ رِضَى نَفْسِهِ إِحْدَى عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ وَ صَلِّ عَلَى جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَهِ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ وَ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً حَتَّى تُبْلِغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ وَ صَلِّ عَلَى رِضْوَانَ وَ خَزَنَهِ الْجِنَانِ وَ صَلِّ عَلَى مَالِكٍ وَ خَزَنَهِ النِّيرَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً حَتَّى تُبْلِغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ السَّفَرَهِ الْكِرَامِ الْبَرَرَهِ وَ الْحَفَظَهِ لِبَنِي آدَمَ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَهِ الْهَوَاءِ وَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ مَلَائِكَهِ الْأَرَضِينَ السُّفْلَى وَ مَلَائِكَهِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ الْبَرَارِي وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْقِفَارِ وَ الْأَشْجَارِ وَ صَلِّ عَلَى الْمَلَائِكَهِ الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ وَ

تَقْدِيسِكَ وَ عِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَ أُمِّنَا حَوَّاءَ وَ مَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَ عَلَى أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ وَ عَلَى ذُرِّيَّهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ بَشِيرٍ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ امْرَأَهٍ صَالِحَهٍ كَفَلَتْ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَلَكٍ هَبَطَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ مَنْ فِي صَلَاتِكَ

عَلَيْهِ رِضًا لَکَ وَ رِضًا لِنَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ أَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى وَ زِدْهُ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَ لَفْظَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ نَفَسٍ وَ صِفَةٍ وَ سُكُونٍ وَ حَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَ مِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَ بِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِيقَاتِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِيهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا خَلَقْتَ وَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَلَاةً تَرْضَاهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمَنُّ وَ الْفَضْلُ وَ الطَّوْلُ وَ الْخَيْرُ وَ الْحُسْنَى وَ النِّعْمَةُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْمُلْکُ وَ الْمَلَكُوتُ وَ الْقَهْرُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْفَخْرُ وَ السُّؤْدُدُ وَ الِامْتِنَانُ وَ الْكَرَمُ وَ الْجَلَالُ وَ الْإِكْرَامُ وَ الْجَمَالُ وَ الْكَمَالُ وَ الْخَيْرُ وَ التَّوْحِيدُ وَ التَّمْجِيدُ وَ التَّحْمِيدُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّكْبِيرُ وَ التَّقْدِيسُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الْمَغْفِرَةُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْعَظَمَةُ وَ لَکَ مَا زَكَى وَ طَابَ وَ طَهُرَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَدِيحِ الْفَاخِرِ وَ الْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَ تُرْضِي بِهِ قَائِلَهُ وَ هُوَ رِضًى لَکَ حَتَّى يَتَّصِلَ حَمْدِي

بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ وَ ثَنَائِي بِأَوَّلِ ثَنَاءِ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ وَ تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ وَ تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ وَ قَوْلِيَ الْحَسَنُ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلٌ ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ الرِّمَالِ وَ التِّلَالِ وَ الْجِبَالِ وَ عَدَدِ جُرَعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ عَدَدِ الثَّرَى وَ الْحَصَى وَ النَّوَى وَ الْمَدَرِ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ عَدَدِ زِنَةِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَ بِعَدَدِ حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ وَ عَدَدِ أَزْمَاقِهِمْ (١)

وَ دَقَائِقِهِمْ وَ شَعَائِرِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِيهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ أَنْفَاسِهِمْ وَ بِعَدَدِ زِنَةِ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ بِهِ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرَّةِ ذَلِكَ وَ أَضْعَافِ ذَلِكَ وَ كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبٍّ اسْتَحْدَثْنَاكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيَشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّداً أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أُعِيذُ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ قَرَابَاتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَحِمٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَوْ يَدْخُلُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُزَانَتِي وَ خَاصَّتِي وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ يَداً أَوْ رَدَّ عَنِّي غِيبَةً أَوْ قَالَ فِيَّ خَيْراً أَوِ اتَّخَذْتُ

۱- ۱. فی البلد الأمين: أزمانهم، و ما فی الصلب جعله المصباح، خ ل.

عِنْدَهُ يَداً أَوْ صَنِيعَهً وَ جِيرَانِی وَ إِخْوَانِی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّهِ الْعَامَّهِ الشَّامِلَهِ الْكَامِلَهِ الطَّاهِرَهِ الْفَاضِلَهِ الْمُبَارَكَهِ الْمُتَعَالِیَهِ الزَّاكِیَهِ الشَّرِیفَهِ الْمَنِیعَهِ الْكَرِیمَهِ الْعَظِیمَهِ الْمَخْزُونَهِ الْمَكْنُونَهِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ بِأُمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا بَیْنَهُمَا مِنْ سُورَهٍ شَرِیفَهٍ وَ آیَهٍ مُحْكَمَهٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَهٍ وَ عُوذَهٍ وَ بَرَكَهٍ وَ بِالتَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ صُحُفِ إِبْرَاهِیمَ وَ مُوسَی وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ حُجَّهٍ أَقَامَهَا اللَّهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ آلَاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ أُعِیذُ نَفْسِی وَ أَسْتَعِیذُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبِّی مِنْهُ أَكْبَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ السَّلَاطِینِ وَ إِبْلِیسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْیَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِی النُّورِ وَ الظُّلْمَهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ آفَهٍ وَ نَدَمٍ وَ نَازِلَهٍ وَ سُقْمٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا یَحْدُثُ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَأْتِی بِهِ الْأَقْدَارُ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِی النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِی الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْقِفَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَ الْفُجَّارِ وَ الْكُهَّانِ وَ السُّحَّارِ وَ الْحُسَّادِ وَ الذُّعَّارِ وَ الْأَشْرَارِ وَ مِنْ شَرِّ ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَ الْغَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ مِنْ ضَلَعِ الدَّیْنِ وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ وَ مِنْ عَمَلٍ لَا یَنْفَعُ وَ مِنْ عَیْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ وَ مِنْ نَصِیحَهٍ لَا تَنْجَعُ وَ مِنْ صَحَابَهٍ لَا تَرْدَعُ وَ مِنِ اجْتِمَاعٍ عَلَی نُكْرٍ وَ تَوَدُّدٍ عَلَی خُسْرٍ أَوْ تَوَاخُذٍ عَلَی خُبْثٍ وَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ الْأَنْبِیَاءُ الْمُرْسَلُونَ وَ الْأَئِمَّهُ الْمُطَهَّرُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ عِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِیَنِی مِنَ الْخَیْرِ مَا سَأَلُوا

وَ أَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَ دِينِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَ وُلْدِي وَ قَرَابَاتِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى جِيرَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِخْوَانِي وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوِ اتَّخَذَ عِنْدِي يَداً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ بِرّاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ يَرْزُقُنِي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْ ءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صِلْنِي بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصِلَهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَ الرَّدَى وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ وَلِيُّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجِي وَ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ وَ أَشْهِدْنِي أَيَّامَهُمْ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَةً حَتَّى لَا يَخْلُصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ وَ عَلَيَّ مَعَهُمْ وَ عَلَى شِيعَتِهِمْ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ- حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ- وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَ أَلْتَجِئُ إِلَى اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أُحَاوِلُ وَ أُصَاوِلُ وَ أُكَاثِرُ وَ أُفَاخِرُ وَ أَعْتَزُّ وَ أَعْتَصِمُ- عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابِ- لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَدَدَ الْحَصَى وَ الثَّرَى وَ النُّجُومِ وَ الْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (1).

١- ١. البلد الأمين ص ٥٣- ٥٩.

وَ مِمَّا خَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام زِيَادَةً فِی هَذَا الدُّعَاءِ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ ره: اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ إِلَهُ مَنْ فِی الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ جَبَّارُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ جَبَّارُ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ خَالِقُ مَنْ فِی الْأَرْضِ لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ حَكَمُ مَنْ فِی الْأَرْضِ لَا حَكَمَ فِيهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِی يَصْلُحُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ يَا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيّاً حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَی وَ يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَيِّباً وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّی كُلَّ غَمٍّ وَ كُلَّ هَمٍّ وَ أَنْ تُعْطِيَنِی مَا أَرْجُوهُ وَ آمُلُهُ إِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۱).

**[ترجمه]«همزات الشياطين»: وسوسه‌های آنان؛ «الهمز» در اصل، به معنی خستن و مجروح کردن است و تحریک انسان‌ها توسط آنان به گناه، به در خستن حیوانات با تازیانه برای راه رفتن تشبیه شده است، جمع آمدن آن به خاطر بارها تکرار شدن آن، یا گوناگون بودن وسوسه‌ها، یا متعدد بودن مضاف الیه است. «أن یحضرون» با کسره نون که دلالت بر یاء حذف شده دارد، یعنی در یک لحظه‌ای از حالات، اطراف مرا بگیرند؛ از «الملک الشهید»، جنس فرشته اراده شده است. «بالهدی»، یعنی آمیخته با حجت‌ها و روشنگری‌ها و دلایل و برهان‌ها؛ «و دین الحقّ»، یعنی اسلام و آنچه از آیین‌های آسمانی دیگر را شامل می‌شود؛ «لیظهره»، یعنی با وجود ناپسندی مشرکان، دین اسلام را با حجت و برهان بر تمام دین‌های دیگر برتری دهد؛ «هو الحقّ» ذات او ثابت و خدایی او آشکار است و هیچ یک از کارهایش باطل نیست؛ «المبین»، یعنی کسی که برای اشیاء، چه در حال وجود و چه در حالت عدم، آشکار است؛ «النّد» یعنی مثل و مانند؛ «لا تغادر»، یعنی ترک نکند؛ «لما أعطیت من نفسی»، یعنی از امور خودم که شامل انجام عبادات و ترک گناهان می‌شود، با تو عهد و پیمان بسته و تصمیم جدی بر آن گرفته‌ام.

**[ترجمه]

بیان

فهم بعض الأصحاب أن دعاء الحريق ينتهی عند قوله و أهل المغفره ثلاثا و يحتمل أن يكون الجميع منه إلی قوله إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

وَ قَالَ الْكَفْعَمِيُّ فِی كِتَابَيْهِ إِنَّمَا سُمِّيَ هَذَا الدُّعَاءُ بِدُعَاءِ الْحَرِيقِ لِمَا رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُ أَبِی مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ علیهما السلام يَقُولُ: كُنْتُ مَعَ أَبِی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام بِقُبَا يَعُودُ شَيْخاً مِنَ الْأَنْصَارِ إِذَا أَتَی أَبِی علیه السلام آتٍ وَ قَالَ لَهُ الْحَقْ دَارَكَ فَقَدِ احْتَرَقَتْ- فَقَالَ علیه السلام لَمْ تَحْتَرِقْ فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ وَ قَالَ قَدِ احْتَرَقَتْ فَقَالَ أَبِی علیه السلام وَ اللَّهِ مَا احْتَرَقَتْ فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ وَ مَعَهُ جَمَاعَهٌ مِنْ أَهْلِنَا وَ مَوَالِينَا وَ هُمْ يَبْكُونَ وَ يَقُولُونَ لِأَبِی قَدِ احْتَرَقَتْ دَارُكَ

١- ١. مصباح الشيخ ص ١٥٩- ١٦٠، البلد الأمين ٥٩- ٦٠.

فَقَالَ كَلَّا وَ اللَّهِ مَا احْتَرَقَتْ وَ إِنِّی بِرَبِّی أَوْثَقُ مِنْکُمْ ثُمَّ انْکَشَفَ الْأَمْرُ عَنِ احْتِرَاقِ جَمِیعِ مَا حَوْلَ الدَّارِ إِلَّا هِیَ فَقَالَ أَبِی الْبَاقِرُ علیه السلام لِأَبِیهِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام مَا هَذَا فَقَالَ یَا بُنَیَّ شَیْ ءٌ نَتَوَارَثُهُ مِنْ عِلْمِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله هُوَ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنَ الدُّنْیَا وَ مَا فِیهَا مِنَ الْمَالِ وَ الْجَوَاهِرِ وَ الْأَمْلَاکِ وَ أَعَدُّ مِنَ الرِّجَالِ وَ السِّلَاحِ وَ هُوَ سِرٌّ أَتَی بِهِ جَبْرَئِیلُ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَعَلَّمَهُ عَلِیّاً وَ ابْنَتَهُ فَاطِمَهَ وَ تَوَارَثْنَا نَحْنُ وَ هُوَ الدُّعَاءُ الْکَامِلُ الَّذِی مَنْ قَدَّمَهُ أَمَامَهُ کُلَّ یَوْمٍ وَکَّلَ اللَّهُ تَعَالَی بِهِ أَلْفَ مَلَکٍ یَحْفَظُونَهُ فِی نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ حَشَمِهِ وَ مَالِهِ وَ أَهْلِ عِنَایَتِهِ مِنَ الْحَرَقِ وَ الْغَرَقِ وَ الشَّرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ الرَّدْمِ وَ الْخَسْفِ وَ الْقَذْفِ وَ آمَنَهُ اللَّهُ تَعَالَی مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَ السُّلْطَانِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ وَ کَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ وَ ضَمَانِهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَی عَلَی قِرَاءَتِهِ وَ إِنْ کَانَ مُخْلِصاً مُوقِناً ثَوَابَ مِائَهِ صِدِّیقٍ وَ إِنْ مَاتَ فِی یَوْمِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ فَاحْفَظْ یَا بُنَیَّ وَ لَا تُعَلِّمْهُ إِلَّا بِمَنْ تَثِقُ بِهِ فَإِنَّهُ لَا یَسْأَلُ مُحِقٌّ بِهِ شَیْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَی.

انتهی (۱).

و رضا نفسه أی حمدا و ثناء یوجب رضاه عن الحامد زنه ذر ما عملوا من تشبیه المعقول بالمحسوس أو المراد متعلقات أعمالهم من الأجسام أو بلغهم من الأخبار أو رأوا بأعینهم من الأجسام و الألوان و الأنوار أو ظنوا من الأمور أو فطنوا من الحقائق و الحسنی أی الأسماء الحسنی و قال الجوهری ساد قومه یسودهم سیاده و سؤددا و قال الفیروزآبادی السودد بالضم و السؤدد بالهمزه کقنفذ السیاده انتهی.

و المدیح المدح و هو الثناء الحسن حتی یتصل أی یملأ الحمد جمیع الأزمان الماضیه حتی یتصل بزمان حمد أول الحامدین أو یکون حمدی مقبولا مرتفعا یتصل فی السماء بحمد أول الحامدین فإنه مقبول و الأول أظهر و عدد زنه

۱- ۱. راجع البلد الأمین ص ۵۵ الهامش، جنه الأمان الواقیه و جنه الایمان الباقیه(مصباح الکفعمیّ) ص ۷۲ فی الهامش.

ذر السماوات أی مره(۱)

أخری أو مضروبا فیما تقدم و أرماقهم أی نظراتهم و الرمق أیضا بقیه الحیاه و الشعائر جمع الشعیره و هی البدنه تهدی و کذا أعمال الحج و کل ما جعل علما لطاعه الله و الید النعمه و الإحسان تصطنعه کما ذکره الجوهری و دهمک کمنع و سمع غشیک و ألم به نزل.

و الدعار بالدال المهمله من الدعر بمعنی الفساد و الخبث و الفسق و فی بعض النسخ بالذال المعجمه من الذعر بمعنی التخویف و بالوجهین صححهما الکفعمی و عندی أن الدال المهمله و الغین المعجمه أظهر من الدغره و هو أخذ الشی ء اختلاسا و فی الحدیث هی الدغاره المعلنه.

و الحزن بالضم و التحریک الهم و الجبن یکون بالضم و بضمتین و البخل بالضم و بضمتین و بالتحریک و بالفتح ضد الکرم و فی النهایه أعوذ بک من ضلع الدین أی ثقله و الضلع الاعوجاج أی یثقله حتی یمیل صاحبه عن الاستواء و الاعتدال یقال ضلع بالکسر یضلع ضلعا بالتحریک و ضلع بالفتح یضلع ضلعا بالتسکین أی مال انتهی و الدین بالکسر تصحیف و إن کان یستقیم أیضا و قال الفیروزآبادی نجع الوعظ و الخطاب فیه کمنع دخل فأثر کأنجع و من صحابه الصحابه مصدر و جمع أیضا و الردع المنع و الکف أی مصاحبه لا تمنع المصاحب عن الضرر و الخیانه أو أصحاب لا یمنعوننی عن القبائح و النکر بالضم المنکر قال تعالی لَقَدْ جِئْتَ شَیْئاً نُکْراً(۲) و فی بعض النسخ نکره بفتح النون و کسر الکاف ضد المعرفه و الأول أصح و أفصح.

أو تؤاخذ علی خبث (۳)

أی یؤاخذ کل منا صاحبه علی خبث

ص: ۱۷۳

۱- ۱. یعنی أنّه تکرر هذه التعداد مره فی قوله« و بعدد زنه ذر السموات و الأرضین و الرمال» و مره اخری بعده بثلاثه أسطر:« و عدد زنه ذلک کله و عدد زنه السموات و الأرضین و ما فیهن» الخ.

۲- ۲. الکهف: ۸۴.

۳- ۳. علی حنث خ ل.

الباطن أو بسببه و فی بعض النسخ بالواو و الجیم من الوجد و هو الغضب و علی الأول یحتمل أن یکون من أخذ العهد و البیعه أی معاهده و أخوه غیر صافیه بل مع خبث الباطن.

بسم الله علی أهل بیت النبی صلی الله علیه و آله أی أستعین بالله لهم أو أقرأ بسم الله علیهم لحفظهم من قلدنی أی أخذ العهد منی للدعاء فکأنه جعله کالقلاده فی عنقی و أسدی إلیه أحسن بسم الله أی أستعین به و بالله أی أستعین بذاته الأقدس و من الله أی أستمد منه أو وجودی و جمیع أحوالی و أموری منه إلی الله أتوسل إلیه أو مرجعی إلیه ما شاء الله أی کان.

و قال فی النهایه الحول الحرکه و منه الحدیث اللهم بک أصول و بک أحول أی أتحرک و قیل أحتال و قیل أدفع و أمنع من حال بین الشیئین إذا منع أحدهما عن الآخر و فی حدیث آخر بک أصاول و بک أحاول هو من المفاعله و قیل المحاوله طلب الشی ء بحیله و قال أصاول أی أسطو و أقهر و الصوله الحمله و الوثبه و قال یقال کاثرته فکثرته إذا غلبته و کنت أکثر منه.

و فی القاموس اعتز بفلان جعل نفسه عزیزا به و إلیه متاب بکسر الباء أی مرجعی و رجوعی فی الدنیا و الآخره و فی القاموس الثری الندی و التراب الندی أو الذی إذا بل لم یصر طینا و الخیر و الأرض و الملائکه الصفوف أی القائمین فی السماوات صفوفا قال الفیروزآبادی الصف المصدر کالتصفیف و واحد الصفوف و القوم المصطفون و الصافات صفا الملائکه المصطفون فی السماء یسبحون لهم مراتب یقومون علیها صفوفا کما یصطف المصلون.

و البحر المسجور أی المملو و هو المحیط أو الموقد من قوله وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ (۱) و المختلط من السجیر بمعنی الخلیط أشرقت به أی بنفس الاسم کما قیل بتأثیر الأسماء أو بمسماه عن الصفات و الإشراق بنور الوجود و سائر الأنوار الظاهره

۱- ۱. التکویر: ۶.

و الباطنه من حيث أحتسب و من حيث لا أحتسب أى من حيث أظن و من حيث لا أظن.

**[ترجمه]مصباح الشيخ - . مصباح المتهجد: ۱۵۳-۱۵۹ -

و كتاب الكفعمي - . مصباح الكفعمي: ۷۲-۷۸ -

و غيرهما: سپس با دعای کاملی که به دعای حریق معروف است، دعا می کنی و می گویی:{خدایا، صبح کردم و تو را گواه می گیرم و مرا گواهی تو کفایت می کند، همچنین فرشتگان، و حمل کنندگان عرش و ساکنان هفت آسمان و زمین، پیامبران و فرستادگان، و وارثان پیامبران و فرستادگانت، بندگان نیک و تمام آفریده‌ها را گواه می گیرم، پس خودت بر من گواه باش که گواهی تو برای من کفایت می‌کند، خدای من، گواهی می‌دهم هیچ خدایی جز تو، معبود، وجود ندارد؛ تنها هستی و هیچ شریکی برای تو نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله، بنده و فرستاده توست، و اینکه هر معبودی از پایین عرش تو تا روی پایین‌ترین زمین تو، باطل و از بین رونده هستند، غیر از جلوه ذات با کرامت تو، که باشکوه‌تر و بزرگوارتر و با عظمت‌تر از آن است که توصیف کنندگان عمق شکوه آن را توصیف کنند، یا دل‌ها به عمق عظمت آن هدایت شوند.

ای آنکه مدح و توصیف او بالا تر از وصف مداحان، و اسباب ثنا و سپاسش فرا تر از ستایش ستایشگران، و عظمت و بزرگی او بالا- تر از گفتار گویندگان است، بر محمد و خاندان او درود فرست، و برای ما آنچه را که خود سزاوار انجام آن هستی، انجام ده، ای اهل تقوی و اهل آمرزیدن؛ سه مرتبه این را می گویی .

سپس یازده مرتبه می گویی: هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنها است و هیچ شریکی برای او نیست. خدا منزه است و او را می‌ستایم. از او آمرزش می‌خواهم و به سوی او باز می‌گردم. هر چه خدا بخواهد - همان می شود -، و هیچ نیرو توانی جز به سبب خدا نیست. او اول و آخر و آشکار و پوشیده است؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می‌کند و می میراند، و می‌میراند و زنده می‌گرداند، و او، زنده‌ای است که نمی‌میرد؛ همه خوبی‌ها به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

سپس یازده مرتبه می گویی: خداوند منزه است، و ستایش مخصوص اوست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و او بزرگ تر است، از خدا آمرزش می‌خواهم و به سوی او باز می‌گردم، هر چه بخواهد - همان می شود -، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست، بردبار بزرگوار، والامرتبه بزرگ، بخشنده و مهربان، فرمانروای پاک راستین روشن است؛ به تعداد آفریدگانش و سنگینی عرش و گنجایش تمام آسمان‌ها و زمین‌هایش، و هر آنچه که علمش بر آن جاری شده، و کتابش آن را شمرده، و گستردگی کلماتش، و برای خود پسندیده است.

سپس می‌گویی: خدایا، بر محمد و خاندان با برکت او درود فرست، و بر جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، و تمام حاملان عرش خودت و فرشتگان نزدیکی جسته به تو، درود فرست، خدایا، بر همگی آنان درود فرست، تا آنجا که آنان را به مقام خشنودی برسانی و بعد از آن، به هراندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر فرشته مرگ و دستیاران او درود فرست، و بر رضوان و خادمان بهشت درود فرست، و بر مالک و مأموران آتش درود فرست؛ خدایا، بر همگی آنان درود فرست، تا آنجا که آنان را به مقام

خشنودی برسانی و بعد از آن، به هراندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر ثبت کنندگان بزرگوار، و بر فرشتگان بزرگوار و نیکوکار، و نگهبانان فرزندان آدم درود فرست، و بر فرشتگان موجود در فضا و آسمان‌های بالا و فرشتگان زمین های هفت گانه پایین، و فرشتگان شب و روز، زمین و کرانه های آن، دریا ها و رودخانه ها، صحرا ها و دشت ها، و زمین‌های شور و درختان، درود فرست؛ و بر فرشتگانت که آنان را با تسبیح و تقدیس و پرستش تو، از خوردن و آشامیدن بی نیازشان ساخته ای، درود فرست؛ خدایا، بر همگی آنان درود فرست، تا آنجا که آنان را به مقام خشنودی برسانی و بعد از آن، به هراندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر پدرمان آدم و مادرمان حوا و کسانی که از آن دو به دنیا آمده، از پیامبران و راستان و شهدا و نیکان، درود فرست، تا آنجا که آنان را به مقام خشنودی برسانی و بعد از آن، به هراندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و اهل بیت پاک او، و بر یاران برگزیده اش، و همسران پاکش، و بر نسل محمد، و بر هر پیامبری که به آمدن محمد نوید داده، و بر هر پیامبری که محمد فرزند اوست، و بر هر بانوی نیکی که سرپرستی محمد را بر عهده گرفت، و بر فرشته‌ای که بر محمد فرود آمد، و بر هر کسی که در درود فرستادن بر او، خشنودی تو و خشنودی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد، درود فرست.

خدایا، بر آنان درود فرست، تا آنجا که آنان را به مقام خشنودی برسانی و بعد از آن، به هراندازه که خود شایسته‌آن هستی بر آن بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت قرار بده، و بر محمد و خاندان محمد مهربانی کن، برتر از درود و برکت و مهربانی که بر ابرهیم و خاندان ابراهیم قرار دادی، که تو ستوده گرامی هستی. خدایا، بر محمد مقام وسیله و برتری و ارزشمندی و جایگاه والا عطا کن، و آنقدر عطا کن تا خشنود شود و بعد از آن، بر خشنودیِ او آن‌گونه که خود شایست آن هستی، بیفزا، ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست، همان طور که به ما دستور داده ای بر او درود فرستیم؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان طور که شایسته است ما بر او درود فرستیم؛ خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست، به تعداد همه حروفی که در صلوات تو بر او وجود دارد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ خدایا، به تعداد کسانی که بر او درود فرستادند، و کسانی که بر او درود نفرستاده‌اند، بر او درود فرست.

خدایا، به تعداد هر مو و واژه و لحظه و نفس کشیدن و ویژگی و ایستادن و حرکت کردن کسانی که بر محمد و خاندان محمد درود فرستاده‌اند یا نفرستاده‌اند، بر او درود فرست؛ و به تعداد ساعت‌ها و دقیقه‌هایشان، و ایستادن‌ها و رفتن‌هایشان، و حقیقت‌ها و وقت‌ها و ویژگی‌ها و روزها و ماه‌ها و سال‌ها و موها و پوست‌های آنها و به تعداد وزن هر ذره‌ای که انجام داده‌اند یا انجام می‌دهند، یا به آنان رسیده یا دیده‌اند یا پنداشته اند یا به ذهن آنان رسیده یا از آنان بوده یا تا روز قیامت به وجود

خواهد آمد، و مانند چند برابر آن و چندین برابر چند برابرش تا روز قیامت، بر آنان درود فرست؛ ای بهترین رحم کنندگان.

خدایا، به تعداد آنچه که تو آفریدی و آنچه که تو تا روز قیامت آفریدگار آن خواهی بود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درودی که از آن خشنود باشی؛ - یا: درودی که او را راضی گردانی.- خدایا، به تعداد آنچه به وجود آوردی و آفریدی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

خدایا، سپاس و ستایش و سپاسگزاری و منت و برتری و بخشش و خوبی و نیکویی و نعمت و بزرگی و اقتدار و حکومت زمین و آسمان‌ها و چیرگی و فرمانروایی و سروری و آقایی و نعمت دادن و بخشندگی و ارجمندی و بزرگواری و زیبایی و کمال و خوبی و یکتایی و گرامی داشتن و ستودن و یکتا دانستن و به بزرگی یاد کردن و پاکی و رحمت و آمرزش و بزرگی و عظمت از آن توست.

هرچه پاکیزه و آراسته و پاک گشته، برای توست، از هر ستایش پاک و مدح گرانمایه و سخن نیکوی زیبا، که با آن از گوینده‌اش خشنود شوی و او از آن خشنود گردد و آن، مورد رضای تو باشد، تا اینکه ستایش من به ستایش اولین ستایشگر برسد، و ثنای من به ثنای اولین کسی که پروردگار جهانیان را ثنا گفته، برسد و این دو به همدیگر پیوند بخورند؛ و به یکتایی یاد کردن من به یکتا دانستن اولین یکتا دانندگان، و بزرگ دانستن من به بزرگ دانستن اولین بزرگ دانستگان و گفتار زیبایم به گفتار اولین زیباگفتاران ثناگوی پروردگار جهانیان برسد و این دو از ابتدای روزگار تا پایان آن، به یکدیگر متصل باشند.

و به میزان گنجایش ذرات آسمان‌ها و زمین‌ها و شن ها و تپه ها و کوه ها، و به تعداد جرعه های آب دریا ها، و به تعداد قطرات باران ها و برگ درختان، و به تعداد ستارگان، و به تعداد خاک ها و دانه ها و سنگریزه ها، و به میزان همه آنها و به میزان ذرات آسمان ها و زمین‌ها و آنچه در آن ها و بین آن ها و زیر آن ها و بین آن و بالای آنهاست، تا روز قیامت، از عرش تو تا ژرفای زمین هفتمین زیرین.

و به تعداد حروف الفاظی که اهل زمین و آسمان به کار می برند، و به تعداد رقم‌ها - . در البلد الامین، «أزمانهم» {زمان... هایشان} آمده و آنچه در متن است، از المصباح است. -

و دقیقه ها و نشانه‌ها و ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها و سال‌ها و ایستادن‌ها و حرکت‌ها و موها و پوست‌ها و نفس زدن‌های آنان و به میزان اعمالی که انجام داده و یا انجام می‌دهند، یا به آنان رسیده یا دیده‌اند یا پنداشته‌اند یا آنچه از آنان صادر شده یا تا روز قیامت از آنان صادر می شود، و به میزان همه آنها و چند برابر آنها و مانند چندین برابر چند برابر آنها که هیچ کس غیر از تو نمی‌تواند مقدار آن را بداند یا بشمرد، ای صاحب شکوه و بزرگواری و اهل آن، و سزاوار و لایق آن از سوی من و تمام آفریده‌هایت، ای نوآورنده آسمان‌ها و زمین.

خدایا، تو پروردگاری نیستی که ما ایجاد کرده باشیم، و با تو خدایی نیست که با تو در پروردگاری‌ات شریک شود، و با تو خدایی نیست که تو را بر آفرینش ما یاری رساند؛ تو همان‌گونه که خود می گویی و بالاتر از آنچه گویندگان می گویند،

پروردگار ما هستی؛ از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و بر محمد - صلی الله علیه و آله - بهترین چیزی را که از تو خواسته است، و بهترین چیزی را که تو برای او خواسته‌ای، و بهترین چیزی را که تا روز قیامت از تو درخواست می‌شود، عطا کنی .

خانواده پیامبر محمد صلی الله علیه و آله و خودم و دینم و دارایی و فرزندان و همسر و خویشان و خانواده‌ام و هر فردی از بستگانم که مسلمان شده، یا تا روز قیامت مسلمان می‌شود، و غمخوارانم و نزدیکانم و هر کسی که از من دعا خواسته است، یا به سوی من دست یاری گشوده، یا بدگویی را از من برگردانده، یا در مورد من سخنان خوب گفته، یا از او کمک گرفته‌ام، یا کاری برایم انجام داده، همسایگانم و برادرانم از مردان و زنان مؤمن را به خداوند و به اسم‌های تام و همه‌گیر و گسترده و کامل و پاك و برتر و مبارك و والامرتبه و پاکیزه و باشرافت و استوار و بزرگوار و با عظمت و محفوظ داشته و پوشیده‌اش که هیچ نیکوکار و بدکاری نمی‌تواند از حد آنها درگذرد و به امّ الکتاب و پایان آن و آنچه بین آن دو از قبیل سوره گرانقدر و آیه استوار و شفا و رحمت و پناه و برکت قرار دارد، و به تورت و انجیل و زبور و فرقان و به مصحف ابراهیم و موسی، و به هر کتابی که خداوند نازل کرده، و به هر پیامبری که خدا فرستاده، و به هر حجتی که خدا آن را بر پا داشته، و هر برهانی که خدا آن را آشکار نموده، و به هر نوری که خدا آن را روشن گردانیده، و به تمام نعمت‌های خدا و بزرگی او می‌سپارم.

پناه می برم به خدا و از او پناه می جویم از بدی هر بدی رساننده‌ای و آنچه از او می ترسم و دوری می‌گزینم، و از بدی هر آنچه که پروردگارم از آن بزرگ تر است، و از بدی بدکاران عرب و عجم، و از بدی بدکاران جن و انس، و شیطان‌ها و پادشاهان، و ابلیس و سربازان و رهروان و پیروانش، و از بدی آنچه در روشنایی و تاریکی است، و از بدی آنچه به ناگاه وارد شود یا هجوم آورد یا ناراحتی رساند، و از بدی هر اندوه و غصه و آسیب و پشیمانی و پیشامد و بیماری، و از بدی آنچه در شب و روز رخ می‌دهد، و آنچه تقدیرها به وجود می‌آورند، و از بدی آنچه در آتش است، و از بدی آنچه در زمین و کرانه‌ها، و دشت‌ها و بیابان‌ها، و دریاها و رودها است، و از بدی بدکاران و تبهکاران، و کاهنان و جادوگران، و رشك برها و ترساننده‌ها و بدی رساننده‌ها، و از بدی آنچه در زمین فرو می‌رود و از آن بیرون می‌آید، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان می رود، و از بدی هر بدی و بدی هر دارنده بدی، و از بدی هر جنبنده ای که پروردگارم زندگی‌اش را به دست گرفته است و زمام او را در دست دارد؛ که پروردگار من بر راه راست قرار دارد، پس اگر روی گرداندند، بگو: خداوند مرا کفایت کند، هیچ خدایی جز او وجود ندارد، بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

و ای خدا، از اندوه و غصه و ناراحتی و ناتوانی و تنبلی و ترس و تنگ نظری، و از منحرف شدن در دین، و چیرگی مردان، و از عملی که سود نرساند، و از چشمی که نگرید، و از قلبی که فروتن نشود، و از دعایی که شنیده نشود، و از نصیحتی که اثر نکند، و از یاوری که بازندارد، و از گرد آمدن بر ناشایست، و دوستی کردن زیان‌بار، یا دستگیری بر زشتی، و از آنچه که فرشتگان نزدیکی یافته، و پیامبران فرستاده شده، و امامان پاکیزه گشته، و شهدا و نیکان و بندگان پرهیزکار تو از آن پناه می‌جویند، به تو پناه می‌آورم؛ و از تو می‌خواهم ای خدا، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و هرچه از خوبی از تو خواسته‌اند، به من عطا کنی و از هرچه بدی پناه جسته‌اند، پناهم دهی.

و ای خدا، از تو تمام خوبی و اکنون و آینده آن را می‌خواهم، چه آنهایی که می‌دانم و چه به آن آگاهی ندارم؛ و از وسوسه...

های شیطان‌ها ای پروردگار، به تو پناه می‌آورم، و از اینکه به پیش من حاضر شونـد ای پروردگار، به تو پناه می آورم؛ به نام خـدا بر خانواده پیامبر محمـد صـلی الله علیه و آله، به نام خدا بر جانم و دینم، به نام خدا بر خانواده‌ام و دارایی‌ام، به نام خدا بر هر چیزی که پروردگارم بر من عطا کرده است، به نام خدا بر دوستان و فرزندان و خویشانم، به نام خدا بر همسایگان با ایمانم و برادرانم، و هر کسی که برای دعـا از من پیمان گرفته است، یا دست یاری پیش من گشوده، یا به من نیکی نموده است، چه از مردان مـؤمن و چه زنـان مـؤمن، به نـام خـدا بر آنچه پروردگـارم به من روزی کرده و روزی می کنـد، به نـام خـدایی که با اسمش، هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین، زیان نمی‌بیند و او شنوای دانا است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به تمام آن خوبی‌هایی که بندگان مؤمن تو از تو درخواست رسیدن به آن را کرده‌اند، برسان؛ و از من تمام بدی‌ها و تباهی‌هایی را که بندگان مؤمن تو از تو درخواست دور کردن آنها را داشته‌اند، دور کن؛ و از فضل خود، آنچه را که تو سزاوار و صاحب اختیار آن هستی، برایم بیشتر گردان، ای بهترین رحم کنندگان.

خـدایا، بر محمـد و خانـدان محمـد و خـانواده پـاک و پـاکیزه او درود فرست، و ای خـدا، گشـایش آنها و گشایش مرا زودتر برسان، و هر انـدوه از مردان و زنان مؤمن را زودتر برطرف فرما؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و یاری آنها را روزی‌ام کن، و مرا

شاهـد روزهـای آنـان قرار ده، و در دنیـا و آخرت بین من و آنـان گرد آور، و از پیش خود برای آنـان سپری قرار ده تـا بر آن چیزی جز از راه خوبی نرسد، و بر من و رهروان و دوسـتداران آنها و بر تمام مردان و زنان مؤمن سپری همراه آنان قرار ده، که تو بر هر چیزی توانایی.

با نام خـدا و به کمک خـدا و از خدا و به سوی خدا، و هیچ چیره‌ای جز خدا وجود ندارد، هرچه خدا بخواهد – همان می‌شود –، هیـچ نیرو و توانی جز به سـبب خـدا نیست، خدا برایم بس است، بر خدا توکل کرده‌ام، و کارم را به خدا واگذار می کنم، و به خـدا پناهنـده می‌شوم، و با کمک خدا نیرو می گیرم و چیره می‌شوم و فزونی می‌یابم و مباهات می کنم و احساس عزت می... کنم و چنگ می‌زنم، بر تو توکل کرده‌ام و بازگشـتم به سوی اوست، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده و پاینده است، به تعداد ریگ‌ها و خاک‌ها و سـتارگان و فرشتگان صف بسته؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تنها است و هیچ شریکی برای او نیست، والامرتبه و بزرگ است، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، تو منزهی، من از سـتمکاران بوده‌ام.} – . البلد الامین: ۵۳– – ۵۹

و آنچه که در این دعا از سوی صاحب الزمان علیه السـلام به محمـد بن الصـلت قمی – که رحمت خدا بر او باد– افزوده شده، عبارت است از:{خدایا، ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسـی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیـل و زبور، و پروردگـار سایه و حرارت، و فرو فرسـتنده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشـتگان نزدیکی جسـته و پیامبران و فرسـتادگان، تو خدای هرچه در آسـمان است، و خدای هرچه در زمین است، می‌باشی، و در آن‌ها خدایی جز تو وجود ندارد؛ و تو چیره بر هرچه در آسـمان‌هـا است، و چیره بر هرچه در زمین است، می‌باشـی، و در آن دو جز تو چیره‌ای وجود نـدارد؛ تو آفریدگار هرچه در آسـمان‌ها است، و آفریدگار هرچه در زمین است، می‌باشـی، و در آن دو جز تو آفریدگاری وجود ندارد؛ و تو فرمانروای هرچه در آسمان است، و فرمانروای هرچه در زمین است، می‌باشی، و در آن دو جز تو فرمانروایی وجود ندارد؛

خدایا از تو به جلوه بزرگوارت و به نور جلوه روشن و تابانت و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده، ای پاینده، از تو درخواست می‌کنم؛ از تو به آن نامت که آسمان ها و زمین ها با آن روشن شد، و آن نامت که پیشینیان و پسینیان با آن نیکو و شایسته گشتند، ای زنده پیش از هر موجود زنده، و ای زنده پس از هر موجود زنده، و ای زنده در آن هنگام که هیچ موجود زنده‌ای وجود نداشت، ای زنده کننده مردگان و ای میراننده زندگان، ای زنده‌ای که هیچ خدایی جز تو نیست، ای زنده، ای پاینده، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و از جایی که گمان می‌برم و از جایی که گمان نمی‌برم، مرا به صورت گسترده و حلال و پاک، روزی‌ام ده؛ و هر غصه و هر اندوهی را از من برگشایی، و هرچه را آرزو می‌کنم و امید دارم، به من عطا کنی، که تو بر هر چیزی توانا هستی.} - . مصباح الشیخ: ۱۵۹-۱۶۰؛ البلد الامین: ۵۹-۶۰ -

**[ترجمه]

أقول

و وجدت هذا الدعاء مسندا فی کتاب عتیق من أصول أصحابنا بالشرح الذی ذکره الکفعمی ره إلی قوله فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ و لم یذکر ما بعده.

**[ترجمه]برداشت بعضی از اصحاب این است که دعای حریق با عبارت «و أهل المغفره - ثلاثاً»، {و اهل آمرزش - سه مرتبه بگوید.} تمام می‌شود؛ و احتمال دارد تمام آنها تا عبارت «إنی کنت من الظالمین»، {من از ستمکاران بوده‌ام.} باشد. کفعمی در دو کتابش گفته است: دعای حریق نامیده شدن این دعا به خاطر روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرموده است: از پدرم محمد بن علی (امام باقر) علیهما السلام شنیدم می‌فرمود: همراه پدرم علی بن حسین علیه السلام در قبا بودم که برای عیادت پیرمردی از انصار رفته بود. پس شخصی نزد او آمد و گفت: خودت را به خانه‌ات برسان که منزل شما آتش گرفته است. پدرم علیه السلام فرمود: آتش نگرفته است. وی رفت و دوباره برگشت و گفت: سوخته است! پدرم علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، نسوخته است. وی رفت و دوباره برگشت و همراه او گروهی از یاران و دوستداران ما بودند و با حالت گریه به پدرم می‌گفتند: منزلت در آتش سوخت. پس فرمود: هرگز، به خدا سوگند نسوخته است و همانا من به پروردگارم بیش از شما اعتماد دارم. بعداً مشخص شد که تمام اطراف به جز آن منزل سوخته است.

پس پدرم امام باقر علیه السلام به پدرش امام زین العابدین علیه السلام گفت: جریان چیست؟ پس فرمود: ای پسرم، چیزی که ما از علم پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث می‌بریم، از دنیا و هرچه در آن است، از مال و جواهرات و زمین، برایم دوست داشتنی‌تر است و از مردان جنگی و سلاح، برایم کاربردی‌تر؛ و آن رازی است که جبرئیل برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و او، آن را به علی و دخترش فاطمه آموخت و ما به ارث برده‌ایم، و این دعای کاملی است که هر کس در هر روز پیشاپیش خود قرار دهد، خدای متعال برایش هزار فرشته می‌گمارد که او را و خانواده و فرزندان و حیوانات و دارایی و کسانی را که مورد توجه او هستند را از آتش سوزی و غرق شدن و خفه شدن و ویرانی و فرو ریختن دیوار، تا هلاکت و به زمین فرو رفتن و پرت شدن - از کوه یا افتادن به دره - حفظ کنند و خدای متعال او را از بدی شیطان و فرمانروا، و از بدی هر بدی رساننده ایمنی می‌دهد و در امان خدا و نگهداری او خواهد بود و اگر خواندن او از روی یقین و اخلاص باشد، خدای متعال به آن

ثواب صد انسان راستین را عطا می‌کند و اگر در آن روز از دنیا برود، وارد بهشت می‌گردد؛ پس ای پسرم، آن را به خاطر بسپار و جز به کسی که نسبت به او اعتماد داری، یاد نده، چرا که هیچ حقداری چیزی با آن نمی‌خواهد جز آنکه خدای متعال به او عطا می‌کند. پایان. - . البلد الامین: ۵۵ (در حاشیه)؛ مصباح الکفعمی: ۷۲ (در حاشیه) -

«و رضا نفسه»، یعنی ستایش و ثنایی که باعث خشنودی او از ستایشگر شود. «زنه ذرّ ما عملوا» از قبیل تشبیه وجود ذهنی به حسی است، یا اینکه منظور، چیزهایی است که متعلق اعمال آنها واقع می‌شوند. «أو بلغهم» از خبرهایی که به آنها می‌رسد. «أو رأوا»، یعنی با چشمانشان، از اشیا و رنگ‌ها و نورها. «أو ظنّوا» از امور. «أو فطنوا» از حقیقت‌ها. «و الحسنی»، یعنی اسم‌های نیک خدا. جوهری گفته است: «ساد قومه، یسودهم، سیاده و سؤدداً»، و فیروزآبادی گفته است: «السودد» با ضمه، و «السؤدد» با همزه، مانند «قنفذ» - در وزن - یعنی سروری. پایان.

«المدیح» همان مدح است، یعنی ستایش نیکو. «حتی یتصل»، یعنی ستایش من تمام زمان‌های گذشته را پر کند تا به زمان ستایش اولین ستایش کننده برسد؛ یا اینکه ستایش من پذیرفته شود و بالا رود و در آسمان به ستایش اولین ستایش کننده بپیوندد که مورد پذیرش واقع شده است؛ ولی اولی آشکارتر است. «و عدد زنه ذرّ السموات»، یعنی بار دیگر، یا اینکه در آنچه گفته شد ضرب شود. «و أرماقهم»، یعنی نظرات آنان؛ «الرمق» همچنین باقیمانده زندگی است. «الشعائر» جمع «الشعیره»، شتری که برای قربانی به مکه ببرند، و همین طور اعمال حج و هر چیزی که نشانه برای طاعت خدا قرار داده شده است. «الید»، همان گونه که جوهری گفته است، یعنی نعمت و نیکی که با آن انجام می‌دهد. «دهمک» مانند «منع» و «سمع» - در وزن - یعنی تو را در بر بگیرد. «ألمّ به» فرود آمد.

«الدعار» با دال، بدون نقطه، از «الدعر» به معنی تباهی و بدسرشتی و بدکاری؛ و در بعضی نسخه‌ها، با ذال، با نقطه، از «الذعر» به معنی ترساندن است؛ کفعمی هر دو صورت را صحیح دانسته است. به نظر من، دال بدون نقطه و غین با نقطه، از «الدغره» آشکارتر است و آن عبارت است از گرفتن چیزی با ربایش، و در حدیث «هی الدغاره المعلنه»، {همان ربودن آشکارا} آمده است.

«الحزن» با ضمه و فتحه حروف، یعنی اندوه. «الجبن» با یک ضمه و دو ضمه درست است. «البخل» با یک ضمه و دو ضمه و نیز با فتحه حروف، درست است و با فتحه، یعنی مخالف بزرگواری. در النهایه گفته است: «أعوذ بک من ضلع الدین»، یعنی سنگینی آن، و «الضلع»، انحراف، یعنی آن را سنگین می‌کند تا اینکه دارنده‌اش را از حد راستی و اعتدال منحرف کند؛ گفته می‌شود: «ضلع» با کسره، «یضلع، ضلعاً» با فتحه حروف، و «ضلع» با فتحه، «یضلع، ضلعاً» با سکون، یعنی خم شد. پایان. «و الدین» با کسره، اشتباه است و هرچند در این صورت نیز درست است .

فیروزآبادی گفته است: «نجع»، یعنی موعظه، خطاب در آن، مانند «منع» و «دخل» است، پس «أثر» مانند «أنجع» خوانده می... شود. «و من صحابه» مصدر و نیز جمع است. «الردع»، یعنی منع کردن و بازداشتن؛ یعنی همنشینی که همنشینش را از زیان و خیانت باز می‌دارد، یا همنشینانی که مرا از زشتی‌ها باز نمی‌دارند. «النکر» با ضمه، یعنی ناشایست؛ خدای متعال می‌فرماید: «لقد جئت شیئاً نکراً»، - . الکهف/ ۸۴ - {واقعاً

کار ناپسندی مرتکب شدی.} و در بعضی نسخه‌ها «نکره» با فتحه نون و کسره کاف آمده است، یعنی مخالف شناخته شده؛ اولی صحیح‌تر و روان‌تر است.

«أو تؤاخذ علی خبث»، یعنی هر یک از ما دیگری را به خاطر زشتی درون یا به سبب آن مؤاخذه کند؛ و در بعضی نسخه‌ها با واو و جیم، از «الوجد»، یعنی خشم است. در صورت اول، احتمال دارد از عهد و پیمان گرفتن باشد، یعنی تعهد و برادری که از روی پاکی نباشد، بلکه همراه با زشتی درون باشد.

«بسم الله علی أهل بیت النبی صلی الله علیه و آله»، یعنی برای تو از آنها طلب یاری می‌کنم، یا «بسم الله» را بر آنها می‌خوانم تا آنها را حفظ کند. «من قلَّدنی»، یعنی از من برای دعا پیمان گرفته است، که گویا مانند ریسمانی در بر گردن من قرار داده است و «أسدی إلیه»، یعنی نیکی کرد. «بسم الله»، یعنی با آن کمک می‌خواهم؛ «و بالله»، یعنی از ذات پاک او یاری می‌جویم؛ «و من الله»، یعنی از او مدد می‌خواهم، یا وجود من و تمام حالات و کارهای من از ناحیه اوست. «إلی الله»، یعنی به او متوسل می‌شوم، یا بازگشتم به سوی اوست؛ «ما شاء الله»، یعنی آنچه خدا خواست، شد.

در النهایه گفته است: «الحول»، یعنی حرکت، حدیث «اللهم بک أصول و بک أحول» از این قبیل است، یعنی حرکت می‌کنم؛ و گفته شده است: یعنی چاره‌گری می‌کنم؛ و گفته شده است: دور می‌کنم و بازمی‌دارم. «حال بین شیئین» یعنی یکی را از دیگری بازداشت. و در حدیث دیگری آمده است: «بک أصاول و بک أحاول» که از مفاعله است و گفته شده است: مفاعله، درخواست چیزی با حیله است. و گفته است: «أصاول»، یعنی خشم می‌گیرم و به زور وامی‌دارم، و «الصوله»، یعنی حمله و یک مرتبه برجستن، و گفته است: گفته می‌شود: «کاثرته، فکثرته»، یعنی غلبه کردم و من بیشتر از او بودم.

در القاموس آمده است: «اعتز بفلان»، یعنی خودش را با او عزیز کرد؛ «إلیه متاب» با کسره باء، یعنی بازگشتگاهم و برگشتنم در دنیا و آخرت؛ و در القاموس آمده است: «الثری»: نمناک و خاک نمناک، یا خاکی که وقتی تر شود، گِل نمی‌شود، و خوبی، و زمین. «و الملائکه الصفوف»، یعنی فرشتگان به صف ایستاده در آسمان‌ها؛ فیروزآبادی گفته است: «الصف» مانند «التصفیف»، مصدر و مفرد «الصفوف» است؛ و «القوم المصطفون»، و «الصافات صفاً»، یعنی فرشتگان صف بسته در آسمان که تسبیح می‌گویند، مراتبی دارند که طبق آنها به صف می‌ایستند، همان گونه که نمازگزاران به صف می‌ایستند.

«البحر المسجور»، یعنی مالامال، در حالی که دربرگرفته و برافروخته باشد، از کلام خدا: «و إذا البحار سجرت»، - . التکویر/ ۶
-

{دریاها آنگه که جوشان گردند.} گرفته شده است و ترکیب شده از «السجیر» که به معنای آمیختن است. «أشرقت» به، یعنی با خود اسم، همان طور که در مورد تأثیر اسم یا تأثیر دارنده اسم بر صفات، قولی وجود دارد؛ و نورانی شدن، با نور وجود یا سایر نورهای ظاهری و باطنی صورت می‌گیرد. «من حیث أحتسب و من لا أحتسب»، یعنی از جایی که گمان می‌برم و از جایی که گمان نمی‌برم.

**[ترجمه]

«۴۵»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۱)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۲)، وَ إِخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِی، دُعَاءٌ آخَرُ مَرْوِیٌّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْكَرِیِّ علیه السلام: فِی الصَّبَاحِ- يَا كَبِيرَ كُلِّ كَبِيرٍ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ يَا شَافِیَ الصُّدُورِ يَا جَاعِلَ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ يَا عَالِماً بِذَاتِ الصُّدُورِ يَا مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَ النُّورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ الزَّبُورِ يَا مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْإِبْكَارِ وَ الظُّهُورِ يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ يَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ يَا مُحْيِیَ الْأَمْوَاتِ يَا مُنْشِئَ الْعِظَامِ الدَّارِسَاتِ يَا سَامِعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا كَاسِیَ الْعِظَامِ الْبَالِيَهِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شُغُلٌ عَنْ شُغُلٍ يَا مَنْ لَا يَتَغَيَّرُ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَجَشُّمِ حَرَكَهٍ وَ لَا انْتِقَالٍ يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ يَا مَنْ يَرُدُّ بِأَلْطَفِ الصَّدَقَهِ وَ الدُّعَاءِ عَنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ مَا حَتَمَ وَ أَبْرَمَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ يَا مَنْ لَا يُحِيطُ بِهِ مَوْضِعٌ وَ لَا مَكَانٌ يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ يَا مَنْ يُمْسِكُ الرَّمَقَ مِنَ الدَّنِفِ الْعَمِيدِ بِمَا قَلَّ مِنَ الْغِذَاءِ يَا مَنْ يُزِيلُ بِأَدْنَى الدَّوَاءِ مَا غَلُظَ مِنَ الدَّاءِ يَا مَنْ إِذَا وَعَدَ وَفَى وَ إِذَا تَوَعَّدَ عَفَا يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِی ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ يَا عَظِيمَ الْخَطَرِ يَا كَرِيمَ الظَّفَرِ يَا مَنْ لَهُ وَجْهٌ لَا يَبْلَى يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَفْنَى يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفَأُ

ص: ۱۷۵

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۱۶۰- ۱۶۲.

۲- ۲. و ذكره الكفعمیّ فی المصباح أيضا ص ۷۸- ۸۰.

يَا مَنْ فَوْقَ كُلِّ شَيْ ءٍ عَرْشُهُ يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ سُلْطَانُهُ يَا مَنْ فِي جَهَنَّمَ سَخَطُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّهِ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ مَوَاعِيدُهُ صَادِقَهٌ يَا مَنْ أَيَادِيهِ فَاضِلَهٌ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَهٌ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ خَلْقُهُ بِالْمَنْزِلِ الْأَدْنَى يَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَهِ يَا رَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَهِ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا رَبَّ الْعِزَّهِ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ يَا مَنْ لَا يُدْرَكُ أَمَدُهُ يَا مَنْ لَا يُحْصَى عَدَدُهُ يَا مَنْ لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهُ أَشْهَدُ وَ الشَّهَادَهُ لِي رِفْعَهٌ وَ عُدَّهٌ وَ هِيَ مِنِّي سَمْعٌ وَ طَاعَهٌ وَ بِهَا أَرْجُو النَّجَاهَ يَوْمَ الْحَسْرَهِ وَ النَّدَامَهِ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْكَ وَ أَدَّى مَا

كَانَ وَاجِباً عَلَيْهِ لَكَ وَ أَنَّكَ تَخْلُقُ دَائِماً وَ تَرْزُقُ وَ تُعْطِي وَ تَمْنَعُ وَ تَرْفَعُ وَ تَضَعُ وَ تُغْنِي وَ تُفْقِرُ وَ تَخْذُلُ وَ تَنْصُرُ وَ تَعْفُو وَ تَرْحَمُ وَ تَصْفَحُ وَ تَجَاوَزُ عَمَّا تَعْلَمُ وَ لَا تَجُورُ وَ لَا تَظْلِمُ وَ أَنَّكَ تَقْبِضُ وَ تَبْسُطُ وَ تَمْحُو وَ تُثْبِتُ وَ تُبْدِئُ وَ تُعِيدُ وَ تُحْيِي وَ تُمِيتُ وَ أَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ فَطَالَمَا عَوَّدْتَنِي الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَ أَعْطَيْتَنِي الْكَثِيرَ الْجَزِيلَ وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ الْقَبِيحَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَجِّلْ فَرَجِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ ارْحَمْ غُرْبَتِي وَ ارْدُدْنِي إِلَى أَفْضَلِ عَادَتِكَ عِنْدِي وَ اسْتَقْبِلْ بِي صِحَّهً مِنْ سُقْمِي وَ سَعَهً مِنْ عَدَمِي وَ سَلَامَهً شَامِلَهً فِي بَدَنِي وَ بَصِيرَهً وَ نَظْرَهً نَافِذَهً فِي دِينِي وَ مَهِّدْنِي وَ أَعِنِّي عَلَى اسْتِغْفَارِكَ وَ اسْتِقَالَتِكَ قَبْلَ أَنْ يَفْنَى الْأَجَلُ وَ يَنْقَطِعَ الْعَمَلُ وَ أَعِنِّي عَلَى الْمَوْتِ وَ كُرْبَتِهِ وَ عَلَى الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ وَ عَلَى الْمِيزَانِ وَ خِفَّتِهِ وَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ زَلَّتِهِ وَ عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ رَوْعَتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَجَاحَ الْعَمَلِ قَبْلَ انْقِطَاعِ الْأَجَلِ وَ قُوَّهً فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ اسْتِعْمَالًا

لِصَالِحِ مَا عَلَّمْتَنِی وَ فَهَّمْتَنِی إِنَّکَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِیلُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِیلُ وَ شَتَّانَ مَا بَیْنَنَا یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مَنْ بِهِ فَهَّمْتَنَا وَ هُوَ أَقْرَبُ وَسَائِلِنَا إِلَیْکَ رَبَّنَا- مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِینَ (۱).

**[ترجمه]این دعا را با سند آن، در کتاب عتیق که از کتاب‌های بزرگان اصحاب ما می‌باشد، یافتم، و با شرحی که کفعمی بیان کرده است، تا عبارت «فإن تولوا فقل حسبی الله لا إله إلا هو علیه توکّلت و هو ربُّ العرش العظیم»، {پس اگر روی گرداندند، بگو: خداوند مرا کفایت کند، هیچ خدایی جز او وجود ندارد، بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.} می‌باشد و ادامه آن را بیان نکرده است .

**[ترجمه]

توضیح

قال الکفعمی قدس سره رأیت فی کتاب عده السفر و عمده الحضر لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی رحمه الله أنه من دعا بهذا الدعاء و هو یا کبیر کل کبیر إلى آخره فی کل صباح قضى الله سبحانه له سبعین حاجه من حوائج الدنیا و الآخره و قال ره الکبیر و الکثیر بالفتح و لا یکسر کافاهما(۲)

إنما یکسر أول فعیل إذا کان ثانیه حرفا حلقیا نحو شعیر و رغیف و بهیم و سعید قاله ابن الجوالیقی فی کتابه إصلاح غلط العامه انتهى.

و قال الجوهری الکبل القید الضخم یقال کبلت الأسیر و کبلته إذا قیدته فهو مکبول و مکبل یا نور النور أی خالق الأنوار و جاعلها نورا یا شافی الصدور من غیظ الأعادی أو من الأخلاق الذمیمه التی هی أمراض القلوب یا جاعل الظل أی خالقه و الجعل یطلق غالبا فیما لا یقوم بنفسه من الأعراض و الخلق فیما یقوم بنفسه من الأجسام و نحوها و الحرور الریح الحاره باللیل و قد یکون بالنهار و حر الشمس و الحر الدائم و النار ذکره الفیروزآبادی.

بذات الصدور أی بالنیات و الأسرار التی فیها و النور عطف تفسیر للکتاب و الإبکار الغدوه و الظهور جمع الظهر بالضم الدارسات أی البالیات من درس الثوب أی خلق یا سابق الفوت أی لا یفوته شی ء بل یسبق فوته فیدرکه قبل فوته و الفوت السبق أیضا أی یسبق بسبق من سبق و قیل سبق الفوت فلا یفوت هو و هو بعید و تجشم الأمر تکلفه على مشقه و أعنان السماء نواحیها و قال الفیروزآبادی

۱- ۱. البلد الأمین: ۶۱- ۶۰.

۲- ۲. نقل الشرتونی فی أقربه عن التاج أن النووی صرّح فی تحریره و غیره أن کبیرا بکسر الکاف لغه فی فتحها.

الدنف محركه المرض الملازم و رجل و امرأه و قوم دنف محركه فإذا كسرت أنثت و ثنيت و جمعت.

و قال الكفعمى ره العميد قال شارح السبع العلويات فيه هو الذى هذه المرض قال و هو المعمود أيضا و قال الجوهرى عمده المرض أى فدحه و قال الهروى العمد ورم يكون فى الظهر و منه الحديث (۱)

و شفى العمد و أقام الأود و المراد حسن السياسه انتهى.

و الوعد يطلق غالبا فى الخير و قد يطلق فى الشر أيضا و التوعد و الإيعاد التهدد بالشر و الخطر القدر و المنزله و السبق يتراهن عليه و الإشراف على الهلاك و الكل هنا مناسب و إن كان الأول أنسب يا كريم الظفر أى الكريم عند الظفر أو ظفره جليل عظيم لا يطفأ على بناء المعلوم و المجهول بالهمز و غيره تخفيفا و أصله الهمز فى القاموس طفأت النار كسمع طفوءا ذهب لهبها و أطفأتها انتهى.

و الأيادى النعم بالمنظر الأعلى المنظره المرقبه أى فى المرقب الأعلى يرقب عباده و هو مطلع على جميع أحوالهم أو هو أعلى و أرفع من أنظار الخلق و أفكارهم و يا أهل التقوى أى هو سبحانه لعظمته و جلاله أهل لأن يتقى عذابه و سطوته و لكرمه و جوده أهل لأن يغفر يا من لا يدرك أمده أى انتهاء وجوده أزلا و أبدا أو أمد حقيقته و كنه ذاته و صفاته يا من لا يحصى عدده أى عدد معلوماته و مقدوراته و مخلوقاته و تقديراته و ألطافه و نعمه و المدد بالتحريك الزياده و المعونه و يمكن أن يقرأ بضم الميم جمع مده.

و الشهاده لى الجمل معترضه بين أشهد و معموله و أنك تخلق فى بعض النسخ تعطى فالمراد جنس العطاء مع قطع النظر عن خصوص الأشخاص أو العطايا الشامله من الإيجاد و الرزق بقدر الضروره و الحفظ و ما سيأتى من قوله عليه السلام و تعطى و تمنع بالنسبه إلى الأشخاص أو العطايا الخاصه من زوائد الإحسان و الفضل و التوفيقات و الهدايات المخصوصه ببعض الأشخاص و بعض الأحوال و فى القاموس العدم

۱- ۱. كلام ندبت به النادبه على عمر من قولها:« وا عمراه أقام الاود و شفى العمد».

بالضم و بضمتين و بالتحريك الفقدان و مهدنى قال الكفعمى ره أى مكنى و التمهد التمكن أو بمعنى أصلحنى و تمهيد الأمور إصلاحها و تمهيد العذر قبوله قاله الجوهرى و المهاد الفراش و منه قوله تعالى فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (۱) أى يوطئون و مهدت لنفسى و مهدت أى جعلت لها مكانا وطئا سهلا و قوله تعالى وَ لَبِئْسَ الْمِهادُ(۲) أى بئس ما مهد لنفسه فى معاده انتهى.

**[ترجمه]مصباح الشيخ و البلد الامين و اختيار ابن الباقى: دعاى ديگر: از امام ابى الحسن عسكرى عليه السلام براى خواندن در صبح روايت شده است: {اى بزرگ تر از هر بزرگ، اى آنكه نه شريكى براى او هست و نه مشاورى، اى آفريدگار خورشيد و ماه تابان، اى پناه بيمناك پناهنده، اى آزاد كننده اسير در زنجير، اى روزى دهنده كودك خردسال، اى بهبود دهنده استخوان شكسته، اى رحم كننده بر پير مرد كهنسال، اى نورانى كننده نور، اى تدبير كننده كار ها، اى برانگيزنده آنچه در قبرهاست، اى شفا دهنده سينه ها، اى قرار دهنده سايه و حرارت، اى داناى به اسرار سينه ها، اى نازل كننده كتاب و نور، و فرقان بزرگ و زبور.

اى آنكه فرشتگان براى او هر صبحگاه و هنگام ظهر تسبيح گويند، اى آنكه جاودانه باقى است، اى آنكه هر صبحگاه و شامگاه گياهان را مى رويانـد، اى زنده كننده مردگان، اى ايجاد كننده استخوان هاى پوسيده، اى شنونده صدا ها، اى آنكه هيچ چيز از او فوت نمى شود، اى پوشاننده استخوان هاى فرسوده بعد از مرگ، اى آنكه كارى او را از كار ديگر مشغول نمى سازد، اى آنكه از حالى به حال ديگر تغيير نمى كند، اى آنكه نيازى به حركت و انتقال ندارد، اى آنكه امرى او را از امر ديگر باز نمى دارد، اى آنكه با كمترين صدقه و دعا از فراز آسمان، آنچه از تقديرات بد كه حتمى ساخته و قطعى نموده را برمى گرداند، اى آنكه جايگاه و مكانى او را احاطه نمى نمايد، اى آنكه شفا را در هر چه بخواهد قرار مى دهد، اى آنكه باقيمانده جان را در تن بيمار با اندك غذايى نگاه مى دارد، اى آنكه به اندك دوايى درد سنگين را زائل مى سازد، اى آنكه هر گاه وعده نمود وفا مى‌كند، و هرگاه تهديد كرد مى‌بخشد.

اى آنكه نياز نيازمندان در اختيار اوست، اى آنكه به اسرار افرادى كه ساكتند آگاه هست، اى آنكه ارزشش والا، و غلبه اش بزرگوارانه است، اى آنكه ذاتش فرسودگى ندارد، اى آنكه فرمانروايى‌اش فنا نمى پذيرد، اى آنكه نورش خاموش نمى گردد، اى آنكه عرشش برفراز هر چيز مى باشد، اى آنكه قدرتش خشكى و دريا را فراگرفته، اى آنكه عذابش در جهنم است، اى آنكه رحمتش در بهشت نمايان گرديده، اى آنكه وعده هايش راستين، و نعمت هايش از جهت لطف و فضل اوست، اى آنكه رحمتش گسترده است، اى فريادرس پناهندگان، اى اجابت كننده دعاى بيچارگان، اى آنكه در جايگاه بر تر است، و آفريده‌هايش تحت اختيار او قرار دارند.

اى پروردگار روح هاى فانى شونده، اى پروردگار بدن هاى پوسيده شونده، اى بينا ترين بينندگان، اى شنوا ترين شنوندگان، اى سريع ترين حسابرسان، اى حاكم‌ترين حاكمان، اى مهربان ترين مهربانان، اى بخشاينده عطا ها، اى آزاد كننده اسيران، اى پروردگار عزت، اى اهل تقوى و اهل بخشش، اى آنكه نهايتش درك نشده، و مخلوقاتش به شمارش درنيايد، و يارى‌اش قطع نمى گردد، گواهى مى دهم، - و اين گواهى برايم بزرگى و توشه است، و آن از من به معناى پذيرش و فرمانبرى است، و با آن، اميد موفقيت و رستگارى در روز قيامت كه روز حسرت و ندامت است را دارم، - كه تو خدا هستى و هيچ خدايى جز تو نيست، يگانه بوده و شريكى ندارى، و محمد بنده و فرستاده توست، درود تو بر او و خاندانش باد، و اينكه او پيامت را ابلاغ

کرد و آنچه بر او واجب بود را ادا نمود، و اینکه تو همواره عطا کرده و روزی می دهی، و عطا کرده و منع می نمایی، و بالا برده و پائین می آوری، و بی نیاز کرده و فقیر می گردانی، و خوار نموده و یاری می نمایی، و بخشیده و رحم می کنی و از آنچه می دانی گذشته و چشم می پوشی، و ستم ننموده و زور نمی گویی، اینکه تنگ گرفته و می افزایی و محو نموده و نگه می‌داری، و ایجاد کرده و بازمی گردانی، و زنده کرده و می میرانی، و تو زنده ای هستی که نمی میری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا از جانب خودت هدایت کرده، و از فضلت بر من بریز، و از رحمتت بر من بگستران، و از برکاتت بر من نازل کن. دیری است که نیکی‌های زیبایت را بر من ارزانی داشته، و بسیار بر من عطا نموده ای و کارهای زشتم را پوشانده‌ای.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و گشایش کارم را نزدیک نما، و از لغزشم درگذر، و بر تنهایی‌ام رحم نما، و مرا به بهترین عادتت نزد من بازگردان، و برایم سلامتی از بیماری، و فراوانی از نداری و سلامتی فراگیر در بدنم، و بصیرت قوی در دینم پیش آور، و مرا آماده نما، و بر آمرزش خواهی و نادیده گرفتن بر من قبل از مرگ و پایان عمل، کمک کن، و مرا در مرگ و سختی های آن، و در قبر و وحشت آن، و در هنگام رسیدگی به اعمال و خواری آن، و در صراط و لغزش آن، و در روز قیامت و وحشت آن، یاری فرما.

و از تو موفقیت در عمل قبل از پایان عمرم، و توانایی در گوش و چشمم، و عمل نیک از آنچه به من آموخته و فهمانده ای، می خواهم؛ به درستی که تو پروردگار بزرگ و من بنده ذلیل و خواری هستم، و فرق بین ما چه بسیار زیاد است؛ ای مهربان، ای منت گذار، ای صاحب شکوه و بزرگواری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر کسی که به وسیله او به ما فهماندی و او نزدیک ترین وسیله ما به سوی توست، پروردگارا، او محمد و خاندان پاک او هستند. - . البلد الامین: ۶۰- ۶۱ -

**[ترجمه]

و أقول

یمکن أن یکون المعنی مهدنی و هیئنی لاستغفارک أو عبادتک و لا یبعد أن یکون فی الأصل باللام من المهله.

و قال فی النهایه الحنان الرحمه و العطف و الرزق و البرکه و فی أسماء الله تعالی الحنان هو بتشدید النون الرحیم بعباده فعال من الحنین للمبالغه و قال المنان هو المعطی من المن العطاء لا من المنه و کثیرا ما یرد المن فی کلامهم بمعنی الإحسان إلی من لا یستثیبه و لا یطلب الجزاء علیه و المنان من أبنیه المبالغه کالسفاک و الوهاب انتهی و الجلال الاستغناء المطلق و الإکرام الفضل العام أو الجلال الصفات السلبیه أو القهریه و الإکرام الثبوتیه أو اللطفیه.

**[ترجمه]کفعمی - که روانش پاک باد- گفته است: در کتاب عده السفر و عمده الحضر نوشته ابی علی فضل بن حسن طبرسی - که رحمت خدا بر او باد- دیدم که هر کس هر روز صبح با این دعا - یعنی «یا کبیر کل کبیر» تا آخرش - دعا کند، خدای سبحان هفتاد نیاز از نیازهای دنیا و آخرت او را برآورده می‌سازد. و گفته است: کاف در «الکبیر» و «الکثیر» هر دو با

فتحه است و بـا کسـره خوانـده نمی‌شود؛ فقط هنگامی که دومین حرف وزن فعیل از حروف حلقی باشـد، حرف اول با کسـره خوانده می‌شود، مانند «شعیر» و «رغیف» و «بهیم» و «سعید»؛ این را الجوالیقی در کتابش اصلاح غلط العامه گفته است. پایان.

جـوهری گفته است: «الکبـل»، یعنی بنـد ضـخیم؛ گفته می‌شود: «کبلت الأسـیر، کبلته»، یعنی او را در بنـد کردم، «فهو مکبول و مکبّل»، پس او در بنـد شـد. «یا نور النور»، یعنی آفریننـده نورها و قرار دهنـده آنها به عنوان نور. «یا شافی الصدور»، یعنی شـفا دهنده از کینه دشمنان یا از خوی‌های ناپسندی که بیماری‌های دل هستند. «یا جاعل الظل»، یعنی آفریدگار آن؛ «جعل» بیشتر بر موجوداتی که خود مسـتقل نیسـتند، اطلاق می‌شود و «خلق» بیشتر بر اشیایی اطلاق می گردد که وجود مستقل دارند. «الحرور»، یعنی بـاد گرمی که در شب بوزد، و در روز نیز می‌وزد، گرمای آفتاب، گرمای پیوسـته، و آتش؛ فیروزآبادی این را بیان کرده است .

«بـذات الصـدور»، یعنی بـا نیت‌هـا و رازهـایی که در آن است؛ و «النـور» عطف تفسیری به «الکتـاب» است. «و الإبکـار»، یعنی صبحگاه؛ و «الظهور» جمع «الظهر» با ضـمه، است. «الـدراسات»، یعنی پوسـیده‌ها، از «درس الثوب»، یعنی کهنه شـد، گرفته شده است. «یا سابق الفوت»، یعنی چیزی را از دست نمی‌دهد بلکه نسبت به از بین رفتن آن، جلوتر است و قبل از اینکه از بین رود، آن را در اختیار دارد؛ «الفوت» به معنای «السَبَق» نیز هست، یعنی بر پیشتازی هر پیشتازی پیشتاز است؛ و گفته شده است: «سبق الفـوت»، یعنی خـود او از بین نمی‌رود، ولی بعیـد است معنـای عبـارت موجود در دعـا این باشـد. «تجشم الأـمر»، یعنی آن را با توانفرسـایی به دوش گرفت. «أعنـان السـماء»، یعنی اطراف آن. فیروزآبادی گفته است: «الـدنف» با فتحه حروف، یعنی بیماری مزمن؛ و «رجـل و امرأه و قوم دَنَف» بـا فتحه حروف می‌آیـد و وقتی که کسـره بگیرد، به صورت مؤنث و مثنی و جمع نیز می‌آید.

کفعمی – که رحمت خدا بر او باد– گفته است: شـرح کننده السبع العلویات در مورد «العمید» گفته است: کسی که بیماری او را تهدیـد می‌کنـد؛ بـه او «المعمـود» نیز گفتـه می‌شـود؛ جوهری گفتـه است: «عمـده المرض»، یعنی او را زمینگیر کرده است؛ الهروی گفته است: «العمـد»: ورمی که در پشت به وجود آیـد؛ حـدیث – . سـخنی که شخصـی با زاری به عمر گفته است: «وا عمراه، أقام الأولاد و شفی العمد» {ای عمر، با فریادم برس که فرزندان قد بر افراشته‌اند و بیماری درمان شده است.} –

«و شفی العمد و أقام الأولاد» از این گونه است و منظور از آن، نیکو سیاست ورزیدن است. پایان.

«الوعـد» بیشتر در وعـده به خوبی به کار می‌رود، همچنین در بـدی نیز اسـتفاده می‌شود؛ و «التوعـد» و «الایعاد»، یعنی تهدیـد به بدی رساندن. «الخطر»: ارزش و جایگاه، و مسابقه‌ای که بر آن، گروه بندی می‌شود، و آگاهی داشـتن بر هلاکت، همه اینها در اینجـا تنـاسب دارد، هرچنـد اولی مناسب‌تر است. «یا کریم الظفر»، یعنی بزرگوار هنگام پیروز گشـتن، یا پیروزی‌اش باشکوه و بزرگ است. «لاـ یطفأ»، به صورت فعـل معلوم و مجهول بـا همزه و جز آن بـدون تشدیـد، و در اصـل همزه بوده؛ در القاموس آمـده است: «طفـأت النـار، طفوءاً و أطفأتها»ماننـد سـمع – در وزن –، یعنی شـعله‌اش رفت. پایان. «و الأیادی»: نعمتها؛ «بالمنظر الأعلی»، «المنظر»، یعنی دیـده بانی، یعنی در دیـده بانی بالاتری که بندگانش را تحت مراقبت دارد و بر تمام حالات آنها آگاه است، یا اینکه او از دیـدگان و افکار آفریـدگان بسیار بالاتر و بلندتر است. «و یا أهل التقوی...»، یعنی خدای سبحان به خاطر عظمت و بزرگواری‌اش شایسـته آن است که عذاب و خشم خودش را بازدارد، و به خاطر کرامت و بخشنـدگی‌اش شایسته آن

است که بیامرزد. «یا من لا یدرک أمده»، یعنی انتهای وجودی او، چه از ابتدا و چه از انتها؛ یا انتهای حقیقت و گوهر ذات و صفات او. «یا من لا یحصی عدده»، یعنی تعداد دانسته‌ها و توانمندی‌ها و آفریده‌ها و تقدیرها و مهربانی‌ها و نعمت‌های او. «المدد» با فتحه حروف، یعنی افزونی و یاری؛ نیز ممکن است با ضمه میم، جمع مده خوانده شود.

«و الشهاده لی»، جمله‌ای معترضه بین «أشهد» و معمول آن - یعنی «أنک أنت...»- است. «و أنک تخلق» در بعضی نسخه‌ها به صورت «تعطی» آمده است که منظور از آن، صرف نظر از خصوص اشخاص، جنس بخشش است، یا بخشش‌های گسترده، از قبیل به وجود آوردن و روزی دادن به مقدار ضرورت و حفظ کردن، و عبارت «و تعطی و تمنع» آن حضرت، علیه السلام که در ادامه می‌آید، به نسبت اشخاص است، یعنی بخشش‌های خاص از دریچه‌های نیکی و فضل و توفیقات و هدایت‌های ویژه به بعضی افراد و در بعضی حالت‌ها. در القاموس آمده است: «العدم» با یک ضمه، و با دو ضمه و با فتحه حروف، یعنی نیستی. کفعمی گفته است: «و مهّدنی»، یعنی برایم ممکن ساز، و «التمهد» یعنی توانایی؛ یا به معنی نیکویم کن، و «تمهید الأمور»، یعنی نیکو ساختن آنها، و «تمهید العذر»، یعنی پذیرفتن آن؛ جوهری این را گفته است. «المهاد»، یعنی بستر؛ کلام خدای متعال «فلأنفسهم تمهدون»، - . الروم/ ۴۴ - {به

سود خودشان آماده می کنند.} از این قبیل کاربرد است، یعنی آماده می‌کنید، و «مهَّدت لنفسی، و مهّدت»، یعنی برایش جایی آرام و راحت قرار دادم؛ و کلام خدای متعال «و لبئس المهاد»، - . البقره/ ۲۰۶ - {و

چه بد بستری است.} یعنی چه بد جایی برای خود در بازگشتگاهش آماده کرده است .

**[ترجمه]

«۴۶»

الْمُتَهَجِّدُ(۳)، وَ سَائِرُ الْکُتُبِ: فَإِذَا فَرَغَ دَعَا بِالدُّعَاءِ الْمَرْوِیِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی الصَّبَاحِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُمْتَنِعاً وَ بِعِزَّتِهِ مُحْتَجِباً وَ بِأَسْمَائِهِ عَائِذاً مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَ السُّلْطَانِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ- فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ- فَاللَّهُ خَیْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ- إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا- وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی ذَهَبَ بِاللَّیْلِ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ

۱- ۱. الروم: ۴۴.

۲- ۲. البقره: ۲۰۶.

۳- ۳. مصباح المتهجد: ۱۶۲- ۱۶۶.

بِالنَّهَارِ مُبْصِراً بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَ نَحْنُ فِی عَافِیَهٍ مِنْهُ بِمَنِّهِ وَ جُودِهِ وَ کَرَمِهِ مَرْحَباً بِالْحَافِظَیْنِ وَ تَلْتَفِتُ عَنْ یَمِینِکَ وَ تَقُولُ وَ حَیَّاکُمَا اللَّهُ مِنْ کَاتِبَیْنِ وَ تَلْتَفِتُ عَنْ شِمَالِکَ وَ تَقُولُ اکْتُبَا رَحِمَکُمَا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَهَ حَقٌّ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فِیها وَ أَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ عَلَی ذَلِکَ أَحْیَا وَ عَلَیْهِ أَمُوتُ وَ عَلَیْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَقْرِئَا مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله مِنِّی السَّلَامَ (۱) أَصْبَحْتُ فِی جِوَارِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُضَامُ وَ فِی کَنَفِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ فِی سُلْطَانِهِ الَّذِی لَا یُسْتَطَاعُ وَ فِی ذِمَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُخْفَرُ وَ فِی عِزَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا یُقْهَرُ وَ فِی حَرَمِ اللَّهِ الْمَنِیعِ وَ فِی وَدَائِعِ اللَّهِ الَّتِی لَا تَضِیعُ وَ مَنْ أَصْبَحَ لِلَّهِ جَاراً فَهُوَ آمِنٌ مَحْفُوظٌ أَصْبَحْتُ وَ الْمُلْکُ وَ الْمَلَکُوتُ وَ الْعَظَمَهُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْجَلَالُ وَ الْإِکْرَامُ وَ النَّقْضُ وَ الْإِبْرَامُ وَ الْعِزَّهُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْحُجَّهُ وَ الْبُرْهَانُ وَ الْکِبْرِیَاءُ وَ الرُّبُوبِیَّهُ وَ الْقُدْرَهُ وَ الْهَیْبَهُ وَ الْمَنَعَهُ وَ السَّطْوَهُ وَ الرَّأْفَهُ وَ الرَّحْمَهُ وَ الْعَفْوُ وَ الْعَافِیَهُ وَ السَّلَامَهُ وَ الطَّوْلُ وَ الْآلَاءُ وَ الْفَضْلُ وَ النَّعْمَاءُ وَ النُّورُ وَ الضِّیَاءُ وَ الْأَمْنُ وَ خَزَائِنُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْمَلِکِ الْجَبَّارِ الْعَزِیزِ الْغَفَّارِ أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِکُ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لَا أَدْعُو مَعَهُ إِلَهاً وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِیّاً وَ لَا نَصِیراً- إِنِّی لَنْ یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی حَقّاً لَا أُشْرِکُ بِاللَّهِ شَیْئاً اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْبَرُ وَ أَعْلَی وَ أَقْدَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ کَمَا ذَهَبْتَ بِاللَّیْلِ وَ أَقْبَلْتَ بِالنَّهَارِ خَلْقاً جَدِیداً مِنْ خَلْقِکَ وَ آیَهً بَیِّنَهً مِنْ آیَاتِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَذْهِبْ عَنِّی فِیهِ کُلَّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ حُزْنٍ وَ مَکْرُوهٍ وَ بَلِیَّهٍ وَ مِحْنَهٍ وَ مُلِمَّهٍ وَ أَقْبِلْ إِلَیَّ بِالْعَافِیَهِ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالرَّحْمَهِ وَ الْعَفْوِ وَ التَّوْبَهِ وَ ادْفَعْ عَنِّی کُلَّ مَعَرَّهٍ وَ مَضَرَّهٍ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالرَّحْمَهِ وَ الْعَفْوِ وَ التَّوْبَهِ بِحَوْلِکَ وَ

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۸۰ و ۸۱.

قُوَّتِکَ وَ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَتُهُ وَ رُسُلُهُ مِنْ شَرِّ هَذَا الْیَوْمِ وَ مَا یَأْتِی بَعْدَهُ وَ مِنَ الشَّیْطَانِ وَ السُّلْطَانِ وَ الرُّکُوبِ الْحَرَامِ وَ الْآثَامِ وَ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ الْعَیْنِ اللَّامَّهِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَ بِکَلِمَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ قُدْرَتِهِ مِنْ غَضَبِهِ وَ سَخَطِهِ وَ عِقَابِهِ وَ أَخْذِهِ وَ بَأْسِهِ وَ سَطْوَتِهِ وَ نَقِمَتِهِ وَ مِنْ جَمِیعِ مَکَارِهِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ امْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ جَمِیعاً وَ قُوَّتِهِمْ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ وَ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ عَلَی اللَّهِ أَتَوَکَّلُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ أَسْتَعِینُ وَ أَسْتَجِیرُ بِسْمِ اللَّهِ خَیْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ رَبِّ إِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَبِّ إِنِّی فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَیْکَ رَبِّ إِنِّی أَلْجَأْتُ ظَهْرِی إِلَیْکَ رَبِّ إِنِّی أَلْجَأْتُ ضَعْفَ رُکْنِی إِلَی قُوَّهِ رُکْنِکَ مُسْتَعِیناً بِکَ عَلَی ذَوِی التَّعَزُّزِ عَلَیَّ وَ الْقَهْرِ لِی وَ الْقُدْرَهِ عَلَی ضَیْمِی وَ الْإِقْدَامِ عَلَی ظُلْمِی وَ أَنَا وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی فِی جِوَارِکَ وَ کَنَفِکَ رَبِّ لَا ضَعْفَ مَعَکَ وَ لَا ضَیْمَ عَلَی جَارِکَ رَبِّ فَاقْهَرْ قَاهِرِی بِعِزَّتِکَ وَ أَوْهِنْ مُسْتَوْهِنِی بِقُدْرَتِکَ وَ اقْصِمْ ضَائِمِی بِبَطْشِکَ وَ خُذْ لِی مِنْ ظَالِمِی بِعَدْلِکَ وَ أَعِذْنِی مِنْهُ بِعِیَاذِکَ وَ أَسْبِلْ عَلَیَّ سِتْرَکَ فَإِنَّ مَنْ سَتَرْتَهُ فَهُوَ آمِنٌ مَحْفُوظٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ یَا إِلَهَ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ مَنْ فِی السَّمَاءِ یَا مَنْ لَا غِنَی لِشَیْ ءٍ عَنْهُ وَ لَا بُدَّ لِشَیْ ءٍ مِنْهُ یَا مَنْ مَصِیرُ کُلِّ شَیْ ءٍ إِلَیْهِ وَ وُرُودُهُ إِلَیْهِ وَ رِزْقُهُ عَلَیْهِ صَلِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَوَلَّنِی وَ لَا تُوَلِّنِی أَحداً مِنْ شِرَارِ خَلْقِکَ کَمَا خَلَقْتَنِی وَ غَذَوْتَنِی وَ رَزَقْتَنِی وَ رَحِمْتَنِی فَلَا تُضَیِّعْنِی یَا مَنْ جُودُهُ وَسِیلَهُ کُلِّ سَائِلٍ وَ کَرَمُهُ شَفِیعُ کُلِّ آمِلٍ یَا مَنْ هُوَ بِالْجُودِ مَوْصُوفٌ ارْحَمْ مَنْ هُوَ بِالْإِسَاءَهِ مَعْرُوفٌ یَا کَنْزَ الْفُقَرَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ وَ یَا مُعِینَ الضُّعَفَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ لِهَمٍّ لَا یُفَرِّجُهُ غَیْرُکَ وَ لِرَحْمَهٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِکَ وَ لِحَاجَهٍ لَا یَقْضِیهَا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ کَمَا کَانَ مِنْ شَأْنِکَ مَا أَرَدْتَنِی بِهِ مِنْ ذِکْرِکَ وَ أَلْهَمْتَنِیهِ مِنْ شُکْرِکَ وَ دُعَائِکَ فَلْیَکُنْ مِنْ شَأْنِکَ الْإِجَابَهُ لِی فِیمَا دَعَوْتُکَ وَ النَّجَاهُ فِیمَا فَزِعْتُ إِلَیْکَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ أَکُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَکَ فَإِنَّ رَحْمَتَکَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِی وَ تَسَعَنِی لِأَنَّهَا وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ وَ أَنَا شَیْ ءٌ فَلْتَسَعْنِی رَحْمَتُکَ یَا مَوْلَایَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْنُنْ عَلَیَّ وَ أَعْطِنِی فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ أَوْجِبْ لِیَ الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ وَ زَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ بِفَضْلِکَ وَ أَجِرْنِی مِنْ غَضَبِکَ وَ وَفِّقْنِی لِمَا یُرْضِیکَ عَنِّی وَ اعْصِمْنِی مِمَّا یُسْخِطُکَ عَلَیَّ وَ رَضِّنِی بِمَا قَسَمْتَ لِی وَ بَارِکْ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَنِی وَ اجْعَلْنِی شَاکِراً لِنِعْمَتِکَ وَ ارْزُقْنِی حُبَّکَ وَ حُبَّ کُلِّ مَنْ أَحَبَّکَ وَ حُبَّ کُلِّ عَمَلٍ یُقَرِّبُنِی إِلَی حُبِّکَ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْکَ وَ التَّفْوِیضِ إِلَیْکَ وَ الرِّضَا بِقَضَائِکَ وَ التَّسْلِیمِ لِأَمْرِکَ حَتَّی لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ أَنْتَ لِکُلِّ عَظِیمَهٍ وَ أَنْتَ لِکُلِّ نَازِلَهٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْفِنِی کُلَّ مَئُونَهٍ وَ بَلَاءٍ یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِی یَا قَدِیمَ الْعَفْوِ عَنِّی یَا مَنْ لَا غِنَی لِشَیْ ءٍ عَنْهُ یَا مَنْ رِزْقُ کُلِّ شَیْ ءٍ عَلَیْهِ.: ثُمَّ تُوْمِی بِإِصْبَعِکَ نَحْوَ مَنْ تُرِیدُ أَنْ تُکْفَی شَرُّهُ وَ تَقُولُ إِنَّا جَعَلْنا فِی أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا فَهِیَ إِلَی الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ- إِنَّا جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَی الْهُدی فَلَنْ یَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً- أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ

وَ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ- أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ- وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ بِهِ تَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَیْنَ الْمُجْتَمِعِ وَ بِهِ أَحْصَیْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَ زِنَةَ الْجِبَالِ وَ کَیْلَ الْبِحَارِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱).

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ مِنْ أَیِّ أَبْوَابِهَا شَاءَ وَ یَکُونَ فِی صَحِیفَتِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَلْیَقُلْ کُلَّ یَوْمٍ عَقِیبَ صَلَاةِ الصُّبْحِ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی ذَهَبَ بِاللَّیْلِ بِقُدْرَتِهِ إِلَی قَوْلِهِ أَقْرِئَا مُحَمَّداً مِنِّی السَّلَامَ (۲).

**[ترجمه]ممکن است معنی آن، این باشد که مرا برای آمرزش خواستن از خودت و عبادتت آماده و مهیا کن؛ و بعید نیست در اصل با لام، - یعنی «مهّد لی»- و از مهلت خواستن باشد.

در النهایه گفته است: «الحنان»، یعنی رحمت و مهربانی و روزی و برکت، و در اسم‌های خدا، «الحنّان» با تشدید نون است، یعنی بسیار مهربان نسبت به بندگانش، که - بر وزن - فعّال و برای مبالغه است. و گفته است: «المنّان»، یعنی بخشنده، که از «منّ» به معنی بخشش گرفته شده است، نه از «منّه»؛ و در بیشتر موارد به کار گیری در کلام آنها، به معنی نیکی به کسی است که - در عوض - به او ثواب نمی‌دهد و بر آن، پاداش نمی گیرد، و «المنّان» مانند «السفّاک» و «الوهّاب» از صیغه‌های مبالغه است. پایان. «الجلال» بی‌نیازی مطلق است و «الاکرام»، بخشش همه گیر؛ یا اینکه «الجلال»، صفات سلبیه یا قهریه است و «الاکرام»، صفات ثبوتیه یا لطفیه.

**[ترجمه]

توضیح

آخِذٌ بِناصِیَتِها أی مالک لها قادر علیها یصرفها علی ما یرید بها و الأخذ بالنواصی تمثیل لذلک عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ أی أنه علی الحق و العدل لا یضیع عنده معتصم و لا یفوته ظالم فَإِنْ تَوَلَّوْا أی عن الإیمان بک فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ فإنه یکفیک معرتهم و یعینک علیهم لا إِلهَ إِلَّا هُوَ کالدلیل علیه عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ فلا أرجو و لا أخاف إلا منه وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ قیل أی الملک العظیم أو الجسم الأعظم المحیط الذی ینزل منه الأحکام و التقادیر خَیْرٌ حافِظاً حال أو تمییز نحو لله دره فارسا و قرئ حفظا فالأخیر فقط.

ص: ۱۸۳

۱- ۱. البلد الأمین: ۶۱- ۶۴.

۲- ۲. ذکره فی الهامش، الا أنّه لم یطبع و تراه فی هامش الصفحه ۸۰ من کتابه جنه الامان الواقیه(المصباح) ص ۸۰.

أَنْ تَزُولا- أی کراهه أن تزولا فإن الممکن حال بقائه لا بـد له من حافظ أو یمنعهما أن تزولا لأن الإمساک منع إِنْ أَمْسَـکَهُما أی ما أمسکهما مِنْ أَحَـدٍ مِنْ بَعْـدِهِ أی من بعـد الله أو من بعد الزوال و من الأولی زائده و الثانیه للابتداء إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً حیث أمسکهما و کانتـا جـدیرتین بأن تهـدا هـدا و قال الفیروزآبادی قرأ علیه السـلام أبلغه کأقرأه أو لا یقال أقرأه إلا إذا کان السـلام مکتوبـا و قـال خفر به خفرا و خفورا نقض عهـده و غـدره کأخفره و قال الجوار بالکسـر أن تعطی الرجل ذمه فیکون بها جارک فتجیره و جـاوره مجـاوره و جوارا و قـد یکسـر صـار جاره أصـبحت و الملک الواو للعطف أی أصـبح جمیع تلک الأمور منه أو للحـال و الملکوت العز و السـلطان ذکره الفیروزآبادی و قال هو فی عز و منعه محرکه و یسـکن أی معه من یمنعه من عشـیرته و قـال الجزری القـاهر هو الغـالب علی جمیع الخلا-ئق یقال قهره یقهره قهرا فهو قاهر و قهار للمبالغه و قال الجبار معناه الـذی یقهر علی ما أراد من أمر و نهی و یقال هو العالی فوق خلقه انتهی.

و الولی المتولی للأمور و الناصـر و المحب و الملتحد الملجأ و المعره الإثم و الأذی و یقال نجح فلان و أنجح إذا أصاب طلبته و القصم الکسر ما أردتنی به أی طلبتنی بسببه کنایه عن الأمر به و قد مر الفرق بین التوکل و التفویض و الرضا و التسلیم فی کتاب الإیمان و الکفر و إن کانت متقاربه المعنی.

یـا حسن البلاـء أی النعمه فَهِیَ إِلَی الْأَذْقـانِ أی الأغلال واصـله إلی أذقانهم فلا تخلیهم یطأطئون رءوسـهم فَهُمْ مُقْمَحُونَ رافعون رءوسـهم غـاضون أبصـارهم عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً جمع کنـان و الکنـان الغطـاء وزنـا و معنی أَنْ یَفْقَهُوهُ أی کراهه أن یفقهوه وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً أی ثقلا.

مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ أی ترک متابعه الهـدی إلی مطاوعه الهوی فکأنه یعبـده أو اتخـذ معبوده ما یهواه دون ما دل الدلیل علی أن العباده تحق له وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ

عَلی عِلْمٍ أی خـذله الله و خلاه و ما اختاره أو جزاء له علی کفره و عناده علی علم منه باستحقاقه لـذلک و قیل أی وجـده ضالا علی حسب ما علمه فخرج معروفه علی وفق علمه فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ أی بعد هـدایه الله أی إذا لم یهتـد بهـدایته تعالی فلا طمع من اهتدائه حِجاباً مَسْتُوراً أی ساترا و قیل حجابا لا یبصر و قد مر تفسیر تلک الآیات فی محالها.

**[ترجمه]المتهجد - . مصباح المتهجد: ۱۶۳-۱۶۶ -

و سایر الکتب: وقتی از نماز صبح فارغ گشت، با دعایی که از امام جعفر صادق علیه السلام برای صبحگاه روایت شده است، دعا کند: {به نام خدای بخشنده مهربان. شب را صبح کردم در حالی که از بدی شیطان و فرمانروا، و از بدی هر جنبنده‌ای که اختیار آن به دست پروردگارم است، به کمک خدا، نگهداری شده، و با عزت او پوشیده شده، و با اسم‌های او پناه داده شده بودم، که پروردگار من بر راه راست قرار دارد؛ پس اگر روی برتافتند، بگو خدا مرا بس است، هیچ خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است، و به زودی خداوند [بدی] آنان را از تو کفایت خواهد کرد، که او شنوای داناست؛ خدا بهترین نگهبان است، و اوست مهربانترین مهربانان؛ همانا خدا آسمان‌ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد، اوست بردبار آمرزنده. سپاس خدایی را که با قدرت خود، شب را برد، و با رحمت خود روز را دیدنی و در آفرینشی تازه که ما به منت و بخشش و بزرگواری او، در آن ایمنی یافته‌ایم، آورد. خوشامد می گویم به دو حفظ کننده،- و به سمت راست توجه می کنی و می گویی: و درود خدا بر شما دو نویسنده، - و به سمت چپ توجه می کنی و می گویی: - بنویسید ای دو فرشته، رحمت خدا بر شما دو تا.

به نام خدا، گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و گواهی می‌دهم که قیامت، دارای حقیقت و آمدنی است و تردیدی در آن نیست، و اینکه خدا هر کس را که در قبرهاست، همه را برمی‌انگیزد، بر این گواهی دادنم زندگی می کنم و بر آن می‌میرم و به خواست خدا بر آن برانگیخته می گردم؛ شما ای دو فرشته! بر محمد صلی الله علیه و آله از سوی من سلام بگویید. - . مصباح الکفعمی: ۸۰-۸۱ -

در پناه خدایی که ستم نمی کند، و در حمایت خدایی که نمی‌راند، و فرمانروایی او که کسی یارای آن را ندارد، و در امان خدایی که پیمان شکنی نمی کند، و در عزت خدایی که شکست نمی‌خورد، و در احترام خدا که والاست، و در امانت‌های خدا که از بین نمی‌روند، صبح کرده‌ام و هر کس در امان خدا صبح کند، در ایمنی و محافظت خواهد بود.

در حالی صبح کردم که حکومت زمین و آسمان‌ها و بزرگی و اقتدار و ارجمندی و بزرگواری و گسستن و استوار ساختن، و عزت و فرمانروایی و حجت و برهان و بزرگی و پروردگاری و قدرت و شکوه و والامقامی و خشم و مهربانی و رحمت و گذشت کردن و سلامتی و ارزانی کردن و موهبت و برتری و نعمت‌ها و نور و روشنی و ایمنی و گنجینه‌های دنیا و آخرت، برای خدا، پروردگار جهانیان، یکتای چیره فرمانروای مقتدر با عزت بخشایشگر است.

در حالی صبح کردم که هیچ چیزی را برای خدا شریک قرار نمی‌دهم، و هیچ خدایی را همراه او نمی‌خوانم، و به جز او، هیچ سرپرست و یاوری برای خود نمی گیرم، که همانا کسی نمی‌تواند مرا از عذاب خدا پناه دهد، و جز او هیچ پناهگاهی نمی‌یابم.

الله، الله، پروردگار حقیقی من است، هیچ چیزی را با خدا شریک قرار نمی‌دهم، خدا عزیزتر و بزرگتر و والاتر و تواناتر از آنچه من می‌ترسم و دوری می‌گزینم، است، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.

خدایا، همان طور که شب را بردی و روز را که آفرینشی جدید از آفریده‌هایت است و نشانه‌ای روشن از نشانه‌های توست، آوردی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این روز هر غصه و اندوه و ناراحتی و ناخوشایندی و گرفتاری و رنجوری و حادثه سختی را از من ببر، و با سلامتی به من رو کن، و برای من نعمتی از رحمت و گذشت و توبه عنایت کن، و هر بدی و زیان را از من دور کن، و با نیرو و توان و بخشندگی و بزرگواری خودت، برای من نعمتی از رحمت و گذشت و توبه عنایت کن.

از بدی این روز و آنچه بعد از این می‌آید، و از بدی شیطان و فرمانروا، و ارتکاب حرام و گناهان، و از بدی رساندن نیشدار و گزندگان، و چشم بد، و از بدی هر جنبنده‌ای که پروردگارم اختیار آن را به دست دارد، به خدا و به آنچه فرشتگان و فرستادگان او به آن پناه جسته‌اند، پناه می‌برم، که پروردگار من بر راه راست قرار دارد.

از غضب خدا و خشم او و عقوبت او و عذاب او و سختی او و چیرگی او و انتقام گرفتن او، و از تمام ناپسندهای دنیا و آخرت، به خدا و به کلمات او و بزرگی او و نیروی او و توان او و قدرت او پناه می‌برم؛ و از نیرو و توان تمام آفریدگان، به نیرو و توان خدا حمایت می‌جویم، و به پروردگار سپیده دم، از شرّ آنچه آفریده، و از شرّ تاریکی چون فراگیرد، و از شرّ دمندگان در گره ها و از شرّ [هر] حسود، آن گاه که حَسَد ورزد؛ و به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبودِ مردم، از شرّ وسوسه گر نهانی، آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند، چه از جنّ و [چه از] انس - پناه می‌برم، - پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

با خدا آغاز می‌کنم و از خدا موفقیت می‌خواهم، و بر خدا توکل می‌کنم، و به خدا دست می‌آویزم و یاری می‌جویم و پناهنده می‌شوم، به نام خدا بهترین اسم‌ها، به نام خدا که با اسم او هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان، زیان نمی‌بیند، و او شنوای داناست.

پروردگارا، همانا من بر تو توکل کرده‌ام؛ پروردگارا، همانا من کارم را به تو واگذار کرده‌ام؛ پروردگارا، همانا تو را پشتوانه خودم قرار داده‌ام؛ پروردگارا، همانا من سستی پایه خودم را به قوت پایه تو پناه داده‌ام؛ در برابر برتری جویندگان بر من و زورگویان به من، و صاحبان قدرت بر ستم بر من، و شروع کنندگان ظلم به من، از تو یاری می‌خواهم؛ و خودم و خانواده‌ام و دارایی ام و فرزندانم در پناه و حمایت تو هستند ای پروردگار من، و با تو هیچ نوع ناتوانی وجود ندارد، و تو بر امان داده خود ستم نمی‌کنی، پروردگارا، پس با عزت خودت زورگوی بر من را مهار کن، و با قدرت خودت، خوار کننده مرا خوار کن، و با خشم خودت ستم کننده به من را در هم شکن، و با عدل خودت از ستم کننده بر من انتقام گیر، و با پناه خودت مرا از شر او پناه ده، و پوشش خود را بر من بگستران، به درستی که هر کسی را تو بپوشانی، در ایمنی و محفوظ خواهد بود، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبهی بزرگ نیست.

ای نیک امتحان کننده، ای خدای هرچه در زمین و هرچه در آسمان است، ای کسی که برای هیچ چیزی از او بی‌نیازی نیست

و هیچ چیزی را گریزی از او وجود ندارد، ای کسی که پایان هر چیز به سوی او و ورود هر چیز به سوی او و روزی او و روزی او بر عهده اوست، بر محمد وخاندان او درود فرست، و سرپرستی مرا بر عهده بگیر و هیچ یک از آفریدگان بدت را بر من سرپرست قرار نده، همان گونه که مرا آفریدی و غذا خوراندی و روزی دادی و بر من مهربانی کردی، پس مرا تباه مگردان.

ای کسی که بخشندگی‌اش دستاویز هر خواستار است، و بزرگواری‌اش واسطه هر امیدوار، ای کسی که به بخشندگی توصیف شده، به کسی که به بدی معروف گشته است رحم کن؛ ای گنجینه تهیدستان، ای امید بزرگ، ای یاریگر ناتوانان.

خدایا، به خاطر اندوهی که هیچ کسی جز تو نمی‌تواند آن را برطرف کند، و رحمتی که جز با تو نمی‌توان به آن رسید، و نیازی که هیچ کس جز تو نمی‌تواند آن را برآورده سازد، تو را می‌خوانم. خدایا، همچنان که از گذشته، با بزرگواری خود، مرا به یاد کردن خودت دستور داده‌ای، و سپاسگزاری و دعایت را به من الهام کرده‌ای، پس، از بزررگواری توست که دعای مرا بپذیری، و مرا از آنچه به سوی تو پناه آورده‌ام نجات دهی، و هر چند من شایسته آن نیستم که به رحمت تو دست یابم، ولی به درستی که رحمت تو این شایستگی را دارد که بر من برسد و مرا در بر گیرد، چرا که آن بر هر چیزی گسترده است، و من چیزی هستم، پس رحمتت را بر من گسترده ساز، ای سرور من.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من نعمت فرست و رهایی‌ام از آتش را بر من عطا کن، و با رحمت خودت بهشت را بر من حتمی قرار ده، و با بخشندگی خودت زنان زیبا و درشت چشم بهشتی را به ازدواج من در آور، و مرا از خشم خودت در امان گیر، و به آنچه مورد خشنودی تو از من می‌شود، موفقم بدار، و از آنچه تو را نسبت به من خشمگین می‌سازد نگاه دار، و مرا نسبت به سهمی که برایم قرار داده‌ای راضی قرار ده، و در آنچه به من عطا کرده‌ای برکت قرار ده، و مرا سپاسگزار نعمتت قرار ده، و دوستی خودت و دوستی هر کسی که تو را دوست می‌دارد، و دوستی هر عملی که مرا به دوستی تو نزدیک می‌گرداند، روزی‌ام کن، و توکل بر تو را، و واگذاشتن به تو را، و خشنود به قضای تو، و سر فرود آوردن در برابر فرمان تو را نعمت برایم قرار ده، تا اینکه زود نخواهم آنچه را که تو دیر می‌خواهی، و دیر نخواهم آنچه را که تو زود می‌خواهی، ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد، بپذیر ای پروردگار جهانیان.

خدایا، تو برای هر مصیبت بزرگ و برای هر بلایی که بر سر انسان فرود می‌آید، کافی هستی؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در برابر هر مشقت و گرفتاری مرا بسنده باش، ای کسی که در مورد من نیکو امتحان کننده هستی، ای کسی که از دیرباز بر من بخشنده بوده‌ای، ای کسی که برای هیچ چیزی از او بی‌نیازی نیست، ای کسی که روزی هر چیزی بر عهده اوست.

سپس با انگشت خود به طرف کسی که می‌خواهی از بدی او تو را بسنده باشد، اشاره کرده و می‌گویی: «ما در گردن‌های آنان، تا چانه هایشان، غُل‌هایی نهاده ایم، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته اند؛ و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند؛ ما بر دل‌های آنان پوشش‌هایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهادیم] و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد، آنان کسانی اند که خدا بر دل‌ها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافلانند؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر

دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟ و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارنـد، پرده ای پوشیده قرار می دهیم؛ و بر دل‌هایشان پوشش‌ها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشـان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگـار خود را به یگـانگی یاد کنی با نفرت پشت می کننـد؛ و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.»

خدایا، از تو به احترام آن اسـمت که آسـمان با آن پابرجا شده، و زمین با آن پابرجا ایستاده است، و با آن بین حق و باطل جدا می‌کنی، و با آن پراکنـده‌ها را جمع می‌کنی، و با آن بین گردآمدن جدایی میاندازی، و با آن تعداد شن‌ها، و سـنگینی کوه‌ها، و پیمـانه دریاهـا را به شـماره می‌آوری، می‌خواهم که بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرستی، و در کار من برایم گشایش و برون رفت قرار دهی، که تو بر هر چیزی توانا هستی.} - . البلد الامین: ۶۱-۶۴ -

البلد الامین: از امام صادق علیه السـلام روایت شده که فرموده است: هر کس بخواهد از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود، و در پرونـده او «لا إله إلا الله، محمـد رسول الله صـلی الله علیه و آله»، {هیـچ خـدایی جز الله وجود نـدارد، محمـد فرسـتاده خدا است.} نوشـته شود، باید هر روز پس از نماز صـبح بگوید: «الحمد لله الذی ذهب اللیل بقدرته»، {سپاس خدایی را که با قدرت خـود، شب را برد.} تـا عبـارت «أقرئـا محمـداً منی السـلام»، { ای دو فرشـته، بر محمـد صـلی الله علیه و آله از سـوی من سـلام برسانید.}

**[ترجمه]

«۴۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ (۱)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِینُ (۲)، وَ مِصْبَاحُ الشَّیْخِ (۳)، وَ غَیْرُهَا: مَنْ أَدْعِیَةِ السِّرِّ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ حِفْظِی وَ کَلَاءَتِی وَ مَعُونَتِی فَلْیَقُلْ عِنْدَ صَبَاحِهِ وَ مَسَائِهِ وَ نَوْمِهِ- آمَنْتُ بِرَبِّی وَ هُوَ اللَّهُ إِلَهُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُنْتَهَی کُلِّ عِلْمٍ وَ وَارِثُهُ وَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ أُشْهِدُ اللَّهَ عَلَی نَفْسِی بِالْعُبُودِیَّهِ وَ الذِّلَّهِ وَ الصَّغَارِ وَ أَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلَیَّ وَ أَبُوءُ عَلَی نَفْسِی بِقِلَّهِ الشُّکْرِ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ فِی یَوْمِی هَذَا وَ لَیْلَتِی هَذِهِ بِحَقِّ مَا یَرَاهُ لَهُ حَقّاً عَلَی مَا یَرَاهُ مِنِّی لَهُ رِضًا وَ إِیمَاناً وَ إِخْلَاصاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ إِیقَاناً بِلَا شَکٍّ وَ لَا ارْتِیَابٍ حَسْبِی إِلَهِی مِنْ کُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ اللَّهُ وَکِیلٌ عَلَی کُلِّ مَنْ سِوَاهُ آمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَلَانِیَتِهِ وَ أَعُوذُ بِمَا فِی عِلْمِ اللَّهِ مِنْ کُلِّ سُوءٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَا خَلَقَ اللَّطِیفِ الْمُحْصِی لَهُ الْقَادِرِ عَلَیْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ(۴).

**[ترجمه]«آخـذ بناصـیتها»، یعنی مالک و توانا بر اوست و با آن، او را به هرچه بخواهـد، می‌کشانـد، و گرفتن موهای پیشانی تمثیل برای آن است. «علی صـراط مستقیم»، یعنی او بر حق و عدالت اسـتوار است و پیش او، هیچ چنگ زننده‌ای خوار نمی‌... گردد و هیچ ستمکاری از دست او بیرون نمی‌رود. «فإن تولّوا»، یعنی از ایمان آوردن به تو رو برگرداندند. «فقل حسبی الله» که او تو را از بـدی آنان کفایت خواهد کرد و در برابر آنان، تو را یاری خواهد نمود. «لا إله إلا هو» مانند دلیل بر آن است. «علیه توکلت» پس جز به او امیـد ندارم و جز از او نمی‌ترسم. «و هو رب العرش العظیم»، گفته شده است: یعنی فرمانروایی بزرگ، یا جسم بسـیار بزرگ و فراگیری که فرمـان‌هـا و امـور حتمی از آن نـازل می‌شود. «خیر حافظاً» حـال یـا تمیز است، مثـل «لله درُّه فارساً»؛ همچنین «حفظاً» خوانده شده است که طبق آن، فقط تمیز است.

«أن تزولا»، یعنی نمی‌خواهد از بین روند، چرا که چیز ممکن برای ماندن در آن حال، ناگزیر باید نگهدارنده‌ای داشته باشد، یا آنها را از نابودی نگاه دارد، چون «امساک» همان نگهداشتن است. «إن أمسکهما»، یعنی چیزی آن دو را نگاه نمی‌دارد. «من أحد من بعده»، یعنی بعد از خدا، یا بعد از نابود شدن؛ «من» اولی زائده، و دومی برای ابتدا است. «إنه کان حلیماً غفوراً» از این جهت که آن دو را نگاه داشته است، در حالی که آن دو به شدت سزاوار نابودی بودند. فیروزآبادی گفته است: «قرأ علیه السلام» مانند «أبلغه»، یعنی به او رساند، مانند «أقرأه» یا اینکه أقرأه فقط زمانی گفته می‌شود که سلام نوشته شده باشد. گفته است: «خفر به، خفراً و خفوراً»، یعنی پیمانش را شکست و نیرنگ زد، مانند «أخفره». گفته است: «الجوار» با کسره، یعنی به شخص امان دهی و به این ترتیب، همسایه تو شود و تو او را پناه دهی، و «جاوره، مجاوره و جواراً» که با کسره نیز می‌آید، یعنی همسایه او گشت.

«أصبحت و الملك»، واو برای پیوند دادن است، یعنی تمام آن کارها از سوی او بوده است؛ یا اینکه برای بیان حال است. «و الملکوت»، یعنی شکوه و فرمانروایی؛ فیروزآبادی گفته است: گفته می‌شود: «هو فی عز و منعه» با فتحه حروف و نیز با سکون، یعنی با او کسانی از خویشانش هستند که او را نگاه می‌دارند. جرزی گفته است: «القاهر»، یعنی چیره بر تمام آفریدگان؛ گفته می‌شود: «قهره، یقهره، فهو قاهر» و قهّار برای مبالغه است. و گفته است: «الجبار» به معنای کسی است که بر هرچه بخواهد، از طریق امر و نهی غلبه می‌کند؛ و گفته می‌شود: او والامرتبه و بالاتر از آفریدگان است. پایان.

«و الولی»، یعنی صاحب اختیار کارها، و یاری رساننده، و دوستدار. «الملتحد»، یعنی پناهگاه. «المعره»، یعنی گناه و آزار. گفته می‌شود: «نجح فلان و أنجح»، یعنی به خواسته‌اش رسید. «القصم»، یعنی شکستن. «ما أردتنی به» یعنی به سبب آن مرا خواستی، کنایه از فرمان دادن به او. فرق بین «التوکل» و «التفویض»، و «الرضا» و «التسلیم»، هر چند از نظر معنی نزدیک به یکدیگر هستند، در کتاب ایمان و کفر گذشت.

«یا حسن البلاء»، یعنی نعمت. «فهی إلی الأذقان»، یعنی زنجیرها تا چانه‌هایشان رسیده و نمی‌گذارند که آنها سرشان را بجنبانند. «فهم مقمحون»، یعنی سرشان را بالا برده و چشمانشان را بسته‌اند. «علی قلوبهم أکنه» جمع «کنان» و «الکنان» در وزن و معنی «الغطاء» است. «أن یفقهوه»، یعنی دوست ندارد بفهمند. «و فی آذانهم وقراً»، یعنی سنگینی.

«من اتخذ إلهه هواه»، یعنی پیروی از هدایت را به سوی دنباله روی از میل نفس، ترک کرده است، به طوری که گویی آن را پرستش می‌کند، یا آنچه را که دلش می‌خواهد، به خدایی گرفته، بدون اینکه دلیل وجود دارد که عبادت سزاوار اوست. «و أضله الله علی علم»، یعنی خدا او را خوار کرد و او را با آنچه انتخاب کرده، به حال خود رها کرد. یا از روی سزا دادن به کفر و ستیزه‌جویی او، با علم او به اینکه وی استحقاق آن را دارد؛ گفته شده است: یعنی به حسب علم خودش او را گمراه یافت و واقعیت، طبق علمش درست در آمد. «فمن یهدیه من بعد الله»، یعنی بعد از هدایت خدا، به عبارت دیگر، وقتی با هدایت خدای متعال، هدایت نشد، امیدی در هدایت شدن او نیست. «حجاباً مستوراً»، یعنی پوشاننده، و گفته شده است: پوششی که قابل دیدن نباشد. تفسیر این آیات در محل خود گذشت .

**[ترجمه]

بیان

و أبوء أی أقر بحق ما یراه له حقا أی بحق کل شـی ء یعلم الله أنه من حقوقه فالضـمیر راجع إلی الله أو الظرف بـدل من الضـمیر أی یری له حقا علی نفسه سـبحانه علی ما یراه متعلق بقوله أسأل و علی للتعلیل أی أسأله لکل شـی ء یراه منی سببا لرضاه و قوله إیمانا و ما بعده بیان للموصول و فی

ص: ۱۸۵

۱- ۱. لم نجده و لعله فی القسم غیر المطبوع.

۲- ۲. البلد الأمین: ۵۱۲.

۳- ۳. مصباح المتهجد: ۱۶۷.

۴- ۴. مصباح الکفعمیّ ص ۸۵.

بعض النسخ و إیمانا فیکون العطف علی محل الموصول عطف تفسیر و یحتمل علی هذا أن یکون رضا بیانا للموصول أی کل ما یراه منی طاعه له و منسوبا إلیه من الرضا و الإیمان.

**[ترجمه]فلاح السائل - . آن را نیافتیم و شاید در بخش چاپ نشده قرار داشته باشد. -

و البلد الامین - . البلد الامین: ۵۱۲ -

و مصباح الشیخ - . مصباح المتهجد: ۱۶۷ -

و غیرها: از دعاهای سرّ: هر کس از امت تو حفاظت و سرپرستی و یاری مرا بخواهد، پس هنگام صبح و شب و خوابیدنش بگوید: {به پروردگارم ایمان آوردم و او الله، خدای هر چیزی، و پایان هر علم و به ارث برنده آن، و پروردگار هر چیز است؛ و خدا را بر بندگی و خواری و کوچکی خودم گواه می گیرم؛ و به زیبایی عملکرد خدا در مورد خودم اعتراف می کنم؛ و به خاطر سپاسگزاری اندکم، به زبان خودم اقرار می‌نمایم؛ و از خداوند در این روزم و در این شبم، به حق آنچه که برای او حقی به خاطر آنچه در من است، می‌بیند، رضایت و ایمان و وارستگی و روزی گسترده و باوری بدون شک و تردید درخواست می کنم.

خدایم برای من از هر کسی غیر او بسنده است؛ و خداوند بر هر کسی غیر از خودش، وکیل است؛ به نهان علم خدا و به آشکار آن ایمان آوردم؛ از هر بدی به آنچه در علم خداست، پناه می‌برم؛ منزه است دانای به آنچه خدای مهربان آفریده و آن را شماره کرده و و بر آن قادر است؛ هر چه خدا بخواهد - همان می‌شود - و هیچ توانی جز به سبب خدا نیست؛ و از خدا آمرزش می‌خواهم و فرجام به سوی اوست.} - . مصباح الکفعمی: ۸۵ -

**[ترجمه]

أقول

قال فی فلاح السائل و البلد الأمین بعد الدعاء فإنه إذا قال ذلک جعلت له فی خلقی جاها و عطفت علیه قلوبهم و جعلته فی دینه محفوظا.

**[ترجمه]«و أبوء»، یعنی اقرار می کنم. «بحق ما یراه له حقاً»، یعنی به تمام چیزهایی که خدا می‌داند که از حقوق اوست، پس ضمیر به «الله» بر می گردد، یا ظرف بدل از ضمیر است، یعنی خدای سبحان برای خودش حقی می‌بیند. «علی ما یراه» مربوط به عبارت «أسأل» است و «علی» برای بیان علت است، یعنی به خاطر هر چیزی که از سوی من، سبب خشنودی‌اش می‌بیند؛ و عبارت «ایماناً» و بعد از آن، توضیح موصول است و در بعضی نسخه‌ها «و ایماناً» آمده است که در این صورت، عطف به محل موصول و عطف تفسیری خواهد بود. در این صورت، احتمال دارد «رضا» بیان برای موصول باشد، یعنی هر چیزی از قبیل خشنودی و ایمان، که از سوی من طاعت برای او و منسوب به او می‌داند.

**[ترجمه]

«۴۸»

الْكَافِی، وَ الْفَقِيهُ، بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ: أَنَّهُ قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا علیهما السلام بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ عَلَّمَنِيهِ وَ قَالَ مَنْ دَعَا بِهِ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْفَجْرِ لَمْ يَلْتَمِسْ حَاجَةً إِلَّا يُسِّرَتْ لَهُ وَ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ- بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- وَ أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ فَوَقاهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا- لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِينَ- حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِیَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِیَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِیَ الَّذِی لَمْ يَزَلْ حَسْبِی حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱).

وَ فِی الْكَافِی،: مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِیَ الَّذِی لَمْ يَزَلْ حَسْبِی مُنْذُ قَطُّ حَسْبِیَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ(۲).

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنْهُ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ حَسْبِیَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِیَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِی مَنْ هُوَ حَسْبِی حَسْبِی مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِی مَنْ كَانَ مُنْذُ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِی حَسْبِیَ اللَّهُ إلخ.

**[ترجمه]در فلاح السائل و البلد الامین بعد از دعا گفته است: پس زمانی که این دعا را بخواند، برای او در میان آفریده‌هایم منزلت قرار می‌دهم و به خاطر آن، دل‌هایشان را به او مهربان می‌گردانم و او را در دینش حفظ می‌کنم.

**[ترجمه]

«۴۹»

الْفَقِيهُ، بِإِسْنَادِهِ الصَّحِيحِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ

۱- ۱. فقيه من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۱۴ ط الآخوندی.

۲- ۲. الكافی ج ۲ ص ۵۴۷.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْبُخْلِ وَ الْجُبْنِ وَ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ وَ بَوَارِ الْأَيِّمِ وَ الْغَفْلَهِ وَ الزَّلَّهِ وَ الْقَسْوَهِ وَ الْعَيْلَهِ وَ الْمَسْكَنَهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ صَلَاهٍ لَا تَنْفَعُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنِ امْرَأَهٍ تُشَيِّبُنِی قَبْلَ أَوَانِ مَشِيبِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبّاً وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَذَاباً وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ خَدِيعَهٍ إِنْ رَأَى حَسَنَهً دَفَنَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَهً أَفْشَاهَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ عَلَيَّ يَداً وَ لَا مِنَّهً(۱).

**[ترجمه]الکافی و الفقیه: هر دو با اسناد به محمد بن فرج، که گفته است: ابو جعفر محمد بن علی الرضا علیهما السلام این دعا را برای من نوشت و آن را به من آموخت و فرمود: هر کس این دعا را پس از نماز صبح بخواند، هر نیازی بخواهد برای او برآورده می‌شود و خدا او را از آنچه اندوه دارد، کفایت می‌کند: {با نام خدا، و درود خدا بر محمد و خاندان او، کارم را به خدا واگذار می‌کنم، همانا خدا به بندگانش بیناست؛ پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حمایت فرمود؛ منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم؛ پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم؛ خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است؛ پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود؛ هر چه خدا بخواهد - همان می‌شود، - و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست؛ هر چه خدا بخواهد - همان می‌شود، - نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا بخواهد - همان می‌شود، - هر چند مردم ناپسند بدارند؛ پروردگارم برای من از پرورنده‌ها کفایت می‌کند؛ آفریدگارم مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی دهنده‌ام مرا از روزی خوران کفایت می‌کند؛ آنکه همیشه مرا کفایت کرده، مرا کفایت می‌کند؛ الله که جز او هیچ خدایی وجود ندارد، برای من کفایت می‌کند؛ بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است.} - . فقیه من لا یحضره الفقیه۱: ۲۱۴ (چاپ آخوندی) -

در الکافی آمده است: «من المرزوقین، حسبی الذی لم یزل حسبی منذ قط، حسبی الله الذی لا إله إلا هو»، {آن کسی که همواره و از ازل و فقط او کفایتم کرده، مرا کفایت می‌کند؛ الله که جز او هیچ خدایی نیست، مرا کفایت می‌کند.} - . الکافی ۲: ۵۴۷ -

عده الداعی: از آن حضرت، علیه السلام مثل آن را با این عبارت روایت کرده است: «حسبی الرازق من المرزوقین، حسبی الله رب العالمین، حسبی من هو حسبی، حسبی من لم یزل حسبی، من کان منذ کنت لم یزل حسبی، حسبی الله»، {روزی دهنده‌ام مرا از روزی خوران کفایت می‌کند؛ همان که برایم بسنده است، مرا کفایت می‌کند؛ همان کسی که همواره کفایتم کرده، مرا کفایت می‌کند؛ کسی که از زمان بودنم همواره کفایتم کرده، مرا کفایت می‌کند؛ الله مرا کفایت می‌کند.} تا آخر.

**[ترجمه]

توضیح

منهم من فرق بین الهم و الحزن بأن الهم إنما یکون فی الأمر المتوقع و الحزن فیما قد وقع و الهم هو الحزن الذی یذیب الإنسان یقال همنی المرض بمعنی أذابنی و سمی به ما یعتری الإنسان من شدائد الغم لأنه یذیبه أبلغ و أشد من الحزن الذی أصله

الخشونه و العجز أصله التأخر عن الشى ء مأخوذ من العجز و هو مؤخر الشى ء و للزومه الضعف و القصور عن الإتيان بالشى ء استعمل فى مقابله القدره و الكسل التثاقل عن الشى ء مع وجود القدره.

و فى النهايه فيه نعوذ بالله من بوار الأيم أى كسادها من بارت السوق و الأيم التى لا زوج بها انتهى و سيأتى فى الحديث تفسير له فى كتاب الدعاء(٢) و فى النهايه عال يعيل عيله افتقر و فى القاموس الشيب بياض الشعر كالمشيب و شيب الحزن رأسه و برأسه و كذلك أشاب.

يكون على ربا أى مربيا و منعما و أكون محتاجا إليه فإن ذلك أصعب الأشياء لكونه على خلاف العاده بل الغالب بالعكس و التعديه بعلى لتضمين معنى

۱- ۱. الفقيه: ج ۱ ص ۲۲۱.

۲- ۲. راجع ج ۹۵ ص ۱۳۴، و فيه عن عبد الملك بن عبد اللّه القمّیّ قال: سأل أبا عبد اللّه عليه السلام الكاهلیّ و أنا عنده: أ كان علی« ع» يتعوذ من بوار الايم؟ فقال: نعم، و ليس حيث تذهب، انما كان يتعوذ من العاهات، و العامّه يقولون بوار الايم[كسادها] و ليس كما يقولون.

التسلط و الاستيلاء و قال السيد الداماد قدس سره لو كان ربا لعدى باللام و الصواب رباء كسماء بمعنى الطول و المنه و المصدر بمعنى اسم الفاعل و رباء كظماء أو بالتسكين كنوء و بإسكان الباء بعد الراء المكسوره كدف ء و كلها تصحيف و تكلف مستغن عنه و الأمر فى التعديه هين كما عرفت.

و يكون على عذابا أى فى الآخره أو الأعم منها و من الدنيا دفنها أى سترها و المنه النعمه و كأنه تأكيد لليد و يمكن تخصيص كل منهما ببعض المعاونات ليكون تأسيسا.

**[ترجمه]الفقيه: رسول خدا صلى الله علیه و آله بعد از نماز صبح می‌فرمود: {خدایا، از اندوه و ناراحتی و ناتوانی و تنبلی و تنگ چشمی و ترس، و انحراف در دین، و چیرگی مردان، و نابودی بی همسر شدن،؟؟؟ و غفلت زدگی و لغزش و سنگدلی و محتاج شدن و بینوایی به تو پناه می‌آورم. از نفسی که سیر نگردد، و از دلی که خشوع نداشته باشد، و از چشمی که اشک نریزد، و از دعایی که شنیده نشود، و از نمازی که سود نرساند، به تو پناه می‌آورم. از زنی که مرا قبل از رسیدن پیری، پیر کند، به تو پناه می‌آورم؛ و از فرزندی که بر من مالک شود، به تو پناه می‌آورم؛ و از دارایی که بر من عذاب شود، به تو پناه می‌آورم؛ و از نیرنگ‌بازی که وقتی در من خوبی ببیند، بپوشاند و وقتی بدی ببیند، فاش کند، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا برای هیچ گناهکاری بر ضد من سلطه و منتی قرار نده.} - . الفقیه ۱: ۲۲۱ -

**[ترجمه]

«۵۰»

الْفَقِيهُ، رَوَى عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: كَانَ أَبِی علیه السلام يَقُولُ إِذَا صَلَّى الْغَدَاةَ- يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ يَا أَفْضَلَ مُرْتَجًا وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ امْدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَ رِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ فَأَوْسِعْ عَلَيَّ وَ عَلَى عِيَالِي مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ وَ اكْفِنَا مِنَ الْفَقْرِ ثُمَّ يَقُولُ مَرْحَباً بِالْحَافِظَيْنِ وَ حَيَّاكُمُ اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ اكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللَّهُ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ أَنَّ الْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ

أَصْبَحْتُ وَ رَبِّی مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِکُ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ أَحَداً وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِیّاً أَصْبَحْتُ عَبْداً مَمْلُوکاً لَا أَمْلِکُ إِلَّا مَا مَلَّکَنِی رَبِّی أَصْبَحْتُ لَا أَسْتَطِیعُ أَنْ أَسُوقَ إِلَی نَفْسِی خَیْرَ مَا أَرْجُو وَ لَا أَصْرِفَ عَنْهُ شَرَّ مَا أَحْذَرُ أَصْبَحْتُ مُرْتَهَناً بِعَمَلِی وَ أَصْبَحْتُ فَقِیراً لَا أَجِدُ أَفْقَرَ مِنِّی بِاللَّهِ أُصْبِحُ وَ بِاللَّهِ أُمْسِی وَ بِاللَّهِ أَحْیَا وَ بِاللَّهِ أَمُوتُ وَ إِلَی اللَّهِ النُّشُورُ(۱).

**[ترجمه]برخی بین «الهمّ» و «الحزن» فرق نهاده‌اند، به این صورت که «الهم» برای موردی است که انتظار می‌رود در آینده اتفاق افتد، و «الحزن» چیزی است که اتفاق افتاده است، و «الهمّ» حزنی است که انسان را می گدازد؛ گفته می‌شود: «همَّنی المرض» به این معنی است که بیماری مرا گداخته کرد؛ نامیدن آنچه از سختی‌های غصه برای انسان پیش می‌آید به این اسم، به خاطر این است که رساتر و شدیدتر از حزنی که اصل آن خشونت است، انسان را می گدازد. «العجز» در اصل، عقب ماندن از چیزی است و از «العجز» گرفته شده است که همان عقب مانده چیزی است و به خاطر همراه بودن آن با ناتوانی و کوتاهی از انجام چیزی، در مقابل قدرت به کار می‌رود. «الکسل»، یعنی گرانی کردن از انجام چیزی، با وجود توانایی.

در النهایه آمده است، در این دعا آورده است: «نعوذ بالله من بوار الأیّم»، یعنی کمبود آن، چیزی که از بازار کم شود؛ و «الأیّم» زنی که شوهر نداشته باشد. پایان. تفسیر آن در کتاب دعا در ضمن حدیث خواهدآمد. - . ر.ک: همین کتاب ۹۵: ۱۳۴ -

در النهایه آمده است: «عال، یعیل، عیله»، یعنی نادار گشت. در القاموس، «الشیب»، یعنی سفیدی مو، مانند «المشیب»، و «شیّب الحزن رأسه و برأسه و أشاب» به همین معنی است.

«یکون علیّ ربّیاً»، یعنی مربی و غذا دهنده، و من نیازمند به او باشم؛ که این به خاطر خلاف عادت بودن، سخت‌ترین چیزهاست، بلکه معمولاً بر عکس است و متعدی کردن آن با «علیّ» به خاطر دربر داشتن معنای تسلط و چیرگی است. سید داماد - که روانش پاک باد- گفته است: اگر «ربّاً» باشد باید با لام متعدی شود، درست آن است که «رباء» مانند «سماء» - در وزن - به معنی بخشش و منت، و مصدر به معنای اسم فاعل باشد؛ و «رباء» مانند «ظماء» یا با سکون، مانند «نوء» و با سکون باء بعد از راء با کسره، مانند «دفء»، و همگی اشتباه و زحمت بیهوده است و به آنها نیازی نیست و مسئله در مورد متعدی کردن آن، همان طور که دانستی، آسان است.

«و یکون علیّ عذاباً»، یعنی در آخرت، یا هم در آن و هم در دنیا. «دفنها»، یعنی بپوشاند. «المنه» یعنی نعمت، و گویا تأکید برای «ید» است؛ و نیز ممکن است هر یک از نعمت و منت آنها به بعضی از کمک‌ها اختصاص داشته باشد تا جمله جداگانه... ای باشد - نه تأکید. -

**[ترجمه]

تبیین

أقرب إلی من حبل الورید إشاره إلی قوله سبحانه وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ(۲) و الوریدان عرقان مکتنفان بصفحتی العنق فی مقدمها متصلان بالوتین یردان من الرأس إلیه و قیل سمی وریدا لأن الروح ترده و قیل هو عرق بین العنق و المنکب و الحبل العرق و إضافته للبیان أی نحن أعلم بحاله ممن کان أقرب إلیه من حبل الورید و النسبه تجوز بقرب الذات لقرب العلم

لأنه موجبه و حبل الورید مثل فی القرب قال الشاعر

و الموت أدنی لی من الورید

کذا ذکره البیضاوی و قیل الورید عرق متعلق بالقلب یعنی نحن أقرب إلیه من قلبه أو نحن أقرب إلیه من حبل وریده مع استیلائه علیه و قربه منه.

**[ترجمه]الفقيه: تعدادى از اصحاب ما از امام صادق عليه السلام روايت كرده‌اند كه فرموده است: پدرم عليه السلام وقتى نماز صبح را مى‌خواند، مى گفت: {اى كسى كه از رگ گردن به من نزديک تر است، اى كسى كه ميان آدمى و دلش حايل مى گردد، اى كسى كه در ديدگاه بالا قرار دارد، اى كسى كه مثل او چيزى وجود ندارد و او شنواى داناست، اى بخشنده‌ترين كسى كه از او درخواست مى‌شود، و اى بسيار بخشنده‌اى كه عطا مى كند، اى بهترين كسى كه خوانده مى‌شود، اى برترين مورد اميدوارى، اى شنونده‌ترين شنوندگان، و اى بيننده‌ترين تماشاگران، اى بهترين ياوران، اى سريع‌ترين حسابرسان، اى رحم كننده‌ترين رحم كنندگان، و اى بهترين داوران، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزى‌ام را بر من گسترده ساز، و عمر مرا طولانى كن، و از رحمتت بر من بگستران، و مرا از كسانى كه دينت را با آنان يارى مى‌رسانى قرار بده، و ديگرى را جايگزين من نكن.

خدايا، تو روزى مرا و روزى هر جنبنده‌اى را بر عهده گرفته‌اى، پس بر من و خانواده‌ام از روزى گسترده و حلال خود، گسترده ساز، و ما را از نادارى نگاه دار.

سپس مى گويى: خوشامد مى گويم به دو حفظ كننده، و تحيت خدا بر شما دو فرشته نويسنده. بنويسيد! خدا بر شما رحمت فرستد؛ كه من گواهى مى‌دهم هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكى براى او نيست، و گواهى مى‌دهم كه محمد بنده و فرستاده اوست، و گواهى مى‌دهم كه دين، همان است كه او تشريع نمود، و اسلام همان گونه است كه او توصيف كرد، و كتاب همان است كه او نازل كرد، و سخن همان است كه او گفته است، و اينكه خدا همان حقيقت آشكار است. خديا، بر محمد و خاندان محمد، برترين تحيت و برترين درود را برسان.

در حالى صبح كردم كه پروردگارم ستوده است؛ در حالى صبح كردم كه هيچ شريكى براى خدا قرار نمى‌دهم، و هيچ كس را با خدا نمى‌خوانم، و جز او هيچ كس را به سرپرستى نمى گيرم؛ همچون بنده برده‌اى صبح كردم كه هيچ چيزى را جز آنچه پروردگارم ملک من گرداند، مالک نيستم؛ در حالى صبح كردم كه نمى‌توانم خوبى آنچه را كه اميد دارم، به سوى خودم بكشانم، و نمى‌توانم بدى آنچه را كه از آن هراسناكم، از خودم دور كنم؛ صبح كردم در حالى كه در گرو عمل خودم هستم؛ با آن گونه نادارى كه كسى تهيدست‌تر از من وجود ندارد، صبح كردم؛ با كمک خدا صبح مى كنم و با كمک خدا شب مى كنم؛ با كمک خدا زندگى مى كنم و با اذن خدا مى‌ميرم، و رستاخيز به سوى خداست.} - . الفقيه ١: ٢٢٢ -

**[ترجمه]

أقول

و يحتمل أن يكون النكته فى ذكر الوريد بيان جهه قربه سبحانه و أنه القرب بالعليه لا بحسب المكان فإن قوام الشخص بهذا العرق و بقطعه يموت الإنسان و يظن الإنسان أن بقاءه و حياته به فقال تعالى نحن أدخل فى وجوده و بقائه من ذلك العرق لأنه أحد الأسباب الذى خلقه الله لبقائه و هو و سائر العلل بيده.

يا من يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ أى يصرف قلبه عما يريده إلى غيره كما قال أمير المؤمنين عليه السلام عرفت الله بفسخ العزائم أو يذهله عما هو مخزون فى قلبه أو يعلم مما فى قلب الإنسان ما لا يعلمه فهو أقرب إلى قلبه منه فكأنه حائل بينه و بينه.

۱- ۱. الفقيه ج ۱ ص ۲۲۲.

۲- ۲. ق: ۱۶.

يـا من لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ الكـاف زائـده أو ليس ما يشـبه أن يكون مثله فكيف مثله حقيقه أو المراد بمثله ذاته كقولهم مثلك لا يفعل كـذا فيرجع إلى الأول و قيل مثله صـفته أى ليس كصـفته صـفه و لا تسـتبدل بى غيرى إشاره إلى قوله سـبحانه وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لا يَكُونُوا أَمْثالَكُمْ (۱) أى لا تجعلنى بسـبب المعاصـى مسـتوجبا لغضبك حتى تذهب بى و تأتى بغيرى مكانى لنصر دينك و يحتمل أن يكون المراد لا تغير جسمى و خلقى فى الدنيا و الآخره و الأول أظهر.

كما شرع الضمير فيه و فى نظائره راجع إلى الله و يمكن أن يقرأ على بناء المجهول فى الجميع.

**[ترجمه]«أقرب إلىّ من حبل الوريد» به كلام خداى سبحان «و نحن أقرب إليه من حبل الوريد»، - . ق/ ۱۶ -

{و مـا از شاهرگ [او] به او نزديكتريم.} اشاره دارد، و «الوريـدان» دو رگى است كه از جلو، دو طرف گردن را احاطه كرده و به شاهرگ متصل مى‌شونـد و از سـر به آن وارد مى‌شوند؛ و گفته شده است: از اين رو «وريد» ناميده شده است كه روح وارد آن مى‌شود؛ و گفته شده است: آن، رگ بين گردن و كتف است؛ و «الحبل» همان رگ است و اضافه شدن آن، براى توضيح است؛ يعنى ما از كسى كه از رگ گردن به او نزديكتر است، به او آگاهتريم، و اين نسبت با نزديك بودن، براى نزديك بودن علم، جـايز است، چرا كه موجب آن است. «حبل الوريـد» مثلى براى بيان براى نزديك بودن است. شاعر گفته است: «و الموت أدنى لى مـن الوريـد»، {مرگ براى مـن از رگ گردن نزديـك‌تر شـده اسـت.} بيضـاوى اين را بيـان كرده است و گفته شـده: «الوريد» رگ مربوط به قلب است، يعنى ما از قلب او به او نزديكتريم، يا ما، با تسـلط داشـتن و نزديك بودن او نسبت به رگ گردنش، به او از آن هم نزديكتريم.

**[ترجمه]

«۵۱»

الْفَقِيهُ (۲)، وَ الْمَكَارِمُ، وَ الـذِّكْرَى، عَنْ مِسْمَعِ بْنِ كِرْدِينٍ أَنَّهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَكَانَ إِذَا انْفَتَلَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا عَبِيدُكَ وَ أَبْنَاءُ عَبِيدِكَ اللَّهُمَّ فَاحْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَفِظُ وَ مِنْ حَيْثُ لَـا نَحْتَفِظُ اللَّهُمَّ احْرُسْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْتَرِسُ اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَتِرُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا نَسْتَتِرُ اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا بِالْغِنَاءِ وَ الْعَافِيهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْعَافِيَهَ وَ دَوَامَ الْعَافِيهِ وَ ارْزُقْنَا الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيهِ(۳).

**[ترجمه]احتمال دارد نكته در «الوريـد»، جهت نزديك بودن خـداى سـبحان باشد، و اينكه نزديكى او به صورت علت بودن است، نه نزديكى مكـانى. چرا كه پابرجا بودن شـخص با اين شاهرگ است و با بريـده شـدن آن، انسان مى‌ميرد و انسان گمان مى‌كند كه بقا و زنده ماندن او، به آن شاهرگ وابسته است. از اين رو خداى متعال مى‌فرمايد: ما در به وجود آمدن و بقاى او، از آن شـاهرگ مهمتريم، چرا كه آن شـاهرگ، يكى از اسـبابى است كه خـدا براى بقاى او آفريـده است و هم اين و هم ساير علل به دست اوست.

«يـا مـن يحـول بيـن المرء و قلبه»، يعنى دلش را از آنچـه اراده كرده، بـه سـوى چيزى ديگر برمى‌گردانـد؛ همـان طـور كه اميرالمؤمنين عليه السـلام فرموده است: «عرفت الله بفسخ العزائم»، {خدا را با سـست شدن اراده هاى استوار شناختم.} يعنى او را

از آنچه در نهان دلش جای گرفته، غافل می‌کند؛ یا آنچه را که در دل انسان است و او خود اطلاع ندارد، می‌داند و از این رو به دل او از خودش نزدیک‌تر است، به طوری که گویا بین او و دلش فاصله انداخته است.

در عبارت «یا من لیس کمثله شیء»، حرف کاف اضافی است؛ یعنی چیزی شبیه او که مثل او باشد، وجود ندارد، پس چگونه مثل حقیقی او وجود داشته باشد؟! یا اینکه منظور از مثل او، ذات او باشد، مانند این عبارت که «مثلك لا یفعل کذا»، {مانند تو چنین کاری انجام نمی‌دهد.} که به اول برمی‌گردد؛ و گفته شده است: مثل او یعنی صفت او، یعنی صفتی مانند صفت او وجود ندارد.

«و لا تستبدل بی غیری» به این کلام خدای سبحان «و إن تتولّوا یستبدل قوماً غیرکم ثم لا یکونوا أمثالکم»، - . القتال(محمد)/۳۸ - {و

اگر روی برتابید، [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.} یعنی مرا به سبب گناهانم مستوجب خشم خودت قرار نده که مرا ببری و دیگری را برای یاری دینت به جای من بیاوری؛ و نیز احتمال دارد منظور از آن، این باشد که بدن و آفرینش مرا در دنیا و رستاخیز دگرگون نکن؛ ولی اولی آشکارتر است.

در عبارت «کما شرع» و نظایر آن، ضمیر به «الله» بر می‌گردد؛ و نیز امکان دارد در همه آنها، افعال به صورت مجهول خوانده شود.

**[ترجمه]

بیان

فی الذکری نتحفظ فی الموضعین و کذا نتحرس فیهما و کذا نتستر فیهما و فی آخره و ارزقنا العافیه و ارزقنا الشکر علیها ثم قال قلت فی هذا إشاره إلی أنه دعا مستقبل القوم و لعل هذا بعد الفراغ من التعقیب فإنه قد ورد أن المعقب یکون علی هیئه المتشهد فی استقبال القبله و فی التورک و أن ما یضر

۱- ۱. سوره القتال: ۳۸.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ ص ۲۲۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق: ۳۲۲.

بالصلاه يضر بالتعقيب أو يقال هنا يختص بالصبح لا غير أو يقال المراد بانفتاله فراغه من الصلاه و إيماؤه بالتسليم انتهى و الأخير أظهر و الانفتال بمعنى الانصراف شائع و إن كان مجازا.

**[ترجمه]الفقيه - . الفقيه ۱: ۲۲۳ - و المكارم و الذكرى: مسمع بن كردين گفته است: چهل صبح با امام صادق عليه السلام نماز خواندم، حضرت وقتى از نافله‌ها فارغ مى‌شد، دستانش را به آسمان بلند مى‌كرد و مى‌گفت: {ما و ملكى كه براى خداست، صبح كرديم؛ خدايا، ما بندگان تو و فرزندان بندگان تو هستيم؛ خدايا، ما را از آن جا كه مراقبت مى‌كنيم و از آن جا كه خود مراقبت نمى‌كنيم، حفظ كن؛ خدايا، ما را از آن جا كه نگهبانى مى‌كنيم و از آن جا كه نگهبانى نمى‌كنيم، نگاه دار؛ خدايا، ما را از آن جا مى‌پوشانيم و از آن جا كه نمى‌پوشانيم، بپوشان؛ خدايا، ما را با توانگرى و سلامتى بپوشان؛ خدايا، سلامتى و پايدار بودن سلامتى و سپاسگزارى از سلامتى را به ما روزى كن.} - . مكارم الاخلاق: ۳۲۲ -

**[ترجمه]

«۵۲»

الْكَافِي، فِي الصَّحِيحِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ التَّسْبِيحِ فَقَالَ مَا عَلِمْتُ شَيْئاً مُوَظَّفاً غَيْرَ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ عَشْرِ مَرَّاتٍ بَعْدَ الْفَجْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ يُسَبِّحُ مَا شَاءَ تَطَوُّعاً(۱).

وَ مِنْهُ عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خَالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ رِضَاكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَجْرَ لِقَائِلِهِ إِلَّا رِضَاكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نَعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى حَيْثُ مَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى (۲) وَ تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْ ءَ الْمِيزَانِ وَ مُنْتَهَى الرِّضَا وَ زِنَهَ الْعَرْشِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْ ءَ الْمِيزَانِ وَ مُنْتَهَى الرِّضَا وَ زِنَهَ الْعَرْشِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِلْ ءَ الْمِيزَانِ وَ مُنْتَهَى الرِّضَا وَ زِنَهَ الْعَرْشِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلْ ءَ الْمِيزَانِ وَ مُنْتَهَى الرِّضَا وَ زِنَهَ الْعَرْشِ يُعِيدُ ذَلِكَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَقُولُ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَهَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذَنْبَنَا وَ تَقْضِيَ لَنَا حَوَائِجَنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَهٍ(۳).

**[ترجمه]در الذكرى در هر دو مورد «نتحفّظ» آمده است، و همين‌طور در هر دو «نتحرّس» و «نتستّر»، و در پايان آن آمده است: «و ارزقنا العافيه و ارزقنا الشكر عليها»، {سلامتى و سپاسگزارى بر آن را به ما روزى كن.} سپس گفته است: به نظر من در اين روايت، اشاره‌اى بر اينكه دعا رو به مردم بوده است، وجود دارد، و شايد اين دعا بعد از تمام شدن تعقيبات بوده است؛ به اين دليل كه در روايات چنين وارد شده است كه خواننده تعقيبات بايد در رو به قبله بودن و نشستن به حالت تورك، به حالت كسى كه تشهد مى‌خواند، باشد و آنچه به نماز آسيب مى‌رساند، به تعقيبات نيز آسيب مى‌رساند؛ يا اينكه گفته شود، اين اختصاص به نماز صبح دارد، نه نمازهاى ديگر؛ يا اينكه گفته شود، منظور از «انتفاله»، فارغ شدن از نماز و اشاره كردن براى دادن سلام باشد. پايان. مورد اخير آشكارتر است، و استفاده از «انتفال» به معناى انصراف، (روى را به سمتى برگرداندن)، فراوان است، هر چند استفاده در معنى مَجازى است.

**[ترجمه]

«۵۳»

التَّهْذِیبُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ حُکَیْمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: یَنْبَغِی لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ یَقْرَأَ

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۳۳.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۴۷.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۴۷.

بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً(۱).

**[ترجمه]الْكَافِي: در روايت صحيحی، محمد بن مسلم گفته است: از امام باقر عليه السلام در مورد تسبيح پرسيدم، فرمود: چيزی غير از تسبيح فاطمه سلام الله عليها كه وظيفه قرار داده شده باشد، سراغ ندارم، و بعد از نماز صبح ده مرتبه می گويی: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو علی كل شیء قدير»، {هيچ خدايی جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكی برای او نيست، فرمانروايی و ستايش مخصوص اوست، و او بر هر چيزی تواناست.} و بعد از آن، هر مقدار كه خواستی، و از روی استحباب، تسبيح می گويی. - . الكافی ۲: ۵۳۳ -

از همان كتاب: از عده، به صورت مرفوع نقل كرده است كه فرمود: بعد از نماز صبح می گويی: {خدايا، ستايشی هميشگی كه همراه جاودانگی تو باشد، برای تو باد؛ و ستايشی كه هيچ پايانی برای آن جز خشنودی تو نيست، برای تو باد؛ ستايشی كه هيچ زمانی برای آن جز خواسته تو نيست، برای تو باد؛ ستايشی كه هيچ پاداشی برای گوينده آن جز خشنودی تو نيست، برای تو باد؛ خدايا، ستايش مخصوص توست و شكايت به سوی تو و تويی ياريگر؛ خدايا، ستايش مخصوص توست، آن گونه كه تو سزاوار آن هستی؛ ستايش مخصوص خداست، با همه ستايش‌هايش و برای همه نعمت‌هايش، تا آنكه ستايش، به آنچه پروردگارم دوست می‌دارد و خشنود است، منتهی شود.} - . الكافی ۲: ۵۴۷ -

بعد از نماز صبح و قبل از اينكه سخن بگويی، می گويی: {ستايش برای خداست، به گنجايش ميزان، و نهايت خشنودی، و سنگينی عرش؛ و خدا منزه است، به گنجايش ميزان، و نهايت خشنودی، و سنگينی عرش؛ و هيچ خدايی جز الله وجود ندارد، به گنجايش ميزان، و نهايت خشنودی، و سنگينی عرش.} اين را چهار مرتبه تكرار می كنی و سپس می گويی: {همچون بنده... خواری از تو می‌خواهم كه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و گناهانمان را برای ما بيامرزی، و نيازهای ما را در دنيا و آخرت، در آسانی و ايمنی برآورده سازی.} - . الكافی ۲: ۵۴۷ -

**[ترجمه]

«۵۴»

إِخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ عَلَى حَمَائِلِ سَيْفِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كِتَابَةً فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذِهِ الْكِتَابَةُ عَلَى سَيْفِكَ فَقَالَ هَذِهِ إِحْدَى عَشْرَةَ كَلِمَةً عَلَّمَنِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَ فَتُحِبُّ أَنْ أُعَلِّمَكَ إِيَّاهَا فَتُحْفَظَ فِي سَفَرِكَ وَ حَضَرِكَ وَ لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ وَ مَالِكَ وَ وُلْدِكَ فَقُلْتُ نَعَمْ- فَقَالَ عليه السلام إِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ وَ فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا عَالِماً بِكُلِّ خَفِيَّةٍ يَا مَنِ السَّمَاءُ بِقُدْرَتِهِ مَبْنِيَّةٌ يَا مَنِ الْأَرْضُ بِقُدْرَتِهِ مَدْحِيَّةٌ يَا مَنِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِنُورِ جَلَالِهِ مُضِيئَةٌ يَا مَنِ الْبِحَارُ بِقُدْرَتِهِ مَجْرِيَّةٌ يَا مُنْجِيَ يُوسُفَ مِنْ رِقِّ الْعُبُودِيَّةِ يَا مَنْ يَصْرِفُ كُلَّ نَقِمَةٍ وَ بَلِيَّةٍ يَا مَنْ حَوَائِجُ السَّائِلِينَ عِنْدَهُ مَقْضِيَّةٌ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَى وَ لَا وَزِيرٌ يُرْشَى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي فِي سَفَرِي وَ حَضَرِي وَ لَيْلِي وَ نَهَارِي وَ يَقَظَتِي وَ مَنَامِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

**[ترجمه]التهذيب: معمر بن خلاد گفته است: از امام رضا عليه السلام شنيدم می‌فرمود: سزاوار است شخص وقتی صبح می...

کند، بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه قرائت کند. -. التهذیب ۱: ۱۷۴ -

**[ترجمه]

«۵۵»

الْمَجَازَاتُ النَّبَوِيَّهُ، لِلسَّيِّدِ رَضِيِّ الدِّينِ مِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ وَاحِدَهٍ قَالَهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ حَطَّ عَنْهُ بِهَا عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَهُ بِهَا عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ كُنَّ لَهُ مَسْلَحَهً مِنْ أَوَّلِ نَهَارِهِ إِلَى آخِرِهِ وَ لَمْ يَعْمَلْ يَوْمَئِذٍ عَمَلًا يَقْهَرُهُنَ (۲).

و فی هذا الکلام استعارتان إحداهما قوله علیه السلام و کن له مسلحه من أول نهاره إلی آخره و المراد بالمسلحه هاهنا مجتمع السلاح الکثیر یقال هاهنا مسلحه للشیطان و یراد به الموضع الذی جماعه من أعوانه قد کثرت أسلحتهم و اشتدت شوکتهم کما یقال مأسده للأرض الکثیره الأسد و مکمأه للأرض الکثیره الکمأه و مفعاه

ص: ۱۹۲

۱- ۱. التهذیب ج ۱ ص ۱۷۴.

۲- ۲. المجازات النبوّیه: ۲۵۴.

محوأه للأرض الكثيره الأفاعى و الحيات و نظائر ذلک کثیره فجعل علیه السلام هذه الکلمات لقائلهن بمنزله السلاح الکثیر الذی یدفع عنه المخاوف و یرد الأیدی البواطش.

و الاستعاره الأخری قوله علیه السلام و لم یعمل یومئذ عملا یقهرهن و المراد و لم یعمل من الأعمال السیئه فی یومه ما یغلب إثمه أجر هذه الکلمات إذا قالها علی الوجه المحدود فیها.

و ینبغی أن یکون المراد بذلک الذنوب الصغائر دون الذنوب الکبائر لأن عقاب الکبیره یعظم فیکون کالقاهر لتلک الحسنات التی ذکرها و الدرجات التی أشار إلیها و لما أقام علیه السلام تلک الکلمات مقام السلاح لقائلها جعل ما فی مقابلتها من إثم موتغ و ذنب موبق بمنزله القاهر لها و الثالم فیها ملامحه بین صفحات الألفاظ و مزاوجه بین فرائد الکلام و هذا موضع المجاز الثانی الذی أفضنا فی ذکره و کشفنا عن سره (۱).

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی: از سلمان فارسی نقل کرده که گفته است: بر دوال شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته‌ای دیدم، پس گفتم ای امیرالمؤمنین، این نوشته بر روی شمشیر شما چیست؟ فرمود: این یازده کلمه‌ای است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من آموخته است؛ آیا دوست داری آن را به بیاموزم تا خودت در مسافرت و منزل و در شب و روز و نیز دارایی و فرزندانت محافظت شوید؟ گفتم: آری؛ فرمود: وقتی نماز صبح را خواندی و از آن فارغ شدی، بگو: {خدایا، ای دانای به هر پنهانی، ای کسی که آسمان به دست او برپا شده است، ای کسی که زمین به قدرت او گسترده شده است، ای کسی که خورشید و ماه با نور بزرگواری‌اش تابان گشته‌اند، ای کسی که دریاها با قدرت او به جریان افتاده‌اند، ای کسی که یوسف را از بند بندگی رهانید، ای کسی که هر عذاب و گرفتاری را دور می‌کند، ای کسی که نیازهای خواهندگان پیش او برآورده شده هستند، ای کسی که برایش نه دربانی وجود دارد که در نهان نگاه دارد، و نه وزیری که رشوه بگیرد، از تو می... خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا در مسافرت و در منزلم و در شب و روزم، و در بیداری و خوابم، و خودم و خانواده‌ام، و دارایی و فرزندانم محافظت نمایی؛ و ستایش مخصوص خدای یگانه است.}

**[ترجمه]

أقول

قد مر بعض أخبار الباب فی باب تعقیب کل صلاه و فی باب تعقیب المغرب.

ص: ۱۹۳

۱- ۱. المجازات النبویّه: ۲۵۵. و الموتغ: المهلک المفسد، یقال: هذا ممّا یوتغ الدین و المروءه، أی یفسدهما.

**[ترجمه]المجـازات النبويه: که برای سـید رضـی الـدین است: از کلام آن حضـرت، صـلی الله علیه و آله این است: هر کس هنگام صبح ده مرتبه بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر»، {هیـچ خـدایی جز الله وجـود نـدارد، یگـانه اسـت و هیـچ شـریکی برای او نیست، زنـده می‌کنـد و می‌میرانـد و او بر هر چیزی تواناست.} در ازای هر مرتبه که آن را گفته است، خداونـد برایش ده نیکی می‌نویسد و با آن، ده گناه را از او برمی‌دارد، و او را با آن، ده درجه بالا می‌برد، و این کلمات از اول روز تا پایان آن، برایش سـلاح و وسـیله حفاظت او می‌شوند و در آن روز، کار گناه آلود که بر اینها غلبه کند، انجام نمی‌دهد. - . المجازات النبویه: ۲۵۴ -

در این کلام، دو تا استعاره به کار رفته است؛ یکی از آنها عبارت «و کنّ له مسلحه من أول نهاره إلی آخره» است و منظور از «مسـلحه» در اینجا، محل جمع آوری سـلاح فراوان است؛ گفته می‌شود: «ههنا مسـلحه للشیطان» و منظور از آن، جایی است که گروهی از یـاران او گرد آمـده و زیـاد شـده‌انـد و تـوان و هیبت‌شـان بیشـتر شـده است، همـان طور که گفته می‌شود: «مأسـده للأرض»، یعنی جایی که شیر فراوان دارد؛ و «مکمأه للأرض» یعنی جایی که کمأه - نوعی قارچ - زیاد است و «مفعأه، محوأه»: زمینی که افعی‌ها و مارهای زیاد دارد؛ نمونه‌های این کاربرد فراوان است و حضـرت علیه السـلام این کلمات را برای گوینـده... آن، به منزله سلاح فراوانی دانسته که امور ترسناک را از او دور کرده و دست‌های ستمگر را از او برمی‌گرداند.

استعاره دیگر، عبـارت «و لـم یعمـل یومئـذٍ عملاًـ یقهرهـنَّ» او، علیـه السـلام است و منظـور از آن، این است که در آن روز از کارهای بـدی که گناه آن بر پاداش گفتن این کلمات غلبه کند، انجام نمی‌دهد، در صورتی که کلمات را به گونه‌ای که مقرر شده ادا کند.

سزاوار است منظور از آن گناهـان، گناهـان کوچک باشـد، نه گناهان بزرگ؛ چرا که عقوبت گناهان بزرگ می‌شود و از این رو بر نیکی‌هـایی که گفته است و بر درجه‌هـایی که اشاره کرده است، غالب می‌گردد؛ و از آنجا که حضـرت علیه السـلام آن کلمات را به عنوان سلاح قرار داده است، در مقابل آن‌ها، گناه تباه کننده و خطای هلاک کننده را به منزله برتری یافته و نفوذ کرده در آن، قرار داده است که به منظور زیبـا نمودن کـاربرد واژه‌هـا و قرینه هم قرار دادن تکه‌هـای کلاـم، انجام داده است و این، جایگاه مَجاز دوم در کلام او بود که به آن دست یافتیم و پرده از راز آن برگشودیم. - . المجازات النبویه: ۲۵۵ -

**[ترجمه]

باب ۴۴ سجده الشکر و فضلها و ما یقرأ فیها و آدابها

الأخبار

بیان

یـدل علی جواز السـجده فی المغرب قبـل النوافل و بعـدها و أن التقـدیم أفضل و هو أقرب و به یجمع بین الأخبار و لا یبعـد أن یکون ما ورد من التأخیر محمولا علی التقیه لأنهم بعد الفریضه یتفقدون من یسجد و من لا یسجد و یشعر به بعض الأخبار أیضا.

و ذهب أكثر الأصحاب إلى أفضليه التأخير قال فی المنتهی سجود الشكر فی المغرب ينبغی أن يكون بعد نافلتها

لِمَا رَوَاهُ الشَّيْخُ عَنْ حَفْصٍ الْجَوْهَرِيِ (۱) قَالَ: صَلَّى أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فَسَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ السَّابِعَهِ

ص: ۱۹۴

۱- ۲. تراه فی التهذيب ج ۱ ص ۱۶۷.

فَقُلْتُ لَهُ كَانَ آبَاؤُكَ يَسْجُدُونَ بَعْدَ الثَّلَاثَهِ فَقَالَ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِهِ يَسْجُدُ إِلَّا بَعْدَ السَّبْعِ.

وَ قَدْ رَوَى جَوَازَ التَّقْدِيم بَعْدَ الْمَغْرِبِ جَهْمُ بْنُ أَبِی جَهْمَهَ(۱) قَالَ: رَأَيْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ قَدْ سَجَدَ بَعْدَ ثَلَاثِ رَكَعَاتٍ مِنَ الْمَغْرِبِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَأَيْتُكَ سَجَدْتَ بَعْدَ الثَّلَاثِ فَقَالَ وَ رَأَيْتَنِی قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَلَا تَدَعْهَا فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ.

انتهی.

**[ترجمه]الاحتجاج: حمیری در نامه‌ای به حضرت قائم علیه السلام، از او در مورد سجده شکر بعد از نماز واجب سؤال کرده بود که بعضی از اصحاب ما گفته‌اند که آن، بدعت است، پس آیا جایز است شخص بعد از نماز واجب، آن سجده را به جای آورد؟ و اگر جایز باشد، در نماز مغرب، - محل آن - بعد از نماز است یا بعد از چهار رکعت نافله؟ حضرت جواب داد: سجده شکر از لازم‌ترین سنت‌ها و واجب‌ترین آنها است و جز کسی که بخواهد در دین خدا بدعت ایجاد کند، کسی نمی... گوید که سجده شکر بدعت است. و اما در مورد خبری که در آن، سجده شکر بعد از نماز مغرب روایت شده و اختلاف در اینکه سجده، بعد از سه رکعت است یا بعد از چهار رکعت، - بدان که - فضیلت دعا و تسبیح گفتن بعد از نماز واجب نسبت به دعا و تسبیح در دنباله نافله‌ها، مانند فضیلت نمازهای واجب نسبت به نافله‌ها است و سجده شکر نیز دعا و تسبیح است و با فضیلت‌تر آن است که بعد از نماز واجب باشد، ولی به جای آوردن آن بعد از نافله نیز جایز است. - . احتجاج الطبرسی: ۲۷۲ -

**[ترجمه]

أقول

و هذا مما یومی إلی التقیه فی التأخیر فلا تغفل و سیأتی فی خبر ابن أبی الضحاک (۲) عن الرضا علیه السلام أنه سجد قبل النافله و قال فی الذکری فی موضع سجدتی الشکر بعد المغرب روایتان یجوز العمل بهما مع إمکان حمل روایه الکاظم علیه السلام علی سجده مطلقه و إن کان بعیدا انتهی و لعل إیقاعها فی الموضعین أفضل و أحوط إذ یظهر من کثیر من الأخبار استحبابها بعد النافله مطلقا أیضا.

**[ترجمه]این روایت بر جایز بودن سجده شکر در نماز مغرب، قبل از نافله‌ها و بعد از آن‌ها، دلالت دارد؛ و نیز اینکه مقدم کردن آن بر نافله‌ها فضیلت بیشتری دارد و همین بهتر است و به این ترتیب بین روایت‌ها هماهنگی حاصل می‌شود. همچنین بعید نیست به تأخیر انداختنی که در روایت آمده است، بر تقیّه حمل شود؛ چرا که آنها بعد از نماز جستجو می‌کنند که - ببینند - چه کسی سجده - شکر - می‌کند و چه کسی نمی‌کند؛ بعضی از روایت‌ها نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

بیشتر اصحاب به پرفضیلت تر بودن به تأخیر انداختن آن از نافله‌ها نظر داده اند. در المنتهی گفته است: بهتر است سجده شکر در نماز مغرب بعد از نافله‌های آن باشد، به خاطر روایتی که شیخ از حفص جوهری - . التهذیب ۱: ۱۶۷ - نقل کرده و گفته است: امام علی النقی علیه السلام نماز مغرب را خواند و بعد از رکعت هفتم، سجده شکر به جای آورد. به او گفتم: پدران

شما بعـد از رکعت سوم سـجده شـکر می‌کردنـد! فرمود: هیچ یک از پدران من جز بعد از رکعت هفتم، سـجده شـکر به جای نمی‌آوردند.

جهم بن ابی جهمه، جواز مقـدم کردن آن - برنافله و انجام دادن - بعـد از نماز مغرب را روایت کرده - . الفقیه ۱: ۲۱۷ (چاپ نجف) - و گفته است: امام موسی بن جعفر علیه السـلام را دیدم که بعد از سه رکعت، سـجده شـکر کرد؛ به او گفتم: فدایت شوم، دیدم که بعد از رکعت سوم سـجده کردی؛ فرمود: مرا دیدی؟ گفتم: آری؛ فرمود: پس آن را ترک نکن که دعا در آن، پذیرفته شده است. پایان.

**[ترجمه]

«۲»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ الْقَطَّانِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَهْلٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ مَسْجِدَ الْكُوفَهِ فَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ عِنْدَ أسطوانه [الْأُسْطُوَانَهِ] السَّابِعَهِ قَائِماً يُصَلِّی يُحْسِنُ رُكُوعَهُ وَ سُجُودَهُ فَجِئْتُ لِأَنْظُرَ إِلَيْهِ فَسَبَقَنِی إِلَی السُّجُودِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ فِی سُجُودِهِ- اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ فِی أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّ بِهِ مِنِّی عَلَيْكَ وَ لَمْ أَعْصِكَ فِی أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ لَمْ أَدْعُ لَكَ وَلَداً وَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ شَرِيكاً مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنَّ مِنِّی عَلَيْكَ وَ عَصَيْتُكَ فِی أَشْيَاءَ عَلَی غَيْرِ مُكَاثَرَهٍ وَ لَا مُكَابَرَهٍ وَ لَا اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ لَكِنِ اتَّبَعْتُ هَوَایَ وَ أَضَلَّنِی الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّهِ وَ الْبَيَانِ فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِذَنْبِی غَيْرَ ظَالِمٍ لِی وَ إِنْ تَرْحَمْنِی فَبِجُودِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ص: ۱۹۵

۱- ۱. تراه فی الفقیه ج ۱ ص ۲۱۷، ط نجف.

۲- ۲. یأتی تحت الرقم ۳۳ عن کتاب العیون.

ثُمَّ انْفَتَلَ وَ خَرَجَ مِنْ بَابِ كِنْدَهَ فَتَبِعْتُهُ حَتَّى أَتَى مُنَاخَ الْكَلْبِيِّينَ فَمَرَّ بِأَسْوَدَ فَأَمَرَهُ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ فَقُلْتُ مَنْ هَذَا فَقَالَ هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقُلْتُ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ مَا أَقْدَمَكَ هَذَا الْمَوْضِعَ فَقَالَ هَذَا الَّذِي رَأَيْتَ (۱).

**[ترجمه]این اشاره بر تأخیر انداختن در حالت تقیه دارد، پس دقت کن؛ در ادامه روایت ابن ابی ضحاک - . ذیل شماره ۳۳ به نقل از کتاب عیون خواهد آمد. - از امام رضا علیه السلام که قبل از نافله، سجده کرده بود، خواهد آمد. در الذکری گفته است: در مورد محل سجده شکر بعد از نماز مغرب، دو - گونه - روایت وجود دارد که در صورت امکان حمل روایت امام کاظم علیه السلام بر مطلق سجده، می‌توان به هر دو دسته روایت‌ها عمل کرد؛ هر چند چنین حمل کردنی بعید است. پایان. گویا انجام آن در هر دو محل، با فضیلت‌تر و با احتیاط سازگارتر است، به این دلیل که از بسیاری از روایت‌ها، مستحب بودن آن بعد از هر گونه نافله نیز برداشت می‌شود.

**[ترجمه]

بیان

الذی رأیت أی الصلاه فی هذا المسجد و لعل عدم ذکر زیاره أبیه و جده علیهم السلام للتقیه لأنهما کانتا أهم.

**[ترجمه]مجالس الصدوق: الثمالی گفته است: وارد مسجد کوفه شدم و به مردی برخورد کردم که در نزد ستون هفتم نماز می‌خواند و رکوع و سجود نیکویی به جای می‌آورد؛ آمدم که به او نگاه کنم، ولی قبل از رسیدن من به سجده رفت و شنیدم که در سجده می گفت: {خدایا، هر چند قطعاً تو را نافرمانی کرده‌ام، ولی در دوست داشتنی‌ترین چیز به تو که همان ایمان به توست، از تو فرمانبرداری نموده‌ام؛ و این منتی است که تو بر من نهاده‌ای، نه اینکه منتی از من بر تو باشد؛ و در بدترین چیزها نسبت به تو، از تو نافرمانی نکرده‌ام: برای تو فرزندی ادعا نکرده و برای تو شریکی نگرفته‌ام، و این منتی است که تو بر من نهاده‌ای، نه اینکه منتی از من بر تو باشد؛ و تو را در چیزهایی نافرمانی کرده‌ام، ولی این نه از روی زیاده خواهی و خود بزرگ بینی، و نه سرکشی کردن در پرستش تو، و نه انکار پروردگاری تو، بوده است؛ و لیکن به خاطر پیروی من از هوای نفسم بوده و شیطان، بعد از اینکه برایم دلیل و بیان وجود داشت، مرا به لغزش کشاند؛ پس اگر مرا به خاطر گناهم عذاب کنی، به من ستم نکرده‌ای، و اگر مهربانی بورزی، به خاطر بخشندگی و مهربانی توست، ای مهربان‌ترین مهربانان.}

سپس نافله‌ای خواند و از در کنده بیرون رفت تا اینکه به محل اقامت کلبی‌ها رسید؛ با فرد سیاه‌رویی برخورد کرد و دستوری به او داد که من متوجه نشدم؛ پس به او گفتم: این کیست؟ گفت: این علی بن حسین علیهما السلام است. گفتم: خدا مرا فدای شما کند، چه چیزی شما را اینجا آورده است؟ فرمود: همان چیزی که دیدی. - . أمالی الصدوق: ۱۸۸ -

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ رَوَى هَذَا الدُّعَاءَ فِي الْمَكَارِمِ عَنْهُ عليه السلام مُرْسَلًا قَالَ: وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ فِي سُجُودِهِ وَ سَاقَ الدُّعَاءَ

إِلَى قَوْلِهِ وَ تَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ أَنْ أَدْعُوَ لَكَ وَلَداً وَ أَدْعُوَ لَكَ شَرِيكاً إِلَى قَوْلِهِ وَ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ مُكَابَرَةٍ وَ لَا مُعَانَدَةٍ وَ لَا اسْتِكْبَارٍ إِلَى قَوْلِهِ وَ اسْتَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَ الْبُرْهَانِ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي (۲).

**[ترجمه]«الذی رأیت»، یعنی نماز در این مسجد؛ و شاید نگفتن زیارت پدرش و جدش علیهم السلام، به خاطر تقیّه بوده است، چون آن دو مهم‌تر بوده‌اند.

**[ترجمه]

«۳»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَسِيرُ مَعَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ ثُمَّ خَرَّ سَاجِداً فَأَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَعَادَ ثُمَّ رَكِبَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ ثَنَيْتَ رِجْلَكَ عَنْ دَابَّتِكَ ثُمَّ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ؟

فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ علیه السلام أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي السَّلَامَ مِنْ رَبِّي وَ بَشَّرَ أَنَّهُ لَمْ يُخْزِنِي فِي أُمَّتِي فَلَمْ يَكُنْ لِي مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأُعْتِقَهُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَ (۳).

۱- ۱. أمالی الصدوق: ۱۸۸، و أخرجه المؤلّف العلامه- ره- فی کتاب المزار ج ۱۰۰ ص ۳۹۰ من طبعتنا هذه، و فیه: المکاثره: المغالبه بالکثره أی لم تکن معصیتی لان أتکل علی کثره جنودی و قوتی و أرید أن أعازک و أعارضک.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۳۲.

۳- ۳. أمالی الصدوق: ۳۰۴.

**[ترجمه]این دعا را در المکارم به صورت مرسل از او علیه السلام روایت کرده و گفته است: امام علی بن حسین علیه السلام در سجده‌هایش می گفت:... و دعا را به این کلام او رساند: «و ترکتُ معصیتک فی أبغض الأشیاء إلیک، و هو أن أدعو لک ولداً و أدعو لک شریکاً»، {و در بدترین چیزها نسبت به تو، نافرمانی تو را ترک کرده‌ام، و آن این است که برای تو فرزندی ادعا کرده و برای تو شریکی گرفته باشم.} و این کلام او: «و عصیتک فی أشیاء علی غیر وجه مکابره و لا معانده و لا استکبار»، {و در چیزهایی تو را نافرمانی کرده‌ام، ولی نه از روی خود بزرگ بینی، و نه دشمنی، و نه سرکشی.} و این کلام او: «و استزلّنی الشیطان بعد الحجّه و البرهان، فإن تعذّبنی بذنوبی...» {و شیطان مرا، بعد از اینکه حجت و برهان در اختیارم بود، به لغزش کشاند؛ پس اگر مرا به خاطر گناهانم عذاب کنی...} - . مکارم الاخلاق: ۳۳۲ -

**[ترجمه]

بیان

یدل علی استحباب سجده الشکر عند تجدد النعم مطلقا و لا خلاف فیه بین الأصحاب قال الشیخ البهائی ره أطبق علماؤنا رضی الله عنهم علی ندبیه سجود الشکر عند تجدد النعم و دفع النقم و کما یستحب لشکر النعمه المتجدده فالظاهر کما قاله شیخنا فی الذکری أنه یستحب عند تذکر النعم و إن لم یکن متجدده و قد أجمع علماؤنا علی استحباب السجود أیضا عقیب الصلاه شکرا علی التوفیق لأدائها و یستحب أن یکون عقیب التعقیب بحیث یجعل خاتمته و إطالته أفضل.

و یستحب فیه افتراش الذراعین و إلصاق الصدر و البطن بالأرض و هل یشترط السجود علی الأعضاء السبعه أم یکتفی بوضع الجبهه کل محتمل و قطع فی الذکری بالأول و علله بأن مسمی السجود یتحقق بذلک و أما وضع الجبهه علی ما یصح السجود علیه فالأصل عدم اشتراطه انتهی.

و قال فی الذکری لیس فی سجود الشکر تکبیره الافتتاح و لا تکبیره السجود و لا رفع الیدین و لا تشهد و لا تسلیم و هل یستحب التکبیر لرفع رأسه من السجود أثبته فی المبسوط و یجوز فعله علی الراحله اختیارا لأصاله الجواز انتهی.

و قال فی المعتبر قال الشیخ فی النهایه لیس فی سجده الشکر تکبیر الافتتاح و لا تکبیر السجود و لا تشهد و لا تسلیم و قال فی المبسوط یستحب التکبیر لرفع رأسه من السجود و لعله شبهه بسجده التلاوه و قال الشافعی هی کسجده التلاوه انتهی.

و هذا الخبر یدل علی أن السجود علی الأرض مع الإمکان أفضل و لا یدل علی تعینه.

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: موقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله همرا با یارانش در کوچه... های مدینه می‌رفت. ناگاه از مرکبش پیاده شد و سپس به سجده افتاد و سجده‌اش طول کشید، سپس سرش را بلند کرد و برگشت، پس سوار شد. یارانش به او گفتند: ای رسول خدا، دیدیم که از مرکبت پیاده شدی و به سجده رفتی و سجده‌ات طول کشید؛ - ماجرا چه بود -؟

فرمود: همانا جبرئیل علیه السلام پیش من آمد و از جانب پروردگارم به من سلام رساند و بشارت داد که مرا در مورد امتم

شرمنده نخواهد كرد؛ من مالى نداشتم كه صدقه دهم و بنده‌اى نداشتم كه آزاد كنم، از اين رو پسنديدم پروردگارم را سپاسگزارى كنم. - . أمالى الصدوق: ٣٠۴ -

**[ترجمه]

«۴»

الْعُيُونُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام قُلْ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْراً شُكْراً وَ إِنْ شِئْتَ عَفْواً عَفْواً.

قال الصدوق ره قد لقى سليمان موسى بن جعفر و الرضا عليهما السلام و لا أدرى

ص: ١٩٧

هذا الخبر(۱)

عن أيهما.

**[ترجمه]این روایت بر مستحب بودن سجده شکر به صورت مطلق، هنگام از راه رسیدن نعمت‌ها دلالت دارد و در آن بین اصحاب اختلافی وجود ندارد. شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: علمای ما، که خدا از آنان خشنود باد، بر مستحب بودن سجده شکر هنگام رسیدن نعمت‌ها و دور شدن عذاب‌ها، اتفاق نظر دارند؛ و همان طور که برای نعمت تازه رسیده مستحب است، ظاهراً همان گونه که شیخ ما در الذکری گفته است: هنگام به یاد آوردن نعمت‌ها نیز مستحب است، هر چند نعمت جدید نباشد. همچنین علمای ما بر مستحب بودن سجده در دنباله نمازها، به خاطر سپاسگزاری از توفیق به جای آوردن آن، هم عقیده هستند و مستحب است در دنباله تعقیب باشد، به گونه‌ای که آن را پایان بخش قرار دهد و طول دادن آن با فضیلت‌تر است .

در آن، پهن کردن آرنج‌ها و چسباندن سینه و شکم به زمین مستحب است. آیا سجده با اعضای هفتگانه شرط است، یا صرف گذاشتن پیشانی بر زمین کفایت می‌کند؟ هر دو احتمال، ممکن است درست باشد و در الذکری اولی را قطعی دانسته و این... گونه دلیل آورده است که صورت ظاهری سجده با آن محقق می‌شود؛ ولی در مورد گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، اصل، شرط نبودن آن است. پایان.

در الذکری گفته است: در سجده‌های شکر، تکبیر آغازین و تکبیر سجده و بالا بردن دست‌ها و تشهد و سلام وجود ندارد؛ و آیا برای بالا بردن سر از سجده‌ها، تکبیر مستحب است؟ در المبسوط آن را ثابت کرده است. انجام دادن آن در حالت سواره و از روی اختیار جایز است؛ چون اصل، جواز آن است. پایان.

در المعتبر گفته است: شیخ در النهایه گفته است: در سجده شکر، تکبیر آغازین و تکبیر سجده‌ها و تشهد و سلام وجود ندارد؛ و در المبسوط گفته است: تکبیر برای برداشتن سر، مستحب است؛ و گویا آن را شبیه سجده تلاوت دانسته است. شافعی گفته است: سجده شکر مانند سجده تلاوت است. پایان.

این خبر دلالت بر این دارد که سجده بر زمین، در صورت امکان آن، بهتر است، ولی بر متعین بودن آن دلالتی ندارد.

**[ترجمه]

«۵»

الْعِلَلُ (۲)، وَ الْعُيُونُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالَقَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَهِ شُكْرٌ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرْضِهِ وَ أَدْنَى مَا يُجْزِئُ فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقُولَ شُكْراً لِلَّهِ شُكْراً لِلَّهِ شُكْراً لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْراً لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَنِي بِهِ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ أَدَاءِ فَرْضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَهِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاهِ تَقْصِيرٌ لَمْ

يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهَذِهِ السَّجْدهِ(۳).

**[ترجمه]العیون: سلیمان بن حفص گفته است: امام اباالحسن علیه السلام به من نوشت: در سجده شکر، صد مرتبه «شکراً شکراً»،{سپاسگزاری می‌کنم، سپاسگزاری می‌کنم.} یا اگر خواستی، «عفواً عفواً»،{گذشت می‌خواهم، گذشت می‌خواهم.} بگو.

صدوق - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: سلیمان، امام موسی بن جعفر و امام رضا علیهما السلام را دیده است و از این رو نمی‌دانم این روایت - . عیون الاخبار ۱: ۲۸۰؛ الفقیه ۱: ۲۱۸ (در آنجا نوشته است: «کتب إلی ابو الحسن الرضا علیه السلام»،{امام رضا علیه السلام به من نوشت.})؛ الکافی ۳: ۳۲۶ (در آن آمده است: «قال: کتبت إلی أبی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام فی سجده الشکر، فکتب إلی: مائه مره...»{به امام موسی علیه السلام در مورد سجده شکر نامه نوشتم - و سؤال کردم - پس برایم نوشت: صد مرتبه...}). - از کدام یک از آنان است .

**[ترجمه]

«۶»

الْعُیُونُ، عَنْ تَمِیمٍ الْقُرَشِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِیِّ قَالَ: لَمَّا دَخَلَ الرِّضَا علیه السلام سَنَابَادَ دَخَلَ دَارَ حُمَیْدِ بْنِ قَحْطَبَهَ وَ دَخَلَ الْقُبَّهَ الَّتِی فِیهَا قَبْرُ هَارُونَ الرَّشِیدِ ثُمَّ خَطَّ بِیَدِهِ إِلَی جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ تُرْبَتِی وَ فِیهَا أُدْفَنُ سَیَجْعَلُ اللَّهُ هَذَا الْمَکَانَ مُخْتَلَفَ شِیعَتِی وَ أَهْلَ مَحَبَّتِی وَ اللَّهِ مَا یَزُورُنِی مِنْهُمْ زَائِرٌ وَ لَا یُسَلِّمُ عَلَیَّ مِنْهُمْ مُسَلِّمٌ إِلَّا وَجَبَ لَهُ غُفْرَانُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ بِشَفَاعَتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ علیه السلام الْقِبْلَهَ وَ صَلَّی رَکَعَاتٍ وَ دَعَا بِدَعَوَاتٍ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۸۰، و ذکره فی الفقیه ج ۱ ص ۲۱۸، و فیه:« کتب الی أبو الحسن الرضا علیه السلام» و رواه الکلینی فی الکافی ج ۳ ص ۳۲۶ و فیه:« قال: کتبت الی أبی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام فی سجده الشکر فکتب الی: مائه مره إلخ.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۴۹.

۳- ۳. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۸۱، و انما قال علیه السلام:« و الشکر یوجب الزیاده» لقوله عزّ و جلّ فی سوره إبراهیم: ۷« وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ».

سَجْدَةً طَالَ مَكْثُهُ فِيهَا فَأَحْصَيْتُ لَهُ فِيهَا خَمْسَمِائَةِ تَسْبِيحَةٍ ثُمَّ انْصَرَفَ (۱).

**[ترجمه]العلل - . علل الشرایع ۲: ۴۹ - و العیون: امام رضا علیه السلام فرمود: سجده بعد از نماز واجب، سپاسگزاری از خدای متعال در برابر توفیقی است که به بنده‌اش داد تا واجبش را بجای آورد و کمترین چیزی که برای گفتن در آن کفایت می کند، «شکراً لله، شکراً لله، شکراً لله»، {سپاس خدا را، سپاس خد را، سپاس خدا را.} سه مرتبه است.

گفتم: معنی عبارت «شکراً لله» چیست؟ فرمود: می گوید این سجده من سپاس از خدای عزّوجلّ است، به خاطر اینکه به من در راه خدمت به خودش و به جای آوردن واجبش توفیق داد؛ و شکر موجب فزونی می گردد و اگر در نمازش کاستی وجود داشته باشد که با نافله‌ها جبران نشود، با این سجده جبران می گردد. - . عیون الاخبار ۱: ۲۸۱. کلام حضرت که فرموده است: شکر موجب فزونی می گردد، به دلیل این فرمایش خدای متعال در سوره ابراهیم، آیه ۷ است: «و إذ تأذن ربُّکم لَإن شکرتم لأزیدنَّکم»، {و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد.} -

**[ترجمه]

«۷»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام أَ تَدْرِي يَا مُوسَى لِمَ انْتَجَبْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَ اصْطَفَيْتُكَ لِكَلَامِي فَقَالَ لَا يَا رَبِّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنِّي اطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهَا أَشَدَّ

تَوَاضُعاً لِي مِنْكَ فَخَرَّ مُوسَى علیه السلام سَاجِداً وَ عَفَّرَ خَدَّيْهِ فِي التُّرَابِ تَذَلُّلًا مِنْهُ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُوسَى وَ أَمِرْ يَدَكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ مَا نَالَتْهُ مِنْ بَدَنِكَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ(۲).

دعوات الراوندی، مرسلا: مثله (۳)

**[ترجمه]العیون: عبد السلام بن صالح هروی گفته است: وقتی امام رضا علیه السلام وارد سناباد شد، به خانه حمید بن قحطبه داخل شد و به بنای گنبدی که قبر هارون الرشید آنجا بود، وارد شد، سپس با دستش در کنار آن خطی کشید و فرمود: این تربت من است و در اینجا دفن خواهم شد و خدا این مکان را محل رفت و آمد شیعیان و دوستداران من قرار خواهد داد. به خدا سوگند، هیچ زیارت کننده‌ای از آنها مرا زیارت نمی کند و هیچ سلام دهنده‌ای از آنها بر من سلام نمی کند، جز آنکه آمرزش خدا و رحمت او با شفاعت ما اهل بیت، برایش حتمی می گردد.

سپس حضرت علیه السلام رو به قبله کرد و چند رکعت نماز خواند و دعاهایی خواند و وقتی فارغ شد، یک سجده به جای آورد و ماندنش در آن طول کشید، به طوری که از او در آن سجده، پانصد تسبیح شمردم. سپس برخاست. - . عیون الاخبار

- ۱۳۷-۱۳۶ :۲ -

**[ترجمه]

بيان

يدل على استحباب التعفير فی سجود الشكر و به يصير اثنين و على استحباب الإمرار المذكور قال فی المعتبر يستحب فيها التعفير و هو أن يلصق خده الأيمن بالأرض ثم خده الأيسر و هو مذهب علمائنا و قال فی الذكرى يستحب فيها تعفير الجبينين بين السجدتين و كذا تعفير الخدين و هو مأخوذ من العفر بفتح العين و الفاء و هو التراب و هو إشاره إلى استحباب وضع ذلک على التراب و الظاهر تأدى السنه بوضعها على ما اتفق و إن كان الوضع على التراب أفضل.

**[ترجمه]مجالس ابن الشيخ: امام صادق عليه السلام فرمود: خدای متعال به موسی بن عمران وحی كرد: ای موسی! آيا می... دانی كه چرا من تو را از ميان آفريدگانم برگزيدم و تو را برای كلام خودم انتخاب كردم؟ گفت: خير، ای پروردگار من؛ پس خدا به او وحی كرد كه من بر زمين نظر كردم و بر روی آن، شخصی فروتن‌تر از تو در برابر خودم پيدا نكردم. موسی سجده... كنان بر زمين افتاد و گونه‌هايش را با خواری در مقابل پروردگار عزّوجلّ بر خاک ماليد؛ پس خدا بر او وحی نمود كه سرت را بالا آور ای موسی، و دستت را بر محل سجده‌ات بكش و آن را بر صورتت و هر جايی از بدنت كه می‌رسد، بمال كه آن، مايه ايمنی از هر بيماری و درد و آسيب و سختی است. - . أمالی الطوسی ۱: ۱۶۷ -

دعوات الراوندی: مثل همين روايت را به صورت مرسل آورده است. - . دعوات الراوندی، دست نويس -

**[ترجمه]

«۸»

الْعِلَلُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَ تَدْرِي لِمَا اصْطَفَيْتُکَ لِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي فَقَالَ مُوسَى عليه السلام لَا يَا رَبِّ فَقَالَ يَا مُوسَى إِنِّي قَلَّبْتُ عِبَادِي ظَهْراً لِبَطْنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَداً أَذَلَّ لِي مِنْکَ نَفْساً

ص: ۱۹۹

۱- ۱. عيون الأخبار ج ۲ ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۶۷.

۳- ۳. دعوات الراوندیّ مخطوط.

يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَضَعْتَ خَدَّيْكَ عَلَى التُّرَابِ (۱).

المكارم، عنه علیه السلام: مثله (۲)

**[ترجمه]این روایت دلالت بر مستحب بودن تعفیر، (به خاک مالیدن گونه) در سجده شکر دلالت دارد که با آن، - سجده - دو تا می‌شود؛ نیز بر مستحب بودن دست ساییدن که گفته شد، دلالت دارد. در المعتبر گفته است: در سجده شکر، تعفیر مستحب است و آن عبارت است از اینکه گونه راست را و سپس گونه چپش را بر خاک نهد، و این نظر علمای ما است. در الذکری گفته است: در سجده شکر، تعفیر هر دو سوی پیشانی و همین طور هر دو سوی گونه، بین دو سجده مستحب است و آن، از «العفر» با فتحه عین و فاء، که همان خاک است، گرفته شده است. و این اشاره به استحباب گذاشتن آن بر خاک دارد و ظاهراً با گذاشتن آن بر هر چیزی که شد، سنت را به جای آورده است، هرچند گذاشتن بر خاک بهتر است.

**[ترجمه]

بیان

لعل اللام فی قوله لبطن بمعنی مع أو بعد أو إلی و ظهرا تمییز.

**[ترجمه]العلل: امام باقر علیه السلام فرمود: خدای متعال به موسی بن عمران وحی کرد: آیا می‌دانی چرا من تو را برای کلام خودم پاک برگزیدم؟ موسی گفت: خیر، ای پروردگار من؛ فرمود: ای موسی، من بندگانم را زیر و رو کردم، پس در میان آنها کسی را که خود را برای من خوارتر از تو کند، نیافتم؛ ای موسی، تو هنگام نماز خواندن، گونه‌هایت را بر خاک می‌نهی.
- . علل الشرایع ۱: ۵۳؛ الفقیه ۱: ۲۱۹ (به صورت مرسل) -

المکارم: مثل همین روایت را از آن حضرت علیه السلام آورده است.

**[ترجمه]

«۹»

الْعِلَلُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ مُوسَى علیه السلام احْتُبِسَ عَنْهُ الْوَحْيُ أَرْبَعِينَ أَوْ ثَلَاثِينَ صَبَاحاً قَالَ فَصَعِدَ عَلَى جَبَلٍ بِالشَّامِ يُقَالُ لَهُ أَرِيحَا فَقَالَ يَا رَبِّ إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا حَبَسْتَ عَنِّي وَحْيَكَ وَ كَلَامَكَ لِذُنُوبِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَغُفْرَانَكَ الْقَدِيمَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ أَ تَدْرِي لِمَا اصْطَفَيْتُكَ لِوَحْيِي وَ كَلَامِي دُونَ خَلْقِي فَقَالَ لَا عِلْمَ لِي يَا رَبِّ فَقَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اطَّلَعْتُ إِلَى خَلْقِي اطِّلَاعَةً فَلَمْ أَجِدْ فِي خَلْقِي أَشَدَّ تَوَاضُعاً لِي مِنْكَ فَمِنْ ثَمَّ خَصَصْتُكَ بِوَحْيِي وَ كَلَامِي مِنْ بَيْنِ خَلْقِي قَالَ وَ كَانَ مُوسَى علیه السلام إِذَا صَلَّى لَمْ يَنْفَتِلْ حَتَّى يُلْصِقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَ الْأَيْسَرَ(۳).

**[ترجمه]شاید حرف لام در عبارت «لبطن» به معنی با، یا بعد، یا به طرف، باشد و «ظهراً» تمیز است.

**[ترجمه]

«۱۰»

كِتَابُ الزُّهْدِ، لِلْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مِثْلَهُ (۴).

مشكاه الأنوار، نقلا من كتاب المحاسن عن أبى عبد الله عليه السلام: مثله (۵) المكارم، عن إسحاق: مثله (۶).

ص: ۲۰۰

۱- ۱. علل الشرائع ج ۱ ص ۵۳، و رواه فى الفقيه ج ۱ ص ۲۱۹ مرسلا.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۳۳۱.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۱ ص ۵۳ و ۵۴، و روى ذيله فى الفقيه ج ۱ ص ۲۱۹ مرسلا و رواه الشيخ فى التهذيب ج ۱ ص ۱۶۵.

۴- ۴. كتاب الزهد مخطوط.

۵- ۵. مشكاه الأنوار ص ۲۲۷.

۶- ۶. مكارم الأخلاق ص ۳۳۱ من قوله:« كان موسى عليه السلام» الخ.

**[ترجمه]العلل: اسحاق بن عمار گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: چهل یا سی روز، وحی از موسی بازداشته شد، پس وی به بالای کوهی در شام که به آن أریحا گفته می‌شود رفت و گفت: ای پروردگار، اگر بازداشته شدن وحی و کلام تو از من به خاطر گناهان بنی اسرائیل است، پس آمرزش تو را که دیرینه است، می‌خواهم. خداوند عزّوجلّ به او وحی کرد: ای موسی بن عمران، آیا می‌دانی چرا من تو را برای وحی و کلام خودم از میان آفریدگانم برگزیده‌ام؟ گفت: من به آن آگاهی ندارم ای پروردگار من؛ پس فرمود: ای موسی، من نظری به آفریدگانم کردم، پس در میان آفریده‌هایم، کسی که بیشترین فروتنی را برای من داشته باشد، غیر از تو نیافتم و از این رو تو را برای وحی‌ام و کلامم از میان آفریده‌هایم اختصاص دادم. - حضرت فرمود: - موسی علیه السلام هنگامی که نماز می‌خواند، از قبله روی برنمی‌گرداند تا اینکه گونه راست و سپس گونه چپ خود را بر زمین بساید. - . علل الشرایع ۱: ۵۳-۵۴؛ الفقیه ۱: ۲۱۹ (ذیل آن را به صورت مرسل روایت کرده است.)؛ التهذیب ۱: ۱۶۵ -

**[ترجمه]

«۱۱»

الْعِلَلُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ عَنِ الْكُلَيْنِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مَعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخُزَاعِيِّ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ علیه السلام: إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام مَا ذَكَرَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نِعْمَةً عَلَيْهِ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا سُجُودٌ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سُوءً يَخْشَاهُ أَوْ كَيْدَ كَائِدٍ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا فَرَغَ مِنْ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا وُفِّقَ لِإِصْلَاحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ إِلَّا سَجَدَ وَ كَانَ أَثَرُ السُّجُودِ فِي جَمِيعِ مَوَاضِعِ سُجُودِهِ فَسُمِّيَ السَّجَّادَ لِذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]کتاب الزهد: از حسین بن سعید: مثل همین روایت را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است. - . کتاب الزهد، دست نویس -

مشکاه الأنوار: مثل همین روایت را به نقل از المحاسن، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

المکارم: مثل همین روایت را از اسحاق روایت کرده است. - . مکارم الاخلاق:۳۳۱ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ لِلَّهِ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجِنَانِ (۲).

**[ترجمه]العلل: امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: پدرم علی بن حسین علیه السلام هر موقع به یاد نعمتی از خدای عزّوجلّ می‌افتاد، سجده می‌کرد، و هر موقع آیه‌ای از قرآن می‌خواند که در آن سجده بود، سجده می‌کرد، و هر موقع بدی که از آن می‌ترسید، یا نیرنگ نیرنگ‌بازی را خدا از او دور می‌کرد، سجده می‌کرد، و هر موقع از نماز واجب فارغ می‌شد، سجده می‌کرد، و هر موقع موفق به آشتی دادن بین دو نفر می‌شد، سجده می‌کرد، و اثر آن در همه مواضع سجده او وجود داشت و از این رو سجاد نامیده شد. -. علل الشرایع ۱: ۲۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۳»

الْبَصَائِرُ، عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِالْمَدِينَهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ حِمَارَهُ فَنَزَلَ وَ قَدْ كُنَّا صِرْنَا إِلَى السُّوقِ أَوْ قَرِيباً مِنَ السُّوقِ قَالَ فَنَزَلَ وَ سَجَدَ وَ أَطَالَ السُّجُودَ وَ أَنَا أَنْتَظِرُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَأَيْتُكَ نَزَلْتَ فَسَجَدْتَ قَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَهً لِلَّهِ عَلَيَّ قَالَ قُلْتُ قُرْبَ السُّوقِ وَ النَّاسُ يَجِيئُونَ وَ يَذْهَبُونَ قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَرَنِي أَحَدٌ(۳).

الخرائج، عن معاویه بن وهب: مثله (۴).

ص: ۲۰۱

۱- ۱. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۲۲.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۳۲.

۳- ۳. بصائر الدرجات ص ۴۹۵.

۴- ۴. مختار الخرائج ص ۲۴۵.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امـام صادق علیه السـلام فرموده است: هر کس به خاطر سپاسـگزاری از نعمتی برای خـدا در غیر از نماز سـجده کند، خداوند به واسطه آن برایش ده نیکی می‌نویسد و ده بدی را از او پاک می کند و برای او ده درجه در بهشت بالا می‌برد. - . ثواب الاعمال: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۱۴»

کَمَالُ الدِّینِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعَقِیقِیِّ عَنْ أَبِی نُعَیْمٍ الْأَنْصَارِیِّ الزَّیْدِیِّ عَنِ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ یَقُولُ فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ- یَا مَنْ لَا یَزِیدُهُ

إِلْحَاحُ الْمُلِحِّینَ إِلَّا جُوداً وَ کَرَماً یَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا مَنْ لَهُ مَا دَقَّ وَ جَلَّ لَا یَمْنَعُکَ إِسَاءَتِی مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَیَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَفْعَلَ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْکَرَمِ وَ الْعَفْوِ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ افْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَی الْعُقُوبَهِ وَ قَدِ اسْتَحْقَقْتُهَا لَا حُجَّهَ لِی وَ لَا عُذْرَ لِی عِنْدَکَ أَبُوءُ إِلَیْکَ بِذُنُوبِی کُلِّهَا وَ أَعْتَرِفُ بِهَا کَیْ تَعْفُوَ عَنِّی وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّی بُؤْتُ إِلَیْکَ بِکُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ بِکُلِّ خَطِیئَهٍ أَخْطَأْتُهَا وَ بِکُلِّ سَیِّئَهٍ عَمِلْتُهَا یَا رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَکْرَمُ (۱).

**[ترجمه]البصـائر: معـاویه بن وهب گفته است: در مـدینه همراه امـام صـادق علیه السـلام بودم و او سوار بر الاغی بود؛ از آن پایین آمد و به طرف بازار یا جایی نزدیک بازار رسیده بودیم. - گفته است: - پس حضرت فرود آمد و سجده کرد و سجده... اش را طول داد و من منتظرش بودم، سپس سرش را بلند کرد.

گفتم: فـدایت شوم، دیـدم که فرود آمـدی و سـجده کردی؛ فرمود: نعمتی از خدا بر خودم را به یاد آوردم. گفته است: گفتم: اینجا نزدیک بازار است و مردم رفت و آمد دارند! فرمود: هیچ کسی مرا ندید. - . بصائر الدرجات: ۴۹۵ -

الخرائج: مثل همین را از معاویه بن وهب روایت کرده است. - . مختار الخرائج: ۲۴۵ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه أوردنا بأسانید فی باب من رأی القائم علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: حضـرت قائم صلوات الله علیه فرموده است: امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در سجده شکر می گفت: «یا من لا یزیـده إلحاح الملحین إلا جوداً و کرماً، یا من له خزائن السـموات و الأرض»، {ای آنکه پافشاری اصـرار کننـدگان جز بر بخشنـدگی و بزرگواری او نمی‌افزایـد، ای آنکه گنجینه هـای آسـمان ها و زمین برای اوست، ای آنکه هر ریز و درشت از آن اوست، بـدی من تـو را از نیکی نمودن تو [نسبت به من] بـاز نمی دارد؛ من از تو درخواست می کنم که بـا من آنچنـان که تو

خود سزاوار آن هستی، رفتار نمایی، که تو اهل بخشندگی و بزرگواری و گذشت هستی، ای الله، ای الله، با من چنان رفتار کن که تو خود سزاوار آن هستی، تو بر کیفر دادن توانایی و من سزاوارآن هستم و نزد تو هیچ دلیل و بهانه‌ای ندارم؛ با تمام گناهانم به سوی تو روی می آورم و به آن ها اقرار می کنم تا از من درگذری، در حالی که تو بهتر از من آن ها را می دانی، با هر گناهی که مرتکب شده ام و هر خطایی که انجام داده ام و هر بدی که کرده ام، به تو روی آوردم، پروردگارا، مرا بیامرز و رحم کن و از آنچه می دانی بگذر، به درستی که تو ارجمند ترین و بزرگوارترین هستی. - . کمال الدین ۲: ۴۷۱ -

**[ترجمه]

«۱۵»

دَلَائِلُ الْإِمَامَهِ، لِلطَّبَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَنْصَارِیِّ عَنِ الْقَائِمِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ إِلَّا کَرَماً وَ جُوداً یَا مَنْ لَا یَزِیدُهُ کَثْرَهُ الدُّعَاءِ إِلَّا سَعَهً وَ عَطَاءً یَا مَنْ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ یَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ إِلَی قَوْلِهِ أَنْ تَفْعَلَ بِیَ الَّذِی أَنْتَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْکَرَمِ وَ التَّجَاوُزِ یَا رَبِّ یَا اللَّهُ لَا تَفْعَلْ بِیَ الَّذِی أَنَا أَهْلُهُ فَإِنِّی أَهْلُ الْعُقُوبَهِ وَ لَا حُجَّهَ لِی إِلَی قَوْلِهِ بِذُنُوبِی کُلِّهَا کَیْ تَعْفُوَ عَنِّی وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّی وَ أَبُوءُ لَکَ بِکُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ بِکُلِّ خَطِیئَهٍ احْتَمَلْتُهَا وَ کُلِّ سَیِّئَهٍ عَمِلْتُهَا رَبِّ اغْفِرْ لِی إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ(۳).

کتاب العتیق، عن النعمانی عن محمد بن همام: مثله.

ص: ۲۰۲

۱- ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۴۷۱ فی حدیث ط مکتبه الصدوق.

۲- ۲. راجع ج ۵۲ ص ۶- ۹ من هذه الطبعه.

۳- ۳. دلائل الإمامه ص ۲۹۹.

**[ترجمه]این حدیث را به طور کامل و با سندهای آن، در بخش «من رأی القائم علیه السلام»، {کسانی که حضرت قائم علیه السلام را دیده‌اند.} آورده‌ایم.

**[ترجمه]

«۱۶»

کَامِلُ الزِّیَارَه، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبَانٍ الْأَزْرَقِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَقْرَبُ مَا یَکُونُ الْعَبْدُ إِلَی اللَّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاکٍ.

**[ترجمه]دلائل الامامه: که طبری نوشته است، از حضرت قائم علیه السلام مثل آن را روایت کرده و تا این کلام او رسانده است: «إلا کرماً و جوداً، یا من لا یزیده کثره الدعا إلا سعهً و عطاءً، یا من لا تنفد خزائنه، یا من له خزائن السموات»، {جز بخشندگی و بزرگواری او نمی‌افزاید، ای کسی که فراوانی دعا جز بر گسترده ساختن و بخشش او نمی‌افزاید، ای آنکه گنجینه‌های او پایان نمی‌پذیرد، ای آنکه گنجینه‌های آسمان از آن اوست.} تا این کلام او «أن تفعل بی الذی أنت أهله، فأنت أهل الجود و الکرم و التجاوز، یا رب، یا الله، لا تفعل بی الذی أنا أهله فانی أهل العقوبه، و لا حجه لی»، {و آن را که خود سزاوار آن هستی، برایم انجام دهی، که تو اهل بخشندگی و بزرگواری و گذشت هستی؛ ای پروردگار، ای الله، آنچه را که من سزاوار آن هستم برایم به انجام نرسان که من سزاوار عذابم و برایم هیچ دلیلی در پیشگاه تو وجود ندارد.} تا این کلام او «بذنوبی کلها کی تعفو عنی، و أنت أعلم بها منی، و أبوء لک بکل ذنب أذنبته، و بکل خطیئه احتملتها، و کل سیئه عملتها، رب اغفر لی»، {به همه گناهانم اعتراف می‌کنم، در حالی که تو نسبت به آنها از من داناتری، و با هر گناهی که مرتکب شده‌ام، و با هر خطایی که متحمل شدم، و با هر نوع بدی که انجام داده‌ام، به سوی تو روی می‌آورم و به آن اقرار می‌کنم. پروردگارا، مرا بیامرز.} تا آخر دعا. – . دلائل الامامه: ۲۹۹ –

کتاب العتیق: مثل همین را از نعمانی، از محمد بن همام روایت کرده است.

**[ترجمه]

«۱۷»

فِقْهُ الرِّضَا: لَا تَدَعِ التَّعْفِیرَ وَ سَجْدَهَ الشُّکْرِ فِی سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ(۱).

**[ترجمه]کامل الزیاره: امام صادق علیه السلام فرمود: نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا، زمانی است که با گریه در سجده باشد.

**[ترجمه]

«۱۸»

كِتَابُ الْيَقِينِ، لِلسَّيِّدِ ابْنِ طَاوُسٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ الطَّبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَسِّنٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ كَامِلٍ ابْنِ عَمِّ الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ: أَنَّ الْمَنْصُورَ كَانَ قَبْلَ الدَّوْلَهِ كَالْمُنْقَطِعِ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليهم السلام عَلَى عَهْدِ مَرْوَانَ الْحِمَارِ عَنْ سَجْدَهِ الشُّكْرِ الَّتِی سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا كَانَ سَبَبُهَا فَحَدَّثَنِی عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله وَجَّهَهُ فِی أَمْرٍ مِنْ أُمُورِهِ فَحَسُنَ فِيهِ بَلَاؤُهُ وَ عَظُمَ عَنَاؤُهُ فَلَمَّا قَدِمَ مِنْ وَجْهِهِ ذَلِكَ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله قَدْ خَرَجَ يُصَلِّی الصَّلَاهَ فَصَلَّى مَعَهُ فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاهِ أَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله عليه و آله فَاعْتَنَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله ثُمَّ سَأَلَهُ عَنْ مَسِيرِهِ ذَلِكَ وَ مَا صَنَعَ فِيهِ فَجَعَلَ عَلِيٌّ عليه السلام يُحَدِّثُهُ وَ أَسَارِيرُ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله عليه و آله تَلْمَعُ سُرُوراً بِمَا حَدَّثَهُ فَلَمَّا أَتَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى حَدِيثِهِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله أَ لَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی فَكَمْ مِنْ خَيْرٍ بَشَّرْتَ بِهِ قَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه السلام هَبَطَ

عَلَيَّ فِی وَقْتِ الزَّوَالِ فَقَالَ لِی يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيٌّ وَارِدٌ عَلَيْكَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبْلَى الْمُسْلِمِينَ بِهِ بَلَاءً حَسَناً وَ إِنَّهُ كَانَ مِنْ صُنْعِهِ كَذَا وَ كَذَا فَحَدَّثَنِی بِمَا أَنْبَأْتَنِی بِهِ وَ قَالَ لِی يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ نَجَا مِنْ ذُرِّيَّهِ آدَمَ مَنْ تَوَلَّى شَيْثَ بْنَ آدَمَ وَصِيَّ أَبِيهِ آدَمَ بِشَيْثٍ وَ نَجَا شَيْثٌ بِأَبِيهِ آدَمَ وَ نَجَا آدَمُ بِاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ وَ نَجَا مَنْ تَوَلَّى سَامَ بْنَ نُوحٍ

۱- ۱. فقه الرضا ص ۹ س ۶.

وَصِيَّ أَبِيهِ نُوحٍ بِسَامٍ وَ نَجَا سَامٌ بِأَبِيهِ نُوحٍ وَ نَجَا نُوحٌ بِاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ وَ نَجَا مَنْ تَوَلَّى إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ وَصِيَّ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْمَاعِيلَ وَ نَجَا إِسْمَاعِيلُ بِإِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ نَجَا إِبْرَاهِيمُ بِاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ وَ نَجَا مَنْ تَوَلَّى يُوشَعَ بْنَ نُونٍ وَصِيَّ مُوسَى بِيُوشَعَ وَ نَجَا يُوشَعُ بِمُوسَى وَ نَجَا مُوسَى بِاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ وَ نَجَا مَنْ تَوَلَّى شَمْعُونَ الصَّفَا وَصِيَّ عِيسَى بِشَمْعُونَ وَ نَجَا شَمْعُونُ بِعِيسَى وَ نَجَا عِيسَى بِاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ وَ نَجَا مَنْ تَوَلَّى عَلِيّاً وَزِيرَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ وَصِيَّكَ عِنْدَ وَفَاتِكَ بِعَلِيٍّ وَ نَجَا عَلِيٌّ بِكَ وَ نَجَوْتَ أَنْتَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلَ عَلِيّاً سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ خَيْرَهُمْ وَ جَعَلَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِكُمَا إِلَى أَنْ يَرِثَ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا فَسَجَدَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ يُقَبِّلُ الْأَرْضَ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى وَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ خَلَقَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهم السلام أَشْبَاحاً يُسَبِّحُونَهُ وَ يُمَجِّدُونَهُ وَ يُهَلِّلُونَهُ بَيْنَ يَدَيْ عَرْشِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِأَرْبَعَةَ عَشَرَ آلَافَ عَامٍ فَجَعَلَهُمْ نُوراً يَنْقُلُهُمْ فِي ظُهُورِ الْأَخْيَارِ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ الْخَيِّرَاتِ الْمُطَهَّرَاتِ وَ الْمُهَذَّبَاتِ مِنَ النِّسَاءِ مِنْ عَصْرٍ إِلَى عَصْرٍ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُبَيِّنَ لَنَا فَضْلَهُمْ وَ يُعَرِّفَنَا مَنْزِلَتَهُمْ وَ يُوجِبَ عَلَيْنَا حَقَّهُمْ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ وَ قَسَمَهُ قِسْمَيْنِ جَعَلَ قِسْماً فِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَكَانَ عَنْهُ مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ جَعَلَ فِيهِ النُّبُوَّةَ وَ جَعَلَ الْقِسْمَ الثَّانِيَ فِي عَبْدِ مَنَافٍ وَ هُوَ أَبُو طَالِبِ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ فَكَانَ مِنْهُمْ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ جَعَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَلِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ خَلِيفَتَهُ وَ زَوْجَ ابْنَتِهِ وَ قَاضِيَ دَيْنِهِ وَ كَاشِفَ كُرْبَتِهِ وَ مُنْجِزَ وَعْدِهِ وَ نَاصِرَ دِينِهِ (1).

مَجَالِسُ الشَّيْخِ، عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَسِّنٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ زِيَادٍ: مِثْلَهُ وَ فِيهِ وَ جَعَلَ يُقَلِّبُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ (2)

۱- ۱. اليقين فی إمره أمير المؤمنين عليه السلام ص ۵۱- ۵۳.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۰۳- ۲۰۵.

**[ترجمه]فقه الرضا: چهره بر خاک ساییدن و سجده شکر را، چه در مسافرت و چه در منزل، ترک نکن. - . فقه الرضا: ۹ -

**[ترجمه]

بیان

فِي الْقَامُوسِ الْأَسَارِيرُ مَحَاسِنُ الْوَجْهِ الْخَدَّانِ وَ الْوَجْنَتَانِ.

**[ترجمه]کتاب الیقین: که سید بن طاووس نوشته است، از فضل بن ربیع روایت کرده است که منصور، که قبل از رسیدن به حکومت، پیوسته همراه امام جعفر صادق علیه السلام بود، گفته است: در زمان حکومت مروان حمار از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد سجده شکری که امیر المؤمنین صلوات الله علیه به جای آورده بود پرسیدم که سبب آن چه بود؟ وی از پدرش محمد بن علی، امام باقر علیه السلام برایم نقل کرد و فرمود: پدرم علی بن حسین، از پدرش حسین بن علی و او از پدرش علی ابن ابی طالب نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را برای کاری روانه کرد که به خوبی از عهده آن برآمد و رنج زیادی متحمل شد. وقتی از آن مأموریت برگشت، به مسجد آمد و پیامبر وارد نماز شده بود، پس همراه پیامبر نماز خواند.

وقتی نماز را به پایان برد، رو به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد، پس رسول خدا بر گردن او دست انداخت و از او راجع به سفرش و آنچه در آن انجام داده بود پرسید؛ علی علیه السلام شروع به گفتن کرد، در حالی که خطوط صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوشحالی آنچه به او می گفت، می درخشید؛ وقتی علی علیه السلام سخنش را تمام کرد، رسول خدا به او فرمود: آیا می‌خواهی به تو مژده‌ای دهم؟ گفت: پدر و مادرم فدای تو، چه بسیار خبرهای خوبی که تو به آن مژده داده‌ای؛ فرمود: جبرئیل هنگام نیمروز بر من فرود آمد و به من گفت: ای محمد، این پسر عموی تو، علی، بر تو وارد می‌شود و همانا خدای عزّوجلّ به وسیله او کاری بزرگ را برای مسلمانان به انجام رسانده و او کسی است که فلان کار و فلان کار را انجام داده است و از آنچه تو به من خبر دادی، با من سخن گفت.

و به من گفت: ای محمد، همانا از فرزندان آدم، آن کس که از شیث فرزند آدم که جانشین پدرش بود پیروی کرد، توسط شیث نجات یافت و شیث توسط پدرش آدم و آدم به کمک خدا نجات یافت؛ ای محمد، و هر کس از سام بن نوح که جانشین پدرش نوح بود پیروی کرد، توسط سام نجات یافت، و سام توسط پدرش نوح و نوح به کمک خدا نجات یافت؛ ای محمد، و هر کس از اسماعیل بن ابراهیم، دوست خدا، که جانشین پدرش ابراهیم بود پیروی کرد، توسط اسماعیل نجات یافت، و اسماعیل توسط ابراهیم علیه السلام و ابراهیم به کمک خدا نجات یافت؛ ای محمد، و هر کس از یوشع بن نون که جانشین موسی بود پیروی کرد توسط یوشع نجات یافت، و یوشع توسط موسی، و موسی به کمک خدا نجات یافت؛ ای محمد، و هر کس از شمعون صفا که جانشین عیسی بود پیروی کرد، توسط شمعون نجات یافت، و شمعون توسط عیسی و عیسی به کمک خدا نجات یافت؛ ای محمد، و هر کس از علی که وزیر تو در زمان زنده بودنت و جانشین تو بعد از وفات توست پیروی کرد، توسط علی نجات یافت و علی توسط تو و تو به کمک خدای عزّوجلّ نجات یافتی.

ای محمد، همانا خدا تو را سرور پیامبران، و علی را سرور جانشینان و بهترین آنها، و امامان را از نسل شما دو نفر، تا زمانی که

زمین و هرچه در آن است را به ارث ببرد، قرار داد؛ پس علی صلوات الله علیه به سجده افتاد و به خاطر سپاسگزاری از خدای متعال، شروع به بوسه زدن بر زمین نمود.

و همانا خداوندی که نامش بلند مرتبه باد، چهارده هزار سال قبل از اینکه آدم را بیافرینند، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به صورت سایه‌هایی آفرید که او را در مقابل عرشش تسبیح می‌گفتند و گرامی می‌داشتند و به یکتایی یاد می‌کردند؛ پس آنها را نوری قرار داد که در پشت مردان برگزیده و رحم‌های زنان برگزیده و پاک و وارسته، از دوره‌ای به دوره دیگر منتقل نمود.

پس زمانی که خدای عزّوجلّ اراده کرد برتری آنها را برای ما روشن گرداند و جایگاه آنان را به ما بشناساند و حق آنها را بر ما واجب نماید، آن نور را گرفت و بر دو قسمت کرد: قسمی از آن را در عبدالله بن عبد المطلب قرار داد که محمد، سرور پیامبران و آخرین فرستادگان از اوست و در پیامبری را در آن قرار داد؛ و قسم دوم را در عبد مناف، که همان ابوطالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف است، قرار داد و علی امیرالمؤمنین و سرور جانشینان از اوست و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سرپرست و جانشین و خلیفه و همسر دختر خویش و ادا کننده دِینش و برطرف کننده اندوهش و عملی کننده وعده‌اش و یاور دینش قرار داد. - . الیقین فی امره أمیر المؤمنین علیه السلام : ۵۱-۵۳ -

مجالس الشیخ: مثل این روایت را از ادریس بن زیاد روایت کرده و در آن، «و جعل یقلّب وجهه علی الأرض»، {شروع به گرداندن صورتش در زمین کرد.} آورده است. - . أمالی الطوسی ۲: ۲۰۳-۲۰۵ -

**[ترجمه]

«۱۹»

الْمَكَارِمُ، قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَقَالَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفَسُهُ قَالَ لَهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ (۱).

وَ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَ تُرْضِي بِهَا رَبَّكَ وَ تَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرْضِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْراً عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحْمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتُكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا قَالَ فَلَا يَبْقَى شَيْ ءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَ أُقْبِلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أُرِيهِ وَجْهِي (۲).

**[ترجمه]در القاموس آمده است: «الأساریر»، یعنی زیبایی‌های صورت: گونه‌ها و رخساره‌ها.

**[ترجمه]

بیان

هذا الخبر مروی فی سائر الکتب بسند صحیح و حمل الوجوب علی تأکد الاستحباب و صلاتک فی قوله علیه السلام تتم بها صلاتک إما فاعل تتم أو مفعوله علی أنه من تم أو أتم و کذا المعطوفان علیه و قوله علیه السلام فتح الرب إلی آخره یدل علی أن الإنس محجوبون عن الملائکه و أنهم لا یطلعون علی أحوالنا إلا برفع الله سبحانه الحجاب بیننا و بینهم قوله سبحانه و أریه وجهی کذا فی سائر الکتب إلا التهذیب (۳) فإن فیه و أریه رحمتی.

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۳۱.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۳۲.

۳- ۳. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۶.

و قال الصدوق فی الفقیه (۱) بعد إیراده من وصف الله تعالی بالوجه کالوجوه فقد کفر و أشرک و وجهه أنبیاؤه و حججه صلوات الله علیهم و هم الذین یتوجه بهم العباد إلی الله عز و جل و إلی معرفته و معرفه دینه و النظر إلیهم فی یوم القیامه ثواب عظیم یفوق کل ثواب و قد قال الله عز و جل کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ و قال عز و جل فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ یعنی فثم التوجه إلی الله و لا یجب أن ینکر من الأخبار ألفاظ القرآن انتهی.

و یحتمل أن یراد بالوجه الذات الأقدس و بالنظر إلیه نهایه المعرفه أو النظر إلی ثوابه تعالی.

**[ترجمه]المکارم: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بنده هنگامی که در سجده است، تا قطع شدن نفسش بگوید: «یا رب، یا ربّ»، پروردگار مبارک و والامرتبه به او می‌فرماید: اجابت می کنم تو را، خواسته‌ات چیست؟! - . مکارم الاخلاق: ۳۳۱ -

مرازم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده است: سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است؛ با آن نمازت را تمام می کنی و پروردگارت را با آن خشنود می‌سازی و فرشتگان از تو به شگفت می‌آیند و وقتی بنده نماز بخواند و یک سجده... شکر بجا آورد، همانا خداوند پرده بین او و فرشتگان را برمی‌دارد و می فرماید: ای فرشتگان من، به بنده‌ام بنگرید، واجبش را به جای آورد و عهدم را به پایان رساند، سپس به خاطر نعمتی که به او داده‌ام، مرا شکر کرد. فرشتگان من، چه چیزی برای او است؟

فرمود: فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، رحمت تو؛ سپس پروردگار مبارک و والامرتبه می‌فرماید: بعد از آن، چه چیزی برای او است؟ فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، بهشت تو؛ سپس پروردگار مبارک و والامرتبه می‌فرماید: بعد چه چیزی؟ فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، کفایت کردن کارهای مهم او؛ سپس پروردگار مبارک و والامرتبه می‌فرماید: بعد چه چیزی؟ - فرمود: - بعد از این که چیز خوبی باقی نماند که فرشتگان نگفته باشند، خداوند مبارک و والامرتبه می‌فرماید: ای فرشتگان من، سپس چه چیزی؟ فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، ما نمی‌دانیم؛ - فرمود: - پس خداوند مبارک و والامرتبه می‌فرماید: همان گونه که مرا شکر کرده، از او سپاسگزاری می کنم و با فضل خودم به او رو می کنم و جلوه خودم را به او نشان می‌دهم. - .مکارم الاخلاق: ۳۳۲ -

**[ترجمه]

«۲۰»

الْمَکَارِمُ، فِی رِوَایَهِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ: أَنَّ الصَّادِقَ علیه السلام قَالَ لِرَجُلٍ إِذَا أَصَابَکَ هَمٌّ فَامْسَحْ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ سُجُودِکَ ثُمَّ أَمِرَّ یَدَکَ عَلَی وَجْهِکَ مِنْ جَانِبِ خَدِّکَ الْأَیْسَرِ وَ عَلَی جَبْهَتِکَ إِلَی جَانِبِ خَدِّکَ الْأَیْمَنِ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ ثَلَاثاً(۲).

وَ رُوِیَ: أَنَّ مَنْ قَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ یَا رَبَّاهْ یَا سَیِّدَاهْ حَتَّی یَنْقَطِعَ نَفَسُهُ أُجِیبَ سَلْ حَاجَتَکَ (۳).

وَ کَانَ بَعْضُ الصَّادِقِینَ یَقُولُ فِی سُجُودِهِ: سَجَدَ لَکَ یَا رَبِّ طَالِبٌ مِنْ ثَوَابِکَ سَجَدَ لَکَ یَا رَبِّ هَارِبٌ مِنْ عِقَابِکَ سَجَدَ لَکَ یَا

رَبِّ خَائِفٌ مِنْ سَخَطِکَ ثُمَّ یَقُولُ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ حَتَّی یَنْقَطِعَ النَّفَسُ ثُمَّ یَدْعُو(۴).

وَ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِرَجُلٍ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ هُوَ یَقُولُ یَا رَبِّ مَا ذَا عَلَیْکَ أَنْ تُرْضِیَ کُلَّ مَنْ کَانَ لَهُ عِنْدِی تَبِعَهٌ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی وَ أَنْ تُدْخِلَنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ فَإِنَّمَا عَفْوُکَ عَنِ الظَّالِمِینَ وَ أَنَا مِنَ الظَّالِمِینَ فَلْتَسَعْنِی رَحْمَتُکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ارْفَعْ رَأْسَکَ فَقَدِ اسْتُجِیبَ لَکَ

ص: ۲۰۶

۱- ۱. فقیه من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۲۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۳۲.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۳۲.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۳۳۲.

إِنَّکَ دَعَوْتَ بِدُعَاءِ نَبِیٍّ کَانَ عَلَی عَهْدِ عَادٍ(۱).

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ فِی سَفَرٍ یَسِیرُ عَلَی نَاقَةٍ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا رَکِبَ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَیْنَاکَ صَنَعْتَ شَیْئاً لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِی جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَبَشَّرَنِی بِبِشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُکْراً لِکُلِّ بُشْرَی سَجْدَةً(۲).

وَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ یُحَدِّثُ نَفْسَهُ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَسَجَدَ طَوِیلًا ثُمَّ أَلْزَقَ خَدَّهُ الْأَیْمَنَ بِالتُّرَابِ طَوِیلًا قَالَ ثُمَّ مَسَحَ وَجْهَهُ ثُمَّ رَکِبَ فَقُلْتُ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی لَقَدْ صَنَعْتَ شَیْئاً مَا رَأَیْتُهُ قَطُّ قَالَ یَا إِسْحَاقُ إِنِّی ذَکَرْتُ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُذَلِّلَ نَفْسِی ثُمَّ قَالَ یَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَی عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ جَهَرَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَیْهَا فَفَرَغَ عَنْهَا حَتَّی یُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِیدِ مِنَ الدَّارَیْنِ (۳).

**[ترجمه]این خبر در سایر کتاب‌ها نیز با سند صحیح روایت شده است، و وجوب، حمل بر استحباب موکّد شده است. «و صلاتک» در عبارت او، علیه السلام «و تتمّ بها صلاتک» یا فاعل «تتمّ» است یا مفعول آن، به این صورت که از «تمّ» باشد یعنی تمام شد، یا از «اتمّ» باشد یعنی تمام کرد؛ دو جمله عطف شده به آن نیز همین گونه‌اند. عبارت او، علیه السلام: «فتح الربّ» تا آخر آن، دلالت بر این دارد که انسان‌ها بر فرشتگان پوشیده‌اند و آنان از احوال ما اطلاع ندارند، مگر اینکه خدای سبحان پرده را از بین ما و آنان بردارد. کلام خدای سبحان «و اُریه وجهی» در سایر کتاب‌ها نیز همین گونه است، بجز التهذیب - . التهذیب ۱: ۱۶۶ - که در آن، «و اُریه رحمتی»، {و رحمتم را به او می‌نمایانم.} آمده است .

صدوق در الفقیه - . من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۲۰ - بعد از ذکر این مطلب گفته است: هر کس خدای والامرتبه را به چهره، مانند سایر چهره‌ها، توصیف کند، یقیناً کفر و شرک ورزیده است و چهره خدا، پیامبران و حجت‌های او، صلوات الله علیهم، هستند و همانان هستند که بندگان از طریق آنان به خدای عزّوجلّ و شناخت او و شناخت دین او رو می کنند و نگریستن به آنان، ثواب بزرگی در روز قیامت دارد و بالاتر از هر ثوابی است. همانا خدای عزّوجلّ فرموده است: «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الإکرام»، {هر چه بر [زمین] است فانی شونده است و ذاتِ باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند.} و فرموده است: «فأینما تولّوا فثم وجه الله»، {پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست.} یعنی آنجا، توجه به سوی خداست و نباید با اخبار و روایات، الفاظ قرآن را انکار کرد. پایان.

احتمال دارد منظور از وجه، ذات اقدس خدا باشد و منظور از نگریستن به آن، رسیدن به نهایت معرفت او یا نگریستن به ثواب او باشد.

**[ترجمه]

«۲۱»

الْکَشِّیُّ، ذَکَرَ أَبُو الْقَاسِمِ نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَأَطَالَ السُّجُودَ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ وَ ذُکِرَ لَهُ طُولُ سُجُودِهِ قَالَ کَیْفَ لَوْ رَأَیْتَ جَمِیلَ بْنَ دَرَّاجٍ ثُمَّ حَدَّثَهُ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَی جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ فَوَجَدَهُ سَاجِداً

فَأَطَالَ السُّجُودَ جِدّاً فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ قَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی عُمَیْرٍ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ فَکَیْفَ لَوْ رَأَیْتَ مَعْرُوفَ بْنَ خَرَّبُوذَ(۴).

وَ مِنْهُ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ: إِنِّی کُنْتُ فِی قَطِیعَهِ الرَّبِیعِ فِی مَسْجِدِ الزَّیْتُونَهِ أَقْرَأُ عَلَی مُقْرِئٍ یُقَالُ لَهُ إِسْمَاعِیلُ بْنُ عَبَّادٍ فَرَأَیْتُ یَوْماً فِی الْمَسْجِدِ نَفَراً یَتَنَاجَوْنَ فَقَالَ أَحَدُهُمْ إِنَّ بِالْجَبَلِ رَجُلًا یُقَالُ لَهُ ابْنُ فَضَّالٍ لَهُ سَجَّادَهٌ أَعْبَدُ مَنْ رَأَیْتُ أَوْ سَمِعْتُ بِهِ قَالَ وَ إِنَّهُ لَیَخْرُجُ إِلَی الصَّحْرَاءِ فَیَسْجُدُ السَّجْدَهَ فَیَجِی ءُ الطَّیْرُ فَتَقَعُ عَلَیْهِ فَمَا یَظُنُّ إِلَّا أَنَّهُ ثَوْبٌ أَوْ خِرْقَهٌ وَ إِنَّ الْوَحْشَ لَتَرْعَی حَوْلَهُ فَمَا تَنْفِرُ مِنْهُ لِمَا قَدْ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۳۲.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۰۴.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۰۴.

۴- ۴. رجال الکشّیّ ص ۲۱۶، الرقم ۱۲۷.

أَنِسَتْ بِهِ وَ إِنَّ عَسْكَرَ الصَّعَالِيكِ لَيَجِيئُونَ يُرِيدُونَ الْغَارَةَ أَوْ قِتَالَ قَوْمٍ فَإِذَا رَأَوْا شَخْصَهُ طَارُوا فِي الدُّنْيَا فَذَهَبُوا حَيْثُ لَا يَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ فَسَأَلْتُ عَنْهُ فَقَالُوا هُوَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ (۱).

**[ترجمه]المکارم: در روایت ابراهیم بن عبد الحمید آمده است: امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: هرگاه به اندوه دچار شدی، دستت را بر محل سجده‌ات بکش، سپس دستت را بر صورتت از طرف گونه چپت و بر پیشانی‌ات به طرف گونه راستت بکش و سه مرتبه بگو: «بسم الله الذی لا إله إلا هو عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم، اللهم أذهب عنی الهم و الحزن»، {با نام خدایی که هیچ خدایی جز او وجود ندارد، داننده نهان و آشکار و بخشایشگر و مهربان است؛ خدایا، اندوه و ناراحتی را از من ببر.} – . مکارم الاخلاق: ۳۳۲ –

و روایت کرده است که هر کس در حال سجده بگوید: «یا رباه، یا سیداه»، {ای پروردگار، ای سرور} تا اینکه نفسش بریده شود، جواب داده می‌شود: نیازت را بخواه. – . مکارم الاخلاق: ۳۳۲ –

یکی از صادقین – امام باقر یا امام صادق – علیهما السلام در سجده‌اش می‌گفت: {ای پروردگار، کسی که ثواب تو را درخواست می‌کند، برایت سجده کرده است؛ ای پروردگار، کسی که از عذاب تو گریزان است، برای تو سجده کرده است؛ ای پروردگار، کسی که از خشم تو هراسان است، برای تو سجده کرده است.} سپس می‌گفت: «یا الله یا رباه، یا الله یا رباه، یا الله یا رباه»، {ای الله ای پروردگار، ای الله ای پروردگار، ای الله ای پروردگار.} تا اینکه نفس بریده می‌شد و سپس دعا می‌کرد. – . مکارم الاخلاق: ۳۳۲ –

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصی برخورد کرد که در حال سجده بود و می‌گفت: {خدایا، بر تو چه می‌شود که هر کسی را که برای او نزد من حقی وجود دارد، خشنود کنی، و گناهانم را بیامرزی، و مرا با رحمت خودت وارد بهشت نمایی؛ به درستی که تو از ستمکاران گذشت می‌کنی، و من از ستمکاران هستم، پس رحمت خودت را شامل من ساز، ای بهترین رحم کنندگان.} پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: سرت را بالاـ آور که همانا دعایت پذیرفته شده، همانا تو با دعای پیامبری که در زمان قوم عاد بود، دعا کردی. – . مکارم الاخلاق: ۳۳۲ –

و از امام صادق علیه السلام است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر، سوار بر شتری در حال حرکت بود که ناگهان فرود آمد و پنج سجده بجای آورد. وقتی سوار شد گفتند: ای رسول خدا، دیدیم چیزی انجام دادی که انجام نمی... دادی؟ فرمود: آری؛ جبرئیل به پیشوازم آمد و با بشارت‌هایی از سوی خدای عزّوجلّ، مرا مژده داد، پس به خاطر سپاسگزاری از هر مژده، یک بار برای خدا سجده کردم. – . مکارم الاخلاق: ۳۰۴ –

اسحاق بن عمار گفته است: به همراه امام صادق علیه السلام بیرون رفتم و او با خودش سخن می‌گفت، سپس رو به قبله کرد و سجده‌ای طولانی نمود؛ بعد از آن، مدت زمان طولانی گونه راستش را بر خاک چسباند. – اسحاق گفته است: – سپس دست بر صورتش کشید و سوار شد. به او گفتم: پدر و مادرم فدای تو، چیزی انجام دادی که تاکنون از شما ندیده بودم. فرمود: ای اسحاق، همانا نعمتی از نعمت‌های خدای عزّوجلّ بر خودم را به یاد آوردم و پس خواستم که خودم را خوار کنم. سپس

فرمود: ای اسحاق، هر نعمتی که خدا به بنده‌ای می‌دهد، اگر آن را با دلش بشناسد، و با صدای گویا سپاس آن را بگوید و از آن فارغ گردد، به افزونی آن در هر دو سرا، برای او دستور داده می‌شود. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۴ -

**[ترجمه]

بیان

قال الجوهری السجاده أثر السجود فی الجبهه.

**[ترجمه]الکشی: فضل بن شاذان گفته است: پیش محمد بن ابی عمیر رفتم و او در حال سجده بود، سجده را طولانی ساخت و وقتی سرش را بلند کرد و طول سجده‌اش به او گفته شد، گفت: اگر جمیل بن دراج را ببینی، چه می گویی؟ سپس تعریف کرد که روزی پیش جمیل بن دراج رفته و او را در حال سجده یافته است و وی سجده را واقعاً طول داده است و وقتی سرش را بلند کرده است، محمد بن ابی عمیر به او گفته است: سجده را طولانی کردی، وی گفته است: اگر معروف بن خرّبوز را ببینی، چه می گویی؟ - . رجال الکشی: ۲۱۶ (شماره ۱۲۷) -

و از همان کتاب: فضل بن شاذان گفته است: هنگام تمام شدن بهار، در مسجد زیتونه در درس تعلیم قرآن شخصی که به او اسماعیل بن عباد گفته می‌شد، قرآن می‌خواندم؛ روزی در مسجد چند نفر را دیدم که با هم درگوشی صحبت می کردند. یکی از آنها گفت: در کوه مردی هست که به او ابن فضال گفته می‌شود، او [اثر سجده بر پیشانی دارد] بیشتر از عابدترین شخصی که دیده یا شنیده‌ام. و گفت: او به صحرا می‌رود و سجده می کند و پرندگان می‌آیند و بر روی او می‌نشینند و گمان می‌برند که آن، لباس یا تکه پارچه‌ای است؛ و حیوانات وحشی پیرامون او به چرا می‌آیند و چون به او انس گرفته‌اند، از او فرار نمی کنند، و دزدان مسلح که برای چپاول یا پیکار با طایفه‌ای می‌آیند، وقتی آن شخص را از دنیا بریده می‌بینند، می روند، آن گونه که نه آنان او را دیده باشند و نه او آنان را. در مورد او پرسیدم، گفتند: او حسن بن علی بن فضال است. - . رجال الکشی: ۴۳۴ (ضمن حدیث؛ ذیل شماره ۳۷۸) -

**[ترجمه]

«۲۲»

الْکَشِّیُّ، وَجَدْتُ فِی کِتَابِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الشَّاذَانِیِّ بِخَطِّهِ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْفَضْلَ بْنَ شَاذَانَ یَقُولُ: دَخَلْتُ الْعِرَاقَ فَرَأَیْتُ وَاحِداً یُعَاتِبُ صَاحِبَهُ وَ یَقُولُ لَهُ أَنْتَ رَجُلٌ عَلَیْکَ عِیَالٌ وَ تَحْتَاجُ أَنْ تَکْسِبَ عَلَیْهِمْ وَ مَا آمَنُ أَنْ تَذْهَبَ عَیْنَاکَ بِطُولِ سُجُودِکَ قَالَ فَلَمَّا أَکْثَرَ عَلَیْهِ قَالَ أَکْثَرْتَ عَلَیَّ وَیْحَکَ لَوْ ذَهَبَتْ عَیْنُ أَحَدٍ مِنَ السُّجُودِ لَذَهَبَتْ عَیْنُ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ مَا ظَنُّکَ بِرَجُلٍ سَجَدَ سَجْدَهَ الشُّکْرِ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ فَمَا یَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَّا عِنْدَ الزَّوَالِ (۲).

**[ترجمه]جوهری گفته است: «السجاده» یعنی اثر سجده در پیشانی.

**[ترجمه]

«۲۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ، مِنْ نُزْهَهِ عُيُونِ الْمُشْتَاقِينَ تَأْلِيفِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ النَّسَّابَهِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ إِذَا سَلَّمْنَا مِنَ الصَّلَاهِ وَ عَزَمْنَا أَوْ أَرَدْنَا الدُّعَاءَ دَعَوْنَا بِمَا نُرِیدُ أَنْ نَدْعُوَ وَ نَحْنُ سُجُودٌ وَ رَأَیْتُ مِنَّا مَنْ یَفْعَلُهُ أَوْ أَنَا أَفْعَلُهُ (۳).

**[ترجمه]الکشی: درکتاب ابی عبدالله شاذانی دیدم که با خط خودش نوشته بود: از ابامحمد فضل بن شاذان شنیدم که می... گفت: وارد عراق شدم، پس شخصی را دیدم که دوستش را سرزش می‌کند و به او می‌گوید: تو مرد هستی و خانواده داری، و لازم است برای آنان مال کسب کنی، می‌ترسم در اثر سجده‌های طولانی چشمانت را از دست دهی. فضل گفت: وقتی زیاد او را سرزنش کرد، وی گفت: سرزنش بس است وای بر تو، اگر چشم کسی به خاطر سجده از بین برود، چشمان ابی عمیر باید چنین باشد؛ در مورد کسی که بعد از نماز صبح سجده شکر کرده و سرش را تا نیمروز بلند نکرده است، چه خواهی گفت؟! - . رجال الکشی: ۴۹۴ (ضمن حدیث؛ شماره ۴۸۳) -

**[ترجمه]

«۲۴»

وَ مِنْهُ (۴)، وَ الْکَافِی، عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام إِلَی بَعْضِ أَمْوَالِهِ فَقَامَ إِلَی صَلَاهِ الظُّهْرِ فَلَمَّا فَرَغَ خَرَّ لِلَّهِ سَاجِداً فَسَمِعْتُهُ یَقُولُ بِصَوْتٍ حَزِینٍ وَ تَغَرْغَرُ دُمُوعُهُ وَ هُوَ رَبِّ عَصَیْتُکَ بِلِسَانِی وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِکَ لَأَخْرَسْتَنِی وَ عَصَیْتُکَ بِبَصَرِی وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِکَ لَکَمَّهْتَنِی وَ عَصَیْتُکَ بِسَمْعِی وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِکَ لَأَصْمَمْتَنِی وَ عَصَیْتُکَ بِیَدِی وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِکَ لَکَنَّعْتَنِی وَ عَصَیْتُکَ بِرِجْلِی وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِکَ لَجَذَمْتَنِی

۱- ۱. رجال الکشّیّ ۴۳۴ فی حدیث، تحت الرقم ۳۷۸.

۲- ۲. رجال الکشّیّ ۴۹۴ فی حدیث، تحت الرقم ۴۸۳.

۳- ۳. لم نجده فی مظانه.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۱۸۷.

وَ عَصَيْتُكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِيَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي قَالَ ثُمَّ أَحْصَيْتُ لَهُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ هُوَ يَقُولُ الْعَفْوَ الْعَفْوَ ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ بِصَوْتٍ حَزِينٍ بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ يَا مَوْلَايَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: در کتاب نزهه عیون المشتاقین نوشته عبدالله بن حسن النسابه، با اسناد از حسین بن زید بن علی بن حسین علیهما السلام روایت کرده که فرمود: ما وقتی سلام نماز را دادیم و تصمیم گرفتیم دعا کنیم یا وارد دعا شدیم، هر دعایی را که بخواهیم بکنیم، در حال سجده دعا می کنیم و می بینی که از ما کسانی آن را انجام می دهند، یا من آن را انجام می دهم. - . در محل مورد نظر یافت نشد. -

**[ترجمه]

بیان

رواه الشیخ (۲)

و غیره مرسلا عن الکاظم علیه السلام فی تعقیب صلاه الظهر(۳)

تغرغر علی بناء المضارع بحذف إحدی التاءین قال الجوهری و یتغرغر صوته فی حلقه أی یتردد لکمهتنی علی التفعیل و فی بعض النسخ لأکمهتنی أی لأعمیتنی قال فی القاموس الکمه محرکه العمی یولد به الإنسان أو عام و قال کنع یکنع کنوعا تقبض و انضم و أصابعه ضربها فأیبسها و کنع یده تکنیعا أشلها انتهی فیجوز فیه التخفیف و التشدید و کذا قوله علیه السلام لجذمتنی و قوله لعقمتنی قال الفیروزآبادی جذمه یجذمه و یجذمه جذمه فانجذم و تجذم قطعه و الأجذم المقطوع الید أو الذاهب الأنامل جذمت یده کفرح و جذمتها و أجذمتها و قال العقم بالضم هزمه تقع فی الرحم فلا یقبل الولد عقمت کفرح و نصر و کرم و عنی و عقمها الله یعقمها و أعقمها و رجل عقیم لا یولد له انتهی و فی الصحیفه الکامله و عقم أرحام نسائهم و یقال باء بذنبه أی اعترف به و الاقتراف الاکتساب و یطلق غالبا علی اکتساب الذنب قال فی النهایه قرف الذنب و اقترفه إذا عمله و قارف الذنب و غیره إذا داناه و لاصقه.

**[ترجمه]فلاح السائل و الکافی: محمد بن سلیمان از پدرش نقل کرده که گفته است: با موسی بن جعفر علیهما السلام به سوی بعضی از املاک او رفتیم تا اینکه حضرت به نماز ظهر ایستاد. وقتی از نماز فراغت پیدا کرد، به سجده رفت، شنیدم که با صدای اندوهناک و در حالی که اشک ها در چشمش حلقه زده بود، می گفت: پروردگارا، با زبانم از تو نافرمانی نمودم؛ به عزّتت سوگند اگر خواسته بودی، مسلّماً لالم نموده بودی؛ و با دیده ام نافرمانی تو را نمودم؛ به عزّتت سوگند، اگر خواسته بودی، بی گمان نابینایم فرموده بودی؛ و با گوشم نافرمانی تو را نمودم؛ به عزتت سوگند، اگر خواسته بودی، حتماً ناشنوایم نموده بودی؛ و با دستم نافرمانی تو را نمودم؛ به عزتت سوگند، اگر خواسته بودی مسلّماً دست مرا شل و خشک فرموده بودی؛ و با پایم نافرمانی نمودم؛ به عزّتت سوگند اگر خواسته بودی، آن را قطع نموده بودی؛ و با عورتم نافرمانی تو را نمودم؛ به

عزّتت سوگنـد، اگر می خواستی؛ مسلّماً عقیمم می فرمودی؛ و بـا تمام اعضای بـدنم که تو آنها را نعمت برای من قرار دادی، نافرمانی تو را نمودم، و این سپاسی مناسب تو از جانب من نبود.

گفته است: شـمردم حضـرت هزار بار «العفو العفو» گفت، سپس طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشت، و شنیدم که با صـدای انـدوهناك سه مرتبه گفت: «بؤت إلیـک بـذنبی، عملت سوء و ظلمت نفسـی، فاغفر لی فانه لا یغفر الـذنوب غیرک، یا مولایـ»، {به گنـاهم نزد تو اعتراف نمودم، عمـل زشت انجـام دادم و به خود سـتم نمودم، پس مرا بیامرز، که جز تو گناهان را نمی آمرزد، ای سـرور من.} سـپس طرف چپ صورت خود را به زمین گـذاشت، شـنیدم که سه بـار گفت: «ارحم من أسـاء و اقترف و اسـتکان و اعترف»، {بر کسی که عمل بد انجام داده و مرتکب گناه شده و خاکساری نمود و اعتراف کرد، رحم آر.} سپس سر از سجده برداشت. - . الکافی ۳: ۳۲۶ -

**[ترجمه]

أقول

قد مر تأویل ما یوهمه هذا الدعاء و أمثاله من نسـبه الذنب إلیهم علیهم السلام و قال الحسین بن سعید فی کتاب الزهد لا خلاف بین علمائنا فی أنهم علیهم السلام معصومون من

۱- ۱. الکافی ج ۳ ص ۳۲۶.

۲- ۲. التهذیب ج ۱ ص ۱۶۶، و رواه فی المصباح ص ۴۶ مرسلا.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۲۶.

كل قبيح مطلقا و أنهم كانوا يسمون ترك المندوب ذنبا و سيئه بالنسبه إلى كمالهم عليهم السلام انتهى و نحو ذلك قال صاحب كشف الغمه و غيره (١).

**[ترجمه]شيخ - . التهذيب ١: ١۶۶؛ المصباح: ۴۵ -

و ديگران اين روايت را به صورت مرسل از امام كاظم عليه السلام در تعقيب نماز ظهر روايت كرده اند. «تغرغر» در صيغه... مضارع و با حذف يكى از حروف تاء، جوهرى گفته است: «يتغرغر صوته فى حلقه»، يعنى صدا در گلويش بالا و پايين مى... آيد. «لكمّهتنى» بر وزن تفعيل، در بعضى نسخه‌ها به صورت «لأ-كمهتنى»، يعنى حتماً نابينايم مى‌كردى؛ در القاموس گفته است: «الكمه» با فتحه حروف، يعنى نابينايى مادرزادى يا هر نوع نابينايى؛ و گفته است: «كنع، يكنع، كنوعاً»، يعنى فشرده كرد و به هم پيوست، و انگشتانش را زد و خشك كرد، و «كنّع يده، تكنيعاً»، يعنى دستش را لنگ كرد. پايان. پس خواندن آن بدون تشديد و با تشديد درست است؛ همين طور است كلام او عليه السلام: «لجذمتنى» و «لعقمتنى». فيروزآبادى گفته است: «جذم، يجذمه، و يجذُمه، و جذّمه، فانجذم، و تجذّم»، يعنى بريد، و «الأجذم»، يعنى دست بريده، يا انگشت رفته، «جذمت يده» مانند «فرح» - در وزن - «جذمتها و أجذمتها» - به همين معنا است. - و گفته است: «العقم» با ضمه، گودى كوچكى در رحم كه امكان بچه‌دار شدن نمى‌دهد. «عقمت» مانند «فرح» و «نصر» و «كرم» و «عنى» - در وزن - و «عقمها الله، يعقمها، و أعقمها» - به همين معنا است. - «رجل عقيم»، يعنى مردى كه براى او بچه به دنيا نمى‌آيد. پايان. در الصحيفه الكامله آمده است: «و عقّم أرحامَ نسائهم»، {رحم‌هاى زنان آنان را نازا گردان.} وقتى گفته مى‌شود: «باء بذنبه» يعنى به آن اعتراف كرد. «الاقتراف»، يعنى به دست آوردن، و بيشتر بر گناه كردن اطلاق مى‌شود؛ در النهايه گفته است: «قرف الذنب، و اقترفه»، يعنى گناه را انجام داد، و «قارف الذنب و غيره» وقتى گفته مى‌شود كه به گناه نزديك شده و به آن چسبيده باشد.

**[ترجمه]

«٢۵»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَقُلْ مَا ذَكَرَهُ كِرْدِينُ بْنُ مِسْمَعٍ فِي كِتَابِهِ الْمَعْرُوفِ بِإِسْنَادِهِ فِيهِ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَرَادَ الِانْصِرَافَ مِنَ الصَّلَاةِ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يَقُولُ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَذْهِبْ عَنِّي الْغَمَّ وَ الْحَزَنَ وَ الْفِتَنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ قَالَ مَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي يَقُولُ ذَلِكَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ (٢).

وَ رُوِيَ لَنَا فِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنَّكَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقُولَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فَامْسَحْ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ امْسَحْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَجْهَكَ وَ أَنْتَ تَقُولُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ الْمَذْكُورَةَ(٣).

وَ إِنْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ فَاصْنَعْ كَمَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: دُعَاءٌ يُدْعَى بِهِ فِي عَقِيبِ كُلِّ صَلَاةٍ تُصَلِّيهَا فَإِنْ كَانَ بِكَ دَاءٌ مِنْ سُقْمٍ وَ وَجَعٍ فَإِذَا قَضَيْتَ صَلَاتَكَ فَامْسَحْ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ مِنَ الْأَرْضِ وَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ أَمْرِرْ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ وَجَعِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ تَقُولُ يَا

مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی كَذَا وَ كَذَا وَ ارْزُقْنِی كَذَا وَ كَذَا وَ عَافِنِی مِنْ كَذَا وَ كَذَا(۴).

دعوات الراوندی، عنهم علیهم السلام: مثله (۵)

ص: ۲۱۰

۱- ۱. راجع كشف الغمّه ج ۳ ص ۶۳، و قد أورد المؤلّف العلامه كلامه فی ج ۲۵ ص ۲۰۵- ۲۰۳ باب عصمه الأئمّه و لزوم عصمه الإمام علیهم السلام، راجعه ان شئت.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۱۸۷.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۱۸۷.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۱۸۸.

۵- ۵. دعوات الراوندیّ مخطوط.

مصباح الشیخ، و غیره: مثله (۱).

**[ترجمه]تأویل گمان‌هایی که ممکن است این دعا و مانند آن، مبنی بر نسبت گناه به آنان علیهم السلام به پندار آورد، پیش از این گفته شد. حسین بن سعید در کتاب الزهد گفته است: در اینکه آنان علیهم السلام از هرگونه زشتی به طور کلی معصوم هستند، بین علمای ما اختلافی نیست و آنان به نسبت کمالی که دارند، ترک مستحب را - برای خود - گناه و بدی می‌نامند. پایان. صاحب کشف الغمه و سایرین نیز مانند این را گفته اند. - . کشف الغمه ۳: ۶۳ (مؤلف، سخن خود در این باره را در جلد ۲۵، صفحه ۲۰۳ تا ۲۰۵، باب عصمه الأئمه و لزوم عصمه الامام آورده است.) -

**[ترجمه]

بیان

کبس الأرض علی الماء أی أدخلها فیه من قولهم کبس رأسه فی ثوبه أخفاه و أدخله فیه أو جمعها کما ورد فی الحدیث إنا نکبس الزیت و السمن أی نجمعه و الکبس الطم یقال کبست النهر کبسا طممته بالتراب أی جمعها و حفظها کائنا علی الماء مع أنه کان مقتضی ذلک تفرقها و عدم استقرارها و قیل أوقفها علیه و أحبسها به.

و سد الهواء بالسماء أی جعله بحیث ینتهی إلیها حسا أو حقیقه لعدم ثبوت کره النار أو أطلق علیه السماء إذ کل ما علاک فهو سماء و یحتمل أن یکون للسماء مدخل فی عدم تفرق الهواء و ربما یقال فیه دلیل علی عدم امتناع الخلاء و فیه کلام.

**[ترجمه]فلاح السائل: وقتی سر از سجده برداشتی، آنچه را که کردین بن مسمع در کتاب معروفش با اسناد آن به پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است، بگو. حضرت وقتی می خواست از جایی که نماز خوانده بود برخیزد، دست راستش را بر پیشانی اش می کشید و می‌گفت: {ستایش مخصوص توست، و جز تو آگاه به نهان و آشکار، و بخشنده و مهربان، خدایی وجود ندارد؛ اندوه و ناراحتی و گرفتاری ها را، چه آشکار باشد و چه نهانی، از من برطرف فرما.} و فرمود: هیچ یک از امّت من این را نمی گوید، مگر آنکه خداوند هر چه بخواهد به او عطا می فرماید. - . فلاح السائل: ۱۸۷ -

و نیز در حدیث دیگری برای ما روایت شده است که وقتی خواستی این کلمات را بگویی، سه بار دست راست خویش را بر جای سجده ات بکش و در هر بار دستت را بر صورتت بکش، و در هر بار، کلمات گفته شده را بگو. - . فلاح السائل: ۱۸۷ -

اگر درد و بیماری داشته باشی، آنچه را که احمد بن محمد از امام صادق علیه السلام روایت کرده انجام بده که فرمود: دعایی است که پس از هر نمازی که می خوانی، خوانده می شود؛ پس اگر درد و بیماری‌ای داشتی، وقتی نمازت را تمام کردی، دستت را بر سجده‌گاهت بکش و این دعا را بخوان، و هفت بار دستت را بر جای درد بکش، و در آن حال بگو: {ای آنکه زمین را بر روی آب گسترانید، و هوا را با آسمان مسدود نمود، و نیکو ترین نام ها را برای خویش برگزید، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و به من چنین و چنان کن، و از فلان چیز و فلان چیز سلامتی بخش. - . فلاح السائل: ۱۸۸ -

دعوات الروندی: همانند این روایت را از آنان علیهم السلام روایت کرده است. - . دعوات الراوندی، دست نویس -

مصباح الشیخ: و دیگران مثل این را روایت کرده‌اند. -. مصباح الشیخ: ۱۷۲؛ البلد الامین: ۱۸؛ الجنه الواقیه معروف به مصباح الکفعمی: ۲۸-۲۹ -

**[ترجمه]

«۲۶»

فَلَاحُ السَّائِلِ، قَالَ جَدِّیَ السَّعِیدُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ: وَ یُسْتَحَبُّ أَنْ یَدْعُوَ لِإِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِینَ فِی سُجُودِهِ وَ یَقُولُ أَیْضاً اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ اللَّیَالِی الْعَشْرِ- وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ وَ رَبَّ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَهَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ خَالِقَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَلِیکَ کُلِّ شَیْ ءٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْعَلْ بِی وَ بِفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ فَإِنَّکَ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ ثُمَّ ارْفَعْ رَأْسَکَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ السَّعَادَهَ فِی الرُّشْدِ وَ إِیمَانَ الْیُسْرِ وَ فَضِیلَهً فِی النِّعَمِ وَ هَنَاءَهً فِی الْعِلْمِ حَتَّی

تُشَرِّفَهُمْ عَلَی کُلِّ شَرِیفٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِیِّ کُلِّ نِعْمَهٍ وَ صَاحِبِ کُلِّ حَسَنَهٍ وَ مُنْتَهَی کُلِّ رَغْبَهٍ لَمْ یَخْذُلْنِی عِنْدَ شَدِیدَهٍ وَ لَمْ یَفْضَحْنِی لِسَرِیرَهٍ فَلِسَیِّدِیَ الْحَمْدُ کَثِیراً-(۲)

ص: ۲۱۱

۱- ۱. مصباح الشیخ ص ۱۷۲، و رواه الکفعمیّ فی البلد الأمین ص ۱۸ و فی جنه الأمان الواقیه المعروف بمصباح الکفعمیّ ص ۲۸ و ۲۹.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۶۹- ۱۷۰، و لا یوجد فیه ما بعده.

ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَ لَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً رَبِّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَ نَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَ كُرُبَاتِ الْآخِرَهِ وَ مُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّام وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَ فِي سَفَرِي فَاصْحَبْنِي وَ فِي أَهْلِي فَاخْلُفْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي لَكَ فَذَلِّلْنِي وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْسُلْنِي وَ بِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ لِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ فَوَفِّقْنِي وَ مِنْ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِي إِلَى مَنْ تَكِلُنِي يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ أَنْتَ رَبِّي إِلَى عَدُوٍّ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي فَيَخْذُلُنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ يَا رَبِّ فَلَا أُبَالِي غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي وَ أَحَبُّ إِلَيَّ أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلْمَهُ وَ صَلُحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنْ أَنْ يَحُلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ أَوْ يَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِكَ (۱).

**[ترجمه]«کبس الأرض علی الماء»، یعنی داخل در آن کرد، از عبارت «کبس رأسه فی ثوبه» گرفته شده است، یعنی پنهان کرد و داخل آن نمود؛ یا به معنی جمع کرد، همان گونه که در حدیث آمده است: «إنا نکبس الزیت و السمن» یعنی آن را جمع می کنیم. «الکبس»، یعنی پر کردن؛ گفته می‌شود: «کبست النهر، کبساً»، یعنی آن را با خاک پر کردم؛ معنی عبارت در دعا این است که زمین را گردآورد و بر روی آب نگه داشت، هر چند خود آن، مقتضی پراکنده شدن و ناپایداری بود؛ و گفته شده است: یعنی توقف داد و نگه داشت .

«و سد الهواء بالسماء»، یعنی هوا را آن گونه

که از نظر خیالی یا حقیقی به آن منتهی شود، قرار داد؛ چون که خورشید ثابت نیست؛ یا اینکه آن را بر آسمان اطلاق کرده است، چون هرچه بالای سر تو وجود دارد، آسمان است. احتمال دارد آسمان در پراکنده نشدن هوا نقش داشته باشد، و چه بسا گفته شود، این دلیلی بر نبود خلأ است، ولی در مورد آن سخنی برای گفتن و ایراد وجود دارد.

**[ترجمه]

بیان

أورد الشیخ و الکفعمی (۲)

و ابن الباقی و غیرهم هذه الدعوات بهذا الترتیب

وَ قَالَ ابْنُ فَهْدٍ ره فِي عُدَّتِهِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ وَ يَتَأَكَّدُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاهِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ إلخ (۳).

و لا یخفی أن لفظ الدعاء بما ذکره ابن فهد أنسب.

و الفجر الواو للقسم أقسم بالصبح أو فلقه أو صلاته و قیل المراد فجر عرفه أو النحر وَ لَيالٍ عَشْرٍ عشر ذی الحجه و قیل عشر

رمضـان الأـخير وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ قرئ بكسـر الواو و فتحهـا و همـا بمعنى واحـد قيـل أى الأشـياء كلها شـفعها و وترها أو الخلق و الخالق إذا الخالق وتر حقيقه و كل ما هو غيره فهو شفع و فيه نوع

ص: ٢١٢

١- ١. فلاح السائل ص ١٨٨- ١٨٩.

٢- ٢. البلد الأمين ص ١٧، هامشا و متنا، مصباح الكفعمىّ ص ٢٧.

٣- ٣. عدّه الداعى ص ١٢٩- ١٣٠.

من التعدد و التركيب أوله ضد يصير به شفعا كالليل و النهار و النور و الظلمه و السماء و الأرض و أشباههما و قيل هما العناصر و الأفلاك و قيل البروج و السيارات و قيل صلاه الشفع و صلاه الوتر ذكره على بن إبراهيم (۱) وَ اللَّيْلِ إِذا يَسْرِ أى إذا يمضى لقوله وَ اللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ(۲) و التغيير بذلك لما فى التعاقب من الدلاله على كمال القدره و وفور النعمه أو يسرى فيه من قولهم صلى المقام و حذف الياء للاكتفاء بالكسره تخفيفا و لم يحذفها ابن كثير و يعقوب (۳).

و إيمان اليسر أى إيمانا لا يكون معه شده و بليه أو إيمانا لا يكون من جهه الضروره و الشده أو إيمان الناس بهم فى حال اليسر من غير جبر و هذا أنسب بحال المدعو له و هناءه فى العلم أى علما يحصل لهم بلا مشقه تحصيل أو غيره أو عطاء وافيا من العلم قال الفيروزآبادى الهنى ء و المهنأ ما أتاك بلا مشقه و قد هنئ و هنؤ هناءه و هنأه و يهنؤه و يهنئه أطعمه و أعطاه و الطعام هناء و هناء و هناءه أصلحه.

شيئا مذكورا مأخوذ من قوله سبحانه و تعالى هَلْ أَتى عَلَى الْإِنْسانِ الآيه و قيل أى كان نسيا منسيا غير مذكور بالإنسانيه كالعنصر و النطفه و عن الباقر عليه السلام كان شيئا و لم يكن مذكورا و عن الصادق عليه السلام كان مقدورا غير مذكور و البوائق جمع البائقه و هى الداهيه و النكبات جمع النكبه و هى المصيبه فلا تبسلنى أى لا تسلمنى إلى الهلكه و أبسلت فلانا أى أسلمته إلى الهلكه و المستبسل الذى يوطن نفسه إلى الموت أو الضرر و استبسل طرح نفسه فى الحرب ليقتل أو يقتل لا محاله قاله الجوهرى

۱- ۱. تفسير القمّىّ: ۷۲۳.
۲- ۲. المدّثّر: ۳۳.
۳- ۳. قرء أهل المدينه و أبو عمرو و قتيبه عن الكسائى« و الليل إذا يسرى» باثبات الياء فى الوصل و حذفها فى الوقف و قرء ابن كثير و يعقوب باثبات الياء فى الوصل و الوقف، و الباقون بالحذف فيهما. قاله الطبرسىّ فى المجمع ج ۱۰ ص ۴۸۲.

و قال رجل جهم الوجه أی کالح الوجه تقول منه جهمت الوجه و تجهمته إذا کلحت فی وجهه.

**[ترجمه]فلاح السائل: جدّ شادروانم ابو جعفر طوسی - که رضوان خدا بر او باد - گفته است: و مستحبّ است که نمازگزار در سجده شکر برای برادران مؤمن خود دعا نماید، و نیز بگوید: {خدایا، ای پروردگار سپیده دم، و شب‌های دهگانه، و زوج و فرد، و شب آنگاه که سپری شود، و پروردگار هر چیز، و خدای هر چیز، و آفریننده هر چیز، و فرمانروای هر چیز، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و نسبت به من و به فلانی، هر چه را که خود زیبنده آن هستی انجام ده، و آنچه را که ما سزاوار آن هستیم انجام مده، که تو اهل تقوی و زیبنده آمرزش می باشی.}

سپس سر از سجده بردار و بگو: {خدایا، نیک‌بختی در هدایت، و راحتی ایمان، و برتری در نعمت ها، و گوارایی در دانش را به محمّد و خاندان محمّد عطا فرما، تا اینکه آنان را بر هر بزرگی برتری دهی. ستایش مخصوص خدایی است که سرپرست هر نعمت، و صاحب هر نیکی، و پایان هر اشتیاق است، در هر سختی و ناگواری مرا بی یاور نگذاشت، و به واسطه بدی‌های درونم مرا رسوا نساخت، پس ستایش فراوان تنها برای آقا و سرورم می باشد. - . مصباح الشیخ: ۱۶۹-۱۷۰(ادامه آن یافت نشد.) -

سپس می گوید:{خدایا، سپاس تو را همان گونه که مرا آفریدی، در حالی که چیز قابل یادکردنی نبودم. پروردگارا، مرا بر هراس‌های دنیا و سختی‌های روزگار و گرفتاری‌های زمانه و ناراحتی‌های آخرت و پیشامدهای ناگوار شب‌ها و روزها یاری فرما، و از بدی آنچه ستمگران در زمین انجام می دهند، کفایت فرما، و در سفرم همراه من، و در خانواده ام جانشین من باش، و آنچه را به من روزی دادی پر خیر و برکت گردان، و مرا در نزد خودم برای خودت خوار، و در چشم مردم بزرگ گردان، و در نزد خودت مرا محبوب نما، و مرا به واسطه گناهانم رسوا، و به جهت کردارم گرفتار، و به واسطه بدی‌های درونم خوار مفرما، و از بدی جنّ و انس سلامتم بدار، و به اخلاق نیکو موفّقم گردان، و از اخلاق ناپسند دورم بدار.

مرا به چه کسی وامی گذاری ای پروردگار ناتوانان، در حالی که تو پروردگار من هستی؟ به دشمنی که او را مالک کارهایم گردانیدی که مرا خوار کند؟ یا به دوستی که بر من ترشرویی کند؟ ای پروردگار من، اگر تو بر من خشم نگرفته‌ای، باکی ندارم، جز اینکه ایمنی تو برای من وسیع تر و دوست داشتنی تر است. از اینکه خشم تو دامنگیرم شود، یا عذاب تو بر من فرود آید، به ذات بزرگوارت که آسمان ها و زمین با آن روشن گردیده، و تاریکی به واسطه آن برطرف شده، و امر اوّلین و آخرین با آن نیکو گشته است، پناه می برم. تا خشنود شدنت و بعد از خشنودی ات، ستایش مخصوص توست؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب تو نیست. - . فلاح السائل: ۱۸۸-۱۸۹ -

**[ترجمه]

«۲۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ، قَالَ السَّیِّدُ فِی تَعْقِیبِ صَلَاهِ الْعَصْرِ ثُمَّ اسْجُدْ وَ قُلْ مَا ذَکَرَ جَدِّیَ السَّعِیدُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَنَّ مَوْلَانَا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ علیهما السلام کَانَ یَقُولُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ إِذَا سَجَدَ یَقُولُ- مِائَهَ مَرَّهٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُکْراً وَ کُلَّمَا قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ

شُكْراً لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الدَّائِمِ الَّذِی لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً وَ لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ وَ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِی لَا يَنْفَدُ أَبَداً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ثُمَّ يَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ وَ يَذْكُرُ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَقُولُ لَكَ الْحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُكَ وَ لَكَ الْحُجَّهُ إِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِی وَ لَا لِغَيْرِی فِی إِحْسَانٍ مِنْكَ فِی حَالِ الْحَسَنَهِ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صِلْ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ ابْدَأْ بِهِمْ وَ ثَنِّ بِی بِرَحْمَتِكَ ثُمَّ يَضَعُ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنِی مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَلَايَتِكَ وَ وَلَايَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ يَضَعُ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ هَذِهِ آخِرُ الرِّوَايَهِ(۱).

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۰۸ و ۲۰۹، و قوله« هذا آخر الروايه» يعنى الروايه عن السجّاد على بن الحسين عليه السلام و انما صرّح بذلك لما كان يعتقد أن دعاءه فى سجده الشكر انما ينتهى هاهنا، وردا لما يظهر من الشيخ الطوسیّ قدّس سرّه فى المصباح أن دعاءه عليه السلام ينتهى عند قوله:« ثم يدعو و يتضرع و يذكر حاجته» فانه قال بعد الدعاء الثانى:« فاذا رفعت رأسك من السجود أمر يدك على موضع سجودك» الخ و يظهر من التفريع بالفاء أن ذلك الامر من تتمه الدعاء الثانى و يظهر من صيغه الخطاب أنّه ليس من تتمه دعاء السجّاد عليه السلام. لكن الظاهر من لفظ الدعاء هو قول الشيخ قدّس سرّه، ففيه:« اللّهمّ لا تسلبنى ما أنعمت به على من ولايتك و ولايه محمّد و آل محمّد عليه و عليهم السلام» و هذا المقال انما يناسب موالى آل محمّد عليهم السلام و أتباعهم لا أنفسهم، و يؤيد ما ذكرناه أن الشيخ الحر العاملى قدّس سرّه نقل دعاء شكره عليه السلام من المصباح الى قوله:« و يذكر حاجته» و لم يزد عليه، راجع الباب ۶ من أبواب سجدتى الشكر الرقم ۴. لكن العلامه النورىّ قدّس سرّه استدرك عليه فى كتابه المستدرك ج ۱ ص ۳۵۵ و ذكر الدعاء من المصباح تبعا للسيّد ابن طاوس الى قوله:« و يقول مثل ذلك» و قال بعده: هذا آخر الروايه كما صرح به السيّد علىّ بن طاوس فى فلاح السائل و كذا فهمه مصنفوا كتب الدعوات و الشيخ رحمه اللّه ذكر الروايه فى الأصل الى قوله« حاجته» و لم يذكر باقى الخبر ظنا منه أنه عمل آخر لم يذكر سنده، و من تأمل فيها لا أظنه يحتمل غير ما ذكرنا. أقول: قد عرفت أن الشيخ ذكر باقى الخبر من دون تغيير فى العباره و من دون تحويل السند، لكنه زاد عليه ما يظهر منه ظهورا بينا أن الدعاء ليس من روايه السجّاد عليه السلام و هكذا نقله الكفعمیّ فى المصباح لفظا بلفظ، فراجع و تأمل.

الْمِصْبَاحُ (۱)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۲)، وَ الْجُنَّهُ(۳)، [جنه الأمان] وَ الْإِخْتِيَارُ، وَ غَيْرُهَا: مِثْلَهُ وَ فِي جَمِيعِهَا وَ صِلْ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ سَأَلَكَ مَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ.

و ما فی فلاح السائل أنسب و أظهر.

**[ترجمه]شیخ و کفعمی - . البلد الامین: ۱۷ (در حاشیه و متن)؛ مصباح الکفعمی: ۲۷ - و ابن الباقی و دیگران این دعاها را با همین ترتیب آورده‌اند. ابن فهد - که رحمت خدا بر او باد- در کتاب عده‌اش گفته است: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر کس ابتدا چهل مؤمن و سپس خودش را دعا کند، دعایش پذیرفته می‌شود، مخصوصاً بعد از تمام شدن نماز شب و در حال سجده بگوید: «اللهم رب الفجر»، {خدایا، ای پروردگار سپیده دم} تا آخر. - . عده الداعی: ۱۲۹-۱۳۰ - شایان ذکر است که واژه دعا برای آنچه ابن فهد گفته است، مناسب‌تر است.

در عبارت «و الفجر»، حرف واو برای سوگند است، یعنی به صبح، یا شکافتن آن، یا نماز آن سوگند می‌خورم؛ و گفته شده است: منظور از آن، سپیده دم روز عرفه یا قربان است. «و لیال عشر» همان دهه ذی الحجه است؛ و گفته شده است: دهه آخر رمضان است. «و الشفع و الوتر» با کسره و فتحه واو خوانده شده و هر دو به یک معنا است؛ گفته شده است: یعنی همه اشیا، چه جفت باشند و چه تنها؛ یا آفریدگان و آفریدگار؛ چرا که آفریدگار در حقیقت یگانه است و هر چیزی جز او جفت است و در آن نوعی از تعدد و ترکیب وجود دارد؛ یا مخالف هر چیزی که با آن، جفت می‌شوند، مانند شب و روز، و روشنایی و تاریکی، و آسمان و زمین، و مانند آنها؛ و گفته شده است: آن دو همان موجودات و آسمان‌ها هستند؛ و گفته شده است: یعنی برج‌ها و سیاره‌ها؛ و گفته شده است: یعنی نماز شفع و نماز وتر، علی بن ابراهیم این را بیان کرده است. - . تفسیر القمی: ۷۲۳ -

«و الیل إذا یسر»، یعنی وقتی تمام می‌شود، به دلیل این کلام او «و اللیل إذ أدبر»، - . المدثر/ ۳۳ - {و سوگند به شامگاه چون پشت کند.} و تعبیر به آن، به خاطر پشت سر هم آمدن آن است که دلالت بر کمال قدرت و فراوانی نعمت دارد؛ یا به معنای «یسری فیه»، (در آن حرکت می‌کند.) است، به دلیل این سخن که گفته می‌شود: صلّی المقام، (در مقام نماز گذارد.) و حرف یاء در آن به خاطر اکتفا به کسره و مخفف بودن آن حذف شده است؛ ابن کثیر و یعقوب آن را حذف نکرده‌اند. - . مجمع البیان ۱۰: ۴۸ -

«و ایمان الیسر»، یعنی ایمانی که با سختی و گرفتاری همراه نباشد، یا ایمانی که از روی ناجاری و گرفتاری نباشد، یا ایمان مردم به آنها در حالت آسانی و بدون اجبار، و این معنی به حال کسی که برای او دعا می‌شود، مناسب‌تر است. «هناءه فی العلم»، یعنی علمی که بدون سختی یا چیزهای دیگر برای آنان حاصل شود؛ با بهره‌ای فراوان از دانش به دست آید؛ فیروزآبادی گفته است: «الهنیء و المهناء»، یعنی هر چیزی که بدون سختی به دست آید، و «هنیء، و هنؤ، و هنأه» - به همین معنی است. - و «یهنؤه و یهنئه»، یعنی به او غذا داد و بخشش کرد، و «الطعام هنئاً و هنئاً و هناءً»، یعنی نیکوترین غذا.

«شیئاً مذکوراً» از کلام خدای سبحان و متعال در آیه «هل أتی علی الانسان» گرفته شده است. گفته شده است: یعنی به طور کلی فراموش شده، مانند شیء و نطفه که قابل یاد کردن به عنوان انسان نبود. امام باقر علیه السلام فرموده: یعنی چیزی بود ولی

قابـل یـادکردن نبود؛ و امام صادق علیه السـلام فرموده است: چیز معینی بود ولی ذکر نشـده، بود. «البوائق» جمع «البائقه»، یعنی سختی و گرفتاری روزگار. «النکبات» جمع «النکبه»، یعنی پیشامد ناگوار. «فلا تبسـلنی»، یعنی مرا به هلاکت مسپار؛ و «أبسـلت فلانـاً»، یعنی فلانـی را به هلاـکت سپردی، و «المسـتبسل»، یعنی کسـی که خودش را در معرض مرگ و زیـان قرار می‌دهـد، و «اسـتبسل»، یعنی در نبرد، خودش را برای کشـتن یا کشته شدن حتمی، به جلو می‌اندازد؛ جوهری این را گفته است. و نیز گفته است: «رجـل جهم الـوجه»، یعنی شـخص ترشـرو؛ از این بـاب است که می‌گـویی: « جهمت الوجه و تجهّمته»، وقـتی به او اخم کنی.

**[ترجمه]

«۲۸»

فَلَاحُ السَّائِلِ: ثُمَّ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قُلْتَ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ اللَّهُمَّ لَکَ قَصَدْتُ وَ إِلَیْکَ اعْتَمَدْتُ وَ أَرَدْتُ وَ بِکَ وَثِقْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ أَنْتَ عَالِمٌ بِمَا أَرَدْتُ فَقَدْ رُوِیَ أَنَّ مَنْ قَالَ ذَلِکَ لَمْ یَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّی تُقْضَی حَاجَتُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۴).

**[ترجمه]فلاح السائل: سـید در تعقیب نماز عصـر گفته است: بعـد سـجده به جا آور و آنچه را که سـرورمان علیّ بن حسـین علیهما السـلام در سـجده می‌گفت و جد شادروانم ابو جعفر طوسی آن را ذکر کرده است، بگو. حضرت، صلوت الله علیه صد مرتبه می گفت: «الحمد لله شکراً»، {از روی سپاسگزای، خدا را ستایش می نمایم.} و پس از هر ده مرتبه گفتن آن، می گفت: «شـکراً للمجیب»، {خداونـد اجابت کننـده را سـپاس می گزارم.} سـپس می‌گفت: «یا ذا المن الـدائم الـذی لا ینقطع أبـداً، و لا یحصـیه غیره، و یا ذا المعروف الذی لا ینفد أبداً، یا کریم یا کریم یا کریـم»، {ای صاحب بخشـش جاودانه ای که هیچگاه پایان نپـذیرفته، و جز او نمی توانـد آن را به شـماره درآورد، و ای صـاحب آن نیکی که هیـچ گـاه تمـام نمی شود، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.}

بعـد دعـا و زاری نموده و حـاجت خویش را ذکر می نمود، آنگـاه می گفت: {گر اطاعت تو را نمودم، سپاس برای توست، و اگر نافرمـانی تو را کردم، دلیـل برای تو – بر عـذاب کردنم – وجود دارد، در احسـان از نـاحیه تو به من در هنگـام انجـام کـار نیـک، نه من و نه دیگری، هیـچ نقشـی نـداریم، ای بزرگـوار، ای بزرگوار، بر محمّـد و اهـل بیت او درود فرست، و بـا رحمت خودت، تمـام آنچه را که درخواست نموده و می نمـایم، به تمـام مردان و زنـان مؤمنی که در کرانه‌های مشـرق و مغرب زمین قرار دارند، برسان، و نخست به آنان عنایت فرما، و در مرحله دوم به من ده.}

آنگـاه سـمت راست صورت خویش را بر زمین گـذارده و می گفت: «اللهم لاـ تسـلبنی مـا أنعمت به علیّ من ولایتـک و ولایه محمـد و آل محمد علیه و علیهم السـلام»، {خدایا، آنچه را که از دوستی خود و دوستی محمّد و خاندان محمّد، که درود بر او و ایشان باد، بر من ارزانی داشـته ای، باز مگیر} سـپس سـمت چپ صورت خویش را بر زمین می نهاد و مثل آن را می گفت. این پایان روایت بود. – . فلاح السائل: ۲۰۸–۲۰۹ –

المصـباح – . مصباح المتهجد: ۵۵–۵۶ – و البلـد الامین – . البلـد الامین: در متن یافت نشـد و گویا در حاشـیه بوده است و البته

ناقص چاپ شده است. - و الجنه - . مصباح الکفعمی: ۲۷-۲۸ (عبارت آن دقیقاً مطابق با عبارت مصباح الشیخ است.) - و الاختیار و غیرها: مثل همین روایت را آورده‌اند و در همه آنها، عبارت «و صل بجمیع ما سألتک و سألک من فی مشارق الأرض»،{و همه آنچه را که من و تمام کسانی که در کرانه‌های زمین از تو درخواست کردیم، برسان.} وجود دارد؛ ولی آنچه در فلاح السائل وجود دارد، مناسب‌تر و آشکارتر است.

**[ترجمه]

«۲۹»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ (۵)، وَ الْجُنَّهُ، [جنه الأمان] وَ الْإِخْتِیَارُ، وَ غَوَالِی اللَّآلِی، رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام:

ص: ۲۱۵

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۵۵- ۵۶.

۲- ۲. البلد الأمین: لم نجده فی المتن و لعله مذکور فی الهامش و قد طبع ناقصا.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۲۷ و ۲۸ و لفظه یطابق مصباح الشیخ من دون تغییر.

۴- ۴. فلاح السائل ص ۲۰۹.

۵- ۵. البلد الأمین ص ۱۷.

أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا سَجَدَ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ- وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ غَمَرَتْنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ.

وَ فِي الْجُنَّهِ قَالَهُ الشَّيْخُ التَّوْلِينِيُّ فِي كِفَايَتِهِ وَ فِيهِ: يَقُولُ فِي سَجْدَهِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَهِ(۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: سپس با هر دعایی دوست داشتی، دعا کن، و اگر خواستی در حال سجده بگو: «اللهم لک قصدت، و إلیک اعتمدت و أردت، و بک وثقت، و علیک توکلت، و أنت عالم بما أردت»، {خدایا، تنها آهنگ تو را نمودم، و به تو تکیه کردم و تو را اراده نمودم، و فقط به تو اعتماد نموده و بر تو توکّل کردم، و تو نسبت به آنچه که اراده نموده ام، آگاه هستی.} که روایت شده است، هر کس آن را بگوید، سر از سجده برنمی دارد، مگر اینکه خواسته اش برآورده می گردد. ان شاء اللّٰه تعالی. - . فلاح السائل: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

«۳۰»

الْكِتَابُ الْعَتِيقُ: دُعَاءٌ فِي سَجْدَهِ الشُّكْرِ لِطَلَبِ الرِّزْقِ- يَا مَنْ لَا تَزِيدُ مُلْكَهُ حَسَنَاتِي وَ لَا تَشِينُهُ سَيِّئَاتِي وَ لَا يَنْقُصُ خَزَائِنَهُ غِنَايَ وَ لَا يَزِيدُ فِيهَا فَقْرِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَثْبِتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي وَ اقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُوَ إِلَّا إِيَّاكَ وَ لَا أَخَافَ إِلَّا مِنْكَ وَ لَا أَثِقَ إِلَّا بِكَ وَ لَا أَتَّكِلَ إِلَّا عَلَيْكَ وَ أَجِرْنِي مِنْ تَحْوِيلِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَيَّامَ الدُّنْيَا بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ.

**[ترجمه]البلد االامین - . البلد الامین: ۱۷ - و الجنه و الاختیار و غوالی اللیالی: از علی علیه السلام روایت شده است که هنگام به جای آوردن دو سجده شکر می گفت: «وعظتنی فلم أتَّعظ، و زجرتنی عن محارمک فلم أنزجر، و غمرتنی أیادیک فما شکرت، عفوک عفوک یا کریم»، {- خدایا، - نصیحتم کردی ولی پند نگرفتم، مرا از حرام‌های خودت باز داشتی ولی من دست بر نداشتم، نعمت‌هایت را بر من ریختی ولی من سپاسگزاری نکردم، گذشت تو را می‌خواهم، گذشت تو را می‌خواهم، ای بزرگوار.} شیخ التولینی در الجنه در کفایتش آن را گفته و در آن، این عبارت است:«یقول فی سجده الشکر بعد الفریضه»، {در سجده شکر بعد از نماز واجب می گفت.} آورده است. - . مصباح الکفعمی: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۱»

جَامِعُ الْبَزَنْطِيِّ، نَقْلًا مِنْ خَطِّ بَعْضِ الْأَفَاضِلِ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: وَ هُوَ سَاجِدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْحِسَابِ قَالَ إِسْمَاعِيلُ فِي حَدِيثِهِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ.

وَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ سَجَدَ وَجْهِيَ اللَّئِيمُ لِوَجْهِ رَبِّيَ الْكَرِيمِ.

وَ عَنْ جَمِیلٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَقْرَبُ مَا یَکُونُ الْعَبْدُ إِلَی اللَّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَادْعُ اللَّهَ وَ اسْأَلْهُ الرِّزْقَ.

**[ترجمه]الکتاب العتیق: دعا در سجده شکر برای طلب روزی: {ای آنکه نیکی‌های من بر فرمانروایی او نیفزاید و بدی‌های من، موجب زشتی او نگردد، و توانگری من از گنجینه‌های او نکاهد، و ناداری من بر آنها نیفزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و امید خود را در دل من استوار گردان، و امیدم را از هر کسی غیر خودت قطع کن، تا به هیچ کس جز تو امید نداشته باشم، و از هیچ کسی جز تو ترسان نباشم، و جز بر تو اعتماد نکنم، و جز بر تو توکل ننمایم، و از دگرگون شدن نعمت‌هایی که در دین و دنیا و آخرت، در این روزهای دنیا به من داده‌ای، مرا پناه ده، ای بزرگوار.}

**[ترجمه]

بیان

الدُّعَاءُ الْأَوَّلُ رَوَاهُ الْکُلَیْنِیُ (2) بِسَنَدِهِ عَنْ أَبِی جَرِیرٍ الرَّوَّاسِیِّ قَالَ

ص: ۲۱۶

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۲۹.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۲۳، و روی الحدیث الثالث فی المصدر ص ۳۲۴ عن عبد اللّه بن هلال، و لفظه قال: شکوت الی أبی عبد اللّه علیه السلام تفرق أموالنا و ما دخل علینا، فقال: علیك بالدعاء و أنت ساجد فان اقرب ما یکون العبد إلی اللّه و هو ساجد الحدیث. و روی مثله بإسناده عن الوشاء عن الرضا علیه السلام ج ۳ ص ۲۶۵، و قد مر فی ج ۸۵ ص ۱۶۳ نقلا من ثواب الأعمال مع شرح و بیان.

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ يُرَدِّدُهَا.

و قال الرضی ره فی شرح الكافيه إن كانت الحال جمله اسميه فعند غير الكسائی يجب معها واو الحال قال صلی الله عليه و آله أقرب ما يكون العبد من ربه و هو ساجد إذ الحال فضله و قد وقعت موقع العمده فيجب معها علامه الحاليه لأن كل واقع غير موقعه ينكر و جوز الكسائی تجردها عن الواو لوقوعها موقع خبر المبتدإ فتقول ضربی زيدا أبوه قائم.

**[ترجمه]جامع البزنطی: حسن بن زياد گفته است: از امام صادق علیه السلام شنيدم كه در حال سجده می گفت: «اللهم إنی أسألك الراحه عند الموت و الراحه عند الحساب»، {خدايا، آرامش هنگام مردن و آرامش هنگام حسابرسی را از تو درخواست می كنم.} اسماعيل در حديث خود گفته است: «و الأمن عند الحساب»، {ايمنی هنگام رسيدگی به حساب را درخواست می... كنم.}

سعيد بن يسار گفته است: شنيدم امام صادق علیه السلام در سجده می گفت: «سجد وجهی اللئيم، لوجه ربی الكريم»، {صورت پست من برای ذات بزرگوار پروردگارم به خاک افتاده است.}

ابی بصير گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: نزديک‌ترين حالت بنده به خدا، حالتی است كه در سجده است؛ پس خدا را بخوان و از او روزی بخواه.

**[ترجمه]

«۳۲»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَبْصَرَ رَجُلًا دَبَرَتْ جَبْهَتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ يُغَالِبِ اللَّهَ يَغْلِبْهُ وَ مَنْ يَخْدَعِ اللَّهَ يَخْدَعْهُ فَهَلَّا تَجَافَيْتَ بِجَبْهَتِكَ عَنِ الْأَرْضِ وَ لَمْ تُشَوِّهْ وَجْهَكَ (۱).

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ- عَلِيٌّ علیه السلام: إِنِّی لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ تُرَى جَبْهَتُهُ جَلْحَاءَ لَيْسَ فِيهَا شَيْ ءٌ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ(۲).

**[ترجمه]دعای اول را كلينی با سند آن از ابی جرير رواسی نقل كرده و گفته است: از امام موسی كاظم علیه السلام شنيدم كه می گفت: «اللهم إنی أسألک الراحه عند الموت و العفو عند الحساب»، {خدايا، آرامش هنگام مردن، و بخشش هنگام رسيدگی به حساب را از تو درخواست می كنم.} و امام آن را تكرار می كرد .

رضی - رحمه الله - در شرح الكافيه گفته است: اگر حال جمله اسميه باشد، به نظر همه به جز كسايی، لازم است با واو حاليه همراه باشد. حضرت صلی الله علیه و آله فرموده است: «أقرب ما يكون العبد من ربه و هو ساجد»، {نزديک‌ترين حالت بنده به خدا، حالتی است كه در سجده است.} به اين دليل كه حال، فُضله‌ای است كه در جای ركن قرار گرفته است، پس ضروری است با نشانه حال همراه باشد؛ چرا كه هر عبارتی كه در غير جای خودش قرار بگيرد، شناخته شده نيست. كسايی جايز دانسته

است حال – آنجا که به صورت جمله اسمیه است، – بدون واو بیاید، به این دلیل که به جای خبر مبتدا می‌نشیند، پس می... گویی: «ضربی زیداً أبوه قائم»، {زید را در حالی که پدرش ایستاده بود، زدم.}

**[ترجمه]

بیان

قال فی النهایه الدبر بالتحریک الجرح الذی یکون فی ظهر البعیر و قیل هو أن یقرح خف البعیر انتهی و هنا کنایه عن أثر السجود فی الجبهه و الجلحاء التی لیس فیها أثر السجود قال الفیروزآبادی الجلح محرکه انحصار الشعر عن جانبی الرأس و الأجلح هودج ما له رأس مرتفع و سطح لم یحجز بجدار و الجلحاءه بالکسر الأرض التی لا تنبت و فی النهایه الجلحاء ما لا قرن لها انتهی و لعل الذم تعلق بمن فعل ذلک عمدا لیری الناس أنه یکثر السجود.

**[ترجمه]نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل کرده و فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی را دید که پیشانی‌اش زخم شده بود؛ رسول خدا فرمود: هر کس قصد چیره شدن بر خدا را داشته باشد، خدا بر او چیره می‌شود، و هر کس قصد فریفتن خدا را داشته باشد، خدا او را فریب می‌دهد، چرا پیشانی‌ات را از زمین منع نکردی تا چهره‌ات این چنین زشت نشود! – . در نسخه چاپ شده مأخذ گفته شده یافت نشد. –

با همین سند گفته است: علی علیه السلام فرمود: برای مرد، ناپسند می‌دارم که موی پیشانی‌اش ریخته و اثر سجده بر آن نباشد. – . در نسخه چاپ شده مأخذ گفته شده یافت نشد. –

**[ترجمه]

«۳۳»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ ره قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: أَحَبُّ الْکَلَامِ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی أَنْ یَقُولَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ- إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی ثَلَاثاً.

وَ مِنْهُ نَقْلًا عَنِ الْجَعْفَرِیَّاتِ عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ فِی سِیَاقِهِ

۱- ۱. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

۲- ۲. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

أَحَادِيثِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَقُولُ إِذَا وَضَعَ وَجْهَهُ لِلسُّجُودِ- اللَّهُمَّ مَغْفِرَتُکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی وَ رَحْمَتُکَ أَرْجَی عِنْدِی مِنْ عَمَلِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ.

**[ترجمه]در النهایه گفته است: «الدبر» با فتحه حروف، جراحتی که در پشت شتر ایجاد می‌شود؛ و گفته شده است: آن، یعنی زخم برداشتن کف پای شتر. پایان. در اینجا کنایه از اثر سجده در پیشانی است. در مورد «الجلحاء التی لیس فیها أثر السجود»، فیروزآبادی گفته است: «الجَلَح» با فتحه حروف، اندک شدن مو در دو طرف سر؛ و «الأجلح» کجاوه‌ای که بلندی زیادی نداشته باشد، و بامی که با دیوار در میان گرفته نشده باشد؛ و «الجلحاءه» با کسره، زمینی که چیزی در آن نروید. در النهایه آمده است: «الجلحاء»، یعنی چیزی که شاخ نداشته باشد. پایان. گویا نکوهش در اینجا به کسی تعلق دارد که این کار را عمداً انجام دهد تا به مردم نشان دهد که او زیاد سجده می‌کند.

**[ترجمه]

«۳۴»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ النَّيْسَابُورِيُّ عَنِ الشَّيْخِ أَبِی عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِی أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ.

قَالَ الْفَحَّامُ: رَأَيْتُ وَ اللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِی النَّوْمِ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْخَبَرِ فَقَالَ صَحِيحٌ إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ- اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ رَوَاهُ وَ بِحَقِّ مَنْ رُوِيَ عَنْهُ صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ افْعَلْ بِی كَيْتَ وَ كَيْتَ (۱).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِذَا أَصَابَکَ أَمْرٌ فَبَلَغَ مِنْکَ مَجْهُودَکَ فَاسْجُدْ عَلَى الْأَرْضِ وَ قُلْ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ حَقِّکَ بَلَغَ مَجْهُودِی فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنِّی.

وَ كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام يَدْعُو كَثِيراً فِی سُجُودِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ (۲).

**[ترجمه]به نقل از خط شهید - که رحمت خدا بر او باد - : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دوست داشتنی‌ترین سخن نزد خدای والامرتبه این است که بنده در حالت سجده سه مرتبه بگوید: «إنی ظلمت نفسی فاغفر لی»، {به درستی که من بر خودم ستم کردم، پس مرا بیامرز.}

و از همان کتاب: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که چهره خود را برای سجده بر زمین قرار می‌داد، می‌گفت: «اللهم مغفرتک أوسع من ذنوبی، و رحمتک أرجی عندی من عملی، فاغفر لی ذنوبی یا حی لا یموت»، {خدایا، آمرزش تو گسترده‌تر از گناهان من، و مهربانی تو پیش من امیدوار کننده‌تر از عمل من است، پس ای زنده‌ای که مرگ ندارد، گناهان مرا بیامرز.}

**[ترجمه]

بیان

قال فی القاموس کیت و کیت و یکسر آخرهما أی کذا و کذا و التاء فیهما هاء فی الأصل.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: امام علی النقی علیه السلام از پدرانش از امیرالمؤمنین علیهم السلام نقل کرده که فرموده است: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: هر کس نماز واجبی را برای خدا به جای آورد، در دنباله آن برایش دعای پذیرفته شده‌ای وجود دارد.

فحام گفته است: به خدا سوگند، امیرالمؤمنین را در خواب دیدم و از او درباره این روایت سؤال کردم، فرمود: روایت صحیح است، وقتی از نماز واجب فارغ شدی، در حال سجده بگو: «اللهم بحق من رواه و بحق من روی عنه، صلِّ علی جماعتهم و افعل بی کیت و کیت»، {خدایا، به حق کسی که این را روایت کرده و به حق کسی که از او روایت شده است، بر همه آنان درود فرست و در مورد من، چنین و چنان کن.} - . دعوات الراوندی، دست نویس؛ أمالی الطوسی ۱: ۲۹۵؛ همین کتاب ۸۵: ۳۲۱ (همراه با توضیح) -

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه به پیشامدی برخورد کردی و کوشش تو به جایی نرسید، بر روی زمین سجده کن و بگو: «یا مُذِلَّ کلّ جبّار، یا مُعِزَّ کلّ ذلیل، قد و حقک بلَغ مجهودی، فصلِّ علی محمد و آل محمد، و فرِّج عنی»، {ای خوار کننده هر زورگو، ای عزیز کننده هر خوار شده‌ای، به حق تو سوگند که کوششم به سر رسیده است، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مشکلم را از من برطرف فرما.}

امام موسی بن جعفر علیه السلام در سجده‌اش بیشتر این دعا را می‌کرد: «اللهم إنی أسألک الراحه عند الموت، و العفو عند الحساب»، {خدایا، آرامش هنگام مردن، و بخشش هنگام رسیدگی به حساب را از تو درخواست می‌کنم.} - . التهذیب ۱: ۱۵۸ -

**[ترجمه]

«۳۵»

عُدَّةُ الدَّاعِی، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا نَزَلَ بِرَجُلٍ نَازِلَةٌ أَوْ شَدِیدَةٌ أَوْ کَرَبَهُ أَمْرٌ فَلْیَکْشِفْ عَنْ رُکْبَتَیْهِ وَ ذِرَاعَیْهِ وَ لْیُلْصِقْهُمَا بِالْأَرْضِ وَ لْیُلْصِقْ جُؤْجُؤَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ لْیَدْعُ بِحَاجَتِهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ.

ص: ۲۱۸

۱- ۱. دعوات الراوندیّ مخطوط، و هذا الحدیث تراه فی أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۹۵ و قد مر اخراجه فی ج ۸۵ ص ۳۲۱ مع

بیان، راجعه ان شئت.

۲- ۲. و رواه الشیخ فی التهذیب ج ۱ ص ۱۵۸.

**[ترجمه]در القاموس گفته است: «کیت و کیت» که حرف آخر آنها، کسره - نیز - می گیرد، یعنی چنین و چنین، و حرف تاء در آن، در اصل، هاء بوده است.

**[ترجمه]

«۳۶»

الدُّرُّ النَّظِيمُ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَدْ سَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ بِلَا رُكُوعٍ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سُجُودٌ بِلَا رُكُوعٍ فَقَالَ صلی الله علیه و آله نَعَمْ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ علیه السلام فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ عَلِيّاً فَسَجَدْتُ وَ رَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ فَاطِمَةَ فَسَجَدْتُ وَ رَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَسَنَ فَسَجَدْتُ وَ رَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحُسَيْنَ فَسَجَدْتُ وَ رَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُمْ فَسَجَدْتُ وَ رَفَعْتُ رَأْسِي.

**[ترجمه]عده الداعی: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه پیشامدی ناگوار برای کسی به وجود آمد یا موضوعی او را اندوهگین سازد، زانوها و آرنج خود را برهنه کند و بر زمین بگذارد و سینه خود را بر زمین بچسباند و در حال سجده، نیازش را بخواهد.

**[ترجمه]

«۳۷»

الْعُيُونُ، فِي خَبَرِ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ: أَنَّ الرِّضَا علیه السلام كَانَ يَسْجُدُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ تَعْقِيبِ الظُّهْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْراً لِلَّهِ وَ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ تَعْقِيبِ الْعَصْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ حَمْداً لِلَّهِ وَ كَانَ يَسْجُدُ بَعْدَ تَعْقِيبِ الْمَغْرِبِ وَ بَعْدَ تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ وَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ صَلَّى الْغَدَاةَ فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَ يُحَمِّدُهُ وَ يُكَبِّرُ اللَّهَ وَ يُهَلِّلُهُ وَ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً يَبْقَى فِيهَا حَتَّى يَتَعَالَى النَّهَارُ(۱).

**[ترجمه]الدر النظیم: ابن عباس گفته است: دیدم رسول خدا بدون اینکه رکوع کند، پنج مرتبه سجده کرد؛ گفتم: ای رسول خدا، سجده بدون رکوع؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آری؛ جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد، به درستی که خدای عزّوجلّ علی را دوست می‌دارد، پس سجده کردم و سرم را بلند کردم؛ به من فرمود: ای محمد، به درستی که خدای عزّوجلّ، فاطمه را دوست می‌دارد، پس سجده کردم و سرم را بلند کردم؛ به من فرمود: به درستی که خدا حسن را دوست می‌دارد، پس سجده کردم و سرم را بلند کردم؛ به من فرمود: به درستی که خدا حسین را دوست می‌دارد، پس سجده کردم و سرم را بلند کردم؛ به من فرمود: به درستی که خدا هر کسی را که آنان را دوست بدارد، دوست می‌دارد، پس سجده کردم و سرم را بلند کردم.

**[ترجمه]

مِشْکَاهُ الْأَنْوَارِ، نَقْلًا مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ سَجَدَ سَجْدَهً لِیَشْکُرَ نِعْمَهً وَ هُوَ مُتَوَضِّئٌ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِیئَاتٍ عِظَامٍ (۲).

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: بَیْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَعَ أَصْحَابِهِ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّی ظَنُّوا أَنَّهُ ... ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّی ظَنَنَّا أَنَّکَ ...

مِمَّا ذَاکَ فَقَالَ أَتَانِی جَبْرَئِیلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ إِنِّی لَنْ أسؤک [أَسُوءَکَ] فِیمَنْ وَالاکَ مِنْ أُمَّتِکَ وَ لَنْ أَقْضِیَ عَلَی مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّهُ ذَلِکَ إِلَّا وَ هُوَ خَیْرٌ لَهُ- قَالَ علیه السلام فَلَمْ یَکُنْ عِنْدِی مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوکٌ فَأُعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَکَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَی ذَلِکَ (۳).

ص: ۲۱۹

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۸۰- ۱۸۲ متفرقا.

۲- ۲. مشکاه الأنوار ص ۲۹.

۳- ۳. مشکاه الأنوار ص ۲۹.

**[ترجمه]العیون: در روایت رجاء بن ابی ضحاک آمده است: امام رضا علیه السلام بعد از فارغ شدن از تعقیب نماز ظهر، سجده می کرد و در آن، صد مرتبه «شکراً لله»، {برای خدا سپاسگزاری می کنم.} می گفت و بعد از فارغ شدن از تعقیب نماز عصر، سجده می کرد و در آن، صد مرتبه «حمداً لله»، {برای خدا ستایش می کنم.} و بعد از تعقیب نماز مغرب و بعد از تعقیب نماز عشا نیز سجده می کرد و هنگامی که صبح می شد، نماز صبح را می‌خواند و وقتی سلام نماز را می‌داد، در محل نمازش می‌نشست و خدا را تسبیح می گفت و ستایش می کرد و به بزرگی و به یکتایی یاد می‌نمود و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می‌فرستاد تا اینکه خورشید طلوع می کرد؛ سپس سجده‌ای می کرد و در آن سجده می‌ماند تا روز بالا می‌آمد. - . عیون الاخبار: ۱۸۰-۱۸۲ -

**[ترجمه]

بیان

حتی ظنوا أنه أی مات أو أغمی علیه و لم یذکروا ذلک کراهه أن یجری مثل هذا علی لسانهم و الاکتفاء ببعض الکلام عند قیام القرینه شائع فی کلامهم.

**[ترجمه]مشکاه الانوار: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در حالی که وضو داشته باشد، برای سپاسگزاری از نعمتی، یک سجده شکر به جای آورد، خداوند برای او ده نیکی می‌نویسد و ده گناه بزرگ را از او پاک می کند. - . مشکاه الانوار: ۲۹ -

و از آن حضرت علیه السلام نقل شده است که فرمود: زمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه یارانش بود، به سجده رفت و سجده‌اش را طول داد تا اینکه گمان کردند که او...؛ سپس سرش را بلند کرد و به او گفته شد: ای رسول خدا، سجده را طولانی کردی، تا گمان کردیم که تو...؛ برای چه بود؟ فرمود: جبرئیل از طرف خدای مبارک و والامرتبه پیشم آمد و فرمود: ای محمد، پروردگارت برایت سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید: من تو را در مورد کسانی از امتت که تو را دوست داشته باشد ناراحت نخواهم کرد و بر هیچ مؤمنی، چیزی که ناراحتش کند یا خوشحالش کند، مقدّر نخواهم کرد مگر اینکه خوبی برای او باشد. حضرت، علیه السلام فرمود: نزد خود مالی نداشتم که صدقه دهم، یا برده‌ای که آزاد کنم، از این رو برای خدا سجده کردم و به خاطر آن از او سپاسگزاری نمودم و ستایش کردم. - . مشکاه الانوار: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۹»

الْمِشْکَاهُ، نَقْلًا عَنِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ الْحَذَّاءِ قَالَ: کُنْتُ مَعَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی طَرِیقِ الْمَدِینَهِ فَوَقَعَ سَاجِداً لِلَّهِ فَقَالَ لِی حِینَ اسْتَتَمَّ قَائِماً یَا زِیَادُ أَنْکَرْتَ عَلَیَّ حِینَ رَأَیْتَنِی سَاجِداً فَقُلْتُ بَلَی جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ ذَکَرْتُ نِعْمَهً أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَیَّ فَکَرِهْتُ أَنْ أَجُوزَ حَتَّی أُؤَدِّیَ شُکْرَهَا(۱).

وَ عَنْ هِشَامِ الْأَحْمَرِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فِی بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِینَهِ إِذْ ثَنَی رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِداً فَأَطَالَ وَ أَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَکِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ رَأَیْتُکَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّی ذَکَرْتُ نِعْمَهً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَیَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْکُرَ رَبِّی (۲).

**[ترجمه]«حتی ظنوا أنه»، یعنی درگذشته، یا بیهوش شده است، و چون دوست نداشتند مثل این را بر زبان برانند، آن را بیان نکرده‌اند؛ و اکتفا به بخشی از سخن هنگام وجود قرینه، در کلام آنها شایع است .

**[ترجمه]

«۴۰»

مِصْبَاحُ الشَّیْخ (۳)، وَ الْبَلَدُ الْأَمِینُ،: وَ مِمَّا یَخْتَصُّ بِسَجْدَهِ الشُّکْرِ عَقِیبَ الصُّبْحِ أَنْ یَقُولَ- یَا مَاجِدُ یَا جَوَادُ یَا حَیّاً حِینَ لَا حَیَّ یَا فَرْدُ یَا مُنْفَرِداً بِالْوَحْدَانِیَّهِ یَا مَنْ لَا یَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْأَصْوَاتُ یَا مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ اللُّغَاتُ یَا مَنْ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ یَا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ یَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِسَرِیرَتِی مِنِّی بِهَا یَا مَالِکَ الْأَشْیَاءِ قَبْلَ تَکْوِینِهَا أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ الَّذِی هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ أَسْأَلُکَ بِنُورِکَ السَّاطِعِ فِی الظُّلُمَاتِ وَ سُلْطَانِکَ الْغَالِبِ وَ مُلْکِکَ الْقَاهِرِ لِمَنْ دُونَکَ وَ بِقُدْرَتِکَ الَّتِی بِهَا تُذِلُّ کُلَّ شَیْ ءٍ وَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ جَمِیعِ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ مَا یَخَافُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ إِنَّکَ سَمِیعُ

ص: ۲۲۰

۱- ۱. مشکاه الأنوار ص ۲۹.

۲- ۲. مشکاه الأنوار ص ۲۹.

۳- ۳. مصباح الشیخ ص ۱۶۹.

الدُّعَاءِ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]المشکاه: ابی عبیده حذاء گفته است: در راه مدینه همراه امام باقر علیه السلام بودم که به حالت سجده برای خدا افتاد و وقتی پس از تمام شدن سجده به طور کامل برخاست، به من فرمود: ای زیاد، آیا از دیدن سجده من تعجب کردی؟ گفتم: بلی؛ فدای شما شوم. فرمود: به یاد نعمتی که خدا به من داده است افتادم، به همین خاطر نپسندیدم که ادامه دهم، تا اینکه شکر آن را بجای آورم.

هشام الأحمر گفته است: در اطراف مدینه همراه امام کاظم علیه السلام بودم که ناگهان از مرکبش پیاده شد و سجده‌کنان بر زمین افتاد؛ سجده‌اش را زیاد طول داد، سپس سرش را بلند کرد و سوار چهارپایش شد. گفتم: فدایت شوم، دیدم که سجده را زیاد طول دادی؛ فرمود: به یاد نعمتی که خدا به من داده افتادم، به خاطر همین دوست داشتم پروردگارم را شکر کنم. - . مشکاه الانوار: ۲۹ -

**[ترجمه]

بیان

الحی القیوم لعل وصف الاسم بذلک باعتبار المسمی علی المجاز و کونه بیانا للاسم بعید و لا یبعد أن یکون المراد بالاسم نور الأئمه علیهم السلام فإنه قد ورد فی الأخبار أنهم أسماء الله.

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۱۶۹ - و البلد الامین: از چیزهایی که اختصاص به سجده شکر در دنباله نماز صبح دارد، این است که بگوید: {ای گرامی، ای بخشنده، ای زنده در زمانی که هیچ موجود زنده‌ای وجود ندارد. ای تنها، ای یکتا در یگانگی، ای آنکه صداها بر او مشتبه نمی‌شود، ای کسی که واژه‌ها بر او پوشیده نمی‌گردد، ای آنکه می داند آنچه را که هر ماده ای [در رحم] بار می گیرد، و [نیز] آنچه را که رَحِم‌ها می کاهند، و آنچه را می افزایند، ای آنکه نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می دارند، می داند، ای آنکه به درون من از خود من آگاه‌تر است، ای مالک اشیا قبل از به وجود آمدن آنها، از تو به احترام آن اسم پوشیده و در گنجینه‌ات، زنده پایداری که همان نور و از نور است، درخواست می‌کنم؛ از تو به نور تابانت در تاریکی‌ها، و فرمانروایی چیره‌ات، و حکومتت که بر غیر خودت غالب است، و به آن قدرتت که با آن هر چیزی را بخواهی خوار می‌کنی، و به آن رحمتت که بر همه چیز گسترده است، درخواست می‌کنم که بر محمد و اهل بیت محمد درود فرستی، و مرا از تمام گرفتاری‌های گمراه کننده، و از بدی تمام چیزهایی که هر یک از آفریده‌هایت از آن هراس دارند، در امان بداری، که تو شنونده دعا، و تو بهترین رحم کنندگان هستی.} - . در البلد الامین یافت نشد، و گویا در حاشیه آن بوده است. -

**[ترجمه]

«۴۱»

الْكِتَابُ الْعَتِيقُ: دُعَاءُ السُّجُودِ عَنْ مَوْلَانَا أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الْمَرْهُوبُ

مِنْکَ جَمِیعُ خَلْقِکَ یَا نُورَ النُّورِ فَلَا یُدْرِکُکَ نُورٌ کَنُورِکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّفِیعُ فَوْقَ عَرْشِکَ مِنْ فَوْقِ سَمَاوَاتِکَ فَلَا یَصِفُ عَظَمَتَکَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ یَا نُورَ النُّورِ أَنْتَ الَّذِی قَدِ اسْتَنَارَ بِنُورِکَ أَهْلُ سَمَاوَاتِکَ وَ اسْتَضَاءَ بِنُورِکَ أَهْلُ أَرْضِکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الَّذِی لَا إِلَهَ غَیْرُکَ تَعَالَیْتَ عَنْ أَنْ یَکُونَ لَکَ وَلَدٌ وَ تَعَظَّمْتَ أَنْ یَکُونَ لَکَ نِدٌّ یَا نُورَ النُّورِ تَکَرَّمْتَ عَنْ أَنْ یَکُونَ لَکَ شَبِیهٌ وَ تَجَبَّرْتَ أَنْ یَکُونَ لَکَ ضِدٌّ أَوْ شَرِیکٌ یَا نُورَ النُّورِ کُلُّ نُورٍ خَامِدٌ لِنُورِکَ یَا مَلِیکَ کُلِّ مَلِیکٍ یَفْنَی غَیْرُکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّحِیمُ وَ أَنْتَ الْبَاقِی الدَّائِمُ مَلَأَتْ عَظَمَتُکَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ یَا دَائِمُ کُلُّ حَیٍّ یَمُوتُ غَیْرُکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ ارْحَمْنَا رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا سَخَطَکَ عَلَیْنَا وَ تَکُفُّ عَذَاباً عَنَّا وَ تَرْزُقُنَا بِهَا سَعَادَةً مِنْ عِنْدِکَ وَ تُحِلُّنَا بِهَا دَارَکَ الَّتِی یَسْکُنُهَا خِیَرَتُکَ مِنْ عِبَادِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا کَذَا وَ تَسْأَلُ حَاجَتَکَ.

**[ترجمه]در عبارت «الحی القیوم»، گویا اسم را با در نظر گرفتن مسمی و به صورت مَجاز، با این توصیف کرده است و بیان بودن آن برای اسم، بعید است. و بعید نیست منظور از «اسم»، نور امامان علیهم السلام باشد؛ که در روایات وارد شده که آنان اسم‌های خدا هستند.

**[ترجمه]

«۴۲»

کِتَابُ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ، عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ:

۱- ۱. لم نجده فی البلد الأمین، و لعله کان فی الهامش.

بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَعَ أَصْحَابِهِ رَاكِباً عَلَى دَابَّتِهِ إِذْ نَزَلَ فَخَرَّ سَاجِداً فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئاً لَمْ تَكُ تَصْنَعُهُ قَبْلَ الْيَوْمِ- فَقَالَ صلى الله عليه و آله أَتَانِي مَلَكٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسُرُّكَ فِي أُمَّتِكَ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ أَصَّدَّقُ وَ لَا عَبْدٌ أُعْتِقُهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْراً.

**[ترجمه]الكتاب العتيق: دعای سجده از سرورمان امام صادق عليه السلام: {خدايا، تويی كه فرمانفرمايی، هر آن كس را كه خواهی، فرمانروايی بخشی و از هر كه خواهی، فرمانروايی را باز ستانی و هر كه را خواهی، عزت بخشی و هر كه را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبی‌ها به دست توست، و تو بر هر چيز توانايی؛ شب را به روز در می آوری، و روز را به شب در می آوری و زنده را از مرده بيرون می‌آوری، و مرده را از زنده خارج می سازی و هر كه را خواهی، بی حساب روزی می دهی؛ ای الله، ای الله، تويی كه تمام آفريدگانت از تو هراسناك‌اند.

ای نور نور، كه هيچ نوری مانند نور تو به تو نمی‌رسد؛ ای الله، ای الله، تويی كه بر بالای عرش خود و از بالای آسمانهايت بلندی يافته‌ای؛ پس بزرگی تو را هيچ يك از آفريده‌هايت نمی‌توانند توصيف كنند؛ ای نور نور، تويی كه ساكنان آسمان... هايت از نور تو نور می گيرند، و ساكنان زمينت با نور تو روشنی می گيرند؛ ای الله، ای الله، تو خدايی هستی كه غير از تو هيچ خدايی نيست، والاتر از آن هستی كه برای تو فرزندی باشد، و بزرگتر از آن هستی كه برايت همانندی وجود داشته باشد.

ای نور نور، تو بزرگوارتر از آن هستی كه برايت مانندی وجود داشته باشد، و قدرتمندتر از آن هستی كه برايت مخالف يا شريكی وجود داشته باشد؛ ای نور نور، هر نوری در برابر نور تو خاموش است؛ ای خداوندگار، هر صاحب اختياری از بين می‌رود جز تو؛ ای الله، تو مهربان هستی و تو پايدار و جاودانه هستی، بزرگی تو آسمان‌ها و زمين را پر كرده است؛ ای جاودانه، هر چيزی می‌ميرد جز تو، ای الله، ای الله، بر ما رحمت فرست، آن گونه رحمتی كه با آن آتش خشم خود را بر ما فرو بنشانی، و عذاب خود را از ما بازداری، و به واسطه آن خوشبختی از ناحيه خودت را روزی‌مان كنی، و ما را در آن سرايت جای دهی كه برگزيدگان خود از ميان بندگانت را جای داده‌ای، ای مهربان‌ترين مهربانان، از تو می‌خواهم كه بر محمد و خاندان او درود فرستی، و بر من چنان و چنان كنی.} و نياز خود را درخواست می كنی.

**[ترجمه]

«۴۳»

فَلَاحُ السَّائِلِ،: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَسْجُدَ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ الْآنَ فَاسْجُدْهُمَا كَمَا نَذْكُرُهُ وَ إِنْ شِئْتَ تُؤَخِّرُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِلَى مَا بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ كُلِّ مَا تَعْمَلُهُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ بَيْنَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ صَلَوَاتٍ وَ دَعَوَاتٍ وَ تَكُونُ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فِي آخِرِ مَا تَعْمَلُ فَافْعَلْ.

صِفَةُ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ رَوَى أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قُرَّةَ ره عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ره عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ سُفْيَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْخَزَّازِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا

جَعْفَرٍ عليه السلام: يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ- أَسْأَلُکَ بِحَقِّ حَبِيبِکَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً ثُمَّ قَالَ فِي الثَّانِيَهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ حَبِيبِکَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله إِلَّا كَفَيْتَنِي مَئُونَهَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي الثَّالِثَهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِکَ صلى الله عليه و آله لَمَّا غَفَرْتَ لِيَ الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ وَ قَبِلْتَ مِنْ عَمَلِيَ الْيَسِيرَ ثُمَّ قَالَ فِي الرَّابِعَهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِکَ صلى الله عليه و آله لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّهَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفَعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ.

هذا آخر الروايه المذكوره فإن خطر لأحد أن هذه الروايه ما تضمنت أن هذه سجدتا الشكر لأجل صلاه المغرب فيقال له إن إيراد أصحابنا الروايه كذلک في سجدتي الشكر بعد صلاه المغرب و تعيينهم أن هاتين السجدتين للمغرب يقتضي أن يكونوا عرفوا ذلک من طريق آخر(۱).

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۴۳- ۲۴۴.

**[ترجمه]کتاب عاصم بن حمید: ابی بصیر گفته است: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود: زمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله با یارانش سوار بر چهارپایش بود، دیدند ناگهان از آن فرود آمد و سجده‌کنان بر زمین افتاد؛ به او گفته شد: ای رسول خدا! دیدیم کاری انجام دادی که قبل از امروز آن را انجام نمی‌دادی؟ حضرت، صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته‌ای از نزد پروردگارم پیش من آمد و فرمود: ای محمد، پروردگارت بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: ای محمد، من تو را در میان امتت خوشحال می‌سازم؛ من چون در پیش خود مالی که صدقه دهم یا برده‌ای که آزاد کنم نداشتم، برای سپاسگزاری از خدا سجده کردم.

**[ترجمه]

بیان

هذا الخبر رواه الکلینی أیضا بسند صحیح (۱) و زاد فی آخر الدعاء الآخر و صلی الله علی محمد و آله و أورد الشیخ (۲) و الکفعمی (۳)

و غیرهما الأدعیه فی تعقیب صلاه المغرب و ذکروا الدعاء الثانی فی تعفیر خد الأیمن و الثالث فی تعفیر الأیسر و الرابع فی العود إلی السجود ثانیا و عندی أنه یحتمل الخبر أن تکون الأدعیه فی السجدات الأربع للصلاه الثنائیه بل یمکن أن یدعی أنه أظهر و الکلینی أورد الروایه فی باب أدعیه السجود مطلقا أعم من سجدات الصلاه و غیرها.

قوله علیه السلام لما غفرت لما بالتشدید إیجابیه بمعنی إلا- أی فی جمیع الأحوال إلا- حال الغفران و الحاصل أنی لا أترک السؤال و الطلب إلا بعد حصول المطلب و قال الجوهری سفعته النار و السموم إذا لفحته لفحا یسیرا فغیرت لون البشره و السوافع لوافح السموم.

**[ترجمه]فلاح السائل: هنگامی که از تعقیب نماز مغرب فارغ شدی، اگر خواستی، دو سجده شکر را به کیفیّتی که ذکر خواهیم نمود، بجای آور، و اگر خواستی، سجده شکر را به بعد از فراغت از تمام اعمال و نماز ها و دعاهای بین نماز مغرب و عشا به تأخیر بیانداز، به گونه ای که سجده شکر آخرین عمل تو در بین نماز مغرب و عشا باشد، پس این گونه انجام بده:

کیفیّت انجام دو سجده شکر: ابوعبیده گفته است: شنیدم که امام باقر علیه السلام در حال سجده می گفت: «أسألک بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله إلا بدَّلتَ سیئاتی حسناتٍ، و حاسِبْنی حساباً یسیراً»، {به حق دوستدار خودت، محمّد صلی الله علی و آله از تو درخواست می نمایم که بدی هایم را به نیکی‌ها تبدیل کنی، و از من حساب کشی آسان نمایی.} سپس در سجده دوّم گفت: «أسألک بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله إلا کفیتنی مؤنه الدنیا و کل هول دون الجنه»، {خدایا، به حقّ دوست خودت، محمّد صلی الله علی و آله از تو درخواست می نمایم که سختی دنیا، و تمام هراس ها را تا رسیدن به بهشت از من کفایت فرمایی.} سپس در سجده سوّم گفت: « أسألک بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله لما غفرت لی الکثیر من الذنوب و القلیل، و قبلت من عملی الیسیر»، {به حقّ دوستدار خودت، محمّد صلی الله علی و آله از تو درخواست می کنم که گناهان فراوان و اندک مرا آمرزیده، و عمل اندکم را از من بپذیری.} سپس در سجده چهارم گفت: «أسألک بحق

حبیبک محمد صلی الله علیه و آله لما أدخلتنی الجنه و جعلتنی من سکانها و لمّا نجیتنی من سفعات النار برحمتک»، {خدایا، به حقّ دوست خودت، محمّد صلی الله علیه و آله از تو درخواست می نمایم که مرا داخل بهشت نموده، و از ساکنان آن قرار دهی، و به رحمت خویش، از زبانه های فراگیرنده آتش نجاتم بخشی.}

این پایان روایتی بود که گفته شد؛ پس اگر به ذهن کسی خطور کند که در این روایت، گفته نشده که این دو سجده شکر، برای نماز مغرب است؛ در جواب او گفته می شود: از اینکه اصحاب ما آن را در دو سجده شکر بعد از نماز مغرب آورده و آن دو را برای مغرب تعیین کرده اند، معلوم می شود که از طریق دیگری به این نتیجه رسیده‌اند. - . فلاح السائل: **۲۴۳-۲۴۴** -

**[ترجمه]

«۴۴»

الْمُهَجُ، [مهج الدعوات] رَوَیْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فِی کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام وَ بُکَیْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِیِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالا: دَخَلْنَا عَلَیْهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ فَأَطَالَ فِی سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ کَانَ کَالرَّامِی مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ بَدْرٍ قَالا قُلْنَا فَنَکْتُبُهُ قَالَ اکْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَهَ الشُّکْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْعَنِ اللَّذَیْنِ بَدَّلَا دِینَکَ وَ غَیَّرَا نِعْمَتَکَ وَ اتَّهَمَا رَسُولَکَ صلی الله علیه و آله وَ خَالَفَا مِلَّتَکَ وَ صَدَّا عَنْ سَبِیلِکَ وَ کَفَرَا آلَاءَکَ وَ رَدَّا عَلَیْکَ کَلَامَکَ وَ اسْتَهْزَءَا بِرَسُولِکَ وَ قَتَلَا ابْنَ نَبِیِّکَ وَ حَرَّفَا کِتَابَکَ وَ جَحَدَا آیَاتِکَ وَ سَخِرَا بِآیَاتِکَ وَ اسْتَکْبَرَا عَنْ عِبَادَتِکَ وَ قَتَلَا أَوْلِیَاءَکَ وَ جَلَسَا فِی مَجْلِسٍ لَمْ یَکُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ وَ حَمَلَا النَّاسَ عَلَی أَکْتَافِ

ص: ۲۲۳

۱- ۱. الکافی ج ۳ ص ۳۲۲.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۷۵ و ۷۶.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۲۸، البلد الأمین ۱۷ و ۱۸.

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَ السَّلَامُ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْناً يَتْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ احْشُرْهُمَا وَ أَتْبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عليك [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَهِ عَلَيْهِمَا وَ الْبَرَاءَهِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتَلَهَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بِنْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ وَ هَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَ خِزْياً فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دُعَّهُمَا فِي النَّارِ دَعّاً وَ أَرْكِسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْساً اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَ أَتْبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَراً اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَ شَتِّتْ أَمْرَهُمْ وَ خَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَ بَدِّدْ

جَمَاعَتَهُمْ وَ الْعَنْ أَئِمَّتَهُمْ وَ اقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَ سَادَتَهُمْ وَ كُبَرَاءَهُمْ وَ الْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ وَ اكْسِرْ رَايَتَهُمْ وَ أَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ وَ لَا تُبْقِ مِنْهُمْ دَيَّاراً اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَ الْوَلِيدَ لَعْناً يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً وَ يَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضاً اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْناً يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْناً يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ وَ مِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْناً لَا يَخْطُرُ لِأَحَدٍ بِبَالٍ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ وَ ظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَ عَذِّبْهُمَا عَذَاباً فِي التَّقْدِيرِ وَ فَوْقَ التَّقْدِيرِ وَ شَارِكْ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا وَ أَشْيَاعَهُمَا وَ مُحِبِّيهِمَا وَ مَنْ شَايَعَهُمَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ(۱).

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، عَنِ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي سَجْدَهِ الشُّكْرِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَوْمَ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ وَ حُنَيْنٍ أَلْفَ أَلْفِ سَهْمٍ ثُمَّ ذَكَرَ هَذَا الدُّعَاءَ(۲).

**[ترجمه]کلینی نیز این خبر را به سند صحیح روایت کرده و در پایان دعای آخری افزوده است: «و صلی الله علی محمد و آله»،{و درود خدا بر محمد و خاندان او.} شیخ و کفعمی و دیگران نیز این دعاها را در تعقیب نماز مغرب آورده‌اند و دعای دوم را برای زمان بر روی خاک گذاشتن گونه راست، و دعای سوم را برای روی خاک گذاشتن گونه چپ، و دعای چهارم را برای برگشتن دوباره به سجده بیان کرده‌اند. به نظر من، احتمال دارد در این روایت، دعاها برای سجده‌های چهارگانه... نمازهای دو رکعتی باشد، حتی امکان دارد ادعا شود، همین احتمال آشکارتر است؛ ولی کلینی روایت را در بخش دعاهای مطلق سجده، اعم از سجده‌های نماز و غیر آن، آورده است .

عبارت حضرت، علیه السلام «لمّا غفرت»، «لمّا» با تشدید، معنی اثبات دارد و به معنی «إلّا» است، یعنی در تمام حالات بجز حالت آمرزش؛ نتیجه اینکه من درخواست و خواهش را، جز بعد از دستیابی به خواسته‌ام، ترک نمی‌کنم. جوهری گفته است: «سفعته النار و السموم»، یعنی وقتی که آتش و باد گرم او را اندکی سوزانده باشد، به گونه‌ای رنگ پوستش تغییر کرده باشد؛ «السوافع»، یعنی سوزش سم‌ها.

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام زرقا أی زرق العیون وصفوا بذلک لأن الزرق أسوأ ألوان العین و أبغضها إلی العرب لأن الروم کان أعدی عدوهم و هم زرق أو عمیا فإن حدقه الأعمی تزراق و الدع الدفع و الرکس رد الشیء مقلوبا و کذا الإرکاس و قیل أرکسته رددته علی رأسه و الزمر جمع زمره بالضم و هی الفوج و الجماعه فی تفرقه

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۲۱- ۳۲۰.

۲- ۲. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

و قوله علیه السلام اللهم العنهما بعد ذکر أبی جهل و الولید الضمیر راجع إلی الأولین الغاصبین المذکورین فی أول الدعاء و ذکر هذین الکافرین هنا للإبهام علی المخالفین تقیه و لیکون للشیعه مفر عند اطلاع المخالفین علیه بل لا یبعد أن یکون أبو جهل کنایه عن أبی بکر لأنه کان أبا للجهاله مربّیا لها و الولید عن عمر لأنه ولد من غیر أبیه أو لأنه لدناءه نسبه کأنه عبد أو لأنه کان شبیها بالولید فی کون کل منهما ولد زنا کما قال تعالی فیهما ظهرا و بطنا عُتُلٍّ بَعْدَ ذٰلِکَ زَنِیمٍ (۱) فی التقدیر و فوق التقدیر أی عذابا قدرته لهما و فوق ذلک.

**[ترجمه]مهج الدعوات: ما به سندهای خود در کتاب فضل الدّعاء از اسماعیل بن بزیع و نیز از سلیمان بن جعفر الجعفری نقل کردیم که گفته‌اند: نزد امام رضا علیه السلام رفتیم و - دیدیم - در سجده شکر بود؛ پس سجده خود را طول داد و چون سر از سجده برداشت، گفتیم: سجده را زیاد طول دادید، - علت چه بود؟ - فرمود: هر کس این دعا را در سجده شکر بخواند، مانند کسی است که در روز بدر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله تیر انداخته است؛ گفتیم: - می‌توانیم - آن را بنویسیم؟ فرمود: - بلی، - هر گاه سجده شکر نمودی، بگو:

{خدایا، لعنت فرست بر آن دو نفری که دین تو را دگرگون کردند، و نعمت تو را تغییر دادند، و فرستاده تو، صلی الله علیه و آله را متهم نمودند، و با آیین تو مخالفت کردند، و از راه تو جلوگیری نمودند، و موهبتهای تو را ناسپاسی کردند، و کلام تو را بر تو برگرداندند، و فرستاده تو را مسخره نمودند، و فرزند پیامبرت را کشتند، و کتاب تو را تحریف نمودند، و آیات تو را انکار کردند، و آیات تو را به مسخره گرفتند، و از عبادت تو سرکشی نمودند، و دوستداران تو را کشتند، و در جایی که حق آنان نبود نشستند، و مردم را بر شانه‌های خاندان محمد، درودها و سلام‌ها بر آنان باد، سوار کردند.

خدایا، لعنتی بر آن دو فرست که پی در پی باشد، و آن دو و پیروان آن دو را با چشمان تیره به سوی جهنم بفرست؛ خدایا، ما با لعنت فرستادن بر آن دو و اعلام بیزاری از آن دو در دنیا و آخرت، به تو نزدیکی می‌جوییم؛ خدایا، قاتلان امیرالمؤمنین و قاتلان حسین بن علی و فرزند دختر پیامبرت را لعنت کن؛ خدایا، عذاب بالای عذاب و پستی بالای پستی، و خواری بالای خواری، و رسوایی بالای رسوایی را بر آن دو افزونتر کن؛ خدایا، آن دو را با شدت به سوی آتش بران، و به صورت واژگونه در دردناک‌ترین عذاب قرار ده؛ خدایا، آن دو و پیروان آن دو را گروه گروه به سوی جهنم گسیل دار.

خدایا، جمعیت آنان را پراکنده ساز، و کارهایشان را به هم بریز، و بین آنان اختلاف بیانداز و جمعیت آنان را پراکنده ساز و بر پیشوایان آنها لعن فرست، و رهبران و سروران و بزرگان آنها را بکش، و بر مهتران آنها لعنت فرست، و پرچم آنها را بشکن، و در بین آنها سختی و فلاکت بینداز، و از آنها هیچ کس را بر جای مگذار؛ خدایا، بر ابوجهل و ولید، لعنتی پی در پی و مداوم فرست؛ خدایا، بر آنان لعنتی فرست که هر فرشته مقرّبی، و هر پیامبر فرستاده شده‌ای، و هر مؤمنی که دلش را برای ایمان آزموده‌ای، آن دو را با آن لعن کنند؛ خدایا، آن دو را آنگونه لعن فرست که اهل آتش از آن لعنت و عذاب آن دو، به ستوه آیند؛ خدایا، بر آن دو آن گونه لعنتی فرست که به ذهن هیچ کسی نیامده است؛ خدایا، بر آن دو، در سرّ پوشیده خود، و در ظاهر آشکار خودت لعنت فرست، و آن دو را با عذابی که برایشان حتمی کرده‌ای و عذابی بالاتر از آن، عذاب کن، و دختران آن دو، و رهروان و دوستداران آن دو و هر کسی که از آن دو پیروی کند را با آن دو شریک گردان، که تو شنونده... دعا هستی.} - . مهج الدعوات: ۳۲۰-۳۲۱ -

البلد الامین: امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس این دعا را در سجده شکر بخواند، مانند کسی خواهد بود که در روز بدر و احد و حنین همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار هزار تیر انداخته باشد؛ سپس این دعا را بیان کرد. - . در نسخه چاپ شده مأخذ، یافت نشد. -

**[ترجمه]

«۴۵»

الْکِتَابُ الْعَتِیقُ، حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ الْکُوفِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَامِرٍ الشَّعْبِیِّ عَنْ عَدِیِّ بْنِ حَاتِمٍ الطَّائِیِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَوَجَدْتُهُ قَائِماً یُصَلِّی مُتَغَیِّراً لَوْنُهُ فَلَمْ أَرَ مُصَلِّیاً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَمَّ رُکُوعاً وَ لَا سُجُوداً مِنْهُ فَسَعَیْتُ نَحْوَهُ فَلَمَّا سَمِعَ بِحِسِّی أَشَارَ بِیَدِهِ فَوَقَفْتُ حَتَّی صَلَّی رَکْعَتَیْنِ أَوْجَزَهُمَا وَ أَکْمَلَهُمَا ثُمَّ سَلَّمَ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَهَا فَقُلْتُ فِی نَفْسِی نَامَ وَ اللَّهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِیمَاناً وَ تَصْدِیقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَ رِقّاً یَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ بِسُلْطَانِهِ یَا مُذِلَّ الْجَبَّارِینَ بِعَظَمَتِهِ أَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ عِنْدَ حُلُولِ النَّوَائِبِ فَتَضِیقُ عَلَیَّ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا أَنْتَ خَلَقْتَنِی یَا سَیِّدِی رَحْمَةً مِنْکَ لِی وَ لَوْ لَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ وَ أَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ مِنْ أَعْدَائِی وَ لَوْ لَا نَصْرُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ یَا مُنْشِئَ الْبَرَکَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ مُرْسِلَ الرَّحْمَهِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْعِزِّ وَ الرِّفْعَهِ فَأَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَعْتَزُّونَ وَ یَا مَنْ وَضَعَ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُکَ

بِکِبْرِیَائِکَ الَّتِی شَقَقْتَهَا مِنْ عَظَمَتِکَ وَ بِعَظَمَتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلَی عَرْشِکَ وَ عَلَوْتَ بِهَا عَلَی خَلْقِکَ وَ کُلُّهُمْ خَاضِعٌ ذَلِیلٌ لِعِزَّتِکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ص: ۲۲۵

۱- ۱. القلم: ۱۳.

وَ افْعَلْ بِی أَوْلَی الْأَمْرَیْنِ تَبَارَکْتَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ قَالَ عَدِیُّ بْنُ حَاتِمٍ الطَّائِیُّ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَیَّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ بِکُلِّهِ فَقَالَ یَا عَدِیُّ أَ سَمِعْتَ مَا قُلْتُ أَنَا قُلْتُ نَعَمْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَ بَرَأَ النَّسَمَهَ مَا دَعَا بِهِ مَکْرُوبٌ وَ لَا تَوَسَّلَ إِلَی اللَّهِ بِهِ مَکْرُوبٌ وَ لَا مَسْلُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ خِنَاقَهُ وَ حَلَّ وَثَاقَهُ وَ فَرَّجَ هَمَّهُ وَ یَسَّرَ غَمَّهُ وَ حَقِیقٌ عَلَی مَنْ بَلَغَهُ أَنْ یَتَحَفَّظَهُ قَالَ عَدِیٌّ فَمَا تَرَکْتُ الدُّعَاءَ مُنْذُ سَمِعْتُهُ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ حَتَّی الْآنَ.

**[ترجمه]عبارت حضرت، علیه السلام: «زرقاً»، یعنی کبودی چشم؛ از این رو به این وصف، توصیف شده‌اند که کبودی، بدترین نوع رنگ چشم و زشت‌ترین آنها نزد عرب بوده است؛ چرا که رومی‌ها اصلی‌ترین دشمنان آنها و کبود چشم بودند؛ یا به معنی نابینا است، چون حدقه چشم نابینا کبود می‌شود. «الدّع»، یعنی انداختن؛ و «الرکس»، یعنی چیزی را واژگونه گرداندن؛ «الإرکاس» نیز همین طور است. و گفته شده است: «أرکسته»، یعنی بر روی سرش برگرداندم. «الزمر» جمع «زمره» با ضمه، همان گروه، و جمعیت‌های مختلف است.

ضمیر در عبارت حضرت علیه السلام: «اللهم العنهما» بعد از بیان ابوجهل و ولید، به دو نفر اولی غصب کننده که در ابتدای دعا گفته شد، برمی‌گردد و ذکر این دو در اینجا به خاطر مبهم کردن مسئله بر مخالفان و از روی تقیه است و نیز به این خاطر که برای شیعیان، هنگام اطلاع مخالفان بر آن، راه گریزی وجود داشته باشد. حتی بعید نیست ابوجهل، کنایه از ابوبکر باشد که پدر جهالت و پرورش دهنده آن بود، و ولید کنایه از عمر باشد، به این دلیل که از کسی غیر از پدرش تولد یافته است، یا به خاطر پستی نسبش باشد که گویا برده است، یا اینکه به خاطر شباهتش به ولید باشد که هر دو زنا زاده هستند، همان گونه که خدای متعال در مورد آن دو، آشکارا و نهانی فرموده است: «و عُتُلٍّ بعد ذلک زَنیمٍ»، - . القلم/ ۱۳ - {گستاخ، [و] گذشته از آن زنازاده است.}

«فی التقدیر و فوق التقدیر»، یعنی عذابی که بر آنها حتمی کرده‌ای و عذابی بالاتر از آن.

**[ترجمه]

بیان

برحبها أی بسعتها و قال الجوهری نیر الفدان الخشبه المعترضه فی عنق الثورین.

**[ترجمه]الکتاب العتیق: عدی بن حاتم طایی گفته است: پیش امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام رفتم و دیدم به نماز ایستاده و رنگش پریده است، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، هیچ نمازگزاری مثل او ندیده بودم که چنین رکوع و سجده‌های کاملی داشته باشد؛ با عجله به سوی او رفتم؛ چون صدای حرکت مرا شنید، با دست اشاره کرد و من ایستادم تا اینکه دو رکعت را تمام و کمال خواند، سپس سلام داد و پس از آن، به سجده رفت و سجده‌اش را طول داد؛ با خودم گفتم: به خدا او به خواب رفته است؛ سپس سرش را بلند کرد و فرمود: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و این حق و حقیقت است، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، از روی ایمان و باور می‌گویم؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، از روی عبودیت و بندگی می‌گویم؛ ای عزیز کننده مؤمنان با فرمانروایی خودش، ای خوار کننده زورگویان با قدرت خودش، تویی پناهگاه من آن

هنگام که دیـدگاه ها و روش ها در زمان روی آوردن سـختی‌ها مرا عاجز سازنـد و زمین با گستردگی‌اش بر من تنگ شود، و تویی که مرا از روی مهربانی که بر من داشتی، آفریدی، در حالی که از آفریدن من بی نیاز بودی،

و اگر رحمت تو نبود، هرآینه از هلاـک شدگان بودم، و تویی تأییـد کننـده من در پیروزی بر دشـمنانم، و اگر یـاری تو نبود، هرآینه از رسواشدگان بودم.

ای پدیـد آورنـده برکت از جـا هایش، و ای فرسـتنده رحمت از سرچشـمه هایش، ای آن که عزت و بلنـدی را تنها به خودش اختصاص داده و دوسـتدارانش به عزت او عزیز می شونـد، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ خواری بر گردن نهاده اند، در نتیجه از حملات انتقام جویانه اش در هراسـند، از تو می خواهم به حق کبریائی‌ات که آن را از عظمت خودت برون ساختی، و به حق عظمتت که با آن بر عرش خود چیره گشتی، و با آن بر آفریده‌هایت تعالی یافتی، و همگی آنها در برابر عزت تو فروتن و خوار گشته‌اند، بر محمد و خاندان او درود فرست، و برای من بهترین آن دو کار را به انجام رسان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

عـدی بن حـاتم طایی گفته است: سـپس امیرالمؤمنین علیه السـلام رو به طرف من کرد و فرمود: ای عـدی، آیا آنچه را که من گفتم، شـنیدی؟ گفتم: آری، ای امیرالمؤمنین؛ فرمود: به آن خـدایی که دانه را شـکافت و نفس را آفریـد، هیچ گرفتاری با آن دعا نمی‌کنـد و هیـچ جنگ زده و غارت شـده‌ای با آن به خدا متوسل نمی‌شود، مگر اینکه خدا گرفتاری‌اش را بردارد و بندش را بگشاید و اندوهش را برطرف کند و غصه‌اش را به آرامش رساند، و هر کس که این دعا به دسـتش برسد، سزاوار است آن را حفظ کند. عدی گفته است: از زمانی که دعا را از امیرالمؤمنین شنیده‌ام، تاکنون آن را ترک نکرده‌ام.

**[ترجمه]

«۴۶»

الْكَشِّيُّ، عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: إِنَّ الْقُرَّاءَ كَانُوا لَا يَخْرُجُونَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى يَخْرُجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَخَرَجْنَا وَ خَرَجَ مَعَهُ أَلْفُ رَاكِبٍ فَلَمَّا صِرْنَا بِالسُّقْيَا نَزَلَ فَصَلَّى وَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ فَقَالَ فِيهِمَا.

وَ فِي رِوَايَةِ الزُّهْرِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: كَانَ الْقَوْمُ لَا يَخْرُجُونَ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَخْرُجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عليه السلام فَخَرَجَ وَ خَرَجْتُ مَعَهُ فَنَزَلَ فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَسَبَّحَ فِي سُجُودِهِ فَلَمْ يَبْقَ شَجَرٌ وَ لَا مَدَرٌ إِلَّا سَبَّحَ مَعَهُ فَفَزِعْنَا فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا سَعِيدُ أَ فَزِعْتَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا التَّسْبِيحُ الْأَعْظَمُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ لَا يَبْقَى الذُّنُوبُ مَعَ هَذَا التَّسْبِيحِ فَقُلْتُ عَلِّمْنَا.

وَ فِي رِوَايَةِ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ: أَنَّهُ سَبَّحَ فِي سُجُودِهِ فَلَمْ يَبْقَ حَوْلَهُ شَجَرَةٌ وَ لَا مَدَرَةٌ إِلَّا سَبَّحَتْ بِتَسْبِيحِهِ فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا وَ أَصْحَابِي ثُمَّ قَالَ يَا سَعِيدُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لَمَّا خَلَقَ جَبْرَئِيلَ أَلْهَمَهُ هَذَا التَّسْبِيحَ فَسَبَّحَتِ السَّمَاوَاتُ وَ مَنْ فِيهِنَّ لِتَسْبِيحِهِ وَ هُوَ اسْمُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَكْبَرُ-(۱)

١- ١. رجال الكشّيّ ص ١٠٨.

وَ التَّسْبِيحُ هُوَ هَذَا- سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ حَنَانَیْکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ تَعَالَیْتَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ الْعِزُّ إِزَارُکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ الْعَظَمَهُ رِدَاؤُکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ الْکِبْرِیَاءُ سُلْطَانُکَ سُبْحَانَکَ مِنْ عَظِیمٍ مَا أَعْظَمَکَ سُبْحَانَکَ سُبِّحْتَ فِی الْأَعْلَی سُبْحَانَکَ تَسْمَعُ وَ تَرَی

مَا تَحْتَ الثَّرَی سُبْحَانَکَ أَنْتَ شَاهِدُ کُلِّ نَجْوَی سُبْحَانَکَ مَوْضِعُ کُلِّ شَکْوَی سُبْحَانَکَ حَاضِرُ کُلِّ مَلَإٍ سُبْحَانَکَ عَظِیمُ الرَّجَاءِ سُبْحَانَکَ تَرَی مَا فِی قَعْرِ الْمَاءِ سُبْحَانَکَ تَسْمَعُ أَنْفَاسَ الْحِیتَانِ فِی قُعُورِ الْبِحَارِ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْأَرَضِینَ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ الظُّلْمَهِ وَ النُّورِ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْفَیْ ءِ وَ الْهَوَاءِ سُبْحَانَکَ تَعْلَمُ وَزْنَ الرِّیحِ کَمْ هِیَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّهٍ سُبْحَانَکَ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ سُبْحَانَکَ عَجَباً لِمَنْ عَرَفَکَ کَیْفَ لَا یَخَافُکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ (۱).

**[ترجمه]«برحبها»، یعنی با گستردگی‌اش؛ جوهری گفته است: «نیر الفدّان»، یعنی چوبی پهن که در گردن دو گاو شخم زن قرار می‌دادند.

**[ترجمه]

«۴۷»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ فِی سُجُودِهِ- أُنَاجِیکَ یَا سَیِّدِی کَمَا یُنَاجِی الْعَبْدُ الذَّلِیلُ مَوْلَاهُ وَ أَطْلُبُ إِلَیْکَ طَلَبَ مَنْ یَعْلَمُ أَنَّکَ تُعْطِی وَ لَا یَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَکَ شَیْ ءٌ وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ مَنْ یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ تَوَکُّلَ مَنْ یَعْلَمُ أَنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۲).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ یَا سَیِّدَاهْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَجَابَهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَبَّیْکَ عَبْدِی سَلْ حَاجَتَکَ (۳).

۱- ۱. رجال الکشّیّ ص ۱۰۹.

۲- ۲. أمالی الصدوق: ۱۵۴.

۳- ۳. المصدر نفسه ص ۲۴۷.

**[ترجمه]الکشی: سعید بن مسیب گفته است: قاریان قرآن به مکه نمی‌رفتند مگر زمانی که علی بن حسین علیه السلام می...رفت؛ پس ما خارج شدیم و همراه او هزار سواره بیرون آمدند. هنگامی که به السقیا رسیدیم، حضرت فرود آمد و نماز خواند و دو مرتبه سجده شکر به جای آورد و در آنها گفت...

در روایت زهری، سعید بن مسیب گفته است: مردم به سمت مکه بیرون نمی‌رفتند مگر اینکه علی بن حسین، حضرت سید العابدین علیه السلام خارج شود. پس حضرت خارج شد و من نیز همراه او رفتم. در بعضی منزلگاه‌ها فرود می‌آمد و دو رکعت نماز می‌خواند و در سجده‌هایش تسبیح می‌گفت و هیچ درخت و سنگی باقی نمی‌ماند جز اینکه همراه او تسبیح می...گفت. ما به فریاد آمدیم، پس سرش را بلند و فرمود: فریاد زدی، ای سعید؟ گفتم: آری، ای فرزند رسول خدا؛ پس فرمود: این تسبیح اعظم است. فرمود: پدرم از جدم برایم تعریف کرده که او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرموده است: با این تسبیح، هیچ گناهی باقی نمی‌ماند. گفتم: به ما بیاموز.

در روایت علی بن زید از سعید بن مسیب آمده است که حضرت در سجده‌اش تسبیح گفت و پیرامون او هیچ درخت و سنگی باقی نماندند جز اینکه با تسبیح او تسبیح گفتند. من و یارانم از این حالت به فریاد آمدیم؛ سپس فرمود: ای سعید، همانا خدای بزرگوار، هنگامی که جبرئیل را آفرید، این تسبیح را به او الهام کرد، پس آسمان‌ها و هرچه در آنها بود، با تسبیح او تسبیح گفتند، و آن اسم بزرگ خدای عزّوجلّ است.

تسبیح این است: {منزهی تو ای خدای من و رحمت باد تو را؛ منزهی تو ای خدای من و والامرتبه‌ای؛ منزهی تو ای خدای من و عزت، پوشش درونی توست؛ منزهی تو ای خدای من و بزرگی، پوشش بیرونی توست؛ منزهی تو ای خدای من و بزرگی، فرمانروایی توست؛ منزهی تو ای بزرگ، چه با عظمتی؛ منزهی تو، در بالاترین درجه منزهی؛ منزهی تو، می‌شنوی و می‌بینی آنچه را زیر خاک است؛ منزهی تو، که حاضر در نزد هر نجوایی هستی؛ منزهی تو، که جایگاه هر شکایت هستی؛ منزهی تو، که نزد هر اجتماعی حضور داری؛ منزهی تو، ای امید بزرگ؛ منزهی تو، آنچه را که در عمق آب است، می‌دانی؛ منزهی تو، نفس‌های ماهی‌ها در کف دریاها را می‌دانی؛ منزهی تو، وزن آسمان‌ها را می‌دانی؛ منزهی تو، سنگینی زمین‌ها را می‌دانی؛ منزهی تو، وزن خورشید و ماه را می‌دانی؛ منزهی تو، وزن تاریکی و نور را می‌دانی؛ منزهی تو، وزن سایه و هوا را می‌دانی؛ منزهی تو، وزن باد را که چند ذره سنگین است، می‌دانی؛ منزهی تو، پاک هستی، پاک هستی، پاک هستی؛ منزهی تو، شگفتا از کسی که تو را شناخت، پس چگونه از تو نهراسد؛ منزهی تو ای خدای من، و تو را ستایش می‌کنم؛ منزه است خدای والامرتبه بزرگ.} - . رجال لکشی: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۴۸»

قُرْبُ الْإِسْنَادِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام يَقُولُ فِي دُعَائِهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَدْعُونِي ضَرُورَتُهَا عَلَى أَنْ أَتَغَوَّثَ بِشَيْ ءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ اللَّهُمَّ وَ لَا تَجْعَلْ بِي [لِي] حَاجَةً إِلَى أَحَدٍ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ لِئَامِهِمْ فَإِنْ جَعَلْتَ بِي [لِي] حَاجَةً إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاجْعَلْهَا إِلَى أَحْسَنِهِمْ

وَجْهاً وَ خَلْقاً وَ خُلُقاً وَ أَسْخَاهُمْ بِهَا نَفْساً وَ أَطْلَقِهِمْ بِهَا لِسَاناً وَ أَسْمَحِهِمْ بِهَا كَفّاً وَ أَقَلِّهِمْ بِهَا عَلَيَّ امْتِنَاناً(۱).

وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: كَانَ أَبِي علیه السلام يَقُولُ فِي سُجُودِهِ- اللَّهُمَّ إِنَّ ظَنَّ النَّاسِ بِي حَسَنٌ فَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۲).

قَالَ: وَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ- يَا ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْطُفْ بِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي فَإِنَّكَ تَلْطُفُ لِمَنْ تَشَاءُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ سَلَّمَ كَثِيراً(۳).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: اصبغ بن نباته گفته است: اميرالمؤمنين علیه السلام در سجده‌اش می‌گفت: {ای سرور من، تو را همچون بنده خواری که با سرورش گفتگو می‌کند، مناجات می‌کنم؛ و از تو، همچون کسی که می‌داند تو می‌بخشی و هیچ چیزی از آنچه پیش توست، کم نمی‌شود، درخواست می‌کنم؛ و از تو همچون کسی که می‌داند هیچ کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد، آمرزش می‌خواهم؛ و همچون کسی که می‌داند تو بر هر چیزی توانایی، بر تو توکل می‌کنم.} - . أمالي الصدوق: ۱۵۴ -

و از همان کتاب: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بنده در حالت سجده سه مرتبه بگوید: «يا الله، يا رباه، يا سيداه»،{ای خدا، ای پروردگار، ای آقا.} خدای مبارک و والامرتبه جواب می‌دهد: «لبيك عبدی، سل حاجتك»،{اجابت می‌کنم تو را ای بنده‌ام؛ نیاز خود را بخواه.} - . همان: ۲۴۷ -

**[ترجمه]

«۴۹»

الْعُيُونُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ النِّيلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَاهَوَيْهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الصَّائِغِ عَنْ عَمِّهِ: قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ فِي سُجُودِهِ- لَكَ الْحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ عَصَيْتُكَ وَ لَا صُنْعَ لِي وَ لَا لِغَيْرِي فِي إِحْسَانِكَ وَ لَا عُذْرَ لِي إِنْ أَسَأْتُ مَا أَصَابَنِي مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنْكَ يَا كَرِيمُ اغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام نقل کرده که فرموده است: علی علیه السلام در دعای سجده‌اش می‌گفت: {خدایا، از اینکه مرا به گرفتاری مبتلا کنی که ناچاری آن، مرا به پناه بردن به نافرمانی تو بکشاند، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، مرا نیازمند بدهای آفریده‌های خودت و پَست‌های آنان قرار مده؛ و اگر برایم نیازی به هر یک از آفریده... هایت قرار دادی، آن را به نیکوروی‌ترین آنها و نیکوآفریده‌ترین، خوش اخلاق‌ترین، بخشنده‌ترین آنها نسبت به آن نیاز، و خوش زبان‌ترین آنها در مورد آن، و گشاده‌دست‌ترین آنها در مورد آن خواسته، و کم منت‌ترین آنها بر من در مورد آن، قرار ده.} - . قرب الاسناد: ۱ -

و از همان کتاب: با همین سند: امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام در سجده‌اش می‌گفت: «اللهم إن ظن الناس بی

حسن، فاغفر لی ما لا یعلمون، و لا تؤاخذنی بما یقولون، و أنت علام الغیوب»، {خدایا، پندار مردم در باره من نیک بود، پس آنچه را آنان نمی‌دانند - و در من وجود دارد، - بیامرز، و به خاطر آنچه آنان می گویند، مرا بازخواست مکن، و تو آگاه‌ترین به نهان‌ها هستی.} - . قرب الاسناد: ۷ -

فرمود: شنیدم پدرم در سجده می گفت: {ای تکیه گاه و امید من در سختی و آسانی‌ام، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در تمام حالت‌ها بر من مهربانی کن که تو بر هر کسی بخواهی، مهربانی می‌نمایی، و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر محمد پیامبر و اهل بیت پاک او، و سلام فراوان بر آنان باد.} - . قرب الاسناد:۷ -

**[ترجمه]

«۵۰»

التَّوْحِیدُ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ قَالَ سَمِعْتُ

ص: ۲۲۸

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۱.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۷.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۷.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۲ ص ۲۰۵ فی حدیث.

أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام: یَقُولُ فِی سُجُودِهِ یَا مَنْ عَلَا فَلَا شَیْ ءَ فَوْقَهُ وَ یَا مَنْ دَنَا فَلَا شَیْ ءَ دُونَهُ اغْفِرْ لِی وَ لِأَصْحَابِی (۱).

**[ترجمه]العیون: امام رضا علیه السلام در سجده‌هایش می گفت: {خدایا، اگر از تو فرمانبرداری کرده‌ام، پس تو را سپاس باد، و اگر از تو نافرمانی کرده‌ام، هیچ دلیلی - برای دفاع از خود - ندارم، و من و دیگران هیچ نقشی در احسان کردن تو نداریم، و هیچ بهانه‌ای در بدی کردن برایم وجود ندارد، هر نیکی به من برسد، از سوی توست ای بزرگوار، همه مردان و زنان مؤمنی را که در کرانه‌های شرق و غرب زمین قرار دارند، بیامرز.} - . عیون الاخبار ۲: ۲۰۵ (ضمن حدیث) -

**[ترجمه]

«۵۱»

فِقْهُ الرِّضَا، قَالَ علیه السلام: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ فِی سُجُودِهِ- اللَّهُمَّ ارْحَمْ ذُلِّی بَیْنَ یَدَیْکَ وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ وَ وَحْشَتِی مِنَ النَّاسِ وَ أُنْسِی إِلَیْکَ یَا کَرِیمُ فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ أَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَتِکَ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْجُودِ وَ الْغِنَی وَ الْکَرَمِ ارْحَمْ ضَعْفِی وَ شَیْبَتِی مِنَ النَّارِ یَا کَرِیمُ (۲)

وَ کَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَکَ یَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً وَ إِیمَاناً وَ تَصْدِیقاً یَا عَظِیمُ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی یَا کَرِیمُ یَا جَبَّارُ(۳) اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَ جُرْمِی وَ تَقَبَّلْ عَمَلِی یَا کَرِیمُ یَا جَبَّارُ وَ کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ فِی سَجْدَتِهِ یَا کَائِنُ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ یَا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ لَا تَفْضَحْنِی فَإِنَّکَ بِی عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِی فَإِنَّکَ عَلَیَّ قَادِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَدِیلِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ مِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِی الْقَبْرِ وَ مِنَ النَّدَامَهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عِیشَهً نَقِیَّهً وَ مِیتَهً سَوِیَّهً وَ مُنْقَلَباً کَرِیماً غَیْرَ مُخْزٍ وَ لَا فَاضِحٍ (۴)

وَ کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِی وَ رَحْمَتَکَ أَرْجَی عِنْدِی مِنْ عَمَلِی فَاغْفِرْ لِی یَا حَیُّ وَ مَنْ لَا یَمُوتُ (۵) وَ کَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ فِی سُجُودِهِ- لَکَ الْحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُکَ وَ لَکَ الْحُجَّهُ إِنْ عَصَیْتُکَ لَا صُنْعَ لِی وَ لَا لِغَیْرِی فِی إِحْسَانٍ کَانَ مِنِّی حَالَ الْحَسَنَهِ یَا کَرِیمُ صِلْ بِمَا سَأَلْتُکَ مَنْ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی دِینِی بِدُنْیَایَ وَ عَلَی آخِرَتِی بِتَقْوَایَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی فِیمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی

۱- ۱. کتاب التوحید ص ۶۷ ط مکتبه الصدوق.

۲- ۲. فقه الرضا ص ۱۳ ذیل الصفحه و الظاهر[یا کریم یا حنان] بدل« یا کریم یا جبار» کما سیأتی عن الکافی تحت الرقم ۵۸.

۳- ۳. فقه الرضا ص ۱۳ ذیل الصفحه و الظاهر[یا کریم یا حنان] بدل« یا کریم یا جبار» کما سیأتی عن الکافی تحت الرقم ۵۸.

۴- ۴. فقه الرضا ص ۱۳.

۵- ۵. فقه الرضا ص ۱۳.

نَفْسِی فِیمَا قَصَّرْتُ یَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ وَ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ وَ أَعْطِنِی مَا لَا یَنْقُصُکَ وَ بِاللَّهِ التَّوْفِیقُ (۱).

**[ترجمه]التوحید: امام کاظم علیه السلام در سجده‌هایش می گفت: «یا من علا فلا شیء فوقه، و یا من دنی فلا شیء دونه، اغفر لی و لأصحابی»، {ای آنکه والایی یافته، پس هیچ چیزی بالاتر از او نیست؛ و ای آنکه پایین‌تر آمده، پس هیچ چیز نزدیک‌تر از او نیست؛ بر من و یارانم بیامرز.} - . کتاب التوحید: ۶۷ (چاپ مکتبه الصدوق) -

**[ترجمه]

«۵۲»

الْعُیُونُ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام یَقُولُ: إِذَا نَامَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى عَبْدِی قَبَضْتُ رُوحَهُ وَ هُوَ فِی طَاعَتِی (۲).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام صَلَّى سِتَّ رَکَعَاتٍ أَوْ ثَمَانَ رَکَعَاتٍ قَالَ وَ کَانَ مِقْدَارُ رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِیحَاتٍ أَوْ أَکْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَ فِیهَا حَتَّى بَلَّ عَرَقُهُ الْحَصَا وَ ذَکَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ أَلْصَقَ خَدَّیْهِ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ(۳).

وَ مِنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَى الشَّیْبَانِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ الْجَزَرِیِّ عَنِ الشوبانی [الثَّوْبَانِی] قَالَ: کَانَتْ لِأَبِی الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام بِضْعَ عَشْرَةَ سَنَةً کُلَّ یَوْمٍ سَجْدَةٌ بَعْدَ ابْیِضَاضِ الشَّمْسِ إِلَى وَقْتِ الزَّوَالِ الْحَدِیثَ (۴).

**[ترجمه]فقه الرضا: حضرت رضا علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین در سجده‌هایش می گفت: {خدایا، بر خواری من در پیشگاه تو، و زاری من به سوی تو، و هراس من از مردم، و خو گرفتن من به تو، رحم کن، ای بزرگوار، که من بنده تو و زاده... بنده تو هستم، در قبضه قدرت تو قرار دارم، ای دارنده نعمت و برتری و بخشندگی و توانگری و بزرگواری، بر ناتوانی و پیری من از - ماندن در - آتش رحم کن، ای بزرگوار.} - . فقه الرضا: ۱۳ (ذیل صفحه) -

امام باقر علیه السلام در سجده‌اش می گفت: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و این حق و حقیقت است؛ از روی عبودیت و بندگی و ایمان و باور برای تو سجده کردم ای پروردگار؛ ای بزرگ، عمل من کم است، پس آن را برای من دوچندان کن، ای بزرگوار، ای مقتدر؛ گناهانم و جرمم را بیامرز و عملم را بپذیر ای بزرگوار، ای مقتدر.} - . فقه الرضا: ۱۳ (ذیل صفحه) -

امام صادق علیه السلام در سجده‌اش می گفت: {ای موجود قبل از هر چیز، و ای به وجود آورنده هر چیز، رسوایم نکن که تو به کارهای من دانایی، و مرا عذاب نکن که تو بر عذاب کردن من توانایی؛ خدایا، از دگرگون شدن هنگام مرگ، و از بدی بازگشتگاه در قبر، و از پشیمانی در روز قیامت به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، از تو زندگی پاکیزه، و مرگ نیکو و بازگشتگاه با کرامت را که نه خوار کننده باشد و نه رسوا کننده، درخواست می کنم.} - . فقه الرضا: ۱۳ -

و امام صادق علیه السلام می گفت: «اللهم إن مغفرتک أوسع من ذنوبی، و رحمتک أرجی عندی من عملی، فاغفر لی یا حی و من لا یموت»، {خدایا، آمرزش تو از گناهان من گسترده‌تر است، و رحمت تو پیش من از عمل خودم امیدوار کننده‌تر است، پس مرا بیامرز ای زنده، و ای آنکه مرگ ندارد.} - . فقه الرضا: ۱۳ -

امام کاظم علیه السلام در سجده‌هایش می گفت: {خدایا، اگر از تو فرمانبرداری کرده‌ام، پس تو را سپاس باد، و اگر از تو نافرمانی کرده‌ام، دلیل - برای عذاب کردن من - برای تو وجود دارد، و من و دیگران هیچ نقشی در آن احسان که هنگام عمل نیک بر من نموده‌ای نداریم، ای بزرگوار؛ آنچه را که از تو درخواست کردم، به تمام مردان و زنان مؤمنی که در کرانه‌های شرق و غرب زمین قرار دارند و به فرزندانم برسان؛ خدایا، با دنیایم بر نیکو ساختن دینم، و با پرهیزکاری‌ام بر نیکو ساختن آخرتم، مرا یاری رسان؛ خدایا، در آنچه از آن بی‌خبرم، مرا حفظ کن، و در آنچه کوتاهی کرده‌ام، مرا به خودم وامگذار، ای آنکه آمرزش از او نمی کاهد، و گناهان به او زیان نمی‌رساند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آنچه را که به تو زیان نمی‌رساند بر من ببخش و آنچه را که از تو نمی‌کاهد به من عطا کن.} و توفیق به دست خداست. - . فقه الرضا: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۵۳»

الْعِلَلُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَی بْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ السَّعْدَآبَادِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا قَالَ لِکَثْرَهِ سُجُودِهِ عَلَی الْأَرْضِ (۵).

**[ترجمه]العیون: حسن بن علی وشّا گفته است: از امام رضا علیه السلام شنیدم می‌فرمود: هرگاه بنده در حال سجده بخوابد، خدای مبارک و والامرتبه می‌فرماید: روح بنده‌ام را گرفتم، در حالی که او در طاعت من است. - . عیون الاخبار ۱: ۲۸۰ -

و از همان کتاب: حسن بن علی بن فضال گفته است: امام کاظم علیه السلام را دیدم که شش یا هشت رکعت نماز خواند و مقدار رکوع و سجود او به اندازه سه تسبیح یا بیشتر بود؛ وقتی از نماز فارغ شد، سجده کرد و آن قدر طول داد که عرقش سنگریزه‌ها را تر کرد.

و بعضی از اصحاب ما گفته‌اند که گونه‌هایش را بر زمین مسجد گذاشت. - . همان ۲: ۱۷ -

و از همان کتاب: امام کاظم علیه السلام حدود یازده تا نوزده سال، هر روز بعد از سپید شدن خورشید تا هنگام ظهر، در سجده بود. حدیث. - . عیون الاخبار ۱: ۹۵ -

**[ترجمه]

«۵۴»

إِرْشَادُ الْمُفِيدِ، قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَعْبَدَ أَهْلِ زَمَانِهِ إِلَى قَوْلِهِ وَ رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّى نَوَافِلَ اللَّيْلِ وَ يَصِلُهَا بِصَلَاهِ الصُّبْحِ ثُمَّ يُعَقِّبُ حَتَّى تَطْلُعَ

ص: ۲۳۰

۱- ۱. فقه الرضا ص ۱۳.

۲- ۲. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۸۰.

۳- ۳. المصدر ج ۲ ص ۱۷.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۱ ص ۹۵.

۵- ۵. علل الشرائع ج ۱ ص ۳۲.

الشَّمْسُ وَ يَخِرُّ لِلَّهِ سَاجِداً فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الدُّعَاءِ وَ التَّحْمِيدِ حَتَّى يَقْرُبَ زَوَالُ الشَّمْسِ وَ كَانَ كَثِيراً مَا يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ يُكَرِّرُ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]العلل: به امام صادق علیه السلام گفته شد: به چه دلیل خداوند ابراهیم را دوست خود گرفت؟ فرمود: به خاطر سجده فراوان او بر زمین. - . علل الشرایع ۱: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۵۵»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ (۲)، وَ غَيْرُهُ: فِی سُجُودِ الظُّهْرِ وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَقُولَ فِی سُجُودِهِ أَيْضاً- يَا خَيْرَ مَنْ رُفِعَتْ إِلَيْهِ أَيْدِی السَّائِلِينَ وَ يَا أَكْرَمَ مَنْ مُدَّتْ إِلَيْهِ أَعْنَاقُ الرَّاغِبِينَ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ الْطُفْ بِی بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ فِی شَأْنِی كُلِّهِ (۳) وَ قَالُوا فِی تَعْقِيبِ الْعَصْرِ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ أَمْرِرْ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ ثَلَاثاً وَ قُلْ فِی كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْحُزْنَ وَ الْغِيَرَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ (۴) وَ قَالُوا فِی تَعْقِيبِ الْمَغْرِبِ ثُمَّ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَ امْسَحْ مَوْضِعَ سُجُودِكَ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ (۵)

وَ قَالُوا فِی تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى

۱- ۱. إرشاد المفيد ص ۲۷۷.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۴۷.

۳- ۳. البلد الأمين ص ۱۷.

۴- ۴. مصباح المتهجد ص ۵۶.

۵- ۵. المصباح ص ۷۶.

كَثْرَهِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَهُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَبْهَتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]ارشاد المفید: امام کاظم علیه السلام عابدترین فرد زمان خود بود. روایت شده است که آن حضرت، نافله‌های شب را می‌خواند و نماز صبح می گزارد، سپس تا طلوع خورشید تعقیب بجای می‌آورد و برای خدا با سجده به زمین می‌افتاد و تا نزدیک ظهر، سرش را از دعا و ستایش بلند نمی کرد.

و زیاد می گفت: «اللهم إنی أسألک الراحه عند الموت، و العفو عند الحساب»، {خدایا، آرامش هنگام مردن، و بخشش هنگام رسیدگی به حساب را از تو درخواست می کنم.} و آن را تکرار می کرد. - . ارشاد المفید: ۲۲۷ -

**[ترجمه]

بيان

قد يفرق بين الهم و الغم بأن الهم ما يقدر الإنسان على إزالته كالإفلاس و الغم ما لا يقدر كموت الولد أو بأن الهم قبل نزول المكروه و الغم بعده أو أن الهم ما لم يعلم سببه و الغم ما يعلم.

**[ترجمه]مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۴۷ - و غیره: در سجده‌های ظهر: همچنین مستحب است در سجده‌هایش بگوید: {ای بهترین کسی که دست‌های نیازمندان به سوی او بلند شده است، و ای بهترین کسی که گردن‌های مشتاقان به سوی او کشیده شده است، ای بزرگوارترین بزرگواران، ای مهربان‌ترین مهربانان، بر محمد و خاندان پاکیزه و پاک او درود فرست، و در همه کارهایم به مهربانی پوشیده خودت بر من مهربانی کن.} - . البلد الامین: ۱۷ -

و در مورد تعقیب نماز عصر گفته‌اند: وقتی سرت را از سجده بلند کردی، دستت را بر محل سجده‌ات بکش و با آن سه بار بر صورتت بکش و در هر مرتبه بگو: «اللهم لک الحمد لا إله إلا أنت عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم، اللهم أذهب عنی الهم و الغم و الحزن و الغیر، ما ظهر منها و ما بطن»، {خدایا، ستایش مخصوص توست، هیچ خدایی جز تو نیست، آگاه از نهان و آشکار، بخشنده و مهربان هستی؛ خدایا، اندوه و غصه و ناراحتی و دگرگون شدن حال را، خواه آشکار باشند و خواه درونی، از من ببر.} - . مصباح المتهجد: ۵۶ -

و در مورد تعقیب نماز مغرب گفته‌اند: سپس سرت را بلند کن و محل سجده‌ات را مسح کن و بگو: «بسم الله الذی لا إله إلا هو عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم، اللهم أذهب عنی الهم و الحزن»، {به نام خداوندی که هیچ خدایی جز او نیست، داننده نهان و آشکار، بخشنده و مهربان است؛ خدایا، اندوه و ناراحتی را از من ببر.} - . المصباح المتهجد: ۷۶ -

و در مورد تعقیب نماز عشا گفته‌اند: سپس سجده شکر به جای آور و بگو: {خدایا، تو، تو، تو؛ امید قطع شده است جز از تو، تو، تو؛ ای یکتای کسی که هیچ یکتایی برای او نیست؛ ای یکتای کسی که هیچ یکتایی برای او نیست؛ ای یکتای کسی که

هیچ یکتایی برای او جز تو نیست؛[توجه! این جمله ترجمه «یا احد من لا احد له» می‌باشد که به نظر می‌رسد در اینجا منظور یکتایی خدا نیست بلکه منظور یار و یاور است؛ یعنی ای یاور کسی که یاوری ندارد. چنانکه در فارسی می‌گوییم، فلانی کسی را ندارد.] ای کسی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و بخشش او نمی‌افزاید؛ ای کسی که بر فراوانی دعا جز بزرگواری و بخشش نمی‌افزاید؛ ای کسی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و بخشش او نمی‌افزاید؛ بر محمد و اهل بیت او درود فرست؛ بر محمد و اهل بیت او درود فرست؛ بر محمد و اهل بیت او درود فرست.} و نیاز خودت را می‌خواهی، سپس گونه راست خود را بر زمین می‌گذاری و مانند آن را می‌گویی، و گونه چپ خود را بر روی زمین می‌گذاری و مانند آن را می‌گویی، سپس پیشانی خود را به سمت زمین برمی‌گردانی و سجده می‌کنی و مانند آن را می‌گویی. - . المصباح: ۸۱ -

**[ترجمه]

«۵۶»

الْکَافِی، بِإِسْنَادِهِ عَنْ زِیَادٍ الْقَنْدِیِّ قَالَ: کَتَبْتُ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام عَلِّمْنِی دُعَاءً فَإِنِّی قَدْ بُلِیتُ بِشَیْ ءٍ وَ کَانَ قَدْ حُبِسَ بِبَغْدَادَ حَیْثُ اتُّهِمَ بِأَمْوَالِهِمْ فَکَتَبَ إِلَیْهِ إِذَا صَلَّیْتَ فَأَطِلِ السُّجُودَ ثُمَّ قُلْ یَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ حَتَّی یَنْقَطِعَ نَفَسُکَ ثُمَّ قُلْ یَا مَنْ لَا یَزِیدُهُ کَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَ کَرَماً حَتَّی یَنْقَطِعَ نَفَسُکَ ثُمَّ قُلْ یَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِی انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ قَالَ زِیَادٌ فَدَعَوْتُ بِهِ فَفَرَّجَ اللَّهُ عَنِّی وَ خَلَّی سَبِیلِی (۲).

**[ترجمه]فرق بین «الهمّ» و «الغمّ» این است که انسان توانایی از بین بردن همّ را دارد، مانند تهیدستی، ولی غمّ آن است که توانایی از بین بردن آن را ندارد، مانند مرگ فرزند؛ یا اینکه غمّ قبل از اتفاق افتادن کار ناخوشایند است و «غمّ بعد از آن؛ یا اینکه همّ آن است که سبب آن مشخص نباشد، ولی سبب غمّ مشخص است.

**[ترجمه]

«۵۷»

السَّرَائِرُ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِذَا أَصَابَکَ هَمٌّ فَامْسَحْ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ سُجُودِکَ وَ أَمْرِرْ یَدَکَ عَلَی وَجْهِکَ مِنْ جَانِبِ خَدِّکَ الْأَیْسَرِ وَ عَلَی جَبِینِکَ إِلَی جَانِبِ خَدِّکَ الْأَیْمَنِ ثَلَاثاً تَقُولُ فِی کُلِّ مَرَّةٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ السُّقْمِ وَ الْعُدْمِ وَ الصَّغَارِ وَ الذُّلِّ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ (۳).

**[ترجمه]الکافی: زیاد قندی گفته است: به امام کاظم علیه السلام نوشتم: به چیزی گرفتار شده‌ام، دعایی به من بیاموز. وی در بغداد به اتهام دخالت در اموال آنها زندانی شده بود. امام به او نوشت: هنگامی که سجده کردی، آن را طول بده و بگو: «یا أحد من لا أحد له»، {ای یکتای کسی که هیچ یکتایی برای او نیست.} تا آنکه نفست بریده شود؛ سپس بگو: «یا من لا یزیده کثره الدعا إلا جودا و کرما»، {ای کسی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و بخشش او نمی‌افزاید.} تا اینکه نفست قطع گردد؛ سپس بگو: «یا رب الأرباب، أنت الذی انقطع الرجاء إلا منک، یا علی یا عظیم»، {ای پروردگار صاحبان و دارایان، تو

کسی هستی که امید جز از تو قطع شده است، ای والامرتبه، ای بزرگ.} زیاد گفته است: با این دعا کردم، خداوند مشکلم را برطرف کرد و آزاد شدم. - . الکافی ۳: ۳۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

ذکره الشهید فی نفلیته و لم یذکر مسح یده علی موضع سجوده و زاد

ص: ۲۳۲

۱- ۱. المصباح ص ۸۱.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۲۸.

۳- ۳. السرائر ص و نقله الکفعمیّ فی البلد الأمین ص ۱۸.

فیه و یمر یده علی صدره فی کل مره

وَ رَوَاهُ فِی الْکَافِی (۱)

بِسَنَدِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: تَمْسَحُ بِیَدِکَ الْیُمْنَی عَلَی جَبْهَتِکَ وَ وَجْهِکَ فِی دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَ الصَّلَوَاتِ وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ إِلَی آخِرِ مَا مَرَّ.

و لعله محمول علی مسح موضع السجود لدلاله غیره من الأخبار علیه و یحتمل التخییر و یمکن الفرق بین الهم و الحزن بأن الهم علی ما یقع و الحزن علی ما قد وقع و قد مر وجوه أخر و العدم بالضم و بالتحریک الفقر و المراد بالفواحش مطلق المعاصی و هو أظهر أو أفراد الزنا و ما ظهر و ما بطن علانیتها و سرها أو أفعال الجوارح و أفعال القلوب و قیل الزنا فی الحوانیت و اتخاذ الأخدان و عن سید الساجدین علیه السلام ما ظهر نکاح امرأه الأب و ما بطن الزنا

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: مَا ظَهَرَ هُوَ الزِّنَا وَ مَا بَطَنَ الْمُخَالَّهُ.

و یمکن أن یکون الخبران وردا علی المثال.

**[ترجمه]السرائر: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه اندوهی به تو رسید، دستت را بر محل سجده‌ات بکش و آن را بر صورت خود از سمت گونه راست و بر پیشانی به طرف گونه چپ، سه بار بکش و در هر مرتبه بگو: «بسم الله الذی لا إله إلا هو عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم، اللهم إنی أعوذ بک من الهم و الحزن و السقم و العدم و الصغار و الذل و الفواحش، ما ظهر منها و ما بطن»، {به نام خداوندی که هیچ خدایی جز او نیست، آگاه از نهان و آشکار، بخشنده و مهربان است؛ خدایا، از اندوه و ناراحتی و بیماری و ناداری و خواری و ذلت و کارهای زشت، خواه آشکار باشند و خواه پنهان، به تو پناه می‌آورم.} - . السرائر: ؟ ؛ البلد الامین: ۱۸ -

**[ترجمه]

أقول

و یحتمل أن یکون المراد بما ظهر ما علم تحریمها و ما بطن ما لم یعلم و لعل الخبر الأول یومئ إلیه و فی بعض الأخبار ما ظهر تحریمه من ظهر القرآن و ما بطن من بطنه و فی بعضها أن ما بطن منها أئمه الجور و أتباعهم.

**[ترجمه]شهید این را در کتاب النفلیه خود ذکر کرده است ولی مسح دست بر محل سجده را بیان نکرده است؛ و در آن افزوده است: در هر بار دستش را بر سینه‌اش می‌کشد. همین روایت را در الکافی - . الکافی ۳: ۳۴۵ - با سند آن از محمد بن مروان، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در دنباله نماز مغرب و سایر نمازها، با دست راست خودت بر پیشانی و صورت خودت می‌کشی و می‌گویی: «بسم الله....» تا آخر دعایی که گذشت. شاید دلالت بر مسح محل سجده دارد، به این دلیل که روایت‌های دیگر نیز بر آن دلالت دارند. احتمال دارد حمل بر تخییر شود. می‌توان بین «الهم» و «الحزن» این

گونه فرق نهاد که «الهم» بر آنچه اتفاق افتاده، و «الحزن» بر آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، اطلاق می‌شود. صورت‌های دیگر نیز پیش از این گفته شد. «العدم» با ضمه و با فتحه حروف، یعنی ناداری.

منظور از «الفواحش» هر نوع گناه است، و این آشکارتر است؛ یا انواع زنا است؛ «و ما ظهر و ما بطن»، یعنی آشکار و پنهان آن؛ یا کارهای اعضای بدن، و کارهای دل؛ و گفته شده است: یعنی زنا در میکده و دوست پنهانی گرفتن از زنان. از سید الساجدین علیه السلام نقل شده است که «ما ظهر»، ازدواج با زن پدر و «ما بطن»، زنا است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که «ما ظهر»، زنا است و «ما بطن»، دوستی پنهانی با زنان است. ممکن است هر دو روایت به گونه تمثیل وارد شده باشند.

**[ترجمه]

«۵۸»

الْكَافِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَأَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا سَجَدْتَ قُلْتُ عَلِّمْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقُولُ قَالَ قُلْ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا ثُمَّ قُلْ فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ وَ اسْأَلْهُ فَإِنَّهُ جَوَادٌ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ(۲).

وَ مِنْهُ فِي الْمُوَثَّقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام (۳) قَالَ: أَبْطَأَ عَلَيَّ أَبِي علیه السلام ذَاتَ لَيْلَةٍ

۱- ۱. الکافی ج ۳ ص ۳۴۵.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۲۳.

۳- ۳. عن إسحاق بن عمّار قال: قال لی أبو عبد اللّه علیه السلام: انی كنت أمهد. لابی فراشه فأنتظره حتّی یأتی فإذا أوی الی فراشه و نام قمت الی فراشی و انه أبطأ علی ذات لیله فأتیت المسجد فی طلبه بعد ما هدأ الناس فإذا هو فی المسجد ساجد و لیس فی المسجد غیره فسمعت إلخ.

فَأَتَیْتُ الْمَسْجِدَ فِی طَلَبِهِ بَعْدَ مَا هَدَأَ النَّاسُ فَإِذَا هُوَ فِی الْمَسْجِدِ سَاجِدٌ فَسَمِعْتُ حَنِینَهُ وَ هُوَ یَقُولُ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَکَ یَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی اللَّهُمَّ قِنِی عَذَابَکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ وَ تُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ (۱).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ یَقُولُ فِی سُجُودِهِ- سَجَدَ وَجْهِیَ الْبَالِی لِوَجْهِکَ الْبَاقِی الدَّائِمِ الْعَظِیمِ سَجَدَ وَجْهِیَ الذَّلِیلُ لِوَجْهِکَ الْعَزِیزِ سَجَدَ وَجْهِیَ الْفَقِیرُ لِوَجْهِ رَبِّیَ الْغَنِیِّ الْکَرِیمِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ رَبِّ أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا کَانَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا یَکُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِی رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِی أَعْدَائِی رَبِّ لَا تُسِئْ قَضَائِی رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ سَطَوَاتِکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ جَمِیعِ غَضَبِکَ وَ سَخَطِکَ سُبْحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۲)

وَ کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ- ارْحَمْ ذُلِّی بَیْنَ یَدَیْکَ وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ وَ وَحْشَتِی مِنَ النَّاسِ وَ أُنْسِی بِکَ یَا کَرِیمُ (۳) وَ کَانَ یَقُولُ أَیْضاً وَعَظْتَنِی فَلَمْ أَتَّعِظْ وَ زَجَرْتَنِی عَنْ مَحَارِمِکَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ غَمَرْتَنِی أَیَادِیکَ فَمَا شَکَرْتُ عَفْوَکَ عَفْوَکَ یَا کَرِیمُ أَسْأَلُکَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ (۴)

وَ کَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَکَ یَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً یَا عَظِیمُ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی یَا کَرِیمُ یَا حَنَّانُ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی

۱- ۱. الکافی ج ۳ ص ۳۲۳.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۲۷.

۳- ۳. الکافی ج ۳ ص ۳۲۷.

۴- ۴. الکافی ج ۳ ص ۳۲۷.

وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أَحْمِلَ ظُلْماً اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ عَلَيْكَ يَكُونُ ثَوَابُ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْ ثَوَابِهَا بِفَضْلِ طَوْلِكَ وَ بِكَرِيمِ عَائِدَتِكَ (۱).

**[ترجمه]ممکن است منظور از «ما ظهر»، آن چیزی باشد که حرام بودن آن، معلوم باشد و «ما بطن»، آن چیزی است که حرام بودن آن معلوم نباشد و گویا خبر اول، اشاره به این دارد. در بعضی روایت‌ها، «ما ظهر»، آن چیزی است که دلیل حرام بودن آن از ظاهر قرآن فهمیده شود و «ما بطن»، چیزی که دلیل حرام بودنش از باطن قرآن به دست آید. و در بعضی از روایت‌ها، «ما بطن»، آن چیزی است که پیشوایان ستم و پیروان آنها مخفی می کنند.

**[ترجمه]

«۵۹»

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ، وَ غَيْرُهُ: كَتَبَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ عليه السلام إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ فَقَالَ إِذَا سَجَدْتَ فَقُلْ- اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامُ دِينِي وَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَ عَلِيٌّ وَلِيِّي وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفُ الصَّالِحُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ ثَلَاثاً اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِوَأْيِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثاً وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِوَأْيِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَ لَتُخْزِيَنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثاً وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً لِي وَ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثاً ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ مَجْهُودِي فَفَرِّجْ عَنِّي ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَعُودُ إِلَى السُّجُودِ فَتَضَعُ جَبْهَتَكَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ شُكْراً شُكْراً مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ تَقُولُ يَا سَامِعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا(۲).

۱- ۱. الكافي ج ۳ ص ۳۲۷.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۱۶۸.

**[ترجمه]الکافی: جمیلبن دراج گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا، زمانی است که در سجده دعا کند؛ تو در سجده چه می گویی؟ گفتم: فدایت شوم، به من بیاموز چه بگویم. فرمود: بگو: «یا رب الأرباب، و یا ملك الملوك، و یا سید السادات، و یا جبار الجبابره، و یا إله الآلهه، صل علی محمد و آل محمد، وافعل بی كذا و كذا» {ای پروردگار پروردگارها - ی دروغین، - و ای فرمانروای فرمانروایان، و ای آقای آقایان، و ای چیره شده بر همه زورگویان، و ای خدای خدایان - ساختگی، - بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برای من چنین و چنین کن.} سپس بگو: «فأنی عبدك، ناصیتی فی قبضتك»، {كه من بنده تو هستم و اختیارم در دست توست.} سپس هرچه خواستی دعا کن که او بخشنده‌ای است که چیزی بر او بزرگی نمی کند. - . الکافی ۳: ۳۲۳ -

و از همان کتاب: در حدیث موثق از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: شبی پدرم علیه السلام دیر کرد و بعد از اینکه مردم آرمیده بودند، به دنبال او به مسجد رفتم؛ در مسجد در حال سجده بود، صدای ناله او را شنیدم که می گفت: {سوگند که منزهی تو ای پروردگار من، با عبودیت و بندگی برای تو سجده کرده‌ام؛ خدایا، عمل من کم است، پس آن را برای من دوچندان کن؛ خدایا، روزی که بندگانت را برانگیخته می‌سازی، مرا از عذاب خودت نگاه دار و توبه‌ام را بپذیر، که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربان هستی.} - الکافی ۳: ۳۲۳ -

و از همان کتاب: امام صادق علیه السلام فرموده است: در سجده‌هایش می گفت: {روی تباه شده من برای روی جاودانه و همیشگی و بزرگ تو سجده کرده است؛ روی خوار من برای روی عزیز تو سجده کرده است؛ روی فقیرم برای روی توانگر و بزرگوار و والامرتبه و بزرگ پروردگارم سجده کرده است؛ خدایا، از آنچه بوده، و از آنچه بعداً به وجود خواهد آمد، از تو آمرزش می‌خواهم؛ پروردگارا، گرفتارم نکن؛ پروردگارا، دشمنانم را سرزنش کننده من قرار نده؛ پروردگارا، سرنوشتم را بد قرار مده؛ پروردگارا، هیچ دور کننده و هیچ بازدارنده‌ای جز تو وجود ندارد؛ بر محمد و خاندان محمد با برترین دوردهایت درود فرست، و با برترین برکت‌هایت بر محمد و خاندان محمد برکت قرار ده؛ خدایا، از قدرتت به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، از تمام غضب و خشم تو به تو پناه می‌آورم؛ منزهی تو، هیچ خدایی جز تو، پروردگار جهانیان، وجود ندارد.} - . الکافی ۳: ۳۲۷ -

امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده می گفت: «اللهم ارحم ذلی بین یدیك، و تضرعی إلیك، و وحشتی من الناس، و انسی بك یا كریم»، {خدایا، بر خواری من در پیشگاه تو، و زاری من به سوی تو، و هراس من از مردم، و خو گرفتن من به سوی تو، رحم کن.} - . الکافی ۳: ۳۲۷ -

همچنین می گفت: «وعظتَنی فلم أتَّعظ، و زجرتَنی عن محارمك فلم أنزجر، و غمرتَنی أیادیك فما شكرتُ، عفوك عفوك یا كریم، أسألك الراحه عند الموت، و أسألك العفو عند الحساب »، { خدایا، نصیحتم کردی ولی پند نگرفتم، مرا از حرام‌های خودت باز داشتی ولی من دست بر نداشتم، نعمت‌هایت را بر من سرازیر کردی ولی من سپاسگزاری نکردم، گذشت تو را می‌خواهم، گذشت تو را می‌خواهم، ای بزرگوار؛ آرامش هنگام مردن را از تو می‌خواهم، و بخشش هنگام رسیدگی به حساب را از تو می‌خواهم.} - . الکافی ۳: ۳۲۷ -

امام باقر علیه السلام در سجده می گفت: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و این حق و حقیقت است؛ از روی عبودیت و

بندگی برای تو سجده کردم ای پروردگار؛ ای بزرگ، عمل من کم است، پس آن را برای من دوچندان کن، ای بزرگوار، ای مهربان، گناهانم و جرمم را بیامرز و عملم را بپذیر ای بزرگوار، ای مهربان؛ از اینکه نومید شوم یا زیر بار ستم روم، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، نعمت از سوی توست، و تو سپاسگزاری از آن را روزی می‌نمایی، و ثواب آن شکری را که برایش از روی بخشندگی، و با نیکی بزرگوارانه‌ات، ثواب قرار دادی، بر عهده توست.} - . الکافی ۳: ۳۲۷ -

**[ترجمه]

بيان

هذا الدعاء رواه الكلينى (۱) و الصدوق (۲)

و الشيخ (۳) و غيرهم رضوان الله عليهم بأسانيد حسنه لا تقصر عن الصحيح عن عبد الله بن جندب قال سألت أبا الحسن الماضى عليه السلام عما أقول فى سجده الشكر فقد اختلف أصحابنا فيه فقال قل و أنت ساجد و ذكر الدعاء و فيها و على و فلان و فلان إلى آخرهم أئمتى و فى الفقيه ذكر أسماءهم عليهم السلام و ليس فى الكافى و التهذيب اللهم إنى أنشدك بوأيك على نفسك لأعدائك إلى قوله ثلاثا و فى الفقيه موجود هكذا لتهلكنهم بأيدينا و أيدى المؤمنين و مقدمه على فقره الأولياء و فيها جميعا بعدوك و عدوهم و ليس فيها ففرج عنى.

قوله عليه السلام أنشدك دم المظلوم أنشد على وزن أقعد يقال نشدت فلانا و أنشده أى قلت له نشدتك الله أى سألتك بالله و المراد هنا أسألك بحقك أن تأخذ بدم المظلوم أعنى الحسين عليه السلام و تنتقم من قاتليه و من الأولين الذين أسسوا أساس الظلم و الجور عليه و على أبيه و أخيه سلام الله عليهم أجمعين و يحتمل أن يكون المراد أنشدك بحق دم المظلوم أن تطلب بثأره.

بوأيك الوأى الوعد و قوله لتهلكنهم اللام لجواب القسم لما فى الوأى بمعنى القسم و المقسم عليه فى أنشده مقدر من جنسه بعد الصلوات بقرينه الوأى أى أنشدك أن تنجز وعدك و تهلكهم أو يقال الصلاه عليهم ترجع إلى هذا المعنى فإن رحمه الله عليهم

مشتمل على رواج دينهم و نصرهم و ظفرهم على الأعادى كما ورد فى الخبر فى معنى السلام عليهم و سيأتى تحقيقه فى باب الصلاه عليهم.

و الوأى إشاره إلى قوله تعالى وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضى

۱- ۱. الكافى ج ۳ ص ۳۲۵.

٢- ٢. فقيه من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٢١٧.

٣- ٣. التهذيب ج ١ ص ١٦٦ ط حجر ج ٢ ص ١١١ ط نجف.

لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً(۱) و الباء إما للسببيه أی أنشدک بسبب وعدک أو صله للنشد أی أقسم علیک بحق وعدک.

ثم اعلم أن فی أکثر نسخ الحدیث و الدعاء بإیوائک و لم یرد فی اللغه بهذا المعنی و لا بمعنی یناسب المقام لکن ما أهمله أهل اللغه من الاستعمالات و الاشتقاقات کثیر فیمکن أن یکون هذا منها.

و قال الشیخ البهائی قدس سره الإیواء بالیاء المثناه التحتانیه و آخره ألف ممدوده العهد و لا أدری من أین أخذه و یمکن أن یکون استعمل هنا مجازا فإن من وعد شیئا فکأنه آواه و أنزله من نفسه منزلا حصینا.

و قد ورد مثله فی أخبار العامه قال فی النهایه فی حدیث وهب إن الله تعالی قال إنی أویت علی نفسی أن أذکر من ذکرنی قال القتیبی هذا غلط یشبه أن یکون من المقلوب و الصحیح وأیت من الوأی بمعنی الوعد یقال وأیت علی نفسی أی جعلته وعدا علی نفسی انتهی.

و المستحفظین یمکن أن یقرأ بالبناء للفاعل أی حفظوا کتاب الله و دینه و سائر أماناته أو طلبوا حفظ ذلک من علماء شیعتهم و بالبناء للمفعول أی استحفظهم الله إیاها و الأخیر أظهر إشاره إلی قوله تعالی بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ کِتابِ اللَّهِ وَ کانُوا عَلَیْهِ شُهَداءَ(۲) یا کهفی حین تعیینی المذاهب أی ملجئی حین تتعبنی مسالکی إلی الخلق و ترddداتی إلیهم فی تحصیل بغیتی و تدبیر أمری و ربما یقرأ بنونین أولاهما مشدده من العناء بمعنی المشقه و لعله تصحیف.

بما رحبت ما مصدریه أی برحبها و سعتها و فی بعض النسخ هنا و آل محمد و علی المستحفظین فالمراد بالمستحفظین علماء الشیعه و رواه أخبارهم أی الذین

۱- ۱. النور: ۵۵.

۲- ۲. المائده: ۴۴.

حفظوا العلوم من آل محمد صلی الله علیه و آله و قبلوا حفظ أسرارهم و لعله زید من النساخ.

قد و عزتک الواو للقسم و کثیرا ما یتوسط القسم بین قد و مدخولها و مجهود الرجل وسعه و طاقته أی بلغت طاقتی إلی النهایه و فی بعض النسخ بلغ بی مجهودی أی أبلغنی مجهودی إلی الغایه أو أبلغنی الأمر الذی أقلقنی إلی نهایه الطاقه.

ثم اعلم أن قوله ثم تقول یا سامع الصوت إلی آخره لم یکن داخلا فی تلک الروایات (۱) و الظاهر أن الشیخ أخذه من روایه أخری.

**[ترجمه]مصباح الشیخ و غیره: امام کاظم علیه السلام به عبدالله بن جندب نامه نوشت و فرمود: وقتی سجده کردی، بگو: {خدایا، تو را گواه می گیرم، و گواه بودن تو بس است، و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و تمام آفریده های تو را گواه می گیرم، به اینکه تو پروردگار من هستی، و اسلام دین من است، و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر من است، و علی مولای من است، و حسن و حسین، و علی بن حسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و آن بازمانده نیک، درودهای تو بر همه آنان، امامان من هستند، با آنها اظهار دوستی می کنم و از دشمنان آنها بیزاری می‌جویم.

خدایا، به خون مورد ستم واقع شده قسمت می‌دهم، -سه مرتبه- خدایا به وعده‌ای که برای دوستدارانت بر عهده گرفته‌ای قسمت می‌دهم که آنان را بر دشمن خودت و دشمنان آنان پیروز گردانی، بر محمد و بر نگهداری شدگان از خاندان محمد درود فرستی؛ - سه مرتبه - و سه مرتبه می گویی: خدایا، به وعده‌ای که برای دشمنانت بر عهده گرفته‌ای، که آنان را به دست خودشان و به دست مؤمنان به هلاکت برسانی و خوارشان گردانی، قسمت می‌دهم که بر محمد و خاندان محمد و بر نگهداری شدگان از خاندان محمد درود فرستی؛ و می گویی: خدایا، آسانی بعد از دشواری را از تو درخواست می کنم.}

سپس گونه راست خود را بر زمین گذاشته و سه مرتبه می گویی: {ای پناهگاه من، آن هنگام که روش‌ها و نظرات گوناگون مرا به درماندگی بکشاند، و زمین به آنچه گسترده شده است، تنگ گردد؛ و ای به وجود آورنده هستی من از روی مهربانی، و در حالی که از آفرینش من بی‌نیاز بود؛ بر محمد و خاندان محمد، و بر نگهداری شدگان از خاندان محمد درود فرست.} سپس گونه چپ خود را بر زمین نهاده و سه مرتبه می گویی: {ای خوار کننده هر سلطه‌جو، و ای عزیز کننده هر خوار شده، به عزتت سوگند که توان و تلاشم به پایان رسیده است، پس مشکلم را از من برگشا.} سپس سه مرتبه می گویی: «یا حنان یا منان، یا کاشف الکرب العظام»، {ای مهربان، ای نعمت دهنده، ای برطرف کننده سختی بزرگ.} سپس به حالت سجده برمی‌ گردی و پیشانی را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گویی: «شکراً شکراً»، {سپاسگزاری می کنم؛ سپاسگزاری می کنم.} سپس می گویی: «یا سامع الصوت، یا سابق الفوت، یا باریء النفوس بعد الموت، صل علی محمد و آل محمد، و افعل بی کذا و کذا»، {ای شنونده صدا، ای پیشی گرفته بر نابودی، ای به وجود آورنده جان‌ها بعد از مرگ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در مورد من چنین و چنین کن.} - . مصباح الشیخ: ۱۶۸ -

**[ترجمه]

الْكَافِی، عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ زِیَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: کَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ فِی سُجُودِهِ- أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا یُطْفَی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ جَدِیدُهَا لَا یَبْلَی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا یَرْوَی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا یُکْسَی (۲).

وَ مِنْهُ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ رَیَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَیْهِ عِلَّهَ أُمِّ وَلَدٍ لِی أَخَذَتْهَا فَقَالَ قُلْ لَهَا تَقُولُ فِی السُّجُودِ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ مَکْتُوبَهٍ- یَا رَبِّی وَ یَا سَیِّدِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِی مِنْ کَذَا وَ کَذَا فَبِهَا نَجَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَیْمَانَ مِنَ النَّارِ قَالَ فَعَرَضْتُ هَذَا الْحَدِیثَ عَلَی بَعْضِ أَصْحَابِنَا فَقَالَ أَعْرِفُ فِیهِ یَا رَءُوفُ یَا رَحِیمُ یَا رَبِّی یَا سَیِّدِی افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا(۳).

**[ترجمه]کلینی - . الکافی ۳: ۳۲۵ - و صدوق - . فقیه من لا یحضره الفقیه ۱: ۲۱۷ - و شیخ - . التهذیب ۱: ۱۶۶ (چاپ سنگی)؛ همان ۲: ۱۱۱ (چاپ نجف) - و دیگران این دعا را با سندهای آن به صورت حسن که چیز کمی از روایت صحیح ندارد، از عبدالله بن جندب روایت کرده اند که گفته است: از امام کاظم علیه السلام در مورد آنچه باید در سجده شکر بگویم پرسیدم، - اصحاب ما در اینجا اختلاف نظر دارند - حضرت فرمود: در حالی که در سجده باشی بگو:... و دعا را ذکر کرد و در آن، «و علیّ و فلان و فلان إلی آخرهم أئمتی»، {و علی علیه السلام و فلانی و فلانی تا آخر، پیشوایان من هستند.} را آورده و در الفقیه اسم‌های آنان، علیهم السلام را ذکر کرده است. در الکافی و التهذیب، عبارت «اللهم إنی أنشدک بوأیک علی نفسک لأعدائک»، {خدایا، به خاطر وعده‌ای که برای دشمنانت بر عهده گرفته‌ای.} تا عبارت «ثلاثاً» {سه مرتبه} وجود ندارد ولی در الفقیه موجود است. همین طور عبارت «لتهلکنَّهم بأیدینا و أیدی المؤمنین»، {که آنان را به دست ما و به دست مؤمنان به هلاکت برسانی.} وجود دارد که بر فقره «الأولیاء» مقدم است. علاوه بر این در همه موارد، «بعدوِّک و عدوِّهم» آمده و «ففرِّج عنی»، {پس مشکلم را از من برگشا.} وجود ندارد.

کلام حضرت، علیه السلام: «أنشدک دم المظلوم»، «أنشد» بر وزن «أقعد» است. گفته می‌شود: «نشدت فلاناً، و أنشده»، یا بگویی: «نشدتک الله» یعنی به خدا از تو خواستم. منظور از آن در اینجا این است که به حق تو، درخواست می‌کنم که انتقام خون مظلوم، یعنی حسین علیه السلام را بگیری و از قاتلان او و از پیشینیان و پسینیانی که پایه‌های ستم و زور بر او و پدر و برادرش علیهم السلام را پی‌ریزی کردند، انتقام بستانی. همچنین احتمال دارد منظور از آن در اینجا، این باشد که به حق خون مورد ستم واقع شده، از تو درخواست می‌کنم که انتقام او را بگیری .

«بوأیک»: «وأی»، یعنی وعده. در عبارت «لتهلکنهم»، حرف لام جواب سوگندی است که در «بوأیک» آمده است و مورد قسم، در «أنشدک» بعد از صلوات ها، از جنس خود آن و در تقدیر است و قرینه آن، «وأی» است؛ یعنی از تو می‌خواهم که وعده‌ات را به انجام رسانی و آنان را به هلاکت برسانی. یا اینکه گفته می‌شود: درود بر آنها به این معنی برمی‌گردد، به این دلیل که همان طور که در روایت، در مورد سلام فرستادن بر آنها آمده است، رحمت خدا بر آنها، شامل گسترش دین آنها و یاری آنان و پیروزی‌شان بر دشمنانشان می‌شود. توضیح آن در باب «الصلاه علیهم»، {درود فرستادن بر آنها} خواهد آمد.

«الوأی» به این کلام خدای متعال «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من

قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الـذی ارتضـی لهم و لیبـدلنهم من بعـد خوفهم أمناً یعبـدوننی لا یشـرکون بی شـیئا»، - . النور/ ۵۵ - {خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشـین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسـندیده است به سودشان مسـتقر کنـد، و بیمشان را به ایمنی مبـدل گردانـد، [تا] مرا عبادت کننـد و چیزی را با من شـریک نگردانند.} اشاره دارد و حرف باء در آن، - یعنی «بوأیک»- یا برای بیان سـبب است، یعنی به سـبب وعده‌ای که داده‌ای، از تو درخواست می کنم؛ یا اینکه صله برای «نشد» است، یعنی به خاطر وعده‌ای که داده‌ای، به تو سوگند می‌خورم.

این را هم بـدان که در بیشتر نسـخه‌های حـدیث و دعا، به صورت «بایوائک» آمـده است و در لغت، به این معنی و یا به معنایی که در اینجا مناسب باشد نیامده است، لکن آنچه که لغت‌شـناسان در کاربردها و صرف کلمات اعمال کرده‌اند، فراوان است و ممکن است این نیز جزو آنها باشد .

شیـخ بهـایی - که روانش پـاک باد، - گفته است: «الایواء» یعنی عهـد؛ و نمی‌دانم آن را از کجا گرفته است و ممکن است در اینجـا به صورت مَجازی اسـتفاده شـده باشـد، چرا که هر کس وعـده‌ای می‌دهـد، گویا او را پناه داده و او را از سوی خود، در منزلی مستحکم جای داده است.

نمونه این در روایت‌های عامه نیز وارد شـده است. در النهایه گفته است: در حـدیثی که وهب روایت کرده است، خدای متعال فرموده است: من بر خودم عهد کرده‌ام که هر کس را که مرا یاد کند، یاد کنم. قتیبی گفته است: این اشتباه است و چنین می... نمایـد که برگردانـده شـده باشـد و شـکل درست آن، «وأیت» از «وأی» و به معنی وعده است. وقتی گفته می‌شود: «وأیت علی نفسی»، یعنی آن را وعده‌ای بر عهده خودم قرار دادم. پایان.

«المسـتحفظین»، هم ممکن است در صـیغه فاعـل خوانـده شود؛ یعنی کتـاب و دین و سـایر امـانت‌های خـدا را نگاه داشـتند، یا نگاهـداری آنها را از علمای شیعه درخواست کرده‌انـد؛ و ممکن است در صـیغه مفعول خوانده شود؛ یعنی خدا آن را به آنان سپرد؛ و همین معنا آشکارتر است و به کلام خدای متعال: «بما اسـتحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء»، - . المائده/ ۴۴ - {به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند.} اشاره دارد.

«یـا کهفی حین تعیینی المـذاهب»، یعنی هنگـام خسـته شـدن از رفتن و گشـتن دنبال مردم برای به دست آوردن خواسـته‌ام و و چاره مشکلم، پناهگاهم هستی. چه بسا با دو حرف نون خوانده شود که اولی با تشدید، برگرفته از «العناء» به معنی توان‌فرسایی است. گویا در آن جابجایی صورت گرفته است.

در عبارت «بما رحبت»، «ما» مصدری است؛ یعنی با گستردگی و وسـعت آن. در بعضـی نسخه‌ها، در اینجا «و آل محمد و علی المسـتحفظین» آمـده و منظور از «المسـتحفظین»، عالمـان شیـعه و روایت کننـدگان خبرهای آنها هسـتند؛ یعنی کسانی که علوم خاندان محمد را حفظ کردند و نگاه داشتن اسرار آنها را پذیرفتند. شاید این عبارت از سوی نویسندگان افزوده شده باشد.

در عبـارت «قـد و عزتـک»، حرف واو برای قسـم اسـت و زیـاد اتفـاق می‌افتـد که قسم بین «قـد» و مـدخول آن واقـع می‌شـود.

«مجهوود الرجل»، یعنی توانایی و تحمل او، یعنی طاقت من به پایان رسیده است. در بعضی نسخه‌ها، «بلغ بی مجهودی» آمده است؛ یعنی توانم مرا به پایان رسانده؛ یا کاری که مرا پریشان کرده است، مرا به نهایت ناتوانی رسانده است.

سپس بدان که عبارت «ثم تقول یا سامع الصوت»، {سپس می گویی: ای شنونده صدا} تا آخر آن، در آن روایت‌ها - . یعنی کتابهای الکافی، الفقیه و التهذیب - وارد نشده است و ظاهراً شیخ آن را از روایت دیگری بر گرفته است.

**[ترجمه]

بیان

لعل جعفر بن سلیمان کان من الأصحاب و ابتلی من المخالفین بالإحراق بالنار فنجاه الله منها بالدعاء و لم یذکر ذلک فی الرجال و یحتمل أن یکون المراد نار الآخره.

lt;meta info=". الکافی: زیاد بن مروان گفته است: امام کاظم علیه السلام در سجده‌هایش می گفت: «أعوذ بک من نار حرها لا یطفی، و أعوذ بک من نار جدیدها لا یبلی، و أعوذ بک من نار عطشانها لا یروی، و أعوذ بک من نار مسلوبها لا یکسی»، {خدایا، از آتشی که سوزشش خاموش نمی‌شود، به تو پناه می‌آورم؛ و از آتشی که شعله‌های تازه‌اش کهنه نمی‌شود، به تو پناه می‌آورم؛ و از آتشی که تشنه‌اش سیراب نمی‌شود به تو پناه می‌آورم؛ و از آتشی که برهنه‌اش پوشیده نمی‌شود، به تو پناه می‌آورم.} - . الکافی ۳: ۳۲۸ -

و از همان کتاب: به امام صادق علیه السلام از بیماری کنیزی که خریده بودم، شکوه کردم، فرمود: به او بگو: در سجده‌های بعد از هر نماز واجب بگوید: «یا ربی و یا سیدی، صل علی محمد و علی آل محمد، و عافنی من کذا و کذا»، {ای پروردگار من و ای آقای من، بر محمد و بر خاندان او درود فرست، و مرا از فلان بیماری سلامتی ده.} با این دعا، جعفر بن سلیمان از آتش نجات یافت. گفته است: این حدیث را به تعدادی از اصحاب خودمان گفتم. - پس گفت: - در مورد آن، این گونه می‌دانم: «یا رئوف یا رحیم، یا ربی و یا سیدی، افعل بی کذا و کذا»، {ای بسیار دلسوز و مهربان، ای پروردگار من، ای آقای من، در مورد من چنین و چنین کن.} - . الکافی ۳: ۳۲۸ -

**[ترجمه]

«۶۱»

دَلَائِلُ الْإِمَامَهِ، لِلطَّبَرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ الْمُطَّلِبِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ السَّمُرِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَحْمُودِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الْمَحْمُودِیِّ عَنِ

ص: ۲۳۸

۱- ۱. یعنی نسخه الکافی و الفقیه و التهذیب.

۲- ۲. الکافی ج ۳ ص ۳۲۸.

۳- ۳. الکافی ج ۳ ص ۳۲۸.

الْقَائِمِ علیه السلام قَالَ: کَانَ یَقُولُ زَیْنُ الْعَابِدِینَ علیه السلام عِنْدَ فَرَاغِهِ مِنْ صَلَاتِهِ فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ یَا کَرِیمُ مِسْکِینُکَ بِفِنَائِکَ یَا کَرِیمُ فَقِیرُکَ زَائِرُکَ حَقِیرُکَ بِبَابِکَ یَا کَرِیمُ (۱).

**[ترجمه]گویا جعفر بن سلیمان از اصحاب - امامان - بوده که توسط دشمنان گرفتار سوختن در آتش شده بود که با این دعا، از آن نجات یافت؛ و این شخص در کتاب‌های رجال ذکر نشده است. همچنین احتمال دارد منظور از آن، آتش آخرت باشد.

**[ترجمه]

بیان

لعل هذا الدعاء لسجده الشکر بعد صلاه الطواف أو لمطلق الصلاه فی هذا المکان لمناسبه لفظ الدعاء و لأنه علیه السلام قال ذلک لجماعه من الطالبین له بعد فراغه من الطواف عند الکعبه.

**[ترجمه]دلائل الامامه طبری: حضرت قائم علیه السلام فرموده است: حضرت زین العابدین علیه السلام هنگام فارغ شدن از نماز، در سجده شکر می‌گفت: «یا کریم، مسکینک بفنائک، یا کریم، فقیرک زائرک، حقیرک ببابک یا کریم»، {ای بزرگوار، بینوای تو در پیشگاه تو قرار گرفته است؛ ای بزرگوار، نیازمند تو در درگاه تو است؛ بنده ناچیز تو در آستان تو ایستاده است، ای بزرگوار.} - . دلائل الامامه: ۲۹۵ -

**[ترجمه]

«۶۲»

الْفَقِیهُ، قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَقَالَ یَا رَبِّ یَا رَبِّ حَتَّی یَنْقَطِعَ نَفَسُهُ قَالَ لَهُ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَبَّیْکَ مَا حَاجَتُکَ (۲).

**[ترجمه]گویا این دعا برای سجده شکر بعد از نماز طواف، یا برای هر نمازی در این مکان (مسجد الحرام) است و به تناسب واژه دعا؛ و نیز به این دلیل که حضرت این را برای گروهی که خواستار دیدار او بعد از فارغ شدن او از طواف نزد کعبه بودند، فرمود.

**[ترجمه]

«۶۳»

إِخْتِیَارُ ابْنِ الْبَاقِی، عَنْ خَدِیجَهَ الْکُبْرَی قَالَتْ: کَانَتْ لَیْلَتِی مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا أَنَا بِهِ سَاجِدٌ کَالثَّوْبِ الطَّرِیحِ فَسَمِعْتُهُ یَقُولُ سَجَدَ لَکَ سَوَادِی وَ آمَنَ بِهِ فُؤَادِی رَبِّ هَذِهِ یَدَایَ وَ مَا جَنَیْتُ عَلَی نَفْسِی یَا عَظِیماً یُرْجَی لِکُلِّ عَظِیمٍ اغْفِرْ لِیَ

الذُّنُوبَ الْعَظِيمَهَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ علیه السلام عَلَّمَنِی ذَلِکَ وَ أَمَرَنِی أَنْ أَقُولَ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ الَّتِی سَمِعْتَهَا فَقُولِیهَا فِی سُجُودِکِ فَمَنْ قَالَهَا فِی سُجُودِهِ لَمْ یَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّی یُغْفَرَ لَهُ.

**[ترجمه]الفقیه: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بنده سجده کند و تا قطع شدن نفسش «یا ربّ، یا ربّ»، {ای پروردگار من، ای پروردگار من} بگوید، پروردگار مبارک و والا- مرتبه می‌فرماید: «لبیک، ما حاجتک؟»، {تو را اجابت می کنم، خواسته‌ات چیست؟} - . الفقیه ۱: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

أقول

قد مر بعض الأخبار فی باب فضل التعقیب و سیأتی بعضها فی أبواب آداب النوافل إن شاء الله.

ص: ۲۳۹

۱- ۱. دلائل الإمامه ص ۲۹۵.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ ص ۲۱۹.

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی: خدیجه کبری علیها السلام فرمود: شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل من بود، پس او را دیدم که مانند لباس روی زمین پهن شده، در سجده بود. پس شنیدم که می‌گفت: «سجد لک سوادی و آمن بک فؤادی، رب هذه یدای و ما جنیت علی نفسی، یا عظیماً یرجی لکل عظیم، اغفر لی الذنوب العظیمه»، {پیکر خاکی من برای تو سجده کرده است، و قلبم به تو ایمان آورده است، پروردگارا، اینها دو دست من است و جنایت‌هایی که با اینها بر خودم کردم؛ ای خدای بزرگی که برای هر کار بزرگی مورد امیدواری است، گناهان بزرگ مرا بیامرز.} سپس فرمود: جبرئیل علیه السلام این را به من آموخت و دستور داد این کلماتی را که شنیدی، بگویم. - ای خدیجه، تو نیز - آنها را در سجده‌هایت بگو، که هر کس آنها را در سجده‌هایش بگوید، سرش را بلند نمی‌کند، مگر اینکه آمرزیده شده است.

**[ترجمه]

باب ۴۵ الأدعیه و الأذکار عند الصباح و المساء

تفسیر

وَ سَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْکارِ(۱) یدل علی فضل التسبیح فی أول النهار و آخره کما هو ظاهر اللفظ و إن فسر بالصلاه أیضا کما مر.

بِالْغَداهِ وَ الْعَشِیِ (۲) یدل فی الموضعین علی فضل الدعاء فی الوقتین کما روی و إن فسر بصلاه الصبح و العصر أیضا.

وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ (۳) أی فی القلب أو بالإخفات و یشتمل التفکر فی صفات الله تبارک و تعالی و أمثاله مما یذکر الرب تعالی به و روی زراره(۴) عن أحدهما علیهما السلام قال معناه إذا کنت خلف إمام تأتم به فأنصت و سبح فی نفسک یعنی

۱- ۷. آل عمران: ۴۱.

۲- ۸. الأنعام: ۵۲.

۳- ۹. الأعراف: ۲۰۵.

۴- ۱۰. التهذیب ج ۱ ص ۲۵۵.

فیما لا ـ یجهر الإمام فیه بالقراءه تَضَرُّعاً وَ خِیفَهً یعنی بتضرع و خوف وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ أی باللسان خفیا إذا حمل السابق علی ذکر القلب أو جهرا لا یبلغ حد العلو و الإفراط إذا حمل الأول علی الذکر اللسانی الخفی أو الأعم منه و من الذکر القلبی.

قال فی مجمع البیان (۱)

معناه ارفعوا أصواتکم قلیلا فلا تجهروا بها جهارا بلیغا حتی یکون عدلا بین ذلک و قیل إنه أمر للإمام أن یرفع صوته فی الصلاه بالقراءه مقدار ما یسمع من خلفه.

بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ هو جمع أصیل و هو الوقت بعد العصر إلی المغرب فالآیه تدل علی استحباب الذکر فی الوقتین و آدابه و أن الإسرار فی الذکر و الدعاء أفضل من الإجهار و أنه ینبغی أن یکون مع التضرع و الخوف و حضور القلب و سیأتی تمام القول فی ذلک کله (۲)

و سیأتی خبر العیاشی (۳) فی تفسیره بالتهلیل و کذا قوله تعالی أَنْ سَبِّحُوا بُکْرَهً وَ عَشِیًّا(۴) و قوله سبحانه وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ (۵) یدلان علی فضل التسبیح و التحمید فی تلک الأوقات و قد مر و سیأتی فی الخبر تفسیره بالتهلیل المخصوص و کذا آیه النور تحض علی التسبیح بالغدو و الآصال (۶).

و کذا آیه الروم تحض علی التسبیح و التحمید للحی القیوم عند الصباح و المساء و العشی و کذا آیه الأحزاب حیث خص سبحانه البکره و الأصیل بعد الأمر

ص: ۲۴۲

۱- ۱. مجمع البیان ج ۴ ص ۵۱۵.

۲- ۲. راجع ج ۸۵ ص ۶۸- ۶۹ الذیل.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۴۵.

۴- ۴. مریم: ۱۱.

۵- ۵. طه: ۱۳.

۶- ۶. سیأتی فی محله أن آیه النور تشیر الی جواز اتمام الصلوات فی تلک البیوت حال السفر بل الی رجحانه.

بالذکر الکثیر مطلقا تدل علی مزید اختصاص للوقتین بالذکر و التسبیح و کذا آیه المؤمن تأمر بالتسبیح و التحمید فی الوقتین بل الاستغفار أیضا علی أحد الاحتمالین و کذا آیه الفتح و آیه ق تدل علی تأکد استحباب التسبیح و التحمید قبل الطلوع و قبل الغروب و التعقیب فی أدبار الصلوات.

وَ رُوِیَ فِی مَجْمَعِ الْبَیَانِ (۱)

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ فَقَالَ تَقُولُ حِینَ تُصْبِحُ وَ حِینَ تُمْسِی عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

و لذا قال بعض المحدثین بوجوب هذا التهلیل فی هذین الوقتین لکون الأصل فی أوامر القرآن المجید الوجوب عندهم کما دل علیه بعض الأخبار و آیه الدهر تدل علی فضل مطلق الذکر فی الوقتین.

و بالجمله الآیات متظافره و الأخبار متواتره فی فضل الدعاء و الذکر فی هذین الوقتین شکرا لنعمه ما مضی من الیوم و ما تیسر له فیه من نعم الله الکامله و تمهیدا لما یستقبله من اللیل و استعاذه من طوارقه و استجلابا لبرکاته و فوائده و التوفیق فیه لطاعه ربه و کذا العکس و لأن فی الوقتین الفراغ للعباده و الدعاء أکثر و فی الصباح لم یشتغل بأعمال الیوم بعد و فی المساء قد فرغ منها.

و أیضا فیهما تظهر قدره الله الجلیله من إذهاب اللیل و الإتیان بالنهار و بالعکس مع ما فیهما من المنافع العظیمه الداله علی کمال لطفه و حکمته سبحانه فیستحق بذلک ثناء طریفا و شکرا جدیدا.

و أیضا فی الوقتین یظهر ظهورا بینا أن جمیع الممکنات فی معرض التبدل و التغیر و الفناء و الانقضاء و هو سبحانه باق علی حال لا یعتریه الزوال و لا یخاف علیه الأهوال و لا تتبدل علیه الأحوال فیتنبه العارف المتدبر فی الأرض و السماء أنه سبحانه المستحق للتسبیح و التمجید و التحمید و الثناء العتید و بعباره أخری فی هاتین الساعتین تنادی جمیع المخلوقات فی الأرضین و السماوات

۱- ۱. مجمع البیان ج ۹ ص ۱۵۰.

بأنها مخلوقه مربوبه مفتقره فی وجودها و بقائها و سائر صفاتها إلی صانع حکیم منزه عن صفات الحدوث و الإمکان و سمات العجز و النقصان کما قال سبحانه وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ (۱) فلما سمع العارف تسبیحهم بسمع الیقین و الإیمان ینبغی أن یوافقهم و یرافقهم بالقلب و اللسان بل نقول بتعدی روحه و نفسه و جسده و أعضائه بشراشرها جمیع ذلک بلسان الحال فیجب أن یصدقها بالمقال فی جمیع الأحوال لا سیما فی هاتین الحالتین اللتین ظهور ذلک فیهما أکثر من سائر الأحوال.

و أیضا ینبغی للإنسان أن یحاسب نفسه کل یوم و لیله کما مر فی الأخبار فعند المساء ینظر و یتفکر فیما عمل به فی الیوم و ساعاته و ما قصر فیه من طاعاته و ما أتی به من سیئاته فیستغفر الله و یحمده استدراکا لما فات منه من الحسنات و استمحاء لما أثبت فی دفاتر أعماله من السیئات و فی الصبح یتفکر لما جری فی لیله من الغفلات و فات منه من الطاعات فیتلافی ذلک بالذکر و الدعاء و الاستغفار و یتوب إلی ربه العالم بالخفایا و الأسرار.

و النکات فی ذلک کثیره لیس هذا مقام إیرادها و بما نبهنا علیه لعل العارف الخبیر یطّلع علیها أو علی بعضها و سیأتی فی الأخبار نبذ منها و الله الموفق للخیر و الصواب.

lt;meta info="- «خطاب به زکریا علیه السلام: و سَبِّح بالعشیّ و الابکار» - . آل عمران/ ۴۱ -

{و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی.}

- «و لا تَطرد الّذینَ یَدعونَ ربَّهم بالغدوهِ و العشیِّ یُریدونَ وَجهَه» - . الانعام/ ۵۲ -

{و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می خوانند- در حالی که خشنودی او را می خواهند- مران.}

- «وَ اذکُر ربَّک فی نَفسِک تَضرُّعاً و خیفهً و دونَ الجَهرِ من القَولِ بالغُدُوِّ و الآصالِ و لا تَکن مِن الغافلینَ» - . الاعراف/ ۲۰۵ -

{و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.}

- «و اصبِر نفسَک معَ الّذینَ یَدعونَ ربَّهم بالغُدوهِ و العَشیِّ یُریدونَ وجهَه» - . الکهف/ ۲۸ -

{و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن.}

- «فخرَج علی قومِه مِن المحرابِ فأوحی إلیهم أن سَبِّحوا بُکرهً و عَشیّاً» - . مریم/ ۱۱ -

{پس، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید.}

- «و سَبِّح بحَمد ربِّک قبلَ طلوعِ الشَّمسِ و قبلَ غروبِها و مِن آناءِ اللّیل فسَبِّح و أطرافَ النَّهار لعلَّک تَرضی» - . طه/ ۱۳۰ -

{و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و

حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.}

- «يُسبِّحُ له فيها بالغدوِّ و الآصالِ * رجالٌ لا تُلهيهِم تِجارَةٌ و لا بَيعٌ عن ذكرِ الله» - . النور/ ۳۶-۳۷ -

{در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند: مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا به خود مشغول نمی دارد.}

- «فسُبحانَ اللهِ حينَ تُمسونَ و حينَ تُصبحونَ و له الحمدُ فی السَّمواتِ و الأرضِ و عشيّاً و حينَ تُظهرونَ» - . الروم/ ۱۷ -

{پس خدا را تسبیح گویید آن گاه که به شامگاه درمی آیید و آن گاه که به بامداد درمی شوید. و ستایش از آنِ اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید.}

- «و سَبِّحوه بُكرةً و أصيلًا» - . الاحزاب/ ۴۲ -

{و صبح و شام او را به پاکی بستایید.}

- «و استَغفِر لِذنبِك و سبِّح بحمدِ ربِّك بالعشیِّ و الابكار» - . المؤمن/ ۵۵ -

{و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش.} - «و تُعَزِّروه و تُوَقِّروه و تُسَبِّحوه بُكرةً و أصيلًا» - . الفتح/ ۹ -

{و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید.}

- «و سبِّح بحمدِ ربِّك قبلَ طلوعِ الشَّمسِ و قبلَ الغروبِ و مِن اللّيلِ فسَبِّحهُ و أدبارَ السُّجود» - . ق/۳۹-۴۰ -

{و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی؛ و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی.}

- «و اذكُر اسمَ ربِّك بُكرةً و أصيلًا» - . الدهر/ ۲۵ - {و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن.}

**[ترجمه]

الأخبار

«۲»

الْكَافِي، بِسَنَدِهِ عَنْ غَالِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ (۲) قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا

۱- ۱. أسری: ۴۴.

۲- ۲. الرعد: ۱۵.

وَ هِیَ سَاعَهُ إِجَابَهٍ(۱).

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ إِبْلِیسَ عَلَیْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ یَبُثُّ جُنُودَ اللَّیْلِ مِنْ حِینِ تَغِیبُ الشَّمْسُ وَ تَطْلُعُ فَأَکْثِرُوا ذِکْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی هَاتَیْنِ السَّاعَتَیْنِ وَ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ إِبْلِیسَ وَ جُنُودِهِ وَ عَوِّذُوا صِغَارَکُمْ فِی هَاتَیْنِ السَّاعَتَیْنِ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَهٍ(۲).

**[ترجمه]جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه دو فرشته مراقب انسان، حفظ کرده خود را به سوی خدای متعال بالا ببرند و خدای مبارک و والامرتبه در ابتدا و انتهای آن برایش خوبی ببیند، جز این نیست که به فرشتگانش می‌فرماید: بنگرید که من برای بنده‌ام هر آنچه را که در پرونده‌اش وجود دارد، بخشیدم .

**[ترجمه]

بیان

ربما یقال إن قوله فإنهما ساعتا غفله إشاره إلی قوله تعالی بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلِینَ (۳) و قوله علیه السلام فی الخبر الأول و هی ساعه إجابه الضمیر راجع إلی کل واحد و التأنیث باعتبار الخبر و الظاهر أنه علیه السلام فسر السجود بالدعاء علی معناه اللغوی و هو الخضوع.

قال البیضاوی وَ لِلّهِ یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً(۴) یحتمل أن یکون السجود علی حقیقته فإنه یسجد له الملائکه و المؤمنون من الثقلین طَوْعاً حالتی الشده و الرخاء و الکفره له کَرْهاً حال الشده و الضروره وَ ظِلالُهُمْ بالعرش و أن یراد به انقیادهم لإحداث ما أراده فیهم شاءوا أو کرهوا و انقیاد ظلالهم لتصریفه إیاها و التقلیص.

و قوله بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ ظرف لیسجد و المراد بها الدوام أو حال من الظلام و تخصیص الوقتین لأن الامتداد و التقلیص أظهر فیهما انتهی و قد مر تفصیل القول فیه فی محله.

**[ترجمه]الکافی: امام صادق علیه السلام در مورد کلام خدای عزّوجلّ فرموده است: «و ضِلالُهم بالغُدُوِّ و الآصالِ»، - . الرعد/ ۱۵ - {و هر که در آسمان‌ها و زمین است، و سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، خواه ناخواه برای خدا سجده می کنند.} فرمود: آن همان دعای قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن است که آن، لحظه اجابت است. - . الکافی ۲: ۵۲۲ -

و از همان کتاب: امام باقر علیه السلام فرمود: ابلیس، که لعنت‌های خدا بر او باد، لشگریان شب را هنگام غروب خورشید و طلوع آن پخش می کند؛ پس در این دو ساعت، خدای عزّوجلّ را فراوان یاد کنید و از بدی رساندن ابلیس و لشگریانش به خدا پناه ببرید و کودکانتان را در این دو ساعت تعویذ کنید که این دو ساعت، لحظه‌های غفلت هستند. - . الکافی ۲: ۵۲۲ -

**[ترجمه]

الْكَافِی، بِإِسْنَادِهِ عَنْ شِهَابٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِذَا تَغَیَّرَتِ الشَّمْسُ فَاذْکُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ کُنْتَ مَعَ قَوْمٍ یَشْغَلُونَکَ فَقُمْ وَ ادْعُ (۵).

**[ترجمه]چه بسا گفته شود: کلام حضرت که فرمود: «فانّهما ساعتا غفلهٍ»،(این دو ساعت، لحظه‌های غفلت هستند.) اشاره به این کلام خدای متعال که فرموده است: «بالغدوِّ و الآصالِ و لا تَکن مِن الغافلینَ»، - . اعراف/ ۲۰۵ - {بامدادان و شامگاهان ... و از غافلان مباش.} باشد؛ و در این کلام او، علیه السلام «و هی ساعهُ إجابهٍ»، (و آن، لحظه‌ی اجابت است.) در روایت نخست، ضمیر به هر یک از آن دو برمی‌گردد و مؤنث آوردن آن، به اعتبار روایت است و ظاهراً حضرت علیه السلام، سجده کردن را با توجه به معنای لغوی آن که خضوع است، به دعا تفسیر کرده‌اند.

بیضاوی گفته است: «و لله یَسجُدُ مَن فی السَّمواتِ و الأرضِ طوعاً و کرهاً»، {هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواسته یا ناخواسته برای خدا سجده می‌کند.} احتمال دارد سجده به صورت حقیقی باشد، چرا که فرشتگان و مؤمنان از هر دو گروه بزرگ انس و جن، بر او سجده می‌کنند؛ «طوعاً» یعنی در دو حالت سختی و فراخی، برای او سجده می‌کنند. و کافران به خدا «کرهاً» یعنی در حالت گرفتاری و ناچاری؛ و «ضلالهم» به عرش، و با آن، فرمانبرداری آنان برای ایجاد آنچه در آنها اراده کرده است، اراده شده باشد، چه بخواهند و چه نخواهند؛ و فرمانبرداری سایه‌هایشان، برای تغییر و کاستن آنها توسط اوست.

و کلام او: «بالغُدُوِّ و الآصالِ»، ظرف برای «لِیَسجُدَ» است و منظور از آن، پایدار ماندن است، یا حال از تاریکی؛ و دلیل تخصیص آن دو وقت، به این خاطر است که امتداد و کاستن در این دو آشکارتر است. پایان. سخن مفصل در این باره، در جای خود گفته شد.

**[ترجمه]

«۴»

مَجَالِسُ الْمُفِیدِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۲.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۲.

۳- ۳. الرعد: ۱۵.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴.

۵- ۵. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴.

أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُوَكَّلَ بِالْعَبْدِ يَكْتُبُ فِی صَحِيفَةِ أَعْمَالِهِ فَأَمْلُوا فِی أَوَّلِهَا خَيْراً وَ آخِرِهَا خَيْراً يُغْفَرْ لَكُمْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]الکافی: با اسناد از شهاب روایت کرده و گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: وقتی خورشید دگرگون شد، خدای عزّوجلّ را یاد کن، و اگر همراه مردم باشی که تو را سرگرم می‌سازند، برخیز و دعا کن. - . الکافی ۲: ۵۲۴ -

**[ترجمه]

«۵»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِیِّ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَ فِی صَحِيفَتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّی رَسُولُ اللَّهِ وَ تُفْتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ وَ يُقَالَ لَهُ يَا وَلِیَّ اللَّهِ ادْخُلْ مِنْ أَيِّهَا شِئْتَ فَلْيَقُلْ إِذَا أَصْبَحَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی ذَهَبَ بِاللَّيْلِ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً مَرْحَباً بِالْحَافِظَيْنِ وَ حَيَّاكُمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ وَ يَلْتَفِتُ عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ يَلْتَفِتُ عَنْ شِمَالِهِ وَ يَقُولُ اكْتُبَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنِّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ وَ عَلَى ذَلِكَ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ اللَّهُمَّ أَقْرِئْ مُحَمَّداً وَ آلَهُ مِنِّی السَّلَامَ (۲).

عُدَّةُ الدَّاعِی، عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مِثْلَهُ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی ذَهَبَ بِاللَّيْلِ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً مَرْحَباً بِالْحَافِظَيْنِ وَ يَلْتَفِتُ عَنْ يَمِينِهِ حَيَّاكُمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ وَ يَلْتَفِتُ عَنْ شِمَالِهِ.

**[ترجمه]مجالس المفید: امام باقر علیه السلام از پدرشان نقل کرده و فرموده است: فرشته گمارده شده برای بنده، اعمال او را در پرونده‌ای می‌نویسد، پس در ابتدای آن و در آخرش، خوبی برای او دیکته کنید تا خداوند برای شما بین آن دو را بیامرزد. - . أمالی المفید: ۹ (نخستین حدیث از مجلس اول) -

**[ترجمه]

«۶»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّكُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: كَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله يَقِفُ عِنْدَ طُلُوعِ كُلِّ فَجْرٍ عَلَى بَابِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ نِعْمَتِهِ وَ حُسْنِ بَلَائِهِ عِنْدَنَا نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ صَبَاحِ النَّارِ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَسَاءِ النَّارِ

الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

ص: ۲۴۶

۱- ۱. أمالی المفید ص ۹ أول حدیث من المجلس الأول.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۲.

عَنْکَمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً(۱).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام از طریق پدرانش علیهم السلام نقل کرده و فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خوشحال می‌شود که در روز قیامت خدا را دیدار کند و در پرونده‌اش، گواهی باشد که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و من فرستاده خدا هستم، و درهای هشتگانه بهشت برای او گشوده شود و به او گفته شود: ای دوستدار خدا، از هر کدام که خواستی، وارد شو، پس باید هنگامی که صبح می کند، بگوید: {سپاس مخصوص خدایی است که با قدرت خود شب را برد و با رحمت خود روز را به صورت آفرینشی نو آورد؛ خوشامد می گویم به دو مراقب، و تحیت خدا بر شما دو نویسنده.} و به سمت راست و سپس به سمت چپ رو کند و بگوید: {بنویسید، به نام خدای بخشنده مهربان، گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، و اینکه محمد، بنده و فرستاده اوست؛ و گواهی می‌دهم که قیامت آمدنی است و هیچ تردیدی در آن نیست، و اینکه خدا هر کسی را که در قبر است بر می انگیزد؛ بر پایبندی به این زندگی می کنم و بر پایبندی به این می‌میرم، و به خواست خدا، بر پایبندی به این برانگیخته خواهم شد؛ خدایا، بر محمد و خاندان او از طرف من سلام برسان.} - . أمالی الصدوق: ۱۲ -

عده الداعی: مثل همین روایت را از طریق امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده و در پایان آن افزوده است: «الحمد لله الّذی ذهب باللّیل بقدرته، و جاء بالنّهار برحمته، خلقاً جدیداً، مرحباً بالحافظین»، {سپاس مخصوص خدایی است که با قدرت خود شب را برد و با رحمت خود روز را به صورت آفرینشی نو آورد؛ خوشامد می گویم به دو مراقب.} و به سمت راست رو می کند و می گوید: «حیّاکما الله من کاتبین»، {تحیّت خدا بر شما دو نویسنده.} و رو به طرف چپ کند.

**[ترجمه]

بیان

سمع سامع أی لیسمع کل من یتأتی منه السماع أنا نحمد الله و نظهر نعمته علینا قال فی النهایه فیه سمع سامع بحمد الله و حسن بلائه علینا أی لیسمع السامع و لیشهد الشاهد حمد الله تعالی علی ما أحسن إلینا و أولانا من نعمه و حسن البلاء النعمه و الاختبار بالخیر لیتبین الشکر و بالشر لیظهر الصبر انتهی.

و قال النووی هذا معنی سمع بکسر المیم و روی بفتحها مشدده بمعنی بلغ سامع قولی هذا لغیره تنبیها علی الذکر و الدعاء فی السحر و قال غیره أی من کان له سمع فقد سمع بحمدنا لله و إفضاله علینا فإن کلیهما قد اشتهر و استفاض حتی لا یکاد یخفی علی ذی سمع.

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و فرموده است: پیامبر صلی الله علیه و آله، هر سپیده دم بر در خانه علی و فاطمه می‌ایستاد و می‌فرمود: {سپاس مخصوص خدای نیکی رساننده ستاینده نعمت دهنده بخشنده‌ای است که در پرتو نعمت‌های او، نیکی‌ها به کمال می‌رسند؛ هر شنوایی ستایش ما برای

خدا و نعمت‌های نیک او پیش ما را بشنود؛ از آتش به خدا پناه می‌بریم؛ از صبحگاه آتش، به خدا پناه می‌بریم؛ از شامگاه آتش، به خدا پناه می‌بریم؛ نماز، ای اهل خانه! به درستی که خدا می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.} - . أمالی الصدوق: ۸۸ -

**[ترجمه]

«۷»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمَلَكَ يَنْزِلُ بِصَحِيفَتِهِ أَوَّلَ النَّهَارِ وَ آخِرَ النَّهَارِ فَيَكْتُبُ فِيهَا عَمَلَ ابْنِ آدَمَ فَأَمْلُوا فِی أَوَّلِهَا خَيْراً وَ فِی آخِرِهَا خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْفِرُ لَكُمْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فَاذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ (۲) وَ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ(۳).

ثواب الأعمال، عن أبيه عن عبد الله الحميری عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علی: مثله (۴) العياشی، عن جابر: مثله (۵).

ص: ۲۴۷

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۸۸.

۲- ۲. البقره: ۱۵۲.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۳۴۵، و الآيه الأخيره فی سوره العنكبوت: ۴۵.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۵۲.

۵- ۵. تفسير العيّاشیّ ج ۱ ص ۶۷.

**[ترجمه]«سمِع سامِعٌ» یعنی هر کسی که از او شنیدن برمی‌آید، بشنود که ما خدا را ستایش می‌کنیم و نعمت او بر خودمان را آشکار می‌کنیم. در النهایه گفته است: «سمع سامع بحمد الله و حُسن بلائه علینا» یعنی ستایش خدای والامرتبه را بر آن نیکی... که به ما کرده و ما را با نعمت‌هایش برتری داده است، شنونده بشنود و شاهد گواهی دهد. و «حسن البلاء» یعنی نعمت و آزمودن با خوبی، تا سپاسگزاری آشکار شود، و با بدی، تا شکیبایی را به ظهور برساند. پایان .

نووی گفته است: این معنی «سمع» با کسره حرف میم است؛ روایت با فتحه میم و با تشدید نیز نقل شده است و به این معنی است که شنونده این سخن مرا برای دیگری برساند، و اشاره به ذکر و دعای در سحر دارد. دیگری گفته است: هر کس شنوایی دارد، حتماً ستایش ما برای خدا و بخشندگی او بر ما را شنیده است، چرا که هر دوی آنها تا جایی که بر هیچ شنوایی پوشیده نمانده باشد، معروف و منتشر گشته‌اند.

**[ترجمه]

«۸»

تَفْسِیرُ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ نُوحٌ إِذَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ یَقُولُ أَمْسَیْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَى بِی مِنْ نِعْمَةٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا عَلَیَّ وَ الشُّكْرُ كَثِیراً فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ عَبْداً شَكُوراً(۱) فَهَذَا كَانَ شُكْرَهُ (۲).

العیاشی عن جابر: مثله (۳).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: فرشته با پرونده‌اش، ابتدای روز و پایان روز فرود می‌آید و در آن، کردار فرزند آدم را می‌نویسد، پس در ابتدای آن، خوبی دیکته کنید و در پایان آن، خوبی دیکته کنید، چرا که خدای عزّوجلّ میان این دو را به خواست خودش برای شما می‌آمرزد؛ و خدای عزّوجلّ می... فرماید: «اُذکرونی أذکركم»، {مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم.} - . البقره/ ۱۵۲ - و می‌فرماید: «و لَذِكرُ اللهِ أكبرُ»، - . العنکبوت/ ۴۸ - {و قطعاً یاد خدا بالاتر است.} - . أمالی الصدوق: ۳۴۵ -

ثواب الاعمال: مثل همین را روایت کرده است. - . ثواب الاعمال: ۱۵۲ -

العیاشی: مثل همین را روایت کرده است. - . تفسیر العیاشی ۱: ۶۷ -

**[ترجمه]

«۹»

تَفْسِیرُ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ، عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسْرِیَ بِی عَلَّمَتْنِی الْمَلَائِكَةُ قَوْلًا أَقُولُهُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ- اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِی أَصْبَحَ مُسْتَجِیراً بِعَفْوِكَ وَ ذَنْبِی أَصْبَحَ

مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ وَ ذُلِّي أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ وَ فَقْرِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَ وَجْهِيَ الْبَالِيَ الْفَانِيَ أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَ أَقُولُ ذَلِكَ إِذَا أَمْسَيْتُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم: امام باقر علیه السلام فرمود: نوح هنگام صبح و شب می گفت: «أمسیتُ أشهد أنّه ما أمسی بی من نعمهٍ فی دینٍ أو دنیا فانّها من الله وحده لا شریک له، له الحمد بها علیّ و الشکرُ کثیراً»، {به شامگاه رسیدم، در حالی که گواهی می‌دهم، هر نعمتی که در دین و دنیا در شامگاه برایم وجود دارد، از سوی خداوند یگانه‌ای است که هیچ شریکی برای او وجود ندارد، به خاطر آن، برای او ستایش و سپاسگزاری فراوان بر عهده من است.} به خاطر همین، خداوند «إنّه کانَ عبداً شکوراً»، - . أسری/ ۳ - {راستی که او بنده ای سپاسگزار بود.} را نازل کرد و این سپاسگزاری او بود. - . تفسیر القمی: - ۳۷۷

العیاشی: مثل این را از جابر روایت کرده است. - . تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مَجَالِسُ الْمُفِيدِ(۵)

وَ مَجَالِسُ الشَّيْخِ، عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ الْمَرَاغِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُدْرِكٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَلَفِ بْنِ تَمِيمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حُبَيْشٍ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي قُرَّةَ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ره قَالَ: قَالَ لِيَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَا سَلْمَانُ إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ- اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَكَ أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ قُلْهَا ثَلَاثاً وَ إِذَا أَمْسَيْتَ فَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِنَّهُنَّ يُكَفِّرْنَ مَا بَيْنَهُنَّ مِنْ خَطِيئَةٍ(۶).

ص: ۲۴۸

۱- ۱. أسری: ۳.

۲- ۲. تفسیر القمّیّ ص ۳۷۷.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۸۰.

۴- ۴. تفسیر القمّیّ ص ۳۷۵.

۵- ۵. أمالی المفید ص ۱۴۲.

۶- ۶. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۸۹.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هنگامی که به معراج برده شدم، فرشتگان سخنی به من آموختند که موقع صبح کردن و شب کردن بگویم: {خدایا، در این صبحگاه، ستمم مرا پناهنده به گذشت تو کرده است، و گناهم مرا پناهنده به آمرزش تو نموده است، و خواری‌ام مرا پناهنده به عزت تو کرده است، و ناداری‌ام مرا پناهنده به بی‌نیازی تو نموده است، و روی فرسوده و از بین رفته من، مرا به روی همیشگی و جاودانه تو که از بین نمی‌رود، پناهنده نموده است.} و همین را هنگام شب کردن می گویم. -. تفسیر القمی: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۱۱»

الْخِصَالُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً وَ مِثْلَهَا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ مِثْلَهَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ مَنَعَ مَالَهُ مِمَّا يَخَافُ وَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ لَمْ يُصِبْهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ذَنْبٌ وَ إِنْ جَهَدَ إِبْلِيسُ (۱)

وَ قَالَ عليه السلام اطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقْسِمُ اللَّهُ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ (۲).

**[ترجمه]مجالس المفید -. أمالی المفید: ۱۴۲ - و مجالس الشیخ: سلمان فارسی گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان، وقتی صبح کردی، بگو: «اللّهم أنت ربّی لا شریک لک، أصبحنا و أصبح الملک لله»، {خدایا، تو پروردگار من هستی، هیچ شریکی برای تو وجود ندارد، صبح کردیم و فرمانروایی برای خدا به صبح رسید.} سه بار این را بگو و وقتی شب کردی، مثل آن را بگو، که آنها هر خطایی را که بین آن دو باشند، می‌پوشاند. -. أمالی الطوسی ۱: ۱۸۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ هِلَالِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَفَّارِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الدِّعْبِلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ أَخِي دِعْبِلٍ الْخُزَاعِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ - اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي سَهْماً وَافِراً فِي كُلِّ حَسَنَةٍ أَنْزَلْتَهَا مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ اصْرِفْ عَنِّي كُلَّ مُصِيبَةٍ أَنْزَلْتَهَا مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَافِنِي مِنْ طَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي مِنْ رِزْقٍ وَ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ (۳) فَسُقْهُ إِلَيَّ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ آمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۴).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام از طریق پدرانش علیهم السلام نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس قبل از طلوع خورشید، یازده مرتبه - سوره -«قل هو الله أحد» و مثل آن، «إنّا أنزلناه»، و مثل آن، آیه الکرسی را بخواند، دارایی‌اش از آنچه بیم دارد، نگاه داشته می‌شود؛ و هر کس «قل هو الله أحد» و «إنّا أنزلناه» را قبل از طلوع خورشید بخواند، در

آن روز، هرچند ابلیس بکوشد، به گناهی آلوده نمی‌شود. - . الخصال ۲: ۱۶۲ -

و فرموده است: در فاصله بین سپیده دم تا طلوع خورشید به دنبال روزی بگردید که آن زمان برای طلب روزی از مسافرت در زمین سریع‌تر نتیجه می‌دهد و آن ساعتی است که روزی بین بندگان تقسیم می‌شود. - . الخصال ۲: ۱۵۸ -

**[ترجمه]

بیان

الظاهر أن المراد قراءه جمیع الدعاء ثلاثا و یحتمل کون المراد آمین فقط.

**[ترجمه]مجالس الشیخ: امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امام باقر علیه السلام نقل کرده و فرموده است: وقتی صبح کردی، سه مرتبه بگو: {خدایا، از هر نیکی که در این روز از آسمان به زمین فرو می‌فرستی، برای من بهره فراوانی قرار ده؛ و پیشامد ناگواری را که در این روز از آسمان به زمین فرو می‌فرستی، از من دور کن؛ و مرا از درخواست آن روزی... ای که برایم مقدر نکرده‌ای معاف دار [و از روزی‌ای که برایم مقدر ساخته‌ای،] - . مقدار اضافه شده از مأخذ است. - آن را در آسانی و عافیت از طرف خودت، به سوی من سوق ده.} - . أمالی الطوسی ۱: ۳۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّیْخِ، بِالْإِسْنَادِ الْمُتَقَدِّمِ عَنْ أَخِی دِعْبِلٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ علیه السلام یَقُولُ: أَمْسَیْنَا وَ أَمْسَی الْمُلْکُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الَّذِی ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَ جَاءَ بِاللَّیْلِ وَ نَحْنُ فِی عَافِیَهٍ مِنْهُ اللَّهُمَ

ص: ۲۴۹

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶۲.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۵۸.

۳- ۳. زیاده من المصدر.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۸۰.

هَذَا خَلْقٌ جَدِيدٌ قَدْ غَشَّانَا فَمَا عَلِمْتَ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ فَسَهِّلْهُ وَ قَيِّضْهُ وَ اكْتُبْهُ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَ مَا عَلِمْتَ فِيهِ مِنْ شَرٍّ فَتَجَاوَزْ عَنْهُ بِرَحْمَتِكَ أَمْسَيْتُ لَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَ لَا أَدْفَعُ شَرَّ مَا أَخْشَى أَمْسَى الْأَمْرُ لِغَيْرِي وَ أَمْسَيْتُ مُرْتَهَناً بِكَسْبِي وَ أَمْسَيْتُ لَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي فَسَعْ لِفَقْرِي مِنْ سَعَتِكَ مِمَّا كَتَبْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَسْأَلُكَ التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي وَ الْكَرَامَةَ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَ الْبَرَكَةَ فِيمَا رَزَقْتَنِي وَ الْعَزْمَ عَلَى طَاعَتِكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي وَ الشُّكْرَ لَكَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَ (۱).

**[ترجمه]ظاهراً منظور از «ثلاثاً» {سه مرتبه}، خواندن سه مرتبه تمام دعا است؛ همچنین احتمال دارد منظور از آن، فقط «آمین»، {بپذیر.} باشد.

**[ترجمه]

بيان

غشانا على بناء التفعيل أي غطانا و قيضه أي سببه و قدره.

**[ترجمه]مجالس ابن الشیخ: امام رضا از پدرش علیهما السلام نقل کرده که فرموده است: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می گفت: {شب کردیم و فرمانروایی برای خدای یگانه چیره گر به شب رسید؛ و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است؛ همان کسی که روز را برد، و شب را آورد، و ما در آن ایمنی یافته‌ایم؛ خدایا، این آفرینش جدیدی است که ما را دربرگرفته است؛ پس هر خوبی که در آن هست و به آن علم داری، برایم آسان و مقدر کن، و آن را چند برابر و چندین برابر بنویس؛ و هر بدی که در آن هست و به آن علم داری، با رحمت خودت از آن درگذر؛ شب کردم در حالی که آنچه را که امید دارم، مالک نیستم؛ و بدی آنچه را که بیم دارم، نمی‌توانم دور کنم؛ برای دیگری شب شد و من در گرو کرده‌هایم شب کردم؛ در حالی شب کردم که کسی فقیرتر از من وجود ندارد؛ پس از گشایش دادنی که بر خود لازم گردانیده‌ای، برای ناداری من گشایش ده؛ و از تو تقوی می‌خواهم تا آن زمانی که زنده‌ام بداری، و بزرگواری تو را آن هنگام که جانم را بستانی، و شکیبایی بر آنچه گرفتارم می‌سازی، و برکت در آنچه روزی‌ام می کنی، و جدیت در طاعت تو در آنچه از عمرم باقی مانده است، و سپاسگزاری از تو در نعمت‌هایی که به من داده‌ای، را [از تو درخواست می کنم.]} - . أمالي الطوسی ۱: ۳۸۱ -

**[ترجمه]

«۱۴»

مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبَّادِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِي الْمُجَالِدِ عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي الْمُنْذِرِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ عَلِّمْنِي أَفْضَلَ الْكَلَامِ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَأَنْتَ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُ النَّاسِ عَمَلًا إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ مَا قُلْتَ وَ أَكْثِرْ مِنْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

وَ لَا تَنْسَیَنَّ الِاسْتِغْفَارَ فِی صَلَاتِکَ فَإِنَّهَا مَمْحَاةٌ لِلْخَطَایَا بِإِذْنِ اللَّهِ (۲).

**[ترجمه]«غشّاناً» از باب تفعیل، یعنی دربرگیرنده. «و قیّضه» یعنی سبب ساز و مقدر کن.

**[ترجمه]

«۱۵»

الْخِصَالُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ بَکْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِیبٍ عَنْ تَمِیمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِها(۳) فَقَالَ فَرِیضَهٌ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ یَقُولَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

ص: ۲۵۰

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۸۱.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۵۶.

۳- ۳. طه: ۱۳۰.

عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکَ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ قَالَ فَقُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي فَقَالَ يَا هَذَا لَا شَکَّ فِي أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ (۱).

**[ترجمه]مجالس ابن الشيخ: ابى المنذر جهنىّ گفته است: گفتم: اى پيامبر خدا، بهترين سخن را به من بياموز؛ فرمود: {هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكى براى او نيست؛ فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست؛ زنده مى‌كند و مى‌ميراند؛ خوبى رساندن به دست اوست، و او بر هر چيزى تواناست.} - صد مرتبه- در هر روز، كه تو در آن روز از نظر كردار، برترين مردم خواهى بود، مگر كسى كه مثل آنچه را كه گفتى بگويد. و «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلّا الله و الله أكبر، و لا حولَ و لا قوَّةَ إلّا بالله»، {خدا منزّه است، و ستايش مخصوص اوست، و هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگ‌تر است، و هيچ نيرو و توانى جز به سبب خدا نيست.} را فراوان بگو و آمرزش خواستن در نماز را فراموش مكن كه آن، به اذن خدا، پاک كننده خطاها است. - . أمالى الطوسى ۱: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

بيان

حمل الفرض على التقدير و التعيين أو على تأكد الاستحباب لعدم القول بالوجوب و ضعف السند و الأحوط عدم الترک.

**[ترجمه]الخصال: اسماعيل بن فضل گفته است: از امام صادق عليه السلام در مورد اين كلام خداوند عزّوجلّ كه فرموده است: «فسبِّح بحمدِ ربِّك قبلَ طلوعِ الشَّمس و قبل غروبِها»، - . طه/ ۱۳۰ - {و پيش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستايش پروردگارت [او را] تسبيح گوى.} پرسيدم، فرمود: بر هر مسلمانى واجب است كه ده مرتبه قبل از طلوع خورشيد و ده مرتبه قبل از غروب آن بگويد: {هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكى براى او نيست؛ فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست؛ زنده مى‌كند و مى‌ميراند، و او زنده‌اى است كه مرگ ندارد؛ خوبى رساندن به دست اوست، و او بر هر چيزى تواناست.} گفتم: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يُحيى و يُميت و يُميت و يُحيى»، {هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكى براى او نيست؛ فرمانروايى و ستايش مخصوص اوست؛ زنده مى‌كند و مى‌ميراند؛ و مى‌ميراند و زنده مى‌گرداند.} فرمود: اى - كسى كه روبرويم ايستاده‌اى - هيچ ترديدى نيست كه خداوند، زنده مى‌كند و مى‌ميراند و مى‌ميراند و زنده مى‌گرداند، ولى همان طور كه من مى‌گويم، بگو. - . الخصال ۲: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۱۶»

الْعِلَلُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ نُوحاً إِنَّمَا سُمِّيَ عَبْداً شَكُوراً لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى- اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ

أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِی مِنْ نِعْمَهٍ أَوْ عَافِیَهٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَمِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِهَا عَلَیَّ حَتَّی تَرْضَی إِلَهَنَا(۲).

**[ترجمه]واجب بودن که در روایت آمده است، بر تعیین کردن، یا بر مستحب مؤکد بودن حمل می‌شود؛ چون قول به وجوب آن وجود ندارد و روایت نیز ضعیف است. با احتیاط‌تر آن است که ترک نشود.

**[ترجمه]

بیان

ما أمسی و أصبح أی دخل فی المساء و الصباح متلبسا بی أو معی و فی بعض الروایات أصبحت رعایه لمعنی الموصول فإنه فسر بالنعمه فمنک قال الطیبی الفاء جواب للشرط کما فی قوله تعالی وَ ما بِکُمْ مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنَ اللَّهِ (۳) و من شرط الجزاء أن یکون مبنیا علی الشرط و لا یستقیم هذا فی الآیه إلا بتقدیر الإخبار و التنبیه و هو أنهم کانوا لا یقومون بشکر نعم الله تعالی الله

بل یکفرونها بالمعاصی فقیل لهم إن ما تلبس بکم من نعم الله و أنتم لا تشکرونها سبب لأن أخبرتکم بأنها من الله حتی تقوموا بشکرها.

و الحدیث بعکسه أی إنی أقر و أعترف بأن کل النعم الحاصله من ابتداء خلق العالم إلی انتهاء دخول الجنه فمنک وحدک فأوزعنی أن أقوم بشکرها

ص: ۲۵۱

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۶۲.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۸.

۳- ۳. النحل: ۵۳.

و لا أشكر غيرک.

و قوله وحدک حال من المتصل فی قوله فمنک أی فحاصل منک منفردا و قوله فلک الحمد تقریر للمعطوف و لذلک قدم الخبر علی المبتدإ لیفید الحصر یعنی إذا کانت النعمه مختصه منک فها أنا أتقدم إلیک و أخص الحمد و الشکر بک قائلا لک الحمد لا لغیرک و لک الشکر لا لأحد سواک.

**[ترجمه]العلل: امام باقر علیه السلام فرمود: نوح به این خاطر بنده سپاسگزار نامیده شد که هنگام صبح و شب می گفت: {خدایا، تو را گواه می گیرم که هر نعمت و عافیتی که در دین و دنیا در شامگاه و صبحگاه برایم وجود دارد، از سوی توست، یگانه هستی و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد، به خاطر آن، تو را ستایش می کنم و از تو سپاسگزاری می‌نمایم تا اینکه خشنود گردی، ای خدای ما.} - . علل الشرایع ۱: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۱۷»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَهَ بْنِ زَیْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی عِنْدَ الْمَسَاءِ مِائَهَ تَكْبِیرَهٍ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ مِائَهَ نَسَمَهٍ(۱).

ثواب الأعمال، عن أبیه عن محمد بن یحیی عن محمد بن أحمد الأشعری عن الحسن بن الحسین اللؤلؤی عن علی بن نعمان عن یحیی بن زکریا عن محمد بن عبد الله بن رباط عن أبی حمزه الثمالی عن علی بن الحسین علیه السلام: مثله (۲).

**[ترجمه]«ما أمسی و أصبح»، یعنی مرا دربرگرفته یا همراه من در شامگاه و صبحگاه داخل شد. در بعضی روایات، با «أصبحت» معنای موصول در نظر گرفته شده است که به «نعمه» تفسیر شده است. الطّیبی گفته است: در «فمنک»، حرف فاء جواب شرط است، همان طور که در کلام خدای متعال که فرموده است: «و ما بِکُم من نعمه فمِن الله»، - . النحل/ ۵۳ - {و

هر نعمتی که دارید از خداست.} و از شرط‌های جزا این است که مبتنی بر شرط باشد و چنین چیزی در آیه، جز با در نظر گرفتن اخبار و تنبیه، درست در نمی‌آید. منظور - از اخبار و تنبیه در این آیه - این است که آنها سپاس نعمت‌های خدای متعال را بجای نمی‌آوردند و بلکه ناسپاسی می‌نمودند، از این رو به آنها گفته شد: نعمت‌های خدا که شما را دربرگرفته و شکر آن را بجای نمی‌آورید، باعث شد تا به شما خبر دهم که آن نعمت‌ها از سوی خداست، تا شکر آن را بجای آورید.

و حدیث بر عکس آن است؛ یعنی من اقرار و اعتراف می‌کنم که همه نعمت‌هایی که از ابتدای آفرینش جهان تا پایان وارد شدن به بهشت حاصل می‌شود، از سوی تو یگانه است؛ پس کمکم کن تا شکر آن را بجای آورم و از دیگری سپاسگزاری ننمایم.

و کلام او: «وحدک»، حال از متّصل - به آن - در کلام او، یعنی «فمنک» است؛ یعنی تنها از تو حاصل می‌شود. کلام او:

«فلك الحمد» بیانی برای معطوف است و به همین خاطر، خبر بر مبتدا مقدم شده، تا فایده حصر داشته باشد؛ یعنی وقتی نعمت فقط از سوی تو باشد، پس این من هستم که ستایش و شکر را بر تو تقدیم می‌کنم و آن را ویژه تو می‌گردانم و فقط برای تو ستایش می‌گویم، نه برای دیگری؛ و فقط از تو سپاسگزاری می‌کنم، نه از هیچ کسی غیر تو.

**[ترجمه]

«۱۸»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ (۳)، وَ مَعَانِی الْأَخْبَارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ سَعِیدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ فِی الْجَنَّهِ غُرَفاً یُرَی ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا یَسْکُنُهَا مِنْ أُمَّتِی مَنْ أَطَابَ الْکَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَی السَّلَامَ وَ صَلَّی بِاللَّیْلِ وَ النَّاسُ نِیَامٌ ثُمَّ قَالَ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ أَ وَ تَدْرِی مَا إِطَابَهُ الْکَلَامِ مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَی سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ عَشْرَ مَرَّاتٍ (۴).

ص: ۲۵۲

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۳۳ و ۳۴.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۴۸.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۱۹۸.

۴- ۴. معانی الأخبار ص ۲۵۰.

**[ترجمه]مجالس الصدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل کرده و فرموده است: هر کس هنگام شب، خدای مبارک و والامرتبه را صد مرتبه با تکبیر گفتن، بزرگ بدارد، مانند کسی است که صد برده را آزاد کرده است. - . أمالی الصدوق: ۳۳-۳۴ -

ثواب الاعمال: مثل همین را از امام علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام روایت کرده است. - . ثواب الاعمال: ۱۴۸ -

**[ترجمه]

أقول

قد سبق تمامه مرارا بأسانید(۱).

**[ترجمه]مجالس الصدوق - . أمالی الصدوق: ۱۹۸ - و معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام از پدرش و او از پدرانش و آنان از علی علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت، منزل‌هایی وجود دارد که بیرون آنها از درون، و درون آنها از بیرون دیده می‌شود؛ هر کس از امت من که سخن نیک گوید، و غذا دهد، و سلام بگستراند، و در شب که مردم در خواب باشند، نماز گزارد، در آنها ساکن می‌شود.

حضرت، صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، آیا می‌دانی سخن نیک چیست؟ هر کس صبح و شب ده مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر»، {خدا منزّه است، و ستایش مخصوص خداست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگ‌تر است.} - . معانی الاخبار: ۲۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۹»

مَجَالِسُ الصَّدُوقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَهَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبِيعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُمْسِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- فَسُبْحانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ لَمْ يَفُتْهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَ صُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهَا وَ مَنْ قَالَ مثلك [مِثْلَ] ذَلِكَ حِينَ يُصْبِحُ لَمْ يَفُتْهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ صُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهِ (۲).

ثواب الأعمال، عن أبيه عن علی بن موسی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحكم عن ابن أبی عمیر: مثله (۳).

**[ترجمه]این روایت به صورت کامل و با سندهای آن، چندین بار پیش از این گفته شد. - . ر.ک: همین کتاب ۷۶: ۲ (باب افشاء السلام) -

**[ترجمه]

«۲۰»

الْعِلَلُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ إِبْراهِيمَ الَّذِی وَفَّی (۴) قَالَ إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَی أَصْبَحْتُ وَ رَبِّی مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً وَ لَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً فَسُمِّیَ بِذَلِكَ عَبْداً شَكُوراً(۵).

**[ترجمه]مجالس الصدوق: حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس هنگام شب، سه مرتبه بگوید: «سبحان الله حین تمسونَ و حین تُصبحونَ و له الحمدُ فی السَّمواتِ و الأرضِ و حینَ تُظهرونَ»، -. الروم/ ۱۷-۱۸ - {خدا را تسبیح گویید آن گاه که به شام درمی آیید و آن گاه که به بامداد درمی شوید؛ و ستایش از آنِ اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید.} هیچ یک از نیکی‌های موجود در آن شب را از دست نخواهد داد. همه بدی‌های آن از او دور خواهد شد؛ و هر کس همین را موقع صبح بگوید، هیچ یک از نیکی‌هایی که در آن روز به وجود می‌آید را از دست نخواهد داد و تمام بدی‌های آن روز از او دور خواهد شد. -. أمالی الصدوق: ۳۴۵ -

ثواب الاعمال مثل همین روایت را از طریق ابی عمیر نقل کرده است. -. ثواب الاعمال: ۱۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۱»

الْكَافِی، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی سَعِيدٍ الْمُكَارِی عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِيهِ ثَلَاثاً قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی كِتَابِهِ وَ إِبْراهِيمَ الَّذِی وَفَّی قُلْتُ فَمَا عَنَی بِقَوْلِهِ فِی نُوحٍ إِنَّهُ

۱- ۱. راجع ج ۷۶ ص ۲ باب افشاء السلام.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۳۴۵.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۵۱.

۴- ۴. النجم: ۳۷.

۵- ۵. علل الشرائع ج ۱ ص ۳۵.

كانَ عَبْداً شَكُوراً(۱) قالَ كَلِمَاتٍ بَالَغَ فِيهِنَّ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ قَالَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَصْبَحْتُ أَشْهِدُكَ مَا أَصْبَحَتْ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ كَثِيراً كَانَ يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ ثَلَاثاً وَ إِذَا أَمْسَى ثَلَاثاً(۲).

**[ترجمه]العلل: امام صادق علیه السلام در مورد کلام خدای عزّوجلّ که می‌فرماید: «و ابراهیمَ الّذی وفّی»، - . النجم/ ۳۷ - {همان ابراهیمی که وفا کرد.} فرمود: او هنگام رسیدن صبح و شب می گفت: «أصبحت و ربّی محمود، أصبحت لا اشرک بالله شیئاً، و لا أدعو مع الله الهاً آخراً، و لا أتّخذ من دونه ولیّاً»، {در حالی صبح کردم که پروردگارم مورد ستایش است، در حالی صبح کردم که هیچ چیزی را شریک برای خدا قرار نمی‌دهم، و همراه خدا، دیگری را به خدایی نمی‌خوانم، و جز او را به سرپرستی نمی گیرم.} از این رو بنده سپاسگزار نامیده شد. - . علل الشرایع ۱: ۳۵ -

**[ترجمه]

بیان

فی روایه الکلینی و لا أدعو معه إلها و لیس فیه آخر و یظهر منه سقط أو تصحیف فی آخر روایه العلل فتأمل.

**[ترجمه]الکافی: مثل همین را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است، با این تفاوت که در آن آورده است: سه مرتبه فرمود: از این رو خداوند عزّوجلّ در کتابش «و ابراهیم الذی وفی»، {همان ابراهیمی که وفا کرد.} گفتم: پس این کلام او در مورد نوح که فرموده است: «إنّه کان عبداً شکوراً»، - . أسری/ ۳ - {راستی که او بنده ای سپاسگزار بود.} به چه معنی است؟ فرمود: کلماتی است که آن‌ها را زیاد می گفت. گفتم: آن کلمات چیست؟ فرمود: هنگام صبح شدن می گفت: «أصبحتُ اُشهدك ما أصبحتُ بی من نعمه أو عافیه فی دین أو دنیا فانّها منك وحدك لا شریك لك، فلك الحمدُ علی ذلك، و لك الشّكرُ كثیراً»، {در حالی صبح کردم که خدا را گواه می گیرم که هر نعمت و عافیتی که در دین و دنیا در شامگاه و صبحگاه برایم وجود دارد، از سوی توست، یگانه هستی و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد. به خاطر آن، تو را ستایش می کنم و از تو سپاس فراوان دارم.} این را سه مرتبه هنگام صبح و سه مرتبه هنگام شب می گفت. - . الکافی ۲: ۵۳۴ -

**[ترجمه]

«۲۲»

الْعِلَلُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ فِي بَنِي آدَمَ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ عِرْقاً ثَمَانِينَ وَ مِائَةَ مُتَحَرِّكَةٍ وَ ثَمَانِينَ وَ مِائَةَ سَاكِنَةٍ فَلَوْ

سَكَنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَنَمْ أَوْ يَتَحَرَّكُ السَّاكِنُ لَمْ يَنَمْ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصْبَحَ قَالَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً عَلَى كُلِّ حَالٍ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ مَرَّةً وَ إِذَا أَمْسَى قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ (۳).

**[ترجمه]در روایت کلینی، «و لا أدعو معه إلهاً»، {و با او، هیچ کسی را به خدایی نخوانم.} آمده است و «آخر» در آن وجود ندارد؛ از اینجا روشن می‌شود که در قسمت پایانی روایت علل، افتادگی یا خطایی وجود دارد؛ پس دقت کن.

**[ترجمه]

«۲۳»

الْکَافِی، عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ وَ حُمَیْدِ بْنِ زِیَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِیعاً عَنِ الْمِیثَمِیِّ: مِثْلَهُ (۴).

**[ترجمه]العلل: یعقوب بن شعیب گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: در بدن آدمیزاد سیصد و شصت رگ وجود دارد، صد و هشتاد تا از آنها متحرک و صد و هشتاد تا بی‌حرکت هستند؛ اگر رگ‌های متحرک آرام گیرند، شخص نمی‌خوابد و اگر آن‌ها که ساکنند حرکت کنند، شخص نمی‌خوابد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام صبح، سیصد و شصت مرتبه می گفت: «الحمد لله ربّ العالمینَ کثیراً علی کلّ حال»، {ستایش فراوان در هر حالی مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.} و هنگام شب نیز مثل آن را می... گفت. - . علل الشرایع ۲: ۴۲-۴۳ -

**[ترجمه]

«۲۴»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِی مِسْعَرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ فَقَدْ أَدَّى شُکْرَ یَوْمِهِ وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى فَقَدْ أَدَّى شُکْرَ لَیْلَتِهِ (۵).

۱- ۱. أسری: ۳.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۳۴.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۲ ص ۴۲ و ۴۳.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۰۳.

۵- ۵. ثواب الأعمال ص ۱۳.

الکافی، عن العده عن البرقی: مثله (۱)

**[ترجمه]الکافی: مثل همین روایت را آورده است. - . الکافی ۲: ۵۰۳ -

**[ترجمه]

بیان

یخطر بالبال لخصوص هذا العدد أن أصول النعم إما دنیویه أو أخرویه ظاهره أو باطنه کما قال سبحانه وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً(۲) فتصیر أربعا أو یقال النعم إما إفاضه رحمه أو دفع بلیه و کل منهما إما فی دین أو دنیا(۳)

و یزیده ما ورد فی الدعاء الآخر اللهم ما أصبحت بی من نعمه أو عافیه فی دین أو دنیا فمنک وحدک لا شریک لک.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس هنگام صبح، چهار مرتبه بگوید: «الحمد لله ربّ العالمینَ»، {سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.} سپاس آن روزش را به جای آورده است؛ و هر کس هنگام شب این را بگوید، قطعاً سپاس آن شب را به جای آورده است. - . ثواب الاعمال: ۱۳ -

الکافی: مثل همین را از به نقل از العده، از برقی نقل کرده است. - . الکافی ۲: ۵۰۳ -

**[ترجمه]

«۲۵»

الْمَحَاسِنُ، عَنْ أَبِیهِ وَ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ وَ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ لَیْثٍ الْمُرَادِیِّ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ عُتْبَهَ الْهَاشِمِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ کَانَتْ کَفَّارَهً لِذَنْبِهِ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ (۴).

الْکَافِی، بِسَنَدٍ صَحِیحٍ أَیْضاً عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِیهِ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی (۵).

**[ترجمه]در مورد این عدد، آنچه به ذهن می‌رسد این است که نعمت‌ها در اصل، یا دنیایی هستند و یا آخرتی، و نیز یا ظاهری هستند و یا باطنی؛ همان گونه که خدای سبحان فرموده است: «و أسبغَ علیکم نعمَه ظاهرهً و باطنه»، - . لقمان/ ۲۰ - {و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.}پس چهار دسته می‌شوند. یا اینکه گفته شود: نعمت‌ها یا به صورت بخشش رحمت است، یا به صورت دور کردن بلاء و هر یک از آنها یا در دین است و یا در دنیا، - . به نظر من، دلیل آن، توجه به کلمات آیه است که چهار مورد است، پس چهار مرتبه تکرار می‌شود. - و آنچه در دعای اخیر آمده است، «اللّهم ما أصبحتُ بی من نعمه أو عافیه فی دین أو دنیا فمنک، وحدک لا شریک لک »، {خدایا، هر نعمت و عافیتی که در دین و دنیا

در صبحگاه برایم وجود دارد، از سوی توست، یگانه هستی و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد.} این نظر را تقویت می کند .

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد باليوم اليوم مع ليلته فيكون ما قاله قبل طلوع الشمس كفاره لذنوب الليل و ما قاله قبل غروبها كفاره لذنوب اليوم و لو كان المراد اليوم فقط كان ناظرا إلى قوله قبل غروبها و أحال الأول على الظهور.

ص: ۲۵۵

۱- ۱. الكافى ج ۲ ص ۵۰۳.

۲- ۲. لقمان: ۲۰.

۳- ۳. و عندى أن الوجه فى ذلك رعايه كلمات الآيه و هى أربعه، فتكرر أربع مرّات.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۱.

۵- ۵. الكافى ج ۲ ص ۵۱۸.

**[ترجمه]المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن، ده مرتبه بگوید: «لا إله إلّا الله وحده لا شریکَ له، له الملکُ و له الحمدُ...» {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می کند و می‌میراند، و او زنده‌ای است که نمی‌میرد؛ خوبی رساندن به دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست.}، جبران گناهان او در آن روز خواهد بود. - . المحاسن: ۳۱ -

الکافی: همین روایت را با سند صحیح نقل کرده است، با این تفاوت که در آن، «یُحیی و یُمیت و یُمیت و یُحیی»، {زنده می کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می گرداند.} آورده است. - . الکافی ۲: ۵۱۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ (۱) رَأَيْتُ بِخَطِّ الشَّهِيدِ ره: سُئِلَ عَطَاءٌ مَا مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَائِي وَ دُعَاءُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي وَ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَى آخِرِ مَا مَرَّ وَ لَيْسَ هَذَا دُعَاءٌ وَ هُوَ تَقْدِيسٌ وَ تَحْمِيدٌ فَقَالَ عَطَاءٌ هَذَا كَمَا قَالَ أُمَيَّةُ بْنُ أَبِي الصَّلْتِ:

أَ أَذْكُرُ حَاجَتِي أَمْ قَدْ كَفَانِي***حِبَاؤُكَ إِنَّ شِيمَتَكَ الْحِبَاءُ

إِذَا أَثْنَى عَلَيْكَ الْمَرْءُ يَوْماً***كَفَاهُ مِنْ تَعَرُّضِهِ الثَّنَاءُ

أَ فَيَعْلَمُ ابْنُ جُدْعَانَ (۲)

مَا يُرَادُ مِنْهُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ لَا يَعْلَمُ اللَّهُ تَعَالَى مَا يُرَادُ مِنْهُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْهِ.

۱- ۱. الدعاء مذکور فی ص ۲۶، و لیس فی الهامش ما نقله المؤلّف العلامه فی شرحه.

۲- ۲. هو عبد اللّه بن جدعان عمرو بن کعب بن سعد بن تیم یکنی أبا زهیر، و قد قالت عائشه لرسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله: ان ابن جدعان کان یطعم الطعام و یقری الضیف فهل ینفعه ذلک یوم القیامه؟ فقال: لا انه لم یقل یوما« رب اغفر لی خطیئتی یوم الدین». قیل کان ابن جدعان ابن عم عائشه و کان جدها أبو قحافه عضروطا له ینادی الی مائدته علی أربعه دوانیق و قد شهد رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله حلف الفضول فی دار ابن جدعان و فی ذلک کان یقول صلی الله علیه و آله : لقد شهدت فی دار عبد اللّه بن جدعان حلفا ما أحبّ أن لی به حمر النعم، و لو أدعی به فی الإسلام لاجبت. و کان ابن جدعان فی بدء أمره صعلوکا ترب الیدین و معد لک فتاکا لا یزال یجنی الجنایات فیعقل عنه أبوه و قومه حتّی نفوه و حلف أبوه أن لا یؤویه لما أثقله من الغرم و الدیات ثمّ انه عثر علی ثعبان من ذهب و عیناه یاقوتتان فأثری به و أوسع فی الکرم، حتی أنه یضرب المثل بعظم جفنته یأکل منها الراکب علی البعیر، و سقط یوم فیها صبی فغرق و مات، و مدحه أمیّه بن أبی الصلت الثقفی لکرمه

وجوده و من أبياته ما ذكر فى الصلب. و روى عن النبىّ صلّى اللّه عليه و آله أنّه قال: ان أهون أهل النار عذابا ابن جدعان فقيل يا رسول اللّه و ما بال ابن جدعان أهون أهل النار عذابا؟ قال صلّى اللّه عليه و آله: انه كان يطعم الطعام. راجع ج ۷۴ ص ۳۶۸ من البحار طبعتنا هذه.

**[ترجمه]شاید منظور از روز، شبانه روز باشد؛ در این صورت، آن را که قبل از طلوع خورشید گفته است، جبران گناهان شب، و آن را که قبل از غروب گفته است، جبران گناهان روز خواهد بود. و اگر منظور از آن، فقط روز باشد، ناظر به کلام او که فرموده است: «قبلَ غروبِها» خواهد بود، و اولی به ظهور برگردانده می‌شود.

**[ترجمه]

«۲۷»

الْمَحَاسِنُ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ مِائَهَ تَكْبِيرَهٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ مِائَهَ رَقَبَهٍ وَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ إِنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ (۱).

وَ مِنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّهَ عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَرَّ بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً فِی حَائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَ لَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْ ءٍ أَثْبَتَ أَصْلًا وَ أَسْرَعَ يَنْعاً وَ أَطْيَبَ ثَمَراً وَ أَبْقَى قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ تَسْبِيحَهٍ شَجَرَاتٍ فِی الْجَنَّهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَهِ وَ هِیَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ (۲).

وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُمْسِی لَمْ يَخَفْ شَيْطَاناً وَ لَا سُلْطَاناً وَ لَا جُذَاماً وَ لَا بَرَصاً قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام وَ أَنَا أَقُولُهَا مِائَهَ مَرَّهٍ(۳).

وَ مِنْهُ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: فَقَدَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ مَا غَيَّبَكَ عَنَّا فَقَالَ الْفَقْرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ طُولُ السُّقْمِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَ لَا أُعَلِّمُكَ كَلَاماً إِذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنْكَ الْفَقْرُ وَ السُّقْمُ قَالَ بَلَى قَالَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً

۱- ۱. المحاسن ص ۳۶.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۷.

۳- ۳. المحاسن ص ۴۱.

قَالَ الرَّجُلُ فَوَ اللَّهِ مَا قُلْتُهُ إِلَّا ثَلَاثَهَ أَيَّامٍ حَتَّى ذَهَبَ عَنِّى الْفَقْرُ وَ السُّقْمُ (۱).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِى يُوسُفَ عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنِ الْأَنْمَاطِيِّ عَنْ كُلَيْمَهَ صَاحِبِ الْكِلَلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ إِذَا أَصْبَحَ فَمَاتَ فِى ذَلِكَ الْيَوْمِ دَخَلَ الْجَنَّهَ فَإِنْ قَالَ إِذَا أَمْسَى فَمَاتَ مِنْ لَيْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ- اللَّهُمَّ إِنِّى أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ حَمَلَهَ الْعَرْشِ الْمُصْطَفَيْنَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ حَتَّى يَنْتَهِىَ إِلَيْهِ أَئِمَّتِى وَ أَوْلِيَائِى عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ وَ عَلَيْهِ أُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ أَبْرَأُ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ أَرْبَعَهٍ فَإِنْ مَاتَ فِى يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ(۲).

الْكَافِى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّهَ عَنْ رَزِينٍ صَاحِبِ الْأَنْمَاطِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِلَى قَوْلِهِ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ إِمَامِى وَ وَلِيِّى وَ أَنَّ آبَاءَهُ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ فُلَاناً وَ فُلَاناً حَتَّى يَنْتَهِىَ إِلَيْهِ أَئِمَّتِى إِلَى قَوْلِهِ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ فَإِنْ مَاتَ فِى لَيْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ(۳).

**[ترجمه]البلد الامین: در دست‌نوشته‌های شهید - که رحمت خدا بر او باد، - دیدم: از عطا سؤال شد: معنای این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده است: بهترین دعا، دعای من و دعای پیامبران قبل از من است و آن عبارت است از: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد.} تا آخر آنچه گفته شد، چیست؟ حال آنکه این دعا نیست، بلکه به پاکی یاد کردن و ستایش است. عطا گفت: این شبیه سخن امیه بن ابی الصلت است که سروده است:

- آیا نیازم را بر زبان آورم، یا بخشندگی تو مرا کفایت می‌کند؟ همانا بخشندگی، سرشت توست.

- اگر روزی انسان تو را بستاید، پرداختن به مدح و ثنا، او را کافی است .

آیا ابن جدعان، - . همان عبدالله ابن جدعان عمرو بن کعب بن سعد بن تیم، که کُنیه‌اش ابا زهیر بود. عائشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: ابن جدعان غذا می‌دهد و مهمان نوازی می‌کند، آیا این کارها سودی به حال او در روز قیامت خواهد داشت؟ فرمود: خیر؛ او حتی یک روز هم نگفته است: «ربِّ اغفر لی خطیئتی یومَ الدّین»، {پروردگارا، روز پاداش، گناهم را بر من ببخشای.} گفته شده است ابن جدعان پسر عموی عائشه و نیای او، ابوقحافه بوده است و بر مهمانی خود، - به مقدار غذای - چهار درهم دعوت می‌کرد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: سبک‌ترین عذاب اهل جهنم برای ابن جدعان خواهد بود؛ گفته شد: ویژگی ابن جدعان چیست که سبک‌ترین عذاب اهل جهنم برای او باشد؟ فرمود: او غذا می‌دهد. ر.ک. همین کتاب ۷۴: ۳۶۸ (همین چاپ) - منظور از ستایش او را می‌داند، ولی خدای والامرتبه نمی‌داند منظور از ستایش او چیست؟

**[ترجمه]

«۲۸»

الْمَحَاسِنُ، عَنْ أَبِی یُوسُفَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ هَذَا الْقَوْلَ لَمْ یُصِبْهُ سُوءٌ حَتَّی یُمْسِیَ وَ مَنْ قَالَ حِینَ یُمْسِی لَمْ یُصِبْهُ سُوءٌ حَتَّی یُصْبِحَ یَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ کُلِّ شَیْ ءٍ حَتَّی

لَا یَکُونَ شَیْ ءٌ بِعَدَدِ کُلِّ شَیْ ءٍ وَحْدَهُ وَ عَدَدِ جَمِیعِ الْأَشْیَاءِ وَ أَضْعَافِهَا مُنْتَهَی رِضَا اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَذَلِکَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِکَ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ مِثْلَ ذَلِکَ (۴).

ص: ۲۵۸

۱- ۱. المحاسن ص ۴۲ و ۴۳ فی حدیث.

۲- ۲. المحاسن ص ۴۴.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۲.

۴- ۴. المحاسن ص ۴۴ فیه: بعد کل شی ء.

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ جَهْمٍ عَنْ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَنَظَرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَ إِدْبَارٍ فَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَ لَا يُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَ لَا يُعْلَمُ- يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ مَا بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ أَبِي قِتْرَةَ وَ مَا وَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَ مَا لَمْ أَصِفْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ وَ ذَكَرَ أَنَّهَا أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سَبُعٍ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ مِنْ كُلِّ مَا عَضَّ وَ لَسَعَ وَ لَا يَخَافُ صَاحِبُهَا إِذَا تَكَلَّمَ بِهَا لِصّاً وَ لَا غُولًا(۱).

الکافی، عن العده عن أحمد بن محمد عن عبد الرحمن بن حماد عن الجعفری: مثله (۲) فلاح السائل، مرسلا: مثله (۳)

**[ترجمه]المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن، با صد تکبیر خدا را به بزرگی یاد کند، خداوند پاداش آزاد کردن صد بنده را برای او می‌نویسد؛ و هر کس بگوید: «سبحان الله و بحمده»، {خدا منزّه است و او را ستایش می‌کنم.} خداوند برای او ده نیکی می‌نویسد و اگر بیشتر بگوید، خدا نیز بر نیکی‌های او می‌افزاید. - . المحاسن: ۳۶ -

و از همان کتاب: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی برخورد کرد که در ملکش درخت می‌کاشت؛ فرمود: آیا تو را به چیزی که ریشه‌اش استوارتر، و میوه‌اش زودرس‌تر، و حاصلش گواراتر و پایدارتر باشد، راهنمایی کنم؟ گفت: بلی، ای رسول خدا؛ فرمود: هنگام صبح کردن و شب کردن بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر»، {خدا منزّه است، و ستایش مخصوص اوست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگ‌تر است.} که در این صورت، در ازای هر تسبیح، برای تو درختانی با انواع میوه‌ها در بهشت خواهد بود و نیکی‌های ماندگار همین است. - . المحاسن: ۳۷ -

و از همان کتاب: امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس سه مرتبه هنگام صبح کردن و سه مرتبه هنگام شب کردن بگوید: «بسم الله الرّحمن الرّحیم، و لا حولَ و لا قوّه إلّا بالله العلیِّ العظیم»، {به نام خدای بخشنده مهربان، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} از شیطان و فرمانروا و جذام و برص بیم نخواهد داشت.

امام کاظم علیه السلام فرمود: و من آن را صد مرتبه می‌گویم. - . المحاسن: ۴۱ -

و از همان کتاب: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل کرده و فرموده است: پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از انصار را کم می‌دید؛ به او فرمود: چه چیز تو را از ما غایب می‌گرداند؟ گفت: ناداری، ای رسول خدا، و طولانی شدن مدت بیماری؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا سخنی به تو بیاموزم که اگر آن را بگویی، ناداری و بیماری از تو رخت بربندد؟ گفت: بلی؛ فرمود: هنگام صبح کردن و شب کردن بگو: «لا حولَ و لا قوّه إلا بالله، توَکلتُ علی الحیِّ الّذی لا یَموت، و الحمد لله الّذی لم یَتّخذ وَلداً و لم یَکن له شریکٌ فی المُلک و لم یَکن له ولیٌّ من الذُّلِّ و کَبِّره تکبیراً»، {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست؛ بر آن زنده که نمی میرد توکل کردم؛ و ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری

شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرستی داشته باشد، و او را بسیار بزرگ شمار.}

مرد گفته است: به خدا سوگند، جز سه روز آن را نگفتم مگر اینکه ناداری و بیماری از من رخت بربست. - . المحاسن: ۴۲-۴۳ (ضمن حدیث) -

و از همان کتاب: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس این کلام را موقع صبح بگوید و در آن روز بمیرد، وارد بهشت خواهد شد؛ و هر کس آن را هنگام شب بگوید و در آن شب بمیرد، وارد بهشت خواهد شد؛ {خدایا، تو را گواه می گیرم، و فرشتگان نزدیکی جسته به تو و فرشتگان بر دوش گیرنده عرش تو را گواه می گیرم، بر اینکه تو خدایی هستی که جز تو، بخشنده و مهربان، هیچ خدایی وجود ندارد، و اینکه محمد بنده و فرستاده توست، و فلانی و فلانی... تا اینجا برسانی که: پیشوایان و سرپرستان من هستند، بر پایبندی به این زندگی می‌کنم و بر پایبندی به این می میرم و در روز قیامت، بر پایبندی به آن برانگیخته خواهم شد؛ و از فلانی و فلانی و فلانی و فلانی، چهار نفر بیزاری می‌جویم.} پس اگر در آن روز یا شب بمیرد، وارد بهشت خواهد شد. - . المحاسن: ۴۴ -

الکافی: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمود: هر کس بگوید: «اللّهم» تا عبارت «و رسولك و أن فلان بن فلان إمامی و ولیّی و أن آباءه: رسول الله و علیّاً و الحسن و الحسین و فلاناً و فلاناً حتی ینتهی إلیه أئمّتی» {فرستاده توست؛ و اینکه فلانی فرزند فلانی امام و پیشوای من است و پدران او: رسول خدا، علی، حسن و حسین، و فلانی و فلانی - تا به خود آن امام منتهی شود- امامان من هستند.} تا عبارت «من فلان و فلان و فلان» {از فلانی و فلانی و فلانی بیزاری می‌جویم.}، اگر در آن شب بمیرد، وارد بهشت می‌شود. - . الکافی ۲: ۵۲۲ -

**[ترجمه]

إيضاح

ما ذرأ و برأ یمکن أن یکون الذرء و البرء کلاهما عاما لجمیع المخلوقات تأکیدا و أن یکون البرء مخصوصا بالحیوان و الآخر عاما أو بالعکس قال فی النهایه فی أسماء البارئ هو الذی خلق الخلق لا عن مثال و لهذه اللفظه من الاختصاص بخلق الحیوان ما لیس لها بغیره من المخلوقات فیقال برأ الله النسمه و خلق السماوات و الأرض و قال ذرأ الله الخلق یذرؤهم ذرءا إذا خلقهم و قال الذرء مختص بخلق الذریه.

ص: ۲۵۹

۱- ۱. المحاسن ص ۳۶۹.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۳۲، و بسند آخر عن سلیمان الجعفری مثله ص ۵۶۹ و ۵۷۰ و هذا أوفق بما نقله عن المحاسن.

۳- ۳. لم نجده فی مظانه.

قوله و شر أبی قتره أقول فی النسخ اختلاف کثیر فی أکثر نسخ الکافی أبی مره و هو أظهر و هو بضم المیم و تشدید الراء کنیه إبلیس لعنه الله ذکره الجوهری و غیره و فی أکثر نسخ المحاسن أبی قتره و قال الفیروزآبادی أبو قتره إبلیس لعنه الله أو قتره علم للشیطان و فی بعض النسخ قتره بدون ذکر أبی قال فی النهایه فیه تعوذوا بالله من قتره و ما ولد هو بکسر القاف و سکون التاء اسم إبلیس انتهی و کل الوجوه صحیح موافق للاستعمال و اللغه و ربما یقرأ ابن قتره بکسر القاف و سکون التاء لما ذکره الجوهری (۱)

حیث قال ابن قتره حیه خبیثه إلی الصغر ما هی و لا یخفی ما فیه من التکلف لفظا و معنی. قال السید فی فلاح السائل قال صاحب الصحاح ابن قتره بکسر القاف حیه خبیثه فیمکن أن یکون المراد إبلیس و ذریته و شبهه بالحیه المذکوره و فی بعض النسخ أبی مره و هو أقرب إلی الصواب لأن هذا الدعاء عوذه من الشیطان و ذریته و لأنه ما یقال أبو قتره إنما یقال ابن قتره. و أما قوله من شر الرسیس فقال صاحب الصحاح رس المیت أی قبر و الرس الإصلاح بین الناس و الإفساد و قد رسست بینهم و هو من الأضداد و لعله تعوذ من الفساد و من الموت و من کل ما یتعلق بمعناه انتهی.

و أقول الأظهر أن المراد بالرسیس العشق الباطل أو الحمی قال الفیروزآبادی الرسیس الشی ء الثابت و الفطن العاقل و خبر لم یصح و ابتداء الحب و الحمی انتهی و فی بعض النسخ فی هذه الکلمه أیضا اختلافات لم نتعرض لها.

و العض الإمساک بالأسنان و اللسع بالإبره کالعقرب و الزنبور.

**[ترجمه]المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: هر کس این کلام را هنگام صبح شدن بگوید، تا شب هیچ بدی به او نمی‌رسد؛ و اگر هنگام شب شدن بگوید، تا صبح هیچ بدی به او نمی‌رسد؛ می گوید: {خدای یگانه، همراه هر چیزی، تا آنجا که از همه آنها، یک عدد هم باقی نماند، و به تعداد تمام چیزها و چندین برابر آنها که به خشنودی خدا بیانجامد، منزّه است.} همین‌طور «الحمد لله»، {سپاس مخصوص خداست.} و «لا إله إلّا الله»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد.} و «الله أکبر»، {خدا بزرگ‌تر است.} را نیز مثل آن بگوید. - . المحاسن: ۴۴ (در آن، «بعد کل شیء» {بعد از هر چیزی}آمده است.) -

و از همان کتاب: ابی خدیجه از امام صادق علیه السلام و عبدالله بن ابراهیم جعفری از امام کاظم علیه السلام روایت کرده‌اند که فرموده‌اند: هرگاه به شامگاه رسیدی و در غروب خورشید و پشت کردن آن نگریستی، بگو:

«بسم الله الرّحمن الرّحیم، الحمدُ لله الّذی لم یَتَّخذ ولداً و لم یکن له شریکٌ فی الملک...» {به نام خدای بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خدایی است که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروایی شریکی برای او وجود دارد، و ستایش مخصوص خدایی است که توصیف می کند ولی خود قابل توصیف نیست، و می‌داند و خود تعلیم داده نمی‌شود؛ نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می دارند، می داند؛ از بدی هر آنچه پراکنده و به وجود آورده، و از بدی هر آنچه زیر خاک است، و از بدی هر آنچه آشکار گردد و هر آنچه پنهان شود، و از بدی هر آنچه در شب و روز است، و از بدی ابی قتره (شیطان) و آنچه بزاید، و از بدی هر آنچه گفتم و هر آنچه نگفتم، به روی خدای بزرگوار، و به اسم بزرگ خدا پناه می‌برم؛ و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.}

گفته است: بیان کرد که آن، موجب ایمنی از هر هفت چیز است، از بدی رساندن شیطان رانده شده، و نسل او، و هرچه بگزد و نیش زند، و دارنده‌ی این اگر آنها را بر زبان آورد، از هیچ دزد و مهلکه نمی‌هراسد. - . المحاسن: ۳۶۹ -

الکافی: مثل همین را روایت کرده است. - . الکافی ۲: ۵۳۲؛ مثل همین روایت را در صفحه ۵۶۹ و ۵۷۰ با سند دیگری از سلیمان جعفری نقل کرده است که این، با روایتی که از المحاسن نقل کرده است، سازگارتر است. -

فلاح السائل: مثل همین را به صورت مرسل روایت کرده است. - . در محل مورد نظر یافت نشد. -

**[ترجمه]

«۲۹»

تَفْسِيرُ الْإِمَامِ علیه السلام، عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ لَا يُصِيبَكَ شَرُّ الْأَعَادِي فَقُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ- أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَ

ص: ۲۶۰

۱- ۱. و هکذا ذکره الفیروزآبادی.

اللَّهُ يُعِيذُكَ مِنْ شَرِّهِمْ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُؤْمِنَكَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ السَّرَقِ (۱) فَقُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ فَإِنَّ مَنْ قَالَهَا ثَلَاثاً إِذَا أَصْبَحَ أَمِنَ مِنَ الْحَرَقِ وَ الْغَرَقِ وَ السَّرَقِ حَتَّى يُمْسِيَ وَ مَنْ قَالَهَا ثَلَاثاً إِذَا أَمْسَى أَمِنَ مِنَ الْحَرَقِ وَ الْغَرَقِ وَ السَّرَقِ حَتَّى يُصْبِحَ وَ إِنَّ الْخَضِرَ وَ إِلْيَاسَ علیهما السلام يَلْتَقِيَانِ فِي كُلِّ مَوْسِمٍ فَإِذَا تَفَرَّقَا تَفَرَّقَا عَنْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ وَ إِنَّ ذَلِكَ شِعَارُ شِيعَتِي وَ بِهِ يَمْتَازُ أَعْدَائِي مِنْ أَوْلِيَائِي يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (۲).

**[ترجمه]«ما ذرأ و برأ»، ممکن است «الذرؤ» و «البرؤ» هر دو عام باشند تا از روی تأکید، همه آفریده‌ها را دربر بگیرند؛ و «برأ» تأکید برای «ذرأ» باشد یا اینکه «البرء» مخصوص آفرینش حیوانات باشد و دیگری عام باشد؛ یا بر عکس. در النهایه در مورد اسم‌های خدا گفته است: «الباری» یعنی کسی که آفریده‌ها را بدون نمونه قبلی آفرید، و برای همین این لفظ به گونه‌ای اختصاص با آفرینش حیوانات دارد، که به آفریده‌های دیگر ندارد؛ از این روست که گفته می‌شود: «برء النسمه»، {جانداران را آفرید.} و «خلق السّموات و الأرضَ» {آسمان‌ها و زمین را آفرید.} و گفته است: «ذرء الله الخلق، یذرئهم، ذرءاً» یعنی همه آفرینش را آفرید؛ و گفته است: «الذرء» اختصاص به آفرینش نسل دارد .

کلام او: «و شرّ أبی قتره»، می‌گویم: در نسخه‌ها اختلاف فراوانی وجود دارد: در بیشتر نسخه‌های کافی، «أبی مرّه» آمده که همین آشکارتر است، که با ضمه حرف میم و تشدید حرف راء، کُنیه ابلیس – که لعنت خدا بر او باد، – است، و جوهری و دیگران همین را بیان کرده‌اند. در بیشتر نسخه‌های المحاسن، «أبی قتره» آمده است؛ فیروزآبادی گفته است: «أبو قتره» همان ابلیس – که لعنت خدا بر او باد، – است، یا «قتره» اسم خاص شیطان است. در بعضی نسخه‌ها، «قتره» بدون ذکر «أبی» آمده است. در النهایه، در مورد این دعا آورده است: «تعوّذوا بالله من قتره و ما ولد»، که با کسره حرف قاف و سکون حرف راء، اسم ابلیس است. پایان. همه این صورت‌ها درست است و با کاربرد و قواعد لغت، سازگار است. چه بسا «ابن قتره» با کسره... حرف قاف و سکون حرف تاء خوانده شود، به خاطر آنچه جوهری گفته است، – . فیروزآبادی نیز چنین گفته است. – مبنی بر اینکه «ابن قتره» ماری است که حتی در کوچکی بسیار پلید است. ولی پیچیدگی لفظی و معنایی آن، روشن است.

سیّد در فلاح السائل گفته است: صاحب الصحاح گفته است: «ابن قتره» با کسره حرف قاف، ماری پلید است، پس ممکن است منظور از آن، ابلیس و نسل او باشند و به آن مار گفته شده تشبیه شده‌اند. در بعضی نسخه‌ها «أبی مرّه» آمده که درست‌تر است؛ زیرا این دعا پناه جستن از شیطان و نسل آن است و برای همین، وقتی گفته می‌شود: «أبو قتره»، در واقع «ابن قتره» نیز گفته می‌شود.

و اما کلام او: «من شرّ الرّسیس»، صاحب الصحاح گفته است: «رسّ المیت» یعنی در گور شد؛ و «الرسّ» یعنی آشتی دادن بین مردم، و تباهی کردن؛ و «قد رسست بینهم» – از همین نوع کاربرد است. – و این کلمه دارای دو معنی متضاد است و گویا از تباهی و مرگ و هر چیزی که به معنای آن مربوط می‌شود، ایمنی جسته است. پایان.

و می‌گویم: آشکارتر این است که منظور از «الرّسیس»، دلدادگی بیهوده یا تب است. فیروزآبادی گفته است: «الرّسیس» یعنی چیز استوار، و هوشیار خردمند، و خبر نادرست، و آغاز دوستی، و تب. پایان. در بعضی نسخه‌ها در مورد این واژه نیز اختلافات

فراوانی وجود دارد که به آن‌ها نپرداختیم.

«العضّ» یعنی گرفتن با دندان؛ و «اللسع» یعنی گزیدن با نیش، مانند عقرب و زنبور.

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب سد الأبواب و فتح باب علی علیه السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر الامام: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که روزی به یکی از یارانش فرمود: اگر می‌خواهی بدی دشمنان به تو نرسد، هنگام صبح کردن بگو: «أعوذ بالله من الشّیطانِ الرّجیم» {از بدی رساندن شیطان رانده شده به خدا پناه می‌برم.} که خدا تو را از بدی رساندن آنها در امان نگاه می‌دارد. و اگر خواستی بعد از آن، تو را از غرق شدن و سوختن و دزد ایمنی دهد، هنگام صبح کردن بگو: «بسم الله، ما شاء الله، لا یصرفُ السّوءَ إلا الله...» {با نام خدا، هر چه خدا بخواهد، - همان می‌شود، - کسی جز خدا بدی را دور نمی‌کند؛ با نام خدا، هر چه خدا بخواهد، - همان می‌شود، - هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست؛ با نام خدا، هرچه خدا بخواهد، - همان می‌شود، - درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.} هر کس این را سه مرتبه هنگام صبح بگوید، تا شب از سوختن و غرق شدن و دزدیده شدن در امان خواهد بود؛ و هر کس هنگام شب شدن سه مرتبه این را بگوید، تا صبح از سوختن و غرق شدن و دزدیده شدن در امان خواهد بود.

و همانا خضر و الیاس در هر موسم حج با یکدیگر برخورد می کنند و موقع جدا شدن، با این کلمات جدا می‌شوند و این شعار پیروان من است و روز ظهور امام قائم آنها، صلوات الله علیه، با آن دشمنانم از دوستانم بازشناخته می‌شوند. - . تفسیر الامام: ۷-۸ -

**[ترجمه]

«۳۰»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خِیفَهً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ (۴) قَالَ تَقُولُ عِنْدَ الْمَسَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ قُلْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ قَالَ بِیَدِهِ الْخَیْرُ لَکِنْ قُلْ کَمَا أَقُولُ لَکَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطِینِ وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ عَشْرَ مَرَّاتٍ حِینَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ حِینَ تَغْرُبُ (۵).

الْکَافِی، عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ

۱- ۱. و الشرق خ ل، و هو الغصه بالريق أو الماء.

۲- ۲. تفسير الإمام ص ۷ و ۸.

۳- ۳. راجع ج ۳۹ ص ۲۵ فى حديث طويل.

۴- ۴. الأعراف: ۲۰۵.

۵- ۵. تفسير العيّاشيّ ج ۲ ص ۴۵.

عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ عَنْهُ عليه السلام: مِثْلَهُ (۱) لَكِنِ اكْتَفَى فِي الِاسْتِعَاذَهِ بِقَوْلِهِ- أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ.

**[ترجمه]این روایت به طور کامل در باب «سدّ الأبواب و فتح باب علی علیه السلام» {بستن همه درها و گشوده گذاشتن در منزل علی علیه السلام.} در جلد ۳۹ آمده است. - . همین کتاب ۳۹: ۲۵ -

**[ترجمه]

بيان

الاختلاف الوارد فی هذا التهلیل و الاستعاذه محمول علی التخییر و لعل النهی عن قوله بیده الخیر مع وجوده فی سائر الأخبار لتعلیم الراوی أن لا یجترئ علی الإمام و یعمل بما یسمع أو لکون المناسب له هذا النوع أو للتقیه فیه أو فی سائر الأخبار و الإتیان بالجمیع أحوط و أولی.

**[ترجمه]العیاشی: حسین بن مختار از امام صادق علیه السلام در مورد کلام خدای والامرتبه که فرمود است: «وَ اذکُر ربَّک فی نفسِک تضرُّعاً و خیفهً و دونَ الجَهر من القَول بالغُدُوِّ و الآصالُ و لا تَکُن من الغافلینَ»، - . الاعراف/ ۲۰۵ - {و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.} نقل کرده که فرمود: هنگام شب می گویی: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یُحیی و یُمیت و هو علی کلِّ شیءٍ قدیر» {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می کند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست.} گفتم: «بیده الخیر» {خوبی رساندن به دست اوست} فرمود: درست است که خوبی رساندن به دست اوست، ولی همان طور که برایت گفتم، ده بار بگو.

و «أعوذ بالله السّمیع العلیم من همزاتِ الشیاطینَ و أعوذ بِک ربِّ أن یحضرونِ، إن الله هو السَّمیعُ العلیم»، {و از وسوسه‌های شیطان‌ها به خدای شنوای دانا پناه می‌برم؛ و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند، به تو پناه می برم؛ به درستی که خدا، شنوای داناست.} - . تفسیر العیاشی ۲: ۴۵ -

الکافی: مثل همین روایت را از آن حضرت روایت کرده است؛ - . الکافی ۲: ۵۲۷ - ولی در استعاذه، به ذکر عبارت «أعوذ بالله السمیع العلیم»، {به خدای شنوای دانا پناه می‌برم.} بسنده کرده است.

**[ترجمه]

«۳۱»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: قُلْ أَسْتَعِیذُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ یَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مَفْرُوضٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ مَفْرُوضٌ هُوَ مَحْدُودٌ تَقُولُهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ

الْغُرُوبِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِنْ فَاتَکَ شَیْ ءٌ مِنْهَا فَاقْضِهِ مِنَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ(۲).

الکافی، عن العده عن البرقی عن محمد بن علی عن أبی جمیله عن محمد بن مروان: مثله (۳).

**[ترجمه]اختلافی که در این تهلیل و استعاذه وارد شده است، بر اختیاری بودن آن، حمل می‌شود، و گویا بازداشتن وی از گفتن «بیده الخیر»، {خوبی رساندن به دست اوست} با وجود آن در سایر روایت‌ها، به منظور یاد دادن این نکته به راوی بوده که بر امام، گستاخی ننماید و به آنچه می‌شنود، عمل نماید؛ یا به این دلیل که همین نوع ذکر در اینجا مناسب است؛ یا به خاطر وجود تقیّه در آن؛ یا در سایر روایات بوده است. و عمل کردن به همه آنها با احتیاط‌تر و بهتر است.

**[ترجمه]

«۳۲»

الْعَیَّاشِیُّ، عَنْ حَفْصٍ الْبَخْتَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّمَا سُمِّیَ نُوحٌ عَبْداً شَکُوراً لِأَنَّهُ کَانَ یَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَی- اللَّهُمَّ إِنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَی بِی مِنْ نِعْمَهٍ أَوْ عَافِیَهٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا مِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِهِ عَلَیَّ یَا رَبِّ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا یَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْراً وَ إِذَا أَمْسَی عَشْراً(۴).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا عَنَی اللَّهُ

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۷.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۴۵.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۳۳.

۴- ۴. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۸۰.

بِقَوْلِهِ لِنَوْحٍ إِنَّهُ كانَ عَبْداً شَكُوراً(۱) فَقَالَ كَلِمَاتٍ بَالَغَ فِيهِنَّ وَ قَالَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُصْبَحْتُ أُشْهِدُکَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ بِی مِنْ نِعْمَةٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهُ مِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِيکَ لَکَ فَلَکَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَيَّ يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا فَسُمِّيَ بِذَلِکَ عَبْداً شَكُوراً(۲).

**[ترجمه]العیاشی: امام جعفر علیه السلام فرمود: بگو: «أستعیذُ بالله السَّمیعِ العلیم من الشَّیطان الرَّجیم، و أعوذ بالله أن یحضرون، إن الله هو السَّمیع العلیم»، {از شیطان رانده شده به خدای شنوای دانا پناه می‌جویم؛ و از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند، به خدا پناه می برم؛ به درستی که خدا، شنوای داناست.} و بگو: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یُحیی و یُمیت و یُمیت و یُحیی و هو علی کلِّ شیءٍ قدیر»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست؛ زنده می کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می گرداند، و او بر هر چیزی تواناست.} شخصی به او گفت: آیا این واجب است: فرمود: آری، واجب و مشخص شده، است؛ آن را ده مرتبه قبل از طلوع خورشید و ده مرتبه قبل از غروب می گویی، و اگر توفیق گفتن بخشی از آنها را از دست دادی، در شب یا روز، قضای آن را بجای آور. - . تفسیر العیاشی ۲: ۴۵ -

الکافی: مثل همین روایت را نقل کرده است. - . الکافی ۲: ۵۳۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

مَجَالِسُ الْمُفِيدِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ إِذَا أَمْسَى قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ الْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ذَكَرَ اللَّهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلَامِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِهَا شِئْتَ (۳).

**[ترجمه]العیاشی: حفص بختری از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: نوح به این خاطر بنده سپاسگزار نامیده شد که هنگام صبح و شب می گفت: «اللّهمّ إنّه ما أصبحَ و أمسی بی من نعمه أو عافیه فی دین أو دنیا منک...» {خدایا، به درستی که هر نعمت و عافیتی که در دین و دنیا در صبحگاه و شامگاه برایم وجود دارد، از سوی توست، یگانه هستی و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد، به خاطر آن، ای پروردگار، تا خشنود شدنت و بعد از خشنودی‌ات، تو را ستایش می کنم و از تو سپاسگزاری می‌نمایم.} آن را ده مرتبه هنگام صبح و ده مرتبه هنگام شب می گفت. - . تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۰ -

و از همان کتاب: ابو حمزه ثمالی گفته است: به امام باقر علیه السلام گفتم: این کلام خدا در مورد نوح که فرموده: «إنه کان عبداً شکوراً» - . أسری/ ۳ -

{راستی که او بنده ای سپاسگزار بود.} به چه معنی است؟ فرمود: کلماتی است که در آن‌ها نهایت تلاش را کرده است؛ و

فرمود: او هنگـام صـبح و شب می گفت: «اللّهمّ إنّی أصـبحتُ أُشـهدکَ أنّه مـا أصـبح بی من نعمه أو عـافیه فی دین أو دنیا فانّه منـک...» {خـدایا، در ایـن صـبحگاهی کـه آغـاز کردم، تـو را گـواه می گیرم که هر نعمت و عـافیتی که در دین و دنیـا در این صبحگـاه برایم وجود دارد، به راستی که از سوی توست، یگـانه هستی و هیـچ شـریکی برای تو وجود نـدارد؛ به خاطر آن، ای پروردگـار، تـا خشنود شـدنت و بعـد از خشـنودی‌ات، تو را سـتایش می کنم و از تو سپاسـگزاری می‌نمایم.} از این رو بنـده... سپاسگزار نامیده شد. - . تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۱ -

**[ترجمه]

«۳۴»

الْمَکَـارِمُ کَـانَ الصَّادِقُ علیه السـلام یَقُـولُ: إِذَا أَصْـبَحَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِـاللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ فِی سَبِیـلِ اللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ إِلَیْـکَ أَسْـلَمْتُ نَفْسِـی وَ إِلَیْـکَ فَوَّضْتُ أَمْرِی وَ إِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإِیمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِینِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی (۴)

لَـا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَـا قُوَّهَ إِلَّا بِـاللَّهِ أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِیَهَ مِنْ کُلِّ سُوءٍ فِی الـدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَـذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضِیـقِ الْقَـبْرِ وَ مِنْ ضَـغْطَهِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِـکَ مِنْ سَـطَوَاتِ اللَّیْـلِ وَ النَّهَـارِ اللَّهُمَّ رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ أَبْلِغْ مُحَمَّداً وَ آلَهُ عَنِّی السَّلَامَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ

۱- ۱. أسری: ۳.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۸۱.

۳- ۳. أمالی المفید ص ۵۹.

۴- ۴. زاد فی الکافی هاهنا:« و من قبلی» و سیجی ء بیانه.

بِدِرْعِكَ الْحَصِينَهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرَقاً أَوْ حَرَقاً أَوْ قَوَداً أَوْ صَبْراً أَوْ هَضْماً أَوْ تَرَدِّياً فِي بِئْرٍ أَوْ أَكِيلَ السَّبُعِ أَوْ مَوْتَ الْفَجْأَهِ أَوْ بِشَيْ ءٍ مِنْ مِيتَهِ السَّوْءِ وَ لَكِنْ أَمِتْنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَهِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُصِيباً لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ (۱) مُصِيباً لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ أُعِيذُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي- بِرَبِّ الْفَلَقِ إِلَى آخِرِهِ أُعِيذُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ إِلَى آخِرِهِ وَ قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ زِنَهَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

رِضَا نَفْسِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْوَقْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ (۲).

الْكَافِي، بِسَنَدٍ مُوَثَّقٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ (۳).

مِصْبَاحُ الشَّيْخِ،: فِي أَدْعِيَهِ الصَّبَاحِ وَ الْمَسَاءِ دُعَاءٌ آخَرُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ(۴).

و بين الكتب اختلاف يسير اخترنا منها ما هو أجمع و أصح

**[ترجمه]مجالس المفيد: امام صادق عليه السلام فرمود: هر كس موقع صبح قبل از طلوع خورشيد، و موقع شب كردن قبل از غروب خورشيد، بگويد: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريک له...» {گواهی می‌دهم هيچ خدايی جز الله وجود ندارد، يگانه است و هيچ شريكی برای او نيست، و گواهی می‌دهم كه محمد بنده و فرستاده اوست، و گواهی می‌دهم كه دين، همان است كه تشريع كرد، و اسلام همان گونه است كه توصيف كرد، و كتاب همان است كه نازل كرد، و سخن همان است كه گفته است، و اينكه خدا همان حقيقت آشكار است؛ خداوند، محمد و خاندان محمد را با سلام ياد كرده.} خداوند درهای هشتگانه بهشت را برای او می گشايد و به او گفته می‌شود: از هر يک از درها كه خواستی، وارد شو. - . أمالي المفيد: ۵۹ –

**[ترجمه]

توضيح

بسم الله أي أستعين في جميع أموري باسمه سبحانه و بذاته الأقدس و إلى الله أي التجائي أو مرجعي إليه و من الله أي أنا و جميع الأشياء

ص: ۲۶۴

۱- ۱. الصف: ۴.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۲۳- ۳۲۴.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۵.

۴- ۴. مصباح الشیخ ص ۶۷.

منه أو أستمد التوفيق منه تعالى و فى سبيل الله أى جعلت نفسى و أعمالى و إرادتى كلها فى سبيل الله حتى تكون خالصه له و أنا فى سبيل الله و متلبس بطاعته و على مله رسول الله صلى الله عليه و آله أى أنا مقيم عليها أو أجعل أعمالى موافقه لها.

إليك أسلمت نفسى إشاره إلى أن جوارحه منقاده لله تعالى فى أوامره و نواهيه و قوله إليك فوضت أمرى إلى أن أموره الخارجه مفوضه إليه لا مدبر لها غيره بحفظ الإيمان أى بأن تحفظ إيمانى أو مع حفظه أو بما تحفظ به أهل الإيمان أو بحفظ تؤمننى به من مخاوف الدنيا و الآخره فإن المؤمن من أسمائه سبحانه من بين يدى استوعب الجهات السته بحذافيرها لأن ما يلحق الإنسان من بليه أو فتنه فإنما يلحقه و يصل إليه من إحدى هذه الجهات الست إذا كان من غيره ثم قال و من قبلى ليشمل الشرور التى تصل إليه من قبل نفسه و قيل الجهات الأربع الأول المراد منها ما يصيبه من قبل الخلق و الباقيتان من قبل الله و سطوات الله عقوباته النازله بالليل و النهار و السطوه القهر و البطش و الدرع الحصينه كنايه عن حفظه و حراسته.

و أعوذ بجمعك أى بجامعيتك للكمالات أو بجيشك من الملائكه و الأنبياء و الأوصياء عليهم السلام و فى النهايه الجمع الجيش أو بجمعك للأشياء و حفظك لها و فى النهايه شرق بذلك غص به و منه الحديث الحرق و الشرق شهاده هو الذى يشرق بالماء فيموت انتهى و الحاصل أن الشرق هو أن يعترض شى ء فى حلقه و لا يندفع إلى أن يموت و القود بالتحريك القصاص و القتل صبرا هو أن يؤخذ و يحبس للقتل ثم يقتل و هذا أشد أنواع القتل و الهضم الكسر و هضمه حقه ظلمه و فى أكثر نسخ الكافى مكانه مسما فيكون بفتح الميم مصدرا ميميا أو بضمها من أسمه أى سقاه سما و إن لم يذكر فى اللغه بناء الإفعال بهذا المعنى أو بضم الميم و كسر السين و تشديد الميم أى يوم ذى سموم فى القاموس سم يومنا بالضم فهو مسموم و سام و مسم و فى بعض النسخ سما و هو أظهر و البنيان الحائط و الرص إلصاق الشى ء بعضه

ببعض و الوقر ثقل السمع كما فی النهایه أو کل ثقل من الدیون و الذنوب و غیرهما.

**[ترجمه]المکارم: امام صادق علیه السلام هنگام صبح شدن می‌فرمود: {با نام خدا، و با یاری خدا، و به سوی خدا، و از سوی خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ خدایا، جانم را به تو تسلیم کردم، و کارم را به تو واگذاشتم، و به سوی تو روی کردم، و بر تو توکل نمودم، ای پروردگار جهانیان؛ خدایا، ایمان مرا از روبرو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالای سرم و از پایینم، حفظ بفرما؛ هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست؛ گذشت و ایمنی از هر بدی در دنیا و آخرت را از خدا درخواست می کنم .

خدایا، از عذاب قبر، و از تنگی قبر، و از فشار قبر به تو پناه می‌آورم؛ و از کیفرهایی که در شب و روز نازل شوند، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، ای پروردگار ماه با احترام، و ای پروردگار خانه با احترام، و ای پروردگار شهر با احترام، و ای پروردگار حرم و خارج حرم، بر محمد و خاندان محمد از سوی من سلام برسان؛ خدایا، به نگاهدار مستحکم تو پناه می‌برم؛ و از اینکه مرا با غرق گشتن یا سوختن یا از روی قصاص یا در زندان، یا از روی ستم، یا افتادن در چاه، یا خوراک درندگان شدن، یا مرگ ناگهانی، یا با هر نوع مردن بد، بمیرانی، به - کمالات یا سپاه - گرد آمده تو پناه می‌برم؛ ولی می‌خواهم مرا در بستر خودم، در حالی که در طاعت تو و طاعت فرستاده تو، که درود تو نثار او باد، باشم و به حقیقت دست یافته و از اشتباه دور باشم؛ یا در صفی باشم که اهل آن را در کتاب خود ستوده و فرموده‌ای: «کأنّهم بنیانٌ مرصوص»، - . الصف/ ۴ - {چنان که گویی بنایی ریخته شده از سُرب اند.}، در حالی که به حقیقت دست یافته و از اشتباه به دور باشم، بمیرانی.

خودم و دینم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده است، در پناه خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که نه زاده شده و نه زاییده شده، و نه برای او همتایی وجود دارد، قرار می‌دهم. خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده است را در پناه پروردگار سپیده دم... - تا آخر سوره، - قرار می‌دهم. خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده است، به پروردگار مردم... - تا آخر سوره - قرار می‌دهم.}

و ده مرتبه بگو: {به تعداد آفریده‌های خدا، خدا را سپاس می گویم؛ مثل آفریده‌های خدا، خدا را سپاس می گویم؛ به میزان مرکب کلمات خدا، خدا را سپاس می گویم؛ به سنگینی عرش خدا، خدا را سپاس می گویم؛ به میزان خشنودی خدا، او را سپاس می گویم؛ هیچ خدایی جز الله بردبار بزرگوار وجود ندارد؛ هیچ خدایی جز الله والامرتبه بزرگ وجود ندارد؛ خدایا، از دچار شدن به بدبختی به تو پناه می‌آورم؛ و از سرزنش دشمنان به تو پناه می‌آورم؛ و از ناداری و سنگین شدن بارم به تو پناه می‌آورم؛ و از نظر بد در خانواده و دارایی و فرزندان، به تو پناه می‌آورم؛ و بر پیامبر و خاندان او درود فرست.} - . مکارم الاخلاق: ۳۲۳-۳۲۴ -

الکافی: با سند موثق از ابی بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم، درود خدا نثار او، هنگام صبح می گفت:... و مثل آن را بیان فرمود. - . الکافی ۲: ۵۲۵ -

مصباح الشیخ: دعایی دیگر در مورد دعاهای صبح و شب وجود دارد که عبارت است از: «بسم الله و بالله» تا آخر دعا؛ - .

مصباح الشیخ: ۶۷ – و بین کتاب‌ها اختلاف اندکی در آن وجود دارد که ما کامل‌ترین و درست‌ترین آن را انتخاب کردیم.

**[ترجمه]

«۳۵»

الْمَکَارِمُ، عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: فِی ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ عِرْقاً مُتَحَرِّکَةً وَ سَاکِنَةً فَلَوْ سَکَنَ الْمُتَحَرِّکُ لَمْ یَبْقَ الْإِنْسَانُ وَ لَوْ تَحَرَّکَ السَّاکِنُ لَهَلَکَ الْإِنْسَانُ قَالَ وَ کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فِی کُلِّ یَوْمٍ إِذَا أَصْبَحَ وَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ یَقُولُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیراً طَیِّباً عَلَی کُلِّ حَالٍ یَقُولُهَا ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّینَ مَرَّةً شُکْراً(۱).

أَعْلَامُ الدِّینِ،: مِثْلَهُ وَ فِیهِ حَمْداً کَثِیراً.

**[ترجمه]«بسم الله» یعنی در تمام کارهایم از اسم خدای منزّه و ذات پاک او یاری می‌جویم. «إلی الله» یعنی پناه بردنم یا بازگشتنم به سوی اوست. «من الله» یعنی من و تمام چیزها از او هستیم؛ یا از او توفیق می‌خواهم. «فی سبیل الله» یعنی خودم و کارهایم و خواسته‌هایم، همگی را در راه خدا قرار داده‌ام تا برای او خالص شود و من در راه خدا قرار دارم و برای او جامه... طاعت پوشیده‌ام. «و علی ملّه رسول الله صلی الله علیه و آله» یعنی من به آن پایبندم؛ یا کارهایم را در راستای آنها قرار می‌دهم.

«إلیک أسلمتُ نفسی» اشاره به این دارد که اعضای بدن او در دستورها و منع‌ها، مطیع خدای والامرتبه است؛ «الیک فوّضت امری» اشاره به این است که کارهای او به خدا واگذار شده و تدبیر کننده‌ای غیر از او وجود ندارد. و عبارت «بحفظِ الایمان» اشاره دارد به اینکه ایمانم را حفظ کنی، یا با آنچه اهل ایمان را حفظ می‌نمایی؛ یا با نگاه داشتنی که مرا از جاهای هولناک دنیا و آخرت ایمن سازی، که «مؤمن»، {ایمنی دهنده} از اسم‌های خدای منزّه است. «من بین یدی...» تمام جهت‌های ششگانه را با کناره‌های آن بیان کرده است؛ زیرا هر بلا یا گرفتاری که به انسان می‌رسد، اگر از ناحیه شخص دیگری باشد، از یکی از این جهت‌های ششگانه می‌رسد. سپس فرمود: «و من قبلی» تا بدی‌هایی را که از سوی نفس خودش به او می‌رسد، نیز در بر بگیرد. گفته شده است: منظور از چهار جهت اول، چیزهایی است که از سوی آفریدگان برای او پیش می‌آید و دو مورد باقی مانده، از ناحیه خدا است. «سطواتِ الله» یعنی کیفرهای او که در شب و روز نازل می‌شود و «السطوه» یعنی چیره شدن و خشم راندن؛ و «الدرع الحصینه» کنایه از مراقبت و نگاهداری اوست.

«أعوذ بجمعک»، یعنی به کمالاتی که در تو گرد آمده است؛ یا به سپاه تو از فرشتگان و پیامبران و جانشینان او علیهم السلام. در النهایه، «الجمع»، یعنی سپاه، و – معنی عبارت این است: – گرد آوردن اشیا از سوی تو و نگاهداری آنها. در النهایه، «شرق بذلک» یعنی با آن خفه شد؛ و حدیث «الحرق و الشرق شهاده» – به این معنی است. – «هو الّذی یشرق بالماء»، یعنی – با آب خفه می‌شود و – پس می‌میرد. پایان. نتیجه اینکه، «الشرق» آن است که چیزی در گلویش بماند و نتواند آن را فرو ببرد تا اینکه بمیرد. «القود» با فتحه حروف، یعنی قصاص. «القتل صبراً» آن است که شخص، برای کشتن دستگیر و زندانی شود، سپس کشته شود، و این شدیدترین نوع کشتن است. «الهضم» یعنی شکستن، و «هضمه حقَّه» یعنی بچه او ستم کرد. در بیشتر نسخه... های الکافی به جای آن، «مسمّاً» آمده است که با فتحه میم یا با ضمه آن، مصدر میمی از «أسمّه» می‌شود، یعنی به او سم

نوشانید؛ هر چند در لغت، صیغه إفعال با این معنی وجود ندارد؛ یا اینکه با ضمه میم و کسره سین و تشدید میم دومی، خوانده شود، یعنی روز دارای باد گرم؛ در القاموس، «سم یومنا» با ضمه، «فهو مسموم، و سامٌّ، و مُسِمٌّ» - در همین معنی به کار رفته است. - و در بعضی نسخه‌ها، «سمّاً» آمده که آشکارتر است. «البنیان» یعنی دیوار. «الرصّ» یعنی چسباندن قسمتی از چیز به قسمت دیگر. «الوقر»، همان طور که در النهایه آمده است، یعنی سنگینی شنوایی؛ یا هر نوع سنگینی، ناشی از بدهی و گناهان و جز آن دو .

**[ترجمه]

«۳۶»

جَامِعُ الْأَخْبَارِ: مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فِی الصَّلَاةِ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْأَوَّلِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَإِ الْأَعْلَی وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلِینَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِیلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِیلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْکَبِیرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّی آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ رُؤْیَتَهُ وَ ارْزُقْنِی صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِی مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِیّاً سَائِغاً هَنِیئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ کَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِی فِی الْجِنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّی تَحِیَّةً کَثِیرَةً وَ سَلَاماً فَإِنَّ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ هُدِمَتْ ذُنُوبُهُ وَ غُفِرَتْ خَطَایَاهُ وَ دَامَ سُرُورُهُ وَ اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ أُعْطِیَ أَمَلَهُ وَ بُسِطَ لَهُ فِی رِزْقِهِ وَ أُعِینَ عَلَی عَدُوِّهِ وَ هُیِّئَ لَهُ سَبَبُ أَنْوَاعِ الْخَیْرِ وَ یُجْعَلُ مِنْ رُفَقَاءِ نَبِیِّهِ بَیْنَ یَدَیْهِ فِی الْجِنَانِ الْأَعْلَی یَقُولُهُنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غُدْوَةً وَ ثَلَاثاً عَشِیَّةً(۲).

**[ترجمه]المکارم: علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: در انسان سیصد و شصت رگ متحرک و ساکن وجود دارد؛ اگر رگ‌های متحرک از فعالیت باز ایستند، انسان باقی نمی‌ماند، و اگر رگ‌های ساکن به حرکت در آیند، انسان هلاک می‌شود؛ و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز هنگامی که صبح می‌شد و خورشید طلوع می‌کرد، می‌گفت: «الحمد لله ربّ العالمینَ کثیراً طیباً علی کلِّ حال»، {سپاس فراوان و پاک، در هر حالتی مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.} آن را از روی سپاسگزاری، سیصد و شصت مرتبه می‌گفت. - . مکارم الاخلاق: ۳۵۵- ۳۵۶ -

اعلام الدین: مثل آن را روایت کرده و در آن، «حمداً کثیراً»، {سپاس فراوان.} آورده است.

**[ترجمه]

«۳۷»

فَلَاحُ السَّائِلِ: مِنَ الْعَمَلِ عِنْدَ تَغَیُّرِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ أَنْ تَعْمَلَ وَ تَقُولَ کَمَا

١- ١. مكارم الأخلاق ٣٥٥- ٣٥٦.

٢- ٢. جامع الأخبار ص ٧٣.

رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْمُسْلِيِّ وَ مُسْلِيَهُ قَبِيلَهٌ مِنْ مَذْحِجٍ بِإِسْنَادِهِ فِي كِتَابِ أَصْلِهِ عَنْ سَلَّامِ بْنِ أَبِي عَمْرَهَ- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا احْمَرَّتِ الشَّمْسُ عَلَى قُلَّهِ الْجَبَلِ هَمَلَتْ عَيْنَاهُ دُمُوعاً ثُمَّ قَالَ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَهً بِمَغْفِرَتِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمْنِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَ أَمْسَى فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَ أَمْسَى وَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيمِ اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ جَلِّلْنِي كَرَامَتَكَ وَ غَشِّنِي رَحْمَتَكَ وَ قِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ (۱).

رساله محاسبه النفس، للسید ابن طاوس: مثله

**[ترجمه]جامع الخبار: از دعاهای سرّی خاندان محمد صلی الله علیه و آله در درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او، این است: {خدایا، بر محمد و خاندان محمد در میان پیشینیان درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد در میان پسینیان درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد در جایگاه والا درود فرست؛ و بر محمد و خاندان محمد در میان فرستادگان درود فرست؛ خدایا، به محمد دستاویز و شرافت و برتری و درجه بزرگ عطا کن؛ خدایا، من به محمد و خاندان او ایمان آوردم، در حالی که او را ندیده‌ام، پس در روز قیامت مرا از دیدن او محروم مفرما، و همنشینی با او را روزی‌ام کن، و جان مرا در پایبندی به آیین او بستان، و مرا از حوض او، نوشیدنی گوارا و دلنشین و آرامش بخش، که بعد از آن هرگز تشنه نگردم، بنوشان؛ که تو بر هر چیزی توانایی؛ خدایا، همان طور که بدون دیدن به محمد ایمان آوردم، پس در بهشت سیمای او را به من بشناسان؛ خدایا، از طرف من به روح محمد تحیت فراوان و سلام برسان.}

هر کس با این صلوات بر پیامبر درود فرستد، گناهانش نابود می گردند، و اشتباهاتش آمرزیده می‌شوند، و شادی همیشگی پیدا می کند، و دعایش مستجاب می‌شود و خواسته‌اش به او داده می‌شود، و در روزی‌اش گسترش داده می‌شود، و بر دشمنش یاری می‌شود، و برای او سبب انواع خوبی آماده می‌شود، و در بهشت بالاتر از یاران پیامبرش و در پیش روی او قرار داده می- شود؛ آنها را سه مرتبه در صبحگاه و سه مرتبه در شامگاه بگوید. - . جامع الاخبار: ۷۳ -

**[ترجمه]

بیان

قال الجوهری هملت عینه فاضت.

**[ترجمه]فلاح السائل: از اعمال هنگام دگرگون شدن خورشید به هنگام غروب، چیزی است که از امام باقر علیه السلام روایت کردیم که فرمود: وقتی آفتاب بر قلّه کوه سُرخ می شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله چشمانش پر از اشک می گردید و می فرمود: {ستم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزشت، و هراسم با پناهنده شدن به امنیّت تو، و خواری ام با پناهنده شدن به عزّت تو، و ناداری ام با پناهنده شدن به بی نیازی تو، و روی افسرده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی پاینده و بزرگوارت شب نموده است؛ خدایا، لباس عافیتت را به من بپوشان، و مرا زیر پوشش کرامت خود قرار ده، و رحمتت را بر من گسترده ساز، و مرا از بدی رساندن آفریده‌هایت، چه از جن و چه از انسان، نگاه دار؛ ای

خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان.} - . فلاح السائل: ۲۲۱ -

رساله محاسبه النفس نوشته سیّد بن طاووس، مثل همین روایت را آورده است.

**[ترجمه]

«۳۸»

فَلَاحُ السَّائِلِ، أَقُولُ: وَ يُسَبِّحُ وَ يُهَلِّلُ عِنْدَ الْغُرُوبِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ كَمَا رَوَيْنَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ الْمَشْهُودِ بِثِقَتِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَانَ إِذَا أَصْبَحَ يَقُولُ مَرْحَباً بِكُمَا مِنْ مَلَكَيْنِ حَفِيظَيْنِ كَرِيمَيْنِ أُمْلِي عَلَيْكُمَا مَا تُحِبَّانِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَلَا يَزَالُ فِي التَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ كَذَلِكَ بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ (۲)

وَ يَقُولُ مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ الْجَبَّانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَخْلَدٍ- عَنْ هَمَّام بْنِ نَهِيكٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هُلَيْلٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ- عَنْ أُمَيَّةَ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ قَالَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله اخْتِمْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ سَنَتِي بِخَيْرٍ وَ عُمُرِي بِخَيْرٍ فَمَاتَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَهِ أَوْ فِي تِلْكَ الْجُمْعَهِ أَوْ فِي ذَلِكَ الشَّهْرِ أَوْ فِي تِلْكَ السَّنَهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ(۳)

ص: ۲۶۷

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۱.

۲- ۲. لم نجده فی الباب من المصدر المطبوع.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۲۲۱.

**[ترجمه]جوهری گفته است: «هملت عينه» یعنی سرشار از اشک شد.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ يُكَبِّرُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ مِائَهَ تَكْبِيرَهٍ قَبْلَ الْغُرُوبِ فَقَدْ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ وَ هُوَ مِنْ أَصْحَابِنَا الثِّقَاتِ فِي كِتَابِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَنْ قَالَ مِائَهَ مَرَهٍ اللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عِتْقِ مِائَهِ رَقَبَهٍ(۱)

وَ رَوَيْنَا أَيْضاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّ مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ مِائَهَ تَكْبِيرَهٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا كُتِبَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ مِائَهَ رَقَبَهٍ(۲) وَ رَوَيْنَاهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام بِلَفْظِ رِوَايَهِ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ وَ يَقُولُ أَيْضاً مَا رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى ره- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَارُونَ بْنِ حُمْدُونٍ الْمَدَائِنِيِّ- عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ- عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ مُحَسِّنٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا عَلَى أَحَدِكُمْ أَنْ يَقُولَ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- اللَّهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَهً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِي وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيّاً فَاجْعَلْنِي سَعِيداً فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ (۳)

وَ يَقُولُ أَيْضاً مَا رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَهَ- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا سُنَّهٌ وَاجِبَهٌ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ الْمَغْرِبِ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۲.

۲- ۲. لم نجده في الباب.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۲۲۲.

عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ-(۱) وَ يَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ عَشْرَ مَرَّاتٍ (۲).

الْكَافِي، عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ زَادَ فِي آخِرِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ فَإِنْ نَسِيتَ قَضَيْتَ كَمَا تَقْضِي الصَّلَاهَ إِذَا نَسِيتَهَا(۳).

**[ترجمه]فلاح السائل: می گویم: و نیز هنگام غروب آفتاب و بعد از طلوع فجر، تسبیح و تهلیل می گوید، چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: علی علیه السلام وقتی صبح می کرد، می فرمود: «مرحباً بکُما من مَلَکینِ حفیظینِ کریمینِ، اُملی علیکما ما تُحبّان إن شاء الله»، {خوش آمدید ای دو فرشته نگاهبان بزرگوار، به خواست خدا، آنچه را که شما دوست می دارید، بر شما املا می کنم.} پس تا طلوع آفتاب مشغول تسبیح و تهلیل می شد و بعد از عصر تا غروب آفتاب نیز چنین می کرد. - . در باب مورد نظر مأخذ چاپ شده یافت نشد. -

و آنچه را که امیه بن علی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، می گوید که فرمود: هرکس هنگام غروب آفتاب در هر روز بگوید: «یا مَن خَتَمَ النّبوَّهَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علی و آله، إختِم لی فی یَومی هذا بِخَیرٍ، و شَهری بِخَیرٍ، و سَنَتی بِخَیرٍ، و عُمری بِخَیرٍ»، {ای خدایی که پیامبری را به محمّد صلی الله علیه و آله خاتمه دادی، این روز و ماه و سال و عمرم را به خوبی خاتمه ده.} و در آن شب یا در جمعه همان هفته، یا در آن ماه، یا در آن سال بمیرد، وارد بهشت می گردد. - . فلاح السائل: ۲۲۱ -

**[ترجمه]

بيان

مع طلوع الشمس لعل المراد بالمعيه القرب أو الغرض التخيير بتقدير كلمه أو أو متعلق بقوله واجبه فقط أي يلزم و يتضيق و يتعين عندهما و في بعض نسخ فلاح السائل بين طلوع الشمس فيحتمل الأخير أي إن فاتك قبل الطلوع فلا بد من الإتيان به إلى وقت المغرب و يمكن أن يكون بيانا لقبل الغروب و في أكثر نسخ الكافي مع طلوع الفجر فالمراد بيان ابتداء و انتهاء الثاني و قيل في الأول إعلام بأن فيه سعه و امتدادا و في الثاني إعلام بأن فيه ضيقا لأن قوله مع المغرب المراد به إشرافها على الغروب و يميت و يحيي يمكن أن يكون التكرار لبيان تكرر صدور الفعلين منه تعالى و استمرارهما و المراد بالإحياء أولا الإحياء في الدنيا و بالإماته أولا الإماته في الدنيا و بها ثانيا الإماته في القبر ففيه الإشاره إلى إحياء القبر ضمنا و بالإحياء ثانيا الإحياء عند النشور.

**[ترجمه]همچنین پیش از غروب، با صد تکبیر خداوند بزرگوار را به بزرگی یاد کند؛ چرا که از علیّ بن حسین علیهما السلام روایت شده که فرمود: صد بار «اللّه أکبر» گفتن پیش از غروب آفتاب، بر تر از آزاد نمودن صد برده است. - . فلاح السائل: ۲۲۲ -

همچنین در کتاب فضل الدعا از سعد بن عبدالله روایت شده است که

امام باقر علیه السلام فرمود: هرکس پیش از طلوع و غروب آفتاب، صد بار «الله أکبر» بگوید، مانند پاداش کسی که صد برده

آزاده کرده است، برای او نوشته می شود. - . در باب مورد نظر یافت نشد. -

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چه خوب است که هر یک از شما هنگام صبح و شام، سه بار بگوید: {خدایا، ای گرداننده دل ها و دیدگان، قلبم را بر دینت استوار گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، به راستی که تو بسیار بخشنده ای؛ و مرا به رحمت خویش از آتش در پناه خویش درآور. خدایا، عمر مرا طولانی گردان، و روزی ام را وسعت ده، و رحمتت را بر من بگستران، و اگر در نزد تو در و امّ الکتاب بدبخت هستم، پس مرا نیک‌بخت قرار ده، که تو هرچه را بخواهی محو و یا ثابت می گردانی، و امّ الکتاب تنها در نزد توست.} - . فلاح السائل: ۲۲۲ -

و نیز آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده است می‌گوید که فرمود: دعا کردن پیش از طلوع و غروب آفتاب و همراه با طلوع آفتاب و مغرب، سنّت واجب است؛ ده مرتبه می گوید: {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می گرداند، و او خود زنده ای است که نمی میرد، خوبی تنها به دستِ اوست، و او بر هر چیزی تواناست.} - . فلاح السائل: ۲۲۲ -

و نیز ده مرتبه می گوید: «أعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین، و أعوذ بالله أن یحضرونِ، إن الله هو السمیع العلیم»، {از وسوسه های شیطان ها، به خداوند شنوای دانا پناه می برم؛ از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به خدا پناه می برم، به راستی که خداوند، شنوای داناست.} - . فلاح السائل: ۲۲۲ -

الکافی: مثل همین را به نقل از العده روایت کرده است؛ با این تفاوت که در آخر آن افزوده است: قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب، و اگر آن را فراموش کردی، همان گونه که قضای نماز فراموش شده را بجای می‌آوری، قضای آن را بجای می‌آوری. - . الکافی ۲: ۵۳۲-۵۳۳ -

**[ترجمه]

«۳۹»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ یَقُولُ أَیْضاً مَا رَوَاهُ عَلِیُّ بْنُ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ بقاع [بَقَّاحٍ] عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ سَالِمٍ الْبَجَلِیِّ عَنْ عَامِرِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَیْتَ فَضَعْ یَدَکَ عَلَی رَأْسِکَ ثُمَّ أَمِرْهَا عَلَی وَجْهِکَ ثُمَّ خُذْ بِمَجَامِعِ لِحْیَتِکَ وَ قُلْ أَحَطْتُ عَلَی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی مِنْ غَائِبٍ وَ شَاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ- الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۲.

۲- ۲. فلاح السائل ص ۲۲۲.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۳۲- ۵۳۳.

ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ فَإِذَا قُلْتَهَا بِالْغَدَاةِ حُفِظْتَ فِی نَفْسِکَ وَ أَهْلِکَ وَ مَالِکَ وَ وُلْدِکَ حَتَّی تُمْسِیَ وَ إِذَا قُلْتَهَا بِاللَّیْلِ حُفِظْتَ حَتَّی تُصْبِحَ (۱)

وَ یَقُولُ أَیْضاً مَا رَوَاهُ صَفْوَانُ بْنُ یَحْیَی یَرْفَعُهُ فِی کِتَابِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّمَا سُمِّیَ نُوحٌ عَبْداً شَکُوراً لِأَنَّهُ کَانَ علیه السلام یَقُولُ هَذَا عِنْدَ کُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ- اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ أَنَّهُ مَا أَمْسَی وَ أَصْبَحَ بِی مِنْ عَافِیَةٍ أَوْ نِعْمَةٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَمِنْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ زَادَ جَدِّی أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ فِی رِوَایَتِهِ بَعْدَ قَوْلِهِ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا(۲)

**[ترجمه]«مع طلوع الشمس»، گویا منظور از همراهی، همان نزدیک است؛ یا اینکه منظور از آن، با در تقدیر گرفتن کلمه... «أو»،(یا) اختیاری بودن آن است؛ یا اینکه تنها مربوط به «واجبه» باشد، یعنی لزوم آن، منحصر بوده و تنها محدود به آن دو موقع است. در بعضی نسخه‌های فلاح السائل، «بین طلوع الشمس» آمده است که احتمال اخیر را می‌رساند؛ یعنی اگر انجام آن قبل از طلوع را از دست دادی، پس باید تا وقت غروب بجای آوری؛ و نیز ممکن است توضیح برای قبل از غروب باشد. در بیشتر نسخه‌های کافی، «مع طلوع الفجر» آمده است که منظور از آن، بیان ابتدا و انتهای دومی می‌شود؛ و گفته است که در اولی، اعلام این نکته است که در آن، گستردگی زمان و ادامه داشتن منظور بوده است و در دومی، اعلام اینکه فرصت در آن، تنگ است؛ زیرا منظور از عبارت «مع الغروب»، اشراف داشتن او بر غروب است. و ممکن است تکرار «یُمیت و یُحیی» برای بیان تکرار صدور این دو کار از خدای متعال و استمرار داشتن آن باشد؛ و منظور از زنده کردن نخست، زنده کردن در دنیا است؛ و میراندن نخست، همان مرگ در دنیا است، و میراندن دومی، همان میراندن در قبر است که در عین حال، به زنده کردن در قبر نیز اشاره دارد، و زنده کردن دومی، زنده کردن هنگام برانگیخته شدن در قیامت کبری است.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ مِمَّا رَوَیْنَاهُ عَنْ جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ فِیمَا یَرْوِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ شَیْخِ الْقُمِّیِّینَ فِی زَمَانِهِ وَ وَجَدْتُهُ بِخَطِّ جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ رِضْوَانُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَیْهِ قَالَ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ- عَنْ رَبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ- عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِی عَیَّاشٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ مَرَّةً إِذَا أَصْبَحَ وَ مَرَّةً إِذَا أَمْسَی بَعَثَ اللَّهُ مَلَکاً إِلَی الْجَنَّةِ مَعَهُ مِکْسَاحٌ مِنَ الْفِضَّةِ یَکْسَحُ لَهُ مِنْ طِینِ الْجَنَّةِ وَ هُوَ مِسْکٌ أَذْفَرُ ثُمَّ یَغْرِسُ لَهُ غَرْساً ثُمَّ یُحِیطُ عَلَیْهِ حَائِطاً ثُمَّ یُبَوِّبُ عَلَیْهِ بَاباً ثُمَّ یُغْلِقُهُ ثُمَّ یَکْتُبُ عَلَی الْبَابِ هَذَا بُسْتَانُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ-(۳)

أَقُولُ وَ رَأَیْتُهُ قَدْ رَوَاهُ أَیْضاً الرَّبِیعُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیُّ فِی کِتَابِ أَصْلِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ مِنْ غَیْرِ عَجَبٍ مَحَا اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ سَیِّئَةٍ وَ أَثْبَتَ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ کَتَبَ لَهُ أَلْفَ

١- ١. فلاح السائل ص ٢٢٢.
٢- ٢. فلاح السائل ص ٢٢٣.
٣- ٣. فلاح السائل ص ٢٢٣.

شَفَاعَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَ خَلَقَ لَهُ مِنْ تِلْكَ الْكَلِمَةِ طَائِراً أَبْيَضَ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يَكْتُبُ لِقَائِلِهَا(۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: و نیز آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، می گوید؛ فرمود: هنگام صبح و شام، دست خویش را بر سر بگذار و سپس بر صورت خود بکش و بعد همه محاسن خود را به دست بگیر و بگو: {خداوندی را که هیچ خدایی جز او وجود ندارد، داننده نهان و آشکار، بخشنده و مهربان، زنده و برپادارنده است، نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است را می داند؛ و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسیِ او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ، بر خودم و خانواده و دارایی و فرزندانم، چه غایب باشند و چه حضور داشته باشند، محافظ و نگاهبان قرار دادم.} که اگر آن را هنگام صبح بگویی، خداوند تا شب خودت و خانواده و دارایی و فرزندانت را نگاه می دارد، و اگر شب بگویی، تا صبح محفوظ می مانی. - . فلاح السائل: ۲۲۲ -

و نیز آنچه را که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، می گوید؛ فرمود: نوح از آن جهت بنده بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می گفت: {خدایا، تو را گواه می گیرم که هر نعمت و عافیتی که در دین و دنیا در شامگاه و صبحگاه برایم وجود دارد، از سوی توست، یگانه هستی و هیچ شریکی برای تو وجود ندارد؛ در هر حالتی تو را ستایش می کنم و از تو سپاسگزاری می‌نمایم.}

و جدّم ابوجعفر طوسی - که رضوان خدا بر او باد - در این روایت بعد از «لک الحمدُ و لک الشُّکر» افزوده است: «حتّی تَرضی و بعد الرضا»، {تا خشنود شدنت، و بعد از خشنودی‌ات.}

**[ترجمه]

بیان

قال الجوهری کسحت البیت کنسته و المکسحه ما یکنس به الثلج و غیره.

**[ترجمه]از روایت‌های دیگری که جدم شادروان ابوجعفر طوسی نقل کرده و به خط خود او یافتم، روایتی است که انس بن مالک از رسول خدا صلّی الله علی و آله نقل کرده که فرمود: هرکس یک بار هنگام شام و یک بار هنگام صبح بگوید: «سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم»، {خداوند منزه است و او را ستایش می کنم؛ خدای بزرگ، منزّه است.} فرشته ای را که جاروبی از نقره دارد به بهشت گسیل می دارد، تا خاکِ بهشت را که مُشک بسیار خوشبوست، برای او جارو کند، سپس درختی برای او بنشاند، آنگاه دیواری بر گِرد آن بکشد، بعد دری بر آن بگذارد، سپس آن را قفل کند و بر آن در بنویسد: این بوستانِ فلانی پسر فلانی است. - . فلاح السائل: ۲۲۳ -

**[ترجمه]

فَلَاحُ السَّائِلِ (۲)، أَقُولُ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ رِضْوَانُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْهِ: فِی أَدْعِيَهِ الْمَغْرِبِ دُعَاءَ الْعَشَرَاتِ فَقَالَ وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَدْعُوَ بِدُعَاءِ الْعَشَرَاتِ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَ عِنْدَ الْمَسَاءِ وَ أَفْضَلُهُ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ آناءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرافَ النَّهارِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكارِ سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذلِكَ تُخْرَجُونَ- سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ الْمُهَيْمِنِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ

الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِ

ص: ۲۷۱

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۴.

۲- ۲. قال فی فلاح السائل ص ۲۲۴ و يستحب أن يدعو بدعاء العشرات فانه ممّا يدعی به عند المساء و الصباح، و سيأتی ذكره فی تعقيب الصبح و فی أفضل مواضع الدعاء به بعد العصر من أيّام الجمعات ان شاء اللّه جلّ جلاله. أقول: و أمّا القسم الأخير من كتاب فلاح السائل المبتدأ بذكر صلاه الصبح و تعقيبها فلم يطبع بعد.

الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى سُبْحَانَ الَّذِی يُدْرِکُ الْأَبْصَارَ وَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ مِنْکَ فِی نِعْمَهٍ وَ خَيْرٍ وَ بَرَكَهٍ وَ عَافِيَهٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَکَ وَ خَيْرَکَ وَ بَرَكَاتِکَ وَ عَافِيَتَکَ بِنَجَاهٍ مِنَ النَّارِ وَ ارْزُقْنِی شُكْرَکَ وَ عَافِيَتَکَ وَ فَضْلَکَ وَ كَرَامَتَکَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِی اللَّهُمَّ بِنُورِکَ اهْتَدَيْتُ وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَيْتُ وَ بِنِعْمَتِکَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ كَفَى بِکَ شَهِيداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَکَ وَ أَنْبِيَاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِکَ وَ أَرْضِکَ وَ جَمِيعَ خَلْقِکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِيکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَنَّکَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ تُحْيِی وَ تُمِيتُ وَ تُمِيتُ وَ تُحْيِی وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ السَّاعَهَ آتِيَهٌ لا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ: وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً حَقّاً وَ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْأَئِمَّهُ الْهُدَاهُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَ لَا الْمُضِلِّينَ وَ أَنَّهُمْ أَوْلِيَاؤُکَ الْمُصْطَفَوْنَ وَ حِزْبُکَ الْغَالِبُونَ وَ صَفْوَتُکَ وَ خِيَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ نُجَبَاؤُکَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِکَ وَ اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِکَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِکَ وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّهً عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِی هَذِهِ الشَّهَادَهَ عِنْدَکَ حَتَّى تُلَقِّنِيهَا وَ أَنْتَ عَنِّی رَاضٍ إِنَّکَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَکَ السَّمَاءُ كَنَفَيْهَا وَ تُسَبِّحُ لَکَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً سَرْمَداً أَبَداً لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَفَادَ وَ لَکَ يَنْبَغِی وَ إِلَيْکَ يَنْتَهِی فِيَّ وَ عَلَيَّ وَ لَدَيَّ وَ مَعِی وَ قَبْلِی وَ بَعْدِی وَ أَمَامِی وَ فَوْقِی وَ تَحْتِی وَ إِذَا مِتُّ وَ بَقِيتُ فَرْداً وَحِيداً وَ لَکَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ يَا مَوْلَایَ اللَّهُمَّ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِکَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نَعْمَائِکَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا

وَ تَرْضَی اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی کُلِّ أَکْلِهِ وَ شَرْبِهِ وَ بَطْشِهِ وَ قَبْضِهِ وَ فِی کُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَهٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً خَالِداً مَعَ خُلُودِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِیَّتِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَجْرَ لِقَائِلِهِ إِلَّا رِضَاکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حِلْمِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ مُنْتَهَی الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ مُشْتَرِیَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَلِیَّ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ قَدِیمَ الْحَمْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ وَفِیَّ الْعَهْدِ عَزِیزَ الْجُنْدِ قَائِمَ الْمَجْدِ وَ لَکَ الْحَمْدُ رَفِیعَ الدَّرَجَاتِ مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْآیَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ الْعَظِیمَ الْبَرَکَاتِ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَ مُخْرِجَ مَنْ فِی الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ شَدِیدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَکٍ فِی السَّمَاءِ وَ لَکَ

الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرَی وَ الْحَصَی وَ النَّوَی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِی جَوْفِ الْأَرْضِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِیَاهِ الْبِحَارِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الطَّیْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السِّبَاعِ حَمْداً کَثِیراً طَیِّباً مُبَارَکاً فِیهِ کَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَی وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِکَ وَ عِزِّ جَلَالِکَ ثُمَّ تَقُولُ عَشْراً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ وَ تَقُولُ عَشْراً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ تَقُولُ عَشْراً أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ

وَ تَقُولُ عَشْراً يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَ تَقُولُ عَشْراً يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ تَقُولُ عَشْراً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تَقُولُ عَشْراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقُولُ عَشْراً اللَّهُمَّ افْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَقُولُ عَشْراً آمِينَ آمِينَ وَ تَقُولُ عَشْراً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ تَقُولُ بَعْدَ ذَلِکَ اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَصْنَعْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّکَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ وَ أَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَ الْخَطَايَا فَارْحَمْنِی يَا مَوْلَایَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ تَقُولُ عَشْراً لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً وَ هَذَا آخِرُ دُعَاءِ الْعَشَرَاتِ (۱).

**[ترجمه]و نیز دیدم، ربیع بن محمد از امام صادق علیه السلام روایت کرده بود که فرمود: هرکس بگوید: «سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم»، {خداوند منزّه است و او را ستایش می‌کنم؛ خدای بزرگ منزّه است.} جای تعجب نیست که خداوند، هزار گناه او را پاک نموده، و هزار نیکی برای او ثبت، و شفاعت هزار نفر را برای او می نویسد، و هزار درجه پایه ایمانی او را بالا می برد، و از آن کلمه پرنده سفیدی می آفریند که پرواز می کند و تا روز قیامت می گوید: «سبحانَ الله و بحمده، سبحان الله العظیم»، {خداوند منزّه است و او را ستایش می‌کنم؛ خدای بزرگ، منزّه است.} و ثواب آن برای گوینده آن نوشته می شود. - . فلاح السائل: ۲۲۴ -

**[ترجمه]

بیان

لهذا الدعاء أسانید جمه و فیه اختلاف کثیر بحسب اختلاف الروایات و لذا أوردناه فی مواضع و قد أورده السید فی جمال الأسبوع بسنده إلی الشیخ بإسناده إلی ابن عقده بثلاث أسانید إلی أبی جعفر علیه السلام و هو مشتمل علی أجر جزیل و ثواب عظیم لقراءته غدوه و عشیه و فی عصر یوم الجمعه و سیأتی فی أعمال یوم الجمعه.

و رواه فی کتاب مهج الدعوات من کتاب الدعاء لسعد بن عبد الله بإسناده عن معاویه بن وهب عن الصادق علیه السلام (۲)

و بسند آخر عن الحسین صلوات الله علیه و سنوردهما فی کتاب الدعاء(۳).

و وجدته أیضا فی کتاب عتیق من أصول أصحابنا أظنه من کتب محمد بن هارون

ص: ۲۷۴

۱- ۱. فلاح السائل: مخطوط.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۸۰- ۱۸۴.

۳- ۳. المهج ص ۱۸۵- ۱۸۸.

التلعكبرى بسنده عن جابر الجعفى عن أبى جعفر عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام علمه الحسين عليه السلام و ما نقلناه هنا موافق لما رواه الشيخ ره فى المصباح (۱).

قوله عليه السلام تضع لك السماء كنفيها أى تستحق الحمد من جميع الخلق حتى من السماء بأن تحمدك و تضع جانبيها عندك تذللا أو هو كنايه عن حمد الملائكه فى أطرافها و كذا تسبيح الأرض يحتمل الوجهين و على الثانى يخص من عليها بغير الملائكه و إن كان بعيدا و قال الكفعمى (۲)

فى الأولى يحتاج هنا إلى عائد إلى لفظ حمدا إلا أن يكون الحمد مصدر حمدت أو أحمدك حمدا و انقطع الكلام ثم ابتدأ فقال تضع انتهى.

فى و على أى تستحق الحمد فى جميع أمورى و هو لازم على و ما بعده كذلك لا ـ منتهى له دون علمك أى دون عدد معلوماتك أى لا ـ ينتهى إلى حد و دون الحمد الذى تعلم أنك تستحقه و الثانى فى الفقره الثانيه لعله أظهر باعث الحمد أى يكون بتوفيقك وارث الحمد أى يصل إليك و أنت تستحقه أى تبقى بعد فناء الحامدين و حمدهم مشترى الحمد أى طلبت الحمد و وعدت عليه الجزاء فكأنك اشتريته.

ولى الحمد أى أولى و أحق بالحمد أو متولى بمعنى أن ما يحمدك غيرك ليس بحمد تستحقه بل أنت كما أثنيت على نفسك أو أنت تلهم العباد حمدك و توفقهم لذلك رفيع الدرجات أى درجات كماله رفيعه لا ـ تصل إليها العقول و قيل الدرجات مراتب المخلوقات أو مصاعد الملائكه إلى العرش أو السماوات أو درجات الثواب.

مبدل السيئات حسنات إشاره إلى قوله سبحانه فَأُوْلِئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۶۰- ۶۳.

۲- ۲. ذكره فى هامش المصباح ص ۸۸، و الدعاء من ص ۸۷- ۹۰، و ذكره فى البلد الأمين ص ۲۴- ۲۶.

حَسَنات (۱) و فسر بأن يمحو سوابق معاصيهم بالتوبه و يثبت مكانها لواحق طاعاتهم أو يبدل ملكه المعصيه فی النفس بملكه الطاعه و قيل بأن يوفقه لأضداد ما سلف منه أو بأن يثبت له بدل كل عقاب ثوابا.

و جاعل الحسنات درجات أی فی الجنان أو درجات مختلفه بحسب اختلاف الأشخاص و الأعمال و الطول الفضل إذا يغشی أی يغشی الشمس أو النهار أو كل ما يواريه بظلامه إذا تجلی أی يظهر بزوال ظلمه الليل أو تبين بطلوع الشمس و اللطيف فی أسمائه تعالی هو الذی اجتمع له الرفق فی الفعل و العلم بدقائق المصالح و إيصالها إلی ما قدرها له من خلقه و قد يقال هو العالم بخفايا الأمور الصانع لدقائق الأشياء و قد مر فی كتاب التوحيد و الخبير أيضا العالم بخفايا الأمور أو بما كان و ما يكون من خبرت الأمر إذا عرفته علی حقيقته و آمين بالمد و القصر اسم فعل بمعنی اللهم استجب لی و قيل معناه كذلك فليكن و هو مبنی علی الفتح.

**[ترجمه]جوهری گفته است: «كسحت البيت» يعنی خانه را جاروب زدم؛ و «المكسحه» يعنی چيزی كه با آن، برف يا چيزهای ديگر را جاروب می كنند.

**[ترجمه]

«۴۱»

فَلَاحُ السَّائِلِ، وَ أَمَانُ الْأَخْطَارِ، أَقُولُ: وَ يَقُولُ أَيْضاً مَا قَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عِنْدَ مَبِيتِهِ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَقِيهِ بِمُهْجَتِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ فَإِنَّهُ مِنْ مُهِمَّاتِ الدُّعَاءِ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَ الْمَسَاءِ وَجَدْنَاهُ مَرْوِيّاً عَنْ مَوْلَانَا جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا قَدِمَ إِلَى الْعِرَاقِ حَيْثُ طَلَبَهُ الْمَنْصُورُ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَقَالُوا يَا مَوْلَانَا تُرْبَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ فَهَلْ مِنْ أَمَانٍ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ فَقَالَ نَعَمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ فَلْيَأْخُذِ السُّبْحَةَ مِنْ تُرْبَتِهِ وَ يَدْعُو بِدُعَاءِ الْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ هُوَ أَمْسَيْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَ جِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِی لَا يُطَاوَلُ وَ لَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ علیهم السلام مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِی إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِی الِاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ أُوَالِی مَنْ وَالَوْا وَ أُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا وَ أُعَادِی مَنْ عَادَوْا

۱- ۱. الفرقان: ۷۰.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِذْنِی اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِیهِ یَا عَظِیمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِیَ عَنِّی بِبَدِیعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ ثُمَّ یُقَبِّلُ السُّبْحَهَ وَ یَضَعُهَا عَلَى عَیْنَیْهِ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَهِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ أَبِیهِ وَ بِحَقِّ أُمِّهِ وَ بِحَقِّ أَخِیهِ وَ بِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِینَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ ثُمَّ یَضَعُهَا فِی جَبِینِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِکَ فِی الْغَدَاهِ فَلَا یَزَالُ فِی أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْعِشَاءِ وَ إِنْ فَعَلَ ذَلِکَ فِی الْعِشَاءِ لَا یَزَالُ فِی أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى الْغَدَاهِ(۱)

وَ یَقُولُ أَیْضاً مَا ذَكَرَهُ جَدِّی أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِیُّ عِنْدَ الْغُرُوبِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ خَیْرَ لَیْلَتِی هَذِهِ وَ خَیْرَ مَا فِیهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ لَیْلَتِی هَذِهِ وَ شَرِّ مَا فِیهَا اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ تَکْتُبَ عَلَیَّ خَطِیئَهً أَوْ إِثْماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْفِنِی خَطِیئَتَهَا وَ إِثْمَهَا وَ أَعْطِنِی یُمْنَهَا وَ بَرَکَاتِهَا وَ عَوْنَهَا وَ نُورَهَا اللَّهُمَّ نَفْسِی خَلَقْتَهَا وَ بِیَدِکَ حَیَاتُهَا وَ مَوْتُهَا اللَّهُمَّ فَإِنْ أَمْسَکْتَهَا فَإِلَى رِضْوَانِکَ وَ الْجَنَّهِ وَ إِنْ أَرْسَلْتَهَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لَهَا وَ ارْحَمْهَا(۲)

lt;meta info=". فلاح السائل: - . در فلاح السائل، صفحه ۲۲۴ گفته است: و مستحب است با دعای عشرات دعا کند که از پرفضیلت‌ترین دعاهای شامگاه و صبحگاه است و بیان آن در بخش تعقیب نماز صبح و بهترین مواقع دعا با آن، که بعد از عصر روزهای جمعه است، در ادامه خواهد آمد؛ إنشاء الله جل جلاله.

مؤلف:

بخش پایانی کتاب فلاح السائل که با نماز صبح و تعقیبات آن آغاز می‌شود، هنوز به چاپ نرسیده است. - می گویم: جدّم ابی جعفر طوسی - که رضوان خدا بر او باد - در ضمن دعاهای وقت غروب، دعای عشرات را نیز نقل نموده و گفته است: مستحبّ است که هنگام صبح و شام دعای عشرات خوانده شود، و بهترین وقت خواندن آن، بعد از عصر روز جمعه است. و آن دعا به این صورت است:

{به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند منزّه است، و ستایش مخصوص خداست، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و خداوند بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوند در طول شب و حوالی روز، منزّه است خداوند در هنگام صبح و لحظات عصر، منزّه است خداوند در شام و صبح، منزّه است خداوند هنگامی که شب و یا صبح می کنید، و ستایش مخصوص اوست، در آسمان ها و زمین و شامگاهان و هنگامی که ظهر می کنید، زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد و بدین گونه از گورها بیرون آورده می شوید؛ منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند، و درود بر فرستادگان، و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است.

منزّه است خداوندی که صاحب عالَم مُلک و ملکوت است، منزّه است خداوندی که دارای عزت و قدرت است، منزّه است خداوندی که دارنده بزرگ‌منشی و بزرگی است، فرمانروای حقّ و آشکار و ایمنی بخشنده نگهبان و پاکیزه است. منزّه است خداوند، پادشاه زنده ای که هرگز نمی میرد، منزّه است خداوند، پادشاه زنده پاکیزه، منزّه است خداوند پا برجای جاودانی،

منزّه است خداوند جاودان پا برجا، منزّه است پروردگار بزرگ من، منزّه است پروردگاری که بلند مرتبه ترین است، منزّه است خداوندی که زنده پایدار است، منزّه است خداوندی که بلند مرتبه و بلند مرتبه‌ترین است. او منزّه و بلند مرتبه است. بسیار منزّه – از هر گونه نقص و کاستی – و بسیار آراسته است، پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح.

منزّه است خداوند جاودانی که هرگز غفلت نمی ورزد، منزّه است خداوند عالم بدون اینکه کسی به او آموخته باشد، منزّه است آفریننده آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود، منزّه است خداوندی که دیدگان را درمی یابد و چشم‌ها او را درنمی یابند، و او لطیفِ آگاه است.

خدایا، صبح نمودم در حالی که از ناحیه تو در نعمت و خیر و برکت و عافیت قرار دارم، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و نعمت و خیر و برکات و عافیتت را همراه با نجات دادنم از آتش، بر من کامل گردان، و شکر و عافیت و فضل و بزرگواری‌ات را همواره تا زمانی که زنده ام داشته ای، روزی فرما؛ خدایا، تنها به نور تو هدایت گشتم، و به فضل تو بی نیاز گشتم، و به نعمت تو صبح و شام نمودم.

خدایا، به راستی که تو را گواه می گیریم، و تو برای گواه بودن کفایت می کنی، و نیز فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و بر دوش گیرندگان عرشت و ساکنان آسمان ها و زمین و تمام آفریده‌هایت را گواه می گیرم که بی گمان تویی خداوندی که هیچ خدایی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه محمّد صلی الله علی و آله، بنده و فرستاده توست، و تو بر هر چیز توانایی، زنده می کنی و می میرانی، و می میرانی و زنده می کنی. و گواهی می دهم که بهشت حقیقت دارد، و آتش حقیقت دارد، و قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نیست، و اینکه خداوند تمام کسانی را که در قبر هستند برمی انگیزاند.

و گواهی می دهم که علیّ بن ابی‌طالب به حق و راستی امیرمؤمنان است، و امامانی که از نسل و فرزندان اویند، امامان و هدایتگران و هدایت یافتگانی هستند که نه گمراهند و گمراه کننده، و اینکه آنان دوستان برگزیده، و گروه پیروزمند، و آراسته شده و برگزیده تو از میان آفریده‌هایت، و برگزیدگانی هستند که ایشان را برای تبیین و اقامه دینت برگزیده، و از میان آفریده‌هایت مختّص گردانیده، و بر بندگانت برگزیده، و حجّت بر جهانیان قرار داده ای، که درودهای تو بر همه آنان باد، و سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر شما باد.

خدایا، این گواهی را در نزد خود برای من بنویس، تا اینکه در حالی که از من خشنودی، آن را به من تلقین و تفهیم نمایی، به راستی که تو بر هر چیز توانایی. خدایا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که اوّل آن بالا رفته و آخرش پایان نپذیرد؛ خدایا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که آسمان دو سوی خود را برای تو پایین آورده و فروتنی نماید، و زمین و هرچه در آن است، تو را به پاکی یاد کنند.

خدایا، ستایش مخصوص توست، ستایشی بی آغاز و جاودانی که هیچ گاه گسسته نگردد و پایان نپذیرد و سزاوار تو بوده و به تو منتهی گردد، ستایشی که در وجود من باشد و بر من سایه افکند و در نزد من و همراه من و قبل از من و بعد از من و در پیشاپیش و بالای سر و زیرم را فراگیرد، و هنگام مردن و تنها ماندنم با من باشد؛ و ستایش مخصوص توست در هنگامی که از

قبر برانگیخته و زنده می شوم، ای مولای من؛ خدایا، ستایش و سپاسگزاری با همه ستایش ها بر تمام نعمت هایت، مخصوص توست، تا اینکه حمد و سپاس به آنچه که تو، ای پروردگار ما، دوست می داری و خرسندی، مُنتهی گردد. خدایا، به خاطر هر خوردنی و آشامیدنی، و هر خشم و گرفتن، و در جای مویی، تو را ستایش و سپاس باد.

خدایا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که با جاودانگی تو جاودانه باشد؛ و ستایش مخصوص توست، ستایشی که سرآمدی جز مشیّت تو برای آن نباشد؛ و ستایش مخصوص توست، ستایشی که گوینده اش پاداشی جز خشنودی تو را نداشته باشد؛ و ستایش مخصوص توست، به خاطر بردباری ات با وجود آگاهی ات؛ و ستایش مخصوص توست، به خاطر گذشتت با وجود قدرتت؛ و ستایش مخصوص توست، ای برانگیزنده و پدید آورنده ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای وارثِ ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای نو کننده ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای منتهای ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای نو آفرینِ ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای خریدار ستایش، و ستایش مخصوص توست، ای سرپرست ستایش؛ و ستایش مخصوص توست، ای کسی که از دیرباز ستوده ای، و ستایش مخصوص توست، ای کسی که وعده ات راست است، و به عهدت وفا می نمایی. لشگرت نیرومند و سرافراز، و بلند پایگی ات پابرجاست؛ و ستایش مخصوص توست، ای بالا برنده درجات ایمانی، اجابت کننده دعا ها، فرو فرستنده نشانه ها از بالای آسمان‌های هفتگانه، دارای برکات بزرگ، و بیرون آورنده نور از میان تاریکی ها، و بیرون کشاننده کسانی که در تاریکی ها هستند، به سوی روشنایی، و تبدیل کننده بدی ها به نیکی‌ها، قرار دهنده نیکی ها به عنوان درجات.

خدایا، ستایش مخصوص توست، ای آمرزنده گناه، توبه پذیر، [و] سخت کیفر، [و] فراخ نعمت، که هیچ خدایی جز تو نیست، [و] بازگشت به سوی توست. خدایا، ستایش مخصوص توست، هنگامی که شب می پوشاند؛ و ستایش مخصوص توست، هنگامی که روز روشن می گردد؛ و ستایش مخصوص توست، در آخرت و در این - سرا - نخستین ستایش مخصوص توست، به تعداد تمام ستارگان و فرشتگانی که در آسمان هستند؛ و ستایش مخصوص توست، به اندازه تمام خاک ها و سنگریزه ها و هسته ها؛ و ستایش مخصوص توست، به شماره آنچه در درون زمین است، و ستایش مخصوص توست، به اندازه وزن آب‌های تمام دریا ها، و ستایش مخصوص توست، به شماره برگ‌های تمام درختان، و ستایش مخصوص توست، به شماره تمام موجوداتی که بر روی زمین قرار دارند؛ و ستایش مخصوص توست، به شماره آنچه که کتاب تو به شماره درآورده، و ستایش مخصوص توست، به شماره آنچه که علم تو بر آن احاطه نموده، و ستایش مخصوص توست، به شماره تمام انسان ها و جنّیان و حشرات و پرندگان و حیوانات و درندگان، ستایشی فراوان و پاکیزه و مبارک، به همان صورتی که دوست می داری، ای پروردگار ما، و از آن خرسند هستی، و به همان صورت که بزرگواری روی تو و سربلندی عظمت تو را سزاوار است.}

سپس ده بار می گویی: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو اللّطیف الخبیر»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، و تنها او لطیف و آگاه است .

و ده بار می‌گویی: «لا إله إلا الله وحده لا شریك له، له الملك و له الحمد، یُحیی و یُمیت و یُمیت و یُحیی، و هو حیٌّ لا یَموت، بیده الخیرُ و هو علی کلِّ شیءٍ قدیر»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست،

فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، و او خود زنده ای است که هرگز نمی میرد، خوبی تنها به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست.}

و ده بار می گویی: «أستغفر الله الّذی لا إله إلا هو الحیّ القیّوم و أتوب إلیه»، {از خداوندی که هیچ خدایی جز او نیست، هم او که زنده و پایدار است، آمرزش می‌خواهم و به سوی او باز می گردم.}

و ده بار می گویی: «یا الله، یا الله»، {ای خدا، ای خدا.} و ده بار می گویی: «یا رحمان، یا رحمان»، {ای بخشنده، ای بخشنده.} و ده بار می گویی: «یا رحیم، یا رحیم»، {ای مهربان، ای مهربان.} و ده بار می گویی: «یا بدیع السموات و الأرض»، {ای نوآفرینِ آسمان ها و زمین.} و ده بار می گویی: «یا ذا الجلالِ و الاکرام»، {ای دارنده ارجمندی و بزرگواری.} و ده بار می گویی: «یا حنّان، یا منّان»، {ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده.} و ده بار می گویی: «یا حیُّ، یا قیّوم»، {ای زنده، ای پایدار.} و ده بار می گویی: «یا حیُّ لا إله إلّا أنت»، {ای زنده‌ای که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد.} و ده بار می گویی: «بسم الله الرَّحمن الرَّحیم»، {به نام خداوند بخشنده مهربان.} و ده بار می گویی: «اللهم صلِّ علی محمد و آل محمد»، {خدایا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.} و ده بار می گویی: «آمین، آمین»، {اجابت فرما، اجابت فرما.} و ده بار - سوره - «قل هو الله أحد» را می‌خوانی و بعد از آن، می گویی: {خدایا، هر چه تو خود زیبنده آن هستی با من بکن، و آنچه را که من اهل آن هستم با من مکن، زیرا به راستی که تو اهل تقوی و شایسته آمرزندگی هستی، و من اهل گناهان و اشتباهات هستم؛ پس ای سرور من، تو که مهربان ترین مهربانان هستی، بر من رحم آور.}

و ده بار می گویی: {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست؛ بر زنده‌ای که نمی‌میرد، توکل کردم؛ ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرستی داشته باشد، و او را بسیار بزرگ شمار.}
و این پایان دعای عشرات است. - . فلاح السائل: دست نویس -

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ یَقُولُ أَیْضاً رَبِّیَ اللَّهُ- حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ اللَّهُمَّ أَمْسَی خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأَمَانِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ آمِنِّی فَإِنَّکَ لَا تَخْذُلُ مَنْ آمَنْتَهُ اللَّهُمَّ أَمْسَی جَهْلِی مُسْتَجِیراً بِحِلْمِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عُدْ عَلَیَّ بِحِلْمِکَ وَ فَضْلِکَ إِلَهِی أَمْسَی فَقْرِی مُسْتَجِیراً بِغِنَاکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ

ص: ۲۷۷

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۴- ۲۲۵.

٢- ٢. لا يوجد فى سياق أدعيه الغروب.

الْوَاسِعِ الْهَنِيءِ الْمَرِيءِ اللَّهُمَّ أَمْسَى ذَنْبِي مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْماً جَزْماً لَا تُغَادِرُ ذَنْباً وَ لَا أَرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّماً إِلَهِي أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِزَّنِي عِزّاً لَا أَذِلُّ بَعْدَهُ أَبَداً إِلَهِي أَمْسَى ضَعْفِي مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي إِلَهِي أَمْسَى وَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَبْلَى وَ لَا يَفْنَى فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجِرْنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَ الْعَافِيَةُ وَ النَّجَاحُ وَ الرِّزْقُ الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ الْحَلَالُ الْوَاسِعُ اللَّهُمَّ بَصِّرْنِي سَبِيلَهُ وَ هَيِّئْ لِي مَخْرَجَهُ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدُرَةً بِسُوءٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خُذْهُ عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ أَلْجِمْ لِسَانَهُ وَ قَصِّرْ يَدَهُ وَ أَحْرِجْ صَدْرَهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنَ أَهْلِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا خَوَّلْتَنِي وَ رَزَقْتَنِي وَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ بِسُوءٍ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(۱).

**[ترجمه]این دعا سندهای فراوانی دارد و به حسب اختلاف در روایات، در عبارت‌های دعا نیز اختلاف فراوانی وجود دارد و از این رو آن را در برخی جاها آورده‌ایم. سیّد بن طاووس در جمال الأسبوع، این دعا را با اسناد به شیخ، که او با اسناد به ابن عقده و او با سه سند از امام باقر علیه السلام روایت کرده، آورده است. خواندن این دعا در صبحگاه و شامگاه، و در عصر روز جمعه، اجر فراوان و ثواب بزرگ دارد و در بخش اعمال روز جمعه خواهد آمد.

و در کتاب مهج الدعوات، آن را از کتاب الدعاء سعد بن عبدالله، با سند آن از معاویه بن وهب، از امام صادق علیه السلام، - . مهج الدعوات: ۱۸۰-۱۸۴ - و با سندی دیگر از امام حسین علیه السلام آورده است که ما آن را در کتاب الدعاء خواهیم آورد. - . مهج الدعوات: ۱۸۵-۱۸۸ -

همچنین این دعا را در کتاب عتیق که از کتاب‌های اصیل اصحاب ماست و گمان می‌کنم از کتاب‌های محمد بن هارون تلعکبری می‌باشد، با اسناد به جابر جعفی، از امام باقر علیه السلام آورده که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به امام حسین علیه السلام آموخت. آنچه ما در اینجا نقل کردیم، مطابق با متنی است که شیخ در المصباح روایت کرده است. - . مصباح الشیخ: ۶۰-۶۳ -

کلام حضرت، علیه السلام: «تَضَعُ لک السَّماء کفنیها» یعنی سزاوار ستایش از تمام آفریده‌ها حتی آسمان هستی، به این صورت که تو را ستایش کند و دو طرف خود را از روی خواری، بر زمین گذارد؛ یا اینکه کنایه از ستایش فرشتگان در اطراف آن است. تسبیح گفتن زمین نیز اینگونه است و دو صورت می‌تواند داشته باشد و در صورت دوم، اختصاص به ساکنان روی آن غیر از فرشتگان دارد، هر چند چنین چیزی بعید است. کفعمی گفته است: - . المصباح: ۸۸ (در حاشیه؛ دعا در صفحه ۸۷-۹۰ قرار دارد.)؛ البلد الامین: ۲۴-۲۶ - در مورد اولی، نیاز به ضمیری است که به کلمه «حمداً» برگردد، یا واژه «حمداً» است، مگر اینکه «الحمد» مصدر «حمدتُ» یا «أحمدک حمداً» باشد، و کلام را قطع کرده باشد و سپس از ابتدا شروع کرده و گفته باشد: «تضع». پایان.

«فیّ و علیّ» یعنی در تمام کارهایم سزاوار ستایش هستی و آن بر من لازم است؛ موارد بعدی نیز چنین است. «لا مُنتهی له دونَ علمک» یعنی پایین‌تر از تعداد معلومات، یعنی منتهی به حدی و پایین‌تر از ستایشی که می‌دانی سزاوار آن هستی نشود؛ احتمال دومی در قسمت دومی، بهتر است. «باعثُ الحمد» یعنی ستایش با توفیق تو باشد. «وارثُ الحمد» یعنی به تو برسد و تو سزاوار دریافت آن هستی؛ یا بعد از نابودی ستایشگران و ستایش آنان، تو باقی باشی. «مشتری الحمد» یعنی ستایش را درخواست کردی و برای آن، پاداش قرار دادی، که گویا آن را خریداری کرده‌ای.

«ولیُّ الحمد» یعنی سزاوارتر و شایسته‌تر به ستایش؛ یا سرپرست ستایش؛ به این معنی که هر چه غیر تو، تو را بستاید، آن ستایشی که تو سزاوار آن هستی، نمی‌شود؛ بلکه تو آن گونه که تو خود ستوده‌ای، هستی. یا اینکه تو ستایشت را به بندگان الهام می‌کنی و آنها را بر آن موفق می‌گردانی. «رفیعُ الدّرجات» یعنی درجات کمالش والاست، تا جایی که عقل‌ها به پای آن نمی‌رسد؛ و گفته شده است: «الدرجات»، مراتب آفریده‌ها، یا بالا رفتن فرشتگان به سوی عرش، یا آسمان‌ها، یا درجات ثواب است.

«مبدِّل السیئاتِ حسناتٍ»، به کلام خدای سبحان که فرموده است: «فأُولئک یُبَدِّل اللهُ سیِّئاتم حسناتٍ»، - . الفرقان/ ۷۷ - {پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می کند.} اشاره دارد و این گونه تفسیر شده است که گناهان گذشته آنها را با توبه پاک می‌کند و به جای آنها، طاعت‌های آینده آنها را می‌نویسد؛ یا اینکه خصلت و ملکه گناه در نفس را به ملکه طاعت تبدیل می‌کند؛ و گفته شده است: او را به انجام کارهایی خلاف آنچه قبلاً انجام داده است، موفق گرداند؛ یا برای او به جای هر کیفر، ثوابی قرار دهد.

«و جاعلُ الحسناتِ درجاتٍ» یعنی در بهشت؛ یا درجات مختلفی به حسب اختلاف اشخاص و کارها. «الطَول» یعنی بخشش. «إذا یغشی» یعنی خورشید یا روز را بپوشاند، یا همه آنچه را که با تاریکی‌اش می‌پوشاند. «إذا تجلّی» یعنی با رفتن تاریکی شب، آشکار گردد، یا با طلوع خورشید، روشن گردد. «اللّطیف» در میان اسم‌های خدای متعال، یعنی کسی که مدارا در کارها و علم به مصلحت‌های دقیق موجود در کارها و رساندن آنها به هر یک از آفریدگانش که برای او مقدر کرده است، در او جمع شده است. و نیز گفته می‌شود: یعنی کسی که به نهان‌گاه‌های امور آگاه، و موجودات را با دقت تمام ساخته است. توضیح آن در کتاب توحید گذشت. «الخبیر» نیز یعنی آگاه به نهان‌گاه‌های کارها، یا به آنچه بوده و آنچه خواهد بود. «من خبرت الأمر» یعنی وقتی که چیزی را با حقیقت آن بشناسی. «آمین» به صورت کشیده و کوتاه، اسم فعل و به معنای «اللّهمّ استجب لی»، {خدایا، برای من اجابت بفرما.} است؛ و گفته شده است: معنایش این است: اینگونه باشد. این واژه مبنی بر فتحه است.

**[ترجمه]

أقول

هذه الدعوات مذکوره فی مصابیح الشیخ (۲)

و الکفعمی (۳) و ابن الباقی و غیرهم (۴)

بغیر سند.

ثُمَّ قَالَ السَّیِّدُ فِی فَلَاحِ السَّائِلِ،: وَ یَقُولُ مَا رُوِیَ أَنَّ زَیْنَ الْعَابِدِینَ علیه السلام قَالَ مَا أُبَالِی إِذَا قُلْتُ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ لَوِ اجْتَمَعَ عَلَیَّ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ وَ هِیَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ

۱- ۱. فلاح السائل القسم غیر المطبوع.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۶۴.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۹۰ و ۹۱.

۴- ۴. البلد الأمین ص ۲۷.

وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي وَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مَا قِبَلِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۱) وَ يَقُولُ أَيْضاً مَا رُوِيَ فِي أَدْعِيَهِ السِّرِّ يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ حِفْظِي وَ كَلَاءَتِي وَ مَعُونَتِي فَلْيَقُلْ عِنْدَ صَبَاحِهِ وَ مَسَائِهِ وَ نَوْمِهِ آمَنْتُ بِرَبِّي إِلَى آخِرِ مَا مَرَّ فِي أَدْعِيَهِ تَعْقِيبِ صَلَاهِ الْفَجْرِ وَ هُوَ بِهَذَا الْمَوْضِعِ أَنْسَبُ وَ إِنَّمَا ذَكَرْنَاهُ هُنَاكَ تَبَعاً لِلْقَوْمِ (۲) ثُمَّ قَالَ السَّيِّدُ ثُمَّ يَقُولُ مَا رُوِيَ فِي أَدْعِيَهِ السِّرِّ يَا مُحَمَّدُ قُلْ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ التَّقَرُّبَ إِلَيَّ اعْلَمُوا عِلْماً يَقِيناً أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرِّبُونَ بِهِ إِلَيَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ وَ ذَلِكَ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعاً وَ لَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَهً وَ لَا عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلًا وَ لَا بِهِ أَشَدُّ تَرَفُّقاً وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حِيطَهً وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْكَ عَلَيَّ وَ إِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَهِ بِأَنِّي أُشْهِدُكَ بِنِيَّهِ صِدْقٍ بِأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَ قِلَّهِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَهٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَوِّقْنِي أَمَاناً مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقِلَّهِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَهً مِنْ إِتْمَامِ النِّعْمَهِ بِسَعَهِ الرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ أَنْظِرْنِي خَيْرَكَ وَ لَا تُقَايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي وَ امْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصاً وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَهٍ وَ لَا فَخْرٍ وَ لَا رِيَاءٍ يَا كَرِيمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِي وَ سَمَّوْهُ الشَّكُورَ(۳)

وَ يَقُولُ أَيْضاً اللَّهُمَّ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْعَلْهُ بِي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِ

۱- ۱. فلاح السائل القسم غير المطبوع و قد مر الأخير بمتنه ص ۱۸۵ من هذا المجلد.

۲- ۲. فلاح السائل القسم غير المطبوع و قد مر الأخير بمتنه ص ۱۸۵ من هذا المجلد.

۳- ۳. لا يوجد في فلاح السائل المطبوع، و تراه في البلد الأمين ص ۲۸.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِکَ فِی عَافِیَهٍ- سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل و أمان الاختیار: می گویم: و همچنین آنچه را که سرورمان امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله، به منظور حفاظت او از نقشه دشمنان با خون دل و تمام وجودش فرمود، (خواند تا خونش را از دشمنان حفظ کند) می گویی که آن از دعاهای مهمّ وقت صبح و شام است. در روایت آمده که وقتی امام صادق، جعفر بن محمّد علیه السلام، هنگامی که منصور او را طلب کرده بود، وارد عراق شد، مردم به سوی او گرد آمده و گفتند: ای مولای ما، خاک قبر امام حسین صلوات الله علیه که مایه شفابخشی از هر درد و بیماری است، آیا موجب ایمنی از هر ترس و بیم نیز هست؟ فرمود: بله، هرگاه یکی از شما خواست که ایمن از هر خوف و ترس باشد، باید تسبیحی از تربت او را برگرفته و سه بار دعای مبیت را در بستر بخواند، و آن دعا به این صورت است: {خدایا، شب نمودم در حالی که به حفظ و پناه استوار و والای تو که مغلوب، و یا با حیله دگرگون نمی گردد، چنگ زده و پناه بردم، از بدی رساندن هر ستمگر و غاصب و هر رخداد هولناک از ناحیه تمام کسان و چیزهایی از آفریدگانت که آفریدی، چه لب بسته و خاموش باشند و چه گویا باشند، از هر امر ترسناکی، با پوشیدن لباس کامل و استوار ولایت و دوستی اهل بیت پیامبرت علیهم السلام در حالی که از هرکس که قصد آزار مرا بکند، در پناه دیوار استوارِ مخلصانه اعتراف به حقّ آنان و چنگ زدن به ریسمانشان، خود را پوشانده و حفظ می نمایم، و یقین دارم که مسلّماً حقّ برای آنان و با آنان و در آنان و به آنان است، با هر کس که ایشان دوست دارد، دوستی می‌کنم، و از هر کس کناره گرفتند، کناره می گیرم، و با هر کس دشمنی ورزیدند، دشمنی می‌ورزم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و ای خدا، به واسطه ایشان مرا از گزند تمام اموری که از آن پرهیز دارم، در پناه خویش درآور؛ ای بزرگ، تمام دشمنانم را به وسیله خداوند نوآفرین آسمان ها و زمین، از خود دور نمودم؛ به راستی که ما فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند.

سپس تسبیح را بوسیده و بر چشمانش قرار داده و می گوید: {خدایا، به حقّ این تربت و به حقّ صاحب آن و به حقّ جدّش و پدرش و به حقّ مادرش و به حقّ برادرش، و به حقّ فرزندان پاکیزه اش، از تو درخواست می نمایم که آن را مایه بهبودی از هر بیماری، و ایمنی از هر بیم، و محافظت از هر بدی قرار دهی.}

سپس آن را بر پیشانی خود بگذارد؛ و اگر این کار را هنگام صبح انجام دهد، تا هنگام شام پیوسته در امان خواهد بود، و اگر آن را شبانگاه انجام دهد، تا صبح پیوسته در امان خدا خواهد بود. - . فلاح السائل: ۲۲۴-۲۲۵ -

و نیز دعایی را که جدّم ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی آن را برای قرائت در وقت غروب ذکر کرده است، می‌خواند: {خدایا، از تو درخواست می نمایم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و از تو خیر این شب و خیر آنچه را که در آن هست، می‌خواهم؛ و از بدی این شب و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می برم؛ خدایا، از اینکه خطا یا گناهی را بر من بنویسی، به تو پناه می برم. خدایا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و مرا از خطا و گناه کردن در آن - شب یا روز - کفایت فرما، و میمنت و برکت و یاری و نور آن را به من عطا فرما؛ خدایا، این نَفْس من است که تو آن را آفریده ای، و زندگانی و مرگ آن به دست توست؛ خدایا، پس اگر آن را نگاه داشتی، پس به سوی خشنودی و بهشت روانه ساز، و اگر آن را رها ساختی، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و آن را بیامرز و مورد رحمت خویش قرارده. - . در زمره دعاهای غروب یافت

نشد. -

**[ترجمه]

تلك الأدعيه أوردها الشيخ (۲)

و غيره فى كتبهم (۳) و إن لم يكن لبعضها اختصاص بهذا الموضع.

ثُمَّ قَالَ السَّيِّدُ ره،: وَ إِذَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ أُفُقِ الْمَشْرِقِ مَعَ ارْتِفَاعِ مَوَانِعِ مُشَاهَدَتِهَا أَوْ غَلَبَ الظَّنُّ بِزَوَالِهَا عِنْدَ الْمَوَانِعِ الْحَائِلَهِ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ مَعْرِفَتِهَا وَ كَانَ وَقْتُ حُضُورِ مَلَكَيِ اللَّيْلِ بِمُقْتَضَى الْمَنْقُولِ مِنَ الرِّوَايَاتِ إِذَا كُنْتَ لَا تَعْرِفُ ذَلِكَ مِنْ طَرِيقِ الْمَرَاحِمِ الرَّبَّانِيَّاتِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمَا مِثْلَ سَلَامِكَ عِنْدَ إِقْبَالِ النَّهَارِ وَ أَشْهِدِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ أَشْهِدْهُمَا بِمَا أَشْهَدْتَ مَلَكَيِ النَّهَارِ فَقَدْ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ (۴)

بِإِسْنَادِهِ فِي كِتَابِ الْكَافِي قَالَ كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا أَمْسَى قَالَ مَرْحَباً بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَ الْكِتَابِ الشَّهِيدِ اكْتُبَا بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ إِنْ شِئْتَ تَأْخِيرَ السَّلَامِ عَلَيْهِمَا إِلَى بَعْدِ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ فَقَدْ رُوِيَ ذَلِكَ فِي بَعْضِ الْأَخْبَارِ(۵)

**[ترجمه]و نیز می گوید: {پروردگار من خداست، خدا مرا کافی است، هیچ خدایی جز او وجود ندارد، تنها بر او توکّل نمودم، و اوست پروردگار عرش بزرگ، هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست، هر چه خدا خواست، همان می شود؛ گواهی می دهم و آگاهی دارم که خداوند بر هر چیز تواناست، و مسلّماً علم خداوند به هر چیز احاطه نموده است، و شماره هر چیزی را حساب نموده است. خدایا، از بدی نَفْسم، و از بدی رساندن هر جنبنده ای که پروردگارم زندگی و زمام اختیار او را به دست دارد، به تو پناه می برم؛ بی گمان پروردگارم بر راه راست استوار است.

خدایا، خوف و هراس من با پناهنده شدن به ایمنی بخشی تو شب نموده، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا ایمنی بخش؛ زیرا هرکس را که تو امان دهی، خوار نمی گردانی؛ خدایا، نادانی من با پناهنده شدن به بردباری تو شب نموده، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و با بردباری و فضل خودت بر من روی آر؛ خدای من، ناداری من با پناهنده شدن به بی... نیازی تو شب نموده، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و از فضل گسترده و دلپسند و گوارایت برخوردارم نما؛ خدایا، گناهم با پناهنده شدن به آمرزش تو شب نموده، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا بیامرز، آمرزشی حتمی و قطعی که هیچ گناهی را باقی نگذاری، و بعد از آن هیچ حرامی را مرتکب نشوم .

خدای من، خواری من با پناهنده شدن به عزت تو شب نموده، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا آن گونه عزتمند گردان که بعد از آن هرگز خوار نگردم؛ خدای من، ناتوانی‌ام با پناهنده شده به توان تو شب نموده است، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و ناتوانی مرا در خشنودی خودت توانمند گردان؛ خدای من، روی فرسوده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی جاودانی و پاینده ات که هیچگاه از بین نمی رود و نابود نمی گردد شب نموده است، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا از عذاب آتش و از بدی دنیا و آخرت در پناه خویش درآور. خدایا، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و دری را که در آن توانگری و تندرستی و کامیابی و روزی فراوان بسیار پاکیزه حلال و وسیع در آن است به روی من

بگشای؛ خدایا، مرا نسبت به راه‌های آن بینا گردان، و راه بیرون آمدن از آن را برای من مهیّا کن؛ و هر کدام از آفریدگانت را که قدرت دادی که به من بدی رساند، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و او را در رابطه با من از پیشاپیش و از پشت، و از سمت راست و از سمت چپ، و از بالا و زیرش بگیر، و زبانش را لگام بند، و دستش را کوتاه نما، و سینه و دلش را تنگ فرما، و او را جلوگیری کن که به من یا به کسی از بستگانم و کسانی که امورشان مورد اهتمام من است، و یا چیزی که تو به من عطا فرموده و روزی داده و بر من ارزانی داشته ای، چه اندک باشد و چه بسیار، بدی رساند.

ای کسی که نسبت به من از رگ گردن نزدیک تر است، ای کسی که میان انسان و دل او حایل می گردد، ای کسی که در تماشاگه بالا تر قرار دارد، ای کسی که هیچ چیز مشابه او نیست، و تنها او شنوای آگاه است. ای تویی که هیچ خدایی جز تو نیست، به حقّ اینکه هیچ خدایی جز تو نیست، مرا از آتش برهان؛ ای تویی که هیچ خدایی جز تو نیست، به حقّ اینکه هیچ خدایی جز تو نیست، با برآورده ساختن خواسته‌هایم در دنیا و آخرت، بر من تفضل کن، که تو بر هر چیز توانایی. - . فلاح السائل؛ بخش چاپ نشده. -

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ رَأَیْتُ فِی کِتَابِ حِلْیَهِ الْأَوْلِیَاءِ لِأَبِی نُعَیْم- عَنْ أَبِی لُبَابَهَ قَالَ کَانَ یَقُولُ إِذَا أَمْسَی- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَ جَاءَ بِاللَّیْلِ سَکَناً نِعْمَهً مِنْهُ وَ فَضْلًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاکِرِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَافَانِی فِی لَیْلِی هَذَا فَرُبَّ مُبْتَلًی قَدِ ابْتُلِیَ فِیمَا مَضَی اللَّهُمَّ عَافِنِی فِیمَا بَقِیَ مِنْهُ وَ فِی الْآخِرَهِ وَ قِنِی عَذَابَ النَّارِ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ مِثْلَ ذَلِکَ إِلَّا أَنَّهُ یَقُولُ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ وَ رَأَیْتُ فِی کِتَابِ مَسْعَدَهَ بْنِ زِیَادٍ الرَّبَعِیِّ مِنْ أُصُولِ الشِّیعَهِ مَا هَذَا لَفْظُهُ وَ عَنْهُ

۱- ۱. فلاح السائل ص ۲۲۵.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۱۶۸.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۸۶.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۲۳.

۵- ۵. فلاح السائل ص ۲۲۷.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ إِنَّ اللَّيْلَ إِذَا أَقْبَلَ نَادَى بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ يَا ابْنَ آدَمَ إِنِّي خَلْقٌ جَدِيدٌ إِنِّي عَلَى مَا فِيَّ شَهِيدٌ فَخُذْ مِنِّي فَإِنِّي لَوْ قَدْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ لَمْ أَرْجِعْ إِلَى الدُّنْيَا أَبَداً ثُمَّ لَمْ تَزْدَدْ فِيَّ حَسَنَةً وَ لَمْ تَسْتَعْتِبْ فِيَّ مِنْ سَيِّئَةٍ وَ كَذَلِكَ يَقُولُ النَّهَارُ إِذَا أَدْبَرَ اللَّيْلُ.

**[ترجمه]این دعاها در مصباح الشیخ - . مصباح الشیخ: ۶۴ - و مصباح الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۹۰-۹۱ - و ابن الباقی و دیگران، - . البلد الامین: ۲۷ - بدون سند ذکر شده‌اند.

سیّد سپس در فلاح السائل گفته است: و نیز دعایی را که روایت شده، امام زین العابدین علیه السلام فرموده است، آورده و می‌گوید: اگر این کلمات را بگویم، دیگر باکی ندارم، هرچند تمام انس و جنّ علیه من گرد هم آیند، و آن کلمات به این صورت است: {با نام خدا، و با یاری خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، خدایا، خود را تنها به تو سپردم، و رویم را تنها به سوی تو نمودم، و امورم را فقط به تو واگذار کردم، و توانم را تنها به تو پناهنده ساختم، پس با حفظ ایمان مرا از پیشاپیش و از پشت و از راست و چپ و از بالا و زیر نگاه دار، و به نیرو و توان خویش - دشمنان انس و جن را - از من دور بدار، زیرا هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} - . فلاح السائل، بخش چاپ نشده. متن اخیر در صفحه ۱۸۵ همین مجلد ذکر شد. -

و نیز دعایی را که در زمره دعاهای سرّ روایت شده است، می‌گوید: ای محمد، هر کس از امتت که نگاهداری و سرپرستی و یاری مرا بخواهد، پس باید هنگام صبح و شب و خوابیدنش بگوید: «آمنتُ بربّی» تا آخر دعایی که در دعاهای تعقیب نماز صبح گفته شد؛ و آن برای اینجا مناسب‌تر است و به خاطر پیروی از همه، در آنجا ذکر کردیم. - . فلاح السائل، بخش چاپ نشده. متن اخیر در صفحه ۱۸۵ همین مجلد ذکر شد. -

سپس سیّد گفته است: سپس دعایی را که در زمره دعاهای سرّ روایت شده است، می‌گوید: ای محمّد، به کسانی که خواهان نزدیکی جستن به من هستند، بگو: یقیناً بدانید که این کلام، بر ترین چیزی است که شما بعد از انجام واجبات می توانید به وسیله آن به سوی من نزدیکی بجویید، به این صورت که بگویید: {خدایا، به راستی که هیچ کدام از آفریده‌هایت را نمی شناسم که بسان کوتاهی من در شناخت و طاعتت شب نموده باشد و تو نسبت به او نیکویی نموده و پیوسته بر او کرامت فرموده، و به روشنی تفضّل فرموده، و به شدّت مورد مدارای خویش قرار داده، و سخت از او محافظت نموده، و بر او به شدّت عطوفت و مهربانی نموده باشی، هر چند همه آفریده‌هایت مثل برشمردن من، نعمت هایت را به شمار درآورند؛ پس ای کسی که گواهی تو کافی است، خود گواه باش که به راستی من با نیّت صادقانه تو را گواه می گیرم که بی گمان تو در نعمت دادن به من تفضّل نموده و فراوان بخشیدی، و من کم شکر آن را به جای آوردم.

ای انجام دهنده هر خواسته‌ای، بر محمد و خاندان او درود فرست، و طوق ایمنی از دامنگیر شدن خشم، به سبب کمی سپاسگزاری را بر گردنم بیاویز، و به واسطه رحمت و آمرزش گسترده ات، افزونی از نعمت تمام شده‌ات را بر من واجب گردان، مهلت استفادهٔ از خوبی‌هایت را به من ده، و با بدی درونم، مرا سنجش منما، و دلم را برای پذیرش خشنودی ات بیازمای، و کارهایی را که برای نزدیکی به تو بر اساس دین تو انجام دادم، خالص گردان و آن را با شبهه و نازیدن و دورویی همراه مگردان، ای بزرگوار.} به درستی که هرگاه این کلمات را بگوید، تمام اهل آسمان هایم او را دوست داشته و وی را

بسیار سپاس می گزارند. - . در فلاح السائل چاپ شده، یافت نشد؛ آن را در البلد الامین: ۲۸ می‌توانی ببینی. -

و نیز می گوید: {خدایا، هرچه را که درخواست من از آن کوتاه، و نیرویم ناتوان گردیده است، و هوشیاری‌ام به آن نمی رسد، و صلاح امر آخرت و دنیای من در آن است، پس بر محمّد و خاندان او درود فرست، و آن را ای آن کسی که جز تو هیچ خدایی وجود ندارد، به حق آن که جز تو هیچ خدایی وجود ندارد، با رحمت خویش و همراه با عافیت برای من به انجام رسان؛ منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند، و درود بر فرستادگان، و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است. - . فلاح السائل: ۲۲۵ -

**[ترجمه]

«۴۲»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ قَالَ رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله عَنْ تَفْسِيرِ الْمَقَالِيدِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَقَدْ سَأَلْتَ عَظِيماً الْمَقَالِيدُ هُوَ أَنْ تَقُولَ عَشْراً إِذَا أَصْبَحْتَ وَ عَشْراً إِذَا أَمْسَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ- هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ- لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ- يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ [شَيْ ءٍ] قَدِيرٌ مَنْ قَالَهَا عَشْراً إِذَا أَصْبَحَ وَ عَشْراً إِذَا أَمْسَى أَعْطَاهُ اللَّهُ خِصَالًا سِتّاً أَوَّلُهُنَّ يَحْرُسُهُ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ عَلَيْهِ سُلْطَانٌ وَ الثَّانِيَةُ يُعْطَى قِنْطَاراً فِي الْجَنَّةِ أَثْقَلَ فِي مِيزَانِهِ مِنْ جَبَلِ أُحُدٍ وَ الثَّالِثَةُ يَرْفَعُ اللَّهُ لَهُ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا الْأَبْرَارُ وَ الرَّابِعَةُ يُزَوِّجُهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ الْخَامِسَةُ يَشْهَدُهُ اثْنَا عَشَرَ مَلَكاً يَكْتُبُونَهَا فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ يَشْهَدُونَ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّادِسَةُ كَانَ كَمَنْ قَرَأَ التَّوْرَاةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ وَ كَمَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ فَقَبِلَ اللَّهُ حَجَّتَهُ وَ عُمْرَتَهُ وَ إِنْ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ أَوْ شَهْرِهِ طُبِعَ بِطَابَعِ الشُّهَدَاءِ فَهَذَا تَفْسِيرُ الْمَقَالِيدِ.

**[ترجمه]این دعاها را شیخ - . مصباح الشیخ: ۱۶۸ - و جز او در کتاب‌هایشان - . مصباح الکفعمی: ۸۶ - آورده‌اند، هر چند بعضی اختصاص به اینجا ندارند.

سیّد – که رحمت خدا بر او باد- سپس گفته است: هرگاه سرخی آفتاب با نبود موانع مشاهده آن، از اُفق مشرق برطرف شد، یا در هنگام وجود موانعی که مانع از شناخت آن وقت می گردد، ظنّ غالب به از بین رفتن آن حاصل شد، و وقت حضور دو فرشته شب بر اساس روایات منقول رسید، هرگاه آن را از طریق رحمت‌های ربّانی در نیافتی، همانند سلام آغاز روز بر آن دو سلام بگو، و خداوند بزرگوار را گواه بگیر، و آن دو را بر آنچه که دو فرشته روز را - در صبح - بر آن گواه گرفتی، گواه بگیر، که محمد بن یعقوب کلینی با اسناد آن در کتاب کافی - . الکافی ۲: ۵۲۳ -

گفته است: علی علیه السلام، وقتی شب فرا می رسید، می گفت: خوش آمد می گویم بر شبِ نو و دو فرشته نویسندگان گواه، بنویسید به نام خدا؛ و ذکر خدای بزرگوار را می‌گفت. و اگر خواستی سلام بر آن دو را به بعد از نماز مغرب به تأخیر بیاندازی، (چنین کاری را انجام بده که) این در بعضی از روایات نقل شده است. - . فلاح السائل: ۲۲۸ -

**[ترجمه]

«۴۳»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، عَنْهُ علیه السلام (۱): مِثْلَهُ.

**[ترجمه]و در کتـاب حلیه الأولیاء ابی نعیم، از ابی لبابه دیـدم که گفته است: (رسول خـدا صـلی الله علیه و آله) هنگام شـب می گفت: {سـتایش مخصوص خدایی است که روز را برد، و شب را که نعمت و بخششـی از سوی اوست، مایه آرامش آورد؛ خدایا، ما را از سپاسـگزاران قرار ده؛ ستایش مخصوص خدایی است که مرا در این شب ایمنی داد، پس چه بسا گرفتار شده‌ای که در مـدت گذشـته گرفتار شـده است؛ خـدایا، در مدت باقیمانده از آن و در آخرت، مرا ایمنی ده، و از عذاب آتش نگاهم دار.} و هنگام صبح شدن مثل آن را می گفت، با این تفاوت که در آن، {روز را آورد.} را می گفت .

و در کتاب مسـعده بن زیاد ربعی، که از کتاب‌های اصـلی شـیعه است، این عبارات را دیـدم: از امام صادق علیه السـلام روایت شـده است که از پـدرش علیه السـلام نقل کرده که فرمود: شب وقتی فرا می‌رسد، با صدایی که همه آفرید‌گان، مگر دو گروه بزرگ انسان و جن می‌شـنوند، ندا می‌دهد: ای آدمیزاد، به راستی که من آفرینش تازه‌ای هستم، و به راستی که من بر آنچه در من است، گواهم، پس مرا دریاب، که اگر خورشـید طلوع کند، هرگز به دنیا باز نخواهم گشت، و بعد از آن در من نیکی‌ای… نخواهی اندوخت، و در من از بدی‌ای طلب بخشش نخواهی کرد. و همین را روز، هنگام به پایان رسیدن شب می گوید.

**[ترجمه]

«۴۴»

بِخَطِّ الشَّهِیدِ ره رُوِیَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ فَقَدِ اشْتَرَی نَفْسَهُ مِنَ اللَّهِ وَ کَانَ آخِرَ یَوْمِهِ عَتِیقاً مِنَ النَّارِ.

وَ عَنْ أَبِی أُمَامَهَ الْبَاهِلِیِّ قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَی دَعَا بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ- اللَّهُمَّ أَنْتَ أَحَقُّ مَنْ ذُکِرَ وَ أَحَقُّ مَنْ عُبِدَ وَ أَبْصَرُ مَنِ ابْتُغِیَ وَ أَرْأَفُ مَنْ مَلَکَ

۱- ۱. البلد الأمین ص ۵۵ فی الهامش.

وَ أَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى أَنْتَ الْمَلِكُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْفَرْدُ لَا نِدَّ لَكَ كُلُّ شَيْ‌ءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَكَ وَ لَنْ تُطَاعَ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَ لَمْ تُعْصَ إِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى فَتَغْفِرُ أَقْرَبُ شَهِيدٍ وَ أَدْنَى حَفِيظٍ حُلْتَ دُونَ الْقُلُوبِ وَ أَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي وَ أَثْبَتَّ الْآثَارَ وَ فَسَخْتَ الْآجَالَ الْقُلُوبُ لَكَ مُفْضِيَةٌ وَ السِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ الْحَلَالُ مَا حَلَّلْتَ وَ الْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَ الدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَ الْأَمْرُ مَا قَضَيْتَ وَ الْخَلْقُ خَلْقُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ وَ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ أَنْ تَقْبَلَنِي فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ أَوْ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ وَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ.

**[ترجمه]نقل از خط شهيد پاک روان، گفته است: از اميرالمؤمنين عليه السلام روايت شده است كه فرمود: از پيامبر صلى الله عليه و آله در مورد مقاليد سؤال كردم، فرمود: اى على، سؤال بزرگى پرسيدى، مقاليد (كليدها) آن است كه ده بار هنگام صبح كردن و ده بار هنگام شب كردن بگويى: {هيچ خدايى جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگ‌تر است، خدا منزّه است، و ستايش مخصوص خداست، از خدا آمرزش مى‌خواهم، هيچ نيرو و توانى جز به سبب خدا نيست، اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن، فرمانروايى مخصوص اوست، و ستايش مخصوص اوست، زنده مى‌كند و مى‌ميراند و او زنده‌اى است كه نمى‌ميرد، و او به هر چيزى تواناست.}

هر كس آن را ده بار هنگام صبح كردن و ده بار هنگام شب كردن بگويد، خدا به او شش ويژگى عطا مى‌كند كه نخستين آن‌ها، اين است كه او را از ابليس و لشگريانش نگاه مى‌دارد، پس براى آن‌ها بر او سلطه‌اى نخواهد بود؛ دوم اينكه پاداش فراوانى در بهشت به او مى‌دهد كه در ترازوى اعمال او از كوه احد سنگين‌تر باشد؛ سوم: درجه‌اى به او مى‌دهد كه جز نيكان، كسى به آن دست نمى‌يابد؛ چهارم: خدا زنان درشت چشم را به همسرى او در مى‌آورد؛ پنجم: دوازده فرشته براى او گواهى مى‌دهند و آن را در طومارى گسترده مى‌نويسند و در روز قيامت با آن براى او گواهى مى‌دهند؛ ششم: مانند كسى خواهد بود كه تورات و انجيل و زبور و فرقان را خوانده باشد و مانند خواهد بود كه حج و عمره به جاى آورده باشد و خداوند، حج و عمره‌اش را پذيرفته باشد؛ و اگر در آن روز يا شب يا ماه بميرد، بر او مهر شهدا زده مى‌شود؛ اين تفسير مقاليد بود.

**[ترجمه]

بيان

القلوب لك مفضيه أی تبدی أسرارها لديك من قولهم أفضيت إلی فلان سری.

**[ترجمه]البلد الامين: مثل آن را از آن حضرت عليه السلام روايت كرده است. -. البلد الامين: ۵۵ (در حاشيه) -

**[ترجمه]

«۴۵»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَذْكُرُ أَرْبَعَةً أَخَافُ عَلَيْهِ زَوَالَ النِّعْمَهِ- أَوَّلُهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْنِي عَمْيَانَ الْقَلْبِ وَ الثَّانِي يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ

صلی الله علیه و آله وَ الثَّالِثُ یَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ رِزْقِی فِی یَدَیْهِ وَ لَمْ یَجْعَلْ رِزْقِی فِی أَیْدِی النَّاسِ وَ الرَّابِعُ یَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَتَرَ ذُنُوبِی وَ لَمْ یَفْضَحْنِی بَیْنَ الْخَلَائِقِ (۱).

وَ كَانَ زَیْنُ الْعَابِدِینَ علیه السلام یَقُولُ: إِذَا أَصْبَحَ عَشْرَ مَرَّاتٍ- أُقَدِّمُ بَیْنَ یَدَیْ نِسْیَانِی وَ عَجَلَتِی بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ عَلَی مَا أَسْتَقْبِلُ فِی یَوْمِی هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ وَ كَذَلِكَ إِذَا أَمْسَی (۲).

وَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: دَفَعَ إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَنِ اللَّهِ تَعَالَی هَذِهِ الْمُنَاجَاةَ فِی الِاسْتِعَاذَةِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ أَهْوَالِ عَزَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِذْنِی رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَأْسَاءِ وَ احْجُبْنِی عَنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِی مِنْ مُفَاجَاةِ النِّقَمِ وَ

ص: ۲۸۲

۱- ۱. دعوات الراوندیّ مخطوط.

۲- ۲. دعوات الراوندیّ مخطوط.

احْرُسْنِی مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ فِی حِمَی عِزِّکَ وَ حِیَاطِهِ حِرْزِکَ مِنْ مُبَاغَتَهِ الدَّوَائِرِ وَ مُعَاجَلَهِ الْبَوَائِرِ اللَّهُمَّ وَ أَرْضُ الْبَلَاءِ فَاخْسِفْهَا وَ جِبَالُ السَّوْءِ فَانْسِفْهَا وَ کَرْبُ الدَّهْرِ فَاکْشِفْهَا وَ عَلَائِقُ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ أَوْرِدْنِی حِیَاضَ السَّلَامَهِ وَ احْمِلْنِی عَلَی مَطَایَا الْکَرَامَهِ وَ اصْحَبْنِی إِقَالَهَ الْعَثْرَهِ وَ اشْمَلْنِی سَتْرَ الْعَوْرَهِ وَ جُدْ عَلَیَّ رَبِّ بِآلَائِکَ وَ کَشْفِ بَلَائِکَ وَ دَفْعِ ضَرَّائِکَ وَ ادْفَعْ عَنِّی کَلَاکِلَ عَذَابِکَ وَ اصْرِفْ عَنِّی أَلِیمَ عِقَابِکَ وَ أَعِذْنِی مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ أَنْقِذْنِی مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَ احْرُسْنِی مِنْ جَمِیعِ الْمَحْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفَاهَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِی وَ اشْلُلْ یَدَهُ عَنِّی مَدَی عُمُرِی إِنَّکَ الرَّبُّ الْمَجِیدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْفَعَّالُ لِمَا یُرِیدُ(۱).

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا تَدَعْ فِی کُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ فَإِنَّ فِی ذَلِکَ صَرْفَ کُلِّ سُوءٍ وَ یَقُولُ ثَلَاثاً عِنْدَ کُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ فِی نِعْمَهٍ مِنْکَ وَ عَافِیَهٍ وَ سَتْرٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ عَافِیَتَکَ وَ سِتْرَکَ وَ کَانَ دَاوُدُ علیه السلام إِذَا أَمْسَی قَالَ ثَلَاثاً- اللَّهُمَّ خَلِّصْنِی مِنْ کُلِّ مُصِیبَهٍ نَزَلَتِ اللَّیْلَهَ مِنَ السَّمَاءِ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَهَا ثَلَاثاً(۲).

**[ترجمه]به خط شهید - که رحمت خدا بر او باد - از ابن عباس روایت شده که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس هنگام صبح کردن، صد بار بگوید: «سبحانَ الله و بحمده»، {خدا منزّه است و او را ستایش می‌کنم.} خودش را از خدا خریده است و پایان روزش، رهایی یافته از آتش خواهد بود.

و از ابی أمامه باهلی روایت شده که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله، هنگام صبح کردن و شب کردن، با این دعاها، دعا می‌کرد: {خدایا، تو سزاوارترین کسی هستی که یاد می‌شود، و سزاوارترین کسی که پرستیده می‌شود، و بیننده‌ترین کسی که درخواست می‌شود، و مهربان‌ترین کسی که دارا است، و بخشنده‌ترین کسی که از او خواهش می‌شود، و گشاده دست‌ترین کسی که عطا می‌کند، تو فرمانروایی هستی که هیچ شریکی برای تو وجود ندارد، و تنهایی که هیچ همتایی برای تو نیست، همه چیز نابود شدنی است بجز ذات تو، و هرگز اطاعت نمی‌شوی مگر به اذن خودت، و هیچ گاه نافرمانی نمی‌شوی مگر به علم تو؛ اطاعت می‌شوی پس سپاسگزاری می‌کنی، و نافرمانی می‌شوی پس می‌آمرزی، نزدیک‌ترین گواه و نگاهدار هستی، حتی بر دل‌ها، بین اشخاص و قلب آن‌ها فاصله انداخته‌ای و زمام امور را گرفته‌ای، نتیجه‌ها را ثبت کرده‌ای و مهلت‌ها را بی‌اثر ساخته‌ای، دل‌ها برای تو گشوده شده، و رازها پیش تو آشکارند، حلال آن است که تو حلال کرده‌ای، و حرام آن است که تو حرام کرده‌ای، و دین آن است که تو تشریع کرده‌ای، و فرمان آن است که تو حکم کرده‌ای. آفرینش آفریده... توست، و بنده، بنده توست، و تو خدای بسیار دلسوز و مهربان هستی.

و از تو به نور آن جلوه‌ات که آسمان‌ها و زمین برای آن روشن گردیده‌اند، و به هر حقی که برای توست، و به حقی که نیازخواهان بر تو دارند، از تو می‌خواهم در این صبحگاه یا در این شب، مرا بپذیری و با قدرت خودت مرا از آتش پناه دهی.}

**[ترجمه]

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، مِنْ أَمَالِی سَعْدِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ رض: مَا مِنْ عَبْدٍ یَقُولُ حِینَ یُصْبِحُ ثَلَاثاً الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْداً کَثِیراً طَیِّباً مُبَارَکاً فِیهِ إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِینَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ أَدْنَاهَا الْهَمُ (۳).

وَ مِنْهُ قَالَ: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ- سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ ثَلَاثاً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِکَ وَ مِنْ تَحْوِیلِ عَافِیَتِکَ وَ مِنْ فُجَاءَهِ نَقِمَتِکَ وَ مِنْ دَرَکِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِی الْکِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعِزَّهِ مُلْکِکَ وَ شِدَّهِ قُوَّتِکَ وَ بِعِظَمِ سُلْطَانِکَ وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَی خَلْقِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَکَ تُقْضَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۴).

۱- ۱. دعوات الراوندیّ مخطوط.

۲- ۲. دعوات الراوندیّ مخطوط.

۳- ۳. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

۴- ۴. لم نجده فی المطبوع من المصدر.

الْكَافِی، بِسَنَدِهِ الْمُوَثَّقِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ وَ بِعِظَمِ سُلْطَانِکَ وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَی خَلْقِکَ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَکَ (۱).

**[ترجمه]«القلوب لك مفضيه»، یعنی رازهای خود را نزد تو آشکار می‌کنند، از جمله‌ای که می‌گویند: «أفضيت إلى فلان سرّی»، {رازم را برای فلانی برملا کردم.} گرفته شده است.

**[ترجمه]

بيان

أقول رواه فی الکافی فی موضعین: فی أحدهما ما سبق فی الکتاب و هو أظهر و فی الآخر ما سبق فی اللیل (۲)

أی قدر فی اللیل من البلایا النازله فی النهار أو ما سبق منی فی اللیل بلا تدبر و تفکر فی عاقبته و قیل أی البلایا النازله فیه الطالبه لأملها و قوله ثم سل کأنه معطوف علی المفهوم من السابق فإن النقل عن أمیر المؤمنین علیه السلام متضمن لأمر المخاطب بقوله مثله فکأنه قال فقل هذا ثم سل حاجتک.

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ کَامِلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ مِنَ الدُّعَاءِ مَا یَنْبَغِی لِصَاحِبِهِ إِذَا نَسِیَهُ أَنْ یَقْضِیَهُ یَقُولُ بَعْدَ الْغَدَاةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ کُلُّهُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ یَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا نَسِیَ مِنْ ذَلِکَ شَیْئاً کَانَ عَلَیْهِ قَضَاؤُهُ (۳).

**[ترجمه]دعوات الراوندی: از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس صبح کند و چهار چیز را نگوید، بر او در مورد از بین رفتن نعمت بیم دارم؛ نخستین آنها، «الحمد لله الذی عَرّفنی نفسه و لم يَترکنی عمیانَ القلب»، {سپاس خدایی را که خودش را به من شناساند و مرا کور دل رها نکرد.}؛ دوم اینکه می‌گوید: «الحمد لله الّذی جعلنی من اُمّه محمد صلی الله علیه و آله»، {سپاس خدایی را که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار داد.}؛ سوم می‌گوید: «الحمد لله الّذی جعل رزقی فی یدیه و لم یجعل رزقی فی أیدی النّاس»، {سپاس خدایی را که روزی مرا به دست خودش قرار داد، و روزی مرا در دست مردم قرار نداد.}؛ چهارم می‌گوید: «الحمد لله الّذی ستر ذنوبی و لم يَفضحنی بينَ الخلائق»، {سپاس خدایی را که گناهان مرا پوشاند و مرا میان آفریدگان رسوا نکرد.} - . دعوات الراوندی، دست نویس -

امام زین العابدین علیه السلام هنگام صبح کردن، ده بار می‌گفت: «اُقدِّم بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ما شاء الله علی ما استقبل فی یومی هذا ذکرتُه أو نسیتُه»، برای هر فراموشی و عجله، در هر چه امروز با آن روبرو می‌شوم، پیشاپیش بسم الله و ما شاء الله می‌گویم؛ و در هنگام شب کردن نیز این گونه می‌گفت. - . دعوات الراوندی، دست نویس -

و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: این مناجات را جبرئیل علیه السلام از سوی خدای والامرتبه درباره پناه جستن برایم آورده است: {خدایا، از سختی‌های بلاهای نازل شده، و از ترس‌های گرفتاری بزرگ به تو پناه می‌آورم، پس ای پروردگار، مرا از پا در آمدن در سختی‌ها پناه ده، و از پرش بلاها حفظ کن ، و از عذاب ناگهانی نجاتم ده، و مرا از نابود

شدن نعمت‌ها، و لغزش گام‌ها نگاه دار، و خدایا، مرا از یکباره گرفتن روزگاران، و شتافتن هلاک کننده‌ها، در حمایت عزتت و دیوار نگاهداری‌ات قرار ده.

خدایا، زمین بلا- را فرو ببر، و کوه بدی را از بیخ بر کن، و سختی روزگار را بردار، و وابستگی کارها را دور کن، و مرا در حوض سلامت وارد ساز، و مرا بر مرکب بزرگواری سوار کن، نادیده گرفتن لغزش را همراه من ساز، و پوشاندن زشتی را بر من فراگیر نما، و ای پروردگار، با نعمت‌هایت، و با برداشتن گرفتاری‌ات، و دور کردن سختی‌هایت بر من بخشندگی کن، و تنگی عذابت را از من دور کن، و کیفر دردناکت را از من بازدار، و مرا از سختی‌های زمانه در امان دار، و از بدی پایان کارها نجاتم ده، و از تمام آنچه باید از آن پرهیز کرد، نگاهم دار، صخره‌های گرفتاری را از کارم بر گشا، و در طول عمرم، دست او را از آسیب رساندن به من ناتوان گردان، به درستی که تو پروردگار گرامی و آغاز کننده و بازگرداننده هستی و هر چه را بخواهی، انجام می دهی.} - . دعوات الراوندی، دست نویس -

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ صبح یا شب، «بسم الله و بالله» را ترک نکن که در آن، دوری هر بدی است؛ و هر صبح و شب سه بار می‌گویی: «اللّهمّ إنّی أصبحتُ منک فی نعمه و عافیه و ستر، فصلِّ علی محمد و آل محمد و أتمِم علیَّ نعمتک و عافیتک و سترک»، {خدایا، من در نعمت و ایمنی و پوشش از سوی تو، صبح کردم؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمت و ایمنی و پوشش خود را بر من تمام کن.}

داود - پیامبر - علیه السلام هنگام شب کردن سه بار می‌گفت: «اللّهمّ خلِّصنی من کلِّ مصیبهٍ نزلت اللیلهَ من السَّماء»، {خدایا، مرا از هر پیشامد ناگواری که امشب از آسمان فرود آید، برهان.} و هنگامی که صبح می‌کرد، سه بار آن را می‌گفت. - . دعوات الراوندی، دست نویس -

**[ترجمه]

«۴۷»

الْکِتَابُ الْعَتِیقُ، قَالَ أَخْبَرَنِی السَّیِّدُ الْأَجَلُّ عَبْدُ الْحَمِیدِ بْنُ فَخَّارِ بْنِ مَعَدٍّ الْعَلَوِیُّ الْحُسَیْنِیُّ الْحَائِرِیُّ فِی سَنَهِ سِتٍّ وَ سَبْعِینَ وَ سِتِّمِائَهٍ قَالَ أَخْبَرَنِی وَالِدِی عَنْ تَاجِ الدِّینِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الدَّرْبِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَحْرَانِیِّ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ یَحْیَی بْنِ کَثِیرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْقُرَشِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنِ الرَّبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیِّ قَالَ قَرَأْتُ عَلَی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَی قَالَ سَمِعْتُ سَیِّدَنَا الْإِمَامَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ دَعَا إِلَی اللَّهِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ کَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا علیه السلام وَ إِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِکُلِّ کَلِمَهٍ أَلْفَ حَسَنَهٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَیِّئَهٍ وَ هُوَ هَذَا الْعَهْدُ.

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۳۲.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۷.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۳۳.

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ رَبَّ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ يَا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّاً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنْ وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ بِهِ فِي أَيَّامِي عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ وَ الْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْماً فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ مَرَهِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ وَ ابْنَ وَلِيِّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ وَ يُحِقَّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْهُ مَفْزَعاً لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِكَ وَ نَاصِراً لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِراً غَيْرَكَ وَ مُجَدِّداً لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشَيِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه و آله وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله بِرُؤْيَتِهِ

وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَم اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّهَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ تَضْرِبُ عَلَى فَخِذِكَ الْأَيْمَنِ بِيَدِكَ ثَلَاثاً وَ تَقُولُ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ (۱).

الجنه(۲)، [جنه الأمان] و البلد الأمين (۳)، و مصباح الزائر(۴)، عنه عليه السلام: مثله

**[ترجمه]البلد الامين: از امالی سعد بن نصر از سلمان فارسی نقل شده كه گفته است: هر بنده‌ای هنگام صبح سه بار بگويد: «الحمد لله ربِّ العالمينَ، الحمد لله حمداً كثيراً طيّباً مباركاً فيه»، {ستايش مخصوص خدايی است كه پروردگار جهانيان است، ستايش فراوان و پاک كه در آن بركت باشد، برای خداست.} قطعاً خداوند هفتاد نوع بلا را كه كمترين آن اندوه است، از او دور می‌كند. - . در بخش چاپ شده مآخذ نيافتيم. -

و از همان كتاب: گفته است: اميرالمؤمنين عليه السلام هنگام صبح كردن می‌گفت: «سبحان الملک القدوس»، {فرمانروای آراسته - به كمالات، از هر عيب و نقصی - منزّه است.} - سه مرتبه - و {خدايا، از نابود شدن نعمت تو، و از دگرگون شدن ايمنی‌ات، و از ناگهانی رسيدن كيفر تو، و از بدبخت شدن، و از بدی آنچه در كتاب - اعمال - من گذشته است، به تو پناه می‌آورم. خدايا، از تو به احترام عزت فرمانروايی‌ات، و توان بسيار بالايت، و به بزرگی غلبه‌ات، و به قدرتی كه بر آفريده‌های خود داری، درخواست می‌كنم كه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.} نياز خود را می‌خواهی، اگر خدای والامرتبه بخواهد، برآورده می‌شود. - . در بخش چاپ شده مآخذ نيافتيم. -

الكافی: مثل همين را با سند موثق از امام صادق عليه السلام، و تا عبارت «و بعَظم سطانک و بقدرتک علی خلقک، ثم تسأل حاجتک»، {و به بزرگی غلبه‌ات، و به قدرتی كه بر آفريده‌های خود داری؛ سپس نياز خود را می‌خواهی.} روايت كرده است. - . الكافی ۲: ۵۳۲ -

**[ترجمه]

بيان

قال الجوهری مرهت العين مرها إذا فسدت لترک الكحل انتهی و إسناد الكحل إليه مجازی أو أطلق المره علی العين المرهاء مجازا فی الدنيا و الآخره الظرف متعلق بالصلوات و التمزيق التخريق و التقطيع لما ورد كذا فی ما وجدنا من النسخ و لعل الأفصح لما هد أو درس.

**[ترجمه]مؤلف اين را در الكافی در دو جا روايت كرده است، در يكی از آنها «ما سبق فی الكتاب»، {آنچه در كتاب اعمالم گذشته است.} آورده كه همين آشكارتر است، و در ديگری «ما سبق فی الليل»، - . الكافی ۲: ۵۲۷ - {آنچه در شب گذشت.} آورده است، يعنی از بلاهای نازل شونده در روز كه در شب، حتمی شده است؛ يا آنچه در شب بدون انديشه و فكر از من سر زد؛ و گفته شده است: يعنی بلاهايی كه در آن نازل شده و خواستار پايان يافتن آنها است. عبارت «ثمَّ سَل» گويا به مفهوم موجود در عبارت‌های گذشته عطف شده است؛ زيرا نقل كردن از اميرالمؤمنين عليه السلام بايد دربردارنده امر

مخاطب، مثل آن عبارت قبلی باشد، پس به گونه‌ای است که گویا فرموده است: این را بگو، سپس نیازت را بخواه.

و از همان کتاب: با سند آن از علاء بن کامل گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: از دعایی که برای دارنده آن سزاوار است اگر فراموش کرد، قضای آن را به جای آورد، این است که بعد از نماز صبح، ده بار بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شریکَ له، له الملکُ و له الحمدُ، بیده الخیرُ کلّه و هو علی کلّ شیءٍ قدیر»، {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، فرمانروایی مخصوص اوست، و ستایش مخصوص اوست، همه خوبی‌ها به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.} و ده بار می گوید: «أعوذ بالله السمیع العلیم»، {به خداوند شنوای دانا پناه می‌برم.} و اگر بخشی از آن را فراموش کرد، قضای آن بر عهده اوست. - . الکافی ۲: ۵۳۳ -

**[ترجمه]

«۴۸»

الْفَقِیهُ، فِی الْمُوَثَّقِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَیْتَ أَصْبَحْنَا وَ الْمُلْکُ وَ الْحَمْدُ وَ الْعَظَمَهُ وَ الْکِبْرِیَاءُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْحِکْمَهُ وَ الْحِلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الْجَلَالُ وَ الْکَمَالُ وَ الْبَهَاءُ وَ الْقُدْرَهُ وَ التَّقْدِیسُ وَ التَّعْظِیمُ وَ التَّسْبِیحُ وَ التَّکْبِیرُ وَ التَّهْلِیلُ وَ التَّمْجِیدُ وَ السَّمَاحُ وَ الْجُودُ وَ الْکَرَمُ وَ الْمَجْدُ وَ الْمَنُّ وَ الْخَیْرُ وَ الْفَضْلُ وَ السَّعَهُ وَ الْحَوْلُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْقُوَّهُ وَ الْعِزَّهُ وَ الْقُدْرَهُ وَ الْفَتْقُ وَ الرَّتْقُ وَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ وَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهُ وَ الْخَلْقُ جَمِیعاً وَ الْأَمْرُ کُلُّهُ وَ مَا سَمَّیْتُ وَ مَا لَمْ أُسَمِّ وَ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ مَا کَانَ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ بِاللَّیْلِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ وَ أَنَا فِی نِعْمَهٍ مِنْهُ وَ عَافِیَهٍ وَ فَضْلٍ عَظِیمٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَهُ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی

---

۱ - ۱. الکتاب العتیق مخطوط، و هو کتاب وجده المؤلّف العلامه فی الغریّ صلوات اللّه علی مشرفه تألیف بعض قدماء المحدثین فی الدعوات.

۲- ۲. مصباح الکفعمیّ ص ۵۵۰.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۸۲- ۸۳.

۴- ۴. مصباح الزائر ص ۲۳۵- ۲۳۶.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِ- وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ اللَّهُمَّ بِكَ نُمْسِي وَ بِكَ نُصْبِحُ وَ بِكَ نَحْيَا وَ بِكَ نَمُوتُ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذِلَّ أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَلَا تَبْتَلِنِي فِيهِمَا بِجُرْأَةٍ عَلَى مَعَاصِيكَ وَ لَا رُكُوبٍ لِمَحَارِمِكَ وَ ارْزُقْنِي فِيهِمَا عَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَ سَعْياً مَشْكُوراً وَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ(۱).

**[ترجمه]الکتاب العتیق: عبدالله ین سلمی گفته است: از پیشوایمان امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام شنیدم که می... فرمود: هر کس چهل صبح با خواندن این دعا با خدا عهد کند، از یاران قائم ما علیه السلام خواهد بود، و اگر مرده باشد، خداوند او را از قبرش به نزد آن حضرت بیرون می‌آورد، و در ازای هر کلمه‌اش هزار نیکی به او می‌دهد و هزار بدی را از او پاک می‌نماید، و آن، این عهد است:

«اللّهمّ ربَّ النّور العظیم، و ربَّ الکرسیِّ الرَّفیع، و ربَّ البحرِ المَسجور، و مُنزلَ التّوراهِ و الانجیلِ و الزَّبور...» {خدایا، ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و آفتاب، و فرو فرستنده فرقان بزرگ، و پروردگار فرشتگان نزدیکی یافته، و پیامبران و فرستاده شدگان؛ خدایا از تو به اسم بزرگوارت، و به نور جمال تابانت، و فرمانروائی دیرینه ات، ای زنده ای پاینده، درخواست می‌کنم؛ و از تو به آن نامت که آسمان ها و زمین ها با آن روشن شد، ای زنده پیش از هر موجود زنده، و ای زنده پس از هر موجود زنده، و ای زنده‌ای که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، درخواست می‌کنم؛ خدایا، به سرور ما، آن امام راه یافته و قیام کننده به فرمان خدا که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد، از طرف همه مردان و زنان با ایمان در کرانه‌های شرق زمین و غرب آن، هموار آن و کوهش، خشکی آن و دریایش، و از طرف من و پدر و مادرم و فرزندانم و برادرانم، درود هایی هموزن عرش خدا و شماره کلمات او و آنچه کتابش بر شمرده و دانشش آن را در بر گرفته است، ابلاغ بفرما.

خدایا، در بامداد این روز و هر چه از روزهای دیگر زندگی کنم، عهد و پیمان و بیعتی برای او در گردنم تازه می کنم که هرگز از آن سر نپیچم و هرگز دست نکشم؛ خدایا، مرا از یاران و کمک کاران او، و دفاع کنندگان از او، و شتابندگان در برآوردن خواسته هایش، و انجام دهندگان دستوراتش، و از حمایت کنندگان او، و شهید شدگان پیش رویش قرار ده؛ خدایا، اگر میان من و او آن مرگی که بر بندگانت حتمی قرار داده‌ای، فاصله انداخت، پس - در هنگام ظهور او مرا - کفن به خود پیچیده، با شمیشر آخته، و نیزه برهنه، پاسخ گویان به ندای آن دعوت کننده در شهر و بادیه، از قبرم بیرونم آر.

خدایا، آن جمال ارجمند و آن چهره ستوده را به من بنمایان، و با یک نگاه از من به او، دیده تباه شده‌ام را سرمه بکش، و در گشایش او شتاب کن، و راهش را وسیع گردان، و مرا به راه او درآور، و دستورش را نافذ گردان، و پشتش را محکم کن، و توانش را نیرومند ساز، و خدایا، شهر ها را به وسیله او آباد گردان، و بندگانت را به وسیله او زنده گردان؛ زیرا که تو فرمودی و فرمایش تو حق است، - فرمودی: - به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است؛ پس خدایا، ولی خودت، و فرزند ولی‌ات، و فرزند دختر پیامبرت را که همنام فرستاده توست، که درود تو نثار او و خاندان او باد، آشکار کن، تا به چیزی از باطل دست نیابد، مگر آن را از هم بپاشد، و خداوند حق را با او پابرجا و ثابت نماید.

خـدایا او را پناهگاهی برای سـتمدیدگان از بنـدگانت، و یاور برای کسـی که یاری برای خود جز تو نمی یابد، و تجدیدکننده آنچه از احکـام کتـابت تعطیل شـده، و محکم کننـده آنچه از نشانه های دینت و روش‌های پیامبرت، صـلی الله علیه و آله کهنه شده، قرار ده؛ و خدایا، او را از آنان که از حمله متجاوزان نگاهش داری، قرار ده؛ خدایا پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله را به دیـدار او، و کسـانی که بر پایه دعوتش از او پیروی کردنـد را شاد کن، و پس از او به درمانـدگی ما رحم فرما؛ خـدایا، این انـدوه را از این امت به حضـور او برطرف کن، و در ظهورش برای مـا شـتاب فرمـا، که دیگران ظهورش را دور می بیننـد، و ما نزدیـک می بینیم، به مهربـانی ات ای مهربان ترین مهربانان.} آنگاه سه بار با دست بر ران راست خود می زنی، و در هر مرتبه می گویی: «العَجَلَ، العَجَلَ، العَجَلَ، یا مولایَ، یا صاحبَ الزَّمان»، {شـتاب کن، شتاب کن، شتاب کن، ای سرور من، ای صاحب زمان.} - . الکتاب العتیق، دست نویس -

الجنه - . مصباح الکفعمی: ۵۵۰ - و البلد الامین - . البلد الامین: ۸۲-۸۳ -

و مصباح الزائر: - . مصباح الزائر: ۲۳۵-۲۳۶ -

مثل آن را از آن حضرت، علیه السلام روایت کرده‌اند.

**[ترجمه]

بیان

و الملک أی و الحال أن الملک و جمیع ما ذکر لله أو أصبح الملک و جمیع ذلک لله و البهاء الحسن و یقال مجده أی أعظمه و أثنی علیه و السماح الجود و من علیه منا أنعم و الفضل الزیاده فی الکمال أو الإحسان أذهب باللیل کذا فی أکثر النسخ و الظاهر ذهب باللیـل أو أذهب اللیـل کمـا فی سـائر الأـدعیه و قـال بعض الأفاضل لم یقل ذهب باللیل لإیهامه ذهابه تعالی و یرد علیه أنه علی هـذا کـان یکفی أن یقول أذهب باللیـل و أیضـا کان ینبغی أن یقول أیضا أجاء بالنهار للعله المـذکور و فی التنزیل لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ (۲) و قـد ذکر المحققون أن مع باء التعـدیه لا یفهم إلا ما یفهم من الفعل المتعدی و لا فرق بین قولنا ذهب به أو أذهبه و قیل زیدت الباء هنا لتأکید التعدیه و الصواب أنه من خطإ الکتاب و کان ذهب باللیل فزیدت الهمزه کما فی بعض النسخ هنا و سائر الأدعیه خلقان من خلقک المضبوط فی النسخ و المسموع من المشایخ بالقاف و السید الداماد قدس سره زیف هذه النسخه و شنع علی من قرأ بها و قال إنه بالفاء و کسر الخاء لقوله تعالی وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ

۱- ۱. الفقیه ج ۱ ص ۲۲۲- ۲۲۳.

۲- ۲. البقره: ۲۰.

خِلْفَةً(۱) و هو تصحیف لطیف مخالف للنسخ المعتبره و اتباع المنقول أولی.

**[ترجمه]جوهری گفته است: «مرهت العین، مرهاً»، یعنی وقتی که چشم به خاطر سرمه نزدن، تباه گردد. پایان. و نسبت دادن سرمه با آن، مجازی است؛ یا اینکه تباهی چشم را مجازاً بر چشمِ تباه شده به خاطر ترک سرمه اطلاق کرده است. «فی الدنیا و الآخره» ظرف متعلق به «الصلوات» است. «التمزیق»، یعنی پاره کردن و خرد کردن. در نسخه‌هایی که ما یافتیم، «لِما وَرَدَ» آمده بود، و شاید «لِما هدّ»، {آنچه مورد تهدید قرار گرفته است.} یا «درس»، {کهنه شده است.} گویاتر باشد.

**[ترجمه]

«۴۹»

الْكَافِي، بِسَنَدِهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ كَلْثَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِناً عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِيٌّ عليه السلام وَ الْأَوْصِيَاءُ عليهم السلام وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲).

مِنْهُ بِسَنَدِهِ الصَّحِيحِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ- أَبْتَدِئُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلَتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ الْعَبْدُ أَجْزَأَهُ مِمَّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ (۳).

**[ترجمه]الفقیه: در روایت موثق از عمار بن موسی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هنگام صبح کردن و شب کردن می گویی: {در حالی صبح کردم که فرمانروایی و ستایش و بزرگی و بزرگ‌منشی و اقتدار و حکمت و بردباری و دانش و ارجمندی و بزرگواری و کمال و نیکویی و قدرت و پاکی و بزرگ دانستن و منزه دانستن و به بزرگی یاد کردن و یکتا شمردن و گرامی داشتن و گشاده‌رویی و بخشندگی و بزرگواری و ستودگی و نعمت و خوبی و برتری و گستردگی و توانایی و چیرگی و نیرو و عزت و قدرت و گشودن و بستن و شب و روز و تاریکی‌ها و روشنایی و دنیا و آخرت و تمام آفرینش و تمام کارها و آنچه نام بردم و آنچه نام نبردم، و آنچه می‌دانم و نمی‌دانم، و آنچه بوده و آنچه در آینده موجود می‌شود، برای پروردگار جهانیان است.

ستایش خدایی را که شب را برد و روز را آورد و من در نعمت و ایمنی و بخشندگی بزرگی از سوی او قرار گرفته‌ام؛ ستایش خدایی را که هر چه در شب و روز آرام می گیرد، از آن اوست و او شنوای داناست؛ ستایش خدایی را که شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده خارج می سازد و او به راز دل‌ها داناست.

خدایا، با یاری تو شب می کنیم و با یاری تو صبح می کنیم، با یاری تو زندگی می کنیم و با فرمان تو می‌میریم، و سرانجام به سوی توست؛ از اینکه خوار شوم یا دیگری را خوار کنم، یا گمراه شوم یا دیگری را گمراه کنم، یا ستم کنم یا مورد ستم واقع شوم، یا نادانی کنم یا بر من نادانی شود، به تو پناه می‌آورم؛ ای برگرداننده دل‌ها، دلم را بر طاعت خودت و طاعت فرستاده‌ات

استوار گردان؛ خدایا، پس از آنکه مرا هدایت کردی، دلم را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر من ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.}

سپس می گویی: {خدایا، به درستی که شب و روز دو آفریده از آفریدگان تو هستند، پس در آن دو مرا به گستاخی بر گناهان خودت، و بر مرتکب شدن حرام‌هایت مبتلا مگردان، و در آن دو، توفیق عملی مورد پذیرش و تلاشی مورد سپاس و داد و ستدی زوال ناپذیر به من روزی کن.} - . الفقیه ۱: ۲۲۲-۲۲۳ -

**[ترجمه]

بیان

أبتدئ فی یومی هذا أی أفتتح یومی أو أبتدئ فی یومی هذا باسمه تعالی أو یقال بسم الله و ما شاء الله عطف علی بسم الله أو علی اسم الله و قیل علی أبتدئ و هو بعید فالکلام یحتمل وجوها نذکر منها اثنین الأول أن یکون المعنی أنه لما لزم فی مقام العبودیه و التخلی عن المراد و الإراده أن یفوض جمیع أموره إلی ربه و یعلم أنه مالک نفعه و ضره و لا یستعین إلا به و بأسمائه فلا بد أن یکون جمیع أفعاله مقرونه بالتسمیه و المشیئه لفظا و معنا و لسانا و قلبا و قد یغفل عن ذلک للنظر إلی الأسباب الظاهره و الغفله عن مسبب الأسباب و قد ینسی التسمیه التی لا بد من ذکرها و تذکرها عند کل فعل و أیضا قد یترک قول ما شاء الله عند تجدد نعم الله و تذکر أنها من قبل الله کما قال سبحانه لَوْ لا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ (۴) و ترکهما إما للغفله أو للتعجیل فی الأمر فیذکر فی أول یومه هذین القولین و یتذکر

۱- ۱. الفرقان: ۶۲.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۲.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۳.

۴- ۴. الکهف: ۳۹.

هاتين العقیدتین لیکون کل أفعاله فی هذا الیوم مقرونه بهما و إن تحققت الفاصله بینهما و هذا من فضل الله تعالی علیه و إنما ذکر النسیان فقط لأن العجله تصیر سببا للنسیان فهو من قبیل عطف السبب علی المسبب و هذا مما خطر بالبال و هو أحسن الوجوه و له مزیدات فی سائر الأدعیه.

الثانی ما ذکره بعض الأفاضل و هو أن یکون المعنی أبتدئ قبل کل عمل قبل أن أنسی الله سبحانه و أعجل عن ذکره إلی غیره و قوله إذا فعل ذلک الظاهر أنه من کلام الصادق علیه السلام.

**[ترجمه]«و الملک» یعنی فرمانروایی و تمام آنچه ذکر شد، برای خداست؛ یا فرمانروایی و تمام آنها از آن خدا گشت. «البهاء»، یعنی نیکویی؛ و گفته می‌شود: «مجّده»، یعنی او را بزرگ داشت و برایش ثنا گفت. «السماح»، یعنی بخشندگی؛ و «منّ علیه، منّاً»، یعنی نعمت داد. «الفضل»، یعنی افزونی در کمال یا نیکی. «أذهب باللیل» {شب را برد.}، در بیشتر نسخه‌ها همین گونه است و ظاهراً «ذهب باللیل» یا همان گونه که در سایر دعاها وجود دارد، «أذهب اللیل» بوده است. برخی از بزرگان گفته‌اند: «ذهب باللیل» را به این دلیل نگفت که بردن آن توسط خدای متعال را با ایهام ذکر کند؛ ولی این ایراد به آن وارد است که بر مبنای آن، کافی بود «أذهب اللیل» بگوید. همچنین سزاوار بود به خاطر همان دلیلی که ذکر شد، در مورد روز نیز «أجاء بالنّهار» بگوید، و در قرآن، «لَذَهَبَ بسمعهم»، - . البقره/ ۲۰ - {شنوایی شان

را از بین برد.} به کار رفته است. محققان گفته‌اند که از فعل همراه حرف باء تعدیه، چیزی جز آنچه از فعل متعدی فهمیده می‌شود، فهمیده نمی‌شود و فرقی بین «ذهب به» و «أذهبه» وجود ندارد. و گفته شده است که حرف باء در آنجا برای تأکید متعدی بودن آورده شده است. نظر درست آن است که آن از اشتباه نویسندگان است و «ذهب باللّیل» بوده است و حرف همزه به آن افزوده شده است؛ همان طور که در بعضی از نسخه‌های این و نیز سایر دعاها این گونه است. «خلقان من خلقک»، {دو آفریده از آفریدگان تو}، آن گونه که در نسخه‌ها ثبت شده و از بزرگان شنیده شده است، با حرف قاف است. پاک روان سیّد داماد، این نسخه را غلط دانسته و بر کسانی که این گونه خوانده‌اند، تاخته و گفته است: این عبارت با حرف فاء و کسره... خاء است، به استناد این کلام خدای متعال که فرموده است: «و هو الّذی جعل اللّیلَ و النَّهار خِلفَةً»، - . الفرقان/ ۶۲ - {و اوست کسی که شب و روز را جانشین یکدیگر گرداند.} و این خطای دقیقی است که مخالف با نسخه‌های معتبر است. در هر صورت، پیروی کردن از آنچه نقل شده است، بهتر می‌باشد.

**[ترجمه]

«۵۰»

الْکَافِی، بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَمْسَیْتَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عِنْدَ إِقْبَالِ لَیْلِکَ وَ إِدْبَارِ نَهَارِکَ وَ حُضُورِ صَلَاتِکَ وَ أَصْوَاتِ دُعَاتِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ (۱).

**[ترجمه]الکافی: با سند آن از یزید بن کلثمه، از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرموده است: هنگام صبح کردن می گویی: {در حالی صبح کردم که به خدا ایمان دارم، و بر دین محمد و سنت او و بر دین

جانشینان و سنت آنان پایبند هستم، به نهان و آشکار و حاضر و غایب آنان ایمان آورده‌ام؛ و از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و جانشینان او علیهم السلام از آن پناه جسته‌اند، به خدا پناه می‌جویم؛ و به آنچه روی آورده‌اند، روی می‌آورم؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست.} - . الکافی ۲: ۵۲۲ -

و از همان کتاب: با سند صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده و گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن حسین علیه السلام هنگام صبح کردن می‌گفت: «أبتدءُ یومی هذا بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ماشاء الله»، {این روز خود را پیش از آنکه خدا را فراموش کنم و از یاد او به چیز دیگری شتاب کنم، با نام خدا و آنچه خدا خواهد، آغاز می‌کنم.} پس اگر بنده این کار را انجام دهد، از آنچه در آن روز فراموش کرده است، او را کفایت می‌کند.

**[ترجمه]

«۵۱»

الْکَافِی، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِی قُرَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ تَنَاسَخَهَا الْأَنْبِیَاءُ مِنْ آدَمَ علیه السلام حَتَّی وَصَلْنَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ إِذَا أَصْبَحَ یَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ إِیمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِی وَ یَقِیناً حَتَّی أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا یُصِیبُنِی إِلَّا مَا کَتَبْتَ لِی وَ رَضِّنِی

بِمَا قَسَمْتَ لِی (۲)

وَ رَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ زَادَ فِیهِ حَتَّی لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغِیثُ أَصْلِحْ لِی شَأْنِی کُلَّهُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ أَبَداً وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۳).

وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَصْبَحْنَا وَ الْمُلْکُ لَهُ وَ أَصْبَحْتُ عَبْدَکَ وَ ابْنَ عَبْدِکَ وَ ابْنَ أَمَتِکَ فِی قَبْضَتِکَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ رِزْقاً مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَ احْفَظْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَفِظُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَفِظُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ لَا تَجْعَلْ لِی حَاجَةً إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِی الْعَافِیَةَ وَ ارْزُقْنِی

ص: ۲۸۹

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۳.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴.

عَلَيْهَا الشُّكْرَ يَا وَاحِدُ يَا أَحِدُ يَا صَمَدُ يَا اللَّهُ الَّذِی لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحِدٌ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ وَ رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا اللَّهُ وَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اشْفِنِی بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّی عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَتِكَ (۱).

**[ترجمه]«أبتدء فی یومی هذا» یعنی این روزم را آغاز می‌کنم؛ یا در این روزم با نام خدای والامرتبه شروع می‌کنم؛ یا اینکه گفته شود: «بسم الله و ماشاء الله» عطف به «بسم الله» یا بر «اسم الله» شده است؛ و گفته شده است: بر آغاز کردنم، که این بعید است. پس احتمال دارد کلام، چند صورت داشته باشد که دو مورد از آنها را بیان می‌کنیم:

نخست: معنی این باشد که وقتی در مقام بندگی و خالی شدن از خواسته و اراده، ملزم باشد که تمام کارهایش را به پروردگارش واگذار کند، و بداند که او مالک سود و زیانش است، و جز به او و اسم‌های او یاری نمی‌جوید، پس ناگزیر تمام کارهایش با بسم الله و ماشاء الله، چه در لفظ و چه در معنی، و چه در زبان و چه در دل، همراه باشد. و او گاهی با این سبب... های ظاهری از آن غافل می‌شود و نسبت به سبب ساز همه سبب‌ها بی‌توجه می‌گردد؛ و بسم الله را که باید هنگام هر کاری بگوید و به یاد داشته باشد، فراموش می‌کند؛ همچنین گفتن «ماشاء الله» را هنگام تازه شدن نعمت‌ها و به یاد داشتن اینکه آنها از سوی خداوند است، ترک می‌کند؛ همان طور که خدای سبحان فرموده است: «لو لا إذ دخلتَ جنّتک قلتَ ما شاء الله لا قوّةَ إلّا بالله»، چرا آنگاه که وارد باغت شدی، نگفتی آنچه خدا خواست و توانی جز با خدا نیست. و ترک آن دو یا از روی غفلت است یا به خاطر شتابزدگی در کارها؛ از این رو آن دو کلام را در ابتدای روزش می‌گوید و این دو باور را به یاد می‌آورد تا تمام کارهایش در آن روز با آن دو کلام پیوسته باشد، هر چند بین آنها فاصله بیفتد؛ و این از فضل خدای والامرتبه بر اوست؛ و حضرت فقط فراموشی را بیان کرد، چون عجله سبب فراموشی می‌گردد، و این از قبیل عطف سبب بر مسبب است؛ و این چیزی است که به ذهن می‌رسد و این بهترین صورت‌ها است و برای آن در دعاهای دیگر، چیزهایی نیز افزوده‌اند.

دوم: چیزی است که برخی از بزرگان بیان کرده‌اند، و آن این است که معنی به این صورت باشد که قبل از هر کاری، و قبل از اینکه خدای سبحان را فراموش کنم یا از یاد او به یاد کردن دیگری شتاب بورزم، شروع می‌کنم. ظاهراً عبارت «إذا فعل ذلک»، {اگر این کار را انجام دهد.} از کلام امام صادق علیه السلام است.

**[ترجمه]

بیان

كأن المراد بالتناسخ الانتساخ و نسخ بعضهم عن بعض أو من تناسخ الميراث أی التداول فی القاموس نسخ الكتاب كمنع كتبه عن معارضه كاستنسخه و انتسخه و التناسخ و المناسخه فی الميراث موت ورثه بعد ورثه و أصل الميراث قائم لم يقسم و تناسخ الأزمنه تداولها.

تباشر به قلبی أی تجده فی قلبی فكأنك حين وجدانك إياه فی قلبی باشرته أو تكون بسبب ذلك مباشرا لقلبی أی محبتك و معرفتك أو يكون ممتدا فی قلبی إلى يوم ألقاك عند الموت أو فی القيامه إيمانا كاملا تكون بسببه مالكا لأزمه نفسی مدبرا

لأمور قلبی أو یکون الباء للتعدیه أی تجعله مباشرا لقلبی أو علی سبیل القلب أی إیمانا یقینیا یباشرک به قلبی و یراک

کَمَا قَالَ صلی الله علیه و آله: اعْبُدِ اللَّهَ کَأَنَّکَ تَرَاهُ.

و أکثر الوجوه مما خطر بالبال و الأول أظهر و قال الفیروزآبادی وکل إلیه الأمر وکلا و وکولا سلمه و ترکه قوله فی قبضتک کنایه عن استیلائه و تسلطه علیه فإن ما کان فی کف الإنسان یقدر علی التصرف فیه کیف شاء و منه قوله تعالی وَ الْأَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ(۲) من حیث أحتسب أی أظن و أتوقع و الاحتفاظ بمعنی التحفظ و التحرز و فی النهایه السید یطلق علی الرب

و المالک و الشریف و الفاضل و الکریم و الحلیم و المقدم و لعل الداء الأمراض الروحانیه و السقم العلل الجسمانیه أتقلب فی قبضتک فی بعض نسخ الدعاء أتقلب فی

ص: ۲۹۰

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴.

۲- ۲. الزمر: ۶۷.

قبضتك بقدرتك أى أتصرف فى الأمور حال كونى فى قبضتك و قضائك و قدرك إشاره إلى الأمر بين الأمرين.

**[ترجمه]الكافى: با اسناد آن از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که به شب رسیدی، بگو: «اللّهمّ إنّی أسألك عند إقبالِ لیلِتك، و إدبارِ نهارِك، و حضورِ صلواتِك، و أصواتِ دعاتِك، أن تصلّی علی محمد و آل محمد»، {خدایا، هنگام روی آوردن شب تو، و پشت کردن روز تو، و حاضر شدن نمازهای تو، و صداهای دعا کنندگان تو، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.} آنگاه به هر چه خواهی دعا کن. - . الكافی ۲: ۵۲۳ -

**[ترجمه]

«۵۲»

الْكَافِي، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَذَا النَّهَارَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ لَا تَبْتَلِنِي بِهِ وَ لَا تَبْتَلِهِ بِي اللَّهُمَّ وَ لَا تُرِهِ مِنِّي جُرْأَةً عَلَى مَعَاصِيكَ وَ لَا رُكُوباً لِمَحَارِمِكَ اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّيَ الْأَزْلَ وَ اللَّأْوَاءَ(۱)

وَ الْبَلْوَى وَ سُوءَ الْقَضَاءِ وَ شَمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ وَ مَنْظَرَ السَّوْءِ فِي نَفْسِي وَ مَالِي (۲) قَالَ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ حِينَ يُمْسِي وَ يُصْبِحُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِيّاً وَ بِالْقُرْآنِ بَلَاغاً وَ بِعَلِيٍّ إِمَاماً ثَلَاثاً إِلَّا كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ(۳) قَالَ وَ كَانَ يَقُولُ علیه السلام إِذَا أَمْسَى أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ (۴)

قَالَ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ (۵).

**[ترجمه]الكافی: امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز را پیامبران از آدم علیه السلام ارث بردند تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند، که وقتی صبح می‌کرد، می‌گفت: «اللّهمّ إنّی أسألك ایماناً تباشر به قلبی و یقیناً حتّی أعلمَ أنه لا یُصیبُنی إلا ما كتبتَ لی و رضِّنی بما قسمتَ لی»، {خدایا، ایمانی از تو می‌خواهم كه به عمق قلبم راه یابد، و یقینی كه بدانم چیزی جز آنچه برایم نوشته‌ای، به من نمی‌رسد؛ و مرا نسبت به آنچه سهم من كرده‌ای، خشنود گردان.} - . الكافی ۲: ۵۲۴ -

و این را برخی از اصحاب ما روایت کرده و به آن افزوده است: «حتّی لا أحبَّ تعجیلَ ما أخّرتَ و لا تأخیرَ ما عجّلتَ، یا حیُّ یا قیّومُ برحمتك أستغیث، أصلِح لی شأنی كلَّه و لا تَكِلنی إلی نفسی طَرفةَ عینٍ أبداً، و صلّی اللّه علی محمد و آله»، {تا اینكه زود رسیدن آنچه را كه دیر قرار داده‌ای، و یا دیر رسیدن آنچه را كه زود قرار داده‌ای، دوست نداشته باشم؛ ای زنده، ای پاینده، به رحمت تو دادخواهی می‌كنم، همه كارهایم را برایم نیكو گردان، و مرا هرگز به اندازه چشم به هم زدن به خودم وا مگذار، و درود خدا بر محمد و خاندان او.} - . الكافی ۲: ۵۲۴ -

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: {سپاس خدایی را كه ما را به صبح رساند و فرمانروایی برای اوست، و بنده تو و فرزند بنده تو، و زاده كنیز خود را به صبح رساندی؛ خدایا، از فضل خود و از جایی كه گمان می‌برم و از جایی كه گمان

نمی‌برم، بـه من روزی رسـان؛ و مرا از جـایی که مراقبت می‌کنم و از جـایی که مراقبت نمی‌کنم، محـافظت نمـا؛ خـدایا، مرا از فضـل خـودت روزی ده، و برای مـن نیـازی به هیـچ یـک از آفریـده‌هـایت قرار نـده؛ خـدایا، لبـاس سـلامتی بر من بپوشـان، و سپاسـگزاری از آن را روزی‌ام کن؛ ای یگـانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای خـدایی که نه زاده و نه زاییـده شـده است، و نه برای او همتایی وجود دارد، ای خـدا، ای بخشـنده، ای مهربان، ای دارنده فرمانروایی، و پروردگار پروردگاران - ظاهری - و ای آقای آقایان، ای خدا، و ای آنکه جز تو هیچ خدایی وجود ندارد، با شـفای خودت مرا از هر درد و بیماری شفا ده، که من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و در قبضه قدرت و اختیار تو می‌گردم. - . الکافی ۲: ۵۲۴ -

**[ترجمه]

بیان

ابتلاء الإنسـان بـالیوم الابتلاء بالبلایا و المصائب فیه فکأن الیوم أوقعه فیها فالإسـناد مجازی و یحتمل أن یکون الباء بمعنی فی و ابتلاء الیوم بالإنسان أن یوقع فیه الکفر أو المعاصـی الأزل الضـیق و الشده و اللأواء الشده و ضیق المعیشه و منظر السوء المنظر ما نظرت إلیه فأعجبک أو ساءک و الإضافه بیانیه أو هو مصـدر میمی و السوء بالفتـح و الضم و الأول هنا أصـح و أفصح أی النظر إلی أمر یسوؤه فی نفسه أو ماله و بالقرآن بلاغا أی کفایه أو تبلیغا لرسالات الله و قد

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۵.

۲- ۲. الافک و الاذی خ ل.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۵.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۵۲۵.

۵- ۵. الکافی ج ۲ ص ۵۲۵.

وصفه الله تعالی فی مواضع کثیره منه.

**[ترجمه]گویا منظور از «تناسخ»، نسخه گرفتن است، و برخی از آنها از برخی دیگر، یادداشت کرده‌اند؛ یا اینکه از «تناسخ المیراث» به معنای دست به دست گردیدن است. در القاموس، «نسخ الکتاب» مانند «منع» - در وزن - یعنی کتاب را از روی برابر نوشت، مانند «استنسخه، و انتسخه، و التناسخ». «المناسخه فی المیراث» یعنی مردن ارث‌بر بعد از ارث‌بر، و باقی ماندن اصل میراث بدون تقیسم شدن. «تناسخ الأزمنه»، یعنی گردیدن روزگاران.

«تباشر به قلبی»، یعنی آن را در دل من بیابی، گویا هنگام یافتن آن در قلب من، آن را لمس کرده‌ای؛ یا به سبب آن، یعنی محبت و شناخت خودت را در قلبم جای داده‌ای؛ یا اینکه ایمان کاملی در دلم، تا روزی که تو را هنگام مرگ یا روز قیامت دیدار می‌کنم، ادامه داشته باشد و به سبب آن، صاحب اختیار وجود من و اداره کننده کارهای دلم باشد؛ یا اینکه حرف باء برای متعدی کردن باشد، یعنی آن را لمس کننده قلبم یا در راه دلم قرار دهی، یعنی ایمانی یقینی که با آن دلم تو را احساس کند و تو را ببیند، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اُعبد اللهَ کأنَّک تَراه»، {خدا را آن گونه عبادت کن که گویی او را می‌بینی.} بیشتر این صورت‌ها، چیزی بود که به ذهن رسید و صورت اول، آشکارتر است.

فیروزآبادی گفته است: «وکَل إلیه الأمر، وکلًا، و وکولًا»، یعنی او را سپرد و ترک کرد. عبارت «فی قبضتک» کنایه از چیرگی و تسلط او بر وی است؛ زیرا اگر چیزی در کف انسان باشد، می‌تواند هرگونه تصرفی که بخواهد در آن بنماید. از این قبیل است کلام خدای والامرتبه که فرموده است: «و الأرضُ جمیعاً قَبضتُه یومَ القیامه»، - . الزمر/ ۶۷ - {روز

قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست.}

«مِن حیثُ أحتسب»، یعنی گمان می‌کنم و انتظار دارم. «الاحتفاظ» به معنی خویشتن داری و پرهیز کردن است. در النهایه، «السیّد» بر پروردگار و مالک و شرافتمند و فاضل و بزرگوار و بردبار و پیشی گرفته، اطلاق شده است. شاید «الدّاء» بیماری... های روحی باشد و «السقم»، بیماری‌های جسمی. «أتقلّب فی قَبضتِک» در بعضی از نسخه‌های دعا، «أتقلّب فی قبضتک بقدرتک» آمده است، یعنی در حالی که در قبضه و قضا و قدر تو هستم، کارها را انجام می‌دهم، که اشاره به یک امر در میان دو امر دارد .

**[ترجمه]

«۵۳»

الْکَافِی، بِسَنَدِهِ الصَّحِیحِ وَ الْحَسَنِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ یَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ کَبِیراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُکْرَهً وَ أَصِیلًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیراً لَا شَرِیکَ لَهُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ إِلَّا ابْتَدَرَهُنَّ مَلَکٌ وَ جَعَلَهُنَّ فِی جَوْفِ جَنَاحِهِ (۱)

وَ صَعِدَ بِهِنَّ إِلَی السَّمَاءِ الدُّنْیَا فَتَقُولُ الْمَلَائِکَهُ مَا مَعَکَ فَیَقُولُ مَعِی کَلِمَاتٌ قَالَهُنَّ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ هِیَ کَذَا وَ کَذَا فَیَقُولُونَ

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَالَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَ غَفَرَ لَهُ وَ قَالَ كُلَّمَا مَرَّ بِسَمَاءٍ قَالَ لِأَهْلِهَا مِثْلَ ذَلِكَ فَيَقُولُونَ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَالَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَ غَفَرَ لَهُ حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهَا إِلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ فَيَقُولُ لَهُمْ إِنَّ مَعِي كَلِمَاتٍ تَكَلَّمَ بِهِنَّ رَجُلٌ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هِيَ كَذَا وَ كَذَا فَيَقُولُونَ رَحِمَ اللَّهُ هَذَا الْعَبْدَ وَ غَفَرَ لَهُ انْطَلِقْ بِهِنَّ إِلَى حَفَظَةِ كُنُوزِ مَقَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ كَلِمَاتُ الْكُنُوزِ حَتَّى يَكْتُبُهُنَّ فِي دِيوَانِ الْكُنُوزِ(۲).

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ الْمُوَثَّقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ فِي بِلَادِكَ لِعِبَادِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ وَ حِلْمِكَ وَ كَرَمِكَ كَذَا وَ كَذَا(۳).

**[ترجمه]الکافی: محمد بن علی در حدیثی مرفوع از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که می گفت: {خدایا، به راستی که من و این روز، دو آفریده از آفریدگان تو هستیم؛ خدایا، مرا با او میازمای، و او را با من میازمای؛ خدایا، و از من گستاخی بر گناهان، و ارتکاب حرام‌هایت را به او منمایان؛ خدایا، سختی و تنگی معیشت، - . الکافی ۲: ۵۲۵ -

و گرفتاری و قضای بد، و سرزنش دشمنان، و بدبینی در خودم و خانواده‌ام را از من دور کن.} - . الافک و الاذی خ ل -

و گفته است: و هیچ بنده‌ای نیست که هنگام شب کردن و صبح کردن سه بار بگوید: «رضیتُ باللّه ربّاً و بالاسلام دیناً و بمحمدٍ صلّی الله علیه و آله نبیّاً و بالقرآنِ بَلاغاً و بعلیٍّ إماماً»، {به پروردگاری خدا، و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و پیام بودن قرآن، و امام بودن علی علیه السلام، خشنود گشته‌ام.} جز اینکه بر عهده خدای عزیز بزرگوار باشد که روز قیامت او را خشنود سازد. - . الکافی ۲: ۵۲۵ -

و گفته است: امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام شب کردن می گفت: «أصبحنا للّه شاكرينَ و أمسينا للّه حامدينَ، فلكَ الحمدُ كما أمسينا لكَ مسلمينَ سالمينَ»، {در حالی که خدا را سپاسگزار بودیم، صبح کردیم، و در حالی که خدا را ستایشگر بودیم، به شب رسیدیم؛ پس همان گونه که در حال مسلمانی و با سلامت شب کردیم، تو را سپاس می گوییم.} - الکافی ۲: ۵۲۵ -

و گفته است: و هنگامی که صبح می کرد، می گفت: «أمسينا للّه شاكرينَ و أصبحنا للّه حامدينَ و الحمدُ للّه كَما أصبحنا لكَ مسلمينَ سالمينَ»، {در حالی که خدا را سپاسگزار بودیم، شب کردیم، و در حالی که خدا را ستایشگر بودیم، به صبح رسیدیم؛ و همان گونه که در حال مسلمانی و با سلامت صبح کردیم، تو را سپاس می گوییم.} - . الکافی ۲: ۵۲۵ -

**[ترجمه]

بیان

من شر ما خلقت الأفعال الثلاثه متقاربه فی المعنی و قد یطلق الخلق علی التقدیر أو الإیجاد بعد التقدیر و الذرء بخلق الذریه کالبرء بخلق الحیوانات کما روی کثیرا و برأ النسمه و یمکن التعمیم فی الجمیع فالتکرار للتأکید و یمکن أن یراد بالخلق التقدیر و بالذر خلق الإنسان أو خلق الإنس و الجن و بالبرء خلق سائر الأشیاء أو بالأول ما لیس فیه روح و بالثانی الإنس و الجن و

بالثالث سائر الحيوانات.

و قوله و عبادک عطف علی بلادک أی شر ما خلقت بین عبادک أو ما خلقت

ص: ۲۹۲

۱- ۱. فی بعض النسخ: حرف جناحه.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۶- ۵۲۷.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۶- ۵۲۷.

فیهم من أعضائهم و قواهم و مکایدهم أو عطف علی الموصول تخصیصا بعد التعمیم و الجلال عظمه الذات أو الصفات السلبیه و الجمال حسن الصفات أو الصفات الثبوتیه و الحلم و الکرم یرجعان إلی حسن الأفعال.

**[ترجمه]آزمودن انسان با روز، همان آزمودن او با گرفتاری‌ها و پیشامدهای واقع در آن روز است، گویی روز او را در این گرفتاری انداخته است، پس اسناد در اینجا مَجازی است. همچنین احتمال دارد حرف باء در اینجا به معنی «فی» {در} باشد. آزمایش روز با انسان، به این است که در آن کفر و گناه انجام شود. «الأزل»، یعنی تنگی و سختی؛ و «اللاواء»، یعنی سختی و تنگیِ زندگی؛ و «مَنظَر السوء»، «المنظر»، یعنی چیزی که به آن بنگری و تو را به شگفت یا ناراحتی وادارد، و اضافه در اینجا بیانی، یا مصدر میمی است؛ «السوء» با فتحه و ضمه خوانده می‌شود، ولی اولی در اینجا صحیح‌تر و فصیح‌تر است، یعنی به چیزی بنگرد که او را به خودش یا دارایی‌اش ناراحت کند. «و بالقرآنِ بَلاغاً»، یعنی بسنده بودن، یا رسانیدن پیام‌های خدا، و خداوند والامرتبه در جاهای فراوان، قرآن را به بلاغ توصیف کرده است.

**[ترجمه]

«۵۴»

الْکَافِی، بِسَنَدِهِ الْحَسَنِ کَالصَّحِیحِ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: یَقُولُ (۱)

بَعْدَ الصُّبْحِ الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی بَابَ الْأَمْرِ الَّذِی فِیهِ الْیُسْرُ وَ الْعَافِیَهُ اللَّهُمَّ هَیِّئْ لِی سَبِیلَهُ وَ بَصِّرْنِی مَخْرَجَهُ (۲)

اللَّهُمَّ إِنْ کُنْتَ قَضَیْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ عَلَیَّ مَقْدُرَهً بِالشَّرِّ فَخُذْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَیْهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ اکْفِنِیهِ بِمَا شِئْتَ وَ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ (۳).

**[ترجمه]الکافی: امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که چون صبح کند، پیش از طلوع خورشید بگوید: «اللّه أکبرُ اللّه أکبرُ کبیراً و سبحانَ اللّهِ بکرهً و أصیلًا و الحمدُ للّه ربّ العالمینَ کثیراً، لا شریکَ له و صلی اللّه علی محمّد و آله»، {خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است و بزرگ‌تر، و خدا منزّه است، در صبح و شام، و سپاس فراوان مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و درود خدا بر محمد و خاندان او.} جز اینکه فرشته‌ای آن ها را دریابد و در درون بال خود نهد و به آسمان دنیا بالا برد، پس فرشتگان به او گویند: چه چیزی همراه توست؟ می‌گوید: همراه من کلماتی هست که یکی از مؤمنان گفته است، و آنها چنین و چنان هستند. پس می‌گویند: خدا رحمت کند آن کس را که این کلمات را گفته و او را بیامرزد؛ و فرمود: به هر آسمانی که بالا رود، به اهل آن آسمان مانند همان حرف را بزند، و آن ها نیز می‌گویند: خدا رحمت کند کسی را که این کلمات را گفته و او را بیامرزد؛ تا به فرشتگان بر دوش گیرندگان عرش رسد، پس به آن ها می‌گوید: با من کلماتی است که یکی از مؤمنان بر زبان آورده است و آن ها چنین و چنان هستد، پس آن ها می‌گویند: خدا رحمت کند این بنده را و او را بیامرزد، آن ها را نزد نگهبانان گنج‌های گفتار مؤمنان ببر، زیرا این ها گنجینه‌های کلمات هستند، تا آن ها را در دفتر گنجینه ها بنویسند. - . الکافی ۲: ۵۲۶-۵۲۷ -

و از همـان کتـاب: با سـند موثق از امام صادق علیه السـلام روایت کرده که فرموده است: وقتی صـبح کردی، بگو: {خـدایا، از بـدی رسانـدن هر آنچه در شـهرهایت برای بنـدگانت خلق کردی و آفریـدی و به وجود آوردی، به تو پناه می‌آورم؛ خدایا، به شکوه و زیبایی و بردباری و بزرگواری‌ات از تو درخواست می‌کنم، چنین و چنان کنی.} - . الکافی ۲: ۵۲۶-۵۲۷ -

**[ترجمه]

إيضاح

قـال الجوهری یقال ما لی علیک مقـدره و مقـدره و مقـدره أی قـدره قوله علیه السـلام من بین یـدیه أی سـد علیه باب الحیله و الفرج من جمیع الجهات و قال البیضاوی فی قوله سبحانه ثُمَّ لَآتِیَنَّهُمْ مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَیْمانِهِمْ وَ عَنْ شَـمائِلِهِمْ (۴) أی من جمیع الجهـات الأـربع مثـل قصـده إیاهم بالتسویل و الإضـلال من أی وجه یمکنه بإتیان العـدو من الجهات الأربع و لذلک لم یقل من فوقهم و من تحت أرجلهم.

و قیـل لم یقـل من فوقهم لأـن الرحمه تنزل منه و لم یقل من تحتهم لأن الإتیان منه یوحش و عن ابن عباس من بین أیـدیهم من قبل الآخره و من خلفهم من قبل الدنیا وَ عَنْ أَیْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ من جهه حسناتهم و سیئاتهم.

و یحتمل أن یقال مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ من حیث یعلمون و یقـدرون التحرز عنه وَ مِنْ خَلْفِهِمْ من حیث لا یعلمون و لا یقـدرون وَ عَنْ أَیْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ من جهه یتیسر

ص: ۲۹۳

۱- ۱. فی بعض النسخ: تقول.
۲- ۲. بصرنی سبیله و هیئ لی مخرجه خ ل.
۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۲۸.
۴- ۴. الأعراف: ۱۷.

لهم أن يعلموا و يتحرزوا و لكن لم يفعلوا لعدم تيقظهم و احتياطهم.

و إنما عـدى الفعل فى الأولين بحرف الابتداء لأنه منها متوجه إليهم و فى الآخرين بحرف المجاوزه لأن الآتى منهما كالمنحرف عنهم المار على عرضهم و نظيره جلست عن يمينه.

**[ترجمه]«من شـرِّ مـا خلقتَ» فعـلهـای سه‌گانه در معنی نزدیک یکـدیگر هسـتند. و گاهی «الخلق» به مقـدر کردن، یا ایجاد کردن بعـد از مقـدر کردن اطلاـق می‌شود، و «الـذرء» به آفرینش نسـل، ماننـد «البرء» به آفریـدن حیوانات گفته می‌شود، همان گـونه که «بریء النسـمه» فراوان روایت شـده است؛ و می‌تـوان بین همه آنهـا تعمیم داد، که در این صورت، تکرار برای تـأکید خواهـد بود؛ و می‌توان از «الخلق»، مقـدر کردن، و از «الـذرء»، آفرینش انسـان، یا آفرینش انسان و جن، و از «الـذرء»، آفرینش سایر چیزها اراده شـده باشد؛ یا از اولی، چیزی که در آن روح وجود ندارد، و از دومی انسان و جن، و از سومی سایر حیوانات اراده شده باشد.

عبارت «و عبادک» به عبارت «بلادک» عطف شده است، یعنی بدی رساندن چیزی که در میان بندگانت آفریدی؛ یا چیزی که در آنها آفریـدی، از قبیل اعضای آنها و نیروها و نقشه‌هاشان؛ یا اینکه عطف به موصول و از باب ذکر خاص بعـد از عام است. «الجلال»: بزرگی ذات یـا صـفات سـلبیه؛ و «الجمـال»، یعنی نیکویی صـفات، یـا صـفات ثبوتیه؛ و «الحلم» و «الکرم» به نیکویی کارهای خدا باز می‌گردند.

**[ترجمه]

«۵۵»

الْکَافِی، بِسَنَدِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ فِی ذِمَّتِکَ وَ جِوَارِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ دِینِی وَ نَفْسِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ أَعُوذُ بِکَ یَا عَظِیمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِکَ جَمِیعاً وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا یُبْلِسُ بِهِ إِبْلِیسُ وَ جُنُودُهُ إِذَا قَالَ هَذَا الْکَلَامَ لَمْ یَضُرَّهُ یَوْمَهُ ذَلِکَ شَیْ ءٌ وَ إِذَا أَمْسَی فَقَالَ لَمْ یَضُرَّهُ تِلْکَ اللَّیْلَهَ شَیْ ءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]الکافی: با سـند حسن که ماننـد صـحیح است، از زراره روایت کرده است که امام صادق علیه السـلام فرمود: بعد از صبح می‌گوید: - . در بعضی نسخه‌ها «تقول» {می‌گویی} آمده است. -

«الحمدُ لِرَبِّ الصَّباح، الحمدُ لِفالقِ الاصـباح»، {سپاس برای پروردگار صبح است، سپاس برای شکافنده بامداد.} سه بار {خدایا، برای من درِ کـاری که در آن آسانی و سـلامتی است را بگشا؛ خـدایا، راه آن را بر من آماده کن، و راه خروج از آن را به من بنما؛ - . بصِّرنی سَبیلَه و هیِّیء له مَخرَجه، {راهش را به من بنما و راه خارج شدن از آن را برایم آماده گردان.} خ ل -

خـدایا، اگر برای کسـی از آفریده‌هایت علیه من قدرتی بر بدی رساندن قرار دادی، پس او را از روبرو و پشت و از راست و از چپ و از زیر قـدم‌هـا و از بالای سـرش برگیر، و مرا از او، به هر چیزی که خواستی، و از هر لحاظ که خواستی، و هر گونه که خواستی، بسنده باش.} - . الکافی ۲: ۵۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

ما یلبس به إبلیس کذا فی أکثر النسخ و فی بعضها ما یلبس من التلبیس و هو ظاهر و أما الأول فقال الفیروزآبادی البلس محرکه من لا خیر عنده أو عنده إبلاس و شر و أبلس یئس و تحیر و منه سمی إبلیس.

و قال الجزری فیه فتأشب أصحابه حوله و أبلسوا حتی ما أوضحوا بضاحکه أبلسوا أی سکتوا و المبلس الساکت من الحزن أو الخوف و الإبلاس الحیره و منه الحدیث أ لم تر الجن و إبلاسها أی تحیرها أو دهشتها انتهی فالمعنی من شر الذنوب التی صارت سببا لیأس إبلیس من رحمه الله أو ما یسکت فیه حیله و مکرا لیتم إضلاله و یمکن أن یکون استعمل بأحد المعانی السابقه متعدیا و إن لم یرد فی اللغه أو یکون اشتقاقا جعلیا أی ما یعمل فیه شیطنته.

**[ترجمه]جوهری گفته است: وقتی گفته می‌شود: «ما لی علیك مَقدَرَه، و مقدره، و مقدُره»، یعنی بر تو قدرت ندارم. کلام او علیه السلام: «مِن بینِ یدیه»، یعنی در چاره و گشایش را از تمام جهت‌ها بر وی ببندد؛ و بیضاوی در مورد کلام خدای منزّه: «ثمَّ لآتینَّهم من بین أیدیهم و من خلفِهم و عَن أیمانِهم و عن شَمائلهم»، - . الاعراف/ ۱۷ - {آن

گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم.}، یعنی قصد او را به فریفتن آنان از طریق آراستن و گمراه کردن، از هر طریقی که برایش ممکن باشد، به آوردن دشمن از جهات چهارگانه تشبیه کرده است، و برای همین نگفت: «مِن فَوقهم و مِن تحت أرجلِهم»، {از بالایشان و از زیر پاهایشان.}

و گفته شده است: به این دلیل «مِن فوقهم»، {از بالایشان} نگفته است که رحمت از آن جهت فرود می‌آید، و به این دلیل «مِن تحتِهم» نگفته است که آمدن از آن جهت، باعث وحشت می‌شود. از ابن عباس نقل شده است که «مِن بین أیدیهم»، یعنی از طرف آخرت، و «مِن خلفهم»، یعنی از طرف دنیا؛ و «عن أیمانهم و عن شَمائلهم»، یعنی از جهت نیکی‌ها و بدی‌هایشان.

و احتمال دارد «مِن بینِ أیدیهِم»، یعنی از آن جهت که آگاهی دارند و می‌توانند از آن خود را حفظ کنند؛ «و من خلفهم»، یعنی از جهتی که نمی‌دانند و نمی توانند از آن خود را حفظ کنند. «و عن أیمانِهم و عن شَمائلهم»، یعنی از جهتی که برایشان میسر است بدانند و خودداری نمایند، ولی به دلیل عدم هوشیاری و احتیاطشان آن را انجام می‌دهند.

و همانا فعل را در دو مورد اولی با حرف ابتدا (من) متعدی نموده است، چون از آن به سوی آنها رو می کند، و در سایر موارد با حرف مُجاوزت - یعنی «من» و «عن» - آورده است، چون چیزی که از آن دو طرف می‌آید، مانند منحرف شده از آنها و گذرنده از کنار آنها است، و نمونه آن، «جلستُ عن یمینه»، {از سمت راست او نشستم.} است.

**[ترجمه]

الْكَافِی، بِسَنَدِهِ الْحَسَنِ كَالصَّحِيحِ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَ أَسْتَعِينُكَ وَ أَنْتَ رَبِّی وَ أَنَا عَبْدُكَ أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ وَ أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِی بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۸.

إِلَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَصْبَحْتُ عَلَى فِطْرَهِ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَهِ الْإِخْلَاصِ وَ مِلَّهِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ

أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ وَ اتِّبَاعَ سَبِيلِكَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي- آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتِي لَيْسَ لِي أَئِمَّهٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ أَئْتَمُّ وَ إِيَّاهُمْ أَتَوَلَّى وَ بِهِمْ أَقْتَدِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيَائِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ اجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَاءَهُمْ وَ أُعَادِي أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَ آبَائِي مَعَهُمْ (۱).

وَ مِنْهُ بِسَنَدٍ لَا يَقْصُرُ عَنِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلِّمْنِي شَيْئاً أَقُولُهُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَ إِذَا أَمْسَيْتُ فَقَالَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ(۲).

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ الْمُعْتَبَرِ عِنْدِي عَنْ أَبِي عُبَيْدَهَ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ سَبَّحَ خَمْساً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً وَ هَلَّلَ خَمْساً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً وَ حَمَّدَ اللَّهَ خَمْساً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً لَمْ يُكْتَبْ فِي ذَلِكَ الصَّبَاحِ مِنَ الْغَافِلِينَ وَ إِذَا قَالَهَا فِي الْمَسَاءِ لَمْ يُكْتَبْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَهِ مِنَ الْغَافِلِينَ (۳).

**[ترجمه]الکافی: با سند آن از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرموده است: هر کس هنگام صبح کردن بگوید: {خدایا، به راستی که در نگاه داری و امان تو صبح کردم؛ خدایا، دینم و جانم و دنیایم و آخرتم و خانواده‌ام و دارایی‌ام را به تو می‌سپارم؛ و از بدی رساندن تمام آفریده‌هایت به تو پناه می‌برم ای بزرگ، و از بدی آنچه ابلیس و لشگریانش به وسیله آن سرگردان و ناامید می‌سازند، به تو پناه می‌آورم.}

اگر این کلام را بگوید، در آن روز چیزی به او زیان نمی‌رساند، و اگر در شب بگوید، در آن شب چیزی به او زیان نمی‌رساند، اگر خدای والامرتبه بخواهد. - . الکافی ۲: ۵۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

كأن النكته في التعبير في الأول بالصباح و في الثاني بالليله إن في اليوم غالبا متيقظ مشتغل بالأعمال فيمكن أن يكون في سائر اليوم غافلا بخلاف الليل

ص: ۲۹۵

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۹.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۹.
۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۳۴.

فإن فی أکثره نائم غالبا فیتفضل الله علیه بأن یکتبه فی جمیع اللیل ذاکرا لافتتاحه بالذکر کما أنه إذا نام متطهرا یکتب کذلک إلی أن ینتبه مع أنه یمکن أن یکون المراد بالصباح جمیع الیوم أو باللیله أولها.

و قوله علیه السلام لم یکتب من الغافلین إشاره إلی قوله تعالی وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خِیفَهً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلِینَ (۱) و إلی أنه یکفی هذا الذکر لإطاعه الأمر الوارد فی تلک الآیه وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلِینَ.

**[ترجمه]«ما یبلس به ابلیس» در بیشتر نسخه‌ها این گونه آمده است، و در بعضی از آنها، «ما یلبّس» آمده که از «تلبیس» است و معنی آن روشن است. و اما در مورد نخست، فیروزآبادی گفته است: «البلس» با فتحه حروف، یعنی کسی که خیری پیش او نباشد، یا پیش او نومیدی و بدی باشد، و «أبلس»، یعنی نومید و سرگردان شد، و «ابلیس» از این رو به این نام، نامیده شده است.

جرزی گفت: در آن آمده است: اصحاب او دورش جمع شده و سکوت کردند و هیچ چیز خنده‌داری را بیان نکردند. «أبلسوا»، یعنی ساکت شدند، و «الملبس»، یعنی از ناراحتی و ترس ساکت شده، و «الابلاس»، یعنی سرگردانی؛ از همین قبیل است حدیث: «ألم تَرَ الجنَّ و إبلاسَها»، یعنی سرگردانی و اضطراب او را. پایان. پس معنای عبارت این است که از شرّ گناهانی که باعث شد ابلیس از رحمت خدا نومید شود، یا آن چیزی که در آن، از روی نیرنگ و فریب به منظور اعمال گمراه کردنش سکوت می‌کند؛ و ممکن است به صورت متعدی در یکی از معانی گذشته استفاده شود، هر چند در لغت نیامده است؛ یا اینکه اشتقاق کلمه، ساختگی و جعلی باشد، یعنی چیزی که در آن شیطنت خود را اعمال می‌کند.

**[ترجمه]

«۵۷»

الْکَافِی، بِسَنَدِهِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا تَدَعْ أَنْ تَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَمْسَیْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی دِرْعِکَ الْحَصِینَهِ الَّتِی تَجْعَلُ فِیهَا مَنْ تُرِیدُ فَإِنَّ أَبِی علیه السلام کَانَ یَقُولُ هَذَا مِنَ الدُّعَاءِ الْمَخْزُونِ (۲).

وَ مِنْهُ بِسَنَدِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ الْمُصْطَفَیْنَ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ إِمَامِی وَ وَلِیِّی وَ أَنَّ أَبَاهُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ فُلَاناً وَ فُلَاناً حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَیْهِ أَئِمَّتِی وَ أَوْلِیَائِی وَ عَلَی ذَلِکَ أَحْیَا وَ عَلَیْهِ أَمُوتُ وَ عَلَیْهِ أُبْعَثُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ أَبْرَأُ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ فَإِنْ مَاتَ فِی لَیْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ(۳).

وَ مِنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ هَذَا حِینَ یُمْسِی حُفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أَجْنِحَهِ جَبْرَئِیلَ علیه السلام حَتَّی یُصْبِحَ- أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِیَّ الْأَعْلَی الْجَلِیلَ الْعَظِیمَ نَفْسِی وَ مَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِیَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَیْ ءٍ

١- ١. الأعراف: ٢٠٥.

٢- ٢. الكافی ج ٢ ص ٥٣۴.

٣- ٣. الكافی ج ٢ ص ٥٢٢.

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۱).

**[ترجمه]الکافی: با سند حسن که مانند صحیح است، از معاویه بن عمار نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: {خدایا، ستایش مخصوص توست، تو را می‌ستایم و از تو یاری می‌جویم، و تو پروردگار من هستی و من بنده توام، بر پیمان و وعده تو صبح کردم، و به وعده تو ایمان می‌آورم و به عهد تو وفا می‌نمایم؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدا نیست، یگانه است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد؛ و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، بر سرشت اسلام و کلمه... اخلاص، و آیین ابراهیم، و دین محمد، صبح کردم؛ بر پایبندی به آن زندگی می‌کنم و بر پایبندی به آن می‌میرم، اگر خدا بخواهد، مرا تا زمانی که زنده‌ام می‌داری، زنده بدار، و زمانی که می‌میرانی، بر پایبندی به آن بمیران، و هنگامی که مرا برمی... انگیزی، با پایبندی به آن برانگیز؛ به واسطه آن، خشنودی تو و پیروی از راه تو را می‌جویم.

تو را پشتوانه خود قرار دادم، و کارم را به تو واگذاشتم، خاندان محمد امامان من هستند و امامانی غیر از آنها برایم وجود ندارد؛ از آنان پیروی می‌کنم و تنها با آنها دوستی می‌نمایم، و تنها به آنان اقتدا می‌کنم؛ خدایا، آنها را در دنیا و آخرت، سرپرستان من قرار ده، و مرا چنان قرار ده که دوستداران آنها را دوست بدارم، و دشمنان آنها را در دنیا و آخرت دشمن بدارم، و مرا و پدرانم را همراه آنان به نیکان ملحق نما.} - . الکافی ۲: ۵۲۹ -

و از همان کتاب: با سندی که کمتر از صحیح نیست، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: به او گفتم که چیزی به من بیاموز که هنگام صبح کردن و هنگام شب کردن بگویم؛ فرمود: بگو: {ستایش مخصوص خدایی است که هرچه را که خودش بخواهد انجام می‌دهد، و آنچه را که دیگران بخواهند انجام نمی‌دهد؛ ستایش مخصوص خداست، آن گونه که خدا دوست دارد ستایش شود؛ ستایش مخصوص خداست، آن گونه که او سزاوار آن است. خدایا، در هر خوبی که محمد و خاندان محمد را وارد کردی، مرا وارد کن؛ و در هر بدی که محمد و خاندان محمد را از آن بیرون نمودی، مرا بیرون نما؛ درود خدا بر محمد و خاندان محمد.} - . الکافی ۲: ۵۲۹ -

و از همان کتاب: با سندی که به نظر من معتبر است، از ابی عبیده حذاء نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس هنگام دمیدن سپیده صبح، ده مرتبه {هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، فرمانروایی مخصوص اوست، و ستایش مخصوص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌گرداند، و او زنده... ای است که نمی‌میرد، خوبی به دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست.} و ده مرتبه «صلّى الله على محمد و آله»، {درود خدا بر محمد و خاندان او باد.} بگوید و سی و پنج بار «سبحان الله»، و سی و پنج بار «لا إله إلا الله»، و سی و پنج بار «الحمدلله» بگوید، در آن صبح از غفلت زدگان نوشته نمی‌شود، و اگر در شامگاه بگوید، در آن شب از غفلت زدگان نوشته نمی‌شود. - . الکافی ۲: ۵۳۴ -

**[ترجمه]

بیان

و من یعنینی أمره أی یشغلنی و یهمنی قوله نفسی المرهوب کذا فی النسخ و الظاهر تأخیر نفسی عن کل شی ء مع قوله و من یعنینی أمره بل یزید فیها نفسی و أهلی و مالی و ولدی کما مر فی تعقیب کل صلاه(۲)

و علی أی حال المرهوب صفه للجلاله و فی القاموس تضعضع خضع و ذل و افتقر.

**[ترجمه]گویا نکته تعبیر به «الصباح»، (صبح) در عبارت نخست، و تعبیر به «اللیله» در عبارت دومی، این است که در روز معمولاً ـ بیدار و مشغول به کار است و از این رو امکان دارد در بقیه روز در غفلت باشد، بر خلاف شب، که بیشتر آن را در خواب است و خداوند بر او تفضل می کند، به این صورت که در تمام شب او را به خاطر شروع کردن آن با ذکر، در حال ذکر بنویسد، همان طور که اگر شب را با طهارت بخوابد، تا موقع بیدار شدنش این گونه نوشته می‌شود؛ علاوه بر اینکه ممکن است منظور از «الصباح»، تمام روز، یا «اللیله»، ابتدای شب باشد.

و عبارت آن حضرت علیه السلام: «لم یکتب من الغافلینَ» به این کلام خدای والامرتبه اشاره دارد که فرموده است: «وَ اذکُر ربَّک فی نفسِک تضرُّعاً و خیفهً و دونَ الجَهر من القَول بالغُدُوِّ و الآصالِ و لا تَکُن مِن الغافِلینَ»، - . الاعراف/ ۲۰۵ -

{و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرّع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.} و به این اشاره دارد که این ذکر در اطاعت دستور وارد شده در این آیه، یعنی «و لا تَکُن من الغافِلینَ»، {و از غافلان مباش.} کفایت می کند.

**[ترجمه]

«۵۸»

عُدَّهُ الدَّاعِی، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: قَالَ اللَّهُ یَا ابْنَ آدَمَ اذْکُرْنِی بَعْدَ الصُّبْحِ سَاعَهً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَهً أَکْفِکَ مَا أَهَمَّکَ.

وَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: إِنَّ إِبْلِیسَ عَلَیْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ یَبُثُّ جُنُودَ اللَّیْلِ مِنْ حِینِ تَغِیبُ الشَّمْسُ وَ حِینَ تَطْلُعُ فَأَکْثِرُوا ذِکْرَ اللَّهِ فِی هَاتَیْنِ السَّاعَتَیْنِ وَ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ إِبْلِیسَ وَ جُنُودِهِ وَ عَوِّذُوا صِغَارَکُمْ فِی تَیْنِکَ السَّاعَتَیْنِ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَهٍ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ (۳) قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ هِیَ سَاعَهُ إِجَابَهٍ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَسْتَغْفِرُ اللَّهَ غَدَاهَ کُلِّ یَوْمٍ سَبْعِینَ مَرَّهً وَ یَتُوبُ إِلَی اللَّهِ سَبْعِینَ مَرَّهً قَالَ قُلْتُ وَ کَیْفَ کَانَ یَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ فَقَالَ کَانَ یَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ سَبْعِینَ مَرَّهً وَ یَقُولُ أَتُوبُ إِلَی اللَّهِ سَبْعِینَ مَرَّهً.

وَ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَمْلُوا أَوَّلَ صَحَائِفِکُمْ خَیْراً وَ آخِرَهَا خَیْراً یُغْفَرْ لَکُمْ مَا بَیْنَهُمَا.

وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی الدَّرْدَاءِ: أَنَّهُ قِیلَ لَهُ ذَاتَ یَوْمٍ احْتَرَقَتْ دَارُکَ فَقَالَ لَمْ تَحْتَرِقْ فَجَاءَ مُخْبِرٌ آخَرُ فَقَالَ احْتَرَقَتْ دَارُکَ فَقَالَ لَمْ تَحْتَرِقْ فَجَاءَ ثَالِثٌ فَأَجَابَهُ بِذَلِکَ ثُمَّ انْکَشَفَ الْأَمْرُ عَنِ احْتِرَاقِ جَمِیعِ مَا حَوْلَهَا سِوَاهَا فَقِیلَ لَهُ بِمَ عَلِمْتَ بِذَلِکَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ صَبِیحَةَ یَوْمِهِ لَمْ یُصِبْهُ سُوءٌ فِیهِ وَ مَنْ قَالَهَا

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۵۲۳.

۲- ۲. راجع ص ۵۰ من هذا المجلد.

۳- ۳. الرعد: ۱۵.

فِی مَسَاءِ لَیْلَتِهِ لَمْ یُصِبْهُ سُوءٌ فِیهَا وَ قَدْ قُلْتُهَا وَ هِیَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ.

**[ترجمه]الکافی: با سند آن از داود رقّی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: دعا کردن با این دعا را سه مرتبه هنگام صبح کردن و سه مرتبه هنگام شب کردن، رها نکن: «اللّهمّ اجعَلنی فی درعک الحَصینه الّتی تَجعل فیها من تُرید»، {خدایا، مرا در پناهگاه مستحکمی که هر که را بخواهی در آن قرار می‌دهی، قرار ده.} که پدرم می‌فرمود این از دعاهای گنجینه است. - . الکافی ۲: ۵۳۴ -

و از همان کتاب: با سند آن، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمود: هر کس بگوید: {خدایا، تو را گواه می گیرم، و فرشتگان نزدیکی جسته به تو و فرشتگان بر دوش گیرنده عرش تو را گواه می گیرم، بر اینکه تو خدایی هستی که جز او، بخشنده و مهربان، هیچ خدایی وجود ندارد، و اینکه محمد بنده و فرستاده توست، و فلانی فرزند فلانی امام و سرپرست من است، و اینکه پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین و فلانی و فلانی - تا به او برساند - پیشوایان و سرپرستان من هستند، بر پایبندی به این زندگی می کنم و بر پایبندی به این می‌میرم و در روز قیامت، بر پایبندی به این برانگیخته خواهم شد؛ و از فلانی و فلانی بیزاری می‌جویم.} پس اگر در آن شب بمیرد، وارد بهشت خواهد شد. - . الکافی ۲: ۵۲۲ -

و از همان کتاب: با اسناد آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس هنگام شب کردن، سه بار این را بگوید، تا صبح در پری از پرهای جبرئیل علیه السلام پوشیده می‌شود: {خودم و هر کسی را که کارش به من مربوط است، به خدای والامرتبه بسیار والا و بزرگوار و بزرگ می‌سپارم؛ خودم را به خدای ترسناک و بیمناکی که همه چیز در برابر عظمت او رام و فرمانبردار هستند، می‌سپارم.} - . الکافی ۲: ۵۲۳ -

**[ترجمه]

«۵۹»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، فِی کِتَابِ الْأَنْوَارِ لِلتَّمِیمِیِّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ حِینَ یُصْبِحُ سَبْعاً فَاللَّهُ خَیْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ- إِنَّ وَلِیِّیَ اللَّهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ حَفِظَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَهُ ذَلِکَ.

وَ مِنْهُ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ قَالَ فِی صَبِیحَهِ یَوْمِهِ ثَلَاثاً بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ لَمْ یُصِبْهُ بَلَاءٌ حَتَّی یُمْسِیَ وَ کَذَا مَنْ قَالَهَا مَسَاءً ثَلَاثاً.

دعوات الراوندی، عن النبی صلی الله علیه و آله: مثله.

**[ترجمه]«و من یعنینی أمره»، یعنی کـارش مرا به خـود مشـغول می‌دارد و اهتمـام مرا می‌طلبـد. عبـارت «نفســی المرهوب» در نسـخه‌ها همین گونه است و ظاهراً، «نفســی» به همراه عبارت «و من یعنینی أمره» بعد از عبارت «کلُّ شیء» قرار دارد، بلکه حتی عبارت «نفســی و أهلی و مالی و ولـدی»، {خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزنـدانم} همان گونه که در تعقیب مشترک نمازها گذشت، در آن افزوده می‌شود. در هر صورت، «المرهوب» صفت اسم بزرگوار خدا است. در القاموس آمده است: «تضعضع»، یعنی فروتنی و خواری و نیازمندی کرد.

**[ترجمه]

«۶۰»

المهـج، [مهـج الـدعوات]: رُوِیَ أَنَّ الْخَضِـرَ وَ إِلْیَاسَ یَجْتَمِعَانِ فِی کُلِّ مَوْسِمٍ فَیَفْتَرِقَانِ عَنْ هَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ کُلُّ نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِیَـدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا یَصْـرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَمَنْ قَالَهَا حِینَ یُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْحَرَقِ وَ السَّرَقِ وَ الخرق [الْغَرَقِ](۱).

**[ترجمه]عـده الـداعی: رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرموده است: ای آدمیزاد، یک ساعت بعد از صـبح و یک ساعت بعد از عصر مرا یاد کن تا تو را در آنچه برایت مهم است، کفایت کنم.

و امام باقر علیه السـلام فرمود: همانا ابلیس، که لعنت های خـدا بر او باد، لشـگریان شـبش را از زمان غروب خورشـید و هنگام طلوع آفتاب پراکنده می کند؛ پس در این دو ساعت، خدا را فراوان یاد کنید و از بدی رساندن ابلیس و لشـگریانش به خدا پناه ببرید، و کودکانتان را در این دو ساعت تعویذ نمایید که این دو، لحظه غفلت هستند.

امام صادق علیه السلام در مورد کلام خدای مبارم و والامرتبه که فرموده است: «و ظِلالُهُم بالغُدُوِّ و الآصالِ» – . الرعد/ ۱۵ –

{و سایه هایشان، بامـدادان و شامگاهان، برای خـدا سـجده می کنند.}فرمود: آن همان دعا قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن است، و این زمان پذیرفته شدن دعا است.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بامداد هر روز هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش می کرد، و هفتـاد مرتبـه بـه سـوی خـدا تـوبه می‌نمـود. راوی گفته است: گفتم: چگـونه این کـار را انجـام می‌داد؟ آیا «أسـتغفرُ اللهَ و أتـوبُ إلیه»، {از خـدا آمرزش می‌خـواهم و به سـوی او بـاز می گردم.} می گفت؟ فرمـود: هفتـاد مرتبه می گفت: «أستغفرُ الله»، {از خدا آمرزش می‌خواهم.} و هفتاد مرتبه می گفت: «أتوبُ إلی الله»، {به سوی خدا باز می گردم.}

و از امام صادق علیه السـلام روایت شـده است که فرمود: در ابتـدای پرونـده‌هایتان خوبی و در انتهای پرونده‌هایتان خوبی ثبت کنید، تا آنچه میان آن دو هست، برای شما آمرزیده شود.

از ابی الـدرداء روایت شـده است که روزی به او گفته شـد: خـانه‌ات آتش گرفت؛ گفت: آتش نگرفته است. سـپس خبررسان

دیگری آمد و گفت: خانه‌ات آتش گرفته است؛ گفت: آتش نگرفته است. سپس سومی آمد و وی همین جواب را به او داد. بعداً مشخص شد که همه پیرامون آن، بجز خانه او آتش گرفته و سوخته است. به او گفته شد: از کجا آن را دانستی؟ گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: هر کس این کلمات را در صبحگاه روزش بگوید، در آن روز به او بدی نمی‌رسد، و هر کس در شبانگاه بگوید، در آن شب بدی به او نمی‌رسد، و من آن‌ها را گفتم و آن دعا این است: {خدایا، تو پروردگار من هستی، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، بر تو توکل نمودم و تو پروردگار عرش بزرگ هستی، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست. هر چه خدا خواسته است، به وجود آمده است و هر چه را نخواسته است، به وجود نیامده است، می‌دانم که به راستی خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی علم خدا بر همه چیز گسترده است؛ خدایا، از بدی نفس خودم، و از بدی هر جنبنده‌ای که زمام اختیار او را تو به دست گرفته‌ای، به تو پناه می‌برم، به راستی که پروردگار من بر راه راست قرار دارد.}

**[ترجمه]

«۶۱»

مَعَانِی الْأَخْبَارِ، عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبَرِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ خِرَاشٍ مَوْلَی أَنَسٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَذِكْرُ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ خَیْرٌ مِنْ حَطْمِ السُّیُوفِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یَعْنِی لِمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْغُدُوِّ وَ یَذْكُرُ مَا كَانَ مِنْهُ فِی لَیْلِهِ مِنْ سُوءِ عَمَلِهِ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَ تَابَ إِلَیْهِ فَإِذَا انْتَشَرَ فِی ابْتِغَاءِ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ انْتَشَرَ وَ قَدْ حُطَّتْ عَنْهُ سَیِّئَاتُهُ وَ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ.

ص: ۲۹۸

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۶.

وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْآصَالِ وَ هِيَ الْعَشِيَّاتُ رَاجَعَ نَفْسَهُ فِيمَا كَانَ مِنْهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ مِنْ سَرَفٍ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِضَاعَةٍ لِأَمْرِ رَبِّهِ وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ تَعَالَى وَ أَنَابَ رَاحَ إِلَى أَهْلِهِ وَ قَدْ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ يَوْمِهِ وَ إِنَّمَا تُحْمَدُ الشَّهَادَةُ أَيْضاً إِذَا كَانَ مِنْ تَائِبٍ إِلَى اللَّهِ مُسْتَغْفِرٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]البلد الامین: از کتاب الأنوار تمیمی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هر کس هنگام صبح کردن، هفت بار بگوید: {خدا بهترین نگهدار و او مهربان‌ترین مهربانان است. بی تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است؛ پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.} خدای عزّوجلّ او را در آن روز حفظ می‌نماید .

و از همان کتاب: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس در بامداد روزش سه بار بگوید: «بسم الله الّذی لا یضُرُّ مع اسمِه شیءٌ فی الأرضِ و لا فی السَّماء و هو السَّمیع العلیم»، {با نام خدایی که با اسم او هیچ چیزی در زمین و یا در آسمان، زیان نمی‌بیند، و او شنوای داناست.} تا هنگام شب هیچ بلایی به او نمی‌رسد؛ همین طور است اگر کسی در شبانگاه سه بار بگوید.

دعوات الراوندی: مثل همین را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است.

**[ترجمه]

بیان

حطم السیوف کسرها أی یقاتل حتی یحطم سیفه أو یحطم سیوف الکفار و علی التقدیرین کنایه عن شده القتال و کثره الضراب.

**[ترجمه]المهج: روایت شده است که خضر و الیاس در هر موسم (حج) با یکدیگر دیدار می‌کنند و با این دعا از یکدیگر جدا می‌شوند: {با نام خدا، هر چه خدا بخواهد، - همان می‌شود - هیچ توانی جز به سبب خدا نیست، به خواست خدا هر نعمتی از سوی خداست، به خواست خدا همه خوبی‌ها به دست خدای عزّوجلّ است، به خواست خدا، هیچ کسی جز خدا بدی را دور نمی‌کند.} پس هر کس آن را موقع صبح کردن - سه بار - بگوید، از سوختن و خفه شدن و غرق شدن در امان می... ماند. - . مهج الدعوات: ۳۸۶ -

**[ترجمه]

«۶۲»

المهج (۲)، [مهج الدعوات] حِرْزٌ لِلْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ عَمِّ وَالِدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدُّورْيَسْتِيِّ عَنْ وَالِدِهِ عَنِ الصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَيْهِ قَالَ وَ حَدَّثَنِي جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ

الصَّمَدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقَاشِيِّ الْمُجَاوِرِ بِالْمَشْهَدِ الرَّضَوِيِّ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ شُيُوخِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْكَنْدَرِيِّ قَالَ: كُنْتُ مِنْ نُدَمَاءِ أَبِي جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ وَ خَوَاصِّهِ وَ كُنْتُ صَاحِبَ سِرِّهِ فَبَيْنَا أَنَا إِذْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَرَأَيْتُهُ مُغْتَمّاً فَقُلْتُ لَهُ مَا هَذَا الْفِكْرُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ لَقَدْ هَلَكَ مِنْ أَوْلَادِ فَاطِمَةَ مِائَةٌ أَوْ يَزِيدُونَ وَ قَدْ بَقِيَ سَيِّدُهُمْ وَ إِمَامُهُمْ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَأْسُ الرَّوَافِضِ وَ سَيِّدُهُمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهُ رَجُلٌ قَدْ شَغَلَتْهُ الْعِبَادَةُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ وَ الْخِلَافَةِ فَقَالَ لِي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ تَقُولُ بِهِ وَ بِإِمَامَتِهِ وَ لَكِنَّ الْمُلْكَ عَقِيمٌ قَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أُمْسِيَ عَشِيَّتِي حَتَّى أَفْرُغَ مِنْهُ ثُمَّ دَعَا بِسَيَّافٍ وَ قَالَ لَهُ إِذَا أَنَا أَحْضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ شَغَلْتُهُ بِالْحَدِيثِ وَ وَضَعْتُ قَلَنْسُوَتِي فَهُوَ الْعَلَامَةُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ فَأَمَرَ بِإِحْضَارِ الصَّادِقِ عليه السلام فَأُحْضِرَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَ لَحِقْتُهُ فِي الدَّارِ وَ هُوَ يُحَرِّكُ شَفَتَيْهِ فَلَمْ أَدْرِ مَا الَّذِي قَرَأَ إِلَّا أَنَّنِي رَأَيْتُ الْقَصْرَ يَمُوجُ كَأَنَّهُ سَفِينَةٌ فَرَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ

ص: ۲۹۹

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۴۱۲- ۴۱۱.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۲.

الْمَنْصُورَ يَمْشِی بَيْنَ يَدَيْهِ كَمَا يَمْشِی الْعَبْدُ بَيْنَ يَدَیْ سَيِّدِهِ حَافِیَ الْقَدَمَيْنِ مَكْشُوفَ الرَّأْسِ يَحْمَرُّ سَاعَةً وَ يَصْفَرُّ أُخْرَی وَ أَخَذَ بِعَضُدِ الصَّادِقِ علیه السلام وَ أَجْلَسَهُ عَلَی سَرِيرِ مُلْكِهِ فِی مَكَانِهِ وَ جَثَا بَيْنَ يَدَيْهِ كَمَا يَجْثُو الْعَبْدُ بَيْنَ يَدَیْ مَوْلَاهُ ثُمَّ قَالَ مَا الَّذِی جَاءَ بِكَ إِلَيْنَا هَذِهِ السَّاعَةَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ دَعَوْتَنِی فَأَجَبْتُكَ قَالَ مَا دَعَوْتُكَ إِنَّمَا الْغَلَطُ مِنَ الرَّسُولِ ثُمَّ قَالَ لَهُ سَلْ حَاجَتَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَدْعُوَنِی لِغَيْرِ شُغُلٍ قَالَ لَكَ ذَلِكَ وَ انْصَرَفَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَلَمَّا انْصَرَفَ نَامَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ لَمْ يَنْتَبِهْ إِلَی نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَمَّا انْتَبَهَ كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ رَأْسِهِ قَالَ لَا تَبْرَحْ يَا مُحَمَّدُ مِنْ عِنْدِی حَتَّی أَقْضِیَ مَا فَاتَنِی مِنْ صَلَاتِی وَ أُحَدِّثَكَ بِحَدِيثٍ قُلْتُ سَمْعاً وَ طَاعَةً يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا قَضَی صَلَاتَهُ قَالَ اعْلَمْ أَنِّی لَمَّا أَحْضَرْتُ سَيِّدَكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ هَمَمْتُ بِمَا هَمَمْتُ بِهِ مِنْ سُوءٍ رَأَيْتُ تِنِّيناً قَدْ حَوَی بِذَنَبِهِ جَمِيعَ دَارِی وَ قَصْرِیْ وَ قَدْ وَضَعَ شَفَتَهُ الْعُلْيَا فِی أَعْلَاهَا وَ السُّفْلَی فِی أَسْفَلِهَا وَ هُوَ يُكَلِّمُنِی بِلِسَانٍ طَلْقٍ ذَلْقٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ يَا مَنْصُورُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی بَعَثَنِی إِلَيْكَ وَ أَمَرَنِی إِنْ أَنْتَ أَحْدَثْتَ فِی عَبْدِیَ الصَّالِحِ الصَّادِقِ حَدَثاً ابْتَلَعْتُكَ وَ مَنْ فِی الدَّارِ جَمِيعاً فَطَاشَ عَقْلِی وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصِی وَ اصْطَكَّتْ أَسْنَانِی قَالَ مُحَمَّدٌ قُلْتُ لَيْسَ هَذَا بِعَجِيبٍ فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّ

ص وَ جَدِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ عِنْدَهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَ الدَّعَوَاتِ الَّتِی لَوْ قَرَأَهَا عَلَی اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَأَنَارَ وَ عَلَی النَّهَارِ الْمُضِیءِ لَأَظْلَمَ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَلَمَّا مَضَی علیه السلام اسْتَأْذَنْتُ مِنْ أَبِی جَعْفَرٍ لِزِيَارَةِ مَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام فَأَجَابَ وَ لَمْ يَأْبَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمْتُ وَ قُلْتُ لَهُ أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَایَ بِحَقِّ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ تُعَلِّمَنِی الدُّعَاءَ الَّذِی قَرَأْتَهُ عِنْدَ دُخُولِكَ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ فِی ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ لَكَ ذَلِكَ فَأَمْلَاهُ عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ هَذَا حِرْزٌ جَلِيلٌ وَ دُعَاءٌ عَظِيمٌ نَبِيلٌ مَنْ قَرَأَهُ صَبَاحاً كَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ إِلَی الْعِشَاءِ وَ مَنْ قَرَأَهُ عِشَاءً كَانَ فِی حِفْظِ اللَّهِ تَعَالَی إِلَی الصَّبَاحِ وَ قَدْ عَلَّمَنِيهِ أَبِی بَاقِرُ عُلُومِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ

ص: ٣٠٠

عَنْ أَخِيهِ سَيِّدِ الْأَصْفِيَاءِ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ اسْتَخْرَجَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الَّذِى لا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدَانِى لِلْإِسْلَامِ وَ أَكْرَمَنِى بِالْإِيمَانِ وَ عَرَّفَنِىَ الْحَقَّ الَّذِى عَنْهُ يُؤْفَكُونَ وَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِى رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَنْشَأَ جَنَّاتِ الْمَأْوَى بِلَا أَمَدٍ تُلْقُونَهَا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ السَّابِغُ النِّعْمَهِ الدَّافِعُ النِّقِمَهِ الْوَاسِعُ الرَّحْمَهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو السُّلْطَانِ الْمَنِيعِ وَ الْإِنْشَاءِ الْبَدِيعِ وَ الشَّأْنِ الرَّفِيعِ وَ الْحِسَابِ السَّرِيعِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ شَهِيدِكَ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَقَرُّباً إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفاً بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا يَكُنْ مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ أُعِيذُ نَفْسِي وَ شَعْرِى وَ بَشَرِى وَ أَهْلِى وَ مَالِى وَ وُلْدِى وَ ذُرِّيَّتِى وَ دِينِى وَ دُنْيَاىَ وَ مَا رَزَقَنِى رَبِّى وَ مَا أَغْلَقْتُ عَلَيْهِ أَبْوَابِى وَ أَحَاطَتْ بِهِ جُدْرَانِى وَ مَا أَتَقَلَّبُ فِيهِ مِنْ نِعَمِهِ وَ إِحْسَانِهِ وَ جَمِيعَ إِخْوَانِى وَ أَقْرِبَائِى وَ قَرَابَاتِى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّهِ الْعَامَّهِ الْكَامِلَهِ الشَّافِيَهِ الْفَاضِلَهِ الْمُبَارَكَهِ الْمُنِيفَهِ الْمُتَعَالِيَهِ الزَّاكِيَهِ الشَّرِيفَهِ الْكَرِيمَهِ الطَّاهِرَهِ الْعَظِيمَهِ الْمَخْزُونَهِ الْمَكْنُونَهِ الَّتِى لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ بِأُمِّ الْكِتَابِ وَ فَاتِحَتِهِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَهٍ شَرِيفَهٍ وَ آيَهٍ مُحْكَمَهٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَهٍ وَ عُوذَهٍ وَ بَرَكَهٍ وَ بِالتَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ حُجَّهٍ أَقَامَهَا اللَّهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ آلَاءِ اللَّهِ وَ عِزَّهِ اللَّهِ وَ عَظَمَهِ اللَّهِ وَ قُدْرَهِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ جَلَالِ اللَّهِ وَ مَنَعَهِ اللَّهِ وَ مَنِّ اللَّهِ وَ عَفْوِ اللَّهِ وَ حِلْمِ اللَّهِ وَ حِكْمَهِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَهِ اللَّهِ وَ كُتُبِ اللَّهِ وَ بِرُسُلِ اللَّهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ

أَجْمَعِينَ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ سَخَطِ اللَّهِ وَ نَكَالِ اللَّهِ وَ عِقَابِ اللَّهِ وَ أَخْذِ اللَّهِ وَ بَطْشِهِ وَ اجْتِيَاحِهِ وَ احْتِشَائِهِ وَ اصْطِلَامِهِ وَ تَدْمِيرِهِ وَ سَطَوَاتِهِ وَ نَقِمَتِهِ وَ جَمِيعِ مَثُلَاتِهِ وَ مِنْ إِعْرَاضِهِ وَ صُدُودِهِ وَ تَنْكِيلِهِ وَ تَوْكِيلِهِ وَ خِذْلَانِهِ وَ دَمْدَمَتِهِ وَ تَخْلِيَتِهِ وَ مِنَ الْكُفْرِ وَ النِّفَاقِ وَ الشَّكِّ وَ الشِّرْكِ وَ الْحَيْرَهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ النُّشُورِ وَ الْحَشْرِ وَ الْمَوْقِفِ وَ الْحِسَابِ وَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ وَ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَهِ وَ تَحْوِيلِ الْعَافِيَهِ وَ حُلُولِ النَّقِمَهِ وَ مُوجِبَاتِ الْهَلَكَهِ وَ مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ وَ الْفَضِيحَهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ.: وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَوًى مُرْدٍ وَ قَرِينٍ مُلْهٍ وَ صَاحِبٍ مُسْهٍ وَ جَارٍ مُوذٍ وَ غِنًى مُطْغٍ وَ فَقْرٍ مُنْسٍ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ صَلَاهٍ لَا تُرْفَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَ اسْتِغَاثَهٍ لَا تُجَابُ وَ غَفْلَهٍ وَ تَفْرِيطٍ يُوجِبَانِ الْحَسْرَهَ وَ النَّدَامَهَ وَ مِنَ

الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الشَّكِّ وَ الْعَمَى فِي دِينِ اللَّهِ وَ مِنْ نَصَبٍ وَ اجْتِهَادٍ يُوجِبَانِ الْعَذَابَ وَ مِنْ مُرْدٍ إِلَى النَّارِ وَ مِنْ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الدِّينِ وَ النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ الْإِخْوَانِ وَ عِنْدَ مُعَايَنَهِ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الشَّرَقِ وَ السَّرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ الْخَسْفِ وَ الْمَسْخِ وَ الْحِجَارَهِ وَ الصَّيْحَهِ وَ الزَّلَازِلِ وَ الْفِتَنِ وَ الْعَيْنِ وَ الصَّوَاعِقِ وَ الْبَرَقِ وَ الْقَوَدِ وَ الْقَرَدِ وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ أَكْلِ السَّبُعِ وَ مِيتَهِ السَّوْءِ وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ وَ الْخَاصَّهِ وَ الْعَامَّهِ وَ الْحَامَّهِ وَ مِنْ شَرِّ أَحْدَاثِ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَانُ وَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ وَ تَتَابُعِ الْعَنَاءِ وَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ وَ سُوءِ الْمَمَاتِ وَ سُوءِ الْمَحْيَا وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ مِنْ شَرِّ السُّلْطَانِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ مِنْ

شَرِّ مَا فِی النُّورِ وَ الظُّلَم وَ مِنْ شَرِّ مَا هَجَمَ أَوْ دَهَمَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُقْم وَ هَمٍّ وَ آفهٍ وَ نَدم وَ مِنْ شَرِّ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَ الدُّغَّارِ وَ الْفُجَّارِ وَ الْكُفَّارِ وَ الْحُسَّادِ وَ الْجَبَابرَهِ وَ الْأَشْرَارِ وَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ شَرِّ ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلى صِراطٍ مُسْتَقِیم وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِیم مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ الْأَنْبِیَاءُ الْمُرْسَلُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ- مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّهُ الْمَهْدِیُّونَ وَ الْأَوْصِیَاءُ وَ الْحُجَجُ الْمُطَهَّرُونَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِیَنِی مِنْ خَیْرِ مَا سَأَلُوكَهُ وَ أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا بِكَ مِنْهُ وَ أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَیْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِی فِی یَوْمِی هَذَا وَ فِیمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَیَّام مِنْ جَمِیع خَلْقِكَ كُلِّهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ قَرِیبٍ أَوْ بَعِیدٍ ضَعِیفٍ أَوْ شَدِیدٍ بِشَرٍّ أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ مَسَاءَهٍ بِیَدٍ أَوْ بِلِسَانٍ أَوْ بِقَلْبٍ فَأَحْرِجْ صَدْرَهُ وَ أَلْجِمْ فَاهُ وَ أَفْحِمْ لِسَانَهُ وَ اشْدُدْ سَمْعَهُ وَ أَقْمِحْ بَصَرَهُ وَ أَرْعِبْ قَلْبَهُ وَ اشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ وَ أَمِتْهُ بِغَیْظِهِ وَ اكْفِنَاهُ بِمَا شِئْتَ وَ كَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ اكْفِنِی شَرَّ مَنْ نَصَبَ لِی حَدَّهُ وَ اكْفِنِی مَكْرَ الْمَكَرَهِ وَ أَعِنِّی عَلَى ذَلِكَ بِالسَّكِینَهِ وَ الْوَقَارِ وَ أَلْبِسْنِی دِرْعَكَ الْحَصِینَهَ وَ أَحْیِنِی مَا أَحْیَیْتَنِی فِی سِتْرِكَ الْوَاقِی وَ أَصْلِحْ حَالِی كُلَّهُ أَصْبَحْتُ فِی جِوَارِ اللَّهِ مُمْتَنِعاً وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُرَامُ مُحْتَجِباً وَ بِسُلْطَانِ اللَّهِ الْمَنِیعِ مُحْتَرِزاً مُعْتَصِماً وَ مُتَمَسِّكاً وَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَائِذاً أَصْبَحْتُ فِی حِمَى اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ وَ فِی ذِمَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُخْفَرُ وَ فِی حَبْلِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُجْذَمُ وَ فِی جِوَارِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَضَامُ وَ فِی مَنْعِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُدْرَكُ وَ فِی سِتْرِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُهْتَكُ وَ فِی عَوْنِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُخْذَلُ

اللَّهُمَّ اعْطِفْ عَلَيْنَا قُلُوبَ عِبَادِكَ وَ إِمَائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ بِرَأْفَةٍ مِنْكَ وَ رَحْمَةٍ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهًى وَ لَا دُونَ اللَّهِ مَلْجَأٌ مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ نَجَا- كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ- فَاللَّهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ- وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ- إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ تَحَصَّنْتُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ رَمَيْتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنَا بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یقیناً یاد خدا در بامدادان و شامگاهان، از شکستن شمشیر در راه خدا بهتر است؛ یعنی هر کس در بامداد، خدای عزّوجلّ را یاد کند و و کردار بد خود در شبش را به یاد آورد و از خدا آمرزش بخواهد و به سوی او باز گردد، هنگامی که در جستجوی چیزی که خدا سهم او قرار داده است – در زمین – روانه شود، در حالی روانه شده که بدی‌های او از بین رفته و گناهانش آمرزیده شده است.

و اگر خدای عزّوجلّ را در شامگاهان که همان – نمازهای – شب‌ها است، یاد کند، و در آنچه در آن روز انجام داده است، از قبیل زیاده روی بر نفس خود، و زیر پا گذاشتن دستور پروردگارش به خود برگردد، پس هر گاه خدای عزّوجلّ را یاد کند و از خدای والامرتبه آمرزش بخواهد و توبه کند، با شادمانی و در حالی که گناهانش آمرزیده شده است، به سوی خانواده خود رو می‌کند و اگر از بازگشتگان به سوی خدا و آمرزیدگان از نافرمانی خدای عزّوجلّ باشد، به خاطر – داشتن ثواب – شهادت نیز سپاسگزاری می‌شود. – . معانی الاخبار: ۴۱۱–۴۱۲ –

**[ترجمه]

إيضاح

طلاقه اللسان و ذلاقته حدته و فصاحته و عذوبته يقال لسان طلق ذلق و طلق ذلق و طلق ذلق و الطيش ذهاب العقل و الفريصه اللحمه التى بين جنب الدابه و كتفها لا تزال ترعد و كأنها استعيرت لسائر الأعضاء و المفاصل و اصطكاك الأسنان ضرب بعضها على بعض عند الارتعاد يؤفكون أى يصرفون بغير عمد أى أساطين جمع عماد ترونها صفه لعمد أو استئناف للاستشهاد برؤيتهم السماوات كذلك.

و إضافه الجنات إلى المأوى لبيان أنها المأوى الحقيقى و الدنيا منزل ارتحال و قيل جنات المأوى نوع من الجنان بلا أمد أى غايه و نهايه زمانا أو مكانا تلقونها أى ستلقونها أنها كذلك و على الثانى يمكن أن يكون التقييد لبيان أن لها غايه بحسب المكان لكن لا يمكن للإنسان الوصول إليها و على التقادير ترونها و تلقونها فى الدعاء على الخطاب العام.

ما شاء الله أى كان توجها إلى الله أى أعترف بالمشيه لتوجهى إلى الله و للتقرب إليه أو متوجها و متقربا أو توجهت إلى الله توجها و كذا تلطفا أى لطلب لطفه أو طالبا له و المنيف المشرف المرتفع لا يجاوزهن بر و لا فاجر أى يصل تأثيرها إليهما أو لا يمكن لهما أن يمنعا تأثيرها أو مضامينها عامه شامله لهما كالرحمن و الرازق و الخالق.

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۸.

و الاجتياح الاستيصال و كـذا الاصـطلام و الاجتثاث الاقتلاع و التدمير الإهلاك و المثلات العقوبات و الصدود الإعراض و نكل به تنكيلا جعله نكالا و عبره لغيره و توكيله أن يكله إلى غيره.

و قال الجوهرى دمدمت الشـى ء ألزقته بالأرض و طحطحته و دمدم الله عليهم أهلكهم و من شر كتاب قد سبق أى ألواح التقدير و فائده الاستعاذه المحو و الإثبات.

و قرين مله قال الكفعمى ره (١)

أى مشـغل عن ذكر الله و صاحب مسه أى مغفل عن ذكر الله و فقر منس أى عن الله أو عن نعمه السالفه و الحاصـله و من نصـب أى تعب و اجتهـاد أى سـعى فى العبـاده يوجبان العـذاب لكونهما على جهه البـدعه أو الرياء أو مع عـدم التـدين بالحق كما قال تعالى عامِلَهٌ ناصِبَهٌ تَصْلى ناراً حامِيَهً(٢) و قال الكفعمى قدس الله سـره ضلع الدين بفتحتين ثقله حتى يميل صاحبه عن الاستواء و قال الشـرق الشجا و الغصه و فى الحديث يؤخرون الصلاه إلى شرق الموتى أى إلى أن يبقى من الشمس مقدار ما يبقى من حياه من شرق بريقه عند الموت انتهى.

و الحجاره أى اسـتحقاقها بنزولها من السـماء أو بالرجم و أمثاله و العين كذا فى النسخ أى تأثير العين و لا يبعد أن يكون بالنونين قال فى النهايه فى حديث طهفه برئنا إليك من الوثن و العنن العنن الاعتراض (٣)

كـأنه قـال برئنـا إليـك من الشـرك و الظلم و قيل أراد به الخلاف و الباطل و منه حـديث سـطيح أو فاز فازلمّ به شأو العنن يريد اعتراض الموت و سبقه أو بالغين المعجمه و الباء الموحده محركه بمعنى الضعف و النسيان

ص: ٣٠۵

١- ١. مصباح الكفعمىّ ص ٢٣٨ و ذكر الدعاء فى البلد الأمين ص ۵٣٩- ۵۴٢ و ليس فى الهامش شرح.

٢- ٢. الغاشيه: ۴.

٣- ٣. فى النهايه: يقال: عن لى الشى ء: أى اعترض.

و الخدعه فی البیع.

و البرق أی البروق المحرقه و فی الجنه(۱)

و فی بعض نسخ المهج البرد إما بسکون الراء أو بالتحریک و فی بعض النسخ بالجمع بینهما البرق و البرد هو بالتحریک المراد إصابته و ضرره بالإنسان و الزروع و الأشجار و الثمار کما قال سبحانه مِنْ جِبالٍ فِیها مِنْ بَرَدٍ فَیُصِیبُ بِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ یَشاءُ(۲) و قال الکفعمی البرد بفتحتین یجوز أن یکون معناه الموت و برد فلان أی مات و یجوز أن یکون معناه الاتخام و هی جمع برده و فی الحدیث أصل کل داء البرده و هی التخمه علی المعده و سمیت برده لأنها تبرد المعده و لا یستمرئ الطعام انتهی و لا یخفی أن ما ذکرنا أنسب بالمقام.

قال قدس سره القود القصاص و یجوز أن یکون استعاذ من البخل و رجل أقود أی بخیل و قوله علیه السلام و القرد أی الذل و قرد فلان و أقرد أی سکت عن عی و ذل و فی الحدیث و إیاکم و الأقراد قیل و ما هو قال الرجل یکون منکم أمیرا فیأتیه المسکین و الأرمله فیقول لهم مکانکم حتی أنظر فی حوائجکم و یأتیه الغنی فیقول عجلوا فی قضاء حوائجه.

**[ترجمه]«حطم السیوف»، یعنی شکستن آنها؛ به عبارت دیگر، آن قدر پیکار کند که شمشیرش بشکند یا شمشیرهای دشمن را بشکند؛ در هر دو صورت، کنایه از شدت نبرد و زیاد بودن ضربه‌ها است.

**[ترجمه]

أقول

و زاد فی النهایه و یترک الآخرین مقردین یقال أقرد الرجل إذا سکت ذلا و أصله أن یقع الغراب علی البعیر فیلقط القردان فیقر و یسکن لما یجد من الراحه و قال أقرد أی سکن و ذل و قال الفیروزآبادی قرد الرجل کفرح سکت عیا کأقرد و قرد و أسنانه صغرت و العلک فسد طعمه و کضرب جمع و کسب و فی السقاء جمع سمنا أو لبنا و بالتحریک هنات صغار تکون دون السحاب لم تلتئم و لجلجه فی اللسان و قرد ذلل و ذل و خدع و خضع و أقرد سکت و سکن و ذل انتهی فیظهر منه معان أخری لا تخفی علی المتأمل و یحتمل أن یکون بکسر القاف کما فی بعض النسخ (۳) أی المسخ قرده

۱- ۱. جنه الأمان المعروف بمصباح الکفعمیّ ص ۲۳۹.

۲- ۲. النور: ۴۳.

۳- ۳. یعنی نسخ المنهج.

کما وقع فی سائر الأمم.

و حامه الرجل خاصته و من یقرب منه و العناء النصب و التعب و الفقر إلی الأکفاء أی الأمثال و إنما خص بهم لأن الافتقار إلیهم و السؤال منهم أشد علی النفس و سوء المنقلب أی الانقلاب إلی الأخوه أو أعم منه و من الانقلاب من الأسفار و الأسواق و قال الفیروزآبادی هجم علیه هجوما انتهی إلیه بغته أو دخل بغیر إذن أو دخل و قال دهمک غشیک و قال ألم به نزل انتهی.

وَ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ کالتقادیر و ملائکه العذاب و الأمطار و الثلوج و الصواعق وَ ما یَعْرُجُ فِیها من الأعمال و الملائکه و الشیاطین و الأدخنه و الأبخره و ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ أی یدخل فیها کالغیوث و الأموات و الجن و الشیاطین و الحبوب و الدفائن وَ ما یَخْرُجُ مِنْها کالحیوانات و الفلزات و النباتات و المیاه.

أَنْ یَحْضُرُونِ بکسر النون دلیلا علی الیاء المحذوفه و أحرج صدره أی ضیقه و الإلجام کنایه عن المنع من الکلام قال فی النهایه الممسک عن الکلام یمثل بمن ألجم نفسه بلجام و الإفحام أیضا الإسکان و المنع من الکلام و الإقماح رفع الرأس و غض البصر یقال أقمحه الغل إذا ترک رأسه مرفوعا من ضیقه و منه قوله تعالی إِنَّا جَعَلْنا فِی أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا فَهِیَ إِلَی الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۱) نصب لی حده أی حدته و طیشه أو حد سلاحه و فی القاموس أحمی المکان جعله حمی لا یقرب و الخفر الغدر و نقض العهد و الجذم القطع

**[ترجمه]المهج: - . مهج الدعوات: ۲۲ - حرز برای امام جعفر صادق علیه السلام: نقل شده است که محمّد بن عبداللّه اسکندری گفت: من از جمله همنشینان و نزدیکان ابی جعفر منصور بودم و صاحب سرّ و راز نهانی او بودم. روزی پیش او رفتم و دیدم غمگین است. به او گفتم: ای امیرالمؤمنین، سبب اندوه و فکر شما چیست؟ گفت: ای محمّد، صد نفر یا بیشتر از فرزندان فاطمه هلاک شدند و حال آن که پیشوا و امام ایشان باقی مانده است.

گفتم: ای امیرالمؤمنین! آن شخص کیست؟ گفت: جعفر بن محمّد که سرکرده رافضی‌ها و پیشوای آنان است. گفتم: او مردی است که عبادت کردن او را از طلب فرمانروایی و خلافت بازداشته است. گفت: من می دانم تو قائل به حق بودن و امام بودن او هستی، ولی - این را بدان که - فرمانروایی بی‌سرانجام است؛ بر خودم قسم یاد نموده ام که قبل از شامگاه امشب، خود را از او فارغ گردانم. سپس شمشیرزن را صدا زد و به او گفت: وقتی اباعبداللّه جعفر بن محمّد را حاضر کردم و او را به سخن گفتن مشغول ساختم، دستارم را بر زمین گذاشتم، این علامتی بین من و تو خواهد بود، پس آن لحظه گردن او را بزن.

سپس دستور داد امام صادق علیه السلام را حاضر کنند. او را حاضر کردند و در خانه پیش او رفتم در حالی که لبانش را حرکت می‌داد؛ نمی‌دانم چه چیزی خواند، ولی دیدم قصر مانند کشتی - روی آب - بالا و پایین می‌شد. دیدم منصور مانند بنده در مقابل آقای خود و سر و پا برهنه، در حالی که لحظه‌ای سرخ و لحظه ای دیگر زرد روی می‌شد، جلو او حرکت می... کرد و بازوی امام صادق علیه السلام را گرفت و او را بر تخت فرمانروایی‌اش در جای خود نشاند و مانند زانو زدن برده روبروی سرور خود، روبروی حضرت زانو زد؛ سپس گفت: چه چیزی تو را در این ساعت پیش ما آورده است، ای پسر رسول خدا؟ فرمود: دعوتم کردی و من نیز پذیرفتم - و آمدم. - گفت: من تو را دعوت نکردم، همانا اشتباه از پیام رسان بوده است. سپس به او گفت: نیازت را بخواه، ای پسر رسول خدا؛ فرمود: از تو درخواست می کنم، وقتی کاری نداری، دعوتم نکنی.

گفت: باشد؛ و امام صادق علیه السلام برگشت.

وقتی حضرت برگشت، منصور خوابید و تا نصف شب بیدار نشد؛ وقتی بیدار شد، من بر بالین او نشسته بودم، گفت: ای محمد، از پیش من مرو تا نمازم را که از دست دادم، قضا کنم و با تو سخنی دارم؛ گفتم: می‌شنوم و اطاعت می‌کنم، ای امیرالمؤمنین. وقتی قضای نمازش را بجای آورد، گفت: بدان! وقتی پیشوای تو اباعبدالله را حاضر کردم، و خواستم آن قصد بدی را که در مورد او داشتم به انجام برسانم، اژدهایی دیدم که دمش را به تمام خانه و قصر من پیچیده و لب بالایش را بر بالای قصر و لب پایینش را بر پایین آن گذاشته و به زبان فصیح عربی گویا به من می‌گوید: ای منصور، همانا خدای والامرتبه مرا به سوی تو گسیل داشته و به من دستور داده است، اگر کمترین کاری در مورد بنده نیک و راستین من به انجام رسانی، تو را و هر کس را که در این خانه هست، خواهم بلعید؛ پس - با دیدن و شنیدن این - عقلم زایل شد و اعضایم به لرزه افتاد و دندان‌هایم به هم خورد.

محمد گفته است: گفتم: این شگفت آور نیست، زیرا امام صادق علیه السلام وارث علم پیامبر صلی الله علیه و آله و جدش امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و پیش او، اسم‌ها و دعاهایی وجود دارد که اگر بر شب تاریک بخواند، بی‌تردید نورانی می‌گردد و اگر بر روز روشن بخواند، بی‌تردید تاریک می‌گردد.

محمد بن عبدالله گفته است: وقتی امام علیه السلام رفت، از منصور اجازه خواستم به دیدار امام صادق علیه السلام بروم، و او بدون اینکه ابایی کند، جواب و اجازه داد. پس پیش حضرت رفتم و بر او سلام کردم و گفتم: ای سرور من، تو را به حق جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم می‌دهم، دعایی را که آن روز هنگام وارد شدن بر منصور خواندی، به من بیاموزی؛ فرمود: باشد، و سپس دعا را بر من املا کرد. سپس فرمود: این حرز بزرگوار و دعایی بزرگ و شریف است؛ هر کس آن را هنگام صبح بخواند، تا شب در امان خدا خواهد بود، و هر کس شب بخواند، تا صبح در محافظت خدای والامرتبه خواهد بود، و آن را پدرم که شکافنده دانش‌های پیشینیان و پسینیان است، به من یاد داده است که او خود از پدرش پیشوای عبادت کنندگان، و او از پدرش پیشوای شهیدان، و او از برادرش پیشوای پاکان، و او از پدرش پیشوای جانشینان، و او از محمد پیشوای پیامبران، که درود خدا بر آنان باد، نقل کرده و آن حضرت، آن را از کتاب خدای عزیز که هیچ باطلی، نه از روبرو و نه از پشت سر به آن راه نمی‌یابد و فرود آمده از سوی خدای حکیم ستوده است، استخراج نموده است. و آن دعا این است:

{با نام خدای بخشنده مهربان، ستایش برای خدایی است که مرا به اسلام راهنمایی کرد، و با ایمان بزرگواری‌ام بخشید، و حق را که از آن روی گردانند، و خبر بزرگ را که درباره آن باهم اختلاف دارند، به من شناساند؛ و منزّه است خدایی که آسمان را بدون ستون‌هایی که ببینید، برافراشت؛ و بهشت‌های پناهگاه بدون نهایتی که به آن دست بیابید، ساخت؛ و هیچ خدایی جز الله، گشاینده نعمت، دور کننده کیفر، گستراننده رحمت، وجود ندارد؛ و خداوند دارای فرمانروایی والا، و آفرینش نو ، و مقام بالا، و حسابرسی سریع، بزرگ‌تر است.

خدایا، بر محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و امانتدار و گواه خودت، همان پرهیزکار پاکیزه بشارت دهنده بیم دهنده چراغ تابان، و بر خاندان پاک و برگزیده او درود فرست.

هر چه خـدا بخواهـد، برای نزدیک شدن به خدا؛ هر چه خدا بخواهد، برای روی کردن به خدا؛ هر چه خدا بخواهد، برای مهر ورزیـدن به خـدا؛ هر چه خـدا بخواهد، هر نعمتی وجود دارد، پس از سوی خداست؛ هر چه خدا بخواهد، هیچ کسـی جز خدا بدی را دور نمی‌کند؛ هر چه خدا بخواهد، هیچ کسی جز خدا خوبی را راهنمایی نمی‌کند، هر چه خدا بخواهد، هیچ توانی جز به سبب خدا نیست .

جانم و مویم و پوسـتم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزنـدانم و نسـلم و دینم و دنیایم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده است، و آنچه که درهـایم بر آن بسـته شـده است، دیوارهایم آن را در بر گرفته است، و آنچه از نعمت‌ها و نیکی‌هایش که در آن می‌گردم، و تمام برادرانم و خویشانم از مردان و زنان مؤمن را به خـدای بزرگ و به اسم‌های تمام شـده و همه‌گیر و کامل شفـا دهنـده و برتر و مبـارک و بلنـد و والاـ و پـاک و شـریف و بزرگـوار و پـاکیزه و بزرگ و در گنجینـه و پوشـیده‌ای کـه نه نیکوکار و نه گناهکار بر آن گـذر نتواند داشت، و به ام الکتاب و آغاز و پایان آن، و هر سوره شـریف و آیه اسـتوار و شـفا و رحمت و امان و برکتی که میان آن دو هست، و به تورات و انجیل و زبور و فرقان، و به صـحیفه‌های ابراهیم و موسـی، و به هر کتـابی که خـدا نازل کرده است، و به هر فرسـتاده‌ای که خـدا فرسـتاده است، و به هر دلیلی که خـدا اقامه نموده است، و به هر برهـانی که خـدا آشـکار نموده است، و به تمام نعمت‌های خـدا، و شـکست ناپـذیری خـدا، و بزرگی خـدا، و قـدرت خـدا، و فرمانروایی خـدا، و بزرگواری خـدا، و بلنـدی خـدا، و نعمت خـدا، و گذشت خدا، و بردباری خدا، و حکمت خدا، و آمرزش خـدا، و فرشـتگان خدا، و کتاب‌های خدا، و به فرسـتادگان خدا و پیامبران او، و محمد فرسـتاده خدا، و اهل بیت فرسـتاده خدا، درود خـدا بر او و بر همه آنان، از غضب خـدا، و خشم خـدا، و کیفر خـدا، و عقاب خـدا، و گرفتن خدا، و سـخت گرفتن او و درمانده کردن او و در خود پیچیدن او و از بیخ برکندن او و در هم کوبیدن او و حمله‌های او و خشم راندن او، و تمام عذاب... های او، و از روی برتافتن او و بازداشـتن او، و از به عبرت گرفتن او و واگذاشـتن او و خوار کردن او و هلاک کردن او و تهی کردن او، و از کفر و دورویی و شک و شـرک و تردیـد در دین خـدا، و از شـر روز پراکنده گشـتن و جمع شدن و ایسـتادن و حسابرسـی، و از شر آنچه پیش از این نوشته شده است، و از بریده شدن نعمت و برگشتن ایمنی، و فرار رسیدن عذاب، و آنچه موجب هلاکت می‌شود، و از جایگاه‌های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت، پناهنده می‌سازم.

و از هوای سـرکش، و همراه بازدارنده – از یاد خدا – و همنشـینِ از یاد برنده، و همسایه آزار رساننده، و توانگری سـرکش، و نـاداری به فراموشـی کشـنده، و قلبی که فروتنی نکنـد، و نمـازی که بالاـ نرود، و دعایی که شـنیده نشود، و چشـمی که اشـک نریزد، و نفسـی که قانع نشود، و شـکمی که سـیر نشود، و عملی که سود نرساند، و دادخواهی‌ای که پذیرفته نگردد، و غفلت و کم‌کاری که هر دو موجب حسـرت و پشیمانی گردند، و از دورویی و شهرت طلبی و تردید و نابینایی در دین، و از خستگی و تلاشـی که هر دو موجب عـذاب گردند، و از بازگردانیدن در آتش، و از انحراف دینی، و چیرگی مردان، و نگاه بد در دین و خود و خانواده و دارایی و فرزندان و برادران، و هنگام دیدن فرشته مرگ به خدای بزرگ پناه می‌برم.

و از غرق شدن و سوختن و غصه و دزدیده شدن و ویرانی و در زمین فرورفتن و صورت برگردانیدن، و سـنگ – باران شدن – و بانگ آسـمانی در گرفتن و زلزله و آزمودن‌ها و چشم زخم و آذرخش و قصاص شـدن و خوار گشـتن و دیوانگی و جذام و برص، و خوراک درندگان شدن و بد مردن، و تمام بلاهای گوناگون در دنیا و آخرت، به خدای بزرگ پناه می‌برم. و از بدی رساندن گزنده و خزنده و سرزنشـگر و خاص و عام و خویشان قبیله‌ای، و از شـر رویدادهای روز و از شـر پیشامدهای ناگهانی

شب و روز، مگر پیشامد خیر، ای خدای بخشنده، و از بدبخت گردیدن، و بدی قضا، و شتافتن بلا، و سرزنش دشمنان، و پی در پی گردیدن سختی، و نیازمند شدن به همنوعان، و بد مردن، و بد زیستن و بد بازگشتن، به خدای بزرگ پناه می‌برم.

و از شر ابلیس و سربازان او و یاوران و پیروانش، و از شر جن و انسان، و از شر شیطان، و از شر فرمانروا، و از شر هر چیزی که شر دارد، و از شر هر چیزی که می‌ترسم و دوری می‌گزینم، و از شر بدکاران عرب و عجم، و از شر بدکاران انسان و جن، و از شر هر چیزی که در نور یا در تاریکی قرار دارد، و از شر هر چه هجوم آورد یا نگران کند، و از شر هر بیماری و اندوه و آسیب و پشیمانی، و از شر شب و روز و خشکی و دریا، و از شر بدکاران و فریبکاران و گناهکاران و کافران و رشک بران و زورگویان و بدی رسانندهها، و از شر هر چه از آسمان فرود می‌آید، و از شر هر چه در آن بالا می‌رود، و از شر هر چه در زمین فرو می‌رود، و از شر هر چه از آن بیرون می‌آید، و از شر هر جنبنده‌ای که پروردگارم زمام آن را در اختیار دارد، که پروردگار من بر راه راست قرار دارد؛ به خدای بزرگ پناه می‌برم.

و از شر هر چیزی که فرشتگان نزدیکی یافته، و پیامبران فرستاده شده، و شهدا و بندگان نیک تو، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان هدایت یافته و جانشینان و حجت‌های پاک، که سلام و رحمت خدا و برکت‌های او بر آنان باد، از آن پناه جسته‌اند، به خدای بزرگ پناه می‌برم.

و از تو می‌خواهم بهترین چیزهایی که آنان از تو درخواست کرده‌اند، به من عطا کنی؛ و مرا از شر آنچه آنان از آن به تو پناه جسته‌اند، مرا پناه دهی؛ و از تو تمام خوبی‌ها را، چه زود برسند و چه دیر، و چه به آنها آگاهی داشته باشم و چه نداشته باشم، درخواست می‌کنم؛ و از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ و پروردگارا، از اینکه آنها به پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم.

خدایا، هر کس در این روزم و در روزهای بعد از این، از تمام آفریده‌هایت، همه شان، جن و انس، نزدیک یا دور، کم توان یا نیرومند، قصد بدی یا ناپسندی، یا زشت رفتاری با دست یا زبان یا دلش را با من داشته باشد، پس سینه‌اش را تنگ گردان، و دهانش را لگام بند، و زبانش را از سخن گفتن باز دار، و گوشش را ببند، و دیده‌اش را بر زمین انداز، و دلش را بترسان، و او را به خودش سرگرم دار، و او را خشمش بمیران، و با نیرو و توان خود، ما را در برابر او با آنچه بخواهی و آن گونه که بخواهی و از هر حیث که بخواهی، کفایت کن، که تو بر هر چیزی توانایی.

خدایا، در برابر شر هر کسی که تندی‌اش را به رخ من کشیده است، مرا کفایت کن؛ و در برابر مکر مکاران مرا بسنده باش؛ و مرا با آرامش و سنگینی در برابر آن یاری کن؛ و سپر مستحکم خود را بر من بپوشان؛ و تا آن دم که مرا زنده می‌داری، در پوشش نگهدارنده خودت زنده بدار؛ و تمام حالاتم را نیکو بگردان؛ در پناه خدا و در حالی که - از هر آسیبی - بازداشته شده هستم، و به شکست ناپذیری خدا که از بین رونده نیست، محفوظ هستم، و به فرمانروایی والای خدا حرز جسته و چنگ زده و دست آویخته‌ام، و به تمام اسم‌های نیک خدا پناه برده‌ام، صبح کردم؛ در حمایت زایل نشدنی خداوند، و در امان ناشکستنی خداوند، و در ریسمان ناگسستنی خداوند، و در پناه حفاظت شده خداوند، و در بازداشتن دست نیافتنی خداوند، و در پوشش دریده نشدنی خداوند، و در یاری شکست ناپذیر خداوند صبح کردم.

خـدایا، بـا مهربانی و رحمت خودت، دلهای بنـدگان و کنیزان و دوسـتدارانت را به ما مهربان کن، که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی، و خدا برایم بسـنده است و کفایت می‌کند، خدا کسی را که دعا می‌کند، می‌شنود، آن سوی خدا، انتهایی ندارد، و غیر از خداوند، پناهگاهی نیست، هر کس به خدا چنگ زند، نجات می‌یابد: خدا مقرّر کرده است که حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید؛ آری، خدا نیرومند شـکست ناپذیر است. پس خدا بهترین نگهبان است، و اوست مهربانترین مهربانان؛ و توفیق من جز به یـاری خـدا نیست. بر او توکّل کرده ام و به سوی او بـازمی گردم؛ پس اگر روی برتافتنـد، بگو: خـدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

خـدا که همواره به عـدل قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشـتگانِ [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهنـد که:] جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. همانا دین نزد خداوند، اسـلام است؛ به خدای بزرگ پناه بردم، و به خدایی که نمی‌میرد، دست آویختم، و تمام دشـمنانمان را با «لا حولَ و لا قوَّةَ إلّا بالله العليِّ العَظيم، و صـلّی الله علی محمّدٍ و آلِه الطَّيِّبينَ الطّاهرينَ»، {هیچ نیرو و توانی جز به سـبب خدای والامرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او.} راندم. – . مهج الدعوات: ۲۸ –

**[ترجمه]

«۶۳»

المهج (۲)، [مهج الدعوات]: الْحِرْزُ الْكَامِلُ لِإِمَامِ السَّاجِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام وَ هُوَ يَخْرُجُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى يُقْرَأُ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَ هُوَ هَذَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعْلَى وَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ عَزَّ جَارُ اللَّهِ وَ جَلَّ ثَنَاءُ اللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

۱- ۱. یس: ۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۳.

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيراً اللَّهُمَّ بِكَ أَعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ وَ بِكَ أَلُوذُ وَ بِكَ أَصُولُ وَ إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ أَسْتَعِينُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ أَعْدَائِي وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ وَ أَسْتَكْفِيكَهُمْ فَاكْفِنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ حَيْثُ شِئْتَ بِحَقِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ- قالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ- قالَ لا تَخافا إِنَّنِي مَعَكُما أَسْمَعُ وَ أَرى- قالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا- اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ إِنِّي أَخَذْتُ بِسَمْعِ مَنْ يُطَالِبُنِي بِالسُّوءِ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ وَ قُوَّتِهِ بِقُوَّهِ اللَّهِ وَ حَبْلِهِ الْمَتِينِ فَلَيْسَ لَهُمْ عَلَيْنَا سَبِيلٌ وَ لَا سُلْطَانٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَتَرْتُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِسِتْرِ النُّبُوَّهِ الَّذِي سَتَرَ اللَّهُ لِأَنْبِيَائِهِ مِنَ الْفَرَاعِنَهِ- جَبْرَائِيلُ عَنْ أَيْمَانِنَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِنَا وَ اللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيْنَا- وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ وَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ- صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ- وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً

أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَيًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبِيلًا وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَهً وَ أَصِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي يَكْفِي وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- أُولئِكَ

الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ- أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ- إِنَّا جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنَا بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ أَعِذْنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ يَا رَحْمَانُ اللَّهُمَّ لَا تُهْلِكْنَا وَ أَنْتَ بِنَا بَرٌّ يَا رَحْمَانُ أَ تُهْلِكُنَا وَ أَنْتَ رَبُّنَا وَ حِصْنُنَا وَ رَجَاؤُنَا حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ الَّذِي لَا يَمُنُّ عَلَى الَّذِينَ يَمُنُّونَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيراً اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ فِي حِمَاكَ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ ذِمَّتِكَ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي حِرْزِكَ وَ أَمْنِكَ وَ عِيَاذِكَ وَ عُدَّتِكَ وَ عَقْدِكَ وَ حِفْظِكَ وَ أَمَانِكَ وَ مَنْعِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُسْتَطَاعُ مِنْ غَضَبِكَ وَ سُوءِ عِقَابِكَ وَ سُوءِ أَحْدَاثِ النَّهَارِ وَ طَوَارِقِ اللَّيْلِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَانُ اللَّهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ كُلِّ يَدٍ وَ عِزَّتُكَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ عِزَّةٍ وَ قُوَّتُكَ أَقْوَى مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ وَ سُلْطَانُكَ أَجَلُّ وَ أَمْنَعُ مِنْ كُلِّ سُلْطَانٍ أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ وَ أَلْجَأُ إِلَيْكَ فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ فَأَجِرْنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- وَ قالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنا مَكِينٌ أَمِينٌ قالَ اجْعَلْنِي عَلى خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ وَ كَذلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْها حَيْثُ يَشاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنا مَنْ نَشاءُ وَ لا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كانُوا يَتَّقُونَ- وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً.

أَعِيذُ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ جَمِیعَ مَا تَلْحَقُهُ عِنَایَتِی وَ جَمِیعَ نِعَم اللَّهِ عِنْدِی بِسْمِ اللَّهِ (۱) الَّذِی خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَافَتْهُ الصُّدُورُ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی وَجِلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی قَالَ بِهِ لِلنَّارِ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ وَ أَرادُوا بِهِ کَیْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِینَ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی مَلَأَ الْأَرْکَانَ کُلَّهَا وَ بِعَزِیمَهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُحْصَی وَ بِقُدْرَهِ اللَّهِ الْمُسْتَطِیلَهِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ مِنْ شَرِّ مَنْ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا وَ مِنْ شَرِّ سُلْطَانِهِمْ وَ سَطَوَاتِهِمْ وَ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ غَدْرِهِمْ وَ مَکْرِهِمْ وَ أُعِیذُ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ ذَوِی عِنَایَتِی وَ جَمِیعَ نِعَم اللَّهِ عِنْدِی بِشِدَّهِ حَوْلِ اللَّهِ وَ شِدَّهِ قُوَّهِ اللَّهِ وَ شِدَّهِ بَطْشِ اللَّهِ وَ شِدَّهِ جَبَرُوتِ اللَّهِ وَ بِمَوَاثِیقِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ عَلَی الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِی إِسْرَائِیلَ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی أَلَانَ لِدَاوُدَ الْحَدِیدَ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی الْأَرْضُ

جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ وَ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ مَنْ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا وَ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ مَنْ خَلَقَهُ وَ مَنْ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ حَسَدِ کُلِّ حَاسِدٍ وَ سِعَایَهِ کُلِّ سَاعٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ شَأْنُهُ اللَّهُمَّ بِکَ أَسْتَعِینُ وَ بِکَ أَسْتَغِیثُ وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِی وَ خَلِّصْنِی مِنْ کُلِّ مَعْصِیَهٍ وَ مُصِیبَهٍ نَزَلَتْ فِی هَذَا الْیَوْمِ وَ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ وَ فِی جَمِیعِ اللَّیَالِی وَ الْأَیَّامِ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ بِسْمِ اللَّهِ عَلَی نَفْسِی وَ مَالِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی بِسْمِ اللَّهِ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ أَعْطَانِی رَبِّی بِسْمِ اللَّهِ خَیْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ اللَّهُمَّ رَضِّنِی بِمَا قَضَیْتَ وَ عَافِنِی بِمَا

ص: ۳۱۰

۱- ۱. فی المصدر: بسم اللّه الرحمن الرحیم الذی إلخ.

أَمْضَيْتَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَضْغَاثِ الْأَحْلَامِ وَ أَنْ يَلْعَبَ بِیَ الشَّيْطَانُ فِی الْيَقَظَهِ وَ الْمَنَامِ بِسْمِ اللَّهِ تَحَصَّنْتُ بِالْحَیِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ رَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِی سُوءاً أَوْ مَكْرُوهاً بَيْنَ يَدَیَّ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكُمْ وَ شَرُّكُمْ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَ خَيْرُكُمْ بَيْنَ أَعْيُنِكُمْ وَ أُعِيذُ نَفْسِی وَ مَا أَعْطَانِی رَبِّی وَ مَا مَلَكَتْهُ يَدِی وَ ذَوِی عِنَايَتِی بِرُكْنِ اللَّهِ الْأَشَدِّ وَ كُلُّ أَرْكَانِ رَبِّی شِدَادٌ اللَّهُمَّ تَوَسَّلْتُ بِکَ إِلَيْکَ وَ تَحَمَّلْتُ بِکَ عَلَيْکَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَکَ إِلَّا بِکَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْفِيَنِی شَرَّ مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا يَبْلُغُهُ حِذَارِی إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْکَ يَسِيرٌ- جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِی وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِی وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامِی وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ مُخْرِجَ الْوَلَدِ مِنَ الرَّحِمِ وَ رَبَّ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ سَخِّرْ لِی مَا أُرِيدُ مِنْ دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی وَ اكْفِنِی مَا أَهَمَّنِی إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ نَاصِيَتِی بِيَدِکَ مَاضٍ فِیَّ حُكْمُکَ عَدْلٌ عَلَیَّ قَضَاؤُکَ أَسْأَلُکَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَکَ وَ أَنْزَلْتَهُ فِی كِتَابِکَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِی وَ نُورَ بَصَرِی وَ شِفَاءَ صَدْرِی وَ جَلَاءَ حُزْنِی وَ ذَهَابَ هَمِّی وَ قَضَاءَ دَيْنِی- لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ يَا حَیُّ حِينَ لَا حَیَّ يَا مُحْيِیَ الْأَمْوَاتِ وَ الْقَائِمَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْ ءٍ اسْتَعَنْتُ فَأَعِنِّی وَ اجْمَعْ لِی خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّی شَرَّهُمَا بِمَنِّکَ وَ سَعَهِ فَضْلِکَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ مَلِيکٌ مُقْتَدِرٌ وَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ فَرِّجْ عَنِّی وَ اكْفِنِی مَا أَهَمَّنِی إِنَّکَ عَلَى ذَلِکَ قَادِرٌ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ بِکَ أَسْتَفْتِحُ وَ بِکَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ إِلَيْکَ أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَ

سَهِّلْ لِی حُزُونَتَهُ وَ ذَلِّلْ لِی صُعُوبَتَهُ وَ أَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ أَکْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَ اصْرِفْ عَنِّی مِنَ الشَّرِّ أَکْثَرَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَخَافُ وَ لَا أَحْذَرُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ نِعْمَ الْمَوْلی وَ نِعْمَ النَّصِیرُ(۱).

**[ترجمه]«طلاقه اللّسان و ذلاقته»، یعنی رهایی و روانی و شیرینی آن. گفته می‌شود:«لسان طَلق، ذَلق، و طُلُق، ذُلُق و طُلَق ذُلَق». «الطیش»، یعنی رفتن خرد. «الفریصه»، یعنی گوشتی که بین پهلوی حیوان و کتف آن است و همواره می‌لرزد، و گویا برای سایر اعضا و مفصل‌ها استعاره گرفته شده است. «اصطکاک الأسنان»، یعنی خوردن بعضی از دندان‌ها به بعضی دیگر هنگام لرزیدن. «یؤفکون»، یعنی روی برمی‌تابند. «بغیر عمد»، یعنی ستون‌ها، جمع عماد است. «تَرونَها» صفت برای عمد، یا جمله مستأنفه برای گواه جستن برای دیدن آسمان‌ها به همان گونه، توسط آنها است.

اضافه کردن «الجنات» به «المأوی» برای بیان این است که بهشت‌ها حقیقی است و دنیا سرای رخت بستن است. و گفته شده است: جنات المأوی، نوعی از بهشت است. «بلا أمَد»، یعنی بدون غایت و نهایت زمانی یا مکانی. «تَلقَونَها»، یعنی به زودی خواهید دید که این گونه هستند؛ طبق معنی دوم، ممکن است مقید کردن برای بیان این باشد که آن بهشت‌ها غایتی از نظر مکانی دارند، ولی رسیدن به آن برای انسان ممکن نیست. در هر صورت، «تَرَونَها و تَلقَونَها» در دعا، خطاب عمومی هستند.

«ما شاء الله»، یعنی از روی توجه به سوی خدا، یعنی برای نزدیکی یافتن به خدا و توجه به او، به تأثیر خواست خدا اعتراف می... کنم، یعنی توجه کنان و نزدیکی جویان، با توجه خاص به خدا توجه کردم؛ «تلطّفاً» نیز همین گونه است، یعنی برای درخواست لطف او، یا خواستار آن. «المنیف»، یعنی شرافت بالا. «لا یُجاوِزُهنَّ برٌّ و لا فاجرٌ»، یعنی اثر آن به آن دو نیز می‌رسد؛ یا هیچ یک از آن دو نمی‌توانند جلو تأثیر آن را بگیرند؛ یا مضامین آن عام است و شامل آن دو نیز می‌شود، مانند «رحمن» بخشنده و «رزاق» روزی دهنده و «خالق» آفریدگار. «الاجتیاح»، یعنی درماندگی؛ «الاصطلام» نیز همین معنی را دارد. «الاجتثاث»، یعنی از بیخ بر کندن؛ و «التدمیر»، یعنی به هلاکت رساندن؛ و «المثلات»، یعنی عقوبت‌ها؛ و «الصدود»، یعنی روی‌گردان؛ و «نکّل به، تنکیلاً»، یعنی آن را سزا و عبرت برای دیگری قرار داد؛ «توکیله» آن است که او را به دیگری واگذارد.

جوهری گفته است: «دمدمت الشیء»، یعنی آن را به زمین چسباندم و پایمال کردم، «دمدم الله علیهم»، یعنی آنها را هلاک کرد. «و من شر کتاب قد سبق»، یعنی پرونده‌های تقدیر، و فایده استعاذه همان پاک کردن و استوار کردن است .

«و قرینِ مُله»، کفعمی - که رحمت خدا بر او باد- گفته است: - . مصباح الکفعمی: ۲۳۸؛ دعا را در البلد الامین: ۵۳۹-۵۴۲ ذکر کرده و در حاشیه آن شرح وجود ندارد. -

یعنی باز دارنده از یاد خدا. «صاحبٍ مُسه»، یعنی غافل کننده از یاد خدا. «فقرٍ مُنس»، یعنی فراموش کننده از خدا، یا از نعمت گذشته و به دست آمده. «و من نصبٍ»، یعنی رنج. «و اجتهادٍ»، یعنی سعی در عبادت. «یوجبانِ العذاب» به این دلیل که از روی بدعت یا دورویی باشد، یا همان طور که خداوند والامرتبه فرموده است: «عاملةٌ ناصبةٌ، تَصلی ناراً حامیه»، - . الغاشیه/ ۳-۴ - {که

تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده اند؛ [ناچار] در آتشی سوزان درآیند.} با پایبندی به حق، همراه نباشد.

کفعمی - که خدا روانش را پاک گرداند- گفته است: «ضلع الدین» با فتحه هر دو حرف، یعنی سنگین کرد تا اینکه صاحبش را از هم‌ترازی کج کرد. و گفته است: «الشرق»، یعنی اندوه و غصه؛ و در حدیث آمده است: «یُؤَخِّرونَ الصَّلاةَ إلی شرقِ الموتی»، یعنی تا زمانی که از خورشید، به مقدار زندگی کسی که در هنگام مرگ، آب دهان در گلویش شکسته، باقی مانده باشد. پایان.

«و الحجاره»، یعنی سزاوار آن بوده که از آسمان، یا با ترحّم و مانند آن، برایش نازل شود. «و العین» در نسخه‌ها همین گونه است، یعنی تأثیر چشم؛ و بعید نیست دو حرف نون داشته باشد. در النهایه، در حدیث طهفه گفته است: «برئنا إلیک من الوثن و العنن»؛ عنن یعنی اعتراض؛ - . در النهایه آمده است: گفته می‌شود: عنّ لی الشیء، یعنی بازگرداند. - گویا گفته است: از شرک و ستم به سوی تو بیزاری جسته‌ایم. و گفته شده است: خلاف و باطل را با آن اراده کرده است. حدیث سطیح، یعنی «فاز فازلمّ به شأو العنن» نیز از این گونه است که برگرداندن مرگ و سبقت گرفتن آن را اراده کرده است؛ یا با حرف غین و باء، خوانده شود که معنی آن، ناتوانی و فراموشی و فریب در داد و ستد است .

«البرق»، یعنی آذرخش‌های سوزان؛ در الجنه - . جنه الامان، معروف به مصباح الکفعمی: **۲۳۹** -

و در بعضی نسخه‌های المهج، «البرد» آمده است که یا با سکون راء، یا با فتح آن است. در بعضی نسخه‌ها نیز «البرد و البرد» با هم آمده‌اند، که با فتح راء است و منظور از آن، برخورد آن و زیانی است که به انسان و کشتزارها و درختان و میوه‌ها وارد می‌کند، همان گونه که خدای سبحان فرموده است: «مِن جبالٍ فیها مِن بَرَدٍ فیُصیبُ به مَن یَشاءُ و یَصرِفُه عمَّن یَشاء»، - . النور/ **۴۳** -

{از کوه هایی [از ابر یخ زده] که در آنجاست، تگرگی فرو می ریزد و هر که را بخواهد، بدان گزند می رساند، و آن را از هر که بخواهد باز می دارد.}. کفعمی گفته است: «البرد» با دو فتحه، ممکن است به معنی مرگ باشد، و «برد فلان»، یعنی فلانی مُرد. و ممکن است معنی آن، ناگوار شدن معده باشد که جمع «برده» است و در حدیث آمده است: «أصلُ کلِّ داءٍ البرده» و آن همان ناگوار بودن غذا در معده است و از این رو «برده» نامیده شده است که معده را سرد می‌کند و غذا را دریافت نمی‌کند. پایان. و مخفی نماند، آنچه ما بیان کردیم، با اینجا تناسب بیشتری دارد.

وی - که روانش پاک باد- گفته است: «القوَد»، یعنی قصاص، همچنین ممکن است از بخل پناه برده باشد، و «رجل أقود»، یعنی مرد بخیل. عبارت حضرت علیه السلام: «القرد»، یعنی خواری، «قرد فلان و أقرد»، یعنی از درماندگی و خواری ساکت شد؛ و در حدیث آمده است: «و إیّاکم و الأقراد»، {از خواری دوری کنید.} گفته شد: آن چیست؟ فرمود: مردی از شما امیر باشد و بینوا و بیوه‌ای پیش او آید و به آنها بگوید، در جای خود بایستید تا در خواسته شما بنگرم؛ و توانگری پیش او آید و بگوید، در برآوردن خواسته‌های او شتاب کنید.

**[ترجمه]

بيان

قال الجوهری كنفت الرجل أكنفه أی حطته و صنته و قال ركن الشـی ء جانبه الأقوی و هو يأوی إلی ركن شديد أی عز و منعه و قال العقد العهد ملأ الأركان أی أركان الخلق من السـماوات و الأرضـين و العرش و الكرسی و غيرها قوله و غدرهم فی بعض النسخ و جذرهم بالجيم و الذال المعجمه و هو القطع و الاستيصال و الأول أظهر و السعايه بالكسر الإفساد و النميمه.

بسم الله علی نفسـی أی أقرأ عليها التسـميه لحفظها أو أستعين باسمه تعالی لنفسی فعلی بمعنی اللام و عافنی فيما أمضيت أی من الجزع و ارتكاب ما يخالف رضاك أو عافنی قضاء السوء و الأول أنسب بما بعده تحت أقدامكم كنايه عن نسـيانهم و تركهم له و محوهم إياه قال فی النهايه فيه إلا أن كل دم و مأثره تحت قـدمی هاتين أراد إخفاءها و إعـدامها و إذلال أمر الجاهليه و نقص سننها و خيركم بين أعينكم أی يكون دائما منظورا لكم و مقصودكم.

و فی النهايه فيه تحملت بعلی علی عثمان فی أمری أی استشفعت به إليه

وَ قَالَ: فِي حَدِيثِ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي.

جعله ربيعـا له لأـن الإنسـان يرتـاح قلبه فی الربيع من الأزمـان و يميـل إليه أو كما أن الربيع زمان نمو الأشـجار و ظهور الأنهار و الثمـار فكـذلك اجعـل القرآن سـببا لنمـو الإيمـان و اليقين و ظهـور أزهـار الحقـائق و أنـوار المعـارف فيه و قـال الفيروزآبـادی الاستفتاح الاستنصار.

**[ترجمه]در النهـايه افزوده است: و ديگران را سـاكت رهـا كنـد. گفته می‌شود: «أقرد الرجل»، يعنی وقتی كه از روی خواری سـاكت شود. اصل آن، اين است كه كلاغ بر روی شتر بنشـيند و كنه‌های آن را برچينـد، پس آن شتر به خاطر راحتی كه پيـدا می كنـد، سـاكت و آرام شود. و گفته است: «أقرد» يعنی آرام و فروتن شـد. فيروزآبـادی گفته است: «قرد الرجـل»، ماننـد فرح، يعنی از روی درماندگی ساكت شد، مانند «أقرد و قرّد»؛ و دندان‌هايش كوتاه شد، و طعم سـقز تباه شد. و بر وزن ضـرب، يعنی گردآورد و دست يـافت، و « أقرد فی السـقاء»: يعنی در ظرف روغن يـا شـير جمع كرد. و بـا فتحه حروف، تكه‌هـای - هنات - كوچكی كه كوچك‌تر از ابر است و به هم‌پيوسـته نمی‌شود. و گردانيـدن سـخن در زبان و «قرد و ذلّل و ذلّ و خدع و خضع و اقرد» يعنی ساكت شـد و آرام شـد و خوار شـد. پايان. معانی ديگری نيز از آن به دست می‌آيد كه بر اهل تأمل پوشيده نيست. نيز احتمال دارد با كسـره قاف باشد، چنانكه در بعضی نسخه‌ها - . يعنی نسخه‌های المهج - آمده است، يعنی به صورت بوزينه تغيير صورت دادن، آن گونه در ساير امت‌ها اتفاق افتاده است.

«حـامَّه الرَّجـل»، يعنی نزديكان او و كسانی كه با او خويشاونـدی دارنـد. «العنا» يعنی رنـج و سـختی و نيازمنـدی به همنوعان يا همانندان. و از اين رو به آنـان اختصـاص داده است كه نيازمنـدی به آنهـا و درخواست كردن از آنان برای شـخص، سـخت‌تر است. «و سوء المُنقلَب»، يعنی برگشـتن به سوی برادران، يـا اعم از آن است و شامـل برگشـتن از مسـافرت‌ها و بازارها می‌شود. فيروزآبـادی گفته است: «هجم عليه، هجوماً»، يعنی ناگهان به سوی او رفت، يا بـدون اجازه وارد شـد. و گفته است: «دهمك»، يعنی تو را دربرگرفت؛ و گفته است: «ألمّ به»، يعنی فرود آمد. پايان.

«و ما يَنزل مِن السَّماء» مانند مقدرات و فرشتگان عذاب و باران‌ها و تگرگ‌ها و صاعقه‌ها. «و ما يَعرُجُ فيها» از اعمال و فرشتگان و دودها و بخارها. «و ما يَلِجُ فی الأرض»، يعنی در آن داخل می‌شود، مانند باران‌ها و مردگان و جن و شيطان‌ها و دانه‌ها و گنجينه‌ها؛ «و ما يَخرُج منها» مانند حيوانات و فلزات و گياهان و آب‌ها.

«أن يحضرونِ» با كسره نون كه نشانه ياء محذوف است، خوانده می‌شود. «أحرج صدره»، يعنی سينه‌اش را تنگ گردانيد. «الالجام» كنايه از بازداشتن از سخن است. در النهايه گفته است: كسی كه از سخن گفتن خودداری می كند، به كسی كه دهانش را با لگام بسته باشد، تشبيه می‌شود. «الافحام» نيز آرام كردن و بازداشتن از سخن است. «الاقماح»، بالا بردن سر و پايين آوردن چشم است. وقتی گفته می شود: «أقمحه الغلّ»، يعنی سرش را از تنگی آن، بالا نگه داشته است. كلام خدای والامرتبه كه فرموده است: «إنّا جَعَلنا فی أعناقِهم أغلالاً فهیَ إلی الأذقانِ فهُم مُقمَحونَ»، - . يس/ ۸ - {ما در گردن‌های آنان، تا چانه هايشان، غُل‌هايی نهاده ايم، به طوری كه سرهايشان را بالا نگاه داشته اند.} از همين قبيل كاربرد است.

«نصب لی حدّه»، يعنی تندی و خشم خود را؛ يا سلاحش را بر كشيد. در القاموس آمده است: «أحمی المكان»، يعنی آن را قرق كرد كه نزديك نشوند. «الخفر»، يعنی نيرنگ و شكستن پيمان؛ و «الجذم»، يعنی بريدن.

**[ترجمه]

«۶۴»

المهج، [مهج الدعوات]: حِرْزٌ آخَرُ لِسَيِّدِ السَّاجِدِينَ عليه السلام يُقْرَأُ فِی كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ سَدَدْتُ أَفْوَاهَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّحَرَهِ وَ الْأَبَالِسَهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ السَّلَاطِينِ وَ مَنْ يَلُوذُ بِهِمْ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَعَزِّ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۸.

وَ بِاللَّهِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الَّذِی أَقَامَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لا يَنْطِقُونَ- ما لَكُمْ لا تَنْطِقُونَ قالَ اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ- وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً- وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً- وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً- وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً- وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ- الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى

أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْدِيهِمْ فَهُمْ لا يَنْطِقُونَ- لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱).

**[ترجمه]المهج: - . مهج الدعوات: ۱۳ -

حرز کامل برای امام زین العابدین علیه السلام که از کتاب خدای منزّه و والا مرتبه خارج کرده و هر بامداد و شامگاه می‌خواند و آن، این است: {با نام خدای بخشنده مهربان؛ خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر و والاتر و با عظمت‌تر از آن چیزی است که من می‌ترسم و دوری می‌کنم؛ به خدا پناه می‌برم، پناه خدا شکست ناپذیر است، و ستایش خدا بزرگوارانه است، و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است، هیچ شریکی برای او نیست، و درود خدا بر محمد و خاندان او و سلام فروان بر آنان.

خدایا، خودم، و دینم و خانواده‌ام و دارایی‌ام، و فرزندانم و هر کسی را که کارش به من مربوط است، به تو پناهنده می‌سازم. خدایا، به تو پناه می‌برم، و به تو امان می‌جویم، و به تو دست می‌آویزم، و تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم، و تنها بر تو توکل می‌نمایم، و به یاری تو نیزه در گلوی دشمنان فرو می‌کنم، و در برابر آنان از تو یاری می‌جویم، و در برابر آنان کفایت تو را می‌خواهم، پس مرا به هر چیزی که خود می‌خواهی، و هر گونه که خود می‌خواهی، و از هر حیثی که خود می‌خواهی، در برابر آنان کفایت کن، به حق خودت که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی، پس به زودی خداوند [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد، که او شنوای داناست .

فرمود: «به زودی بازویت را به [وسیله] برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، برتری قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما، به شما دست نخواهند یافت، شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.» فرمود: «مترسید، من همراه شمایم، می شنوم و می بینم؛ [مریم] گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می برم. [بروید] در آن دور شوید و با من سخن مگویید.»

در برابر شنوایی کسی که مرا به بدی می‌خواهد، به شنوایی خدا پناه می‌گیرم، و در برابر دیده و توانش، به توان و ریسمان محکم خدا پناه می‌گیرم، پس به خواست خدا برای آنها علیه ما هیچ راه و سلطه‌ای وجود ندارد، بین ما و آنها با پوشش پیامبری، پوشیده شده است، همان پوششی که خدا برای پیامبرانش از فرعون‌ها می‌پوشانید، جبرئیل را از سمت راست ما و میکائیل را از سمت چپ ما قرار داد، و خداوند بر ما آگاه است، و «[ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند؛» چهره‌ها در برابر او به زمین افتادند و در آنجا مغلوب و خوار

گردیدنـد. کرنـد، لالنـد، کورنـد، بنا بر این نمی‌بینند. و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای پوشیده قرار می دهیم. «و بر دل‌هایشـان پوشـش‌ها می نهیم تا آن را نفهمنـد و در گوش‌هایشان سـنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی، با نفرت پشت می کنند.»

«بگو: خـدا را بخوانیـد یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام‌های نیکوتر است؛ و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسـیار آهسـته اش مکـن، و میـان این [و آن] راهی [میـانه] جـوی.» و بگـو: «سـتایش خـدایی را که نه فرزنـدی گرفته و نه در جهانـداری شـریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشـته باشـد؛ و او را بسـیار بزرگ شـمار. منزّه است خداونـد، در بامدادان و شامگاهان.

خداونـد مرا از آفریـده‌هایش بسـنده است، خـدایی که کفایت می‌کنـد و هیچ چیزی از او کفایت نمی‌کند، برایم بسـنده است، خداوند برای من بسـنده است و چه خوب حمایت‌گری است، خدایی که هیچ معبودی جز او نیست، مرا بس است، بر او توکل کردم، و او پروردگـار عرش بزرگ است. آنـان کسـانی انـد که خـدا بر دل‌هـا و گوش و دیـدگانشان مُهر نهـاده و آنـان خود غافلانند؛ پس آیا دیدی کسـی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیـده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خـدا چه کسـی او را هـدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟ ما بر دل‌هـای آنـان پوشـش‌هـایی قرار دادیم تـا آن را درنیابنـد و در گوش‌هایشـان سـنگینی [نهادیم] و اگر آنها را به سوی هـدایت فراخوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد.

خدایا، ما را به چشم خودت که خواب ندارد، نگاه دار؛ و ما را با کیان خودت که از بین نمی‌رود، بسـنده باش؛ و با فرمانروایی خودت که در آن سـتمی نیست، مـا را در پنـاه گیر؛ و بر مـا بـا قـدرت خودت رحم کن، ای بخشـنده؛ خـدایا، ما را به هلاکت مرسـان، که تو بر مـا نیکی فراوان نموده‌ای؛ ای بخشـنده، آیـا مـا را هلاک می‌کنی، در حالی که تویی پروردگار ما و پناه ما و امید ما؟ پروردگار مرا در برابر پرورش یافتگان بسنده است؛ آفریدگار مرا در برابر آفریدگان بسنده است؛ روزی دهنده مرا در برابر روزی خورندگان بسـنده است؛ آن کسـی که همواره مرا بسـنده بوده است، مرا بسـنده است؛ آن کسی که بر کسان منّت گزار، منّت نمی‌نهـد، مرا بسـنده است؛ خداونـد برای من بسـنده است، و چه خوب حمایت‌گری است؛ و درود خدا بر محمد و خاندان او، و سلام فراوان بر آنان.

خـدایا، در حمایت تو که هرگز زایل نمی‌گردد، و در امان دادن تو که هرگز شکسـته نمی‌شود، و در پناه دادن تو که هرگز در آن سـتم واقع نمی‌شود، صبـح کردم؛ و از تو درخواست می‌کنم ای خدا، که مرا در برابر خشمت، و کیفر بد خودت، و اتفاق‌ـهـای بـد روز، و پیشامـدهای ناگوار شب، مگر آنکه برای رسانـدن خیر در شب، در زده باشـد، ای بخشـنده، با عزت و قـدرت خودت در نگاه داری و ایمنی و پناه و سپر و بسـته و حفاظت و امان و بازداشـتن از بین نرفتنی خودت، و شـکست ناپـذیری‌ات که توانی بر مخالفت با آن پیدا نشود، قرار دهی.

خـدایا، دسـت تـو بالاـتر از هر دسـتی اسـت، و عزت تـو از هر عزتی عزیزتر اسـت، و تـوان تـو از هر تـوانی پرتـوان‌تر اسـت، و فرمانروایی تو از هر فرمانروایی‌ای بزرگوارتر و بازدارنده‌تر است، به یاری تو نیزه بر گلوی دشمنان فرو می‌کنم، و در برابر آنان از تو یـاری می‌جویم، و از بـدی‌های آنان به تو پناه می‌آورم، و در آنچه از سوی آنان بیم دارم، به سوی تو می گریزم، پس مرا

از آنان در پناه خود گیر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

«و پادشاه گفت: او را نزد من آورید، تا وی را خاص خود کنم؛ پس چون با او سخن راند، گفت: تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی. [یوسف] گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار، که من نگهبانی دانا هستم؛ و بدین گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که در آن، هر جا که می خواست سکونت می کرد؛ هر که را بخواهیم به رحمت خود می رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم، و البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می نمودند، بهتر است.» و «صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی.»

خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و تمام آنچه را که زیر نظر من است، و تمام نعمت‌هایی را که خداوند به من داده را از بدی رساندن هر کسی که در این دنیا هست، و از بدی رساندن فرمانروای آنان و خشم آنان و نیروی آنان و توانشان و نیرنگ و فریب آنان، به اسم خدا که گردنها برای او پایین افتاده و خضوع کرده‌اند، و به آن اسم خدا که دل‌ها از او ترسانند، و به آن اسم خدا که جانها از او لرزانند، و به آن اسم خدا که با آن به آتش فرمود: «برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش، و خواستند به او نیرنگی بزنند و[لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم»، و به آن اسم خدا که همه ارکان هستی را پر کرده است، و به اراده محکم خدا که به شماره در نمی‌آید، و به قدرت خدا که بر تمام آفریده‌هایش چیرگی یافته است، پناهنده می‌سازم.

خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و فرزندانم و کسانی را که به آنها توجه و عنایت دارم، و تمام نعمت‌های خدا پیش خودم را از بدی هر آنچه در این دنیا هست، و از بدی تمام آنچه که او آفریده است، و تمام آنچه که علمش بر آن احاطه دارد، و از بدی رساندن هر بدی رساننده‌ای، و از بدی رشک هر رشک‌بر، و سخن چینی هر سخن چین، به شدت نیروی خدا، و به شدت توان خدا، و به شدید بودن خشم خدا، و به شدید بودن اقتدار خدا، و به پیمان‌های خدا و طاعت او بر جن و انس، به اسم خدایی که آسمان‌ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد، اوست بردبار آمرزنده، و به اسم خدایی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت، و به اسم خدایی که آهن را برای داود نرم گردانید، و به اسم خدایی که روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمان‌ها درپیچیده به دست اوست، او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند، پناهنده می‌سازم، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدایی که جایگاهش والامرتبه و بزرگ است، نیست.

خدایا، به تو یاری می‌جویم، و به تو دادخواهی می‌کنم، و بر تو توکل می‌کنم، و تو پروردگار عرش بزرگ هستی؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از گناه و پیشامدی که در این روز و در این شب و در تمام شب‌ها و روزها از آسمان و زمین نازل شود، نگاه دار و برهان، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

با نام خدا، بر خودم و دارایی‌ام و خانواده‌ام و فرزندانم؛ با نام خدا، بر تمام آنچه که پروردگارم به من عطا کرده است؛ با نام خدا، که بهترین اسم‌ها است؛ با نام خدا، که پروردگار زمین و آسمان است؛ با نام خدایی که همراه اسم او هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان، زیان نمی‌بیند و او شنوای دانا است؛ خدایا؛ مرا به آنچه برایم حتمی کرده‌ای، خشنود گردان؛ و به خاطر آنچه از خود بر جای گذاشته‌ام، مرا ایمنی ده؛ تا زود رسیدن آنچه را دیر قرار داده‌ای، و دیر رسیدن آنچه را زود قرار داده‌ای،

دوست نداشته باشم.

خدایا، از خواب‌های آشفته، و از این که شیطان در بیداری و خواب مرا بازی دهد، به تو پناه می‌آورم؛ با نام خدا، از بدی آنچه بیم دارم و می گریزم، به زنده‌ای که نمی‌میرد، پناهنده شدم؛ و هر کسی را که قصد بدی یا ناروایی نسبت به من را داشت، از پیش روی خود راندم؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست. و پناه می‌برم به خدا از بدی شما؛ و بدی شما در زیر پاهایتان، و خوبی‌تان میان چشمانتان است؛ و خودم و هر آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده است، و هرچه در اختیار من است و هر آنچه را که به آن توجه دارم، به شدیدترین رکن خدا پناهنده می‌سازم، و همه ارکان خدا شدید هستند .

خدایا، با تو به سوی تو متوسل شدم، و با تو بر تو شفاعت جستم، که به راستی به آنچه پیش تو هست، جز با یاری خودت نمی‌توان دست یافت؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا در برابر بدی آنچه از آن دوری می کنم، و آنچه که هشدار من به او نمی‌رسد، کفایت کنی، که تو بر هر چیزی توانایی، و چنین کاری بر تو آسان است، و جبرئیل را از سمت راست من، و میکائیل را از سمت چپ من، و اسرافیل را از روبروی من بگمار، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.

خدایا، ای بیرون آورنده نوزاد از درون رحم، و پروردگار زوج و فرد، آنچه را که از دنیا و آخرتم می‌خواهم، در اختیار من قرار ده، و در برابر آنچه اندوهگینم می‌سازد، مرا کفایت کن، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

خدایا، من بنده تو فرزند بنده تو، و زاده کنیز تو هستم، جان من در دست توست. حکم تو بر من روان، و داوری تو در مورد من عادلانه است؛ از تو به همه اسم‌هایی که خودت را با آن نامیده‌ای، و در کتابت نازل نموده‌ای، یا به کسی از آفریده‌هایت آموخته‌ای، یا آن را در علم نهانی که در پیش توست، - نگاه داشته و - برای خود برگزیده‌ای، درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرآن را بهار دلم، و نور دیده‌ام، و شفای سینه‌ام، و زداینده اندوهم، بَرنده غصه‌ام و پرداخت بدهی‌ام، قرار دهی؛ هیچ معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.

ای زنده در زمانی که هیچ موجود زنده‌ای وجود نداشت، ای زنده کننده مردگان، و کاردار هر کس با توجه به هر چه به دست آورده است، ای زنده‌ای که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، به رحمتت که بر همه چیز گسترده است، از تو یاری خواستم، پس یاری‌ام کن؛ و خوبی دنیا و آخرت را برایم گرد آور؛ و با نعمت و گستردگی بخشش خودت، بدی آن دو را از من دور فرما.

خدایا، همانا که تو فرمانروای مقتدر هستی، و هر چه را بخواهی، موجود می‌شود، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و مشکلم را از من برگشا، و در برابر آنچه مرا اندوهگین ساخته است، کفایتم کن، که تو بر آن توانایی، ای بخشنده، ای بزرگوار.

خدایا، به یاری تو آغاز می کنم، و به یاری تو رستگاری می‌طلبم، و به واسطه بنده و فرستاده‌ات محمد صلی الله علیه و آله به

سوی تو روی می‌کنم، خـدایا، بیرون آمـدن از آن را آسـان ساز، و دشواری آن را برایم هموار کن، و از خوبی، بیشتر از آنچه امیـد دارم به من عطا کن، و از بـدی، بیشتر از آنچه بیم دارم و دوری می‌کنم، و آنچه را که بیم ندارم و دوری نمی‌کنم، از من دور کن، و هیچ توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر محمد و خاندان او، و خدا برای ما بس است و چه خوب حمایت‌گری است، چه خوب سرپرستی، و چه خوب یاوری است.} - . مهج الدعوات: ۱۸ -

**[ترجمه]

بیان

الظاهر الباطن صـفتان للـذات الأقـدس و المكنون المخزون صـفتان للاسم و يحتمل كون الجميع أوصافا للـذات فإن كنه ذاته و صفاته سبحانه مكنون مخزون عن غيره أو كلها أوصافا للاسم فإنه ظاهر لبعض و باطن عن بعض و الهمس الصوت الخفي.

**[ترجمه]جـوهری گفته است: «کنفت الرجـل، أکنفه»، یعنی شـخص را دربر گرفـتی و محـافظت کردی. و گفته است: «رکن الشـیء»، یعنی طرف قوی‌تر چیزی، و «هو یـأوی الی رکن شدیـد»، یعنی به پایگـاه محکم او پناه می‌برد. و گفته است: «العقـد»، یعنی پیمـان. «ملأ الأرکان»، یعنی ارکان آفرینش، از آسـمان و زمین گرفته تا عرش و کرسـی و جز آن. عبارت «و غـدرهم» در بعضـی نسـخه‌هـا بـا حرف جیم و ذال و به صـورت «و جـذرهم» آمـده است که به معنی بریـدن و درمانـدگی است، ولی اولی آشکارتر است. «السعایه» با کسره، تباهی به وجود آوردن و سخن چینی کردن.

«بسم الله علی نفسـی»، یعنی بر آن بسم الله می‌خوانم تـا حفـظ شود؛ یـا برای خودم با اسم خـدای والامرتبه یاری می‌جویم، پس «علی» به معنی «لام» خواهـد بود. «و عـافِنی فیمـا أمضـیتُ»، یعنی زاری‌ای که کردم و ارتکـاب آنچه که مخـالف بـا خشـنودی توست؛ یا اینکه از قضای بـد ایمنم دار؛ ولی معنی نخست با موارد بعدی متناسب‌تر است. «تحت أقدامکم» کنایه از فراموشـی... شـان و او را رها کردن و پاک کردن آن توسط آنها است. در النهایه در تفسـیر آن گفته است: بدانیـد که هر خون و خونخواه آن زیر این دو پای من قرار دارد، منظورش پوشانـدن و خوار کردن امر جاهلیت و شکسـتن سـنت‌های آن است. «و خیرُکم بین أعینکم»، یعنی پیوسته مورد نظر و خواسته شما است.

در النهـایه در تفسـیر ایـن جملـه گفتـه است: «تحمَّلتُ بعلیّ علی عثمـانَ فی أمری»، یعنی به او، به سـوی او شـفاعت جسـتم. در حـدیث دعـا گفته است: «اللّهمّ اجعـل القرآنَ ربیعَ قلبی»، بهار قرار دادن آن برای دل، به این خاطر است که انسان از میان سایر زمان‌ها، در بهار دلش خوش است و به سوی آن کشـیده می‌شود؛ یا همان طور که بهار زمان رشـد درختان و پیدایش رودها و میوه‌ها است، همین طور قرآن را سـببی برای رشـد ایمان و یقین، و پیدایش شـکوفه‌های حقیقت و پرتوهای معرفت در آن قرار ده. فیروزآبادی گفته است: «الاستفتاح»، یعنی یاری خواستن.

**[ترجمه]

المهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِينِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ وَ لَا يَكْفِينِي مِنْكَ أَحَدٌ فَاكْفِنِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا

ص: ۳۱۳

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۹.

أَقْدِرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]المهج: حرز دیگر برای امام سجاد علیه السلام که در هر صبح و شب می‌خواند: {با اسم خدای بخشنده مهربان، با نام خدا و به یاری خدا، دهان‌های جن و انس و شیطان‌ها و جادوگران و ابلیس‌های جن و انس و سلطه‌گران و هر کسی را که به آنها پناه می‌برد، با یاری خدای شکست ناپذیر و بسیار عزیز و با یاری خدای بزرگ و بسیار بزرگ بستم.

با آن اسم خدای ظاهر و باطن پوشیده و در گنجینه که آسمان‌ها و زمین را با آن برپا داشته است، سپس بر عرش قرار گرفت؛ «با اسم خدای بخشنده مهربان، و به [کیفر] آنکه ستم کردند، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد، در نتیجه ایشان دَم برنیارند؛ شما را چه شده که سخن نمی گویید؟ می فرماید: [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید؛ و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند؛ و صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی؛ و بر دل‌هایشان پوشش‌ها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند؛ و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای پوشیده قرار می دهیم؛ و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند؛ امروز بر دهان‌های آنان مُهر می نهیم، و دست... هایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان بدانچه فراهم می ساختند، گواهی می دهند؛ اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی، نمی توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است؛» و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.} - . مهج الدعوات: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۶۶»

المهج، [مهج الدعوات] رَوَى أَنَسٌ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنِ اسْتَعْمَلَهُ كُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ أَرْبَعَةَ أَمْلَاكٍ يَحْفَظُونَهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ كَانَ فِي أَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَوِ اجْتَهَدَ الْخَلَائِقُ عن [مِنَ] الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَنْ يُضَارُّوهُ مَا قَدَرُوا وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَ لَا دَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَ نَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى عَقْلِي وَ دِينِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْ ءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ أَنْتَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ- إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲).

**[ترجمه]«الظاهر و الباطن» دو صفت برای ذات پاک خداوند هستند و «المکنون و المخزون» دو صفت برای اسم‌های خدا هستند؛ نیز احتمال دارد همه آنها صفت‌هایی برای ذات باشند، چرا که گوهر ذات و صفات خدای منزّه، از دیگران پوشیده و

در گنجینه است؛ یا اینکه همه آنها صفت‌هایی برای اسم خداوند هستند، چرا که آنها برای برخی آشکار هستند و برای برخی پوشیده‌اند. «الهمس»، یعنی صدای آهسته.

**[ترجمه]

«۶۷»

مَجْمُوعُ الدَّعَوَاتِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ التَّلَّعُكْبَرِيِّ: دُعَاءٌ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیهما السلام عِنْدَ الصَّبَاحِ- اللَّهُمَّ یَا مُدْرِکَ الْهَارِبِینَ وَ یَا مَلْجَأَ الْخَائِفِینَ وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ یَا مُنْتَهَی رَغْبَهِ السَّائِلِینَ وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ یَا حَقُّ یَا مُبِینُ یَا ذَا الْکَیْدِ الْمَتِینِ

ص: ۳۱۴

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۹۶.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۹۴.

وَ يَا مُنْصِفَ الْمَظْلُومِينَ مِنَ الظَّالِمِينَ يَا مُؤْمِنَ أَوْلِيَائِهِ مِنْ عَذَابٍ مُهِينٍ يَا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْيُنِ وَ خَفِيَّاتِ لَحْظِ الْجُفُونِ وَ سَرَائِرَ الْقَلْبِ الْمَكْنُونِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ يَا شَاهِداً لَا يَغِيبُ يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ قَدِيرٌ وَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ حَسِيبٌ وَ مِنْ كُلِّ عَبْدٍ قَرِيبٌ يَا إِلَهَ الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ وَ رَبَّ الْمُقِرِّينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ إِلَهَ الصَّامِتِينَ وَ النَّاطِقِينَ وَ رَبَّ الْأَحْيَاءِ وَ الْمَيِّتِينَ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهْ يَا عَزِيزُ يَا حَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا أَوَّلُ يَا قَدِيمُ يَا شَكُورُ يَا عَلِيمُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ يَا قَاهِرُ يَا غَفَّارُ يَا جَبَّارُ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ يَا صَادِقُ يَا وَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ يَا حَيُّ يَا مَوْجُودُ يَا مَعْبُودُ يَا طَالِبُ يَا غَالِبُ يَا مُدْرِكُ يَا مُهْلِكُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَرِيمُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا جَوَادُ يَا سَمْحُ يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا مُنْزِلَ الْحَقِّ يَا قَابِلَ الصِّدْقِ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ يَا نُورَهُمَا يَا عِمَادَهُمَا يَا فَاطِرَهُمَا يَا مُمْسِكَهُمَا يَا ذَا الْبَلَاءِ الْجَمِيلِ وَ الطَّوْلِ الْجَلِيلِ يَا ذَا السُّلْطَانِ الَّذِى لَا يُرَامُ وَ الْعِزِّ الَّذِى لَا يُضَامُ يَا ذَا الْآلَاءِ وَ الِامْتِنَانِ يَا مَعْرُوفاً بِالْإِحْسَانِ يَا ظَاهِراً بِلَا مُشَافَهَهٍ يَا بَاطِناً بِلَا مُلَامَسَهٍ يَا سَابِقَ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِهِ يَا أَوَّلًا بِلَا غَايَهٍ يَا آخِراً بِلَا نِهَايَهٍ يَا فَاعِلًا بِلَا انْتِصَابٍ يَا عَالِماً بِلَا اكْتِسَابٍ يَا ذَا الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَ الصِّفَاتِ الْمُثْلَى وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَصُرَتْ عَنْ وَصْفِهِ أَلْسُنُ الْوَاصِفِينَ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَفْكَارُ الْمُتَفَكِّرِينَ وَ عَلَا وَ تَكَبَّرَ عَنْ صِفَاتِ الْمُلْحِدِينَ وَ جَلَّ وَ عَزَّ عَنْ عَبَثِ الْعَابِثِينَ وَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ كَذِبِ الْكَاذِبِينَ وَ أَبَاطِيلِ الْمُبْطِلِينَ وَ أَقَاوِيلِ الْعَادِلِينَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ وَ ظَهَرَ فَقَدَرَ وَ أَعْطَى فَشَكَرَ وَ عَلَا فَقَهَرَ يَا رَبَّ الْعَيْنِ وَ الْأَثَرِ وَ الْجِنِّ وَ الْبَشَرِ وَ الْأُنْثَى وَ الذَّكَرِ وَ الْبَحْثِ وَ النَّظَرِ وَ الْغَيْمِ وَ الْمَطَرِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ يَا شَاهِدَ النَّجْوَى يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا دَافِعَ الْبَلْوَى يَا غَايَهَ كُلِّ ذِى شَكْوَى

يَا نِعْمَ النَّصِيرُ وَ الْمَوْلَى يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى يَا مَنْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى يَا مُنْعِمُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُفْضِلُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُغِيثُ يَا مُقِيتُ يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا مَنْ يَرَى وَ لَا يُرَى وَ لَمْ يَسْتَعِنْ بِسَاطِعِ الضِّيَاءِ لِإِحْصَاءِ عَدَدِ الْأَشْيَاءِ يَا عَالِيَ الْجِدِّ يَا غَالِبَ الْجُنْدِ يَا مَنْ لَهُ عَلَى كُلِّ شَيْ‌ءٍ أَيْدٍ وَ فِي كُلِّ شَيْ‌ءٍ كَيْدٌ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ كَبِيرٌ عَنْ صَغِيرٍ وَ لَا خَطِيرٌ عَنْ حَقِيرٍ وَ لَا عَسِيرٌ عَنْ يَسِيرٍ يَا فَعَّالًا بِغَيْرِ مُبَاشَرَةٍ وَ عَلَّاماً بِغَيْرِ مُعَاشَرَةٍ وَ قَادِراً بِغَيْرِ مُكَاثَرَةٍ يَا مَنْ بَدَأَ بِالنِّعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَ الزِّيَادَةِ قَبْلَ اسْتِيهَالِهَا وَ الْفَضِيلَةِ قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا يَا مَنْ أَنْعَمَ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ الْكَافِرِ وَ اسْتَصْلَحَ الصَّالِحَ وَ الْفَاسِدَ عَلَيْهِ وَ رَدَّ الْمُعَانِدَ وَ الشَّارِدَ عَنْهُ إِلَيْهِ يَا مَنْ أَهْلَكَ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ أَخَذَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَعْذِرَةِ وَ أَقَامَ الْحُجَّةَ وَ دَرَأَ عَنِ الْقُلُوبِ الشُّبْهَةَ وَ أَقَامَ الدَّلَالَةَ وَ قَادَ إِلَى مُعَايَنَةِ الْآيَةِ يَا بَارِئَ الْجَسَدِ وَ مُوسِعَ الْبَلَدِ وَ مُجْرِيَ الْقُوتِ وَ مُنْزِلَ الْغَيْثِ وَ سَامِعَ الصَّوْتِ وَ سَابِقَ الْفَوْتِ وَ مُنْشِرَ الْعَظْمِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا رَبَّ الْمُعْجِزَاتِ مَطَرٍ وَ نَبَاتٍ وَ آبَاءٍ وَ أُمَّهَاتٍ وَ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ وَ ذَاهِبٍ وَ آتٍ وَ لَيْلٍ دَاجٍ وَ سَمَاءٍ ذَاتِ أَبْرَاجٍ وَ أَرْضٍ ذَاتِ فِجَاجٍ وَ بَحْرٍ عَجَّاجٍ وَ نُجُومٍ مُنَوَّرَةٍ وَ رِيَاحٍ تَدُورُ وَ مِيَاهٍ تَفُورُ وَ مِهَادٍ مَوْضُوعٍ وَ سَقْفٍ مَرْفُوعٍ وَ بَلَاءٍ مَدْفُوعٍ وَ كَلَامٍ مَسْمُوعٍ وَ يَقَظَةٍ وَ مَنَامٍ وَ سِبَاعٍ وَ أَنْعَامٍ وَ دَوَابٍّ وَ عَوَامٍ وَ غَمَامٍ وَ رُكَامٍ وَ أُمُورٍ ذَاتِ نِظَامٍ وَ مِنْ شِتَاءٍ وَ مصيف [صَيْفٍ] وَ رَبِيعٍ وَ خَرِيفٍ وَ يَانِعٍ وَ قَطِيفٍ وَ مَاضٍ وَ خَلِيفٍ أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا فَأَحْسَنْتَ وَ سَوَّيْتَ فَأَحْكَمْتَ وَ نَبَّهْتَ عَلَى الطَّاعَةِ فَأَنْعَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا شُكْرِي وَ الِانْقِيَادُ لِطَاعَتِكَ وَ ذِكْرُ مَحَامِدِكَ فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ إِنْ أَطَعْتُكَ فَلَكَ الْمِنَّةُ يَا مَنْ يُمْهِلُ وَ لَا يَعْجَلُ وَ يَعْلَمُ وَ لَا يَجْهَلُ وَ يُعْطِي وَ لَا يَبْخَلُ يَا أَحَقَّ مَنْ حُمِدَ وَ عُبِدَ وَ سُئِلَ وَ رُجِيَ وَ اعْتُمِدَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ

وَ بِكُلِّ ثَنَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيتَ بِهِ مِدْحَةً لَكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ عِزِّكَ وَ جَلَالِكَ وَ عَفْوِكَ وَ امْتِنَانِكَ وَ بِحَقِّكَ الَّذِي هُوَ أَعْظَمُ مِنْ حُقُوقِ خَلْقِكَ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهْ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهْ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهْ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ أَوَّلًا وَ آخِراً وَ خَاصّاً وَ عَامّاً بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْأُمِّيِّ رَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ نَبِيِّكَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ بِالرِّسَالَهِ الَّتِي أَدَّاهَا وَ الْعِبَادَهِ الَّتِي اجْتَهَدَ فِيهَا وَ الْمِحْنَهِ الَّتِي صَبَرَ عَلَيْهَا وَ الدِّيَانَهِ الَّتِي حَضَّ عَلَى الْعَمَلِ بِهَا مُنْذُ وَقْتِ خَلْقِكَ إِيَّاهُ إِلَى أَنْ تَوَفَّيْتَهُ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ مِنْ أَقْوَالِهِ الْحَكِيمَهِ وَ أَفْعَالِهِ الْكَرِيمَهِ وَ مَقَامَاتِهِ الْمَشْهُودَهِ وَ سَاعَاتِهِ الْمَحْمُودَهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ كَمَا وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِكَ وَ تُعْطِيَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَ مِنْ ثَوَابِكَ وَ تُزْلِفَ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَ تعلم [تُعْلِيَ] عِنْدَكَ دَرَجَتَهُ وَ تَبْعَثَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ تُورِدَهُ حَوْضَ الْكَرَمِ وَ الْجُودِ وَ تُبَارِكَ عَلَيْهِ بَرَكَةً عَامَّةً تَامَّةً نَامِيَةً سَامِيَةً زَاكِيَةً عَالِيَةً فَاضِلَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً لَا انْقِطَاعَ لِدَوَامِهَا وَ لَا نَقِيصَةَ فِي كَمَالِهَا وَ لَا مَزِيدَ إِلَّا فِي قُدْرَتِكَ عَلَيْهَا وَ أَنْ تَزِيدَهُ بَعْدَ ذَلِكَ مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ وَ أَوْسَعُ لَهُ وَ تُرِيَنِي ذَلِكَ حَتَّى أَزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ بِهِ بَصِيرَةً وَ فِي مَحَبَّتِهِ ثَبَاتاً وَ حُجَّةً وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ الْمُنْتَجَبِينَ الْأَصْفِيَاءِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا حَيَاةً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا نُشُوراً قَدْ ذَلَّ مَصْرَعِي وَ اسْتَكَانَ مَضْجَعِي وَ ظَهَرَ ضُرِّي وَ انْقَطَعَ عُذْرِي وَ قَلَّ نَاصِرِي وَ أَسْلَمَنِي أَهْلِي وَ وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي بَعْدَ قِيَامِ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ ظُهُورِ بَرَاهِينِكَ عِنْدِي وَ وُضُوحِ أَدِلَّتِكَ لِي اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَ أَعْيَتِ الْحِيَلُ وَ تَغَلَّقَتِ الطُّرُقُ وَ ضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ وَ دَرَسَتِ الْآمَالُ إِلَّا مِنْكَ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْ جِهَتِكَ وَ أُخْلِفَتِ الْعِدَاتُ إِلَّا عِدَتَكَ اللَّهُمَّ وَ إِنَّ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَكَ مُتْرَعَةٌ وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةٌ وَ الِاسْتِغَاثَهَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ مُبَاحَةٌ وَ أَنْتَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ لِلْقَاصِدِ إِلَيْكَ

قَرِیبُ الْمَسَافَهِ وَ لِلصَّارِخِ إِلَیْکَ وَلِیُّ الْإِغَاثَهِ اللَّهُمَّ وَ إِنَّ فِی مَوْعِدِکَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِینَ وَ مَنْدُوحَهً عَمَّا فِی أَیْدِی الْمُسْتَأْثِرِینَ وَ دَرَکاً مِنْ حِیَلِ الْمُؤَارِبِینَ (۱) وَ الرَّاحِلَ نَحْوَکَ یَا رَبِّ قَرِیبٌ مِنْکَ لِأَنَّکَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِکَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ السَّیِّئَهُ دُونَکَ وَ إِنِّی لِنَفْسِی لَظَلُومٌ وَ بِعُذْرِی لَجَهُولٌ إِلَّا أَنْ تَرْحَمَنِی وَ تَعُودَ بِحِلْمِکَ عَلَیَّ وَ تَدْرَأَ عِقَابَکَ وَ تَلْحَظَنِی بِالْعَیْنِ الَّتِی هَدَیْتَنِی بِهَا مِنْ حَیْرَهِ الشَّکِّ وَ رَفَعْتَنِی بِهَا مِنْ هُوَّهِ الْجَهْلِ وَ نَعَشْتَنِی بِهَا مِنْ فِتْنَهِ الضَّلَالَهِ اللَّهُمَّ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَیْکَ عَزْمُ إِرَادَهٍ وَ إِخْلَاصُ نِیَّهٍ وَ صَادِقُ طَوِیَّهٍ وَ هَا أَنَا مِسْکِینُکَ بَائِسُکَ أَسِیرُکَ سَائِلُکَ مُنِیخٌ بِفِنَائِکَ قَارِعٌ بَابَ رَجَائِکَ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ آنَسُ الْآنِسِینَ لِأَوْلِیَائِکَ وَ أَحْرَی بِکِفَایَهِ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ وَ أَوْلَی بِنَصْرِ الْوَاثِقِ بِکَ سِرِّی إِلَیْکَ مَکْشُوفٌ وَ أَنَا فِی سُؤَالِکَ مَلْهُوفٌ لِأَنَّنِی عَاجِزٌ وَ أَنْتَ قَدِیرٌ وَ أَنَا صَغِیرٌ وَ أَنْتَ کَبِیرٌ وَ أَنْتَ غَنِیٌّ وَ أَنَا فَقِیرٌ إِذَا أَوْحَشَتْنِی الْغُرْبَهُ آنَسَنِی ذِکْرُکَ وَ إِذَا أَصَبَّتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ اسْتَجَرْتُ بِکَ وَ إِذَا تَلَاحَکَتْ عَلَیَّ الشَّدَائِدُ أَمَّلْتُکَ وَ أَیْنَ تَذْهَبُ بِی عَنْکَ یَا مَوْلَایَ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ مِنْ وَرِیدِی وَ أَحْضَرُ مِنْ عَدِیدِی وَ أَوْجَدُ فِی مَعْقُولِی وَ أَصَحُّ فِی مَکَانِی وَ أَزِمَّهُ الْأُمُورِ کُلِّهَا بِیَدِکَ صَادِرَهٌ عَنْ قَضَائِکَ مُذْعِنَهٌ بِالْخُضُوعِ لِقُدْرَتِکَ ذَاتُ فَاقَهٍ إِلَی عَفْوِکَ فَقِیرَهٌ إِلَی رَحْمَتِکَ اللَّهُمَّ وَ قَدْ شَمِلَتْنِی الْخَصَاصَهُ وَ عَلَتْنِی الْحَاجَهُ وَ تَوَسَّمْتُ بِالذِّلَّهِ وَ غَلَبَتْنِی الْمَسْکَنَهُ وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِی وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ فِیهِ الْإِجَابَهَ اللَّهُمَّ فَامْسَحْ مَا بِی بِیَمِینِکَ الشَّافِیَهِ وَ انْظُرْ إِلَیَّ بِعَیْنِکَ الرَّاحِمَهِ وَ أَقْبِلْ عَلَیَّ بِوَجْهِکَ ذِی الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ فَإِنَّکَ إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَی أَسِیرٍ فَکَکْتَهُ وَ عَلَی ضَالٍّ هَدَیْتَهُ وَ عَلَی حَائِرٍ آوَیْتَهُ وَ عَلَی ضَعِیفٍ قَوَّیْتَهُ وَ عَلَی فَقِیرٍ أَغْنَیْتَهُ.

ص: ۳۱۸

۱- ۱. فی المهج: المؤازرین.

اللَّهُمَّ لَا تُخَلِّنِی مِنْ یَدِکَ وَ لَا تَتْرُکْنِی لَقًا لِعَدُوِّکَ وَ لَا تُوحِشْنِی مِنْ لَطَائِفِکَ الْخَفِیَّهِ وَ کِفَایَتِکَ الْجَمِیلَهِ وَ إِنْ شَرَدْتُ عَلَیْکَ فَارْدُدْنِی إِلَیْکَ فَإِنَّکَ تَرُدُّ الشَّارِدَ وَ تُصْلِحُ الْفَاسِدَ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ تَوَلَّنِی وَلَایَهً تُغْنِینِی بِهَا عَمَّا سِوَاهَا وَ أَعْطِنِی عَطِیَّهً لَا أَحْتَاجُ إِلَی أَحَدٍ مَعَهَا فَإِنَّهَا لَیْسَتْ بِنُکْرٍ مِنْ عَطِیَّتِکَ وَ لَا بِبِدْعٍ مِنْ وَلَایَتِکَ اللَّهُمَّ ارْفَعْ بِفَضْلِکَ سَقْطَتِی وَ نَجِّنِی مِنْ وَرْطَتِی وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی یَا مُنْتَهَی رَغْبَتِی وَ غِیَاثِی فِی کُرْبَتِی وَ صَاحِبِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ رَحْمَانِی وَ رَحِیمِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتَجِبْ دُعَائِی وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱).

**[ترجمه]المهج: دعایی برای سرورمان امام حسین بن علی علیهما السلام که صبح و شام می‌خواند: {با نام خدای بخشنده مهربان، با نام خدا و به یاری خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر آیین محمد فرستاده خدا صلّی الله علیه و آله، بر خدا توکل کردم، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.

خدایا، به درستی که خودم را به تو تسلیم کردم، رویم را به سوی تو گرداندم، و کارم را به تو واگذار کردم، ایمنی از هر بدی در دنیا و آخرت را تنها از تو درخواست می‌کنم.

خدایا، تو مرا از هر کسی کفایت می‌کنی، و هیچ کس مرا از تو کفایت نمی‌کند، پس مرا از هر کسی که بیم دارم و دوری می‌گزینم، کفایت فرما، و برای من در کارم گشایش و راه بیرون آمدنی قرار ده که تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو می‌توانی و من نمی‌توانم، و تو بر هر چیزی توانایی، به رحمت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان.} - . مهج الدعوات: ۱۹۶ -

**[ترجمه]

توضیح

الفتق الشق و الرتق ضده و هما کنایتان عن إبرام الأمور و نقضها و الظاهر هو الذی ظهر فوق کل شی ء و علا علیه و قیل هو الذی عرف بطرق الاستدلال العقلی بما ظهر لهم من آثار أفعاله و أوصافه و الباطن هو المحتجب عن أبصار الخلائق و أوهامهم و قیل هو العالم بما بطن یقال بطنت الأمر إذا عرفت باطنه و المعنیان الثانیان هما أنسب.

یا سابق الأشیاء بنفسه أی سبقهم بنفسه لا بزمان یقارنه فیکون قدیما معه أو هو عله لها بلا استعانه غیره أو سبقهم بذاته فلا یمکن للخلق إدراکه أو لا یمکنهم أن یصلوا إلیه بضر أو سوء و المثلی الفضلی و له المثل الأعلی أی الصفه الأعلی و هو الوجوب الذاتی و الغناء المطلق و النزاهه عن صفات المخلوقین و قیل المراد به المثل المضروب بالحق لقوله سبحانه و تعالی مَثَلُ نُورِهِ (۲) الآیه و أمثاله

۱- ۱. کتاب مجموع الدعوات مخطوط، و تراه فی مهج الدعوات نقلا من مجموع بخط الشیخ الجلیل أبی الحسین محمّد بن هارون التلعکبری ص ۲۲۶- ۲۱۶، و قد أخرجه المؤلّف العلامه فی کتاب الدعاء ج ۹۴ ص ۲۷۹- ۲۷۰.

٢- ٢. النور: ٣٥.

و أقوال العادلين أى الذين يعدلون بالله غيره يقال عدلوا بالله أى أشركوا به و جعلوا له مثلا.

يـا رب العين و الأـثر أى الجواهر و الأعراض أو الأعمال أيضا باعتبار التوفيق و الخـذلان كما ينبغى أن يقال فى البحث و النظر و فى النهـايه المقيت هو الحفيظ و قيل المقتـدر و قيل الـذى يعطى أقوات الخلائق و هو من أقاته يقيته إذا أعطاه قوته و هو لغه فى قاته يقوته و أقاته أيضا إذا حفظه بغير مكاثره أى من الجنود و الأعوان و يقال شـرد البعير نفر و هو شارد و الدرء الدفع و الداجى المظلم و الأبراج جمع البرج بالتحريك و هو المضى ء البين المعلوم أو جمع البرج بالضم من بروج السماء و الأول أظهر.

و الفـج الطريـق الواسع بين الجبلين و نجـوم منوره و فى بعض النسـخ تمور أى تموج و تضـطرب و المهـاد الأـرض و الموضوع خلاف المرفوع و الركام بالضم تل الرمل المتراكم بعضه فوق بعض و السحاب المتراكم و مصيف هو الموضع الذى يقام فيه فى الصيف و لعله أطلق على زمان الصيف توسعا و فى بعض النسخ و صيف و هو أظهر.

و اليانع الذى حان قطافه و القطيف المقطوف و الماضى الذى مات و الخليف من خلفه و قام مقامه التى حض عليها(۱)

أى بالغ فى شأنها و حث على الاتصاف بها و تزلف أى تقرب و قـد أكدى الطلب أى تعسـر أو تعذر و انقطع و أعيت الحيل أى أتعبت و لم تنفـع و درست على بنـاء المعلـوم أو المجهول قـال الجوهرى درس الشـى ء يـدرس دروسـا أى عفـا و درسـته الريح يتعـدى و لاـ يتعـدى و المنهل عين الماء ترده الإبل فى المراعى و أترعت الإناء ملأته ذكرهما الجوهرى و قال لى عن هـذا الأمر مندوحه أى سعه و قال استأثر فلان بالشى ء استبد به و دركا أى تداركا.

من حيل المؤاربين أى المخادعين و المواربه المخاتله و المداهاه و يجوز

۱- ۱. فى متن الدعاء: حض على العمل بها.

فیه الهمز و عدمه و العین کنایه عن اللطف و العنایه و الهوه الوهده العمیقه و الطویه الضمیر منیخ أی مقیم و الفناء بالکسر الفضاء حول الدار و فی الکلام استعاره.

و إذا أضبت الأصوب أنه بالضاد المعجمه و الباء الموحده المشدده قال الجزری فی الحدیث فلما أضبوا علیه أی أکثروا یقال أضبوا إذا تکلموا متتابعا و إذا نهضوا فی الأمر جمیعا انتهی و فی أکثر نسخ الدعاء صبت بالمهمله علی المجهول من الصب کنایه عن الکثره و ما ذکرنا أنسب معنا و وجدناه کذلک فی النسخ القدیمه.

و إذا تلاحکت أی تداخلت و التصقت بی قال الکفعمی (۱) أی التصقت بی و اشتدت علی و اللحک مداخله الشی ء فی الشی ء و التصاقه به.

و أحضر من عدیدی أی ممن أعده من أنصاری أو ممن یعد من عشیرتی و رهطی أو تحضر قبل حضور قرنی و عدوی قال الفیروزآبادی العد الإحصاء و الاسم العدد و العدید الند و القرن و من القوم من یعد فیهم انتهی و قال فی المصباح المنیر هو عدید بنی فلان أی یعد فیهم.

و أوجد فی معقولی فی سائر کتب الدعاء و أوجد فی مکانی و أصح فی معقولی و هو أوجه و أنسب أی أجدک فی کل مکان و لا أجد غیرک إلا فی الأحیان و التوسل بک فی العقل أصح من الاستعانه بغیرک لکمال قدرتک و وفور رحمتک و کرمک و الخصاصه الحاجه.

و توسمت بالذله علی بناء المعلوم من الوسم بمعنی الکی أی ضربت علی علامه العبودیه و الذله و المعهود فیه اتسمت أو علی بناء المجهول من التوسم یقال توسمت فیه الخیر أی تفرست و قال الشیخ البهائی رحمه الله أی صرت موسوما بها و لعله بالأول أنسب فامسح ما بی أی أذهب و أزل و لا- تخلنی بالتشدید من التخلیه و قیل یمکن أن یراد بالید النعمه و أن یقرأ لا- تخلنی بتخفیف اللام أی لا

۱- ۱. ذکره فی البلد الأمین ص ۳۸۷- ۳۸۲، من دون شرح فی الهامش.

تجعلنی خالیا من نعمتک و لا یخفی بعده.

و لا- تترکنی لقا أی شیئا ملقی متروکا لعدوک أی الشیطان یتصرف فیه کیف یشاء قال الجوهری اللقا بالفتح الشی ء الملقی لهوانه و فی النهایه اللقا الملقی علی الأرض و منه حدیث حکیم بن حزام و أخذت ثیابها فجعلت لقا أی مرماه ملقاه و قیل أصل اللقا أنهم کانوا إذا طافوا خلعوا ثیابهم و قالوا لا نطوف فی ثیاب عصینا الله فیها فیلقونها عنهم و یسمون ذلک الثوب لقا فإذا قضوا نسکهم لم یأخذوها و ترکوها بحالها ملقاه و قرأ الکفعمی رحمه الله لفا بالفاء حیث قال قوله و لا تترکنی لفاء أی حقیرا و هو مثل تقول العرب قد رضی من الوفاء باللفاء یقصر و یمد قاله شارح الدریدیه و من قرأ لقی أراد ملقی مهانا انتهی و قال الجوهری اللفاء الخسیس من الشی ء و کل یسیر حقیر فهو لفا.

**[ترجمه]المهج: انس از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: هر کس این حرز را هر صبحگاه و شامگاه به کار بندد، خداوند عزّوجلّ برای او چهار فرشته می‌گمارد که او را از روبرو و از پشت و از سمت راست و از سمت چپ حفظ کنند و در امان خدای عزّوجلّ خواهد بود؛ اگر آفریدگان از جن و انس بکوشند به او زیان برسانند، نخواهند توانست. آن حرز این است: {با نام خدای بخشنده مهربان، با نام خدا که نیکوترین اسم‌ها است، با نام خدا که پروردگار زمین و آسمان است، با نام خدا که همراه نام او هیچ سم و دردی زیان نمی‌رساند؛ با نام خدا صبح کردم؛ و بر خدا توکل نمودم؛ با نام خدا، بر دلم و جانم؛ با نام خدا بر عقلم و دینم؛ با نام خدا بر خانواده‌ام و دارایی‌ام؛ با نام خدا بر هر چیزی که پروردگارم بر من عطا کرده است؛ با نام خدایی که با نام او هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان، زیان نمی‌رساند، و او شنوای دانا است.

خدا پروردگار من است، با او هیچ چیزی را شریک نمی‌کنم، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا عزیزتر و بزرگوارتر از آن چیزی است که بیم دارم و دوری می‌کنم. پناهنده به تو عزیز است، و ستایش تو بزرگ است، و هیچ خدایی جز تو نیست.

خدایا، از بدی نفسم و از بدی هر سلطه‌گر سخت گیرنده، و از بدی هر شیطان سرکش، و از بدی هر زورگوی ستیزه‌جو، و از بدی قضای بد، و از بدی هر جنبنده‌ای که تو زمام اختیار او را گرفته‌ای، که تو بر راه راست قرار داری، به تو پناه می‌آورم؛ بی تردید، سرپرست من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است؛ پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.} - . مهج الدعوات: ۹۴ -

**[ترجمه]

أقول

المضبوط فی أکثر النسخ بالقاف و هو أصوب.

إنها لیست بنکر أی منکر و مستبعد و لا ببدع المراد أن العطیه التی لا یحتاج معها إلی أحد لیست أمرا بدیعا غریبا لم یعهد مثله من ولایتک قال الشیخ البهائی رحمه الله بفتح الواو أی من إمدادک و إعانتک اللهم ارفع بفضلک سقطتی أی ارفعنی من سقطتی أی سقوطی علی الأرض و الإسناد علی المجاز.

**[ترجمه]مجموع الدعوات محمد بن هارون تلعکبری: دعایی برای امام صادق علیه السلام هنگام صبح: {خدایا، ای دریابنده گریختگـان، و ای پناهگـاه بیمناکـان، و ای فریـادرس دادخواهـان، و ای نهـایت اشتیـاق نیازمنـدان، و ای اجـابت کننـده دعـای درماندگان، ای حق ای آشکار، ای دارای تدبیر استوار، و ای دادستان ستمدیدگان از ستمکاران، و ای ایمنی دهنده مؤمنان از عـذاب خوار کننـده، ای کسی که نگـاه‌های خیانتکارانه و به هم خوردن پنهانی پلک‌ها، و رازهای پوشیده دل، و آنچه را که شده است و آنچه را که می‌شود، می‌داند.

ای پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها، و فرشتگان نزدیکی یافته، و پیامبران فرستاده شده، ای حاضری که غیبت ندارد، ای چیره‌ای که هرگز مغلوب واقع نمی‌شود، ای کسی که بر هر چیزی توانـا است، و بر هر کـاری حسابرس است، و بر هر بنـده‌ای نزدیک است، ای خـدای گذشـتگان و مانـدگان، و پروردگار اقرار کننـدگان - به خدایی‌اش - و انکار کنندگان، و خدای بی‌زبانان و سخن گویان، و پروردگار زندگان و مردگان.

ای خدا، ای پروردگار، ای شکست ناپذیر، ای بردبار، ای آمرزنده، ای مهربان، ای اول، ای دیرینه، ای سپاسگزار، ای دانا، ای شنوا، ای بینـا، ای مهرورز، ای سنجیده کار، ای چیره‌گر، ای بسیار آمرزنـده، ای مقتـدر، ای آفریـدگار، ای روزی دهنـده، ای بازگشاینـده، ای بسته کننـده، ای راستگو، ای دارا، ای یگانه، ای یکتا، ای تنها، ای بی‌نیاز، ای زنـده، ای موجود، ای پرسـتش شونـده، ای خواهان، ای غلبه کننـده، ای دریابنـده، ای هلاک کننده، ای ارجمند، ای زیبا، ای بزرگوار، ای برتری جوینده، ای بخشنده، ای گشاده دست.

ای زداینـده انـدوه، ای برطرف کننـده غصـه، ای فرود آورنـده حق، ای پـذیرای راستی، ای نـوآفرین آسـمان‌هـا و زمیـن، ای روشنایی آن دو، ای ستون آن دو، ای پدید آورنده آن دو، ای نگهدارنده آن دو، ای دارنده آزمون نیکو، و بخشش بزرگوار، ای دارنده فرمانروایی که از بین نمی‌رود، و دارنده عزتی که ستم نمی‌کند.

ای صاحب موهبت‌ها و نعمت‌ها، ای شناخته شده به نیکی کردن، ای آشکاری که قابل سخن گفتن رو در رو نیست، ای باطنی که قابل لمس کردن نیست، ای که خود از اشیا پیشـی گرفته، ای اولی که پایان ندارد، ای آخری که سرانجام ندارد، ای انجام دهنده بدون گماشتن، ای داننده بدون دست آوردن دانش، ای دارنده اسم‌های زیبا، و صـفت‌های ممتاز، و بهترین وصف؛ ای کسـی که زبان بهترین توصـیف‌گران از توصـیف او کوتاه است، و اندیشه‌های اندیشوران از آن بریده است، و از توصیف‌های کافران بی‌دین والایی و بزرگی یافته است، و از بیهودگی بیهوده کاران بزرگوارتر و باشکوه‌تر است، و از دروغ دروغ گویان، و از یاوه‌گویی‌های یاوه‌گویان، و از گفتارهای مشرکان، مبارک و والامرتبه گشته است.

ای کسـی که پنهان گشت، پس خبر داشت؛ و آشـکار گشت، پس توانست؛ و بخشید، پس سپاسگزاری نمود؛ و والایی یافت، پس مقتدر گشت؛ ای پروردگار چشم و اثر، و جن و بشـر، و ماده و نر، بررسی و رای، تشنگی - یا ابر - و باران، و خورشید و مـاه، ای بیننـده نجوا، ای برطرف کننـده غصه، ای دور کننـده گرفتـاری، ای پایان هر دادخواه، ای خوب یاری‌گر و سـرور، ای کسی که بر عرش بالا رفته است، ای کسی که هر چه در آسمان‌ها و زمین و میان آن دو و زیر خاک است، برای اوست.

ای نعمت دهنده، ای نیکی کننده، ای احسان کننده، ای بخشـنده، ای بسـنده، ای شـفا دهنده، ای نگهدارنده، ای روزی دهنده،

ای زنده کننده، ای میراننده، ای کسی که می‌بیند و دیده نمی‌شود، و برای شمارش تعداد اشیا از پرتو روشنایی کمک نمی‌گیرد، ای والا اراده، ای چیره سپاه، ای کسی که بر هر چیزی دست دارد، و در هر چیزی چاره‌ای.

ای کسی که بزرگ‌تری او را از کوچک‌تر، و مهمی از ناچیز، و سختی از آسان باز ندارد؛ ای انجام دهنده بدون دست به کار شدن، و بسیار دانا بدون هم صحبتی، و توانا بدون بالیدن به زیادی؛ ای شروع کننده به نعمت دادن قبل از سزواری، و به افزودن قبل از شایسته شدن، و به بخشش قبل از درخواست کردن؛ ای کسی که بر مؤمن و کافر نعمت داده است، و نیکوکار و تباهکار را بر آن نیک دانسته است، و ستیزه‌جو و نافرمان از او را به سوی آن برگردانده است.

ای کسی که بعد از دلیل هلاک کرد، و بعد از بریدن بهانه گرفتار کرد، و دلیل اقامه کرد، و اشتباه و تردید را از دلها زدود، و راهنمایی ارائه کرد، و تا دیدن آیه رهبری کرد؛ ای به وجود آورنده پیکر، و گسترش دهنده شهر، روان کننده غذا، و فرود آورنده باران، و شنونده صدا، و پیشی گیرنده بر نابودی، و زنده گرداننده استخوان بعد از مرگ، ای پروردگار معجزه‌ها: باران و گیاه، و پدران و مادران، و پسران و دختران، و رونده و آینده، و شب تاریک، و آسمان دارای برج‌ها، و زمین دارای راه‌های فراخ، و دریای ژرف، و ستارگان نورانی، و بادهای وزنده، و آب‌های فوران کننده، و گهواره‌های قرار داده شده، و سقف‌های برافراشته، و گرفتاری دور شده، و سخن شنیده شده، و بیداری و خواب، و درندگان و چارپایان، و جانداران و همگان، و ابر و توده ریگ، و اموری که - خود بخود - نظم یافته‌اند، و زمستان و تابستان، و بهار و پاییز، و میوه رسیده و چیده شده، و درگذشته و از پی‌در آمده.

تو این را آفریدی، پس نیکو گردانیدی؛ و آن را درست کردی، پس استوار ساختی؛ و بر طاعتت هوشیار کردی، پس نعمت دادی؛ پس جز سپاسگزاری‌ام ، و سر فرود آوردن در برابر فرمانت، و ذکر ستایش‌هایت، چیز دیگری برایم باقی نمانده است؛ پس اگر نافرمانی‌ات کنم، دلیل برای - عذاب کردن - من در اختیار توست، و اگر فرمانبرداری نمودم، منّت برای توست.

ای کسی که مهلت می‌دهد و شتاب نمی‌کند، و می‌داند و نادان نیست، و می‌بخشد و بخل نمی‌ورزد، ای سزاوارترین برای ستایش و پرستش، و خواستن و امید بستن و اعتماد کردن، به خاطر هر اسم وارسته پاک پوشیده که برای خودت برگزیدی، و هر ستایش عالی و والا- و بزرگوارانه که به آن برای ستایش شدن خودت خشنود گشتی، از تو درخواست می‌کنم، و با بخشندگی‌ات و بزرگواری‌ات و عزتت و ارجمندی‌ات و گذشتت و منّت نهادنت، و به آن حقت که بسیار بزرگ‌تر از حقوق آفریدگان توست، به تو رو می‌کنم.

ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، و در ابتدا و در انتها، و ویژه و عموماً به سوی تو می‌شتابم، به حق محمد درس نخوانده، فرستاده تو، پیشوای فرستادگان و پیامبرت امام تقوا پیشگان، و به رسالتی که ادا کرد، و عبادتی که در آن کوشید، و سختی‌ای که بر آن شکیبایی نمود، و دینداری که بر عمل به آن تشویق کرد، از وقتی که او را آفریدی، تا زمانی که جانش را ستاندی، و میان این دو از گفتار خردورزانه، و کارهای بزرگوارانه، و مقاماتی که در آن به شهود رسید، و آن ساعت‌هایش که ستودنی بود - از تو درخواست می‌کنم - که بر او همان گونه که از طرف خود وعده داده‌ای، درود فرستی و برترین ثوابی را که از تو آرزو داشت، به او عطا کنی، و جایگاه او را نزد خودت نزدیکتر گردانی، و درجه او را پیش خودت بشناسانی، و او را به مقام ستوده‌ای که وعده داده‌ای جای دهی، و او را بر حوض کرامت و بخشندگی

وارد سازی، و بر او با برکتی همه‌گیر و تمام شده و افزاینده و بلند مرتبه و پاکیزه و پاک و عالی و برتر و پاک و خجسته که نه استمرارش بریده شود، و نه در کمالش کاستی وجود داشته باشد، و نه افزوده‌ای در آن جز قدرت تو وجود داشته باشد، بر او برکت قرار دهی؛ و بعد از آن از آنچه تو خود به آن علم داری، بر آن بیفزایی، و بر آن وسعت دهی، و آن را به من بنمایانی تا به بصیرتم در ایمان به او، و استواری و دلیل در محبت او، و بر خاندان پاک و برگزیده او، همان پسندیدگان و وارستگان و پرهیزکاران و نیکان، بیفزاید.

خدایا، در حالی صبح کردم که برای خودم نه زیانی و نه سودی و نه زندگی و نه مرگی و نه زنده شدنی، دارا نیستم؛ بعد از اینکه حجت تو بر علیه من ارائه شد و برهان‌های تو بر من آشکار گشت و دلیل‌های تو بر من واضح گشت، بر زمین افتادنم مرا خوار کرد، و به قبر رفتنم با حقارت همراه شد، و درماندگی‌ام آشکار گشت، و بهانه‌ام بریده شد، و یاورم کم شد، و خانواده و پدر و فرزندم مرا واگذاشتند.

خدایا، و به درستی که خواستن دشوار شد، و چاره جویی‌ها سخت و بی‌فایده گشت، و درها بسته شد، و راه‌ها تنگ گردید، و آرزوها جز از تو از بین رفت، و امیدها جز از سوی تو بریده گشت، و وعده‌ها جز وعده تو تخلف شد.

خدایا، و به درستی که چشمه‌های امید به تو سرشار است، و درهای دعا برای کسی که تو را بخواند گشوده است، و فریادخواهی برای کسی که از تو فریاد بخواهد، رواست، و تو برای دعا کننده‌ات در جایگاه اجابت قرار گرفته‌ای، و نسبت به کسی که تو را قصد کند، مسافت نزدیک است، و نسبت به فریادخواه به سوی تو، سرپرست و فریادرس هستی.

خدایا، و به درستی که در وعده تو عوضی برای بازداشتن بخل‌ورزان، و گشایشی از آنچه در دست خودکامگان وجود دارد، و جبرانی از حیله‌های نیرنگ‌بازان - . در المهج: المؤازرين آمده است. -

وجود دارد؛ کوچ کننده به سوی تو ای پروردگار، به تو نزدیک است، زیرا تو از آفریدگانت پوشیده نیستی، مگر اینکه کارهای بدشان تو را از آنان پوشیده دارد؛ و به درستی که من نسبت به خودم بسیار ستمکار، و به عذرم بسیار نادان بوده‌ام، مگر اینکه بر من رحم کنی و با بردباری‌ات بر من بازگردی، و کیفرت را دور کنی، و با چشم عنایتی که با آن مرا از سرگردانی تردید هدایتم کردی، و با آن مرا از گودال جهل بالا آوردی، و با آن مرا از گرفتاری گمراهی زندگی بخشیدی، به من نظر کنی.

خدایا، بی‌تردید می‌دانم که بهترین توشه کوچ کننده به سوی تو، اراده استوار، و وارستگی نیت، و راستی درون است، و این منم که بینوا و بیچاره و اسیر و نیازخواه تو، ساکن کوی تو، و کوبنده در امید تو هستم.

خدایا، و تو برای دوستدارانت بهترین مونس، و برای کفایت کسانی که به تو توکل کرده‌اند، شایسته‌ترین، و برای یاری کسی که به تو اعتماد کرده، بهترین هستی. راز من پیش تو آشکار است و من در خواستن از تو درمانده‌ام، زیرا من ناتوانم و تو بسیار توانایی، و من کوچکم و تو بزرگی، و تو بی‌نیازی و من فقیرم. وقتی تنهایی مرا به وحشت انداخت، یاد تو مرا مونس شد، و وقتی کارها بر من زیاد شد، به تو پناه آوردم، و وقتی سختی‌ها را بر من وارد کردی، تو را آرزو کردم؛ از پیش تو به

کجا بروم ای سرور من، در حالی که تو از رگم به من نزدیکتری، و از خویشانم نزد من حاضرتری، و در وجدان من یافتنی‌تری، و در جای من استوارتری، و اختیار همه کارها به دست توست، و از قضای تو صادر می‌شود، و به خضوع در برابر قدرت تو اعتراف‌گر، و به گذشت تو نیازمند، و به رحمت تو فقیر هستم.

خدایا، نیازمندی مرا دربرگرفته است، و حاجتمندی مرا رنجور ساخته است، و به خواری شناخته شده‌ام، و بینوایی بر من چیره گشته است، و این وقتی است که برای دوستدارانت در آن وعده اجابت داده‌ای؛ خدایا، پس با دست شفا دهنده خود آنچه را که به من رسیده است، پاک کن؛ و با دیده مهربانت بر من بنگر، و با روی ارجمند و بزرگوار خودت به من رو کن؛ که به راستی، تو اگر با آن به اسیر بنگری، آزادش می‌سازی، و بر گمراه بنگری، هدایتش می‌نمایی، و بر سرگشته بنگری، در پناه می‌گیری، و بر ناتوان بنگری، نیرومندش می‌سازی، و بر فقیر بنگری، توانگرش می‌گردانی .

خدایا، مرا از نعمت خودت تهی نکن، و مرا انداخته‌ای برای دشمنت قرار مده، و مرا از مهربانی‌های نهانی‌ات، و نگاهداری زیبایت گریزان مکن، و اگر از تو رمیدم، مرا به سوی خودت بازگردان، که تو رمیده را باز می‌گردانی، و تباه شده را سامان می‌دهی، و تو بر هر چیزی توانایی.

خدایا، مرا آن گونه سرپرستی کن که با آن از سرپرستی آنچه غیر توست، بی‌نیاز کنی؛ و بخششی بر من ببخش که با آن، به هیچ کسی نیاز نداشته باشم؛ که این از بخشش از تو ناشناخته نیست، و بار اول سرپرستی تو نیست.

خدایا، با فضل خودت افتادگی مرا بالا آور، و از گردابم نجاتم ده، و لغزشم را نادیده بگیر، ای پایان امیدم، و فریادرسم هنگام گرفتاری‌ام، و یاورم هنگام سختی‌ام، و بخشنده‌ام و مهربانم در دنیایم و آخرتم، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دعایم را اجابت فرما، و امیدم را قطع نکن، به بخشندگی و بزرگواری خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان، و بزرگوارترین بزرگواران، به راستی که تو بر هر چیز توانایی.} - . کتاب مجموع الدعوات دست نویس است و این دعا را در مهج الدعوات به نقل از مجموع الدعوات که به خط شیخ بزرگوار ابی الحسین محمد بن هارون تعلکبری، صفحه ۲۱۶-۲۲۶ می‌توانی ببینی. مؤلف این کتاب، علامه مجلسی، آن را در کتاب دعا، جلد ۹۴، صفحه ۲۷۰-۲۷۹ آورده است. -

**[ترجمه]

سیأتی هذا الدعاء أبسط من ذلک فی کتاب الدعاء لکن لا اختصاص له بالصباح و المساء و أورده شیخنا البهائی رحمه الله فی مفتاح الفلاح علی وجه آخر مباین للروایتین فی کثیر من الفقرات و أورده فی تعقیب صلاه الفجر و لم أطلع بعد علی روایته و کذا أورد دعاء الاعتقاد أیضا فی هذا الموضع و لم أر فیما عندنا من الروایات تخصیصه بالتعقیب و لا بالصباح و المساء و لذا لم نورده هاهنا.

**[ترجمه]«الفتق»، یعنی شکافتن؛ و «الرتق» ضد آن است؛ و این دو کنایه از استوار کردن کارها و گسستن آنها هستند. «الظاهر»، یعنی کسی که بالاتر از هر چیزی ظاهر شود و بر آن برتری یابد؛ و گفته شده است: او کسی است که از طریق استدلال‌های عقلی، آنچه را که از آثار کارها و صفاتش برای آنها به وجود می‌آید، بشناسد. «الباطن» کسی است که از

دیـدگان آفریـدگان و خیال آنها پوشـیده است. و گفته شده است: او کسـی است که به آنچه در درون قرار دارد، آگاه است. وقتی گفته می‌شود: «بطنت الأمر»، یعنی درون آن را شناختی؛ دو معنی دومی مناسب‌تر هستند.

«یا سابقَ الأشـیاء بنفسه»، یعنی با هستی خودش بر آنها پیشـی گرفته است، نه اینکه در زمانی با آن مقارن باشد، و پیشـی گرفته باشـد؛ پس همراه آن - موجـود و علاـوه بر ایـن - قـدیم می‌شـود؛ یـا اینکه علت برای آن است، بـدون اینکه از دیگری یـاری بخواهـد. یا در ذات بر آنها پیشـی گرفته و از این رو درک او بر آفریـدگان ممکن نیست. یا اینکه نمی‌توانند به او زیان یا بدی برساننـد. «المُثلی»، یعنی برتری. «له المثلُ الأعلی»، یعنی صـفت والاتر، که همان وجوب ذاتی بی‌نیازی مطلق است، و منزه بودن از ویژگی‌های آفریـدگان؛ و گفته شده است منظور از آن، مثالی است که به حق زده شده است، به دلیل این کلام خدای منزه و والامرتبه که فرموده است: «و مَثَلُ نورِه»، - . النور/ ۳۵ - {مَثَلِ

نور او.} و مانند آن. «أقوال العادین»، یعنی کسانی که دیگری را با خدا همانند قرار می‌دهند؛ وقتی گفته می‌شود: «عدلوا بالله»، یعنی به خدا شرک ورزیدند و برای او همانند قرار دادند.

«یـا رب العین و الأـثر»، یعنی گوهرهـا و عرض‌هـا، یـا همچنین اعمـال، با در نظر گرفتن توفیق و عـدم توفیق؛ همان طور که در مورد «البحث و النظر»، سـزاوار است چنین گفته شود. در النهـایه گفته است: «المُقیت»، همـان نگاه دارنـده است، و گفته شـده است: یعنی مقتدر، و گفته شده است: یعنی کسـی که روزی آفریدگان را می‌دهد، و از واژه «أقاته، یقیته» است، یعنی وقتی که غذایش را بدهد و در لغت، «قاته، یقوته» است؛ «أقاته» همچنین به معنای حفظ کردن هم است. «بغیر مکاثَره»، یعنی از سـربازان و یاران. و گفته می‌شود: «شـرد البعیر، و هو شارد»، یعنی رمیـدن. «الـدّرء»، یعنی دور کردن. «الـداجی»، یعنی تاریک. «الأبراج» جمع برج با فتحه حروف، همان روشـنی آشـکار و مشخص است؛ یا جمع «البرج» با ضمه، برگرفته از «بروج السماء» است. ولی اولی آشکارتر است.

«و الفـجّ»، یعنی راه گشاد بین دو کوه. «نجوم منوّره»، و در بعضـی نسـخه‌ها «تمور»، یعنی موج می‌زند و متلاطم است. «المهاد»، یعنی زمین. «الموضوع» مخالف برداشـته شده، است. «الرکام» با ضمه، توده ریگ که قسمتی از آن بر روی قسمت دیگر انباشته شـده باشـد؛ و ابر متراکم. «المصـیف»، یعنی جـایی که در تابسـتان در آنجا اقامت شود؛ و شایـد از باب وسـعت دادن، بر زمان تابستان اطلاق شده باشد؛ و در بعضی نسخه‌ها «وصیف» آمده است که آشکارتر است.

«الیانع»، میوه‌ای که وقت چیدنش رسیده است، و «القَطیف» همان چیده شده است. «الماضی»، یعنی کسی که فوت کرده است. «الخلیف»، کسـی که پشت سـر او آید و به جای او بنشیند. «الّتی حضَّ علیها»، - . در متن دعا این گونه آمده است: «حضَّ علی العمل بها»، {بر بکار بستن آن تشویق نمود.} -

یعنی در حـد آن تلاش کرد و بر متصف شـدن به آن تشویق کرد. «تزلف»، یعنی نزدیک گردانی. «و قـد أکـدَی الطّلب»، یعنی دشوار و ناممکن شـد و بریـده گشت. «أعیت الحیل»، یعنی خسـته کرد و سود نرسانیـد. «درست»، بر وزن فعل معلوم یا مجهول خوانده می‌شود؛ جوهری گفته است: «درس الشیء، یدرس، دروساً»، یعنی از بین رفت؛ «درسته الریح»، گاهی متعدی می‌آید و گاهی متعـدی نمی‌آید. «المنهل»، یعنی چشـمه آب که شترها در چمنزار بر آن وارد می‌شوند. «أترعت الاناء»، آن را پر کردی؛

این دو را جوهری ذکر کرده و گفته است: «لی عن هـذا الأمر مندوحه»، یعنی گشایش. و گفته است: «استأثر فلان بالشیء»، با آن خودکامگی کرد. «و درکاً»، یعنی از باب تدارک و جبران کردن.

«من حیـل المؤاربین»، یعنی نیرنـگ‌بازان؛ و «المؤاربه»، فریفتن و با همـدیگر مکر و حیله نمودن؛ آوردن و نیاوردن همزه در آن جـایز است. «العین» کنـایه از لطـف و تـوجه است. «الهوّه»، گودی عمیق. «الطویّه»، یعنی درون. «المنیـخ»، یعنی اقـامت گزیـده. «الفناء» با کسره، فضای پیرامون خانه، و در سخن استعاره به کار رفته است.

«و إذا أضبّت»، درست‌تر این است که با حرف ضاد و باء دارای تشدید خوانده شود؛ جرزی در سخنی گفته است: «فلما أضبّوا علیه»، یعنی زیاد کردند؛ «أضـبّوا» زمانی گفته می‌شود که به صورت پی در پی سخن بگویند، و نیز هنگامی که همگی در باره کاری به پا خیزند. پایان. و در بیشتر نسـخه‌های دعا، به صورت «صبّت»، که صیغه مجهول از «الصبّ» است به کار رفته است و کنایه از فراوانی است.

آنچه ما ذکر کردیم، از نظر معنی مناسب‌تر است و در نسخه‌های قدیمی همین گونه یافتیم.

«و إذا تلاحکت»، یعنی وارد کردی و به من چسباندی. کفعمی گفته است: - . البلد الامین: ۳۸۲–۳۸۷ (بدون شرح در حاشیه) – یعنی بر من پیوست و بر من سخت کرد. «اللحک»، یعنی داخل کردن چیزی در چیز دیگر و چسباندن به آن.

«و أحضـر من عدیدی»، از کسانی که او را از یارانم به شـمار می‌آورم؛ یا از کسانی که از قبیله و گروه من به شـمار می‌آید؛ یا قبل از حاضـر شدن حریف و دشمن من حاضر کن. فیروزآبادی گفته است: «العدّ» یعنی شمردن، و اسم عدد است، و «العدید»، یعنی هماننـد و حریف، و من القوم: کسـی که در آنهـا به شـمار می‌رود. پایـان. در المصباح المنیر گفته است: «هو عدیـدُ بنی فلان»، یعنی در آنها به شما می‌آید.

«و أوجدُ فی مَعقولی» در دیگر کتـاب‌های دعا، «و أوجـدُ فی مکانی و أصحُّ فی مکانی» آمـده است که شایسته‌تر و درست‌تر است، یعنی تو را در هر مکـانی می‌یـابم و غیر تو را نمی‌یـابم، مگر در بعضـی وقت‌هـا، و متوسل شـدن به تو، عقلاً درست‌تر از یاری خواستن از غیر توست، چون قدرت کامل و رحمت و بزرگواری فراوان داری. «الخصاصه»، یعنی نیاز.

«توسّـمت بالـذلّه»، به صـیغه معلوم، از «الوسم»، به معنی داغ زدن و نشـان‌دار کردن؛ یعنی بر من علامـت بنـدگی و خواری زده شـده اسـت. متعـارف در آن «اتّسـمت» به صـیغه مجهـول از «التـوسّم» است؛ وقـتی گفته می‌شـود: «توسـمت فیه الخیر»، یعنی با هوشـیاری دریافتی. شـیخ بهایی – که خـدا بر او رحمت کند – گفته است: یعنی با آن شـناسانده شدی؛ و شاید با اولی تناسـب بیشتری داشـته باشـد. «فامسح ما بی»، یعنی پاک کن و نابود کن. «و لا تخلّنی» با تشدیـد، از «التخلیه» گرفته شده است. و گفته شـده است: ممکن است منظور از «یـد»، نعمت باشـد و «لا تخلنی» بدون تشدید حرف لام خوانده شود، یعنی مرا تهی از نعمت خودت قرار مده. موارد بعدی روشن است .

«و لا ـ تَترُکنی لقـاً»، یعنی چیز انـداخته شـده و رهـا شـده برای دشـمن تو یا شـیطان که هر گونه بخواهـد، در آن تصرف کنـد. جوهری گفته است: «اللقا» با فتحه، یعنی چیزی که به خاطر بی‌ارزشـی انـداخته شده باشد؛ و در النهایه گفته است: «اللقا»، یعنی

انـداخته شـده در زمین. حـدیث حکیم بن حزام از این گونه است که گفته است: «و أخذت ثیابها فجعلت لقا»، یعنی لباس او را گرفتم و آن را انـداختم؛ و گفته شـده است: اللقـا در اصـل این است که آنـان موقع طواف لبـاس‌های خود را در می‌آوردنـد و می‌گفتنـد: در لباسـی که خـدا را نافرمـانی کرده‌ایم، طواف نمی‌کنیم، پس آنهـا را از خودشان دور می‌انداختنـد و آن لباس را «لقا» می‌نامیدنـد و وقتی اعمال خود را به پایان می‌رساندنـد، آن لباس را بر نمی‌داشـتند و به حالت انداخته شده رها می‌کردند. کفعمی آن را «لفـاً»، با حرف فاء خوانـده و گفته است: عبارت: «و لا تترکنی لفاء» یعنی بی‌ارزش و پست، و این مثلی است که عرب‌ها می‌گویند: «قد رضی من الوفاء باللفاء» که به صورت کوتاه و کشیده خوانده می‌شود. این را شرح کننده الدّریدیّه گفته اسـت؛ و هر کس آن را «لقی» بخوانـد، انـداخته شـده بی ارزش را اراده کرده اسـت. پایـان. جـوهری گفته است: «اللفـا»، یعنی فرومایه یک چیز، و هر چیزی که بی ارزش و پست باشد، لفا است.

**[ترجمه]

«۶۸»

المهـج، [مهـج الدعوات] عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْفَقِیهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنِ السَّیِّدِ أَبِی الْبَرَکَاتِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَـیْنِ الْحُسَـیْنِیِّ عَنِ الصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ بَـابَوَیْهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَـعِیدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَطَّانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

ص: ۳۲۲

إِدْرِيسَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ رُشَيْدٍ وَ الْوَلِيدِ بْنِ شُجَاعٍ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: أَعْطَتْنِي فَاطِمَةُ عليها السلام رُطَباً لَا عَجَمَ لَهُ وَ قَالَتْ هُوَ مِنْ نَخْلٍ غَرَسَهُ اللَّهُ لِي فِي دَارِ السَّلَامِ بِكَلَامٍ عَلَّمَنِيهِ أَبِي مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله كُنْتُ أَقُولُهُ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ عَلِّمِينِي الْكَلَامَ يَا سَيِّدَتِي فَقَالَتْ إِنْ سَرَّكَ أَنْ لَا يَمَسَّكَ أَذَى الْحُمَّى مَا عِشْتَ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَوَاظِبْ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ فَقُلْتُ عَلِّمِينِي هَذَا الْحِرْزَ فَقَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْكُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ قَالَ سَلْمَانُ فَتَعَلَّمْتُهُنَّ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُهُنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ نَفْسٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ وَ مَكَّهَ مِمَّنْ بِهِمْ عِلَلُ الْحُمَّى فَكُلٌّ بَرَأَ مِنْ مَرَضِهِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]در بیشتر نسخه‌ها با حرف قاف ثبت شده است و همین درست‌تر است.

«إنّها لَیست بِنُکرٍ»، یعنی ناشناس و دور شمرده نیست. «و لا ببدع»، منظور این است که بخششی که همراه آن به هیچ کسی نیاز نباشد، چیز تازه و شگفت آوری که نمونه نداشته باشد، نیست. شیخ بهایی - که خدا بر او رحمت فرستد - گفته است: «من ولایتک» با فتحه واو، یعنی از مدد رسانی و یاری تو. «اللّهمّ ارفَع بفضلک سَقطَتی»، یعنی مرا از افتادگی یا افتادنم بر زمین بلند کن؛ و اسناد در اینجا به صورت مَجاز است.

**[ترجمه]

«۶۹»

المهج (۲)، [مهج الدعوات] رَوَى عِيسَى بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ عَبْدٍ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ غُدْوَةٍ إِلَّا كَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ إِلَى وَقْتِهِ وَ كُفِيَ كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ حُزْنٍ وَ كَرْبٍ وَ هُوَ لِلدُّخُولِ عَلَى السُّلْطَانِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَادْعُوا بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ فَإِنْ دَعَا بِهِ مَحْزُونٌ فُرِّجَ عَنْهُ وَ إِنْ دَعَا بِهِ مَحْبُوسٌ فُرِّجَ عَنْهُ وَ بِهِ تُقْضَى الْحَوَائِجُ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْعُوَ بِهِ عَلَى أَحَدٍ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ مِنَ السَّهْمِ النَّافِذِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اكْشِفْ كَرْبِي وَ هَمِّي فَإِنَّهُ

۱- ۱. مهج الدعوات: ۶- ۹.

۲- ۲. مهج الدعوات: ۲۰۸.

لَا یَکْشِفُ الْکَرْبَ الْعَظِیمَ إِلَّا أَنْتَ فَقَدْ تَعْرِفُ حَالِی وَ حَاجَتِی وَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی فَاکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ اللَّهُمَّ بِنُورِکَ اهْتَدَیْتُ وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْتُ وَ فِی نِعْمَتِکَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ ذُنُوبِی بَیْنَ یَدَیْکَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ حِلْمِکَ لِجَهْلِی وَ مِنْ فَضْلِکَ لِفَاقَتِی وَ مِنْ مَغْفِرَتِکَ لِخَطَایَایَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّکْرَ عِنْدَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَخْشَاکَ إِلَی یَوْمِ أَلْقَاکَ حَتَّی کَأَنَّنِی أَرَاکَ اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَذْکُرَکَ لَا أَنْسَاکَ لَیْلًا وَ لَا نَهَاراً وَ لَا صَبَاحاً وَ لَا مَسَاءً آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ ابْنُ أَمَتِکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ عَدْلٌ فِیَّ قَضَاؤُکَ مُجْزَلٌ فِیَّ فَضْلُکَ وَ عَطَاؤُکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِی کِتَابِکَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِیعَ قَلْبِی وَ نُورَ بَصَرِی وَ جَلَاءَ حُزْنِی وَ ذَهَابَ هَمِّی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا أَکْبَرَ مِنْ کُلِّ کَبِیرٍ یَا مَنْ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ لَا وَزِیرَ یَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِیرِ یَا عِصْمَهَ الْخَائِفِینَ یَا جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ یَا مُغِیثَ الْمَظْلُومِ الْحَقِیرِ یَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِیرِ وَ یَا مُغْنِیَ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ وَ یَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْکَسِیرِ یَا مُطْلِقَ الْمُکَبَّلِ الْأَسِیرِ یَا قَاصِمَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ یُسْراً وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ اللَّهُمَّ إِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّی اللَّهُمَّ إِنَّکَ مُحْسِنٌ فَأَحْسِنْ إِلَیَّ اللَّهُمَّ إِنَّکَ رَحِیمٌ تُحِبُّ الرَّحْمَهَ فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ إِنَّکَ لَطِیفٌ تُحِبُّ اللُّطْفَ فَالْطُفْ بِی یَا مُقِیلَ عَثْرَتِی وَ یَا رَاحِمَ عَبْرَتِی وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَتِی أَسْأَلُکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ وَ أَعُوذُ

بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ یَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ اغْفِرْ لِی عِلْمَکَ فِیَّ وَ شَهَادَتَکَ عَلَیَّ فَإِنَّکَ تَسَمَّیْتَ لِسَعَهِ

رَحْمَتِکَ الرَّحْمَنَ الرَّحِیمَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الثَّبَاتَ فِی الْأَمْرِ وَ الْعَزِیمَهَ عَلَی الرُّشْدِ وَ أَسْأَلُکَ شُکْرَ نِعْمَتِکَ وَ أَسْأَلُکَ حُسْنَ عِبَادَتِکَ وَ أَسْأَلُکَ قَلْباً سَلِیماً وَ لِسَاناً صَادِقاً وَ أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ مَا أَعْلَمُ وَ مِنْ خَیْرِ مَا لَا أَعْلَمُ إِنَّکَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ: اللَّهُمَّ بِکَ أَصْبَحْنَا وَ بِکَ أَمْسَیْنَا وَ بِکَ نُصْبِحُ وَ بِکَ نُمْسِی وَ بِکَ نَحْیَا وَ بِکَ نَمُوتُ وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ وَ إِلَیْکَ النُّشُورُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً- أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ اللَّهُمَّ اطْمِسْ عَلَی أَبْصَارِ أَعْدَائِنَا کُلِّهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ اجْعَلْ عَلَی بَصَرِهِ غِشَاوَهً وَ اخْتِمْ عَلَی قَلْبِهِ وَ أَخْرِجْ ذِکْرِی مِنْ قَلْبِهِ وَ اجْعَلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَدُوِّی حِجَاباً وَ حِصْناً مَنِیعاً لَا یَرُومُهُ سُلْطَانٌ وَ لَا شَیْطَانٌ وَ لَا إِنْسٌ وَ لَا جِنٌّ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِیذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَیْهِ فَاکْفِنِیهِ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ بِکَ الْمُسْتَغَاثُ وَ إِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَدْرَ یَوْمِی هَذَا فَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ صَلَاحاً وَ آخِرَهُ نَجَاحاً اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی صَدْرِ جَمِیعِ بَنِی آدَمَ وَ حَوَّاءَ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ الْمَرَدَهِ رَأْفَهً وَ رَحْمَهً خَیْرُهُمْ بَیْنَ أَعْیُنِهِمْ وَ شَرُّهُمْ تَحْتَ أَقْدَامِهِمْ وَ بِاللَّهِ أَسْتَعِینُ عَلَیْهِمْ أَنْ یَفْرُطَ عَلَیَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ أَنْ یَطْغَی عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی الْخَیْرَ کُلَّهُ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی آلَائِهِ وَ أَحْمَدُهُ عَلَی نَعْمَائِهِ وَ أَشْکُرُهُ عَلَی آلَائِهِ وَ أُومِنُ بِقَضَائِهِ الَّذِی لَا هَادِیَ لِمَنْ أَضَلَّ وَ لَا خَاذِلَ لِمَنْ نَصَرَ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ الْمُصْطَفَى وَ أَمِينُهُ الْمُرْتَضَى انْتَجَبَهُ وَ حَبَاهُ وَ اخْتَارَهُ وَ ارْتَضَاهُ صلى الله عليه و آله.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَاناً صَادِقاً لَيْسَ بَعْدَهُ كُفْرٌ وَ رَحْمَةً أَنَالُ بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ تَمَّ نُورُكَ رَبِّي فَهَدَيْتَ وَ عَظُمَ حِلْمُكَ رَبِّي فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَجْهُكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جَاهُكَ أَفْضَلُ الْجَاهِ وَ عَطِيَّتُكَ أَرْفَعُ الْعَطَايَا وَ أَهْنَؤُهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ تَشَاءُ تُجِيبُ دَعْوَهَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ وَ تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا يُحْصَى نَعْمَاءَكَ أَحَدٌ رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً أَبَداً لَا يُحْصَى عَدَدُهُ وَ لَا يَضْمَحِلُّ سَرْمَدُهُ حَمْداً كَمَا حَمِدَكَ الْحَامِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّصِيبَ الْأَوْفَرَ مِنَ الْجَنَّهِ وَ أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الْعَافِيَهَ وَ الْبُشْرَى عِنْدَ انْقِطَاعِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَقْوَى لَا تَنْفَدُ وَ فَرَجاً لَا يَنْقَطِعُ وَ تَوْفِيقَ الْحَمْدِ وَ لِبَاسَ التَّقْوَى وَ زِينَهَ الْإِيمَانِ وَ مُرَافَقَهَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فِي أَعْلَى جَنَّهِ الْخُلْدِ يَا بَارِئُ لَا بَدْءَ لَهُ يَا دَائِمُ لَا نَفَادَ لَهُ يَا حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى يَا قَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الْعَافِيَهَ وَ الْغِنَى وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْ ءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْ ءٍ وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْ ءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْ ءٌ وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْ ءٍ وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَبِيدُ لَهُ كُلُّ شَيْ ءٍ وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْ ءٍ أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ وَ تَمْحُوَ عَنِّي كُلَّ خَطِيئَهٍ وَ أَنْ تُوَفِّقَنِي لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَ أَنْ تَكْفِيَنِي مَا هَمَّنِي وَ مَا غَمَّنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَنْ تَرْزُقَنِي عَمَلَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱).

۱- ۱. مهج الدعوات: ۲۱۲.

**[ترجمه]این دعا به صورت مبسوط‌تر در کتاب دعا خواهد آمد، ولی اختصاصی به صبح و شام ندارد. شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - این دعا را در مفتاح الفلاح به گونه دیگری که مخالف با دو روایت در بیشتر بندها است، ذکر کرده، و در قسمت تعقیبات نماز صبح آورده است و من دیگر به روایت او آگاهی نیافتم. همچنین دعای الاعتقاد را نیز همین گونه و در همین قسمت آورده است و من در روایاتی که پیش ما وجود دارد، اختصاص داشتن آن به تعقیب و یا به صبح و شام را ندیدم و از این رو در اینجا نیاوردیم.

**[ترجمه]

بیان

فی القاموس أوزعنی الله ألهمنی من أن یفرط أی یعجل علی بالعقوبه من فرط إذا تقدم و منه الفارط أو أن یطغی أی یزداد طغیانا عز جارک أی من أمنته فهو عزیز غالب و جل ثناؤک عن أن یأتی به أحد کما تستحقه و حباه أی أعطاه ما أعطاه من النبوه و الکمالات و الانتجاب و الاختیار و الارتضاء متقاربه المعانی.

تبارکت أی تکاثر خیرک من البرکه و هو کثره الخیر أو تزایدت عن کل شی ء و تعالیت عنه فی صفاتک و أفعالک فإن البرکه تتضمن معنی الزیاده أو دمت من بروک الطیر علی الماء و منه البرکه لدوام الماء فیها و لباس التقوی أی اللباس الذی به یتقی من عذاب الله إشاره إلی قوله سبحانه وَ لِباسُ التَّقْوی ذلِکَ خَیْرٌ(۱) و فسر بخشیه الله أو الإیمان و قیل السمت الحسن و یحتمل هنا أن یکون الإضافه للبیان کما فی تالیه و یحتمل أن یکون المراد فیه زینه الإیمان بالأعمال الصالحه یا قائم علی کل نفس أی الرقیب علیهم بما کسبت من خیر أو شر لا یخفی علیه شی ء من أعمالهم و لا یفوت عنده شی ء من جزائهم و لا یقوم لها شی ء أی لا یقدر علی معارضتها و لا یقاومها شی ء و فی القاموس همه الأمر حزنه کأهمه.

**[ترجمه]المهج: سلمان فارسی - که خدا از او خشنود باد - در یک حدیث طولانی گفته است: فاطمه علیها السلام خرمایی به من داد که هسته نداشت، و فرمود: این از درخت خرمایی است که خداوند در دارالسلام - به خاطر کلامی که پدرم محمد صلی الله علیه و آله به من آموخته است و من آن را هر صبح و شام می گویم - برایم کاشته است. - سلمان گفته است: - گفتم: ای بانوی من، آن کلام را به من بیاموز؛ فرمود: همانا اگر خوشحالت می کند که تا زمانی که در دنیا زندگی می کنی، آزار تب به تو نرسد؛ پس بر آن مواظبت کن و همیشه بخوان. - سلمان گفته است: - گفتم: پس این حرز را به من بیاموز؛ فرمود:

{به نام خدای بخشنده مهربان، به نام خدای نور، به نام خدای نور نور، به نام خدای نور بر نور، به نام خدایی که تدبیرگر امور است، به نام خدایی که نور را از نور آفرید، و نور را در کوه طور فرو فرستاد، در کتابی بر نوشته، در ورقه ای گشوده، با اندازه ای درخور، بر پیامبری آراسته، سپاس خدایی را که به عزّت یاد شود، و به عظمت مشهور است، و بر شادی و بدحالی سپاسگزاری شود، و درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان پاکش.}

سلمان گفته است: پس آنها را یاد گرفتم، و به خدا سوگند که آن را به بیش از هزار نفر از کسانی که بیماری تب داشتند، از

اهل مدینه و مکه آموختم، پس همه آنها به اذن خدا از بیماری بهبودی پیدا کردند. - . مهج الدعوات: ۶-۹ -

**[ترجمه]

«۷۰»

مَجْمُوعُ الدَّعَوَاتِ، وَ الْمُهَجُ (۲)، [مُهَجُ الدَّعَوَاتِ]: دُعَاءُ الِاحْتِرَازِ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ التَّحَصُّنِ عَنِ الْأَسْوَاءِ بِعَزَائِمِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُقَالُ ذَلِكَ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا لِمَوْلَانَا سَيِّدِ الْعَابِدِينَ علیه السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ غَالِبُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ بِهِ يَغْلِبُ الْغَالِبُونَ وَ مِنْهُ يَطْلُبُ الرَّاغِبُونَ وَ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ وَ بِهِ يَعْتَصِمُ الْمُعْتَصِمُونَ وَ يَثِقُ الْوَاثِقُون وَ يَلْتَجِئُ الْمُلْتَجِئُونَ وَ هُمْ حَسْبُهُمْ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

۱- ۱. الأعراف: ۲۶.

۲- ۲. مهج الدعوات: ۲۰۲.

احْتَرَزْتُ بِاللَّهِ وَ احْتَرَسْتُ بِاللَّهِ وَ لَجَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَ اسْتَجَرْتُ بِاللَّهِ وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَ امْتَنَعْتُ بِاللَّهِ وَ اعْتَزَزْتُ بِاللَّهِ وَ قَهَرْتُ بِاللَّهِ وَ غَلَبْتُ بِاللَّهِ وَ اعْتَمَدْتُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَتَرْتُ بِاللَّهِ وَ حُفِظْتُ بِاللَّهِ وَ اسْتَحْفَظْتُ بِاللَّهِ خَيْرِ الْحَافِظِينَ وَ تَكَهَّفْتُ بِاللَّهِ وَ حُطْتُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ إِخْوَانِي وَ كُلَّ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللَّهِ الْحَافِظِ اللَّطِيفِ وَ اكْتَلَأْتُ بِاللَّهِ وَ صَحِبْتُ حَافِظَ الصَّاحِبَيْنِ وَ حَافِظَ الْأَصْحَابِ الْحَافِظِينَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِي مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ نَجَا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ- وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَقُولُ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ تَقُولُ وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ كَثِيراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا يَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا يَسْمَعُونَ بِها أُولئِكَ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ- سَواءٌ عَلَيْكُمْ أَ دَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صامِتُونَ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِها أَمْ لَهُمْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها- إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ- وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ- أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ- إِنَّا جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً- فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسى قُلْنا لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى وَ أَلْقِ ما فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ ما صَنَعُوا إِنَّما

صَنَعُوا كَيْدُ ساحِرٍ وَ لا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتی- أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها فَإِنَّها لا تَعْمَی الْأَبْصارُ وَ لكِنْ تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ طسم تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ- قالَ أَ وَ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْ ءٍ مُبِينٍ قالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ فَأَلْقی عَصاهُ فَإِذا هِيَ ثُعْبانٌ مُبِينٌ وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذا هِيَ بَيْضاءُ لِلنَّاظِرِينَ- قالَ كَلَّا إِنَّ مَعِي رَبِّي سَيَهْدِينِ- يا مُوسی لا تَخَفْ إِنِّي لا يَخافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ- اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- يا مُوسی أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ- قالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ- وَ لَقَدْ مَنَنَّا عَلی مُوسی وَ هارُونَ وَ نَجَّيْناهُما وَ قَوْمَهُما مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ نَصَرْناهُمْ فَكانُوا هُمُ الْغالِبِينَ- وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِتُصْنَعَ عَلی عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلی مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْناكَ إِلی أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْساً فَنَجَّيْناكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فُتُوناً- وَ حَرَّمْنا عَلَيْهِ الْمَراضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلی أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ ناصِحُونَ فَرَدَدْناهُ إِلی أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ- وَ قالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنا مَكِينٌ أَمِينٌ- إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَی اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلی صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱).

**[ترجمه]المهج: - . مهج الدعوات: ۲۰۸ - امام باقر علیه السلام از پدرش و او از جدش نقل کرده که فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که هر صبح این دعا را بخواند، جز اینکه تا صبح دیگر در امان خدا باشد، و در برابر هر اندوه و غصه و سختی و ناراحتی کفایت شود، و این برای وارد شدن بر فرمانروا، و امان یافتن از شیطان است؛ پس هنگام سختی‌ها با این دعا کنید، که اگر شخص نارحت با این دعا کند، ناراحتی‌اش از بین می‌رود، و اگر زندانی این دعا را بخواند، آزاد می‌گردد، و با آن نیازها برآورده می‌شود، و مواظب باش این دعا را بر زبان کسی نخوانی که از هر تیری زودتر نفوذ می‌کند.

و آن دعا، این است: {به نام خدای بخشنده مهربان؛ خدایا، ای فریادرس گرفتاران، ای اجابت کننده دعای درماندگان، ای برطرف کننده گرفتاری بزرگ، ای مهربان‌ترین مهربانان، گرفتاری و اندوه مرا برطرف کن، به راستی که هیچ کسی جز تو، گرفتاری بزرگ را برطرف نمی‌کند، بی‌تردید حال و خواسته مرا، و ناداری و تهیدستی مرا می‌دانی، پس آنچه را از کار دنیا و آخرت مرا نگران می‌سازد، با بخشش و بزرگواری خودت برایم بسنده باش.

خدایا، با نور تو هدایت شدم، و با بخشندگی تو به توانگری رسیدم، و در نعمت تو صبح کردم و شام کردم، گناهان من پیش روی توست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم؛ خدایا، برای نادانی خودم از بردباری تو، و برای تهیدستی خودم از بخشش تو، و برای اشتباهاتم از آمرزش تو درخواست می‌کنم؛ خدایا، از تو شکیبایی هنگام گرفتاری، و سپاسگزاری هنگام فراخی را درخواست دارم؛ خدایا، مرا تا روزی که تو را دیدار کنم، نسبت به خودت بیمناک قرار ده، به گونه‌ای که گویا تو را می‌بینم.

خدایا، بر دلم افکن که تو را یاد کنم، و نه در شب و نه در روز، و نه در صبح و نه در شام، تو را فراموش نکنم؛ اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

خـدایا، من بنـده تـو و زاده کنیز تـو هسـتم، اختیـار من به دست توست، حکم تو بر من روان، و داوری تو بر من عادلانه است، بخشـش و عطـای تو در مورد من بسـیار فراوان است؛ خـدایا، با هر اسـمی که تو خودت را با آن نامیـده‌ای، یا آن را در کتابت فرود آورده‌ای، یا آن را به کسـی از آفریـدگانت آموخته‌ای، یا آن را در علم غیب خودت پیش خود و برای خودت برگزیده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرآن را بهار دلم، و نور دیده‌ام، و زداینده ناراحتی‌ام، و از بین برنده اندوهم قرار دهی؛ خدایا، ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، ای کسی که نه شریکی دارد و نه وزیری، ای آفریدگار خورشـید و ماه تابان، ای حافظ بیمناکان، ای پناه دهنـده به پناهنـدگان، ای مددکار بینوای تهیدست، ای ترمیم کننده اسـتخوان شکسـته، ای آزاد کننده اسیر بازداشته شده، ای در هم شکننده هر زورگوی ستیزه‌جو، برای من در کارم گشایش و برون رفت و آسـانی قرار ده، و مرا از جـایی که گمان می‌برم و از جایی که گمان نمی‌برم، روزی ده، به راستی که تو شـنوای دعا هستی، ای دارای شکوه و بزرگواری.

خـدایا، تو گذشت کننده هستی و گذشت کردن را دوست می‌داری، پس از من درگذر؛ خدایا، تو نیکی کننده هستی، پس بر من نیکی کن؛ خـدایا، تو بسـیار مهربـان هستی و مهربانی را دوست می‌داری، پس بر من مهربانی کن؛ خـدایا، تو لطف کننـده هسـتی و لطـف کردن را دوسـت می‌داری، پس بر مـن لطـف فرمـا؛ ای نادیـده گیرنـده لغزش من، و ای رحم کننـده بر اشـک چشمم، و ای اجابت کننده خواسته‌ام، تمام خوبی‌ها را از تو درخواست می‌کنم، و از تمام بدی‌ها که علم تو بر آن احاطه دارد، به تو پناه می‌آورم؛ ای فریادرس کسـی که هیچ فریادرسـی برای او وجود ندارد، ای ذخیره کسی که هیچ ذخیره‌ای برای وجود ندارد، ای تکیه‌گاه کسی که هیچ تکیه‌گاهی ندارد، آنچه را در مورد من می‌دانی و علیه من شاهد بوده‌ای، بر من ببخش، و تو به خاطر گستردگی رحمتت، خود را بخشنده و مهربان نامیده‌ای.

خدایا، از تو اسـتواری در کار، و اراده جدی در راه رشد را درخواست می‌کنم؛ و از تو سپاسـگزاری نعمتت را درخواست می‌کنم؛ و از تو بهـترین پرسـتش تو را درخواست می‌کنم؛ و از تو دلی پـاک، و زبـانی راسـتگو درخواست می‌کنم؛ و از تو خوبی آنچه را که می‌دانم و از خـوبی آنچه را که نمی‌دانم، درخـواست می‌کنم، که تـو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تـو بهـترین داننـده نهان‌ها هستی.

خدایا، به یاری تو صـبح کردیم و به یاری تو شب نمودیم، و به یاری تو صـبح می‌کنیم و به یاری تو شب می‌نماییم، و به یاری تو زندگی می‌کنیم و به قدرت تو می‌میریم، و بر تو توکل می‌کنم، و رسـتاخیز به سوی توست، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خـدای والامرتبه بزرگ نیست، و گـواهی می‌دهم که هیـچ خـدایی جز الله وجود نـدارد، یگـانه بی‌نیـاز است و هیـچ همسـر و فرزنـدی اختیـار نکرده است. «پس آیـا دیـدی کسـی را که هـوس خـویش را معبـود خود قرار داده و خـدا او را دانسـته گمراه گردانیـده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیـده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خـدا چه کسـی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟»

خدایا، دیدگان دشـمنان ما از جن و انسان، همه را از بین ببر، و بر دیده‌اش پرده‌ای قرار ده، و بر دلش مُهر بزن، و یاد مرا از دل او بیرون آر، و بین من و دشـمنم پرده و پوشـش محکمی قرار ده که هیچ سلطه‌گر و شیطانی، و هیچ انسان و جنی نتواند آن را بدرد.

خـدایا، به یاری تو بر سـینه او می‌تازم، و از بـدی رساندن او به تو پناه می‌آورم، و در برابر او از تو یاری می‌خواهم، پس مرا در برابر او، آن گـونه که خـود می‌خـواهی و از هرجـا که می‌خـواهی، کفـایت نمـا؛ خـدایا، سـتایش مخصوص توست و تو یـاری خواسته شده هستی، و فریادخواهی به تو، و دادخواهی به سوی توست، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.

خـدایا، آغاز این روزم را رسـتگاری، و میانه آن را نکویی، و پایان آن را موفقیت قرار ده؛ خدایا، در سـینه تمام فرزندان آدم و حوا و جن و انسـان و شـیطان و سـرکش‌هـا، برایم مهربـانی و رحمت قرار ده؛ تـا خوبی‌شـان میـان چشـمانشان و بـدی‌شـان زیر پاهایشـان باشـد؛ در برابر هر یـک از آنان که بر من زیاده روی کنـد یا سرکشـی نمایـد، از خـدا یاری می‌خواهم؛ پناه دادن تو شکوهمنـد است، و سـتایش تو بزرگ است، و هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، یگانه هستی و هیچ شـریکی برای تو نیست؛ بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرست، و همه خوبی‌هـایی که علم تو بر آن احاطه دارد، به من روزی ده، ای بسـیار مهربان، ای بسیار نعمت دهنده، ای دارنده شکوه و بزرگواری.

خـدا را به خـاطر موهبت‌هایش سـپاس باد؛ و او را به خاطر نعمت‌هایش سـتایش می‌کنم؛ و به خاطر موهبت‌هایش سـپاس می‌ـ گویم؛ و به قضای او ایمان می‌آورم، همان خـدایی که هر کسـی را گمراه کند، برای او هدایتگری نخواهد بود، و هر کسـی را یـاری کنـد، خـوار کننـده‌ای برایش نخواهـد بود؛ و گواهی می‌دهم که هیـچ خـدایی جز الله وجود نـدارد، یگـانه است، و هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمـد صـلی الله علیه و آله، بنـده و فرسـتاده برگزیده او، و امانتدار مورد رضایت اوست که او را گرامی داشت و بر او عطا بخشید و او را برگزید و مورد رضایت خودش قرار داد.

خـدایا، از تو ایمانی راستین که بعـد از آن کفری نباشد، و رحمتی که با آن به اوج بزرگواری‌ات در دنیا و آخرت دست یابم، درخواست می‌کنم؛ مبارک و والامرتبه گشـته‌ای ای پروردگار ما، نورت کامل گشت ای پروردگار من، پس هدایت کردی، و بردبـاری‌ات بزرگ گشت ای پروردگـار من، پس گـذشت کردی؛ پس سـتایش بـاد تـو را؛ صـورتت بزرگـوارترین صورت‌ها است، و منزلت تـو برترین منزلت‌هـا است، و بخشـش تـو والاـترین بخشـش‌هـا است، و گـواراترین آنهـا، اطـاعت می‌شـوی ای پروردگار ما، پس سپاسـگزاری می‌کنی؛ و نافرمانی می‌شوی ای پروردگار ما، پس برای کسـی که بخواهی، می‌آمرزی؛ دعای درمانده را آن هنگام که تو را بخواند، اجابت می‌کنی؛ و درماندگی را برطرف می‌کنی، و بیمار را شفا می‌دهی، و گناه بزرگ را می‌آمرزی، هیچ کسی نعمت‌های تو را به شماره نیاورد، پروردگار ما، پس سپاس باد تو را، سپاسی جاودانه که که تعداد آن به شماره نیاید، و جاودانگی‌اش از بین نرود، ستایشی آن گونه که ستایشگران از پیشینیان و پسینیان تو را ستوده‌اند.

خـدایا، بهره فراوان از بهشـت را از تـو می‌خـواهم، و از تـو هـدایت و پرهیزکـاری، و سـلامتی و بشـارت هنگـام بریـدن از دنیا درخواست می‌کنم؛ خدایا، از تو پرهیزکاری‌ای که پایان نپذیرد، و گشایشـی که بریده نگردد، و توفیق ستایش، و لباس تقوا، و آراسـتگی ایمـان، و همراهی پیامبرت محمـد صـلی الله علیه و آله در بالاترین درجه بهشت جاودان را درخواست می‌نمایم؛ ای آفریـدگاری که شـروعی برایش نبوده است، ای جاودانه‌ای که پایانی برایش نبوده است، ای زنده، ای زنده کننده مردگان، ای مراقب بر هر کس، با توجه به آنچه به دست آورده است، از تو هـدایت و پرهیزکاری، و سلامتی و توانگری، و موفق شـدن به انجام آنچه دوست داری و خشنود هستی، درخواست می‌کنم، ای مهربان‌ترین مهربانان .

خـدایا، از تـو به حق آن رحمتت که بر همه چیز گسـترده‌ای، و به آن عزتت که به وسـیله آن بر هر چیز چیره شـده‌ای، و به آن بزرگی‌ات که همه چیز در برابر آن خوار گشـته‌انـد، و به آن توانت که هیـچ چیز توان ایسـتادن در برابر آن را نـدارد، و به آن فرمـانروایی‌ات که بر هر چیز والاـ گشـته است، و به آن علمت که بر هر چیزی احـاطه یـافته است، و به آن اسـمت که همه چیز برای آن نابود می‌شود، و به جلوه پایـدارت که بعد از نابودی هر چیز باقی می‌ماند، و به نور جلوه‌ات که همه چیز با آن روشـن گردیـده‌انـد، از تو درخواست می‌کنم که هر گنـاهی که برای من وجود دارد بیامرزی، و هر اشـتباهی را از من بزدایی، و مرا به آنچه دوست می‌داری و مورد خشـنودی توست، موفق بـداری، و مرا در برابر آنچه در دنیا و آخرت انـدوهگین و ناراحتم می... دارد، بسـنده باشـی، و هر عمل خیری را که علم تو به آن احاطه دارد، به من روزی کنی؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان، و درود خدا بر آقای ما، محمد، فرستاده او، و بر خاندان پاک او.} - . مهج الدعوات: ۲۱۲ -

**[ترجمه]

إيضاح

تکهفت أی تحفظت و جعلت لنفسـی و اتخـذت ملجأ قـال الفیروزآبـادی الکهف کالبیت المنقور فی الجبل و الوزر و الملجأ و تکهف الجبل صار فیه

ص: ۳۲۹

۱- ۱. مهج الدعوات: ۲۰۴، و مجموع الدعوات للتلعکبری مخطوط.

كهوف انتهى و فى القرآن بعد قوله سبحانه يَسْمَعُونَ بِها قُلِ ادْعُوا شُرَكاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلا تُنْظِرُونِ إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ (١) فإما أن يكون عليه السلام أسقطها أو الكتاب أسقطوها و لا يبعد كون قراءته أولى و كذا قوله لا إله إلا الله فى المصاحف اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (٢).

**[ترجمه]در القاموس آمده است: «أوزعنى الله»، يعنى به دلم افكند. «مِن أن يَفرُطَ»، يعنى در كيفر دادن من شتاب ورزد، از «فرط» به معناى پيش گرفتن است و «الفارط» از همين واژه است. «أو أن يَطغى»، يعنى بر سركشى‌اش بيفزايد. «عزّ جارُک»، يعنى هر كسى را كه تو امان دهى، شكست ناپذير و پيروز خواهد بود. «و جلّ ثناؤک»، از اينكه كسى چيزى را كه سزاوار آن است، براى او پيش آورد. «حباه»، يعنى بخشيد، بخشش‌هايى از قبيل پيامبرى و كمالات - اخلاقى و معنوى -. «الانتجاب و الاختيار و الارتضاء» معانى نزديک به هم دارند.

«تباركتَ»، يعنى خير تو بيشتر شد، كه از «البركه» گرفته شده و به معنى فراوانى خير است؛ يا اينكه از هر چيزى افزون گشتى و «تعاليت»، يعنى از او در ويژگى‌ها و كارهايت والاتر گشتى؛ پس بركت دربرگيرنده معنى زيادى پيوسته است كه از «بروکُ الطَّير على الماء» گرفته شده و «البِركه»، به خاطر ماندن آب در آن، به اين ناميده شده است. «لباسُ التَّقوى»، يعنى لباسى كه با آن از عذاب خدا نگاه داشته مى‌شود، و به كلام خداى والامرتبه كه فرموده است: «و لباسُ التَّقوى ذلک خيرٌ»، - . الاعراف/ ۲۶ -

{بهترين جامه، [لباس] تقوا است.} اشاره دارد و به خشوع در برابر خدا يا ايمان تفسير شده است. «السَّمت»، يعنى نيكو، و احتمال دارد اضافه شدن در اينجا همانند مورد بعدى براى توضيح باشد، و احتمال دارد منظور از آن در اينجا، آراستگى ايمان با كارهاى نيک باشد. «يا قائمَ على كلِّ نفس»، يعنى مراقب آنها، با توجه به آنچه از خوبى و بدى به دست آورده‌اند، و چيزى از اعمال آنها بر او پوشيده نمى‌ماند و پيش او هيچ مقدار از سزاى آنها از بين نمى‌رود. «و لا يَقومُ لها شيء»، توان رودررويى با آن را ندارد و چيزى آن را مقاوم نمى‌گرداند. در القاموس آمده است: «هَمَّه الأمر»، يعنى او را ناراحت كرد، مانند «أهمَّه».

**[ترجمه]

«۷۱»

الْمُهَجُ (٣)، [مُهَجُ الدَّعَوَاتِ] أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي حَبِيبَةَ وَ خَلِيلُ بْنُ سَالِمٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ الْمُنْتَجَبِينَ وَ سَلَّمَ كَثِيراً قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ هَذَا الدُّعَاءَ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَحْتَفِظَ بِهِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ لِكُلِّ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ وَ أَنْ أُعَلِّمَهُ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ أَمَرَنِي أَنْ لَا أُفَارِقَهُ طُولَ عُمُرِي حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ قَالَ لِي تَقُولُ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِي هَذَا الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ قُلْتُ وَ مَا أَقُولُ قَالَ قُلْ هَذَا الدُّعَاءَ الَّذِي أَنَا ذَاكِرُهُ بَعْدَ تَفْسِيرِ ثَوَابِهِ فَلَمَّا فَرَغَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله قَالَ لَهُ أُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ الْأَنْصَارِيُّ فَمَا لِمَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ الْأَجْرِ وَ الثَّوَابِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ اسْكُنْ يَا أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ الْأَنْصَارِيَّ فَمَا يَقْطَعُ مَنْطِقَ قَوْلِ الْعُلَمَاءِ عَمَّا لِصَاحِبِ هَذَا الدُّعَاءِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي بَيِّنْ لَنَا وَ حَدِّثْنَا مَا ثَوَابُ هَذَا الدُّعَاءِ فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ قَالَ إِنَّ ابْنَ آدَمَ

يَحْرِصُ عَلَى مَـا يُمْنَعُ سَأَخْبِرُكَ بِبَعْضِ ثَوَابِ هَـٰذَا الـدُّعَاءِ أَمَّا صَاحِبُهُ حِينَ يَـدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَتَنَاثَرُ عَلَيْهِ الْبِرُّ مِنْ مَفْرِقِ رَأْسِهِ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ يُنْزِلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ السَّكِينَهَ وَ تَغْشَاهُ الرَّحْمَهُ وَ لَا

۱- ۱. الأعراف: ۱۹۶.

۲- ۲. النمل: ۲۶.

۳- ۳. مهج الدعوات: ۱۵۲.

يَكُونُ لِهَذَا الدُّعَاءِ مُنْتَهًى دُونَ عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَهُ دَوِيٌّ حَوْلَ الْعَرْشِ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ مَنْ دَعَا بِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اسْمُهُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ سُؤْلَهُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ مَنَحَهُ إِيَّاهُ يَا ابْنَ آدَمَ وَ يُنَجِّيهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يَصْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ ضِيقَ الصَّدْرِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ وَافَى صَاحِبَ هَذَا الدُّعَاءِ عَلَى نَجِيبَهٍ مِنْ دُرَّهٍ بَيْضَاءَ فَيَقُومُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ يَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِالْكَرَامَهِ كُلِّهَا وَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَبْدِي تَبَوَّأْ مِنَ الْجَنَّهِ حَيْثُ تَشَاءُ مَعَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْمَزِيدِ وَ الْكَرَامَهِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قُلُوبِ الْمَخْلُوقِينَ وَ لَا أَلْسِنَهِ الْوَاصِفِينَ.: فَقَالَ لَهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ زِدْنَا مِنْ ثَوَابِ هَذَا الدُّعَاءِ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ دُعِيَ بِهَذَا الدُّعَاءِ عَلَى مَجْنُونٍ لَأَفَاقَ مِنْ جُنُونِهِ مِنْ سَاعَتِهِ وَ لَوْ دُعِيَ بِهِ عِنْدَ امْرَأَهٍ قَدْ عَسُرَ عَلَيْهَا الْوَلَدُ لَسَهَّلَ اللَّهُ عَلَيْهَا خُرُوجَ وَلَدِهَا أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَهِ عَيْنٍ نَعَمْ يَا سَلْمَانُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا مِنْ عَبْدٍ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذَا الدُّعَاءِ أَرْبَعِينَ لَيْلَهً مِنْ لَيَالِي الْجُمَعِ خَالِصَهً إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَا كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْآدَمِيِّينَ وَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَبِّهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ يَا سَلْمَانُ مَا مِنْ أَحَدٍ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا أَخْرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ غُمُومَ الدُّنْيَا وَ هُمُومَهَا وَ أَمْرَاضَها نَعَمْ يَا سَلْمَانُ مَنْ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذَا الدُّعَاءِ أَحْسَنَهُ أَمْ لَمْ يُحْسِنْهُ ثُمَّ نَامَ فِي فِرَاشِهِ وَ هُوَ يَنْوِي رَجَاءَ ثَوَابِهِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْ هَذَا الدُّعَاءِ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْكَرُوبِيِّينَ وُجُوهُهُمْ أَحْسَنُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ لَيْلَهَ الْبَدْرِ

فَقَالَ لَهُ سَلْمَانُ أَ يُعْطِی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا الْعَبْدَ بِهَذَا الدُّعَاءِ كُلَّ هَذَا الثَّوَابِ فَقَالَ لَا تُخْبِرَنَّ بِهِ النَّاسَ حَتَّى أُخْبِرَكَ بِأَعْظَمَ مِمَّا أَخْبَرْتُكَ بِهِ فَقَالَ لَهُ سَلْمَانُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ تَأْمُرُنِی بِكِتْمَانِ ذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخْشَى أَنْ يَدَعُوا الْعَمَلَ وَ يَتَّكِلُوا عَلَى الدُّعَاءِ فَقَالَ سَلْمَانُ أَخْبِرْنِی يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ نَعَمْ أُخْبِرُكَ بِهِ يَا سَلْمَانُ إِنَّهُ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ كَانَ فِی حَيَاتِهِ قَدِ ارْتَكَبَ الْكَبَائِرَ ثُمَّ مَاتَ مِنْ لَيْلَتِهِ أَوْ مِنْ يَوْمِهِ بَعْدَ مَا دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذَا الدُّعَاءِ مَاتَ شَهِيداً وَ إِنْ مَاتَ يَا سُلَيْمَانُ عَلَى غَيْرِ تَوْبَةٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ بِكَرَمِهِ وَ عَفْوِهِ وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ وَ لَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ وَ الْبَاقِی بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ الْعَظِيمُ الرُّبُوبِيَّةِ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ فَاطِرُهُمَا وَ مُبْتَدِعُهُمَا بِغَيْرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا فَاسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِی السَّمَاوَاتِ الْعُلَى الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرى فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَ لَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ وَ لَا مُعِزَّ لِمَنْ أَذْلَلْتَ وَ لَا مُذِلَّ لِمَنْ أَعْزَزْتَ وَ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَ لَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَ لَا شَمْسٌ مُضِيئَةٌ وَ لَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ وَ لَا نَهَارٌ مُضِیءٌ وَ لَا بَحْرٌ لُجِّیٌّ وَ لَا جَبَلٌ رَاسٍ وَ لَا نَجْمٌ سَارٍ وَ لَا قَمَرٌ مُنِيرٌ وَ لَا رِيحٌ تَهُبُّ وَ لَا سَحَابٌ يَسْكُبُ وَ لَا بَرْقٌ يَلْمَعُ وَ لَا رُوحٌ يَتَنَفَّسُ وَ لَا طَائِرٌ يَطِيرُ وَ لَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ وَ لَا مَاءٌ يَطَّرِدُ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ كَوَّنْتَ كُلَّ شَیْ ءٍ وَ قَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ وَ ابْتَدَعْتَ كُلَّ شَیْ ءٍ وَ أَغْنَيْتَ وَ أَفْقَرْتَ وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ وَ أَضْحَكْتَ وَ أَبْكَيْتَ وَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ فَتَبَارَكْتَ يَا اللَّهُ وَ تَعَالَيْتَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ أَمْرُكَ غَالِبٌ وَ عِلْمُكَ نَافِذٌ وَ كَيْدُكَ

غَرِيبٌ وَ وَعْدُكَ صَادِقٌ وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ وَ كَلَامُكَ هُدًى وَ وَحْيُكَ نُورٌ وَ رَحْمَتُكَ وَاسِعَةٌ وَ عَفْوُكَ عَظِيمٌ وَ فَضْلُكَ كَثِيرٌ وَ عَطَاؤُكَ جَزِيلٌ وَ حَبْلُكَ مَتِينٌ وَ إِمْكَانُكَ عَتِيدٌ وَ جَارُكَ عَزِيزٌ وَ بَأْسُكَ شَدِيدٌ وَ مَكْرُكَ مَكِيدٌ [أَنْتَ يَا رَبِ] مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى وَ حَاضِرُ كُلِّ مَلَإٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ وَ فَرَجُ كُلِّ حَزِينٍ وَ غِنَى كُلِّ مِسْكِينٍ وَ حِصْنُ كُلِّ هَارِبٍ وَ أَمَانُ كُلِّ خَائِفٍ حِرْزُ الضُّعَفَاءِ كَنْزُ الْفُقَرَاءِ مُفَرِّجُ الْغَمَّاءِ مُعِينُ الصَّالِحِينَ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَكْفِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ جَارُ مَنْ لَاذَ بِكَ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ عِصْمَةُ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ مِنْ عِبَادِكَ نَاصِرُ مَنِ انْتَصَرَ بِكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنِ اسْتَغْفَرَكَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ سَيِّدُ السَّادَاتِ مَوْلَى الْمَوَالِي صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ مُنَفِّسٌ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ أَسْمَعُ السَّامِعِينَ أَبْصَرُ النَّاظِرِينَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ مُغِيثُ الصَّالِحِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ أَنْتَ السَّيِّدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الْغَافِرُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ وَ أَنْتَ الْحَلِيمُ وَ أَنَا الْعَجُولُ وَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ وَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى وَ أَنْتَ الْمُجِيبُ وَ أَنَا الْمُضْطَرُّ وَ أَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُعْطِي عِبَادَكَ بِلَا سُؤَالٍ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْفَرْدُ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ اسْتُرْ عَلَيَّ عُيُوبِي وَ افْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ رِزْقاً وَاسِعاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۱).

**[ترجمه]مجموع الدعوات و المهج: - . مهج الدعوات: ۲۰۲ -

دعایی از سرورمان زین العابدین علیه السلام برای دور ماندن از دشمنان و پناه یافتن از بدی‌ها با اراده خداوند، که بعد از طلوع آفتاب و هنگام غروب آن گفته می‌شود:

{به نام خدای بخشنده مهربان، با نام خدا، و با یاری خدا، و هیچ توانی نیست جز به سبب خدا، و هیچ غلبه کننده‌ای جز به سبب خدا، که بر همه چیز غلبه کرده است، وجود ندارد، و غلبه کنندگان با یاری او غلبه می کنند، و خواستاران از او درخواست می کنند، و توکل کنندگان بر او توکل می‌نمایند، و چنگ زنندگان به او چنگ می‌زنند، و اعتماد کنندگان اعتماد می کنند، و پناه آورندگان پناه می‌آورند، و او برای آنها بسنده است و خوب حمایتگری است.

به نگاهبانی خدا روی آوردم، به نگاهداری خدا پناه بردم، به سوی خدا امان بردم، به خدا پناه بردم، از خدا یاری خواستم، به بازدارندگی خدا روی آوردم، به عزت خدا پناه بردم، به چیرگی خدا پناه بردم، و به سلطه خدا پناه بردم، و بر خدا تکیه کردم، و به پوشش خدا پناه بردم، به حفاظت خدا پناه بردم، حفاظت خدا را که بهترین حفظ کنندگان است درخواست کردم؛ به امان دادن خدا پناه بردم، و خودم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و برادرانم و تمام کسانی را که کارشان به من مربوط است، به خدای نگهدارنده مهربان سپردم؛ به نگهداری خدا پناه بردم، و نگهدارنده همراهی گیرندگان، و نگهدارنده یاران نگهدارنده را به همراهی گرفتم، و کارم را به خدایی که چیزی همانند او نیست و او شنوای داناست، واگذار کردم.

به خدایی که هر کس به او چنگ زند، از هر ترسی نجات می‌یابد، دست آویختم؛ و به خدای شکست ناپذیر مقتدر توکل کردم، و خدا برای من بسنده است و خوب حمایتگری است، و هر کس بر خدا توکل کند، او بسنده‌اش خواهد کرد؛ هر چه خدا بخواهد، و هیچ توانی جز به سبب خدا نیست، هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، محمد فرستاده خداست، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او، و سلام ویژه خدا بر آنان باد.

و می گویی: «خداست که معبودی جز او نیست، زنده و پایدار است، نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران...» تا آخر آیه.

و می گویی: «و در حقیقت، بسیاری از جنّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند. [آری،] آنها همان غافل ماندگانند. چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید، برایشان یکسان است. در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می خوانید، بندگانی امثال شما هستند؛ پس آنها را [در گرفتاری‌ها] بخوانید، اگر راست می گویید باید شما را اجابت کنند. آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست‌هایی دارند که با آن کاری انجام دهند، یا چشم- هایی دارند که با آن بنگرند، یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟»

بی تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است. «و اگر آنها را به [راه] هدایت

فرا خوانید، نمی شنوند، و آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند. آنان کسانی اند که خدا بر دل‌ها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافلانند. ما بر دل‌های آنان پوشش‌هایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهادیم.] و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد. و موسی در خود بیمی احساس کرد، گفتیم: مترس که تو خود برتری. و آنچه در دست راست داری بینداز، تا هر چه را ساخته اند ببلعد. در حقیقت، آنچه سرهم بندی کرده اند، افسونِ افسونگر است، و افسونگر هر جا برود رستگار نمی شود. آیا در زمین گردش نکرده اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه هاست کور است.»

«به نام خداوند بخشنده مهربان. طا، سین، میم. این آیات کتاب روشنگر است. شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی آورند، خود را تباه سازی. اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد. گفت: گر چه برای تو چیزی آشکار بیاورم؟ گفت: اگر راست می گویی آن را بیاور. پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد؛ و دستش را بیرون آورد و بناگاه آن برای تماشاگران سپید می نمود. گفت: چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد. ای موسی، مترس که فرستادگان پیش من نمی ترسند. خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است.

ای موسی، پیش آی و مترس که تو در امانی. فرمود: به زودی بازویت را به [وسیله] برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلّطی قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود. و در حقیقت، بر موسی و هارون منّت نهادیم. و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم. و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند. و مهری از خودم بر تو افکندم تا زیر نظر من پرورش یابی. آن گاه که خواهر تو می رفت و می گفت: آیا شما را بر کسی که عهده دار او گردد راهنمایی کنم؟ پس تو را به سوی مادرت بازگردانیدیم تا دیده اش روشن شود و غم نخورد، و [سپس] شخصی را کُشتی و [ما] تو را از اندوه رهانیدیم، و تو را بارها آزمودیم. و از پیش، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم. پس [خواهرش آمد و] گفت: آیا شما را بر خانواده ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟ پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [به واسطه او] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است، ولی بیشترشان نمی دانند.»

«و پادشاه گفت: او را نزد من آورید، تا وی را خاص خود کنم. پس چون با او سخن راند، گفت: تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی. در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکّل کردم. هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهار هستی اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است.»}

**[ترجمه]

بیان

لجه الماء بالضم معظمه و منه بَحْرٍ لُجِّيٍ و الراسی الثابت و السکب الصب و الروح یذکر و یؤنث و الاطراد الجریان و إمکانک

أی إقدارک الخلق علی ما ترید قال الجوهری مکنه الله من الأمر و أمکنه منه بمعنی عتید أی حاضر مهیا و مکرک مکید أی مقیم ثابت فعیل من مکد بمعنی أقام و الماکد الدائم الذی لا ینقطع کما ذکره الفیروزآبادی أو مفعل اسم مکان من الکید أی مکرک محل للکید العظیم و الأول أظهر.

و الکید و المکر فیه سبحانه مجاز و المراد به استدراجه تعالی بالنعم و أخذه بالعقوبات بغته کما عرفت مرارا و الملأ بالهمزه الجماعه و الغماء بفتح الغین و تشدید المیم ممدودا الغم و یطلق علی ستر السحاب الهلال فی اللیله الأولی یقال صمنا للغماء و للغمی بالضم و الفتح فی الثانی و تنفیس الکرب تفریجه.

**[ترجمه]«تکهفت»، یعنی خود را حفظ کردم و برای خودم قرار دادم و پناهگاه گرفتم. فیروزآبادی گفته است: «الکهف» مانند البیت، یعنی جایی کنده شده در کوه، بار، و پناهگاه؛ «تکهف الجبل»، یعنی کوه دارای غار بود. پایان. در قرآن، ادامه این کلام خداوند که فرموده است: «یَسمَعونَ بها قُل ادعوا شرکاءَکم ثُمَّ کیدونِ فلا تَنتظرونَ إنَّ ولیّیِ اللهُ...»، - . الاعراف/ ۱۹۵ - {...یا

گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: شریکان خود را بخوانید سپس در باره من حیله به کار برید و مرا مهلت مدهید. بی تردید، سرور من آن خدایی است که...}، یا خود حضرت آن را نیاورده است، یا اینکه نویسندگان آن را انداخته‌اند و بعید نیست که قرائت آن، بهتر باشد؛ همین طور کلام او که فرموده است: «الله لا إله إلا هو ربُّ العرش العظیم»، - . النمل/ ۲۶ - {خدای

یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است.}

**[ترجمه]

«۷۲»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ،: هَذَا الدُّعَاءُ رَفِیعُ الشَّأْنِ عَظِیمُ الْمَنْزِلَهِ کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَدْعُو بِهِ عَقِیبَ الْفَجْرِ وَ فِی الْمُهِمَّاتِ وَ کَذَا الْأَئِمَّهُ علیهم السلام وَ مَنْ قَرَأَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ قَبْلَ الصَّلَاهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ کَانَتْ حَشْوَ مَا بَیْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ دَخَلَ الْجَنَّهَ بِغَیْرِ حِسَابٍ وَ کَانَ فِی جِوَارِ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام وَ مَنْ کَتَبَهُ وَ حَمَلَهُ کَانَ آمِناً مِنْ کُلِّ شَرٍّ وَ بِالْجُمْلَهِ فَفَضْلُهُ لَا یُحْصَی وَ لَا یُحَدُّ وَ هُوَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مُدْرِکَ الْهَارِبِینَ وَ یَا مَلْجَأَ الْخَائِفِینَ وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَ مُنْتَهَی الرَّحْمَهِ مِنْ کِتَابِکَ وَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْکَبِیرِ الْأَکْبَرِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْقُدُّوسِ الْمُبَارَکِ- وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ یَا اللَّهُ عَشْراً یَا رَبَّاهْ عَشْراً یَا مَوْلَاهْ یَا غَایَهَ رَغْبَتَاهْ یَا هُوَ یَا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ وَ لَا کَیْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ وَ الْإِفْضَالِ وَ الْإِنْعَامِ

۱- ۱. مهج الدعوات: ۱۵۷.

يَا ذَا الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ يَا ذَا الْعِزِّ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْجَبَرُوتِ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِیَ فَسَتَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يَا مَنْ لَا تُحِيطُ بِهِ الْفِكَرُ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ الْقَدَرِ يَا مُحْصِیَ قَطْرِ الْمَطَرِ يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ يَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ يَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ يَا جَاعِلَ الْبَرَكَاتِ يَا مُحْيِیَ الْأَمْوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرُبَاتِ يَا نُورَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا شَاهِداً لَا يَغِيبُ يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا مَلْجَأَ كُلِّ طَرِيدٍ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا عِصْمَهَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مُغْنِیَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا فَاكَّ الْعَانِی الْأَسِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَی التَّفْسِيرِ

يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ خَبِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ يَا عَالِیَ الْمَكَانِ يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ تَرْجُمَانٌ يَا نِعْمَ الْمُسْتَعَانُ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِی شَأْنٍ يَا مَنْ لَا يَخْلُو مِنْهُ مَكَانٌ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا يَدَ الْوَاثِقِينَ يَا ظَهْرَ اللَّاجِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَ يَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ يَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ يَا بَارِئَ النَّسَمِ يَا جَامِعَ الْأُمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَايَا يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا يَا جَمِيلَ الثَّنَايَا يَا حَلِيماً لَا يَعْجَلُ يَا جَوَاداً لَا يَبْخَلُ يَا قَرِيباً لَا يَغْفُلُ يَا صَاحِبِی فِی وَحْدَتِی يَا عُدَّتِی فِی شِدَّتِی يَا كَهْفِی حِينَ تُعْيِينِی الْمَذَاهِبُ وَ تَخْذُلُنِی الْأَقَارِبُ وَ يُسْلِمُنِی كُلُّ صَاحِبٍ.

یَا رَجَائِی فِی الْمَضِیقِ یَا رُکْنِیَ الْوَثِیقَ یَا إِلَهِی بِالتَّحْقِیقِ یَا رَبَّ الْبَیْتِ الْعَتِیقِ یَا شَفِیقُ یَا رَفِیقُ اکْفِنِی مَا أَطِیقُ وَ مَا لَا أَطِیقُ وَ فُکَّنِی مِنْ حَلَقِ الْمَضِیقِ إِلَی فَرَجِکَ الْقَرِیبِ وَ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی وَ مَا لَمْ یُهِمَّنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]المهج: - مهج الدعوات: ۱۵۲ - حارث بن عمیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت از پدرش و او از جدش و او از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، که درود خدا بر او و بر فرزندان پاک و پاکیزه و گرامی او و سلام فراوان بر آنان باد، نقل کرده است که فرمود: رسول خدا، که درود خدا بر او و بر خانواده او باد، این دعا را به من آموخت و دستور داد آن را در هر ساعت برای هر سختی و آسانی نگاه دارم و آن را به جانشین بعد از خود بیاموزم؛ و دستور داد در طول عمرم از آن جدا نشوم تا اینکه خدای عزّوجلّ را با این دعا دیدار نمایم؛ و به من فرمود: هنگام صبح کردن و شام کردن این دعا را می‌خوانی که این گنجی از گنج‌های عرش است. گفتم: چه بگویم؟ فرمود: این دعایی را که الان بعد از توضیح ثواب آن می گویم، بگو.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ گشت، اُبیّ بن کعب گفت: ای رسول خدا، برای کسی که با این دعا، دعا نماید چه پاداش و ثوابی خواهد بود؟ به او فرمود: ای اُبیّ بن کعب انصاری، آرام باش که سخن علما درباره آنچه برای صاحب این دعا در نزد خدای عزّوجلّ است، به پایان نمی‌رسد. اُبیّ بن کعب گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، برای ما روشن ساز و بگو ثواب این دعا چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله خندید و فرمود: به درستی که آدمیزاد نسبت به چیزی که از آن منع شود، حریص می‌شود؛ به زودی بخشی از ثواب این دعا را برایت خواهم گفت.

امّا صاحب این دعا در هنگامی که خدای عزّوجلّ را می خواند، نیکی از فرق سر او و از طبقه های آسمان تا زمین بر او فرو می... ریزد و خدای عزّوجلّ بر او آرامش فرو می‌فرستد و رحمت خدا او را فرا می گیرد و برای این دعا، پایانی جز عرش پروردگار جهانیان نیست، و برای آن، نوایی در پیرامون عرش همچون آواز زنبور عسل است که خداوند عزّوجلّ به خواننده این دعا نگاه می کند.

و هر کس سه بار با این دعا، دعا نماید، از خداوند، که اسمش عزیز و بزرگوار باد، چیزی از خیر در دنیا و آخرت درخواست نمی کند، جز اینکه خداوند خواسته او را با این دعا به او می‌دهد و آن را به آدمیزاد می‌بخشد، و خداوند عزّوجلّ او را از عذاب قبر نجات می‌دهد، و خداوند عزّوجلّ تنگی سینه را از او دور می کند، پس وقتی که روز قیامت شود، خدای عزّوجلّ دستور می‌دهد، در مورد او با بزرگواری تمام رفتار کنند؛ و خداوند مبارک و والامرتبه می‌فرماید: ای بنده من، در هر جایی از بهشت خواستی، قرار بگیر، و این علاوه بر افزودنی‌ها و کرامت‌هایی است که برای او نزد خداوند عزّوجلّ خواهد بود، چیزهایی که نه چشمی تاکنون دیده و نه گوشی شنیده است، و نه به ذهن آفریدگان رسیده، و نه بر زبان توصیف کنندگان جاری شده است.

بعد از این سلمان فارسی - که رحمت خدا بر او باد - گفت: خدا مرا فدای شما کند، از ثواب این دعا بیشتر برایمان بگو. پیامبر، که درود خدا بر او و خاندان پاک او باد و سلام کامل بر آنان باد، فرمود: ای اباعبدالله، سوگند به کسی که مرا به پیامبری برانگیخت، اگر این دعا برای دیوانه‌ای خوانده شود، در همان لحظه از دیوانگی بهبود می‌یابد، و اگر با این نزد زنی

که زاییدن برایش دشوار شده است، دعا شود، خداوند بیرون آمدن نوزاد او را از بر هم زدن چشم، سریع‌تر می‌گرداند.

آری ای سلمان، سوگند به کسی که به حق مرا برای پیامبری برانگیخت، هیچ بنده‌ای نیست که با این دعا، چهل شب از شب... های جمعه به طور خالصانه خدای عزّوجلّ را دعا کند، جز اینکه خداوند برای او آنچه را بین او و آدمیان است، و آنچه را بین او و پروردگارش است، می‌آمرزد؛ و سوگند به کسی که به حق مرا برانگیخته است، ای سلمان، هیچ کس نیست که با این دعا خدای عزّوجلّ را دعا نماید، جز اینکه خداوند غصه‌ها و اندوه‌ها و بیمارهای دنیا را از دل او بیرون می‌کند.

آری ای سلمان، هر کس با این دعا خدای عزّوجلّ را دعا نماید، چه نیکو دعا نماید و چه نیکو نباشد، سپس بر بستر خود بخوابد، درحالی که ثواب آن را نیت کرده باشد، خداوند عزّوجلّ در برابر هر حرف از این دعا، هزار فرشته از فرشتگان والا مقام، که صورتشان نیکوتر از خورشید و ماه کامل باشد، برای او می‌گمارد.

سلمان به حضرت عرض کرد: آیا خداوند عزّوجلّ با این دعا، این همه ثواب به بنده می‌دهد؟ پس فرمود: مردم را از آن باخبر نکن تا اینکه خبری بزرگتر از آنچه گفتم، به تو بگویم؛ پس سلمان گفت: ای رسول خدا، برای چه دستور می‌فرمایی آن را بپوشانم؟ فرمود: بیم دارم عمل (به دین) را رها کنند و فقط بر دعا تکیه کنند. سلمان گفت: آیا مرا از آن باخبر می‌کنی ای رسول خدا؟ فرمود: بلی، تو را از آن باخبر می‌کنم؛ هر کس با این دعا، دعا نماید و در زندگی‌اش گناهان کبیره مرتکب شده باشد، سپس در شب یا روزی بعد از اینکه با این دعا خداوند عزّوجلّ را دعا نموده باشد، بمیرد، شهید از دنیا رفته است، و اگر بدون اینکه توبه کند، بمیرد ای سلمان، خداوند با بزرگواری و گذشت خود، گناهان او را می‌آمرزد. و آن دعا این است، می‌گویی: [دعای یستشیر]

{به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست، همان پادشاه حق آشکار تدبیر کننده بدون کمک‌کار، و بدون اینکه با آفریده‌ای از بندگانش مشورت کند، آغازی که به وصف در نیاید، و آنکه پس از نابودی آفریدگان باقی است، پروردگاری‌اش بزرگ است، نور آسمان‌ها و زمین است، و پدید آورنده آن دو و نوآفرین آنها است، بدون آنکه برای آن دو ستون آفریده باشد، پس زمین‌ها را با میخ‌هایش بر روی آب پابرجا نمود، سپس پروردگار ما در آسمان‌های بلند، بالا رفت، خدای رحمان که بر عرش استیلا یافت؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است، از آنِ اوست.

پس گواهی می‌دهم که به راستی تو خدایی هستی که بلند کننده کسی هستی که تو پست کرده باشی، و پست کننده کسی هستی که تو بالا برده باشی، و عزت دهنده‌ای برای کسی که تو خوار کرده باشی، و خوار کننده‌ای برای کسی که تو عزت داده باشی، و بازدارنده‌ای از آنچه تو بخشیده‌ای، و بخشنده‌ای برای آنچه تو بازداشته‌ای، وجود ندارد؛ و تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، آن هنگام که نه آسمانی بنا شده بود، و نه زمینی گسترده شده، و نه آفتابی درخشان، و نه شبی تاریک، و نه روزی روشن، و نه دریایی ژرف، و نه کوهی استوار، و نه ستاره‌ای سیر کننده، و نه ماه تابناک، و نه بادی وزان، و نه ابری بارنده، و نه برقی درخشنده، و نه جانی که دم زند، و نه پرنده‌ای که بپرد، و نه آتشی که افروخته شود، و نه آبی که روان گردد، تو وجود داشتی.

تو قبل از هر چیز بودی، و هر چیز را تو هستی دادی، و بر هر چیز توانا گشتی، و همه چیز را نو آفریدی، و توانگر کردی و فقیر گردانـدی، و میراندی و زنده کردی، و خنداندی و گریاندی، و بر عرش استیلا یافتی، پس مبارک گشتی ای خدا، و والا مرتبه گشتی.

تو خـدایی هستی که جز تو هیـچ خدایی نیست، تو آفریننده دانا هستی، فرمانت چیره، و دانشت در گذرنده، تدبیرت عجیب، و وعـده‌ات راستین، و حکمت عادلانه، و کلام تو هدایت، و وحی تو نور، و رحمت تو گسترده، و گذشت تو بزرگ، و فضل تو فراوان، و بخشش تو انبوه، و ریسمان تو محکم، و ممکن ساختن بر تو مهیّا، و پناهنده به تو شکست ناپذیر، و کیفر تو شدید، و مکر تو زیرکانه است، و مرجع هر شکایت، و حاضـر در هر جمع، و پایان هر نیاز، و گشایش انـدوه هر اندوهگین، و توانگری هر بینوا، و پناه هر گریخته، و امان هر بیمناک هستی.

پناهگاه ضـعیفان، گنج فقیران، غمگشای غمزدگان، یاور نیکان، این است پروردگار ما که هیچ خدایی جز او نیست، هر کسی را که بر تو توکل کند، کفایت می‌کنی و تو پناه کسی که به درگاهت پناه آورد، و به سوی تو زاری کند، هستی.

نگهدارنده هر یک از بندگانت که به تو دست آویزد، و یاور کسـی که از تو یاری جوید، هستی؛ گناهان هر کسی را که از تو آمرزش بخواهـد، می‌آمرزی؛ مسـلط بر همه گردنکشان، مهتر مهتران، بزرگ بزرگان، آقای آقایان، سـرور سـروران، فریادرس فریادخواهان، بازگشاینـده غم غم‌دیـدگان، اجابت کننـده دعای درمانـدگان، شـنواترین شـنوندگان، بیناترین بینندگان، بهترین داوران، سـریع‌ترین حسابرسـان، مهربـان‌ترین مهربانـان، بهترین آمرزنـدگان، برآورده کننـده نیازهـای مؤمنان، فریادرس نیکان هستی.

تو خـدایی هستی که جز تو پروردگار جهانیان، هیچ خدایی نیست؛ تو آفریدگار و من آفریده هسـتم؛ تو دارنده هستی و من به اختیار درآمده هسـتم، تو پروردگار هستی و من بنده هستم، تو روزی دهنده هستی و من روزی گیرنده هستم، تو دهنده هستی و من خواهنده هسـتم، تو بخشـنده هستی و من بخل ورزنده هستم، تو توانمند هستی و من ناتوان هستم، تو با عزت هستی و من خوار هسـتم، تو بی‌نیاز هستی و من نادار هسـتم، تو آقا هستی و من برده هستم، تو آمرزنده هستی و من گناهکار هستم، تو دانا هستی و من نادان هسـتم، تو بردبار هستی و من شـتابکار هسـتم، تو بخشـنده هستی و من رحمت شـده هسـتم، تو عافیت بخش هستی و من گرفتار هستم، و تو اجابت کننده هستی و من درمانده هستم.

و من گواهی می‌دهم که تو خـدایی هستی که جز تو هیچ خدایی وجود ندارد؛ تویی که بدون درخواست به بندگان عطا می... کنی. و گواهی می‌دهم که تو خـدای یگـانه و تنها هستی و رسـتاخیز به سوی توست؛ و درود خـدا بر محمـد و خانواده پاک و وارسته او باد .

و گناهانم را بیامرز، و زشتی‌هایم را بر من بپوشان، و از پیشگاه تو برایم رحمت و روزی گسترده گشایش فرما، ای مهربان‌ترین مهربانـان، و سـتایش مخصوص خـدایی است که پروردگـار جهانیان است، و خـدا ما را بس است و خوب حمایتگری است، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.} - . مهج الدعوات: ۱۵۷ -

**[ترجمه]

توضیح

بمعاقد العز من عرشک قال فی النهایه أی بالخصال التی استحق بها العرش العز و بمواضع انعقادها منه و حقیقه معناه بعز عرشک انتهی و منتهی الرحمه من کتابک أی أسألک بحق نهایه رحمتک التی أثبتها فی کتابک أی اللوح أو القرآن و یحتمل أن تکون من بیانیه وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ أی لو کان شجر الأرض أقلاما و کان البحر المحیط مدادا و یمده سبعه أبحر مثله أی تزیده بمائها فکتب بتلک الأقلام و البحور انکسرت تلک الأقلام و نفد ماء البحور و ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ أی علومه أو تقدیراته أو فضائل حججه الکرام علیهم السلام.

یا من علا بالذات فقهر الخلائق بإیجادهم من العدم أو بإماتتهم و تعذیبهم أو الأعم یا من ملک الخلائق فقدر فصار قادرا علی کل ما یرید منهم فشکر أی أثابهم.

یا من بطن أی نفذ علما فی بواطن الأمور أو خفی عن الحواس أو العقول فخبر فعلم بواطن الأمور إذ التجرد عله للعلم بکل شیء کما قیل فی قوله سبحانه أَ لا یَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ(۲) یا مقدر القدر أی التقدیر و کل مقدور أو قدره الخلائق و القطر بالفتح جمع القطره و البائس الشدید الحاجه و العانی الأسیر و المحبوس و الخاضع یا شدید الأرکان أی أرکان خلقه من سماواته و عرشه و أرکان سلطنته المعنویه کنایه عن وجوب وجوده و امتناع طریان الزوال و الاختلال فی ملکه. فالِقُ الْإِصْباحِ قال البیضاوی أی شاق عمود الصبح عن ظلمه اللیل أو عن

۱- ۱. البلد الأمین: ۳۶۱ من دون شرح فی الهامش.

۲- ۲. الملک: ۱۴.

بياض النهار أو شاق ظلمه الإصباح و هو الغبش الذى يليه و الإصباح فى الأصل مصدر أصبح إذا دخل فى الصبح فسمى به الصبح و قرئ بفتح الهمزه على الجمع و النسم بالتحريك جمع النسمه و هو الإنسان يا جامع الأمم أى فى القيامه.

و قال الجوهرى العماد الأبنيه الرفيعه و عمدت الشى ء أى أقمته بعماد و قال السند ما قابلك من الجبل و علا عن السفح و فلان سند أى معتمد و قال الحرز الموضع الحصين و قال الحلقه بالتسكين الدرع و كذلك حلقه الباب و حلقه القوم و الجمع الحلقه على غير قياس و قال الأصمعى حلق كبدره و بدر.

**[ترجمه]«لجّه الماء» با ضمه، يعنى بزرگى آن، و «بحر لجىٌّ» از همين قبيل كاربرد است. «الرّاسى»، يعنى استوار. «السكب»، يعنى ريزش. «الروح» هم به صورت مذكر و هم به صورت مؤنث مى‌آيد. «الاطراد»، يعنى روان بودن. «و إمكانك»، توانا گرداندن آفريده‌ها بر چيزى كه مى‌خواهى. جوهرى گفته است: «مكّنه الله الأمر و أمكنه» از همين كاربرد و به همان معنى است. «عتيد»، حاضر و آماده. «و مكرُك مَكيد»، يعنى ساكن و استوار، كه بر وزن فعيل از «مكد» به معنى ساكن شد، و «الماكد»، همان طور كه فيروزآبادى گفته است، يعنى پايدارى كه بريده نمى‌گردد؛ يا اينكه بر وزن مفعل، اسم مكان از از «الكيد» است، يعنى مكر تو جايگاه فريب بزرگ است؛ ولى اولى آشكارتر است.

فريب و مكر در مورد خداوند منزه، به گونه مَجاز است و منظور از آن، گرفتار كردن با نعمت بخشيدن و گرفتار كردن به كيفر به صورت ناگهانى است، همان گونه كه بارها گفته شد و دانستى. «الملأ» با همزه، يعنى جماعت. «الغمّاء» با فتحه غين و تشديد ميم و به صورت كشيده، يعنى اندوه؛ همچنين بر پوشاندن هلال ماه در شب اول توسط ابر اطلاق مى‌شود. گفته مى... شود: «صمنا للغمّاء و للغمّى»، (به خاطر پوشيده بودن هلال به سبب ابر، روزه گرفتيم) با ضمه، و در دومى با فتحه خوانده مى... شود. «تنفيس الكرب»، يعنى گشودن آن.

**[ترجمه]

«۷۳»

وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَاعِيِّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّهِيدِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَاتِ السِّتَّ فِي كُلِّ غَدَاهٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ لَوْ أَلْقَى نَفْسَهُ إِلَى التَّهْلُكَهِ وَ هِيَ قُلْ لَنْ يُصِيبَنا إِلَّا ما كَتَبَ اللَّهُ لَنا هُوَ مَوْلانا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ- وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ- وَ ما مِنْ دَابَّهٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُها وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها كُلٌّ فِي كِتابٍ مُبِينٍ- وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّهٍ لا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُها وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ- ما يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَهٍ فَلا مُمْسِكَ لَها وَ ما يُمْسِكْ فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ- قُلْ أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنِي بِرَحْمَهٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ- حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَسْتَشْفِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ أَعُوذُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

وَ بِخَطِّهِ أَيْضاً عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ لِی یَا دَاوُدُ أَ لَا أُعَلِّمُکَ کَلِمَاتٍ إِنْ أَنْتَ قُلْتَهُنَّ کُلَّ یَوْمٍ صَبَاحاً وَ مَسَاءً ثَلَاثَ مَرَّاتٍ آمَنَکَ اللَّهُ

ص: ۳۳۷

مِمَّا تَخَافُ قُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ قُلْ أَصْبَحْتُ بِذِمَّهِ اللَّهِ وَ ذِمَمِ رُسُلِهِ وَ ذِمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ ذِمَمِ الْأَوْصِيَاءِ عليهم السلام آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِی عِلْمِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ قَالَ دَاوُدُ فَمَا دَعَوْتُ إِلَّا فَلَجْتُ عَلَى حَاجَتِی.

**[ترجمه]البلد الامین: این دعایی با منزلت و گرانقدر است که امیرالمؤمنین علیه السلام و همین طور امامان علیهم السلام آن را در دنباله نماز صبح و در امور مهم می‌خواندند، و هر کس آن را روز جمعه قبل از نماز - جمعه - بخواند، خداوند گناهان او را، هر چند به اندازه میان آسمان و زمین باشد، می‌آمرزد و بدون حساب وارد بهشت می‌گردد و در کنار پیامبران علیهم السلام خواهد بود. هر کس آن را بنویسد و با خود حمل کند، از هر بدی در امان خواهد بود. خلاصه اینکه ارزش آن قابل شمارش و مشخص کردن نیست. آن دعا این است:

{خدایا، ای دریابنده گریختگان، و ای پناه بیمناکان، و ای فریادرس فریادخواهان، از تو درخواست می‌کنم. خدایا، از تو به درجات شکوه عرشت، و رحمت بی‌نهایت کتابت، و به اسم با عظمت و بزرگ و بزرگ‌تر و پاک و پاکیزه و آراسته و مبارکت درخواست می‌کنم. و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به آن اضافه شود، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست ناپذیر حکیم است. ای خدا - ده مرتبه - ای پروردگار - ده مرتبه - ای سرور، ای نهایت آرزو، ای او، ای او، ای کسی که هیچ کسی جز او نمی‌داند او کیست، و جز او کسی نمی‌داند که او چگونه است؛ ای دارای شکوه و بزرگواری، و بخشش و نعمت، و دارای فرمانروایی زمین و آسمان، ای دارای عزت و بزرگی، و عظمت و اقتدار، ای زنده‌ای که نمی‌میرد.

ای کسی که والا گشت، پس چیره شد؛ ای کسی که دارا گشت، پس توانا شد؛ ای کسی که پرستیده شد، پس سپاسگزاری نمود؛ ای کسی که نافرمانی شد، پس پوشاند؛ ای کسی که به درون اشیا نفوذ کرد، پس دانست؛ ای کسی که فکرها به آن احاطه نیابند؛ ای روزی دهنده بشر؛ ای مقدر کننده تقدیرها؛ ای شمارنده تعداد دانه‌های باران؛ ای جاودانه استوار؛ ای بیرون آورنده گیاه؛ ای برآورنده نیازها؛ ای به سرانجام رساننده خواسته‌ها؛ ای قرار دهنده برکت‌ها؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای بالا برنده درجه‌ها؛ ای رحم کننده بر اشک‌ها؛ ای نادیده انگارنده لغزش‌ها؛ ای برطرف کننده سختی‌ها؛ ای نور زمین و آسمان‌ها.

ای همراه هر نا آشنا، ای حاضری که نهان نمی‌شود، ای مونس هر تنها، ای پناه هر رانده شده، ای رحم کننده بر کهنسال بزرگ، ای دستاویز بیمناک پناهنده شده، ای بی‌نیاز کننده بینوای نادار، ای رهاننده زندانی اسیر، ای کسی که نیاز به تفسیر ندارد، ای کسی که نسبت به همه چیز آگاه است، ای کسی که بر هر چیزی توانا است .

ای والا مکان، ای استوار پایه، ای کسی که برایش بازگو کننده‌ای وجود ندارد، ای خوب یاری خواسته شده، ای نیکی کننده دیرینه، ای کسی که هر روز در کاری است، ای کسی که هیچ جایی از وجود او خالی نمی‌شود.

ای بخشنده‌ترین بخشندگان، ای بزرگوارترین بزرگواران، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای سریع‌ترین حسابرسان، ای سرپرست مؤمنان، ای یاور اعتماد کنندگان، ای پشتیبان پناهندگان، ای فریادرس فریادخواهان، ای پناه پناهندگان، ای پروردگار پروردگاران، ای سبب ساز همه سبب‌ها، ای گشاینده درها، ای رهاننده گردن‌ها، ای به وجود آورنده انسان‌ها، ای گردآورنده امت‌ها، ای دارای بخشندگی و بزرگواری.

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی برایش وجود ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه‌ای برایش وجود ندارد، ای عزت کسی که عزتی برایش وجود ندارد، ای نگهبان کسی که نگهبانی برایش وجود ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی برایش وجود

نـدارد، ای – دارنـده – آزمون‌هـای نیکو، ای – دارنـده – هـدیه‌هـای فراوان، ای – دارنـده – سـتایش‌های زیبا، ای بردباری که شتـاب نمی کنـد، ای بخشـنده‌ای که بخل نمی‌ورزد، ای نزدیکی که غافل نمی‌شود، ای همراه من در تنهای‌ام، ای ذخیره من در سختی‌ام، ای پناهگـاه من در هنگـامی که راه‌هـای گونـاگون مرا رنجور سازد، و نزدیکان مرا خوار گرداننـد، و هر همراهی مرا رها گذارد.

ای امید من در تنگنا، ای تکیه گاه مورد اعتماد من، ای خدای ثابت شده و حقیقی من، ای پروردگار خانه آزاد، ای دلسوز، ای همراه، مرا در برابر آنچه توانش را دارم و آنچه که توانش را نـدارم، کفایت کن، و مرا از دایره تنگ به سوی گشایش نزدیک خـودت برهـان، و مرا در برابر آنچـه از کـار دنیـا و آخرتم انـدوهگینم می‌سـازد، کفـایت کن، به خـاطر رحمـتی که داری، ای مهربان‌ترین مهربانان.} – . البلد الامین: ۳۶۱ (بدون شرح در حاشیه) –

**[ترجمه]

باب ۴۶ أدعیه الساعات

اعلم

أن الشـیخ الجلیـل أبا جعفر الطوسـی رحمه الله فی مصـباح المتهجـد قسم الیوم باثنتی عشـره ساعه و نسب کلا منها إلی إمام من الأئمه الطاهرین صلوات الله علیهم أجمعین و ذکر لها دعاء مناسبا لها و اقتفی السید ابن الباقی رحمه الله أثره و کذا الکفعمی فی البلـد الأـمین و جنه الأمـان لکن زاد الکفعمی دعاء آخر و لم أر سـند هـذه الأدعیه و اعتمـدت فی ذلک علیهم أحسن الله إلیهم فالدعاء الأول فی کل من الفصول من المتهجد و فیه زیاده من غیره نشیر إلیه و الثانی مخصوص بالکفعمی.

**[ترجمه]در دست نوشـته‌های شـیخ محمـد بن علی جبـائی یـافتم که نوشـته بود: به خـط شـهید – که خـدا روحش را پـاک گردانـد– چنین یافتم که: از امیرالمؤمنین علیه السـلام روایت شـده است که فرمود: هر کس این آیه‌های شـشگانه را هر بامـداد بخواند، خدای والا مرتبه او را از بدی کفایت می کند، هر چند خود را در هلاکت گاه بیندازد. آیه‌ها عبارتند از:

بگو: «قُل لَّن یُصِیبَنَا إِلاَّ مَا کَتَبَ اللّهُ لَنَا هُوَ مَوْلاَنَا وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ – . توبه / ۵۱ –

* وَ إِنْ یَمْسَسْکَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا کاشِفَ لَهُ إِلَّا هُو وَ إِن یُرِدکَ بخَیرٍ فَلا رادَّ لِفَضلِه یُصیبُ به مَن یَشاءُ مِن عِبادِه وَ هوَ الغَفورُ الرَّحیمُ – . یونس / ۱۰۷ –

* وَ ما مِن دابّهٍ فی الأرضِ إلّا عَلی اللهِ رِزقُها وَ یَعلَمُ مُستقرَّها و مُستودَعَها کلٌّ فی کِتابٍ مُبینٍ – . هود / ۶ –

* وَ کَأَیِّن مِن دَابَّهٍ لَا تَحمِلُ رِزقَهَا اللَّهُ یَرزُقُهَا و إِیَّاکُمْ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ – . عنکبوت / ۶۰ – * ما یَفتَحِ اللهُ لِلنّاسِ مِن رَحمَهٍ فَلا مُمسِکَ لَها وَ ما یُمسِک فَلا مُرسِلَ لَه مِن بَعدِهِ و هوَ العَزیزُ الحَکیمُ – . فاطر / ۲ –

* قُل أفَرَأیتُم ما تَـدعونَ مِن دونِ اللهِ إن أرادَنیَ اللهُ بِضُـرٍّ هَل هُنَّ کاشِـفاتُ ضُـرِّهِ أو أرادَنی بِرَحمهٍ هَل هُنَّ مُمسِـکاتُ رَحمَتِهِ قُل

حَسبِیَ اللهُ عَلیهِ یَتَوَکَّلُ الْمُتَوَکِّلونَ - . زمر / ٣٨ - * حَسبِیَ اللهُ لا إلهَ إلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَ هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیم» - . توبه / ١٢٩ - {جز آنچه خـدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی رسد؛ او سرپرست ماست، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند. و اگر خدا به تو زیانی برساند، آن را برطرف کننده ای جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردّکننده ای نیست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند، و او آمرزنده مهربان است. و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهـده خـداست، و [او] قرارگـاه و محـلّ مُردنش را می دانـد. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است. و چه بسیار جانـدارانی که نمی تواننـد متحمّـِل روزی خود شونـد. خـداست که آنهـا و شـما را روزی می دهـد، و اوست شـنوای دانـا. هر رحمتی را که خـدا برای مردم گشایـد، بازدارنـده ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد، پس از [باز گرفتن] گشاینـده ای نـدارد، و اوست همان شکست ناپـذیرِ سـنجیده کار. هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد، پس از [باز گرفتن] گشاینده ای ندارد، و اوست همان شکست ناپذیرِ سنجیده کار. بگو: [هان] چه تصور می کنیـد، اگر خـدا بخواهد صدمه ای به من برساند، آیا آنچه را به جای خدا می خوانید، می توانند صدمه او را برطرف کنند یـا اگر او رحمتی برای من اراده کنـد، آیا آنها می تواننـد رحمتش را بازدارنـد؟ بگو: خـدا مرا بس است. اهل توکّل تنها بر او توکّل می کننـد.} خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. در برابر نیرو و توان آنها، به بازدارنـدگی نیرو و توان خـدا پناه می‌برم؛ و از بـدی رسانـدن آنچه آفریده شده است، به پروردگار سپیده توسل می‌جویم؛ و به آنچه خدا بخواهد، پناه می‌برم؛ و هیچ توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست.

همچنین بـا خـط او که از داود رقی نقل کرده است، نوشـته بود: پیش امام صادق علیه السـلام رفتم، به من فرمود: ای داود، آیا کلماتی به تو بیاموزم که اگر آنها را هر روز صبح و شام سه مرتبه بگویی، خداوند تو را از آنچه بیم داری، ایمنی دهد؟ گفتم: بلی، ای فرزند رسول خدا؛ فرمود: بگو: {در امان خدا و و امان فرستادگان او و امان محمد صلّی الله علیه و آله و امان جانشینان علیهم السلام صبح کردم؛ به نهان و آشکار آنها و حاضر و غایب آنها ایمان آوردم؛ و گواهی می‌دهم که آنان در علم خدا و طـاعت او ماننـد محمـد صـلّی الله علیه و آله هسـتند، و سـلام بر آنـان بـاد.} داود گفته است: این دعا را نخوانـدم، جز اینکه به خواسته‌ام رسیدم .

**[ترجمه]

الأخبار

«١»

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الْأُولَی مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ لِعَلِیٍّ علیه السلام اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَهَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ السُّلْطَانِ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَهَ کَیْفَ شِئْتَ وَ مَنَنْتَ عَلَی عِبَادِکَ بِمَعْرِفَتِکَ وَ تَسَلَّطْتَ عَلَیْهِمْ بِجَبَرُوتِکَ وَ عَلَّمْتَهُمْ شُکْرَ نِعْمَتِکَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ وَلِیِّکَ عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الْمُرْتَضَی لِلدِّینِ وَ الْعَالِمِ بِالْحُکْمِ وَ مَجَارِی التُّقَی إِمَامِ الْمُتَّقِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(١)

الْکَفْعَمِیُّ (٢) وَ السَّیِّدُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَنْتَقِمَ لِی

١- ١. مصباح المتهجد للشيخ الطوسيّ: ٣٥٧.

٢- ٢. البلد الأمين: ١٤٢، جنه الأمان(المصباح): ١٣٣ تتمه للدعاء الأول.

مِمَّنْ ظَلَمَنِی وَ بَغَی عَلَیَّ وَ اکْفِنِی مَئُونَهَ مَنْ یُرِیدُنِی بِسُوءٍ أَوْ ظُلْمٍ یَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغِیِّ عَلَیْهِ یَا عَظِیمَ الْبَطْشِ یَا شَدِیدَ الِانْتِقَامِ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۱).

الْکَفْعَمِیُ (۲): دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَ الْفَلَقِ وَ الْفَجْرِ وَ الشَّفَقِ وَ اللَّیْلِ وَ مَا وَسَقَ وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ أَظْهَرْتَ قُدْرَتَکَ بِبَدِیعِ صَنْعَتِکَ وَ خَلَقْتَ عِبَادَکَ لِمَا کَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِکَ وَ هَدَیْتَهُمْ بِکَرَمِ فَضْلِکَ إِلَی سَبِیلِ طَاعَتِکَ وَ تَفَرَّدْتَ فِی مَلَکُوتِکَ بِعَظِیمِ السُّلْطَانِ وَ تَوَدَّدْتَ إِلَی خَلْقِکَ بِقَدِیمِ الْإِحْسَانِ وَ تَعَرَّفْتَ إِلَی بَرِیَّتِکَ بِجَسِیمِ الِامْتِنَانِ یَا مَنْ یَسْأَلُهُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ الَّذِی نَزَّلْتَ الرُّوحَ عَلَی قَلْبِهِ لِیَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ بِلِسانٍ عَرَبِیٍ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ابْنِ عَمِّ الرَّسُولِ وَ بَعْلِ الْکَرِیمَهِ الْبَتُولِ الَّذِی فَرَضْتَ وَلَایَتَهُ عَلَی الْخَلْقِ وَ کَانَ یَدُورُ حَیْثُ دَارَ الْحَقُّ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُهُمْ وَسِیلَتِی وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِی وَ تُطَهِّرَ قَلْبِی وَ تَسْتُرَ عَیْبِی وَ تُفَرِّجَ کَرْبِی وَ تُبَلِّغَنِی مِنْ طَاعَتِکَ وَ عِبَادَتِکَ غَایَهَ أَمَلِی وَ تَقْضِیَ لِی حَوَائِجَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الثَّانِیَهُ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَی ذَهَابِ الْحُمْرَهِ- لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام.

اللَّهُمَّ لَبِسْتَ بَهَاءَکَ فِی أَعْظَمِ قُدْرَتِکَ وَ صَفَا نُورُکَ فِی أَنْوَارِ ضَوْئِکَ وَ فَاضَ عِلْمُکَ فِی حِجَابِکَ وَ خَلَقْتَ فِیهِ أَهْلَ الثِّقَهِ بِکَ عِنْدَ جُودِکَ فَتَعَالَیْتَ فِی کِبْرِیَائِکَ عُلُوّاً عَظُمَتْ

ص: ۳۴۰

۱- ۱. ما بین العلامتین أضفناه بقرینه السیاق علی السنه التی اتخذها المؤلّف العلامه سره علی ما ستمر علیک.

۲- ۲. جنه الأمان: ۱۳۳ فقط و لم یذکره فی البلد الأمین.

فِيهِ مِنَّتُكَ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ فَبَاهَيْتَ بِهِمْ أَهْلَ سَمَاوَاتِكَ بِمِنَّتِكَ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ وَ بِهِ أَسْتَغِيثُ إِلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۱)

الْكَفْعَمِيُ (۲)

وَ السَّيِّدُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ رَغْبَتِي إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِينَنِي بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ تُبَلِّغَنِي أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَهُ أَحَداً مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ أَوْلِيَائِهِ فِي ذَلِكَ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْفَدُ يَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَداً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۳).

الْكَفْعَمِيُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَالِكَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ مُدَبِّرَ الْإِبْرَامِ وَ النَّقْضِ وَ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ جَعَلَ عِبَادَهُ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ يَا مَالِكُ يَا جَبَّارُ يَا وَاحِدُ يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصارَ يَا مَنْ لَا يُمْسِكُ خَشْيَهَ الْإِنْفَاقِ وَ لَا يُقْتِرُ خَوْفَ الْإِمْلَاقِ يَا كَرِيمُ يَا رَزَّاقُ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ الِاسْتِحْقَاقِ يَا مَنْ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَهَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ كَبُرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ وَ صَغُرَ فِي جَنْبِهَا شُكْرِي وَ دَامَ غِنَاكَ عَلَيَّ وَ عَظُمَ إِلَيْكَ فَقْرِي أَسْأَلُكَ يَا عَالِمَ سِرِّي وَ جَهْرِي يَا مَنْ لَا يَقْدِرُ سِوَاهُ عَلَى كَشْفِ ضُرِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُخْتَارِ وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْأَبْرَارِ وَ الْفُجَّارِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْأَنْزَعِ الْبَطِينِ عِلْماً وَ بِالْإِمَامِ الزَّكِيِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولِ سَمّاً فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَ

۱- ۱. مصباح الشيخ ص ۳۵۸.

۲- ۲. مصباح الكفعميّ ص ۱۳۴.

۳- ۳. البلد الأمين ص ۱۴۲.

بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی فَأَسْأَلُکَ أَنْ تَزِیدَنِی مِنْ لَدُنْکَ عِلْماً وَ تَهَبَ لِی حُکْماً وَ تَجْبُرَ کَسْرِی وَ تَشْرَحَ بِالتَّقْوَی صَدْرِی وَ تَرْحَمَنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی وَ تَذْکُرَنِی إِذَا نُسِیَ ذِکْرِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الثَّالِثَهُ مِنْ ذَهَابِ الشُّعَاعِ إِلَی ارْتِفَاعِ النَّهَارِ- لِلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام.

یَا مَنْ تَجَبَّرَ فَلَا عَیْنٌ تَرَاهُ یَا مَنْ تَعَظَّمَ فَلَا تَخْطُرُ الْقُلُوبُ بِکُنْهِهِ یَا حَسَنَ الْمَنِّ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا حَسَنَ الْعَفْوِ یَا جَوَادُ یَا کَرِیمُ یَا مَنْ لَا یُشْبِهُهُ شَیْ ءٌ مِنْ خَلْقِهِ یَا مَنْ مَنَّ عَلَی خَلْقِهِ بِأَوْلِیَائِهِ إِذِ ارْتَضَاهُمْ لِدِینِهِ وَ أَدَّبَ بِهِمْ عِبَادَهُ وَ جَعَلَهُمْ حُجَجاً مَنّاً مِنْهُ عَلَی خَلْقِهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ السِّبْطِ التَّابِعِ لِمَرْضَاتِکَ وَ النَّاصِحِ فِی دِینِکَ وَ الدَّلِیلِ عَلَی ذَاتِکَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّهِ وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۲)

الْکَفْعَمِیُ (۳)

وَ السَّیِّدُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِینَنِی عَلَی طَاعَتِکَ وَ أَفْعَالِ الْخَیْرِ وَ کُلَّمَا یُرْضِیکَ عَنِّی وَ یُقَرِّبُنِی مِنْکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ یَا وَهَّابُ یَا کَرِیمُ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۴).

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَ مَالِکَ الرِّقَابِ وَ مُسَخِّرَ السَّحَابِ وَ مُسَهِّلَ الصِّعَابِ یَا حَلِیمُ یَا تَوَّابُ یَا کَرِیمُ یَا وَهَّابُ یَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ یَا مَنْ حَیْثُ مَا دُعِیَ أَجَابَ یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ وَ لَا بَوَّابٌ یَا مَنْ لَیْسَ لِخَزَائِنِهِ قُفْلٌ وَ لَا بَابٌ یَا مَنْ لَا یُرْخَی

۱- ۱. جنه الأمان الواقیه(المصباح): ۱۳۴.

۲- ۲. مصباح المتهجد ص ۳۵۸.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۵.

۴- ۴. البلد الأمین: ۱۴۳.

عَلَیْهِ سِتْرٌ وَ لَا یُضْرَبُ مِنْ دُونِهِ حِجَابٌ یَا مَنْ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ یَا غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ شَدِیدَ الْعِقَابِ قُلْ هُوَ اللّهُ رَبِّی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ مَتابِ اللَّهُمَّ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْ فَضْلِکَ وَ خَابَ الْأَمَلُ إِلَّا مِنْ کَرَمِکَ فَأَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله وَ بِصَفِیِّکَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ بِالْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الْإِمَامِ التَّقِیِّ الَّذِی اشْتَرَی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِکَ وَ جَاهَدَ النَّاکِبِینَ عَنْ صِرَاطِ طَاعَتِکَ فَقَتَلُوهُ سَاغِباً ظَمْآنَ وَ هَتَکُوا حَرِیمَهُ بَغْیاً وَ عُدْوَاناً وَ حَمَلُوا رَأْسَهُ فِی الْآفَاقِ وَ أَحَلُّوهُ مَحَلَّ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ الشِّقَاقِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ جَدِّدْ عَلَی الْبَاغِی عَلَیْهِ مُخْزِیَاتِ لَعْنَتِکَ وَ انْتِقَامِکَ وَ مُرْدِیَاتِ سَخَطِکَ وَ نَکَالِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَیْکَ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَلَّا تَقْطَعَ رَجَائِی مِنِ امْتِنَانِکَ وَ إِفْضَالِکَ وَ لَا تُخَیِّبْ تَأْمِیلِی فِی إِحْسَانِکَ وَ نَوَالِکَ وَ لَا تَهْتِکِ السِّتْرَ الْمَسْدُولَ عَلَیَّ مِنْ جِهَتِکَ وَ لَا تُغَیِّرْ عَنِّی عَوَائِدَ طَوْلِکَ وَ نِعَمِکَ وَ وَفِّقْنِی لِمَا یُقَرِّبُنِی إِلَیْکَ وَ اصْرِفْنِی عَمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْکَ وَ أَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ أَفْضَلَ مِمَّا أَرْجُو وَ اکْفِنِی مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ مِنِ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ إِلَی زَوَالِ الشَّمْسِ- لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام اللَّهُمَّ صَفَا نُورُکَ فِی أَتَمِّ عَظَمَتِکَ وَ عَلَا ضِیَاؤُکَ فِی أَبْهَی ضَوْئِکَ أَسْأَلُکَ بِنُورِکَ الَّذِی نَوَّرْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَحْیَیْتَ بِهِ الْأَمْوَاتَ وَ أَمَتَّ بِهِ الْأَحْیَاءَ وَ جَمَعْتَ بِهِ الْمُتَفَرِّقَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ وَ أَتْمَمْتَ بِهِ الْکَلِمَاتِ وَ أَقَمْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام الذَّابِّ عَنْ دِینِکَ وَ الْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِکَ وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۵- ۱۳۶.

تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۱)

الْکَفْعَمِیُ (۲)

وَ السَّیِّدُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَکْفِیَنِی وَ تُنَجِّیَنِی مِنْ تَعَرُّضِ السَّلَاطِینِ وَ نَفْثِ الشَّیَاطِینِ إِنَّکَ عَلَی مَا تَشَاءُ قَدِیرٌ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۳).

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِکُ الْمَلِیکُ الْمَالِکُ وَ کُلُّ شَیْ ءٍ سِوَی وَجْهِکَ الْکَرِیمِ هَالِکٌ سَخَّرْتَ بِقُدْرَتِکَ النُّجُومَ السَّوَالِکَ وَ أَمْطَرْتَ بِقُدْرَتِکَ الْغُیُومَ السَّوَافِکَ وَ عَلِمْتَ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَهٍ فِی الظُّلُمَاتِ الْحَوَالِکِ وَ أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْتَ بِهِ مِنْ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بِیضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُها وَ غَرابِیبُ سُودٌ وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ: یَا سَمِیعُ یَا بَصِیرُ یَا بَرُّ یَا شَکُورُ یَا غَفُورُ یَا رَحِیمُ یَا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ یَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْأُولی وَ الْآخِرَهِ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ- فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلًا أُولِی أَجْنِحَهٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَسْأَلُکَ سُؤَالَ الْبَائِسِ الْحَسِیرِ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ تَضَرُّعَ الضَّالِعِ الْکَسِیرِ وَ أَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ تَوَکُّلَ الْخَاشِعِ الْمُسْتَجِیرِ وَ أَقِفُ بِبَابِکَ وُقُوفَ الْمُؤَمِّلِ الْفَقِیرِ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِالْبَشِیرِ النَّذِیرِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ- مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ ابْنِ عَمِّهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ بِالْإِمَامِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِینَ الْمُخْفِی لِلصَّدَقَاتِ وَ الْخَاشِعِ فِی الصَّلَوَاتِ وَ الدَّائِبِ الْمُجْتَهِدِ فِی الْمُجَاهَدَاتِ السَّاجِدِ ذِی الثَّفِنَاتِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَیْکَ

ص: ۳۴۴

۱- ۱. مصباح الشیخ ص ۳۵۸.

۲- ۲. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۶.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۱۴۳.

وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ أَنْ تَعْصِمَنِی مِنْ مُوَاقَعَهِ مَعَاصِیکَ وَ تُرْشِدَنِی إِلَی مُوَافَقَهِ مَا یُرْضِیکَ وَ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ یُؤْمِنُ بِکَ وَ یَتَّقِیکَ وَ یَخَافُکَ وَ یَرْتَجِیکَ وَ یُرَاقِبُکَ وَ یَسْتَحْیِیکَ وَ یَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِمُوَالاهِ مَنْ یُوَالِیکَ وَ یَتَحَبَّبُ إِلَیْکَ بِمُعَادَاهِ مَنْ یُعَادِیکَ وَ یَعْتَرِفُ لَکَ بِعَظِیمِ نِعْمَتِکَ وَ أَیَادِیکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الْخَامِسَهُ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَی أَرْبَعِ رَکَعَاتٍ مِنَ الزَّوَالِ لِلْبَاقِرِ علیه السلام اللَّهُمَّ رَبَّ الضِّیَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ النُّورِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ السُّلْطَانِ تَجَبَّرْتَ بِعَظَمَهِ بَهَائِکَ وَ مَنَنْتَ عَلَی عِبَادِکَ بِرَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلَی مَوْجُودِ رِضَاکَ وَ جَعَلْتَ لَهُمْ دَلِیلًا یَدُلُّهُمْ عَلَی مَحَبَّتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمْ مَحَابَّکَ وَ یَدُلُّهُمْ عَلَی مَشِیَّتِکَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ وَلِیِّکَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام عَلَیْکَ وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۲)

الْکَفْعَمِیُ (۳)

وَ السَّیِّدُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِینَنِی بِهِ عَلَی آخِرَتِی فِی الْقَبْرِ وَ فِی النَّشْرِ وَ الْحَشْرِ وَ عِنْدَ الْمِیزَانِ وَ عَلَی الصِّرَاطِ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۴).

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ- هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ- هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۷.

۲- ۲. مصباح المتهجد ص ۳۵۸.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۸.

۴- ۴. البلد الأمین ص ۱۴۳.

الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ- فالِقُ الْإِصْباحِ- وَ جاعِلِ اللَّيْلِ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيم يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا شَاهِداً لَا يَغِيبُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ- ذلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ أَتَذَلَّلُ إِلَيْكَ تَذَلُّلَ الطَّالِبِينَ وَ أَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ خُضُوعَ الرَّاغِبِينَ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْفَقِيرِ الْمِسْكِينِ وَ أَدْعُوكَ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّكَ لَا تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ أَدْعُوكَ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ- مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ النَّذِيرِ الْمُبِينِ وَ بِوَلِيِّكَ وَ عَبْدِكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِالْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عِلْمَ الدِّينِ وَ الْعَالِمِ بِتَأْوِيلِ الْكِتَابِ الْمُسْتَبِينِ وَ أَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَ أَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي بِنِعْمَتِكَ وَ تَجْعَلَ لِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَ غَمٍّ وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَ يَسِّرْ لِي مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ مِنْ كُلِّ مَطْلَبٍ وَ اقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَاءَكَ وَ اقْطَعْ رَجَائِي مِمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُوَ إِلَّا إِيَّاكَ إِنَّكَ تُجِيبُ الدَّاعِيَ إِذَا دَعَاكَ وَ تُغِيثُ الْمَلْهُوفَ إِذَا نَادَاكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَيْرُهُ: السَّاعَةُ السَّادِسَةُ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ لِلصَّادِقِ عليه السلام يَا مَنْ لَطُفَ عَنْ إِدْرَاكِ الْأَوْهَامِ يَا مَنْ كَبُرَ عَنْ مَوْجُودِ الْبَصَرِ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ كُلِّهَا يَا مَنْ جَلَّ عَنْ مَعَانِي اللُّطْفِ وَ لَطُفَ عَنْ مَعَانِي الْجَلَالِ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ ضِيَاءِ كِبْرِيَائِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَظَمَتِكَ الصَّافِيَةِ مِنْ نُورِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۲)

۱- ۱. مصباح الكفعميّ ص ۱۳۸- ۱۳۹.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۳۵۹.

الْکَفْعَمِیُّ (۱)

وَ السَّیِّدُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِینَنِی بِطَاعَتِکَ عَلَی أَهْوَالِ الْآخِرَهِ یَا خَیْرَ مَنْ أَنْزَلْتُ بِهِ الْحَوَائِجَ یَا رَءُوفُ یَا رَحِیمُ یَا جَوَادُ یَا کَرِیمُ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۲).

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْزَلْتَ الْغَیْثَ بِرَحْمَتِکَ وَ عَلِمْتَ الْغَیْبَ بِمَشِیَّتِکَ وَ دَبَّرْتَ الْأُمُورَ بِحُکْمِکَ وَ ذَلَّلْتَ الصِّعَابَ بِعِزَّتِکَ وَ أَعْجَزْتَ الْعُقُولَ عَنْ عِلْمِ کَیْفِیَّتِکَ وَ حَجَبْتَ الْأَبْصَارَ عَنْ إِدْرَاکِ صِفَتِکَ وَ الْأَوْهَامَ مِنْ حَقِیقَهِ مَعْرِفَتِکَ وَ اضْطَرَرْتَ الْأَفْهَامَ إِلَی الْإِقْرَارِ بِوَحْدَانِیَّتِکَ یَا مَنْ یَرْحَمُ الْعَبْرَهَ وَ یُقِیلُ الْعَثْرَهَ لَکَ الْمُلْکُ وَ الْعِزَّهُ وَ الْقُدْرَهُ لَا یَعْزُبُ عَنْکَ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ مِثْقَالُ ذَرَّهٍ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِالنَّبِیِّ الْأُمِّیِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِکَ الْعَرَبِیِّ الْمَکِّیِّ الْمَدَنِیِّ الْهَاشِمِیِّ الَّذِی أَخْرَجَنَا بِهِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ الَّذِی شَرَحْتَ بِوَلَایَتِهِ الصُّدُورَ وَ بِالْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فِی الْأَخْبَارِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَی مَکْنُونِ الْأَسْرَارِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْکَارِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِهِمْ وَ أَسْتَشْفِعُ بِمَکَانِهِمْ لَدَیْکَ وَ أُقَدِّمُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی فَأَعْطِنِی الْفَرَجَ الْهَنِیءَ وَ الْمَخْرَجَ الْوَحِیَّ وَ الصُّنْعَ الْقَرِیبَ وَ الْأَمَانَ مِنَ الْفَزَعِ فِی الْیَوْمِ الْعَصِیبِ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی مُوبِقَاتِ الذُّنُوبِ وَ تَسْتُرَ عَلَیَّ فَاضِحَاتِ الْعُیُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ وَ أَنَا الطَّالِبُ وَ أَنْتَ الْمَطْلُوبُ وَ أَنْتَ بِذِکْرِکَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَ أَنْتَ الَّذِی تَقْذِفُ بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ وَ یَا خَیْرَ الْفَاصِلِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۳).

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۹.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۱۴۳.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۱۳۹.

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَيْرُهُ: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ مِنْ صَلَاهِ الظُّهْرِ إِلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ- لِلْكَاظِمِ عليه السلام يَا مَنْ تَكَبَّرَ عَنِ الْأَوْهَامِ صُورَتُهُ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ نُورُهُ يَا مَنْ قَرُبَ عِنْدَ دُعَاءِ خَلْقِهِ يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ وَ لَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ وَ سَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ عَبَدَهُ الشَّاكِرُونَ وَ حَمِدَهُ الْمُخْلِصُونَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ نُورِكَ الْمُضِي ءِ وَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْكَ وَ أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۱)

الْكَفْعَمِيُ (۲) وَ السَّيِّدُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ رَغْبَتِي إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي بِهِ مِمَّا أَخَافُهُ وَ أَحْذَرُهُ عَلَى عَيْنِي وَ جَسَدِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِ بَدَنِي مِنْ جَمِيعِ الْأَسْقَامِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْأَعْرَاضِ وَ الْعِلَلِ وَ الْأَوْجَاعِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ بِقُدْرَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۳).

الْكَفْعَمِيُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَرْجُوُّ إِذَا حَزَبَ (۴) الْأَمْرُ وَ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ إِذَا مَسَّ الضُّرُّ وَ مُجِيبُ الْمَلْهُوفِ الْمُضْطَرِّ وَ الْمُنْجِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ وَ الْعَالِمُ بِوَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَ الْمُطَّلِعُ عَلَى خَفِيِّ السِّرِّ غَايَهُ كُلِّ نَجْوَى وَ

إِلَيْكَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى يَا مَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَ السَّماواتِ الْعُلى الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۳۵۹.

۲- ۲. مصباح الكفعمیّ ص ۱۴۰.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۱۴۴، و ما بین العلامتین زیاده من المصدرین علی السیاق السابق.

۴- ۴. فی المصدر: إذا جرت الأمور، و هو تصحیف.

تَحْتَ الثَّرى وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الْمُؤْتَمَنِ عَلَى أَدَاءِ رِسَالاتِكَ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ الَّذِی جَعَلْتَ وَلَايَتَهُ مَفْرُوضَةً مَعَ وَلَايَتِكَ وَ مَحَبَّتَهُ مَقْرُونَةً بِرِضَاكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ بِالْإِمَامِ الْكَاظِمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الَّذِی سَأَلَكَ أَنْ تُفَرِّغَهُ لِعِبَادَتِكَ وَ تُخْلِيَهُ لِطَاعَتِكَ فَأَوْجَبْتَ مَسْأَلَتَهُ وَ أَجَبْتَ دَعْوَتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تَقْضِی بِهَا عَنَّا وَاجِبَ حُقُوقِهِمْ وَ تَرْضَى بِهَا فِی أَدَاءِ فُرُوضِهِمْ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ وَ أَسْتَشْفِعُ بِمَنْزِلَتِهِمْ وَ قَدْ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَيْنَ يَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُجْرِيَنِی عَلَى جَمِيلِ عَوَائِدِكَ وَ تَمْنَحَنِی جَزِيلَ فَوَائِدِكَ وَ تَأْخُذَ بِسَمْعِی وَ بَصَرِی وَ عَلَانِيَتِی وَ سِرِّی وَ نَاصِيَتِی وَ قَلْبِی وَ عَزِيمَتِی وَ لُبِّی مَا تُعِينُنِی بِهِ عَلَى هَوَاكَ وَ تُقَرِّبُنِی مِنْ أَسْبَابِ رِضَاكَ وَ تُوجِبُ لِی نَوَافِلَ فَضْلِكَ وَ تَسْتَدِيمُ لِی مَنَايِحَ طَوْلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (١).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَيْرُهُ: السَّاعَةُ الثَّامِنَةُ مِنَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ مِنْ بَعْدِ الظُّهْرِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ لِلرِّضَا عليه السلام يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مَنْ أَعْطَى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يَا مَنْ أَضَاءَ بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ أَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ سَالَ بِاسْمِهِ وَابِلُ السَّيْلِ وَ رَزَقَ أَوْلِيَاءَهُ كُلَّ خَيْرٍ يَا مَنْ عَلَا السَّمَاوَاتِ نُورُهُ وَ الْأَرْضَ ضَوْؤُهُ وَ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ رَحْمَتُهُ يَا وَاسِعَ الْجُودِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَ كَذَا(٢)

السَّيِّدُ وَ الْكَفْعَمِیُ (٣) بَيْنَ يَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْفِيَنِی بِهِ

ص: ۳۴۹

۱- ۱. مصباح الكفعمیّ ص ۱۴۱.

۲- ۲. مصباح الشيخ ص ۳۵۹.

۳- ۳. مصباح الكفعمیّ ص ۱۴۱.

وَ تُنَجِّيَنِی مِمَّا أَخَافُهُ وَ أَحْذَرُهُ فِی جَمِیعِ أَسْفَارِی وَ فِی الْبَرَارِی وَ الْقِفَارِ وَ الْأَوْدِیَهِ وَ الْآكَامِ وَ الْغِیَاضِ وَ الْجِبَالِ وَ الشِّعَابِ وَ الْبِحَارِ یَا وَاحِدُ یَا قَهَّارُ یَا عَزِیزُ یَا جَبَّارُ یَا سَتَّارُ أَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَ كَذَا(۱).

الْكَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْمُلِمَّاتِ وَ الْكَافِی لِلْمُهِمَّاتِ وَ الْمُفَرِّجُ لِلْكُرُبَاتِ وَ السَّامِعُ لِلْأَصْوَاتِ وَ الْمُخْرِجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَ الْمُجِیبُ لِلدَّعَوَاتِ الرَّاحِمُ لِلْعَبَرَاتِ جَبَّارُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا وَلِیُّ یَا مَوْلَی یَا عَلِیُّ یَا أَعْلَی یَا كَرِیمُ یَا أَكْرَمُ یَا

مَنْ لَهُ الِاسْمُ الْأَعْظَمُ یَا مَنْ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ یُطْعِمُ وَ لَا یُطْعَمُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی مِنَ الْخَلْقِ الْمَبْعُوثِ بِالْحَقِّ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الَّذِی أَوْلَیْتَهُ فَأَلْفَیْتَهُ شَاكِراً وَ أَبْلَیْتَهُ فَوَجَدْتَهُ صَابِراً وَ بِالْإِمَامِ الرِّضَا عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الَّذِی أَوْفَی بِعَهْدِكَ وَ وَثِقَ بِوَعْدِكَ وَ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْیَا وَ قَدْ أَقْبَلَتْ إِلَیْهِ وَ رَغِبَ عَنْ زِینَتِهَا وَ قَدْ رَغِبَتْ فِیهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَیْكَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تَهْدِیَنِی إِلَی سَبِیلِ مَرْضَاتِكَ وَ تُیَسِّرَ لِی أَسْبَابَ طَاعَتِكَ وَ تُوَفِّقَنِی لِابْتِغَاءِ الزُّلْفَهِ بِمُوَالاهِ أَوْلِیَائِكَ وَ إِدْرَاكِ الْحُظْوَهِ مِنْ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ وَ تُعِینَنِی عَلَی أَدَاءِ فَرَائِضِكَ وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ وَ تُوَفِّقَنِی عَلَی الْمَحَجَّهِ الْمُؤَدِّیَهِ إِلَی الْعِتْقِ مِنْ عَذَابِكَ وَ الْفَوْزِ بِرَحْمَتِكَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۲).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ التَّاسِعَهُ مِنْ صَلَاهِ الْعَصْرِ إِلَی أَنْ تَمْضِیَ سَاعَتَانِ لِلْجَوَادِ علیه السلام یَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَ الْتَجَأَ إِلَیْهِ الْخَائِفُونَ فَآمَنَهُمْ وَ عَبَدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ شَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَاهُمْ وَ أَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ یُخْلِ شُكْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ امْتَنَّ عَلَیْهِمْ فَلَمْ یَجْعَلِ اسْمَهُ مَنْسِیّاً عِنْدَهُمْ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام حُجَّتِكَ الْبَالِغَهِ وَ نِعْمَتِكَ السَّابِغَهِ وَ مَحَجَّتِكَ

ص: ۳۵۰

۱- ۱. البلد الأمین ص ۱۴۴.

۲- ۲. البلد الأمین ص ۱۴۴.

الْوَاضِحهِ وَ أَقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۱).

السَّیِّدُ وَ الْکَفْعَمِیُ (۲): بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجُودَ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ مِنْ وُسْعِکَ بِمَا أَسْتَغْنِی بِهِ عَمَّا فِی أَیْدِی خَلْقِکَ وَ أَنْ تَقْطَعَ رَجَائِی إِلَّا مِنْکَ وَ تُخَیِّبَ آمَالِی إِلَّا فِیکَ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْکَ وَاجِبٌ مِمَّنْ أَوْجَبْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَیَّ مَا حَظَرْتَهُ مِنْ رِزْقِکَ وَ تُسَهِّلَ لِی ذَلِکَ وَ تُیَسِّرَهُ هَنِیئاً مَرِیئاً فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عَافِیهٍ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ خَیْرَ الرَّازِقِینَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۳).

الْکَفْعَمِیُ (۴): دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ یَا خَالِقَ الْأَنْوَارِ وَ مُقَدِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْ ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ إِذَا تَفَاقَمَ أَمْرٌ طُرِحَ عَلَیْکَ وَ إِذَا غُلِّقَتِ الْأَبْوَابُ قُرِعَ بَابُ فَضْلِکَ وَ إِذَا ضَاقَتِ الْحَاجَاتُ فُزِعَ إِلَی سَعَهِ طَوْلِکَ وَ إِذَا انْقَطَعَ الْأَمَلُ مِنَ الْخَلْقِ اتَّصَلَ بِکَ وَ إِذَا وَقَعَ الْیَأْسُ مِنَ النَّاسِ وَقَفَ الرَّجَاءُ عَلَیْکَ أَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْأَوَّابِ الَّذِی أَنْزَلْتَ عَلَیْهِ الْکِتَابَ وَ نَصَرْتَهُ عَلَی الْأَحْزَابِ وَ هَدَیْتَنَا بِهِ إِلَی دَارِ الْمَآبِ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ الْکَرِیمِ النِّصَابِ الْمُتَصَدِّقِ بِخَاتَمِهِ فِی الْمِحْرَابِ وَ بِالْإِمَامِ الْفَاضِلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الَّذِی سُئِلَ فَوَفَّقْتَهُ لِرَدِّ الْجَوَابِ وَ امْتُحِنَ فَعَضَدْتَهُ بِالتَّوْفِیقِ وَ الصَّوَابِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الْأَطْهَارِ وَ أَنْ تَجْعَلَ مُوَالاتَهُمْ وَ مَحَبَّتَهُمْ عِصْمَهً مِنَ النَّارِ وَ مَحَجَّهً إِلَی دَارِ الْقَرَارِ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ

ص: ۳۵۱

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۲.

۲- ۲. مصباح المتهجد ص ۳۵۹- ۳۶۰.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۳.

۴- ۴. البلد الأمین ص ۱۴۴.

بِهِمْ إِلَيْکَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ تَعْصِمَنِي مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَوَاقِفِ سَخَطِکَ وَ تُوَفِّقَنِي لِسُلُوکِ مَحَبَّتِکَ وَ مَرْضَاتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَيْرُهُ: السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ مِنْ سَاعَتَيْنِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى قَبْلِ اصْفِرَارِ الشَّمْسِ- لِلْهَادِي عليه السلام.

يَا مَنْ عَلَا فَعَظُمَ يَا مَنْ تَسَلَّطَ فَتَجَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ فَتَسَلَّطَ يَا مَنْ عَزَّ فَاسْتَكْبَرَ فِي عِزِّهِ يَا مَنْ مَدَّ الظِّلَّ عَلَى خَلْقِهِ يَا مَنِ امْتَنَّ بِالْمَعْرُوفِ عَلَى عِبَادِهِ أَسْأَلُکَ يَا عَزِيزاً ذَا انْتِقَامٍ يَا مُنْتَقِماً بِعِزَّتِهِ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِيِّکَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْکَ وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۲) الْكَفْعَمِيُّ (۳)

وَ السَّيِّدُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ رَغْبَتِي إِلَيْکَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِينَنِي بِهِ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ نَوَافِلِي وَ فَرَائِضِي وَ بِرِّ إِخْوَانِي وَ كَمَالِ طَاعَتِکَ بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا(۴).

الْكَفْعَمِيُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَةِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ- الْغَفُورُ الْوَدُودُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ- ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ وَ الْبَطْشِ الشَّدِيدِ فَعَّالٌ لِما يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ وَ لَا يَكْبُرُ عَلَيْهِ الصَّفْحُ عَنِ الْعُيُوبِ أَسْأَلُکَ بِجَلَالِکَ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِکَ وَ بِقُدْرَتِکَ الَّتِي قَدَرْتَ بِهَا عَلَى خَلْقِکَ وَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْ ءٍ وَ بِقُوَّتِکَ الَّتِي ضَعُفَ بِهَا

۱- ۱. مصباح الكفعميّ ص ۱۴۳.

۲- ۲. مصباح المتهجد: ۳۶۰.

۳- ۳. مصباح الكفعميّ ص ۱۴۴.

۴- ۴. البلد الأمين ص ۱۴۵.

كُلَّ قَوِیٍّ وَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی ذَلَّ لَهَا کُلَّ عَزِیزٍ وَ بِمَشِیَّتِکَ الَّتِی صَغُرَ فِیهَا کُلَّ کَبِیرٍ وَ بِرَسُولِکَ الَّذِی رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ هَدَیْتَ بِهِ إِلَی سُبُلِ الرَّشَادِ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ أَوَّلِ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِکَ وَ صَدَّقَ وَ الَّذِی وَفَی بِمَا عَاهَدَ عَلَیْهِ وَ تَصَدَّقَ وَ بِالْإِمَامِ الْبَرِّ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام الَّذِی کَفَیْتَهُ حِیلَهَ الْأَعْدَاءِ وَ أَرَیْتَهُمْ عَجِیبَ الْآیَهِ إِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِی الدُّعَاءِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَیْکَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ أَنْ تَجْعَلَنِی مِنْ کِفَایَتِکَ فِی حِرْزٍ حَرِیزٍ وَ مِنْ کِلَاءَتِکَ تَحْتَ عِزٍّ عَزِیزٍ وَ تُوزِعَنِی شُکْرَ آلَائِکَ وَ مِنَنِکَ وَ تُوَفِّقَنِی لِلِاعْتِرَافِ بِأَیَادِیکَ وَ نِعَمِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الْحَادِیَهَ عَشْرَهَ مِنْ قَبْلِ اصْفِرَارِ الشَّمْسِ إِلَی اصْفِرَارِهَا- لِلْعَسْکَرِیِّ علیه السلام یَا أَوَّلُ بِلَا أَوَّلِیَّهٍ یَا آخِرُ بِلَا آخِرِیَّهٍ یَا قَیُّوماً بِلَا مُنْتَهَی لِقِدَمِهِ یَا عَزِیزُ بِلَا انْقِطَاعِ لِعِزَّتِهِ یَا مُتَسَلِّطاً بِلَا ضَعْفٍ مِنْ سُلْطَانِهِ یَا کَرِیماً بِدَوَامِ نِعْمَتِهِ یَا جَبَّاراً وَ مُعِزّاً لِأَوْلِیَائِهِ یَا خَبِیراً لِعِلْمِهِ یَا عَظِیماً بِقُدْرَتِهِ یَا قَدِیراً بِذَاتِهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ الْأَمِینِ الْمُؤَدِّی الْکَرِیمِ النَّاصِحِ الْعَلِیمِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۲).

السَّیِّدُ وَ الْکَفْعَمِیُ (۳): بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِینَنِی عَلَی آخِرَتِی وَ تَخْتِمَ لِی بِخَیْرٍ حَتَّی تَتَوَفَّانِی وَ أَنْتَ عَنِّی رَاضٍ وَ تَنْقُلَنِی إِلَی رَحْمَتِکَ وَ رِضْوَانِکَ إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ وَ الْمَنِّ الْقَدِیمِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۴).

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۴.

۲- ۲. مصباح الشیخ ص ۳۶۰.

۳- ۳. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۵.

۴- ۴. البلد الأمین ص ۱۴۵.

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ إِنَّکَ مُنْزِلُ الْقُرْآنِ وَ خَالِقُ الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ وَ جَاعِلُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ بِحُسْبَانٍ الْمُبْتَدِئُ بِالطَّوْلِ وَ الِامْتِنَانِ وَ الْمُبْدِئُ لِلْفَضْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ ضَامِنُ الرِّزْقِ لِجَمِیعِ الْحَیَوَانِ لَکَ الْمَحَامِدُ وَ الْمَمَادِحُ وَ مِنْکَ الْفَوَائِدُ وَ الْمَنَائِحُ وَ إِلَیْکَ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ أَظْهَرْتَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرْتَ الْقَبِیحَ وَ عَلِمْتَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَ الْجَوَانِحُ أَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله رَسُولِکَ إِلَی الْکَافَّهِ وَ أَمِینِکَ الْمَبْعُوثِ بِالرَّحْمَهِ وَ الرَّأْفَهِ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام الْمُفْتَرَضِ طَاعَتُهُ عَلَی الْقَرِیبِ وَ الْبَعِیدِ الْمُؤَیَّدِ بِنَصْرِکَ فِی کُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَ بِالْإِمَامِ الثِّقَهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الَّذِی طُرِحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَّصْتَهُ مِنْ مَرَابِضِهَا وَ امْتُحِنَ بِالدَّوَابِّ الصِّعَابِ فَذَلَّلْتَ لَهُ مَرَاکِبَهَا أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَیْکَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ أَنْ تَرْحَمَنِی بِتَرْکِ مَعَاصِیکَ مَا أَبْقَیْتَنِی وَ تُعِینَنِی عَلَی التَّمَسُّکِ بِطَاعَتِکَ مَا أَحْیَیْتَنِی وَ أَنْ تَخْتِمَ لِی بِالْخَیْرَاتِ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ بِالْمُیَاسَرَهِ إِذَا حَاسَبْتَنِی وَ تَهَبَ لِیَ الْعَفْوَ إِذَا کَاشَفْتَنِی وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی فَأَضِلَ (۱)

وَ لَا تُحْوِجْنِی إِلَی غَیْرِکَ فَأَذِلَّ وَ لَا تُحَمِّلْنِی مَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَأَضْعُفَ وَ لَا تَبْتَلِنِی بِمَا لَا صَبْرَ لِی عَلَیْهِ فَأَعْجِزَ وَ أَجْرِنِی عَلَی جَمِیلِ عَوَائِدِکَ عِنْدِی وَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِسُوءِ فِعْلِی وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لَا یَرْحَمُنِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۲).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: السَّاعَهُ الثَّانِیَهَ عَشَرَ مِنِ اصْفِرَارِ الشَّمْسِ إِلَی غُرُوبِهَا- لِلْخَلَفِ الْحُجَّهِ علیه السلام یَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ یَا مَنْ غَنِیَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ یَا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ یَا مَنْ سَلَکَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتَهُ یَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَی شُکْرِهِ یَا مَنْ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِدِینِهِ وَ لَطُفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ الْخَلَفِ الصَّالِحِ بَقِیَّتِکَ فِی أَرْضِکَ الْمُنْتَقِمِ لَکَ مِنْ أَعْدَائِکَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِکَ وَ بَقِیَّهِ آبَائِهِ الصَّالِحِینَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ بِهِ وَ أُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

۱- ۱. ما بین العلامتین ساقط من المطبوعه.

۲- ۲. جنه الأمان(مصباح الکفعمیّ) ص ۱۴۵- ۱۴۶.

وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۱)

السَّیِّدُ وَ الْکَفْعَمِیُ (۲) بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ رَغْبَتِی إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ أَنْ تَدَارَکَنِی بِهِ وَ تُنَجِّیَنِی مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ أَلْبِسْنِی بِهِ عَافِیَتَکَ وَ عَفْوَکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ کُنْ لَهُ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ نَاصِراً وَ قَائِداً وَ کَالِئاً وَ سَاتِراً حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طَوِیلًا یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ- فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۳).

الْمُتَهَجِّدُ، وَ غَیْرُهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ أُولِی الْأَمْرِ الَّذِینَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أُوْلِی الْأَرْحَامِ الَّذِینَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَ ذَوِی الْقُرْبَی الَّذِینَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ الْمَوَالِی الَّذِینَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ وَ أَهْلِ الْبَیْتِ الَّذِینَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً أَسْأَلُکَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا(۴)

السَّیِّدُ وَ الْکَفْعَمِیُ (۵) وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا یَا غَفَّارُ وَ تَتُوبَ عَلَیَّ یَا تَوَّابُ وَ تَرْحَمَنِی یَا رَحِیمُ یَا مَنْ لَا یَتَعَاظَمُهُ ذَنْبٌ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۶).

الْکَفْعَمِیُّ: دُعَاءٌ آخَرُ لِهَذِهِ السَّاعَهِ- اللَّهُمَّ یَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ الْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَ رَازِقَ الْعَاصِی وَ الْمُطِیعِ

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۳۶۰.

۲- ۲. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۶.

۳- ۳. البلد الأمین ص ۱۴۵.

۴- ۴. مصباح الشیخ ص ۳۶۰ ساقه تتمه لما سبق.

۵- ۵. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۶ و ۱۴۷ تتمه لما سبق.

۶- ۶. البلد الأمین ص ۱۴۶.

الَّذِی لَیسَ مِنْ دُونِهِ وَلِیٌّ وَ لَا شَفِیعٌ أَسْأَلُکَ بِأَسْمَائِکَ الَّتِی إِذَا سُمِّیَتْ عَلَی طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ یُسْراً وَ إِذَا وُضِعَتْ عَلَی الْجِبَالِ کَانَتْ هَبَاءً مَنْثُوراً وَ إِذَا رُفِعَتْ إِلَی السَّمَاءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَ إِذَا هَبَطَتْ إِلَی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَایِقُ وَ إِذَا دُعِیَتْ بِهَا الْمَوْتَی نُشِرَتْ مِنَ اللُّحُودِ وَ إِذَا نُودِیَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَی الْوُجُودِ وَ إِذَا ذُکِرَتْ عَلَی الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعاً وَ إِذَا قَرَعَتِ الْأَسْمَاعَ فَاضَتِ الْعُیُونُ دُمُوعاً أَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِکَ الْمُؤَیَّدِ بِالْمُعْجِزَاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْکَمِ الْآیَاتِ وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام الَّذِی اخْتَرْتَهُ لِمُوَاخَاتِهِ وَ وَصِیَّتِهِ وَ اصْطَفَیْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ وَ مُصَاهَرَتِهِ وَ بِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِیِّ الَّذِی تَجْمَعُ عَلَی

طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمُتَفَرِّقَهَ وَ تُؤَلِّفُ لَهُ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَهَ وَ تَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِیَائِکَ وَ تَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شِرَارِ أَعْدَائِکَ وَ تَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ إِحْسَاناً وَ تُوَسِّعُ عَلَی الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا وَ امْتِنَاناً وَ تُعِیدُ الْحَقَّ مِنْ مَکَانِهِ عَزِیزاً حَمِیداً وَ تُرْجِعُ الدِّینَ عَلَی یَدَیْهِ غَضّاً جَدِیداً أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَیْکَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَ أَنْ تُوزِعَنِی شُکْرَ نِعْمَتِکَ فِی التَّوْفِیقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَ الْهِدَایَهِ إِلَی طَاعَتِهِ وَ أَنْ تَزِیدَنِی قُوَّهً فِی التَّمَسُّکِ بِعِصْمَتِهِ وَ الِاقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَ الْکَوْنِ فِی زُمْرَتِهِ وَ شِیعَتِهِ إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]که شیخ بزرگوار، ابو جعفر طوسی - که رحمت خدا بر او باد - در مصباح المتهجد، هر روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده و هر یک از آنها را به یکی از امامان پاک، که درود خدا بر همه آنان باد، اختصاص داده است، و برای آن ساعت، دعای مناسب آن را ذکر نموده است، و سیّد ابن الباقی - که رحمت خدا بر او باد - و همین طور کفعمی در البلد الامین و جنه الامان، از او پیروی کرده‌اند. ولی کفعمی دعای دیگری را به آن افزوده است و من سند این دعاها را ندیدم و در مورد آن، به آنان، که خدا به آنان نیکی رساند، اعتماد کردم؛ از این رو در همه بخش‌ها، نخستین دعا از المتهجد است و افزوده‌هایی از دیگران در آن وجود دارد که به آن اشاره خواهیم کرد، و دومین دعا اختصاص به کفعمی دارد.

**[ترجمه]

«۲»

الْمُتَهَجِّدُ، رَوَی إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فِی اللَّیْلِ وَ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فِی النَّهَارِ یُمَجِّدُ فِیهِنَّ نَفْسَهُ فَأَوَّلُ سَاعَاتِ النَّهَارِ حِینَ تَکُونُ الشَّمْسُ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ یَعْنِی مِنَ الْمَشْرِقِ مِقْدَارَهَا مِنَ الْعَصْرِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ یَعْنِی مِنَ الْمَغْرِبِ إِلَی صلاه [الصَّلَاهِ] الْأُولَی وَ أَوَّلُ سَاعَاتِ اللَّیْلِ فِی الثُّلُثِ الْأَخِیرِ مِنَ اللَّیْلِ إِلَی أَنْ یَنْفَجِرَ الصُّبْحُ یَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی إِنِّی أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ مَالِکُ یَوْمِ الدِّینِ

۱- ۱. مصباح الکفعمیّ ص ۱۴۷.

إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَمْ أَزَلْ إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ إِنِّی أَنَا اللَّهُ خَالِقُ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ إِنِّی أَنَا اللَّهُ بَدْءُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَیَّ یَعُودُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لِیَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی إِنِّی أَنَا اللَّهُ الْکَبِیرُ الْمُتَعَالِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِمَنْ عِنْدَهُ الْکِبْرِیَاءُ رِدَاءُ اللَّهِ فَمَنْ نَازَعَهُ شَیْئاً مِنْ ذَلِکَ کبه [أَکَبَّهُ] اللَّهُ فِی النَّارِ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ یَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِنَّ مُقْبِلًا قَلْبُهُ إِلَی اللَّهِ إِلَّا قَضَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَاجَتَهُ وَ لَوْ کَانَ شَقِیّاً رَجَوْتُ أَنْ یُحَوَّلَ سَعِیداً(۱).

**[ترجمه]المتهجد و غیره: ساعت اول: از سپیده دم تا طلوع خورشید، برای علی علیه السلام

{خدایا، ای پروردگار زیبایی و بزرگی و بزرگ‌منشی و فرمانروایی، نیرومندی را به هرگونه که خواستی نمایاندی و به شناساندن خودت بر بندگانت منّت نهادی، و با اقتدار خودت بر آن ها چیرگی یافتی، و سپاس نعمتت را به آنان آموختی؛ خدایا، پس به حق ولیّات علی امیرالمؤمنین، آن پسندیده برای دین، و دانای به قانون، و راه‌های تقوا، پیشوای پرهیزکاران، بر محمد و خاندانش در میان پیشینیان و پسینیان درود فرست، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم – و درخواست می... کنم – که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.} – . مصباح المتهجد شیخ الطوسی: ۳۵۷ –

الکفعمی – . البلد الامین: ۱۴۲؛ جنه الامان (المصباح): ۱۳۳ –

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و – از تو درخواست می‌کنم – که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و انتقام مرا از کسی که به من ظلم کرده و ستم روا داشته است، بستانی؛ و مرا در برابر کسی که قصد بدی یا ستم به من را دارد، کفایت نمایی؛ ای یاری‌گر مظلوم مورد ستم واقع شده، ای دارنده خشم بزرگ، ای سخت انتقام گیرنده، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی، – و از تو درخواست می‌کنم که – بر من چنین و چنان کنی.}

الکفعمی – . جنه الامان: ۱۳۳ (فقط در اینجا آورده و در البلد الامین ذکر نکرده است.) – :

دعای دیگر برای این ساعت: { خدایا، ای پروردگار تاریکی و نور؛ و سپیده و شفق؛ و شب، و آنچه را که در خود گرد آورد؛ و ماه، آن هنگام که تمام فروزان شود؛ آفریننده انسان از خونی بسته شده؛ با آفرینش بی مثال خویش، نیروی خود را آشکار ساخته ای؛ و بندگانت را به جهت عبادتی که تکلیفشان کرده ای، آفریده ای؛ و به بزرگواری بخشندگی خویش به راه‌های طاعتت هدایتشان نموده ای؛ و با تسلط و قدرت بزرگ خود در ملکوت خویش یگانه مانده ای؛ و با نیکی‌های دیرینه خود به آفریدگانت مهر ورزیده ای؛ و خویش را با بخشش‌های بزرگ به آفریدگانت شناسانده ای.

ای کسی که هر کس در آسمان ها و زمین است، از او درخواست می‌کند، و هر زمان، او در کاری است؛ خدایا، به محمد آخرین پیامبران، همان کسی که روح را بر قلب او فرود آوردی، تا به زبان عربی روشن از بیم دهندگان باشد، و به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، پسر عموی رسول خدا، و همسر بتول بزرگوار، همان کسی که دوستی‌اش را بر آفریدگان واجب نمودی؛ و هر جا بود حق نیز با او بود، – از تو درخواست می کنم – که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، که من ایشان را دستاویز خود، و در پیشاپیش خود و مقابل نیاز هایم قرار داده ام، و گناهم را بیامرزی، و دلم را پاک سازی، و عیبم را

بپوشانی، و سختی مرا برطرف کنی، و مرا به آرزویم در زمینه طاعت و عبادت خود برسانی، و نیازهای دنیا و آخرتم را برآورده سازی، ای مهربان ترین مهربانان.}

المتهجد و غیره: ساعت دوم: از طلوع آفتاب تا رفتن سرخی خورشید برای امام حسن علیه السلام

{خدایا، لباس زیبایی ات را در بزرگ ترین نیرویت به خود پوشیدی، و نورت در نورانی ترین روشنایی ات خالص شد، و دانشت از پرده ات سرازیر گشت، و در آن، باورمندان به تو را از روی بخششت آفریدی، پس در بزرگمنشی ات برتری کامل یافتی، منت در آن بر اهل طاعتت بزرگ گشت،

پس با منّتی که بر آنان نهادی، بر اهل آسما نهایت مباهات نمودی؛ خدایا، پس به حقی که حسن بن علی بر تو دارد، از تو درخواست می‌کنم، و به واسطه او به درگاهت دادخواهی می جویم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، – و از تو درخواست می‌کنم – که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی.} – . مصباح الشیخ: ۳۵۸ –

الکفعمی – . مصباح الکفعمی: ۱۳۴ –

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و – از تو درخواست می‌کنم – که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا به واسطه او بر طاعت و خشنودی خودت یاری نمایی، و بهترین چیزی را که بر هر یک از دوستدارانت و دوستداران او در آن ساعت رسانده‌ای، به من برسانی، ای دارنده نعمتی که تمام نمی‌شود، ای دارنده نعمت‌... هایی که به شمارش در نمی‌آید، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، و – از تو درخواست می‌کنم که – در مورد من چنین و چنان کنی.} – . البلد الامین: ۱۴۲ –

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، ای آفریدگار آسمان ها و زمین، ای صاحب اختیار گشودن و بستن، ای تدبیر کننده محکم کردن و گسستن، و ای کسی که وقتی درمانده‌ای او را بخواند، اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و بندگانش را جانشینان زمین قرار می دهد؛ ای صاحب اختیار، ای مقتدر، ای یگانه، ای چیره گر، ای شکست ناپذیر، ای آمرزنده، ای کسی که چشم‌ها او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد، ای کسی که نبخشیدنش از روی ترس از فقر، و تنگ گرفتن در روزی‌اش، از روی بیم از تنگدستی نیست، ای بزرگوار، ای فراوان روزی دهنده، ای شروع کننده به نعمت پیش از سزاواری، ای کسی که به هر کس از بندگانش که خواهد، آن روح [فرشته] را به فرمان خویش می فرستد، تا [مردم را] از روز ملاقات [با خدا] بترساند، نعمت تو بر من بسی بزرگ بوده، و سپاس من در کنار آن بسیار کوچک است، و بی نیازی تو بر من پیوسته ادامه داشته، و نیاز من به تو بس بزرگ است؛ ای دانای نهان و آشکارم، ای کسی که جز او کسی نمی‌تواند پریشانی‌ام را بزداید، از تو می‌خواهم که بر محمد، آن فرستاده برگزیده، و حجت تو بر نیکان و گناهکاران، و بر خاندان پاکیزه و برگزیده او درود فرستی، و به آنکه درونش از علم و دانش سرشار است، به امام پاک حسن، کشته شده با سم، به درگاهت توسل می‌جویم، که به راستی آنان را به درگاه تو شفیع آورده ام، و آنان را در پیش خود و پیشاپیش خواسته‌هایم قرار داده ام، پس از تو می‌خواهم که بر دانش من از نزد خود بیفزایی، و به من حکمت ببخشی، و کاستی هایم را جبران کنی، و سینه ام را به تقوی گشاده گردانی، و آنگاه که اثرم از دنیا بریده شود، به من رحم آوری، و آنگاه که یادم

فراموش گردد، مرا یاد آوری، به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.} - . جنه الامان الواقیه (المصباح): ۱۳۴ -

المتهجد و غیره: ساعت سوم: از رفتن ستون عمودی نور خورشید تا بالا آمدن روز، برای امام حسین علیه السلام

{ای کسی که همه جا را پوشاند، پس دیده ای او را نبیند، ای کسی که خود را بزرگ دانست، پس دل ها به حقیقتش راه نیابند، ای نیک منّت گزار، ای نیک گذشت کننده، ای نیک بخشایشگر، ای بخشنده، ای بزرگوار، ای کسی که چیزی از آفریدگانش به او شباهت ندارد، ای کسی که با اولیائش، آن هنگام که آنان را برای دینش پسندید، بر بندگانش منّت نهاد، و به وسیله آنان بندگانش را ادب آموخت، و آنان را از روی منّت از جانب خود، بر بندگانش حجّت قرار داد، از تو به حق حسین بن علی، آن فرزندزاده پیامبر، آن پیرو خشنودی ات و خیرخواه در دینت، و راهنمای بر هستی ات، درخواست می کنم؛ از تو به حق او درخواست می‌کنم و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم - و از تو درخواست می کنم - که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح المتهجد: ۳۵۸ -

الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۳۵ -

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می‌کنم - که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا به واسطه او بر طاعت و کارهای خوب، و هر چیزی که تو را از من خشنود، و مرا به تو نزدیک می‌نماید، یاری نمایی، ای دارنده شکوه و بزرگواری، و بخشش و نعمت رسانی، ای بسیار بخشنده، ای بزرگوار، و - از تو درخواست می کنم که - در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۳ -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، ای پروردگار همه پروردگاران - ظاهری - ای سبب ساز همه سبب ها، ای صاحب اختیار انسان ها، ای تسخیر کننده ابر ها، ای آسان کننده مشکل ها، ای بردبار، ای توبه پذیر، ای بزرگوار، ای بسیار بخشنده، ای گشاینده در ها، ای کسی که هرجا صدایت زنند جواب گویی، ای کسی که برایش پرده‌دار و دربانی وجود ندارد، ای کسی که برای گنجینه‌هایش قفل و دری وجود ندارد، ای کسی که پرده‌ای بر رویش کشیده نشده، و میان او و دیگران حجابی نیست، ای کسی که هر کس را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد، ای آمرزنده گناه، و پذیرنده توبه، و سخت کیفر. بگو او خدا، پروردگار من است، هیچ خدایی جز او وجود ندارد، بر او توکل کردم و بازگشتم به سوی اوست.

خدایا، امید جز از بخشش تو بریده گشته، و آرزو جز از بزرگواری تو به نومیدی گراییده است، پس به فرستاده ات محمد صلی الله علیه و آله، و به بر گزیده ات علی بن ابی‌طالب، و به حسین بن علی علیهما السلام، آن امام پاکدامنی که جان خویش را در راه کسب رضای تو فروخت و با منحرف شدگان از مسیر طاعت تو پیکار نمود، پس او را گرسنه و تشنه کشتند، و از روی ستم و دشمنی پرده حرمتش را دریدند، و سر- مبارک- ش را در سرزمین‌ها گرداندند، و او را به عنوان ستیزه‌جو و تفرقه‌افکن قرار دادند؛ خدایا، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و لعنت ها و انتقام‌های خوار کننده و خشم ها و کیفرهای هلاکت‌بار خویش را نو به نو بر سر شورشیان علیه او فرو ریز؛ خدایا، به حق محمد و خاندان او از تو درخواست می‌کنم، و آنان را شفیع به درگاه تو می‌آورم، و ایشان را در پیش خود و خواسته‌هایم قرار می‌دهم، که امیدم را از منّت و بخشش خود نبُری، و آرزویم را در نیکی و بخشش‌های بی پایانت نومید مگردانی، و پرده‌ای را که از جانب خویش بر گناهم

کشیده‌ای ندری، و بخشش و نعمت‌های مجدد خود را از من باز نگردانی، و به آنچه که مرا مقرّب درگاهت می سازد، توفیق بخشی، و از آنچه مرا از تو دور می‌کند بازم داری، و از خوبی ها، بر تر از آنچه که امید دارم به من عطا کنی، و هر گونه بدی را که از آن بیم دارم و دوری می‌جویم، از من دور سازی، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۳۵-۱۳۶ -

المتهجد و غیره: ساعت چهارم: از ارتفاع روز تا زوال خورشید، برای امام زین العابدین علیه السلام

{خدایا، نورت در کامل ترین بزرگی ات خالص شد، و تابشت در زیبا ترین پرتوت بر تر شد، از تو به آن نورت که با آن، آسمان ها و زمین را روشن کردی، و با آن گردنکشان را در هم شکستی، و با آن مردگان را زنده کردی، و با آن زندگان را میراندی، و با آن پراکنده ها را گرد آوردی، و با آن جمع شده ها را پراکنده ساختی، و کلمات را با آن کامل نمودی، و آسمان ها را با آن بر پا ساختی، از تو درخواست می کنم؛ از تو به حق ولیّ ات علی بن حسین، آن دفاع کننده از دینت، و جهاد کننده در راهت، درخواست می کنم و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم و - از تو درخواست می کنم - که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح الشیخ: ۳۵۸ -

الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۳۶ -

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می‌کنم - که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از دست‌اندازی فرمانروایان و دمیدن شیطان‌ها کفایت کنی و نجات دهی، که تو بر هر چیزی توانایی، و - از تو درخواست می‌کنم که - در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۳ -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، تو پادشاه و صاحب ملک و دارنده هر چیزی هستی، و همه چیز جز جلوه باکرامت تو تباه شدنی است؛ به نیروی خود، ستارگان پوینده را به تسخیر کشیده‌ای، و با قدرت خویش ابرهای ریزان را به باریدن آورده‌ای، و آنچه را که در خشکی و دریا است و هر برگی که در تاریکی‌های سخت از درختی بیفتد، همه را دانسته‌... ای، از آسمان، آبی فرود آورده‌ای و به وسیله آن میوه هایی که رنگ‌های آنها گوناگون است، بیرون آوردی؛ و از برخی کوه ها، راه‌ها [و رگه ها] ی سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پر رنگ [آفریدی] و از مردمان و جانوران و دام‌ها که رنگ‌هایشان همان گونه مختلف است، [پدید آوردی.]

ای شنوا، ای بینا، ای نیکوکار، ای سپاسگزار، ای آمرزنده، ای مهربان، «ای کسی که نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می دارند، می داند. در این [سرایِ] نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و اوست حکیم آگاه. پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند، پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.» همچون نیازمندی خسته از تو درخواست می‌کنم، و چون شکسته بالی به درگاهت زاری می‌نمایم، و چون فروتنی پناهنده بر تو توکل می‌کنم، و به بارگاهت همچون آرزومندی تهیدست می‌ایستم، و به بشارت دهنده و هشدار دهنده و چراغ فروزان، محمد آخرین پیامبران، و پسر عمویش امیرالمؤمنین، و به امام علی بن حسین، زینت عبادت کنندگان و پیشوای پرهیزکاران، همان کسی که پنهان کننده صدقه دادن هایش، و فروتن در نمازهایش،

و رنج برنده و سختکوش در عبادت‌ها، و بسیار سجده کننده دارای پینه‌ها - در محل سجده‌هایش، - به درگاهت توسل می... جویم، - و از تو می‌خواهم - که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، که همانا من به سبب آنان به سوی تو توسل جسته، و آنان را در پیش خود و خواسته‌هایم قرار داده ام، تا مرا از ارتکاب گناهان، خودت نگاه داری، و به انجام آنچه که موجب خشنودی توست راهنمایی‌ام کنی، و مرا از کسانی که به تو ایمان آورده و پروای تو را پیشه ساخته، و از تو بیم داشته و به تو امیدوار بوده است، و مراقب فرمان تو بوده، و از تو حیا می‌نموده است، و با دوستی دوستدارانت به تو نزدیکی جسته، و با دشمن داشتن دشمنانت به سوی تو اظهار محبت کرده است، و در پیشگاهت به نعمت ها و بخشش‌های بزرگ تو اعتراف نموده است، قرار دهی، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۳۷ -

المتهجد و غیره: ساعت پنجم: از زوال آفتاب (ظهر) تا مقدار چهار رکعت بعد از آن، برای امام باقر علیه السلام

{خدایا، ای پروردگار تابش و بزرگی، و روشنایی و بزرگ‌منشی و فرمانروایی، به بزرگی جمالت بزرگی یافتی، و با مهربانی و رحمتت بر بندگان منّت نهادی، و بر خشنودی حاضر و حاصلت راهنمایی شان کردی، و برای آنان راهنمایی قرار دادی تا بر محبتت راهنمایی شان کند، و آنچه را مورد دوستداری توست، به آنان بشناساند، و آنان را بر خواسته تو راهنمایی کند؛ خدایا، پس به خاطر حقی که محمّد بن علی، امام باقر علیه السلام بر تو دارد، - از تو درخواست می کنم - و او را پیشاپیش خواسته هایم قرار می‌دهم و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح المتهجد: ۳۵۸ -

الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۳۸ -

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می کنم - که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و در قبر و در رستاخیز و محشور شدن و هنگام حسابرسی اعمال و بر روی صراط، مرا توسط او یاری دهی، ای بسیار مهربان، ای بسیار نعمت دهنده، ای دارنده شکوه و بزرگواری، و - از تو درخواست می کنم که - در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۳ -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، تو همان خدایی هستی که جز او معبودی نیست، زنده و برپادارنده است، نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران، دانای نهان و آشکار است، بخشنده و مهربان است، اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست؛ [هم اوست که] شکافنده صبح است، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این اندازه گیریِ آن توانای داناست. ای غالبی که مغلوب نگردی، و ای شاهدی که پنهان نشوی، ای نزدیک، ای اجابت کننده، چنین خدایی پروردگار من است، بر او توکل کردم و به سوی او بازمی گردم. همچون خواری کردن خواهندگان به سویت خواری می کنم، و همچون مشتاقان در پیشگاه تو فروتنی می‌نمایم، و همچون فقیری بیچاره از تو درخواست می کنم، و به زاری و نهانی تو را می‌خوانم که تو از حد گذرندگان را دوست نمی داری؛ و با بیم و امید تو را می... خوانم که رحمت تو به نیکوکاران نزدیک است؛ و به واسطه برگزیده تو از میان آفریدگان، و انتخاب شده تو از میان جهانیان به تو متوسل می‌شوم، همان کسی که راستی آورد و فرستادگان را باور نمود، محمد، بنده و فرستاده تو، هشدار دهنده آشکار، و به دوستدار و بنده ات علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، و به امام محمد بن علی که شکافنده دانش دین و دانای به تأویل

کتابِ واضح است، و به مقام و منزلتشان نزد تو، از تو در خواست می کنم و با آنان به سوی تو شفاعت می‌خواهم و آنان را در پیش خود و پیشاپیش نیازهایم قرار می‌دهم که سپاس نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشته‌ای، به دلم افکنی، و از هر گرفتاری و انـدوه برایم گشـایش و راه گریز قرار دهی، و از جـائی که گمـان می‌برم و از جایی که گمان نـدارم به من روزی دهی، و از فضل خویش چندان دارایی‌ام بخشـی که با آن مرا از هر خواسته‌ای بی نیاز سازی، و امید خویش را در دلم انداز، و امیدم را از هر کس جز خودت قطع کن، تا جایی که جز به تو امیـد نبنـدم، به درستی که تو دعا کننده‌ای را که تو را بخواند، اجابت می... کنی، و فریادخواهی را که تو را ندا زند، فریادرسـی می‌نمایی، و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.} – . مصـباح الکفعمی: ۱۳۸– – ۱۳۹

المتهجد و غیره: ساعت ششم: به اندازه چهار رکعت از زوال گذشته تا هنگام نماز ظهر، برای امام صادق علیه السلام

{ای کسـی که از ادراک پندار ها پنهان است، ای کسـی که از یافته های دیده بزرگ تر است، ای کسـی که از همه ویژگی‌ها بر تر است، ای کسـی که از معـانی لطـف، والاـ تر، و از معـانی شـکوه، لطیـف تر است، از تـو به خـاطر نور جلوه ات، و تـابش بزرگی‌ات درخـواست می کنم، و از تـو به حق آن عظمتت که از نورت به پـاکی رسـیده است، درخواست می کنم؛ و از تو به خاطر حقی که جعفر بن محمّـد بر تو دارد، درخواست می‌کنم، و او را پیشاپیش خواسـته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} – . مصباح الشیخ: ۳۵۹ –

الکفعمی – . مصباح الکفعمی: ۱۳۹ –

و السیّد: {او را پیشـاپیش خواسـته‌هـایم و روی‌آوردنم به سـوی تو قرار می‌دهم و – از تو درخواست می کنم که – بر محمـد و خاندان محمد درود فرستی، و در گرفتاری‌های هولناک آخرت، مرا با طاعت خودت یاری رسانی، ای بهترین کسـی که نیازها پیش تو فرود می‌آید، ای بسـیار مهربان و بخشایشگر، ای بخشنده، ای بزرگوار، و – از تو درخواست می کنم که – در مورد من چنین و چنان کنی.} – . البلد الامین: ۱۴۳ –

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، تو باران را به رحمت خویش فرسـتادی، و با خواسته خودت نهان را دانستی، و بـا حکمتت به تـدبیر امور پرداختی، و حیوانات چموش را به عزتت رام ساخته‌ای، و خِرد ها را از پی بردن به چگونگی خودت ناتوان ساختی، و دیـده ها را از دریافتن ویژگی‌هایت، و پندارها را از شـناخت حقیقی‌ات در پرده داشتی، و فهم‌ها را به اقرار به یگـانگی خویش وادار نمودی، ای کسـی که به اشک دیـده ها رحمت می‌آوری، و از لغزش ها چشم می‌پوشـی، فرمانروایی و شکوه و قـدرت از آن توست، کوچک ترین ذره‌ای در زمین و آسـمان از نظر تو پنهان نیست، به واسـطه پیامبر درس نخوانده، محمـد، فرسـتاده تو، عرب – زبان – منسوب به مکه و مـدینه و قبیله هاشـمی، همان کسـی که به دست او ما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آوردی، و به واسـطه امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، همان کسـی که با ولایتش سینه ها را گشاده ساختی، و به واسـطه امام جعفر بن محمد، که راستگو در گفتار، و بر اسرار پوشیده امانتدار بود، دست توسل به دامان تو دراز می کنم. درود خدا شامگاهان و بامدادان بر او و خانواده او باد.

خـدایا، به حق آنـان از تـو درخـواست می کنم، و به مقـام و منزلتشـان در نزد تـو شـفاعت می‌خـواهم، و آنـان را پیش خـود و

پیشاپیش نیازهایم قرار می‌دهم، پس از تو گشایشی گوارا و راه گریزی زودرس، و نیکی نزدیک، و امانی از بیم و نگرانی در روز بسیار سخت - قیامت - به من ببخش، - و از تو درخواست می کنم که - گناهان هلاک کننده مرا بیامرزی، و بر زشتی‌- های رسوا کننده‌ام پرده پوشی کنی، که تو پروردگاری و من پرورده‌ام، و من خواهنده‌ام و تو خواسته شده‌ای، و تو همانی که به یاد تو دل ها آرامش یابد، و تو همانی که حق را - در دل‌ها - می‌افکنی، و تو بهترین دانای نهان‌ها هستی، ای بزرگوارترین بزرگواران، و ای بهترین داوران، و ای بهترین جداکننده - حق از باطل - و ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۳۹ -

المتهجد و غیره: ساعت هفتم: از نماز ظهر تا مقدار چهار رکعت، برای امام کاظم علیه السلام

{ای کسی که حقیقتش فرا تر از پندار ها است، ای کسی که نورش بالا- تر از صفات است، ای کسی که هنگام دعای بندگانش نزدیک است، ای کسی که درماندگان او را می‌خوانند، و بیمناکان به او پناه می‌برند، و مؤمنان از او درخواست می‌- کنند، و سپاسگزاران او را می‌پرستند، و وارستگان او را ستایش می‌نمایند، از تو به حق نور تابنده ات، و به حقی که دوستدارت موسی بن جعفر بر تو دارد، درخواست می کنم، و توسط او به تو نزدیکی می جویم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح المتهجد: ۳۵۹ -

[الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۴۰ -

و السیّد: {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می کنم که - بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و به خاطر او بر دیده‌ام و بدنم و تمام اعضای بدنم، در برابر تمام دردمندی‌ها و بیماری‌ها و کسالت‌ها و ناخوشی‌ها و رنجوری‌ها، چه آشکار باشند و چه نهان، با قدرت خودت سلامتی دهی، ای مهربان‌ترین مهربانان، و در مورد من چنین و چنان کنی.}] - . البلد الامین: ۱۴۴ (آنچه بین دو علامت آمده است، به گونه موارد گذشته، از دو مأخذ گفته شده افزوده شده است.) -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، وقتی کار سخت شود، به تو امید بسته می‌شود؛ و وقتی سختی پیش می‌آید، تو خوانده می‌شوی؛ تو اجابت کننده پناهنده درمانده، و رهایی‌بخش از تاریکی‌های خشکی و دریا، و داننده وسوسه‌های سینه‌ها، و آگاه بر اسرار پنهانی، و نهایت هر راز هستی، و پایان هر شکایت به سوی توست، ای کسی که سپاس در آخرت و دنیا از آن اوست، ای کسی که زمین و آسمان‌های بر افراشته را آفریده است، خدای بخشنده که بر عرش استیلا یافته است، آنچه در آسمان ها و زمین و میان آن دو و در اعماق زمین است، همه از آن اوست، و اگر سخن به آواز گویی، او نهان و نهان تر را می داند، خدایی که جز او معبودی نیست [و] نام‌های نیکو به او اختصاص دارد. به احترام محمد که آخرین پیامبران و برگزیده تو از میان آفریدگانت، و مورد اعتماد برای ادای رسالت توست، و به احترام امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب، که ولا-یتش را در کنار ولا-یت خود واجب دانسته، و دوستی وی را مقرون رضایت و محبت خویش ساخته‌ای، و به احترام امام کاظم موسی بن جعفر، همان کسی که از تو خواست که فراغتی برایش جهت عبادت خویش فراهم سازی، و به جهت طاعت خودت تنهایش گذاری، و تو نیز خواسته‌اش را لا-زم دانسته و دعایش را مستجاب فرمودی، از تو می‌خواهم که بر محمد و

خانـدان محمـد درود فرستی، درودی که به سـبب آن، حقوق واجب ایشان را از سوی من ادا کنی، و خودت نیز به سـبب ادای حق واجبشـان خشـنود گردی، و به واسـطه آنان دست توسل به سوی تو دراز می‌کنم، و به مقام و منزلتشان شـفاعت می‌جویم، که بی‌تردیـد آنان را پیش روی خود و پیشاپیش خواسـته‌هایم قرار دادم، تا مرا بر همان حالت بهره‌منـدی از نیکی هایت جریان دهی، و از بهره‌های فراوان خویش به من ارزانی داری، و گوش و چشم و آشکار و نهان و اختیار و دل و عزم و خِردم، همه را بـه سـوی آن چیزی بگردانی کـه بـه سـبب آن در راه دلخـواهت یـاری‌ام می‌کنی، و به اسـباب رضـایتت نزدیکم می‌سـازی، و بخشـش‌هـای اضـافی و فراوانت را برایم لازم می‌داری، و نیکی‌هـای ارزانی داشـته ات را برایم ادامه می‌دهی، ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۱ -

المتهجد و غیره: ساعت هشتم: از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر تا هنگام نماز عصر برای امام رضا علیه السّلام

{ای بهترین خوانده شده، ای بهترین کسـی که بخشید، ای بهترین کسی که درخواست شد، ای کسی که به نامش روشنی روز روشن شد، و تاریکی شب تاریک گشت، و به نام او باران سـیل آسا جاری گشت، و هر خیری را نصـیب دوسـتدارانش نمود، ای کسـی که نورش بر آسـمان ها، و تابشـش بر زمین، و رحمتش بر شرق و غرب بر تر آمد، ای گسترده بخشنده، از تو به حق علی بن موسـی علیه السلام درخواست می‌کنم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح الشیخ: ۳۵۹ -

السیّد و الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۴۱ - :

{او را پیشـاپیش خواسـته‌هـایم و روی‌آوردنم به سـوی تـو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می‌کنم که - بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرستی، و مرا از آنچه در مسـافرت‌هـا و صـحراها و بیابـان‌هـا و پستی‌ها و بلنـدی‌ها و بیشه‌زارها و کوه‌ها و راه‌های کوهسـتان و دریاهـا بیم دارم و دوری می‌کنم، مرا کفـایت کنی و نجات دهی؛ ای یگانه، ای چیره گر، ای شـکست ناپـذیر، ای مقتدر، ای پوشاننده، و - از تو درخواست می‌کنم که - در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۴ -

الکفعمی: دعـای دیگر برای این سـاعت: {خـدایا، تو زداینـده پیشامـدهای غمبـار، و کفایت کننـده در برابر کارهای مهم، و بر طرف کننده سختی‌ها، و شنونده صدا ها، و بیرون آورنده از تاریکی ها، و اجابت کننده دعا ها، و رحمت آورنده بر اشک ها، و مقتـدر زمین و آسـمان‌ها هستی. ای دوست و ای سـرپرست، ای بلند پایه، ای بر تر، ای بزرگوار، ای بزرگوارترین، ای کسـی که اسم اعظم از آن اوست، ای کسـی که به انسـان آنچه را که نمی‌دانست، آموخت، پدیـد آورنـده آسـمان ها و زمین، همان کسـی که می‌خورانـد و خورانـده نمی‌شود؛ به حق محمـد که برگزیـده از میان آفریـدگان و برانگیخته شـده به حق است، و به احترام امیرالمؤمنین، همان کسـی که نعمتش دادی و سپاسگزارش یافتی، و آزمایشـش نمودی و شـکیبایش یافتی، و به احترام امام رضا، علی بن موسـی، همان کسی که به عهد تو وفا نمود، و به وعده ات اطمینان کرد، و چون دنیا به او روی آورد، به آن پشت کرد، و با اینکه زینت‌های آن به او روی آورده بود، از آن روی گردانـد، از تو می‌خواهم که بر محمـد و خانـدان محمد درود فرستی، که من به وسـیله ایشان دست توسل به دامان تو زده، و آنان را پیشاپیش خود و خواسـته‌هایم قرار داده‌ام، تا اینکه مرا بـه راه خشـنودیت ره نمـایی، و اسـباب طـاعت خـود را برایـم میسّـِر سازی، و برای نزدیکی به تـو از طریـق دوست داشـتن دوسـتدارانت، و برای بهره‌مندی از دشـمن داشـتن دشـمنانت موفّقم بداری، و مرا بر انجام واجباتت و بکارگیری سـنت خودت

یاری‌ام کنی، و بر راهی که به آزادی از عذاب و دستیابی به رحمتت می انجامد، ثابت قدم بداری، ای مهربان ترین مهربانان.}
- . البلد الامین: ۱۴۴ -

المتهجد و غیره: ساعت نهم: از نماز عصر تا دو ساعت پس از آن، برای امام جواد علیه السلام

{ای کسی که درماندگان او را خواندند، پس اجابتشان کرد؛ و بیمناکان به او پناه بردند، پس آنان را ایمنی داد؛ و فرمانبرداران او را عبادت کردند، پس از آنان سپاسگزاری نمود؛ و مؤمنان او را سپاس گزاردند، پس به آنان بخشش کرد؛ و از او فرمانبرداری کردند، پس نگاهشان داشت؛ و از او خواستند، پس به آنان بخشید؛ و نعمتش را فراموش کردند، پس سپاسش را از دل‌هایشان بیرون نکرد؛ و بر آنان منّت نهاد، پس نامش را نزد آنان فراموش شده نساخت؛ از تو به حق ولیّ‌ات محمد بن علی علیه السلام، آن حجّت رسای تو، و نعمت کامل تو، و دلیل روشنت درخواست می‌کنم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۲ -

السیّد و الکفعمی - . مصباح المتهجد: ۳۵۹-۳۶۰ - : {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می‌کنم که - بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با فضل خودت از نعمت فراوانت بر من ببخشی که با آن از آنچه در دست آفریدگان توست، بی‌نیاز گردم، و امیدم را از هر کسی جز تو قطع کنی، و آرزوهایم را جز از خودت نومید و بی‌سرانجام گردانی؛ خدایا، به حق کسی که حق او بر تو واجب و از کسانی است که برای او نزد خودت حقی واجب کرده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و آن روزی‌ات که از من بازداشته بودی، گشوده سازی، و آن را بر من آسان گردانی و به صورت آماده و گوارا و در راحتی و سلامتی از سوی خودت برایم میسّر سازی، به رحمتی که داری، ای مهربان‌ترین مهربانان، و بهترین روزی دهندگان، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۳ -

الکفعمی: - . البلد الامین: ۱۴۴ -

دعای دیگر برای این ساعت:{خدایا، ای آفریدگار نور ها، و اندازه دهنده شب و روز، و آنچه را که هر ماده ای [در رحم] بار می گیرد، و [نیز] آنچه را که رَحِم‌ها می کاهند و آنچه را می افزایند، می داند، و هر چیزی نزد او اندازه ای دارد؛ چون کاری سخت گردد، به نزد تو آورده شود؛ و چون همه در ها بسته شود، درب بخشش تو زده شود؛ و چون نیاز ها شدت گیرد، به احسان گسترده تو پناه آورند؛ و چون امید ها از آفریدگان ببرد، به تو پیوندد؛ و چون نومیدی از مردم حاصل آید، امید ها به تو بسته شود. به حق محمد، آن پیامبر روی آورنده به خدا، همان کسی که کتاب را بر او فرو فرستادی، و بر گروه‌های دشمن یاری‌اش دادی، و ما را به دست او به خانه آخرت ره نمودی، و به امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب، آن کسی که اصالتاً بزرگوار بود، و در محراب عبادت انگشتر خویش را صدقه داد، و به احترام امام بزرگوار، محمد بن علی، همان کسی که از وی پرسش شد و برای برگرداندن جواب موفقش گرداندی، و مورد آزمایش قرار گرفت و با توفیق و درستی نیرومندش ساختی، که درود خدا بر او و خانواده پاکش باد، از تو درخواست می‌کنم که دوستی مرا نسبت به ایشان، موجب نگهداری من از آتش دوزخ، و راهی به سوی خانه همیشگی قرار دهی، که من به واسطه آنان دست توسل به سوی تو دراز نموده، و آنان را

پیشاپیش خود و خواسته‌هایم قرار داده‌ام، و - می‌خواهم که - مرا از افتادن در معرض خشمت نگاه داری، و در جهت پویش راه محبت و رضایت خودت توفیقم بخشی، ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۳ -

المتهجد و غیره: ساعت دهم: دو ساعت پس از هنگام نماز عصر، تا پیش از زرد شدن خورشید، برای امام هادی علیه السلام

{ای کسی که فراز آمد و بزرگ گشت، و چیره گشت و بزرگ‌منش شد، و بزرگ‌منش شد و چیره گشت، ای کسی که عزیز شد و بزرگی گرفت، ای کسی که سایه را بر بندگانش گستراند، ای کسی که با نیکویی کردن بر بندگانش منّت نهاد؛ ای عزیز صاحب انتقام، ای انتقام گیرنده توسط عزّتش از اهل شرک، به خاطر حقّی که ولیّ‌ات علی بن محمد بر تو دارد، از تو درخواست می کنم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح المتهجد: ۳۶۰ -

الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۴۴ -

و السیّد:{او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می کنم که - بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و به واسطه او مرا در برآورده ساختن نیازهایم، و به جای آوردن مستحبات و واجباتم، و نیکی کردن به برادرانم، و طاعت کامل برای تو یاری‌ام کنی، به رحمتی که داری، ای مهربان‌ترین مهربانان، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۵ -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت:

{خدایا، تو سرپرست ستوده، آمرزنده و مهربان، آفریننده و بازگرداننده، صاحب عرش با عظمت، و خشم شدید، انجام دهنده هر آنچه خواهی، هستی؛ ای کسی که به من از رگ گردن نزدیکتری، ای کسی که بر هر چیز گواه هستی، ای کسی که آمرزش گناهان برایت بزرگ نیاید، و گذشت از عیب ها بر تو سخت نباشد؛ به بزرگواری‌ات، و به نور جلوه‌ات که ارکان عرش تو را فرا گرفته است، و به قدرتت که با آن بر آفریدگانت نیرومند گشته‌ای، و به رحمتت که هر چیز را فرا گرفته است، و به نیرویت که هر نیرومندی در برابرش ناتوان است، و به عزتت که هر عزیزی در برابرش خوار و ذلیل است، و به خواستنت که هر بزرگی در برابرش ناتوان است، و به فرستاده‌ات که به واسطه او بر بندگان رحمت آورده‌ای، و به دست او به راه راست ره نموده‌ای، و به احترام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، نخستین کسی که به فرستاده تو گروید و راستی او باور کرد، و به آنچه عهد بسته بود وفا کرده و تصدیق نمود، و به احترام امام نیکوکار، علی بن محمد علیهما السلام، همان کسی که نیرنگ دشمنان را از او باز داشتی، و چون در دعا به او متوسل شدند، نشانه‌ای شگفت را به آنان نمودی، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، که من به واسطه ایشان به سوی تو شفاعت جستم، و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم قرار دادم، و - می‌خواهم که - مرا در دژ محکمی از مراقبت و کفایت خویش، و در زیر سایه عزت عزیزتری زیر حفظ و حمایت خودت قرار دهی، و سپاس نعمت ها و بخشش هایت را به من ارزانی داری، و به اعتراف به داده ها و نعمت هایت توفیقم بخشی، ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۴ -

المتهجد و غیره: ساعت یازدهم: پیش از زرد شدن خورشید تا زرد شدن آن، برای امام عسکری علیه السلام

{ای اول بی آغاز، و ای آخر بی پایان، ای پاینده ای که برای دیرینگی اش نهایتی نیست، ای عزیزی که برای عزّتش گسستنی نیست، ای چیره ای که فرمانروایی‌اش بدون ضعف است، ای بزرگوار در ادامه دادن به نعمتش، ای مقتدر و عزّت بخش به دوستدارانش، ای آگاه به دانایی اش، ای بزرگ به توانایی اش، ای توانا به صورت ذاتی، از تو به حقّ ولیّ امانتدار و بخشنده بزرگوار، حسن بن علی علیهما السلام درخواست می کنم، و او را پیشاپیش خواسته هایم پیش می اندازم، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . مصباح الشیخ: ۳۶۰ -

السیّد و الکفعمی - . مصباح الکفعمی: ۱۴۵ - : {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و - از تو درخواست می کنم که - بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا در مورد نیکو ساختن آخرتم یاری دهی، و پایان کار مرا به خوبی ختم کنی تا اینکه بمیرانی، و تو از من خشنود باشی، و مرا به رحمت و رضوان خودت منتقل نمایی، به درستی که تو دارای بخشش بزرگ، و نعمت دیرینه هستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} - . البلد الامین: ۱۴۵ -

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، تو فرو فرستنده قرآن، و آفریدگار انسان و جن، و قرار دهنده خورشید و ماه از روی حساب، و ابتدا کننده به بخشش و نعمت دادن، و آغاز کننده به فضل و نیکی کردن، و ضامن روزی همه حیوانات هستی، تمامی ستایش ها و مدح ها ویژه توست، و همه سودها و موهبت ها از سوی توست، و سخن پاکیزه و کار شایسته به سوی تو بالا- می‌آیند، زیبا را نمودار کرده‌ای، و زشت را پوشانده‌ای، و به رازهایی که در میان قفسه سینه ها و استخوان‌های پهلو ها نهان است، دانایی. به محمد صلی الله علیه و آله که فرستاده تو به سوی جمیع مردم، و امانتدار توست که به رحمت و مهربانی بر انگیخته شده است، و به امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب علیه السلام که طاعتش بر دور و نزدیک واجب گشته، و در هر میدان کارزاری حاضر و به یاری تو مؤید بوده است، و به امام مورد اعتماد، حسن بن علی، همان کسی که برای درندگان افکنده شد و تو از محل آن‌ها خلاصش نمودی، و با حیوانات چموش مورد آزمایش قرار گرفت و تو آن ها را در برابرش رام ساختی؛ - از تو می‌خواهم - که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، که من با توسل به ایشان به دامنت دست زده، و آنان را در پیشاپیش خود و نیازهایم قرار داده‌ام، و - می‌خواهم که - با توفیق ترک نافرمانی‌ات در طول زندگانی‌ام بر من رحمت کنی، و تا زنده ام، بر دست‌آویختن به طاعتت یاری‌ام دهی، [و چون مرا بمیرانی، کارم را با خوبی‌ها به پایان بری، و آسانی حساب را به هنگام حسابرسی به من هدیه کنی، و چون حجاب از اعمال ناپیدای من برداری، عفو خود را شامل حالم سازی؛ و مرا به خودم وانگذاری که گمراه شوم،] - . عبارت‌های بین دو علامت چاپ نشده است. -

و به غیر خودت نیازمندم نسازی که خوار گردم، و آنچه را که تاب تحملش را ندارم، بر دوشم ننهی که ناتوان گردم، و به آنچه شکیب بر آن نتوانم، گرفتارم نسازی که درمانده مانم، و بر همان احسان‌های گذشته ات جریانم ده، و مرا به زشتی کردارم بازخواست مکن، و آن کس را که به من رحم نکند، بر من مسلّط مساز، به خاطر که داری، ای مهربان ترین مهربانان.} - . جنه الامان (مصباح الکفعمی): ۱۴۵-۱۴۶ -

المتهجد و غیره: ساعت دوازدهم: از زرد شدن خورشید تا غروب آن، برای امام عصر علیه السلام

{ای کسی که به حقیقتش از آفریدگانش یگانه و ممتاز مانده است، ای کسی که با کارش، از آفریدگانش بی نیاز گشته است، ای کسی که حقیقتش را به لطف خودش بر آفریدگان شناسانده است، ای کسی که اهل طاعتش را به خشنودی اش کشانده است، ای کسی که اهل محبّتش را بر سپاسگزاری یاری داده است، ای کسی که با دینش بر آنان منّت نهاده است، و با هدیه اش بر اینان لطف نموده است، از تو به حق دوستدارت جانشین شایسته، و باقی گذاشته شده تو در زمین، انتقام گیرنده از دشمنان تو و دشمنان فرستاده تو، و باقی گذاشته شده پدران نیک خود، حضرت حجت بن حسن، درخواست می کنم، و به وسیله او به درگاهت زاری می نمایم، و او را پیشاپیش خواسته هایم قرار می‌دهم، و – می‌خواهم که – بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} – . مصباح المتهجد: ۳۶۰ –

السیّد و الکفعمی: – . مصباح الکفعمی: ۱۴۶ – {او را پیشاپیش خواسته‌هایم و روی‌آوردنم به سوی تو قرار می‌دهم و – از تو درخواست می کنم که – بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی، و مرا به وسیله او دریابی، و از آنچه بیم دارم و دوری می کنم نجات دهی، و به خاطر او لباس سلامتی و بخشش را در دنیا و آخرت بر اندام من بپوشان، و برای او سرپرست و نگاه دارنده و یاری گر و راهبر و نگاهبان و پوشاننده باش، تا اینکه او را با اراده بر زمین ساکن کنی و تا مدت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی، ای مهربان‌ترین مهربانان، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خدای والامرتبه بزرگ نیست، پس خدا تو را در برابر آنان کفایت خواهد کرد و او شنوای داناست.} – . البلد الامین: ۱۴۵ –

المتهجد و غیره: {خدایا، بر محمّد و خانواده محمّد درود فرست، آن صاحبان فرمان که به فرمانبرداری‌شان دستور دادی، و بستگانی که به پیوند با آنان فرمان راندی، خویشاوندانی که به دوستی شان امر نمودی، و سرپرستانی که به شناسایی حقّشان فرمان دادی، و خانواده‌ای که آلودگی را از آنان بردی و کامل و شایسته پاکشان نمودی، و می‌خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.} – . مصباح الشیخ: ۳۶۰ (در ادامه دعای قبل آورده است.) –

السیّد و الکفعمی: – . مصباح الکفعمی: ۱۴۶–۱۴۷ (ادامه دعای قبلی است.) – {و

همه گناهان مرا ببخشی ای بسیار آمرزنده، و توبه مرا بپذیری ای بسیار توبه پذیر، و بر من رحمت آوری ای بسیار رحم‌آور، ای کسی که گناهان بر او بزرگ نیاید، و او بر هر چیزی تواناست.} – . البلد الامین: ۱۴۶ –

الکفعمی: دعای دیگر برای این ساعت: {خدایا، ای آفریننده آسمان برافراشته، و زمین هموار، و روزی بخش گنه‌کار و فرمانبر، همان کسی که جز او سرپرست و شفاعت کننده‌ای وجود ندارد، از تو به احترام آن اسم‌هایت که چون برای حل مشکلات با آنها اسم برده شود، آسان گردند؛ و اگر بر کوه‌ها قرار داده شود، غباری پراکنده شوند؛ و چون به آسمان بالایش برند، درهای بسته آن باز گردد؛ و چون بر تاریکی‌های زمین فرود آورند، تنگنا هایش گشاده گردد؛ و چون مردگان به آن اسم خوانده شوند، از گور ها بر آیند؛ و چون نیست ها به آن اسم صدا شوند، به عرصه وجود پای نهند؛ و چون بر دل ها یاد شود، از روی فروتنی به لرزه آیند؛ و چون بر گوش ها طنین اندازد، دیدگان اشک بارند.

و به محمد، فرستاده تو که با معجزات تأیید شده، و با آیات استوار برانگیخته گشته است، و به احترام امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب، همان کسی که وی را برای برادری و جانشینی او انتخاب کردی، و به جهت دوستی و دامادی‌اش بر گزیدی، و به

احترام صاحب زمان مهدی، همان کسی که نظرات پراکنده را بر فرمانش گرد آوری، و به واسطه او میان خواسته‌های گوناگون الفت نهی، و به دست وی حقوق دوستدارانت را بازستانی، و از بد ترین دشمنانت انتقام گیری، و به او زمین را از عدل و نیکی سرشار نمایی، و با ظهورش بخشش و نعمت را بر بندگان فراگیر سازی، و حق را با شکوه و ستوده به جایگاهش باز گردانی، و دین را شاداب و تازه به دست وی باز رسانی، و - از تو می‌خواهم که - بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، که من به واسطه آنان به در گاه تو شفاعت جسته، و آنان را پیشاپیش خود و خواسته‌هایم قرار داده‌ام، و - می‌خواهم - سپاس نعمتت را در توفیق یافتن به شناخت او، و هدایت شدن به فرمانبرداری‌اش به دلم افکنی، و نیرویم را در چنگ زدن به ریسمانش، و پیروی از سنّتش، و قرار گرفتن در میان گروه و رهروانش افزون سازی، که همانا تو دعا را می شنوی، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربان ترین مهربانان.} - . مصباح الکفعمی: ۱۴۷ -

**[ترجمه]

بیان

رواه فی الکافی (۲)

عن علی بن إبراهیم عن أبیه عن صفوان بن یحیی عن إسحاق قوله علیه السلام مقدارها أی یکون ارتفاعه من أفق المشرق مثل ارتفاع الشمس من أفق المغرب وقت صلاه العصر و هو قریب من ربع الیوم و قوله إلی صلاه الأولی غایه للساعات الثلاث فهو موافق للساعه المعوجه للیوم تقریبا و کذا قوله إلی أن ینفجر الصبح آخر ساعات اللیل و اعتبر الثلث هنا لأن اللیل الشرعی أقصر من النهار و المراد بالشر الأسقام و الأمراض و الموت و الموذیات التی یتوهم أنها شرور و الثنویه یثبتون لها خالقا آخر.

و القاری لهذا الدعاء یغیر الفقرات من التکلم إلی الخطاب کما سیأتی.

**[ترجمه]«الفلق»، یعنی نور، که پیش از این گفته شد. «و ما وسق»، یعنی آنچه جمع کرده و پوشانده است. «إذا اتّسق»، یعنی گرد آمد و تمام شد و کامل گشت. «العلق»، جمع العلقه، همان ماده آغازین پیدایش انسان است.

«و کان یدور حیث دار الحق»، شیخ بهایی گفته است: فعل مضارع است که در «الحق» عمل کرده و ضمیر گذشته به آن بر می گردد تا با کلام پیامبر صلی الله علیه و آله: «اللهم أدر الحق معه کیف دار»، {خدایا، هر گونه بچرخد، حق را با او بچرخان.} هماهنگ شود؛ و گویا در عقب آوردن فاعل به خاطر رعایت فاصله‌ها باشد، مانند این کلام خدای منزه که فرموده است: «فأوجس فی نفسه خیفه موسی»، - . طه/ ۶۷ - {و

موسی در خود بیمی احساس کرد.} پایان. «من طاعتک» مربوط به «أملی» است، یعنی نهایت آن چیزی که از فرمانبرداری تو آرزو دارم؛ و احتمال دارد «من» در آن برای بیان علت باشد .

«إلی ذهاب الحمره»، یعنی آن سرخی که در راستای پرتو آن تا ارتفاع یک نیزه و مانند آن به وجود می‌آید. «فی حجابک»، یعنی در حجاب بودن خودت یا علمت؛ در المتهجد «بحجابک» آمده است، پس احتمال دارد به علم نیز مربوط باشد. «و

خلقت فیه»، یعنی در علم، یـا در پوشـش، ولی معنـای نخست بهتر است. در المتهجـد و ابن البـاقی «خلصت» آمـده است، یعنی آنان را از شک‌ها و تردیدها نجات دادی، یا آنان را وارسته و پاکشان گرداندی؛ در بعضـی نسخه‌ها با حرف قاف، به صورت «خلقت» آمده است.

«مالـک البسـط و القبض»، یعنی گسترده یـا تنـگ سـاختن روزی، یـا شـادابی دل یـا گرفتگی آن، یـا گسترده سـاختن بهره‌ها و کمالات و شـناخت‌ها و گرفتن آنها به حسب اختلاف در اسـتعدادها و مصـلحت‌های موجود در آنها، به دست اوست. «و مـدبّر الابرام و النقض»، ابرام در اصل به معنای تافتن ریسـمان و نقض، مخالف آن است، و در سـخن، استعاره وجود دارد و منظور از آن، اداره کردن امور جهان بر مبنای حکمت به کمال رسـیده او، از باقی گذاشـتن و از بین بردن، و شـکوهمند ساختن و خوار نمودن، و نیرو دادن و نـاتوان کردن وماننـد آن است؛ یـا اینکه منظور، تقـدیرها و امضـا یا شکسـتن آنها با دعاها و صـدقه‌ها و ماننـد آن دو است، همان طور که در روایت آمـده است: دعا بلا را بر می گرداند، هر چند به طور قطعی و حتمی شده باشد، و همین طور صـدقه - چنین اثری دارد. - و خداوند والامرتبه می‌فرماید: «یَمحُو اللهُ ما یَشاء و یُثبِت و عنده اُمُّ الکتاب»، - . الرعد/ ۳۹ - {خدا

آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب نزد اوست.}

«و من یُجیب» از این کلام خـدای والا‌مرتبه که می‌فرمایـد: «أمّن یُجیب المُضـطرَّ إذا دعـاه و یَکشِفُ السوءَ و یَجعلُکم خلفـاءَ الأرض»، - . النمل/ ۶۲ - {یا

[کیست] آن کس که درمانده را- چون وی را بخواند- اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شـما را جانشینان این زمین قرار می دهـد؟} گرفته شـده است؛ و «المضـطرّ» کسـی است که نیـاز شدیـدش او را ناچار به پناه بردن به خـدا کرده است، و از «الاضـطرار» که از باب افتعال از ضروره است، ساخته شده است. «السوء»، چیزی است که انسان را غمگین می‌سازد، و «کشف»، همان دور کردن آن است. «خلائف الأرض» یعنی جانشینان در آن، به این صورت که سکونت و تصرف در آن را از پیشـینیان برای آنها به ارث می‌رسانـد، و در بعضـی از روایت‌ها گفته شـده است که درمانده پناهنده به خدا، همان حضـرت قـائم علیه السـلام است که خداونـد او را هنگام دعا کردنش اجابت می‌فرمایـد و او را بیرون می‌آورد و به وسـیله او بـدی را از بندگان دور می کند و او و پدرانش علیهم السلام را جانشینان در زمین قرار می‌دهد.

«یـا من لا یمسک»، اشاره‌ای زیبا به کلام خـدای منزه است که می‌فرمایـد: «قل لو أنتم تَملکونَ خَزائنَ رحمهِ ربّی إذاً لأمسَکتُم خَشیهَ الإنفاق»، - . أسری/ ۱۰۰ - {بگو: «اگر شـما مالـک گنجینه های رحمت پروردگارم بودیـد، باز هم از بیم خرج کردن، قطعاً امساک می ورزیدید.}؛ یعنی به خاطر ترس از تمام شدن با انفاق، بخل می‌ورزیدید؛ بیضاوی این را بیان کرده است و در مجمع البیان آمـده است: وقتی گفته می‌شود: «نفقت، نفقات القوم»، یعنی تمام کرد، و «أنفقها صاحبَها»، یعنی دارنـده‌اش آن را تمـام کرد تا جایی که نیازمنـد گشت. در القاموس آمـده است: «نفق» ماننـد فرح و نصر - در وزن - : یعنی تمام شـد و از بین رفت و کم شـد، و «أنفق»، یعنی نیازمند گشت، و دارایی‌اش او را به پایان برد. راغب اصـفهانی گفته است: «نفق الشـیء»، یعنی تمـام شـد و از بین رفت؛ خواه بـا فروش باشـد، ماننـد «نفق البیع، نفاقاً»، {با فروختن تمام کرد.} و «نفاق الأیّم»، {تمام شـدن زن بیوه} از همین کاربرد است؛ خواه با مردن باشـد، ماننـد «نفقت الـدابّه»، {چهارپا تمام شـد.}؛ و خواه با از بین رفتن باشـد، مانند

«نفقت الدراهم، تنفق و أنفقتها»، {سکه‌ها را از دست داد.}. کلام خدای والامرتبه که می‌فرماید: «إذاً لأمسکتم خشیةَ الإنفاق»، {در این صورت، از بیم خرج کردن قطعاً امساک می ورزیدید.} یعنی از ترس نیازمند شدن؛ وقتی کسی دارایی‌اش را انفاق کند و در نتیجه آن، نیازمند گردد، گفته می‌شود: «أنفق فلان». پس انفاق در اینجا، مانند املاق در این کلام خداوند است که می‌فرماید: «و لا تَقتلو أولادَکم خشیةَ إملاق»، - . أسری/ ۳۱ - {و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید.}

«و لا یَقتَر»، یعنی روزی را تنگ نمی‌گرداند؛ «خوفَ الإملاق»، یعنی به خاطر ترس از کم شدن، بلکه به خاطر مصلحتی که او داناتر به آن است.

«بالرّوح»، یعنی با وحی، یا با قرآن، که همانا با آن دل‌های مرده به سبب نادانی را زنده می‌گرداند؛ یا اینکه در دین، مانند روح در بدن است، این گونه گفته شده است؛ البته در روایات گفته شد که روح آفریده‌ای بزرگتر از فرشتگان است که در شب قدر بر امام علیه السلام فرود می‌آید. «من أمره»، یعنی به فرمان او، یا به خاطر او، یا اینکه توضیح برای روح، یا حال برای آن است؛ یعنی آن روحی که از امور شگفت آور اوست، یا از سنخ دستور و فرمان است؛ چنان که خدای منزه می‌فرماید: «قل الرّوح مِن أمر ربّی»، - . أسری/ ۸۵ -

{بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است.}

«علی مَن یَشاء مِن عباده» از پیامبران و جانشینان علیهم السلام؛ «لِیُنذِرَ»، هدف فرو فرستادن است و غایت نهفته در آن برای خدا، یا برای کسی یا برای روح است. «یومَ التّلاق» از نام‌های روز قیامت است، زیرا در آن روز، اهل آسمان‌ها و اهل زمین، و پیشینیان و پسینیان، یا ستمکار و ستمدیده، یا آفریدگار و آفریدگان، یا شخص و کرده‌هایش، یا روح‌ها و بدن‌ها، یا هر یک از این موارد ششگانه همراه با نوع مقابل خودش، با یکدیگر دیدار می‌کنند.

این بند برگرفته از دو آیه است؛ یکی از آنها «یلقی الرّوحَ من أمره علی مَن یشاءُ من عباده لِیُنذرَ یومَ التَّلاق»، - . غافر/ ۱۵ - {به هر کس از بندگانش که خواهد، آن روح [فرشته] را، به فرمان خویش می فرستد، تا [مردم را] از روز ملاقات [با خدا] بترساند.} و دیگری «یُنَزِّلُ المَلائکةَ بالرّوحِ مِن أمره علی مَن یَشاءُ مِن عبادهِ أن أنذِروا أنّه لا إله إلّا أنا فاتَّقونِ»، - .النحل/ ۲ -

{فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید.} است. تفسیرهای مربوط به «الأنزع البطین»، {درونش سرشار است.} پیش از این گفته شد، که بهترین آنها «الأنزع من الشرک، البطین من الایمان»، {درونش از شرک برگرفته شده، و سرشار از ایمان گشته است.} است، همان گونه که این بند نیز گواه بر آن است.

راغب گفته است: «الشرح» در اصل، گشودن گوشت و مانند آن است، و «شرح الصدر» نیز از همان کاربرد است، یعنی با نور خدایی و آرامش از ناحیه خداوند والامرتبه و روحی از سوی او، سینه‌اش را گشوده ساخت. پایان. منظور از آن در اینجا این است که سینه‌ام را با قرار دادن تقوا در آن، گشاده سازی؛ یا اینکه آن را به سبب تقوا، با دانش‌ها و شناخت‌ها گشاده سازی، چرا که آن موجب سرازیر شدن عنایت خدا می‌گردد. «قطع الأثر» کنایه از مرگ است، زیرا برای زنده، اثر پا در زمین وجود

دارد.

«یا من تجبّر»، یعنی بزرگی و بزرگ‌منشی‌اش فراوان شد و از این رو، بزرگ‌تر از آن شد که دیدگان او را ببینند. «فلا تخطر القلوب»، گویا دریافتن از راه دل است، یعنی گوهر آن را دل‌ها در نمی‌یابند. «بغیر حساب»، یعنی آن مقدار فراوان است که امکان شمارش آن وجود ندارد؛ یا اینکه در روز حسابرسی آخرت، در مورد آن حساب خواسته نمی‌شود؛ یا از آن جهت که گمان نمی‌شود.

«الّذی شَری»، یعنی جانش را در برابر بهشت فروخت؛ آن چنان که خداوند والامرتبه می‌فرماید: «إن الله اشتری من المؤمنینَ أموالَهم و أنفسَهم بأنَّ لهم الجنّةَ»، - . برائه/ ۱۱۱ - {در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به[بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است.} و می‌فرماید: «و مِن النّاسِ مَن یَشری نفسَه ابتغاءَ مَرضاتِ الله»، - . البقره/ ۲۰۷ - {و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد.} در بعضی نسخه‌ها «اشتری» آمده است که منظور از آن نیز فروختن است؛ به این دلیل که «الشراء» و «الاشتراء» هر دو به معنی فروختن نیز به کار می روند؛ یا منظور این است که جانش را خرید؛ زیرا کشته شدن در راه خداوند والامرتبه سبب دستیابی به زندگی جاودانه است؛ ولی معنی نخست بهتر است و نسخه نخست با آیه کریمه سازگاری بیشتری دارد.

«نکب عن الطریق»، یعنی روی گرداند. «ظمآناً»، کاربرد این لفظ برای ایجاد هماهنگی است، مانند «سلاسلاً». - . الانسان/ ۴ (بر مبنای قرائت اهل مدینه و ابی بکر از عاصم و کسایی، «سلاسلاً» با تنوین خوانده می‌شود.) -

در بعضی نسخه‌ها «ظمآن» آمده است، ولی عبارت نخست بهتر است. در عبارت «و أحلّوه»، ضمیر به آن حضرت بر می گردد، یعنی او را به جای ستیزه‌جویان از مشرکان و کافران قرار دادند و در مورد آن حضرت، آنچه را در مورد آنان انجام می‌دادند، انجام داده‌اند. و احتمال دارد ضمیر به سر پاک و مبارک آن حضرت برگردد، یعنی آن را نزد اهل ستیزه‌جویی مانند یزید و پسر زیاد، که بر آن دو و پیروانش تا روز ندا دادن به یاری - در قیامت - لعنت باد، بردند.

«و مخزیات لعنک»، یعنی چیزی که موجب خواری از سوی او می‌شود. «و مردیات سخطک»، یعنی آنچه موجب هلاک شدن از سوی او می گردد. «النَکال» با فتحه، یعنی کیفر؛ و «النفث»، یعنی دمیدن، و در اینجا کنایه از وسوسه‌های شیطان‌ها است؛ و «السوالک» جمع السالکه، یعنی کنیز؛ و «السوافک» جمع السافکه، به معنی ریزنده - خون - است؛ و «سفک الدم و الدمع»، یعنی ریختن آن؛ و «الحوالک» جمع الحالکه، و آن بسیار تیره است؛ وقتی گفته می‌شود: «أسود حالک و حانک»، یعنی بسیار تیره.

«مختلفاً ألوانها»، یعنی جنس آنها، یا گونه‌هایشان، یا کیفیاتشان از زرد و سبز و مانند این دو. «و من الجبال جُدَدٌ»، دارای رگه... ها، یعنی خط‌ها و راه‌ها؛ «جدّه الخمار» به رگه‌های سیاه در پشت چارقد رنگارنگ که پررنگ یا کم‌رنگ باشند. «و غرابیب سود» به «بیض» یا به «جدد» پیوند داده شده است، مثل اینکه گفته شود: از کوه‌های دارای رگه‌های رنگارنگ، و از آنها با یک رنگ تند. در روایت شیخ بهایی، که روانش پاک باد، از عبارت «و أنزلت»، {و فرو فرستاد.} تا عبارت «ألوانه»، {رنگ... هایش.} و همین طور از عبارت «فاطرُ السموات»، {پدید آورنده آسمان‌ها.} تا عبارت «قدیر»، {تواناست.}، وجود ندارد.

«الخائنه» مصدر است، یا اینکه منظور از آن، نگاه‌های خیانت‌بار است. «البائس الحسیر»، بر گرفته از الحسور، به معنی رنجور، یا از حسرت است. در القاموس گفته است: «حسر البصر، حسوراً»، یعنی دیده ناتوان شد و از زیاد ادامه داشتن، بریده شد؛ «و هو حسیر و محسور» – از همین کاربرد هستند. – و مانند فرح – در وزن –، یعنی بر او پشیمانی و افسوس خوردن خواهد بود و به او «حسیر» گفته می‌شود؛ و مانند ضرب و فرح، یعنی رنجور شد، پس به او «حسیر» اطلاق می گردد.

و «الضالع» احتمال دارد منظور از آن، حمل کننده بار سنگین باشد، و البته در دعا «أعوذ بالله من ضلع الدین» آمده است و منظور از آن در اینجا، بر دوش گرفتن بار اشتباهات و گناهان است؛ یا اینکه به معنی خم شده از روی خواری و فروتنی است؛ یا اینکه به معنی منحرف ستم‌کننده بر خود و دیگران است. شیخ بهایی به معنی اخیر بسنده کرده است، و احتمال دارد منظور از آن در اینجا، شکسته استخوان باشد، و هر چند در لغت نیامده است، ولی در معنایی نزدیک به آن وارد شده است؛ در القاموس گفته است: «ضلع» مانند «منع» – در وزن –، یعنی کج شد و کناره گرفت و از حق رو گرداند، و «فلان ضرب فی ضلعه و ضلع السیف» مانند فرح – در وزن –، یعنی خم شد، و «الضالع»، یعنی ستمگر؛ «الضلع» با فتحه حروف، یعنی ناراستی از لحاظ مادرزادی، یا اینکه در مورد شتر، به معنی لنگان لنگان رفتن چهارپا است؛ ضلع مانند فرح، فهو ضلع – از همین کاربرد است. – و اگر در آفرینش و به طور مادرزادی نباشد، ضالع گفته می‌شود؛ و توان و بر دوش گرفتن بار سنگین، و از دین، سنگینی آن است، تا اینکه دارنده‌اش را از میانه‌روی منحرف کرد. پایان.

«المخفیّ للصّدقات» کفعمی – که رحمت خدا بر او باد – گفته است: گروهی از نویسندگان کتاب‌های تاریخ نوشته‌اند که حضرت سجاد علیه السلام در مدینه چهارصد خانوار را سرپرستی می کرد و غذا و مواد مورد نیاز آنها برایشان می‌رسید و نمی‌دانستند از کجا می‌رسد؛ وقتی حضرت از دنیا رفت، آن – غذاها و بخشش‌ها – را نیافتند، پس دریافتند که همه آنها از طرف آن حضرت علیه السلام بوده است .

«الدّئوب»: سختکوشی و خستگی؛ و منظور از «المجاهدات»، عبادت‌های توانفرسا است و پیش از این گفته شد که آن حضرت علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می گزارد. «الثفنات» جمع ثفنه، با کسره فاء در هر دو، آن قسمت از اعضای بدن که هنگام نشستن در زمین قرار گیرد و سفت و سخت شود، از جمله دو زانو و مانند آن دو؛ جوهری این را ذکر کرده است؛ به همین خاطر به عبدالله بن وهب راسبی، ذوالثفنات گفته می‌شد، زیرا در اثر سجده‌های طولانی او، محل‌های سجده در بدنش پینه بسته بود. پایان. این واژه در بیشتر نسخه‌ها با فتحه هر سه حرف آمده است و شیخ بهایی آن را درست دانسته است، ولی در کتاب‌های لغت چنین چیزی ندیدم.

«من مواقعه معاصیک»، مواقعه المعاصی به معنی انجام دادن آنها است، استفاده از این واژه در این معنی در عرف رایج است ولی در لغت به صورت صریح نیامده است. فیروزآبادی گفته است: «واقعه»: با او نبرد کرد؛ با زن جماع کرد و با او در آمیخت. پایان. شاید در معنای مجاز به کار رفته است، زیرا کسی که گناهی انجام می‌دهد، گویا با پیروی از شهوتش، با او نبرد کرده است، تا اینکه بر او پیروز گردد؛ یا اینکه به معنای آمیزش است. «ممّن یؤمن بک»، منظور از ایمان در اینجا، شناخت و باور کاملی است که عمل بر آن مترتب می‌شود. «و یراقبک»، یعنی ثواب تو را انتظار دارد و از کیفر تو می‌ترسد و از تو غفلت نمی‌ورزد؛ یا اینکه از دستوراتت مراقبت می کند. فیروزآبادی گفته است: «رقبه»، یعنی منتظرش شد، و «راقبه، مراقبةً»،

یعنی از آن نگهداری کرد. «النشر»، زنده شدن مردگان در قیامت؛ و «الحشر»، یعنی سوق دادن و گرد آوردن آنان در صحنه قیامت. «سکناً»، موجب آرامش شدن. «حسباناً»، یعنی با گردش آن زمانها را به شمارش در می‌آید. «و إلیه أُنیب»، یعنی با توبه به سوی او باز می گردم.

«و أدعوک تضرّعاً و خفیةً» به این کلام خداوند که می‌فرماید: «اُدعوا ربَّکم تضرّعاً و خفیه»، - . الاعراف/ ۵۵ -

{پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید.}اشاره دارد؛ یعنی با حالت زاری و آهسته، چرا که آهستگی دلیل اخلاص است. «إنَّکَ لا تحبّ المعتدینَ»، یعنی گذرندگان از حد آنچه در مورد دعا و جز آن، به آن فرمان داده شده‌اند؛ به این صورت که چیزی را که شایستگی آن را ندارد، بخواهد؛ و گفته شده است: آن همان فریاد زدن در دعا است، و خداوند والامرتبه می... فرماید: «و ادعوه خوفاً و طمعاً»، - . الاعراف: ۵۶ - {و

با بیم و امید او را بخوانید.}، یعنی ترسان از کوتاهی در کارهایتان و شایستگی نداشتن، و امید داشتن به اجابت آن از روی بخشش و نیکی، به خاطر رحمت زیاد او. «إنّ رحمةَ الله قریبٌ منَ المُحسنینَ»، - . الاعراف: ۵۶ - {رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.}، امیدوارتر کردن، و اشاره به آن چیزی است که برای اجابت، به آن دست آویخته می‌شود.

«الّذی جاء بالصّدق» به دو آیه اشاره دارد که یکی از آنها، «و الّذی جاء بالصّدق و صدّق به اُولئک هم المتّقونَ»، - . الزمر/ ۳۳ -

{و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود، آنانند که خود پرهیزگارانند.}و دومی «بل جاء بالحقّ و صدَّق المرسلینَ»، - . الصافات/ ۳۷ -

{ولی نه! [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است.} است، و از آنجا که در آیه نخست، منظور از «الّذی جاء بالصّدق»، پیامبر صلی الله علیه و آله است، و منظور از کلام «صدّق به»، به گواهی روایت‌های فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است و پیش از این گفته شد، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، حضرت باقر علیه السلام به ذکر قسمت اول اکتفا کرده و «و صدَّق المرسلین» را از آیه دوم به آن افزوده است تا اشاره‌ای همزمان به هر دو باشد.

«القذف»، یعنی پرتاب کردن؛ و «الملهوف»، یعنی درمانده؛ «عن موجود البصر»، از آنچه دیده می‌یابد. «عن الصّفات کلِّها»، یعنی از ویژگی‌های آفریدگان؛ یا آن مقدار از آنها که دانش ما به آن می‌رسد؛ یا ویژگی‌های اضافی؛ همین طور منظور از «معانی اللطیف» و «معانی الجلال»، آن چیزی است که فهم آفریدگان به آن می‌رسد .

شاید حرف باء در «بمشیّتک» برای ملابسه باشد، یعنی به اشیا علم پیدا کردی و آنها را خواستی و اراده کردی؛ یا اشاره به این است که همان طور که مشهور است، خواست خدا، همان علم به نیکوترین است؛ و احتمال دارد اشاره به این گفته حکیمان داشته باشد که مشیّت همان علم، از جهت علت بودن است؛ و امکان دارد «علّمت» با تشدید قرائت شود، ولی مخالف با آن چیزی است که در نسخه‌ها ثبت شده است.

«و تذلیل الصعاب» عبارت است از مقدر کردن و پسندیدن و آفریدن چیزی که جایگاه وجودی و توان آفریده‌ها از آن ناتوان است. «و اضطررت الأفهام» اشاره به این دارد که شناخت وجود و یگانگی خدای منزه، بدیهی است و خداوند آفریدگان را بر مبنای آن پدید آورده است همان گونه که روایات فراوان و بلکه آیات باکرامت بر آن دلالت دارند؛ و احتمال دارد منظور، این باشد که تو دلایلی را ارائه کردی و عقل‌ها را بخشیدی، پس بعد از دیدن، گریزی از پذیرش برای آنها وجود ندارد.

«العبره»، اشک یا گرداندن گریه در سینه است. «لا یعزب» با ضمه و کسره زاء، یعنی به جای یا جایگاه یا نزدیک بودن آنها ناآگاه نیست. «الهنیء»، یعنی کسی که در او خستگی وجود ندارد. «الوحیّ»، شتابان. «الصنع» با ضمه، یعنی نیکی. «العصیب»، بسیار دشوار؛ راغب گفته است: «یومٌ عَصیب»، یعنی شدید، که به معنی فاعل بودن و هم مفعول بودن آن درست است، یعنی روزی که دو طرفش گرد آمده باشد، مانند اینکه گفته شود: «یومٌ کحلقه خاتم»، {روزی مثل حلقه انگشتر}. پایان. منظور از آن در اینجا، روز قیامت است.

«و موبقات الذنوب»، یعنی گناهان هلاک کننده، که صفت به موصوف اضافه شده است. «تقذف بالحقّ»، اشاره به این کلام خداوند والامرتبه است که می‌فرماید: «قل إنَّ ربّی یَقذفُ بالحقّ علّام الغیوب»، - . سبأ/ ۴۸ - {بگو: «بی گمان، پروردگارم حقیقت را القا می کند [اوست] دانای نهان‌ها.»} یعنی آن را القا کرده و برای هر یک از بندگان که برگزیده است، یا در دل هر کسی که بخواهد، فرو می‌فرستد؛ یا اینکه با آن، باطل را به کنار می‌راند و آن را نابود می‌گرداند؛ همان طور که در آیه دیگر - . {بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیَدمَغُه فاذا هو زاهق»، {بلکه حق را بر باطل فرو می افکنیم، پس آن را در هم می شکند، و به ناگاه آن نابود می گردد.} الانبیاء/ ۱۸ - آمده است؛ یا اینکه آن را با آشکار کردن اسلام و منتشر کردن آن، به تمام گوشه‌های زمین می‌کشاند. «یا أحکم الحاکمین»، عادل‌ترین و داناترین آنها؛ و «خیر الفاصلین»، یعنی بین حق و باطل. «صورته»، ویژگی آن؛ یعنی بزرگتر از آن است که برای او نوعی ویژگی وجود داشته باشد که پندارها او را دریابند.

«إذا حزب الأمر» در بعضی نسخه‌ها با زاء فتحه‌دار آمده است، گفته می‌شود: «حزبه الأمر»، یعنی به او رسید و بر او سختی ایجاد کرد، یا او را در تنگنا قرار داد؛ فیروزآبادی این را ذکر کرده است. در بعضی نسخه‌ها، با راء دارای کسره آمده است؛ وقتی گفته می‌شود: «حرب الرجل» با کسره، یعنی خشم او شدید شد؛ و «حربه، یحربه، حرباً»، مانند خواستن در جایی است که مالش را بگیرد و بدون اینکه چیزی بر جای بگذارد، او را ترک نماید، و «قد حرب ماله»، یعنی مالش را گرفت، که به او «محروب» و «حریب» گفته می‌شود؛ جوهری این را ذکر کرده است. هیچ یک از اینها خالی از پیچیدگی نیستند و مورد نخست، آشکارتر است، و در نسخه شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - یعنی وقتی که کار سخت شود.

«له الخلق»، یعنی آفرینش اشیا، پس او که منزه است، آفریدگار آنها است. «و الأمر»، اداره کردن و تصرف کردن در آن. «علی خفیّ السرّ» شاید اشاره به این کلام خدای منزه باشد که می‌فرماید: «و إن تجهر بالقول»، - . طه/ ۷ - {و اگر سخن به آواز گویی.} و «العلی» جمع «العلیا» و مؤنث «الأعلی» است. «علی العرش استوی»، یعنی مستولی شد؛ و «الثری» خاک مرطوب است؛ گفت شده است: معنایش هر چیزی است که خاک در خود بپوشاند. «و إن تَجهر بالقول»، یعنی با بالا آوردن صدا، بلند نگو؛ «فانه یعلم الجهر و أخفی»، {او نهان و نهان تر را می داند.}، و «السرّ» آن چیزی است که برای دیگران بپوشانی، و نهان‌تر از آن، همان درون دل و جان است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که «السرّ» آن است که پنهان می‌داری و «أخفی»

آن است که به ذهنت برسد و سپس آن را فراموش کنی.

«الـذی سألک» اشاره به حکایتی است که ابن آشوب - رحمت خـدا بر او باد - در المناقب روایت کرده و گفته است: یکی از یاران امام کاظم علیه السـلام گفته است: وقتی آن حضـرت در زندان هارون بود، زیاد از او می‌شنیدم که در دعایش می گفت: «اللّهمّ إنّکَ تَعلم أنّنی کنتُ أسألک أن تَفرغَنی لعبادتک، اللّهمَّ فقـد فعلتَ، فلکَ الحمد»، {خدایا، خودت آگاهی که من از تو درخواست می کردم مرا برای عبادتت از کارهای دیگر فارغ گردانی، خدایا، راستی که تو این کار را کردی، پس سپاس باد تو را.} - . مناقب أبی طالب ۴: ۳۱۸ -

«و ترضـی بها»، یعنی درودی، که با آن درود، در به جای آوردن دسـتورهای واجب آنها، یا آنچه را که در ادای حقوق آنها و بزرگ‌داشـتن آنهـا و دعا برای آنها بر من واجب گردانیـده‌ای، از من خشـنودی شوی؛ یا اینکه منظور، حقوق واجب آنها بر تو باشـد، یعنی درود و رحمـتی کـه به واسـطه آن، در ادا کردن آنچه از نیکی و نعمت رسانـدن برای آنهـا بر عهـده خـود واجب کرده‌ای، راضـی و خشـنود گردی؛ ولی اولی آشکارتر است، هر چنـد بر مبنـای دومی، عبارت تأسیسـی و جدیـدی است. «أن تجریَنی»، یعنی مرا بر آنچه از نیکی و بخشـش دعوتم کرده‌ای، روان گردانی. «و تمنحنی»، یعنی به من منحه دهی، و آن همان بخشش است؛ و «الجزیل»، یعنی بزرگ.

«و لبّی ما تعیننی»، آن را به آنچه نیرومندم می‌سازد، برگردانی؛ «علی هواک»، یعنی آنچه را که از فرمانبرداری‌ات می‌خواهی و دوست می‌داری. «النوافل» جمع «نافله»، و آن همان هـدیه است. «المنایـح» جمع «المنیحه»، به معنی هدیه است، نه جمع «منحه»، آن چنان که بعضی چنین پنداشته‌اند. «الطول»، یعنی نیکی و بخشش .

دیگر اینکه، در بعضـی نسـخه‌هـا «تقربنی» با حرف تاء و ضـمه حرف باء آمـده است، و همین طور «توجب» و «تسـتدیم»، و در بعضی از آنها با حرف یاء و به صیغه غایب و نیز با ضمه باء بیان شده است، پس همه آنها عطف به «تعیننی» هستند. در صورت نخست، ضـمیر بـازگشت کننـده، یعنی «بهـا» در همه آنها به خاطر بازگشت آن به آنچه در عبارت نخست گفته است، حـذف گردیـده است. در صورت دوم، ضـمیر فاعـل در همه آنهـا به موصول بر می گردد. در بعضـی نسـخه‌ها، با حرف تاء و فتحه باء آمده است که در این صورت همه آنها عطف به «تجرینی» خواهند بود.

«الوابـل»، یعنی بـاران شدیـد؛ و «الغیضه» بـا فتحه، همان بیشه‌زار و انبوه درختان در محل گرد آمـدن آب است. «من الظلمات»، یعنی تـاریکی‌هـای کفر و نـادانی‌هـا، یـا تـاریکی‌هـای نیستی و پشت‌هـای پـدران و رحم‌هـای مـادران، یـا اینکه هم آنهـا و هم تاریکی‌های بیرونی، مانند بیرون آوردن یونس علیه السلام از تاریکی‌های شکم ماهی و دریا. «الولی»، یعنی شایسته‌تر بر کارها و بر عهده گیرنده آنها از طرف انسان؛ و «المولی»، یعنی آقا و صاحب اختیار. «الذی أولیته»، یعنی بر او نعمت دادی؛ و «أبلیته»، یعنی با گرفتاری‌ها آزمودی.

«لابتغـاء الزلفه»، یعنی برای درخواست نزدیک شـدن. «و إدراک الحظوه»، الحظوه با حاء بـدون نقطه و ظاء نقطه دار با ضـمه و کسـره، یعنی جایگـاه و منزلت و بهره‌منـدی از روزی؛ فیروزآبادی این را ذکر کرده است، ولی معنی نخست در اینجا مناسب‌تر است؛ یعنی دستیابی به نزدیکی به تو و منزلت پیش تو، به سبب دشمن داشتن دشمنان تو. در النهایه آمده است: «حظیت المرءه

عند زوجها، تحظی، حظوه، و حظوه» با ضمه و کسره، یعنی با او خوشبخت شد و به دلش نزدیک گشت و او را دوست داشت؛ آنچه شیخ بهایی - که رحمت خدا بر او باد - گفته است، مبنی بر اینکه دست یافتن به مقصود، در کتاب‌هایی که در اختیار ما هست، واقع نشده است، شاید منظورش بیان نتیجه معنی باشد.

«فحباهم»، یعنی به آنان بخشید. «فلم یخل» گویا بر دل باشد؛ و «البالغه»، یعنی کامل؛ و «السابغه»، کامل شده. «ما حظرته»، یعنی منع کردی. «و ما تغیض الأرحام»، یعنی از مقدار وقت حمل که همراه با آن مدت، نوزاد سالم به دنیا می‌آید .

«و ما تزداد»، یعنی زمانی که بر نه ماه افزوده شود؛ و گفته شده است: «ما تنقصه و تزداده» در اندام و مدت بارداری و تعداد حمل‌ها در رحم که پیش از این گفته شد و تفسیرهای دیگری گفته خواهد شد. «کل شیء عنده بمقدار»، یعنی به مقداری که نه از آن درگذرد و نه کاسته شود. «إذا تفاقم أمر»، یعنی وقتی کاری بزرگ جلوه کند. «فزع» به صیغه مجهول، یعنی به تو پناهنده شد. «اتصل» به صیغه معلوم، یعنی آرزو؛ و احتمال دارد به صیغه مجهول باشد.

«بحقّ النَّبیِّ الأوّاب»، یعنی بسیار بازگردنده به پیشگاه او، و جایگاه ویژه او که هیچ فرشته نزدیکی یافته و هیچ پیامبر فرستاده شده به آن نمی‌رسند؛ و گفته شده است: «الأوّاب»، یعنی فرمانبردار؛ و گفته شده است: رحم کننده. منظور از «الأحزاب»، یا آن دسته از قبیله‌های عرب هستند که در روز خندق، گروه تشکیل داده بودند؛ یا هم آنها و هم سایر قبیله‌های مشرکان که خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را در برابر آنان یاری نمود، هستند. «دار المآب»، یعنی بهشت، زیرا مؤمنان بعد از مرگ به آنجا باز می‌گردند؛ و «النصاب» باکسره، یعنی اصل و محل رجوع.

«فوفّقته لردّ الجواب»، این بند و بندهای بعدی اشاره به جواب دادن حضرت جواد علیه السلام به سؤال مأمون از او درباره ماهی که عقاب آن را صید کرده بود، و سؤال‌های یحیی بن أکثم که قاضی بود، در مجلس مأمون - هنگامی که می‌خواست دخترش را به ازدواج حضرت در آورد -، - . ر.ک: همین کتاب ۵۰: ۷۳-۸۴ (از همین چاپ) - و نیز اشاره به روایت علی بن ابراهیم دارد که گفته است حضرت علیه السلام، هنگامی که علمای شهرها پیش او حاضر شده بودند، در طی سه روز، به سی هزار مسئله دشوار پاسخ داد. - . ر.ک: الکافی ۱: ۴۹۶ -

همان طور روشن است، توضیح اخیر به عبارت نخست - در متن دعا - و دو توضیح نخست، به عبارت اخیر - در متن دعا - مناسب‌تر است.

«فعضدته»، یعنی نیرومندش ساختی. «عصمته»، نگاه داشتی، و «اعتصم به»، یعنی خودداری کرد؛ و «دار القرار» نیز همان بهشت است، زیرا جاودانه در آن می مانند. «یا من مدّ الظِّلَّ»، اشاره به این کلام خدای منزه دارد که می‌فرماید: «ألم تَرَ إلی ربِّک کیف مدَّ الظِّلَّ»، - . الفرقان/ ۴۵ - {آیا

ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟} که پیش از این گفته شد و تفسیر و تأویل آن خواهد آمد. بیشتر مفسران آن را به سایه بین سپیده دم تا طلوع آفتاب تفسیر کرده‌اند. در النهایه گفته است: «الولیّ» از اسم‌های خدای والامرتبه به معنای یاری‌گر است، و گفته شده است: یعنی سرپرست امور جهان، و کسی که آفریدگان توسط او بر پا شده‌اند. پایان.

«الحمید»، شایسته ستایش از سوی همه آفریدگان؛ «الودود»، یعنی دوستدار برای کسی که او را فرمانبری کند؛ «المبدیء»، به وجود آوردن آفریدگان؛ «المعید»، یعنی در قیامت؛ «المجید» با ضمه، از صفات خداوند والامرتبه است، یعنی بزرگ در ذات و صفات، یا اینکه مانند قرائت حمزه و کسایی در آیه مورد نظر - . «و هو الغَفورُ الوَدود * ذو العرشِ المجیدُ * فعّالٌ لِما یُرید»، {و اوست آن آمُرزنده دوستدارِ [مؤمنان]. صاحب ارجمند عرش. هر چه را بخواهد انجام می دهد.} البروج/ ۱۴-۱۶ - ،

به صورت مجرور خوانده شود که در این صورت، صفت برای «العرش» خواهد بود، و مجد عرش، یعنی والایی و بزرگی آن؛ مجرور خواندن آن در اینجا مناسب‌تر است. «البطش»، یعنی خشم و به شدت گرفتار کردن، و در اینجا تنها به صورت مجرور خوانده می‌شود. «و لا یکبر علیه»، دشوار نمی‌گردد.

«و بنور وجهک»، یعنی ذاتت، و منظور از آن، یا نور ظاهری است، یعنی تمام ارکان عرش و پایه‌ها و محدوده آن را با نوری که منسوب به ذات توست، نورانی کرده‌ای، زیرا با قدرت خودت آن را دارا شده‌ای؛ یا اینکه منظور، نورهای معنوی از وجود و سایر کمالات باشد، که همه آنها از آثار ذات با کرامت است، و اختصاص دادن آن نور به عرش، به خاطر این است که عرش، بزرگ‌ترین آفریده‌ها است و از اینجا روشن می‌گردد که قدرت خدا و سایر کمالات او، بیشتر از دیگران است؛ البته همان طور که در جای خود گفته شد، عرش به همه آفریدگان اطلاق می‌گردد، و این تفسیر در اینجا مناسب‌تر است .

«الّذی کفّیته»، در مجلد دو[ازده]م - . همین کتاب ۵۰: ۱۸۹-۲۱۴ (از همین چاپ) - معجزه‌های فراوانی از حضرت علی النقی علیه السلام در برابر شر متوکل و دشمنان دیگر او، و همین طور اجابت شدن دعاهایش بیان شد، پس در اینجا دوباره آوردیم که موجب تکرار باشد. «من کفایتک» در هر دو مورد، یا برای جدا کردن، و یا برای بیان علت است. «الکلاءة»، یعنی نگهداری و پشتیبانی. «و توزعنی»، به دل افکنی، یا موفق بداری. «بلا أوّلیّه»، یعنی از نظر زمان، زیرا او به زمان توصیف نمی‌شود، یا بی‌سرآغازی که بتوان بی‌سرآغاز بودنش را مربوط به «بلا- أوّلیّه» دیگری قبل از اول بودنش دانست، که در این صورت، عبارت از نوع مضاف و مضاف‌الیه خواهد بود؛ همان طور که پیشوای سجده‌کنندگان، امام سجاد علیه السلام فرموده است، بدون آغازی که پیش از او وجود داشته باشد؛ و البته ما آن را و همین طور «الآ-خریّه» را در کتاب الفرائد الطریفه به روشنی بیان کرده‌ایم.

«و القیّوم»، یعنی برپا خاسته همیشگی برای اداره کردن و نگهداری امور آفرینش، بر وزن فَیعول از «قام بالأمر»، یعنی وقتی چیزی را حفظ کرده باشد؛ یا به معنای برقرار به طور ذاتی، که بر پا بودن هر چیزی به سبب اوست، و این معنی واجب بودن وجود اوست. «یا خبیراً»، یعنی آگاه بر درون کارها. «بعلمه»، با کامل بودن علم خودش، به عبارت دیگر، از آنجا که علم او کامل است، بر قسمت‌های نهانی کارها نیز آگاه است؛ و احتمال دارد خبیر در اینجا به معنی خبر دهنده یا آگاهی یافته باشد، یعنی آگاهی یافته به عاقبت‌ها و کارها با علم خودش، که دیگران چنین آگاهی‌ای ندارند. «و یا علیماً بقدرته» به آنچه ما اشاره کردیم، مبنی بر اینکه والایی سبب برای علم - او - است، اشاره دارد، و بعید است صله برای علم باشد.

«جاعل الشمس و القمر بحسبان»، یعنی حرکت هر یک از آنها در برج‌ها و منزلگاه‌ها را با حساب معینی مقدر کرده است که هیچ یک از آن دو، از آن حساب در نمی‌گذرند. «لک المَحامدُ و المَمادح»، یعنی همه آنها به تو برمی‌گردد، چون تو ستوده و ستایش شده حقیقی هستی، چون تو بخشنده هر گونه قدرت و اختیار و زیبایی و کمال برای هر ستوده و ستایش شده هستی.

«العوائد» جمع «العائده»، و آن همان مهربانی و نیکی است.

«إلیكَ یَصعد» اشاره به کلام خدای منزه دارد که می‌فرماید: «إلیه یَصعَدُ الکَلِمُ الطَّیِّبُ و العملُ الصّالحُ یَرفَعُه»، - . فاطر/ ۱۰ - {سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود، و کار شایسته به آن رفعت می بخشد.}، و صعود به سمت خدای والامرتبه، به پذیرفته شدن تفسیر شده است؛ و گفته شده است: معنی صعود به طرف او، یعنی به طرف آسمانش، یا به جایی که هیچ کس جز او اختیار فرمان دادن در آن را ندارد، پس بالا- رفتن به طرف آسمانش را صعود به طرف خودش قرار داده است. «و الکلم الطیّب»، یعنی همه سخنان نیکو؛ کفعمی این را بیان کرده است. - . مصباح الکفعمی: ۱۴۴ (در حاشیه) - و ضمیر در «یرفعه»، یا به «العملُ الصالح» برمی گردد، یعنی همان طور که در این دعا مراد است، آن را می‌پذیرد؛ یا اینکه به «الکلمُ الطّیّب» برمی... گردد، یعنی کار شایسته، سخنان پاکیزه را بالا می‌برد. و گفته شده است: این گونه فرمودن، از نوع جابجایی عبارت‌ها است، یعنی سخنان پاکیزه، کار شایسته را بالا می‌برد، پس منظور از «الکلِم الطّیّب»، دو تا گواهی دادن - یکی بر یگانه معبود بودن خدا، و دیگری بر رسالت محمد صلی الله علیه و آله - ، یا آن دو به همراه سایر باورها، به ویژه باور به امامت است، چنان که در روایت‌ها وارد شده است. «الجوانح»، یعنی استخوان‌های پایینی سینه. در عبارت «بالرحمه»، حرف باء برای ملابسه یا بیان سبب است. «فی کل موقف مشهود»، یعنی معلوم؛ یا مسلمانان و کافران او را برای پیکار دیده‌اند.

منظور از «مرابضها»، محل‌هایی است که در آنجا قرار گرفته بود، که اشاره به همان چیزی است که پیش از این گفته شد، - . همین کتاب ۵۰: ۳۰۹ -

و آن این بود که متوکل، که لعنت خدا بر او باد، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را در میان درندگان انداخت، ولی خداوند او را در برابر آنها نگاه داشت و درندگان برای او علیه السلام، اظهار خواری کردند .

«فذلَّلت له مراکبُها»، یعنی سوار شدن بر آن، به این صورت که مصدر میمی، یا محل سوار شدن و پشت آن باشد؛ و این اشاره به مطلبی است که پیش از این بیان شد، به این صورت که پیش مستعین - بالله، خلیفه عباسی - استری که نمونه آن در زیبایی دیده نشده بود، وجود داشت که افراد را از زین و لگام بستن بر پشتش باز می‌داشت و رام کنندگان از سوار بر آن درمانده شده بودند، پس کسی را به سوی حضرت علیه السلام فرستاد و او را خواست و مکلف کرد بر آن استر زین و لگام ببندد تا به این ترتیب استر، آن حضرت را بکشد؛ حضرت علیه السلام برخاست و دستش را بر سرین آن گذاشت و عرق از استر جاری شد، سپس حضرت آن را زین نهاد و سوار شد و در خانه آن را دواند، به دنبال این، مستعین آن استر را به حضرت هدیه داد.

«بالمیاسرهِ إذا حاسبتَنی»، المیاسره بر وزن مفاعله از یسر، و منظور از آن، آسان گیری در حسابرسی است. «إذا کاشفتَنی»، در القاموس گفته است: «الکشف»، یعنی آشکار کردن، و بیرون آوردن چیزی از آنچه که پنهانش می‌سازد، و «کشفته، الکواشف»، یعنی رسوا ساختی، و «کشفته عن کذا، تکشیفاً»، با شروع به دشمنی، او را وادار به دشمنی نمودی. پایان. منظور از آن در اینجا، یا اراده کیفر و عذاب است، چون به منزله آشکار کردن دشمنی است؛ یا اینکه ستیز گی در حسابرسی است، چون موجب برملا شدن عیب‌ها می گردد؛ و یا مبالغه در کشف است، یعنی از عیب‌های من پرده برداشتی.

«و لا تحمّلنی ما لا طاقهَ لی به» از عذاب‌های آخرت که بالاتر از توان بشر است؛ و اگر تکلیف نکردن به اعمال توان‌فرسا اراده

شـده باشـد، پس منظور از آن، اعمـالی است که سـختی و دشواری زیـادی در آنهـا وجود دارد؛ یا اینکه از قبیل طولانی کردن گفتگو با محبوب است، پس واقعی بودن مضمون آن، آسیبی - به محتوای کلام - نمی‌رساند، مانند این کلام خدای والامرتبه که می‌فرمایـد: «ربّنا لا تؤاخِذنا إن نَسـینا أو أخطأنا»، - . البقره/ ۲۸۶ - {پروردگـارا، اگر فراموش کردیم یـا به خطا رفتیم، بر ما مگیر.} شاید حرف باء در «بصـنعه»، به معنی «فی» {در} باشد، یا اینکه منظور از صـنع، قدرت، و از قبیل نامیدن مسبّب به اسـم سبب باشد. «مرضاته»، یعنی راه رضایت. «المهاد» با کسره، یعنی بستر، و منظور از آن، زمین است.

«لیس مِن دونه ولیّ»، یعنی برای او از میـان آفریـدگانش که پـایین‌تر از او هسـتند، یـا از سـوی دیگری - غیر از آفریـدگان - ، سرپرسـتی که در امـور آفرینش موجـودات و پرورش و روزی دادن آنهـا، او را سـرپرستی کنـد، وجود نـدارد؛ و واسـطه‌ای نیز وجود نـدارد که در این امور پیش او وسـاطت نمایـد؛ پس این بـا شـفاعت در آخرت برای گناهکاران منافاتی نـدارد؛ یا اینکه منظور این است که شـفاعت کننـده‌ای پیش او بـدون اجازه او وجود نـدارد. «علی طوارقِ العُسر»، یعنی پیشامـدهایی که سـبب دشواری می گردند.

«بمُحکم الآیـات»، محکم در برابر متشـابه یا منسوخ است؛ و احتمال دارد منظور از آن در اینجا، در نهایت محکمی و اسـتواری بودن آیات و روان بودن واژه‌ها و استحکام معانی آنها باشد؛ و احتمال دارد منظور از آیات، معجزه‌ها باشد. «غضّاً»، یعنی تازه؛ و «جدیداً» تفسیری شبیه آن را دارد.

و بـدان، دعاهای دومی را که از کتاب کفعمی نقل کردیم، شـیخ بهایی - که خداونـد قبرش را نورانی گردانـد - نیز در کتاب مفتاح الفلاح آورده است.

**[ترجمه]

«۳»

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ یُمَجِّدُ نَفْسَهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَمَنْ مَجَّدَ اللَّهَ بِمَا مَجَّدَ بِهِ نَفْسَهُ ثُمَّ کَانَ فِی حَالِ شِقْوَةٍ حُوِّلَ إِلَی سَعَادَةٍ فَقُلْتُ لَهُ کَیْفَ هُوَ التَّمْجِیدُ قَالَ علیه السلام تَقُولُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِینَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۳۶۱.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۱۵ و ۵۱۶.

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ- لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَنْتَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ (۱).

الْمَحَاسِنُ، عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ: مِثْلَهُ (۲) إِلَّا أَنَّهُ زَادَ وَاوَ الْعَطْفِ فِي جَمِيعِ الْفَقَرَاتِ وَ فِي آخِرِهِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ. و رواه فى الكافى (۳)

عن العده عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ابن بكير عن عبد الله بن أعين عنه عليه السلام: مثل الصدوق.

**[ترجمه]المتهجد: امام صادق عليه السلام فرمود: براى خداوند عزّوجلّ، سه ساعت در شب و سه ساعت در روز وجود دارد كه در آن ساعت‌ها خودش را به بزرگى مى‌ستايد؛ ابتداى ساعت‌هاى روز، هنگام ارتفاع خورشيد از اين طرف، يعنى از طرف مشرق، به مقدار ارتفاع خورشيد از آن طرف، يعنى از مغرب، تا هنگام نماز نخستين است؛ و ابتداى ساعت‌هاى شب، در يك سوم آخر شب تا سپيده دم است. خداوند والامرتبه مى‌فرمايد:

{همانا من خدايى هستم كه پروردگار جهانيانم؛ همانا من خداى والامرتبه بزرگ هستم؛ همانا من خداى عزيز و داراى حكمت هستم؛ همانا من خداى بسيار آمرزنده مهربان هستم؛ همانا من خداى بخشنده مهربان هستم؛ همانا من خداى صاحب روز جزا هستم؛ همانا من خداى جاودانه هستم؛ همانا من خدايى هستم كه جز من هيچ خدايى وجود ندارد و آفريدگار خوبى و بدى هستم؛ همانا من خداى آفريدگار بهشت و آتش هستم؛ همانا من خدايى هستم كه آغاز هر چيزى هستم و همه چيز به سوى من باز مى‌گردد؛ همانا من خداى يگانه بى‌نياز هستم؛ همانا من خداى فرمانرواى پاك سلام و ايمنى بخش، نگهبان، عزيز، جبّار [و] متكبر هستم؛ همانا من خداى آفريدگار نوساز صورتگر هستم [كه] بهترين نام‌ها از آنِ من است؛ همانا من خداى بزرگ والامرتبه هستم.}

- گفته است: - سپس امام صادق عليه السلام به كسى كه پيش او بود، فرمود: بزرگ‌منشى پوشش خداست، پس هر كس چيزى از آن بگيرد، خداوند او را با صورت در آتش مى‌اندازد؛ سپس فرمود: هيچ بنده مؤمنى نيست كه با اينها خداى عزّوجلّ را در حالى كه دلش را به سوى خدا گردانده است، دعا كند، جز اينكه خداى عزّوجلّ خواسته او را برآورده مى‌سازد؛ و اگر تيره‌بخت باشد، اميد دارم به حالت خوشبختى برگردانده شود. - . مصباح المتهجد: ۳۶۱ -

**[ترجمه]

[كلمه المحقّق]

بسمه تعالى

ههنا أنهينا الجزء السابع من المجلّد الثامن عشر من كتاب بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار صلوات اللّه و سلامه

علیهم ما دام اللیل و النهار و هو الجزء الثالث و الثمانون حسب تجزئتنا فی هذه الطبعه النفیسه الرائقه

و لقد بذلنا جهدنا فی تصحیحه و مقابلته فخرج بحمد اللّه و مشیّته نقیّا من الأغلاط إلّا نزراً زهیداً زاغ عنه البصر و کلّ عنه النظر لا یکاد یخفی علی القاری ء الکریم و من اللّه نسأل العصمه و هو ولیّ التوفیق.

السیّد إبراهیم المیانجی محمّد الباقر البهبودی

ص: ۳۷۱

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۴.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۸.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۱۶.

**[ترجمه]این روایت را در الکافی - . الکافی ۲: ۵۱۵-۵۱۶ -

به نقـل از علی بن ابراهیم آورده است. عبـارت «مقـدارُها»، یعنی ارتفـاع آن از افق مشـرق، مثـل ارتفـاع خورشـید از افق مغرب هنگـام نماز عصـر باشـد که نزدیک یک چهارم روز می‌شود؛ و عبارت «صـلاه الأولی»، انتهای ساعت‌های سه گانه است که با ساعت کـج شدن روز، تقریباً هماهنگ است. همین طور عبارت «إلی أن یَنفجرَ الصـبح» انتهای ساعت‌های شب است و در آن، سه قسـمت را در نظر گرفته است؛ زیرا شب شـرعی از روز کوتـاه‌تر است. منظور از «الشـرّ»، ناخوشـی‌هـا و بیماری‌ها و مرگ و حیوانات آزار رساننده هستند که شرور پنداشته می‌شوند و ثنوی‌ها برای آنها، آفریدگار دیگری را به اثبات می‌رسانند.

همان طور که خواهـد آمـد، خواننده این دعا، بندها را از حالت انتساب به خود، به حالت انتساب به مخاطب - یعنی خداوند - تغییر می‌دهد .

**[ترجمه]

تعريف مركز

بسم الله الرحمن الرحيم
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
الزمر: ٩

المقدمة:
تأسّس مركز القائمیة للدراسات الکمبیوتریة فی أصفهان بإشراف آیة الله الحاج السید حسن فقیه الإمامی عام ١۴٢۶ الهجری فی المجالات الدینیة والثقافیة والعلمیة معتمداً علی النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائیین والمثقفین فی الجامعات والحوزات العلمیة.

إجراءات المؤسسة:
نظراً لقلة المراکز القائمة بتوفیر المصادر فی العلوم الإسلامیة وتبعثرها فی أنحاء البلاد وصعوبة الحصول علی مصادرها أحیاناً، تهدف مؤسسة القائمیة للدراسات الکمبیوتریة فی أصفهان إلی التوفیر الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلی الباحثین فی العلوم الإسلامیة وتقدم المؤسسة مجاناً مجموعة الکترونیة من الکتب والمقالات العلمیة والدراسات المفیدة وهی منظمة فی برامج إلکترونیة وجاهزة فی مختلف اللغات عرضاً للباحثین والمثقفین والراغبین فیها.
وتحاول المؤسسة تقدیم الخدمة معتمدة علی النظرة العلمیة البحتة البعیدة من التعصبات الشخصیة والاجتماعیة والسیاسیة والقومیة وعلی أساس خطة تنوی تنظیم الأعمال والمنشورات الصادرة من جمیع مراکز الشیعة.

الأهداف:
نشر الثقافة الإسلامیة وتعالیم القرآن وآل بیت النبیّ علیهم السلام
تحفیز الناس خصوصا الشباب علی دراسة أدقّ فی المسائل الدینیة
تنزیل البرامج المفیدة فی الهواتف والحاسوبات واللابتوب
الخدمة للباحثین والمحققین فی الحوازت العلمیة والجامعات
توسیع عام لفکرة المطالعة
تهمید الأرضیة لتحریض المنشورات والکتّاب علی تقدیم آثارهم لتنظیمها فی ملفات الکترونیة

السیاسات:
مراعاة القوانین والعمل حسب المعاییر القانونیة
إنشاء العلاقات المترابطة مع المراکز المرتبطة
الاجتنباب عن الروتینیة وتکرار المحاولات السابقة
العرض العلمی البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ فی نشر المعلومات

من الواضح أن یتحمل المؤلف مسؤولیة العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الکتب والملزمات والدوریات

إقامة المسابقات فی مطالعة الکتب

إقامة المعارض الالکترونیة: المعارض الثلاثیة الأبعاد، أفلام بانوراما فی الأمکنة الدینیة والسیاحیة

إنتاج الأفلام الکرتونیة والألعاب الکمبیوتریة

افتتاح موقع القائمیة الانترنتی بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافیة وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمی لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدینیة والأخلاقیة والاعتقادیة والردّ علیها

تصمیم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ویب کیوسک kiosk، الرسالة القصیرة ((sms

إقامة الدورات التعلیمیة الالکترونیة لعموم الناس

إقامة الدورات الالکترونیة لتدریب المعلمین

إنتاج آلاف برامج فی البحث والدراسة وتطبیقها فی أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ویمکن تحمیلها علی ٨ أنظمة؛

١.JAVA

٢.ANDROID

٣.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

٧.CHM

٨.GHB

إعداد ۴ الأسواق الإلکترونیة للکتاب علی موقع القائمیة ویمکن تحمیلها علی الأنظمة التالیة

١.ANDROID

٢.IOS

٣.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

وتقدّم مجاناً فی الموقع بثلاث اللغات منها العربیة والانجلیزیة والفارسیة

الکلمة الأخیرة

نتقـدم بكلمـة الشـكر والتقـدير إلى مكاتب مراجع التقليـد منظمات والمراكز، المنشورات، المؤسـسات، الكتّاب وكل من قدّم لنا المساعدة فى تحقيق أهدافنا وعرض المعلومات علينا.

عنوان المكتب المركزى

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آباده اى، زقاق الشهيد محمد حسن التوكلى، الرقم ١٢٩، الطبقة الأولى.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البريد الالكترونى : Info@ghbook.ir

هاتف المكتب المركزى ٠٣١٣٤٤٩٠١٢٥

هاتف المكتب فى طهران ٨٨٣١٨٧٢٢ ـ ٠٢١

قسم البيع ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩شؤون المستخدمين ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩.


مركز القائمية اصبهان للبحوث والتحريات الكمبيوترية
www
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المــركز من فضلــكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاءِ من فضلكم
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹